آ.چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپادا

# بهاگاواد-گیتا

## همان گونه که هست



THE BHAKTIVEDANTA BOOK TRUST

# بهاگاواد–گیتا
# همان‌گونه که هست

آ.چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپاد

**تقدیم به**
**شریلا بالادوا ویدیابهوشانا**
**که تفسیر گوویندا ـ بهاشیا را بر فلسفه ودانتا**
**چنین عالی عرضه داشت.**

# پیشگفتار

هرچند بهاگاواد ـ گیتا به طور مستقل در سطح وسیعی منتشر شده و مورد مطالعه قرار گرفته است، ولی در اصل به عنـوان بخشی از ماهابـهارات ــ تاریخ حماسی دنیای کهن به زبان سانسکریت ــ محسوب می‌گردد. ماهابهارات وقایعی را که به عصر حاضر ــ عصر کالی ــ منجر می‌گردند بازگو می‌کند، و در آغاز همین عصر، یعنی حدود ۵۰ قرن پیش، خداوند کریشنا بهاگاواد ـ گیتا را برای دوست و عابد خود، آرجونا، بیان نمود.

گفتگوی آنان به عنوان یکی از بزرگترین مکالمات فلسفی و مذهبی شناخته‌شده بشر، درست پیش از آغاز جنگ صورت گرفته است. نبرد مذکور یک جنگ بزرگ خانوادگی بود که بین صد پسر دهریتاراشترا، از یک سو، و پسرعموهای آنان ــ پانداواها یا پسران پاندو ــ از سوی دیگربه وقوع پیوست.

دهریتاراشترا و پاندو دو برادر از سلسله کورو بودند. سرسلسله مذکور، شاه بهارات بود که درزمان خود بر کره زمین فرمانروایی می‌کرد و نام "ماهابهارات" از او گرفته شده است. تاج و تخت می‌بایست قاعدتاً به برادر بزرگتر ــ دهریتاراشترا ــ می‌رسید، ولی او چون نابینا زاده شده بود، تاج وتخت از آن برادر کوچکتر، پاندو، شد.

پس از درگذشت پاندو در سنین جوانی، پنج فرزند او ــ بهیما، یودهیشت‌هیرا، آرجونا، ناکولا و ساهادوا ــ تحت سرپرستی دهریتاراشترا، که عملاً به طور موقت به سلطنت رسیده بود، قرار گرفتند. به این ترتیب، پسران دهریتاراشترا و پسران پاندو در یک خانواده سلطنتی بزرگ شدند. فنون نظامی و جنگاوری را استاد بزرگ، درونا، به آنها آموخت و پدربزرگ قوم ــ بهیشما ــ که مورد احترام بسیار بود وظیفه راهنمایی آنان را به عهده گرفت.

ولی پسران دهریتاراشترا ــ به خصوص بزرگترین آنان، دوریودهانا ــ به پانداواها حسد می‌ورزیدند و از آنها متنفر بودند. دهریتاراشترای نابینا و پلید فکر، سلطنت را حق پسران خود می‌دانست و مایل نبود که پسران پاندو به پادشاهی برسند. بدین سبب، دوریودهانا با موافقت دهریتاراشترا برای از بین بردن پسران جوان پاندو توطئه نمود، و فقط به لحاظ حفاظت دقیق عموی آنها ــ ویدورا ــ و پسردایی‌شان ــ خداوند کریشنا ــ بود که آنها از توطئه‌های بسیاری جان سالم بدر بردند.

کریشنا نه یک انسان معمولی، که خود شخصیت متعال الهی بود. او بر کره زمین هبوط کرده ونقش شاهزاده‌ای را در آن سلسله به عهده گرفته بود. در این موقعیت، او نقش برادرزاده همسر پاندو ــ کونتی که نام دیگرش پریتها، و مادر پانداواها بود ــ را نیز به عهده داشت. به این ترتیب، کریشنا هم به عنوان یکی از افراد خانواده و هم به عنوان حافظ ابدی دین، از پسران پرهیزکار و متقی پاندو محافظت نمود.

سرانجام دوریودهانای زیرک، پانداواها را به یک مسابقه شرطبندی دعوت کرد، و در آن مبارزه سرنوشت‌ساز، دوریودهانا و برادرانش، دروپادی ــ همسر نجیب و عفیف پانداواها ــ را به چنگ آوردند و در مقابل مجمع شهریاران و شاهزادگان با حالت موهنی کوشیدند برهنه‌اش سازند. البته دخالت الهی کریشنا او را از این وضع نجات داد، ولی با آن شرطبندی قلمروی شهریاری پانداواها با فریب و نیرنگ از چنگشان خارج شد و آنها مجبور شدند به مدت سیزده سال در تبعید بسر برند.

پس از بازگشت از تبعید، پانداواها طبق قرار از دوریودهانا خواستند قلمروی آنان را بازگرداند، ولی دوریودهانا با گستاخی تمام از این امر امتناع ورزید. پنج پانداوا چون شاهزاده بودند وظیفه داشتند در اداره امور اجتماع شرکت داشته باشند و به این دلیل درخواست خود را تقلیل داده و تقاضا کردند که حداقل پنج دهکده به آنان واگذار گردد، ولی دوریودهانا با غرور فراوان پاسخ داد که حتی به‌اندازه یک سر سوزن نیز زمین به آنها نخواهد داد.

در طول تمام وقایع گذشته، پانداواها کوشیده بودند بردباری و شکیبایی خود را حفظ کنند، ولی در موقعیتی این چنین سخت و ناجوانمردانه، جنگ غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسید.

برای اقدام به جنگ، شاهزادگان به دو دسته تقسیم شدند، برخی جانب دهریتاراشترا را گرفتند وبرخی به یاری پانداواها شتافتند. کریشنا نقش پیک پسران پاندو را به عهده گرفت و به دربار دهریتاراشترا رفت و تقاضای مصالحه کرد، ولی با رد این تقاضا دیگر وقوع جنگ محرز شد.

پانداواها که انسانهایی در والاترین مرتبه اخلاقی بودند، متوجه شدند که کریشنا همانا شخصیت‌متعال خداوند است، در صورتی که پسران ناپاک دهریتاراشترا به این نکته پی نبردند. ولی با وجود این، کریشنا اعلام داشت که بنا بر خواسته هر کدام از دو طرف متخاصم وارد کارزار خواهد شد. او درمقام خداوند شخصاً نمی‌جنگید، ولی پیشنهاد کرد که هر یک از طرفین که مایل باشد می‌تواند از نظرات و نیروی نظامی او بهره گیرد و طرف دیگر می‌تواند از او به عنوان مشاور و راهنما کمک گیرد. دوریودهانا که سیاستمداری خارق‌العاده بود نیروی نظامی کریشنا را انتخاب کرد، در صورتی که‌پانداواها با شوق فراوان خود کریشنا را برگزیدند.

و اراده خداوند بر آن قرار گرفت که راندن ارابه آن کمانگیر افسانه‌ای را بر عهده گیرد، و به این‌ترتیب کریشنا ارابه‌ران آرجونا گردید. بهاگاواد ـ گیتا از آنجایی آغاز می‌گردد که دو سپاه آماده نبرد روبروی یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند و دهریتاراشترا از سانجایا، منشی خود، با نگرانی می‌پرسد:"آنها چه کردند؟"

حال که با صحنه نبرد آشنا شدیم، لازم است فقط توضیح مختصری درباره این ترجمه و شرح داده شود. روال متداول مترجمان در برگرداندن بهاگاواد ـ گیتا به انگلیسی آن بوده است که کریشنا را کنار بگذارند تا فضای کافی برای بیان فلسفه و ادراکات شخصی آنان به وجود آید. بدین ترتیب، تاریخ ماهابهارات را به عنوان یک اثر ادبی افسانه‌ای قدیمی در نظر می‌گیرند و کریشنا را به وسیله‌ای ادیبانه برای بیان افکار نابغه‌ای ناشناخته مبدل می‌کنند و یا حداکثر، او را به عنوان یک شخصیت تاریخی بی‌اهمیت نشان دهند.

در صورتی که گیتا طبق آنچه خود بیان می‌دارد، شخص کریشنا، هم جوهر و عصاره بهاگاواد ـ گیتا است و هم هدف و مقصود آن.

بنابراین، ترجمه حاضر و شرح مربوط به آن، به جای آنکه خواننده را از کریشنا دور سازد، سعی بر آن‌دارد که او را به سوی کریشنا هدایت کند. بدین خاطر است که "بهاگاواد–گیتا همان گونه که هست" منحصر به فرد می‌باشد. همچنین این اثر از جهت دیگری نیز بی‌همتاست، چرا که کاملاً قابل درک و نامتناقض است. بنابراین، با توجه به اینکه کریشنا هم گوینده و هم هدف غایی گیتا است، ترجمه حاضر، تنها ترجمه‌ای است که این اثر مقدس بزرگ را به صورت اصیل و حقیقی آن عرضه می‌دارد.

**-ناشران انگلیسی**

# دیباچه

در آغاز کار، "بهاگاواد ـ گیتا همان گونه که هست" را به شکلی که اکنون ارائه شده است به رشته تحریر درآوردم. هنگامی که این کتاب برای نخستین بار چاپ شد، متأسفانه نسخه اصلی به کمتر از ۴۰۰ صفحه تقلیل یافت، بدون تصویر بود و اکثر آیه‌های اصلی شریماد بهاگاواد ـ گیتا فاقد توضیح. در تمام‌کتابهای دیگر من ــ از جمله شریماد ـ بهاگاواتام، شری‌ایشوپانیشاد و غیره ــ ترتیب کار چنان است که‌ابتدا اصل آیه آورده می‌شود، سپس تلفظ واژه‌های سانسکریت را به لاتین بیان می‌کنم و برای هرکلمه سانسکریت معادل انگلیسی آن قرار داده می‌شود و پس از آن ترجمه و شرح عرضه می‌شود. این امر کتاب را بسیار معتبر و موثق می‌گرداند و معنی و مفهوم را آشکار و بدیهی می‌سازد. بنابراین،زمانی که مجبور شدم نسخه اصلی خود را به حداقل تقلیل دهم، چندان خوشحال و راضی نبودم. لیکن پس از آن، هنگامی که تقاضا برای بهاگاواد ـ گیتا همان گونه که هست به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت، بسیاری از محققان و عابدان از من درخواست کردند که این کتاب را در شکل اصلی‌خودش عرضه کنم. بدین‌سان اثر کنونی که عبارت است از نسخه اصلی این کتاب بزرگ دانش باتوضیح کامل پاراماپارا ــ برای آنکه جنبش کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) به طور صحیحتر، سالمتر وپیشرونده‌تر پا برجا گردد ــ ارائه شد.

جنبش کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) ساده ، خالص، روحانی و از نظر تاریخی معتبر می‌باشد، زیرابر مبنای بهاگاواد ـ گیتا همان گونه که هست بنا شده است. این جنبش دارد به تدریج محبوبترین‌جنبش در سراسر جهان می‌شود، مخصوصاً در میان نسل جوان، و برای نسل کهنسال نیز گیرایی‌خاصی می‌یابد: افراد سالخورده علاقه‌مندی خود را نشان داده‌اند، به نحوی که پدران و پدربزرگان‌رهروان من، ما را با عضو شدن در این انجمن بزرگ، یعنی انجمن بین‌المللی کریشنا آگاهی(خدا آگاهی)، دلگرم می‌سازند. در لس‌آنجلس بسیاری از پدران و مادران، برای ابراز قدردانی خود نسبت به من به خاطر هدایت جنبش کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) در سراسر جهان، به دیدنم‌می‌آمدند. برخی از آنان گفتند که برای آمریکاییان جای بسی خوشبختی است که جنبش‌کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) را در آمریکا پایه‌گذاری کرده‌ام. اما در حقیقت پدر اصلی این جنبش، خودخداوند کریشنا است، زیرا این جنبش از زمانی بسیار دور آغاز شده و از طریق سلسله پیران در جامعه‌انسانی تداوم یافته و می‌یابد. چنانچه در این رابطه هر گونه امتیازی نصیب من گردد، متعلق به‌شخص من نیست، بلکه مربوط است به پیر روحانی ابدیم، حضرت ام ویشنوپاد پاراماهامسا پاریوراجاکاآچاریا ۱۰۸ شری شریماد بهاکتی سیدهانتا سارسواتی گوسوامی ماهاراج پرابهوپاد.

چنانچه شخصاً در این موضوع حائز امتیازی باشم، تنها آن است که کوشیده‌ام بهاگاواد ـ گیتا راهمان گونه که هست بدون هیچ تغییری ارائه کنم. قبل از ارائه بهاگاواد ـ گیتا همان گونه که هست، ترجمه‌های بی‌شمار و چاپ‌های مختلف به زبان انگلیسی از بهاگاواد ـ گیتا ارائه گردیده بود که تقریباً تمام آنها تحت تأثیر گرایش‌های شخصی مترجمان و مفسران آن بود. مزیت کتاب حاضر در تلاش مادر جهت ابلاغ پیام شخصیت متعال خداوند، کریشنا، است. ما بر آن هستیم که اراده و خواست‌کریشنا را مطرح کنیم، نه آنکه به‌سان اندیشمندان دنیوی، همچون سیاست‌مداران، فلاسفه یا دانشمندان مادی عمل کنیم، زیرا آنان به رغم در اختیار داشتن دانش در قلمروهای مختلف، دارای دانش بسیار اندکی از شخصیت الهی کریشنا می‌باشند. هنگامی که کریشنا (ب. گ. ۱۸/۶۵) می‌فرماید:

*man-manā bhava mad-bhakto mad-yājī māṁ namaskuru*

ما مانند به اصطلاح اندیشمندان، نمی‌گوییم که کریشنا و روح درون کریشنا متفاوت هستند. کریشنا مطلق است و هیچ تفاوتی بین نام کریشنا، شکل کریشنا، صفات کریشنا، شئون الهی کریشنا و غیره وجود ندارد. ادراک این موقعیت مطلق کریشنا برای فردی که عابد کریشنا در نظام پاراماپارا (سلسله پیران) نیست مشکل می‌باشد. عموماً افراد به اصطلاح

اندیشمند، سیاستمدار، فیلسوف و سوامی، بدون دانش کامل از کریشنا، هنگامی که بر بهاگاواد ـ گیتا تفسیر می‌نویسند، می‌کوشند کریشنارا حذف کنند و یا کنار بگذارند. چنین تفسیرهای غیرمعتبری بر بهاگاواد ـ گیتا به عنوان مایاوادا ـ بهاشیا شناخته می‌شود و خداوند چیتانیا ما را از مطالعه آثار چنین افراد غیر معتبری بر حذر کرده است. خداوند چیتانیا به وضوح می‌فرماید کسی که سعی کند بهاگاواد ـ گیتا را از دیدگاه مایاوادی ادراک نماید، اشتباه بزرگی مرتکب شده است. نتیجه چنین اشتباهی آن خواهد بود که رهرو گمراه بهاگاواد ـ گیتا حتماً در راه سلوک روحانی گمگشته شده و قادر نخواهد بود به مأمن اصلی خود، نزد خداوند بازگردد.

تنها قصد ما آن است که این بهاگاواد ـ گیتا همان گونه که هست را ارائه کنیم تا رهرو اسیر مادیات رابه سمت همان هدفی هدایت گرداند که کریشنا به خاطر آن هدف، یکبار در روز برهما یا هر۸۶۰۰۰۰۰۰۰ سال در این سیاره هبوط می‌کند. این هدف در بهاگاواد ـ گیتا بیان شده است و ما باید آن را همان گونه که هست بپذیریم؛ در غیر این صورت، سعی برای درک بهاگاواد ـ گیتا و درک گوینده آن، خداوند کریشنا، امکان ندارد. خداوند کریشنا برای نخستین بار، صدها میلیون سال پیش‌بهاگاواد ـ گیتا را به خداوندگار خورشید بیان نمود. ما باید این حقیقت را بپذیریم و بدین‌سان اهمیت تاریخی بهاگاواد ـ گیتا را بدون تفسیر غلط، بر مبنای مرجعیت کریشنا درک نماییم. تفسیر نمودن بهاگاواد ـ گیتا بدون استناد به خواست و اراده کریشنا بزرگترین اهانت محسوب می‌شود. برای نجات از این گناه، انسان می‌باید خداوند را به عنوان شخصیت متعال پروردگار درک نماید، همان گونه که مستقیماً آرجونا، نخستین مرید خداوند کریشنا، درک کرد. چنین ادراکی از بهاگاواد ـ گیتا حقیقتاً برای‌سعادت جامعه انسانی در تحقق رسالت زندگی، مفید و معتبر می‌باشد.

به علت ارزانی داشتن بالاترین کمال زندگی، جنبش کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) در جامعه انسانی ضروری به نظر می‌رسد. چگونگی این امر به طور کامل در بهاگاواد ـ گیتا توضیح داده شده است. متأسفانه مادی‌گرایان متعصب از بهاگاواد ـ گیتا در جهت پیشبرد تمایلات دیوصفتانه خود بهره جسته‌اند و مردم را در رابطه با ادراک صحیح از اصول ساده زندگی گمراه نموده‌اند. همه باید بزرگی خداوند یا کریشنا را درک کنند و در کنار آن نیز پی به موقعیت حقیقی موجودات زنده ببرند. همه بایدبدانند که موجود زنده تا ابد خادم است و در صورتی که انسان از خدمت‌کردن به کریشنا سر باز زند، باید به صورت توهمی درتنوعات گوناگون سه‌گونه طبیعت مادی خدمت کند و بدین‌سان در دایره مرگ وزندگی به طور ابدی گمگشته شود؛ حتی متفکران مایاوادی که خود را رهاشده از آن می‌پندارند تحت نفوذ و انقیاد این روند قرار دارند. این دانش حاوی علمی عظیم است و هر موجود زنده‌ای می‌باید درجهت نفع خود آن را بشنود.

مردم به طور کلی، به ویژه در این عصر کالی، شیفته انرژی برونی کریشنا گردیده‌اند و به اشتباه می‌پندارند که انسان با پیشرفت آسایش مادی خوشبخت خواهد شد. آنها به این موضوع که طبیعت‌مادی یا انرژی بیرونی خداوند بسیار قوی عمل می‌کند، و همه را در بند و اسارت قوانین سخت ودقیق خود قرار می‌دهد واقف نیستند. موجود زنده همواره جزء و ذره‌ای از خداوند می‌باشد و در سرشت سعادت‌آمیز او سهیم است. از این رو، عملکرد طبیعی و فطری انسان، اعطای خدمت‌بی‌درنگ و خود به خود به خداوند است. انسان زیر نفوذ توهم سعی می‌کند با خدمت به‌ارضای حواس شخصی خود در شکلهای مختلف کامیاب گردد، در حالی که این امر هیچگاه او را خوشبخت نمی‌سازد. او به جای ارضای حواس مادی خود، باید حواس روحانی خداوند راراضی کند. این بالاترین کمال زندگی است. خداوند این را می‌خواهد و این را از انسان می‌طلبد. اصل"رضایت خداوند" محور اصلی و پیام بهاگاواد ـ گیتاست که ما باید آن را درک کنیم و سعی جنبش‌کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) در آموزش این اصل به جهانیان است. از آنجا که ما بهاگاواد–گیتا همان گونه‌که هست را با تعبیرها و تفسیرهای شخصی آلوده نمی‌سازیم، هر کسی که با جدیت علاقه‌مند به‌مطالعهٔ بهاگاواد–گیتا باشد، باید از جنبش کریشنا آگاهی (خدا آگاهی) برای ادراک عملی آن تحت هدایت مستقیم خداوند بهره جوید. بنابراین، ما امیدواریم که مردم با مطالعه بهاگاواد–

گیتا همان گونه که هست، به صورتی که در اینجا عرضه داشته‌ایم، بزرگترین بهره را برگیرند و در صورتی که تنها فقط یک فرد، عابد پاک و خالص خداوند گردد، تلاش خود را موفقیت‌آمیز تلقی خواهیم کرد.

**اَ. چ. بهاکتی ودانتا سوامی**
**۱۲ می ۱۹۷۱**
**سیدنی، استرالیا**

## مقدمه

*oṁ ajñāna-timirāndhasya*
*jñānāñjana-śalākayā*
*cakṣur unmīlitaṁ yena*
*tasmai śrī-gurave namaḥ*

*śrī-caitanya-mano-'bhīṣṭaṁ*
*sthāpitaṁ yena bhū-tale*
*svayaṁ rūpaḥ kadā mahyaṁ*
*dadāti sva-padāntikam*

من در ژرفترین ظلمات جهل متولد شده بودم، و پیر روحانیم چشمان مرا با پرتو دانش روشن ساخت. سجده‌های محترمانه خود را به او تقدیم می‌کنم.

کی آن هنگام فرا خواهد رسید که شریلا روپا گوسوامی پرابهوپادا، که مأموریت تحقق بخشیدن به آرزوی خداوند چیتانیا را در این جهان برعهده گرفته است، مرا در قدوم نیلوفرین خود پناه دهد؟

*vande 'haṁ śrī-guroḥ śrī-yuta-pada-kamalaṁ śrī-gurūn vaiṣṇavāṁś ca*
*śrī-rūpaṁ sāgrajātaṁ saha-gaṇa-raghunāthānvitaṁ taṁ sa-jīvam*
*sādvaitaṁ sāvadhūtaṁ parijana-sahitaṁ kṛṣṇa-caitanya-devaṁ*
*śrī-rādhā-kṛṣṇa-pādān saha-gaṇa-lalitā-śrī-viśākhānvitāṁś ca*

به قدوم نیلوفرین پیر روحانیم و به قدوم تمامی وایشناواها سجده می‌کنم. همچنین به قدوم نیلوفرین شریلا روپا گوسوامی و برادر بزرگتر ایشان ساناتانا گوسوامی، راگهوناتها داسا و راگهوناتها بهاتا، گوپالا بهاتا و شریلا جیوا گوسوامی. در مقابل خداوند کریشنا چیتانیا و خداوند نیتیاناندا همراه با ادویتا آچاریا، گادادهارا، شری واسا و دیگر معاشران ایشان سر تعظیم فرود می‌آورم. همچنین در برابر شریماتی رادهارانی و شری کریشنا همراه با معاشران ایشان شری لالیتا و ویشاکها ادای احترام می‌نمایم.

*he kṛṣṇa karuṇā-sindho*
*dīna-bandho jagat-pate*
*gopeśa gopikā-kānta*
*rādhā-kānta namo 'stu te*

ای کریشنای عزیزم، تو دوست درماندگان و منشاء آفرینش هستی. تو ارباب گوپی‌ها و عاشق رادهارانی می‌باشی. احترامات خود را به تو تقدیم می‌کنم.

*tapta-kāñcana-gaurāṅgi*
*rādhe vṛndāvaneśvari*
*vṛṣabhānu-sute devi*
*praṇamāmi hari-priye*

احترامات خود را به رادهارانی تقدیم می‌نمایم، که رنگ بدنش همچون طلای مذاب و خود ملکه ورینداوان است. تو دختر شاه وریشابهانو هستی و برای خداوند کریشنا بسیار عزیزی.

*vāñchā-kalpatarubhyaś ca*
*kṛpā-sindhubhya eva ca*
*patitānāṁ pāvanebhyo*
*vaiṣṇavebhyo namo namaḥ*

احترامات خود را به تمامی عابدان وایشناوای خداوند تقدیم می‌کنم. آنان مملو از رحم و شفقت برای ارواح فروافتاده می‌باشند و قادرند خواسته‌های همگان را همچون درختان آرزو برآورده سازند.

*śrī-kṛṣṇa-caitanya*
*prabhu-nityānanda*
*śrī-advaita gadādhara*
*śrīvāsādi-gaura-bhakta-vṛnda*

احترامات خود را به شری‌کریشنا چیتانیا، پرابهو نیتیاناندا، شری ادویتا، گادادهارا، شری واسا و تمام کسانی که راه عشق و عبودیت را پیش گرفته‌اند، تقدیم می‌کنم.

*hare kṛṣṇa hare kṛṣṇa*
*kṛṣṇa kṛṣṇa hare hare*
*hare rāma hare rāma*
*rāma rāma hare hare*

بهاگاواد–گیتا به عنوان گیتوپانیشاد نیز شناخته می‌شود. این کتاب یکی از مهم‌ترین اوپانیشادها و جوهر دانش ودایی است. البته تفاسیر زیادی بر بهاگاواد–گیتا به زبان انگلیسی وجود دارد وشاید این سؤال مطرح گردد که وجود تفسیر دیگری بر آن چه ضرورتی دارد. انتشار کنونی این کتاب را بدین گونه می‌توان توضیح داد. اخیراً بانویی آمریکایی درخواست نمود که یک ترجمه انگلیسی از بهاگاواد–گیتا را برای مطالعه توصیه کنم. البته در آمریکا ترجمه‌های انگلیسی بسیاری از بهاگاواد–گیتا در دسترس است، ولی تا آنجا که ملاحظه نموده‌ام، نه تنها در آمریکا بلکه در هندوستان نیز، هیچ یک از آنها را نمی‌توان دقیقاً معتبر دانست، زیرا تقریباً در یکایک آنها مفسر بی‌آن‌که روح بهاگاواد–گیتا را همان گونه که هست لمس نماید، عقاید شخصی خویش را بیان نموده است.

روح بهاگاواد–گیتا در خود بهاگاواد–گیتا بیان شده است. این امر شبیه مثال زیر است: اگر بخواهیم داروی خاصی را مصرف کنیم، باید از دستورات برگه راهنمای دارو پیروی نماییم. ما نمی‌توانیم دارو را طبق نظر خود یا راهنمایی یک دوست به کار ببریم. دارو باید بر اساس دستورات موجود در برگه راهنما یا طبق تجویز پزشک مصرف گردد. مشابهاً، بهاگاواد–گیتا را باید همان گونه پذیرفت که خود گوینده آن آموزش داده است. گوینده بهاگاواد–گیتا خداوند شری‌کریشنا می‌باشد. وی در هر یک از صفحات بهاگاواد–گیتا به عنوان شخصیت اعلای پروردگار، بهاگاوان، نام برده شده است. البته واژه بهاگاوان گاهی اوقات به هر شخص قدرتمند یا هر فرشته نیرومندی اطلاق می‌گردد، و در اینجا قطعاً بهاگاوان معرف خداوند شری کریشنا به عنوان شخصیتی بزرگ است، ولی در عین حال باید به این نکته آگاه باشیم که خداوند شری‌کریشنا شخصیت اعلای پروردگار است، چنان‌که این امر را تمام آچاریاهای بزرگ (پیران روحانی) همانند شانکاراچاریا، رامانوجاچاریا، مادهواچاریا، نیمبارکاسوامی، شری‌چیتانیا ماهاپرابهو و بسیاری دیگر از مراجع دانش ودایی در هند تأیید نموده‌اند. خود خداوند نیز خود را در بهاگاواد–گیتا به عنوان شخصیت اعلای پروردگار معرفی می‌نماید، و در برهماـ سامهیتا و در تمام پوراناها، به ویژه شریماد بهاگاواتام شناخته‌شده با عنوان بهاگاواتاپورانا، نیز چنین پذیرفته شده است. *(kṛṣṇas tu bhagavān svayam)* بنابراین، بهاگاواد–گیتا را بایدهمان گونه بپذیریم که خود شخصیت پروردگار آن را بیان نموده است.

خداوند در فصل چهارم گیتا (۳–۴/۱) می‌فرماید:

*imaṁ vivasvate yogaṁ*
*proktavān aham avyayam*
*vivasvān manave prāha*
*manur ikṣvākave 'bravīt*

*evaṁ paramparā-prāptam*]
*imaṁ rājarṣayo viduḥ*
*sa kāleneha mahatā*
*yogo naṣṭaḥ parantapa*

*sa evāyaṁ mayā te 'dya*
*yogaḥ proktaḥ purātanaḥ*
*bhakto 'si me sakhā ceti*
*rahasyaṁ hy etad uttamam*

خداوند در اینجا آرجونا را آگاه می‌سازد که این روش یوگا، یا به عبارتی بهاگاواد-گیتا، نخست به خداوندگار خورشید بیان گردید و سپس خداوندگار خورشید آن را به مانو توضیح داد و مانو آن را به ایکشواکو توضیح داد و به این ترتیب این روش یوگا از طریق سلسله پیران، سینه به سینه نازل گردیده است. ولی با گذشت زمان صورت حقیقی این معرفت از بین رفت و در نتیجه خداوند باید بار دیگر آنرا، در این زمان به آرجونا در میدان جنگ کوروکشترا، بازگو نماید.

خداوند به آرجونا می‌فرماید که پرده از این راز متعال، برای وی برمی‌دارد، زیرا آرجونا مرید و دوست خداوند می‌باشد. مفهوم این امر آن است که بهاگاواد-گیتا اثری است که برای عابدان خداوند می‌باشد. سه دسته از روحانیون وجود دارند: گیانی‌ها، یوگی‌ها و بهاکتاها، که عبارت‌اند از بی‌هویت‌گرایان، مراقبه‌کنندگان و عابدان. خداوند در اینجا به وضوح به آرجونا اعلام می‌دارد که او آرجونا را نخستین دریافت‌کننده پاراماپارا (سلسله پیران) جدید قرار می‌دهد، چرا که سلسله کهن گسسته شده است. بنابراین مشیت الهی آن بود که پاراماپارای دیگری در همان خطی که از خداوندگار خورشید به دیگران نازل گردیده بود، ایجاد شود و اراده خداوند بر آن تعلق گرفت که آموزش‌های وی توسط آرجونا دوباره پراکنده شود. خداوند می‌خواست که آرجونا در فهم و درک بهاگاواد-گیتا مرجع باشد. بنابراین، می‌بینیم که بهاگاواد-گیتا بخصوص به او آموزش داده می‌شود، زیرا آرجونا مرید خداوند، شاگرد کریشنا و دوست صمیمی خداوند بود. بنابراین، شخصی بهاگاواد-گیتا را به بهترین نحو درک می‌کند که واجد صفاتی مشابه آرجونا باشد؛ عابدی که در رابطه مستقیم با خداوند است. به مجرد آن‌که انسان عابد خداوند گردد، از رابطه مستقیمی با خداوند نیز برخوردار خواهد شد. این موضوع بسیار گسترده‌ای است، ولی به طور اجمال می‌توان گفت که عابد در رابطه با شخصیت اعلای پروردگار می‌تواند در یکی از پنج رابطه زیر قرار گیرد:

فرد ممکن است عابد خداوند در رابطه‌ای خنثی باشد.
فرد ممکن است عابد خداوند در رابطه‌ای فعال باشد.
فرد ممکن است عابد خداوند به صورت یک دوست باشد.
فرد ممکن است عابد خداوند به صورت یکی از والدین باشد.
فرد ممکن است عابد خداوند به صورت یک عاشق خداوند باشد.

آرجونا در رابطه با خداوند به صورت یک دوست بود. البته تفاوت زیادی بین این دوستی و دوستی‌های دنیای مادی وجود دارد. این نوع دوستی متعال و روحانی است و در دسترس همگان نمی‌تواند باشد. البته هر کس دارای رابطه خاص خود با خداوند است واین رابطه از طریق کمال خدمت عابدانه متجلی می‌گردد. لیکن ما در حالت کنونی زندگی خود، نه تنها

خداوند متعال را فراموش کرده‌ایم، بلکه رابطه جاودان خود با خداوند را نیز به فراموشی سپرده‌ایم. هر موجود زنده، از میان میلیاردها ومیلیون‌ها موجودات زنده، دارای رابطه ابدی خاصی با خداوند است.این رابطه سواروپا خوانده می‌شود و انسان با روند خدمت عابدانه می‌تواند این سواروپا را احیا نماید و این مرحله را سواروپا ـ سیدهی یا کمال موقعیت فطری موجود زنده می‌خوانند.

این‌که آرجونا چگونه بهاگاواد–گیتا را پذیرفت باید ذکر شود. طریقه پذیرش او در فصل دهم، آیات ۱۲ تا ۱۴ بیان شده است:

*arjuna uvāca*
*paraṁ brahma paraṁ dhāma*
*pavitraṁ paramaṁ bhavān*
*puruṣaṁ śāśvataṁ divyam*
*ādi-devam ajaṁ vibhum*

*āhus tvām ṛṣayaḥ sarve*
*devarṣir nāradas tathā*
*asito devalo vyāsaḥ*
*svayaṁ caiva bravīṣi me*

*sarvam etad ṛtaṁ manye*
*yan māṁ vadasi keśava*
*na hi te bhagavan vyaktiṁ*
*vidur devā na dānavāḥ*

"آرجونا گفت: تو شخصیت اعلای پروردگار، حقیقت مطلق، مأمن غایی و پاکترین هستی. تو شخص ازلی، روحانی، تولدنیافته و بزرگترین هستی. تمامی حکمای بزرگ همانند نارادا، آسیتا، دوالا و ویاسا این حقیقت را درباره تو تصدیق نموده‌اند و اکنون تو خود آن را به من بازگو می‌نمایی. ای کریشنا، تمامی آن‌چه را که به من گفته‌ای ، به عنوان حقیقت کامل می‌پذیرم. خداوندا، نه فرشتگان و نه دیوسیرتان را یارای آن نیست که شخصیت تو را دریابند."

آرجونا پس از شنیدن بهاگاواد–گیتا از شخصیت اعلای پروردگار، کریشنا را به عنوان *پارام برهما*، برهمن متعال پذیرفت. هر موجود زنده‌ای برهمن است، ولی آن وجود متعال، یا شخصیت اعلای پروردگار، برهمن متعال می‌باشد. پارام دهاما یعنی خداوند مأوی یا مأمن متعال هر چیز است؛ پاویترام، یعنی خداوند پاک و منزه و مبری از آلودگی مادی است؛ پوروشام یعنی خداوند لذت‌برنده متعال است؛ شاشواتام، اصلی؛ دیویام، متعال؛ آدی–دِوام، شخصیت اعلای خداوند؛ آجام، تولدنیافته؛ ویبهوم، بزرگترین.

حال ممکن است انسان چنین فکر کند که چون کریشنا دوست آرجونا بود، وی از روی تملق به بیان تمامی این‌ها پرداخته است، ولی آرجونا درست برای زدودن چنین شبهه‌ای از ذهن خوانندگان بهاگاواد–گیتا، در آیه بعد با دلیل به اثبات حقانیت چنین ستایش‌هایی می‌پردازد. آرجونا بیان می‌دارد که کریشنا نه تنها از طرف او، بلکه از طرف مراجع معتبری همانند نارادا، آسیتا، دوالا و ویاسادوا به عنوان شخصیت اعلای پروردگار پذیرفته شده است. اینان شخصیت‌های برجسته‌ای هستند که رسالت ابلاغ پیام ودایی را بر عهده دارند؛ پیامی که تمامی آچاریاها آنرا پذیرفته‌اند. به همین جهت آرجونا به کریشنا اظهار می‌دارد که تمامی آن‌چه را خداوند می‌فرماید، به عنوان حقیقت کامل می‌پذیرد.*Sarvam etad ṛtaṁ manye* "من آن‌چه را می‌گویی، به عنوان حقیقت می‌پذیرم." آرجونا همچنین اعلام می‌دارد که درک شخصیت خداوند بسیار مشکل

است و حتی فرشتگان بزرگ قادر به شناخت وی نیستند. این بدان مفهوم است که حتی شخصیت‌های فراانسانی نیز قادر به فهم آن وجود کامل متعال نیستند. بنابراین، چگونه انسان می‌تواند خداوند شری‌کریشنا را بدون آن‌که مرید و فدایی او گردد، درک کند و بفهمد؟

بنابراین، بهاگاواد–گیتا را باید با روحیه عشق و عبودیت جذب کرد. انسان نباید گمان کند که با کریشنا برابر است و یا آن‌که کریشنا یک شخصیت معمولی یا حتی یک شخصیت بسیار بزرگ می‌باشد، بلکه خداوند شری‌کریشنا، شخصیت اعلای پروردگار است. از این رو بر اساس بیانات بهاگاواد–گیتا یا اظهارات آرجونا که می‌کوشد بهاگاواد–گیتا را درک کند، ما باید حداقل از نظر تئوری، شری‌کریشنا را به عنوان شخصیت متعال خداوند بپذیریم تا با روحیه متواضعانه‌ای بتوانیم بهاگاواد–گیتا را درک کنیم. در صورتی که انسان بهاگاواد–گیتا را با روحیه‌ای سرشار از تواضع نخواند، ادراک آن بسیار مشکل خواهد شد و این کتاب به صورت رازی بزرگ باقی خواهد ماند.

اکنون ببینیم هدفی را که بهاگاواد–گیتا دنبال می‌کند، چیست؟ هدف بهاگاواد–گیتا نجات بشریت از تاریکی موجودیت مادی است. هر انسانی با مشکلات بسیاری روبرو است، همان گونه که آرجونا نیز با مشکل جنگ در نبرد کوروکشترا مواجه بود. ولی آرجونا در برابر شری‌کریشنا سر تسلیم فرود آورد و در نتیجه آن بهاگاواد–گیتا بیان گردید. نه تنها آرجونا، بلکه هر یک از ما به علت این موجودیت مادی، سرشار از اضطراب و پریشانی هستیم. زیرا "موجودیت" ما در فضای "عدم موجودیت" واقع است. در حقیقت مراد از آفرینش ما آن نیست که با عدم موجودیت مورد تهدید قرار بگیریم، زیرا موجودیت ما جاودانه است. ولی به گونه‌ای در *آسات* واقع شده‌ایم. *آسات* عطف به عدم موجودیت است یا چیزی که وجود حقیقی ندارد.

تمام انسان‌ها رنج می‌برند، ولی تعداد نادری هستند که در مورد علت رنج کشیدن خود دچار سؤال می‌گردند و یا در مورد موقعیت و طبیعت حقیقی خود به تفکر می‌پردازند. تا هنگامی که شخص به آن مرحله از بیداری نرسیده باشد که در پی علل رنج خود برآید، و تا هنگامی که درنیابد که او خواهان رنج نیست، بلکه در طلب راه حلی برای تمامی رنج‌هاست، نباید او را کاملاً انسان به شمار آورد. انسان بودن هنگامی آغاز می‌شود که چنین جستجویی به ذهن شخص متبادر گردد. این پرسش و جستجو در برهما–سوترا، برهما–جیگیاسا خوانده می‌شود. آتهاتو برهما–جیگیاسا. چنانچه انسان به پرسش و جستجو درباره حقیقت مطلق نپردازد، هر عمل وی باید شکست محسوب شود. بنابراین، کسانی که پیرامون این نکته سؤال می‌کنند که چرا رنج می‌برند یا از کجا آمده‌اند و یا پس از مرگ به کجا خواهند رفت، رهروان شایسته‌ای برای درک بهاگاواد–گیتا می‌باشند. علاوه بر آن، رهرو صادق باید کمال احترام را برای شخصیت متعال خداوند واجد باشد. آرجونا چنین رهرویی بود.

هنگامی که انسان هدف حقیقی حیات را به فراموشی می‌سپارد، خداوند کریشنا برای احیای مجدد آن هدف هبوط می‌نماید. آنگاه حتی در میان افراد بسیار زیادی که به بیداری دست یافته‌اند، ممکن است یک فرد باشد که حقیقتاً به روح قضیه در شناخت موقعیت خود واقف شود، و این بهاگاواد–گیتا برای او بیان شده است. در حقیقت ببر جهالت سراپای همه ما را بلعیده است، ولی خداوند که نسبت به موجودات زنده، به خصوص انسان‌ها، بسیار مهربان است، برای پایان بخشیدن به این امر، آرجونا دوست خود را تبدیل به شاگرد نمود تا بدین وسیله بتواند بهاگاواد–گیتا را برای او و به تبع وی برای تمام جهانیان به ارمغان آورد.

آرجونا که از معاشرت خداوند کریشنا برخوردار بود، در ورای جهل و تاریکی قرار داشت، لیکن در میدان جنگ کوروکشترا در نسیان و جهل قرار داده شد تا از خداوند کریشنا پیرامون مسائل و مشکلات حیات مادی پرسش نماید و بدین ترتیب خداوند بتواند برای بهره‌مندی نسل‌های آینده و ترسیم برنامه حیات، آنها را به تفصیل توضیح دهد با این هدف که انسان بتواند بر مبنای آن عمل کند و رسالت حیات انسانی را به کمال رساند.

موضوع بهاگاواد–گیتا مشتمل بر فهم پنج حقیقت بنیادین است. نخست، علم شناخت خداوند و سپس موقعیت نهادی و فطری جیواها یا موجودات زنده توضیح داده شده است. خداوند متعال ایشوارا است، یعنی اداره‌کننده متعال و حکمران بر همه چیز، و موجودات زنده یا جیواها در قلمروی حاکمیت او هستند. این عین نابخردی است اگر موجود زنده‌ای مدعی شود که تحت کنترل قرار ندارد و آزاد و رهاست. موجود زنده حداقل در حیات مادی مقید خود از هر نظر تحت کنترل قرار دارد. موضوع بهاگاواد–گیتا، علاوه بر ایشوارا یا کنترل‌کننده متعال و جیواها یا موجودات زنده تحت کنترل، پیرامون پراکریتی (طبیعت مادی)، زمان (کالا یا طول عمر جهان یا عالم کائنات) و کارما (عملکرد) دور می‌زند. از آنجا که کل عالم مشهود مملو از اعمال گوناگون است و تمام موجودات زنده مشغول فعالیت‌های مختلف هستند، ما می‌باید از بهاگاواد–گیتا بیاموزیم که مفهوم خداوند چیست، موجود زنده کیست، پراکریتی چیست، عالم کائنات چیست و چگونه با زمان اداره می‌شود و ماهیت اعمال موجودات زنده کدام است.

پنج موضوع اصلی بهاگاواد–گیتا، یعنی ایشوارا، جیوا، پراکریتی، کارما و کالا، پایه و اساسی هستند که بر روی آن اصل برتر بودن خداوند، یا پروردگار متعال، یا کریشنا، یا برهمن، یا کنترل‌کننده متعال، یا پاراماتما – شما می‌توانید هر نامی را که مایلید به کار برید – بر هر چیز به اثبات می‌رسد. در میان موارد فوق باید دانست که موجودات زنده از نظر صفت و کیفیت همانند کنترل‌کننده متعال هستند. در فصول آتی بهاگاواد–گیتا توضیح داده خواهد شد که خداوند بر امور عوالم طبیعت مادی کنترل دارد و از این رو طبیعت مادی مستقل نیست، بلکه طبق خواست خداوند متعال عمل می‌کند. همانگونه که خداوند کریشنا می‌فرماید:*mayādhyakṣeṇa prakṛtiḥ sūyate sa-carācaram*:"پراکریتی یا طبیعت مادی، تحت هدایت من کار می‌کند." پدیده‌های شگفت‌انگیزی که در طبیعت کیهانی به وقوع می‌پیوندند باید همواره ما را به یاد خالق آنها و این نکته که در ورای این تجلی کیهانی یک کنترل‌کننده حضور دارد، بیندازد. زیرا هیچ چیز نمی‌تواند تجلی یابد، بی‌آن‌که کنترل شود. نگرش ما به هستی کودکانه است اگر کنترل‌کننده را نادیده انگاریم. برای مثال کودک ممکن است حرکت اتومبیلی را که از سوی اسب یا حیوان دیگری کشیده نمی‌شود، کاملاً شگفت‌انگیز پندارد، لیکن انسانی که از عقل سلیم برخوردار است، به ماهیت نظام فنی اتومبیل واقف است و می‌داند که در داخل ماشین، همواره یک انسان یا یک هدایت‌کننده وجود دارد. به همین نحو خداوند متعال نیزآن هدایت‌گری است که همه چیز تحت هدایت او عمل می‌کند.

همان گونه که در فصول آتی خواهیم دید، خداوند آموزش می‌دهد که جیواها یا موجودات زنده اجزاءء و ذرات لاینفک او می‌باشند. جزئی از طلا نیز طلاست، قطره‌ای از اقیانوس نیز همچون کل اقیانوس حاوی نمک است و ما موجودات زنده نیز که اجزاء و ذرات آن کنترل‌کننده متعال، ایشوارا، یا بهاگاوان، خداوند شری‌کریشنا هستیم، از تمام صفات خداوند متعال در کمیت جزئی برخورداریم، زیرا ما ایشواراهای جزء یا ایشواراهای تابع هستیم. ما در صددیم تا طبیعت مادی را مقهور اراده خویش کنیم، همان گونه که در حال حاضر می‌کوشیم فضا یا سیارات جهان را مسخر فرمان خود سازیم، و وجود چنین تمایلی برای تحت اراده و تسلط خویش قرار دادن طبیعت از آنجاست که در کریشنا نیز این تمایل وجود دارد. لیکن هرچند ما از تمایل خدایی کردن بر طبیعت مادی برخوردار هستیم، ولی باید به این نکته آگاه باشیم که ما آن کنترل‌کننده متعال نیستیم. این امر دربهاگاواد–گیتا توضیح داده شده است.

طبیعت مادی چیست؟ این مطلب نیز در گیتا به عنوان پراکریتی سفلی یا طبیعت سفلی توضیح داده شده است و علاوه بر آن، موجود زنده به عنوان پراکریتی اعلی توضیح داده شده است. پراکریتی چه سفلی یا اعلی همواره تحت کنترل است. پراکریتی وجه مؤنث یا جنبه غیرفاعلیت دارد که از طرف خداوند کنترل می‌گردد، همان گونه که اداره امور زن به دست شوهر است. پراکریتی همواره در تبعیت و تحت سیطره خداوند قرار دارد، خداوندی که حکمفرمایی مطلق از آن اوست. موجودات زنده و طبیعت مادی هر دو تحت سلطه و سیطره حاکمیت الهی هستند. طبق گیتا هر چند که نفوس زنده اجزاء و ذرات لاینفک خداوند متعال‌اند، ولی باید جزو پراکریتی محسوب گردند. این نکته درفصل هفتم بهاگاواد–گیتا بیان شده

است. *Apareyam itas tv anyāṁ prakṛtiṁ viddhi me parām/ jīva-bhūtām*:"این طبیعت مادی، پراکریتی سفلی من است، ولی در ورای آن، پراکریتی دیگری- جیوا-بهوتام یا موجود زنده- وجود دارد."

خود طبیعت مادی متشکل از سه حالت یا کیفیت است: گونه نیکی، گونه شهوت و گونه جهل. در فراسوی این گونه‌ها وجود زمان ابدی مترتب است و با ترکیبی از این گونه‌های طبیعت و تحت کنترل و در قلمروی زمان ابدی، اعمال متجلی هستند که کارما خوانده می‌شوند. این اعمال از زمانی بسیار کهن روی داده‌اند و ما از نتایج و ثمرات اعمال خود دچار رنج و یا لذت می‌شویم. برای مثال، فرض کنیم من تاجر هستم و با بهره‌گیری از شعور خود سخت کار کرده و مبالغ هنگفتی در بانک گرد آورده‌ام. در این صورت لذت‌برنده هستم. ولی در نظر بگیریم تمام ثروت خود را در تجارت از دست داده باشم. در این صورت رنج می‌برم. به همین نحو ما در کلیه جنبه‌های زندگی خود از نتایج و ثمرات اعمال خود رنج یا لذت می‌بریم. این را کارما می‌گویند.

ایشوارا (خداوند متعال)، جیوا (موجود زنده)، پراکریتی (طبیعت)، کالا (زمان ابدی) و کارما (عملکرد) تماماً در بهاگاواد-گیتا توضیح داده شده‌اند. در میان این پنج موضوع، خداوند، موجودات زنده، طبیعت مادی و زمان، ابدی محسوب می‌شوند. تجلی پراکریتی ممکن است موقتی باشد، اما کاذب نیست. بعضی از فلاسفه مدعی‌اند که این جهان کاذب است و حقیقت ندارد، اما طبق فلسفه بهاگاواد-گیتا یا طبق فلسفه وایشناواها این چنین نیست. تجلی این دنیا امری کاذب نیست،بلکه واقعیت دارد اما ممکن است موقتی باشد. این دنیای مادی موقت همانند ابری است که در آسمان می‌گذرد، یا همانند فصل باران می‌ماند که دانه‌ها را می‌رویاند. به مجرد آن‌که فصل باران خاتمه می‌یابد و ابرها می‌گذرند، تمام محصولی که باران رویانده بود، خشک می‌شود. مشابهاً این تجلی مادی در زمان معینی ایجاد می‌گردد، برای مدتی بقا می‌یابد و سپس ناپدید می‌شود. اینها طرز عمل پراکریتی است و گردش این دایره تا ابد ادامه دارد. بنابراین، پراکریتی ابدی است و کاذب نیست. خداوند این امر را به عنوان "پراکریتی من" مطرح می‌کند. این طبیعت مادی انرژی جداشده خداوند متعال است و به همین نحو موجودات زنده نیز انرژی خداوند متعال‌اند، ولی آنها جزو انرژی جداشده خداوند نمی‌باشند، بلکه تا ابد اجزای لاینفک او هستند. خداوند، موجود زنده، طبیعت مادی و زمان همگی با یکدیگر مرتبط هستند و همگی ابدی‌اند، در حالی که کارما ابدی نیست. انسان همواره تحت تأثیر کارما است و از نتایج و ثمرات عملکردهای خود، حتی چنانچه آنها را در زمانهای بسیار دور نیز انجام داده باشد، دچار رنج می‌شود و یا لذت می‌برد. ولی می‌توانیم کارمای خود یا نتایج اعمال خود را تغییر دهیم و این تغییر به میزان کمال معرفت ما بستگی دارد. ما به اعمال گوناگونی مشغول هستیم و بی‌شک نمی‌دانیم چگونه از کنش و واکنش کلیه این اعمال رهایی یابیم. ولی این نیز در بهاگاواد-گیتا توضیح داده شده است.

موقعیت ایشوارا یا خداوند متعال آگاهی متعال است. جیواها یا موجودات زنده که اجزاء و ذرات خداوند متعال‌اند نیز آگاه هستند. موجود زنده و طبیعت مادی هر دو به عنوان پراکریتی یا انرژی خداوند متعال توضیح داده شده‌اند که یکی از آن دو، یعنی جیوا، آگاه و پراکریتی ناآگاه است. چنین است تفاوت. بدین سبب جیوا، پراکریتی اعلی خوانده می‌شود، زیرا جیوا دارای آگاهی مشابه آگاهی خداوند می‌باشد. اما آگاهی خداوند آگاهی متعال است و انسان نباید ادعا کند که جیوا یا موجود زنده نیز دارای آگاهی متعال است، زیرا موجود زنده در هیچ مرحله‌ای از کمال خود نیز نمی‌تواند واجد آگاهی متعال گردد و فرضیه متعال بودن آگاهی موجود زنده فرضیه‌ای گمراه‌کننده است. او می‌تواند آگاه باشد، ولی دارای آگاهی کامل یا متعال نیست.

تمایز بین جیوا و ایشوارا در فصل سیزدهم بهاگاواد-گیتا توضیح داده خواهد شد. خداوند کِشترا-گیا یا آگاه است، همان گونه که موجود زنده آگاه است، لیکن موجود زنده در محدوده کالبد جسمانی خاص خود آگاه است، در حالی که خداوند نسبت به کلیه بدن‌ها آگاه است. ما نباید فراموش کنیم که خداوند در قلب هر موجود زنده سکنی دارد و بدین ترتیب از گرایشات و تمایلات روحی جیواها آگاه است. این نکته نیز توضیح داده شده است که پاراماتما، شخصیت متعال پروردگار، در قلب همه موجودات به عنوان ایشوارا یا کنترل‌کننده سکنی دارد و خداوند موجود زنده را هدایت می‌کند تا آن گونه که آرزو می‌نماید

به عمل بپردازد، زیرا موجود زنده فراموش می‌کند چه انجام دهد. نخست تصمیم می‌گیرد به نحو معینی عمل کند، ولی سپس به دنبال آن در کنش‌ها و واکنش‌های کارمای خود گرفتار می‌گردد و بدین ترتیب، پس از کنار گذاردن کالبد جسمانی خود، به کالبد جسمانی دیگری داخل می‌شود، همان گونه که ما جامه‌هایی بر تن می‌کنیم و از تن درمی‌آوریم. بدین‌سان، روح با سیر انتقالی از یک کالبد به کالبد دیگر، از کنش‌ها و واکنش‌های اعمال گذشته خود همواره رنج می‌برد. این اعمال می‌توانند تغییر کنند، و این هنگامی تحقق می‌پذیرد که موجود زنده در گونه نیکی، در عقل سلیم قرار گیرد و درک نماید چه نوع اعمالی باید اختیار کند. در صورتی که وی بدین نحو عمل نماید، آنگاه کلیه کنش‌ها و واکنش‌های اعمال گذشته او می‌تواند تغییر یابد. پس می‌توان نتیجه گرفت که کارما ابدی نیست و به همین جهت مطرح نمودیم که از پنج مورد (ایشوارا، جیوا، پراکریتی، کالا، و کارما) بجز کارما همگی ابدی هستند.

کیفیت آگاهی در ایشوارا و موجود زنده یکسان است، زیرا آگاهی خداوند و موجود زنده هر دو روحانی‌اند. این بدان مفهوم است که آگاهی از ترکیبات مادی پدید نیامده است. چنین طرز فکری، گمان خطایی بیش نیست که بپذیریم آگاهی در شرایط خاصی از ترکیبات مادی پدید می‌آید. در بهاگاواد–گیتا نیز این موضوع پذیرفته نشده است. آگاهی ممکن است به واسطه موقعیت‌های مادی انعکاس منحرف‌شده‌ای را بازتاب نماید، درست همان گونه که نوری که از شیشه رنگی منعکس می‌گردد می‌تواند به رنگ متفاوتی جلوه‌گر شود، اما آگاهی خداوند هیچ‌گاه تحت تأثیر ماده قرار نمی‌گیرد. خداوند کریشنا (ب. گ. ۹/۱۰) می‌فرماید: *mayādhyakṣeṇa prakṛtiḥ*. حتی هنگامی که خداوند به جهان مادی هبوط می‌نماید، آگاهی او تحت تأثیر موقعیت‌های مادی قرار نمی‌گیرد. اگر آگاهی خداوند تحت تأثیر ماده قرار می‌گرفت، وی شایسته آن نبود که درباره موضوعات متعال و روحانی سخن گوید، چنان‌که در بهاگاواد–گیتا سخن می‌گوید. شخص نمی‌تواند هیچ چیز درباره دنیای روحانی بگوید بدون آن‌که از آگاهی آلوده مادی رها شده باشد. بنابراین، خداوند در معرض آلودگی مادی قرار نمی‌گیرد. در حال حاضر، آگاهی ما از نظر مادی آلوده است. بهاگاواد–گیتا به ما می‌آموزد که این آگاهی آلوده مادی را پاک کنیم. در آگاهی خالص، اعمال ما با اراده ایشوارا منطبق خواهند شد و این چیزی است که ما را خوشحال و خوشبخت خواهد ساخت. چنین نیست که ما باید تمام اعمال را متوقف سازیم، بلکه بر عکس، اعمال ما باید پاک شوند و اعمال پاک و خالص بهاکتی خوانده می‌شود. اعمالی که در بهاکتی صورت می‌گیرند، همانند اعمال عادی به نظر می‌آیند، لیکن دچار آلودگی نیستند. شخص نادان ممکن است ببیند که عابد خدا نیز مانند یک انسان معمولی عمل یا فعالیت می‌کند، ولی چنین شخصی که بهره اندکی از دانش دارد، نمی‌داند که اعمال عابد همانند اعمال خداوند با ماده یا آگاهی ناپاک آلوده نیستند. آنها در ورای سه گونه طبیعت مادی قرار دارند. اما باید بدانیم تا زمانی که به بهاکتی دست نیافته‌ایم، آگاهی ما آلوده است.

هنگامی که ما تحت تأثیر آلودگی مادی هستیم، روح مقید به اسارت مادی خوانده می‌شویم. آگاهی کاذب تحت تأثیر این گمان موهوم که من محصول طبیعت مادی هستم جلوه‌گر می‌شود. این‌را منیت کاذب می‌خوانند. کسی که در افکار دنیوی ادراکات بدنی فرو رفته است نمی‌تواند موقعیت حقیقی خود را درک کند. بهاگاواد–گیتا بیان گردید تا انسان را از ادراک بدنی از حیات رها سازد و آرجونا خود را در این موقعیت قرار داد تا این معرفت را از خداوند دریافت کند. انسان می‌باید از ادراک بدنی حیات آزاد و رها گردد و چنین عملی گام مقدماتی برای یک سالک و حق‌جو محسوب می‌گردد. انسانی که می‌خواهد آزاد شود و رهایی یابد، قبل از هر چیز باید فرا گیرد که او این کالبد مادی نیست. موکتی یا رهایی به معنی آزاد شدن از آگاهی مادی است. تعریف رهایی در شریماد ـبهاگاواتام (ش. گ. ۲/۱۰/۶) نیز داده شده است.-*Muktir hitvānyathā*-*rūpaṁ svarūpeṇa vyavasthitiḥ*:موکتی به مفهوم رهایی از آگاهی آلوده این جهان مادی و واقع‌شدن در آگاهی پاک و خالص می‌باشد. کلیه تعالیم بهاگاواد–گیتا برای احیای این آگاهی خالص تدوین شده است و به همین دلیل در آخرین مرحله آموزشهای گیتا می‌یابیم که کریشنا از آرجونا می‌پرسد که آیا او اکنون در آگاهی خالص قرار گرفته است. آگاهی خالص یعنی عمل کردن طبق آموزشهای خداوند. این چکیده و جوهر آگاهی خالص است. آگاهی هم اکنون وجود دارد، زیرا

ما اجزاءِی لاینفک خداوند هستیم، لیکن تمایل به تماس با گونه‌های پست طبیعت ما را تحت تأثیر قرار داده است. ولی خداوند که شخص متعال می‌باشد، هرگز تحت این گونه تأثیرات قرار نمی‌گیرد و چنین است تفاوت میان خداوند متعال و ارواح منفرد کوچک.

این آگاهی چیست؟ این آگاهی عبارت است از ادراکی که انسان از خود دارد و گمان می‌کند که:"من هستم." و اما چه هستم؟ در آگاهی آلوده "من هستم"، یعنی "من خدا و ارباب کلیه چیزها هستم. من لذت‌برنده هستم." جهان در حرکت و گردش است، زیرا هر موجود زنده‌ای می‌پندارد که ارباب وخالق جهان مادی است. آگاهی مادی دارای دو بخش روانشناختی است. یکی آن‌که من خالق هستم و دیگر آن‌که من لذت‌برنده هستم. اما در حقیقت این خداوند متعال است که هم آفریدگار و هم لذت‌برنده می‌باشد و موجود زنده که جزو لاینفک خداوند متعال است، نه خالق است و نه لذت‌برنده، بلکه جزئی است که نقش تعاونگری دارد. او مخلوق است و مورد لذت. برای مثال، قسمتی از ماشین با کل ماشین در تعاون و همکاری است همان گونه که قسمتی از بدن با کل بدن در تعاون و همکاری است. دست، پا، چشم و اعضای دیگر جملگی اجزاءِی بدن محسوب می‌گردند، ولی حقیقتاً لذت‌برنده نیستند. لذت‌برنده شکم است. پاها حرکت می‌کنند، دستها به فراهم آوردن غذا می‌پردازند، دندانها می‌جوند و تمام اعضای بدن به ارضای شکم می‌پردازند، زیرا شکم عامل اصلی تغذیه در نظام بدن است. به همین دلیل، همه چیز به شکم داده می‌شود. انسان با آب دادن به ریشه درخت آن را تغذیه می‌کند و با رساندن غذا به شکم، بدن را تغذیه می‌کند، زیرا چنانچه سلامتی بدن مورد نظر باشد، اعضای بدن باید در رساندن غذا به شکم کمک و همکاری کنند.مشابهاً خداوند متعال لذت برنده و آفریدگار است و مراد از آفرینش ما موجودات زنده آن است که برای رضایت خداوند با او تعاون نماییم. این تعاون در حقیقت به خود ما کمک خواهد کرد، همانگونه که با رساندن غذا به شکم، تمام اعضای دیگر بدن بهره‌مند می‌گردند. چنانچه انگشتان دست گمان کنند به جای رساندن غذا به شکم، آن را به خود برسانند، به نتیجه نرسیده و دچار یأس خواهند شد. خداوند متعال، آن محور اصلی خلقت و لذت است و موجودات زنده آحادی هستند که می‌باید تعاون کنند و به موجب اصل تعاون خود نیز لذت برند. کیفیت رابطه‌ای که موجودات زنده را به خداوند متصل می‌کند همانند رابطه ارباب و خادم است: خشنودی خادم در گرو رضایت ارباب است. علیرغم تمایل به خالق‌شدن و لذت‌بردن که در موجودات زنده همانند خداوند متعال وجود دارد، خواسته آنان باید در رضایت فقط خداوند خلاصه گردد.

بنابراین، در این بهاگاواد–گیتا پی خواهیم برد که "کل کامل" شامل کنترل‌کننده متعال، موجودات زنده تحت کنترل، تجلی کیهانی، زمان ابدی و کارما یا اعمال است که درباره کلیه آنها در این کتاب توضیح داده شده است. تمام اینها از کل کامل گرفته شده و کل کامل، که حقیقت مطلق متعال خوانده می‌شود، شخصیت کامل پروردگار، شری‌کریشنا است. تمام تجلیات ناشی از نیروهای گوناگون او می‌باشد. او آن کل کامل است.

علاوه بر این، در گیتا توضیح داده شده است که منشاء برهمن فاقد هویت نیز شخصیت الهی خداوند است، همانند این‌که خورشید منشاء امور ساطع شده از اوست.(*brahmaṇo hi pratiṣṭhāham*) درباره برهمن فاقد هویت که عبارت است از انوار درخشانی که از شخصیت متعال پروردگار ساطع می‌گردد در برهما ـ سوترا مفصلاً توضیح داده شده است. درک برهمن فاقد هویت همچون درک پاراماتما، درک ناقصی از کل مطلق است، چون فقط به جنبه‌ای از او می‌پردازد. در فصل پانزدهم پی خواهیم برد که شناخت شخصیت متعال خداوند، پوروشوتاما، در ورای درک برهمن فاقد هویت و پاراماتما است. شخصیت متعال پروردگار ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراها خوانده می‌شود. برهما ـ سامهیتا چنین آغاز می‌گردد: *īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ sac-cid-ānanda-vigrahaḥ/ anādir ādir govindaḥ sarva-kāraṇa-kāraṇam*."گوویندا، کریشنا علت تمامی علتهاست. او علت ازلی است و همان مظهر جاودانگی، دانش و شعف است." درک برهمن فاقد شخصیت، درک سات یا جنبه جاودانگی خداوند می‌باشد و درک پاراماتما عبارت است از درک سات و

چیت یا جنبه‌های جاودانگی و دانش. در حالی که درک کریشنایا شخصیت الهی، درک تمامی جنبه‌های متعال: سات، چیت و آناندا (جاودانگی، دانش و شعف) درویگراها یا شکل کامل است.
افرادی که از شناخت چندانی برخوردار نیستند، حقیقت مطلق را فاقد شخصیت تلقی می‌کنند، در حالی که خداوند یک شخص متعال و روحانی است و این امر در تمام متون مقدس ودایی از جمله کاتها اوپانیشاد (۲/۲/۱۳) تأیید شده است: *Nityo nityānāṁ cetanaś cetanānām*.همان گونه که همه ما موجودات زنده منفرد دارای فردیت هستیم، حقیقت مطلق متعال نیز در نهایت امر یک شخص است و شناخت شخصیت الهی عبارت است از شناخت تمام مظاهر متعال در شکل کامل خداوند. از این رو، کل کامل بی‌شکل نیست. اگر او بی‌شکل بود یا چنانچه در هر مورد دیگری از مخلوقاتش کمتر بود، نمی‌توانست کامل باشد. کل کامل بایستی واجد تمامی آن چیزهایی باشد که در حوزه یا ورای تجارب ما قرار دارد. در غیر این صورت، او نمی‌تواند کامل باشد. کل کامل یا شخصیت خداوند از قدرتهای بی‌شماری برخوردار است. [ *parāsya śaktir vividhaiva śrūyate*) این‌که چگونه کریشنا با نیروهای گوناگون خود عمل می‌کند نیز در بهاگاواد-گیتا توضیح داده شده است. این عالم کائنات یا دنیای مادی که ما در آن قرار گرفته‌ایم نیز فی‌نفسه کامل است، زیرا طبق فلسفه سانکهیا، بیست و چهار عنصری که این جهان مادی مظهر موقتی آن است، به طور کامل از استعداد تأمین ضروریات برای حفظ و بقای این جهان برخوردار است. هیچ تلاشی از طرف هیچ واحد دیگری جهت این حفظ و بقا لازم نیست. عالم، وقت یا اجل خاص خود را دارد که به دست نیروی کل کامل تعیین شده است. هنگامی که این اجل فرا رسد، این عالم ظاهری فانی، با تدبیر کامل آن وجود کامل نابود خواهد شد. آحاد کامل کوچک، یعنی موجودات زنده، از استعداد کافی برای شناخت آن وجود کامل برخوردارند و کلیه درک‌های ناکاملی را که ما تجربه می‌کنیم ناشی از شناخت ناقص آن وجود کامل است. از این رو بهاگاواد-گیتا که جوهر حکمت و معرفت ودایی را در خود دارد، می‌تواند این شناخت ناقص را از بین ببرد و درک کاملی از آن وجود کامل به دست دهد.
دانش ودایی کامل و مصون از خطاست و حداقل پیروان ودا، در هندوستان بر این عقیده‌اند. طبق اسمریتی یا احکام ودایی، اگر انسان با مدفوع حیوانی تماس یابد، باید استحمام کامل کند تا پاک شود. اما در کتب مقدس ودایی از مدفوع گاو به عنوان یک عنصر پاک‌کننده یاد شده است. از این رو شخص ممکن است چنین چیزی را تناقض تلقی کند در حالی که این موضوع پذیرفته شده است،زیرا جزو احکام ودایی به شمار می‌رود. انسان در واقع با پذیرش چنین حقیقتی مرتکب اشتباهی نخواهد شد، زیرا در علم جدید نیز به اثبات رسیده که مدفوع گاو حاوی کلیه خواص ضدعفونی‌کنندگی است. بنابراین، دانش ودایی کامل و در ورای هر گونه شک و خطا قرار دارد و بهاگاواد-گیتا جوهر تمام آن دانش است.
دانش ودایی در مقوله تحقیق نمی‌گنجد، زیرا تحقیقات ما نمی‌توانند کامل باشند، به این دلیل که ما پدیده‌ها را با حواس ناقص خود مورد تحقیق قرار می‌دهیم. پس ناگزیر هستیم دانش کامل را که ازطریق پاراماپارا (سلسله پیران) نازل می‌گردد و همان گونه که در بهاگاواد-گیتا گفته شده است بپذیریم. ما باید دانش را از منبع صحیح در سلسله پیران که با پیر روحانی متعال، یعنی خود خداوند، آغازمی‌گردد و در این سلسله تداوم می‌یابد دریافت نماییم. آرجونا بدون مخالفت، تمام چیزهایی را که خداوند می‌فرماید می‌پذیرد و بدین ترتیب حقایق را از خداوند می‌آموزد. ما باید بهاگاواد-گیتا را به‌طور کامل، بدون تفسیر، بدون حذف و بدون دخالت دادن انگیزه‌های شخصی بپذیریم. گیتا می‌باید به عنوان کاملترین مظهر دانش ودایی پذیرفته شود. دانش ودایی از منبع متعال تراوش نموده وکلمات آن را شخص خداوند ایراد کرده است. این کلمات، آپوروشیا نام دارند، یعنی کلماتی که با کلمات شخصی که متعلق به این جهان خاکی و دارای چهار نقیصه زیر می‌باشد، کاملا متفاوت است:

مرتکب اشتباه می‌شود.

دچار وهم می‌گردد.

مایل است دیگران را فریب دهد.
حواس ناقصی دارد.
با این چهار نقصان شخص نمی‌تواند اطلاعات کاملی در دانش جامع عرضه نماید. دانش ودایی از چنین موجودات ناقصی تراوش نشده است، بلکه این دانش به قلب برهما، نخستین موجود زنده مخلوق القاء گشت و او آن را همان گونه که در اصل از خداوند دریافت نموده بود، به فرزندان و شاگردان خود آموخت. خداوند پورنام، یعنی تام و کامل است و این‌که او در معرض قوانین طبیعت مادی قرار گیرد محلی از اعراب ندارد. بدین جهت، انسان باید به اندازه کافی هوشمند باشد تا دریابد خداوند یگانه مالک مطلق همه چیز در جهان است و او همان خالق ازلی و خالق برهما نیز می‌باشد. در فصل یازدهم، خداوند با عنوان پراپیتاماها خطاب شده است و این بدان سبب است که برهما با عنوان پیتاماها، به معنی جد و نیا، و خداوند با عنوان پراپیتاماها، یعنی خالق جد و نیا معرفی شده است. از این رو، هیچ کس را در سراسر گیتی نسزد که ادعای مالکیت بر چیزی را نماید، بلکه انسان می‌باید تنها آن چیزهایی را که از طرف خداوند به عنوان سهم وی برای حفظ و بقای او کنار نهاده شده است، بپذیرد.
مثالهای زیادی ارائه شده است که ما چگونه باید آن چیزهایی را که خداوند برایمان کنار نهاده است، به کار ببریم. این نیز در بهاگاواد-گیتا توضیح داده شده است. در آغاز آرجونا تصمیم گرفت که باید از نبرد در کوروکشترا اجتناب ورزد و این تصمیم از سوی خود او بود. آرجونا به خداوند گفت ممکن نیست که پس از کشتن اقوام خویش بتواند از پادشاهی لذت ببرد. این تصمیم بر اساس دیدگاه مادی وی از حیات بود، زیرا می‌پنداشت که او این بدن مادی است و گمان داشت اقوام، خویشان و وابستگان تنی او از جمله برادران، برادرزادگان، زن‌برادران، پدربزرگان و ... متعلق به خود او هستند. بنابراین، بر آن بود تا خواسته‌های بدنی خود را ارضاء نماید. بهاگاواد-گیتا را خداوند دقیقاً برای تغییر این دیدگاه مادی از حیات ایراد کرد و سرانجام آرجونا تصمیم گرفت تحت رهنمودهای خداوند بجنگد. آرجونا می‌فرماید، کاریشیه واچانام تاوا: "من طبق کلام تو عمل خواهم کرد."
موجودات بشری در این جهان برای جنگیدن همانند سگ و گربه، آفریده نشده‌اند. آنان باید آنقدر هوشمند باشند تا اهمیت حیات انسانی را دریابند و از عمل به شیوه زندگی حیوانی اجتناب ورزند و متوجه هدف حیات انسانی باشند که بشارت آن در تمام متون آسمانی ودایی، و چکیده آن در بهاگاواد-گیتا، داده شده است. ادبیات ودایی خطاب به بشریت است نه حیوانات. حیوانات مجازند که برای تأمین غذا حیوانات دیگر را بکشند و در این مورد هیچ گناهی متوجه آنان نیست، ولی اگر انسان، حیوانی را برای ارضای ذائقه سرکش خود به قتل رساند، مسئول تخطی از قوانین طبیعت می‌باشد. در بهاگاواد-گیتا به روشنی توضیح داده شده که سه نوع عمل طبق گونه‌های مختلف طبیعت وجود دارد: عمل در گونه نیکی، عمل در گونه شهوت و عمل در گونه جهل. مشابهاً سه نوع خوراک نیز وجود دارد: خوراکهایی که در گونه نیکی، خوراکهایی که در گونه شهوت، و خوراکهایی که در گونه جهل هستند. تمام اینها به وضوح توصیف شده‌اند و چنانچه ما به آموزشهای بهاگاواد-گیتا به طرز صحیح عمل نماییم، آنگاه تمام زندگی ما قرین پاکی خواهد شد و نهایتاً قادر خواهیم بود به مقصدی که در ورای این عالم مادی است، واصل گردیم.(ب گ ۶/۱۵)
آن مقصد، آسمان ساناتانا یا آسمان روحانی جاودان خوانده می‌شود. در این جهان مادی همه چیز موقتی است. هر پدیده‌ای که به عرصه هستی می‌آید، مدتی باقی می‌ماند، آثاری از خود بر جای می‌نهد، رو به زوال می‌رود و سپس نابود می‌شود. این قانون جهان مادی است و به عنوان مثال، چنانچه بدن انسان یا یک میوه یا هر پدیده طبیعی دیگری را در نظر بگیریم، از این قانون مستثنی نیست. ولی ورای این جهان گذرای فانی، جهان دیگری وجود دارد که ما نسبت به آن آگاه هستیم. آن جهان شامل طبیعت دیگری می‌باشد که ساناتانا یا جاودانه است. جیوا نیز به صورت ساناتانا، یا به عبارتی ابدی، توصیف شده است و خداوند نیز در فصل یازدهم با صفت ساناتانا توصیف شده است.ما از رابطه نزدیکی با خداوند برخورداریم و از

آنجا که همگی از نظر صفت و کیفیت ساناتانا یا جاودانه‌ایم، تمام هدف بهاگاواد–گیتا احیای وظیفه ساناتانا یا ساناتانا ـ دهارمای ما می‌باشد که وظیفه ابدی موجود زنده محسوب می‌گردد. ما مشغول اعمال موقت گوناگونی هستیم که تمام آنها قابل پاک و خالص شدن است، آن زمان که ما از تمام این اعمال موقت دست برداریم و اعمالی را اختیار کنیم که خداوند متعال تجویز نموده است. در آن صورت این زندگی پاک خوانده می‌شود.

خداوند متعال و جایگاه او که در اوج تعالی قرار دارد هر دو ساناتانا هستند، همان گونه که موجودات زنده نیز چنین‌اند و معاشرت خداوند متعال با موجودات زنده در ملکوت ساناتانا، کمال حیات انسانی محسوب می‌شود. خداوند نسبت به موجودات زنده بسیار مهربان است، زیرا آنها به مثابه فرزندان او هستند. خداوند کریشنا در بهاگاواد–گیتا اعلام می‌دارد: *sarva-yoniṣu. .. ahaṁ bīja-pradaḥ pita*"من پدر همه هستم." البته انواع موجودات زنده طبق کارماهای گوناگون خود وجود دارند، ولی در اینجا خداوند اظهار می‌کند که او به مثابه پدر همه آنهاست. بنابراین، خداوند هبوط می‌کند تاتمام این ارواح فرو افتاده اسیر مادیات را نجات بخشد و آنها را به سوی آسمان ابدی ساناتانا فرابخواند تا این‌که موجودات زنده ساناتانا بتوانند موقعیتهای ساناتانای ابدی خود را در معاشرت ابدی با خداوند بازیابند. خود خداوند در ظهورات مختلف متجلی می‌گردد و یا آن‌که خادمین محرمانه خود را به عنوان پسر، معاشر خود یا آچاریا می‌فرستد تا ارواح اسیر مادیات را نجات بخشند.

بنابراین، ساناتانا ـ دهارما با هیچ یک از روندهای فرقه‌گرایی دینی تجانسی ندارد. بلکه عبارت است از عملکرد ابدی موجودات زنده ابدی در ارتباط با خداوند متعال ابدی. ساناتانا ـ دهارما، همان گونه که قبلا بیان شد، به وظیفه ابدی موجود زنده اشاره دارد. شریپاد رامانوجاچاریا واژه ساناتانارا به صورت "آن‌چه نه آغاز دارد و نه انتها" توضیح داده است.

واژه انگلیسی دین (*religion*) با ساناتانا ـ دهارما متفاوت است. واژه دین مفهوم اعتقاد و ایمان را در بر دارد و اعتقاد و ایمان ممکن است تغییر یابد. انسان ممکن است به مورد خاصی اعتقاد و ایمان داشته باشد و ممکن است این ایمان را تغییر دهد و به مورد دیگری ایمان آورد. اما ساناتانا ـ دهارما عطف به آن عملکرد یا خاصیت جوهری است که قابل تغییر نیست. برای مثال در نظر بگیرید حالت مایع بودن را از آب نمی‌توان جدا ساخت، همان گونه که حرارت را از آتش نمی‌توان منفک کرد، به همین نحو عملکرد ابدی موجود زنده ابدی را نمی‌توان از موجود زنده جدا نمود. ساناتانا ـ دهارما به طور ابدی از موجود زنده جدایی‌ناپذیر است. بنابراین، هنگامی که ما از ساناتانا ـ دهارما سخن می‌گوییم، می‌باید طبق مرجعیت شریپاد رامانوجاچاریا قدر مسلم بدانیم که از آغاز و فرجامی برخوردار نیست. آن چیزی که نه آغاز دارد و نه انتها، نباید فرقه‌ای باشد، زیرا آن را با هیچ حد و مرزی نمی‌توان محدود نمود. آن کسانی که پیرو نوعی ایمان گروه‌گرایانه تعصب‌آمیز هستند، به غلط چنین تصور می‌کنند که ساناتانا ـ دهارما نیز نوعی گروه گرایی (فرقه‌گرایی) است، لیکن چنانچه ما موضوع را عمیقاً مورد مداقه قرار دهیم و آن را از دیدگاه علمی ببینیم، پی می‌بریم که ساناتانا ـ دهارما عملکرد تمام مردم جهان و حتی عملکرد تمام موجودات زنده عالم است.

برای هر نوع ایمان دینی غیر ساناتانا، ممکن است در تاریخ بشر نقطه شروعی وجود داشته باشد، لیکن برای تاریخ ساناتانا ـ دهارما آغازی وجود ندارد، زیرا به طور ابدی با نفوس زنده همراه بوده و خواهد بود. تا آنجا که به آحاد زنده مربوط می‌شود، شاستراهای معتبر بیان می‌کنند که موجود زنده نه تولد دارد و نه مرگ. در گیتا بیان شده که روح هرگز زاده نمی‌شود و هرگز نیز نمی‌میرد، بلکه جاودان و فناناپذیر است و پس از نابودی این کالبد مادی موقت، به حیات خود همچنان ادامه می‌دهد. ما برای پی بردن عمیق به مفهوم ساناتانا ـ دهارما، باید بکوشیم مفهوم دین (*religion*) را از طریق ریشه لغوی این کلمه در سانسکریت درک کنیم. دهارما اشاره دارد به آن ویژگی جوهری یا چیزی که همواره ملازم یک شیء خاص است. برای مثال، حرارت و نور منبعث از آتش همواره با آن وجود دارند و بدون حرارت و نور، آتش مفهومی ندارد. به همین نحو ما باید آن سرشت طبیعی، یا به عبارت دیگر، ویژگی فطری موجود زنده را کشف کنیم، آن سرشتی که ویژگی دائمی

اوست. آن ویژگی دائمی، کیفیت و صفت ابدی او محسوب می‌گردد که آن کیفیت و صفت ابدی، همانا دین ابدی او می‌باشد.

هنگامی که ساناتانا گوسوامی از شریچیتانیا ماهاپرابهو درباره سواروپای موجودات زنده (ارواح) پرسش نمود، خداوند پاسخ گفت که سواروپا یا موقعیت فطری موجود زنده، اعطای خدمت به شخصیت متعال پروردگار است. اگر ما این گفته خداوند چیتانیا را تحلیل کنیم، به آسانی می‌توانیم دریابیم که موجود زنده با برخورداری از قابلیتها و استعدادهای گوناگون خود همواره به موجودات زنده دیگر خدمت می‌کند و با چنین عملکردی از زندگی لذت میبرد. حیوانات پستتر به انسانخدمت می‌کنند، همان گونه که خادمان به ارباب خود خدمت می‌کنند. "الف" به ارباب "ب"، "ب" به ارباب "ج" و "ج" به ارباب "د" و... خدمت می‌کنند. به این ترتیب می‌توانیم مشاهده کنیم دوستی به دوست دیگر، مادر به فرزند، زن به شوهر، شوهر به زن، و... خدمت می‌کنند. و چنانچه به جستجو ادامه دهیم، خواهیم دید که در اجتماع موجودات زنده حتی یک مورد را نمی‌توان یافت که ازخدمت کردن مستثنی باشد. می‌توان سیاستمداران را مثال زد که بیانیه‌های حاوی برنامه‌های خود رابرای مردم قرائت می‌کنند تا آنها را نسبت به قابلیت خود در خدمت کردن مطمئن سازند. بنابراین، مردم آرای خود را به سیاستمداری می‌دهند که خدمات باارزشتری به جامعه بنماید. مغازه‌دار به مشتری خدمت می‌کند و کارگر به سرمایه‌دار خدمت می‌کند. سرمایه‌دار به خانواده خدمت می‌کند وخانواده به دولت خدمت می‌کند و این خدمت به موجب همان توانایی ابدی که در آحاد زنده ابدی به ودیعه قرار داده شده است صورت می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان پی برد که هیچ موجود زنده‌ای ازخدمت کردن به موجودات زنده دیگر مستثنی نیست، و بنابراین می‌توان با اطمینان نتیجه‌گیری نمود که خدمت، سرشت ابدی موجود زنده و به تبع آن دین ابدی اوست.

با وجود این، انسان خود را بنا به مقتضیات خاص زمانی و مکانی به نوعی اعتقاد مذهبی و ایمان خاص متعلق و وابسته می‌داند و در نتیجه خود را یک هندو، مسلمان، مسیحی، بودایی یا حامی هر کیش و آیین دیگری محسوب می‌کند، در حالی که این القاب و عناوین مغایر ساناتانا ـ دهارما هستند. هندو ممکن است از ایمان خود روی برتابد و مسلمان شود یا یک مسلمان ممکن است از ایمان خود روی برتابد و هندو شود یا یک مسیحی ایمان خود را تغییر دهد و الی آخر. لیکن با تمام این اوصاف، عوض شدن اعتقاد و ایمان دینی بر وظیفه ابدی شخص که عبارت است از اعطای خدمت به دیگران تأثیر نمی‌گذارد. به هر حال هندو، مسلمان یا مسیحی در تمام شرایط خدمتگزار فرد دیگری است. در نتیجه، ساناتانا ـ دهارما به مفهوم تعلق به یک اعتقاد مذهبی خاص نیست، بلکه حاکی از خاصیت جوهری موجود زنده یعنی خدمت نمودن است.

در حقیقت، ما از طریق خدمت در رابطه با خداوند متعال قرار داریم. او لذت‌برنده متعال و ما موجودات زنده، خادمان او هستیم. ما برای لذت خداوند آفریده شده‌ایم و چنانچه در آن لذت ابدی با شخصیت اعلای خداوند سهیم گردیم، شاد و مسرور می‌شویم. در غیر این صورت نمی‌توانیم انتظار شادی و خوشبختی را داشته باشیم. امکان ندارد که انسان بتواند مستقلا خوشبخت شود، همان گونه که هیچ یک از اعضای بدن بدون تعاون با شکم نمی‌تواند خشنود گردد. به عبارت دیگر، برای موجود زنده امکان خوشبخت شدن بدون انجام خدمت عاشقانه روحانی به خداوند متعال وجود ندارد.

در بهاگاواد-گیتا پرستش فرشتگان گوناگون یا خدمت نمودن به آنها تأیید نشده است. در فصل هفتم آیه بیستم گفته شده است:

*kāmais tais tair hṛta-jñānāḥ*
*prapadyante 'nya-devatāḥ*
*taṁ taṁ niyamam āsthāya*
*prakṛtyā niyatāḥ svayā*

"آن کسانی که خواسته‌ها و آرزوهای مادی شعورشان را ربوده است، سر تسلیم به فرشتگان فرود می‌آورند و از قواعد و قوانین خاصی از پرستش که مطابق طبیعت خود آنهاست پیروی می‌کنند." در اینجا به وضوح گفته شده است کسانی که

تحت تأثیر شهوت هستند، فرشتگان را عبادت می‌کنند و نه خداوند متعال کریشنا را. باید توجه داشت منظور ما از بیان نام کریشنا، اشاره به هیچ گونه نام فرقه‌ای نیست. کریشنا، یعنی بالاترین لذت، و این امر تصریح گردیده که خداوند متعال سرمنشاء یا سرچشمه تمام لذات است. همه ما در جستجوی لذت هستیم.

(ودانتا ـ سوترا ۱/۱/۱۲). *Ānanda-mayo 'bhyāsāt* موجودات زنده همانند خداوند پر از آگاهی و در جستجوی شادمانی و خوشبختی هستند. خداوند به طور ابدی در شعف است و اگر موجودات زنده با خداوند معاشرت کنند و با او تعاون نمایند، آنگاه آنان نیز در شادی و شعف قرار خواهند گرفت.

خداوند به این دنیای خاکی هبوط می‌نماید تا شئون الهی خود را که مملو از شادی و شعف است در وریندااوانا به نمایش بگذارد. هنگامی که خداوند شری‌کریشنا در وریندااوانا حضور داشت، کلیه اعمال الهی او با پسران گاوچران، با دوشیزگان دوست خود، با ساکنان دیگر وریندااوانا و با گاوها مملو از شادی و شعف بود. تمام اهالی وریندااوانا چیزی جز کریشنا نمی‌شناختند. اما خداوند کریشنا حتی پدر خود، موسوم به نانداماهاراجا، را از پرستش فرشته‌ای به نام ایندرا بر حذر داشت، زیرا خداوند می‌خواست این حقیقت را استوار سازد که احتیاجی به پرستش هیچ فرشته‌ای نیست، بلکه تنها عبادت خداوند متعال لازم و واجب است، زیرا هدف نهایی انسان باید بازگشت به ملکوت الهی باشد.

ملکوت خداوند شری‌کریشنا در بهاگاواد–گیتا فصل پانزدهم آیه ششم توضیح داده شده است:

*na tad bhāsayate sūryo*
*na śaśāṅko na pāvakaḥ*
*yad gatvā na nivartante*
*tad dhāma paramaṁ mama*

"آن ملکوت متعال من با پرتو آفتاب یا نور ماه، و با آتش یا الکتریسیته روشن نشده است. آن کسانی که به آن جایگاه واصل می‌گردند، دیگر هیچگاه به این جهان مادی رجعت نمی‌کنند."

این آیه توصیفی از آن آسمان ابدی به دست می‌دهد. البته دیدگاه ما از آسمان یک دیدگاه کاملاً مادی است و به آن در رابطه با خورشید، ماه، ستارگان و ... فکر می‌کنیم، لیکن در این آیه خداوند بیان می‌دارد که در آسمان ابدی هیچ احتیاجی به خورشید، ماه، الکتریسیته یا آتش وجود ندارد، زیرا آسمان روحانی همواره با برهماجیوتی، یعنی انوار متعالی که از خداوند ساطع می‌گردد، روشن و نورانی شده است. ما برآنیم تا با سختی و تلاش بسیار به سیارات دیگر نائل گردیم، حال آن‌که دسترسی به ملکوت خداوند متعال سخت نیست. از آن منزلگاه به عنوان گولوکا نام برده شده که دربرهما ـ سامهیتا (۵/۳۷) به طرز زیبایی توصیف شده است:*goloka eva nivasaty akhilātma-bhūtaḥ* . خداوند به طور جاودان در ملکوت خود، گولوکا، اقامت دارد و هرگز آنجا را ترک نمی‌کند، با این حال، در این جهان می‌توان به خداوند تقرب جست. خداوند برای در دسترس قرار گرفتن پا به عرصه جهان مادی می‌نهد تا سیمای حقیقی خود، ساچ ـ چید آناندا ـ ویگراها، را متجلی سازد. هنگامی که او شکل جاودان خود را تجلی می‌بخشد، ما را از تصورات پندارگرایانه که خداوند همانند چیست، می‌رهاند. خداوند هبوط می‌نماید تا از چنین پندار توهم‌آمیزی جلوگیری کند و خود را همان گونه که هست به صورت شیاماسوندارا ظاهر سازد. متأسفانه کسانی که از خرد چندانی برخوردار نیستند، شخصیت الهی را با فرض کردن او به عنوان یکی از موجودات فانی استهزا می‌کنند، زیرا آن وجود کامل همانند یکی از ما ظاهر می‌گردد تا با شکل انسانی خود با ما به بازیهای الهی بپردازد. با وجود این، او موجودی فانی نیست و با بدنی از عناصر طبیعت مادی نزد ما نمی‌آید و ما مجاز نیستیم خداوند را همانند خود بپنداریم. این به موجب قدرت تصورناشدنی آن شخصیت الهی است که خود را با چهره حقیقی خویش در برابر ما ظاهر می‌سازد و بازیهای خود را که درست برابر شئون الهی او در ملکوت جاودان است، به اجرا درمی‌آورد.

در فضای بیکران انوار خیره‌کننده آسمان روحانی، سیارات بی‌شماری شناور هستند. برهماجیوتیاز ملکوت متعال، کریشنالوکا، ساطع می‌گردد و سیارات غیر مادی چین ـ مایا، آناندا ـ مایا در آن انوار متعال شناور هستند. خداوند در بهاگاواد–گیتا (۱۵/۶) می‌فرماید: *na tad bhāsayate sūryo na śaśāṅko na pāvakaḥ/ yad gatvā na nivartante tad dhāma paramaṁ mama* کسی که بتواند وارد آن عالم روحانی شود، بار دیگر به این عالم مادی بازنمی‌گردد. در آسمان مادی چنانچه حتی به رفیع‌ترین سیاره آن، یعنی برهمالوکا (که از کره ماه بسیار والاتر است) پا نهیم، با همان شرایط مادی حیات یعنی تولد، پیری، بیماری و مرگ مواجه میشویم، زیرا هیچ سیاره‌ای در جهان مادی از این چهار اصل موجودیت مادی مستثنی و مبری نیست.

موجودات زنده از یک سیاره به سیاره دیگر سفر می‌کنند، لیکن صرفاً با تکیه به وسایل مادی، همچون فضاپیماها، نمی‌شود به هر سیاره‌ای که مایل باشیم عزیمت نماییم. چنانچه ما آرزوی سفر به کرات دیگر را داشته باشیم، راه و روشی برای رفتن به آنها وجود دارد که این نیز ذکر شده است: *yānti deva-vratā devān pitṝn yānti pitṛ-vratāḥ* در صورتی که بخواهیم به مسافرتهای بین سیاره‌ای بپردازیم، نیاز به وسایل مادی از قبیل کشتی‌های فضاپیما نیست. گیتا (۹/۲۵) آموزش می‌دهد: *yānti deva-vratā devān*. سه نظام سیاره‌ای متفاوت وجود دارد: نظامهای سیاره‌ای فوقانی، میانی و تحتانی. ماه، خورشید و سیاراتی از این قبیل در نظام سیاره‌ای فوقانی یا سوارگا لوکا قرار دارند. زمین به نظام سیاره‌ای میانی تعلق دارد. بهاگاواد–گیتا ما را آگاه می‌سازد که چگونه با فرمولی بسیار ساده به نظامهای سیاره‌ای فوقانی (دوا لوکا) سفر کنیم: انسان، تنها با پرستش الهه خاص آن سیاره می‌تواند به ماه، خورشید یا هر یک از سیاره‌های فوقانی صعود نماید.

با این حال، بهاگاواد–گیتا به ما توصیه نمی‌کند به هیچ یک از سیارات این عالم مادی عزیمت کنیم، زیرا چنانچه حتی موفق شویم با تکیه به بعضی فضاپیماهای پیشرفته مادی به رفیع‌ترین سیاره به نام برهمالوکا صعود نماییم، که شاید حدود چهل هزار سال به طول انجامد (و چه کسی آنقدر عمر خواهد کرد؟)، باز هم با معضلات حیات مادی روبرو خواهیم بود که عبارت‌اند از: تولد، پیری، بیماری و مرگ. ولی کسی که بخواهد به سیاره متعال، یعنی کریشنالوکا، یا هر سیاره دیگری درآسمان روحانی وارد گردد، با این مصائب مادی مواجه نخواهد شد. در میان تمام سیارات موجود درآسمان روحانی، یک سیاره متعال به نام گولوکا ورینداوانا یا کریشنالوکا وجود دارد که سیاره اصلی در ملکوت شخصیت ازلی پروردگار شری‌کریشنا می‌باشد. تمام این اطلاعات در بهاگاواد–گیتا داده شده است و با آموزشهای آن ما آگاه می‌شویم که چگونه این جهان مادی را ترک گوییم و یک زندگی سرشار از شعف حقیقی را در عالم روحانی آغاز کنیم.

در فصل پانزدهم بهاگاواد–گیتا، تصویر حقیقی عالم مادی داده شده است:

*ūrdhva-mūlam adhaḥ-śākham*
*aśvatthaṁ prāhur avyayam*
*chandāṁsi yasya parṇāni*
*yas taṁ veda sa veda-vit*

عالم مادی به صورت درختی توصیف شده است که ریشه‌هایش به سوی بالا و شاخه‌هایش به سوی پایین امتداد دارند. ما از درختی که ریشه‌هایش به سوی بالا هستند تجربه داریم، یعنی اگر شخص در کنار رودخانه یا برکه آبی بایستد، می‌تواند شاهد تصویر درختانی باشد که در آب انعکاس یافتهاند، یعنی شاخه‌ها به سمت پایین و ریشه‌ها به سمت بالا امتداد پیدا کرده‌اند. مشابهاً این جهان مادی نیز انعکاسی از عالم روحانی است و چیزی جز سایه‌ای از حقیقت نیست. در سایه، هیچ حقیقت یا جوهری وجود ندارد، بلکه سایه نشانه حقیقت یا جوهری است که به صورت عینی درجای دیگر موجود می‌باشد. همان گونه که در بیابان آبی موجود نیست، اما سراب نشان می‌دهد که حقیقتی به نام آب وجود دارد. آبی که ما به دنبال آن هستیم، یعنی شادی و خوشبختی حقیقی، در بیابان جهان مادی یافت‌ناشدنی است. ما باید به دنبال آن در جای دگر، یعنی عالم روحانی، بگردیم.

خداوند توصیه می‌کند که ما از طریق ذیل (ب. گ. ۱۵/۵) به جهان روحانی واصل گردیم:

*nirmāna-mohā jita-saṅga-doṣā*
*adhyātma-nityā vinivṛtta-kāmāḥ*
*dvandvair vimuktāḥ sukha-duḥkha-saṁjñair*
*gacchanty amūḍhāḥ padam avyayaṁ tat*

کسی می‌تواند به آن پادام آویایام یا ملکوت جاودان دست یابد که به مرحله نیرمانا ـ موها رسیده باشد. مفهوم این عبارت چیست؟ ما در جستجوی عناوین و القاب هستیم. شخصی می‌خواهد "آقا و سرور" باشد، شخصی می‌خواهد "حاکم و ارباب" شود، شخصی می‌خواهد رئیس یا ثروتمند یا پادشاه یا حائز عناوین دیگر گردد. باید در نظر داشت مادام که ما به این عناوین و القاب دلبسته هستیم، نشانه آن است که به این بدن دلبسته‌ایم، زیرا عناوین و القاب به این بدن تعلق دارند. در حالیکه ما این کالبدهای جسمانی مادی یا به عبارتی این بدنها نیستیم و ادراک این حقیقت نخستین گام در معرفت روحانی است. ما با سه گونه طبیعت مادی ارتباط پیدا کرده‌ایم و حال آن‌که می‌باید ازطریق خدمت عابدانه به خداوند از اسارت گونه‌های طبیعت مادی رها شویم. باید در نظر داشت درصورتی که به خدمت عابدانه خداوند دل نبندیم، نمی‌توانیم از اسارت گونه‌های طبیعت مادی رهایی یابیم. عناوین و القاب و دلبستگیها ناشی از شهوت و خواسته و آرزو است و ناشی از گرایشما برای خدایی کردن بر طبیعت مادی می‌باشد. تا زمانی که ما از چنگ این تمایل خدایی کردن برطبیعت مادی رها نگردیم، هیچ امکانی برای بازگشت به ملکوت متعال، ساناتانا ـ دهارما وجود نخواهد داشت. کسی که با جاذبه‌های لذایذ مادی موقت گمگشته و سرگردان نمی‌شود و وقف خدمت و طاعت خداوند متعال است، می‌تواند به آن ملکوت جاودان فناناپذیر وارد گردد.در بخش دیگری از گیتا (۸/۲۱) ذکر شده است:

*avyakto 'kṣara ity uktas*
*tam āhuḥ paramāṁ gatim*
*yaṁ prāpya na nivartante*
*tad dhāma paramaṁ mama*

آویاکتا به معنی تجلی‌نیافته است. تمام حقایق جهان مادی برای ما شناخته شده نیست. بسیاری از بخش‌های آن هنوز برای ما تجلی نیافته است. حواس ما به قدری محدود است که حتی قادر نیستیم تمام ستارگان این جهان مادی را رؤیت کنیم. ما در متون مقدس ودایی به دانش عظیمی درباره تمام سیارات برمی‌خوریم که در پذیرش آن مختار هستیم. تمام سیارات مهم در وداها، مخصوصاً شریماد بهاگاواتام توصیف شده‌اند و عالم روحانی که ورای این عالم مادی قرار دارد نیز به عنوان آویاکتا به معنی تجلی‌نیافته توصیف شده است. انسان باید جویا و خواستار عزیمت به آن پادشاهی ملکوتی متعال باشد، زیرا هنگامی که انسان به آن ملکوت اعلا واصل گشت، دیگر مجبور نیست به این جهان فانی مادی بازگردد.

اینک شاید این سؤال مطرح شود که چگونه شخص به آن جایگاه خداوند متعال تقرب حاصل می‌کند. اطلاعات کامل مربوط به آن در فصل هشتم داده شده است:

*anta-kāle ca mām eva*
*smaran muktvā kalevaram*
*yaḥ prayāti sa mad-bhāvaṁ*
*yāti nāsty atra saṁśayaḥ*

"هر کسی که هنگام ترک بدن مرا به یاد داشته باشد، بیدرنگ به طبیعت من واصل می‌گردد و دراین مورد هیچ شکی نیست." (ب. گ. ۸/۵) کسی که هنگام مرگ در فکر کریشنا باشد نزد کریشنا خواهد رفت. انسان می‌باید همواره سیمای متعال کریشنا را به یاد داشته باشد و چنانچه هنگام ترک این کالبد جسمانی به این شمایل مبارک و متعال بیندیشد، یقیناً

به ملکوت روحانی وارد می‌گردد. ماد ـ بهاوام به طبیعت اعلای آن وجود متعال اشاره دارد. وجود متعال، ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراها می‌باشد، یعنی شکل متعال خداوند، ابدی و مملو از دانش و شعف است. بدن کنونی ماساچ ـ چید ـ آناندا نیست، ابدی (سات) نیست، بلکه فناپذیر (آسات) است؛ چیت، مملو از دانش نیست، بلکه مملو از جهل است؛ ما از ملکوت روحانی شناختی نداریم و از طرفی حتی درباره این جهان مادی نیز از دانش کاملی برخوردار نیستیم، جهانی که حاوی پدیده‌های بسیار زیادی است که برای ما ناشناخته هستند. علاوه بر این، بدن، نیرآناندا می‌باشد، یعنی به جای آن‌که سرشار از شادی و شعف باشد، مملو از رنج و نگون‌بختی است. تمام رنجها و مصائبی که ما در دنیای مادی تجربه می‌کنیم، ناشی از این بدن است، لیکن کسی که این بدن را با اندیشیدن به خداوند کریشنا، شخصیت متعال پروردگار، ترک کند بیدرنگ از یک بدن ساچ ـ چید ـ آناندا برخوردار می‌گردد.

روند ترک این کالبد مادی و کسب کالبد جسمانی دیگری در این عالم مادی نیز تدبیر شده است: انسان هنگامی می‌میرد که کالبد حیات بعدی او تعیین شده باشد و این تصمیم از طرف مراجع معتبر بالاتر گرفته می‌شود که تعیین می‌کنند کالبد حیات بعدی موجود زنده چه باید باشد، نه آن‌که خود موجود زنده تصمیمی در مورد آن اختیار کند. ما طبق اعمال خود در این زندگی، مدارج صعودی یا نزولی را طی می‌کنیم، از این رو، این حیات کنونی به منزله تدارکی برای زندگی بعد است. بنابراین، اگر بتوانیم خود را در این زندگی برای ارتقاء به ملکوت خداوند مهیا سازیم، آنگاه یقیناً پس از ترک این کالبد مادی، کالبدی روحانی درست همانند خداوند کسب خواهیم کرد.

همان گونه که پیشتر توضیح داده شد، انواع مختلف عرفا وجود دارند – برهما ـ وادی، پاراماتما ـ وادی و بهاکتاها – و همان گونه که ذکر گردید در برهماجیوتی (آسمان روحانی) سیارات روحانی بی‌شماری وجود دارد. تعداد این سیارات از کل سیارات این عالم مادی به مراتب بسیار بیشتر است. در واقع، این جهان مادی تنها یک‌چهارم خلقت است ( *ekāṁśena sthito jagat*) در عالم مادی، میلیونها و بیلیونها جهان با تریلیونها سیاره و خورشید و ستاره و ماه وجود دارد. لیکن تمام این خلقت مادی تنها جلوه‌ای از کل خلقت است. قسمت اعظم خلقت در قلمروی آسمان روحانی قرار دارد. کسی که آرزو داشته باشد غرق در موجودیت برهمن متعال، و با آن یکی شود، بیدرنگ به برهماجیوتی خداوند منتقل می‌گردد. بهاکتا یا عابد که می‌خواهد از معاشرت خداوند لذت برد به یکی از سیارات بی‌شمار وایکونتها وارد می‌شود و با شخصیت الهی که با بسطهای کامل خود به صورت نارایانا چهار دست و با اسامی گوناگون همانند پرادیومنا، آنیرودها و گوویندا حضور دارد به معاشرت خواهد پرداخت. بنابراین، عرفا در پایان زندگی یا به برهماجیوتی، یا پاراماتما و یا به شخصیت متعال خداوند شری‌کریشنا فکر می‌کنند. در تمام موارد، آنها به آسمان روحانی وارد می‌گردند، لیکن تنها بهاکتا یا کسی که در تماس با شخص خداوند متعال قرار دارد به سیارات وایکونتها یا سیاره گولوکا وریند‌اوانا وارد می‌شود. خداوند علاوه بر آن اضافه می‌کند که در این باره"جای هیچ گونه شکی نیست." و به این امر می‌باید کاملاً ایمان داشت. ما نباید آن‌چه را که مطابق با ظرفیت محدود تصورمان نیست، رد کنیم، بلکه شایسته است که رفتار ما همانند آرجونا باشد: "به تمام آن‌چه فرمودی، ایمان دارم." بنابراین، هنگامی که خداوند می‌فرماید هر کسی که در هنگام مرگ به او به صورت برهمن یا پاراماتما یا شخصیت پروردگار فکر کند یقیناً به آسمان روحانی واردمی‌گردد، جای هیچ شکی در آن وجود ندارد.

بهاگاواد–گیتا (۸/۶) همچنین آن اصل کلی را که وصول به ملکوت روحانی را صرفاً از طریق اندیشیدن به متعال در هنگام مرگ امکان‌پذیر می‌گرداند، توضیح می‌دهد:

*yaṁ yaṁ vāpi smaran bhāvaṁ*
*tyajaty ante kaleֽvaram*
*taṁ tam evaiti kaunteya*
*sadā tad-bhāva-bhāvitaḥ*

”هر حالتی از وجود را که شخص هنگام ترک بدن کنونی خود به یاد آورد، بی‌تردید در زندگی بعد به آن حالت نائل می‌گردد.“ اکنون نخست می‌باید درک کنیم که طبیعت مادی، جلوه‌ای از یکی از انرژیهای خداوند متعال است. در ویشنو پورانا (۶/۷/۶۱) تمام نیروهای خداوند متعال توصیف شده است:

*viṣṇu-śaktiḥ parā proktā*
*kṣetra-jñākhyā tathā parā*
*avidyā-karma-saṁjñānyā*
*tṛtīyā śaktir iṣyate*

[Cc. Madhya 6.154]

خداوند متعال از نیروهای بی‌شمار و گوناگونی برخوردار است که ورای ادراک ما قرار دارد؛ با این حال، حکمای دانای بزرگ یا ارواح رهایی‌یافته این نیروها را مطالعه نموده‌اند و آنها را در سه بخش مشخص گردانده‌اند. تمامی نیروها از ویشنو ـ شاکتی هستند که باید گفت آنها قوای مختلف خداوند ویشنو هستند. نخستین نیرو، پارا یا نیروی علیا می‌باشد. موجودات زنده نیز، چنانکه پیشتر توضیح داده شد، به همان نیروی علیا یا متعال متعلق‌اند. نیروهای دیگر یا به عبارتی انرژیهای مادی در گونه جهل واقع هستند. در هنگام مرگ می‌توانیم یا در نیروی سفلی این جهان مادی باقی بمانیم و یا به سمت انرژی جهان روحانی رهسپار گردیم. از این رو، بهاگاواد–گیتا (۸/۶) می‌فرماید:

*yaṁ yaṁ vāpi smaran bhāvaṁ*
*tyajaty ante kalevaram*
*taṁ tam evaiti kaunteya*
*sadā tad-bhāva-bhāvitaḥ*

”هر حالتی از وجود را که شخص هنگام ترک کالبد کنونی خود به یاد آورد، در زندگی بعد به آن حالت نائل می‌گردد.“

ما در زندگی عادت کرده‌ایم یا به نیروی مادی و یا به نیروی روحانی فکر کنیم. اکنون چگونه می‌توانیم افکار خود را از انرژی مادی به انرژی روحانی معطوف سازیم؟ متون بسیار زیادی از جمله روزنامه‌ها، مجله‌ها، داستانها و غیره وجود دارند که افکار ما را لبریز از نیروی مادی می‌کنند. تفکر ما که اینک مجذوب این متون شده است، می‌باید به دانش ودایی معطوف گردد. بنابراین، حکمای بزرگ، متون مقدس ودایی بسیار زیادی همانند پوراناها را به رشته تحریر درآورده‌اند. پوراناها زاییده وهم و خیال نیست، بلکه بیانگر حقایق تاریخی می‌باشد. در چیتانیا ـ چاریتامریتا (مادهیا ۲۰/۱۲۲)چنین آمده است:

*māyā-mugdha jīvera nāhi svataḥ kṛṣṇa-jñāna*
*jīvere kṛpāya kailā kṛṣṇa veda-purāṇa*

موجودات زنده فراموشکار یا ارواح اسیر مادیات، رابطه خود با خداوند متعال را فراموش نموده و در تفکر امور مادی غرق شده‌اند. کریشنا–دوای پایانا ویاسا برای آن‌که قدرت تفکر آنان را به ملکوت روحانی معطوف گرداند، متون مقدس ودایی بسیار زیادی را عرضه داشته است. وی نخست وداها را در چهار بخش عرضه کرد. سپس آنها را در پوراناها توضیح داد. برای افرادی که ازاستعداد کافی برخوردار نیستند، ماهابهاراتا را به رشته تحریر درآورد، که در آن بهاگاواد–گیتا ارائه شده است. آنگاه تمام متون مقدس ودایی را در ودانتا ـ سوترا خلاصه و برای هدایت بیشتر شرحی بر آن ارائه نمود که آن شرح شریماد–بهاگاواتام خوانده می‌شود. ما باید همواره ذهن خود را به خواندن این دانش ودایی مشغول سازیم، درست همان طور که مادی‌گرایان ذهن خود را به خواندن روزنامه‌ها، مجله‌ها و بسیاری از متون دنیوی دیگر مشغول می‌دارند؛ به این

ترتیب برای ما امکان‌پذیر خواهد بود که هنگام مرگ، خداوند متعال را به یاد آریم. این تنها راهی است که خداوند پیشنهاد نموده و نتیجه را تضمین می‌نماید: "هیچ گونه تردیدی وجود ندارد."

*tasmāt sarveṣu kāleṣu*
*mām anusmara yudhya ca*
*mayy arpita-mano-buddhir*
*mām evaiṣyasy asaṁśayaḥ*

"بنابراین آرجونا، تو باید همواره مرا در فکر خود به سیمای جاودان کریشنا به یاد داشته باشی و درعین حال به انجام وظیفه تجویزشده خود مبنی بر جنگ ادامه دهی. با اعمال خود که به من هدیه شده و ذهن و شعور خود که بر من متمرکز گردیده است، بی‌تردید به وصال من نائل خواهی شد." (ب. گ. ۸/۷)

خداوند به آرجونا توصیه نمی‌کند که صرفاً او را به یاد داشته باشد و وظیفه خود را رها سازد. خیر، خداوند هرگز هیچ چیز غیر عملی را پیشنهاد نمی‌نماید. در این دنیای مادی انسان می‌باید برای حفظ و بقای بدن خود کار کند. با توجه به این اصل، جامعه انسانی بر اساس کار به چهار بخش اجتماعی تقسیم شده است: براهمانا، کشاتریا، وایشیا و شودرا. طبقه براهمانا یا طبقه خردمند به یک طریق کار می‌کند، کشاتریا یا طبقه مدیران به طرز دیگری کار می‌کنند و طبقه بازرگانان و کارگران همگی به وظایف خاص خود عمل می‌نمایند. در جامعه بشری چه شخص کارگر، تاجر، مدیر، کشاورز و یا حتی چنانچه متعلق به بالاترین طبقه، یعنی ادیب، دانشمند یا عالم الهیات باشد، می‌باید برای حفظ و بقای موجودیت خود کار کند. بنابراین، خداوند به آرجونا می‌فرماید که او لزومی ندارد وظیفه و حرفه خود را رها سازد، بلکه در عین انجام وظیفه باید کریشنا را به یاد داشته باشد (مام آنوسمارا). اگر او در حالی که برای بقای موجودیت خود تلاش می‌کند، به یاد داشتن کریشنارا تمرین نکند، آنگاه به یاد داشتن کریشنا در هنگام مرگ برای او امکان‌پذیر نخواهد بود. خداوند چیتانیا نیز چنین توصیه می‌کند. او می‌فرماید:

*kīrtanīyaḥ sadā hariḥ: Cc. Ādi 17.31*شخص می‌باید همواره ذکر اسامی خداوند را تمرین کند. نامهای خداوند با خود خداوند تفاوتی ندارد. بنابراین، آموزشهای خداوند کریشنا به آرجونا که "مرا به یاد داشته باش" و دستور خداوند چیتانیا که "همواره نامهای خداوند کریشنا را ذکر کن" تعالیم واحدی هستند. تفاوتی وجود ندارد زیرا کریشنا و نام کریشنا تفاوتی با یکدیگر ندارند. در بعد مطلق هیچ گونه تفاوتی بین اسم و مسمی وجود ندارد. بنابراین، ما باید همواره در طول بیست وچهار ساعت، با ذکر نامهای خداوند، به یاد خدا بودن را تمرین کنیم و فعالیتهای زندگی خود را به نحوی ترتیب دهیم که بتوانیم همواره خداوند را به یاد داشته باشیم.

چگونه این امر امکان‌پذیر است؟ آچاریاها مثال زیر را ارائه می‌کنند: اگر زنی که دارای شوهر است، نسبت به مرد دیگری علاقه‌مند و دلبسته شود، و یا اگر مردی که دارای همسر است، نسبت به زن دیگری علاقه و دلبستگی پیدا کند، آنگاه این دلبستگی را می‌باید بسیار شدید تلقی کرد، زیرا کسی که چنین علاقه‌مندی و دلبستگی پیدا کند، همواره به معشوق خود فکر می‌کند و به دیدار او می‌اندیشد. حتی هنگام انجام امور خانه، او کارهای خانه‌داری خود را با دقت بیشتری انجام می‌دهد تا مبادا شوهرش نسبت به دلبستگی او شک کند. مشابهاً ما باید همواره آن معشوق متعال، شری‌کریشنا را به یاد داشته باشیم و در عین حال وظایف دنیوی خود را به نحو عالی و شایسته انجام دهیم. در اینجا یک احساس قوی عشق مورد نیاز است. چنانچه ما عشق شدیدی به خداوند متعال داشته باشیم، آنگاه می‌توانیم وظیفه خود را انجام دهیم و در عین حال خداوند را نیز به یاد داشته باشیم. ولی می‌باید آن احساس عشق را بپرورانیم. برای مثال، آرجونا همواره به کریشنا فکر میکرد؛ او معاشر دائمی کریشنا بود و در عین حال یک جنگجو نیز بود. کریشنا به او توصیه نکرد که جنگ را رها سازد و به قصد مدیتیشن راهی جنگل گردد. هنگامی که خداوند کریشنا روش یوگا رابرای آرجونا توصیف می‌نماید، آرجونا اظهار می‌دارد که انجام این روش برای او امکان‌پذیر نیست.

*arjuna uvāca*
*yo 'yaṁ yogas tvayā proktaḥ*
*sāmyena madhusūdana*
*etasyāhaṁ na paśyāmi*
*cañcalatvāt sthitiṁ sthirām*

"آرجونا گفت: ای مادهوسودانا، به نظر من روش یوگایی را که به اختصار برایم توضیح داده‌ای غیرعملی و تحمل‌ناپذیر می‌باشد، زیرا ذهن بیقرار و بی‌ثبات است." (ب. گ. ۶/۳۳)
لیکن خداوند می‌فرماید:

*yogīnām api sarveṣāṁ*
*mad-gatenāntarātmanā*
*śraddhāvān bhajate yo māṁ*
*sa me yuktatamo mataḥ*

"در میان یوگیها، کسی که با ایمان کامل همواره در من مأوی می‌گزیند و در درون خود به من می‌اندیشد و به خدمت عاشقانه متعال من می‌پردازد، نزدیکترین کسی است که در یوگا به من پیوسته است و بالاترین در میان همه است. این نظر من است." (ب. گ. ۶/۴۷) بنابراین، کسی که همواره به خداوند متعال فکر کند، بزرگترین یوگی، برترین گیانی و در عین حال بزرگترین بهاکتا (عابد) است. خداوند، علاوه بر آن، به آرجونا می‌فرماید که او به عنوان کشاتریا نمی‌تواند از جنگیدن امتناع ورزد، در حالی که اگر آرجونا اقدام به جنگ نماید و وظیفه خود را با به یاد داشتن کریشنا انجام دهد، آنگاه قادر خواهد بود که کریشنا را در هنگام مرگ نیز به یاد داشته باشد. انسان می‌باید کاملا به خدمت عاشقانه روحانی خداوند تسلیم شود.
ما با بدن خود کار نمی‌کنیم، بلکه در حقیقت با ذهن و شعور خود به عمل می‌پردازیم. بنابراین، اگر شعور و ذهن همواره متوجه خداوند متعال باشد، آنگاه حواس نیز به طور طبیعی در خدمت خداوند مشغول می‌گردد. با نگاه اول ممکن است فعالیتهای حواس مشابه به نظر آیند، ولی باید بدانیم که آنها در دو آگاهی متفاوت انجام شده‌اند و یکسان نیستند. بهاگاواد-گیتا به شخص می‌آموزد چگونه ذهن و شعور خود را به فکر خداوند معطوف و مجذوب سازد و با چنین حالتی قادر شود خود را به ملکوت الهی منتقل گرداند. اگر ذهن درخدمت کریشنا قرار گیرد، آنگاه حواس به خودیِ خود به خدمت خداوند مشغول می‌گردند. همانا "کاملاً مجذوب فکر کریشنا بودن" هنر است و همانا راز بهاگاواد-گیتا نیز همین است.
انسان متمدن معاصرکه به تلاش سختی متوسل شده است تا به کره ماه دست یابد، هنوز همت چندانی در جهت ارتقای روحانی خود به کار نبسته است. اگر انسان پنجاه سال از عمرش را در پیش داشته باشد، باید این زمان کوتاه را در به کمال رساندن تمرین "به یاد داشتن شخصیت اعلای پروردگار" صرف نماید. این تمرین عبارت است از روشهای خدمت عابدانه:

*śravaṇaṁ kīrtanaṁ viṣṇoḥ*
*smaraṇaṁ pāda-sevanam*
*arcanaṁ vandanaṁ dāsyaṁ*
*sakhyam ātma-nivedanam*
(شریماد بهاگاواتام ۷/۵/۲۳)

نه روش مذکور که آسانترین آنها شراوانام یعنی استماع بهاگاواد–گیتا از شخص خود شناخته است، آگاهی انسان را به فکر آن کمال متعال معطوف می‌سازد. همواره به یاد داشتن خداوند متعال شخص را قادر می‌سازد که در هنگام ترک بدن از کالبدی روحانی برخوردار گردد که سزاوار معاشرتبا خداوند متعال است.

علاوه بر این خداوند می‌فرماید:

*abhyāsa-yoga-yuktena*
*cetasā nānya-gāminā*
*paramaṁ puruṣaṁ divyaṁ*
*yāti pārthānucintayan*

"ای آرجونا، کسی که ذهنش بر من به عنوان شخصیت متعال خداوند متمرکز است و همواره بدون انحراف مرا در این راه به یاد دارد، یقیناً به من نائل می‌گردد." (ب. گ. ۸/۸)

این روش چندان سخت نیست، با این حال، باید آن را از شخصی مجرب که در مرحله عمل قراردارد فرا گرفت. *Tad vijñānārthaṁ sa gurum evābhigacchet* انسان می‌باید ذهن خود را که همواره به این سو و آن سو در پرواز است به تمرکز بر سیمای خداوند متعال، شری‌کریشنا، یا به تمرکز بر صوت نام او مشغول دارد، زیرا ذهن فطرتاً بیقرار است در حالی که با ذکر ارتعاش صوتی کریشنا می‌تواند آرام گیرد. بدین ترتیب، شخص می‌باید بر پارامام پوروشام، یعنی شخصیت متعال پروردگار در ملکوت روحانی، متمرکز شود و بدین‌سان به او واصل گردد. روشها و تمهیدات لازم برای معرفت و حصول به وصال در سرمنزل نهایی در بهاگاواد–گیتا بیان گردیده است و ابواب این معرفت بر همگان گشوده است. تمام طبقات انسان‌ها می‌توانند با فکر کردن به خداوند کریشنا بدو واصل گردند، زیرا استماع و تفکر درباره خداوند برای همه امکان‌پذیر است.

علاوه بر این، خداوند می‌فرماید (ب. گ. ۳۳–۹/۳۲):

*māṁ hi pārtha vyapāśritya*
*ye 'pi syuḥ pāpa-yonayaḥ*
*striyo vaiśyās tathā śūdrās*
*te 'pi yānti parāṁ gatim*

*kiṁ punar brāhmaṇāḥ puṇyā*
*bhaktā rājarṣayas tathā*
*anityam asukhaṁ lokam*
*imaṁ prāpya bhajasva mām*

حتی یک تاجر و بازرگان، یک زن فروافتاده، یک کارگر یا حتی انسان‌هایی که در پست‌ترین مراحل زندگی قرار دارند، می‌توانند به متعال واصل گردند. لزومی ندارد که شخص از شعور بسیار متکاملی برخوردار باشد. نکته این است که هر کسی که حقیقت بهاکتی– یوگا را بپذیرد و قادر متعال رابه عنوان سوموم بونوم (خیر اعلا)، یا بالاترین هدف یا مقصود نهایی قبول نماید، می‌تواند به شخصیت الهی در آسمان جاویدان معنوی واصل گردد. بدین ترتیب، انسان با پذیرش و پیروی از اصولی که در بهاگاواد–گیتا مطرح شده است می‌تواند زندگی خود را به کمال رساند و راه حلی دائمی برای کلیه مشکلات حیات مادی خود بیابد. این چکیده و جوهر تمام بهاگاواد–گیتا می‌باشد.

در نتیجه بهاگاواد–گیتا یک گنجینه ادبی روحانی است که انسان می‌باید با دقت بسیار آن را مطالعه نماید *Gītā-śāstram idaṁ puṇyaṁ yaḥ paṭhet prayataḥ pumān* چنانچه انسان از تعالیم بهاگاواد–گیتا به درستی پیروی کند، می‌تواند ازتمامی رنجها، پریشانیها واضطرابات زندگی مادی رهایی یابد.

*yaḥ paṭhet prayataḥ pumān*انسان از تمامی ترسها در این زندگی رها خواهد شد و زندگی آینده او نیز روحانی خواهدشد. (گیتا ـ ماهاتمیا ۱)
مزایای بیشتری نیز در این باب وجود دارد:

*gītādhyāyana-śīlasya*
*prāṇāyama-parasya ca*
*naiva santi hi pāpāni*
*pūrva-janma-kṛtāni ca*

"اگر شخصی بهاگاواد-گیتا را در کمال صداقت و با جدیت تمام مطالعه نماید، آنگاه با لطف بیکران خداوند، بازتاب گناهان گذشته او خنثی خواهد گردید." (گیتا ـ ماهاتمیا ۲) خداوند با صراحت تمام در آخرین بخش بهاگاواد-گیتا (۱۸/۶۶) می‌فرماید:

*sarva-dharmān parityajya*
*mām ekaṁ śaraṇaṁ vraja*
*ahaṁ tvāṁ sarva-pāpebhyo*
*mokṣayiṣyāmi mā śucaḥ*

"تمام مذاهب را رها کن و فقط به من تسلیم شو. من تو را از تمام بازتاب گناهان رهایی می‌بخشم. نترس." بدین‌سان خداوند مسئولیت کامل کسی را که به او تسلیم می‌شود می‌پذیرد وچنین شخصی را در قبال تمام واکنشهای گناهان مصون می‌دارد.

*maline mocanaṁ puṁsāṁ*
*jala-snānaṁ dine dine*
*sakṛd gītāmṛta-snānaṁ*
*saṁsāra-mala-nāśanam*

"با استحمام روزانه در آب می‌توان بدن خود را پاک کرد، لیکن چنانچه انسان حتی یک بار،آگاهی خود را در آبهای بهاگاواد-گیتا، که همانند رود گنگ مقدس است، شستشو دهد، آنگاه باید دانست که تمام آلودگی زندگی مادی از وی رخت برمی‌بندد." (گیتا ـ ماهاتمیا ۳)

*gītā su-gītā kartavyā*
*kim anyaiḥ śāstra-vistaraiḥ*
*yā svayaṁ padmanābhasya*
*mukha-padmād viniḥsṛtā*

از آنجا که بهاگاواد-گیتا را شخصیت متعال پروردگار بیان نموده است، شخص احتیاجی ندارد که متون ودایی دیگر را بخواند. انسان، تنها لازم است با توجه و دقت و به طور مرتب بهاگاواد-گیتا را بشنود و بخواند. در عصر حاضر مردم چنان غرق در امور مادی گردیده‌اند که خواندن تمام ادبیات ودایی برای آنان امکان‌پذیر نیست. ولی این امر ضرورت ندارد، زیرا همین کتاب واحد، یعنی بهاگاواد-گیتا که جوهر تمام متون مقدس ودایی محسوب می‌شود کافی است، بخصوص که شخصیت متعال خداوند نیز آن را بیان فرموده است. (گیتا ـ ماهاتمیا ۴)
چنانکه گفته شده است:

*bhāratāmṛta-sarvasvaṁ*
*viṣṇu-vaktrād viniḥsṛtam*
*gītā-gaṅgodakaṁ pītvā*

*punar janma na vidyate*

"انسان با آشامیدن آب گنگ به رستگاری نائل می‌شود حال چه رسد به آنجا که انسان شهد بهاگاواد-گیتا را بیاشامد! بهاگاواد-گیتا شهد اصلی ماهابهاراتا است و آن را شخص خداوند کریشنا، ویشنوی ازلی، بیان داشته است." (گیتا ـ ماهاتمیا ۵) بهاگاواد-گیتا از دهان مبارک شخصیت اعلای پروردگار جاری می‌گردد و درباره رود گنگ گفته شده است که از قدوم نیلوفرین خداوند سرچشمه گرفته است. البته هیچ گونه تفاوتی بین دهان مبارک خداوند و قدوم نیلوفرین قادر متعال وجودندارد، با این حال، با مطالعه منصفانه می‌توانیم تصدیق کنیم که بهاگاواد-گیتا حتی از آب گنگ نیز بااهمیت‌تر است.

*sarvopaniṣado gāvo*
*dogdhā gopāla-nandanaḥ*
*pārtho vatsaḥ su-dhīr bhoktā*
*dugdhaṁ gītāmṛtaṁ mahat*

"این گیتوپانیشاد یا بهاگاواد-گیتا که جوهر تمام اوپانیشادها محسوب می‌گردد، درست به مثابه گاو شیردهی است که خداوند کریشنا معروف به پسری گاوچران آن را می‌دوشد، آرجونا درست به مثابه گوساله آن گاو است و محققان دانا و عابدان پاک و خالص به مثابه کسانی که باید شیر شهد گونه بهاگاواد-گیتا را بیاشامند." (گیتا ـ ماهاتمیا ۶)

*ekaṁ śāstraṁ devakī-putra-gītam*
*eko devo devakī-putra eva*
*eko mantras tasya nāmāni yāni*
*karmāpy ekaṁ tasya devasya sevā*

(گیتا ـ ماهاتمیا ۷)

مردم در عصر کنونی علاقه‌مند هستند که از طریق یک کتاب مقدس، یک خداوند، و یک دین واحد و یک وظیفه مشترک به اتحاد و یگانگی برسند. بنابراین:*ekaṁ śāstraṁ devakī-putra-gītam*:بگذارید که آن کتاب مقدس مشترک برای تمام جهانیان، بهاگاواد-گیتا باشد.

*Eko devo devakī-putra eva*: بگذارید که آن خداوند واحد برای تمام جهان، شری‌کریشنا باشد.

*Eko mantras tasya nāmāni* و بگذارید ترنم یک سرود، یک مانترا، یک نیایش به سمع دل بنشیند، ذکر اسامی آن خداوند یکتا: هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره /هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره.

*Karmāpy ekaṁ tasya devasya sevā*: و بگذارید تنها یک کار و یک وظیفه مشترک که قادر خواهد بود تمامی افراد جهان را به هم پیوند دهد وجود داشته باشد و آن هم خدمت عابدانه یا عبادت عاشقانه به شخصیت اعلای خداوند باشد.

## سلسله پیران

"این علم متعال بدین گونه از طریق سلسله پیران دریافت گردید...." (ب. گ. ۴/۲)

۱. کریشنا
۲. برهما
۳. نارادا
۴. ویاسا
۵. مادهوا
۶. پادمانابها
۷. نریهاری
۸. مادهاوا
۹. آکشوبهیا
۱۰. جایاتیرتها
۱۱. گیاناسیندهو
۱۲. دایانیدهی
۱۳. ویدیانیدهی
۱۴. راجندرا
۱۵. جایادهارما
۱۶. پوروشوتاما
۱۷. برهمانیاتیرتها
۱۸. ویاساتیرتها
۱۹. لاکشمی پاتی
۲۰. مادهاوندرا پوری
۲۱. ایشوارا پوری (نیتیاناندا، ادویتا)
۲۲. شری چیتانیا ماها پرابهو
۲۳. روپا (سواروپا، ساناتانا)
۲۴. راگهوناتها، جیوا
۲۵. کریشناداسا
۲۶. ناروتاما
۲۷. ویشواناتما
۲۸. (بالادوا) جاگاناتها
۲۹. بهاکتی وینودا
۳۰. گوراکیشورا
۳۱. بهاکتی سیدهانتا سارسواتی
۳۲. حضرت آ. چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپادا

# فصل اول

# مشاهده سپاهیان در میدان جنگ کوروکشترا

## آیه ۱

*dhṛtarāṣṭra uvāca*
*dharma-kṣetre kuru-kṣetre*
*samavetā yuyutsavaḥ*
*māmakāḥ pāṇḍavāś caiva*
*kim akurvata sañjaya*

*dhṛtarāṣṭraḥ uvāca* : پادشاه دهریتاراشترا گفت ـ *dharma-kṣetre*: در مکان زیارت ـ *kuru-kṣetre*: در مکانی که کوروکشترا نام دارد ـ *samavetāḥ*: گرد آمدند ـ *yuyutsavaḥ*: خواستار جنگ ـ *māmakāḥ*: گروه (پسران) من ـ *pāṇḍavāḥ*: پسران پاندو ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: چه ـ *akurvata*: (چه) آنها انجام دادند ـ *sañjaya*: ای سانجایا.

### ترجمه

**دهریتاراشترا گفت: ای سانجایا، پسران من و پسران پاندو، پس از گرد آمدن به قصد نبـرد در مکـان زیارتی کوروکشترا، چه کردند؟**

## شرح

بهاگاواد–گیتا آن علم خداشناسی است که در سطح وسیعی مورد مطالعه مردم جهان می‌باشد و در گیتا ـ ماهاتمیا (تجلیل از گیتا) خلاصه شده است. در این کتاب آمده است که انسان باید بهاگاواد–گیتارا بسیار دقیق به کمک یک عابد و فدایی شری کریشنا بخواند و بکوشد آن را بدون تفسیرهای‌آمیخته به انگیزه‌های خودخواهانه شخصی درک نماید. نمونه و مثال چنین درک و فهم روشنی در خود بهاگاواد–گیتا وجود دارد، یعنی به آن طریق که آرجونا – کسی که گیتا را مستقیماً از خداوند شنید – این تعالیم را درک نمود. اگر کسی چنان خوشبخت باشد که بهاگاواد–گیتا را در این خط سلسله پیران، بدون هیچگونه تفسیر مبتنی بر انگیزه‌های خودخواهانه مادی درک کند، آنگاه به تمام مطالعات دانش ودایی و تمام کتابهای مقدس جهان دست یافته است. انسان در بهاگاواد–گیتا تمام آن چیزهایی را که در کتب مقدس دیگر آمده است خواهد یافت و در عین حال به چیزهایی نیز پی‌خواهد برد که هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود. این معیار بخصوص گیتا آن علم کامل خداشناسی است، زیرا شخصیت اعلای خداوند، شری کریشنا، آن را مستقیماً بیان نموده است.

موضوعاتی که دهریتاراشترا و سانجایا درباره آن گفتگو کرده‌اند، چنانکه در ماهابهاراتا شرح داده شده است، مبادی و اصول اساسی این فلسفه بزرگ را تشکیل می‌دهد. این فلسفه در میدان جنگ کوروکشترا – جایی که از زمانهای بسیار باستان عهد ودایی مکان مقدسی برای زیارت بوده است – شکل می‌گیرد و آن را خداوند هنگامی که شخصاً در این کره ارض برای هدایت بشر حضور داشت، بیان نموده است.

واژه دهارما ـ کشترا (مکانی که در آن آیینهای مذهبی برگزار می‌شود) حائز اهمیت است، زیرا در میدان جنگ کوروکشترا، شخصیت متعال پروردگار در کنار آرجونا قرار داشت. دهریتاراشترا، پدرکوروها، شدیداً در مورد پیروزی نهایی پسران خود تردید داشت و به واسطه این تردید از منشی‌خود سانجایا پرسید: "آنها چه کردند؟" با وجود آنکه او اطمینان داشت که پسرانش و پسران برادر جوانترش پاندو هر دو در میدان کوروکشترا برای یک جنگ حتمی‌الوقوع اجتماع کرده‌اند، سؤال وی حائز اهمیت است، زیرا او نمی‌خواست مصالحه‌ای بین عموزادگان و برادران صورت گیرد، بلکه خواستار آن بود تا از سرنوشت پسران خویش در میدان جنگ اطمینان خاطر حاصل نماید. چون نبرد در کوروکشترا ترتیب داده شده بود – و این سرزمین در جای دیگری از وداها حتی برای ساکنان بهشت به عنوان یک مکان پرستش نام برده شده است – دهریتاراشترا از تأثیر مکان مقدس بر نتیجه جنگ بسیار بیمناک بود. او به خوبی می‌دانست که این امر بر آرجونا و پسران پاندو تأثیر مطلوبی‌خواهد گذاشت، زیرا آنان همگی ذاتاً باتقوا و پاکدامن بودند. سانجایا یکی از شاگردان ویاسا بود و به همین دلیل به لطف ویاسا قادر بود با چشم دل صحنه نبرد کوروکشترا را در حالی که در اتاق دهریتاراشترا نشسته بود ببیند و به همین سبب دهریتاراشترا درباره موقعیت میدان جنگ از او سؤال کرد.
پانداواها و پسران دهریتاراشترا هر دو به یک خانواه تعلق داشتند، منتها در اینجا از فکر دهریتاراشترا پرده برداشته می‌شود. او عمداً فقط پسران خویش را به عنوان کوروها به حساب آورد و پسران پاندو را از میراث خانوادگی محروم ساخت. در نتیجه انسان می‌تواند دیدگاه و حالت خاص دهریتاراشترا را در رابطه با برادرزادگان خود، یعنی پسران پاندو، درک نماید. همانگونه که از زمین زیرکشت، گیاهان زاید را بیرون می‌کشند، از همان آغاز چنین انتظار می‌رفت که سرزمین مذهبی کوروکشترا – جایی که پدر دین یعنی شری‌کریشنا حضور یافته – از لوث وجود گیاهان زایدی چون پسر دهریتاراشترا به نام دوریودهانا و دیگران پاک گردد و اشخاص کاملا دیندار به سرکردگی یودهیشت‌هیرا از طرف خداوند منصوب شوند. این اهمیت واژه‌های دهارما ـ کشتر و کورو ـ کشتر، جدا از اهمیت ودایی و تاریخی آنهاست.

## آیه ۲

*sañjaya uvāca*
*dṛṣṭvā tu pāṇḍavānīkaṁ*
*vyūḍhaṁ duryodhanas tadā*
*ācāryam upasaṅgamya*
*rājā vacanam abravīt*

*sañjayaḥ uvāca*: سانجایا گفت ـ *dṛṣṭvā*: پس از دیدن ـ *tu*: اما ـ *pāṇḍava-anīkam*: سربازان‌پانداواها ـ *vyūḍham*: صف‌آرایی شده در آرایشی نظامی ـ *duryodhanaḥ*: شاه دوریودهانا ـ *tadā*: در آن زمان ـ *ācāryam*: معلم، آموزگار ـ *upasaṅgamya*: جلو رفتن، نزدیک‌شدن ـ *rājā*: شاه ـ *vacanam*: کلمات، سخنان ـ *abravīt*: سخن گفت.

## ترجمه

**سانجایا گفت: پادشاها، شاه دوریودهانا پس از نگریستن به سپاهی که به دست پسران پاندو صف‌آرایی شده بود، نزد استاد خویش رفت و چنین گفت.**

## شرح

دهریتاراشترا از بدو تولد نابینا و متأسفانه از بینش روحانی نیز محروم بود. او بسیار خوب می‌دانست که پسرانش نیز مانند او در موضوع دین فاقد بصیرت هستند و مطمئن بود که آنها هرگز با پانداواها که همگی از بدو تولد باتقوا و پاکدامن بودند، به توافقی نخواهند رسید. با وجود این، او درباره تأثیر مکان زیارتی تردید داشت و سانجایا می‌توانست انگیزه وی را از سؤال او درباره موقعیت صحنه نبرد درک کند. به همین جهت سانجایا بر آن شد که پادشاه ناامید و غمگین را دلگرم سازد و بدین ترتیب به او اطمینان بخشید که پسرانش به علت تأثیر احتمالی مکان مقدس قصد هیچ نوع مصالحه‌ای ندارند. بنابراین سانجایا به پادشاه اطلاع داد که پسرش دوریودهانا پس از مشاهده قدرت نظامی پانداواها بی‌درنگ به سوی فرمانده کل قوای خود دروناچاریا رفت تا او را از وضعیت حقیقی موجود در صحنه نبرد مطلع گرداند. هر چند که دوریودهانا با عنوان شاه نام برده شده است، ولی به لحاظ چنین وضعیت خطیری مجبور گردید نزد فرمانده رود و به این دلیل کاملا شایسته آن بود که یک سیاستمدار باشد. ولی حتی ظاهر سیاستمدارانه دوریودهانا نیز نمی‌توانست ترسی را که هنگام دیدن آرایش نظامی ارتش پانداواها به او دست داده بود، مخفی سازد.

## آیه ۳

*paśyaitāṁ pāṇḍu-putrāṇām*
*ācārya mahatīṁ camūm*
*vyūḍhāṁ drupada-putreṇa*
*tava śiṣyeṇa dhīmatā*

*paśya*: بنگر ـ *etām*: این ـ *pāṇḍu-putrāṇām*: مربوط به پسران پاندو ـ *ācārya*: ای آموزگار ـ *mahatīm*: عظیم ـ *camūm*: نیروی نظامی ـ *vyūḍhām*: صف‌آرایی شده، منظم گردیده ـ *drupada-putreṇa*: به دست پسر دروپادا ـ *tava*: مال تو، ت (ضمیر ملکی) ـ *śiṣyeṇa*: شاگرد، مرید ـ *dhī-matā*: بسیار هوشمند.

## ترجمه

**ای آموزگار من، به نظاره سپاه عظیم پسران پاندو بنشین که با چه مهارتی به دست شاگرد هوشمندت، پسر دروپادا، صف‌آرایی شده است.**

## شرح

دوریودهانا سیاستمدار بزرگ بر آن بود تا نقایص دروناچاریا، براهمانا بزرگ و فرمانده کل را به اوخاطرنشان سازد. دروناچاریا با شاه دروپادا – که پدر دروپادی زن آرجونا است – قدری اختلافات‌سیاسی داشت. در نتیجه این اختلاف، دروپادا مراسم قربانی بزرگی ترتیب داد که به موجب آن، برکت داشتن پسری نصیبش گردید که قادر به کشتن دروناچاریا باشد. دروناچاریا این را کاملا به خوبی می‌دانست و با وجود این به عنوان براهمانایی آزادمنش، زمانی که پسر دروپادا به نام دهریشتاد یومنا برای آموزش نظامی به او سپرده شد، در بازگو نمودن کلیه رازهای نظامیش، تردیدی به خود راه نداد. اکنون در میدان جنگ کوروکشترا، دهریشتادیومنا جانب پانداواها را گرفت و او شخصی بود که با فراگیری فنون آرایش نظام از دروناچاریا، سپاهیان پیاده‌نظام پانداواها را صف‌آرایی نمود. دوریودهانا این اشتباه دروناچاریا را گوشزد کرد تا وی آگاه و هوشیار باشد و فکر سازش درجنگ به خود راه ندهد. همچنین به این وسیله می‌خواست خاطرنشان سازد که دروناچاریا نباید درنبرد با پانداواها که شاگردان محبوب وی بودند، نرمش و ملایمتی به خرج دهد، بخصوص با آرجوناکه محبوبترین و درخشانترین شاگرد او محسوب می‌شد. علاوه بر آن، دوریودهانا هشدار داد که چنین ملایمتی در جنگ به شکست منجر خواهد شد.

## آیه ۴

*atra śūrā maheṣv-āsā*
*bhīmārjuna-samā yudhi*
*yuyudhāno virāṭaś ca*
*drupadaś ca mahā-rathaḥ*

*atra*: اینجا ـ *śūrāḥ*: قهرمانان ـ *mahā-iṣu-āsāḥ*: کمانگیران نیرومند ـ *bhīma-arjuna*: با بهیما و آرجونا ـ *samāḥ*: مساوی، یکسان ـ *yudhi*: در جنگ ـ *yuyudhānaḥ*: یویودهانا ـ *virāṭaḥ*: ویراتا ـ *ca*: همچنین ـ *drupadaḥ*: دروپادا ـ *ca*: همچنین ـ *mahā-rathaḥ*: جنگجوی بزرگ.

## ترجمه

**در این سپاه، کمانگیران قهرمان بسیاری وجود دارند که در نبرد همچون بهیما و آرجونا هستند؛ سلحشوران دلاوری همانند یویودهانا، ویراتا و دروپادا.**

## شرح

هرچند دهریشتادیومنا در مقابل قدرت عظیم جنگاوری دروناچاریا مانع بسیار مهمی قلمداد نمی‌شد، ولی افراد متعدد دیگری حضور داشتند که وجود آنها موجب ترس و نگرانی می‌گردید و دوریودهانا از آنها به عنوان موانع بزرگی در راه پیروزی نام برده است، زیرا یکایک آنها در دلاوری ونیرومندی نظیر آرجونا و بهیما بودند. او به قدرت بهیما و آرجونا واقف بود و از این رو دیگران را با آنها مقایسه کرده است.

## آیه ۵

*dhṛṣṭaketuś cekitānaḥ*
*kāśirājaś ca vīryavān*
*purujit kuntibhojaś ca*
*śaibyaś ca nara-puṅgavaḥ*

*dhṛṣṭaketuś*: دهریشتاکتو ـ *cekitānaḥ*: چکیتانا ـ *kāśirājaś*: کاشیراجا ـ *ca*: همچنین،علاوه بر این ـ *vīryavān*: بسیار قدرتمند ـ *purujit*: پوروجیت ـ *kuntibhojaś*: کونتی‌بهوجا ـ *ca*: و ـ *śaibyaś*: شای‌بیا ـ *ca*: و ـ *nara-puṅgavaḥ*: قهرمان در جامعه انسانی.

## ترجمه

**علاوه بر این، دلیران قدرتمند و قهرمانان بزرگی همچون دهریشتاکتو، چکیتانا، کاشیراجا، پوروجیت، کونتی‌بهوجا و شاییبیا به چشم می‌خورند.**

## آیه ۶

*yudhāmanyuś ca vikrānta*
*uttamaujāś ca vīryavān*

*saubhadro draupadeyāś ca*
*sarva eva mahā-rathāḥ*

*yudhāmanyuś*: یودهامانیو ـ *ca*: و ـ *vikrānta*: قدرتمند ـ *uttamaujāś*: اوتاموجا ـ *ca*: و *vīryavān*: بسیار نیرومند ـ *saubhadro*: پسر سوبهادرا ـ *draupadeyāś*: پسران دروپادی ـ *ca*: و ـ *sarva*: تمام، همه ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *mahā-rathāḥ*: جنگجویانی که در جنگ با ارابه مهارت دارند.

## ترجمه

**دلیرانی همچون یودهامانیوی قدرتمند، اوتاموجای بسیار نیرومند، پسر سوبهادرا و پسران دروپادی، که همگی در جنگ با ارابه بسیار استادند نیز حضور دارند.**

## آیه ۷

*asmākaṁ tu viśiṣṭā ye*
*tān nibodha dvijottama*
*nāyakā mama sainyasya*
*saṁjñārthaṁ tān bravīmi te*

*asmākaṁ*: مال ما ـ مان (ضمیر ملکی) ـ *tu*: اما ـ *viśiṣṭā*: مخصوصاً قدرتمند ـ *ye*: کسی که، که ـ *tān*: به آنها، آنها را (ضمیر مفعولی) ـ *nibodha*: مطلع شو ـ *dvija-uttama*: ای بهترین‌براهماناها ـ *nāyakāḥ*: سرداران ـ *mama*: مال من، م (ضمیر ملکی) ـ *sainyasya*: مربوط به‌سربازان ـ *saṁjñārthaṁ*: برای اطلاع ـ *tān*: به آنها، آنها را (ضمیر مفعولی) ـ *bravīmi*: من صحبت می‌کنم ـ *te*: به شما.

## ترجمه

**ای بهترین براهماناها، اینک اجازه دهید سردارانی را که شایسته رهبری نیروی نظامی من هستند نام ببرم و برای اطلاع شما، توضیحاتی درباره آنان بیان کنم.**

## آیه ۸

*bhavān bhīṣmaś ca karṇaś ca*
*kṛpaś ca samitiṁ-jayaḥ*
*aśvatthāmā vikarṇaś ca*
*saumadattis tathaiva ca*

*bhavān*: خود شما ـ *bhīṣmaś*: پدربزرگ بهیشما ـ *ca*: همچنین ـ *karṇaś*: کارنا ـ *ca*: و *kṛpaś*: کریپا ـ *ca*: و ـ *samitiṁ-jaya*: همواره در نبرد پیروز ـ*aśvatthāmā* : آشواتهاما ـ*vikarṇaś* : ویکارنا ـ *ca*: به علاوه، و، هم ـ *saumadattis*: پسر سوماداتا ـ *tathā*: هم ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**در سپاه ما شخصیتهایی حضور دارند همچون خود شما، بهیشما، کارنا، کریپا، آشواتهاما، ویکارنا و پسر سوماداتا به نام بهوریشراوا که همگی چهره‌هایی پیروز در نبردند.**

## شرح

دوریودهانا از قهرمانانی استثنایی نام می‌برد که در این جنگ حضور دارند و همگی همواره پیروزند. ویکارنا، برادر دوریودهانا؛ آشواتهاما، پسر دروناچاریا؛ و سوماداتی یا بهوریشراوا، پسر شاه باهلیکاس است. کارنا، برادر ناتنی آرجونا است که از کونتی قبل از ازدواجش با پادشاه پاندو تولد یافته بود. خواهر دوقلوی کریپاچاریا نیز با دروناچاریا ازدواج کرد.

## آیه ۹

*anye ca bahavaḥ śūrā*
*mad-arthe tyakta-jīvitāḥ*
*nānā-śastra-praharaṇāḥ*
*sarve yuddha-viśāradāḥ*

*anye*: دیگران ـ *ca*: همچنین ـ*bahavaḥ* : تعداد زیاد ـ *śūrā*: قهرمانان ـ *mad-arthe*: به خاطرمن ـ *tyakta-jīvitāḥ*: آماده‌اند جان را در معرض خطر قرار دهند ـ *nānā*: بسیار ـ *śastra*: سلاحها ـ *praharaṇāḥ*: مجهز هستند به ـ *sarve*: تمام آنها ـ *yuddha-viśāradāḥ*: در علوم جنگاوری باتجربه‌اند.

## ترجمه

**قهرمانان بسیار دیگری نیز وجود دارند که آماده‌اند جان خود را در راه من فدا کنند. آنان همگی به سلاحهای گوناگون تجهیز شده‌اند و در علوم جنگاوری بسیار باتجربه‌اند.**

## شرح

تا جایی که به دیگران مربوط می‌شود – همانند جایادراتها، کریتاوارما و شالیا – همگی مصمم شده‌اند به خاطر دوریودهانا زندگی خود را فدا سازند. به عبارت دیگر تقدیر از قبل چنین رقم زده بود که همه آنها در جنگ کوروکشترا کشته شوند، زیرا به صف درویودهانای گناهکار ملحق گردیده بودند. البته دوریودهانا نسبت به پیروزی خود اطمینان داشت و آن به پشتگرمی قدرت متحد شده دوستانش بود که در فوق ذکر گردید.

## آیه ۱۰

*aparyāptaṁ tad asmākaṁ*
*balaṁ bhīṣmābhirakṣitam*
*paryāptaṁ tv idam eteṣām*
*balaṁ bhīmābhirakṣitam*

*aparyāptaṁ*: بی‌اندازه ـ *tad*: آن ـ *asmākaṁ*: متعلق به ما ـ *balaṁ*: قدرت ـ *bhīṣmā*: به‌دست پدربزرگ بهیشما ـ *abhirakṣitam*: کاملا حفاظت شده ـ *paryāptaṁ*: محدود ـ *tv*: ولی ـ *idam*: تمام این ـ *eteṣāṁ*: مربوط به پانداواها ـ *balaṁ*: قدرت ـ *bhīm*: به دست بهیما ـ *abhirakṣitam*: کاملا حفاظت شده.

## ترجمه

**قدرت ما بی‌اندازه زیاد است و کاملا از طرف پدربزرگ بهیشما حفاظت می‌شویم، در حالی کـه نیـروی پانداواها که بهیما به دقت از آن محافظت می‌کند، محدود است.**

## شرح

در اینجا دوریودهانا یک برآورد نسبی از نیروهای طرفین به عمل آورده است. او چنین می‌اندیشد که قدرت نیروی نظامیش بی‌اندازه است، بخصوص که از سوی باتجربه‌ترین فرمانده, یعـنی پدربزرگ بهیشما، حفاظت می‌گردد و از طرف دیگر نیروی پانداواها محدود است زیرا ازسوی یک فرمانده کم‌تـجربه‌تر، یـعنی بهیما، حفاظت می‌گردد که در مقابل بهیشما کاملا ناچیز شـمرده می‌شود. دوریـودهانا همواره نسبت به بهیما حسادت می‌ورزید، زیرا به خوبی می‌دانست که اگر تقـدیر مرگ وی را رقـم زنـد فقط به دست بهیما کشته خواهد شد. ولی در عین حال به علت حضور بهیشما که فرمانده به مراتب برتری بود، به پیروزی خود اطمینان داشت.

## آیه ۱۱

*ayaneṣu ca sarveṣu*
*yathā-bhāgam avasthitāḥ*
*bhīṣmam evābhirakṣantu*
*bhavantaḥ sarva eva hi*

*ayaneṣu*: در مکانهای حساس ـ *ca*: همچنین ـ *sarveṣu*: همه جا ـ*yathā-bhāgam* : همچنانکه به طور متفاوتی منظم گردیده ـ *avasthitāḥ*: قرار گرفته ـ *bhīṣmam*: نسبت به پدربزرگ بهیشما ـ *evā*: حتماً، محققاً ـ *abhirakṣantu*: می‌باید حمایت ورزید ـ *bhavantaḥ*: شما ـ *sarva*: همه به ترتیب ـ *eva hi*: حتماً، محققاً.

## ترجمه

**اکنون تمامی شما در حالی که در مواضع حساس خود در صفوف سپاه جای گرفته‌اید، می‌باید از حمایت کامل خود نسبت به پد ربزرگ بهیشما دریغ نورزید.**

## شرح

دوریودهانا پس از تحسین قدرت و قابلیت بهیـشما، در فکر بود که دیگران ممکن است گمان کنند کم‌اهمیت‌تر قلمداد شده‌اند، از این رو به طرز سیاستـمدارانه همیشگی خود با با بیان عبارتهای فوق کوشید وضعیت را تعدیل کند. او تأکید کرد که بهیشمادوا بی‌تردید بزرگترین قهرمان، ولی درعین حال مردی سالخورده است و به همین جهت همه باید بخصوص در فکر حمایت او از تمام جوانب باشـند. ممکن است او مشـغول جنگ گردد و دشـمن بتواند به خاطر مشغولیت کامل وی در یک قسمت از موقعیت بهره‌برداری نماید. به همین دلیل، این امر اهمیت داشت که قهرمانان دیگر مواضع حساس خود را ترک نکنند و به دشمن اجازه ندهند صف‌آرایی سپاه را در هم شکنند. دوریـودهانا که کاملا احساس می‌کرد پـیروزی کوروها به حضور بهیشمادوا بستگی دارد، مطمئن بود که از حـــمایت کامل بهیشمادوا و دروناچاریا در این جـنـگ برخوردار است، زیرا خوب به یادداشت همان گونه که در مراسم شرطبندی بین کوروها و پانداواها قرار شد دروپادی، زن آرجونا، در مجمع

تمام فرماندهان بزرگ برهـنه گردد و دروپادی با درماندگی رو به بهیشمادوا و دروناچاریا به دادخواهی آمد، آنها حتی کلـمه‌ای برای جانبداری از زن مظلوم واقع شده بر زبان جاری نساختند، اکنون نیز دوریودهانا امید داشت که این دو سردار بزرگ همچون مراسم شرطبندی به رغم علاقه‌شان‌به پانداواها از ابراز احساسات خود نسبت به آنان خودداری نمایند.

## آیه ۱۲

*tasya sañjanayan harṣaṁ*
*kuru-vṛddhaḥ pitāmahaḥ*
*siṁha-nādaṁ vinadyoccaiḥ*
*śaṅkhaṁ dadhmau pratāpavān*

*tasya*: مال او، ش (ضمیر ملکی) ـ *sañjanayan*: افزون‌کننده ـ *harṣaṁ*: شادی، سرخوشی ـ *kuru-vṛddhaḥ*: سرکرده سلسله کورو (بهیشما) ـ *pitāmahaḥ*: پدربزرگ ـ *siṁha-nādaṁ*: صدای‌پرشور، آوای بلند همانند غرش شیر ـ *vinadya*: به ارتعاش درآوردن ـ *uccaiḥ*: : بسیار بلند ـ *śaṅkham*: شیپور*dadhmau* : دمید ـ *pratāpa-vān*: شجاع، دلاور.

### ترجمه

**آنگاه بهیشما – دلاور بزرگ، سرکرده سلسله کورو و پدربزرگ سلحشوران – با تـوان بسـیار درشـیپور صدفی خود دمید که طنین همچون غرش شیر آن دوریودهانا را شادمان کرد.**

### شرح

سرکرده سلسله کورو می‌توانست آنچه را در قلب نوه خود دوریودهانا می‌گذشت درک کند و از روی دلسوزی طبیعیش برای او کوشید با به صدا در آوردن شیپور صدفی خود با صدایی بسیار بلند که متناسب با موقعیت آن شیرمرد بود، دوریودهانا را به شوق آورد. از طرف دیگر به صدا در آوردن شیپور صدفی به طور غیر مستقیم نشانه آن بود که او نوه افسرده خود دوریودهانا را آگاه سازد که دراین جنگ هیچ شانس پیروزی ندارد، زیرا خداوند متعال کریشنا در جبهه مقابل حضور داشت. ولی با وجود این، وظیفه او ایجاب می‌کرد که جنگ را بر پا دارد و از تحمل هیچ درد و رنجی دریغ نورزد.

## آیه ۱۳

*tataḥ śaṅkhāś ca bheryaś ca*
*paṇavānaka-gomukhāḥ*
*sahasaivābhyahanyanta*
*sa śabdas tumulo 'bhavat*

*tataḥ*: پس از آن ـ *śaṅkhāś*: شیپورها ـ *ca*: همچنین ـ *bheryaś*: طبلهای بزرگ ـ *ca*: و ـ *paṇava-ānaka*: طبلهای کوچک و سازهای کوبه‌ای ـ *go-mukhāḥ*: بوقها ـ *sahasā*: ناگهان ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *abhyahanyanta*: همزمان به صدا درآمدند ـ*saḥ* : آن ـ*śabdaḥ* : صدای مشترک ـ *tumulaḥ*: پرهیاهو ـ *abhavat*: گردید.

### ترجمه

**سپس شیپورها، طبلها، بوقها و کرناها همگی ناگهان به صدا درآمدند و غوغای عظیمی از طنین‌آنها به پا خاست.**

## آیه ۱۴

*tataḥ śvetair hayair yukte*
*mahati syandane sthitau*
*mādhavaḥ pāṇḍavaś caiva*
*divyau śaṅkhau pradadhmatuḥ*

*tataḥ*: پس از آن ـ *śvetair*: با رنگ سفید ـ *hayair*: اسبها ـ *yukte*: بسته شدن ـ *mahati*: در(ارابه) بزرگی ـ *syandane*: ارابه ـ *sthitau*: قرار داشتند ـ *mādhavaḥ*: کریشنا (همسر الهه بخت واقبال) ـ *pāṇḍavaś*: آرجونا (پسر پاندو) *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *divyau*: آسمانی، روحانی ـ *śaṅkhau*: شیپورها ـ *pradadhmatuḥ*: به صدا درآوردند.

## ترجمه

**در جبهه مقابل، خداوند کریشنا و آرجونا، ایستاده در ارابه بزرگی که با اسبانی سفید کشـیده‌مـی‌شـد، شیپورهای ملکوتی خود را به صدا درآورند.**

## شرح

شیپورهایی که در دست کریشنا و آرجونا قرار دارد، برخلاف شیپوری که بهیشمادوا در آن دمید، با عنوان آسمانی توصیف شده‌اند. به صدا در آمدن شیپورهای روحانی نشانه آن بود که هیچ امیدی برای پیروزی جبهه مقابل وجود ندارد، زیرا کریشنا در صف پانداواها حضور داشت.*Jayas tu pāṇḍu-putrāṇāṁ yeṣāṁ pakṣe janārdanaḥ*. پیروزی همواره از آن کسانی همانند پسران پاندو است، زیرا خداوند کریشنا در جوار آنان بود. و در هر کجا و هر زمان که خداوند حضور داشته باشد، الهه بخت و اقبال نیز وجود دارد، زیرا الهه بخت و اقبال هرگز به تنهایی بدون همسر خود زندگی نمی‌کند. بنابراین، پیروزی و خوشبختی در انتظار آرجونا بود، چنانکه با طنین آسمانی حاصل از شیپور صدفی ویشنو یا خداوند کریشنا نشان داده شد. علاوه بر این، ارابه‌ای را که دو دوست در آن نشسته بودند، آگنی (خداوندگار آتش) به آرجونا اهدا کرده بود و این نشان‌دهنده آن بود که این ارابه در هر کجای سه جهان رانده شود، قادر است در تمام جبهه‌ها فاتح گردد.

## آیه ۱۵

*pāñcajanyaṁ hṛṣīkeśo*
*devadattaṁ dhanañjayaḥ*
*pauṇḍraṁ dadhmau mahā-śaṅkhaṁ*
*bhīma-karmā vṛkodaraḥ*

*pāñcajanyaṁ*: شیپوری که پانچاجانیا نام دارد ـ *hṛṣīkeśo*: هریشی‌کشا (کریشنا، خداوندکه حواس عابدین را هدایت می‌کند) ـ *devadattaṁ*: شیپوری که دواداتا نام دارد ـ *dhanañjayaḥ*: دهانانجایا (آرجونا، فاتح ثروت) ـ *pauṇḍraṁ*:

شیپوری که پوندرا نام دارد ـ *dadhmau*: دمید ـ *mahā-śaṅkham*: شیپور هولناک و فوق‌العاده ـ *bhīma-karmā*: کسی که کارهای خارق‌العاده پهلوانان را انجام می‌دهد ـ *vṛka-udaraḥ*: پرخور بزرگ (بهیما).

## ترجمه

**آنگاه کریشنا شیپور صدفی خود به نام پانچاجانیا را به صدا درآورد؛ آرجونا در شیپور خود موسوم به دواداتا دمید و بهیما، آن پرخور بزرگ که قادر به انجام کارهای خارق‌العاده پهلوانی بود، شیپور بی‌نظیرش پوندرا را به طنین درآورد.**

## شرح

در این آیه از خداوند کریشنا با عنوان هریشی‌کشا نام برده شده، زیرا او مالک و صاحب تمام حواس است. موجودات زنده اجزا و ذرات لاینفک او هستند و بنابراین حواس موجودات زنده نیز جزء و ذره‌ای لاینفک از حواس او محسوب می‌گردد. بی‌هویت‌گرایان نمی‌توانند برای حواس موجودات زنده دلیلی اقامه کنند و از این رو همواره تمایل دارند تمام موجودات زنده را به صورت موجوداتی فاقد حواس یا فاقد شخصیت (فاقد هویت) توصیف کنند. خداوند که در قلب تمام موجودات زنده حضور دارد حواس آنان را هدایت می‌کند. لیکن این هدایت به نسبت تسلیم موجود زنده صورت می‌گیرد و در مورد عابد پاک، خداوند مستقیماً حواس وی را کنترل می‌کند. اینک در میدان جنگ کوروکشترا خداوند حواس روحانی آرجونا را مستقیماً کنترل می‌کند و اطلاق این نام ویژه هریشی‌کشا از این رو است. خداوند طبق اعمال مختلف خود نامهای گوناگونی دارد. برای مثال نام او مادهوسودانا است، زیرا دیوی به نام مادهو را کشت؛ نام او گوویندا است، زیرا به گاوها و حواس لذت می‌بخشد؛ نام او وآسودوا است، زیرا به صورت پسر واسودوا ظاهر شد؛ نام اودواکی ـ ناندانا است، زیرا دواکی را به عنوان مادر خود پذیرفت؛ نام او یاشودا ـ ناندانا است، زیرا او بازیهای دوران طفولیت خود را در وریندااوانا به یاشودا اعطا کرد؛ نام او پارتها ـ ساراتهی است، زیرا او راندن ارابه دوست خود آرجونا را به عهده گرفت. به همین ترتیب نام او هریشی‌کشا نیز هست، زیرا آرجونا را در میدان جنگ کوروکشترا هدایت نمود.

در این آیه آرجونا با نام دهانانجایا خطاب شده، زیرا به برادر بزرگتر خود کمک کرد تا مخارج مراسم قربانیهای مختلف را جمع‌آوری کند. به همین ترتیب بهیما نیز به نام وریکودارا خطاب شده، زیرا به همان میزان که اشتهای وافری به غذا داشت می‌توانست کارهای پهلوانان افسانه‌ای را نیز انجام دهد، مانند کشتن دیوی به نام هیدیمبا. بنابراین با آغاز صدای شیپور خداوند و صدای انواع شیپورهای خاصی که شخصیتهای گوناگون در جبهه پانداواها به صدا درآوردند، موجبات دلگرمی بسیاری برای سربازان جنگاور فراهم شد. در جبهه مقابل به هیچ وجه چنین مزایایی همچون حضور خداوند کریشنا، یعنی هدایت‌کننده متعال و یا حضور الهه بخت و اقبال وجود نداشت. پس شکست آنان در این جنگ مقدر شده بود و این پیامی بود که با طنین صدای شیپورها اعلام گردید.

## آیات ۱۶ـ ۱۸

*anantavijayaṁ rājā*
*kuntī-putro yudhiṣṭhiraḥ*
*nakulaḥ sahadevaś ca*
*sughoṣa-maṇipuṣpakau*

*kāśyaś ca parameṣv-āsaḥ*
*śikhaṇḍī ca mahā-rathaḥ*
*dhṛṣṭadyumno virāṭaś ca*
*sātyakiś cāparājitaḥ*

*drupado draupadeyāś ca*
*sarvaśaḥ pṛthivī-pate*
*saubhadraś ca mahā-bāhuḥ*
*śaṅkhān dadhmuḥ pṛthak pṛthak*

*ananta-vijayam*: شیپوری که آنانتاویجایا نام دارد ـ *rājā*: شاه ـ *kuntī-putro*: پسر کونتی ـ *yudhiṣṭhiraḥ*: یودهیشت‌هیرا ـ *nakulaḥ* : ناکولا ـ *sahadevaś*: ساهادوا ـ *ca*: و ـ *sughoṣa-maṇipuṣpakau*: شیپورهایی که سوگهوشا و مانی‌پوشپاکا نام دارد ـ *kāśyaś*: شاه کاشی(واراناسی) ـ *ca*: و ـ *parama-iṣu-āsaḥ*: کمانگیر بزرگ ـ *śikhaṇḍī*: شیکهاندی ـ *ca*: همچنین ـ *mahā-rathaḥ*: کسی که قادر است به تنهایی در مقابل هزاران نفر بجنگد ـ *dhṛṣṭadyumnaḥ*: دهریشتادیومنا (پسر شاه دروپادا) ـ *virāṭaḥ*: ویراتا (شاهزاده‌ای که به پانداواها – هنگامی که مخفی‌بودند و لباس مبدل به تن داشتند – پناه داد) ـ *ca*: همچنین ـ *sātyakiḥ*: ساتیاکی (همانندیویودهانا، ارابه‌ران خداوند کریشنا) ـ *ca*: و ـ *aparājitaḥ*: کسی که هرگز مغلوب نگردیده است ـ *drupadaḥ*: دروپادا، شاه پانچالا ـ *draupadeyāḥ*: پسران دروپادی ـ *ca*: همچنین ـ *sarvaśaḥ*: همه ـ *pṛthivī-pate*: پادشاها ـ *saubhadraḥ*: آبهیمانیو، پسر سوبهادرا ـ *ca*: همچنین ـ *mahā-bāhuḥ*: قدرتمند مسلّح، پر ساز و برگ ـ *śaṅkhān*: شیپورها ـ *dadhmuḥ*: دمیدند *pṛthak pṛthak*: هر یک جداگانه.

## ترجمه

**شاه یودهیشت‌هیرا، پسر کونتی، شیپور صدفی خود موسوم به آنانتاویجایا را به صدا درآورد و ناکولا و ساهادوا در سوگهوشا و مانی‌پوشپاکا دمیدند. پادشاها، آن کمانگیر بزرگ شاهِ کاشی، جنگجوی بزرگ شیکهاندی، دهریشتادیومنا، ویراتا، ساتیاکی شکست‌ناپذیر، دروپادا، پسران دروپادی و دیگران همچون پسر سوبهادرا که مجهز به سلاحهای گوناگون بود همگی شیپورهای خود را به صدا درآوردند.**

## شرح

سانجایا با ظرافت و مهارت پادشاه دهریتاراشترا را آگاه ساخت که سیاست نابخردانه وی در فریب دادن پسران پاندو و تلاش برای آنکه پسران خویش را بر تخت پادشاهی بنشاند، کار چندان پسندیده‌ای نیست. از علائم و قرائن چنین برمی‌آید که تمام سلسله کورو در این جنگ بزرگ کشته خواهند شد. از پدربزرگ بهیشما گرفته تا نوه‌ها، همچون آبهیمانیو و سایرین – به انضمام شاهان بسیاری از قسمتهای جهان – که همگی حضور داشتند و همگی محکوم به فنا بودند. مسئولیت تمام این فاجعه بر عهده پادشاه دهریتاراشترا بود، زیرا سیاستی را که پسرانش دنبال می‌کردند تشویق می‌نمود.

## آیه ۱۹

*sa ghoṣo dhārtarāṣṭrāṇāṁ*

*hṛdayāni vyadārayat*
*nabhaś ca pṛthivīṁ caiva*
*tumulo 'bhyanunādayan*

*saḥ* : آن ـ *ghoṣaḥ*: ارتعاش ـ *dhārtarāṣṭrāṇāṁ*: مربوط به پسران دهریتاراشترا ـ *hṛdayāni*: قلبها ـ *vyadārayat*: به لرزه درآمد، به لرزه درآورد ـ *nabhaḥ*: آسمان ـ *ca*: همچنین ـ *pṛthivīṁ*: سطح زمین ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: محققاً، حتماً ـ *tumulaḥ*: پرهیاهو، پرغوغا ـ *abhyanunādayan*: طنین‌انداز.

## ترجمه

**با به صدا درآمدن تمامی این شیپورها، غوغای عظیمی به پا خاست که طنین آن در آسمان و زمین قلب پسران دهریتاراشترا را به لرزه درآورد.**

## شرح

هنگامی که بهیشما و افراد دیگری که در جبهه دوریودهانا قرار داشتند، شیپورهای خود را به صدا درآوردند، هیچگونه ترسی در دل پانداواها راه نیافت. معمولا چنین وقایعی ذکر نمی‌گردد، ولی در این آیه خاص بیان شده است که قلب پسران دهریتاراشترا از صدای شیپورهای پانداواها به لرزه درآمد. این واقعه به علت پاکی پانداواها و اطمینان قلبی آنان به خداوند کریشنا است. کسی که به خداوند متعال پناه می‌برد، حتی در میان بزرگترین مصائب دچار هیچگونه هراسی نمی‌گردد.

## آیه ۲۰

*atha vyavasthitān dṛṣṭvā*
*dhārtarāṣṭrān kapi-dhvajaḥ*
*pravṛtte śastra-sampāte*
*dhanur udyamya pāṇḍavaḥ*
*hṛṣīkeśaṁ tadā vākyam*
*idam āha mahī-pate*

*atha*: در نتیجه آن، بی‌درنگ پس از آن ـ *vyavasthitān*: قرار گرفته ـ *dṛṣṭvā* : نگریستن به ـ *dhārtarāṣṭrān*: پسران دهریتاراشترا ـ *kapi-dhvajaḥ*: کسی که پرچمش با نقش هانومان مزین‌گردیده ـ *pravṛtte*: آماده انجام ـ *śastra-sampāte*: رها کردن تیرهای خود ـ *dhanuḥ*: کمان ـ *udyamya* : برگرفتن، برداشتن ـ *pāṇḍavaḥ*: پسر پاندو (آرجونا) ـ *hṛṣīkeśam*: به خداوند کریشنا ـ *tadā*: در آن زمان ـ *vākyam*: سخنان، کلمات ـ *idam*: اینها ـ *āha*: گفت ـ *mahī-pate*: پادشاها.

## ترجمه

**در آن هنگام آرجونا، پسر پاندو، نشسته در ارابه خود مزین به پرچمی با نقش هانومان، کمان خود را به دست گرفت و آماده تیراندازی شد. پادشاها، آرجونا پس از نگریستن به پسران دهریتاراشترا که در صفوف سپاه جای گرفته بودند به خداوند کریشنا چنین گفت.**

## شرح

جنگ در شرف وقوع بود. از بیان فوق چنین برمی‌آید که پسران دهریتاراشترا کمابیش از مشاهده صف‌آرایی بی‌نظیر سپاه پانداواها – که با راهنماییهای مستقیم خداوند کریشنا در میدان جنگ صورت گرفته بود ـ روحیه خود را باخته بودند. نقش هانومان بر پرچم آرجونا نشانه دیگری از پیروزی بود، زیرا هانومان با خداوند راما، در نبرد بین راما و راوانا، همکاری کرد و خداوند راما در آن جنگ پیروزی یافت. اکنون راما و هانومان هر دو در ارابه آرجونا برای کمک به او حضور داشتند. خداوند کریشنا همان راما است و هر کجا خداوند راما حضور داشته باشد، خادم ابدی او هانومان و ملازم ابدی او سیتا، یعنی الهه بخت و اقبال نیز حضور دارند. بنابراین آرجونا به هیچ وجه دلیلی نداشت که از هیچ دشمنی بیم داشته باشد. از اینها گذشته، خداوند حواس، خداوند کریشنا، شخصاً حضور داشت تا او را راهنمایی فرماید. به این ترتیب آرجونا برای جنگیدن از بهترین مشاو ربرخوردار بود. در یک چنین موقعیتهای خجسته‌ای که خداوند برای عابد ابدی خود ترتیب می‌دهد، علائم پیروزی قطعی آشکار است.

## آیات ۲۱ـ۲۲

*arjuna uvāca*
*senayor ubhayor madhye*
*rathaṁ sthāpaya me 'cyuta*
*yāvad etān nirīkṣe 'haṁ*
*yoddhu-kāmān avasthitān*
*kair mayā saha yoddhavyam*
*asmin raṇa-samudyame*

*arjuna uvāca*: آرجونا گفت ـ *senayoḥ*: مربوط به سپاهیان ـ *ubhayoḥ*: هر دو ـ *madhye*: بین، در میان ـ *ratham*: ارابه ـ *sthāpaya*: خواهشمندم نگه‌دار ـ *me*: مال من، م (ضمیر ملکی) ـ *acyuta*: ای خطاناپذیر منزه از گناه ـ *yāvat*: مادام که ـ *etān*: همه اینها ـ *nirīkṣe*: بتوانم نظاره کنم بر ـ *aham*: من ـ *yoddhu-kāmān*: خواستار نبرد ـ *avasthitān*: صف‌آرایی شده در میدان جنگ ـ *kaiḥ*: با چه کسی ـ *mayā*: توسط من ـ *saha*: باهم ـ *yoddhavyam*: باید بجنگم ـ *asmin*: در این ـ *raṇa*: مبارزه ـ *samudyame*: در تلاش.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای خطاناپذیر منزه از گناه، خواهشمندم ارابه مرا به میان دو سپاه هدایت کن تا اشخاص حاضر در اینجا را مشاهده نمایم و دریابم چه کسی خواستار جنگ است و در این نبرد بزرگ باید با چه کسانی مبارزه نمایم.**

## شرح

اگرچه خداوند کریشنا، شخصیت متعال خداوند است، ولی به خاطر لطف بی‌دلیل خود مشغول خدمت به دوست خود گردید. در اینجا عنوان خطاناپذیر به کریشنا اطلاق شده است زیرا او هیچگاه از محبت به عابدین خود دریغ نمی‌ورزد و در این راه به خطا نمی‌رود. خداوند به عنوان ارابه‌ران باید دستورات آرجونا را انجام دهد و چون در انجام این کار درنگ نداشت، با عنوان خطاناپذیرخطاب شده است. اگرچه خداوند مقام یک ارابه‌ران را به خاطر عابد خود پذیرفت، ولی در مقام و شأن

متعال او تردیدی راه نمی‌یابد. او در تمام موقعیتها، شخصیت متعال پروردگار، هریشی‌کشا، خداوند تمام حواس است. رابطه بین خداوند و خادم او بسیار شیرین و روحانی است. خادم همواره آماده است که به خداوند خدمت کند و مشابهاً خداوند نیز همواره به دنبال فرصتی است تا خدمتی به عابد انجام دهد. خداوند از اینکه عابد پاکش در مقام دستور دادن به او برآید لذت بیشتری می‌برد تا اینکه خود دستوردهنده باشد. از آنجا که خداوند ارباب متعال است، همه تحت امر و فرمان او هستند و هیچکس بالاتر از وی نیست تا به او امر کند. هرچند او در تمام مواقع خداوند خطاناپذیر است، ولی با دستور یک عابد پاک و خالص در شعف روحانی فرو می‌رود.

آرجونا به عنوان یک عابد پاک خداوند، هیچ تمایلی به جنگ با عموزادگان و برادران خود نداشت، ولی به سبب خیره‌سری دوریودهانا که هیچگاه با هیچ نوع مذاکره صلح‌آمیزی موافق نبود، مجبور شد در میدان جنگ حضور یابد. از این رو بسیار نگران بود که مطلع شود سران حاضر در صحنه نبرد چه کسانی هستند و هرچند تلاش برای صلح در میدان جنگ دیگر محلی از اعراب نداشت، می‌خواست آنها را بار دیگر ببیند و دریابد آنان تا چه اندازه به این جنگ ناخواسته تمایل دارند.

## آیه ۲۳

*yotsyamānān avekṣe 'haṁ*
*ya ete 'tra samāgatāḥ*
*dhārtarāṣṭrasya durbuddher*
*yuddhe priya-cikīrṣavaḥ*

*yotsyamānān*: کسانی که جنگ خواهند نمود ـ *avekṣe*: بگذار مشاهده نمایم ـ *aham*: من ـ *ye*: چه کسی، کسی که ـ *ete*: آنها ـ *atra*: اینجا ـ *samāgatāḥ*: گرد آمده ـ *dhārtarāṣṭrasya*: برای پسر دهریتاراشترا ـ *durbuddheḥ*: پلید فکر ـ *yuddhe*: در جنگ ـ *priya*: خوب، مطلوب ـ *cikīrṣavaḥ*: خواهان.

## ترجمه

**بگذار آنان را که از طریق این نبرد خواستار خشنود ساختن پسر پلیدفکر دهریتاراشترا هستند، مشاهده نمایم.**

## شرح

این دیگر نکته روشنی بود که دوریودهانا قصد داشت پادشاهی پانداواها را با نقشه‌های پلید و با همکاری پدرش دهریتاراشترا غصب نماید. بنابراین تمام کسانی که به دوریودهانا ملحق گردیده بودند باید همرنگ او باشند. آرجونا می‌خواست آنان را قبل از شروع جنگ در میدان نبرد ببیند تا بداند آنها چه کسانی هستند، اما به هیچ وجه قصد نداشت مذاکرات صلح‌آمیزی را به آنان پیشنهاد نماید. با اینحال این نیز یک حقیقت بود که می‌خواست با دیدن آنان نیروی مقابل را که باید با آنها روبرو می‌شد برآورد نماید، هرچند که آرجونا به پیروزی اطمینان کامل داشت، زیرا کریشنا در کنار وی نشسته بود.

## آیه ۲۴

*sañjaya uvāca*
*evam ukto hṛṣīkeśo*
*guḍākeśena bhārata*

*senayor ubhayor madhye*
*sthāpayitvā rathottamam*

*sañjayaḥ uvāca*: سانجایا گفت ـ *evam*: بدین ترتیب، بدین‌سان ـ *uktaḥ*: خطاب گردید *hṛṣīkeśaḥ*: خداوند کریشنا ـ *guḍākeśena*: توسط آرجونا ـ *bhārata*: ای نواده بهاراتا ـ *senayoḥ*: مربوط به سپاهیان ـ *ubhayoḥ*: هر دو ـ *madhye*: در میان ـ *sthāpayitvā*: قرار دادن ـ *ratha-uttamam*: زیباترین ارابه.

## ترجمه

**سانجایا گفت: ای نواده بهاراتا (دهریتاراشترا)، خداوند کریشنا پس از شنیدن خواسته آرجونا، ارابه زیبا را به میان دو سپاه هدایت کرد.**

## شرح

در این آیه آرجونا به نام گوداکشا خطاب می‌گردد. گوداکا، یعنی خواب، و کسی که بر خواب فائق آید، گوداکشا خوانده می‌شود. خواب به معنی جهل و غفلت نیز هست. بنابراین، آرجونا به علت دوستیش با کریشنا، هم بر خواب و هم بر جهل فائق آمده بود. آرجونا، به عنوان عابد و عاشق بزرگ کریشنا، حتی یک لحظه نیز نمی‌توانست کریشنا را فراموش کند، زیرا این خصلت و طبیعت عابد است. مرید خداوند، چه در بیداری و چه در خواب، هرگز نمی‌تواند به نام، شکل، صفات و شئون الهی کریشنا فکر نکند. بدین ترتیب، مریدان و سرسپردگان کریشنا فقط با فکر دائم به کریشنا می‌توانند بر خواب و جهل فائق آیند. این را کریشنا آگاهی یا سامادهی می‌نامند. کریشنا به عنوان هریشی‌کشا یا هدایت‌کننده حواس و فکر تمام موجودات زنده می‌توانست قصد آرجونا را از قرار دادن ارابه در میان دو سپاه دریابد. بدین‌سان کریشنا ارابه را به میان دو سپاه هدایت فرمود و چنین گفت.

## آیه ۲۵

*bhīṣma-droṇa-pramukhataḥ*
*sarveṣāṁ ca mahī-kṣitām*
*uvāca pārtha paśyaitān*
*samavetān kurūn iti*

*bhīṣma*: پدر بزرگ بهیشما ـ *droṇa*: آموزگار درونا ـ *pramukhataḥ*: در جلوی ـ *sarveṣām*: همه، تمام ـ *ca*: همچنین ـ *mahī-kṣitām*: سران جهان ـ *uvāca*: گفت ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *paśya*: اینک بنگر ـ *etān*: تمام آنها را ـ *samavetān*: گرد آمدند ـ *kurūn*: خاندان سلسله کورو ـ *iti*: بدین‌سان.

## ترجمه

**خداوند در حضور بهیشما، درونا و کلیه فرمانروایان جهان فرمود: "ای پارتها، به اجتماع تمام‌کوروهـا در اینجا بنگر."**

## شرح

خداوند کریشنا به عنوان روح متعال تمام موجودات زنده می‌توانست دریابد که در فکر آرجونا چه می‌گذشت. استفاده از نام هریشی‌کشا در این رابطه به مفهوم آن است که خداوند همه چیز را می‌دانست و همین طور مخاطب قرار دادن آرجونا با نام پارتها، به معنی پسر پریتها، که نام دیگر کونتی است نیز بی‌جهت نیست. کریشنا به عنوان یک دوست می‌خواست آرجونا را آگاه کند که چون آرجونا پسر پریتها است، یعنی خواهر پدر خودش واسودوا، پذیرفته بود که ارابه‌ران آرجونا باشد. حال منظور کریشنا هنگامی که به آرجونا گفت: "کوروها را بنگر" چه بود؟ آیا آرجونا می‌خواست آنجا بایستد و نجنگد؟ کریشنا هیچگاه چنین چیزی را از پسر پریتها، عمه خود، انتظار نداشت. بدین‌سان خداوند با شوخی دوستانه‌ای فکر آرجونا را پیشگویی نمود.

## آیه ۲۶

*tatrāpaśyat sthitān pārthaḥ*
*pitṝn atha pitāmahān*
*ācāryān mātulān bhrātṝn*
*putrān pautrān sakhīṁs tathā*
*śvaśurān suhṛdaś caiva*
*senayor ubhayor api*

*tatra*: آنجا ـ *apaśyat*: می‌توانست ببیند ـ *sthitān*: حاضر و ایستاده ـ *pārthaḥ*: آرجونا ـ*pitṝn* : پدران ـ*atha* : همچنین ـ*pitāmahān* : پدربزرگان ـ *ācāryān*: معلمان ـ *mātulān*: دائیان ـ *bhrātṝn*: برادران ـ *putrān*: پسران ـ *pautrān*: نوه‌ها ـ *sakhīn*: دوستان ـ *tathā*: نیز، هم ـ *śvaśurān*: پدر زنها ـ *suhṛdaḥ*: خیرخواهان ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *senayoḥ*: مربوط به سپاهیان ـ *ubhayoḥ*: مربوط به دو طرف ـ *api*: شامل بودن.

## ترجمه

**آرجونا در میان دو سپاه، می‌توانست پدران، پدربزرگان، معلمان، دائیان، برادران، پسران، نوه‌ها، دوستان، پدر زنان و خیرخواهان خود را ببیند.**

## شرح

آرجونا می‌توانست کلیه اقوام خود را در میدان جنگ مشاهده کند. او می‌توانست اشخاصی مانند بهوریشراوا که همدوره پدرش بود، پدربزرگان بهیشما و سوماداتا، معلمان مانند دروناچاریا وکریپاچاریا، دائیان مانند شالیا و شاکونی، برادران مانند دوریودهانا، پسران مانند لاکشمانا، دوستان مانند آشواتهاما، خیرخواهان مانند کریتاوارما و غیره را ببیند. او همچنین می‌توانست سپاهیانی را که شامل بسیاری از دوستانش می‌شد مشاهده نماید.

## آیه ۲۷

*tān samīkṣya sa kaunteyaḥ*
*sarvān bandhūn avasthitān*
*kṛpayā parayāviṣṭo*
*viṣīdann idam abravīt*

*tān*: تمام آنها ـ *samīkṣya*: پس از دیدن ـ *saḥ*: او ـ *kaunteyaḥ*: پسر کونتی ـ *sarvān*: تمام انواع ـ *bandhūn*: اقوام، بستگان ـ *avasthitān*: قرار گرفت ـ *kṛpayā*: با دلسوزی و ترحم ـ *parayā*: زیاد، شدید ـ *āviṣṭaḥ*: غرق گردید ـ *viṣīdan*: در حال غم و اندوه ـ *idam*: بدین‌سان ـ *abravīt*: سخن گفت.

## ترجمه

**هنگامی که آرجونا، پسر کونتی، کلیه دوستان و بستگان خویش را مشاهده کرد، غرق در رقت و اندوه گردید و چنین گفت.**

## آیه ۲۸

*arjuna uvāca*
*dṛṣṭvemaṁ sva-janaṁ kṛṣṇa*
*yuyutsuṁ samupasthitam*
*sīdanti mama gātrāṇi*
*mukhaṁ ca pariśuṣyati*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *dṛṣṭvā*: پس از دیدن ـ *imam*: تمام اینها ـ *sva-janam*: خویشاوندان ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *yuyutsum*: همه با یک روحیه جنگجویانه ـ *samupasthitam*: حاضر هستند ـ *sīdanti*: می‌لرزند ـ *mama*: مال من، م (ضمیر ملکی) ـ *gātrāṇi*: اعضای بدن ـ *mukham*: دهان ـ *ca*: همچنین ـ *pariśuṣyati*: خشک می‌گردد.

## ترجمه

**آرجونا گفت: کریشنای عزیزم، با دیدن دوستان و بستگان که بدین گونه با روحیه‌ای جنگجویانه در مقابلم قرار گرفته‌اند، اعضای بدنم به لرزه درآمده و دهانم خشک شده است.**

## شرح

هر انسانی که عبودیت و عشق حقیقی به خداوند دارد، دارای تمام صفات خوبی است که در اشخاص الهی یا در فرشتگان یافت می‌شود، در صورتی که غیر عابدین هر چقدر هم در شایستگیهای مادی حاصل از تحصیلات و فرهنگ پیشرفته باشند، فاقد صفات الهی هستند. بدین لحاظ آرجو نادرست پس از دیدن خویشاوندان، بستگان و دوستان خود در میدان جنگ که تصمیم گرفته بودند بین خود بجنگند، غرق دلسوزی برای آنان شد. آرجونا نه تنها در مورد سربازان خود از همان آغاز احساس دلسوزی می‌نمود، بلکه حتی برای سربازان جبهه مقابل نیز احساس ترحم داشت، زیرا مرگ نزدیک آنان را به چشم می‌دید. و با چنین فکری اعضای بدن او شروع به لرزیدن کرد و دهانش خشک شد. او کمابیش از دیدن روحیه جنگجویانه آنان متحیر گردیده بود. عملاً تمام بستگان نسبی آرجونا برای جنگ با او حاضر شده بودند. این امر برای عابد مهربانی همچون آرجونا سخت تأثرانگیز بود و گرچه در اینجا ذکر نگردیده، ولی به سادگی می‌توان تصور کرد که نه تنها اعضای بدن آرجونا می‌لرزید و دهانش خشک شده بود، بلکه او از روی دلسوزی نیز می‌گریست. چنین آثاری در آرجونا ناشی از ضعف نبود، بلکه به علت ترحم قلبی او بود که از صفات عابد پاک و خالص خداوند است. بدین سبب گفته شده است:

*yasyāsti bhaktir bhagavaty akiñcanā*

*sarvair guṇais tatra samāsate surāḥ*
*harāv abhaktasya kuto mahad-guṇā*
*mano-rathenāsati dhāvato bahiḥ*

"کسی که به شخصیت اعلای خداوند عشق و عبودیت ثابت و پایدار دارد، دارای تمامی صفات خوب فرشتگان است. ولی کسی که عابد خداوند نیست، تنها دارای شایستگیهای مادی است که ارزش چندانی در بر ندارد. این بدان علت است که چنین شخصی در سطح ذهنی سیر می‌کند و مطمئناً مجذوب فریبندگیهای انرژی مادی گردیده است." (بهاگاواتام ۱۲/۱۸/۵)

## آیه ۲۹

*vepathuś ca śarīre me*
*roma-harṣaś ca jāyate*
*gāṇḍīvaṁ sraṁsate hastāt*
*tvak caiva paridahyate*

*vepathuḥ*: لرزیدن بدن ـ *ca*: همچنین ـ *śarīre*: روی بدن ـ *me*: مال من، م (ضمیر ملکی) ـ *roma-harṣaḥ*: راست شدن موی بر تن ـ*ca* : همچنین ـ *jāyate*: رخ می‌دهد ـ *gāṇḍīvam*: کمان آرجونا ـ*sraṁsate* : می‌لغزد ـ *hastāt*: از دست ـ *tvak*: پوست ـ*ca* : همچنین ـ *eva*: محققاً، حتماً ـ *paridahyate*: می‌سوزد.

## ترجمه

**تمام بدنم می‌لرزد، مو بر تنم راست شده است، کمانم گاندیوا از دستم می‌لغزد و پوستم می‌سوزد.**

## شرح

در دو حالت، بدن انسان به لرزه می‌افتد و مو بر تن راست می‌شود: یکی در حالت شعف روحانی بسیار و دیگری از شدت ترس تحت شرایط مادی. در شناختها و ادراکات روحانی هیچ ترسی وجود ندارد. نشانه‌هایی که اینجا در آرجونا ملاحظه می‌گردد، از ترس مادی، یعنی به خاطر از دست دادن زندگی است. این امر از نشانه‌های دیگر او نیز آشکار است، یعنی او چنان صبر خود را از دست داد که کمان مشهورش، گاندیوا، از دستش لغزید و چون قلبش از درون می‌سوخت، در پوست خود احساس سوزش می‌کرد. تمام اینها به علت ادراک مادی از حیات است.

## آیه ۳۰

*na ca śaknomy avasthātuṁ*
*bhramatīva ca me manaḥ*
*nimittāni ca paśyāmi*
*viparītāni keśava*

*na*: و نه، هم نه ـ*ca* : همچنین ـ *śaknomi*: آیا قادرم ـ*avasthātum* : ماندن، ایستادن ـ *bhramati*: فراموش کردن ـ *iva*: چنانکه ـ *ca*: و ـ *me*: مال من، م (ضمیر ملکی) ـ *manaḥ*: ذهن ـ *nimittāni*: علل، موجبات ـ *ca*: همچنین ـ *paśyāmi*: می‌بینم ـ *viparītāni*: درست مخالف ـ *keśava*: ای کشنده دیو کشی (کریشنا).

## ترجمه

**ای کریشنا، ای کشندهٔ دیوِ کِشی، دیگر یارای ایستادن در اینجا را ندارم. من در حال فراموش‌کردن خویشتنم و ذهنم در گیجی و آشفتگی است. تنها نحوست و نگون‌بختی را در پیش رو می‌بینم.**

## شرح

آرجونا به علت بی‌صبری خود قادر نبود در میدان جنگ باقی بماند و این ضعف فکری باعث شد که او به حالت فراموشی از خود دچار گردد. دلبستگی زیاد به چیزهای مادی، انسان را در چنین موقعیت گیج و گمگشته‌ای قرار می‌دهد. *Bhayaṁ dvitīyābhiniveśataḥ syāt*. (بهاگاواتام ۳۷/۲/۱۱)این ترس و عدم تعادل ذهنی در اشخاصی پدید می‌آید که شدیداً تحت تأثیر موقعیتهای مادی قرار می‌گیرند. آرجونا در میدان جنگ فقط ناکامی را در پیش رو می‌دید و حتی از غلبه بر دشمنان نیز احساس خوشبختی نمی‌کرد. واژه‌های *nimittāni viparītāni* حائز اهمیت است. هنگامی که انسان در مورد آرزوها و انتظارات خود تنها با عدم موفقیت و ناکامی مواجه گردد، با خود می‌اندیشد "چرا من اینجا هستم؟" همه به خود و خوشبختی خود علاقه‌مند هستند، در حالی که هیچکس به ذات متعال علاقه‌مند نیست. اکنون طبق اراده کریشنا، آرجونا "علاقه به خود حقیقی" یا به عبارت دیگر "نفع حقیقی" را نادیده می‌گیرد و به سان انسانی در جهالت و غفلت جلوه‌گر می‌شود. "نفع حقیقی" در ویشنو یا کریشنا است. روح مقید این را فراموش می‌کند و به این ترتیب از دردهای مادی رنج می‌برد. آرجونا چنین اندیشید که پیروزی وی در جنگ صرفاً برای او غم و اندوه در پی خواهد داشت.

## آیه ۳۱

*na ca śreyo 'nupaśyāmi*
*hatvā sva-janam āhave*
*na kāṅkṣe vijayaṁ kṛṣṇa*
*na ca rājyaṁ sukhāni ca*

*na*: و نه، هم نه ـ *ca*: همچنین ـ*śreyaḥ* : خوب، نیک ـ *anupaśyāmi*: آیا پیش‌بینی می‌کنم ـ *hatvā*: با کشتن ـ *sva-janam*: بستگان خود ـ *āhave*: در جنگ ـ *na*: و نه، هم نه ـ *kāṅkṣe*: آیاآرزو می‌کنم ـ *vijayam*: پیروزی ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *na*: و نه، هم نه ـ *ca*: همچنین ـ *rājyam*: پادشاهی، فرمانروایی ـ *sukhāni*: خوشبختی ناشی از آن ـ*ca* : همچنین.

## ترجمه

**ای کریشنای عزیزم، نمی‌توانم دریابم چگونه ممکن است نتیجه خوبی از کشتن بستگانم در این جنگ حاصل شود. علاوه بر آن، من نمی‌توانم هیچ گونه آرزوی پیروزی، سلطنت و یاخوشبختی ناشی از آن را در سر بپرورانم.**

## شرح

ارواح اسیر کالبد مادی، بدون دانستن اینکه "نفع حقیقی" ما در چیزی است که ویشنو (یا کریشنا) اراده می‌کند، مجذوب روابط بدنی می‌شوند، بدان امید که در چنین وضعی خوشبخت گردند و باچنین ادراکی، حتی سبب و به وجود آورنده

خوشبختی مادی (کریشنا) را نیز فراموش می‌کنند. به‌نظر می‌رسد آرجونا حتی قوانین اخلاقی کشاتریاها را فراموش کرده است. گفته شده است که دو نوع انسان شایستگی دارند به کره خورشید، که بسیار قدرتمند و درخشنده است، وارد شوند: یکی کشاتریایی که مستقیماً تحت دستورات شخص کریشنا پیشاپیش میدان نبرد جان می‌بازد و دیگر آن شخصی که از دنیا منقطع گردیده و کاملا وقف روحانیت است. آرجونا حتی به کشتن دشمنان خود تمایلی ندارد، چه رسد به خویشاوندانش. او می‌پندارد که با کشتن بستگان خود دیگر خوشبختی در زندگی نخواهد داشت و از این رو تمایلی به جنگیدن ندارد، درست مانند کسی که چون احساس گرسنگی نمی‌کند، تمایلی هم به طبخ ندارد. حال آرجونا تصمیم گرفته است به جنگل برود و درناکامی گـوشه عزلت گزیند. ولی او به عنوان یک کـشاتریا احتـیاج به قلمرویی برای فرمانروایی دارد تا بتواند به زندگی ادامه دهد، زیرا کشاتریاها نمی‌توانند خود را به وظیفه دیگری مشغول بدارند. ولی آرجونا قلمرویی برای فرمانروایی در اختیار ندارد. تنها فرصت آرجونا برای به دست آوردن قلمروی سلطنتی، در نبرد با عموزادگان و برادران خود و بازستاندن سلطنتی است که از پدرش به میراث برده است، ولی او علاقه‌ای به این امر نشان نمی‌دهد. بدین سبب است که ترجیح می‌دهد به جنگل برود و با ناکامی در گوشه عزلت زندگی کند.

## آیات ۳۵-۳۲

*kiṁ no rājyena govinda*
*kiṁ bhogair jīvitena vā*
*yeṣām arthe kāṅkṣitaṁ no*
*rājyaṁ bhogāḥ sukhāni ca*

*ta ime 'vasthitā yuddhe*
*prāṇāṁs tyaktvā dhanāni ca*
*ācāryāḥ pitaraḥ putrās*
*tathaiva ca pitāmahāḥ*

*mātulāḥ śvaśurāḥ pautrāḥ*
*śyālāḥ sambandhinas tathā*
*etān na hantum icchāmi*
*ghnato 'pi madhusūdana*

*api trailokya-rājyasya*
*hetoḥ kiṁ nu mahī-kṛte*
*nihatya dhārtarāṣṭrān naḥ*
*kā prītiḥ syāj janārdana*

*kim*: چه فایده ـ *naḥ*: برای ما ـ *rājyena*: سلطنت است ـ *govinda*: ای کریشنا ـ *kim*: چه ـ *bhogaiḥ*: لذت، کامجویی ـ *jīvitena*: زنده ـ *vā*: یا ـ *yeṣām*: برای آنهایی که ـ *arthe*: به خاطر ـ *kāṅkṣitam*: آرزو می‌گردد ـ *naḥ*: توسط ما ـ *rājyam*: پادشاهی، سلطنت ـ *bhogāḥ*: کامجویی‌مادی ـ *sukhāni*: تمام خوشبختی ـ *ca*: همچنین ـ *te*: تمام آنان ـ *ime*: اینها ـ *avasthitāḥ*: قرارگرفته ـ *yuddhe*: در این میدان جنگ ـ *prāṇān*: جانها، زندگیها ـ *tyaktvā*: دست کشیدن ـ *dhanāni*: ثروتها ـ *ca*: همچنین ـ *ācāryāḥ*: معلمان ـ *pitaraḥ*: پدران ـ *putrāḥ*: پسران ـ *tathā*: به علاوه، و، هم ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *pitāmahāḥ*: پدربزرگان ـ *mātulāḥ* : دائیان ـ *śvaśurāḥ*: پدر زنها

ـ *pautrāḥ*: نوه‌ها ـ *śyālāḥ*: برادر زنها ـ *sambandhinaḥ*: بستگان ـ *tathā*: و ـ *etān*: تمام اینها ـ *na*: هیچگاه ـ *hantum*: کشتن ـ *icchāmi*: آیا آرزو می‌کنم ـ *ghnataḥ*: کشته شدن ـ *api*: حتی ـ *madhusūdana*: ای کریشنا، کشنده دیو مادهو ـ *api*: حتی چنانچه ـ *trai-lokya*: مربوط به سه جهان ـ *rājyasya*: برای پادشاهی ـ *hetoḥ*: در قبال ـ *kim nu*: چه رسد به صحبت درباره ـ *mahī-kṛte*: به خاطر کره زمین ـ *nihatya*: با کشتن ـ *dhārtarāṣṭrān*: پسران دهریتاراشترا ـ *naḥ*: مال ما، مان ـ *kā*: چه ـ *prītiḥ*: لذت ـ *syāt*: آیا خواهد بود ـ *janārdana*: ای‌حافظ تمام موجودات زنده.

## ترجمه

**ای گوویندا، پادشاهی، خوشبختی و حتی زندگانی به چه کار می‌آید، زمانی که کلیه افرادی که تمام این نعمات را برای آنان می‌طلبیم اکنون در این میدان نبرد صف‌آرایی کرده‌اند؟ ای مادهوسودانا، هنگامی که معلمان، پدران، پسران، پدربزرگان، دائیان، پدرزنان، نوه‌ها، برادرزنها و تمام خویشاوندانم در برابرم ایستاده و آماده‌اند جان و مال خود را از کف بدهند چرا من باید به کشتن آنان دست یازم، هرچند ممکن است در غیر این صورت آنان مرا بکشند. ای حافظ تمام موجودات زنده، من حاضر نیستم حتی به ازای هر سه جهان با آنان بجنگم، حال چه رسد به سلطنت بر این کرهٔ ارض. از کشتن پسران دهریتاراشترا چه لذتی خواهیم برد؟**

## شرح

آرجونا، خداوند کریشنا را با نام گوویندا مخاطب قرار داده است، زیرا کریشنا موضوع و علت تمام لذتهای حواس و گاوهاست. آرجونا با استفاده از این واژه مهم نشان می‌دهد که کریشنا باید دریابد چه چیزی حواس آرجونا را راضی خواهد ساخت. ولی وظیفه گوویندا ارضای حواس ما نیست، بلکه چنانچه ما سعی کنیم حواس گوویندا را راضی سازیم، آنگاه حواس ما نیز خود به خود ارضاء می‌گردد. همه می‌خواهند حواس خود را از نظر مادی ارضاء کنند و می‌خواهند خداوند فرمانبردار و خدمتگزار آنان در رسیدن به چنین رضایتی باشد. خداوند حواس موجودات زنده را بادر نظر گرفتن شایستگی‌شان ارضاء می‌نماید و نه با توجه به تمایل و خواسته آنان. و اما هنگامی که انسان عکس این روند را در پیش گیرد، یعنی بدون آرزو برای ارضای حواس خود بکوشد حواس‌گوویندا را راضی کند، آنگاه به لطف گوویندا تمام خواسته‌های موجود زنده تحقق می‌پذیرد. عدم تمایل آرجونا به جنگیدن، ناشی از رحم و شفقت طبیعی او نسبت به اعضای خانواده، و علاقه عمیقی است که به آنها دارد. همه آرزو دارند که توانگری و شایستگی خود را به دوستان و بستگان نشان دهند و آرجونا از آن بیم داشت که تمام دوستان و بستگانش در میدان نبرد کشته شوند و پس ازپیروزی دیگر کسی برای شرکت در توانگری و دولتمندی او باقی نماند. این نمونه بارزی ازحسابگری زندگی مادی است که با زندگی روحانی به کلی متفاوت است. از آنجا که عابد در فکر رضایت خداوند است، می‌تواند به خواست خداوند هر گونه ثروت و قدرتی را در راه خدمت به او بپذیرد و اگر خداوند نخواهد حتی نباید پشیزی هم بپذیرد. آرجونا قصد کشتن بستگان خود را نداشت و در صورتی که کشتن آنها لازم می‌بود، تمایل داشت کریشنا شخصاً آنان را از بین ببرد. آرجونا غافل بود که کریشنا همه آنان را قبل از حضور در میدان نبرد کشته است و او فقط باید وسیله‌ای برای عمل کردن به خواست کریشنا گردد، که این حقیقت در فصول بعد بیان می‌شود. آرجونا به عنوان عابد خداوند، علاقه‌ای نداشت در قبال عموزادگان شریر خود اقدامی تلافی‌جویانه نماید، بلکه این نقشه خداوند بود که همه آنان کشته شوند. عابد خداوند در مقابل خطاکاران عمل تلافی‌جویانه انجام

نمی‌دهد، ولی خداوند هر گونه آزاری را که شروران نسبت به عابدان روا دارند، تحمل نمی‌کند. خداوند می‌تواند کسی را که در حق او قصور می‌نماید مورد عفو قرار دهد، ولی‌کسی را که به عابدانش آزار و صدمه رساننده باشد، نمی‌بخشد. بنابراین گرچه آرجونا، عابد خدا، قصد داشت آنان را عفو کند، ولی خداوند مصمم بود که آن فرومایگان را نابود سازد.

## آیه ۳۶

*pāpam evāśrayed asmān*
*hatvaitān ātatāyinaḥ*
*tasmān nārhā vayaṁ hantuṁ*
*dhārtarāṣṭrān sa-bāndhavān*
*sva-janaṁ hi kathaṁ hatvā*
*sukhinaḥ syāma mādhava*

*pāpam*: گناهان ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *āśrayet*: باید فرا رسد ـ *asmān*: به ما، ما را ـ *hatvā*: با کشتن ـ *etān*: تمام اینها ـ *ātatāyinaḥ*: مهاجمان ـ *tasmāt*: بنابراین ـ *na*: هیچگاه، هرگز ـ *arhāḥ*: سزاوار بودن ـ *vayam*: ما ـ *hantum*: کشتن ـ *dhārtarāṣṭrān*: پسران دهریتاراشترا ـ*sa-bāndhavān* : همراه با دوستان ـ *sva-janam*: بستگان ـ *hi*: محققاً ـ *katham*: چگونه ـ *hatvā*: با کشتن ـ *sukhinaḥ*: خوشبخت ـ *syāma*: آیا خواهیم شد ـ *mādhava*: ای کریشنا، همسر الهه خوشبختی.

## ترجمه

**با کشتن چنین مهاجمانی، گناه ما را فرا خواهد گرفت. بنابراین شایسته ما نیست که پسران دهریتاراشترا را بکشیم و دوستانمان را نابود کنیم. ای کریشنا، ای همسر الهه خوشبختی، چگونه می‌توانیم با کشتن بستگانمان خوشبخت شویم؟**

## شرح

طبق احکام ودایی شش گونه مهاجم وجود دارد: (۱) کسی که زهر می‌دهد، (۲) کسی که خانه رابه آتش می‌کشد، (۳) کسی که با سلاحهای کشنده حمله می‌نماید، (۴) کسی که ثروتها را به غارت می‌برد، (۵) کسی که زمین دیگری را اشغال می‌کند، (۶) و آن که زن کسی را می‌رباید. چنین مهاجمانی باید بی‌درنگ کشته شوند و با کشتن آنان هیچ گناهی عاید نمی‌گردد. کشتن مهاجمان، برای هر فرد عادی شایسته و به‌حق است، ولی آرجونا یک فرد عادی محسوب نمی‌شد. او دارای شخصیت قدیس‌گونه‌ای بود و به این دلیل می‌خواست با آنان قدیس‌گونه رفتار نماید، ولی چنین تقدسی درخور یک کشاتریا نیست. گرچه شخص مسئول در اداره امور کشور لازم است پاک و مقدس باشد، لیکن نباید ترس به دل راه دهد. به عنوان مثال، خداوند راما به قدری مقدس بود که حتی اکنون نیز مردم مشتاق هستند در پادشاهی او (راما ـ راجیا) زندگی کنند، ولی خداوند راما هیچگاه کوچکترین ترسی از خود نشان نداد. راوانا متجاوزی بود که همسر راما "سیتا" را ربود، ولی خداوند راما به او درس شایسته‌ای داد و او را به اندازه کافی ادب نمود که در تاریخ جهان مانند ندارد. اما درمورد آرجونا انسان باید نوع خاص مهاجمان را، یعنی پدربزرگ، معلم، دوستان، پسران و نوه‌ها و غیره را در نظر بگیرد و به این دلیل آرجونا فکر کرد که نباید آن رفتار شدیدی را که در مورد مهاجمان عادی صورت می‌گیرد درباره آنان اعمال کرد، به علاوه به اشخاص مقدس همواره توصیه شده است که بخشنده باشند. چنین توصیه‌هایی برای اشخاص مقدس از هر گونه

ضرورت سیاسی بااهمیت‌تر است. آرجونا با خود اندیشید به جای آنکه بستگان خود را به دلایل سیاسی بکشد، بهتر است آنان را بر اساس دین و رفتار قدیس‌گونه ببخشد. بنابراین، او گمان نمی‌کرد که چنین کشتاری فقط به خاطر خوشی و سعادت موقت دنیوی فایده‌ای در بر داشته باشد. هر چه باشد سلطنت و لذایذی که از آن حاصل می‌شود موقتی هستند، بنابراین چرا باید زندگی و رستگاری ابدی خود را با کشتن بستگان به مخاطره افکند؟ اینکه آرجونا کریشنا را "مادهاوا" یا همسر الهه خوشبختی خطاب می‌کند نیز در این رابطه اهمیت دارد. آرجونا می‌خواست کریشنا را متوجه سازد که به عنوان همسر الهه خوشبختی نباید آرجونا را به امری وادارد که عاقبت شوربختی به بار آورد. ولی کریشنا هیچگاه برای هیچکس نگون‌بختی به بار نمی‌آورد، حال چه رسد به مریدانش.

## آیات ۳۸-۳۷

*yady apy ete na paśyanti*
*lobhopahata-cetasaḥ*
*kula-kṣaya-kṛtaṁ doṣaṁ*
*mitra-drohe ca pātakam*

*kathaṁ na jñeyam asmābhiḥ*
*pāpād asmān nivartitum*
*kula-kṣaya-kṛtaṁ doṣaṁ*
*prapaśyadbhir janārdana*

*yadi*: اگر ــ *api*: حتی ــ *ete*: آنها ــ *na*: نــ (پیشوند و علامت نفی) ــ*paśyanti* : می‌بینند ــ*lobha* : توسط حرص و آز ــ *upahata*: مغلوب گردیده ــ *cetasaḥ*: قلبهای آنان ــ *kula-kṣaya*: در کشتن خانواده ــ *kṛtam*: انجام گردیده ــ *doṣam*: خطا ــ *mitra-drohe*: در نزاع با دوستان ــ *ca*: همچنین ــ *pātakam*: بازتابهای گناه‌آلود ــ *katham*: چرا ــ *na*: نباید ــ *jñeyam*: دانسته شود ــ *asmābhiḥ*: توسط ما ــ *pāpāt*: از گناهان ــ*asmāt* : اینها ــ *nivartitum*: متوقف کردن ــ *kula-kṣaya*: در نابودی یک خاندان ــ *kṛtam*: انجام گردیده ــ *doṣam*: جنایت ــ *prapaśyadbhiḥ*: به دست کسانی که می‌بینند ــ *janārdana*: ای کریشنا.

## ترجمه

**ای جاناردانا، هرچند قلب آنان را حرص و آز فراگرفته است و از کشتن اعضای خانواده و نزاع با دوستان ابایی ندارند، ولی ما که دریافته‌ایم نابودی خانواده گناه است چرا باید به چنین اعمالی گناه‌آلود دست یازیم؟**

## شرح

هنگامی که کشاتریا از سوی حریفی به نبرد یا شرطبندی دعوت می‌گردد، نباید از آن امتناع ورزد. آرجونا در چنین موقعیتی در مقابل مبارزه‌طلبی گروه دوریودهانا نمی‌توانست از جنگ اجتناب کند، زیرا به مبارزه فرا خوانده شده بود. آرجونا در این مورد فکر کرد که شاید طرف مقابل نسبت به پی‌آمدهای چنین مبارزه‌طلبی آگاه نباشد، در حالی که او نمی‌توانست با آگاهی از عواقب وخیم آن این مبارزه‌طلبی را پذیرا گردد. وظیفه هنگامی الزامی است که نتیجه حاصل از آن مفید باشد، ولی

هنگامی که نتیجه معکوس عاید گردد، هیچکس را نمی‌توان به انجام آن وظیفه مجبور ساخت. آرجونا با در نظر گرفتن تمام جوانب مثبت و منفی تصمیم گرفت که از جنگ پرهیز نماید.

## آیه ۳۹

*kula-kṣaye praṇaśyanti*
*kula-dharmāḥ sanātanāḥ*
*dharme naṣṭe kulaṁ kṛtsnam*
*adharmo 'bhibhavaty uta*

*kula-kṣaye*: با نابودی خانواده ـ *praṇaśyanti*: از بین برده می‌شود ـ *kula-dharmāḥ*: سنن خانوادگی ـ *sanātanāḥ*: ابدی ـ*dharme* : دین ـ *naṣṭe*: نابود شدن ـ *kulam*: خانواده ـ *kṛtsnam*: کل، تمام ـ *adharmaḥ*: بی‌دینی ـ *abhibhavati*: دگرگون می‌شود ـ *uta* : گفته شده است.

## ترجمه

**با نابودی سلسله، سنت ابدی خانوادگی منهدم می‌شود و در نتیجه بازماندگان خانواده گرفتار بی‌دینی می‌گردند.**

## شرح

در نظام اجتماعی وارناشراما آداب و سنن دینی بسیاری وجود دارد که هدف از آن کمک به افراد خانواده است جهت رشد صحیح و دست یافتن به ارزشهای روحانی. افراد سالمندتر خانواده مسئول اجرای این گونه روشهای تزکیه از بدو تولد تا هنگام مرگ هستند. ولی با مرگ افراد مسن‌تر ممکن است اجرای چنین سنتهای خانوادگی متوقف گردد و افراد جوانتر خانواده که باقی مانده‌اند به‌عادات و روال زندگی غیر دینی روی آورند و در نتیجه فرصت خود را برای رستگاری روحانی از کف بدهند. بنابراین، به هیچ عنوان نباید افراد مسن‌تر خانواده کشته شوند.

## آیه ۴۰

*adharmābhibhavāt kṛṣṇa*
*praduṣyanti kula-striyaḥ*
*strīṣu duṣṭāsu vārṣṇeya*
*jāyate varṇa-saṅkaraḥ*

*adharma*: بی‌دینی ـ *abhibhavāt*: مسلط شدن، حاکم شدن ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *praduṣyanti*: آلوده می‌گردد ـ *kula-striya*: زنان خانواده ـ *strīṣu*: توسط زنان ـ *duṣṭāsu*: چنین‌آلوده‌شدن ـ *vārṣṇeya*: ای نواده وریشنی ـ *jāyate*: پدید می‌آید ـ *varṇa-saṅkaraḥ*: فرزندان ناخواسته.

## ترجمه

**ای کریشنا، هنگامی که بی‌دینی در خانواده غالب شود، زنان فاسد می‌گردند و ای نواده وریشنی، از انحطاط و تباهی زنان نسل ناخواسته به وجود می‌آید.**

## شرح

وجود نفوس پاک در جامعه انسانی، اصل اساسی برای صلح، برکت و پیشرفت روحانی در زندگی محسوب می‌گردد. اصول مذهبی وارناشراما به صورتی طرح گردیده بود که باعث افزایش نفوس پاک گردد، تا بدین وسیله، پیشرفت روحانی مملکت و ملت تحقق پذیرد. وجود چنین نفوسی به نجابت و وفاداری زنان بستگی دارد. همانند کودکان که مستعد گمراه‌شدن هستند، زنان نیز مستعد هستند که اغفال شوند. بنابراین، هم کودکان و هم زنان، احتیاج به حمایت و حفاظت افراد مسن خانواده دارند زیرا انجام آداب و عبادات گوناگون مذهبی، زنان را از اغفال‌شدن و ایجاد روابط نامشروع مصون خواهد داشت. طبق گفته چاناکیا پاندیتا، زنان عموماً چندان خردمند نیستند و از این رو به راحتی نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. بنابراین، زنان باید همواره به آداب و عبادات گوناگون مذهبی مشغول شوند تا نجابت و عبودیت آنان باعث تولد نفوس پاکی گردد که شایسته شرکت در نظام وارناشراما باشند. با از بین رفتن وارناشراما ـ دهارما طبعاً زنان روابط آزادتری با مردان خواهند یافت که نتیجه آن روابط نامشروع، به وجود آمدن نسل ناخواسته خواهد بود. همچنین مردان بی‌مسئولیت به روابط نامشروع در جامعه دامن می‌زنند و به تبع آن، سیل کودکان ناخواسته، بشریت را در معرض خطر جنگ و رنج فراگیر قرار می‌دهد.

## آیه ۴۱

*saṅkaro narakāyaiva*
*kula-ghnānāṁ kulasya ca*
*patanti pitaro hy eṣāṁ*
*lupta-piṇḍodaka-kriyāḥ*

*saṅkaraḥ*: چنین کودکان ناخواسته ـ *narakāya*: زندگی جهنمی را پیش می‌برند ـ *eva*: حتماً،محققاً ـ *kula-ghnānām*: برای کسانی که نابودکننده خانواده هستند ـ *kulasya*: برای خانواده ـ *ca*: همچنین ـ *patanti*: سقوط می‌کنند ـ*pitaraḥ* : نیاکان ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *eṣām*: مربوط به آنها ـ *lupta*: متوقف گردید ـ*piṇḍa*: مربوط به تقدیم غذا ـ*udaka* : و آب ـ *kriyāḥ*: مراسم.

## ترجمه

**افزایش نسل ناخواسته زندگی جهنمی، هم برای خانواده و هم برای کسانی که سنت خانوادگی را از بین برده‌اند، به وجود می‌آورد. اجداد در چنین خانواده‌های فاسدی سقوط می‌کنند زیراهیچ گونه تقدیم آب و غذا به آنان صورت نمی‌گیرد.**

## شرح

طبق قواعد و قوانین کار برای ثمر لازم است هر چند گاه یکبار غذا و آب به نیاکان خانواده تقدیم گردد. چنین تقدیمی با پرستش ویشنو صورت می‌گیرد، زیرا خوردن باقیمانده غذایی که به ویشنو تقدیم شده است می‌تواند انسان را از تمام گناهان برهاند. گاهی اوقات ممکن است نیاکان از واکنشهای گوناگون گناهان خود رنج ببرند و گاهی برخی از آنان حتی نمی‌توانند بدن مادی گرفته به‌این جهان بازگردند، لذا مجبورند در بدنهای لطیف به صورت ارواح باقی بمانند. بدین ترتیب هنگامی که بازماندگان به نیاکان خود باقیمانده غذای پراسادام را تقدیم می‌نمایند، نیاکان از زندگی پر عذاب اشباح یا سایر زندگیهای پر رنج رها می‌گردند. این کمک به نیاکان یک سنت خانوادگی محسوب می‌شود و کسانی که وقف زندگی عابدانه نیستند لازم است چنین مراسمی را اجرا کنند. ولی کسی که وقف زندگی عابدانه باشد، لزومی ندارد به این گونه اعمال بپردازد. انسان

فقط با سر سپردن در راه خدمت عاشقانه به خداوند می‌تواند صدها و هزاران تن از نیاکان خود را از انواع رنجها نجات بخشد. در بهاگاواتام (۴۱/۵/۱۱) چنین آمده است:

*devarṣi-bhūtāpta-nṛṇāṁ pitṝṇāṁ*
*na kiṅkaro nāyam ṛṇī ca rājan*
*sarvātmanā yaḥ śaraṇaṁ śaraṇyaṁ*
*gato mukundaṁ parihṛtya kartam*

"برای هر آن کس که به قدوم نیلوفرین موکوندا – ارزانی دارنده رستگاری – پناه برده است و از تمام تعهدات دست شسته و با عزمی راسخ در این طریقت گام برمی‌دارد، نسبت به فرشتگان، حکما، موجودات زنده، اعضای خانواده، بشریت یا نیاکان هیچگونه وظیفه یا تعهدی وجود ندارد." چنین تعهداتی با انجام خدمت خالصانه به شخصیت متعال خداوند به طور خود به خود انجام می‌گردد.

## آیه ۴۲

*doṣair etaiḥ kula-ghnānāṁ*
*varṇa-saṅkara-kārakaiḥ*
*utsādyante jāti-dharmāḥ*
*kula-dharmāś ca śāśvatāḥ*

*doṣaiḥ*: توسط چنین گناهانی ـ *etaiḥ*: تمام اینها ـ *kula-ghnānām*: مربوط به نابودکنندگان خانواده ـ *varṇa-saṅkara*: مربوط به کودکان ناخواسته ـ *kārakaiḥ*: که علل هستند ـ *utsādyante*: ویران می‌گردند ـ *jāti-dharmāḥ*: برنامه‌های اجتماعی ـ *kula-dharmāḥ*: سنتهای خانوادگی ـ *ca*: همچنین ـ *śāśvatāḥ*: ابدی.

## ترجمه

**به علت اعمال پلید آن کسانی که سنت خانوادگی را از بین می‌برند و بدین‌سان باعث افزایش کودکان ناخواسته می‌گردند، تمام انواع برنامه‌های اجتماعی و رفاه خانواده نابود می‌گردد.**

## شرح

برنامه‌های اجتماعی طبقات چهارگانه جامعه و فعالیتهای مربوط به رفاه خانواده که در چهارچوب نظام ساناتانا ـ دهارما یا وارناشراما ـ دهارما تدوین گردیده، به گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که انسان را قادر سازد به رستگاری نهایی دست یابد. بنابراین شکستن سنت ساناتانا ـ دهارما از طرف رهبران غیر مسئول باعث ایجاد آشفتگی در جامعه خواهد شد و در نتیجه مردم هدف زندگی، یعنی ویشنو (خداوند) را فراموش خواهند کرد. چنین رهبرانی نابینا خوانده می‌شوند و اشخاصی که از آنان پیروی می‌کنند نیز قطعاً دچار آشفتگی خواهند شد.

## آیه ۴۳

*utsanna-kula-dharmāṇāṁ*
*manuṣyāṇāṁ janārdana*
*narake niyataṁ vāso*
*bhavatīty anuśuśruma*

*utsanna*: فاسد گردیده، نابود گردیده ـ *kula-dharmāṇām*: مربوط به آن کسانی که از سنتهای خانوادگی برخوردارند ـ *manuṣyāṇām*: مربوط به چنین مردانی ـ *janārdana*: ای کریشنا ـ *narake*: در جهنم ـ *niyatam*: همواره ـ *vāsaḥ*: اقامتگاه ـ *bhavati*: چنین می‌گردد ـ *iti*: بدین‌سان ـ*anuśuśruma* : از طریق سلسله پیران شنیده‌ام.

## ترجمه

**ای کریشنا، ای حافظ مردم، از سلسله پیران شنیده‌ام که نابودکنندگان سنتهای خانوادگی همواره در جهنم بسر خواهند برد.**

## شرح

آرجونا بحث خود را بر اساس تجارب شخصیش بنا نمی‌نهد، بلکه به آنچه از مراجع موثق شنیده است استناد می‌کند و این راه دریافت دانش حقیقی است. انسان بدون کمک فرد مناسبی که واقعاً در دانش حقیقی استوار است، نمی‌تواند به مرحله حقیقی چنین دانشی دست یابد. در نظام وارناشراما –دهارما مراسمی موسوم به پرایا شچیتا وجود دارد که انسان برای ادای کفاره و پاک شدن از گناهان خود، قبل از مرگ، باید به آن مبادرت ورزد، در غیر این صورت، مطمئناً به سیارات جهنمی رهسپار خواهد شد تا در نتیجه گناهان خود زندگیهای پر رنجی را سپری نماید.

## آیه ۴۴

*aho bata mahat pāpaṁ*
*kartuṁ vyavasitā vayam*
*yad rājya-sukha-lobhena*
*hantuṁ sva-janam udyatāḥ*

*aho*: افسوس ـ *bata*: چقدر عجیب است ـ *mahat*: بزرگ ـ *pāpam*: گناهان ـ *kartum*: انجام دادن ـ*vyavasitāḥ* : تصمیم گرفته‌ایم ـ *vayam*: ما ـ *yat*: به علت، به خاطر ـ *rājya-sukha-lobhena*: ناشی از حرص برای خوشبختی حاصل از سلطنت ـ*hantum* :. کشتن ـ *sva-janam*: بستگان ـ *udyatāḥ*: سعی کردن، تلاش کردن.

## ترجمه

**افسوس، چقدر عجیب است که ما خود را آمادهٔ ارتکاب اعمالی بس گناه‌آلود می‌سازیم و به‌خاطر آرزوی لذت بردن و بهره‌مند شدن از سلطنت می‌خواهیم به کشتن بستگان خود مبادرت ورزیم.**

## شرح

انسان ممکن است به علت انگیزه‌های خودخواهانه، به گناهانی نظیر کشتن برادر، پدر یا مادر خود دست زند و موارد متعددی از این قبیل در تاریخ جهان به چشم می‌خورد، لیکن آرجونا که عابد مقدس خداوند است همواره اصول اخلاقی را در نظر دارد و به همین جهت مراقب است که از چنین اعمالی اجتناب ورزد.

## آیه ۴۵

*yadi mām apratīkāram*

*aśastraṁ śastra-pāṇayaḥ*
*dhārtarāṣṭrā raṇe hanyus*
*tan me kṣemataraṁ bhavet*

*yadi*: حتی چنانچه ـ*mām* : مرا، به من ـ *apratīkāram*: بدون مقاومت ـ *aśastram*: بدون تجهیز کامل ـ *śastra-pāṇayaḥ*: آن کسانی که سلاح در دست دارند ـ *dhārtarāṣṭrāḥ*: پسران دهریتاراشترا ـ *raṇe*: در میدان نبرد ـ *hanyuḥ*: شاید بکشند ـ *tat*: آن ـ *me*: برای من ـ *kṣema-taram*: بهتر ـ *bhavet*: خواهد بود.

## ترجمه

**بهتر آن است که در میدان نبرد، بدون سلاح و بی هیچ گونه مقاومتی، به دست پسران مسلّح دهریتاراشترا کشته شوم.**

## شرح

به موجب اصول جنگاوری کشاتریاها، دشمن غیر مسلّح و بی‌تمایل به جنگ را نباید موردحمله قرار داد. بدون در نظر گرفتن تمایل طرف متخاصم به جنگ، آرجونا تصمیم گرفت حتی‌اگر با چنین وضعیت بدی مورد حمله دشمن قرار گیرد، به جنگ مبادرت نورزد. تمامی این نشانه‌ها از رقت قلب آرجونا سرچشمه می‌گیرد، زیرا او مرید و فدایی بزرگ خداوند است.

## آیه ۴۶

*sañjaya uvāca*
*evam uktvārjunaḥ saṅkhye*
*rathopastha upāviśat*
*visṛjya sa-śaraṁ cāpaṁ*
*śoka-saṁvigna-mānasaḥ*

*sañjayaḥ uvāca*: سانجایا گفت ـ *evam*: بدین‌سان ـ *uktvā*: سخن گفتن ـ *arjunaḥ*: آرجونا ـ*saṅkhye* ؟؟: در میدان نبرد ـ *ratha*: مربوط به ارابه ـ *upasthe*: روی صندلی ـ *upāviśat*: دوباره‌نشست ـ *visṛjya*: کنارنهادن ـ *sa-śaram*: همراه با تیرها ـ *cāpam*: کمان ـ *śoka*: توسط غم واندوه ـ *saṁvigna*: اندوهگین، غمگین ـ *mānasaḥ* : در ذهن.

## ترجمه

**سانجایا گفت: آرجونا پس از ادای این سخنان در میدان نبرد، تیرها و کمانش را به کناری نهاد و با غم و اندوه فراوان در ارابه نشست.**

## شرح

آرجونای ایستاده در ارابه با نظاره وضع دشمن چنان غرق در غم و اندوه گردید که تیر و کمان خود را به کناری نهاد و نشست. چنین شخص مهربان و دلرحمی که در خدمت عابدانه خداوند قرار دارد شایسته دریافت دانش روحانی است.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی‌ودانتا بر فصل اول شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "مشاهده سپاهیان در میدان جنگ کوروکشترا" پایان می‌یابد.

# فصل دوم

# چکیده مطالب گیتا

### آیه ۱

*sañjaya uvāca*
*taṁ tathā kṛpayāviṣṭam*
*aśru-pūrṇākulekṣaṇam*
*viṣīdantam idaṁ vākyam*
*uvāca madhusūdanaḥ*

*sañjayaḥ uvāca* : سانجایا گفت ـ *tam* : به آرجونا ـ *tathā* : بدین‌سان ـ *kṛpayā* : با رحم و شفقت ـ *āviṣṭam* : غرق در غم گردیده ـ *aśru-pūrṇa-ākula* : پر از اشک ـ *īkṣaṇam* : چشمان ـ *viṣīdantam* : سوگواری کردن ـ *idam* : اینها ـ *vākyam* : سخنان ـ *uvāca* : گفت ـ*madhu-sūdanaḥ* : کشنده مادهو.

### ترجمه

**سانجایا گفت: مادهوسودانا ـ کریشناـ با دین آرجونا که مملو از رحم و شفقت، غمگین و افسرده و با چشمانی لبریز از اشک بود چنین فرمود.**

### شرح

رحم و شفقت مادی، غم و اندوه و اشک همه نشانه‌های جهل و غفلت نسبت به خویشتن حقیقی می‌باشد، در حالی که غمخواری در مورد روح جاودان نشانه خودشناسی است. واژه "مادهوسودانا" در این آیه حائز اهمیت است. خداوند کریشنا، دیوی به نام مادهو را نابود ساخت و اکنون آرجونا از کریشنا تقاضا دارد تا دیو ادراکات نادرست را که مانع انجام وظیفه‌اش گشته، نابود سازد. هیچکس نمی‌داند که در چه مواردی باید غمخواری نماید و شفقت داشته باشد. دلسوزی برای لباس کسی که در حال غرق شدن است بی‌معنی است. با نجات دادن لباس یا پوشش بیرونی – بدن زمخت مادی – انسانی که به درون اقیانوس جهل و تاریکی سقوط کرده است نمی‌توان او را رستگار نمود. کسی که این مطلب را نمی‌داند و برای پوشش ظاهری غمخواری می‌کند و یا کسی که بیهوده دچار اندوه و تأثر می‌گردد شود را نامیده می‌شود. از این رو از آرجونا که یک کشاتریا بود چنین رفتاری انتظار نمی‌رفت. خداوند کریشنا قادر است اندوه و تأسف انسان غافل را از میان بردارد، و برای نیل به چنین هدفی بهاگاواد–گیتا را بیان فرموده است. در این فصل همان گونه که مرجع متعال، خداوند شری‌کریشنا، توضیح داده است، از طریق بررسی تحلیلی بدن مادی و روح، درباره خودشناسی آموزش می‌یابیم و چنین درکی زمانی تحقق می‌پذیرد که شخص بدون دلبستگی به ثمره کار عمل نماید و در ادراک مستحکمی از خویشتن واقعی مستقر باشد.

### آیه ۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*kutas tvā kaśmalam idaṁ*
*viṣame samupasthitam*
*anārya-juṣṭam asvargyam*
*akīrti-karam arjuna*

*śrī-bhagavān uvāca* : شخصیت متعال خداوند فرمود ـ *kutaḥ* : از کجا ـ *tvā* : بر تو ـ*kaśmalam* : آلودگی ـ *idam* : این غم و اندوه ـ*viṣame* : در این مرحله بحرانی ـ *amupasthitam* : رسید ـ*anārya* : اشخاصی که به ارزش زندگی واقف نیستند ـ *juṣṭam* : انجام شده به‌وسیله ـ *asvargyam* : که به کرات بالاتر رهنمون نمی‌گرداند ـ *akīrti* : بدنامی ـ *karam* : علت، باعث ـ *arjuna* : ای آرجونا.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: آرجونای عزیزم، چگونه چنین ناپاکیهایی بر تو مستولی شده است آنها به هیچ وجه برازنده انسانی که ارزش زندگی را می‌داند نیست. این ناپاکیها نه تنها انسان را به سیارات فوقانی رهنمون نمی‌سازد که منجر به بدنامی او نیز می‌شود.**

## شرح

کریشنا و شخصیت متعال خداوند یکی هستند و به همین دلیل خداوند کریشنا در سراسر گیتا به عنوان بهاگاوان مورد خطاب قرار می‌گیرد. بهاگاوان جنبه غایی حقیقت مطلق است. شناخت حقیقت مطلق در سه مرحله قابل درک است که عبارتند از: برهمن یا روح فراگیر فاقد هویت، پاراماتما یا وجه‌ساری و جاری وجود متعال یا به عبارتی وجه متمرکز آن وجود متعال در قلب تمام موجودات زنده، و بهاگاوان یا شخصیت مطلق الهی که خداوند کریشنا است. این مفهوم حقیقت مطلق در شریماد–بهاگاواتام (۱۱/۲/۱) بدین گونه شرح داده شده است:

*vadanti tat tattva-vidas*
*tattvaṁ yaj jñānam advayam*
*brahmeti paramātmeti*
*bhagavān iti śabdyate*

"بیننده حقیقت مطلق، آن را در سه مرحله ادراک می‌کند که این مراحل وجوه گوناگونی از یک حقیقت واحد است و هر سه آنها یکی هستند. به چنین وجوهی از حقیقت مطلق، برهمن، پاراماتما و بهاگاوان گفته می‌شود."

برای توضیح بیشتر این وجوه الهی می‌توان مثالی از خورشید زد. خورشید نیز دارای وجوه مختلفی مانند نور، سطح و خود سیاره‌اش است. کسی که فقط به مطالعه نور خورشید می‌پردازد، رهروی مبتدی محسوب می‌شود. آن که به درک سطح خورشید نائل گردیده، پیشرفته‌تر است و کسی که بتواند به درون سیاره خورشید وارد گردد بالاترین محسوب می‌شود. جویندگان و رهروان عادی که فقط درک پرتو خورشید – یعنی جنبه فراگیر و جهانی آن و انوار خیره‌کننده وجه فاقد شخصیت آن – راضیشان می‌سازد با کسانی قابل قیاس هستند که فقط می‌توانند جنبه برهمن حقیقت مطلق را دریابند. جوینده‌ای که پیشرفت بیشتری نموده می‌تواند سطح خورشید را – که با شناخت وجه پاراماتمای حقیقت مطلق قابل قیاس است – درک کند و رهروی که بتواند به قلب سیاره خورشید قدم گذارد با کسانی قابل مقایسه است که جنبه‌های واجد شخصیت حقیقت مطلق متعال را ادراک نموده‌اند. بنابراین گرچه تمام رهروانی که به مطالعه حقیقت مطلق اشتغال دارند، یک امر واحد را بررسی

می‌کنند، لیکن بهاکتاها یا عرفایی که به درک جنبه بهاگاوان حقیقت مطلق نائل گردیده‌اند بالاترین حق‌جویان به شمار می‌آیند. به هر تقدیر نور خورشید، سطح خورشید و امور داخلی سیاره خورشید را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد، ولی با این وجود جویندگان مختلف این سه وجه متفاوت نیز در یک طبقه جای ندارند.

مفهوم واژه سانسکریت بهاگاوان را مرجع بزرگ، پاراشارامونی – پدر وپاسادوا – توضیح داده است. شخصیت متعال که دارای ثروت تام، قدرت تام، شهرت تام، زیبایی تام، دانش تام و انقطاع تام است بهاگاوان نامیده می‌شود. فراوان هستند افرادی که بسیار ثروتمند، قدرتمند، زیبا، مشهور، دانا و کاملاً مستقل‌اند، ولی هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که در عین حال، صاحب مطلق تمامی شش توانگری ذکر شده است. فقط کریشنا می‌تواند چنین ادعایی کند، زیرا او شخصیت متعال خداوند است. هیچ موجود زنده‌ای حتی برهما، خداوندگار شیوا یا نارایانا نمی‌تواند از توانگری به کمال توانگری کریشنا برخوردار باشد. بدین جهت خداوندگار برهما در برهما ـ سامهیتا نتیجه‌گیری نموده که خداوند کریشنا شخصیت اعلای پروردگار است. هیچکس برابر با او یا برتر از او نیست و همانا او خداوند ازلی یا بهاگاوان، مشهور به گوویندا، و علت متعال تمامی علل است.

*īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ*
*sac-cid-ānanda-vigrahaḥ*
*anādir ādir govindaḥ*
*sarva-kāraṇa-kāraṇam*

"شخصیتهای بسیاری وجود دارند که دارای خصوصیات بهاگاوان می‌باشند ولی کریشنا بالاترین است، زیرا هیچکس را یارای تفوق بر وی نیست. او شخص متعال است و شکل متعال او جاودان، پر از دانش و مملو از شعف است. او همان خداوند گوویندای ازلی و علت تمامی علل است." (برهما ـ سامهیتا ۱/۵)

در شریماد– بهاگاواتام، کریشنا به عنوان شخصیت اصلی و ازلی ایزد یکتا توصیف شده که از او ظهورات بی‌شمار و شخصیتهای متعدد بسط می‌یابند.

*ete cāṁśa-kalāḥ puṁsaḥ*
*kṛṣṇas tu bhagavān svayam*
*indrāri-vyākulaṁ lokaṁ*
*mṛḍayanti yuge yuge*

"تمام ظهورات خداوند که در اینجا بیان گردیده، بسطهای کامل و جامع یا بخشی از بسطهای کامل و جامع خداوند متعال‌اند. ولی کریشنا، خود شخصیت متعال خداوند است." (بهاگاواتام ۲۸/۳/۱)

بنابراین کریشنا شخصیت اصلی متعال پروردگار، حقیقت مطلق، منشأ روح متعال و سرچشمه برهمن فاقد شخصیت است.

تأسف و تألم آرجونا برای خویشاوندانش در حضور شخصیت متعال خداوند مسلماً ناشایست است و بدین جهت کریشنا تعجب خود را با واژه کوتاها به معنی "از کجا" ابراز می‌دارد. چنین ناپاکیهایی از فردی که به طبقه متمدن جامعه بشری، یعنی آرباییها تعلق دارد هیچگاه انتظار نمی‌رود. کلمه آریایی در مورد اشخاصی که به ارزش زندگی واقف هستند و تمدنی بر اساس ادراک روحانی دارند قابل استفاده است. اشخاصی که با مفاهیم مادی زندگی هدایت می‌شوند، به این نکته که هدف زندگی شناخت حقیقت مطلق، ویشنو یا بهاگاوان است، آگاه نیستند. آنها شیفته وجوه ظاهری دنیای مادی شده‌اند و بنابراین نمی‌دانند که رهایی چیست. کسانی که در مورد رهایی از اسارت مادی دانشی ندارند، غیر آریایی نامیده می‌شوند. هرچند آرجونا یک کشاتریا بود، ولی با روگردانی از جنگ از وظایف تجویزشده خود سر باز می‌زد. چنین عمل جبونانه‌ای به عنوان امری در خور غیرآرباییان توصیف شده است. این گونه انحراف از تکالیف، هیچکس را برای پیشرفت در زندگی روحانی یاری نمی‌دهد و حتی موقعیت مشهور شدن در این دنیا را نیز از بین می‌برد. خداوند کریشنا این به اصطلاح دلسوزی و ترحم آرجونا را برای بستگانش تأیید نفرمود.

## آیه ۳

*klaibyaṁ mā sma gamaḥ pārtha*
*naitat tvayy upapadyate*
*kṣudraṁ hṛdaya-daurbalyaṁ*
*tyaktvottiṣṭha parantapa*

*klaibyam* : ناتوانی، ضعف ـ *mā sma gamaḥ* : تن در نده به، برنگزین ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *na* : هیچگاه ـ *etat* : این ـ *tvayi* : بر تو ـ *upadyate* : شایسته است ـ *kṣudram* : ناچیز، بی‌اهمیت ـ *hṛdaya* : مربوط به قلب ـ *daurbalyam* : ضعف ـ *tyaktvā* : رها کردن ـ *uttiṣṭha* : برخیز ـ *param-tapa* : ای مجازات کننده دشمنان.

### ترجمه

**ای پسر پریتها، تسلیم چنین ضعف ننگ‌آوری مشو که درخور و شایسته تو نیست. ای مجازات کننده دشمنان، چنین رقت قلب بی‌اهمیتی را رها کن و برخیز.**

## شرح

در اینجا آرجونا به عنوان پسر پریتها، که عمه کریشنا، یعنی خواهر واسودوا می‌باشد، مورد خطاب قرار گرفته است. بنابراین آرجونا با کریشنا خویشاوندی نسبی دارد. اگر پسر یک کشاتریا از جنگیدن خودداری ورزد فقط از کشاتریا نام او را دارد. همچنانکه اگر پسر یک براهمانا به اعمال غیر متقیانه دست زند، او نیز فقط نام براهمانا را بر خود حمل می‌کند. چنین کشاتریاها و براهماناهایی، پسران نالایق پدرانشان محسوب می‌شوند، بنابراین کریشنا نمی‌خواست آرجونا در حکم فرزند ناشایست یک کشاتریا باشد. آرجونا صمیمی‌ترین دوست کریشنا بود و کریشنا او را مستقیماً در ارابه هدایت می‌نمود؛ ولی با وجود تمام این مزایایی که نصیب آرجونا شده بود، اگر نبرد را ترک می‌گفت، مرتکب عمل ننگ‌آوری می‌گردید. بنابراین کریشنا خاطرنشان ساخت که این نحوه رفتار آرجونا برازنده شخصیت وی نیست. امکان داشت آرجونا استدلال نماید که رها ساختن جنگ به دلیل رفتار بزرگ‌منشانه او در مقابل بستگان و بهیشما، که بسیار مورد احترام است، می‌باشد لیکن کریشنا این گونه بلندنظری را صرفاً ضعف احساسی می‌داند. چنین بزرگواری کاذبی را هیچ مرجعی تأیید نکرده است، بنابراین اشخاصی همانند آرجونا تحت راهنمایی مستقیم کریشنا باید این گونه بلندنظری و به اصطلاح صلح‌جویی را کنار گذارند.

## آیه ۴

*arjuna uvāca*
*kathaṁ bhīṣmam ahaṁ saṅkhye*
*droṇaṁ ca madhusūdana*
*iṣubhiḥ pratiyotsyāmi*
*pūjārhāv ari-sūdana*

*arjunaḥ uvāca* : آرجونا گفت ـ *katham* : چگونه ـ *bhīṣmam* : بهیشما ـ *aham* : من ـ *saṅkhye* : در جنگ ـ *droṇam* : درونا ـ *ca* : همچنین ـ *madhu-sūdana* : ای کشنده مادهو ـ *iṣubhiḥ* : با تیرها ـ *pratiyotsyāmi* : مقابله خواهم کرد ـ *pūjā-arhau* : آن کسانی که قابل پرستش هستند ـ *ari-sūdana* : ای کشنده دشمنان.

### ترجمه

**آرجونا گفت: ای نابودکننده دشمنان، ای کشنده مادهو، چگونه می‌توانم در این جنگ بـا تیـر و کمـان بـه مقابله مردانی همچون بهیشما و درونا که شایسته ستایش و پرستش من‌اند برخیزم**

## شرح

بزرگان قابل احترامی همچون پدربزرگ بهیشما و استاد دروناچاریا همواره قابل ستایش‌اند. حتی‌اگر آنها به حمـله نیز اقدام کنـند، نباید در برابرشان به اقدام متـقابل دست زد. ادب حـکم می‌کند که با بزرگان حتی به مشاجره لفظی نیز نباید پرداخت. چنانچه حتی آنها در مواقعی رفتار تندخویانه و خشونت‌آمیزی از خود نشان دهند، نباید به آنان تندی و خشونت روا داشت. در این صورت چگونه آرجونا می‌تواند با آنها به مقابله بپردازد؟ آیا هیچگاه کریشنا به پدربزرگ خود اوگراسنا یا به استادش سندی‌پانی‌مونی حمله می‌نمود. اینها برخی از استدلالهایی است که آرجونا در مقابل کریـشنا مطرح کرد.

## آیه ۵

*gurūn ahatvā hi mahānubhāvān*
*śreyo bhoktuṁ bhaikṣyam apīha loke*
*hatvārtha-kāmāṁs tu gurūn ihaiva*
*bhuñjīya bhogān rudhira-pradigdhān*

*gurūn* : بزرگان ـ*ahatvā* : نکشتن ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *mahā-anubhāvān* : ارواح بزرگ ـ *śreyaḥ* : بهتر است ـ*bhoktum* : لذت بردن از زندگی ـ*bhaikṣyam* : با گدایی ـ*api* : حتی ـ *iha* : در این زندگی ـ *loke* : در این جهان ـ *hatvā* : کشتن ـ *artha* : دستاورد ـ *kāmān* : آرزومند، خواهان ـ *tu* : ولی ـ *gurūn* : بزرگان ـ *iha* : در این جهان ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ*bhuñjīya* : شخص باید لذت ببرد ـ *bhogān* : چیزهای لذتبخش ـ *rudhira* : خون ـ *pradigdhān* : آغشته با.

## ترجمه

**به گدایی زندگی کردن در این جهان برایم بسی بهتر است تا زندگی بـه بهـای جـان ارواح بزرگـی کـه معلمان من هستند. هرچند که آنان به دستاوردهای دنیوی چشم طمع دوخته‌اند، ولی بـا ایـن حـال بزرگـان مـا هستند. در صورت کشته شدن آنان، از هرآنچه بهره‌مند گردیم آغشته به خون خواهد بود.**

## شرح

بر اساس قوانین و قواعد کتب مقدس، استادی که قوه تشخـیص و تمـیز خود را از دست دهد و به کار زشت و ناپسندی دست زند، در خور آن است که ترکش کنند. هرچند بهیشما و درونا به علت حمایت مالی دوریودهانا مجبور بودند جانب او را بگیرند، ولی به هر حال آنان نباید صرفاً به‌خاطر ملاحظات مالی چنین موقعیتی را می‌پذیرفتند. با چنین عملی آنها احترام مقام استادی را ازدست دادند. ولی آرجونا چنین می‌اندیشد که آنها هنوز هم بزرگان اویند و بدین جهت لذت از دستاوردهای دنیوی پس از کشتن آنان به منزله لذت از غنایمی است که آغشته به خون خواهد بود.

## آیه ۶

*na caitad vidmaḥ kataran no garīyo*

*yad vā jayema yadi vā no jayeyuḥ*
*yān eva hatvā na jijīviṣāmas*
*te 'vasthitāḥ pramukhe dhārtarāṣṭrāḥ*

*na* : نه، هم نه ـ *ca* : همچنین ـ *etat* : این ـ *vidmaḥ* : (آیا) می‌دانیم ـ*katarat* : کدام ـ *naḥ* : برای ما ـ *garīyaḥ* : بهتر ـ *yat vā* : که آیا ـ *jayema* : شاید پیروز شویم ـ *yadi* : اگر ـ *vā* : یا ـ *naḥ* : به ما، ما را ـ *jayeyuḥ* : آنها پیروز شوند ـ *yān* : آن کسانی که ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *hatvā* : با کشتن ـ *na* : هرگز ـ *jijīviṣāmaḥ* : زنده بودن را بخواهیم ـ *te* : همه آنها ـ *avasthitāḥ* : قرار گرفته‌اند ـ *pramukhe* : در جلوی ـ *dhārtarāṣṭrāḥ* : پسران دهریتاراشترا.

### ترجمه

**نمی‌دانیم کدامیک بهتر است، غلبه بر آنان یا مغلوب شدن به دست آنان. چنانچه پسران دهریتاراشـترا را که اکنون در میدان نبرد در مقابل ما ایستاده‌اند به قتل رسانیم دیگر نباید تمایلی به زنده ماندن داشته باشیم.**

## شرح

هرچـند جنـگیدن وظـیـفه کشاتریاها است، لیـکن آرجونا نمی‌دانست که آیا او باید بجنگد و خطر خشونت غیر ضروری را تقبل نماید یا آنکه از جنگ خودداری ورزد و زندگی را با گدایی بگذراند. اگر او بر دشـمن غلـبه نمی‌کرد، گدایی تنها راه گذران زندگی او بود. در عین حال، اطمینانی به پـیروزی قطـعی نبود، زیرا امکان پـیروزی هر یک از دو جـبـهه وجود داشت. حتی اگر پـیروزی در انتظار آنان بود (که این حق مسلم ایشان محسوب می‌گردید)، زندگی در غیاب پسران دهریـتاراشـترا، چنانچه از بین می‌رفتند، بسیار دشوار می‌شد. به هر تقدیر، در چنین شرایطی، پـیـروزی نیز برای آنان گونه‌ای شـکسـت محـسوب می‌شد. کلـیه این ملاحـظات آرجونا، کاملاً نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که او نه تنها عابد بزرگ خداوند است، بلکه بسیار هوشیار و آگاه نیز می‌باشد و بر فکر و حواس خود تسـلط کامل دارد. خواسته او که با گدایی زندگی کند، به رغم تولد در خانواده سلـطـنـتی، نشانه دیگری از انـقطاع و بی‌نیازی او است. همان گونه که این صفات همراه با ایمان او به تعالیم شری‌کریشنا (پیر روحانیش) نشان می‌دهد، واقعاً او باتقوا و نیکوخصال است. در نتیجه آرجونا کاملاً شایسته رهایی است. بدون کنترل حواس، هیچ امکانی برای ارتقاء به سـکوی دانـش وجـود ندارد و بـدون دانـش و عـشق و عـبودیـت هـیـچ امـکانی برای رهایی نیست. شایستگی آرجونا در این خصوصیات روحانی بسی بیشتر از صفات بزرگ او و در روابط مادی است.

## آیه ۷

*kārpaṇya-doṣopahata-svabhāvaḥ*
*pṛcchāmi tvāṁ dharma-sammūḍha-cetāḥ*
*yac chreyaḥ syān niścitaṁ brūhi tan me*
*śiṣyas te 'haṁ śādhi māṁ tvāṁ prapannam*

*kārpaṇya* : مربوط به خست (عامل ننگ‌آوری) ـ *doṣa* : توسط ضعف و سستی ـ *upahata* : تحت تأثیر واقع شدن ـ *sva-bhāvaḥ* : خصوصیات ـ *pṛcchāmi* : درخواست می‌کنم ـ *tvām* : از تو ـ *dharma* : دین (وظیفه) ـ*sammūḍha* : سرگردان، گمگشته ـ *cetāḥ* : در قلب ـ *yat* : چه، چیست ـ *śreyaḥ* : کاملاً خوب ـ *syāt* : ممکن است باشد ـ *niścitam* : با اطمینان ـ *brūhi* : بگویی ـ *tat* : آن ـ *me* : به من ـ *śiṣyaḥ* : مرید، شاگرد ـ *te* : مال تو، ت ـ *aham* : من هستم ـ *śādhi* : دقیقاً آموزش‌دهی ـ *mām* : به من، مرا ـ *tvām* : به تو ـ *prapannam* : تسلیم شده.

## ترجمه

**اکنون درباره وظیفه‌ام گیج شده‌ام و به علت این سستی ننگ‌آور تمام آرامش و تسلط بر خویش را از دست داده‌ام. در این شرایط از تو تقاضا دارم قطعاً بگویی چه برایم بهترین است. حال دیگر مرید تو هستم و روحی که خود را تسلیمت نموده است. لطفاً مرا آموزش ده.**

## شرح

ساختار طبیعت به گونه‌ای است که نظام کامل دایره اعمال مادی منشأ سرگشتگی هر فرد می‌باشد. این سردرگمی و پیچیدگی در هر قدم وجود دارد، بنابراین بر هر شخصی واجب است به یک پیر روحانی معتبر و موثق که بتواند راهنمایی صحیح برای اجرای هدف حقیقی زندگی را در اختیار او گذارد، مراجعه نماید. کلیه متون مقدس ودایی به ما پند می‌دهند که نزد یک پیر روحانی معتبر و موثق برویم تا از سرگشتگیهای حیات مادی که بدون خواست ما پیش می‌آیند، رهایی یابیم. سرگشتگیهای حیات مادی مانند آتش جنگل هستند که به گونه‌ای بی آنکه کسی آن را افروخته باشد، شعله‌ور می‌گردد. به همین نحو وضعیت جهان به گونه‌ای است که سرگشتگیهای حیات مادی خود به خود ظاهر می‌گردند بدون آنکه چنین آشفتگیها و پریشانیهایی را طلب کرده باشیم. بنابراین حکمت ودایی پند می‌دهد برای آنکه به علم حل مسائل و مشکلات حیات مادی دست یابیم باید نزد یک پیر روحانی که در سلسله مشایخ است برویم. کسی که دارای پیر روحانی معتبر است قاعدتاً باید همه چیز را بداند. بنابراین مفهوم این آیه چنین است: هیچکس نباید در سرگشتگیهای حیات مادی باقی بماند، بلکه باید به یک پیر روحانی مراجعه نماید. چه کسی در سرگشتگیهای حیات مادی دست و پا می‌زند کسی که مسائل و مشکلات حیات مادی را درک نمی‌کند. در بریهاد ـ آرانیاکا اوپانیشاد (۱۰/۸/۳) انسان سرگشته بدین گونه توصیف شده:

*yo vā etad akṣaraṁ gārgy aviditvāsmāl̐ lokāt praiti sa kṛpaṇaḥ*

"کسی که از سرمایه باارزش زندگی انسانی برای حل مسائل و مشکلات حیات مادی استفاده نمی‌کند، خسیس محسوب می‌شود و بدین ترتیب، بی‌آنکه علم خودشناسی یا معرفت‌النفس را ادراک کند، همانند سگها و گربه‌ها این دنیا را ترک می‌نماید." این شکل انسانی باارزشترین سرمایه‌ای‌است که موجود زنده می‌تواند از آن برای حل مسائل و مشکلات حیات مادی بهره جوید و به همین‌جهت کسی که به درستی از این سرمایه باارزش استفاده نمی‌کند، خسیس محسوب می‌شود. از سوی دیگر، براهمانا نیز وجود دارد، یعنی کسی که از هوش کافی برخوردار است که از این کالبد انسانی برای حل کلیه مسائل و مشکلات حیات مادی استفاده می‌نماید.

*Ya etad akṣaraṁ gārgi viditvāsmāl̐ lokāt praiti sa brāhmaṇaḥ*

کریپاناها یا اشخاص خسیس، با ادراکی مادی از حیات، عمر خود را با دلبستگی زیاد به خانواده، جامعه، کشور و ... تلف می‌نمایند. انسان غالباً بر اساس "بیماری کالبد مادی" یا به عبارتی بنا بر وابستگیهای جسمانی به زن، فرزند و دیگر اعضای خانواده دلبستگی دارد. کریپانا چنین تصور می‌کند که می‌تواند اعضای خانواده خود را از مرگ حفظ نماید یا آنکه خانواده و جامعه‌اش می‌توانند او را از تیغ مرگ نجات بخشند. چنین تعلقات خانوادگی و مراقبت از فرزندان را در میان حیوانات پست‌تر نیز می‌توان یافت. آرجونا که از خرد کافی برخوردار بود می‌توانست دریابد که دلبستگی او به اعضای خانواده و تمایلش به حفظ آنان از مرگ، علت سرگشتگیهای او را تشکیل می‌دهد. گرچه او می‌توانست درک کند که وظیفه جنگیدن در انتظارش است، ولی به علت این سستی ننگ‌آور نمی‌توانست وظایف خود را انجام دهد. بنابراین از خداوند کریشنا – پیر روحانی متعال – درخواست می‌کند که راه حل قاطعی را تعیین فرماید. او خود را به عنوان یک شاگرد و مرید به‌کریشنا می‌سپارد و می‌خواهد به گفتگوهای دوستانه پایان بخشد. صحبت بین استاد روحانی وشاگرد جدی است و اکنون آرجونا می‌خواهد در برابر کسی که او را به عنوان پیر روحانی قبول کرده بسیار جدی سخن گوید. بنابراین کریشنا اولین پیر روحانی علم بهاگاواد–گیتا و آرجونا اولین

شاگرد برای ادراک گیتا می‌باشد. با وجود این، پژوهشگران نادان دنیوی می‌گویند انسان نباید به کریشنا به‌عنوان یک شخص تسلیم گردد، بلکه باید به "آن تولد نیافته درون کریشنا" که شخص کریشنا مظهرخارجی آن است تسلیم شود. بین درون و برون کریشنا هیچ تفاوتی نیست. کوشش برای درک بهاگاواد-گیتا، برای کسی که از شعور چنین درکی بی‌بهره است، کاملاً بی‌فایده می‌باشد.

## آیه ۸

*na hi prapaśyāmi mamāpanudyād*
*yac chokam ucchoṣaṇam indriyāṇām*
*avāpya bhūmāv asapatnam ṛddhaṁ*
*rājyaṁ surāṇām api cādhipatyam*

*na* : علامت نفی فعل ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *prapaśyāmi* : می‌بینم ـ *mama* : مال من، م ـ *apanudyāt* : بتوانم دور کنم (بتوانم رها شوم) ـ *yat* : آن که ـ *śokam* : غم و اندوه ـ *ucchoṣaṇam* : خشک می‌کند ـ*indriyāṇām* : مربوط به حواس ـ *avāpya* : دست یافتن ـ *bhūmau* : بر زمین ـ *asapatnam* : بی‌همتا ـ *ṛddham* : فرخنده، پربرکت ـ *rājyam* : سلطنت، پادشاهی ـ *surāṇām* : مربوط به فرشتگان ـ *api* : حتی ـ *ca* : همچنین ـ *ādhipatyam* : علو مقام.

## ترجمه

**نمی‌توانم هیچ راهی برای دور ساختن این غم که دارد حواس مرا می‌خشکاند بیابم. چنانچه‌حتی سلطنتی خجسته و بی‌همتا در زمین همچون پادشاهی فرشتگان در بهشت به دست آورم باز قادر به برطرف نمودن این غم نخواهم بود.**

## شرح

اگرچه آرجونا استدلالهای بسیاری را بر مبنای آگاهی از اصول مذهبی و قوانین اخلاقی مطرح می‌نماید، لیکن به نظر می‌رسد که قادر نیست مشکل واقعی خود را بدون کمک پیر روحانی خداوند شری‌کریشنا - حل نماید. او می‌توانست درک کند که این به اصطلاح دانش او برای از بین بردن مشکلاتش، که تمام وجود او را می‌خشکاند، بی‌فایده است و برای او ممکن نبود که بتواند چنین سرگشتگیهایی را بدون یاری یک پیر روحانی نظیر خداوند کریشنا حل کند. تحصیلات دانشگاهی، تحقیقات و درجات عالیه و مزایای دیگر همه در حل مسائل و مشکلات حیات مادی بی‌فایده هستند؛ کمک فقط از طریق یک پیر روحانی همانند کریشنا می‌تواند داده شود. بنابراین نتیجه آن است که پیر روحانی معتبر و موثق کسی است که صددرصد کریشنا آگاه باشد، زیرا چنین شخصی می‌تواند مسائل و مشکلات حیات مادی را حل کند. خداوند چیتانیا فرمود: پیر روحانی حقیقی کسی است که صرف نظر از موقعیت اجتماعیش در علم خداشناسی استاد باشد.

*kibā vipra, kibā nyāsī, śūdra kene naya*
*yei kṛṣṇa-tattva-vettā, sei 'guru' haya*

"این مسأله اهمیت ندارد که شخص ویپرا (پژوهشگری دانا در حکمت ودایی) است یا در خانواده‌ای پست زاده گردیده و یا آنکه در مرحله انقطاع است؛ چنانچه در علم معرفت کریشنا استاد باشد، پیر روحانی کامل و معتبر است." (چیتانیا ـ چاریتامریتا، مادهیا ۸/۱۲۸) عکس آن نیز صادق است، یعنی زمانی فرد می‌تواند پیر روحانی معتبر و موثقی محسوب شود که در علم کریشنا آگاهی استاد شده باشد. همچنین در ادبیات ودایی گفته شده است:

*ṣaṭ-karma-nipuṇo vipro*
*mantra-tantra-viśāradaḥ*
*avaiṣṇavo gurur na syād*
*vaiṣṇavaḥ śva-paco guruḥ*

"براهمانای دانشمندی که در تمام موضوعات دانش ودایی تبحر دارد، بدون آنکه وایشناوا یا متبحر در علم کریشنا آگاهی باشد، شایسته احراز مقام پیر روحانی نیست. ولی کسی که در خانواده‌ای ازطبقه پست تولد یافته، در صورتی که وایشناوا یا کریشنا آگاه باشد، می‌تواند پیر روحانی گردد." (پادماپورانا) مسائل و مشکلات حیات مادی - تولد، پیری، بیماری و مرگ - را نمی‌توان با اندوختن ثروت و پیشرفت اقتصادی از میان برداشت. در بسیاری از قسمتهای جهان کشورهایی وجود دارند که از تسهیلات کامل زندگی و از ثروتی فراوان و اقتصادی پیشرفته برخوردارند. با وجود این، معضلات حیات مادی همچنان در آنجا نیز وجود دارد. آنها به طرق مختلف در جستجوی صلح و آرامش هستند، لیکن فقط در صورتی می‌توانند به خوشبختی حقیقی دست یابند که به‌وسیله نماینده معتبر و موثق کریشنا - کسی که در آگاهی به کریشناست - با کریشنا، یا بهاگاواد-گیتا و شریماد-بهاگاواتام که شامل علم شناخت کریشنا می‌باشند، مشورت نمایند.

اگر پیشرفت و توسعه اقتصادی و امکانات مادی می‌توانست غم و اندوه انسان را در مورد مسائل و مشکلات حیات مادی خانواده، اجتماع، ملت و کل جامعه بشری مرتفع سازد، در آن صورت آرجونا نمی‌گفت که حتی سلطنتی بی‌همتا در زمین یا پادشاهی نظیر آنچه فرشتگان در کرات بهشتی دارند نمی‌تواند غم و اندوه او را بزداید. بنابراین او درصدد برآمد به کریشنا آگاهی پناه جوید، و این راه درست برای رسیدن به آرامش و هماهنگی است. پیشرفت اقتصادی یا پادشاهی بر دنیا می‌تواند در هر لحظه با تحولات غیر مترقبه طبیعت مادی پایان یابد. حتی دستیابی به سیارات فوقانی نیز، چنانکه بشر اکنون سعی دارد با رفتن به ماه به این امر تحقق بخشد، می‌تواند در یک لحظه به پایان رسد. در بهاگاواد-گیتا این امر تأیید شده است: *kṣīṇe puṇye martya-lokaṁ viśanti*."هنگامی که نتایج و ثمرات اعمال پرهیزکارانه پایان یابد، انسان مجدداً از اوج خوشبختی به پایین‌ترین مرتبه حیات سقوط می‌کند." بسیاری از سیاستمداران دنیا به همین ترتیب سقوط کرده‌اند؛ که چنین سقوطهایی فقط غم و اندوه فراوانی را به دنبال دارد.

بنابراین اگر بخواهیم برای همیشه نقطه پایانی بر غم و اندوه گذاریم، باید همان گونه که آرجونا عمل کرد در کریشنا پناه جوییم. از این رو آرجونا از کریشنا تقاضا نمود که مشکل او را قاطعانه و برای همیشه حل کند، و چنین است راه کریشنا آگاهی.

## آیه ۹

*sañjaya uvāca*
*evam uktvā hṛṣīkeśaṁ*
*guḍākeśaḥ parantapaḥ*
*na yotsya iti govindam*
*uktvā tūṣṇīṁ babhūva ha*

*sañjayaḥ uvāca* : سانجایا گفت ـ *evam* : بدین‌سان ـ *uktvā* : صحبت کردن، سخن گفتن ـ *hṛṣīkeśamhṛṣīkeśam* : به کریشنا، ارباب حواس ـ *guḍākeśaḥ* : آرجونا، استاد هنر فائق آمدن بر جهل ـ *parantapaḥ* : تنبیه کننده دشمنان ـ *na yotsye* : جنگ نخواهم کرد ـ *iti* : بدین‌سان ـ *govindam* : به‌کریشنا، ارزانی دارنده لذت به حواس ـ *uktvā* : گفتن ـ *tūṣṇīm* : ساکت ـ *babhūva* : گردید ـ *ha* : حتماً، محققاً.

## ترجمه

**سانجایا گفت: آرجونا، تنبیه‌کنندهٔ دشمنان، پس از این سخنان بـه کریشـنا گفـت: "گوویندا، مـن جنـگ نخواهم کرد." و سپس سکوت اختیار نمود.**

## شرح

دهریتاراشترا از اینکه اطلاع یافت آرجونا خیال جنگیدن ندارد و در نظر دارد میدان جنگ را ترک کند و برای امرار معاش به گدایی بپردازد، باید بسیار خوشحال شده باشد. ولی سانجایا با بیان این نکته که آرجونا از توانایی کامل برای کشتن دشمنان خود برخوردار است (پارانتاپا)، وی را بار دیگر ناامید ساخت. هرچند آرجونا موقتاً به علت دلبستگی به اعضای خانواده در اندوه کاذبی غوطه می‌خورد، لیکن به عنوان شاگرد و مرید، به کریشنا، آن پیر روحانی متعال، تسلیم گردید. این نکته نشان‌دهنده آن بود که وی بزودی از اندوه موهومی که ناشی از دلبستگی خانوادگی بود رها می‌گردد و با دانش کامل خودشناسی، یا کریشنا آگاهی، به اشراق می‌رسد. در نتیجه شادمانی دهریتاراشترا زایل خواهد شد، زیرا آرجونا تا آخرین نفس خواهد جنگید.

## آیه ۱۰

*tam uvāca hṛṣīkeśaḥ*
*prahasann iva bhārata*
*senayor ubhayor madhye*
*viṣīdantam idaṁ vacaḥ*

*tam* : به او ـ *uvāca* : گفت ـ *hṛṣīkeśaḥ* : ارباب حواس، کریشنا ـ *prahasan* : لبخند زدن ـ *iva* : همانند آن ـ *bhārata* : ای دهریتاراشترا، نواده بهاراتا ـ *senayoḥ* : مربوط به سپاهیان ـ *ubhayoḥ* : مربوط به دو دسته ـ *madhye* : بین ـ *viṣīdantam* : به شخص غمگین ـ *idam* : ذیل ـ *vacaḥ* : سخنان.

## ترجمه

**ای نواده بهاراتا (دهریتاراشترا)، آنگاه کریشنا در حالی که لبخندی بر لب داشت، در میان دو سپاه، خطـاب به آرجونای غمگین فرمود.**

## شرح

گفتگو بین دو دوست صمیمی به نام هریشی‌کشا و گوداکشا ادامه داشت. هر دو آنها به عنوان دوست در یک سطح قرار داشتند، لیکن یکی از آنها داوطلبانه به شاگردی دیگری درآمد. کریشنا از اینکه دوستش تصمیم گرفته بود شاگرد و مریدش باشد، لبخند می‌زد. خداوند به عنوان پروردگار همه و در مقام استاد همه، همواره در اوج تعالی است و با این حال برای عابدی که بخواهد خداوند در مقام دوست، فرزند یا معشوق باشد، چنین نقشی را ایفا می‌کند. هنگامی که آرجونا او را به عنوان استاد خود پذیرفت، بی‌درنگ چنین نقشی را قبول کرد و با سنگینی و وقار لازم با مرید خود سخن گفت. به نظر می‌رسد که گفتگو بین استاد و شاگرد به صورت آشکاری در حضور دو سپاه صورت گرفت تا همه بهره‌مند شوند. بنابراین تعالیم بهاگاواد–گیتا منحصر به هیچ شخص، اجتماع یا جامعه خاصی نیست، بلکه برای کل جامعه بشری است و دوست و دشمن به طور یکسان حق شنیدن آن را دارند.

## آیه ۱۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*aśocyān anvaśocas tvaṁ*
*prajñā-vādāṁś ca bhāṣase*
*gatāsūn agatāsūṁś ca*
*nānuśocanti paṇḍitāḥ*

*śrī-bhagavān uvāca* : شخصیت متعال پروردگار فرمود ـ *aśocyān* : چیزی که ارزش‌غم خوردن و شکوه کردن را ندارد ـ*anvaśocaḥ* : سوگواری می‌نمایی ـ *tvam* : تو ـ *prajñā-vādān* : سخنان خردمندانه ـ *ca* : همچنین ـ *bhāṣase* : سخن گفتن ـ *gata* : از دست رفته ـ *asūn* : زندگی ـ *agata* : از دست نرفته ـ *asūn* : زندگی ـ *ca* : همچنین ـ *na* : هرگز ـ *anuśocanti* : غم می‌خورند ـ *paṇḍitāḥ* : خردمندان.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: خردمندانه سخن می‌گویی، ولـی بـرای آنچـه ارزش غـم و انـدوه نـدارد سوگواری می‌نمایی. فرزانگان نه برای زندگان اندوهی به دل راه می‌دهند و نه برای مردگان.**

## شرح

خداوند بی‌درنگ مقام استاد را به خود گرفت و شاگرد را با مخاطب قرار دادن غیر مستقیم به عنوان یک نادان ملامت نمود. خداوند فرمود: "چون دانایان سخن می‌گویی، ولی نمی‌دانی که شخص دانایی که به تمایز روح و بدن آگاه است، برای مرده یا زنده این کالبد جسمانی، اندوهی به دل راه نمی‌دهد." در فصول بعد توضیح داده خواهد شد که دانش واقعی یعنی شناخت ماده و روح و گرداننده آن دو. آرجونا چنین استدلال می‌نمود که می‌باید برای اصول دینی بیش از مسائل سیاسی یا مسائل مربوط به جامعه اهمیت قائل شد، لیکن پی نبرده بود که شناخت ماده، روح و خداوند متعال حتی از سلسله قواعد و مناسک دینی پراهمیت‌تر است؛ و از آنجا که او فاقد چنین دانشی بود، و در مورد مطالب بی‌ارزش غم به خود راه می‌داد چرا وانمود می‌کرد که شخص دانایی است

این بدن زاده می‌شود و مقدر است دیر یا زود در معرض نابودی قرار گیرد، از این رو اهمیت این کالبد فانی مادی همچون اهمیت روح جاودان نیست. کسی که به این نکته آگاه باشد دانای حقیقی است و او برای هیچیک از مراحل مختلف زندگی بدن مادی غم و اندوه به دل راه نمی‌دهد و شکوه و شکایت نمی‌کند.

## آیه ۱۲

*na tv evāhaṁ jātu nāsaṁ*
*na tvaṁ neme janādhipāḥ*
*na caiva na bhaviṣyāmaḥ*
*sarve vayam ataḥ param*

*na* : هرگز ـ *tu* : اما ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *aham* : من ـ *jātu* : در هیچ زمانی ـ *na* : (ن')، علامت‌نفی ـ *āsam* : وجود داشته باشم ـ *na* : نه ـ *tvam* : تو ـ *na* : نه ـ *ime* : همه اینها ـ *jana-adhipāḥ* : شاهان ـ *na* : هرگز ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *na* : نه ـ *bhaviṣyāmaḥ* : وجود خواهندداشت ـ *sarve vayam* : همه ما ـ *ataḥ param* : در آینده.

## ترجمه

**هرگز زمانی نبوده است که من، تو یا تمامی این شاهان وجود نداشته باشیم و در آینده نیز هیچیک از ما موجودیت خود را از دست نخواهد داد.**

## شرح

در متون ودایی، همچون کاتها اوپانیشاد و شوتاش واتارا اوپانیشاد، گفته شده که شخصیت متعال خداوند حاجات بی‌نهایت موجود زنده را بر حسب موقعیتهای متفاوتشان، که طبق اعمال و بازتاب اعمال فردی آنان می‌باشد، برآورده می‌کند. همچنین آن شخصیت مطلق الهی از طریق بسطهای کامل خود در قلب هر موجود زنده ساکن است. اما فقط اشخاص مقدس قادرند خداوند متعال را در درون و برون ببینند و همانا ایشان هستند که می‌توانند به آرامش کامل و جاودان نائل شوند.

*nityo nityānāṁ cetanaś cetanānām*
*eko bahūnāṁ yo vidadhāti kāmān*
*tam ātma-sthaṁ ye 'nupaśyanti dhīrās*
*teṣāṁ śāntiḥ śāśvatī netareṣām*

(کاتها اوپانیشاد ۲/۲/۱۳)

این حقیقت ودایی نه تنها به آرجونا که به تمام افراد جهان که خود را بسیار دانا می‌دانند، ولی در واقع بهره اندکی از دانش دارند، اعلام شد. خداوند با عبارات واضحی می‌فرماید که شخص خود، آرجونا و تمامی شاهانی که در میدان نبرد گرد آمده‌اند به طور ابدی آحاد منفرد هستند و او تا ابد حافظ فرد فرد موجودات زنده – چه در شرایط اسارت مادی و چه در مرتبه رهایی‌یافته – می‌باشد. شخصیت مطلق الهی، آن یگانه شخص متعال است و آرجونا معاشر ابدی خداوند و تمام شاهانی که در آنجا گرد آمده بودند آحاد منفرد جاودان محسوب می‌شوند. چنین نیست که آنها در گذشته به صورت فرد نبوده باشند یا در آینده نیز به صورت افراد ابدی باقی نمانند. بلکه فردیت آنها در گذشته وجود داشته است و بدون وقفه در آینده نیز ادامه خواهد یافت. بنابراین دیگر علتی برای اندوه به دل راه دادن نمی‌ماند.

مرجع متعال، خداوند کریشنا، در اینجا نظریه مایاوادیها (بی‌هویت‌گرایان) را مبنی بر اینکه روح فردی، که با پوشش مایا یا توهم جدا گشته است و پس از رهایی در برهمن فاقد هویت غرق و با آن یکی خواهد شد و موجودیت فردی خود را از دست خواهد داد تأیید نکرده است. همچنین این نظریه را که ما فقط در شرایط اسارت مادی است که دارای فردیت و هویت هستیم، رد می‌کند. کریشنا به وضوح می‌فرماید که فردیت خداوند و افراد دیگر همان گونه که در اوپانیشادها تصریح شده، در آینده نیز تا ابد ادامه خواهد یافت. این گفته کریشنا کاملاً معتبر است زیرا خداوند تحت تأثیر توهم قرار نمی‌گیرد. اگر فردیت حقیقت نداشت، کریشنا آن را به این اندازه، حتی برای آینده، مورد تأکید قرار نمی‌داد. ممکن است مایاوادیها اظهار کنند که فردیت مورد نظر کریشنا روحانی نیست بلکه مادی می‌باشد. حتی اگر چنین استدلالی را بپذیریم که فردیت مذکور اشاره به پوشش بیرونی گوهر روح دارد، در آن صورت چگونه می‌توان فردیت کریشنا را متمایز نمود زیرا کریشنا فردیت خود را در گذشته و همچنین در آینده تأکید می‌کند. او این فردیت را از راههای بسیاری تأیید کرده و برهمن فاقد شخصیت را تابع خود اعلام نموده است. کریشنا همواره فردیت روحانی داشته است. اگر ما شخصیت الهی را به عنوان یک روح مقید عادی که در آگاهی فردی قرار دارد بپذیریم، آنگاه بهاگاواد-گیتای او به عنوان کتاب مقدس معتبر چه ارزشی خواهد داشت انسان معمولی با چهار نقیصه بشری قادر نیست چیزی که ارزش شنیدن را داشته باشد آموزش دهد. گیتا ورای چنین‌نوشته‌هایی است و هیچ کتاب دنیوی قابل مقایسه با بهاگاواد-گیتا نیست. گیتا تمام اهمیت خود رازمانی که کریشنا یک فرد عادی تلقی شود از دست می‌دهد. مایاوادیها می‌گویند فردیت و هویتی که در این آیه ذکر شده به بدن مربوط می‌شود، در حالی که پیش از این در آیه قبل چنین ادراک بدنی محکوم شده بود. پس چگونه ممکن است که کریشنا پس از رد چنین ادراکی از ماهیت موجود زنده بار دیگر مفهوم متعارف کالبد مادی را ملاک قرار دهد بنابراین هویت و فردیت در سطح روحانی حفظ می‌شود و این موضوع مورد تأیید

آچاریاهای بزرگی چون شری‌رامانوجا و دیگران می‌باشد. دربسیاری از قسمتهای گیتا به وضوح بیان گردیده که همانا مریدان خداوندند که این فردیت روحانی را درک می‌کنند و کسانی که به کریشنا به عنوان شخصیت متعال خداوند حسد می‌ورزند، هیچگاه به حقیقت متون آسمانی دست نخواهند یافت. نزدیک شدن یک غیر عابد به تعلیمات گیتا همانند آن است که زنبوری فقط بیرون ظرف عسلی را بمکد. تا زمانی که در ظرف باز نشود نمی‌توان عسل راچشید. همچنان که در فصل چهارم آمده است تنها عابدان هستند که می‌توانند به راز بهاگاواد–گیتا دست یابند، شهد آن را بچشند و حقیقت آن را دریابند. کسانی که به موجودیت خداوند حسد می‌ورزند، قادر نیستند حقایق گیـتا را درک کنند. بنابراین تفسیری که مایاوادیها از گیـتا به عمل می‌آورند گمراه‌کننده‌ترین بیانی است که از کل حقیقت ارائه می‌کنند. خداوند چیتانیا ما را از خواندن تفسیرهای مایاوادیها برحذر داشته است و هشدار می‌دهد کسی که به چنین ادراکی از فلسفه مایاوادی روی آورد، قدرت درک خود را برای دریافت سر حقیقی گیـتا از دست خواهد داد. چنانچه فردیت فقط مربوط به جهان تجربی باشد، در آن صورت نیازی به تعلیمات پروردگار نیست. هویت شخصی و استقلال فردی ارواح و خداوند حقیقتی ابدی و ازلی است و در وداها، همان گونه که دربالا اشاره شد، تأیید گردیده است.

## آیه ۱۳

*dehino 'smin yathā dehe*
*kaumāraṁ yauvanaṁ jarā*
*tathā dehāntara-prāptir*
*dhīras tatra na muhyati*

*dehinaḥ* : مربوط به آن که قالب گرفته ـ *asmin* : در این ـ *yathā* : همان گونه ـ *dehe* : در بدن ـ *kaumāram* : کودکی ـ *yauvanam* : جوانی ـ *jarā* : پیری ـ *tathā* : مشابهاً ـ *deha-antara* : مربوطبه انتقال از بدن ـ *prāptiḥ* : دستیابی ـ *dhīraḥ* : هوشیار ـ — *na* : هرگز؛ *tatra* : در نتیجه ـ *na* : هرگز ـ *muhyati* : سرگشته می‌گردد.

## ترجمه

**همان گونه که روح قالب گرفته به طور مداوم در این بدن از کودکی بـه جـوانی و سـپس بـه پیـری گـذر می‌کند، به همین ترتیب در زمان مرگ نیز روح به جسم دیگری وارد می‌گردد. فردی که به طبیعت روحـانی خـود واقف است از چنین تغییری حیران و سرگشته نمی‌شود.**

## شرح

از آنجا که هر موجود زنده روحی است دارای فردیت، بدن خود را هر لحظه تغییر می‌دهد و این تغییر گاهی به صورت یک کودک، گاهی به شکل یک جوان و گاهی نیز به سیمای یک انسان پیر جلوه‌گر می‌شود. با این حال، در تمام این تحولات جسمانی، روح در معرض هیچ تغییری قرار نمی‌گیرد و ثابت باقی می‌ماند. این روح فردی سرانجام در هنگام مرگ، کالبد خود را عوض می‌کند و به بدن دیگری انتقال می‌یابد. آرجونا، به دلیل اینکه روح قطعاً در زندگی بعدی خود کالبد جدیدی را (مادی یا روحانی) اختیار می‌کرد، نمی‌باید در مورد مرگ بهیشما و درونا غم به دل راه می‌داد. در عوض باید از اینکه آنها بدنهای فرسوده خود را با بدنهای جدیدی عوض می‌کردند و بدین ترتیب تجدید نیرو می‌نمودند شادمان باشد. بدنهای مختلفی که ما می‌پذیریم شادیها و رنجهای مختص‌خود را به دنبال دارد که آنها به صورت پاداش یا جزا، نتیجه اعمال گذشته‌مان است.

بنابراین بهیشما و درونا که ارواح بزرگی بودند، بدون تردید در زندگی آینده خود از کالبدهای روحانی برخوردار می‌شدند و یا حداقل برای لذت بیشتر از زندگی مادی به کالبدهای بهشتی دست می‌یافتند. بنابراین، به هر صورت، دلیلی برای غم و اندوه وجود نداشت.

هر انسانی که دارای دانش کامل در مورد سرشت روح فردی، روح متعال و طبیعت مادی و روحانی باشد، دهیرا یا هوشیارترین نامیده می‌شود. چنین شخصی هیچگاه از تغییر بدن دچار توهم و گیجی نمی‌گردد.

نظریه مایاوادیها (بی‌هویت‌گرایان) را در مورد یگانگی روح نمی‌توان پذیرفت، زیرا روح را نمی‌توان تکه‌تکه و به اجزاء و ذرات خرد تبدیل کرد. جزء جزء نمودن روح یگانه و تبدیل آن به ارواح منفرد گوناگون، خداوند متعال را تغییرپذیر و قابل تجزیه می‌سازد که مغایر اصل تغییرناپذیری روح متعال است. همان گونه که در گیتا تأیید شده اجزاء و ذرات خداوند متعال به طور جاودان (ساناتانا) موجود هستند و کشارا نامیده می‌شوند، یعنی آنها تمایل به فرو افتادن در طبیعت مادی دارند. این ذرات روح فردی به طور ابدی به صورت جزء هستند و حتی پس از رهایی، به همان صورت جزء باقی می‌مانند. ولی روح فردی هنگامی که رهایی یابد، یک حیات جاودان را در شعف و دانش در جوار شخصیت متعال خداوند خواهد گذراند. نظریه "بازتاب" را می‌توان در مورد روح متعال که در بدن هر موجود زنده‌ای حضور دارد و پاراماتما نامیده می‌شود به کار برد. او با موجود زنده منفرد تفاوت دارد. هنگامی که آسمان در آب بازتاب پیدا می‌کند، این بازتاب نمایانگرخورشید، ماه و ستارگان است. ستارگان را می‌توان به موجودات زنده و خورشید یا ماه را به خداوند متعال تشبیه کرد. آرجونا مبین روح جزئی فردی است و روح متعال، شخصیت پروردگار شری‌کریشنا می‌باشد. همان گونه که در آغاز فصل چهارم مشخص خواهد شد آنها در یک سطح نیستند. اگر آرجونا در همان سطح کریشنا باشد و کریشنا بدو برتری نداشته باشد، آنگاه رابطه استاد وشاگردی آنها بی‌مفهوم می‌گردد. اگر هر دوی آنها با نیروی فریبنده و توهم‌زای (مایا) گمراه گردند، دیگر ضرورتی ندارد که یکی استاد و دیگری شاگرد باشد. چنین آموزشی بی‌فایده است، زیرا هیچکس نمی‌تواند در چنگال مایا یک استاد معتبر و موثق باشد. بنابراین، در چنین شرایطی واضح می‌باشد که خداوند کریشنا، پروردگار متعال است که از موجود زنده، یعنی آرجونا – روح دچار غفلت که به وسیله مایا گمراه شده – مقامی بالاتر دارد.

## آیه ۱۴

*mātrā-sparśās tu kaunteya*
*śītoṣṇa-sukha-duḥkha-dāḥ*
*āgamāpāyino 'nityās*
*tāṁs titikṣasva bhārata*

*v mātrā-sparśāḥ* : ادراک حسی ـ *tu* : تنها، فقط ـ *kaunteya* : ای پسر کونتی ـ *śīta* : زمستان ـ *uṣṇa* : تابستان ـ *sukha* : سرور و شادمانی ـ *duḥkha* : و درد و غم ـ *dāḥ* : دادن ـ *āgama* : پیدایش ـ *apāyinaḥ* : ناپدید شدن ـ *anityāḥ* : موقت ـ *tān* : همه آنها ـ *titikṣasva* : دقیقاً سعی کن تحمل نمایی ـ *bhārata* : ای نواده سلسله بهاراتا.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، پیدایش موقت شادی و غم و ناپدید شدنشان در زمان خود همچون پدیدار و ناپدید شدن فصول زمستان و تابستان است. ای نواده بهاراتا، آنها از ادراک حواس پدید می‌آیند و انسان باید بیاموزد که بدون آشفته شدن آنها را تحمل نماید.**

## شرح

انسان باید برای انجام صحیح وظایف خود بیاموزد که پیدایش و ناپدید شدن موقت شادی و غم را با صبر و بردباری سپری سازد. طبق دستورات ودایی، انسان باید حتی در ماه ماگها (بهمن ـ اسفند) صبح خیلی زود به استحمام بپردازد. هوا در این هنگام بسیار سرد است، با وجود این، مردی که طبق اصول دینی رفتار می‌کند در استحمام تردید به خود راه نمی‌دهد. به همین نحو یک زن نیز در تحمل گرمای آشپزخانه برای تهیه غذا و آشپزی، در ماههای تیر و مرداد که گرمترین هنگام فصل تابستان می‌باشد، تردید به خود راه نمی‌دهد. شرایط سخت آب و هوا نباید در انجام وظیفه شخص خلل وارد سازد. به همین ترتیب یک کشاتریا نیز حتی زمانی که مجبور به جنگ با دوستان و بستگان خود شود، نباید از وظیفه دینی خود که جنگیدن است منفک گردد. شخص باید از قواعد و قوانین تجویزشده اصول دینی به منظور ارتقاء به سکوی دانش پیروی نماید، زیرا فقط با دانش و عشق و عبودیت است که انسان قادر می‌گردد خود را از اسارت پنجه‌های مایا (توهم) رها سازد.

دو نام مختلفی که به آرجونا خطاب شده نیز دارای اهمیت است. مخاطب قرار دادن او به صورت کونتیا حاکی از اصالت خانوادگی او از سوی مادر است و مخاطب قرار دادن او با عنوان بهاراتا نشان‌دهنده بزرگی او از نظر اصالت پدری می‌باشد. او از هر دو سو دارای میراث بزرگی است و چنین میراث گرانبهایی باعث ایجاد مسئولیت در انجام صحیح وظایف می‌گردد. بنابراین، او نمی‌تواند از جنگیدن خودداری ورزد.

## آیه ۱۵

*yaṁ hi na vyathayanty ete*
*puruṣaṁ puruṣarṣabha*
*sama-duḥkha-sukhaṁ dhīraṁ*
*so 'mṛtatvāya kalpate*

*yam* : کسی که او را ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *na* : هرگز ـ *vyathayanti* : پریشان می‌کنند ـ *ete* : تمام‌اینها ـ *puruṣam* : به شخصی ـ *puruṣa-ṛṣabha* : ای بهترین در میان مردان ـ *sama* : دگرگون نشده ـ *duḥkha* : در غم و درد ـ *sukham* : و سرور و شادمانی ـ *dhīram* : صبور، بردبار ـ *saḥ* : او ـ *amṛtatvāya* : برای رهایی ـ *kalpate* : شایسته محسوب می‌شود.

## ترجمه

**ای بهترین انسانها [آرجونا]، کسی که با شادی و رنج آشفته نمی‌گردد و در هر دو حالت مصمم و ثابت باقی می‌ماند، مسلماً شایسته رهایی است.**

## شرح

کسی که در تصمیم خود برای رسیدن به مرحله پیشرفته معرفت روحانی ثابت قدم و استوار است و می‌تواند هجوم شادی و غم را یکسان تحمل نماید، مسلماً انسانی است شایسته رهایی. در نظام وارناشراما ـ دهارما، چهارمین مرحله زندگی یعنی مرحله انقطاع (سانیاسا) وضعیت پرزحمت و دشواری است. لیکن کسی که برای به کمال رساندن زندگی خویش جدی و مصمم است، با وجود تمام دشواریها مسلماً آن را اختیار می‌کند. مشکلات این مرحله معمولا از آنجا ناشی می‌گردند که باید از وابستگیهای خانوادگی و ارتباط با همسر و فرزندان دست کشید. ولی کسی که بتواند در برابر چنین مشکلاتی ایستادگی کند، به طور قطع راه او برای معرفت روحانی باز و هموار می‌شود. به گونه‌ای مشابه، به آرجونا توصیه گردید که در انجام وظایف خود به عنوان کشاتریا استقامت به خرج دهد، حتی زمانی که مجبور به جنگیدن با اعضای خانواده خود و افرادی که مورد علاقه‌اش هستند،

باشد. خداوند چیتانیا در سن بیست و چهار سالگی مرحله سانیاسا را اختیار نمود. بستگان او یعنی همسر جوان و مادر پیرش کسی را جز او نداشتند و بدین ترتیب بی‌یار و یاور شدند. با وجود این، او بنا به دلایل والاتر سانیاسا را برگزید و در انجام وظایف و مسئولیتهای سنگین‌تر ثابت‌قدم ماند. این است راه رهایی از زنجیرهای اسارت مادی.

## آیه ۱۶

*nāsato vidyate bhāvo*
*nābhāvo vidyate sataḥ*
*ubhayor api dṛṣṭo 'ntas*
*tv anayos tattva-darśibhiḥ*

*na* : هرگز ـ : مربوط به آنچه موجود نیست ـ *vidyate* : وجود دارد ـ*bhāvaḥ* : دوام ـ *na* : هرگز ـ *abhāvaḥ* : کیفیت تغییرپذیری ـ *vidyate* : وجود دارد ـ *sataḥ* : مربوط به آنچه جاودان است ـ *ubhayoḥ* : مربوط به این دو ـ *api* : حقیقتاً ـ *dṛṣṭaḥ* : مشاهده شده ـ *antaḥ* : نتیجه‌گیری ـ *tu* : در واقع ـ *anayoḥ* : مربوط به آنها ـ*tattva* : مربوط به حقیقت ـ *darśibhiḥ* : توسط بینندگان.

## ترجمه

**بینندگان حقیقت چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که آنچه موجود نیست [کالبد مادی فانی] دوامی ندارد و آنچه ابدی است [روح جاودان] تغییری ندارد. آنها با مطالعۀ طبیعت هر دو، به این نتیجه دست یافته‌اند.**

## شرح

برای این کالبد مادی فانی که دائماً در حال تغییر است دوامی وجود ندارد و علوم پزشکی نوین نیز این واقعیت را تصدیق می‌کنند که بدن هر لحظه با کنشها و واکنشهای سلولهای مختلف در حال تغییر است و به همین دلیل در معرض رشد و پیری قرار دارد. لیکن روح جاودان که همواره موجود است، به رغم تمام تغییرات بدن و فکر، یکسان باقی می‌ماند. چنین است تفاوت بین ماده و روح، یعنی ماهیت بدن به گونه‌ای است که همواره در حال تغییر می‌باشد در حالی که سرشت روح همواره جاودان است. این نتیجه‌گیری را کلیه بینندگان حقیقت – بی‌هویت‌گرایان و هویت‌گرایان – تصدیق نموده‌اند. در ویشنوپورانا (۲/۱۲/۳۸) بیان شده است:

ویشنو و جایگاه متعال او از موجودیت روحانی نورانی برخوردار است. (*jyotīṁṣi viṣṇur bhuvanāni viṣṇuḥ*). واژه‌های موجود و غیر موجود فقط به روح و ماده اشاره دارد و این نظر کلیه بینندگان حقیقت است.

این آغاز آموزشهای خداوند به موجودات زنده که تحت تأثیر جهل و غفلت سرگشته شده‌اند می‌باشد. رهایی از جهل مستلزم برقراری مجدد رابطه جاودان بین پرستش‌کننده و پرستش‌شونده و در نتیجه درک تفاوت بین موجودات زنده – اجزای خداوند – و شخصیت متعال الهی است. انسان می‌تواند با مطالعه کامل وجود خویش، حق تعالی را درک نماید و در آن صورت است که تفاوت بین خود و خداوند متعال به صورت رابطه بین جزء و کل درک می‌شود. در ودانتا ـ سوتراها و همچنین شریماد-بهاگاواتام خداوند متعال به عنوان منشأ تمامی تجلیات (نیروی برتر و نیروی فروتر) پذیرفته شده است. جان موجود زنده، همان گونه که در فصل هفتم آشکار خواهد شد، متعلق به نیروی برتر خداوند است. هرچند بین نیرو و دارنده نیرو تفاوتی وجود ندارد، لیکن دارنده نیرو به عنوان متعال و نیرو به عنوان تابع پذیرفته شده است. بنابراین موجود زنده همواره تابع خداوند متعال است، همانند موقعیت بین ارباب و خادم یا استاد و شاگرد. لیکن درک چنین دانش روشنی تحت افسون جهل و غفلت ممکن نیست،

از این رو خداوند برای رهایی ما از این جهل و ظلمت، بهاگاواد–گیتا را آموزش می‌دهد تا مشعل دانش، طریق تمامی موجودات زنده را در کلیه اعصار روشن و تابان سازد.

## آیه ۱۷

*avināśi tu tad viddhi*
*yena sarvam idaṁ tatam*
*vināśam avyayasyāsya*
*na kaścit kartum arhati*

*avināśi* : نابود نشدنی، زوال‌ناپذیر ـ *tu* : اما ـ *tat* : آن ـ *viddhi* : آن را بدان ـ *yena* : توسط آن ـ *sarvam* : تمام بدن ـ *idam* : این ـ *tatam* : پخش شده ـ *vināśam* : نابودی، فنا ـ *avyayasya* : مربوط به آنچه نابود نشدنی است ـ *asya* : مربوط به آن ـ *na kaścit* : هیچکس ـ *kartum* : انجام دادن ـ *arhati* : قادر است.

## ترجمه

**باید بدانی آنچه در سراسر بدن پخش است نابود شدنی نیست. هیچکس قادر نیست روح فناناپـذیر را از بین ببرد.**

## شرح

این آیه با وضوح بیشتر ماهیت حقیقی روح را که در تمام بدن پخش شده است توضیح می‌دهد. همه می‌توانند به آثار وجود روح که در تمام بدن به صورت آگاهی پخش شده است پی ببرند. هرکسی فقط به دردها و لذات بدن خود آگاه می‌باشد، یا به عبارتی این پخش بودن آگاهی محدود به حیطه بدن هر موجود زنده شده است و بدین ترتیب دردها و لذات یک بدن برای بدن دیگر ناشناخته می‌باشد. بنابراین هر بدن، قالب یا کالبد یک روح منفرد است و نشانه حضور آن روح به صورت آگاهی فردی درک می‌شود. این روح به اندازه یک ده هزارم نوک مو توصیف شده است. در شوتاش واتارا اوپانیشاد (۹/۵) این موضوع چنین تأیید شده است:

*bālāgra-śata-bhāgasya*
*śatadhā kalpitasya ca*
*bhāgo jīvaḥ vijñeyaḥ*
*sa cānantyāya kalpate*

"هنگامی که نوک مو به صد قسمت تقسیم شود و دوباره هر قسمت به صد قسمت دیگر تقسیم‌گردد، هر یک از این قسمتها اندازه ابعاد روح است." و مشابهاً چنین آمده است:

*keśāgra-śata-bhāgasya*
*śatāṁśaḥ sādṛśātmakaḥ*
*jīvaḥ sūkṣma-svarūpo 'yaṁ*
*saṅkhyātīto hi cit-kaṇaḥ*

[Cc. Madhya 19.140]

"تعداد بی‌شماری اتم روحانی وجود دارد که هر کدام به اندازه یک ده هزارم نوک مو می‌باشد."

بنابراین یک ذره منفرد روح، یک اتم روحانی است که از اتمهای مادی کوچکتر است و چنین اتمهایی بی‌شمار هستند. این شراره روحانی بسیار کوچک، گوهر حیات این کالبد مادی است و اثر آن در تمام بدن پخش شده است، همان گونه که عامل مؤثر یک دارو در سراسر بدن پخش می‌شود. آگاهی به صورت عاملی اثرگذار در تمام بدن متجلی می‌شود و بدین صورت حضور روح در بدن را به اثبات می‌رساند: روحی که در اصل منشأ همان آگاهی است. هر انسان معمولی می‌تواند درک کند که بدن مادی بدون آگاهی، بدنی است مرده و بیجان و این آگاهی با هیچ گونه تدبیر مادی احیا نمی‌گردد. بنابراین، آگاهی ناشی از ترکیبات مادی نیست، بلکه از روح نشأت می‌گیرد. در مونداکا ـ اوپانیشاد (۹/۱/۳) اندازه روح اتمی بیشتر توضیح داده شده است:

*eṣo 'ṇur ātmā cetasā veditavyo*
*yasmin prāṇaḥ pañcadhā saṁviveśa*
*prāṇaiś cittaṁ sarvam otaṁ prajānāṁ*
*yasmin viśuddhe vibhavaty eṣa ātmā*

"فقط از طریق شعور کامل است که می‌توان روح را که بی‌نهایت کوچک است درک نمود. این روح اتمی که در پنج نوع هوا (پرانا، آپانا، ویانا، سامانا، اودانا) شناور و درون قلب قرار گرفته است، تأثیرات خود را در تمام بدن پخش می‌کند. هنگامی که روح از آلودگی این پنج نوع هوای مادی پاک گشت، تأثیرات روحانی خود را نمایان می‌سازد."

روش هاتها ـ یوگا نیز از طریق حالات گوناگون ( آساناها)، سعی در کنترل پنج نوع هوایی که روح پاک را احاطه کرده‌اند دارد. بنابراین، هدف روش مذکور کسب دستاوردهای مادی نیست، بلکه هدف آن، رهایی روح بسیار خرد از اسارت فضای مادی است.

به این ترتیب ساختار روح اتمی در تمام ادبیات ودایی بیان شده است و هر انسان عاقل نیز در تجربه عملی خود آن را واقعاً احساس می‌کند. تنها شخص نابخرد می‌تواند چنین تصور کند که این روح اتمی همان ویشنو ـ تاتوای همه جا گسترده است.

طبق مونداکا اوپانیشاد، روح اتمی در قلب هر موجود زنده قرار دارد و از قلب است که تأثیراتش در تمام بدن پخش می‌گردد. از آنجا که ابعاد روح اتمی در حوزه درک دانشمندان مادی نمی‌گنجد، برخی از آنان نابخردانه ادعا می‌کنند که روح وجود ندارد. روح اتمی منفرد قطعاً همراه با روح متعال در درون قلب وجود دارد و به این دلیل تمام قوای لازم برای به حرکت درآوردن بدن از این قسمت نشأت می‌گیرد. گلبولهای خون که اکسیژن ذخیره شده در ششها را در طول بدن حمل می‌کنند، انرژی خود را از روح دریافت می‌دارند. هنگامی که روح بدن را ترک می‌کند، عمل آمیختن و ترکیبی که از طریق آن خون ایجاد می‌گردد، متوقف می‌شود. علم پزشکی اهمیت گلبولهای قرمز را قبول دارد، لیکن نمی‌تواند ثابت کند که منشأ آنها انرژی روح است. با این حال، علم پزشکی تصدیق می‌کند که قلب جایگاه تمام انرژیهای بدن است.

ارواح منفرد را که اجزای انوار خداوند متعال کریشنا می‌باشند می‌توان به بی‌نهایت ملکول نورانی که اشعه خورشید را می‌سازند تشبیه کرد. ارواح منفرد یا جرقه‌های روحانی انوار خداوند را تشکیل می‌دهند و تجلی نیروی برتر او به نام پرابها می‌باشند. بنابراین، انسان چه از دانش ودایی پیروی نماید و چه از علم جدید، نمی‌تواند وجود روح را در بدن انکار کند، و خود شخصیت پروردگار در بهاگاواد-گیتا علم روح را به وضوح توضیح می‌دهد.

## آیه ۱۸

*antavanta ime dehā*
*nityasyoktāḥ śarīriṇaḥ*
*anāśino 'prameyasya*
*tasmād yudhyasva bhārata*

*anta-vantaḥ* : نابود شدنی، فناپذیر ـ *ime* : تمام اینها ـ *dehāḥ* : بدنهای مادی ـ *nityasya* : دارای موجودیت ابدی ـ *uktāḥ* : گفته شده‌اند ـ *śarīriṇaḥ* : مربوط به روح که در قالب جسم آمده است ـ *anāśinaḥ* : فناناپذیر ـ *aprameyasya* : غیر قابل اندازه‌گیری ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *yudhyasva* : بجنگ ـ *bhārata* : ای نواده بهاراتا.

## ترجمه

**روح، فناناپذیر، ابدی و غیر قابل اندازه‌گیری است. فقط بدنهای مادی که این روح در اختیار می‌گیرد فناپذیر هستند. پس، حال که این را دانستی، ای نوادهٔ بهاراتا، بجنگ.**

## شرح

بدن مادی طبعاً از بین می‌رود، شاید هم اکنون و یا شاید پس از سالیان سال. به هر حال این مسأله تنها مربوط به زمان می‌شود. بنابراین، هیچ امکانی برای حفظ و بقای بدن مادی تا زمانی نامحدود وجود ندارد. و اما روح: آنقدر خرد و کوچک است که دشمن را یارای دیدن او نیست تا چه رسد به کشتنش. همان گونه که در آیه قبل ذکر شد، روح به قدری کوچک است که هیچکس نمی‌داند چگونه می‌توان ابعاد آن را اندازه گرفت. چنانچه از دو دیدگاه زیر به مسأله بنگریم متوجه خواهیم شد که شکوه و سوگواری برای از بین رفتن بدن جایز نیست: اولا، نمی‌توان واقعیت موجود زنده را که همان روح است نابود ساخت و ثانیاً، نمی‌توان بدن مادی را برای زمانی طولانی، یا به طور دائم، حفظ نمود. از آنجا که ذره کوچک روح کل، این بدن مادی را طبق عمل خود به دست می‌آورد، بنابراین رعایت اصول دینی لازم است. موجود زنده در ودانتا ـ سوتراها همچون نور توصیف شده است، زیرا او ذره‌ای از انوار متعال است. همان گونه که نور خورشید تمام این دنیا را حفظ می‌نماید، نور روح نیز بدن مادی را حفظ می‌کند و به محض اینکه روح از این بدن مادی خارج گردد، بدن شروع به تجزیه شدن می‌کند؛ بنابراین روح است که این کالبد مادی را که به خودی خود آنقدر ارزش‌ندارد حفظ می‌نماید. لذا به آرجونا توصیه شده است که بجنگد و هدف دین را قربانی ملاحظات مادی و جسمانی ننماید.

## آیه ۱۹

*ya enaṁ vetti hantāraṁ*
*yaś cainaṁ manyate hatam*
*ubhau tau na vijānīto*
*nāyaṁ hanti na hanyate*

*yaḥ* : هر کسی که ـ *enam* : این ـ *vetti* : بداند ـ *hantāram* : کشنده ـ *yaḥ* : هر کسی که ـ *ca* : همچنین ـ *enam* : این ـ *manyate* : فکر کند ـ *hatam* : کشته شده ـ *ubhau* : هر دو ـ *tau* : آنها ـ *na* : هرگز ـ *vijānītaḥ* : در دانش هستند ـ *na* : هرگز ـ *ayam* : این ـ *hanti* : می‌کشد ـ *na* : و نه، هم نه ـ *hanyate* : کشته می‌شود.

## ترجمه

**چه آن کس که گمان می‌کند موجود زنده می‌کشد، و چه آن کس که تصور می‌کند موجود زنده کشته می‌شود، هر دو بی بهره از دانش‌اند زیرا ذات نه می‌کشد و نه کشته می‌شود.**

## شرح

باید دانست هنگامی که کالبد جسمانی یک موجود زنده به‌وسیله سلاحهای مهلک مصدوم می‌گردد، موجود زنده‌ای که درون بدن بسر می‌برد کشته نمی‌شود. همان گونه که در آیات بعد روشن خواهد شد روح به قدری کوچک است که کشتن او با هیچ سلاح مادی ممکن نیست و بعلاوه موجود زنده به علت سرشت روحانیش قابل کشتن نیست. آنچه کشته می‌شود یا قرار است کشته شود، تنها بدن است. با این حال این نکته به هیچ وجه کشتن و از بین بردن بدن را تأیید و تشویق نمی‌کند. حکم ودایی چنین است:*mā hiṁsyāt sarvā bhūtāni: [Bg. 9.4]* هیچگاه در مورد هیچکس به خشونت متوسل نگردید. دانستن اینکه موجود زنده هیچگاه نمی‌میرد، به ما اجازه کشتار حیوانات را نمی‌دهد. از بین بردن موجود زنده، بدون اجازه موثق، عمل شنیعی است که با قوانین کشوری و همچنین با قوانین پروردگار قابل مجازات است. لیکن آرجونا برای اصول دین به کشتن مبادرت می‌ورزد و نه از روی هوی و هوس.

## آیه ۲۰

*na jāyate mriyate vā kadācin*
*nāyaṁ bhūtvā bhavitā vā na bhūyaḥ*
*ajo nityaḥ śāśvato 'yaṁ purāṇo*
*na hanyate hanyamāne śarīre*

*na* : هرگز ـ *jāyate* : تولد می‌یابد ـ *mriyate* : می‌میرد ـ *vā* : هر کدام ـ *kadācit* : هیچگاه (گذشته، حال یا آینده) ـ *na* : هرگز ـ *ayam* : این ـ *bhūtvā* : به وجود آمدن ـ *bhavitā* : به وجود خواهد آمد ـ *vā* : یا ـ *na* : نه ـ *bhūyaḥ* : یا مجدداً به وجود آید ـ *ajaḥ* : تولد نیافته ـ *nityaḥ* : ابدی ـ *śāśvataḥ* : دائمی ـ *ayam* : این ـ *purāṇaḥ* : کهن‌ترین ـ *na* : هرگز ـ *hanyate* : کشته می‌شود ـ *hanyamāne* : کشته شدن ـ *śarīre* : بدن.

## ترجمه

**برای روح هیچگاه تولد و مرگی وجود ندارد. روح به وجود نیامده است، به وجود نمی‌آید، و به‌وجود نخواهد آمد. او تولد نیافته، جاودان، همواره موجود و ازلی است. روح با کشته شدن بدن از بین نمی‌رود.**

## شرح

روح اتمی که ذره‌ای از روح متعال است، از نظر کیفی با متعال یکسان است و برخلاف بدن، تغییرات شامل حال او نمی‌گردد. گاهی اوقات روح کوتا ـ ستها یا باثبات خوانده می‌شود. بدن در معرض شش نوع تغییر قرار می‌گیرد: از بطن مادر زاده می‌شود، مدتی باقی می‌ماند، رشد می‌کند، اثراتی به‌جا می‌گذارد، تدریجاً تحلیل و سرانجام از بین می‌رود و در وادی فراموشی ناپدید می‌شود. لیکن روح دچار چنین تغییراتی نمی‌گردد. روح زاده نمی‌شود، ولی از آنجا که باید پوششی مادی اختیار کند، بدن زاده می‌گردد. روح در بدن تولد نمی‌یابد و برای روح مرگ وجود ندارد. هرآنچه زاده می‌شود، مرگ را نیز در بر دارد؛ از آنجا که برای روح تولد وجود ندارد، بنابراین گذشته، حال و یا آینده نیز برای او صدق نمی‌کند. روح، ازلی، ابدی و جاودان است، به عبارت دیگر در تاریخ اثری از آغاز پا به عرصه هستی نهادن آن وجود ندارد و این به خاطر قیاس به کالبد مادی است که ما درجستجوی زمان تولد روح و غیره هستیم. روح هیچگاه مانند بدن پیر نمی‌شود؛ از این روست که شخص به اصطلاح پیر، خود را همان کودک یا جوانی احساس می‌کند که بوده است زیرا تغییرات‌بدن اثری بر روح نمی‌گذارد. روح مانند یک درخت یا هر پدیده مادی دیگر زوال نمی‌یابد و محصولی نیز تولید نمی‌کند. محصولات بدن، یعنی فرزندان، نیز ارواح مستقل متفاوتی‌اند که

آنها به علت وجود بدن، به صورت فرزندان شخص خاصی به نظر می‌رسند. بدن به علت وجود روح است که تحول می‌یابد ولی روح نه دارای فرزند است و نه دچار تغییر می‌شود. در نتیجه روح از شش نوع تغییر بدن آزاد است.
در کاتها اوپانیشاد (۱۸/۱۲/۱) نیز گفته مشابهی را بدین مضمون می‌یابیم:

*na jāyate mriyate vā vipaścin*
*nāyaṁ kutaścin na babhūva kaścit*
*ajo nityaḥ śāśvato 'yaṁ purāṇo*
*na hanyate hanyamāne śarīre*

معنی و مفهوم این آیه همانند آیه بهاگاواد-گیتاست ولی در این آیه یک واژه بخصوص وجود دارد - ویپاشچیت - که به معنای دانا است.

روح پر از دانش است و همواره مملو از آگاهی. بنابراین، آگاهی نشانه روح است. حتی اگر شخص به وجود روح در جایگاه آن، درون قلب، پی نبرد، می‌تواند حضور روح را صرفاً با حضور آگاهی درک نماید. گاهی اوقات ما به علت وجود ابر یا به دلیل دیگر، خورشید را در آسمان نمی‌بینیم لیکن نور خورشید همواره هست و از وجود آن می‌توانیم به روز پی ببریم. به محض آنکه در سپیده‌دم نور کمی در آسمان پدیدار می‌شود می‌توان به وجود خورشید در آسمان پی برد. به همین نحو می‌توانیم حضور روح را از طریق وجود آگاهیی که در تمامی بدنها (انسان یا حیوان) وجود دارد، درک کنیم، اما آگاهی روح فردی با آگاهی خداوند متعال تفاوت دارد، زیرا آگاهی متعال از دانش مطلق برخوردار است، یعنی دانش گذشته، حال و آینده، در حالی که آگاهی روح منفرد مستعد فراموشی است. هنگامی که روح فردی از طبیعت حقیقی خود غافل می‌شود خداوند کریشنا آموزشهای لازم را دراختیار او قرار می‌دهد. چنانچه کریشنا مانند روح فراموشکار می‌بود، آموزشهایش در بهاگاواد-گیتا بی‌فایده می‌شد.
دو نوع روح وجود دارد: روح جزء (آنو ـ آتما) و روح متعال (ویبهو ـ آتما). این نکته درکاتهااوپانیشاد (۱/۲/۲۰) نیز به این ترتیب تأیید شده است:

*aṇor aṇīyān mahato mahīyān*
*ātmāsya jantor nihito guhāyām*
*tam akratuḥ paśyati vīta-śoko*
*dhātuḥ prasādān mahimānam ātmanaḥ*

"روح متعال (پاراماتما) و روح اتمی (جیوآتما) هر دو بر همان درخت بدن و درون همان قلب موجود زنده قرار گرفته‌اند و تنها کسی که از تمام خواسته‌های مادی و همچنین غم و اندوه، آزاد و رها شده است، به شکرانه رحمت پروردگار متعال قادر می‌گردد جلال روح را درک کند." همان گونه که در فصول آتی روشن خواهد شد، کریشنا اصل و منشأ روح متعال است و آرجونا روح اتمی محسوب می‌شود که نسبت به طبیعت حقیقی خود دچار غفلت و فراموشی شده است؛ بنابراین لازم است که کریشنا، یا نماینده معتبر کریشنا (پیر روحانی)، او را به آگاهی و روشنایی رهنمون سازد.

## آیه ۲۱

*vedāvināśinaṁ nityaṁ*
*ya enam ajam avyayam*
*kathaṁ sa puruṣaḥ pārtha*
*kaṁ ghātayati hanti kam*

*veda* : می‌داند ـ *avināśinam* : فناناپذیر ـ *nityam* : همواره موجود ـ *yaḥ* : کسی که ـ *enam* : این (روح) ـ *ajam* : زاده نشده ـ *avyayam* : تغییر ناپذیر ـ *katham* : چگونه ـ *saḥ* : آن ـ *puruṣaḥ* : شخص ـ *pārtha* : ای پارتها (آرجونا) ـ *kam* : که... او ـ *ghātayati* : باعث صدمه رساندن می‌گردد ـ *hanti* : می‌کشد ـ *kam* : که... او.

## ترجمه

**ای پارتها، چگونه شخصی که می‌داند روح نابودنشدنی، جاودان، تولد نیافته و تغییرناپذیر است مـی‌توانـد کسی را بکشد یا باعث گردد دیگری بکشد**

## شرح

هر چیزی کاربرد صحیح خود را دارد و شخصی که در دانش کامل واقع شده است می‌داند چگونه و کجا هر چیز را با استفاده صحیح آن به کار برد. به همین ترتیب خشونت نیز کاربرد خود را دارد و شخصی که در دانش واقع است می‌داند چگونه آن را به کار برد. زمانی که قاضی مجازات اعدام را برای قاتل مقرر می‌دارد نمی‌توان او را مقصر دانست، زیرا او طبق قوانین عدالت، دستور اعمال خشونت را در مورد متهم صادر می‌کند. در مانو ـ سامهیتا، کتاب قوانین بشری، تأیید شده است که قاتل باید به مجازات مرگ محکوم شود تا مجبور نباشد در زندگی بعدی خود به علت گناه بزرگی که مرتکب شده، متحمل درد و رنج گردد. بنابراین، حکم به دار آویختن قاتل در حقیقت عملی خیرخواهانه محسوب می‌شود. به همین نحو هنگامی که کریشنا فرمان جنگیدن می‌دهد، باید نتیجه گرفت که این خشونت برای تحقق عدالت متعال است. بدین ترتیب آرجونا باید از دستورات پیروی نماید، در حالی که به خوبی می‌داند که جنگیدن برای کریشنا، یعنی خشونتی که در خدمت و طاعت کریشنا باشد، اصلا خشونت محسوب نمی‌شود، زیرا به هر حال افراد صف مقابل، یا بهتر بگوییم روح را نمی‌توان کشت. بدین ترتیب برای اجرای عدالت، اعمال این به اصطلاح خشونت مجاز شمرده شده است. همان گونه که منظور از عمل جراحی، کشتن بیمار نیست بلکه برای بهبود بیمار انجام می‌شود. بنابراین، جنگیدن آرجونا تحت تعالیم کریشنا، نبردی توأم با دانش کامل محسوب می‌گردد و از این رو گناهی در پی نخواهد داشت.

## آیه ۲۲

*vāsāṁsi jīrṇāni yathā vihāya*
*navāni gṛhṇāti naro 'parāṇi*
*tathā śarīrāṇi vihāya jīrṇāny*
*anyāni saṁyāti navāni dehī*

*vāsāṁsi* : لباسها، جامه‌ها ـ *jīrṇāni* : کهنه و فرسوده ـ *yathā* : همان گونه که ـ *vihāya* : کنار گذاردن ـ *navāni* : لباسهای نو ـ *gṛhṇāti* : می‌پذیرد ـ *naraḥ* : انسان ـ *aparāṇi* : دیگران ـ *tathā* : به همین نحو ـ *śarīrāṇi*: بدنها ـ *vihāya* : رها کردن ـ *irṇāni* : فرسوده و بیهوده ـ *anyāni* : مختلف، گوناگون ـ *saṁyāti* : حقیقتاً می‌پذیرد ـ *navāni* : لباسهای جدید ـ *dehī* : آنکه در قالب جسم آمده است.

## ترجمه

**همان گونه که انسان لباسهای نو بر تن و جامه‌های کهنه و فرسوده را رها می‌کند، به همین ترتیب روح نیز با کنار گذاردن بدنهای کهنه و بی‌فایده کالبدهای مادی جدیدی می‌پذیرد.**

## شرح

اینکه روح فردی، کالبد مادی خود را تغییر می‌دهد، یک حقیقت پذیرفته شده است. حتی بعضی‌از دانشمندان جدید که به وجود روح ایمان ندارند، و در عین حال نیز قادر نیستند منشأ انرژی قلب راتوضیح دهند، مجبورند تغییرات بی‌وقفه بدن را که از

کودکی به نوجوانی، از نوجوانی به جوانی و ازجوانی به پیری صورت می‌گیرد بپذیرند. در سنین پیری این تغییر کالبد مادی با انتقال روح به بدن دیگر رخ می‌دهد. این نکته در یکی از آیات قبل (۱۳/۲) توضیح داده شد.
انتقال روح فردی به یک کالبد مادی دیگر با لطف و رحمت روح متعال میسر می‌گردد. همان‌گونه که دوستی، خواسته دوست خود را برآورده می‌سازد، روح متعال نیز خواسته و آرزوی روح اتمی را تحقق می‌بخشد. در متون ودایی، مانند مونداکا اوپانیشاد و همچنین شوتاش واتارا اوپانیشاد، روح فردی و روح متعال به دو پرنده دوست و همراه که روی یک درخت نشسته‌اند تشبیه شده‌اند.یکی از پرندگان (روح اتمی فردی) میوه درخت را می‌خورد و پرنده دیگر (کریشنا) فقط ناظر بر دوست خود می‌باشد. با وجود آنکه این دو پرنده در صفت و کیفیت یکسان هستند، ولی یکی از آنها مجذوب و گرفتار و اسیر میوه‌های درخت مادی شده، در حالی که دیگری فقط شاهد و ناظر بر اعمال دوستش است. کریشنا آن پرنده شاهد و آرجونا آن پرنده متمتع از ثمرات درخت است و گرچه دوست و همراه هستند، با این حال، یکی ارباب و دیگری خادم است. فراموشی و غفلت روح اتمی از این رابطه علت تغییر موقعیت او از درختی به درخت دیگر یا از بدنی به بدن دیگر شده است. روح (جیوا) روی درخت بدن مادی سخت مشغول تلاش است، ولی به محض آنکه این پرنده متمتع از ثمرات درخت، پرنده دیگر را به عنوان پیر روحانی متعال خود بپذیرد – همان گونه که آرجونا برای کسب آموزشهای الهی کریشنا داوطلبانه به وی سر تسلیم فرود آورد – بی‌درنگ پرنده مطیع از تمامی غم و اندوه و تأسف رها می‌گردد. این موضوع در مونداکا اوپانیشاد (۲/۱/۳) و شوتاش واتارا اوپانیشاد (۷/۴) تأیید شده است:

*samāne vṛkṣe puruṣo nimagno*
*nīśayā śocati muhyamānaḥ'*
*juṣṭaṁ yadā paśyaty anyam īśam*
*asya mahimānam iti vīta-śokaḥ*

"هرچند که دو پرنده روی یک درخت قرار دارند ولی پرنده‌ای که مشغول خوردن میوه‌های درخت است، به عنوان لذت‌برنده از ثمرات درخت، کاملاً در چنگال اضطراب و پریشانی و نارضایتی فرو رفته است. لیکن چنانچه او به نحوی روی خود را به سوی دوست خویش، که خداوند متعال است، برگرداند و به عظمت و جلال او آگاه شود بلافاصله از تمامی نگرانیها و اضطرابات رها می‌گردد." آرجونا هم‌اکنون چهره‌اش را به سوی دوست ابدیش، کریشنا، برگردانده و بهاگاواد–گیتا را با راهنماییهای او درک می‌کند. در نتیجه آرجونا با گوش فرادادن به کریشنا می‌تواند شکوه و عظمت خداوند را درک نماید و از غم و اندوه رها شود.
در اینجا خداوند به آرجونا پند می‌دهد که برای تغییر بدن پدربزرگ مسن و استاد خود غم و اندوه به دل راه ندهد. برعکس، بلکه او باید از کشتن بدنهای آنان در یک جنگ در راه حق خوشحال باشد، زیرا به این ترتیب آنها این فرصت را می‌یابند که فوراً از تمام واکنشهای اعمال مادی رها گردند. کسی که زندگی خود را در محراب قربانی یا در میدان جنگ در راه حق فدا می‌سازد، بی‌درنگ از واکنشهای مادی رها می‌گردد و به مراحل بالاتری از حیات ارتقاء می‌یابد. بنابراین دلیلی برای غم و اندوه آرجونا وجود ندارد.

## آیه ۲۳

*nainaṁ chindanti śastrāṇi*
*nainaṁ dahati pāvakaḥ*
*na cainaṁ kledayanty āpo*
*na śoṣayati mārutaḥ*

*na* : هرگز ـ *enam* : این روح ـ *chindanti* : می‌تواند به قطعات بریده شود ـ *śastrāṇi* : سلاحها ـ *na* : هرگز ـ *enam* : این روح ـ *dahati* : بسوزد ـ *pāvakaḥ* : آتش ـ *na* : هرگز ـ *ca* : همچنین ـ *enam* : این روح ـ *kledayanti* : خیس شود ـ *āpaḥ* : آب ـ *na* : هرگز ـ *śoṣayati* : خشک شود ـ *mārutaḥ* : باد.

## ترجمه

**روح را هرگز نمی‌توان با هیچ سلاحی قطعه قطعه کرد، یا با آتش سوزاند، با آب خیس و یا با بـاد خشـک نمود.**

## شرح

هیچ سلاحی، از جمله سلاحهای برنده، سلاحهای آتشین، سلاحهای بارشی، سلاحهای گردبادی و غیره قادر به نابودی روح نیست. به نظر می‌رسد که در آن زمان علاوه بر سلاحهای آتشین فعلی، سلاحهای بسیاری که از خاک، آب، هوا، اتر و عناصر طبیعی دیگر ساخته شده بودند، وجود داشته است. سلاحهای هسته‌ای عصر جدید نیز جزو سلاحهای آتشین محسوب می‌شوند. در آن زمان سلاحهای آتشی را با سلاحهای آبی، که اکنون برای علم جدید ناشناخته‌اند، خنثی می‌نمودند. دانشمندان امروز درباره سلاحهای گردبادی نیز اطلاعی ندارند. به هر حال، به رغم انواع وسایل و تمهیدات علمی، هیچگاه نمی‌توان روح را قطعه قطعه کرد و یا با هیچ نوع سلاحی نابودش ساخت.

مکتب مایاوادی قادر به توضیح این مطلب نیست که چگونه روح فردی به‌وسیله پرده جهل و غفلت پا به عرصه هستی نهاد و در نتیجه در حجاب انرژی توهمی فرو رفت. علاوه بر این، امکان ندارد که ارواح منفرد را از روح متعال لایزال قطعه قطعه و جدا نمود. بلکه ارواح فردی به طور ابدی اجزای جداشده روح متعال هستند. از آنجا که آنها به طور جاودان (ساناتانا) ارواح منفرد اتمی‌اند این امکان وجود دارد که با حجاب انرژی توهمی پوشیده شوند و بدین ترتیب از معاشرت با خداوند متعال محروم گردند؛ درست همچنانکه جرقه‌های آتش که از نظر صفت و کیفیت با آتش یکی هستند، ولی خارج از آن در معرض خاموشی قرار می‌گیرند. موجودات زنده در واراها پورانا به عنوان اجزای جداشده آن وجود متعال توصیف شده‌اند و طبق بهاگاواد–گیتا نیز آنها به طور ابدی چنین هستند. بنابراین، همچنانکه در آموزشهای خداوند به آرجونا واضح است، روح حتی در صورت رهایی از توهم، همان هویت جداگانه خود را حفظ می‌کند، چنانکه آرجونا با دانشی که از کریشنا دریافت نمود به رهایی دست یافت، ولی هیچگاه با کریشنا یکی نشد.

## آیه ۲۴

*acchedyo 'yam adāhyo 'yam*
*akledyo 'śoṣya eva ca*
*nityaḥ sarva-gataḥ sthāṇur*
*acalo 'yaṁ sanātanaḥ*

*acchedyaḥ* : غیر قابل شکستن ـ *ayam* : این روح ـ *adāhyaḥ* : غیر قابل سوزاندن ـ *ayam* : این روح ـ *akledyaḥ* : حل نشدنی ـ *aśoṣyaḥ* : غیر قابل خشک کردن ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ca* : و ـ *nityaḥ* : همواره موجود ـ *sarva-gataḥ* : در همه جا حاضر ـ *sthāṇuḥ* : تغییرناپذیر ـ *acalaḥ* : ساکن، بدون حرکت ـ *ayam* : این روح ـ *anātanaḥ* : به طور ابدی یکسان و یکنواخت.

## ترجمه

**روح فردی تجزیه‌ناپذیر و حل نشدنی است؛ نه سوزانده می‌شود و نه خشک می‌گردد. او همواره موجود، در همه جا حاضر، تغییرناپذیر و ثابت است و به طور ابدی همان گونه که هست باقی می‌ماند.**

## شرح

تمام این صفات روح اتمی قطعاً ثابت می‌کند که روح فردی به طور جاودان ذره‌ای اتمی از روح کل است و تا ابد بدون تغییر، هویت خود را به صورت همان ذره حفظ می‌کند. صفات ذکر شده در مورد روح، نظریه وحدت‌گرایان را مبنی بر یکی شدن روح منفرد با روح کل و در نتیجه از دست دادن هویت خود، با قاطعیت نقض می‌کند. روح اتمی ممکن است پس از رهایی از اسارت آلودگی مادی ترجیح دهد که به صورت جرقه روحانی در تابش انوار درخشان ساطع از شخصیت متعال خداوند وارد شود، لیکن ارواح هوشیار در ورای پرتو خیره‌کننده وجود الهی پا به عرصه سیارات روحانی می‌نهند تا از معاشرت با جنبه واجد شخصیت حقیقت متعال برخوردار شوند.

واژه ساروا ـ گاتا یا "همه جا حاضر" حائز اهمیت است، زیرا جای هیچ گونه تردیدی نیست که موجودات زنده در سراسر آفرینش خداوند وجود دارند. آنها در خشکی، در آب، در هوا، درون زمین و حتی در آتش زیست می‌کنند. این عقیده که آنها در آتش از بین می‌روند قابل قبول نیست، زیرا در اینجا به وضوح بیان شده است که روح را نمی‌توان با آتش سوزاند. بنابراین تردیدی نیست که در سیاره خورشید نیز موجودات زنده با کالبد مادی مناسب حیات در آنجا وجود دارند، زیرا چنانچه سیاره خورشید فاقد موجود زنده باشد، آنگاه واژه ساروا ـ گاتا، "موجود در همه جا"، نامفهوم می‌گردد.

## آیه ۲۵

*avyakto 'yam acintyo 'yam*
*avikāryo 'yam ucyate*
*tasmād evaṁ viditvainaṁ*
*nānuśocitum arhasi*

*avyaktaḥ* : غیر قابل رؤیت ـ *ayam* : این روح ـ *acintyaḥ* : غیر قابل تصور، غیر قابل درک ـ *ayam* : این روح ـ *avikāryaḥ* : تغییرناپذیر ـ *ayam* : این روح ـ *ucyate* : گفته شده است ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *evam* : همانند این ـ *viditvā* : با خوب دانستن آن ـ *enam* : این روح ـ *na* : حرف نفی‌فعل ـ *anuśocitum* : سوگواری نمودن ـ *arhasi* : شایسته تو است.

## ترجمه

**گفته شده است که روح غیر قابل رؤیت، تصورنشدنی و تغییرناپذیر است. تو نباید، با دانستن این حقیقت، برای بدن دچار غم و اندوه گردی.**

## شرح

همان گونه که قبلا توصیف شد، ابعاد روح از نظر محاسبات مادی ما آنچنان خرد و کوچک است که حتی با قویترین میکروسکوپها نیز نمی‌توان آن را مشاهده نمود؛ بنابراین، به او "غیر قابل رؤیت" اطلاق می‌گردد. بدین خاطر است که کسی قادر نیست موجودیت آن را به طور تجربی ثابت کند، بلکه فقط با استناد به معارف ودایی (شروتی) می‌توان وجود روح را اثبات

کرد. ما باید نظر وداها را در این مورد بـپذیریم، زیرا هیچ گونه وسیله‌ای برای اثبات وجود روح نداریم، هرچند که حضـورش در بدن قابل ادراک است و از طریق تأثیراتی که بر آن می‌گذارد غیر قابل انکار است.حقایق بسیاری وجود دارد که باید آنها را فقط بر اساس مرجعیت برتر پذیرفت. کسی قادر نیست موجودیت پدر را که مبتنی بر مرجعـیت مادر است انکار کند. هـیچ منبعی جز مادر برای شناخت هویت پدر وجود ندارد. به گونه‌ای مشابه، هیچ منـبـعی جز مطالعه وداها برای ادراک روح وجود ندارد. به بیان دیگر، روح از طریق دانش تجربی بشر قابل درک نیست. روح، آگاهی است و آگاه است؛ این نیز بیان وداهاست و می‌باید آن را قبول کنیم. برخلاف بدن که دستخوش تغییر است، در روح هیچ تغییری به وجود نمی‌آید؛ و از آنجا که روح به طور ابدی تغییرناپذیر است، در مقایسه باروح متعال لایتناهی به صورت ذره اتمی باقی ماند. روح متعال، لایتناهی است و روح اتمی بی‌نهایت خرد و کوچک است. بنابراین، روح بی‌نهایت کوچک که تغییرناپذیر است، هیچگاه نمی‌تواند با روح لایتناهی یا شخصیت اعلای پروردگار برابر گردد و این مفهوم به طرق مختلف در وداها تکرار شده است تا ثبات و تغییرناپذیری موقعیت روح را تأیید نماید. تکرار یک مسأله برای آنکه آن را به طور کامل و بدون اشتباه درک کنیم، ضروری است.

## آیه ۲۶

*atha cainaṁ nitya-jātaṁ*
*nityaṁ vā manyase mṛtam*
*tathāpi tvaṁ mahā-bāho*
*nainaṁ śocitum arhasi*

*atha* : ولی اگر ـ *ca* : همچنین ـ *enam* : این روح ـ *nitya-jātam* : همواره زاده شده ـ *nityam* : برای همیشه ـ *vā* : یا، و یا ـ *manyase* : چنین فکر می‌کنی ـ *mṛtam* : مرده ـ *tathā api* : باز هم ـ *tvam* : تو ـ *mahā-bāho* : ای مسلّح بزرگ ـ *na* : هرگز ـ *enam* : درباره روح ـ *śocitum* : سوگواری‌کردن ـ *arhasi* : شایسته، سزاوار.

## ترجمه

**ای مسلّح بزرگ، اما چنانچه فکر می‌کنی که روح [یا نشانه‌های زندگی] همواره زاده می‌شود و برای همیشه از بین می‌رود، باز هم دلیلی ندارد که غم و اندوه به دل راه دهی.**

## شرح

همواره گروهی از فیلسوفان وجود دارند، که همانند بودائیان، به موجودیت مستقل و جداگانه روح از جسم معتقد نیستند. به نظر می‌رسد هنگامی که خداوند کریشنا بهاگاواد-گیتا را بیان می‌فرمود، چنین فیلسوفانی وجود داشته و به لوکایاتی‌کاها و وایبهاشیکاها معروف بوده‌اند. این فیلسوفان چنین اعتقاد دارند که نشانه‌های حیات یا روح در مرحله خاصی از کمال ترکیبات مادی پدید می‌آید. دانشمندان مادی و فلاسفه ماتریالیست عصر جدید نیز از همین طرز تفکر برخوردارند. بر اساس نظریه آنان، بدن ترکیبی از عناصر فیزیکی است و آثار حیات در مرحله خاصی از برهمکنش عناصر فیزیکی و شیمیایی ظاهر می‌گردد. علم آنتروپولوژی یا انسان‌شناسی نیز مبتنی بر همین فلسفه بنیان نهاده شده است. بسیاری از مذاهب کاذبی که اخیراً در آمریکا رواج پیدا کرده‌اند، به فلسفه مذکور و همچنین فرقه‌های پوچ‌گرایی بودایی رو می‌آورند.

چنانچه حتی آرجونا به وجود روح طبق فلسفه وایبهاشیکا معتقد نمی‌بود، باز هم دلیلی برای‌اندوه وجود نمی‌داشت. زیرا هیچکس برای فقدان توده‌ای از مواد شیمیایی سوگواری نمی‌نماید و ازوظایف تجویزشده خود سر باز نمی‌زند. آیا در جنگهای عصر حاضر، برای از دست رفتن مقادیربسیار زیادی مواد شیمیایی که برای پیروزی بر دشمن صرف می‌شود، غمخواری به عمل

می‌آید طبق فلسفه وایبهاشیکا آنچه روح یا آتما نامیده می‌شود همراه با زوال و تباهی بدن نابود می‌گردد. بنابراین در هر دو حالت، چه اینکه آرجونا نتیجه‌گیری ودایی را مبنی بر وجود روح اتمی بپذیرد و چه آنکه به وجود روح معتقد نباشد، باز هم دلیلی برای تأسف و شکوه وجود ندارد، چون بر اساس این نظریه، در هر لحظه موجودات زنده بسیاری از ترکیبات ماده پدید می‌آیند و در همان لحظه نیز بسیاری دیگر از آنها نابود می‌شوند؛ غم و اندوه در مورد رویداد پیش پا افتاده‌ای مثل مرگ بیهوده به نظر می‌رسد. باز هم بر اساس این فلسفه، چنانچه پس از مرگ تولد دیگری وجود نمی‌داشت، ترس آرجونا به خاطر کشتن پدربزرگ و معلم خود و در نتیجه تحت تأثیر بازتاب گناه قرار گرفتن بی‌مورد بود. کریشنا با حالتی کنایه‌آمیز آرجونا را ماها ـ باهو یا مسلّح بزرگ خطاب می‌کند، زیرا خداوند به طور حتم نظریه وایبهاشیکاها را که ناقض دانش ودایی است نمی‌پذیرد. کریشنا به آرجونا گوشزد و یادآوری می‌کند که به عنوان یک کشاتریا به فرهنگ ودایی تعلق دارد و شایسته است که پیروی از اصول ودایی را سرلوحه وظایف خود قرار دهد.

## آیه ۲۷

*ātasya hi dhruvo mṛtyur*
*dhruvaṁ janma mṛtasya ca*
*tasmād aparihārye 'rthe*
*na tvaṁ śocitum arhasi*

*jātasya* : مربوط به کسی که تولد یافته ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *dhruvaḥ* : یک حقیقت ـ *mṛtyuḥ* : مرگ ـ *dhruvam* : آن نیز یک حقیقت است ـ *janma* : تولد ـ *mṛtasya* : مربوط به شخص مرده ـ *ca* : همچنین ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *aparihārye* : مربوط به آن چیزی که اجتناب‌ناپذیر است ـ *arthe* : در موضوع ـ *na* : علامت نفی فعل ـ *tvam* : تو ـ *śocitum* : شکوه و مویه نمودن ـ *arhasi* : شایسته.

## ترجمه

**مرگ، برای کسی که تولد یافته، اجتناب‌ناپذیر است و تولد مجدد برای کسی که مرده، حتمی است. بنابراین، در انجام وظیفهٔ غیر قابل اجتناب خود، نباید دچار غم و اندوه شوی.**

## شرح

شخص پس از اتمام دوره‌ای از فعالیتها باید در دامان مرگ فرو رود تا بار دیگر، تولدی مجدد را در زندگی بعد تجربه نماید که این تولد بازتاب اعمالی است که در زندگی قبل خود انجام داده است. بدین ترتیب انسان بی آنکه رها گردد، زندگی پس از زندگی در دایره تولد و مرگ غوطه‌ور می‌گردد. بااین حال، وجود این دایره مرگ و زندگی مؤید قتل، کشتار و جنگ غیر ضروری نیست. لیکن در عین حال، خشونت و جنگ عوامل اجتناب‌ناپذیری برای حفظ نظم و قانون در جامعه بشری به شمارمی‌آید.

جنگ کوروکشترا، که بنا بر اراده خداوند به وقوع پیوست، واقعه‌ای اجتناب‌ناپذیر بود، و جنگیدن در راه حق وظیفه کشاتریا محسوب می‌شود. اکنون با در نظر گرفتن وظیفه کشاتریاها، اگر آرجونا در حال انجام وظیفه صحیح خود بود، چرا باید از مرگ بستگان خود بیمناک و یا اندوهگین باشد شایسته او نیست که قوانین کشاتریاها را به خاطر مواجه شدن با نتایج شومی که از آنها می‌ترسید نقض کند. به هر حال، او با اجتناب کردن از انجام وظیفه صحیح نمی‌توانست مانع مرگ بستگان خود گردد، و در نتیجه انتخاب این شیوه نادرست دچار خواری و ذلت می‌گشت.

## آیه ۲۸

*avyaktādīni bhūtāni*
*vyakta-madhyāni bhārata*
*avyakta-nidhanāny eva*
*tatra kā paridevanā*

*avyakta-ādīni* : در آغاز تجلی نیافته ـ *bhūtāni* : تمامی آن چیزهایی که خلق شده‌اند ـ *vyakta* : تجلی‌یافته ـ *madhyāni* : در مرحله میانی ـ *bhārata* : ای نواده بهاراتا ـ *avyakta* : تجلی‌نیافته ـ *nidhanāni* : هنگامی که نابود گردد ـ *eva* : کاملاً شبیه آن است که ـ *tatra* : بنابراین ـ *kā* : چه ـ *paridevanā* : غم و اندوه، سوگواری.

### ترجمه

**تمام مخلوقات در آغاز نامتجلی‌اند، سپس در مرحلهٔ میانی متجلی می‌شوند، و دوباره پس از نابودی نامتجلی می‌گردند. پس چه نیازی به غم و اندوه وجود دارد**

## شرح

دو گروه از فلاسفه وجود دارند که گروهی معتقد به وجود روح هستند و گروهی منکر وجود آن؛ هیچکدام از این دو گروه دلیلی برای غم و سوگواری ندارند. پیروان حکمت ودایی، منکران وجود روح را کافر به شمار می‌آورند. چنانچه حتی به منظور استدلال هم که شده، منکر وجود روح گردیم، باز هم دلیلی برای غم و اندوه باقی نمی‌ماند. قطع نظر از موجودیت مستقل روح، باید توجه داشت که عناصر مادی قبل از خلقت به صورت تجلی‌نیافته وجود دارند. از این حالت ظریف نامتجلی، تجلیات پدید می‌آید، همان گونه که از اتر هوا ایجاد می‌شود؛ از هوا آتش به وجود می‌آید؛ از آتش آب تولید می‌شود؛ از آب خاک ایجاد می‌گردد و از خاک مظاهر گوناگون طبیعی به عرصه هستی می‌آیند. به عنوان مثال یک آسمانخراش را که از خاک به وجود آمده در نظر بگیرید. هنگامی که این آسمانخراش فرو ریخته شد و متلاشی گردید، موجودیت آن دوباره به حالت تجلی‌نیافته درمی‌آید و در نهایت امر به ذرات اتم تبدیل می‌شود. به هر حال، قانون بقای انرژی به قوت خود باقی می‌ماند، ولی تفاوت آن است که در امتداد زمان، اشیاء متناوباً به صورت تجلی‌یافته و تجلی‌نیافته درمی‌آیند. بنابراین، چه در مرحله تجلی‌یافته و چه در مرحله تجلی‌نیافته، علتی برای سوگواری وجود ندارد. در مرحله تجلی‌نیافته نیز به گونه‌ای اشیاء از بین نرفته‌اند، زیرا همه عناصر در آغاز و در پایان به صورت تجلی‌نیافته باقی هستند و فقط در مرحله میانی است که به صورت تجلی‌یافته جلوه می‌کنند و این مسأله از نظر مادی هیچ تفاوت عمده‌ای را به وجود نمی‌آورد.

اگر ما این نتیجه‌گیری ودایی را همان گونه که در بهاگاواد-گیتا بیان شده است بپذیریم که تنها کالبد مادی در طول زمان از بین می‌رود (*antavanta ime dehāḥ*) در حالی که روح جاودان است(*nityasyoktāḥ śarīriṇaḥ*)، آنگاه باید همواره به خاطر داشته باشیم که این بدن مادی همانند یک لباس یا پوشش بیرونی است؛ بنابراین چرا برای تغییر یک لباس باید غم و اندوه به دل راه داد در مقابل جاودانگی روح، موجودیت این کالبد مادی حقیقی نیست و به رؤیا می‌ماند. شاید در خواب گمان کنیم در حال پرواز در آسمان هستیم و یا همانند پادشاهی بر ارابه نشسته‌ایم، ولی پس از بیداری متوجه می‌شویم که نه پرواز در آسمان حقیقت داشت و نه ارابه پادشاهی. از این رو، دانش ودایی، نظر به اینکه کالبد مادی را دارای اصالت حقیقی نمی‌داند، ما را به طریق خودشناسی که همان معرفت‌النفس کامل است تشویق می‌کند. نتیجه این است که چه معتقد به وجود روح باشیم و یا منکر وجود آن، باز هم فقدان بدن دلیلی برای سوگواری نیست.

## آیه ۲۹

*āścarya-vat paśyati kaścid enam*
*āścarya-vad vadati tathaiva cānyaḥ*
*āścarya-vac cainam anyaḥ śṛṇoti*
*śrutvāpy enaṁ veda na caiva kaścit*

*āścarya-vat* : به عنوان چیزی شگفت‌انگیز ـ *paśyati* : می‌بیند، می‌نگرد ـ *kaścit* : کسی ـ *enam* : این روح ـ *āścarya-vat* : به عنوان پدیده‌ای عجیب ـ *vadati* : درباره آن صحبت می‌کند ـ *tathā* : بدین‌سان ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ca* : همچنین ـ *anyaḥ* : دیگری ـ *āścarya-vat* : مشابهاً حیرت‌انگیز ـ *ca* : همچنین ـ *enam* : این روح ـ *anyaḥ* : دیگری ـ *śṛṇoti* : درباره آن می‌شنود ـ *śrutvā* : شنیده شدن ـ *api* : حتی ـ *enam* : این روح ـ *veda* : می‌داند، می‌فهمد ـ *na* : هرگز ـ *ca* : و ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *kaścit* : کسی.

## ترجمه

**برخی به روح به عنوان پدیده‌ای شگفت‌انگیز می‌نگرند، بعضی آن را بـه عنـوان پدیـده‌ای شـگفت‌انگیـز توصیف می‌کنند و برخی نیز شنیده‌اند که روح پدیده‌ای شگفت‌انگیز است. حال آنکه دیگران حتی پس از شنیدن مطالبی دربارهٔ روح، به هیچ وجه قادر به درک آن نیستند.**

## شرح

از آنجا که گیتوپانیشاد اساساً بر مبنای اصول اوپانیشادها بنا شده است، وجود چنین گفتاری در کاتها اوپانیشاد (۷/۲/۱) نیز عجیب نیست:

*śravaṇayāpi bahubhir yo na labhyaḥ*
*śṛṇvanto 'pi bahavo yaṁ na vidyuḥ*
*āścaryo vaktā kuśalo 'sya labdhā*
*āścaryo 'sya jñātā kuśalānuśiṣṭaḥ*

این واقعیت که روح اتمی همان طور که در بدن یک حیوان عظیم و در درخت بزرگ بانیان وجود دارد، در میکروبهای بی‌نهایت کوچک که میلیونها و بیلیونها از آنها فقط فضای یک سانتی‌متر را اشغال می‌کنند نیز وجود دارد، مطمئناً بسیار حیرت‌انگیز است. با اینکه بالاترین مرجع دانش، که معارف ودایی را به برهما نخستین موجود زنده آموخت، حقیقت روح را توضیح داده است، بازکسانی که بهره اندکی از دانش دارند و آنان که جدی و دقیق نیستند نمی‌توانند شگفتیهای جرقه اتمی روح فردی را درک کنند. اغلب مردم در این عصر به علت دیدگاه شدیداً مادی خود نمی‌توانند تصورکنند چگونه چنین ذره بی‌نهایت کوچکی قادر است اشکال به این بزرگی یا کوچکی را به حرکت وادارد. بنابراین انسانها روح را هم از نظر ساختار و هم از نظر ویژگی آن عجیب می‌دانند. مردم که تحت تأثیر نیروی فریبنده مادی دچار توهم گشته‌اند، چنان در امور دنیوی و ارضای تمایلات نفسانی فرو رفته‌اند که فرصت بسیار اندکی برای خودشناسی دارند؛ هرچند حقیقت آن است که بدون شناخت حقیقت خود، تمام فعالیتها در جهت تلاش برای بقاء نهایتاً به شکست می‌انجامد. شاید آنها به هیچ وجه نمی‌دانند که انسان باید به اصالت روح بیندیشد تا بتواند برای رنجهای حیات مادی راه حلی بیابد.

برخی از مردم که علاقه به شنیدن مطالبی درباره روح دارند ممکن است همراه با جمعی از افراد در جلسات سخنرانی شرکت نمایند، لیکن گاهی به علت عدم اطلاع از حقیقت امر با پذیرفتن اینکه روح متعال و روح اتمی یکی هستند و از نظر کمی

تفاوتی ندارند، گمراه می‌شوند. بسیار دشواراست شخصی را بیابیم که موقعیت روح متعال، روح اتمی، اعمال، روابط و مناسبات آنها با یکدیگر و تمام جزئیات اصلی و فرعی دیگر را کاملاً درک کند. از آن نادرتر فردی است که واقعاً از دانش روح بهره کامل گرفته باشد و بتواند وجوه مختلف موقعیت روح را توصیف کند. با این حال، اگر شخصی بتواند به گونه‌ای مسأله روح را درک کند، آنگاه زندگیش قرین موفقیت و سعادت خواهد شد.

آسانترین روش برای شناخت موضوع "ذات" آن است که، بدون منحرف شدن با نظریه‌های دیگر، گفته‌های بهاگاواد-گیتا را که از سوی بالاترین مرجع، یعنی خداوند کریشنا، بیان شده است بپذیریم. ولی قبل از آنکه انسان بتواند کریشنا را به عنوان شخصیت متعال خداوند بپذیرد، باید ریاضتها و قربانیهای بسیاری را چه در این زندگی و چه در زندگیهای گذشته‌اش متحمل شده باشد. با این حال، کریشنا را می‌توان فقط از طریق لطف بی‌کران و بی‌سبب عابد پاک و نه از هیچ راه دیگری شناخت.

## آیه ۳۰

*dehī nityam avadhyo 'yaṁ*
*dehe sarvasya bhārata*
*tasmāt sarvāṇi bhūtāni*
*na tvaṁ śocitum arhasi*

*dehī* : صاحب بدن مادی ـ *nityam* : به طور ابدی ـ *avadhyaḥ* : نمی‌تواند کشته شود ـ *ayam* : این روح ـ *dehe* : در بدن ـ *sarvasya* : مربوط به همه ـ *bhārata* : ای نواده بهاراتا ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *sarvāṇi* : همه ـ*bhūtāni* : موجودات زنده (که زاده شده‌اند) ـ *na* : هرگز ـ *tvam* : تو ـ *śocitum* : سوگواری نمودن ـ *arhasi* : شایسته، سزاوار.

## ترجمه

**ای نوادهٔ بهاراتا، هرگز نمی‌توان آن کسی را که در بدن سکونت دارد و جاودانی است از بین برد. پس، نباید برای هیچ موجودی غم و اندوه به دل راه دهی.**

## شرح

اکنون خداوند بخش آموزشهای مربوط به روح تغییرناپذیر را به پایان می‌رساند. خداوند کریشنا با توصیف روح فناناپذیر به شیوه‌های گوناگون، اثبات می‌کند که روح جاودان، و بدن فانی و موقتی است. بنابراین، آرجونا به عنوان یک کشاتریا نباید به دلیل ترس از آنکه پدربزرگ و معلم وی- بهیشما و درونا - در جنگ کشته خواهند شد، از انجام وظیفه‌اش امتناع ورزد. انسان باید بر اساس مرجعیت شری‌کریشنا به وجود روح، متفاوت و مستقل از بدن مادی ایمان داشته باشد، نه آنکه براین باور باشد که پدیده‌ای به عنوان روح وجود ندارد و یا آنکه تصور نماید آثار حیات در مرحله خاصی از تکامل ترکیبات مادی که حاصل برهمکنش مواد شیمیایی است پدید می‌آید. با آنکه روح فناناپذیر است، اعمال خشونت تشویق نمی‌گردد؛ ولی در هنگام جنگ که نیاز حقیقی به آن حس می‌شود، توسل به خشونت منع نمی‌گردد. این نیاز باید بر حسب فرمان خداوند و نه از روی هوی و هوس، تأیید و تجویزشده باشد.

## آیه ۳۱

*sva-dharmam api cāvekṣya*
*na vikampitum arhasi*
*dharmyād dhi yuddhāc chreyo 'nyat*

*kṣatriyasya na vidyate*

*sva-dharmam* : اصول دینی خود شخص ـ *api* : همچنین ـ *ca* : در واقع ـ *avekṣya* : در نظرگرفتن ـ *na* : هرگز ـ *vikampitum* : تأمل کردن، مردد بودن ـ *arhasi* : شایسته تو است ـ *dharmyāt* : برای اصول دینی ـ *hi* : در واقع ـ *yuddhāt* : از جنگیدن ـ *śreyaḥ* : مشغولیت بهتر ـ *anyat* : چیزدیگری ـ *kṣatriyasya* : مربوط به کشاتریا ـ *kṣatriya*؛ *na* : علامت نفی فعل ـ *vidyate* : وجود دارد.

## ترجمه

**با در نظر گرفتن وظیفهٔ ویژه‌ات به عنوان یک کشاتریا باید بدانی برای تو هیچ کاری بهتر از جنگیدن بر اساس اصول دینی وجود ندارد. پس جای هیچ گونه تردیدی نیست.**

## شرح

در میان چهار طبقه اجتماعی، طبقه دوم که عهده‌دار رهبری صحیح جامعه می‌باشد، کشاتریا خوانده می‌شود. کشات به معنی صدمه است و کسی که جامعه را از آسیب و صدمه حفاظت می‌کند (*trāyate* یعنی حفاظت نمودن)، کشاتریا نامیده می‌شود. کشاتریاها جنگیدن و کشتن را در جنگل می‌آموختند. چنین مرسوم بود که کشاتریا به جنگل می‌رفت و ببری را رو در رو به مبارزه می‌طلبید و با شمشیر خود با ببر به جنگ می‌پرداخت و هنگامی که ببر کشته می‌شد، با شکوه و جلال به آتش قربانی تقدیم می‌گردید. این روش حتی تا کنون نزد شاهان کشاتریای ایالت جایپور هند مرسوم است. کشاتریاها بخصوص به مبارزه طلبیدن و توانایی کشتن را تعلیم می‌بینند، زیرا گاهی اعمال خشونت به خاطر دین لازم می‌آید و از این روست که کشاتریاها هرگز مستقیماً مرحله سانیاسا یا انقطاع را نمی‌پذیرند. شاید صلح‌جویی و عدم خشونت در چهارچوب سیاست نوعی شیوه سیاسی محسوب گردد، ولی هیچگاه یک اصل و قاعده نیست. در کتب قوانین دینی گفته شده است:

*āhaveṣu mitho 'nyonyaṁ*
*jighāṁsanto mahī-kṣitaḥ*
*yuddhamānāḥ paraṁ śaktyā*
*svargaṁ yānty aparāṅ-mukhāḥ*

*yajñeṣu paśavo brahman*
*hanyante satataṁ dvijaiḥ*
*saṁskṛtāḥ kila mantraiś ca*
*te 'pi svargam avāpnuvan*

"شاه یا کشاتریایی که در میدان جنگ با شاه دیگری که نسبت به او حسد می‌ورزد، می‌جنگد، شایستگی این را دارد که پس از مرگ به کرات بهشتی نائل آید. همان گونه که براهماناها نیز با تقدیم حیوانات به آتش قربانی به سیارات بهشتی دست می‌یابند." بنابراین، کشتن در نبرد بر اساس اصول دینی و کشتن حیوانات در آتش قربانی به هیچ وجه کارهای خشونت‌آمیزی محسوب نمی‌شوند، زیرا همه با اجرای اصول دینی مربوطه بهره‌مند می‌گردند: حیوان قربانی‌شده بدون آنکه سیر تکامل تدریجی خود را در اشکال و مراتب حیاتی طی کند، بلافاصله از شکل انسانی حیات برخوردار می‌گردد و کشاتریاهایی که در میدان نبرد کشته می‌شوند نیز به کرات بهشتی نائل می‌شوند، همان گونه که براهماناها با تقدیم قربانی به سیارات بهشتی دست می‌یابند.

دو نوع سوا ـ دهارما یا وظایف ویژه وجود دارد. مادامی که انسان به مرحله رهایی دست نیافته است، باید وظایف مربوط به بدن خود را طبق اصول دینی انجام دهد تا به رهایی دست یابد. هنگامی که انسان به مرحله رهایی دست یافت، سوا ـ دهارما یا وظیفه ویژه او روحانی می‌گردد و دیگر آن وظایف در حیطه مناسبات جسمانی مادی قرار نمی‌گیرد. طبق وارناشراما ـ دهارما در چهارچوب حیات جسمانی، وظایف ویژه‌ای برای براهماناها و کشاتریاها به نوبه خود وجود دارد و چنین وظایفی اجتناب‌ناپذیر هستند. سوا ـ دهارما از جانب خداوند مقدر شده است و این امر در فصل چهارم روشن خواهد شد. سوا ـ دهارما در سطح کالبد جسمانی، وارناشراما ـ دهارما یا نردبان انسان برای نیل به معرفت روحانی خوانده می‌شود. تمدن انسانی از مرحله وارناشراما ـ دهارما یا مرحله وظایف ویژه‌ای که کالبد جسمانی بر حسب گونه‌های طبیعت کسب کرده است آغاز می‌گردد. بدین ترتیب با انجام وظایف ویژه‌ای که به موجب دستورات مراجع بالاتر طبق وارناشراما ـ دهارما تجویزشده است، شخص به مراحل بالاتری از حیات ارتقاء می‌یابد.

## آیه ۳۲

*yadṛcchayā copapannaṁ*
*svarga-dvāram apāvṛtam*
*sukhinaḥ kṣatriyāḥ pārtha*
*labhante yuddham īdṛśam*

*yadṛcchayā* : در موعد خود (ناخواسته) ـ *ca* : همچنین ـ *upapannam* : رسیدند به ـ *svarga* : مربوط به سیارات بهشتی ـ *dvāram* : در ـ *apāvṛtam* : کاملاً باز ـ *sukhinaḥ* : بسیار خوشبخت ـ *kṣatriyāḥ* : افرادی که در امر اداره حکومت شرکت دارند، مقامات پادشاهی ـ *pārtha* : ای پسرپریتها ـ *labhante* : دست می‌یابند ـ *yuddham* : جنگ ـ *īdṛśam* : همانند این.

## ترجمه

**ای پارتها، خوشا به سعادت آن کشاتریاهایی که ناخواسته چنین فرصتهای جنگیدنی برایشان فرامی‌رسد و درهای کرات بهشتی به روی ایشان گشوده می‌شود.**

## شرح

هنگامی که آرجونا اعلام می‌کند که جنگیدن چیزی جز زندگی جهنمی ابدی به بار نمی‌آورد، خداوند کریشنا، آموزگار متعال عالم، او را محکوم می‌نماید. چنین استدلالهایی از طرف آرجونا فقط به علت جهل و غفلت بود. او می‌خواست به وظایف ویژه خود بدون توسل به خشونت عمل نماید، حال آنکه کمال نابخردی است که در میدان جنگ از یک کشاتریا توقع عدم خشونت داشته باشیم. در پاراشارا ـ اسمریتی یا قوانین دینی که پاراشارا، حکیم بزرگ و پدر ویاسادوا بیان کرده گفته شده است:

*kṣatriyo hi prajā rakṣan*
*śastra-pāṇiḥ pradaṇḍayan*
*nirjitya para-sainyādi*
*kṣitiṁ dharmeṇa pālayet*

"وظیفه کشاتریا حافظت افراد جامعه در مقابل انواع مسائل و مشکلات است و به این دلیل می‌باید در مواقع لزوم برای حفظ نظم و قانون به اعمال خشونت مبادرت ورزد. بنابراین، کشاتریا باید سربازان شاهان متخاصم را مغلوب سازد و بدین ترتیب طبق اصول دینی بر جهان حکومت نماید."

با در نظر گرفتن تمام جوانب، آرجونا هیچ دلیلی برای امتناع از جنگ نداشت. اگر او بر دشمنان غالب می‌آمد، از پادشاهی بهره‌مند می‌گردید و چنانچه در جنگ کشته می‌شد به کرات بهشتی که درهای آن کاملاً به روی او گشوده شده بود ارتقاء می‌یافت. در هر صورت جنگیدن به نفع او بود.

## آیه ۳۳

*atha cet tvam imaṁ dharmyaṁ*
*saṅgrāmaṁ na kariṣyasi*
*tataḥ sva-dharmaṁ kīrtiṁ ca*
*hitvā pāpam avāpsyasi*

*atha* : بنابراین ـ *cet* : اگر ـ *tvam* : تو ـ *imam* : این ـ *dharmyam* : به عنوان یک وظیفه دینی ـ *saṅgrāmam* : جنگیدن ـ *na* : علامت نفی فعل ـ *kariṣyasi* : انجام دهی ـ *tataḥ* : سپس، آنگاه ـ *sva-dharmam* : وظیفه دینی تو ـ *kīrtim* : شهرت ـ *ca* : همچنین ـ *hitvā* : از دست دادن ـ *pāpam* : بازتاب گناه ـ *avāpsyasi* : به دست خواهی آورد.

## ترجمه

**اما چنانچه از وظیفهٔ دینی خود که جنگیدن است امتناع ورزی، قطعاً به علت نادیده گرفتن وظایفت مرتکب گناه خواهی شد و بدین ترتیب شهرت خویش را به عنوان جنگجو از دست‌خواهی داد.**

## شرح

آرجونا جنگجوی مشهوری بود و این شهرت را در جنگ با بسیاری از فرشتگان بزرگ، که حتی شامل خداوندگار شیوا نیز می‌شود، به دست آورده بود. آرجونا پس از جنگیدن و شکست دادن خداوندگار شیوا که مبدل به یک شکارچی شده بود، رضایت وی را جلب نمود و به عنوان جایزه، سلاحی به نام پاشوپاتا ـ آسترا از وی دریافت کرد. همه می‌دانستند که او جنگاوری بزرگ است. دروناچاریا نیز لطف و رحمت خود را نثار او کرد و سلاح خاصی را به او ارزانی داشت که با آن می‌توانست حتی معلم خود را نیز بکشد. بنابراین، او از طرف مراجع بسیاری، که شامل پدرش ایندرا، پادشاه بهشت، نیز می‌شد، امتیازات و افتخارات نظامی بسیاری به دست آورد. اما اگر او ازجنگ روی برمی‌گرداند، نه تنها از انجام وظیفه خود به عنوان یک کشاتریا غفلت ورزیده بود، بلکه تمامی شهرت و نام نیک خود را نیز از دست می‌داد و بدین ترتیب شاهراهی به جهنم برای خود می‌گشود. به بیان دیگر، او نه به خاطر جنگیدن، بلکه به خاطر کناره گرفتن از جنگ روانه جهنم می‌شد.

## آیه ۳۴

*akīrtiṁ cāpi bhūtāni*
*kathayiṣyanti te 'vyayām*
*sambhāvitasya cākīrtir*
*maraṇād atiricyate*

*akīrtim* : بدنامی ـ *ca* : همچنین ـ *api* : بالای ـ *bhūtāni* : تمام مردم ـ *kathayiṣyanti* : سخن خواهند گفت ـ *te* : درباره تو ـ *avyayām* : برای همیشه ـ *sambhāvitasya* : برای یک شخص محترم ـ *ca* : همچنین ـ *akīrtiḥ*: : شهرت بد ـ *maraṇāt* : از مرگ ـ *atiricyate* : بیشتر می‌گردد.

## ترجمه

**مردم همــواره به بدنامی از تو یاد خواهند کرد و برای یک فرد محترم، ننگ بدتر از مرگ است.**

## شرح

اکنون خداوند کریشنا به عنوان دوست و مشاور آرجونا، قضاوت نهایی خود را در مورد رویگردانی آرجونا از جنگ بیان می‌دارد. خداوند می‌فرماید: "آرجونا، اگر میدان نبرد را حتی پیش از آنکه جنگ شروع شود ترک گویی، مردم تو را یک ترسو خواهند خواند. شایسته‌تر است که در جنگ کشته شوی تا برای نجات زندگیت، با فرار از میدان جنگ، دچار ننگ بدنامی شوی. برای انسان محترمی همانند تو، بدنامی بدتر از مرگ است. بنابراین، نباید به خاطر ترس از مرگ بگریزی؛ همان بهتر که در نبرد کشته شوی. این امر تو را از اینکه با نادیده گرفتن دوستی من بدنام گردی و حیثیت خود را در جامعه از دست بدهی، نجات خواهد داد."

بنابراین، قضاوت نهایی خداوند درباره آرجونا این بود که در نبرد کشته شود لیکن کناره‌گیری نکند.

## آیه ۳۵

*bhayād raṇād uparataṁ*
*maṁsyante tvāṁ mahā-rathāḥ*
*yeṣāṁ ca tvaṁ bahu-mato*
*bhūtvā yāsyasi lāghavam*

*bhayāt* : به دلیل ترس ـ *raṇāt* : از میدان جنگ ـ *uparatam* : دست کشیده ـ *maṁsyante* : آنها تصور خواهند نمود ـ *tvām* : تو را ـ *mahā-rathāḥ* : سرداران بزرگ ـ *yeṣām* : برای آنهایی که ـ *ca* : همچنین ـ *tvam* : تو را ـ *bahu-mataḥ* : با احترام زیاد ـ *bhūtvā* : بوده ـ *yāsyasi* : تو خواهی رفت ـ *lāghavam* : ارزش خود را از دست داده.

## ترجمه

**سرداران بزرگی که برای نام و شهرت تو قدر و منزلت بسیار قائل بودند، گمان خواهند کرد که تو فقط بــه علت ترس میدان نبرد را ترک گفته‌ای و در نتیجه تو در نظر آنان پست و زبون خواهی شد.**

## شرح

خداوند کریشنا، در اعلام نظر خود به آرجونا، ادامه داد: "گمان مدار سرداران بزرگی همانند دوریودهانا، کارنا و جنگاوران معاصر دیگر تصور نمایند که تو میدان جنگ را به دلیل رحم و شفقت نسبت به برادران و پدربزرگ خود ترک کرده‌ای بلکه آنها گمان خواهند کرد که تو به موجب ترس از مرگ روی از جنگ برتافته‌ای و بدین ترتیب آن احترام زیاد و ارزش والایی که برای شخصیت تو قائل هستند از میان خواهد رفت."

## آیه ۳۶

*avācya-vādāṁś ca bahūn*
*vadiṣyanti tavāhitāḥ*
*nindantas tava sāmarthyaṁ*

*tato duḥkhataraṁ nu kim*

*avācya* : توهین‌آمیز ـ *vādān* : کلمات ساختگی ـ *ca* : همچنین ـ *bahūn* : بسیار ـ *vadiṣyanti* : خواهند گفت ـ *tava* : مال تو، ت (ضمیر ملکی) ـ *ahitāḥ* : دشمنان ـ *nindantaḥ* : درحال بدگویی کردن ـ *tava* : مال تو، ت (ضمیر ملکی) ـ *sāmarthyam* : توانایی، قدرت ـ *tataḥ* : ازآن ـ *duḥkha-taram* : دردناکتر ـ *nu* : البته ـ *kim* : چه چیزی وجود دارد.

## ترجمه

**دشمنانت با کلمات توهین‌آمیزی تو را توصیف خواهند کرد و توانایی تو را به باد استهزا خواهند گرفت. چه چیز می‌تواند برای تو دردناکتر از این باشد**

## شرح

خداوند کریشنا در آغاز از ابراز رحم و شفقت بی‌جای آرجونا به شگفت آمد و آن را در خور یک غیر آریایی خواند. اکنون خداوند با این سخنان، اظهارات خود را در مخالفت با این به اصطلاح رحم و شفقت آرجونا به اثبات رسانیده است.

## آیه ۳۷

*hato vā prāpsyasi svargaṁ*
*jitvā vā bhokṣyase mahīm*
*tasmād uttiṣṭha kaunteya*
*yuddhāya kṛta-niścayaḥ*

*hataḥ* : کشته شدن ـ *vā* : یا این و یا آن ـ *prāpsyasi* : به دست می‌آوری ـ *svargam* : قلمرو بهشتی ـ *jitvā* : با پیروز شدن ـ *vā* : یا ـ *bhokṣyase* : لذت می‌بری، بهره‌مند می‌شوی ـ *mahīm* : جهان ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *uttiṣṭha* : برخیز ـ *kaunteya* : ای پسر کونتی ـ *yuddhāya* : جنگیدن ـ *kṛta* : مصمم ـ *niścayaḥ* : یقیناً، مسلماً.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، یا در میدان نبرد کشته خواهی شد و به سیارات بهشتی دست خواهی یافت و یا پیروز خواهی شد و از سلطنت زمین بهره‌مند خواهی گشت. پس برخیز و با عزمی راسخ بجنگ.**

## شرح

هرچند احتمال پیروزی قطعی برای جناح آرجونا وجود نداشت، با این حال، او باید می‌جنگید؛ زیرا حداقل با کشته شدن در آنجا می‌توانست به کرات بهشتی ارتقاء یابد.

## آیه ۳۸

*sukha-duḥkhe same kṛtvā*
*lābhālābhau jayājayau*
*tato yuddhāya yujyasva*
*naivaṁ pāpam avāpsyasi*

*sukha* : خوشحالی، خوشبختی ـ *duḥkhe* : و غم ـ *same* : با متانت، با تعادل ـ *kṛtvā* : چنین عمل کردن ـ *lābha-alābhau* : سود و زیان هر دو ـ *aya-ajayau* : پیروزی و شکست هر دو ـ *tataḥ* : سپس ـ *yuddhāya* : به خاطر جنگیدن ـ *yujyasva* : مشغول شو (بجنگ) ـ *na* : هرگز ـ *evam* : به این ترتیب، در این راه ـ *pāpam* : بازتاب گناه ـ *avāpsyasi* : به دست خواهی آورد.

## ترجمه

**بجنگ به خاطر جنگیدن، بدون در نظر گرفتن خوشبختی یا غم، سود یا زیان، پیروزی یا شکست، و با چنین عملی هرگز مرتکب گناه نخواهی شد.**

## شرح

حال خداوند کریشنا به صراحت می‌فرماید که آرجونا باید به خاطر جنگیدن بجنگد، زیرا او (خداوند) خواستار این نبرد است. در اعمالی که در کریشنا آگاهی (خداآگاهی) صورت می‌گیرد شادی یا غم، سود یا زیان و پیروزی یا شکست مطمح نظر نمی‌باشد. باید در نظر داشت انجام دادن همه چیز به خاطر خداوند کریشنا، آگاهی الهی و روحانی است که در نتیجه آن هیچ واکنشی از فعالیتهای مادی پدید نمی‌آید. کسی که به خاطر ارضای تمایلات حسی خود عمل می‌نماید، چه در گونهٔ نیکی باشد و چه در گونهٔ شهوت، در معرض واکنشهای خوب یا بد اعمال خود قرار می‌گیرد. لیکن کسی که خود را کاملاً تسلیم فعالیتهای کریشنا آگاهی کرده باشد، آن تعهد و دینی را که در جریان عادی امور دنیوی نسبت به اطرافیان خود دارد نخواهد داشت. گفته شده است:

*devarṣi-bhūtāpta-nṛṇāṁ pitṝṇāṁ*
*na kiṅkaro nāyam ṛṇī ca rājan*
*sarvātmanā yaḥ śaraṇaṁ śaraṇyaṁ*
*gato mukundaṁ parihṛtya kartam*

"هر آن کس که به طور کامل به کریشنا، موکوندا، تسلیم شده و از تمام وظایف دیگر دست شسته است، دیگر نسبت به هیچکس از جمله فرشتگان، حکما، خویشان، نیاکان، عموم مردم و حتی بشریت، مدیون و متعهد نیست." (شریماد– بهاگاواتام ۱۱/۵/۴۱) این نکته‌ای است که کریشنا با اشاره غیر مستقیم به آرجونا در این آیه بیان فرموده است و در آیات بعد روشنتر توضیح داده خواهد شد.

## آیه ۳۹

*eṣā te 'bhihitā sāṅkhye*
*buddhir yoge tv imāṁ śṛṇu*
*buddhyā yukto yayā pārtha*
*karma-bandhaṁ prahāsyasi*

*eṣā* : تمام این ـ *te* : به تو ـ *abhihitā* : توصیف کردم ـ *sāṅkhye* : به‌وسیله مطالعه تحلیلی ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *yoge* : در عملی که فاقد نتایج مادی است ـ *tu* : ولی ـ *imām* : این ـ *śṛṇu* : دقیقاً بشنو ـ *buddhyā* : توسط شعور ـ *yuktaḥ* : منطبق شده ـ *yayā* : به‌وسیله آنچه ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *karma-bandham* : اسارت ناشی از بازتاب عمل ـ *prahāsyasi* : می‌توانی رها گردی از.

## ترجمه

**تا کنون این دانش را از طریق مطالعهٔ تحلیلی (سانکهیا) برایت شرح داده‌ام. حال گوش فرادار تا آن را بر حسب کار بدون انتظار نتیجه توضیح دهم. ای پسر پریتها، هنگامی که تو با چنین دانشی عمل نمایی، مــی‌تــوانی خود را از بند اعمال رها سازی.**

## شرح

واژه سانکهیا طبق نیروکتی یا لغتنامه ودایی، یعنی دانشی که پدیده‌ها را با جزئیات آن تحلیل می‌نماید و سانکهیا عطف به فلسفه‌ای است که ماهیت حقیقی روح را توصیف می‌کند و یوگا مربوط می‌شود به مهار کردن حواس. پیشنهاد آرجونا در مورد امتناع از جنگ بر مبنای کامجویی و ارضای حواس بود. او با فراموش کردن وظیفه اصلی خود می‌خواست از جنگیدن سر باز زند، زیرا تصور می‌نمود با نکشتن اقوام و خویشان خود خوشبخت‌تر خواهد بود تا بهره جستن از سلطنتی که به قیمت خون پسرعموهایش – پسران دهریتاراشترا که همانند برادرانش محسوب می‌شدند – به دست آمده باشد. عامل اصلی در هر دو حالت ارضای نفس یا به عبارتی کامجویی بود. خوشبختی ناشی از غلبه بر آنان و یا خرسندی حاصل از زنده دیدن بستگان، هر دو مبنی بر ارضای تمایلات خودخواهانه شخص است، زیرا در اینجا خرد و وظیفه قربانی می‌شوند. از این رو کریشنا قصد داشت به آرجونا توضیح دهد که او با کشتن بدن پدربزرگ خود، روح او را از بین نمی‌برد. کریشنا توضیح داد که تمام اشخاص به انضمام خود خداوند، از فردیت و هویت جاودان برخوردار هستند؛ آنها در گذشته فردیت و هویت داشته‌اند، در حال حاضر فردیت و هویت دارند و در آینده نیز فردیت و هویت خود را حفظ خواهند کرد، زیرا همه ما ارواح مستقل جاودان می‌باشیم. ما فقط پوشش بیرونی یا کالبد جسمانی خود را به صور گوناگون تغییر می‌دهیم، ولی پس از رهایی از اسارت پوشش مادی نیز، فردیت و هویت خود را همچنان حفظ می‌کنیم. خداوند کریشنا ماهیت روح و بدن را با یک بررسی تحلیلی به صورت بسیار واضحی بیان فرمود. این دانش توصیفی که وجه تمایز روح و بدن را از زوایای مختلف بررسی می‌کند، در اینجا طبق لغتنامه نیروکتی به عنوان سانکهیا توصیف شده است. سانکهیای مورد نظر در اینجا هیچ گونه ارتباطی با فلسفه سانکهیای کاپیلای کافر ندارد. مدتها پیش از سانکهیای ارائه شده توسط کاپیلای دروغین، کاپیلای حقیقی – یکی از ظهورات خداوند کریشنا – فلسفه سانکهیا را برای مادر خود، دواهوتی، توصیف کرد که در شریماد– بهاگاواتام شرح آن آمده است. خداوند کاپیلا به روشنی توضیح داده است که همانا پوروشا یا خداوند متعال، فعال است و با نظر افکندن بر پراکریتی آفرینش را به وجود می‌آورد. این موضوع درو‌داها و همچنین گیتا تأیید شده است. توصیف وداها نشان می‌دهد که خداوند بر پراکریتی یا طبیعت‌نظر می‌افکند و با نگاه خود آن را با ارواح فردی اتمی بارور می‌سازد. تمام ارواح فردی که بدین صورت وارد دنیای مادی شده‌اند تحت افسون فریبنده انرژی آن می‌پندارند که لذت‌برنده هستند و فقط در جستجوی لذات حسی خود فعالیت می‌کنند. چنین طرز تفکری تا آخرین مرحله رهایی، یعنی مادامی که موجود زنده می‌خواهد با خداوند یکی شود، ادامه دارد. این آخرین دام مایا یا توهم ارضای حواس است و تنها پس از تولدهای بسیار زیادی که در آنها چنین اعمال کامجویانه‌ای صورت گرفت، یک روح بزرگ به واسودوا، یعنی خداوند کریشنا تسلیم می‌گردد و بدین ترتیب جستجوی خود را در وصال به حقیقت غایی به کمال می‌رساند.

آرجونا قبلا با تسلیم نمودن خود به خداوند، کریشنا را به عنوان پیر روحانی خود پذیرفته است: *śiṣyas te 'haṁ śādhi māṁ tvāṁ prapannam*. در نتیجه اکنون کریشنا طریقه عمل در بودهی ـ یوگا یا کارما ـ یوگا – انجام خدمت عابدانه فقط برای رضای حواس خداوند – را به او آموزش خواهد داد. این بودهی ـ یوگا به طرز واضحی در فصل دهم، آیه دهم به صورت رابطه مستقیم با خداوند، که به عنوان پارام‌آتما در قلب همگان حضور دارد، توضیح داده شده است. ولی چنین رابطه‌ای بدون خدمت مریدانه صورت نمی‌گیرد. بنابراین، کسی که در طاعت صادقانه یا خدمت عاشقانه روحانی خداوند قرار گرفته است یا به بیان

دیگر، در آگاهی به کریشنا قرار گرفته است، به شکرانه لطف و رحمت خاص پروردگار به این مرحله بودهی ـ یوگا نائل‌می‌گردد. از این رو، خداوند می‌فرماید که تنها به آن کسانی که از روی عشق روحانی همواره مشغول خدمت عابدانه‌اند، دانش پاک و خالص وقف بودن در عشق را اعطاء می‌نماید. از این طریق عابد می‌تواند به آسانی به ملکوت الهی که همواره مملو از شعف است، به شخصیت الهی واصل گردد.

بدین ترتیب عنوان بودهی ـ یوگا که در این آیه ذکر شده، خدمت عابدانه به خداوند است و واژه سانکهیا که در اینجا بیان گردیده است هیچ گونه ارتباطی با سانکهیا ـ یوگای ملحدانه کاپیلای شیادن دارد و نباید آنها را با یکدیگر اشتباه گرفت. نه آن فلسفه در زمان جنگ کوروکشترا می‌توانست تأثیری به جا گذارد و نه اینکه خداوند کریشنا علاقه‌ای به ذکر چنین پندارهای فلسفی ملحدانه‌ای داشت. خداوند کاپیلا فلسفه سانکهیای حقیقی را در شریماد- بهاگاواتام توصیف نموده است، ولی حتی آن سانکهیا هیچ ربطی با موضوعات اخیر ندارد. در اینجا سانکهیا به مفهوم توصیف تحلیلی بدن و روح است. خداوند کریشنا فقط به منظور رساندن آرجونا به مرحله بودهی ـ یوگا یابهاکتی- یوگا، توصیفی تحلیلی از روح به عمل آورد. بنابراین، سانکهیای خداوند کریشنا و سانکهیای خداوند کاپیلا که در بهاگاواتام توصیف شده است یکسان و هر دو به طور کامل بهاکتی- یوگا هستند به همین جهت خداوند کریشنا فرمود که تنها افراد کم‌خردتر بین سانکهیا ـ یوگا و بهاکتی- یوگا تفاوت قائل می‌شوند(*sāṅkhya-yogau pṛthag bālāḥ pravadanti na paṇḍitāḥ*). البته سانکهیا ـ یوگای ملحدانه هیچ ارتباطی با بهاکتی- یوگا ندارد، با این وصف اشخاص بی‌خرد ادعا می‌کنند که بهاگاواد-گیتا به سانکهیا ـ یوگای ملحدانه اشاره دارد.

پس باید درک کنیم که منظور از بودهی ـ یوگا "عمل کردن در آگاهی به کریشنا"، خدمت به خداوند با عشق و عبودیت است در شعف و علم کاملی که از آن ساطع می‌شود. کسی که فقط برای رضایت خداوند عمل می‌کند، هر چقدر هم که چنین کاری دشوار باشد، تحت اصول بودهی ـ یوگا قرار دارد و همواره خود را در شعف روحانی می‌یابد. انسان با چنین عملکرد روحانی، به شکرانه لطف و رحمت خداوند، خود به خود به معرفت روحانی کامل دست می‌یابد و بدین ترتیب رهایی او بدون آنکه تلاش دیگری برای کسب دانش به عمل آورد، در خود کامل است. تفاوت بسیاری بین کار در آگاهی به کریشنا و کار برای ثمر وجود دارد، بخصوص در مواردی که کسب نتایجی در رابطه با خانواده یا خوشبختی مادی برای ارضای تمایلات نفسانی مورد نظر است. بنابراین بودهی ـ یوگا کیفیت روحانی کاری است که ما انجام می‌دهیم.

## آیه ۴۰

*nehābhikrama-nāśo 'sti*
*pratyavāyo na vidyate*
*sv-alpam apy asya dharmasya*
*trāyate mahato bhayāt*

*na* : وجود ندارد ـ *iha* : در این یوگا ـ *abhikrama*؛*yoga* : در کوشش کردن ـ *nāśaḥ* : ضرر، زیان ـ *asti* : وجود دارد ـ *pratyavāyaḥ* : کاستی، نقصان ـ *na* : هرگز ـ *vidyate* : وجود دارد ـ *su-alpam* : کمی ـ *api* : هرچند که ـ *asya* : مربوط به این ـ *dharmasya* : حرفه ـ *trāyate* : می‌رهاند ـ *mahataḥ* : از بسیار بزرگ ـ *bhayāt* : خطر.

## ترجمه

**در این تلاش، هیچ گونه ضرر یا نقصانی وجود ندارد و کمی پیشرفت در این راه می‌تواند انسان را از خطرناکترین گونهٔ ترس حفاظت نماید.**

## شرح

بالاترین کیفیت روحانی عمل در آن است که در آگاهی به کریشنا یا به نفع او بدون انتظار کامجویی صورت پذیرد. اقدام به چنین عملی با هیچ مانعی مواجه نمی‌گردد و اثر آن در هیچ مرحله‌ای از بین نمی‌رود. در سطح مادی هر کاری که آغاز می‌شود باید کامل گردد، زیرا در غیر این صورت تمام آن تلاش بی‌نتیجه خواهد ماند و به صورتی شکست محسوب خواهد شد. ولی هر کاری که در کریشناآگاهی شروع می‌شود، حتی اگر به پایان نرسد نیز اثر ابدی خود را حفظ خواهد کرد. بنابراین، فاعل چنین کاری حتی اگر کارش در آگاهی به کریشنا کامل نباشد، چیزی را از دست نمی‌دهد. کاری که با یک درصد آگاهی به خداوند انجام پذیرد، نتایج ابدی به بار می‌آورد. گام بعدی از نقطه دو درصد آغاز می‌شود، در حالی که در اعمال مادی بدون موفقیت صد در صد نفعی عاید نمی‌گردد. آجامیلا تا چند درصد وظایف خود را در آگاهی به کریشنا انجام داد، اما به لطف خداوند نتیجه‌ای که سرانجام عاید او گردید، صد در صد بود. در این رابطه آیه بسیار مناسبی در شریماد- بهاگاواتام (۱۷/۵/۱) وجود دارد:

*tyaktvā sva-dharmaṁ caraṇāmbujaṁ harer*
*bhajann apakvo 'tha patet tato yadi*
*yatra kva vābhadram abhūd amuṣya kiṁ*
*ko vārtha āpto 'bhajatāṁ sva-dharmataḥ*

"اگر کسی وظایف شغلی خود را به خاطر فعالیت در کریشناآگاهی رها کند و سپس به دلیل انجام ناکامل آن به شیوه سابق زندگی خود – جستجوی لذات مادی – رجعت نماید، چه زیانی نصیب او خواهد شد و از طرف دیگر، چه نفعی عاید شخصی که فعالیتهای مادی خود را به تمام و کمال انجام می‌دهد خواهد شد" یا چنانکه مسیحیان می‌گویند: "چه سودی برای انسان دارد، چنانچه در مقابل به دست آوردن تمام جهان، روح جاودان خود را از دست دهد."

اعمال مادی و ثمرات آن با از بین رفتن بدن پایان می‌یابد، لیکن عمل در کریشناآگاهی، حتی پس از نابودی بدن، دوباره شخص را در زندگی بعد به کریشناآگاهی رهنمون می‌کند. حداقل شخص اطمینان می‌یابد که این فرصت به او داده خواهد شد تا در زندگی آینده در خانواده براهمانایی با مرتبه عالی روحانی یا در خانواده نجیب‌زاده‌ای ثروتمند – که امکان بیشتری برای ارتقای او فراهم خواهند ساخت – تولد یابد. این ویژگی منحصر به فرد کاری است که در آگاهی به کریشنا صورت می‌گیرد.

## آیه ۴۱

*vyavasāyātmikā buddhir*
*ekeha kuru-nandana*
*bahu-śākhā hy anantāś ca*
*buddhayo 'vyavasāyinām*

*vyavasāya-ātmikā* : ثابت و استوار در کریشناآگاهی ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *ekā* : فقط یک ـ *iha* : در این جهان ـ *kuru-nandana* : ای فرزند عزیز کوروها ـ *bahu-śākhāḥ* : داشتن شاخه‌های گوناگون ـ *hi* : در واقع ـ *anantāḥ* : نامحدود ـ *ca* : همچنین ـ *buddhayaḥ* : شعور ـ *avyavasāyinām* : مربوط به کسانی که در کریشناآگاهی نیستند.

## ترجمه

**کسانی که در این راه قرار دارند در نیل به مقصودشان ثابت و استوارند و هدف یگانه‌ای را دنبال می‌کنند؛ در حالی که، ای فرزند عزیز کوروها، شعور آنان که ثابت و استوار نیستند چندشاخه است.**

## شرح

ایمان قوی به این نکته که انسان با آگاهی به کریشنا به بالاترین کمال زندگی ارتقاء خواهد یافت، شعور ویاواسایاتمیکا خوانده می‌شود. در چیتانیا ـ چاریتامریتا (مادهیا ۶۲/۲۲) آمده است:

*śraddhā'-śabde——viśvāsa kahe sudṛḍha niścaya'*
*kṛṣṇe bhakti kaile sarva-karma kṛta haya*

ایمان یعنی اعتماد کامل نسبت به چیزی والا و متعال. هنگامی که انسان به وظایف کریشناآگاهی‌مشغول گردد، نیازی نیست تعهدات دنیای مادی را نسبت به خانواده، ملیت یا بشریت بجا آورد.اعمال ثمرجویانه، کارهایی است که از بازتاب اعمال خوب یا بد گذشته شخص پدید می‌آید.هنگامی که آگاهی به کریشنا در انسان بیدار می‌شود، دیگر احتیاجی نیست که در فعالیتهای خود برای‌بهره‌مندی از نتایج خوب تلاش نماید، زیرا هنگامی که انسان در آگاهی به کریشنا واقع می‌شود،تمامی فعالیتهایش در سطح مطلق واقع می‌شود و چنین فعالیتهایی دیگر در معرض دوگانگیهایی‌نظیر خوب و بد نیست. بالاترین کمال کریشناآگاهی، انقطاع از ادراکات مادی زندگانی است. این‌مرحله خود به خود با پیشرفت تدریجی در کریشناآگاهی به دست می‌آید.

مقصود ثابت و پابرجای شخصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد بر دانش استوار است. *Vāsudevaḥ sarvam iti sa mahātmā su-durlabhaḥ*: شخصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد، روح شایسته نادری است که کاملاً می‌داند واسودوا یا کریشنا، منشأ تمام علل تجلی‌یافته است. همان گونه که با آب دادن به ریشه درخت، آب خود به خود به همه شاخه‌ها و برگها منتقل می‌شود، انسان نیز با عمل کردن در کریشناآگاهی می‌تواند بزرگترین خدمت را به همه، یعنی خود، خانواده، جامعه، کشور، بشریت و غیره ارزانی دارد. اگر رضایت خداوند حاصل شود، آنگاه همه راضی خواهند شد.

ولی خدمت در آگاهی به کریشنا، به بهترین وجه، تحت راهنمایی شایسته یک پیر روحانی که نماینده معتبر کریشنا باشد، صورت می‌گیرد؛ این پیر روحانی کسی است که به نهاد و طبیعت شاگرد شناخت دارد و می‌تواند او را برای عمل در آگاهی به کریشنا هدایت نماید. بدین ترتیب برای آنکه انسان در آگاهی به خداوند پیشرفت نماید می‌باید با جدیت عمل کند، از نماینده کریشنا اطاعت نماید و تعالیم پیر روحانی معتبر را به عنوان مأموریت زندگی خود بپذیرد. شریلا ویشواناتها چاکراوارتی تهاکورا در نیایشهای مشهور خود برای پیر روحانی، به ما چنین تعلیم می‌دهد:

*yasya prasādād bhagavat-prasādo*
*yasyāprasādān na gatiḥ kuto 'pi*
*dhyāyan stuvaṁs tasya yaśas tri-sandhyaṁ*
*vande guroḥ śrī-caraṇāravindam*

"با رضایت پیر روحانی، رضایت شخصیت متعال خداوند حاصل می‌گردد و بدون رضایت پیر روحانی، امکان ارتقاء یافتن به عرصه آگاهی به کریشنا وجود ندارد. بنابراین، من باید برای دریافت لطف و رحمت او سه بار در روز تمرکز کنم، دعا نمایم و سجده‌های محترمانه خود را به او، پیرروحانیم، تقدیم نمایم."

موفقیت در این روش بستگی دارد به شناخت کامل روح در ورای ادراکات مادی و بدنی؛ نه به صورت نظری بلکه به صورت عملی، به گونه‌ای که دیگر اثری از کامجویی و ارضای تمایلات نفسانی که در اعمال ثمرجویانه تجلی می‌یابد وجود نداشته باشد. فکر کسی که کاملاً متمرکز نیست، با انواع گوناگون کار برای ثمر منحرف می‌گردد.

## آیات ۴۳-۴۲

*yām imāṁ puṣpitāṁ vācaṁ*
*pravadanty avipaścitaḥ*
*veda-vāda-ratāḥ pārtha*

*nānyad astīti vādinaḥ*

*kāmātmānaḥ svarga-parā*
*janma-karma-phala-pradām*
*kriyā-viśeṣa-bahulāṁ*
*bhogaiśvarya-gatiṁ prati*

*yām imām* : تمام اینها ـ *puṣpitām* : جذاب ـ *vācam* : کلمات ـ *pravadanti* : می‌گویند ـ *avipaścitaḥ* : اشخاصی که بهره اندکی از دانش دارند ـ *veda-vāda-ratāḥ* : مدعیان پیروی از وداها ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *na* : هرگز ـ *anyat* : هیچ چیز دیگر ـ *asti* : وجود دارد ـ *iti* : بدین‌سان ـ *vādinaḥ* : حامیان، طرفداران ـ *kāma-ātmānaḥ* : خواستار ارضای تمایلات نفسانی ـ *svarga-parāḥ* : به منظور رسیدن به کرات بهشتی ـ *janma-karma-phala-pradām* : منجر به تولد نیک و عکس‌العملهای ثمرجویانه دیگر ـ *kriyā-viśeṣa* : مراسم باشکوه ـ *bahulām* : گوناگون ـ *bhoga* : در لذت حواس ـ *aiśvarya* : و توانگری ـ *gatim* : پیشرفت تدریجی ـ *prati* : به سمت.

## ترجمه

**آنان که بهرهٔ اندکی از دانش دارند دلبستهٔ آن بخش از کلام جذاب وداها می‌گردند که اعمال ثمرجویانهٔ گوناگونی را برای ارتقاء به سیارات بهشتی، دستیابی به تولد نیک، کسب قدرت و غیره توصیه می‌نماید. آنان چون در آرزوی کامجویی و زندگی سرشار از ثروت هستند گمان می‌کنند چیزی برتر از این وجود ندارد.**

## شرح

توده مردم عموماً چندان خردمند نیستند و به علت جهل و غفلت خود قویاً مجذوب مناسکی که در بخش کارما ـ کاندای وداها، جهت رسیدن به لذات مادی توصیه شده است می‌گردند. آنها چیزی بیش از وصول به لذات زندگی بهشتی به منظور ارضای نفس نمی‌خواهند، جایی که شراب و زن در دسترس است و ثروت مادی به وفور وجود دارد. در وداها قربانیهای بسیاری بخصوص قربانیهای جیوتیش‌توما برای ارتقاء به کرات بهشتی توصیه گردیده است. در واقع گفته شده است هر کسی که می‌خواهد به سیارات بهشتی ارتقاء یابد باید این قربانیها را انجام دهد، و آنان که بهره اندکی از دانش دارند تصور می‌کنند که این تمام هدف حکمت ودایی است. برای چنین افرادی بسیار دشوار است که بخواهند با عزم راسخ در آگاهی به کریشنا عمل کنند. همان گونه که ابلهان به گلهای جذاب درختان سمی دلبسته می‌گردند، بی آنکه نتایج چنین دلبستگیهایی را بدانند، مشابهاً افراد ناآگاه مجذوب چنین مواهب بهشتی و کامجوییهای ناشی از آن می‌گردند. در بخش کارما ـ کاندای وداها گفته شده است:

*apāma somam amṛtā abhūma* و *akṣayyaṁ ha vai cāturmasya-yājinaḥ sukṛtaṁ bhavati*. کسانی که ریاضتهای چهار ماهه را انجام دهند، شایستگی نوشیدن شراب بهشتی سوما ـ راسا را کسب می‌کنند تا جاودان و برای همیشه خوشبخت شوند. در روی کره زمین نیز به افرادی برخورد می‌کنیم که بسیار مشتاق به دست آوردن سوما ـ راسا هستند تا قادر و قوی شوند و بتوانند از ارضای تمایلات حسی و شهوانی بهره‌مند گردند. چنین اشخاصی هیچ گونه ایمانی به رهایی از اسارت بندهای مادی ندارند و در عوض به مراسم باشکوه قربانیهای ودایی بسیار دلبستگی دارند. آنها عموماً تحت تأثیر لذات حسی هستند و در زندگی چیزی جز وصول به لذات بهشتی نمی‌خواهند. گفته شده است در کرات بهشتی باغهایی به نام نااندانا ـ کانانا وجود دارد که در آنها فرصت کافی برای معاشرت با زنان زیبای پری‌رو به همراه مقادیر فراوانی شراب سوما ـ راسا وجود

دارد. مسلماً این گونه خوشبختیهای جسمانی همانا لذات نفسانی و شهوانی هستند؛ از این رو کسانی وجود دارند که به عنوان اربابان و حکمرانان دنیای مادی، کاملاً مجذوب این گونه لذات مادی و فانی شده‌اند.

## آیه ۴۴

*bhogaiśvarya-prasaktānāṁ*
*tayāpahṛta-cetasām*
*vyavasāyātmikā buddhiḥ*
*samādhau na vidhīyate*

*bhoga* : به لذت مادی ـ *aiśvarya* : و توانگری ـ *prasaktānām* : برای آن کسانی که دلبسته‌هستند ـ *tayā* : با چنین چیزهایی ـ *apahṛta-cetasām* : سرگردان در ذهن ـ *vyavasāya-ātmikā* : ثابت و استوار در عزم ـ *buddhiḥ* : خدمت عابدانه به خداوند ـ *samādhau* : در ذهن کنترل شده ـ *na* : هرگز ـ *vidhīyate* : رخ می‌دهد.

## ترجمه

**در ذهن کسانی که به لذات حسی و ثروت مادی دلبستگی بسیار دارند – که به‌وسیله آنها نیز گیج و سر در گم می‌شوند – عزم راسخ برای خدمت عابدانه و خالصانه به خداوند متعال پدید نمی‌آید.**

## شرح

سامادهی یعنی "ذهن متمرکز". لغتنامه ودایی، نیروکتی، می‌گوید-*samyag ādhīyate 'sminn ātma-tattva-yāthātmyam*: "هنگامی که ذهن، برای درک ذات، متمرکز است در سامادهی قرار دارد." تا زمانی که انسان جذب لذات مادی می‌گردد و شادیهای زودگذر او را در گیجی و گمگشتگی غوطه‌ور می‌سازد، رسیدن به سامادهی امکان‌ناپذیر است؛ شکست او، در اثر واقع شدن در انرژی مادی، حتمی است.

## آیه ۴۵

*trai-guṇya-viṣayā vedā*
*nistrai-guṇyo bhavārjuna*
*nirdvandvo nitya-sattva-stho*
*niryoga-kṣema ātmavān*

*trai-guṇya* : مربوط به سه گونهٔ طبیعت مادی ـ *viṣayāḥ* : پیرامون موضوع ـ *vedāḥ* : متون ودایی ـ *nistrai-guṇyaḥ* : ورای سه گونهٔ طبیعت مادی ـ *bhava* : باش ـ *arjuna* : ای آرجونا ـ *nirdvandvaḥ* : بدون دوگانگی ـ *nitya-sattva-sthaḥ* : در مرحله خالص عرصه روحانی ـ *niryoga-kṣemaḥ* : رها از ایده‌های منفعت و حفاظت ـ *ātma-vān* : مستقر در ذات.

## ترجمه

**موضوع وداها بیشتر پیرامون سه گونهٔ طبیعت مادی است. ای آرجونا، در ورای این گونه‌ها قرار گیر. تمام دوگانگیها و نگرانیهای مربوط به کسب منفعت و امنیت را رها کن و در ذات مستقر شو.**

## شرح

تمام اعمال مادی به همراه واکنشهای خود توسط سه گونهٔ طبیعت مادی برقرار می‌گردد. این گونه اعمال که به منظور نتایج و ثمرات صورت می‌گیرد باعث اسارت در دنیای مادی می‌گردد.منظور وداها از مطرح کردن کار برای ثمر، خارج کردن عموم مردم از سطح کامجویی مادی و ارتقای تدریجی آنها به موقعیتی والاتر در عرصه روحانی است. به آرجونا به عنوان شاگرد و دوست خداوند کریشنا توصیه شده است که خود را در موقعیت روحانی فلسفه ودانتا قرار دهد که در آغاز آن برهما ـ جیگیاسا یا پرسشهایی درباره حقیقت مطلق وجود دارد. خداوند پس از خلقت عالم مادی، دانش ودایی را برای تمامی موجودات زنده‌ای که در آن بسر می‌برند و به سختی برای بقاء تلاش می‌کنند ارزانی داشت تا آنان را راهنمایی نماید که چگونه زندگی کنند تا قادر گردند از اسارت مادی رهایی یابند. هنگامی که مطرح نمودن چگونگی رسیدن به اعمال کامجویانه در بخش کارما ـ کاندای وداها پایان یافت، آنگاه فرصت ارتقاء به معرفت روحانی در اوپانیشادها ارائه می‌شود. همانگونه که بهاگاواد–گیتا قسمتی از پنجمین ودا، یعنی ماهابهاراتا است، اوپانیشادها نیز قسمتی از وداهای مختلف و چندگانه را تشکیل می‌دهد که انسان را به آغاز زندگی روحانی رهنمون می‌شود.

باید در نظر داشت مادامی که این کالبد مادی وجود دارد، عمل و عکس‌العمل در گونه‌های مادی نیز وجود دارد. انسان باید بیاموزد که دوگانگیهایی نظیر شادی و غم، سرما و گرما و غیره را تحمل نماید و با تحمل چنین دوگانگیهایی از اضطرابات ناشی از سود و زیان رها گردد. در آگاهی کامل به کریشنا است که چنین موقعیت روحانی کسب می‌گردد، یعنی هنگامی که شخص کاملاً به اراده پاک کریشنا اتکاء کند.

## آیه ۴۶

*yāvān artha udapāne*
*sarvataḥ samplutodake*
*tāvān sarveṣu vedeṣu*
*brāhmaṇasya vijānataḥ*

*yāvān* : تمام آنچه ـ *arthaḥ* : منظور شده است ـ *uda-pāne* : در یک چاه آب ـ *sarvataḥ* : از هر نظر ـ *sampluta-udake* : در یک منبع عظیم آب ـ *tāvān* : مشابهاً ـ *sarveṣu* : در تمام ـ *vedeṣu* : ادبیات ودایی ـ *brāhmaṇasya* : مربوط به انسانی که برهمن متعال را می‌شناسد ـ *vijānataḥ* : کسی که در دانش کامل قرار دارد.

## ترجمه

**همان گونه که منبع عظیم آب تمام فواید چاه کوچک را در بر دارد، کسی که منظور و مقصود نهفته در بطن وداها را درک نماید به تمامی اهداف وداها نیز دست می‌یابد.**

## شرح

مراد از مراسم و مناسک عبادی و قربانیهایی که در بخش کارما ـ کاندای ادبیات ودایی ذکر شده، پیشرفت تدریجی در خودشناسی است. هدف خودشناسی به طرز واضحی در فصل پانزدهم بهاگاواد

گیتا (۱۵/۱۵) بیان شده است: مقصود از مطالعه وداها شناخت خداوند کریشنا – علت اصلی و ازلی همه چیز – است. بنابراین، خودشناسی یعنی درک شخصیت کامل الهی و رابطه‌جاودانی که شخص با او دارد. رابطه موجودات زنده با کریشنا – حق تعالی – نیز در فصل پانزدهم بهاگاواد–گیتا (۱۵/۷) ذکر شده است. موجودات زنده اجزاء و ذرات لاینفک شخصیت مطلق

پروردگار هستند؛ بنابراین، احیای آگاهی به خداوند به‌وسیله موجود زنده بالاترین مرحله کمال دانش ودایی محسوب می‌شود. این امر بدین گونه در شریماد- بهاگاواتام (۷/۳۳/۳) تأیید شده است:

*aho bata śva-paco 'to garīyān*
*yaj-jihvāgre vartate nāma tubhyam*
*tepus tapas te juhuvuḥ sasnur āryā*
*brahmānūcur nāma gṛṇanti ye te*

"خداوندا، شخصی که نام مقدس تو را ذکر می‌کند، هرچند که در خانواده پستی همچون یک چاندالا (سگ خور) زاده شده باشد، در بالاترین سطح خودشناسی قرار گرفته است. چنین فردی باید انواع ریاضتها و قربانیها را طبق مراسم ودایی انجام داده و پس از استحمام در تمام زیارتگاههای مقدس بارها و بارها ادبیات ودایی را مطالعه کرده باشد. چنین شخصی بهترین در میان آریاییها محسوب می‌شود."

بنابراین، شخص باید از شعور کافی برخوردار باشد تا بتواند هدف وداها را درک نماید، بی‌آنکه تنها به مراسم آیینی آن دلبسته گردد و یا برای نیل به درجات بالاتری از ارضای غرایز حسی،خواستار ارتقاء به سیارات بهشتی باشد. در عصر حاضر، دنبال کردن تمام قواعد و قوانین مراسم ودایی و مطالعه کامل تمام ودانتا و اوپانیشادها برای اشخاص عادی میسر نیست. رسیدن به اهداف وداها که احتیاج به زمان، نیرو، دانش و وسایل بسیاری دارد، در این عصر، بسیار دشوار است. با این‌حال، والاترین هدف فرهنگ ودایی با ذکر و سماع اسماء الهی، که خداوند چیتانیا، ناجی تمام ارواح فرو افتاده آن را توصیه فرمود، تحقق می‌یابد. هنگامی که محقق بزرگ ودایی به نام پراکاشاناندااساراسواتی از خداوند چیتانیا سؤال کرد که چرا او، یعنی شخصیت الهی، به جای مطالعه فلسفه ودانتا، اسماء الهی را همانند یک شخص احساساتی ذکر می‌کند، خداوند پاسخ گفت که پیر روحانی وی، او را یک ابله بزرگ برشمرد و بنابراین از او خواست که فقط به ذکر و سماع نام مقدس خداوندکریشنا بپردازد. خداوند چیتانیا نیز چنین کرد و دیوانه‌وار در شعف و جذبه الهی فرو رفت. در این عصر کالی اکثریت نفوس جامعه بشری در غفلت و نادانی بسر می‌برند و بعلاوه از تعلیم و تربیت کافی برخوردار نیستند تا فلسفه ودانتا را درک کنند؛ لیکن بالاترین هدف حکمت ودانتا با ذکر پاک اسماء مقدس الهی تحقق می‌پذیرد. ودانتا کلام نهایی در معارف ودایی است و همانا خداوند کریشنا گردآورنده و داننده فلسفه ودانتا است؛ و بالاترین ودانتیست آن روح بزرگی است که از ذکر اسما مقدس الهی لذت می‌برد. این هدف نهایی تمام عرفان ودایی است.

## آیه ۴۷

*karmaṇy evādhikāras te*
*mā phaleṣu kadācana*
*mā karma-phala-hetur bhūr*
*mā te saṅgo 'stv akarmaṇi*

*karmaṇi* : در وظایف تجویزشده ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *adhikāraḥ* : حق ـ *te* : مربوط به تو*mā* ـ : هرگز ـ *phaleṣu* : به نتایج و ثمرات ـ *kadācana* : در هیچ زمان ـ *mā* : هرگز ـ *karma-phala* : به نتیجه و ثمر کار ـ *hetuḥ* : علت ـ *bhūḥ* : نشو، قرار نگیر ـ *mā* : هرگز ـ *te* : مربوط به تو ـ *saṅgaḥ* : دلبستگی ـ *astu* : باید وجود داشته باشد ـ *akarmaṇi* : در عدم انجام وظایف تجویزشده.

## ترجمه

**تو حق این را داری که وظایف تجویزشده‌ات را انجام دهی، ولی ثمرات اعمالت از آن تو نیست. هیچ وقت خود را علت نتایج اعمالت ندان و هرگز از انجام وظایف خویشتن شانه خالی مکن.**

## شرح

در اینجا سه مطلب در نظر گرفته شده است: وظایف تجویزشده، کار از روی هوی و هوس و بی‌عملی. وظایف تجویزشده عطف به فعالیتهایی است که برای فرد طبق گونه‌هایی که از طبیعت‌مادی کسب کرده، مقرر گشته است. کارهای از روی هوی و هوس یعنی اعمالی که فاقد تأیید مرجعیت و کتب مقدس است و بی‌عملی یعنی انجام ندادن وظایف تجویزشده خود. خداوند به آرجونا توصیه نمود که در بی‌عملی واقع نگردد، بلکه تکالیف مقرر خود را بدون دلبستگی به نتیجه آنها انجام دهد.کسی که به نتایج و ثمرات کار خود دلبستگی دارد، مسئولیت آن را متوجه خود نموده و علت آن کار نیز محسوب می‌شود. و بدین گونه انسان از نتایج و ثمرات چنین اعمالی رنج یا لذت می‌برد.

در مورد وظایف تجویزشده می‌توان آنها را در سه عنوان فرعی دسته‌بندی کرد، یعنی کارهای عادی، کارهای حائز فوریت و کارهای خواسته شده. کار عادی، که طبق تعهد به اصول کتب مقدس و بدون خواسته برای ثمر و نتیجه صورت می‌گیرد، عملی است در گونهٔ نیکی. کاری که با چشمداشت به نتایج و ثمرات آن انجام پذیرد، علت اسارت مادی می‌گردد؛ از این رو چنین کاری پاک محسوب نمی‌شود. همه حق انجام وظایف تجویزشده خاص خود را دارند، لیکن باید بدون دلبستگی به نتایج آنها عمل کنند؛ چنین وظایف واجبی که بدون چشمداشت به نتایج و ثمرات آن انجام می‌گردد بی‌تردید شخص را به راه رهایی هدایت می‌کند.

به همین جهت خداوند به آرجونا پند می‌دهد که به عنوان یک وظیفه و بدون دلبستگی به نتیجه بجنگد، زیرا شرکت نکردن او در جنگ وجه دیگری از دلبستگی است؛ چنین دلبستگی هیچگاه شخص را به راه رستگاری رهنمون نمی‌سازد. از آنجایی که هر نوع دلبستگی، چه مثبت و چه منفی، علت اسارت است و بی‌عملی نیز در مقوله گناه می‌گنجد، بنابراین جنگیدن به عنوان یک وظیفه تنها راه خجسته رستگاری برای آرجونا محسوب می‌گردد.

## آیه ۴۸

*yoga-sthaḥ kuru karmāṇi*
*saṅgaṁ tyaktvā dhanañjaya*
*siddhy-asiddhyoḥ samo bhūtvā*
*samatvaṁ yoga ucyate*

*yoga-sthaḥ* : متوازن، متعادل ـ *kuru* : انجام بده ـ *karmāṇi* : وظایف خود را ـ *saṅgam* : دلبستگی ـ *tyaktvā* : رها کردن، کنار گزاردن ـ *dhanañjaya* : ای آرجونا ـ *siddhi-asiddhyoḥ* : در موفقیت و شکست ـ *samaḥ* : متوازن، متعادل ـ *bhūtvā* : شدن ـ *samatvam* : تعادل ذهنی ـ *yogaḥ* : یوگا ـ *ucyate* : خوانده می‌شود.

## ترجمه

**ای آرجونا، با کنار گذاردن هر گونه دلبستگی به موفقیت یا شکست، وظیفهٔ خود را در تعادل انجام ده. چنین تعادل ذهنی یوگا خوانده می‌شود.**

## شرح

کریشنا به آرجونا توصیه می‌کند که در یوگا عمل نماید. منظور کریشنا از یوگا چیست منظور از یوگا، تمرکز فکر بر متعال از طریق کنترل کردن حواس است؛ حواسی که همواره ایجاد اضطراب و آشفتگی می‌نمایند. و متعال کیست متعال همانا خداوند است. از آنجایی که این خداوند است که از آرجونا می‌خواهد که بجنگد؛ از این رو نتایج جنگ نه به آرجونا، بلکه به کریشنا مربوط می‌شود که همانا موفقیت و پیروزی نیز در دستان او قرار دارد. به آرجونا فقط توصیه شده است که طبق خواست و اراده خداوند عمل کند. عمل کردن طبق خواست و اراده خداوند، یوگای حقیقی است که اجرای آن در روندی موسوم به کریشناآگاهی صورت می‌گیرد. انسان فقط با آگاهی به خداوند است که می‌تواند حس تعلق و مالکیت را رها سازد. شخص باید خادم کریشنا، یا خادم خادم کریشنا گردد. این تنها راه صحیح انجام وظیفه در آگاهی به کریشنا می‌باشد که می‌تواند به شخص کمک کند تا در یوگا عمل‌نماید.

آرجونا در مقام یک کشاتریا در نظام وارناشراما ـ دهارما قرار دارد و در ویشنو پورانا آمده که تمام هدف وارناشراما ـ دهارما رضایت الهی یا راضی کردن ویشنو است. شخص نباید در صدد ارضای خود باشد، چنانکه در قانون دنیای مادی چنین است، بلکه شخص بایستی خداوند را راضی سازد. بنابراین مادامی که انسان موجبات رضایت کریشنا را فراهم نیاورده است، نمی‌تواند به درستی از اصول وارناشراما ـ دهارما پیروی کرده باشد. بدین ترتیب متوجه می‌گردیم که به آرجونا به طور غیر مستقیم توصیه شده که طبق خواسته کریشنا عمل نماید.

## آیه ۴۹

*dūreṇa hy avaraṁ karma*
*buddhi-yogād dhanañjaya*
*buddhau śaraṇam anviccha*
*kṛpaṇāḥ phala-hetavaḥ*

*dūreṇa* : آن را کاملاً دور انداز ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *avaram* : زشت و ناپسند ـ *karma* : عملکرد ـ *buddhi-yogāt* : بر مبنای قدرت کریشناآگاهی ـ *dhanañjaya* : ای فاتح ثروت ـ *buddhau* : در چنین آگاهی ـ *śaraṇam* : تسلیم کامل ـ *anviccha* : سعی کن برای ـ *kṛpaṇāḥ* : افرادخسیس، افراد طماع ـ *phala-hetavaḥ* : آن کسانی که خواستار نتیجه و ثمر هستند.

## ترجمه

**ای دهانانجایا، با خدمت عابدانه، خود را از تمام اعمال زشت و ناپسند (هر گونه عمل مادی) رها کن و کاملاً به خداوند تسلیم شو. طمّاع هستند کسانی که درصدد لذت بردن از ثمرات اعمال خویشند.**

## شرح

آن کسی که واقعاً موقعیت حقیقی و فطری خود را به عنوان خادم ابدی خداوند درک کرده است تمامی فعالیتهای خود را به خاطر عمل در کریشنا آگاهی رها می‌سازد. همان گونه که قبلا توضیح داده شد بودهی ـ یوگا به مفهوم خدمت عاشقانه روحانی به خداوند است. چنین خدمت عاشقانه‌ای عملکرد صحیح موجود زنده است. فقط افراد طماع هستند که می‌خواهند از ثمرات و نتایج اعمال خود لذت برند و بدین وسیله در بند اسارت مادی قرار گیرند. بجز عمل در آگاهی به کریشنا تمام اعمال زشت و ناپسند محسوب می‌شوند، زیرا چنین اعمالی دائماً فاعل خود را در دایره تولد و مرگ به اسارت می‌کشاند. بنابراین انسان نباید هیچگاه بخواهد علت کاری باشد. همه چیز باید درآگاهی به خداوند و برای رضایت او انجام پذیرد. انسانهای طماع نمی‌دانند

ثروتهایی را که با خوش‌اقبالی یا کار طاقت‌فرسا کسب می‌کنند، چگونه به کار گیرند. اشخاص نگون‌بخت همانند افراد طماع حاضر نیستند نیروی فعاله خود را در خدمت به خداوند به کار گمارند. انسان باید تمام نیروی خود را صرف کار در کریشناآگاهی کند که این امر زندگی فرد را قرین موفقیت و سعادت خواهد کرد.

## آیه ۵۰

*buddhi-yukto jahātīha*
*ubhe sukṛta-duṣkṛte*
*tasmād yogāya yujyasva*
*yogaḥ karmasu kauśalam*

*buddhi-yuktaḥ* : کسی که مشغول خدمت عابدانه است ـ *jahāti* : می‌تواند رها گردد ـ *iha* : دراین زندگی ـ *ubhe* : هر دو ـ *sukṛta-duṣkṛte* : نتایج خوب و بد ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *yogāya* : به‌خاطر خدمت عابدانه ـ *yujyasva* : چنین مشغول بودن ـ *yogaḥ* : کریشناآگاهی ـ *karmasu* : در تمام اعمال ـ *kauśalam* : هنر.

## ترجمه

**انسانی که مشغول خدمت عابدانه است حتی در این زندگی نیز خود را از ثمرات اعمال نیک و بد هر دو رها می‌سازد. بنابراین، سعی کن به یوگا یا هنر عمل کردن دست یابی.**

## شرح

موجود زنده از زمانهای بسیار کهن، بار اعمال نیک و بد خود را به دوش می‌کشد و بدین ترتیب‌پیوسته از موقعیت ذاتی و حقیقی خود غافل است. این جهل و غفلت انسان را می‌توان با تعالیم بهاگاواد-گیتا از میان برداشت، زیرا به انسان می‌آموزد که سر تسلیم محض به خداوند شری کریشنا فرود آورد و از قربانی شدن در دایره بازتاب اعمال در تولدهای پیاپی رها گردد. بنابراین به آرجونا توصیه می‌گردد که برای رهایی از زنجیر قانون کارما و پاک شدن از اعمال ثمربخش در آگاهی به کریشنا عمل نماید.

## آیه ۵۱

*karma-jaṁ buddhi-yuktā hi*
*phalaṁ tyaktvā manīṣiṇaḥ*
*janma-bandha-vinirmuktāḥ*
*padaṁ gacchanty anāmayam*

*karma-jam* : ناشی از اعمال ثمرجویانه ـ *buddhi-yuktāḥ* : مشغول شدن در خدمت عابدانه ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *phalam* : نتایج، ثمرات ـ *tyaktvā* : رها کردن ـ *manīṣiṇaḥ* : حکمای بزرگ یا عابدین ـ *janma-bandha* : از اسارت تولد و مرگ ـ *vinirmuktāḥ* : رها شده ـ *padam* : حالت ـ *gacchanti* : آنها دست می‌یابند ـ *anāmayam* : بدون رنج.

## ترجمه

**حکیمان بزرگ یا عابدان با وقف خود در خدمت عابدانه به خداوند، خویش را از نتایج و ثمـرات اعمـال در دنیای مادی آزاد می‌سازند و بدین ترتیب از دایرهٔ تولد و مرگ رها می‌گردند و به ماورای تمامی دردهـا و رنجهـا دست می‌یابند.**

## شرح

موجودات زنده رهایی یافته به آن جایگاهی تعلق دارند که در آن اثری از رنجها و مصائب مادی وجود ندارد. بهاگاواتام (۱۰/۱۴/۵۸) می‌فرماید:

*samāṣritā ye pada-pallava-plavaṁ*
*mahat-padaṁ puṇya-yaśo murāreḥ*
*bhavāmbudhir vatsa-padaṁ paraṁ padaṁ*
*padaṁ padaṁ yad vipadāṁ na teṣām*

"برای کسی که زورق قدوم نیلوفرین خداوند را پذیرفته – که عالم خلقت بر او تکیه دارد و به عنوان موکوندا یا اعطاءکننده موکتی معروف است – اقیانوس عالم مادی همانند آبی در رد پای گوساله است. هدف او پارام پادام یا وایکونتها می‌باشد، یعنی مکانی که در آن اثری از مصائب مادی وجود ندارد، نه جایی که در هر قدم آن خطری در کمین نشسته است."

انسان به علت جهل و غفلت، به این امر واقف نیست که عالم مادی مکان رنج است؛ جایی که هر لحظه خطری در خود نهفته دارد. اشخاصی که بهره چندانی از خرد ندارند، تنها به علت فراموشی و غفلت، سعی می‌کنند با اعمالی که برای اجر و ثمر انجام می‌دهند، خود را با اوضاع سازگار نمایند، با این گمان که اعمال ثمربخش مایه شادی و خوشبختی آنان خواهد شد. آنها آگاه نیستند که هیچ نوع کالبد مادی در هیچیک از نقاط عالم نمی‌تواند زندگی عاری از مصائب مادی را به ارمغان آورد. مصائب حیات مادی یعنی تولد، پیری، بیماری و مرگ در سراسر دنیای مادی وجود دارد. ولی کسی‌که موقعیت اصلی و حقیقی خود را به عنوان خادم ابدی خداوند درک می‌کند و بدین‌سان به مقام شخصیت الهی پی می‌برد، وجود خود را وقف خدمت عاشقانه روحانی به خداوند می‌کند و در نتیجه شایستگی ورود به سیارات بی‌زوال وایکونتها را می‌یابد که در آنها اثری از مصائب زندگی مادی وجود ندارد و زمان و مرگ نیز در آنجا بی‌تأثیر است. آگاه شدن به موقعیت اصلی خود به مفهوم آگاه شدن به مقام والای خداوند نیز هست. کسی که به اشتباه چنین تصور می‌کند که موقعیت موجود زنده و موقعیت خداوند در یک سطح قرار دارد، در جهل و ظلمت بسر می‌برد و بنابراین قادر به سر سپردن خود در راه خدمت مریدانه خداوند نیست. او به حکمرانی و خدایی خود ادامه می‌دهد و بدین‌سان در دایره تولد و مرگ مکرر باقی می‌ماند. ولی کسی که درمی‌یابد موقعیت جوهری انسان خدمت کردن است بی‌درنگ وجود خود را در راه خدمت خداوند به کار می‌گمارد و شایسته سیارات روحانی وایکونتها لوکا می‌گردد. خدمت در راه خداوند، کارما ـ یوگا یا بودهی ـ یوگا یا به عبارت ساده خدمت عابدانه به خداوند خوانده می‌شود.

## آیه ۵۲

*yadā te moha-kalilaṁ*
*buddhir vyatitariṣyati*
*tadā gantāsi nirvedaṁ*
*śrotavyasya śrutasya ca*

*yadā*: هنگامی که ـ *te*: مال تو، ت ـ *moha* : مربوط به توهم ـ *kalilam* : جنگل انبوه ـ *buddhiḥ* : خدمت روحانی توأم با شعور ـ *vyatitariṣyati* : می‌گذرد ـ *tadā* : در آن زمان ـ *gantā asi* : خواهی رفت ـ *nirvedam* : تأثر ناپذیری،

بی‌تفاوتی ـ *śrotavyasya* : در قبال تمام آنچه شنیده خواهد شد ـ *śrutasya* : تمام آنچه قبلا شنیده شده است ـ *ca* : همچنین.

### ترجمه

**هنگامی که شعورت جنگل انبوه توهم را پشت سر نهاد، به تمامی آنچه شنیده‌ای و یا خواهی شنید بی‌اعتنا می‌گردی.**

## شرح

در این مورد مثالهای خوب بسیاری از زندگی عابدان بزرگ خداوند وجود دارد که فقط با سر سپردن در راه خدمت عاشقانه خداوند نسبت به مراسم آیینی وداها بی‌تفاوت گشته‌اند. هنگامی که شخص به درک خداوند و رابطه خود با خداوند نائل شود، هرچند که براهمانایی مجرب باشد، به طور طبیعی کشش خود را نسبت به شعائر مذهبی در ارتباط با اعمال ثمرجویانه از دست می‌دهد. شری مادهاوندرا پوری، عابد بزرگ و آچاریا در سلسله پیران می‌فرماید:

"ای نیایشهای سه‌گانه روزانه‌ام، شکوه فراوان بر شما باد. ای استحمام صبحگاهی، سجده‌های خود را نثارت می‌کنم. ای فرشتگان، ای اجداد، تمنا دارم مرا ببخشید که دیگر قادر نیستم احترامات خود را به شما ادا نمایم. اکنون به هر جایی که قرار گیرم، آن نواده بزرگ سلسله یادو (کریشنا)، دشمن کامسا، را به یاد می‌آورم و بدین‌سان می‌توانم خود را از اسارت تمامی گناهان رهایی بخشم. فکر می‌کنم همین مرا کافی باشد."

بجا آوردن شعائر مذهبی ودایی برای رهروان مبتدی امری ضروری است:

*sandhyā-vandana bhadram astu bhavato bhoḥ snāna tubhyaṁ namo*
*bho devāḥ pitaraś ca tarpaṇa-vidhau nāhaṁ kṣamaḥ kṣamyatām*
*yatra kvāpi niṣadya yādava-kulottamasya kaṁsa-dviṣaḥ*
*smāraṁ smāram aghaṁ harāmi tad alaṁ manye kim anyena me*

این شعائر دینی شامل دعاهای سه گانه روزانه، استحمام صبحگاهی، تقدیم احترامات به اجداد و امور دیگر است. لیکن هنگامی که شخص کاملاً در آگاهی به کریشنا قرار گرفت و خود را وقف خدمت عاشقانه روحانی خداوند کرد، از تمام این اصول تنظیم کننده بی‌نیاز می‌گردد، زیرا به مرحله کمال نائل آمده است. بنابراین، اگر انسان بتواند با اعطای خدمت خالصانه به خداوند متعال کریشنا به عرصه معرفت الهی دست یابد، دیگر نیازی به پرداختن به انواع ریاضتها و قربانیهای توصیه شده در کتب مقدس نیست. و به همین ترتیب چنانچه انسان به هدف وداها، که وصال کریشناست، پی نبرده باشد و فقط به انجام مراسم دینی و تشریفات مذهبی همت گمارد، در این صورت بیهوده وقت خود را تلف کرده است. اشخاصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارند از حیطه شابدا ـ برهما یا حدود وداها و اوپانیشادها فراتر می‌روند.

## آیه ۵۳

*śruti-vipratipannā te*
*yadā sthāsyati niścalā*
*samādhāv acalā buddhis*
*tadā yogam avāpsyasi*

*śruti* : مربوط به دانش ودایی ـ *vipratipannā* : بدون متأثر شدن از نتایج و اعمال ـ *te* : مال تو، ت ـ *yadā* : هنگامی که ـ *sthāsyati* باقی می‌ماند ـ *niścalā* : بی حرکت و ثابت ـ *samādhau* : در آگاهی روحانی، یا کریشناآگاهی ـ *acalā* : راسخ، ثابت‌قدم ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *tadā* : در آن زمان ـ *yogam* : خودشناسی ـ *avāpsyasi* : دست خواهی یافت.

## ترجمه

**آن هنگام که ذهنت دیگر با کلام جذاب وداها آشفته نگردد، و در جذبه و خلسهٔ خودشناسی ثابت و متمرکز باقی بماند، به آگاهی الهی دست یافته‌ای.**

## شرح

اینکه می‌گوییم شخص در سامادهی است یعنی آنکه شخص کاملاً کریشناآگاهی را درک کرده است، بدین مفهوم که شخص در سامادهی کامل به شناخت برهمن، پاراماتما و بهاگاوان نائل آمده است. بالاترین کمال خودشناسی درک این حقیقت است که شخص به طور ابدی خادم کریشناست و تنها کار او انجام وظایف خود در آگاهی الهی است. شخص کریشناآگاه، یا عابدی که با عزم راسخ در راه خدا قرار دارد، نباید مجذوب کلام اغواکننده وداها گردد و به اعمال ثمرجویانه برای ارتقا به سیارات بهشتی مبادرت ورزد. شخص در مرحله کریشناآگاهی به رابطه مستقیم با کریشنا دست می‌یابد و بدین‌سان تمام راهنماییهای کریشنا در آن حالت روحانی قابل درک می‌شود. مطمئناً انسان با چنین کاری به نتیجه خواهد رسید و به معرفت نهایی دست می‌یابد. کافی است که انسان فقط به دستورات کریشنا یا نماینده او یعنی پیر روحانی عمل نماید.

## آیه ۵۴

*arjuna uvāca*
*sthita-prajñasya kā bhāṣā*
*samādhi-sthasya keśava*
*sthita-dhīḥ kiṁ prabhāṣeta*
*kim āsīta vrajeta kim*

*arjunaḥ uvāca* : آرجونا گفت ـ *sthita-prajñasya* : مربوط به کسی که در کریشناآگاهی ثابت و استوار قرار گرفته است ـ *kā* : چه، چیست ـ *bhāṣā* : زبان، کلام ـ *samādhi-sthasya* : مربوط به‌کسی که در جذبه واقع شده ـ *keśava* : ای کریشنا ـ *sthita-dhīḥ* : شخص ثابت و استوار در آگاهی به کریشنا ـ *kim* : چه، چیست ـ *prabhāṣeta* : سخن می‌گوید ـ *kim* : چگونه ـ *āsīta* : اقامت می‌گزیند ـ *vrajeta* : راه می‌رود ـ *kim* : چگونه.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای کریشنا، چگونه می‌توان کسی را که آگاهیش بدین‌سان در متعال مستغرق گردیده است بازشناخت چگونه سخن می‌گوید و از چه واژه‌هایی استفاده می‌کند چگونه نشست و برخاست می‌کند**

## شرح

همه اشخاص، بر حسب موقعیت خاصشان، دارای علائم و نشانه‌هایی هستند که به‌وسیله آنها شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، شخص ثروتمند، بیمار و یا دانشمند از روی علائم و ظواهرخارجی خود شناسایی می‌گردند. به همین نحو کسی که کریشناآگاه

یا خداآگاه است دارای ویژگیهای خاصی در سخن گفتن، راه رفتن، فکر کردن، احساس کردن و امور دیگر است. می‌توان دربهاگاواد–گیتا به نشانه‌های خاص چنین انسانی دست یافت. مهمترین نکته سخن گفتن است، زیرا بیان مهمترین ویژگی هر فرد است، از این رو باید در نظر داشت کسی که کریشنا را می‌شناسد چگونه سخن می‌گوید. گفته می‌شود نادان مادامی که لب فرو بسته است پنهان می‌ماند و مسلماً جاهل آراسته تا لب به سخن نگشاید در کنف سکوت ناشناخته باقی می‌ماند، لیکن به مجرد اینکه صحبت کند نقاب از رخ آگاهی خود برمی‌دارد و خود را می‌نمایاند. بدین ترتیب نشانه بارز یک شخص‌کریشناآگاه آن است که او به طور مستقیم و غیر مستقیم فقط درباره کریشنا و مناسبات مربوط به کریشنا سخن می‌گوید. نشانه‌های دیگر، چنانکه در آیه‌های بعد بیان خواهد شد، به خودی خود از این خصیصه ناشی می‌گردد.

## آیه ۵۵

*śrī-bhagavān uvāca*
*prajahāti yadā kāmān*
*sarvān pārtha mano-gatān*
*ātmany evātmanā tuṣṭaḥ*
*sthita-prajñas tadocyate*

*śrī-bhagavān uvāca* : شخصیت اعلای پروردگار فرمود ـ *prajahāti* : رها می‌کند ـ *yadā* : هنگامی که ـ *kāmān* : خواسته‌های ارضای حواس ـ *sarvān* : مربوط به تمامی انواع ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *manaḥ-gatān* : مربوط به ساخته ذهنی ـ *ātmani* : در مرحله خالص روح ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ātmanā* : به‌وسیله ذهن پاک شده ـ *tuṣṭaḥ* : راضی شده ـ *sthita-prajñaḥ* : در موقعیت روحانی واقع شده ـ *tadā* : در آن زمان ـ *ucyate* : گفته شده است.

## ترجمه

**شخصیت اعلای پروردگار فرمود: ای پارتها، هنگامی که انسان هر گونه خواسته برای کامجویی را که ساختهٔ ذهن می‌باشد رها کند و بدین گونه ذهنش پاک گردد و در نتیجه رضایت را فقط در ذات بیابد، آنگاه می‌توان گفت که در آگاهی خالص روحانی قرار گرفته است.**

## شرح

بهاگاواتام تصریح می‌نماید که شخصی که کاملاً در آگاهی به کریشنا، یا خدمت خالصانه خداوند قرار دارد، واجد تمامی صفات نیک حکمای بزرگ است، در حالی که شخصی که در چنین موقعیت روحانی قرار نداشته باشد، از آنجا که مطمئناً در اسارت ساخته‌های ذهنی خود بسر می‌برد، فاقد چنین صفاتی است. این آیه ما را ملزم به رها نمودن تمام خواسته‌های ارضای حواس مادی که حاصل ساخته‌های ذهنی است می‌سازد. مصنوعاً نمی‌توان از بروز چنین تمایلات نفسانی جلوگیری کرد، لیکن اگر انسان وجود خود را معطوف کریشناآگاهی سازد، آنگاه خواسته‌های ارضای حواس مادی به طور خود به خود و بدون تلاش دیگری فروکش می‌کند.

بنابراین، انسان باید بدون تردید، وجود خود را در آگاهی به کریشنا به کار گیرد، زیرا این راه خدمت عابدانه و عبادت عاشقانه فوراً به انسان کمک می‌کند تا در عرصه آگاهی روحانی قرار گیرد. ارواح بزرگ با شناخت خویشتن به عنوان خادم ابدی خداوند متعال همواره در خود احساس رضایت می‌کنند. شخصی که در چنین موقعیت خالص روحانی واقع شده است، خواسته هیچ گونه

ارضای حواس مادی که کمترین اثری از ارضای نفس در آن باشد ندارد، بلکه در موقعیت طبیعی و فطری خود به عنوان خادم ابدی خداوند متعال، همواره در سرور و شادمانی، قرار گرفته است.

## آیه ۵۶

*duḥkheṣv anudvigna-manāḥ*
*sukheṣu vigata-spṛhaḥ*
*vīta-rāga-bhaya-krodhaḥ*
*sthita-dhīr munir ucyate*

*duḥkheṣu* : در رنجهای سه گانه ـ *anudvigna-manāḥ* : بدون آشفته شدن ذهن ـ *sukheṣu* : در شادی و خوشبختی ـ *vigata-spṛhaḥ* : بدون علاقه‌مند شدن ـ *vīta* : رها از ـ *rāga* : دلبستگی ـ *bhaya* : ترس ـ *krodhaḥ* : و خشم ـ *sthita-dhīḥ* : ذهن او استوار است ـ *muniḥ* : حکیم ـ *ucyate* : خوانده می‌شود.

## ترجمه

**کسی که دیگر تحت تأثیر رنجهای سه‌گانه واقع نمی‌شود، که شادیهای زندگی او را سرمست نمی‌سازد، که آزاد از دلبستگی، ترس و خشم شده است، حکیمی است با ذهن استوار.**

## شرح

واژه مونی به مفهوم کسی است که می‌تواند با شیوه‌های گوناگون به تفکر و تعقل ذهنی بپردازد،ب دون آنکه به یک نتیجه واقعی دست یابد. گفته می‌شود هر مونی دارای زاویه دید متفاوتی است و تایک مونی با مونی‌های دیگر متمایز نباشد، نمی‌توان او را به معنای دقیق کلمه مونی خواند. *Nāsāv ṛṣir yasya mataṁ na bhinnam* (ماهابهاراتا، وانا ـ پاروا ۱۱۷/۳۱۳)ولی همان گونه که خداوند در اینجا بیان فرمود یک استهیتا ـ دهیر مونی با مونی معمولی تفاوت دارد. استهیتا ـ دهیر مونی همواره در آگاهی به کریشنا قرار دارد، زیرا تمامی پندارهای فکری خود را به پایان رسانده است. او چنین خوانده می‌شود:-*praśānta-niḥśeṣa-mano-rathāntara*(استوترا ـ راتنا ۴۳). یعنی کسی که از مرحله پندارهای ذهنی گذشته و به این نتیجه رسیده است که خداوند شری کریشنا یا واسودوا همه چیز است. (*vāsudevaḥ sarvam iti sa mahātmā su-durlabhaḥ*). چنین شخصی یک مونی با فکر استوار خوانده می‌شود. چنین شخص کاملاً خداآگاهی، کریشنا آگاهی، از هجوم رنجهای سه‌گانه آشفته نمی‌گردد. زیرا او تمامی رنجها را به مثابه لطف و رحمت خداوند می‌پذیرد و خود را به علت بازتاب اعمال گذشته‌اش مستحق رنجهای بیشتری می‌داند، لیکن می‌داند به شکرانه لطف بیکران خداوند، این رنجها به حداقل تقلیل یافته است. به همین ترتیب شادی و خوشبختی را نیز به حساب لطف خداوند می‌گذارد، چرا که خود را شایسته آن خوشبختی نمی‌داند و درک می‌کند که این تنها به شکرانه الطاف الهی است که در چنین موقعیت راحتی قرار گرفته و قادر شده است خدمت بهتری به خداوند انجام دهد. او همواره برای وقف شدن در خدمت خداوند آماده و فعال است و جسارت کافی از خود نشان می‌دهد و تحت تأثیر دلبستگی یا دلزدگی قرار نمی‌گیرد. دلبستگی یعنی در نظر گرفتن چیزهایی برای ارضای حواس مادی خود، و دلزدگی به مفهوم فقدان چنین دلبستگیهای نفسانی است. ولی کسی که در آگاهی به کریشنا استوار است نه دلبستگی دارد و نه دلزدگی، زیرا زندگی او در راه خدمت به خداوند وقف شده است. در نتیجه چنانچه حتی در تلاشهایش موفقیت حاصل نکند، به هیچ وجه دچار خشم نمی‌گردد. شخص خداآگاه در موفقیت یا عدم موفقیت، همواره در عزم راسخ خود استوار است.

## آیه ۵۷

*yaḥ sarvatrānabhisnehas*
*tat tat prāpya śubhāśubham*
*nābhinandati na dveṣṭi*
*tasya prajñā pratiṣṭhitā*

*yaḥ*: کسی که ـ *sarvatra* : همه جا ـ *anabhisnehaḥ* : بدون تأثیر ـ *tat* : آن ـ *tat* : آن ـ *prāpya* : دستیابی ـ *śubha* : خیر ـ *aśubham* : شر ـ *na* : هرگز ـ *abhinandati* : تمجید و ستایش می‌کند ـ *na* : هرگز ـ *dveṣṭi* : غبطه می‌خورد ـ *tasya* : مال او، ش ـ *prajñā* : دانش کامل ـ *pratiṣṭhitā* : ثابت، استوار.

## ترجمه

**کسی که آزاد از هر گونه تأثیر خیر و شر دنیای مادی است؛ نه به خیر ارج می‌گذارد و نـه بـه شـر نفـرت می‌ورزد، واقعاً در دانش کامل استقرار یافته است.**

## شرح

همواره در دنیای مادی برخی تحولات ناگهانی رخ می‌دهد که شاید خیر و مایه شادی یا شر و بانی بلا باشد. کسی که با چنین تحولات مادی دچار تشویش نمی‌گردد و تحت تأثیر موارد خوشایندو ناگوار قرار نمی‌گیرد در آگاهی به کریشنا استوار گردیده است. مادامی که شخص در این دنیای خاکی بسر می‌برد همواره امکان وقوع اتفاقات نیک و بد برایش وجود دارد، زیرا این عالم کائنات مملو از دوگانگیهاست. لیکن کسی که در آگاهی به کریشنا ثابت است، اکتساب خیر یا شر برای او بی‌تأثیر می‌باشد، زیرا او فقط در فکر کریشناست که خیر محض و نیک مطلق است. این مرحله از آگاهی به خداوند، شخص را در موقعیت روحانی کاملی قرار می‌دهد که در اصطلاح سامادهی نامیده می‌شود.

## آیه ۵۸

*yadā saṁharate cāyaṁ*
*kūrmo 'ṅgānīva sarvaśaḥ*
*indriyāṇīndriyārthebhyas*
*tasya prajñā pratiṣṭhitā*

*yadā* : هنگامی که ـ *saṁharate* : جمع می‌کند ـ *ca* : همچنین ـ *ayam* : او ـ *kūrmaḥ* : لاک پشت ـ *aṅgāni* : اعضای بدن ـ *iva* : همانند ـ *sarvaśaḥ* : روی هم رفته، تماماً ـ *ndriyāṇi* : حواس ـ *indriya-arthebhyaḥ* : از موضوعات جلب‌کننده حواس ـ *tasya* : مال او، ش ـ *prajñā* : آگاهی ـ *pratiṣṭhitā* : ثابت‌شده.

## ترجمه

**کسی که همانند لاک‌پشتی که اعضای بدنش را به درون لاک خود جمع می‌کند، مـی‌توانـد حواسـش را از اشیای مورد حس پس بکشد، دارای معرفت کامل است.**

## شرح

آزمون یک یوگی، عابد یا روح خود شناخته این است که او قادر است حواسش را طبق اراده خود کنترل کند. در حالی که اکثر مردم خادم حواس خود هستند و بدینگونه تحت تأثیر اوامر حواس خود قرار می‌گیرند. این وجه تمایز یوگی از افراد عادی است و پاسخ آن سؤال که یوگی در چه حالتی واقع شده است. حواس به مارهای سمی تشبیه می‌شوند، زیرا آنها می‌خواهند بسیار آزادانه و بدون قید و بند عمل نمایند. یوگی، یا عابد باید بسیار قوی باشد تا همانند یک مارگیر، بتواند آنها را مهار کند. او هیچگاه به حواسش اجازه نمی‌دهد که به اختیار خود عمل کنند. دستورات زیادی در کتب آسمانی وجود دارد که پاره‌ای از آنها توصیه می‌کنند: "انجام دهید" و برخی دیگر توصیه می‌کنند: "انجام ندهید." مادامی که شخص قادر به پیروی کردن از این اوامر و نواهی نگردد و خود را از ارضای تمایلات حسی بازندارد، ممکن نیست بتواند کاملاً در آگاهی به کریشنا استوار گردد. مثال لاک‌پشت بهترین مثالی است که در اینجا مطرح شده است. زیرا لاک‌پشت می‌تواند در هر لحظه اعضای بدنش را به درون جمع کند و دوباره، هر گاه اراده کند، در هر زمان که لازم باشد، برای منظور خاصی آنها را بیرون آورد. بدین ترتیب حواس اشخاص کریشناآگاه فقط به منظور خدمت به خداوند استفاده می‌شود و در غیر این صورت پس کشیده و مهار می‌گردد. در اینجا به آرجونا تعلیم داده می‌شود به جای ارضای تمایلات نفسانی، حواس خود را برای رضایت الهی در راه خدمت و طاعت خالصانه خداوند به کار گیرد. نگاه داشتن حواس خود همواره در خدمت و عبادت خداوند نکته‌ای است که با مثال لاک‌پشت بیان شده است.

## آیه ۵۹

*viṣayā vinivartante*
*nirāhārasya dehinaḥ*
*rasa-varjaṁ raso 'py asya*
*paraṁ dṛṣṭvā nivartate*

*viṣayāḥ* : موضوعات لذات حواس ـ *vinivartante* : منع شدن از آنها انجام می‌پذیرد ـ *nirāhārasya* : با محرومیت اجباری ـ *dehinaḥ* : برای روحی که در قالب جسم آمده ـ *rasa-varjam* : رها کردن مزه ـ *rasaḥ* : حس لذت ـ *api* : گرچه وجود دارد ـ *asya* : مال او، متعلق به‌او ـ *param* : چیزهای بسیار والاتر ـ *dṛṣṭvā* : با تجربه کردن ـ *nivartate* : او دست می‌کشد از.

## ترجمه

**حتی با محدود کردن لذات حسی و کامجویی، خواستهٔ آنها در روح قالب گرفته همچنان باقی می‌ماند. ولی با چشیدن مزه‌ای بالاتر خواسته برای کامجویی را از دست می‌دهد و در آگاهی روحانی ثابت و استوار می‌گردد.**

## شرح

مادامی که شخص در موقعیت روحانی قرار نگرفته باشد، ممکن نیست که بتواند از کامجویی دست شوید. روند محدود کردن لذات حواس مادی با استفاده از قواعد و قوانین، چیزی همانند منع کردن بیمار از خوردن بعضی خوراکیهاست. با این حال، نه بیمار به چنین محدودیتهایی علاقه دارد و نه به این ترتیب شیفتگی خود را در چشیدن مزه آنها از دست می‌دهد. به همین گونه محدود کردن دامنه فعالیت حواس از طریق بعضی روشهای روحانی مانند آشتانگا ـ یوگا در مراحل یاما، نیاما، آسانا، پرانایاما، پراتیاهارا، دهارانا، دهیانا و غیره برای اشخاص کم‌خردتری است که از دانش بهتر بی‌بهره‌اند. لیکن کسی که شهد زیبایی شخصیت متعال خداوند را در طول پیشرفت خود در آگاهی به کریشنا چشیده باشد، دیگر تمایل به چشیدن لذات

مادی‌و فانی را از دست می‌دهد. بنابراین، محدودیت برای مبتدیان کم خردتری لازم است که در راه پیشرفت روحانی قدم برداشته‌اند، ولی چنین قید و بندهایی تنها زمانی مطلوب واقع خواهند شد که انسان حقیقتاً اشتیاق شناخت خداوند یا آگاهی به کریشنا را داشته باشد. هنگامی که شخصی واقعاً کریشنا آگاه باشد و در آگاهی به خداوند قرار گیرد، خود به خود تمایل به چشیدن لذات مادی را از دست می‌دهد.

## آیه ۶۰

*yatato hy api kaunteya*
*puruṣasya vipaścitaḥ*
*indriyāṇi pramāthīni*
*haranti prasabhaṁ manaḥ*

*yatataḥ* : در حالی که می‌کوشد ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *api* : علی‌رغم ـ *kaunteya* : ای پسر کونتی ـ *puruṣasya* : مربوط به انسان ـ *vipaścitaḥ* : مملو از دانش تشخیص ـ *indriyāṇi* : حواس ـ *pramāthīni* : تحریک شده ـ *haranti* : پرت کردن، بردن ـ *prasabham* : با زورـ *manaḥ* : ذهن.

## ترجمه

**ای آرجونا، حواس به قدری قوی، پرشور و سرکش است که حتی ذهن انسانی را که دارای قوهٔ تشخیص می‌باشد و می‌کوشد آنها را مهار نماید، می‌رباید.**

## شرح

حق‌جویان، فیلسوفان و حکیمان دانای بسیاری وجود دارند که می‌کوشند حواس خود را مهار کنند. ولی گاهی اوقات حتی بزرگترین آنها علی‌رغم تلاش و کوشش خود، به علت ذهن تحریک شده، قربانی لذات حواس مادی می‌گردند. حتی ویشوامیترا که حکیم بزرگ و یوگی کامل بود و با تمرینات یوگا و ریاضتهای سخت در صدد بود که حواس خود را رام سازد، با فریب منکا به لذت جنسی آلوده شد. و البته موارد مشابه بسیاری در تاریخ جهان وجود دارد. بنابراین، کنترل فکر و حواس بدون قرار گرفتن کامل در آگاهی به کریشنا، کار بسیار دشواری است. بدون معطوف داشتن فکر به کریشنا نمی‌توان از لذات مادی چشم‌پوشی نمود. شری یاموناچاریا، عابد و قدیس بزرگ در این باره به ذکر مثالی عملی می‌پردازد:

*yad-avadhi mama cetaḥ kṛṣṇa-pādāravinde*
*nava-nava-rasa-dhāmany udyataṁ rantum āsīt*
*tad-avadhi bata nārī-saṅgame smaryamāne*
*bhavati mukha-vikāraḥ suṣṭhu niṣṭhīvanaṁ ca*

"از زمانی که افکار من به خدمت قدوم نیلوفرین خداوند کریشنا معطوف گردیده است و از لذات روحانی هرچه تازه‌تر برخوردار می‌شوم، هر گاه به رابطه جنسی فکر می‌کنم، بی‌درنگ روی برمی‌گردانم و به چنین افکاری تف می‌اندازم."

آگاهی به کریشنا آنچنان معرفت روحانی والایی است که انسان به طور خود به خود نسبت به لذات مادی بی‌رغبت می‌گردد. چنانکه گویی شخص گرسنه‌ای خود را با غذای کافی و مغذی سیرکرده باشد. ماهاراجا آمباریشا نیز فقط به علت آنکه افکارش معطوف آگاهی به کریشنا بود بر یوگی بزرگی به نام دورواسا مونی غلبه یافت ( *sa vai manaḥ kṛṣṇa-padāravindayor vacāṁsi vaikuṇṭha-guṇānuvarṇane*).

## آیه ۶۱

*tāni sarvāṇi saṁyamya*
*yukta āsīta mat-paraḥ*
*vaśe hi yasyendriyāṇi*
*tasya prajñā pratiṣṭhitā*

*tāni* : آن حواس ـ *sarvāṇi* : همه، تمام ـ *saṁyamya* : تحت کنترل نگه‌داشتن، مهار نمودن ـ *yuktaḥ* : مشغول شده ـ *āsīta* : بایستی قرار گرفته باشد ـ *mat-paraḥ* : در رابطه با من ـ *vaśe* : در انقیاد و اطاعت کامل ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *yasya* : کسی که... (متعلق به او) ـ *indriyāṇi* : حواس ـ *tasya* : مال او، ش ـ *prajñā* : آگاهی ـ *pratiṣṭhitā* : ثابت و استوار.

## ترجمه

**کسی که حواسش را مهار می‌کند و کاملاً بر آنها مسلط است و آگاهی خود را بر من متمرکز مــی‌کنـد، بــه عنوان انسانی صاحب شعور استوار شناخته می‌شود.**

## شرح

اینکه بالاترین مرحله در کمال یوگا، کریشناآگاهی است به وضوح در این آیه توضیح داده شده است. تا انسان کریشنا آگاه نباشد، به هیچ وجه ممکن نیست که بتواند حواس خود را مهار نماید. همان گونه که قبلا متذکر شدیم حکیم بزرگ دورواسامونی که به بهانه‌ای با ماهاراجا آمباریشا نزاع نمود، بی‌جهت فقط به علت غرور و خودبینی دچار خشم شد و بنابراین نتوانست بر حواس خود فائق آید. از طرف دیگر پادشاه اگرچه به اندازه حکیم یوگی، قدرتمند نبود ولی به علت اینکه مرید خداوند بود در کمال آرامش تمام بی‌عدالتیهای حکیم را تحمل نمود و از این رو فاتح آمد. پادشاه به علت شایستگیهای زیر که در شریماد- بهاگاواتام (۹/۴/۱۸-۲۰) توصیف شده است قادر بود حواس خود را کنترل کند.

*sa vai manaḥ kṛṣṇa-padāravindayor*
*vacāṁsi vaikuṇṭha-guṇānuvarṇane*
*karau harer mandira-mārjanādiṣu*
*śrutiṁ cakārācyuta-sat-kathodaye*

*mukunda-liṅgālaya-darśane dṛśau*
*tad-bhṛtya-gātra-sparśe 'ṅga-saṅgamam*
*ghrāṇaṁ ca tat-pāda-saroja-saurabhe*
*śrīmat-tulasyā rasanāṁ tad-arpite*

*pādau hareḥ kṣetra-padānusarpaṇe*
*śiro hṛṣīkeśa-padābhivandane*
*kāmaṁ ca dāsye na tu kāma-kāmyayā*
*yathottama-śloka-janāśrayā ratiḥ*

"پادشاه آمباریشا افکار خود را بر قدوم مبارک خداوند کریشنا متمرکز می‌ساخت، کلام خود را برای توصیف ملکوت پروردگار، دستهای خود را برای پاک کردن معبد خداوند، گوشهای خود رابرای استماع شئون الهی، چشمان خود را برای نگریستن شکل جاودان خداوند، بدن خود را برای لمس کردن و مسح کردن بدن عابدین، بینی خود را برای بوییدن رایحه گلهای تقدیم شده به قدوم نیلوفرین خداوند، زبان خود را برای چشیدن برگهای تولاسی اهدا شده به شخصیت پروردگار، پاهای خود را برای سفر به مکانهای مقدسی که معابد خداوند در آن قرار داشت، سر خود را به نشانه تسلیم برای سجده به خداوند، و خواسته‌های خود را در انطباق با تحقق خواسته‌های خداوند... به کار گرفت و بدین ترتیب آگاهی خود را معطوف شخصیت متعال نمود و تمامی این صفات او را شایسته گرداند که عابد مات ـ پارای خداوند گردد."

واژه مات ـ پارا در این رابطه بسیار حائز اهمیت است. اینکه چگونه انسان می‌تواند مات ـ پاراگردد، در زندگی ماهاراجا آمباریشا توصیف شده است. شریلا بالادوا ویدیا بهوشانا، محقق و آچاریای بزرگ در سلسله عابدان مات ـ پارا می‌فرماید:*mad-bhakti-prabhāvena sarvendriya-vijaya-pūrvikā svātma-dṛṣṭiḥ sulabheti bhāvaḥ*. "حواس را تنها به نیروی خدمت عابدانه به کریشنا یا عبادت خالصانه خداوند می‌توان به طور کامل مهار نمود." در این مورد گاهی مثال آتش نیز بیان می‌شود: "همان گونه که شعله‌های آتش همه چیز را درون اتاق می‌سوزاند، خداوند ویشنو نیز که در قلب یوگی قرار دارد تمامی ناپاکیهای درون آن را می‌سوزاند و از بین می‌برد." یوگا ـ سوترا نیز تمرکز بر ویشنو را تجویز می‌کند نه تمرکز بر خلا را؛ همچنانکه بعضی از به اصطلاح یوگیها که به چیزهایی غیر از خداوند ویشنو تمرکز می‌کنند، و بدین ترتیب فقط وقت خود را در جستجوی موهومات تلف می‌کنند. ما باید کریشنا آگاه یا خدا آگاه شویم، یعنی وجود خود را وقف خدمت، بندگی و عشق ورزیدن به شخصیت اعلای خداوند نماییم. این هدف یوگای حقیقی است.

## آیه ۶۲

*dhyāyato viṣayān puṁsaḥ*
*saṅgas teṣūpajāyate*
*saṅgāt sañjāyate kāmaḥ*
*kāmāt krodho 'bhijāyate*

*dhyāyataḥ* : در حال توجه کردن ـ *viṣayān* : محسوسات ـ *puṁsaḥ* : مربوط به یک شخص ـ *saṅgaḥ* : دلبستگی ـ *teṣu* : به اشیای مورد حس ـ *upajāyate* : پرورش می‌یابد، گسترش می‌یابد ـ *saṅgāt* : از دلبستگی ـ *sañjāyate* : پرورش می‌یابد، رشد می‌یابد ـ *kāmaḥ* : خواسته و آرزو ـ *kāmāt* : از خواسته و آرزو ـ *krodhaḥ* : خشم ـ *abhijāyate* : ظاهر می‌گردد.

### ترجمه

**با توجه و تمرکز به موضوعات جلب‌کنندهٔ حواس، انسان به آنها دلبسته می‌گردد و از چنین دلبستگی شهوت و آز برمی‌خیزد و از شهوت و آز خشم پدید می‌آید.**

### شرح

کسی که کریشنا آگاه یا خدا آگاه نیست با مورد توجه قرار دادن اشیای مورد حس، تحت تأثیر خواسته‌ها و آرزوهای مادی قرار می‌گیرد. حواس به فعالیت احتیاج دارد و اگر به خدمت خالصانه و عاشقانه روحانی خداوند مشغول نشود، مطمئناً کاری در خدمت ارضای حواس مادی پیشه خواهدکرد. در دنیای مادی همه، از جمله خداوندگار شیوا و خداوندگار برهما – حال چه رسد

به فرشتگان دیگر در کرات بهشتی – تحت تأثیر جاذبه محسوسات هستند و تنها راه رهایی از این سرگشتگی موجودیت مادی آگاه شدن به کریشناست. با اینکه روزی خداوندگار شیوا عمیقاً در تمرکز بود، ولی زمانی که همسرش پارواتی او را به لذت حواس تحریک نمود، با این پیشنهاد موافقت کرد و در نتیجه کارتیکیا تولد یافت. هنگامی که هاری‌داساتهاکورا عابد جوانی بود نیز به همین ترتیب از سوی ظهور مایادوی به دام افسون و اغوای او دعوت شد، لیکن هاری‌داسا به علت عشق و عبودیت خالص به خداوند کریشنا توانست به سادگی از این امتحان سرافراز بیرون آید. همان گونه که پیش از این با ذکر عباراتی از شری یاموناچاریا نشان داده شد، عابد صادق خداوند، به علت معاشرت با خدا و چشیدن مزه‌های بالاتر روحانی، قادر است از لذات حواس مادی اجتناب جوید. این راز موفقیت است. بنابراین، کسی که در آگاهی به کریشنا نیست هر قدر هم که در کنترل حواس با فرونشاندن مصنوعی آنها قدرتمند باشد در نهایت حتماً با شکست مواجه خواهد شد، زیرا کوچکترین وسوسه‌ای از لذات حواس او را تحریک خواهد کرد که راهی ارضای تمایلات نفسانی خود گردد.

## آیه ۶۳

*krodhād bhavati sammohaḥ*
*sammohāt smṛti-vibhramaḥ*
*smṛti-bhraṁśād buddhi-nāśo*
*buddhi-nāśāt praṇaśyati*

*krodhāt* : از خشم ـ *bhavati* : رخ می‌دهد ـ *sammohaḥ* : توهم کامل ـ *sammohāt* : از توهم ـ *smṛti* : مربوط به حافظه و خاطره ـ *vibhramaḥ* : گیجی و سردرگمی، آشفتگی و پریشانی ـ *smṛti-bhraṁśāt* : پس از آشفتگی و پریشانی حافظه ـ *buddhi-nāśaḥ* : از دست دادن شعور ـ *buddhi-nāśāt* : و از فقدان شعور ـ *praṇaśyati* : شخص سقوط می‌کند.

## ترجمه

**از خشم، توهم کامل برمی‌خیزد و از توهم، گیجی و گمگشتگی حافظه حاصل می‌شود. هنگامی کـه حافظـه مختل گردید، شعور از بین می‌رود و انسان دوباره به درون اقیانوس حیات مادی‌سقوط می‌کند.**

## شرح

شریلا روپا گوسوامی این آموزش را برای ما به ارمغان آورده است:

*prāpañcikatayā buddhyā*
*hari-sambandhi-vastunaḥ*
*mumukṣubhiḥ parityāgo*
*vairāgyaṁ phalgu kathyate*

(بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو ۲۵۸/۲/۱)

انسان می‌تواند با پیشرفت در کریشناآگاهی دریابد که هر چیزی کاربرد خود را در خدمت به خداوند دارد. کسانی که فاقد معرفت کریشناآگاهی هستند به طور مصنوعی می‌کوشند که از محسوسات و اشیای مادی دوری جویند، ولی با تمام اشتیاقی که برای رهایی از اسارت مادی دارند، به مرحله کمال انقطاع دست نمی‌یابند. این به اصطلاح انقطاع آنان، پهالگو یا کم‌اهمیت خوانده می‌شود. از طرف دیگر شخصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد با آگاهی به این نکته که می‌داند چگونه همه چیز را در خدمت خداوند به کار برد، از قربانی‌شدن به‌وسیله آگاهی مادی مصون می‌ماند. به عنوان مثال، از آنجایی که خداوند یا حقیقت

مطلق برای بی‌هویت‌گرایان، فاقد شخصیت است نمی‌تواند طعامی برگیرد. بدین ترتیب بی‌هویت‌گرایان سعی می‌کنند از خوردن خوراکهای خوشگوار پرهیز کنند، در حالی که عابد خدا می‌داند که کریشنا لذت‌برنده متعال است و تمامی آنچه را که با عشق و عبودیت نثار او سازد، می‌پذیرد و می‌خورد. بنابراین، عابد پس از تقدیم خوراکهای گوارا به پیشگاه او، باقیمانده را که پراسادام خوانده می‌شود، برای خود برمی‌گیرد. بدینسان موارد مادی روحانی می‌شوند و خطر فرو افتادن از بین می‌رود. عابد در آگاهی به کریشنا پراسادام را برمی‌گیرد در حالی که غیر عابد از آن به عنوان یک شیء مادی امتناع می‌ورزد. بنابراین، بی‌هویت‌گرایان به علت انقطاع مصنوعی خود نمی‌توانند از زندگی لذت برند و به این دلیل است که یک تحریک کوچک فکر، آنان را مجدداً در ورطه اقیانوس موجودیت مادی غوطه‌ور می‌سازد. گفته شده است چنین ارواحی چنانچه به مرحله رهایی نیز صعود کنند، به علت عدم حمایت و پشتوانه خدمت عاشقانه بار دیگر سقوط خواهند نمود.

## آیه ۶۴

*rāga-dveṣa-vimuktais tu*
*viṣayān indriyaiś caran*
*ātma-vaśyair vidheyātmā*
*prasādam adhigacchati*

*rāga* : دلبستگی ـ *dveṣa* : و دلزدگی ـ *vimuktaiḥ* : توسط کسی که رها شده است از ـ *tu* : ولی ـ *viṣayān* : محسوسات، اشیای مورد حس ـ *indriyaiḥ* : به‌وسیله حواس ـ *caran* : عمل کردن بر ـ *ātma-vaśyaiḥ* : تحت کنترل شخص ـ *vidheya-ātmā* : کسی که از قواعد رهایی پیروی می‌نماید ـ *prasādam* : لطف و رحمت خداوند ـ *adhigacchati* : کسب می‌کند.

## ترجمه

**اما کسی که از هر گونه دلبستگی و دلزدگی آزاد می‌باشد و قادر است حواسش را از طریق اصول منظم رهایی مهار نماید، می‌تواند لطف و رحمت کامل خداوند را به دست آورد.**

## شرح

قبلا توضیح داده شد که انسان ممکن است به طور سطحی حواس خود را با برخی روشهای مصنوعی مهار کند، لیکن مادامی که حواس در خدمت روحانی خداوند قرار نگرفته باشد هر لحظه امکان لغزش وجود دارد. هرچند اعمال عابد ممکن است ظاهراً اعمال مادی به نظر رسد، لیکن از آنجا که او در آگاهی به کریشنا قرار دارد در سطح روحانی عمل می‌کند، زیرا دلبستگی خود را به لذات مادی از دست داده است و فقط رضایت کریشنا برای او مهم است و بس.

بنابراین، او در ورای تمامی دلبستگیها و دلزدگیها می‌باشد. اگر خواست و اراده کریشنا به چیزی تعلق گیرد، عابد حتی کاری را که به طور متعارف نامطلوب محسوب می‌شود نیز انجام می‌دهد، و چنانچه کریشنا نخواهد، از انجام کاری که به طور معمول به قصد رضایت خود انجام می‌داد نیز سر باز خواهد زد. بنابراین، او حاکم و کنترل کننده اعمال خود است (و نه اعمال حاکم بر او)، زیرا فقط طبق دستورات کریشنا عمل می‌کند. این سطح از آگاهی فقط به‌وسیله لطف بی‌دلیل خداوند به دست می‌آید و این آگاهی فقط برای عابد قابل دسترسی است هرچند هنوز به طور کامل دلبستگیهای خود را به لذات مادی از دست نداده باشد.

## آیه ۶۵

*prasāde sarva-duḥkhānāṁ*

*hānir asyopajāyate*
*prasanna-cetaso hy āśu*
*buddhiḥ paryavatiṣṭhate*

*prasāde* : با دستیابی به لطف و رحمت بیکران خداوند ـ *sarva* : مربوط به همه ـ *duḥkhānām* : مصائب مادی، رنجهای مادی ـ *hāniḥ* : نابودی ـ *asya* : مال او، ش ـ *upajāyate* : رخ‌می‌دهد ـ *prasanna-cetasaḥ* : مربوط به شخصی که دارای ذهن مسرور است ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *āśu* : خیلی زود ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *pari* : به مقدار کافی ـ *avatiṣṭhate* : استوار و پابرجا می‌گردد.

## ترجمه

**برای کسی که بدین گونه [در آگاهی به کریشنا] راضی شده است، رنجهای سه‌گانۀ موجودیت مادی دیگر وجود نخواهد داشت؛ دیری نمی‌پاید که در چنین آگاهیِ سرشار از رضایتی، شعور انسان استوار گردد.**

## آیه ۶۶

*nāsti buddhir ayuktasya*
*na cāyuktasya bhāvanā*
*na cābhāvayataḥ śāntir*
*aśāntasya kutaḥ sukham*

*na asti* : نمی‌تواند وجود داشته باشد ـ *buddhiḥ* : شعور روحانی ـ *ayuktasya* : مربوط به کسی که متصل نیست (در کریشناآگاهی) ـ *na* : نه ـ *ca* : و ـ *ayuktasya* : مربوط به کسی که از آگاهی به کریشنا امتناع می‌کند ـ *bhāvanā* : ذهن ثابت (در سرور و شادمانی) ـ *na* : نه ـ *ca* : و ـ *abhāvayataḥ* : مربوط به کسی که ثابت و استوار نیست ـ *śāntiḥ* : صلح و آرامش ـ *aśāntasya* : مربوط به پریشانی و اضطراب ـ *kutaḥ* : کجا هست ـ *sukham* : شادی و خوشبختی.

## ترجمه

**کسی که [در آگاهی به کریشنا] در وصل با متعال نیست، نه می‌تواند شعوری روحانی داشته باشد و نه ذهنی ثابت و استوار که بدون این دو هیچ گونه امکان صلح و آرامش به وجود نخواهد آمد. و بدون آرامش چگونه می‌توان طعم خوشبختی را چشید**

## شرح

به هیچ وجه امکان صلح و آرامش، در صورتی که انسان در آگاهی به کریشنا نباشد، وجود ندارد. بنابراین در فصل پنجم (۲۹/۵) تصریح شده است انسان فقط زمانی می‌تواند به آرامش حقیقی دست یابد که به ادراکات زیر برسد: کریشنا یگانه لذت‌برنده از نتایج باارزش قربانی و ریاضت، مالک تمامی تجلیات عالم کائنات و دوست حقیقی همه موجودات زنده می‌باشد. فقط در این صورت است که امکان وصول به آرامش حقیقی برای انسان مهیا می‌گردد. بنابراین اگر شخص در آگاهی به کریشنا نباشد، یک هدف نهایی برای ذهن نمی‌تواند وجود داشته باشد. اضطراب و پریشانی به علت عدم وجود یک آرمان نهایی است و هنگامی که شخص اطمینان حاصل کند که کریشنا لذت‌برنده، مالک و دوست همه کس و همه چیز است، آنگاه می‌تواند با ذهنی متعادل و استوار، صلح و آرامش حقیقی را در خود بازیابد. از این رو، کسی که بدون رابطه با کریشنا به عمل می‌پردازد، هر چقدر

هم که در زندگی، نمایشی از آرامش و پیشرفت روحانی ارائه دهد، قطعاً و همواره در رنج و پریشانی و فاقد آرامش می‌باشد. آگاهی به کریشنا یک حالت آرامش متجلی از ذات است که فقط در رابطه با کریشنا قابل حصول است.

## آیه ۶۷

*indriyāṇāṁ hi caratāṁ*
*yan mano 'nuvidhīyate*
*tad asya harati prajñāṁ*
*vāyur nāvam ivāmbhasi*

*indriyāṇām* : مربوط به حواس ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *caratām* : در حال سیر کردن ـ *yat* : که با آن ـ *manaḥ* : ذهن ـ *anuvidhīyate* : دائماً مشغول می‌گردد ـ *tat* : آن ـ *asy* : مال او، ش ـ *harati* : انتقال می‌دهد ـ *prajñām* : شعور ـ *vāyuḥ* : باد ـ *nāvam* : یک قایق ـ *iva* : همانند، شبیه ـ *ambhasi* : روی آب.

## ترجمه

**همانند بادی قوی که زورقی بر آب را با خود می‌برد، حتی یکی از حواس سرگردان که ذهن بر آن تمرکز یافته نیز می‌تواند شعور انسان را با خود ببرد.**

## شرح

مادامی که تمامی حواس وقف خدمت عابدانه و عبادت عاشقانه خداوند نباشد، حتی اگر یکی از آنها به کامجویی و ارضای تمایلات نفسانی بپردازد قادر است عابد را از راه پیشرفت روحانی منحرف سازد. همان گونه که در مورد زندگی ماهاراجا آمباریشا ذکر شد، تمام حواس را باید در راه آگاهی به کریشنا به کار گرفت، زیرا این روش صحیح کنترل ذهن است.

## آیه ۶۸

*tasmād yasya mahā-bāho*
*nigṛhītāni sarvaśaḥ*
*indriyāṇīndriyārthebhyas*
*tasya prajñā pratiṣṭhitā*

*tasmāt* : بنابراین ـ *yasya* : که ـ *mahā—bāho* : ای مسلّح بزرگ ـ *nigṛhītāni* : بدین‌سان تحت اختیار درآمده ـ *sarvaśaḥ* : در تمام جوانب ـ *indriyāṇi* : حواس ـ *indriya-arthebhyaḥ* : از موضوعات جلب‌کننده حواس ـ *tasya* : مال او، ش ـ *prajñā* : شعور ـ *pratiṣṭhitā* : ثابت و استوار.

## ترجمه

**بنابراین ای مسلّح بزرگ، کسی که حواسش در مقابل اشیای مورد حس تحت اختیار درآمده، بدون تردید دارای شعوری ثابت و استوار است.**

## شرح

شخص می‌تواند تمایلات ارضای حواس خود را تنها از طریق آگاهی به کریشنا، یا به کار گرفتن تمام حواس در خدمت عاشقانه روحانی خداوند مهار نماید. همان گونه که بر دشمنان با نیروی قویتری می‌توان فائق آمد، به همین ترتیب بر تمایلات حواس نیز می‌توان فائق آمد، لیکن این امر نه با کوشش انسان بلکه فقط با نثار خدمت خالصانه و عاشقانه به خداوند میسر می‌گردد. کسی که این حقیقت را درک کرده است، که فقط با آگاهی به کریشنا شخص واقعاً در شعور استوار می‌گردد و اینکه باید این هنر را تحت هدایت یک پیر روحانی معتبر و موثق آموخت و به اجرا درآورد، سادهاکا یا نامزدی شایسته برای رهایی خوانده می‌شود.

## آیه ۶۹

*yā niśā sarva-bhūtānāṁ*
*tasyāṁ jāgarti saṁyamī*
*yasyāṁ jāgrati bhūtāni*
*sā niśā paśyato muneḥ*

*yā* : آنچه، چه ـ *niśā* : شب است ـ *sarva* : تمام ـ *bhūtānām* : مربوط به موجودات زنده ـ *tasyām* : در آن ـ *jāgarti* : بیدار و هوشیار است ـ *saṁyamī* : حکمران نفس ـ *yasyām* : در آن که ـ *jāgrati* : بیدار هستند ـ *bhūtāni* : همه موجودات ـ *sā* : آن هست ـ *niśā* : شب ـ *paśyataḥ* : برای درون‌نگر یا باطن‌بین ـ *muneḥ* : حکیم.

## ترجمه

**آنچه برای تمام موجوداتْ شب محسوب می‌شود، زمان بیداری حکمران نفس است و زمان بیداری تمام موجودات، شب حکیم باطن‌بین است.**

## شرح

دو دسته انسان هوشمند وجود دارد. دسته‌ای که هوش خود را در امور مادی برای ارضای لذات نفسانی به کار می‌گیرند و دسته‌ای دیگر که به درون‌نگری می‌پردازند و مراقب پیشرفت در طریق خودشناسی هستند. اعمال حکیم باطن‌بین یا شخص اندیشمند برای اشخاصی که شیفته جاذبه‌های مادی شده‌اند چیزی جز شب و خواب محسوب نمی‌شود. دنیاپرستان در چنین شب هنگامی به علت جهالت و فراموشی از معرفت‌النفس، در خواب غفلت بسر می‌برند؛ در حالی که حکیم باطن‌بین در "شب" اشخاص دنیوی، هوشیار و بیدار باقی می‌ماند. چنین حکیمی، در پیشرفت تدریجی معارف روحانی، احساس لذت متعال می‌نماید؛ در حالی که شخصی که مشغول اعمال مادی است، از آنجایی که نسبت به خودشناسی در خواب غفلت بسر می‌برد، رؤیای انواع لذات نفسانی را می‌بیند و در این حالت خواب، گاهی احساس شادی و گاهی احساس رنج می‌کند. شخص باطن‌بین همواره نسبت به شادیها و رنجهای مادی بی‌تفاوت است. او به راه خود در خودشناسی ادامه می‌دهد بدون آنکه از شرایط و مقتضیات مادی آشفته گردد.

## آیه ۷۰

*āpūryamāṇam acala-pratiṣṭhaṁ*
*samudram āpaḥ praviśanti yadvat*
*tadvat kāmā yaṁ praviśanti sarve*
*sa śāntim āpnoti na kāma-kāmī*

*āpūryamāṇam* : همواره پر شدن ـ *acala-pratiṣṭham* : ثابت و استوار قرار گرفته ـ *samudram* : اقیانوس ـ *āpaḥ* : آبها ـ *praviśanti* : وارد می‌شود ـ *yadvat* : همان گونه ـ *tadvat* : چنین، پس ـ *kāmāḥ* : آرزوها ـ *yam* : به کسی که ـ *praviśanti* : وارد می‌شود ـ *sarve* : تمام ـ *saḥ* : آن شخص ـ *śāntim* : صلح و آرامش ـ *āpnoti* : به دست می‌آورد ـ *na* : نه ـ *kāma—kāmī* : کسی که آرزوی برآورده ساختن آرزوهایش را دارد.

## ترجمه

**تنها آن شخصی که با جریان مداوم و بی‌وقفهٔ آرزوها آشفته نمی‌گردد ـ همانند اقیانوسی که با وجود هزاران رودی که به درونش جاری می‌شود همواره بدون تغییر می‌ماند ـ می‌تواند به آرامش دست یابد، نه آن کس که در تلاش برای برآورده ساختن چنین آرزوهایی است.**

## شرح

هرچند اقیانوس پهناور همیشه پر از آب است، با وجود این همواره، بخصوص در فصل بارانی، آبهای بسیار زیادتری را در خود می‌پذیرد؛ با این حال، اقیانوس همچنان ثابت و استوار باقی می‌ماند، دچار آشفتگی و تلاطم نمی‌گردد و آب از حدود آن فراتر نمی‌رود. این مثال درباره شخصی که کاملاً در آگاهی به کریشنا قرار دارد نیز صدق می‌کند. مادامی که شخص دارای این کالبد مادی است، خواهشها و گرایشهای بدن برای ارضای لذات حواس ادامه خواهد داشت. ولی عابد به علت‌پر بودنش، با چنین آرزوهایی آشفته و مغشوش نمی‌گردد. شخص آگاه به کریشنا به هیچ چیز احتیاج ندارد، زیرا قادر متعال تمام احتیاجات مادی او را برآورده می‌سازد. بنابراین او همانند اقیانوس، همواره در خود پر است. شاید آرزوها همانند آبهای رودخانه که به اقیانوس جاری می‌شوند، به او روی آورند، با این حال، او در اعمال خود ثابت و استوار می‌ماند و با جود آرزوهای کامجویانه ارضای‌حواس حتی ذره‌ای اغتشاش و آشفتگی در او پدید نمی‌آید. این گواه صادقی بر کریشنا آگاه بودن‌شخص می‌باشد، یعنی کسی که علی‌رغم وجود آرزوها، تمام تمایلات خود را برای کامجویی و ارضای حواس مادی از دست داده است. از آنجایی که او در خدمت عاشقانه روحانی خداوند خشنود و راضی است، می‌تواند مانند اقیانوس ثابت و پابرجا بماند و بدین‌سان از آرامش کامل برخوردار باشد. ولی دیگران که حتی تا سرحد خواسته رهایی، حال چه رسد به خواسته کسب موفقیتهای مادی، به برآورده ساختن آرزوها می‌پردازند، هیچگاه به آرامش دست نمی‌یابند. آنان که برای اجر و ثمر کار می‌کنند، کسانی که برای رهایی و رستگاری می‌کوشند و همچنین یوگیهایی که به دنبال کرامات و خرق عادات هستند همگی به علت آرزوهای برآورده نشده ناراضی و غمگین می‌باشند. ولی شخصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد در خدمت خداوند خشنود و راضی است و هیچ آرزویی برای برآورده شدن در سر نمی‌پروراند. در واقع او حتی آرزوی رهایی از به اصطلاح اسارت مادی را نیز ندارد. عابدان و سرسپردگان کریشنا عاری از هر گونه خواسته و آرزوی مادی هستند و از این روست که در صلح و آرامش کامل بسر می‌برند.

## آیه ۷۱

*vihāya kāmān yaḥ sarvān*
*pumāṁś carati niḥspṛhaḥ*
*nirmamo nirahaṅkāraḥ*
*sa śāntim adhigacchati*

*vihāya* : کنار گذاردن ـ *kāmān* : آرزوهای مادی برای ارضای حواس ـ *yaḥ* : کسی که ـ *sarvān* : تمام ـ *pumān* : یک شخص ـ *carati* : زندگی می‌کند ـ *niḥspṛhaḥ* : بدون آرزو ـ *nirmamaḥ* : بدون احساس مالکیت ـ *nirahaṅkāraḥ* : بدون منیت کاذب ـ *saḥ* : او ـ *śāntim* : صلح و آرامش کامل ـ *adhigacchati* : دست می‌یابد.

### ترجمه

**فقط کسی می‌تواند به صلح و آرامش حقیقی دست یابد که هر گونه خواسته و آرزو برای کامجویی را کنـار نهاده، هر گونه احساس مالکیت را رها کرده و عاری از منیت کاذب شده است.**

## شرح

بی خواسته شدن یعنی چیزی برای کامجویی نخواستن، یا در واقع مفهوم بدون خواسته و آرزو بودن یعنی بخواهیم کریشنا آگاه یا خدا آگاه شویم. مرحله کمال کریشنا آگاهی یعنی ادراک موقعیت حقیقی خود به عنوان خادم ابدی کریشنا، بی‌آنکه خود را با این کالبد مادی یکی بپنداریم و یا بر چیزی در این عالم کائنات ادعای مالکیت واهی داشته باشیم. کسی که در این مرحله از معرفت کامل قرار گرفـته، می‌داند که همه چـیز باید برای رضایت شخص خداوند به کار رود. چون او مالک و اختـیاردار هستی است. آرجونا نمی‌خواست، برای ارضای نفس خود، بجنگد ولی هنگامی که کاملاً کریـشنا آگاه شد به جنگ مبادرت ورزید، زیرا اراده کریشنا بر آن بود. لیکن همان آرجونا که برای خود هیچ گونه خواسته جنگیدن نداشت، وجود خود را در خدمت خداوند نثار کرد و برای رضایت کریشنا با حداکثر توان جنگید. بدون خواسته بودن حقیقی، یعنی خواستن برای رضایت کریشنا، نه آنکه برای از بین بردن خواسته‌ها به تلاشی مصنوعی تمسک جوییم. موجود زنده قادر نیست عاری از خواسته یا فاقد حواس باشد بلکه می‌باید کیفیت آرزوهایش را تغییر دهد. شخصی که عاری از خواسته‌های مادی شده، قطعاً به این نکته آگاه است که همه چیز به خداوند تعلق دارد(*īśāvāsyam idaṁ sarvam*)، و بنابراین او ادعای کاذب مالکیت بر چیزی را نمی‌نماید. این دانش متعال مبتنی بر خودشناسی است، یعنی کاملاً پی بردن به این نکته که موجودات زنده همگی ازجهت ماهیت روحانی به طور ابدی اجزای لاینفک کریشنا هستند و بنابراین، موجود زنده هیچگاه برابر با کریشنا یا برتر از او نیست. ادراک این حقیقت در کریشناآگاهی، پایه اصلی صلح و آرامش حقیقی را تشکیل می‌دهد.

## آیه ۷۲

*eṣā brāhmī sthitiḥ pārtha*
*naināṁ prāpya vimuhyati*
*sthitvāsyām anta-kāle 'pi*
*brahma-nirvāṇam ṛcchati*

*eṣā* : این ـ *brāhmī* : روحانی ـ *sthitiḥ* : موقعیت ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *na* : هرگز ـ *enām* : این ـ *prāpya* : رسیدن، نائل آمدن ـ *vimuhyati* : شخص سرگردان می‌شود ـ *sthitvā* : واقع شدن ـ *asyām* : در این ـ *anta-kāle* : در پایان زندگی ـ *api* : همچنین ـ *brahma-nirvāṇam* : ملکوت‌روحانی خداوند ـ *ṛcchati* : فرد دست می‌یابد.

### ترجمه

**ای پسر پریتها، این است طریقت زندگی روحانی و الهی که انسان پس از نیل به آن دیگر دچار سرگردانی نمی‌گردد. چنانچه انسان، حتی در لحظهٔ مرگ نیز، در عرصهٔ این آگاهی پا نهد، می‌تواند به ملکوت خداوند وارد گردد.**

## شرح

انسان می‌تواند بی‌درنگ، در یک لحظه به آگاهی به کریشنا یا زندگی الهی دست یابد و یا ممکن است حتی پس از گذشت میلیونها زندگی به چنین مرحله‌ای نائل نگردد. در اینجا فقط موضوع درک و قبول حقیقت مطرح است. کهاتوانگا ماهاراجا درست دقایقی پیش از مرگ با تسلیم شدن به کریشنا به این مرحله دست یافت. نیروانا یعنی پایان بخشیدن به روند حیات مادی. بر اساس فلسفه بودایی، پس از اتمام حیات مادی چیزی جز خلا وجود ندارد در حالی که آموزش بهاگاواد–گیتا اساساً متفاوت با این فلسفه است: تنها پس از اتمام این حیات مادی است که زندگی حقیقی آغاز می‌گردد. برای مادی‌گرایان متعصب همین قدر کافی است که بدانند انسان باید این حیات مادی را به پایان برساند، ولی برای کسانی که از نظر روحانی پیشرفته هستند، حیات دیگری پس از این حیات مادی وجود دارد. اگر شخصی چنان خوشبخت باشد که قبل از اتمام این زندگی کریشناآگاه گردد، بلافاصله به مرحله برهما ـ نیروانا دست می‌یابد. هیچ گونه تفاوتی بین ملکوت خداوند و خدمت عابدانه به خداوند وجود ندارد. از آنجا که هر دو در سطح مطلق واقع شده‌اند، وقف شدن در خدمت عاشقانه روحانی خداوند به مثابه دست یافتن به ملکوت روحانی است. در عالم مادی هدف اصلی فعالیتها در جهت ارضای تمایلات حسی و شهوانی است، حال آنکه در دنیای روحانی کلیه فعالیتها در آگاهی کامل به خداوند صورت می‌گیرد. واصل شدن به کریشناآگاهی، حتی در این زندگی، به منزله واصل شدن یکباره به برهمن است و کسی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد بدون شک به قلمروی جاودانی خداوند پا نهاده است.

برهمن درست در نقطه مقابل ماده است؛ بنابراین واژه برهمی استهیتی به مفهوم "فعالیتهای غیرمادی" می‌باشد. بدین جهت، خدمت عابدانه خداوند، در بهاگاواد–گیتا به عنوان مرحله رهایی پذیرفته شده است (*sa guṇān samatītyaitān brahma-bhūyāya kalpate*). بنابراین برهمی ـ استهیتی رهایی از زنجیرهای اسارت مادی است.

شریلا بهاکتی وینودا تهاکورا فصل دوم بهاگاواد–گیتا را چکیده تمام مطالب این کتاب توصیف کرده است. عناوین کارما ـ یوگا، گیانا ـ یوگا و بهاکتی– یوگا موضوعات بهاگاواد–گیتا را تشکیل می‌دهد. در این فصل مفاهیم کارما ـ یوگا و گیانا ـ یوگا به طرز واضحی مطرح شده و اجمالا به بهاکتی‌ـ یوگا به‌عنوان جوهر اصلی تمام مطالب اشاره شده است.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل دوم شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "چکیده مطالب گیتا" پایان می‌یابد.

# فصل سوم

# کارما ــ یوگا

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*jyāyasī cet karmaṇas te*
*matā buddhir janārdana*
*tat kiṁ karmaṇi ghore māṁ*
*niyojayasi keśava*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *jyāyasī*: بهتر ـ *cet*: اگر ـ *karmaṇaḥ*: از کار برای اجر و ثمر ـ *te*: توسط تو ـ *matā*: در نظر گرفته می‌شود ـ *buddhiḥ*: شعور ـ *janārdana*: ای کریشنا ـ *tat*: بنابراین ـ *kim*: چرا ـ *karmaṇi*: در عمل ـ *ghore*: هولناک ـ *mām*: مرا ـ *niyojayasi*: تو مشغول‌می‌کنی ـ *keśava*: ای کریشنا.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای جاناردانا، ای کشاوا، چنانچه فکر می‌کنی شعور بهتر از کار برای ثمر است، چرا مرا به درگیری در چنین جنگ هولناکی تشویق می‌نمایی.**

## شرح

شخصیت اعلای پروردگار شری کریشنا به منظور نجات دوست صمیمی خود آرجونا از گرداب اقیانوس غم و اندوه مادی، ماهیت روح را مفصلاً در فصل قبل توصیف فرمود و برای ادراک این معرفت، راه بودهی ـ یوگا یا کریشنا آگاهی را توصیه نمود. گاهی اوقات آگاهی به خداوند با سکون و شانه خالی کردن از عمل اشتباه گرفته می‌شود و غالباً کسانی که چنین درک خطایی دارند، به مکانی خلوت پناه می‌برند تا گوشه عزلت اختیار کنند و با ذکر اسامی مقدس خداوند کریشنا کاملاً کریشنا آگاه گردند. لیکن بدون تعلیم یافتن در مبانی حکمت و فلسفه کریشنا آگاهی توصیه نمی‌شود که نام مقدس کریشنا را در گوشه انزوا ذکر و تنها تحسین و تمجید بی‌بهای مردم معصوم را به خود جلب نمود. آرجونا نیز درباره کریشنا آگاهی یا بودهی ـ یوگا (شعور در پیشرفت دانش روحانی)، به عنوان چیزی شبیه به بازنشسته شدن از زندگی فعال و پرداختن به توبه و ریاضت در گوشه عزلت می‌اندیشید. به عبارت دیگر، او می‌خواست به بهانه کریشنا آگاهی از جنگیدن اجتناب کند. با وجود این، به عنوان شاگردی صادق موضوع را در مقابل استاد خود مطرح و از او درباره بهترین راه عملکرد سؤال نمود که خداوند کریشنا در پاسخ آن به توضیح تفصیلی کارما ـ یوگا یا کار در آگاهی به کریشنا دراین فصل سوم مبادرت می‌ورزد.

## آیه ۲

*vyāmiśreṇeva vākyena*
*buddhiṁ mohayasīva me*

*tad ekaṁ vada niścitya*
*yena śreyo 'ham āpnuyām*

*vyāmiśreṇa*: با دو پهلو، با ضد و نقیض ـ *iva*: حتماً، محققاً ـ *vākyena*: سخنان ـ *buddhim*: شعور ـ *mohayasi*: تو گیج و سر در گم می‌کنی ـ *iva*: حتماً، محققاً ـ *me*: مال من، م ـ *tat*: بنابراین ـ *ekam*: فقط یک ـ *vada*: خواهش می‌کنم بگو ـ *niścitya*: با اطمینان، به طور قطع ـ *yena*: به‌وسیله کدام ـ *śreyaḥ*: نفع حقیقی ـ *aham*: من ـ *āpnuyām*: می‌توانم داشته باشم.

### ترجمه

**شعور من با آموزشهای ضد و نقیض تو سرگشته شده است. بنابراین تمنا دارم، قاطع و صریح به من بگویی کدامیک برایم سودمندترین است.**

## شرح

در فصل پیش به عنوان مقدمه‌ای بر بهاگاواد–گیتا راههای گوناگون زیادی همچون سانکهیا ـ یوگا، بودهی ـ یوگا، طرز کنترل حواس از طریق شعور، کار بدون خواسته برای اجر و ثمر، و موقعیت یک رهروی مبتدی توضیح داده شد. لیکن تمام آنها به صورت گسسته و نامنظم ارائه گردید. در حالی که برای درک و عمل به توصیف جامعتر و منظمتری نیاز هست. به همین دلیل آرجونا قصد داشت پرده ابهام از این موضوعات ظاهراً گیج‌کننده بردارد تا هر انسان معمولی بتواند بی‌آنکه کمترین تعبیر اشتباهی به خود راه دهد، به فهم آن نایل آید. با وجود اینکه کریشنا به هیچ وجه قصد نداشت که با بیان کلمات فریبنده یا بازی با لغات موجبات گیجی و سردرگمی آرجونا را فراهم نماید، با این حال آرجونا قادر نبود راه آگاهی به کریشنا را – چه با امتناع از عمل و یا چه با خدمت فعالانه – دنبال کند. به دیگر سخن، او با طرح سؤالهای خود، راه کریشنا آگاهی را برای تمامی رهروانی که با عزم راسخ مصصم‌اند به راز بهاگاواد–گیتا پی ببرند، روشن می‌کند.

## آیه ۳

*śrī-bhagavān uvāca*
*loke 'smin dvi-vidhā niṣṭhā*
*purā proktā mayānagha*
*jñāna-yogena sāṅkhyānāṁ*
*karma-yogena yoginām*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *loke*: در جهان ـ *asmin*: این ـ *dvi-vidhā*: دو نوع از ـ *niṣṭhā*: ایمان ـ *purā*: پیش از این ـ *proktā*: گفته شد ـ *mayā*: توسط من ـ *anagha*: ای بری از گناه ـ *jñāna-yogena*: اتصال به‌وسیله راه دانش ـ *sāṅkhyānām*: مربوط به فیلسوفان تجربه‌گرا (تجردگرا) ـ *karma-yogena*: اتصال به‌وسیله راه عبودیت و عشق ـ *yoginām*: مربوط به عابدان.

### ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: ای آرجونای بری از گناه، چنانکه قبلا توضیح دادم دو دسته انسان در تلاشِ شناخت ذات هستند. گروهی علاقه‌مندند از راه تفکر و تعمق فلسفی و تجربی، و گروهی مایلند از طریق خدمت عابدانه آن را درک نمایند.**

## شرح

در آیه ۳۹ فصل دوم، خداوند درباره دو نوع طریقه عمل، یعنی سانکهیا ـ یوگا و کارما ـ یوگا یا بودهی ـ یوگا سخن گفت و اکنون در این آیه همان موضوع را به گونه‌ای روشنتر توضیح می‌دهد. سانکهیا ـ یوگا یا مطالعه تحلیلی ماهیت روح و ماده موضوع مطالعه اشخاصی است که مایلند غور و تفکر نمایند و به معرفت اشیاء از طریق فلسفه و دانش مجرد نائل شوند. دسته دیگر همان گونه که در آیه ۶۱ فصل دوم توضیح داده شد کسانی هستند که در آگاهی به کریشنا عمل می‌کنند. خداوند متعال همچنین در آیه ۳۹ فرمود که با عمل کردن از طریق اصول بودهی ـ یوگا یا آگاهی به کریشنا، شخص می‌تواند از بند واکنش اعمال رهایی یابد و علاوه بر آن هیچ شکستی در این راه وجود ندارد، چون این روش کامل و بدون عیب و نقص است. همان اصل در آیه ۶۱ واضحتر توضیح داده شد: بودهی ـ یوگا یعنی تکیه کامل به متعال (یا به طور دقیقتر به کریشنا)، و از طریق آن می‌توان تمام حواس را به سادگی تحت اختیار درآورد. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سانکهیا ـ یوگا و بودهی ـ یوگا (یاکریشنا آگاهی) مکمل یکدیگرند همان گونه که دین و فلسفه. دین بدون فلسفه احساسات یا گاهی اوقات تعصب است در حالی که فلسفه بدون دین، پندارهای ذهنی است. هدف نهایی کریشناست و به همین علت است که فیلسوفانی هم که صادقانه در جستجوی حقیقت مطلق هستند سرانجام به کریشنا آگاهی می‌رسند. این موضوع در بهاگاواد-گیتا نیز تأیید شده است. مقصود از تمام این روش، درک موقعیت حقیقی "ذات" در رابطه با "ذات متعال" است. روش غیر مستقیم که استفاده از غور و تفکر فلسفی است شخص را تدریجاً به مرحله آگاهی به کریشنا نائل می‌سازد؛ حال آنکه روش دیگر حاکی از "ارتباط مستقیم با همه چیز در آگاهی به کریشنا" می‌باشد. در میان این دو راه، روش آگاهی به کریشنا مطلوبتر است زیرا این راه متکی به روش فلسفی برای پاک کردن حواس نیست. کریشنا آگاهی که سر سپردن در طریق مستقیم خدمت عابدانه خداوند است خود روش پاکسازی نیز هست که در عین حال هم آسان و هم والا می‌باشد.

## آیه ۴

*na karmaṇām anārambhān*
*naiṣkarmyaṁ puruṣo 'śnute*
*na ca sannyasanād eva*
*siddhiṁ samadhigacchati*

*na*: علامت نفی فعل *karmaṇām*: مربوط به وظایف تجویزشده، مربوط به تکالیف مقرر ـ *anārambhāt* : با عدم انجام ـ *naiṣkarmyam* : رهایی از عکس‌العمل ـ *puruṣaḥ* : انسان ـ *aśnute* : دست می‌یابد ـ *na* : و نه ـ *ca* : همچنین ـ *sannyasanāt* : با انقطاع ـ *eva* : فقط ـ *siddhim* : موفقیت ـ *samadhigacchati* : برسد.

## ترجمه

**انسان نه صرفاً با امتناع از عمل می‌تواند به رهایی از عکس‌العمل دست یابد و نه فقط با حصول به انقطاع می‌تواند به کمال نائل گردد.**

## شرح

هنگامی شخص می‌تواند مرحله انقطاع از مادیات را اختیار نماید که از طریق انجام وظایف تجویزشده‌ای که دقیقاً به منظور تزکیه قلب اشخاص مادی مقرر شده، پاک شده باشد. انسان نمی‌تواند بدون تهذیب نفس، با اختیار کردن شتابزده چهارمین مرحله زندگی (سانیاسا) به موفقیت دست یابد. طبق آرای فلاسفه تجردگرا، صرفاً با اتخاذ سانیاسا، یا ترک اعمال ثمرجویانه، شخص می‌تواند به یکباره در شایستگی و پاکی همتای نارایانا گردد. در حالی که خداوند کریشنا این اصل را تأیید نمی‌کند زیرا بدون تزکیه قلب از آلایشهای مادی، اتخاذ امر سانیاسا فقط باعث اغتشاش در نظام اجتماعی است. از سوی دیگر، چنانچه شخص وجود خود را در خدمت روحانی خداوند نثار کند، حتی بدون آنکه وظایف تجویزشده خود را انجام دهد، پیشرفت او در این راه هر قدر ناچیز هم که باشد مورد قبول خداوند واقع خواهد شد (بودهی ـ یوگا). *Sv-alpam apy asya dharmasya trāyate mahato bhayāt*.

حتی اندکی وقف شدن در راه خدمت عابدانه، امکان فائق آمدن بر مسائل و مشکلات بزرگ حیات مادی را فراهم می‌آورد.

## آیه ۵

*na hi kaścit kṣaṇam api*
*jātu tiṣṭhaty akarma-kṛt*
*kāryate hy avaśaḥ karma*
*sarvaḥ prakṛti-jair guṇaiḥ*

*na* : و نه ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *kaścit* : هر کس ـ *kṣaṇam* : یک لحظه ـ *api* : همچنین ـ *jātu* : درهر زمان، هر گاه ـ *tiṣṭhati* : باقی می‌ماند ـ *akarma-kṛt* : بدون انجام چیزی ـ *kāryate* : مجبور به‌عمل کردن است ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *avaśaḥ* : چاره‌ناپذیر، ناگزیر ـ *karma* : کار ـ *sarvaḥ* : تمام ـ *prakṛti-jaiḥ* : نشأت گرفته از گونه‌های طبیعت مادی ـ *guṇaiḥ* : به‌وسیله صفات و خصائل.

## ترجمه

**انسان بر اساس صفات و خصایلی که از گونه‌های طبیعت مادی اکتساب کرده، قطعاً ناگزیر به انجام عمل است؛ بنابراین هیچکس نمی‌تواند حتی برای یک لحظه نیز از انجام عمل اجتناب ورزد.**

## شرح

این طبیعت روح است که همواره در تحرک و فعال باشد نه آنکه کالبد مادی چنین اقتضا نماید. زیرا کالبد مادی، بدون حضور روح نمی‌تواند تحرکی داشته باشد. این بدن مادی فقط به منزله وسیله‌ای بیجان است که می‌باید از طریق روح که همواره فعال است و حتی برای یک لحظه نیزنمی‌تواند از عمل بازایستد، به کار گرفته شود. از این رو، روح باید به اعمال خالص آگاهی به کریشنا مشغول گردد، زیرا در غیر این صورت تحت فرمان نیروی فریبنده مادی به امور دنیوی واداشته خواهد شد. روح در تماس با نیروی سفلی یا قوه برونی خداوند گونه‌های مادی کسب می‌کند و برای تهذیب روح از چنین آلودگیها و وابستگیهایی لازم است به انجام وظایف تجویزشده که در شاستراها آمده، مشغول شود. ولی چنانچه روح مستقیماً به خدمت کریشنا درآید – که این عملکرد و وظیفه فطری و حقیقی اوست – هر آنچه بتواند انجام دهد برایش مطلوب خواهد بود. این امر درشریماد–بهاگاواتام (۱۷/۵/۱) چنین تأیید می‌گردد:

*tyaktvā sva-dharmaṁ caraṇāmbujaṁ harer*

*bhajann apakvo 'tha patet tato yadi*
*yatra kva vābhadram abhūd amuṣya kiṁ*
*ko vārtha āpto 'bhajatāṁ sva-dharmataḥ*

"شخصی که راه کریشنا آگاهی را می‌پذیرد چیزی از دست نمی‌دهد و هیچ گونه ضرر و زیانی بدو نمی‌رسد، حتی چنانچه به وظایف تجویزشده در شاستراها عمل نکند یا خدمت عابدانه را به طور کامل انجام ندهد و از سطح معیار مطلوب سقوط نماید. از طرف دیگر، چنانچه شخص در آگاهی به کریشنا نباشد، انجام کلیه احکامی که در کتب مقدس به منظور تهذیب نفس بیان شده است چه مزیتی در بر خواهد داشت" بنابراین، لزوم روش تهذیب و تزکیه برای رسیدن به این مرحله کریشنا آگاهی است. به همین جهت سانیاسا یا هر روش پاکسازی، کمکی است برای نیل به هدف نهایی یعنی کریشنا آگاه شدن، که بدون آن همه چیز شکست محسوب می‌گردد.

## آیه ۶

*karmendriyāṇi saṁyamya*
*ya āste manasā smaran*
*indriyārthān vimūḍhātmā*
*mithyācāraḥ sa ucyate*

*karma-indriyāṇi* : حواس پنجگانه عمل‌کننده ـ *saṁyamya* : کنترل کردن ـ *yaḥ* : هر کسی که ـ *āste* : باقی می‌ماند ـ *manasā* : توسط ذهن ـ *smaran* : فکر کردن به ـ *indriya-arthān* : موضوعات جلب‌کنندهٔ حواس، محسوسات ـ *vimūḍha* : ابله ـ *ātmā* : روح ـ *mithyā-ācāraḥ* : متظاهر ـ *saḥ* : او ـ *ucyate* : خوانده می‌شود.

## ترجمه

**کسی که حواس عمل‌کننده را از عمل بازمی‌دارد، لیکن ذهنش بر موضوعات جلب‌کنندهٔ حواس متمرکز است مسلماً خود را فریب می‌دهد و متظاهری بیش نیست.**

## شرح

متظاهران بسیاری وجود دارند که از عمل کردن در آگاهی به کریشنا سر باز می‌زنند و در عین حال نمایشی از مدی‌تیشن ارائه می‌دهند، در حالی که افکارشان، در واقع، بر کامجویی و ارضای تمایلات حسی متمرکز است؛ چنین متظاهرانی به بیانات صرفاً بی‌حاصل فلسفی نیز می‌پردازند تا پیروان گمراه خود را فریب دهند، لیکن این اشخاص طبق آیه فوق بزرگترین متقلبان محسوب می‌شوند. انسان می‌تواند برای ارضای تمایلات حسی مشروع خود در هر یک از مراحل نظام اجتماعی (وارنا شراما ـ دهارما) به عمل بپردازد، ولی اگر شخص از قواعد و قوانین موقعیت خاص خود پیروی نماید، این امر او را قادر می‌سازد که تدریجاً در پاکسازی وجود خویش پیشرفت کند. ولی کسی که نمایشی از یوگی بودن می‌دهد، در حالی که در باطن به دنبال موضوعاتی برای ارضای تمایلات‌نفسانی خود می‌گردد، باید بزرگترین متقلب خوانده شود، گرچه گاهی اوقات از فلسفه و حکمت نیز سخن بگوید. دانش او ارزشی در بر ندارد زیرا نیروی توهم‌انگیز خداوند، قدرت تأثیر دانش چنین انسان گناهکاری را می‌رباید. افکار چنین متظاهری همواره ناپاک است و بدین جهت نمایش او از مدی‌تیشن یوگایی به هیچ وجه ارزشی در بر ندارد.

## آیه ۷

*yas tv indriyāṇi manasā*
*niyamyārabhate 'rjuna*
*karmendriyaiḥ karma-yogam*
*asaktaḥ sa viśiṣyate*

*yaḥ*: کسی که ـ *tu*: ولی ـ *indriyāṇi*: حواس ـ *manasā*: توسط ذهن ـ *niyamya*: به نظم درآوردن، تحت قاعده درآوردن ـ *ārabhate*: آغاز می‌کند ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *karma-indriyaiḥ*: توسط حواس فعال ـ *karma-yogam*: عبودیت و عشق ـ *asaktaḥ*: بدون دلبستگی ـ *saḥ*: او ـ *viśiṣyate*: به مراتب بهتر است.

## ترجمه

**از طرف دیگر، چنانچه فرد صادقی بکوشد از طریق ذهن بر حواس فعال خود مسلط شود و بدون دلبستگی [در آگاهی به کریشنا] کارما ـ یوگا را آغاز کند، به مراتب برتر است.**

## شرح

به جای آنکه به منظور یک زندگی باری به هر جهت و ارضای لذات حواس به یک روحانی کاذب مبدل گردیم، به مراتب بهتر است که انسان اشتغالات روزمره خود را داشته باشد و در عین حال هدف زندگی را، که آزاد شدن از زنجیرهای اسارت مادی و پا نهادن در ملکوت خداوند است، تحقق بخشد. سوارتها ـ گاتی اصلی، یا نفع حقیقی شخص، در واصل شدن به ویشنو است؛ از این رو تمام نظام وارنا وآشراما به نحوی تدوین گردیده است که ما را در جهت نیل به این آرمان حیات یاری دهد. شخص متأهل نیز می‌تواند با خدمت منظم در آگاهی به کریشنا، به این مقصود حیات نائل گردد. انسان برای خودشناسی می‌تواند، همان گونه که در شاستراها تجویزشده، زندگی کنترل شده‌ای را دنبال کند و به حرفه خود بدون دلبستگی ادامه دهد و به این طریق پیشرفت کند. چنین شخص صادقی که این روش را شیوه خود ساخته از موقعیت به مراتب بهتری برخوردار است تا آن متظاهر دروغینی که روحانیت نمایشی را اختیار می‌کند و خود را در چنین ظاهر فریبنده‌ای پنهان می‌دارد تا توده معصوم را بفرید. یک رفتگر صادق به مراتب بهتر از آن مدی‌تیت کننده حقه‌بازی است که فقط به منظور بهره‌برداری و امرار معاش تمرکز می‌نماید.

## آیه ۸

*niyataṁ kuru karma tvaṁ*
*karma jyāyo hy akarmaṇaḥ*
*śarīra-yātrāpi ca te*
*na prasiddhyed akarmaṇaḥ*

*niyatam*: تجویزشده، مقرر ـ *kuru*: انجام ده ـ *karma*: وظایف ـ *tvam*: تو ـ *karma*: کار ـ *jyāyaḥ*: بهتر ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *akarmaṇaḥ*: از انجام ندادن کار ـ *śarīra*: بدنی ـ *yātrā*: حفظ وبقا ـ *api*: حتی ـ *ca*: همچنین ـ *te*: مال تو، ت ـ *na*: هرگز ـ *prasiddhyet*: انجام شده است ـ *akarmaṇaḥ*: بدون کار.

## ترجمه

**وظیفهٔ تجویزشده‌ات را انجام ده، زیرا بدین گونه عمل کردن از بی‌عملی بهتر است. انسان بدون کار و عمل حتی نمی‌تواند بدن مادی خود را حفظ نماید.**

## شرح

تمرکزکنندگان کاذب بسیاری وجود دارند که بی‌آنکه شایستگی و صلاحیت لازم را داشته باشند، خود را وابسته به خانواده‌های پاک بزرگی معرفی می‌نمایند، و اشخاص کاملا حرفه‌ای نیز که به نادرست چنین وانمود می‌کنند که همه چیز را برای پیشرفت در زندگی روحانی قربانی کرده‌اند. خداوند کریشنا نمی‌خواست آرجونا به یک متظاهر مبدل گردد، بلکه در نظر داشت او وظایف تجویزشده خود را همان‌گونه که برای کشاتریاها مقرر گشته، انجام دهد. آرجونا یک شخص متأهل و فرمانده نظامی محسوب می‌شد و بنابراین به صلاحش بود که همچنان در سمت خود باقی بماند و در عین حال وظایف خویشتن را طبق اصول دینی که برای کشاتریاهای متأهل وضع گردیده انجام دهد. با انجام چنین اعمالی که مبتنی براصول الهی هستند تدریجاً قلب انسان پاک می‌گردد و از آلایش و آلودگی مادی رهایی می‌یابد. شخصیت پروردگار و هیچیک از کتب آسمانی انقطاع تصنعی را که به منظور حفظ معاش و گذران زندگی صورت می‌گیرد تأیید نمی‌کند. به هر تقدیر، شخص مجبور است با قدری کار در جهت حفظ و بقای این حیات انسانی بکوشد. کار را نباید به دلخواه و از روی هوی و هوس، بدون آنکه پاکسازی تمایلات مادی انجام شده باشد، رها نمود. هر کس که در این عالم خلقت قرار دارد، مسلماً دارای آرزوی ناپاک حکمرانی و خدایی کردن بر طبیعت مادی یا به عبارت دیگر، خواستار ارضای تمایلات نفسانی است. ساحت ضمیر انسان می‌باید از وجود چنین تمایلات آلوده‌ای پاک شود. چنانچه انسان، قبل از آنکه از طریق وظایف تجویزشده از آلایشهای مادی پاک گردد، پشت پا به فعالیتهای خود برای امرار معاش بزند، تبدیل به روحانی کاذبی خواهد شد که به صورت انگلی با خرج دیگران زندگی را سپری می‌کند.

## آیه ۹

*yajñārthāt karmaṇo 'nyatra*
*loko 'yaṁ karma-bandhanaḥ*
*tad-arthaṁ karma kaunteya*
*mukta-saṅgaḥ samācara*

*yajña-arthāt*: فقط به خاطر یاگیا یا ویشنو انجام شده ـ *karmaṇaḥ*: از کار ـ *anyatra*: در غیر این صورت ـ *lokaḥ*: جهان ـ *ayam*: این ـ *karma-bandhanaḥ*: اسارت توسط عمل ـ *tat*: مربوط به او (خداوند) ـ *artham*: به خاطر ـ *karma*: عمل ـ *kaunteya* ای پسر کونتی ـ *mukta-saṅgaḥ*: رهاشده از معاشرت ـ *samācara*: به طور کامل انجام ده.

## ترجمه

**کار باید به منزلهٔ قربانی برای ویشنو انجام گردد، در غیر این صورت باعث اسارت شخص در دنیای مادی می‌شود. بنابراین، ای پسر کونتی، وظایف تجویزشده‌ات را برای رضایت پروردگار انجام ده و بدین ترتیب همواره از اسارت رها خواهی ماند.**

## شرح

از آنجا که شخص باید حتی برای نگاهداری ساده بدن خود به کار مبادرت ورزد، وظایف تجویزشده در هر یک از مراحل نظام وارناشراما به نحوی تدوین گردیده که این هدف را برآورده سازد. یاگیا به معنی خداوند ویشنو و در عین حال به انواع مراسم قربانی نیز اطلاق می‌شود، زیرا تمام مراسم قربانی فقط برای رضایت اوست که انجام می‌پذیرد. در وداها چنین آمده است: *yajño vai viṣṇuḥ*.به عبارت دیگر، "انجام دادن قربانی‌های تجویزشده" و یا "خدمت مستقیم به خداوند ویشنو" هر دو یک هدف را تحقق می‌بخشد. بنابراین، کریشنا آگاهی یعنی انجام دادن قربانی یا یاگیا همان‌گونه که در این آیه مقرر گشته است. هدف از تشکیل نظام وارناشراما نیز تحقق رضایت خداوند ویشنواست.

*Varṇāśramācāravatā puruṣeṇa paraḥ pumān/ viṣṇur ārādhyate*(ویشنوپورانا ۸/۸/۳)

بنابراین انسان باید برای رضایت ویشنو کار کند؛ هر عمل دیگری که در این دنیای مادی صورت گیرد علتی برای اسارت انسان خواهد بود، زیرا اعمال خوب و بد هر یک عکس‌العملی خاص خود را به دنبال دارد و هر عکس‌العملی فاعل را در زنجیر اسارت مادی به بند می‌کشد.

از این رو انسان باید در آگاهی به کریشنا عمل کند تا بدین ترتیب کریشنا (یا ویشنو) را راضی نماید؛ و فرد با عمل در چنین آگاهیی در مرتبه رهایی محسوب می‌شود: و بدین صورت است هنر بزرگ انجام کار. ابتدا این روش به راهنمایی بسیار استادانه احتیاج دارد؛ بنابراین شخص باید با بردباری و پشتکار بسیار، تحت راهنمایی متبحرانه عابد خداوند کریشنا یا تحت آموزشهای مستقیم خودخداوند کریشنا (همان گونه که آرجونا از این فرصت برخوردار بود)، عمل نماید. هیچ عملی نباید به قصد ارضای امیال نفسانی انجام شود بلکه کلیه اعمال باید به منظور رضایت خداوند صورت پذیرد. این نحوه عمل که چیزی جز رضایت خداوند را هدف قرار نمی‌دهد نه تنها شخص را از واکنشهای حاصله نجات می‌بخشد، بلکه رفته رفته به خدمت عاشقانه روحانی خداوند نیز ارتقاء می‌دهد، که این خدمت عاشقانه روحانی خداوند تنها راهی است که می‌تواند شخص را به ملکوت پروردگار رهنمون سازد.

## آیه ۱۰

*saha-yajñāḥ prajāḥ sṛṣṭvā*
*purovāca prajāpatiḥ*
*anena prasaviṣyadhvam*
*eṣa vo 'stv iṣṭa-kāma-dhuk*

*saha*: همراه با ـ *yajñāḥ*: قربانیها ـ *prajāḥ*: نسلها ـ *sṛṣṭvā*: خلق کردن ـ *purā*: در دوران قدیم ـ *uvāca*: گفت ـ *prajā-patiḥ*: خداوند مخلوقات ـ *anena*: توسط این ـ *prasaviṣyadhvam*: هر چه بیشتر و بیشتر خوشبخت باشید ـ *eṣaḥ*: این ـ *vaḥ*: مال تو، ت ـ *astu*: بگذار چنین باشد ـ *iṣṭa*: مربوط به تمام چیزهای مطلوب ـ *kāma-dhuk*: اعطاء کننده.

## ترجمه

**در آغاز خلقت، خداوندِ تمام مخلوقات، نسلهایی از انسانها و فرشتگان را همراه با قربانیهایی برای ویشنو نازل کرد، و آنان را با این گفته تبرک بخشید: "با این یاگیا [قربانی] در شادی وخوشبختی زندگی نمایید، زیرا انجام آن تمامی مواهب را برای خوشبخت زیستن و رستگار شدن به ارمغان خواهد آورد."**

## شرح

خداوند کائنات (ویشنو) با خلقت این عالم مادی فرصتی را در اختیار ارواح مقید نهاده است تا به وطن اصلی خویش – ملکوت خداوند – بازگشت نمایند. کلیه موجودات زنده این آفرینش مادی تحت سیطره طبیعت مادی در اسارت قرار گرفته‌اند و این اسارت مادی حاصل غفلت و فراموشی از روابط و مناسبات حقیقی آنها با ویشنو، یا کریشنا، شخصیت متعال خداوند می‌باشد. همان گونه که در بهاگاواد-گیتا بیان شده است هدف اصول ودایی کمک به ما به منظور درک این رابطه جاودان است: *vedaiś ca sarvair aham eva vedyaḥ*.خداوند می‌فرماید مقصود از وداها، معرفت خداوند است. در سرودهای ودایی گفته شده است:*patiṁ viśvasyātmeśvaram* بدین ترتیب خداوند تمامی موجودات زنده، شخصیت متعال خداوند یا ویشنو می‌باشد. در شریماد- بهاگاواتام (۲/۴/۲۰) نیز شریلا شوکادوا گوسوامی به صورتهای گوناگون خداوند را به عنوان پاتی یا ارباب توصیف می‌نماید:

*śriyaḥ patir yajña-patiḥ prajā-patir*
*dhiyāṁ patir loka-patir dharā-patiḥ*
*patir gatiś cāndhaka-vṛṣṇi-sātvatāṁ*
*prasīdatāṁ me bhagavān satāṁ patiḥ*

پراجا ـ پاتی همانا خداوند ویشنو است که خداوند یا ارباب تمامی مخلوقات، تمامی جهانها، تمامی زیباییها و حافظ تمامی موجودات است. خداوند، این جهان مادی را برای ارواح مقید آفرید تا فراگیرند چگونه برای رضایت ویشنو، یاگیاها (قربانیها) را انجام دهند؛ با انجام این قربانیهاست که انسان می‌تواند تا هنگامی که در دنیای مادی به سر می‌برد با راحتی و آسایش و بدون اضطراب و پریشانی زندگی را در جهت رضایت الهی سپری نماید و با فرا رسیدن پایان عمر این کالبد مادی به ملکوت خداوند قدم گذارد. این کل برنامه‌ای است که برای ارواح مقید در نظر گرفته شده است.
ارواح گرفتار مادیات با انجام یاگیا تدریجاً کریشنا آگاه می‌گردند و بدین ترتیب صفات الهی در آنان متبلور می‌شود. تمام متون آسمانی ودایی، برای عصر کنونی یا عصر کالی سام‌کیرتانا ـ یاگیا (ذکر اسامی مقدس خداوند) را توصیه نموده‌اند که این روش روحانی از طرف خداوند چیتانیا به منظور نجات تمامی انسانها معرفی گردیده است. سام‌کیرتانا ـ یاگیا و "آگاهی به خداوند" در راستای یکدیگر قرار دارند. در شریماد- بهاگاواتام (۳۲/۵/۱۱) چنین توصیفی از ظهور چیتانیا ماهاپرابهو که مظهر تام عبودیت و عشق به خداوند کریشنا می‌باشد، با اشاره خاصی به سام‌کیرتانا ـ یاگیا بیان‌شده است:

:*saṅkīrtana-yajña*

*kṛṣṇa-varṇaṁ tviṣākṛṣṇaṁ*
*sāṅgopāṅgāstra-pārṣadam*
*yajñaiḥ saṅkīrtana-prāyair*
*yajanti hi su-medhasaḥ*

"در این عصر کالی، آنان که از شعور کافی برخوردارند، با انجام سام‌کیرتانا ـ یاگیا، خداوند را که با معاشران خود محشور است پرستش خواهند نمود." انجام یاگیاهای دیگری که در متون مقدس ودایی تجویزشده، در این عصر کالی بسیار دشوار است در حالی که سام‌کیرتانا ـ یاگیا همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۱۴/۹) ذکر گردیده، از هر نظر آسان و عالی است.

## آیه ۱۱

*devān bhāvayatānena*
*te devā bhāvayantu vaḥ*
*parasparaṁ bhāvayantaḥ*
*śreyaḥ param avāpsyatha*

*devān*: فرشتگان ـ *bhāvayatā*: خشنود و راضی شدن ـ *anena*: با این قربانی ـ *te*: آنها ـ *devāḥ*: فرشتگان ـ *bhāvayantu*: راضی خواهد کرد ـ *vaḥ*: تو ـ *parasparam*: والا و متقابل ـ *bhāvayantaḥ*: خشنودی و رضایت یکدیگر ـ *śreyaḥ*: خیر و برکت ـ *param*: به طور متقابل ـ *avāpsyatha*: به دست خواهی آورد.

## ترجمه

**فرشتگان که در اثر انجام قربانیها راضی شدند، رضایت شما را نیز فراهم خواهند کرد و بدین‌سان با همکاری بین انسانها و فرشتگان خیر و برکت در همه جا و برای همه به وجود خواهد آمد.**

## شرح

فرشتگان همانا موکلان قدرتمندی در امر اداره امور مادی هستند که نیروهایی به آنها افاضه شده است و فراهم آوردن هوا، نور، آب و تمامی مواهب طبیعی دیگر جهت حفظ حیات هر موجود زنده‌ای بر عهده آنان است. فرشتگان به مثابه دستیاران بی‌شماری در قسمتهای مختلف بدن شخصیت متعال خداوند هستند که خشنودی و ناخشنودی آنان بستگی به انجام یاگیاهای انسانها دارد. هرچند برخی از یاگیاها برای راضی کردن فرشتگان خاصی منظور شده است، ولی باید در نظر داشت که حتی با این کار نیز، در تمام یاگیاها خداوند ویشنو به عنوان ولینعمت اصلی پرستیده می‌شود. در بهاگاواد–گیتا نیز گفته شده است که خود کریشنا ولینعمت تمامی یاگیاها می‌باشد: *bhoktāraṁ yajña-tapasām*.

بنابراین همانا خشنودی و رضایت نهایی یاگیا ـ پاتی (خداوند)، هدف اصلی تمام یاگیاها می‌باشد. هنگامی که این یاگیاها به درستی و به قصد رضایت خداوند یکتا صورت گیرد، طبیعتاً فرشتگان که مسئول مواهب گوناگون هستند راضی می‌شوند و هیچ کمبودی در فراهم آوردن مواهب طبیعی وجود نخواهد داشت.

انجام یاگیاها فواید دیگری نیز در بر دارد که در نهایت امر انسان را به رهایی از اسارت مادی رهنمون می‌سازد. همان گونه که در وداها گفته شده با انجام یاگیاها تمام اعمال پاک می‌شود: *āhāra-śuddhau sattva-śuddhiḥ sattva-śuddhau dhruvā smṛtiḥ smṛti-lambhe sarvagranthīnāṁ vipramokṣaḥ*.

با انجام یاگیا، خوراک انسان که به عنوان قربانی به خداوند تقدیم شده است تبرک می‌یابد و با خوردن چنین غذاهای تطهیرشده‌ای، وجود شخص پاک و خالص می‌گردد؛ با پاک شدن موجودیت، بافتهای لطیف موجود در حافظه تطهیر می‌گردد و آن هنگام که حافظه تطهیر شد، انسان می‌تواند به‌راه رهایی فکر کند، و تمامی این مراحل شخص را به سوی آگاهی به کریشنا رهنمون می‌سازد که این آگاهی به خداوند بزرگترین نیاز جامعه کنونی محسوب می‌شود.

## آیه ۱۲

*iṣṭān bhogān hi vo devā*
*dāsyante yajña-bhāvitāḥ*
*tair dattān apradāyaibhyo*
*yo bhuṅkte stena eva saḥ*

*iṣṭān*: خواسته شده ـ *bhogān*: احتیاجات زندگی ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *vaḥ*: به شما ـ *devāḥ*: فرشتگان ـ *dāsyante*: ارزانی خواهند داشت ـ *yajña-bhāvitāḥ*: خشنود و راضی شدن با انجام یاگیاها ـ *taiḥ*: توسط آنها ـ *dattān*: چیزهای داده شده ـ *apradāya*: بدون تقدیم ـ *ebhyaḥ*: به این‌فرشتگان ـ *yaḥ*: او که ـ *bhuṅkte*: لذت می‌برد ـ *stenaḥ*: دزد ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *saḥ*: او.

## ترجمه

**فرشتگان که مسئول تأمین نیازهای گوناگون زندگی هستند، با راضی شدن از انجام یاگیا [قربانی]، تمامی مایحتاج زندگی را برای شما فراهم خواهند کرد. ولی کسی که از این مواهب، بدون آنکه آنها را در مقابل به فرشتگان تقدیم کند، بهره‌مند می‌شود مسلماً دزد محسوب می‌گردد.**

## شرح

فرشتگان، موکلان فراهم‌آورنده مواهب طبیعی‌اند که نمایندگان معتبر شخصیت متعال خداوند ویشنو می‌باشند. بنابراین با انجام یاگیاهای تجویزشده می‌باید رضایت آنان فراهم گردد. در وداها انواع یاگیا برای فرشتگان مختلف تجویزشده است، ولی همه آنها در نهایت امر به شخصیت متعال خداوند تقدیم می‌شود. قربانی به فرشتگان برای کسی که قادر به درک شخصیت خداوند نیست توصیه شده است. از طرف دیگر در وداها انواع مختلف یاگیا نیز برای اشخاص، طبق ترکیبات مختلفی که از گونه‌های طبیعت مادی در آنها وجود دارد، توصیه شده است. از این رو پرستش فرشتگان مختلف نیز بر همین اصل، یعنی طبق همین گونه‌های مختلف استوار است. به عنوان مثال به گوشتخواران توصیه شده است که الهه کالی یعنی آن شکل هولناک طبیعت مادی را بپرستند و قربانی حیوانات را در برابر او انجام دهند. در حالی که برای آنان که در گونهٔ نیکی واقع شده‌اند،پرستش روحانی ویشنو توصیه شده است. با این حال، مراد از تمام یاگیاها در نهایت امر ارتقای تدریجی به موقعیت روحانی است. برای اشخاص معمولی حداقل پنج یاگیا که به عنوان پانچا ـ ماها ـ یاگیا معروف هستند ضروری است.

انسان باید به این نکته آگاه باشد که تمام احتیاجات زندگی جوامع بشری از سوی فرشتگان که نماینده خداوند هستند فراهم می‌گردد. هیچکس نمی‌تواند چیزی ایجاد کند. به عنوان مثال، منابع‌تأمین غذای انسان را در نظر بگیریم: این منابع غذایی برای کسانی که در گونهٔ نیکی قرار دارند شامل غلات، میوه‌ها، سبزیجات، شیر، شکر و برای اشخاص غیر گیاهخوار که در گونه‌های دیگر قرار دارندگوشت، تخم مرغ، ماهی و... است که هیچیک از اینها را انسان نمی‌تواند تولید کند. و باز به عنوان مثال می‌توان از حرارت، نور، آب، هوا و عوامل دیگر نام برد که همه احتیاجات زندگی محسوب می‌شود ولی هیچیک از آنها را بشر نمی‌تواند فراهم آورد. بدون اراده قادر متعال امکان ندارد که مواهب فراوانی همچون نور آفتاب، نور ماه، باران، باد و پدیده‌های دیگر وجود داشته باشد؛ ادامه زندگی ما متکی به مواهب طبیعی است که خداوند ارزانی داشته است. حتی برای تولیدات گوناگون به بسیاری از مواد خام اولیه مانند آهن، گوگرد، جیوه، منگنز محتاج هستیم و احتیاجات بسیار زیاد دیگری نیز وجود دارد که کلیه آنها را نمایندگان خداوند تأمین می‌کنند. مراد از اعطای این مواهب این است که ما باید با استفاده صحیح از آنها خود را برای هدف حیات، یعنی خودشناسی، سالم و تندرست نگاه داریم و به این ترتیب به هدف غایی حیات، یعنی رهایی از ماده و دنیای مادی، رهنمون گردیم. لیکن تحقق این هدف منوط به انجام یاگیاها می‌باشد. اگر ما هدف حیات انسانی را به وادی فراموشی بسپاریم و فقط برای لذت‌طلبی و ارضای تمایلات نفسانی از این مواهب الهی که نمایندگان خداوند فراهم کرده‌اند بهره‌مند گردیم و بیشتر و بیشتر خود را در گرداب موجودیت مادی غوطه‌ور سازیم – که چنین چیزی هدف آفرینش نیست – قطعاً دزدانی بیش محسوب نمی‌شویم و به علت این تخطی، از سوی قوانین طبیعت مادی به مجازات می‌رسیم. اجتماع دزدان هیچگاه نمی‌توانند در شادی و خوشبختی بسر برند، زیرا آنها هیچ آرمانی در زندگی ندارند، بلکه آنان فقط به ارضای لذات حواس می‌پردازند و هیچ گونه معرفتی از چگونگی انجام یاگیاها ندارند. با وجود این، خداوند چیتانیا آسانترین روش یاگیا یعنی سام‌کیرتانا ـ یاگیا را به ارمغان آورد که همه افراد جهان با پذیرش اصول آگاهی به کریشنا می‌توانند آن را انجام دهند.

## آیه ۱۳

*yajña-śiṣṭāśinaḥ santo*

*mucyante sarva-kilbiṣaiḥ*
*bhuñjate te tv aghaṁ pāpā*
*ye pacanty ātma-kāraṇāt*

*yajña-śiṣṭa*: مربوط به غذایی که پس از انجام یاگیا برگرفته شده ـ *aśinaḥ*: تناول‌کنندگان ـ *santaḥ*: عابدان ـ *mucyante*: آسودگی و رهایی می‌یابند، در امان می‌مانند ـ *sarva*: تمام انواع ـ *kilbiṣaiḥ*: از گناهان ـ *bhuñjate*: لذت می‌برند ـ *te*: آنها ـ *tu*: ولی ـ *agham*: گناهان بزرگ ـ *pāpāḥ*: گناهکاران ـ *ye*: آنهایی که ـ *pacanti*: غذا تهیه می‌کنند ـ *ātma-kāraṇāt*: برای لذات حواس.

## ترجمه

**عابدان خداوند از هر نوع گناهی مبری می‌گردند، زیرا فقط غذاهایی را تناول می‌کنند که ابتدا به عنوان قربانی تقدیم شده است. دیگران که غذا را برای لذت شخصی تهیه می‌کنند، فقط گناه تناول می‌نمایند.**

## شرح

عابدان حق تعالی یا اشخاصی که در آگاهی به کریشنا هستند سانتاها خوانده می‌شوند و همان گونه که در برهما ـ سامهیتا (۵/۳۸) توصیف شده است همواره در عشق الهی بسر می‌برند: *premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena santaḥ sadaiva hṛdayeṣu vilokayanti*.

سانتاها که همواره در رابطه عاشقانه با شخصیت اعلای خداوند گوویندا (اعطاکننده تمام لذات) یا موکوندا (اعطاکننده رهایی) یا کریشنا (شخص جذاب مطلق) هستند، نمی‌توانند هیچ چیز را بی‌آنکه ابتدا به پیشگاه شخصیت متعال پیشکش شده باشد بپذیرند. بنابراین چنین سرسپردگانی همواره یاگیاها را در روشهای مختلف عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه مانند شراوانام، کیرتانام، اسمارانام، آرچانام و غیره بجا می‌آورند و انجام چنین یاگیاهایی همواره آنان را از تمامی آلودگیهای گناهان مادی مصون نگاه می‌دارد. دیگران که غذا را برای ارضای ذائقه خود یا لذات نفسانی آماده می‌کنند نه تنها دزدانی بیش نیستند بلکه فقط گناه تناول می‌کنند. چگونه شخصی که هم دزد است و هم گناهکار می‌تواند طعم خوشبختی را در زندگی بچشد بنابراین برای آنکه مردم از هر جهت خوشبخت گردند، باید به آنها آموزش داده شود که این روش ساده و آسان سام‌کیرتانا ـ یاگیا را در آگاهی کامل به کریشنا انجام دهند. در غیر این صورت، جهان رنگ صلح و آرامش یا شادی و خوشبختی را به خود نخواهد دید.

## آیه ۱۴

*annād bhavanti bhūtāni*
*parjanyād anna-sambhavaḥ*
*yajñād bhavati parjanyo*
*yajñaḥ karma-samudbhavaḥ*

*annāt*: از دانه‌ها ـ *bhavanti*: رشد می‌کند ـ *bhūtāni*: بدنهای مادی ـ *parjanyāt*: از بارانها ـ *anna*: مربوط به دانه‌های غذایی ـ *sambhavaḥ*: تولید ـ *yajñāt*: از انجام قربانی ـ *bhavati*: ممکن می‌گردد ـ *parjanyaḥ*: باران ـ *yajñaḥ*: انجام یاگیا ـ *karma*؛*yajña* : وظایف تجویزشده ـ *samudbhavaḥ*: زاده شده از.

## ترجمه

**حیات کلیهٔ بدنهای ذی روح متکی به دانه‌های غذایی است که آنها نیز از باران تولید مـی‌گـردد. بـاران از انجام یاگیا [قربانی] حاصل می‌شود و یاگیا از وظایف تجویزشده.**

## شرح

شریلا بالادوا ویدیابهوشانا، مفسر بزرگ بهاگاواد-گیتا چنین می‌نویسد:

*indrādy-aṅgatayāvasthitaṁ yajñaṁ sarveśvaraṁ viṣṇum abhyarcya tac-cheṣam aśnanti tena tad deha-yātrāṁ sampādayanti, te santaḥ sarveśvarasya yajña-puruṣasya bhaktāḥ sarva-kilbiṣair anādi-kāla-vivṛddhair ātmānubhava-prati bandhakair nikhilaiḥ pāpair vimucyante*

پروردگار متعال که به عنوان یاگیا ـ پوروشا، یا مالک تمام قربانیها معروف است، ارباب تمام فرشتگان می‌باشد که به او خدمت می‌کنند، همان گونه که اعضای بدن به کل بدن خدمت می‌کند. فرشتگان مانند ایندرا، چاندرا، وارونا و غیره موکلانی هستند که امر اداره امور مادی بر عهده آنان است و وداها انجام قربانیها را برای رضایت این فرشتگان توصیه می‌کنند تا به موجب آن به اندازه کافی‌هوا، نور و آب به منظور تولید دانه‌های غذایی فراهم گردد. ولی از آنجایی که با پرستش خداوندکریشنا، پرستش فرشتگان که اجزای مختلف او محسوب می‌شوند، خود به خود صورت می‌گیرد، هیچ گونه احتیاجی به پرستش جداگانه فرشتگان وجود ندارد. به همین دلیل، مریدان خداوند که در آگاهی او هستند غذا را به کریشنا تقدیم می‌کنند و سپس می‌خورند؛ این روشی است که بدن را از نظر روحانی تغذیه می‌کند. با چنین عملی نه تنها واکنشهای گناهان گذشته از بین می‌رود بلکه بدن در مقابل تمام آلودگیهای طبیعت مادی مصونیت می‌یابد. هنگامی که بیماری مسری خاصی شیوع پیدا می‌کند، واکسن شخص را از خطر ابتلای به آن بیماری حفظ می‌نماید و به همین نحو برگرفتن از غذایی که ابتدا به پیشگاه خداوند ویشنو تقدیم گردیده، ما را در مقابل آلودگیهای مادی مصون می‌دارد. کسی که این شیوه را پیشه خود ساخته است عبد خداوند خوانده می‌شود. بنابراین، شخصی که در آگاهی به خداوند قرار دارد و تنها از غذایی که به کریشنا تقدیم گردیده تناول می‌کند، می‌تواند تمام واکنشهای آلودگیهای مادی گذشته‌اش را که موانعی در راه پیشرفت خودشناسی او محسوب می‌شوند، خنثی نماید. از سوی دیگر، کسی که چنین نمی‌کند به افزایش بار گناهان خود ادامه می‌دهد که این امر باعث ایجاد کالبدی همانند خوک یا سگ در زندگی بعدی شخص می‌شود تا بدین ترتیب از نتایج گناهان خود رنج برد. دنیای مادی مملو از انواع آلودگی است و کسی که با قبول پراسادام خداوند (غذایی که به پیشگاه خداوند ویشنو تقدیم گردیده) مصونیت یافته است، از خطر هر گونه آلایش مادی در امان می‌ماند.

در واقع غذای انسان را دانه‌های غذایی و سبزیجات تشکیل می‌دهد. چنانکه انسان انواع مختلف دانه‌های غذایی، سبزی، میوه و غیره را می‌خورد و حیوانات نیز از بقایای دانه‌های غذایی، گیاهان و سبزیجات، علوفه و چیزهای دیگر بهره‌مند می‌گردند. کسانی که به خوردن گوشت عادت دارند نیز برای تولید آن مجبورند به محصولات گیاهی متکی باشند. بنابراین در نهایت امر ما باید به تولید محصولات گیاهی مزارع متکی باشیم و نه کارخانه‌های بزرگ. محصولات مزارع، برای رشد، به باران کافی نیاز دارد. ایجاد باران در اختیار فرشتگانی مانند ایندرا، خداوندگار خورشید، خداوندگار ماه و ... می‌باشد که آنان همه خادمان ایزد یکتا هستند. خداوند را می‌توان با قربانیها راضی نمود؛ از این رو به اقتضای قانون طبیعت کسانی که چنین نمی‌کنند با فقر و کمبود مواجه خواهند شد. بنابراین می‌باید یاگیا مخصوصاً سام‌کیرتانا ـ یاگیا را که برای این عصر تجویزشده است، انجام داد تا حداقل ما را از کمبود منابع غذایی در امان دارد.

## آیه ۱۵

*karma brahmodbhavaṁ viddhi*

*brahmākṣara-samudbhavam*
*tasmāt sarva-gataṁ brahma*
*nityaṁ yajñe pratiṣṭhitam*

*karma*: کار و عمل ـ *brahma*: از وداها ـ *udbhavam*: ایجاد شده ـ *viddhi*: باید بدانی ـ *brahma*: وداها ـ *akṣara* : از برهمن متعال (شخصیت پروردگار) ـ *samudbhavam*: مستقیماً تجلی یافته ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *sarva-gatam* : فراگیر، در همه جا گسترده ـ *brahma* : حقیقت مطلق ـ *nityam* : به طور ابدی ـ *yajñe* : در قربانی ـ *pratiṣṭhitam* : واقع شده.

## ترجمه

**از آنجایی که فعالیتهای تنظیم‌کننده در وداها تجویزشده و وداها مستقیماً از شخصیت اعلای خداوند تجلی یافته است، در نتیجه آن حقیقت مطلقِ فراگیر به طور ابدی در اعمال قربانی قراردارد.**

## شرح

یاگیارتها ـ کارما یا لزوم کار و فعالیت فقط به منظور رضایت خداوند به طرز روشنتری در این آیه بیان شده است. باید نحوه عمل برای جلب رضایت یاگیا ـ پوروشا، یعنی خداوند ویشنو را در برهمن یا متون روحانی ودا بیابیم، زیرا متون آسمانی ودا هادی انسان در جهت انجام صحیح اعمال است. هر گونه عملی که بدون در نظر گرفتن تکالیف مقرر در کتب مقدس یا هدایت متون ودایی انجام پذیرد، ویکارما یا گناه یا کار فاقد مرجعیت خوانده می‌شود. بنابراین، شخص باید همواره از هدایت وداها در عمل بهره گیرد تا از بازتاب اعمال در امان بماند. همان گونه که شخص در زندگی معمولی خود باید تحت هدایت و نفوذ قوانین دولت کار کند، به همین ترتیب اعمال ما باید تحت هدایت و نفوذ قوانین دولت متعال خداوند انجام پذیرد. این آموزشهای الهی در متون آسمانی ودا مستقیماً از نفس شخصیت اعلای پروردگار تجلی یافته‌اند. گفته شده است: *asya mahato bhūtasya niśvasitam etad yad ṛg-vedo yajur-vedaḥ sāmavedo 'tharvāṅgirasaḥ*.
"چهار ودا یعنی ریگ ودا، یاجور ودا، ساما ودا و آتهاروا ودا همه تجلیاتی از تنفس شخصیت اعلای الهی می‌باشد." (بریهاد ـ آرانیاکا اوپانیشاد ۴/۵/۱۱) چون خداوند همانا قادر متعال می‌باشد، تنفس او سخن است. همان گونه که در برهما ـ سامهیتا تأیید شده است خداوند این قدرت مطلق را دارد که با هر یک از حواس غیر مادی خود کار حواس دیگر را انجام دهد. به عبارت دیگر خداوند می‌تواند با تنفس سخن بگوید و قادر است با چشمان خود بارور سازد. براستی گفته شده است که او بر طبیعت مادی نظر افکند و بدین ترتیب بود که تمام موجودات زنده را به مثابه پدر خلق نمود. بعد از آفریدن ارواح مقید از طریق آبستن کردن طبیعت مادی، راه هدایت را در معارف ودایی ارائه فرمود که از طریق آن، ارواح مقید بتوانند به سرمنزل مقصود نزد خداوند بازگشت نمایند. ما باید همواره به خاطر داشته باشیم که ارواح اسیر مادیات همگی مشتاق لذات مادی‌اند. لیکن اصول آسمانی ودایی چنان تدوین شده است که شخص بتواند خواسته‌های مشروع مادی خود را برآورده سازد و پس از اشباع شدن از لذات زودگذر مادی نزد خداوند بازگشت نماید. از آنجا که این فرصت در اختیار ارواح مقید نهاده شده است تا به رهایی دست یابند، آنان می‌باید بکوشند راه یاگیا را به قصد کریشنا آگاه شدن دنبال نمایند. حتی کسانی که قادر نیستند از قواعد و احکام ودایی متابعت کنند می‌توانند با اختیار نمودن اصول آگاهی به کریشنا آن را جایگزین انجام یاگیاهای ودایی یا کارماها نمایند.

## آیه ۱۶

*evaṁ pravartitaṁ cakraṁ*
*nānuvartayatīha yaḥ*
*aghāyur indriyārāmo*

*moghaṁ pārtha sa jīvati*

*evam* : بدین‌سان ـ *pravartitam* : تجویزشده وداها ـ *cakram*؛*Vedas* : دایره ـ *na* : علامت نفی فعل ـ *anuvartayati* : اختیار می‌کند ـ *iha* : در این زندگی ـ *yaḥ* : کسی که ـ *agha-āyuḥ* : که زندگیش مملو از گناه است ـ *indriya-ārāmaḥ* : خشنود شده از ارضای لذات حواس ـ *mogham* : به بیهودگی ـ *pārtha* : ای پسر پریتها (آرجونا) ـ *saḥ* : او ـ *jīvati* : زندگی می‌کند.

## ترجمه

**آرجونای عزیزم، کسی که در حیات انسانی خود از دور کامل قربانی که بدین گونه در وداها تجویزشده پیروی نکند، بدون شک زندگی مملو از گناه خواهد داشت. عمر چنین شخصی که فقط به منظور ارضای حواس زندگی می‌کند بیهوده و عبث خواهد گذشت.**

## شرح

در اینجا خداوند فلسفه دنیاپرستان را که مبتنی بر "کار طاقت‌فرسا و ارضای تمایلات حواس" می‌باشد، محکوم نموده است. بنابراین برای کسانی که می‌خواهند از لذات دنیای مادی بهره‌مند شوند، انجام دور کامل یاگیاها که در فوق ذکر گردید بدون تردید ضروری است. کسی که از چنین قواعد و قوانینی پیروی نمی‌کند، زندگی پرمخاطره‌ای را سپری می‌سازد و هر چه بیشتر تحت اسارت طبیعت مادی قرار می‌گیرد. طبق قانون طبیعت، این شکل انسانی حیات به منظور خودشناسی از طریق یکی از سه راه کارما ـ یوگا، گیانا ـ یوگا، یا بهاکتی- یوگا می‌باشد. برای عرفایی که در ورای گناه و ثواب قرار دارند، احتیاجی به انجام یاگیاهای تجویزشده نیست؛ لیکن کسانی که مشغول کامجویی و ارضای لذات حواس هستند، همان گونه که در بالا ذکر شد، به اجرای دور کامل یاگیا برای تهذیب نفس نیاز دارند. فعالیتهای مختلفی وجود دارد. کسانی که خداآگاه یا کریشنا آگاه نیستند مسلماً آگاهی آنان معطوف حواس مادی است و از این روست که به انجام کارهای خیر و اعمال متقیانه نیاز دارند. نظام یاگیا به نحوی طراحی شده است تا کسانی که در آگاهی حواس مادی هستند بتوانند خواسته‌های خود را ارضاء نمایند بدون آنکه گرفتار واکنشهای اعمال کامجویانه گردند. برکت و موفقیت در دنیا متکی به سعی و کوشش خود ما نیست بلکه این امر را مستقیماً فرشتگان به پشتوانه تدبیر خداوند متعال انجام می‌دهند. به همین سبب یاگیاها مستقیماً به منظور رضایت فرشتگان خاصی که در وداها ذکر شده، صورت می‌پذیرد. انجام این یاگیاها به طور غیر مستقیم تمرین کریشنا آگاهی محسوب می‌شود، زیرا هنگامی که شخص در انجام یاگیاها استاد شد مطمئناً کریشنا آگاه نیز می‌گردد. ولی چنانچه انسان با انجام یاگیاها کریشنا آگاه نگردد، آنگاه چنین اصولی فقط قوانین اخلاقی محسوب می‌شوند. بنابراین، انسان نمی‌باید پیشرفت خود را محدود به متابعت از قوانین اخلاقی نماید، بلکه باید از آنها فراتر رود و به کریشنا آگاهی دست یابد.

## آیه ۱۷

*yas tv ātma-ratir eva syād*
*ātma-tṛptaś ca mānavaḥ*
*ātmany eva ca santuṣṭas*
*tasya kāryaṁ na vidyate*

*yaḥ* : کسی که ـ *tu* : ولی ـ *ātma-ratiḥ* : بهره‌مند شدن از لذت در ذات ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *syāt* : باقی می‌ماند ـ *ātma-tṛptaḥ* : روشن‌ضمیر ـ *ca* : و ـ *mānavaḥ* : انسان ـ *ātmani* : در خودش ـ *eva* : فقط ـ *ca* : و ـ *santuṣṭaḥ* : کاملاً خشنود شده ـ *tasya* : مال او، متعلق به او ـ *kāryam* : وظیفه ـ *na* : علامت نفی فعل ـ *vidyate* : وجود دارد.

## ترجمه

**اما برای کسی که لذت را در ذات می‌یابد، زندگیش در خودشناسی واقع است، و کاملاً خشنود و فقط در ذات راضی است، هیچ گونه وظیفه‌ای وجود ندارد.**

## شرح

برای کسی که کاملاً کریشنا آگاه است و با فعالیتهای روحانی خود که در آگاهی به کریشنا صورت می‌پذیرد کاملاً راضی است، دیگر وظیفه‌ای برای انجام دادن وجود ندارد. به علت کریشنا آگاه بودن، بی‌درنگ از تمامی آلودگیهای درونی پاک می‌گردد، حال آنکه این تنها در نتیجه انجام هزاران هزار یاگیا حاصل می‌شد. شخص با برخورداری از چنین آگاهی پاک و خالصی، از موقعیت جاودان و ارتباط ابدی خود با متعال کاملا یقین حاصل می‌کند. بدین‌سان به شکرانه لطف و رحمت خداوند، بروشنی وظیفه خود را در هر لحظه می‌بیند و بنابراین برای او دیگر هیچ تعهدی نسبت به انجام احکام ودایی وجود ندارد. چنین شخص کریشنا آگاهی که در این مرحله خالص از آگاهی الهی قراردارد، دیگر در تمتع از لذات مادی مانند شراب، زن و دیگر علائق دنیوی لذتی کسب نمی‌کند.

## آیه ۱۸

*naiva tasya kṛtenārtho*
*nākṛteneha kaścana*
*na cāsya sarva-bhūteṣu*
*kaścid artha-vyapāśrayaḥ yaḥ*

*na* : هرگز ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *tasya* : مال او، ش ـ *kṛtena* : با انجام وظیفه ـ*arthaḥ* : هدف، مقصود ـ *na* : و نه ـ *akṛtena* : بدون انجام وظیفه ـ *iha*: در این جهان *kaścana*: هر آنچه ـ *na*: هرگز ـ *ca* : و ـ *asya* : مربوط به او ـ *sarva-bhūteṣu* : در میان تمام موجودات زنده ـ *kaścit* : هیچ ـ *artha* : هدف، مقصود ـ *vyapāśrayaḥ* : پناه بردن به.

## ترجمه

**شخص خودشناخته در پی هدف یا مقصودی از انجام وظایف تجویز شدهٔ خود نیست و دلیلی نیز برای عدم انجام آن نمی‌یابد. بعلاوه هیچ گونه نیازی به اتکاء به موجودات زندهٔ دیگر ندارد.**

## شرح

شخص خودشناخته دیگر مجبور نیست هیچ گونه وظیفه تجویزشده‌ای را انجام دهد، مگر کارهایی در آگاهی به کریشنا. همان گونه که در آیات بعد توضیح داده خواهد شد، کریشنا آگاهی به معنی سکون و بی‌عملی نیست. شخص آگاه به کریشنا به هیچ شخصی اعم از انسان یا فرشته پناه نمی‌برد و هر آنچه او در آگاهی به کریشنا انجام می‌دهد، برای انجام تعهداتش کافی است.

## آیه ۱۹

*tasmād asaktaḥ satataṁ*
*kāryaṁ karma samācara*
*asakto hy ācaran karma*
*param āpnoti pūruṣaḥ*

*tasmāt* : بنابراین ـ *asaktaḥ* : بدون دلبستگی ـ *satatam* : دائماً ـ *kāryam* : به عنوان وظیفه ـ *karma* : کار و عمل ـ *samācara* : انجام دهد ـ *asaktaḥ* : بدون دلبستگی ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *ācaran* : انجام دادن ـ *karma* : کار و عمل ـ *param* : متعال ـ *āpnoti* : دست می‌یابد ـ *pūruṣaḥ* : انسان.

## ترجمه

**بنابراین، انسان باید بدون دلبسته شدن به نتایج و ثمرات اعمال، به آنها به منزلهٔ وظیفه عمل نماید، زیـرا با عمل عاری از دلبستگی به متعال واصل می‌گردد.**

## شرح

متعال برای عابدان و سرسپردگان، به مفهوم شخصیت الهی و برای بی‌هویت‌گرایان یا کسانی که به شخصیت مطلق الهی ایمان ندارند، به مفهوم رهایی و رستگاری است. بنابراین کسی که برای‌کریشنا عمل می‌کند، یعنی در آگاهی به کریشنا، تحت راهنمایی صحیح و فاقد هر گونه دلبستگی به نتایج اعمال، قطعاً در جهت تقرب به سوی هدف اعلای زندگی پیشرفت حاصل می‌کند. به آرجونا گفته می‌شود که باید به خاطر رضایت خداوند کریشنا در نبرد کوروکشترا بجنگد، زیرا این خواسته کریشناست. خوب بودن یا صلح‌جو بودن نیز یک نوع دلبستگی شخصی است؛ در حالی که عمل کردن به خاطر رضای متعال، حاکی از عمل کردن بدون دلبستگی به ثمر و نتیجه است. این مرحله،کمال عمل محسوب می‌شود که از طرف شخصیت متعال خداوند شری‌کریشنا توصیه شده است.

مراسم و مناسک ودایی مانند قربانیهای تجویزشده، به منظور پاکسازی اعمال غیر دینی است که انسان با انگیزه کامجویی و ارضای لذات حواس انجام داده است. ولی کار در آگاهی به کریشنا درورای واکنشهای اعمال خوب یا بد می‌باشد. شخص کریشنا آگاه هیچ گونه دلبستگی به ثمر و نتیجه عمل ندارد، بلکه فقط به خاطر رضایت کریشنا عمل می‌کند. او در انواع فعالیتها شرکت می‌جوید، لیکن کاملاً فاقد دلبستگی است.

## آیه ۲۰

*karmaṇaiva hi saṁsiddhim*
*āsthitā janakādayaḥ*
*loka-saṅgraham evāpi*
*sampaśyan kartum arhasi*

*karmaṇā* : با کار و عمل ـ *eva* : حتی ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *saṁsiddhim* : در کمال ـ *āsthitāḥ* : واقع شده، قرار گرفته ـ *janaka-ādayaḥ* : جاناکا و شاهان دیگر ـ *loka-saṅgraham* : عموم مردم ـ *eva api* : همچنین ـ *sampaśyan* : در نظر گرفتن ـ *kartum* : عمل کردن ـ *arhasi* : شایسته است.

## ترجمه

**شاهانی همچون جاناکا فقط با انجام وظایف تجویزشده به کمال نائـل گردیدنـد. از ایـن رو، فقـط بـرای آموزش عموم مردم، باید به وظیفهٔ خود عمل نمایی.**

## شرح

از آنجایی که شاهانی چون جاناکا، همگی ارواح خودشناخته‌ای بودند، انجام وظایف تجویزشده در وداها برای آنان به هیچ وجه الزامی نبود. با وجود این، آنان به انجام تمامی تکالیف مقرر همت می‌گماردند تا سرمشق نمونه‌ای برای عموم مردم به جای گذارند. جاناکا پدر سیتا و پدرزن شری راما بود. در مقام خادم و عاشق بزرگ خداوند، او در موقعیت روحانی قرار داشت؛ ولی در مقام شاه میتهیلا (بخشی از ایالت بیهار در هندوستان)، باید الگویی باشد تا به مردم بیاموزد چگونه وظایف تجویزشده را انجام دهند. خداوند کریشنا و دوست ابدی او آرجونا هیچ احتیاجی به جنگیدن نداشتند، ولی آنها جنگیدند تا به عموم مردم بیاموزند که خشونت نیز در موقعیتی که منطق صحیح کارگر نیست، لازم می‌باشد. قبل از جنگ کوروکشترا، هر گونه کوششی، حتی از طرف شخصیت متعال خداوند برای امتناع از جنگ صورت گرفت، ولی جبهه مقابل مصمم بود که بجنگد. از این رو، با وجود چنین دلیل موجهی، جنگیدن ضروری گردید. هرچند کسی که در آگاهی به کریشنا قرار گرفته علاقه‌ای به دنیا ندارد، با این حال می‌کوشد و چنان کار می‌کند تا طریق صحیح عمل و زندگی را به مردم بیاموزد. اشخاص باتجربه در کریشنا آگاهی قادرند به گونه‌ای عمل کنند که سرمشق و الگوی عملی راه دیگران باشند. این امر در آیه بعد توضیح داده شده است.

## آیه ۲۱

*yad yad ācarati śreṣṭhas*
*tat tad evetaro janaḥ*
*sa yat pramāṇaṁ kurute*
*lokas tad anuvartate*

*yat yat*: هر آنچه ـ *ācarati*: انجام می‌دهد ـ *śreṣṭhaḥ*: رهبر بزرگ ـ *tat*: آن ـ *tat*: و آن فقط ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *itaraḥ*: معمولی ـ *janaḥ*: شخص ـ *saḥ*: او ـ *yat* : هر کدام که ـ *pramāṇam* : نمونه ـ *kurute* : انجام می‌دهد ـ *lokaḥ* : تمامی جهان ـ *tat* : آن ـ *anuvartate* : از همان راه پیروی می‌نماید.

## ترجمه

**هر آنچه شخصی بزرگ انجام دهد، عموم مردم دنبال می‌کنند و از هر معیاری که او با اعمال نمونهٔ خود به وجود آورد، تمامی مردم جهان پیروی می‌نمایند.**

## شرح

عموم مردم همواره به پیشوایی نیاز دارند که بتواند با اعمال نمونه خود الگویی برای آموزش آنان باشد. رهبر نمی‌تواند چیزی را به مردم بیاموزد که خود بدان عمل نمی‌کند، به عنوان مثال نمی‌تواند به مردم خودداری از کشیدن سیگار را تعلیم دهد، در حالی که خود سیگار می‌کشد. خداوند چیتانیا فرمود که یک معلم باید پیش از شروع به آموزش، درست رفتار نماید و الگوی نمونه‌ای از اعمال باشد. کسی که با چنین شیوه‌ای تعلیم می‌دهد، یک آچاریا یا معلم کامل خوانده می‌شود. بنابراین یک معلم باید از اصول شاسترا (کتب مقدس) پیروی نماید تا سرمشقی برای آموزش توده مردم باشد. معلم نمی‌تواند از پیش خود قوانینی برخلاف اصول کتب آسمانی وضع نماید. کتب مقدس مانند مانو ـ سامهیتا و کتب مشابه دیگر، به عنوان کتب معیار و میزان

محسوب می‌شوند که باید جامعه بشری از آنها پیروی نماید. بدین‌سان آموزشهای پیشوایان باید مبتنی بر اصول چنین شاستراهایی باشد. کسی که خواهان پیشرفت است باید از قوانین و معیارهایی که معلمان بزرگ به آن عمل کرده‌اند پیروی نماید. شریماد- بهاگاواتام نیز تأیید می‌کند که انسان باید راه عابدان بزرگ را دنبال کند و این راه پیشرفت در طریق معرفت روحانی است. پادشاه یا مقام رهبری یک کشور، پدر و معلم، همگی به عنوان رهبران مسلم مردم معصوم محسوب می‌شوند و از آنجا که تمامی این رهبران بار مسئولیت سنگینی را نسبت به کسانی که به آنان تکیه کرده‌اند، بر دوش می‌کشند، باید به معیارهای اخلاقی و روحانی موجود در کتب میزان کاملاً آگاه باشند.

## آیه ۲۲

*na me pārthāsti kartavyaṁ*
*triṣu lokeṣu kiñcana*
*nānavāptam avāptavyaṁ*
*varta eva ca karmaṇi*

*na* : نه (علامت نفی فعل) ـ *me* : مال من، متعلق به من ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *asti* : وجود دارد ـ *kartavyam* : وظیفه تجویزشده ـ *triṣu* : در هر سه ـ *lokeṣu* : نظامهای سیاره‌ای ـ *kiñcana* : هیچ گونه ـ *na* : هیچ چیز ـ *anavāptam* : خواسته شده ـ *avāptavyam* : به دست آوردن ـ *varte* : مشغول هستم ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ca* : همچنین ـ *karmaṇi* : در وظیفه تجویزشده.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، در تمام سه جهان، هیچ گونه کار تجویزشده‌ای برای من وجود ندارد؛ من به چیزی نیاز ندارم و محتاج آن نیستم که چیزی به دست آورم، ولی با وجود این مشغول انجام وظایف تجویزشده هستم.**

## شرح

شخصیت متعال پروردگار در متون مقدس ودایی بدین گونه توصیف شده است:

*tam īśvarāṇāṁ paramaṁ maheśvaraṁ*
*taṁ devatānāṁ paramaṁ ca daivatam*
*patiṁ patīnāṁ paramaṁ parastād*
*vidāma devaṁ bhuvaneśam īḍyam*

*na tasya kāryaṁ karaṇaṁ ca vidyate*
*na tat-samaś cābhyadhikaś ca dṛśyate*
*parāsya śaktir vividhaiva śrūyate*
*svābhāvikī jñāna-bala-kriyā ca*

"خداوند متعال کنترل کننده تمامی کنترل‌کنندگان یا به عبارتی حکمران تمامی حکمرانان و ارباب تمامی اربابان و همانا بزرگترین در میان تمامی رهبران سیارات گوناگون است. همه تحت اختیار و اراده خداوند هستند و نیروی فرشتگان و یا هر موجود زنده دیگری تنها از طرف پروردگار افاضه شده است و آنان خود مستقل و متعال نیستند. تمامی فرشتگان به پرستش او

مشغول هستند و او هادی متعال تمام هادیان است. بدین ترتیب شخصیت پروردگار ورای اراده تمامی کنترل‌کنندگان و رهبران مادی قرار دارد و مورد پرستش همگان است. هیچ کس بزرگتر از وی نیست و او علت متعال تمام علل است.»

«سیمای متعال حقیقت مطلق، همانند بدن یک موجود زنده معمولی نیست. از آنجایی که او کمال مطلق است و عاری از دوگانگی، در شکل جاودانی‌اش هیچ تفاوتی بین جسم و روح نیست. تمام حواس خداوند روحانی است و هر یک از حواس متعال او قادر است کار حواس دیگر را انجام دهد. بنابراین کسی برتر از او یا برابر با او نیست. نیروهای پروردگار گوناگون است، و بدین‌سان اعمالش در روندی طبیعی به صورت خود به خود انجام می‌گیرد.» (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۶/۷–۸)

از آنجا که همه چیز در حد کمال و در حقیقت کامل خود در شخصیت خداوند وجود دارد، برای پروردگار متعال هیچ وظیفه‌ای برای انجام دادن موجود نیست. برای شخصی که باید نتایج عمل را دریافت کند، مقداری وظیفه وجود دارد، لیکن کسی که خواهان هیچ گونه دستاوردی در سه جهان نیست، مسلماً هیچ وظیفه‌ای نیز ندارد. با این حال، خداوند کریشنا به عنوان پیشوای کشاتریاها – از آنجا که کشاتریاها وظیفه دارند از دردمندان و ضعیفان حفاظت نمایند – در میدان نبرد کوروکشترا حضور یافته و به انجام وظیفه مشغول شده است. اگرچه خداوند ورای تمام قواعد و قوانین کتب مقدس است، با وجود این هیچ عملی انجام نمی‌دهد که باعث نقض اصول کتب مقدس گردد.

## آیه ۲۳

*yadi hy ahaṁ na varteyaṁ*
*jātu karmaṇy atandritaḥ*
*mama vartmānuvartante*
*manuṣyāḥ pārtha sarvaśaḥ*

*yadi* : اگر ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *aham* : من ـ *na* : نه (علامت منفی ساختن فعل) ـ *varteyam* : بدین گونه مشغول می‌باشم ـ *jātu* : همواره، همه وقت ـ *karmaṇi* : در انجام وظایف تجویزشده ـ *atandritaḥ* : با دقت بسیار ـ *mama* : مال من، م ـ *vartma* : راه ـ *anuvartante* : دنبال خواهند کرد ـ *manuṣyāḥ* : تمام انسانها ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *sarvaśaḥ* : از همه نظر.

## ترجمه

**زیرا، ای پارتها، اگر من به انجام دقیق وظایف تجویزشده مبادرت نورزم، مسلماً همهٔ انسانها نیـز راه مـرا دنبال خواهند کرد.**

## شرح

برای اینکه انسان بتواند در راه زندگی روحانی پیشرفت نماید، تعادل و آرامش اجتماعی لازم است؛ برای حفظ این تعادل و آرامش اصول مذهبی خانوادگی در نظر گرفته شده است که هر انسان متمدنی باید آن را محترم شمارد. اگرچه چنین قواعد و قوانینی برای ارواح مقید است و نه برای خداوند کریشنا، ولی چون او برای پابرجا نمودن اصول دین هبوط کرد، از قوانین تجویزشده پیروی می‌نمود. در غیر این صورت، چون او بزرگترین مرجع است، مردم عادی راه او را دنبال می‌کردند. از شریماد–بهاگاواتام چنین درک می‌شود که خداوند کریشنا تمام وظایف دینی مربوط به خانه و خارج از خانه را همچنانکه از یک سرپرست خانواده انتظار می‌رود انجام داده است.

## آیه ۲۴

*utsīdeyur ime lokā*
*na kuryāṁ karma ced aham*
*saṅkarasya ca kartā syām*
*upahanyām imāḥ prajāḥ*

*utsīdeyuḥ* : در معرض نابودی قرار داده خواهند شد ـ *ime* : تمام اینها ـ *lokāḥ* : جهانها ـ *na* : نه ـ *kuryām* : انجام دهم ـ *karma* : وظایف تجویزشده ـ *cet* : اگر ـ *aham* : من ـ *saṅkarasya* : مربوط به جمعیت ناخواسته ـ *ca* : و ـ *kartā* : خالق، ایجادکننده ـ *syām* : خواهد شد ـ *upahanyām* : نابودخواهد شد ـ *imāḥ* : تمام اینها ـ *prajāḥ* : موجودات زنده.

### ترجمه

**اگر من وظایف تجویزشده را انجام ندهم، تمامی این جهانها در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. بدین سبب، من باعث ایجاد نسل ناخواسته خواهم شد و در نتیجه صلح و آرامش تمام موجودات زنده از بین خواهد رفت.**

### شرح

وارنا ـ سانکارا جمعیت ناخواسته است که هماهنگی و آرامش اجتماع را بر هم می‌زند. برای جلوگیری از این آشفتگی اجتماعی قواعد و قوانین مذهبی تجویزشده‌ای وجود دارد که به موجب آن جامعه بشری بتواند برای پیشرفت در زندگی روحانی به طور خود به خود در نظم و آرامش قرار گیرد. هنگامی که خداوند کریشنا ظهور می‌کند، طبیعتاً با مراعات چنین قواعد و قوانینی، ارزش و ضرورت چنین امور مهمی را ارج می‌نهد. خداوند به مثابه پدر تمام موجودات زنده است و چنانچه موجودات زنده در ضلالت و گمراهی بسر برند، به طور غیر مستقیم مسئولیت این امر متوجه خداوند خواهد بود. از این رو، هر گاه یک بی‌اعتنایی عمومی نسبت به مراعات اصول تنظیم‌کننده وجود داشته باشد، خداوند شخصاً هبوط می‌کند و جامعه را اصلاح می‌نماید. با این حال باید به این موضوع توجه داشته باشیم که گرچه ما باید از راه خداوند، پیروی کنیم لیکن هیچگاه قادر به تقلید از او نخواهیم بود. زیرا پیروی نمودن و تقلید کردن دو امر متفاوت است. ما نمی‌توانیم با بلند کردن تپه گوواردهانا، همان گونه که کریشنا در دوران کودکی این کار را انجام داد، از او تقلید کنیم. این کار برای انسان غیر ممکن است. ما باید از آموزشهای الهی پیروی کنیم و هیچگاه خواهان تقلید از اعمال خداوند نباشیم. شریماد- بهاگاواتام (۱۰/۳۳/۳۰-۳۱) این نکته را چنین تأیید می‌کند:

*naitat samācarej jātu*
*manasāpi hy anīśvaraḥ*
*vinaśyaty ācaran mauḍhyād*
*yathā 'rudro 'bdhi-jaṁ viṣam*

*īśvarāṇāṁ vacaḥ satyaṁ*
*tathaivācaritaṁ kvacit*
*teṣāṁ yat sva-vaco-yuktaṁ*
*buddhimāṁs tat samācaret*

"انسان باید فقط از تعالیم خداوند و خادمان حائز اقتدار او پیروی نماید. کلیه آموزشهای آنان برای ما مفید است و هر شخص خردمندی آنها را همان گونه که توصیه شده انجام می‌دهد. ولی انسان باید خود را از تقلید اعمال آنان برحذر دارد. شخص نباید به تقلید از خداوندگار شیوا قصد نوشیدن اقیانوس سم را نماید."

ما باید همواره موقعیت ایشواراها را به عنوان آحاد عالی‌مقام در نظر داشته باشیم، یعنی کسانی که قادرند حرکات خورشید و ماه را کنترل کنند. شخص بی‌بهره از چنین قدرتهایی نمی‌تواند از ایشواراها، یعنی آنان که فوق‌العاده قدرتمند هستند، تقلید کند. خداوندگار شیوا اقیانوسی از سم را بلعید، درحالی که اگر هر شخص عادی بخواهد حتی ذره‌ای از چنین سمی را بخورد، بی‌درنگ می‌میرد. رهروان کاذب بسیاری وجود دارند که خود را پیرو خداوندگار شیوا می‌دانند و بدین خاطر کشیدن گانجا (ماری‌جوانا) و مواد مخدر دیگر را برای خود مجاز می‌شمارند در حالی که فراموش کرده‌اند که با چنین تقلیدی از اعمال خداوندگار شیوا تنها مرگ را به سوی خود فرامی‌خوانند. به همین ترتیب پیروان کاذب خداوند کریشنا فقط از اعمال روحانی شخصیت الهی در راسا ـ لیلا یا سماع عاشقانه او تقلید می‌کنند، در صورتی که از بلند کردن تپه گوواردهانا کاملا عاجز و ناتوانند. شایسته است که‌انسان فقط از تعالیم صاحبان اقتدار پیروی نماید، بی‌آنکه بخواهد از آنان تقلید کند و یا اینکه در نظر داشته باشد جایگاه و مقام آنها را بدون داشتن شایستگی و صلاحیت اشغال نماید. چنانکه بسیاری از به اصطلاح "ظهورات خداوند" وجود دارند که بی‌آنکه از قدرت پروردگار متعال بهره‌مند باشند خود را ظهور شخصیت الهی معرفی می‌کنند.

## آیه ۲۵

*saktāḥ karmaṇy avidvāṁso*
*yathā kurvanti bhārata*
*kuryād vidvāṁs tathāsaktaś*
*cikīrṣur loka-saṅgraham*

*saktāḥ*: دلبسته شدن ـ *karmaṇi*: به وظایف تجویزشده ـ *avidvāṁsaḥ*: نادانان ـ *yathā*: همان مقدار ـ *kurvanti*: انجام می‌دهند ـ *bhārata*: ای نواده بهاراتا ـ *kuryāt*: باید انجام دهند ـ *vidvān*: دانایان ـ *tathā*: بدین‌سان ـ *asaktaḥ*: بدون دلبستگی ـ *cikīrṣuḥ*: با خواسته هدایت کردن ـ *loka-saṅgraham*: عموم مردم.

## ترجمه

**همان گونه که نادانان وظایف خود را با دلبستگی به نتایج و ثمرات آن انجام می‌دهند، دانایان نیز ممکن است به طرز مشابهی عمل کنند، لیکن آنان بدون دلبستگی و به خاطر هدایت مردم به راه راست چنین می‌کنند.**

## شرح

کسی که در آگاهی به کریشناست، با خواسته‌های متفاوتش از کسی که در آگاهی به کریشنا نیست متمایز می‌گردد. شخص کریشنا آگاه یا خداآگاه هیچ کاری را که موافق و مقارن پیشرفت در آگاهی به کریشنا نباشد، انجام نمی‌دهد. حتی شاید چنین به نظر رسد که او دقیقاً همانند شخصی نادان که دلبستگی بسیار زیادی به فعالیتهای مادی دارد، عمل می‌کند؛ لیکن نادانان برای کامجویی و ارضای حواس مادی خود دست به چنین کارهایی می‌زنند در حالی که شخص خداآگاه برای رضایت کریشنا وقف اعمال گوناگون می‌گردد. بنابراین لازم است که شخص آگاه به کریشنا به مردم نشان دهد چگونه رفتار کنند و چگونه نتایج اعمال خود را به هدف تحقق کریشنا آگاهی به کار گیرند.

## آیه ۲۶

*na buddhi-bhedaṁ janayed*
*ajñānāṁ karma-saṅginām*
*joṣayet sarva-karmāṇi*
*vidvān yuktaḥ samācaran*

*na*: نه ـ *buddhi-bhedam*: مغشوش ساختن شعور ـ *janayet*: او باید باعث گردد ـ *ajñānām*: مربوط به نادانان ـ *karma-saṅginām*: که به اعمال ثمرجویانه دلبسته هستند ـ *joṣayet*: او باید منطبق گرداند ـ *sarva*: تمام ـ *karmāṇi*: عمل ـ *vidvān*: شخص دانا ـ *yuktaḥ*: مشغول شده ـ *samācaran*: تمرین، انجام.

## ترجمه

**فرد دانا، به منظور آشفته نساختن ذهن نادانان که به نتایج و ثمرات وظایف تجویزشده دلبسته‌اند، نباید آنان را به ترک عمل ترغیب کند. بلکه باید از طریق کار کردن با روحیه‌ای حاکی از عشق و عبودیت، آنها را به انجام همه گونه فعالیت [برای پیشرفت تدریجی در آگاهی به کریشنا] مشغول دارد.**

## شرح

*Vedaiś ca sarvair aham eva vedyaḥ*.این است مقصود نهایی از تمام مراسم و مناسک ودایی. تمام مراسم و مناسک، تمام اعمال قربانی و تمام احکامی که در وداها مقرر شده، به انضمام تمام راهنماییهایی که برای کارهای مادی توصیه شده است، همگی به منظور درک کریشنا هستند، چرا که معرفت خداوند هدف نهایی زندگی است. ولی چون ارواح مقید چیزی بجز کامجویی و ارضای حواس مادی را در نظر ندارند، وداها را نیز بدین منظور مطالعه می‌نمایند. از آنجا که شخص از طریق اعمال ثمرجویانه و ارضای حواس مادی که توسط مراسم و مناسک ودایی تنظیم گردیده است به تدریج به مرحله آگاهی به کریشنا ارتقاء می‌یابد، روح خودشناخته که در کریشنا آگاهی بسر می‌برد نباید دیگران را در کارهایشان و درکهایشان آشفته نماید؛ بلکه او باید به ترتیبی عمل کند که نشان دهد چگونه می‌توان نتایج تمام کارها را در خدمت کریشنا وقف کرد. شخص کریشنا آگاه دانا از طریق رفتار درست خویش به اشخاص نادانی که برای ارضای لذات حواس مادی خود کار می‌کنند می‌آموزد

که چگونه عمل کنند و چگونه رفتار نمایند. گرچه نباید اشخاص نادان را در انجام فعالیتهایشان آشفته ساخت، ولی می‌توان شخصی که تمایل به کریشنا آگاهی از خود نشان می‌دهد را، مستقیماً و بدون انتظار اجرای یک سلسله قواعد ودایی، در خدمت خداوند مشغول کرد. برای چنین انسان خوشبختی احتیاجی به پیروی از مراسم و مناسک ودایی نیست، زیرا با کریشنا آگاهی‌مستقیم، انسان می‌تواند از تمام نتایجی که در صورت انجام وظایف تجویزشده به دست می‌آورد، برخوردار گردد.

## آیه ۲۷

*prakṛteḥ kriyamāṇāni*
*guṇaiḥ karmāṇi sarvaśaḥ*
*ahaṅkāra-vimūḍhātmā*
*kartāham iti manyate*

*prakṛteḥ*: مربوط به طبیعت مادی ـ *kriyamāṇāni*: انجام شدن ـ *guṇaiḥ*: توسط گونه‌ها ـ *karmāṇi*: فعالیتها ـ *sarvaśaḥ*: تمام انواع ـ *ahaṅkāra-vimūḍha*: گمگشته و سرگردان با منیت کاذب ـ *ātmā*: روح ـ *kartā*: انجام دهنده ـ *aham*: من ـ *iti*: بدین‌سان ـ *manyate*: او فکر می‌کند.

## ترجمه

**روح که تحت تأثیر منیت کاذب گمراه و سرگردان شده است، خود را فاعل اعمالی می‌پندارد که در حقیقت به‌وسیلهٔ سه گونهٔ طبیعت مادی انجام می‌گردد.**

## شرح

ممکن است چنـین به نظر آید که دو فردی که یکی از آنها کریشنا آگاه و دیگری در آگاهی مادیاست، در ارتباط با یک مورد خاص، همسان عمل می‌کنند، ولی باید دانست که تفاوت عملکرد آنها بسیار زیاد است. کسی که در آگاهی مادی قرار دارد در اثر منیت کاذب بر این باور است که او انجام‌دهنده همه امور است. مادیگرایان نمی‌دانند که مکانیزم بدن به‌وسیله طبیعت مادی، که آن هم به اراده خداوند متـعال عمل می‌کـند، ایجاد شده است. اشخاص مادی واقف نیستند که آنان در نهایت امر تحت اختیار و اراده کریشنا قرار دارند و بدین ترتیب شخصی که تحت تأثیر منیت کاذب قرار گرفـته، خود را فاعل کامل تمامی اعمال و مستقل در انجام همه امور می‌داند و این نشانه جهالت اوست. او نمی‌داند که این طبیعت مادی که تحت فرمان شخصیت متعال خداوند می‌باشد، باعث ایجاد کالبدهای مادی زمخـت و لطیف او شده است و بدین ترتـیب باید اعمال و افکارش در آگاهی به کریشنا وقف طاعت و خدمت به کریشنا گردد. انسان جاهل فراموش می‌کند که شخصیت اعلای پروردگار همانا هریشی‌کشا یا ارباب حواس بدن مادی است و شخص غافل به علت سوء استـفاده طولانی از حواس خود برای ارضای تمایلات نفسانی و کامجویی، واقعاً در اثر منیت کاذب که باعث فراموشی رابطه جاودان او با کریشنا گردیده، سرگردان و گمراه شده است.

## آیه ۲۸

*tattva-vit tu mahā-bāho*
*guṇa-karma-vibhāgayoḥ*
*guṇā guṇeṣu vartanta*
*iti matvā na sajjate*

*tattva-vit*: داننده حقیقت مطلق ـ *tu*: اما ـ *mahā-bāho*: ای مسلّح بزرگ ـ *guṇa-karma*: مربوط به اعمالی که تحت نفوذ نیروی مادی هستند ـ *vibhāgayoḥ*: تفاوتها ـ *guṇāḥ*: حواس ـ *guṇeṣu*: در ارضای حواس ـ *vartante*: مشغول شده‌اند ـ *iti*: بدین‌سان ـ *matvā*: اندیشیدن ـ *na*: هرگز ـ *sajjate*: مجذوب می‌گردد.

## ترجمه

**ای مسلّح بزرگ، کسی که حقیقت مطلق را می‌شناسد، با آگاهی کامل از تفاوت بین کار و عمل در عشـق و عبودیت و کار و عمل برای اجر و ثمر، خود را درگیر حواس و کامجویی نمی‌کند.**

## شرح

کسی که حقیقت مطلق را می‌شناسد به موقعیت ناسازگار خود در تماس با نیروی مادی واقف است. او می‌داند که ذره‌ای از شخصیت متعال خداوند، کریشنا، است و موقعیت اصلی او نباید درحیطه این آفرینش مادی باشد. او به هویت حقیقی خود به عنوان ذره‌ای از حق تعالی، که دانش و شعف جاودان است، آگاهی دارد و واقف است که به گونه‌ای در ادراک مادی از حیات گرفتار شده است. مراد از حیات او، در یک حالت پاک و خالص، وقف شدن در طاعت و خدمت عاشقانه به خداوند کریشنا همان شخصیت اعلای الهی است. از این رو، او خود را وقف امور مربوط به کریشنا آگاهی می‌کند و طبیعتاً نسبت به فعالیتهای حواس مادی که همگی تابع شرایط دنیوی و موقتی هستند، بی‌علاقه می‌شود. او می‌داند که شرایط و موقعیت مادی زندگی او تحت کنترل متعال خداوند می‌باشد؛ در نتیجه در برابر هیچیک از واکنشهای مادی آشفته نمی‌شود، چرا که آنها را لطف خداوند محسوب می‌کند. طبق شریماد– بهاگاواتام کسی که حقیقت مطلق را در سه وجه متفاوت آن یعنی برهمن، پاراماتما و شخصیت متعال خداوند می‌شناسد، تاتوا ـ ویت خوانده می‌شود، زیرا او از موقعیت فطری و حقیقی خود در رابطه با متعال آگاه است.

## آیه ۲۹

*prakṛter guṇa-sammūḍhāḥ*
*sajjante guṇa-karmasu*
*tān akṛtsna-vido mandān*
*kṛtsna-vin na vicālayet*

*prakṛteḥ*: مربوط به طبیعت مادی ـ *guṇa*: توسط گونه‌ها ـ *sammūḍhāḥ*: با هویت مادی تحمیق شده ـ *sajjante*: آنها مشغول می‌گردند ـ *guṇa-karmasu*: در فعالیتهای مادی ـ *tān*: آنها ـ *akṛtsna-vidaḥ*: اشخاصی که بهره اندکی از دانش دارند ـ *mandān*: تنبل نسبت به معرفت خودشناسی ـ *kṛtsna-vit*: کسی که در دانش حقیقی قرار دارد ـ *na*: نه (علامت نفی فعل) ـ *vicālayet*: باید سعی در آشفته ساختن کنند.

## ترجمه

**نادانان که با گونه‌های طبیعت مادی گیج و سردرگم شده‌اند، خود را کاملاً مشغول فعالیتهای مادی می‌سازند و دلبستهٔ آن می‌شوند؛ هرچند که این فعالیتها به علت فقدان دانش اجراکنندگانشان پست و حقیر است، لیکن خردمندان نباید این افراد را با بازداشتن از انجام آن آشفته سازند.**

## شرح

کسانی که از معرفت حقیقی بی‌بهره‌اند، خود را به اشتباه با آگاهی زمخت مادی یکی می‌پندارند و خویشتن را در حجاب انواع القاب و عناوین می‌پوشانند. این بدن هدیه‌ای است که از سوی طبیعت مادی به ما اعطا شده و کسی که دلبستگی بسیار زیادی به آگاهی حواس مادی دارد، ماندا خوانده می‌شود؛ یعنی شخصی که نسبت به درک معرفت خودشناسی بی‌قید و لاابالی است. جاهلان، این‌کالبد جسمانی را حقیقت خود می‌پندارند، روابط بدنی با دیگران را به عنوان تعلقات خویشاوندی محسوب می‌کنند، سرزمینی را که بدن در آن تولد یافته قابل پرستش و ظواهر شعائر مذهبی را هدف می‌دانند. چنین اشخاصی که در بحر القاب و عناوین مادی غوطه‌ورند خود را به کارهایی از جمله خدمات اجتماعی، ملی‌گرایانه و نوع‌دوستانه مشغول می‌دارند. تحت افسون چنین مقامات یا عناوینی، همواره سرگرم امور دنیوی اند؛ برای آنان معرفت روحانی افسانه‌ای بیش نیست و بدین‌سان علاقه‌ای نیز به آن ندارند. اما کسانی که به آگاهی روحانی دست یافته‌اند، بهتر است که به فعالیتهای روحانی خود به آرامی ادامه دهند و

افراد مذکور را دچار آشفتگی نسازند. زیرا این اشخاص گمگشته ممکن است به این اصول اخلاقی اولیه در زندگی همچون صلح‌جویی و امور عام‌المنفعه مادی مشابه پای‌بند باشند.
نادانان نمی‌توانند قدر و منزلت کار در آگاهی به کریشنا را بدانند و بدین جهت خداوند کریشنا به ما توصیه می‌کند که آنان را آشفته نسازیم و وقت ارزشمند خود را تلف نکنیم. با این حال، مریدان خداوند مهربانتر از او هستند، زیرا آنان منظور و مقصود خداوند را می‌دانند؛ در نتیجه تمامی‌خطرات را بر خود هموار می‌کنند، و نزد اشخاص غافل می‌روند بدان امید که آنان را به کارهای آگاهی به کریشنا که مطلقاً برای انسان لازم است، مشغول گردانند.

## آیه ۳۰

*mayi sarvāṇi karmāṇi*
*sannyasyādhyātma-cetasā*
*nirāśīr nirmamo bhūtvā*
*yudhyasva vigata-jvaraḥ*

*mayi*: به من ـ *sarvāṇi*: تمام انواع ـ *karmāṇi*: فعالیتها ـ *sannyasya*: با تسلیم کردن کامل ـ *adhyātma*: با دانش کامل ذات ـ *cetasā*: به‌وسیله آگاهی ـ *nirāśīḥ*: بدون آرزو برای منفعت ـ *nirmamaḥ*: بدون حس مالکیت ـ *bhūtvā*: اینچنین بودن ـ *yudhyasva*: بجنگ ـ *vigata-jvaraḥ*: فاقد سستی و ضعف بودن.

## ترجمه

**بنابراین، ای آرجونا، با تسلیم تمام اعمالت به من و با آگاهی کامل نسبت به من، بدون خواسته و آرزو برای منفعت، عاری از هر گونه احساس مالکیت و آزاد از سستی و ضعف، بجنگ.**

## شرح

این آیه به وضوح هدف بهاگاواد–گیتا را بیان می‌کند. خداوند تعلیم می‌دهد که انسان برای انجام وظایف خود باید کاملا کریشنا آگاه گردد تا آنها را، چنانکه گویی در نظام ارتش است، انجام دهد. چنین دستوری شاید کارها را قدری مشکل سازد؛ ولی به هر حال وظایف باید با اتکال به خداوند انجام گردد، زیرا توکل به کریشنا و رابطه با خداوند موقعیت فطری موجود زنده است. موجود زنده نمی‌تواند مستقلا و بدون رابطه و همکاری با خداوند متعال خوشحال و خوشبخت باشد، زیرا رضایت فطری و ابدی موجود زنده، تحقق خواسته‌های خداوند است. بنابراین، شری کریشنا، چنانکه گویی فرمانده نظامی آرجونا باشد، به او دستور جنگ می‌دهد. انسان باید همه چیز را برای رضایت خداوند متعال قربانی کند و در عین حال وظایف تجویزشده خود را بدون احساس مالکیت انجام دهد. ضروری نبود که آرجونا احکام خداوند را مورد بررسی قرار دهد، بلکه فقط کافی بود که آنها را به عنوان دستور اجرا نماید. پروردگار متعال روح و جان تمام ارواح است؛ از این رو کسی که به طور کامل قلباً و روحاً، عاری از هر گونه خودخواهی به روح متعال توکل می‌کند، یا به عبارت دیگر کسی که کاملا کریشنا آگاه است، آدهیاتما ـ چتاس خوانده می‌شود. نیراشیه یعنی انسان باید طبق دستور استاد و عاری از هر گونه چشمداشت به نتایج ثمرجویانه عمل کند. صندوقدار شاید میلیونها تومان را برای صاحبکار خود شمارش کند، ولی او حتی مدعی مالکیت یک ریال از آن هم نمی‌شود.
به همین ترتیب انسان باید درک کند که جز خداوند هیچ کس را بر هیچ چیز مالکیتی نیست و حق مالکیت همه چیز خاص آن وجود متعال است. این مفهوم حقیقی واژه "مایی" یا "به من" می‌باشد. و هنگامی که انسان به این ترتیب در آگاهی به خداوند عمل نماید، قطعاً بر هیچ چیز ادعای واهی مالکیت نخواهد کرد. این آگاهی "نیرماما" یا "هیچ چیز متعلق به من نیست" خوانده

می‌شود. و چنانچه در شخص، هر گونه بی‌میلی در انجام چنین دستور محکمی که بدون در نظر گرفتن روابط به اصطلاح خویشاوندی که بر محور تعلقات جسمانی استوار است، وجود داشته باشد، چنین بی‌میلی باید دور افکنده شود، زیرا بدین ترتیب است که انسان می‌تواند "ویگاتا ـ جوارا"، یعنی بدون ذهنیت بی‌قرار یا فاقد سستی و ضعف گردد. هر کسی طبق گونا و کارما یا به عبارتی طبق لیاقت و موقعیت خود از کار خاصی به عنوان وظیفه برخوردار است که مسئولیت انجام آن را بر عهده دارد و چنانچه آنها را – همان گونه که در فوق ذکر گردید – در آگاهی به کریشنا انجام دهد به رهایی دست خواهد یافت.

## آیه ۳۱

*ye me matam idaṁ nityam*
*anutiṣṭhanti mānavāḥ*
*śraddhāvanto 'nasūyanto*
*mucyante te 'pi karmabhiḥ*

*ye*: آن کسانی که ـ *me*: مال من، م ـ *matam*: دستورات ـ *idam*: اینها ـ *nityam*: به عنوان یک عملکرد ابدی ـ *anutiṣṭhanti*: به طور منظم انجام می‌دهند ـ *mānavāḥ*: انسانها ـ *śraddhā-vantaḥ*: با ایمان و عشق و عبودیت ـ *anasūyantaḥ*: بدون حسد ـ *mucyante*: آزاد می‌گردند ـ *te*: همه آنها ـ *api*: حتی ـ *karmabhiḥ*: از اسارت قوانین اعمال ثمرجویانه.

## ترجمه

**کسانی که وظایف خود را بر اساس تعالیم من انجام می‌دهند و با ایمـان و بـدون حسـادت از آن پیـروی می‌کنند، از زنجیرهای اسارت اعمال ثمرجویانه رها می‌گردند.**

## شرح

تعلیمات شری‌کریشنا، شخصیت متعال پروردگار، جوهر و چکیده خرد ودائی را تشکیل می‌دهد و به این خاطر حقیقتی جاودان و مطلق است. همان گونه که وداها جاودان می‌باشد، این حقیقت آگاهی به کریشنا نیز جاودان است. انسان باید بی‌آنکه بخواهد به خداوند حسد ورزد، از ایمان محکم به فرامین الهی برخوردار باشد. فیلسوفان بسیاری هستند که بدون ایمان به کریشنا، بر بهاگاواد–گیتا تفسیر می‌نویسند؛ با این وصف برای آنان هرگز رهایی از اسارت اعمال ثمرجویانه میسر نمی‌شود. در حالی که یک انسان عادی که به دستورات ابدی خداوند ایمان راسخ دارد، حتی چنانچه قادر به انجام این دستورات نباشد، از بند قانون کارما رها می‌گردد. انسان در آغاز کریشنا آگاهی، ممکن است از عهده انجام کامل دستورات خداوند برنیاید، ولی چون از سرسپردگی به این اصول رویگردان نیست و صادقانه و مشتاقانه و بدون ناامیدی و یا در نظر گرفتن شکست کار می‌کند، قطعاً به مرحله پاک و خالص آگاهی به کریشنا دست خواهد یافت.

## آیه ۳۲

*ye tv etad abhyasūyanto*
*nānutiṣṭhanti me matam*
*sarva-jñāna-vimūḍhāṁs tān*
*viddhi naṣṭān acetasaḥ*

*ye*: آنها ـ *tu*: ولی ـ *etat*: این ـ *abhyasūyantaḥ*: از روی حسد ـ *na*: علامت منفی ساختن فعل ـ *anutiṣṭhanti*: به طور منظم انجام می‌دهند ـ *me*: مال من، م ـ *matam*: دستور، فرمان ـ *sarva-jñāna*: در تمام انواع دانش ـ *vimūḍhān*: کاملاً جاهل و نادان شده ـ *tān*: آنها هستند ـ *viddhi*: به درستی بدان ـ *naṣṭān*: همگی نابود شده ـ *acetasaḥ*: بدون آگاهی به کریشنا.

### ترجمه

**ولی آنان که به علت حسادت این تعالیم را نادیده می‌گیرند و از آن پیروی نمی‌کنند، جاهل و غافل محسوب می‌شوند و تلاش آنها برای کمال محکوم به شکست خواهد بود.**

## شرح

در اینجا عیب و کاستی کریشنا آگاه نبودن یا فقدان آگاهی الهی در انسان به روشنی بیان شده است. همان گونه که برای سرپیچی از دستورات و قوانین دولتی مجازات وجود دارد، به همین ترتیب سرپیچی از فرامین الهی نیز قطعاً مجازات به دنبال خواهد داشت. شخص نافرمان، هرقدر هم بزرگ باشد، نسبت به ذات خود، برهمن متعال، پاراماتما و شخصیت پروردگار غافل است، زیرا قلب او تهی و خالی است. بنابراین برای او هیچ امیدی برای دستیابی به کمال زندگی وجود ندارد.

## آیه ۳۳

*sadṛśaṁ ceṣṭate svasyāḥ*
*prakṛter jñānavān api*
*prakṛtiṁ yānti bhūtāni*
*nigrahaḥ kiṁ kariṣyati*

*sadṛśam*: بر طبق آن ـ *ceṣṭate*: تلاش می‌کند ـ *svasyāḥ*: به‌وسیله (گونه‌های طبیعت) که از آن خود اوست ـ *prakṛteḥ*: گونه‌های طبیعت ـ *jñāna-vān*: دانا، صاحب دانش ـ *api*: هرچند ـ *prakṛtim*: طبیعت ـ *yānti*: تبعیت می‌کنند ـ *bhūtāni*: تمام موجودات زنده ـ *nigrahaḥ*: جلوگیری، سرکوب ـ *kim*: چه ـ *kariṣyati*: می‌تواند انجام دهد.

### ترجمه

**حتی شخص صاحب دانش نیز بر اساس طبیعت خود عمل می‌کند، زیرا همه طبق خصوصیات فردی خود که از سه گونهٔ طبیعت مادی کسب کرده‌اند عمل می‌کنند. پس سرکوب کردن آنها چه فایده‌ای در بر دارد**

## شرح

مادامی که انسان در مرحله روحانی آگاهی به کریشنا قرار نگرفته باشد، نمی‌تواند از نفوذ و تأثیر گونه‌های طبیعت مادی آزاد گردد، همان طور که این موضوع از طرف خداوند در فصل هفتم (۱۴/۷) تأیید شده است. بنابراین حتی برای بزرگترین تحصیل‌کرده و برجسته‌ترین دانشمند که در سطح مادی قرار دارد، غیر ممکن است که صرفاً با دانش تئوریک (دانش نظری)، یا به صرف اطلاع از دوگانگی روح و بدن بتواند از اسارت مایا رهایی یابد. روحانی‌نمایان بسیاری وجود دارند که وانمود می‌کنند در علم و معرفت پیشرفته هستند، در حالی که کاملا تحت تأثیر گونه‌های خاصی از طبیعت، که از عهده فائق آمدن بر آنها برنمی‌آیند، قرار دارند. از دیدگاه تحصیلات دانشگاهی شاید شخصی بسیار باسواد باشد، ولی او نیز به علت تماس و معاشرت

طولانی با گونه‌های طبیعت مادی در اسارت واقع است. آگاهی به کریشنا انسان را یاری می‌دهد تا از گرفتاری و اسارت حیات مادی رهایی یابد، حتی چنانچه مشغول انجام وظایف تجویزشده خود بر حسب موجودیت مادی باشد. از این رو، انسان نباید بدون آنکه کاملا در آگاهی به کریشنا واقع شده باشد، وظایف تجویزشده و تکالیف مقرره خود را رها سازد و ظاهراً به یک یوگی یا روحانی کاذب مبدل شود. بهتر است که انسان موقعیت خود را حفظ نماید و تلاش کند تحت تعلیمات شخص عالی‌مقام به کریشنا آگاهی دست یابد؛ زیرا بدین ترتیب انسان می‌تواند از پنجه‌های اسارت مایای کریشنا آزاد گردد.

## آیه ۳۴

*indriyasyendriyasyārthe*
*rāga-dveṣau vyavasthitau*
*tayor na vaśam āgacchet*
*tau hy asya paripanthinau*

*indriyasya*: مربوط به حواس ـ *indriyasya arthe*: به اشیای جلب کننده حواس ـ *rāga*: دلبستگی ـ *dveṣau*: همچنین عدم دلبستگی ـ *vyavasthitau*: تحت قواعد و اصول قرار بده ـ *tayoḥ*: مربوط به آنها ـ *na*: هرگز ـ *vaśam*: کنترل ـ *āgacchet*: شخص باید بیاید ـ *tau*: آنها ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *asya*: مال او، ش ـ *paripanthinau*: موانع.

## ترجمه

**دلبستگی و دلزدگی ناشی از رابطۀ بین حواس و اشیاءِ جلب کنندۀ آنها را می‌توان از طریق قواعد و اصول موجود تنظیم کرد. انسان نباید تحت فرمان چنین دلبستگیها و دلزدگیهایی که موانعی در راه خودشناسی محسوب می‌شوند قرار گیرد.**

## شرح

کسانی که در آگاهی به کریشنا واقع شده‌اند طبیعتاً تمایلی به کامجویی و ارضای تمایلات نفسانی ندارند. و اما کسانی که در چنین آگاهی نیستند، می‌باید از قواعد و قوانین کتب مقدس پیروی کنند. تمتع افسارگسیخته و بدون محدودیت از لذات حسی عامل اسارت مادی است، لیکن کسی که قواعد و قوانین کتب مقدس را دنبال کند، گرفتار و اسیر موضوعات جلب‌کننده حواس نمی‌گردد. برای مثال، لذت جنسی برای نفس اسیر مادیات لازم به شمار می‌آید، ولی فقط در چارچوب ازدواج جایز شمرده شده است. طبق دستورات کتب مقدس، انسان از داشتن رابطه جنسی با زنان به جز همسر خود منع شده است؛ بر انسان واجب است که بیاموزد به تمام زنان دیگر به دیده مادر خود بنگرد، ولی به رغم وجود چنین احکامی، مردانی وجود دارند که مایلند با زنان دیگر رابطه جنسی داشته باشند. انسان باید از این تمایلات امتناع ورزد و ساحت ضمیر خویش را از وجود چنین تمایلاتی پاک سازد، زیرا در غیر این صورت آنها موانعی در راه خودشناسی خواهند بود.

مادامی که بدن مادی وجود دارد، برآورده ساختن نیازهای آن در چارچوب قواعد جایز شمرده شده است، ولی با این وصف ما نباید به چنین اجازه‌هایی اتکا کنیم بلکه انسان باید از قواعد و قوانین، بی‌آنکه بخواهد به آنها دلبسته شود، پیروی نماید زیرا حتی ارضای تمایلات حواس یا به عبارتی امیال نفسانی که در چارچوب قواعد و قوانین صورت می‌گیرد نیز می‌تواند انسان را به گمراهی و سرگردانی سوق دهد، چنانکه در جاده‌های مطلوب نیز امکان تصادف وجود دارد. اگرچه ممکن است جاده به دقت رسیدگی و نگاهداری شود، ولی هیچکس نمی‌تواند تضمین کند که حتی امن‌ترین جاده‌ها نیز خالی از خطر باشد. روحیه کامجویی در موجود زنده به علت معاشرت مادی، از زمانهای بسیار دور در او وجود داشته است. از این رو، چنانکه ارضای

تمایلات حسی و شهوانی طبق قواعد و قوانین تنظیم شده نیز صورت پذیرد، باز امکان زیادی برای لغزش و سقوط وجود دارد؛ بنابراین از هر گونه دلبستگی به ارضای محدود و تنظیم شده حواس نیز باید به هر طریق اجتناب نمود. اما دلبستگی به کریشنا آگاهی، یا همواره عمل کردن در خدمت عاشقانه خداوند، انسان را از تمام اعمال حسی و شهوانی جدا و دور می‌نماید. در نتیجه، در تمام مراحل زندگی نباید از آگاهی به کریشنا غافل و دور شد. هدف اصلی از پیراسته شدن از تمام دلبستگیهای نفسانی، واقع شدن در سکوی کریشنا آگاهی است.

## آیه ۳۵

*śreyān sva-dharmo viguṇaḥ*
*para-dharmāt sv-anuṣṭhitāt*
*sva-dharme nidhanaṁ śreyaḥ*
*para-dharmo bhayāvahaḥ*

*śreyān*: به مراتب بهتر ـ *sva-dharmaḥ*: وظایف تجویزشده شخص ـ *viguṇaḥ*: حتی توأم بانقص و خطا ـ *para-dharmāt*: نسبت به وظایفی که برای دیگران ذکر گردیده ـ *su-anuṣṭhitāt*: به‌طور کامل انجام شده ـ *sva-dharme*: در وظایف تجویزشده شخص ـ *nidhanam*: نابودی ـ *śreyaḥ*: بهتر ـ *para-dharmaḥ*: وظایفی که برای دیگران تجویزشده ـ *bhaya-āvahaḥ*: خطرناک.

## ترجمه

**بهتر است انسان، حتی به صورت ناقص، به وظیفهٔ تجویز شدهٔ خود بپردازد تا به وظیفهٔ شخص دیگر به صورت کامل. نابود شدن در خلال انجام وظیفهٔ خود، به مراتب بهتر از انجام وظایف شخص دیگر است، زیرا دنبال نمودن راه دیگران خطرناک است.**

## شرح

انسان به جای آنکه بخواهد به وظایف دیگران بپردازد، باید وظایف تجویزشده خود را در آگاهی کامل به کریشنا انجام دهد. از نظر مادی، وظایف تجویزشده وظایفی هستند که بر اساس ساختار روانی شخص، که به موجب گونه‌های طبیعت مادی کسب کرده، مقرر گشته‌اند. وظایف روحانی نیز چنانکه پیر روحانی دستور می‌دهد به منظور خدمت روحانی به کریشنا است. ولی چه از جنبه مادی یا روحانی، انسان به جای آنکه بخواهد از وظایف تجویزشده دیگران تقلید کند، می‌باید تا آخرین لحظه زندگی با جدیت به وظایف تجویزشده خود بپردازد. گرچه ممکن است وظایف در عرصه روحانی با وظایف در سطح مادی متفاوت باشد، ولی اصل پیروی از هدایت معتبر، همواره برای انجام‌دهنده مفید است. تا هنگامی که انسان تحت نفوذ گونه‌های طبیعت مادی قرار دارد باید وظایف خاص مربوط به خود را دنبال نماید و نباید از دیگران تقلید کند؛ به عنوان مثال یک براهمانا که در گونهٔ نیکی است، عاری از خشونت است؛ در حالی که یک کشاتریا که در گونهٔ شهوت است، اجازه اعمال خشونت را دارد. از این رو، برای یک کشاتریا بهتر است با دنبال نمودن قوانین اعمال خشونت از میان برود، تا اینکه بخواهد از یک براهمانا که اصول عدم اعمال خشونت را دنبال می‌کند تقلید نماید. همه باید قلب خود را از طریق یک روند تدریجی پاک کنند. ولی، هنگامی که شخص از گونه‌های طبیعت مادی فرا رود و کاملا در آگاهی به کریشنا واقع گردد، می‌تواند هر چیزی و هر کاری را تحت راهنمایی یک پیر روحانی واجد شرایط انجام دهد؛ در مرحله کمال آگاهی به کریشنا، کشاتریا می‌تواند مانند یک براهمانا رفتار کند و یا بالعکس، زیرا تمایزات دنیای مادی در سطح روحانی صدق نمی‌کند. به عنوان مثال، ویشوامیترا که در اصل یک

کشاتریا بود، به صورت یک براهمانا رفتار کرد، در حالی که پاراشوراما که یک براهمانا بود نیز توانست به صورت یک کشاتریا عمل نماید. آنان چون در عرصه روحانی قرار داشتند می‌توانستند چنین کنند؛ ولی مادامی که انسان در سطح مادی قرار دارد، باید وظایف خود را بر اساس گونه‌هایی که از طبیعت مادی کسب کرده، در آگاهی کامل به کریشنا، انجام دهد.

## آیه ۳۶

*arjuna uvāca*
*atha kena prayukto 'yaṁ*
*pāpaṁ carati pūruṣaḥ*
*anicchann api vārṣṇeya*
*balād iva niyojitaḥ*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *atha*: سپس ـ *kena*: به‌وسیله چه چیز ـ *prayuktaḥ*: وادارشده ـ *ayam*: شخص ـ *pāpam*: گناهان ـ *carati*: انجام می‌دهد ـ *pūruṣaḥ*: انسان ـ *anicchan*: بدون خواسته ـ *api*: هر چند ـ *vārṣṇeya*: ای نواده وریشنی ـ *balāt*: تحت اجبار ـ *iva*: چنانکه‌گویی ـ *niyojitaḥ*: مشغول شده، مبادرت ورزیده.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای نوادۀ وریشنی، چه چیز انسان را، حتی به رغم میل باطنیش، به ارتکاب گناه وا می‌دارد چنانکه گویی مجبور به انجام آن شده است؟**

## شرح

گوهر روح موجود زنده، به عنوان ذره‌ای از متعال، در اصل روحانی، پاک، منزه و مبری از تمام آلودگیهای مادی است. بنابراین، گوهر روح طبعاً و ذاتاً در معرض گناهان دنیای مادی قرار ندارد. ولی هنگام تماس با طبیعت مادی ناگزیر مرتکب گناهان بسیاری می‌گردد که گاهی اوقات حتی برخلاف خواست و اراده خود می‌باشد. بدین ترتیب، سؤال آرجونا از کریشنا راجع به طبیعت انحراف یافته موجودات اسیر مادیات بسیار مشتاقانه است؛ هرچند گاهی اوقات موجودات نمی‌خواهند گناه کنند، با این حال گویی وادار به گناه می‌شوند. اما این روح متعال درون نیست که انسان را به گناه وادار می‌کند، بلکه عامل دیگری باعث ارتکاب گناه می‌شود که خداوند در آیه بعد آن را توضیح می‌دهد.

## آیه ۳۷

*śrī-bhagavān uvāca*
*kāma eṣa krodha eṣa*
*rajo-guṇa-samudbhavaḥ*
*mahāśano mahā-pāpmā*
*viddhy enam iha vairiṇam*

*śri-bhagavān uvāca*: شخصیت پروردگار فرمود ـ *kāmaḥ*: شهوت و آز ـ *eṣaḥ*: این ـ *krodhaḥ*: خشم ـ *eṣaḥ*: این ـ *rajaḥ-guṇa*: گونۀ شهوت ـ *samudbhavaḥ*: زاده شده از، پدیدآمده از ـ *mahā-aśanaḥ*: نابودکننده کامل ـ *mahā-pāpmā*: فوق‌العاده گناهکار ـ *viddhi*: بدان ـ *enam*: این ـ *iha*: در جهان مادی ـ *vairiṇam*: بزرگترین دشمن.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: ای آرجونا، آنچه باعث گناه می‌شود فقط شهوت و آز است که از تماس با گونهٔ مادی شهوت پدید می‌آید؛ و پس از تبدیل شدن به خشم است که دشمن ویران‌کنندهٔ این جهان و سرچشمهٔ گناهان می‌گردد.**

## شرح

هنگامی که گوهر روح پا به عرصه آفرینش مادی می‌نهد، در تماس با راجا ـ گونا یا گونهٔ شهوت، عشق جاودان او برای شری‌کریشنا، شخصیت مطلق الهی، به شهوت و آز تبدیل می‌شود، همان گونه که شیر در تماس با تمبر هندی ترش به ماست تبدیل می‌شود. شهوت و آز وقتی ارضاء نشود، به خشم تبدیل می‌گردد و خشم به توهم منجر می‌شود و توهم باعث استمرار موجودیت مادی‌می‌گردد. بنابراین، شهوت و آز بزرگترین دشمن موجود زنده است و هم اوست که روح پاک را وادار می‌سازد تا در زنجیر اسارت دنیای مادی باقی بماند. خشم جلوه و نمود گونهٔ جهل است و این گونه‌های طبیعت مادی است که خود را به صورت خشم و حالات و صفات دیگر متجلی می‌سازد. چنانچه گونهٔ شهوت، به جای آنکه به گونهٔ جهل تنزل یابد، با اجرای اصول مدون الهی برای کار و زندگی به گونهٔ نیکی ارتقاء پیدا کند، شخص قادر می‌گردد از طریق دلبستگی روحانی از سیر نزولی و قهقرایی خشم نجات یابد.

شخصیت متعال خداوند به واسطه شعف روحانیش که همواره در حال فزونی است، خود را به بسیاری بسط داد و آحاد زنده یا ارواح، اجزاء و ذرات این شعف روحانی هستند. آنان نیز از استقلال‌و اختیار اندکی برخوردارند، ولی با سوءاستفاده از آزادی و اختیار خود، هنگامی که حالت فطری خدمت و عشق و بندگی در آنان به ارضای تمایلات حسی و شهوانی تبدیل می‌شود، تحت نفوذ شهوت و آز واقع می‌گردند. بدین ترتیب خداوند، این عالم مادی را آفرید و در اختیار ارواح اسیر مادیات نهاد تا بتوانند تمایلات شهوانی و آزمندانه خود را برآورده سازند و آن هنگام که از چنین تمایلات دیرینه‌ای کاملا مأیوس گردیدند و روی برتافتند، پرسش و جستجو درباره موقعیت حقیقی خود را آغاز نمایند.

این پرسش شروع ودانتا ـ سوتراها می‌باشد؛ آنجا گفته شده، آتهاتو برهما ـ جیگیاسا: شخص باید درباره حقیقت متعال پرسش و جستجو نماید. در شریماد– بهاگاواتام این حقیقت متعال بدین ترتیب توصیف شده است: *janmādy asya yato 'nvayād itarataś ca* "اصل و منشأ همه چیز از برهمن متعال است." از این رو، شهوت و آز نیز از حقیقت متعال نشأت می‌گیرد. بنابراین اگر شهوت و آز به عشق به حقیقت متعال ، یا به کریشناآگاهی، یعنی خواستن همه چیز برای رضایت کریشنا تبدیل شود، در این صورت شهوت و آز و خشم هر دو روحانی می‌گردد. برای مثال، هانومان خادم بزرگ خداوند را می‌توان در نظر گرفت که خشم خود را بر ضد دشمنان و برای رضایت خداوند به کار گرفت و شهر طلایی راوانا را به آتش کشید و با این عمل از بزرگترین مریدان خداوند گردید. خداوند کریشنا نیز آرجونا را ترغیب می‌کند که خشم خود را در جهت رضایت الهی به کار گیرد. بنابراین، شهوت و آز و خشم، هنگامی که در آگاهی به کریشنا به کار گرفته شود، از دشمن ما مبدل به دوست ما می‌گردد.

## آیه ۳۸

*dhūmenāvriyate vahnir*
*yathādarśo malena ca*
*yatholbenāvṛto garbhas*
*tathā tenedam āvṛtam*

*dhūmena*: با دود ـ *āvriyate*: پوشیده شده است ـ *vahniḥ*: آتش ـ *yathā*: درست همان گونه‌که ـ *ādarśaḥ*: آینه ـ *malena*: با غبار ـ *ca*: همچنین ـ *yathā*: درست همان گونه که ـ *ulbena*: با زهدان ـ *āvṛtaḥ*: پوشیده شده است ـ *garbhaḥ*: جنین ـ *tathā*: همین طور ـ *tena*: با آن شهوت وآز ـ *idam*: این ـ *āvṛtam*: پوشیده شده است.

## ترجمه

**همان گونه که دود آتش را مستور می‌سازد، غبار آینه را می‌پوشاند و زهدان جنین را در برمی‌گیرد، موجود زنده نیز با درجات مختلفی از شهوت و آز پوشیده شده است.**

## شرح

حجاب نفسانی، در سه درجه، آگاهی پاک و خالص گوهر روحانی موجود زنده را در بر گرفته و آن را در تاریکی و ظلمت فرو برده است. این حجاب نفسانی همان شهوت و آز است که به مظاهر گوناگون همچون دودی که بر گرد آتش وجود دارد، یا غباری که بر آینه فرو نشسته، و یا رحمی که جنین را در خود پوشانده، تشبیه شده است. هنگامی این شهوت و آز به دود تشبیه می‌گردد، که آتش‌آن شراره روحانی به میزان کمی قابل درک است، یا به بیان دیگر وقتی موجود زنده اندکی آگاهی به کریشنا یا حس خداشناسی خود را نشان می‌دهد، می‌توان آن را همانند آتشی دانست که با دود پوشیده شده است؛ هرچند دود نشانه وجود حتمی آتش است، ولی در مراحل اولیه تجلی بارزی از آتش هویدا نیست. این مرحله مانند آغاز آگاهی به کریشنا است. ذرات گرد و غبار روی آینه عطف به طریق تهذیب آینه ذهن است که با بسیاری از روشهای روحانی صورت می‌گیرد که بهترین آنها را می‌توان ذکر اسماء مقدس خداوند دانست. مثال جنین در رحم، مقایسه‌ای است برای نشان دادن یک حالت مستأصل و وضعیت ناتوان، زیرا طفل در رحم چنان ناتوان است که حتی قادر به حرکت نیست. این شرایط حیات را می‌توان با زندگی درختان مقایسه کرد. گوهر روحانی در کالبد درخت نیز وجود دارد؛ ولی به موجب کثرت شهوت و آز در چنان شرایطی از حیات واقع شده است که تقریباً عاری از هر گونه آگاهی به نظر می‌رسد. آینه آغشته به غبار با حیات پرندگان و جانوران، و آتشی که گرد آن را دود فرا گرفته با حیات انسانی مقایسه شده است. گوهر روح در حیات بشری ممکن است کمی آگاهی به کریشنا را احیا نماید و چنانچه بیشتر پیشرفت کند، می‌تواند آتش زندگی روحانی را در حیات انسانی برافروزد و آن را شعله‌ور سازد. با مهار کردن دقیق و سنجیده دودی که بر گرد آتش وجود دارد، می‌توان آتش را شعله‌ور ساخت. بنابراین، شکل انسانی حیات برای گوهر روح به منزله فرصت گرانبهایی است که از اسارت هستی مادی رهایی یابد. در حیات انسانی است که شخص قادر می‌گردد با پرورش آگاهی به کریشنا تحت هدایت یک راهنمای قابل و لایق بر دشمن سیری‌ناپذیرخود یعنی شهوت و آز فائق آید.

## آیه ۳۹

*āvṛtaṁ jñānam etena*
*jñānino nitya-vairiṇā*
*kāma-rūpeṇa kaunteya*
*duṣpūreṇānalena ca*

*āvṛtam*: پوشیده شده ـ *jñānam*: آگاهی خالص، معرفت ناب ـ *etena*: توسط این ـ *jñāninaḥ*: مربوط به داننده ـ *nitya-vairiṇā*: توسط دشمن ابدی ـ *kāma-rūpeṇa*: در قالب شهوت و آز ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *duṣpūreṇa*: هیچگاه ارضاء نشدن ـ *analena*: با آتش ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**بدین‌سان، ای پسر کونتی، آگاهی خالص موجود زنده به‌وسیلهٔ دشمن ابدی او یعنی شهوت و آز که سیری‌ناپذیر و سوزان همچون آتش می‌باشد پوشیده شده است.**

## شرح

در مانو ـ اسمریتی گفته شده است که شخص هر قدر به ارضای حواس و تمتع از لذات نفسانی بپردازد، باز شهوت و آز سیر نمی‌شود، درست همان گونه که با رساندن پیوسته سوخت به آتش،هرگز نمی‌توان آن را خاموش ساخت. مرکز اصلی تمامی فعالیتهایی که در آگاهی دنیای مادی صورت می‌گیرد تمایلات جنسی است و از این رو دنیای مادی، مایتهونیا ـ آگارا یا زنجیرهای رابطه جنسی خوانده می‌شود. همان گونه که در زندان مجرمان را در سلولهای آهنین حبس می‌کنند، به همین ترتیب گناهکارانی که از فرامین الهی اطاعت نمی‌کنند و نسبت به قوانین خداوند عصیان کرده‌اند تحت نفوذ تمایلات جنسی در زندان دنیای مادی به بند کشیده می‌شوند. پیشرفت تمدن مادی که بر پایه ارضای نفس بنا شده، متضمن افزایش مدت حیات مادی موجود زنده است. در نتیجه این شهوت و آز، نماد جهل و غفلتی است که آن گوهر روحانی موجود زنده را در چنگ دنیای مادی اسیر کرده است. ممکن است شخصی با لذت بردن از ارضای تمایلات نفسانی قدری شادمانی و خوشبختی احساس کند، حال آنکه در حقیقت این به اصطلاح شادی و لذت، دشمن نهایی آن گوهر روحانی (لذت‌برنده از حواس) است.

## آیه ۴۰

*ndriyāṇi mano buddhir*
*asyādhiṣṭhānam ucyate*
*etair vimohayaty eṣa*
*jñānam āvṛtya dehinam*

*indriyāṇi*: حواس ـ *manaḥ*: ذهن ـ *buddhiḥ*: شعور ـ *asya*: مربوط به این شهوت و آز ـ *adhiṣṭhānam*: محل استقرار ـ *ucyate*: خوانده می‌شود ـ *etaiḥ*: توسط همه اینها ـ *vimohayati*:سرگردان می‌کند ـ *eṣaḥ*: این شهوت و آز ـ *jñānam*: دانش ـ *āvṛtya*: پوشاندن ـ *dehinam*: مربوطبه روح قالب گرفته.

## ترجمه

**حواس، ذهن و شعور محل استقرار شهوت و آز است و از طریق آنها دانش و آگاهی حقیقی موجود زنده را می‌پوشاند و او را گمراه و سرگردان می‌کند.**

## شرح

دشمن مواضع حساس گوناگونی را در کالبد جسمانی روح اسیر مادیات اشغال کرده است و ازاین رو خداوند کریشنا نام این مکانها را فاش می‌سازد تا کسی که بخواهد بر دشمن استیلا یابد، قادر گردد مواضع او را بیابد. ذهن مرکز تمام فعالیتهای حواس است و از این روست که با گوش فرا دادن به موضوعات ارضای حواس، ذهن آکنده از افکاری می‌گردد که هدف آنها ارضای نفس است؛ نتیجتاً ذهن و حواس پایگاه شهوت و آز می‌گردد. سپس قوه تشخیص و شعور شخص به مرکز اصلی چنین تمایلات شهوانی و آزمندانه تبدیل می‌گردد. از آنجا که شعور همسایه و همجوار روح است، او راتحت تأثیر قرار می‌دهد تا منیت کاذب کسب نماید و خود را با ماده یا کالبد جسمانی و در نتیجه با ذهن و حواس یکی بداند؛ بدین ترتیب روح به لذت بردن از

حواس مادی معتاد می‌شود و لذایذ حسی را با خوشبختی حقیقی اشتباه می‌گیرد. این هویت کاذب یا یکی پنداشتن روح با بدن به طرز بسیار عالی در شریماد- بهاگاواتام (۱۳/۸۴/۱۰) توضیح داده شده است:

*yasyātma-buddhiḥ kuṇape tri-dhātuke*
*sva-dhīḥ kalatrādiṣu bhauma ijya-dhīḥ*
*yat-tīrtha-buddhiḥ salile na karhicij*
*janeṣv abhijñeṣu sa eva go-kharaḥ*

"انسانی که این کالبد جسمانی را، که حاصل عناصر سه گانه است، با حقیقت خود یکی پندارد، کسانی را که با جسم او بستگی و رابطه دارند به عنوان بستگان خود بداند، ولادتگاه خود را قابل پرستش بشمرد، و در زیارت اماکن مقدس به جای ملاقات اشخاصی که در دانش روحانی واقع‌هستند، صرفاً به منظور غسل در آبهای مکان مقدس به استحمام بپردازد، باید حیوانی همچون الاغ یا گاو محسوب گردد."

## آیه ۴۱

*tasmāt tvam indriyāṇy ādau*
*niyamya bharatarṣabha*
*pāpmānaṁ prajahi hy enaṁ*
*jñāna-vijñāna-nāśanam*

*tasmāt*: بنابراین – *tvam*: تو – *indriyāṇi*: حواس – *ādau*: در آغاز – *niyamya*: با تنظیم کردن – *bharata-ṛṣabha*: ای سرآمد نوادگان بهاراتا ـ *pāpmānam*: نشانه بزرگ گناه ـ *prajahi*: مهار کن ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *enam*: این ـ *jñāna*: مربوط به دانش ـ *vijñāna*: و شناخت علمی روح پاک ـ *nāśanam*: نابودکننده.

## ترجمه

**بنابراین، ای آرجونا، ای بهترین بهاراتاها، در همان آغاز این نشانهٔ بزرگ گناه [شهوت و آز] را با تنظیم نمودن حواس مهار کن و این تباه کنندهٔ دانش و خودشناسی را از میان بردار.**

## شرح

خداوند به آرجونا راهنمایی نمود که از همان آغاز حواس را تنظیم نماید تا به موجب آن بتواند بزرگترین دشمن و مولد گناه یعنی شهوت و آز را مهار کند. این شهوت و آز، نه تنها آن کشش فطری یا انگیزه باطنی برای خودشناسی را از بین می‌برد، بلکه آگاهی و دانش ذات را نیز نابود می‌سازد. گیانا بر دانش ذات یا دانش حقیقت خود دلالت می‌کند، یا به عبارت دیگر، دانش شناخت روح و بیان تفاوت آن با کالبد مادی است. ویگیانا عطف به شناخت موقعیت فطری روح و رابطه‌اش با روح متعال است. این مطلب در شریماد بهاگاواتام (۳۱/۹/۲) چنین توضیح داده شده است:

*jñānaṁ parama-guhyaṁ me*
*yad vijñāna-samanvitam*
*sa-rahasyaṁ tad-aṅgaṁ ca*
*gṛhāṇa gaditaṁ mayā*

"دانش ذات و ذات متعال بسیار محرمانه و اسرارآمیز است، ولی این دانش و شناخت حقیقی آن با جنبه‌های گوناگونش، اگر از طرف خود خداوند توضیح داده شود، قابل درک می‌شود." بهاگاواد-گیتا آن دانش ذات را دقیقاً به ما عرضه می‌کند. موجودات

زنده (ارواح) اجزاء و ذرات لاینفک خداوند هستند و از این رو وجود آنان صرفاً برای طاعت و خدمت به خداوند است. این آگاهی را آگاهی به کریشنا می‌خوانند. بنابراین، انسان باید از همان آغاز زندگی این مطلب را بیاموزد تا در نتیجه آن بتواند کاملاً کریشنا آگاه گردد و طبق این آگاهی الهی عمل کند.
شهوت و آز تنها انعکاس منحرفی از عشق به خداوند است که هر موجود زنده‌ای فطرتاً واجد آن می‌باشد. اگر انسان از همان آغاز در آگاهی به کریشنا تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد، آن عشق فطری به خداوند به سوی شهوت و آز منحرف نمی‌گردد. وقتی عشق به خدا به شهوت و آز تبدیل شود، بازگرداندن آن به حالت طبیعی و اصلیش بسیار مشکل است. با این حال، آگاهی به کریشنا آن قدر قوی است که حتی کسی که دیر شروع کرده است نیز قادر خواهد بود با پیروی از اصول منظم خدمت عابدانه، عاشق خدا گردد. در نتیجه در هر مرحله از زندگی، یا از هر زمانی که شخص اهمیت و ضرورت این مسأله را درک کند، می‌تواند با آگاهی به کریشنا یعنی خدمت عابدانه به خداوند، مهار کردن حواس را آغاز کند و بدین ترتیب با گردن نهادن به بندگی خالصانه پروردگار متعال، شهوت و آز را به عشق الهی تبدیل نماید که آن والاترین مرتبه کمال حیات انسانی است.

## آیه ۴۲

*indriyāṇi parāṇy āhur*
*indriyebhyaḥ paraṁ manaḥ*
*manasas tu parā buddhir*
*yo buddheḥ paratas tu saḥ*

*indriyāṇi*: حواس ـ *parāṇi*: برتر ـ *āhuḥ*: گفته شده است ـ *indriyebhyaḥ*: بیشتر از حواس ـ *param*: برتر ـ *manaḥ*: ذهن ـ *manasaḥ*: بیشتر از ذهن ـ *tu*: همچنین ـ *parā*: برتر ـ *buddhiḥ*: شعور ـ *yaḥ*: که (کسی که) ـ *buddheḥ*: بیشتر از شعور ـ *parataḥ*: برتر ـ *tu*: ولی ـ *saḥ*: او.

## ترجمه

**حواس فعال برتر از مادهٔ بی‌جان، ذهن برتر از حواس، شعور برتر از ذهن و او [روح] حتی برتر از شعور است.**

## شرح

حواس زمینه فعالیت برای شهوت و آز می‌باشد. شهوت و آز در بدن اندوخته می‌شود و از طریق کانالهای حواس به خارج راه می‌یابد و از این روست که حواس نسبت به کل کالبد جسمانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما زمانی که آگاهی والاتری، آگاهی به کریشنا، در شخص پرورش یابد، فعالیت مجاری حواس تغییر می‌کند. در آگاهی به کریشنا روح مستقیماً با شخصیت متعال خداوند رابطه ایجاد می‌کند و از این رو اعمال بدن همان گونه که در اینجا توصیف شد در نهایت امر در اداره و کنترل روح متعال قرار می‌گیرد. اعمال بدنی یعنی عملکردهای حواس؛ و بازایستاندن حواس یعنی متوقف نمودن تمام اعمال بدنی. ذهن همیشه پویا و فعال است، حتی زمانی که جسم در سکون و آرامش باشد، همان گونه که ما در هنگام خواب فعالیت ذهن را به صورت دیدن رؤیا تجربه می‌کنیم. ولی برتر از ذهن، شعور تعیین کننده قرار دارد و برتر از شعور خود روح واقع شده‌است. بنابراین چنانچه روح مستقیماً در ارتباط با متعال به عمل بپردازد، تمام عوامل تابع او نیز – شعور، ذهن، و حواس – خودبه‌خود بدین‌سان عمل خواهند کرد. در کاتها اوپانیشاد عبارتی وجود دارد حاکی از اینکه اشیای جلب‌کننده حواس (محسوسات) برتر از حواس هستند، و نیز گفته شده که ذهن برتر از محسوسات است. بنابراین اگر ذهن مستقیماً در خدمت دائمی خداوند قرار گیرد،

دیگر امکان اینکه حواس در جهات دیگری مشغول شوند وجود نخواهد داشت. این حالت ذهنی قبلاً توضیح داده شده است: پارام دیریشتوا نیوارتاته. اگر ذهن مشغول خدمت روحانی به خداوند گردد، دیگر امکان جذب شدنش به‌وسیله تمایلات فروتر از بین خواهد رفت. در کاتها اوپانیشاد، روح به‌عنوان ماهان، یعنی بزرگ، توصیف شده است. بنابراین، روح از تمامی عوامل فوق‌الذکر یعنی محسوسات، حواس، ذهن و شعور برتر است و بر آنها تسلط دارد. در نتیجه، پی بردن به موقعیت فطری روح، به منزله راه حل تمامی مسأله است.

شخص باید با استفاده از شعور یا قوه تشخیص، در صدد درک موقعیت فطری روح باشد و سپس ذهن را همواره در آگاهی به کریشنا مشغول کند. عمل کردن بدین صورت تمام مسائل را حل می‌کند. عموماً به رهروان روحانی مبتدی توصیه می‌شود که خود را از اشیای جلب کننده حواس برحذر دارند. ولی سوای آن، رهرو باید با استفاده از شعور، ذهن را نیز قوی سازد. اگر سالک به کمک شعور ذهن خود را از طریق تسلیم کامل به شخصیت متعال خداوند، در آگاهی به کریشنا مشغول کند، در این صورت ذهن خودبه‌خود قویتر می‌گردد و گرچه حواس همچون مارهای بسیار نیرومندی به شمار می‌آیند ولی در این صورت به علت از دست دادن زهر خود دیگر هیچ قدرتی نخواهند داشت. هرچند روح ارباب و حاکم بر شعور، ذهن و همچنین حواس محسوب می‌شود، با این وجود مادامی که از طریق معاشرت با کریشنا در کریشنا آگاهی تقویت نگردد، هر لحظه امکان لغزش و سقوط به‌علت ذهن تحریک شده وجود خواهد داشت.

## آیه ۴۳

*evaṁ buddheḥ paraṁ buddhvā*
*saṁstabhyātmānam ātmanā*
*jahi śatruṁ mahā-bāho*
*kāma-rūpaṁ durāsadam*

*evam*: بدین‌سان ـ *buddheḥ*: نسبت به شعور ـ *param*: برتر ـ *buddhvā*: با دانستن ـ *saṁstabhya*: با ثابت و یکنواخت کردن ـ *ātmānam*: ذهن ـ *ātmanā*: با شعور مصمم ـ *jahi*:غلبه یاب ـ *śatrum*: دشمن ـ *mahā-bāho*: ای مسلّح بزرگ ـ *kāma-rūpam*: در قالب شهوت وآز ـ *durāsadam*: نیرومند، ترسناک.

## ترجمه

**ای مسلّح بزرگ، آرجونا، در نتیجه با دریافتن این نکته که ذات ورای حواس، ذهن و شعور مادی است، انسان باید ذهن خود را به تدریج از طریق شعور روحانی [کریشنا آگاهی] استوار سازد و با قدرت روحانی این دشمن سیری‌ناپذیر یعنی شهوت و آز را مغلوب کند.**

## شرح

این فصل بهاگاواد-گیتا با شناخت "ذات" به عنوان خادم ابدی شخصیت متعال خداوند، قاطعانه ما را به سمت آگاهی به کریشنا هدایت می‌کند و خلا فاقد شخصیت را مقصود نهایی نمی‌داند. انسان در زندگی مادی حتماً تحت تأثیر تمایلات شهوت و آز، و خواسته و آرزو برای حکمرانی بر منابع طبیعت مادی قرار می‌گیرد. آرزو برای خدایی کردن و برای ارضای تمایلات نفسانی بزرگترین دشمن روح مقید به شمار می‌آید؛ اما انسان با نیروی آگاهی به کریشنا می‌تواند حواس مادی، ذهن و شعور خود را کنترل نماید. انسان نباید کار و وظایف تجویزشده را ناگهان رها کند، بلکه با پیشرفت تدریجی در آگاهی به کریشنا، می‌تواند بدون آنکه تحت تأثیر ذهن و حواس مادی قرار گیرد، با شعور ثابت که در راستای هویت اصلی و پاک شخص می‌باشد، در

موقعیت روحانی واقع گردد. این جوهر و چکیده مطالب این فصل است. تا زمانی که انسان مقهور موجودیت مادی است، تفکرات فلسفی و تلاشهای صوری برای مهار کردن حواس از طریق به اصطلاح تمرینهای یوگا هیچگاه نمی‌تواند انسان را در مسیر صحیح زندگی روحانی قرار دهد، بلکه او باید با بهره‌گیری از شعور بالاتر، در آگاهی به کریشنا تحت تعلیم و تربیت روحانی قرار گیرد.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل سوم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "کارما ـ یوگا، یا انجام وظایف تجویزشده انسان در آگاهی به کریشنا" پایان می‌یابد.

# فصل چهارم

# دانش متعال

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*imaṁ vivasvate yogaṁ*
*proktavān aham avyayam*
*vivasvān manave prāha*
*manur ikṣvākave 'bravīt*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت متعال پروردگار گفت ـ *imam*: این ـ *vivasvate*: به خداوندگار خورشید ـ *yogam*: علم رابطه شخص با متعال ـ *proktavān*: آموزش دادم ـ *aham*: من ـ *avyayam*: زوال‌ناپذیر، جاودانی ـ *vivasvān*: ویواسوان (نام خداوندگار خورشید) ـ *manave*: به پدر بشریت (به نام وایواسواتا) ـ *prāha*: بازگو کرد ـ *manuḥ*: پدر بشریت ـ *ikṣvākave*: به پادشاه ایکشواکو ـ *abravīt*: بیان داشت.

## ترجمه

**شخصیت پروردگار، خداوند شری کریشنا فرمود: من این علم جاودانی یوگا را به ویواسوان، خداوندگار خورشید، آموزش دادم و ویواسوان آن را به مانو، پدر بشریت، تعلیم داد و مانو نیز به نوبهٔ خود آن را به ایکشواکو آموخت.**

## شرح

طبق این آیه تاریخ بهاگاواد-گیتا به زمانی بسیار دور مربوط می‌شود، آن هنگام که گیتا به مقامات عالی، یعنی پادشاهان تمام سیارات – در آغاز سیاره خورشید – داده شد. وظیفه اصلی پادشاه حفاظت از ملت است و از این روست که ضرورت دارد مقامات سلطنت، علم خداشناسی بهاگاواد-گیتا را درک نمایند تا بتوانند با وضع قوانین الهی بر اتباع حکومت کنند و آنها را از اسارت مادی شهوت و آز در امان نگاه دارند. منظور از حیات انسانی احیای رابطه ابدی با شخصیت متعال پروردگار از طریق پرورش معرفت روحانی است و سران کلیه ممالک و سیارات باید این مهم را از طریق فرهنگ، تعلیم و تربیت، و آیین عبودیت و عشق، به مردم آموزش دهند. به عبارت دیگر، مسئولیت مقامات رهبری تمام ممالک اشاعه علم آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، است تا آحاد مردم بتوانند از این علم وسیع بهره‌مند گردند و با استفاده از این فرصت گرانبهای حیات انسانی، راه موفقیت و سعادت را دنبال نمایند.

در این عصر، خداوندگار خورشید، که منشأ تمام سیارات منظومه شمسی است، با عنوان ویواسوان شناخته شده است. در برهما ـ سامهیتا (۵۲/۵) گفته شده است:

*yac-cakṣur eṣa savitā sakala-grahāṇāṁ*

*rājā samasta-sura-mūrtir aśeṣa-tejāḥ*
*yasyājñayā bhramati sambhṛta-kāla-cakro*
*govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

خداوندگار برهما چنین گفت: "بگذار شخصیت متعال پروردگار، گوویندا (کریشنا) را پرستش و عبادت کنم که شخصیت ازلی الهی است و هم اوست که قدرت و حرارت بی‌کران به خورشید که پادشاه تمام سیارات می‌باشد عطا فرموده است. همانا خورشید نمودار چشم خداوند و در مدار خاص خود به اطاعت از فرمان او در حرکت و گردش است."

خورشید که پادشاه سیارات است با تأمین حرارت و نور، تمام سیارات دیگر را اداره می‌کند. خداوند کریشنا ویواسوان فرمانروای خورشید را اولین شاگرد خود قرار داد تا علم بهاگاواد-گیتا را به او آموزش دهد. بنابراین، گیتا رساله‌ای پندارگرایانه برای محققان بی‌ارزش دنیوی نیست بلکه کتاب میزان دانش است که از زمانهای بسیار کهن نازل شده است.

ماهابهاراتا (شانتی ـ پاروا ۵۱/۳۴۸-۵۲) تاریخ گیتا را بدین ترتیب ارائه می‌دهد:

*tretā-yugādau ca tato*
*vivasvān manave dadau*
*manuś ca loka-bhṛty-arthaṁ*
*sutāyekṣvākave dadau*
*ikṣvākuṇā ca kathito*
*vyāpya lokān avasthitaḥ*

"در آغاز عصر ترتا ـ یوگا، ویواسوان علم رابطه با متعال را به مانو آموخت و مانو - پدر بشریت - آن را به پسرش ماهاراجا ایکشواکو که پادشاه کره زمین و جد سلسله راگهو می‌باشد اعطا نمود که درآن سلسله خداوند راماچاندرا ظهور کرد." بنابراین، بهاگاواد-گیتا از زمان ماهاراجا ایکشواکو درجامعه بشری وجود داشته است.

در حال حاضر ما در عصر کالی ـ یوگا به سر می‌بریم که ۴۳۲/۰۰۰ سال به طول می‌انجامد و پنج هزار سال آن را پشت سر گذاشته‌ایم. قبل از این عصر دوا پارا ـ یوگا (۸۰۰/۰۰۰ سال) و قبل از آن عصر ترتا ـ یوگا (۱/۲۰۰/۰۰۰ سال) وجود داشته است. در نتیجه مانو حدود ۲/۵۰۰/۰۰۰ سال پیش در آغاز عصر ترتا ـ یوگا - بهاگاواد-گیتا را به فرزند و مرید خود، ماهاراجا ایکشواکو، پادشاه زمین بیان داشت. عصر مانوی فعلی حدود ۳۰۵/۳۰۰/۰۰۰ سال محاسبه شده که از آن ۱۲۰/۴۰۰/۰۰۰ سال گذشته است. با قبول آنکه خداوند قبل از تولد مانو، گیتا را به مریدش ویواسوان، خداوندگارخورشید، بیان نمود، تخمینی تقریبی حاکی از آن است که گیتا حداقل ۱۲۰/۴۰۰/۰۰۰ سال پیش گفته شده و دو میلیون سال است که در جامعه بشری وجود دارد. و پنج هزار سال پیش خداوند مجدداً آن را برای آرجونا بازگو نمود. این تقویم معین از تاریخ گیتا بر طبق خود گیتا و اظهارات گوینده آن خداوند شری‌کریشنا می‌باشد. بهاگاواد-گیتا به خداوندگار خورشید، یعنی ویواسوان، گفته شد زیرا او نیز به جامعه کشاتریا تعلق داشت و به مثابه پدر تمام کشاتریاها، که نوادگان خداوندگارخورشید، یا سوریا وامشا کشاترياس هستند، می‌باشد. چون بهاگاواد-گیتا به‌وسیله شخصیت متعال پروردگار بیان شده، از اعتباری همانند وداها برخوردار است و آپروشیا یا دانش مافوق بشری محسوب می‌گردد. از آنجایی که تعالیم مقدس ودایی بدون تفسیرات بشری، همان گونه که هست، پذیرفته می‌شود، بنابراین گیتا را باید بدون تفسیرات مادی پذیرفت. مفسران مادی ممکن است گیتارا به میل خود تفسیر کنند، ولی آرای آنان حقیقت بهاگاواد-گیتا را بدان صورتی که هست بیان نمی‌کند. بنابراین بهاگاواد-گیتا را باید همان گونه که هست از سلسله پیران دریافت کنیم، چنانکه تأکید شده است که خداوند این دانش جاودان را به خداوندگار خورشید بیان داشت و او آن را به فرزندش مانو آموزش داد و مانو نیز آن را به فرزندش ایکشواکو آموخت.

## آیه ۲

*evaṁ paramparā-prāptam*

*imaṁ rājarṣayo viduḥ*
*sa kāleneha mahatā*
*yogo naṣṭaḥ parantapa*

*evam*: بدین‌سان ـ *paramparā*: توسط سلسلهٔ پیران ـ *prāptam*: دریافت گردید ـ *imam*: این‌علم ـ *rāja-ṛṣayaḥ*: پادشاهان قدیس ـ *viduḥ*: درک کردند ـ *saḥ*: آن دانش ـ *kālena*: با گذشت زمان ـ *iha*: در این جهان ـ *mahatā*: بزرگ ـ *yogaḥ*: علم رابطه شخص با متعال ـ *naṣṭaḥ*: گسسته شد ـ *parantapa*: ای آرجونا، مطیع کننده دشمنان.

## ترجمه

**این علم متعال بدین گونه از طریق سلسلهٔ متصل پیران دریافت گردید و پادشاهان قدیس آن را بدین شیوه درک نمودند. اما با گذشت زمان، این سلسله گسسته شد و در نتیجه به نظر می‌رسد صورت حقیقی این معرفت از دست رفته است.**

## شرح

این نکته به وضوح بیان شده است که بار مسئولیت دریافت حقایق گیتا بخصوص بر دوش پادشاهان قدیس بوده است، زیرا ضرورت داشت آنان در امر اداره حکومت بر مردم، آرمان الهی گیتا را تحقق بخشند. مطمئناً بیان حقایق بهاگاواد-گیتا هیچگاه برای اشخاص خدانشناس نبوده است که با ابداع انواع شیوه‌های خودخواهانه تفسیری، قدر و منزلت آن را از بین می‌برند، بی‌آنکه کسی در این میان بتواند بهره‌مند گردد. به محض آنکه هدف اصلی و مقصود حقیقی با انگیزه‌های آلوده مفسران ناصالح از بین برود، نیاز به دوباره پابرجا شدن سلسله پیران به وجود می‌آید. شخص خداوند پنج هزار سال پیش این امر را روشن گرداند که توالی سلسله پیران گسسته شده و از این رو به نظر می‌رسد مقصود حقیقی گیتا از بین رفته است. به همین منوال در حال حاضر نیز نسخه‌های بسیاری ازگیتا (مخصوصاً به انگلیسی) وجود دارد که تقریباً هیچیک از آنها با تعالیم سلسله متصل پیران معتبر مطابقت ندارد. بسیاری از محققان و اندیشمندان مادی تفسیرهای بی‌شماری از گیتا به عمل آورده‌اند و هرچند بنا به ارزش و اعتبار سخنان شری‌کریشنا سوداگری سودمندی به نفع خود به راه انداخته‌اند، لیکن تقریباً هیچیک از آنان حقانیت شخصیت متعال خداوند، کریشنا، را به رسمیت نشناخته‌اند. این روحیه و رفتاری دیوصفتانه و ناسپاسانه است، زیرا آنان بی‌آنکه به خداوند ایمان داشته باشند فقط از مواهب متعال او به نفع خود بهره برده‌اند. از آنجا که نیاز مبرمی به وجود نسخه‌ای از گیتا به زبان انگلیسی وجود داشت که در عین حال از طریق پاراmپارا (سلسله متصل پیران) دریافت شده باشد، کوشش حاضر برای رفع این کمبود بزرگ صورت گرفت. به هر تقدیر، پذیرفتن بهاگاواد-گیتا همان‌گونه که هست، لطف بزرگ و عطیه عظیمی برای جامعه بشری محسوب می‌گردد، در حالی که اگر بخواهیم آن را به عنوان رساله‌ای از حدسیات و نظریات فلسفی تلقی کنیم، چیزی جز اتلاف وقت برای ما در بر نخواهد داشت.

## آیه ۳

*sa evāyaṁ mayā te 'dya*
*yogaḥ proktaḥ purātanaḥ*
*bhakto 'si me sakhā ceti*
*rahasyaṁ hy etad uttamam*

*saḥ*: همان ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ayam*: این ـ *mayā*: توسط من ـ *te*: به تو ـ *adya*: امروز، اکنون ـ *yogaḥ*: علم یوگا ـ *proktaḥ*: گفته شده ـ *purātanaḥ*: بسیار کهن ـ *bhaktaḥ*: عابد ـ *asi*: توهستی ـ *me*: مال من ـ *sakhā*: دوست ـ *ca*: همچنین ـ *iti*: بنابراین ـ *rahasyam*: راز ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *etat*: این ـ *uttamam*: متعال، روحانی.

## ترجمه

**اکنون همان علم بسیار کهن - هنر مرتبط شدن با خداوند مطلق - را برایت بازگو می‌کنم، زیرا تو عابد و دوست من هستی و از این رو می‌توانی به راز متعال و اسرار روحانی این علم پی ببری.**

## شرح

دو نوع انسان وجود دارد، کسانی که عابد یا خداشناس هستند و کسانی که کافر یا خدانشناس‌اند. خداوند آرجونا را به علت آنکه مرید و عبد خدا بود به عنوان دریافت‌کننده این علم بزرگ انتخاب کرد، در حالی که برای کافران کوچک‌ترین امکانی برای درک این علم وسیع حاوی اسرار وجود ندارد. نسخه‌های متعددی از این کتاب مهم دانش وجود دارد که بعضی از آنها را مریدان خدا شرح داده‌اند و بعضی دیگر دارای توضیحات خدانشناسان است. توضیحات سرسپردگان و مریدان خداوند تبیین واقعی این معرفت است، در حالی که اظهارات کافران عاری از حقیقت می‌باشد. آرجونا، شری‌کریشنا را به عنوان شخصیت اعلای پروردگار می‌پذیرد و هر تفسیری بر گیتا که از همین طریق آرجونا پیروی کند، همانا خدمت عابدانه حقیقی به مقصود این علم بزرگ است. اما کافران، خداوند کریشنا را همان گونه که هست نمی‌پذیرند و در عوض به ابداع نظریات پندارگرایانه درباره او می‌پردازند و اکثریت خوانندگان را از راه تعالیم خداوند، کریشنا، دور می‌کنند و به گمراهی می‌کشانند. در اینجا هشداری نسبت به چنین راههای گمراه‌کننده به چشم می‌خورد. انسان باید بکوشد که از سلسله متصل پیران خط آرجونا پیروی کند و بدین ترتیب از این علم عظیم شریماد بهاگاواد-گیتا بهره‌مند گردد.

## آیه ۴

*arjuna uvāca*
*aparaṁ bhavato janma*
*paraṁ janma vivasvataḥ*
*katham etad vijānīyāṁ*
*tvam ādau proktavān iti*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *aparam*: مؤخرتر ـ *bhavataḥ*: مال تو، ت ـ *janma*: تولد ـ *param*: مقدمتر ـ *janma*: تولد ـ *vivasvataḥ*: مربوط به خداوندگار خورشید ـ *katham*: چگونه ـ *etat*: این ـ *vijānīyām*: درک خواهم کرد ـ *tvam*: تو ـ *ādau*: در آغاز ـ *proktavān*: تعلیم دادی ـ *iti*: بدین‌سان.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ویواسوان، خداوندگار خورشید، پیش از تو تولد یافته است؛ پس چگونه می‌توان دریافت که در آغاز تو این علم را به او آموخته‌ای.**

## شرح

آرجونا عابد برگزیده خداوند است، پس چگونه می‌توانست کلام کریشنا را باور نداشته باشد حقیقت این است که آرجونا این سؤال را برای روشن شدن مسأله خود نمی‌کند، بلکه آن را در واقع از طرف افرادی که به شخصیت مطلق الهی ایمان ندارند و یا اینکه علاقه ندارند که کریشنا به عنوان شخصیت متعال خداوند پذیرفته شود مطرح می‌کند؛ در نتیجه آرجونا فقط به خاطر آنان است که در این باره سؤال می‌نماید به گونه‌ای که گویی خود او به کریشنا یا شخصیت الهی آگاه نیست، زیرا همان گونه که در فصل دهم روشن خواهد شد، آرجونا کاملا می‌دانست که کریشنا شخصیت مطلق الهی و اصل و سرچشمه تمام هستی و کلام غایی در شناخت حقیقت مطلق است. البته کریشنا به عنوان فرزند دواکی بر روی این کره ارض ظاهر شد، اما درک اینکه چگونه هم او، آن شخص ازلی و ابدی و شخصیت متعال خداوند باشد، برای انسان عادی بسیار مشکل است. بنابراین آرجونا برای روشن کردن موضوع، این سؤال را مطرح نمود تا خود خداوند پاسخ معتبر و موثق را در این زمینه بیان کند. تمام جهان از زمانهای بسیار کهن، این حقیقت را که، کریشنا، مرجع متعال است پذیرفته‌اند، و تنها کافران و معاندان او را رد و انکار می‌کنند. به هر حال، از آنجایی که کریشنا مرجعی است که همگان او را پذیرفته‌اند، آرجونا این سؤال را مطرح کرد تا کریشنا قبل از آنکه خداشناسان بخواهند او را توضیح دهند به توصیف حقیقت خود بپردازد، زیرا کافران و معاندان همواره می‌کوشند خداوند را به نحوی تحریف کنند و توضیحاتی که در این مورد ارائه می‌کنند فقط برای خداشناسان و پیروانشان قابل درک است. این امر برای همه ضرورت دارد که برای خیر و صلاح خود به علم‌شناخت کریشنا واقف گردند. بنابراین هنگامی که خود کریشنا درباره خویش سخن می‌گوید خجستگی و فرخندگی را برای تمامی جهانها به ارمغان می‌آورد. برای خداشناسان چنین توضیحاتی از طرف خود کریشنا شاید عجیب به نظر برسد، زیرا آنان همواره کریشنا را از دیدگاه ناقص خود بررسی می‌کنند، در حالی که عابدان خدا کلام کریشنا را وقتی از طرف خود او اظهار می‌شود با جان و دل می‌پذیرند. عابدان و سرسپردگان همواره این سخنان معتبر و موثق کریشنا را ستایش می‌کنند، زیرا آنان دائماً مشتاق هستند بیشتر و بیشتر درباره او بدانند. از این طریق شاید کافران که کریشنا را انسانی معمولی می‌پندارند، بتوانند درک کنند که کریشنا وجودی مافوق بشری‌است، که کریشنا ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراها – شکل جاودان دانش و شعف – و در اوج تعالی است، که کریشنا تحت نفوذ گونه‌های طبیعت مادی نیست و در ورای فضا و زمان قرار دارد. بدون تردید عابد کریشنا، همچون آرجونا، نسبت به موقعیت متعال کریشنا کوچکترین ابهامی ندارد. مطرح نمودن این سؤال از طرف آرجونا فقط تلاش عابدی است که می‌کوشد بینش خداشناسانه اشخاصی که کریشنا را انسانی معمولی و تحت تأثیر گونه‌های طبیعت مادی می‌دانند، رد کند.

## آیه ۵

*śrī-bhagavān uvāca*
*bahūni me vyatītāni*
*janmāni tava cārjuna*
*tāny ahaṁ veda sarvāṇi*
*na tvaṁ vettha parantapa*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت پروردگار فرمود ـ *bahūni*: بسیار ـ *me*: مربوط به مال من ـ *vyatītāni*: گذشته است ـ *janmāni*: تولدها ـ *tava*: مربوط به مال تو ـ *ca*: و همچنین ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *tāni*: آنها ـ *aham*: من ـ *veda*: می‌دانم ـ *sarvāṇi*: تمام ـ *na*: نه، علامت منفی ساختن ـ *tvam*: تو ـ *vettha*: می‌دانی ـ *parantapa*: ای مغلوب کننده دشمن.

## ترجمه

**قادر متعال فرمود: ای مغلوب کننده دشمن، تولدهای بسیار زیادی را تو و من پشت سر نهاده‌ایم. من می‌توانم تمامی آنها را به خاطر آورم، لیکن تو قادر به آن نیستی.**

## شرح

در برهما ـ سامهیتا (۳۳/۵) اطلاعات دقیقی از ظهورات بی‌شمار خداوند آمده است:

*advaitam acyutam anādim ananta-rūpam*
*ādyaṁ purāṇa-puruṣaṁ nava-yauvanaṁ ca*
*vedeṣu durlabham adurlabham ātma-bhaktau*
*govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

"من شخصیت مطلق الهی، گوویندا (کریشنا) را می‌پرستم که اولین و اصلی‌ترین شخص است. همانا او مطلق، مصون از خطا و بدون آغاز است. او با اینکه به ظهورات بی‌شماری بسط یافته است، با این حال، همان شخصیت اصلی و ازلی و قدیمترین باقی می‌ماند که همواره به صورت جوانی شاداب ظاهر می‌شود. این ظهورات جاودان و مملو از دانش و شعف خداوند که معمولا از طرف متبحرترین محققان ودایی درک می‌شود، برای عابدان و سرسپردگان پاک و مخلص خدا همواره متجلی هستند."

در برهما ـ سامهیتا (۳۹/۵) نیز بیان شده است:

*rāmādi-mūrtiṣu kalā-niyamena tiṣṭhan*
*nānāvatāram akarod bhuvaneṣu kintu*
*kṛṣṇaḥ svayaṁ samabhavat paramaḥ pumān yo*
*govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

"من شخصیت مطلق الهی، گوویندا (کریشنا) را می‌پرستم که همواره در ظهورات مختلف مانند راما، نریسیمها و همچنین در بسیاری ظهورات فرعی دیگر متجلی می‌گردد. ولی همواره او همان شخصیت اصلی خداوند است که کریشنا نام دارد و گاهی اوقات نیز با شکل اصلی خود در این جهان ظهور می‌نماید."

در وداها نیز بیان شده که گرچه حق تعالی آن یگانه بی‌همتاست، با وجود این خود را در شکلها و صورتهای بی‌شمار متجلی می‌سازد. او مانند سنگ وایدوریا می‌باشد که به رغم تغییر رنگ همان گونه که بود باقی می‌ماند. تمام آن شکلها و صورتهای گوناگون را فقط مریدان پاک و مخلص خدا هستند که درک می‌کنند وگرنه صرفاً مطالعه وداها چنین امکانی را به وجود نخواهد آورد:(*vedeṣu durlabham adurlabham ātma-bhaktau*).

عابدانی همچون آرجونا، نزدیکان و معاشران دائمی خداوند هستند؛ هر گاه خداوند ظهور کند، معاشران و نزدیکان او نیز ظهور می‌کنند تا هر یک بنا به درجات گوناگونی از قابلیت و ظرفیت به خداوند خدمت نمایند. آرجونا یکی از این مریدان است و در این آیه درک می‌شود که چندین میلیون سال پیش هنگامی که خداوند کریشنا بهاگاواد-گیتا را به خداوندگار خورشید، ویواسوان، بیان نمود آرجونا نیز با موقعیت و نقش دیگری در آنجا حضور داشت. اما تفاوت میان خداوند و آرجونا در این است که خداوند آن را به خاطر می‌آورد، در حالی که آرجونا نمی‌تواند به یاد آورد. این تفاوت میان موجود زنده جزء و خداوند قادر متعال است. هرچند که در اینجا آرجونا به عنوان قهرمان قدرتمندی که می‌توانست دشمنان را مغلوب سازد مخاطب قرار می‌گیرد، ولی قادر نیست که وقایع تولدهای پیشین خود را به خاطر آورد. بنابراین، موجود زنده هر چقدر هم که از نظر ارزیابیهای مادی مهم باشد هیچگاه نمی‌تواند با خداوند متعال برابر گردد. کسی که معاشر دائمی خداوند می‌باشد قطعاً روحی رها شده است، ولی هیچگاه نمی‌تواند با خداوند برابر گردد. خداوند در برهما ـ سامهیتا با عنوان خطاناپذیر (آچیوتا) توصیف شده است؛ این بدان معناست که او به رغم تماس با عالم مادی هیچگاه خود را فراموش نمی‌کند. بدین سبب است که خداوند و موجود زنده هرگز و به هیچ نحو نمی‌توانند برابر باشند، حتی چنانچه موجود زنده همانند آرجونا رها شده باشد. با اینکه آرجونا

عابد خداوند است، گاهی اوقات طبیعت و ماهیت خداوند را فراموش می‌کند، ولی عابد به برکت لطف خداوند بلافاصله می‌تواند موقعیت خطاناپذیر خداوند را درک نماید، در حالی که غیر عابدان یا خدانشناسان نمی‌توانند این طبیعت متعال و روحانی را درک کنند. در نتیجه این توصیفات گیتا با درک محدود اشخاص خدانشناس قابل فهم نیست. با اینکه کریشنا و آرجونا هر دو فی‌نفسه جاودان هستند،کریشنا اعمالی را که میلیونها سال پیش انجام داده بود به خاطر داشت، در حالی که آرجونا قادر به‌انجام چنین چیزی نبود. بعلاوه در اینجا مشاهده می‌کنیم که علت اینکه موجود زنده همه چیز را فراموش می‌کند، تغییر کالبد مادی است، در حالی که خداوند همه چیز را به خاطر دارد، زیرا او دارای شکل یا صورت جاودان است و کالبد روحانی و متعال ساچ ـ چید ـ آناندای خود را تغییر نمی‌دهد؛ به عبارت دیگر خداوند ادویتا است، یعنی میان جسم و روح او تفاوتی وجود ندارد. همانا خداوند روح محض است و از چنین تقسیم‌بندیهایی مبراست، اما روح مقید با کالبد مادی خود متفاوت است؛ از آنجا که جسم متعال خداوند و ذات او یکی می‌باشد، موقعیت او حتی هنگامی که به عرصه دنیای مادی نزول می‌کند نیز همواره با موجود زنده عادی تفاوت دارد. خدانشناسان نمی‌توانند توصیفاتی را که شخص خداوند از طبیعت متعال و روحانیش در آیه بعد به عمل آورده است با دیدگاه مادی خود تطبیق دهند.

## آیه ۶

*ajo 'pi sann avyayātmā*
*bhūtānām īśvaro 'pi san*
*prakṛtiṁ svām adhiṣṭhāya*
*sambhavāmy ātma-māyayā*

*ajaḥ*: زاده نشده ـ *api*: هرچند که ـ *san*: اینچنین بودن ـ *avyaya*: بدون زوال ـ *ātmā*: بدن ـ *bhūtānām*: مربوط به همه آن کسانی که تولد یافته‌اند ـ *īśvaraḥ*: خداوند متعال ـ *api*: گرچه ـ *san*: چنین بودن ـ *prakṛtim*: در شکل متعال و روحانی ـ *svām*: مربوط به خودم ـ *adhiṣṭhāya*: چنین واقع شدن ـ *sambhavāmi*: ظهور می‌کنم ـ *ātma-māyayā*: با نیروی درونی‌ام.

## ترجمه

**هرچند که زاده نشده‌ام و بدن روحانی و متعال من هیچگاه زوال نمی‌پذیرد، و هر چند خداوندِ تمام موجودات زنده هستم، با وجود این در هر عصر در شکل روحانی اصلی خویش ظهور می‌کنم.**

## شرح

خداوند درباره خصوصیات تولد خود سخن می‌گوید: با اینکه خداوند ممکن است به صورت انسانی معمولی ظهور کند، با این حال همه چیز را از "تولدهای" بی‌شمار پیشین خود به یاد دارد، در حالی که انسان عادی حتی نمی‌تواند کارهایی را که ساعاتی قبل انجام داده به خاطر آورد. برای فردی عادی پاسخ آنی به این سؤال که روز قبل در همین ساعت مشغول انجام چه کاری بوده است، بسیار دشوار است؛ او حتماً باید به حافظه خود رجوع و فکر کند تا بتواند دقیقاً به خاطر آورد. اما با این وصف، انسان اغلب به خود جرأت می‌دهد که ادعا کند خدا، یا کریشنا است. انسان نباید با چنین ادعاهای مهملی گمراه شود. سپس خداوند به توضیح پراکریتی یا شکل روحانی و جاودان خود می‌پردازد. پراکریتی به معنای "ماهیت و طبیعت" و همچنین به مفهوم سواروپا، یا "شکل و صورت حقیقی شخص" می‌باشد. خداوند می‌فرماید که او در کالبد متعال اصلی خود ظهور می‌کند و برخلاف موجود زنده عادی که در قالب کالبدهای جسمانی گوناگون قرار می‌گیرد، کالبد روحانی و سرمدی خود را تغییر

نمی‌دهد، زیرا خداوند دارای شکل یا صورت جاودان است. این روح مقید است که در تولدهای مختلف در قالب کالبدهای گوناگون مادی قرار می‌گیرد؛ در دنیای مادی موجود زنده بدن ثابتی ندارد بلکه از جسمی به جسم دیگر وارد می‌شود، در حالی که چنین چیزی درباره خداوند صدق نمی‌کند. ظهور خداوند به واسطه نیروی درونیش در همان شکل اصلی انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر کریشنا در شکل اصلی و جاودانیش با دو دست که نی‌لبکی را نگاه داشته است در این دنیای مادی ظهور می‌کند. او دقیقاً در کالبد روحانی و جاودانیش که کوچکترین اثری از آلودگی دنیای مادی در آن نیست ظاهر می‌شود. خداوند با اینکه در همان کالبد متعال و روحانی ظهور می‌کند و پروردگار جهان است، به نظر می‌رسد که مانند موجود زنده عادی تولد می‌یابد و با اینکه جسم متعال او مانند بدنی مادی زوال نمی‌پذیرد، به نظر می‌رسد که خداوند کریشنا مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را طی می‌کند و در حال رشد است در حالی که در کمال شگفتی هیچگاه فراتر از جوانی نمی‌رود. کریشنا در زمان نبرد کوروکشترا نوه‌های بسیاری داشت، یا به بیان دیگر ازنظر مقیاس مادی کاملاً مسن شده بود و با این وصف درست مانند جوانی بیست تا بیست و پنج‌ساله به نظر می‌رسید. ما هیچگاه تصویری از کریشنا را در سنین پیری نمی‌بینیم، زیرا او هرگز همچون ما پیر نمی‌شود، با اینکه او پیرترین شخص عالم در گذشته، حال و آینده است. کالبد روحانی و شعور جاودان او هرگز دچار زوال و تغییر نمی‌گردد. بنابراین واضح است که خداوند، به رغم ظهور در دنیای مادی، همان شکل زاده نشده جاودان شعف و دانش است که کالبد روحانی و شعورش تغییرناپذیر می‌باشد. در واقع، پدیدار شدن و ناپدید شدن خداوند مانند ظاهر شدن خورشید و بالا آمدن آن در هنگام طلوع است که در مقابل ما حرکت می‌کند و سپس از برابر دیدگان ما ناپدید می‌شود. هنگامی که خورشید خارج از حوزه دید ما قرار می‌گیرد، گمان می‌کنیم غروب کرده است و هنگامی که در مقابل دیدگان ما قرار دارد تصور می‌کنیم که طلوع کرده است. در واقع خورشید همواره در موقعیت یکسان خود قرار دارد، ولی ما به علت حواس ناقص و نامناسب خود پدیدار شدن و ناپدید شدن آن را در محدوده آسمان می‌سنجیم. و چون پدیدار شدن و ناپدید شدن خداوند کریشنا با هر موجود زنده دیگر کاملا تفاوت دارد، واضح است که ظهورش به واسطه نیروی درونی خود همان شکل جاودان پر از دانش و شعف است و هیچگاه با طبیعت مادی آلوده نمی‌شود. وداها نیز این امر را تأیید می‌کند که شخصیت متعال خداوند زاده نشده است، ولی با این وصف با تجلیات گوناگون ظهور می‌کند. بخشهای متمم ودایی نیز تأکید می‌کند که اگرچه به نظر می‌رسد خداوند تولد می‌یابد، با این وصف کالبد روحانی او تغییر نمی‌کند. در بهاگاواتام آمده است که او در مقابل مادرش به صورت نارایانا، یعنی با شکل روحانی چهار دست و مزین به شش نوع توانگری مطلق ظاهر می‌شود. ظهور شخصیت الهی با شکل جاودان اصلیش همانا لطف بی‌کران و بی‌سبب او به موجودات زنده است تا آنها بتوانند بر خداوند متعال همان گونه که هست تمرکز نمایند، و نه بر حدسیات یا تصورات ذهنی آنچنانکه بی‌هویت‌گرایان به اشتباه فکر می‌کنند. طبق لغتنامه ویشوا ـ کشا، واژه مایا، یا آتما ـ مایا به لطف بی‌کران و بی‌سبب او اشاره دارد. شخصیت مطلق الهی به تمام ظهورات و ناپدید شدنهای گذشته‌اش علم کامل دارد، در حالی که موجود زنده عادی به محض اختیار کالبد مادی دیگر، همه چیز را درباره جسم گذشته‌اش فراموش می‌کند. از آنجا که شخصیت مطلق الهی هنگام ظهور بر این کره ارض، اعمال گوناگون مافوق انسانی و شگفت‌انگیزی انجام می‌دهد، همانا خداوند تمامی موجودات زنده است. در نتیجه شخصیت الهی همواره همان حقیقت مطلق است که میان جسم و روح او یا کالبد و ماهیت او هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد و عاری از چنین تقسیم‌بندیهایی است. اکنون این سؤال ممکن است مطرح شود که علت ظهور خداوند در این دنیا و سپس عزیمت از آن چیست. این نکته در آیه بعد توضیح داده شده است.

## آیه ۷

*yadā yadā hi dharmasya*
*glānir bhavati bhārata*
*abhyutthānam adharmasya*

*tadātmānaṁ sṛjāmy aham*

*yadā yadā*: هر گاه و هر کجا ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *dharmasya*: مربوط به دین ـ *glāniḥ*: انحراف، دورافتادگی، اختلاف ـ *bhavati*: متجلی گردد ـ *bhārata*: ای نوادهٔ بهاراتا ـ *abhyutthānam*: حکمفرمایی، چیرگی ـ *adharmasya*: مربوط به بی‌دینی ـ *tadā*: در آن زمان ـ *ātmānam*: ذات، خود ـ *sṛjāmi*: تجلی می‌کنم ـ *aham*: من.

## ترجمه

**ای نوادهٔ بهاراتا، هر گاه و هر کجا که دین دچار تباهی شود و بی‌دینی حکمفرما گردد، در آن زمان شخصاً هبوط می‌کنم.**

## شرح

در اینجا واژه سریجامی حائز اهمیت است. از سریجامی نمی‌توان به معنای آفرینش و پیدایش استفاده کرد، زیرا بر اساس آیه قبل، کالبد روحانی خداوند دارای آفرینش یا پیدایش نیست زیرا تمام شکلهایی که خداوند به صورت آنها ظاهر می‌شود جاودانی‌اند. بنابراین، سریجامی بدان معناست که خداوند شخصاً همان گونه که هست تجلی می‌کند. با اینکه خداوند طبق برنامه، یعنی در پایان دواپارا ـ یوگای بیست و هشتمین عصر مانوی هفتم از یک روز برهما ظاهر می‌گردد، با این وصف او اجباری به پیروی از این قواعد و قوانین ندارد، زیرا او کاملا آزاد است که به خواست و اراده خود به طرق مختلف رفتار نماید. بنابراین هر گاه بی‌دینی حکمفرما می‌شود و اثری از دین حقیقی بر جای نمی‌ماند، خداوند به اراده خویش ظهور می‌نماید. اصول دین در وداها تدوین شده است و هر گونه عصیان در انجام صحیح اصول وداها انسان را به بی‌دینی سوق می‌دهد. در بهاگاواتام گفته شده است که چنین اصولی قوانین خداوند هستند؛ تنها خداوند قادر متعال است که می‌تواند دین را ایجاد کند. وداها نیز به عنوان کلام خدا که در اصل خداوند آن را به قلب برهما نازل فرمود، پذیرفته شده‌اند. بنابراین، اصول دهارما یا دین، دستورات مستقیم شخصیت متعال خداوند است.[ *(dharmaṁ tu sākṣād bhagavat-praṇītam [SB 6.3.19* ) ]).

این اصول در بهاگاواد–گیتا به وضوح بیان شده است و هدف وداها این است که این اصول تحت هدایت خداوند متعال تحقق پذیرد و برقرار گردد و در انتهای گیتا خداوند صریحاً اعلام می‌دارد که اوج دینداری و بالاترین اصل دین همانا تسلیم محض به خداوند است و بس. پس اصول ودایی انسان را به سمت تسلیم کامل به خداوند تشویق می‌کند و هر گاه شریران و دیوسیرتان این اصول رابر هم زنند، خداوند ظهور می‌کند. ما از بهاگاواتام درمی‌یابیم که خداوند بودا یکی از ظهورات کریشناست؛ او هنگامی ظاهر گردید که مادیگرایی شایع و حکمفرما بود و مادیگرایان و دنیاپرستان مرجعیت وداها را آلت دست و مستمسک قرار داده بودند. با اینکه در وداها راجع به قربانی حیوانات که به منظور اهداف خاصی صورت می‌گیرد، قوانین محدودکننده معینی وجود دارد، با این حال در آن زمان افراد ناصالح که تمایلات شریرانه داشتند، حیوانات را بدون مراعات اصول ودایی قربانی می‌کردند. خداوند بودا ظهور نمود تا نقطه پایانی بر این کار عبث بگذارد و اصول ودایی عدم اعمال خشونت را وضع نماید. بنابراین هر یک از ظهورات خداوند یا هر آواتارا واجد رسالت خاصی است که همه آنان در کتب مقدس توصیف شده است، در نتیجه هیچکس را نباید به عنوان آواتارا پذیرفت مگر اینکه در کتب آسمانی به او اشاره شده باشد. این نکته حقیقت ندارد که خداوند تنها در خاک هندوستان ظهور می‌کند؛ یگانه متعال قادر است در هر کجا و هر گاه که اراده کند خود را ظاهر سازد. حق تعالی در هر یک از ظهورات خود به آن اندازه درباره دین سخن می‌گوید که مردم به مقتضیات زمان و مکان خاص خود بتوانند آن را درک کنند؛ لیکن هدف یکی است، یعنی هدایت مردم به سوی خدا یا بیدار ساختن آگاهی الهی در نفوس فراموشکار و واداشتن آنها به اطاعت از اصول دین. گاهی خداوند از ملکوت اعلای خویش شخصاً برای این منظور هبوط می‌کند و گاهی نماینده معتبر خود را در قالب خادم یا فرزند خود می‌فرستد و یا شخصاً به صورت ناشناخته می‌آید.

اصول بهاگاواد-گیتا برای آرجونا یا اصولا هر روح بلندپایه دیگر گفته شد، زیرا آرجونا در مقایسه با اشخاص معمولی حاضر در سایر نقاط جهان از مراتب پیشرفته‌تر روحانی برخوردار بود. دو به علاوه دو مساوی چهار می‌شود: این حقیقتی است که مورد قبول هم دانش‌آموز و هم ریاضی‌دان پیشرفته است. پس اصول حساب ابتدایی فرقی با اصول ریاضیات عالی ندارد. به همین ترتیب در تمام ظهورات خداوند، همان اصول واحد آموخته می‌شود که به موجب موقعیتهای گوناگون، ساده‌تر و پیشرفته‌تر به نظر می‌آید. اصول پیشرفته‌تر دین همان گونه که بعداً توضیح داده خواهد شد، با قبول چهار طبقه اجتماعی و چهار مرحله زندگی روحانی آغاز می‌شود. هدف اصلی ظهورات در همه جا بیدار ساختن آگاهی الهی یا کریشنا آگاهی است که این آگاهی تنها به لحاظ تأثیر موقعیتهای گوناگون متجلی یا نامتجلی می‌باشد.

## آیه ۸

*paritrāṇāya sādhūnāṁ*
*vināśāya ca duṣkṛtām*
*dharma-saṁsthāpanārthāya*
*sambhavāmi yuge yuge*

*paritrāṇāya*: برای نجات و رهایی ـ *sādhūnām*: مربوط به عابدان و مریدان ـ *vināśāya*: برای نابودی ـ *ca*: و ـ *duṣkṛtām*: مربوط به شریران و خدانشناسان ـ *dharma*: اصول دین ـ *saṁsthāpana-arthāya*: مجدداً تأسیس کردن ـ *sambhavāmi*: ظاهر می‌شوم ـ *yuge*: عصر ـ *yuge*: پس از عصر.

## ترجمه

**به منظور نجات پرهیزکاران و نابودی بی‌ایمانان و همچنین برای برقراری مجدد اصول دین در هر عصر شخصاً ظهور می‌کنم.**

## شرح

طبق بهاگاواد-گیتا یک سادهو (شخص مقدس) کسی است که در آگاهی به کریشنا قرار گرفته است. ممکن است کسی بی‌دین به نظر رسد، ولی اگر به تمام و کمال واجد صفات کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی باشد، باید دانست که او یک سادهو است. و دوشکریتام مصداق کسانی است که علاقه‌ای به شناخت خداوند یا آگاهی به کریشنا ندارند. این افراد، یا اشخاص دوشکریتام، حتی با اینکه ممکن است به دانش مادی نیز آراسته شده باشند، در زمره ابلهان و فرومایگان جامعه بشری توصیف می‌شوند، در حالی که شخصی که صد در صد در آگاهی به کریشنا، آگاهی به خداوند، بسر می‌برد، حتی در صورتی که دانا یا تحصیل‌کرده نیز نباشد، به عنوان یک سادهو پذیرفته می‌شود. برای خداوند تبارک و تعالی ضرورتی ندارد که جهت نابود ساختن کافران و خدانشناسان شخصاً ظهور کند، همان‌گونه که با دیوانی چون راوانا و کامسا چنین کرد؛ او برای تنبیه کافران نیروها و کارگزاران کافی دراختیار دارد که کاملاً قادر به انجام این کارند، در حقیقت ظهور خداوند به منظور خاص خشنود ساختن و مورد لطف قرار دادن عاشقان و عابدان خالص خود که همواره مورد آزار و اذیت کافران قرار می‌گیرند، صورت می‌پذیرد. کافران از آزار عابدان بازنمی‌ایستند، حتی چنانچه عابدان از خویشان آنها نیز باشند: در کتب آسمانی شکنجه‌ها و آزارهای هیرانیا کاشیپو که نسبت به فرزند خود پراهلادا ماهاراجا روا داشت، نقل شده است و همچنین آزار و شکنجه‌هایی که دواکی و واسودوا از طرف کامسا، برادر دواکی، متحمل شدند فقط به این علت که قرار بود کریشنا از وصلت آنان ظهور کند. بنابراین خداوند کریشنا در اصل برای نجات دواکی ظاهر شد، تا آنکه برای از بین بردن کامسا، ولی تحقق هر دو امر همزمان

صورت گرفت. بنابراین در اینجا گفته شده است که خداوند برای نجات عابدان و تنبیه کافران در ظهورات گوناگون هبوط می‌نماید.
در کتاب چیتانیا ـ چاریتامریتا (مادهیا ۲۰/۲۶۳-۲۶۴) اثر کریشنا داسا کاویراجا، اصول ظهورات الهی به طور خلاصه چنین بیان می‌گردد:

*sṛṣṭi-hetu yei mūrti prapañce avatare*
*sei īśvara-mūrti 'avatāra' nāma dhare*
*māyātīta paravyome sabāra avasthāna*
*viśve avatari' dhare 'avatāra' nāma*

"آواتارا یا ظهور شخصیت خداوند، هبوط او تحت شکل و صورت خاصی از ملکوت اعلای الهی به عالم مادی است. تمام این ظهورات الهی به طور جاودانی در عالم روحانی یا ملکوت الهی به سر می‌برند و به هنگام هبوط در آفرینش مادی، نام آواتارا را به خود می‌گیرند."
انواع مختلف آواتارا وجود دارد همچون پوروشا ـ آواتارا، گونا ـ آواتارا، لیلا ـ آواتارا، شاکتی آویشا ـ آواتارا، مان وان تارا ـ آواتارا و یوگا ـ آواتارا که تماماً طبق برنامه در سراسر عالم کائنات ظهور می‌کنند. اما خداوند کریشنا، شخصیت ازلی الهی، اصل و سرچشمه تمام آواتاراها می‌باشد. در حقیقت خداوند شری‌کریشنا به منظور خاص پاسخ دادن به اشتیاق عابدان پاک خود هبوط می‌کند، که عاشقانه مشتاق دیدار خداوند در شئون الهی اصلیش در ورینداوانا هستند. نتیجه این است که هدف اصلی از کریشنا ـ آواتارا مورد لطف قرار دادن و خشنود ساختن عابدان پاک و عاشقان خالص است.
حق تعلی می‌گوید که او شخصاً در هر عصر ظهور می‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که او درعصر کالی نیز ظهور می‌نماید. ظهور خداوند در عصر کالی، چنانکه در شریماد- بهاگاواتام ذکر گردیده، خداوند چیتانیا ماها پرابهو می‌باشد که عبادت کریشنا را با نهضت سام‌کیرتانا (ذکر اسماء مقدس خداوند به صورت دسته‌جمعی) اشاعه داد و این طریقت شناخت خداوند و آگاهی به کریشنا را در سراسر هندوستان گسترش بخشید. چیتانیا ماها پرابهو پیش‌بینی نمود که جنبش سام‌کیرتانا در سراسر جهان، شهر به شهر و روستا به روستا گسترش خواهد یافت. خداوند چیتانیابه عنوان ظهور کریشنا، شخصیت مطلق الهی، به صورت غیر مستقیم، در قسمتهای محرمانه‌ای از کتب مقدس همچون اوپانیشادها، ماهابهاراتا و بهاگاواتام توصیف شده است. مریدان و عابدان خداوند کریشنا شدیداً مجذوب جنبش سام‌کیرتانا خداوند چیتانیا می‌باشند. این آواتارا کافران را نابود نمی‌کند بلکه آنها را با لطف بی‌کران و بی‌سبب خود نجات می‌بخشد.

## آیه ۹

*janma karma ca me divyam*
*evaṁ yo vetti tattvataḥ*
*tyaktvā dehaṁ punar janma*
*naiti mām eti so 'rjuna*

*janma*: تولد ـ *karma*: کار و عمل ـ *ca*: همچنین ـ *me*: مربوط به مال من ـ *divyam*: متعال و روحانی ـ *evam*: همانند این ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *vetti*: بشناسد، درک کند ـ *tattvataḥ*: به حقیقت ـ *tyaktvā*: کنارگذاردن ـ *deham*: این بدن ـ *punaḥ*: دوباره ـ *janma*: تولد ـ *na*: هرگز ـ *eti*: کسب می‌کند ـ *mām*: به من ـ *eti*: واصل می‌شود ـ *saḥ*: او ـ *arjuna*: ای آرجونا.

## ترجمه

**ای آرجونا، کسی که به طبع روحانی ظهور و اعمال من پی ببرد، پس از ترک کالبد مـادی دیگـر بـه ایـن دنیای مادی رجعت نمی‌کند، بلکه به ملکوت جاودان من واصل خواهد شد.**

## شرح

هبوط خداوند از ملکوت روحانی او قبلاً در آیه شش توضیح داده شد. کسی که به درک حقیقت ظهور شخصیت خداوند نائل آید، از زنجیر اسارت مادی رها می‌شود و بی‌درنگ پس از ترک کالبد مادی به ملکوت اعلای خداوند بازمی‌گردد. برای گوهر روح موجود زنده رهایی از گرفتاری مادی اصلاً آسان نیست. یوگیها و بی‌هویت‌گرایان تنها پس از زحمات و سختیهای زیاد و تولدهای بسیار به رهایی می‌رسند. با این حال حتی دست یافتن به این نوع رهایی، یعنی غرق شدن و یکی شدن در انوار متعال برهماجیوتی که نور خداوند و وجه فاقد شخصیت او می‌باشد، کامل نیست و در آن خطر بازگشت به دنیای مادی وجود دارد. ولی عابد تنها با درک طبع روحانی شکل متعال و اعمال غیرمادی خداوند پس از پایان عمر این کالبد مادی به منزلگاه جاودان او واصل می‌گردد و در معرض خطر بازگشت به دنیای مادی واقع نیست. در برهما ـ سامهیتا (۵/۳۳) آمده است که خداوند دارای اشکال و ظهورات بی‌شمار است: *advaitam acyutam anādim ananta-rūpam*.

اگرچه خداوند واجد شکلهای روحانی بی‌شمار است، با این حال همه آنان یکی و همان شخصیت واحد متعال خداوند هستند. انسان باید به این حقیقت علی‌رغم اینکه برای محققان دنیوی و فلاسـفه تجربی غـیر قابل فهم است، اطمینان کامل داشته باشد، همان گونه که در وداها (پوروشا ـ بودهینی اوپانیشاد) آمده است:

*eko devo nitya-līlānurakto*
*bhakta-vyāpī hṛdy antar-ātmā*

"شخصیت یگانه پروردگار به طور جاودان در شکلهای بی‌شمار روحانی مشغول تبادل احساسات عاشقانه با عابدان پاک و خالص خود است." خداوند توصیف مذکور را شخصاً در این آیه گیتا تأیید نموده است. کسی که این حقیقت را با اتکاء به مرجعیت وداها و حقانیت شخصیت اعلای پروردگار قبول می‌کند و وقت خود را با پندارهای فلسفی تلف نمی‌نماید به بالاترین مرحله کمال رهایی دسـت می‌یابد. انسان تنها با ایمان به این حقـیـقت می‌تواند به رهایی دست یابد. توصیف ودایی (*tat tvam asi*) واقعاً در این مورد صدق می‌کند. کسی که درک کند خداوند کریشنا همان حقیقت متعال است و به او قلباً اظهار دارد: "تو همان برهمن متعال، یعنی شخصیت خداوند هستی" مسلماً بی‌درنگ رهایی می‌یابد و در نتیجه معاشرت روحانی او با خداوند تضمین شده است. به عبارت دیگر چنین عابد با ایمانی به مرحله کمال نائل می‌آید. این مطلب با اظهار قطعی ودایی ذیل تأییدشده است:

*tam eva viditvāti mṛtyum eti*
*nānyaḥ panthā vidyate 'yanāya*

"انسان می‌تواند تنها با شـناخت شخصـیت اعلای پروردگار به مرحله کامل رهایی از دایره تولد و مرگ نائل آید و هیچ راه دیگری برای نیل به این کمال وجود ندارد." (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۸/۳) اینکه در این راه شق دیگری وجود ندارد بدان معناست که کسی که خداوند کریشنا را به عنوان شخـصـیت مطلق الهی درک نکند قطعاً در گونهٔ جهل و غفلت واقع است و فقط با به اصطلاح لیـسـیدن سطح بـیرونی شیـشه عسل، یا به عبارتی با تفسیر بهاگاواد–گیتا بر اساس تحقیقات مادی به رهایی نائل نخواهد شد. چـنـین فلاسفه تجربه‌گرایی ممکن است نقشهای بسیار مهمی را در دنیای مادی به دست گیرند، ولی لزوماً شایسته رهایی نیستند. محققان مادی مغرور، برای رهایی، فقط باید در انـتـظار لطف بی‌کران و بی‌دلیل عابد خداوند باشند. بنابراین انسان باید با ایمان و دانش، در جهت آگاهی به کریشنا قدم بردارد و آن را پرورش دهد تا به این طریق به کمال نائل آید.

## آیه ۱۰

*vīta-rāga-bhaya-krodhā*
*man-mayā mām upāśritāḥ*
*bahavo jñāna-tapasā*
*pūtā mad-bhāvam āgatāḥ*

*vīta*: رها شده از ـ *rāga*: دلبستگی ـ *bhaya*: ترس ـ *krodhāḥ*: و خشم ـ *mat-mayā*: کاملاً در من ـ *mām*: در من ـ *upāśritāḥ*: کاملاً واقع شدن ـ*bahavaḥ* : بسیاری ـ *jñāna* : مربوط به دانش ـ *tapasā* : از طریق توبه و ریاضت ـ *pūtāḥ* : پاک شدن ـ *mat-bhāvam* : عشق متعال برای من ـ *āgatāḥ*: کسب کردند.

## ترجمه

**افراد بی‌شماری در گذشته با رها شدن از دلبستگی، ترس و خشم و کاملاً مجذوب شدن و پناه بـردن بـه من، به موجب شناخت من تطهیر شده‌اند و بدین سبب عشق روحانی به من در همهٔ آنان بیدار گشت.**

## شرح

همان گونه که در فوق توصیف شد، برای کسی که شدیداً تحت تأثیر مادیات است، درک جنبه دارای هویت یا طبیعت واجد شخصیت حقیقت مطلق بسیار مشکل می‌باشد. عموماً کسانی که به‌ادراک جسمانی از حیات دلبسته‌اند، آنقدر مجذوب مادیات هستند که تقریباً درک این نکته برای آنان غیر ممکن است که چگونه حقیقت متعال می‌تواند یک شخص باشد. چنین مادیگرایانی حتی نمی‌توانند تصور کنند که جسم متعالی وجود دارد که فناناپذیر، مملو از دانش و به طور جاودان پر از شعف است. کالبد مادی از دیدگاه متعارف، زوال‌پذیر، مملو از جهل و کاملاً توأم با رنج است. از این رو عموم مردم هنگامی که از وجه واجد شخصیت خدا مطلع می‌گردند، همان طرز تفکر مادی اجسم برای خداوند نیز به ذهنشان متبادر می‌شود. همانا متعال برای چنین اشخاصی، شکل عظیم عالم کائنات است. در نتیجه آنان حق تعالی را فاقد شخصیت محسوب می‌نمایند. و چون زیاد مجذوب مادیات هستند این طرز فکر ابقای شخصیت، بعد از رهایی از اسارت مادی، آنان را می‌ترساند. هنگامی که مطلع می‌شوند در زندگی روحانی نیز فردیت و شخصیت همچنان حفظ می‌گردد، از اینکه دوباره واجد شخصیت و فردیت بشوند دچار ترس می‌شوند، و در نتیجه طبیعتاً ترجیح می‌دهند در نوعی خلا فاقد شخصیت مستغرق شوند. به طور کلی آنان موجودات زنده را به حبابهایی در اقیانوس تشبیه می‌کنند که با آن یکی می‌شوند. چنانچه فرد هویت جاودانی خود را انکار کند، والاترین حالت روحانی که می‌تواند کسب کند غرق شدن در خلا فاقد شخصیت و یکی شدن با آن است. ولی این حالت، نوعی ترس از زندگی، به علت عدم شناخت کامل زندگی روحانی است. علاوه بر این، افراد بسیار زیادی وجود دارند که در اصل قادر به درک زندگی روحانی نیستند. آنان به علت اینکه با فرضیه‌های گوناگون و انواع تناقضات موجود در نظریات فلسفی آشفته شده‌اند، بیزار یا خشمگین می‌شوند و ابلهانه نتیجه‌گیری می‌کنند که هیچ علت متعالی وجود ندارد و همه چیز در نهایت، خلا است. چنین اشخاصی در حالت بیمارگونه‌ای از ادراک زندگی هستند. بعضی از اشخاص به دلیل دلبستگی مادی زیاد اهمیتی به زندگی روحانی نمی‌دهند، برخی دیگر می‌خواهند غرق در آن علت‌العلل روحانی گردند و با آن یکی شوند، و بعضی از آنها به هیچ چیز ایمان ندارند زیرا به علت ناامیدی نسبت به انواع نظریات و دیدگاههای روحانی خشمگین‌اند. این دسته اخیر به مواد سکرآور پناه می‌برند و گاهی اوقات توهمات ناشی از آن را الهامات روحانی می‌پندارند. انسان باید از تمام این سه مرحله دلبستگی به دنیای مادی آزاد گردد که عبارتند از: غفلت ورزیدن و نادیده گرفتن زندگی روحانی، ترس از وجود یک هویت روحانی یا شخصیت فردی روحانی، و اعتقاد به فلسفه پوچ‌گرایی که از سرخوردگی و ناامیدی در زندگی پدید می‌آید. انسان

برای رهایی از این سه دیدگاه مادی، باید تحت راهنمایی یک پیر روحانی معتبر و موثق، به خداوند پناه ببرد و از قواعد منظم و اصول تنظیم‌کننده زندگی عابدانه پیروی کند تا به بهاوا یا عشق متعال به شخصیت الهی واصل گردد.
طبق بهاکتی راسامریتا ـ سیندهو (۱۵/۴/۱–۱۶) که علم خدمت عابدانه را در بر دارد:

*–ādau śraddhā tataḥ sādhu*
*saṅgo 'tha bhajana-kriyā*
*tato 'nartha-nivṛttiḥ syāt*
*tato niṣṭhā rucis tataḥ*

*athāsaktis tato bhāvas*
*tataḥ premābhyudañcati*
*sādhakānām ayaṁ premṇaḥ*
*prādurbhāve bhavet kramaḥ*

"در آغاز انسان باید جویای معرفت‌النفس باشد و بخواهد خودشناسی کند. این امر او را به مرحله‌ای می‌رساند که کوشش نماید با اشخاصی که از نظر روحانی در مقام والایی هستند معاشرت نماید. در مرحله بعد شخص از طرف یک پیر روحانی عالی‌مقام تشرف می‌یابد و تحت راهنمایی او روند خدمت عابدانه را آغاز می‌کند. با انجام خدمت عابدانه تحت هدایت پیر روحانی، انسان از تمام دلبستگیهای مادی آزاد می‌گردد، به ثبات قدم در طریق خودشناسی نائل می‌شود و تمایل و اشتیاق برای شنیدن درباره شخصیت مطلق پروردگار، شری‌کریشنا در او فزونی می‌یابد. این اشتیاق انسان را در جهت دلبستگی به کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی هدایت می‌کند که این دلبستگی در مرحله بهاوا، یعنی مرحله اولیه عشق به خدا، به اوج و کمال خود می‌رسد. و پرما، یا عشق حقیقی به خداوند را به وجود می‌آورد که بالاترین مرتبه کمال حیات است." در مرحله پرما، فرد به خدمت دائم عاشقانه روحانی خداوند مشغول می‌گردد. بنابراین، رفته رفته با روند تدریجی خدمت عابدانه، تحت راهنمایی پیر روحانی معتبر، انسان می‌تواند از تمام دلبستگیهای مادی، از ترس به طور جاودانی یک روح فردی بودن و از سرخوردگیهایی که منتج به فلسفه پوچ‌گرایی می‌شود، آزاد گردد و به بالاترین مرحله زندگی روحانی نائل آید؛ فقط در این صورت است که انسان می‌تواند به ملکوت جاودان خداوند متعال دست یابد.

## آیه ۱۱

*ye yathā māṁ prapadyante*
*tāṁs tathaiva bhajāmy aham*
*mama vartmānuvartante*
*manuṣyāḥ pārtha sarvaśaḥ*

*ye* : تمام آن کسانی که ـ *yathā* : به همان اندازه که، چنانکه ـ *mām* : به من ـ *prapadyante* : تسلیم می‌شوند ـ *tān* : به آنها، آنها را ـ *tathā* : چنان ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *bhajāmi* : پاداش می‌دهم ـ *aham* : من ـ *mama* : مال من، م ـ *vartma* : راه ـ *anuvartante* : پیروی می‌کنند ـ *manuṣyāḥ* : تمام انسانها ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *sarvaśaḥ* : از تمام جهات.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، همه به صورتی راه مرا دنبال می‌کنند و آنان را به نسبتی که به من تسلیم شـوند، پـاداش می‌دهم.**

## شرح

در حقیقت همه در جستجوی کریشنا در وجوه گوناگون تجلیات او هستند. درک انوار فاقد شخصیت برهماجیوتی و همچنین درک سیمای جاودان روح متعال ساری و جاری که در درون هر شیء و در دل هر ذره حضور دارد، مفاهیمی جزئی یا درکهایی ناقص از همان کریشنا، شخصیت اعلای پروردگار، محسوب می‌شود؛ در حالی که شناخت کامل کریشنا تنها از طرف عابدان پاکش صورت می‌گیرد. در نتیجه کریشنا برای همه هدف و موضوع شناخت است و بدین‌سان هر کس به اندازه خواسته‌اش برای شناخت او رضایت و توفیق معرفت می‌یابد. در ملکوت روحانی نیز کریشنا با سرسپردگان خالص و عابدان پاکش همان گونه که عابد او را بخواهد، مناسبات و احساسات عاشقانه روحانی دو جانبه تبادل می‌کند. عابدی ممکن است کریشنا را به عنوان ارباب متعال بخواهد، دیگری به عنوان دوست و همراه صمیمیش، دیگری به عنوان پسرش، و یا دیگری به عنوان عاشق خود؛ به هر حال کریشنا همه آنان را همان گونه که هر کدام از آنها انتظار دارد، پاسخ می‌گوید و راضی می‌نماید. در دنیای مادی نیز همین تبادل احساسات بین خداوند و عابدان او وجود دارد. بدین ترتیب مریدان پاک خداوند، چه در اینجا و چه در ملکوت روحانی، با او معاشرت می‌کنند و قادرند به او شخصاً و صمیمانه خدمت کنند و بدین‌سان با خدمت عاشقانه به خداوند از لذات روحانی بهره‌مند گردند. کریشنا فلاسفه تجربه‌گرا یا بی‌هویت‌گرایانی را که به جنبه واجد شخصیت خداوند ایمان ندارند و می‌خواهند به‌وسیله فنا کردن موجودیت فردی گوهر روح، مرتکب خودکشی روحانی شوند، به انوار متعال ساطع از ذات خویش جذب می‌کند و بدین صورت آرزوی آنها را نیز برآورده می‌سازد. چنین بی‌هویت‌گرایانی چون شخصیت جاودان و پر از شعف خداوند را نفی می‌کنند، به علت انکار فردیت خود نمی‌توانند از شعف خدمت صمیمانه و روحانی به شخص خداوند لذت ببرند. بعضی از آنان که نتوانسته‌اند کاملا در موجودیت فاقد هویت خداوند قرار بگیرند، به این عرصه مادی بازمی‌گردند تا آرزوهای خفته خود را برای فعالیتهای گوناگون جامه عمل بپوشانند. آنان که قادر به دستیابی به سیارات روحانی نمی‌گردند، بار دیگر این فرصت را می‌یابند که در سیارات مادی عمل نمایند. خداوند به آنان که برای اجر و ثمر کار می‌کنند در مقام یاگی‌یشوارا (*yajñeśvara*) نتایج حاصل از انجام وظایف تجویزشده‌شان را عطا می‌کند و به آنان که یوگی‌اند و در جستجوی قدرتهای اسرارآمیز، نیز قدرتهای مورد نظرشان را تفویض می‌کند. به عبارت دیگر همه برای موفقیت به لطف و رحمت او متکی هستند و تمام طرق سیر و سلوک روحانی تنها درجات مختلفی از موفقیت در همان راه واحد است. بنابراین چنانکه در شریماد- بهاگاواتام (۱۰/۳/۲) گفته شده، مادام که انسان به بالاترین کمال یعنی آگاهی به کریشنا دست نیابد، تمامی تلاشهایش ناقص و نافرجام باقی می‌ماند.

*akāmaḥ sarva-kāmo vā*
*mokṣa-kāma udāra-dhīḥ*
*tīvreṇa bhakti-yogena*
*yajeta puruṣaṁ param*

"چه انسان فاقد خواسته و آرزو باشد (وضعیت عابدان)، یا خواستار کلیه نتایج از اعمال ثمرجویانه، و یا به دنبال رهایی باشد، باید با تمام قوا به منظور نائل آمدن به اوج کمال، یعنی کریشنا آگاهی، بکوشد شخصیت متعال خداوند را بپرستد."

## آیه ۱۲

*kāṅkṣantaḥ karmaṇāṁ siddhiṁ*
*yajanta iha devatāḥ*

*kṣipraṁ hi mānuṣe loke*
*siddhir bhavati karma-jā*

*kāṅkṣantaḥ* : خواستار ـ *karmaṇām* : مربوط به اعمال ثمرجویانه ـ *siddhim* : کمال ـ *yajante* : آنها به‌وسیله قربانیها پرستش می‌کنند ـ *iha* : در دنیای مادی ـ *devatāḥ* : فرشتگان ـ *kṣipram* : بسیار به سرعت ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *mānuṣe* : در جامعه بشری ـ *loke* : در این جهان ـ *siddhiḥ* : موفقیت ـ *bhavati* : می‌آید، فرا می‌رسد ـ *karma-jā* : از کار برای اجر و ثمر.

## ترجمه

**انسانها در این جهان آرزوی موفقیت در اعمال ثمرجویانه را دارند و بدین سبب است که فرشتگان را می‌پرستند. البته آنان بی‌درنگ به نتایج اعمال ثمرجویانهٔ خود در این جهان دست می‌یابند.**

## شرح

ادراک کاملا اشتباهی درباره خداوندگاران یا فرشتگان دنیای مادی وجود دارد و برخی نابخرد که به عنوان محققان و دانشمندان بزرگ شناخته شده‌اند، خداوندگاران یا فرشتگان را شکلهای مختلفی از خداوند متعال تلقی می‌کنند. در واقع آنها شکلهای مختلف خدا نیستند بلکه اجزاء و ذرات گوناگون اویند. همانا خداوند یکی بیش نیست، در حالی که اجزاء و ذرات او بسیار است. وداها اعلام می‌کنند: نیتیو نیتیانام (*Īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ*.) خداوند یکتاست. ایشوارا پاراما کریشنا. خداوند متعال – کریشنا – همان یگانه ذات اقدس پروردگار می‌باشد و فرشتگان کسانی‌اند که قدرت اداره این دنیای مادی به آنان واگذار شده است. این فرشتگان همگی موجودات زنده‌ای (نیتیانام) هستند که واجد درجات مختلفی از قدرت مادی اند. آنها نمی‌توانند با خداوند متعال نارایانا، ویشنو یا کریشنا برابر گردند. در واقع کسی که تصور کند حق تعالی و فرشتگان در یک سطح هستند، خداشناس یا پاشاندی خوانده می‌شود. حتی نیرومندترین و مهمترین فرشتگان همچون برهما و شیوا را نمی‌توان با پروردگار متعال مقایسه نمود، زیرا در واقع آنان نیز خداوند را عبادت می‌کنند(*śiva-viriñci-nutam*). عجیب است که ابلهان و نادانان تحت تأثیر ادراک اشتباه انتروپومورفیزم (جنبه انسانی برای خدا قائل شدن) یا زومورفیزم (جنبه حیوانی برای خدا قائل شدن)، به پرستش بسیاری از رهبران انسانی مبادرت می‌ورزند. منظور از واژه ایها دواتا در این آیه، انسان یا فرشته نیرومند جهان مادی است. ولی نارایانا، ویشنو، یا کریشنا یعنی شخصیت مطلق الهی به این دنیای خاکی تعلق ندارد. عرش خدا و مقام و منزلت حق تعالی ورای این عالم مادی قرار گرفته است. حتی شریپاد شانکاراچاریا، پیشوای بی‌هویت‌گرایان، تأیید می‌کند که نارایانا، یا کریشنا، ورای این آفرینش مادی قرار دارد. ولی با این وصف اشخاص ابله (هریتا ـ گیانا)، به قصد کسب نتایج و ثمرات آنی، فرشتگان را می‌پرستند. آنان به این نتایج دست می‌یابند، ولی نمی‌دانند که حصول این نتایج موقت و فانی برای اشخاص کم‌شعور منظور شده است. شخص خردمند در آگاهی به کریشنا قرار دارد و نیازی نمی‌بیند که برای به دست آوردن منافع موقت و فوری، فرشتگان جزئی را عبادت کند. فرشتگان جهان مادی و همچنین پرستش‌کنندگان آنها تماماً با انهدام این عالم کائنات از بین خواهند رفت. همانا الطاف و برکات فرشتگان، مادی و موقتی است و عوالم مادی و ساکنان آن نیز هر دو به منزله حبابهای گذرایی در اقیانوس کیهان مادی هستند. با این حال جامعه بشری در این دنیا دیوانه‌وار به دنبال تمتع از نعمتهای موقت همچون ثروت مادی، مالکیت زمین، تشکیل خانواده و لذات ناشی از آنها می‌باشد. مردم برای کسب آنها به پرستش فرشتگان یا اشخاص حائز قدرت در جامعه بشری مبادرت می‌ورزند. اگر کسی با پرستش یکی از رهبران سیاسی مملکت خود به احراز مقام دولتی دست یابد، تصور می‌کند موهبت بزرگی نصیبش شده است. بنابراین همه آنان برای کسب موهبتهای مادی به این به اصطلاح رهبران سر تعظیم فرود می‌آورند که البته بدین ترتیب به خواسته‌های خود نیز

خواهـند رسید. این ابلهان با نادیده گرفتن آگاهی به کریشنا – به منزله راه حل دائـمی برای مصائب زندگی مادی – علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهند و تماماً به دنبال کامجویی و ارضای نفس اند و برای کسب قدری تسهیلات و برکات مادی به منظور ارضای تمایلات نفـسانی به پرسـتش موجودات زنده نـیرومند جذب می‌شوند که به نام فرشتگان معروف هستـند. این آیه نشان می‌دهد که مردم چندان علاقه‌ای به کریشنا آگاهی (خداشناسی) ندارند، بلکه بیشتر به لذات مادی اشتیاق نشان می‌دهند و بدین منظور به پرستش موجودات زنده صاحب قدرت مبادرت می‌ورزند.

## آیه ۱۳

*cātur-varṇyaṁ mayā sṛṣṭaṁ*
*guṇa-karma-vibhāgaśaḥ*
*tasya kartāram api māṁ*
*viddhy akartāram avyayam*

*cātuḥ-varṇyam* : چهار طبقه جامعه انسانی ـ *mayā* : به‌وسیله من ـ *sṛṣṭam* : خلق شده ـ *guṇa* : مربوط به گونه ـ *karma* : و کار ـ *vibhāgaśaḥ* : بر حسب طبقه‌بندی ـ *tasya* : مربوط به آن ـ *kartāram* : پدر ـ *api* : با اینکه ـ *mām* : به من، مرا ـ *viddhi* : بدان ـ *akartāram* : به عنوان کسی که عمل نمی‌کند ـ *avyayam* : غیر قابل تغییر.

## ترجمه

**من طبقه‌بندی چهارگانهٔ جامعهٔ انسانی را بر اساس سه گونهٔ طبیعت مادی و عملکرد ناشـی از آنهـا خلـق کردم. ولی باید بدانی هرچند آفرینندهٔ این نظام هستم خود فاعل نمی‌باشم، چون تغییرناپذیرم.**

## شرح

خداوند خالق همه پدیده‌های عالم است. کل عالم هستی از او نشأت می‌گیرد، او حافظ همه کائنات است، و همه چیز پس از انهدام در او بقاء می‌یابد. بنابراین، خداوند خالق چهار بخش در نظام اجتماعی است: ابتدا طبقه خردمندان که به علت واقع شدن در گونهٔ نیکی اصطلاحاً براهمانا خوانده می‌شوند، سپس طبقه مدیران و اداره‌کنندگان که به علت واقع شدن در گونهٔ شهوت اصطلاحاً کشاتریا خوانده می‌شوند و سپس طبقه تاجران و بازرگانان که در ترکیبی آمیخته از گونه‌های شهوت و جهل واقع هستند و وایشیا خوانده می‌شوند و شودراها یا طبقه کارگران نیز در گونهٔ جهل و غفلت طبیعت مادی واقع‌اند. خداوند کریشنا با وجود آفریدن چهار طبقه جامعه بشری به هیچیک از این طبقات تعلق ندارد، زیرا او اسیر مادیات نیست. جامعه بشری مشابه هر اجتماع دیگر حیوانی است، با این تفاوت که خداوند برای تکامل انسان در مسیر کریشنا آگاهی (خداشناسی) و ارتقای او از مرتبه حیوانی، طبقات فوق‌الذکر را خلق کرده است. باید در نظر داشت که تمایل هر فرد به نوعی کار با گونه‌هایی که او از طبیعت مادی اکتساب کرده، تعیین می‌شود. این تمایلات یا خصوصیات زندگی، مطابق طبایع مختلف طبیعت مادی می‌باشد که در فصل هجدهم این کتاب توصیف شده است. اما کسی که در آگاهی به کریشنا واقع شده حتی از براهماناها نیز بالاتر است. با اینکه خصوصیت براهماناها ایجاب می‌کند که درباره حقیقت مطلق بدانند، با این وصف، بیشتر آنان فقط به شناخت تجلی فاقد هویت خداوند کریشنا، یعنی برهمن تمایل دارند. ولی انسانی که از دانش محدود براهمانا فراتر می‌رود و به معرفت شخصیت اعلای پروردگار، خداوند کریشنا نائل می‌آید، شخصی واقع در آگاهی به کریشنا یا به بیان دیگر وایشناوا می‌شود. آگاهی به کریشنا شامل معرفت به تمام بسطهای کامل و گوناگون خداوند یعنی راما، نریسیمها، واراها و غیره می‌شود. و همان گونه که

کریشنا در ورای این طبقات چهارگانه جامعه بشری است، شخصی که در آگاهی به کریشنا قرار داشته باشد نیز در ورای تمام طبقات جامعه انسانی می‌باشد، حال چه اینکه ما به طبقات از دیدگاه جامعه، ملت یا گونه‌های حیاتی انسانی بنگریم.

## آیه ۱۴

*na māṁ karmāṇi limpanti*
*na me karma-phale spṛhā*
*iti māṁ yo 'bhijānāti*
*karmabhir na sa badhyate*

*na* : هرگز ـ *mām* : به من، مرا ـ *karmāṇi* : تمام انواع کار ـ *limpanti* : تأثیر می‌گذارد ـ *na* : و نه ـ *me* : مال من، م ـ *karma-phale* : در اعمال ثمرجویانه ـ *spṛhā* : آرزو، اشتیاق ـ *iti* : بدین‌سان ـ *mām* : به من، مرا ـ *yaḥ* : کسی که ـ *abhijānāti* : بشناسد ـ *karmabhiḥ* : به‌وسیله واکنش این عمل ـ *na* : هرگز ـ *saḥ* : او ـ *badhyate* : گرفتار می‌گردد.

## ترجمه

**عمل بر من تأثیر نمی‌گذارد و در آرزوی ثمرات آن نیز نیستم. کسی که به این حقیقت دربارهٔ من دست یابد، خود نیز گرفتار واکنشهای اعمال نمی‌گردد.**

## شرح

همان گونه که اعمال پادشاه، طبق قوانین اساسی مملکتی، ورای هر نوع خطایی محسوب می‌شود و این قوانین شامل حال او نمی‌گردد، مشابهاً خداوند با اینکه خالق جهان است، تحت تأثیر فعالیتهای دنیای مادی قرار نمی‌گیرد. خداوند خلق می‌کند و مبری از خلقت باقی می‌ماند، در حالی که موجودات زنده به علت تمایلشان به دستیابی به منابع مادی و خدایی کردن بر آنها گرفتار واکنشهای ناشی از ثمرات اعمال مادی‌اند. صاحب یک مؤسسه، مسئول کارهای درست یا اشتباه کارکنان آن نیست، بلکه این بار مسئولیت متوجه خود آنان است. در حقیقت موجودات زنده مشغول ارضای تمایلات حسی خود می‌باشند و این اعمال را تقدیر خداوند رقم نزده است. آنان که به منظور ارضای تمایلات نفسانی، به امور دنیوی مشغول گشته‌اند، آرزوی خوشبختی بهشتی بیشتری را نیز پس از مرگ در سر می‌پرورانند. در حالی که شخصیت مطلق الهی که در خود کامل است هیچ گونه تمایلی برای این به اصطلاح خوشبختی بهشتی ندارد و فرشتگان بهشتی خادمان او هستند. صاحب و ارباب هیچگاه آرزوی خوشبختی فروتر رعایا را در سر نمی‌پروراند. شخصیت الهی پاک و منزه از اعمال مادی و بازتابهای آن است. برای مثال می‌توان باران را در رویش گیاهان در نظر گرفت: اگرچه بدون وجود باران به عنوان علت اصلی، امکان رشد و نمو گیاهان وجود ندارد، با این حال فقط بارش باران عامل رویش گیاهان گوناگون محسوب نمی‌گردد. اظهارات اسمریتی ودایی این حقیقت را چنین تأیید می‌کند:

*nimitta-mātram evāsau*
*sṛjyānāṁ sarga-karmaṇi*
*pradhāna-kāraṇī-bhūtā*
*yato vai sṛjya-śaktayaḥ*

"در پیدایش آفرینشهای مادی، خداوند یگانه علت متعال است و علت مستقیم، طبیعت مادی است که به‌وسیله آن کل عالم مشهود نمود پیدا می‌کند." انواع مخلوقات – اعم از فرشتگان، انسانها و حیوانات – همگی در معرض بازتاب اعمال خوب یا بد گذشته خود قرار می‌گیرند. خداوندتمهیدات لازم و امکانات مناسب را برای چنین فعالیتهایی در اختیار آنان می‌گذارد و از طرفی

قوانین گونه‌های طبیعت را نیز به آنها ارزانی می‌دارد، لیکن هیچگاه مسئول اعمال گذشته و حال آنان نیست. در ودانتا ـ سوترا (۳۴/۱/۲) تأیید شده است که:*vaiṣamya-nairghṛṇye na sāpekṣatvāt* :

خداوند هیچگاه جانبدار هیچ موجود زنده‌ای نیست. موجود زنده بار مسئولیت اعمال خود را بر دوش می‌کشد و خداوند فقط از طریق طبیعت مادی، یعنی انرژی بیرونی، امکانات عمل را در اختیار او می‌نهد. هر کسی که علم کامل به تمام ظرافتها و پیچیدگیهای قانون کارما یا اعمال ثمرجویانه داشته باشد، تحت تأثیر نتایج و ثمرات اعمال خود قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، چنانچه فرد به این طبیعت متعال خداوند و اینکه او ورای قانون کارما قرار دارد واقف گردد، شخصی باتجربه در آگاهی به کریشنا محسوب می‌گردد و در نتیجه خود نیز از بند این قانون رهایی خواهد یافت. برعکس، شخصی که سرشت روحانی خداوند را نشناسد و گمان کند که اعمال خداوند، همچون موجود زنده عادی، به مقصود نتایج ثمرجویانه صورت می‌گیرد، حتماً خود را گرفتار واکنشهای ناشی از ثمرات عمل می‌سازد. کسی که حقیقت متعال را بشناسد، روح رها شده‌ای است که کاملا در آگاهی به کریشنا استوار می‌باشد.

## آیه ۱۵

*evaṁ jñātvā kṛtaṁ karma*
*pūrvair api mumukṣubhiḥ*
*kuru karmaiva tasmāt tvaṁ*
*pūrvaiḥ pūrvataraṁ kṛtam*

*evam* : بدین‌سان ـ *jñātvā* : با دانستن کامل ـ *kṛtam* : انجام شد ـ *karma* : کار، عمل ـ *pūrvaiḥ* : توسط مراجع موثق گذشته ـ *api* : در واقع ـ *mumukṣubhiḥ* : که به رهایی دست یافتند ـ *kuru* : فقط انجام بده ـ *karma* : وظیفه تجویزشده ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *tasmāt* : بنابراین ـ *tvam* : تو ـ *pūrvaiḥ* : توسط پیشینیان ـ *pūrva-taram* : در زمانهای کهن ـ *kṛtam* : چنانکه انجام گردید.

## ترجمه

**تمامی ارواح رهایی یافته در زمانهای کهن، با چنین درکی از طبیعت روحانی من عمل نمودند. از این رو تو باید وظیفه‌ات را با پیروی از آنان انجام دهی.**

## شرح

دو دسته انسان وجود دارد: آنهایی که قلبشان انباشته از آلودگی مادی است و آنهایی که از آلودگی مادی رهایند. کریشنا آگاهی برای هر دو دسته سودمند است. افراد ناپاک می‌توانند، با پیروی از اصول تنظیم‌کننده خدمت عابدانه به منظور پیمودن جریان تدریجی تهذیب نفس، راه کریشنا آگاهی را اختیار کنند. و آنان که از آلودگی مبری هستند می‌توانند به عمل در آگاهی به کریشنا ادامه بدهند تا دیگران از رفتار نمونه آنان پیروی نمایند و از این طریق بهره‌مند شوند. اشخاص نادان یا حتی رهروان مبتدی غالباً می‌خواهند بدون شناخت کافی از کریشنا آگاهی دست از فعالیت بشویند. خداوند خواسته آرجونا را مبنی بر دست کشیدن از فعالیت در میدان نبرد تأیید نمی‌کند. انسان فقط باید بداند که چگونه عمل کند. در حقیقت اینکه انسان از فعالیتهای کریشنا آگاهی کناره‌گیری کند و نمایشی از آگاهی به کریشنا بدهد و به آن تظاهر کند، کم‌اهمیت‌تر از این است که در عرصه فعالیت به خاطر کریشنا اشتغال داشته باشد. در اینجا همان گونه که قبلا هم ذکر شد به آرجونا توصیه می‌شود که با پیروی از عابدان گذشته خداوند همچون فرشته خورشید ویواسوان در آگاهی به کریشنا به عمل بپردازد. شخصیت متعال الهی به تمام

اعمال گذشته خود و تمام کسانی که در گذشته در آگاهی به کریشنا عمل نموده‌اند علم کامل دارد و از این روست که خداوند نحوه عمل فرشته خورشید را توصیه می‌کند که این هنر را میلیونها سال پیش از خداوند آموخت. ویواسوان و سایر شاگردان ذکر شده خداوند در این آیه تماماً به عنوان کسانی نام برده شده‌اند که در اثر انجام فعالانه وظایفی که خداوند برایشان مقرر داشته بود به رهایی دست یافتند.

## آیه ۱۶

*kiṁ karma kim akarmeti*
*kavayo 'py atra mohitāḥ*
*tat te karma pravakṣyāmi*
*yaj jñātvā mokṣyase 'śubhāt*

*kim* : چیست ـ *karma* : عمل ـ *kim* : چیست ـ *akarma* : بی‌عملی ـ *iti* : بدین‌سان ـ *kavayaḥ* : خردمندان ـ *api* : همچنین ـ *atra* : در این موضوع ـ *mohitāḥ* : سرگردان و سرگشته می‌شوند ـ *tat* : آن ـ *te te* : به تو ـ *karma* : کار ـ *pravakṣyāmi* : توضیح خواهم داد ـ *yat* : که (که با آن) ـ *jñātvā* : با دانستن ـ *mokṣyase* : تو رها خواهی شد ـ *aśubhāt* : از بخت بد.

## ترجمه

**حتی افراد خردمند نیز در تشخیص اینکه عمل چیست و بی‌عملی کدام است دچار سرگردانی و سرگشتگی می‌شوند. اکنون برایت توضیح می‌دهم که عمل چیست تا با شناختن آن از تمام مصائب رها شوی.**

## شرح

عمل در آگاهی به کریشنا باید طبق الگوی عملی عابدان معتبر پیشین انجام شود. این مطلب در آیه پانزدهم توصیه شده است. و اینکه چرا نباید چنین عملی را مستقلا و خودسرانه انجام داد نیز درآیه بعد توضیح داده خواهد شد. برای عمل کردن در آگاهی به کریشنا، انسان باید از راهنمایی اشخاص معتبر و موثق، یعنی همان کسانی که در خط سلسله پیران هستند و در آغاز این فصل توضیح داده شد، بهره جوید. این طریق آگاهی به کریشنا ابتدا برای فرشته خورشید شرح داده شد، فرشته خورشید آن را برای پسرش مانو توصیف کرد و مانو آن را به پسرش ایکشواکو توضیح داد؛ پس علم معرفت خداوند و رابطه با متعال از زمانهای بسیار کهن در کره زمین وجود داشته است. بنابراین انسان باید راه مراجع موثق و معتبر گذشته را که در خط سلسله پیران هستند دنبال نماید. درغیر این صورت، حتی خردمندترین انسانها نیز در تشخیص اینکه اعمال نمونه و استاندارد در آگاهی به کریشنا کدامند دچار سرگشتگی و آشفتگی خواهند شد. به همین دلیل خداوند تصمیم گرفت که کریشنا آگاهی را خود مستقیماً به آرجونا تعلیم دهد. بنابراین هر کسی که راه آرجونا را دنبال نماید قطعاً سرگردان و آشفته نخواهد شد.
گفته شده است که انسان نمی‌تواند راه دین را صرفاً با دانش تجربی ناقص خود تعیین نماید، زیرا تنها پروردگار است که می‌تواند اصول دین را وضع نماید.

*Dharmaṁ tu sākṣād bhagavat-praṇītam* (بهاگاواتام ۶/۳/۱۹)

هیچکس نمی‌تواند اصول دینی را با حدسیات و نظریات ناکامل خود بدعت گذارد، بلکه انسان می‌باید از مراجع موثق بزرگی همانند برهما، شیوا، نارادا، مانو، کوماراها، کاپیلا، پراهلادا، بهیشما، شوکادوا گوسوامی، یاماراجا، جاناکا و بالی‌ماهاراجا تبعیت کند. چون انسان با تفکرات پندارگرایانه‌خود قادر به تعیین طریق خودشناسی یا راه دین نیست، در نتیجه خداوند، از روی لطف

بی‌کران و بی‌سبب خود نسبت به مریدانش، مستقیماً برای آرجونا توضیح می‌دهد که عمل چیست و بی‌عملی کدام است. تنها عملی که در آگاهی به کریشنا یا آگاهی به خداوند انجام پذیرد، می‌تواند شخص را از اسارت زنجیرهای موجودیت مادی رهایی بخشد.

## آیه ۱۷

*karmaṇo hy api boddhavyaṁ*
*boddhavyaṁ ca vikarmaṇaḥ*
*akarmaṇaś ca boddhavyaṁ*
*gahanā karmaṇo gatiḥ*

*karmaṇaḥ* : مربوط به کار ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *api* : همچنین ـ *boddhavyam* : باید درک گردد ـ *boddhavyam* : باید درک گردد ـ *ca* : همچنین ـ *vikarmaṇaḥ* : مربوط به کار منع شده ـ *akarmaṇaḥ* : مربوط به بی‌عملی ـ *ca* : همچنین ـ *boddhavyam* : باید درک گردد ـ *gahanā* : بسیارسخت ـ *karmaṇaḥ* : مربوط به عمل ـ *gatiḥ* : داخل شدن.

## ترجمه

**درک پیچیدگیهای عمل بسیار دشوار است. بنابراین انسان باید بتواند عمل، بی‌عملی و عمل منع شده را کاملا از یکدیگر بازشناسد.**

## شرح

اگر انسان برای رهایی از اسارت مادی جدی و مصمم باشد، باید تفاوت بین عمل، بی‌عملی واعمال غیر معتبر را درک نماید و به طور جدی وقت خود را صرف تحلیل عمل، عکس‌العمل و اعمال منحرف کند زیرا این موضوع دشواری است و نیاز به دقت فراوان دارد. برای تشخیص عمل در کریشنا آگاهی از عمل طبق گونه‌های مختلف، قبل از هر چیز انسان باید به درک رابطه خود با متعال بپردازد و بیاموزد که هر موجود زنده خادم ابدی خداوند است و سپس در آگاهی به کریشنا عمل کند. تمام آیات بهاگاواد–گیتا ما را به همین نتیجه اصلی رهنمون می‌شود و هر گونه نتیجه‌گیری دیگر و اعمال وابسته به آن، که در نقطه مقابل این معرفت قرار گیرد، ویکارما یا اعمال منع شده خوانده می‌شود. برای ادراک این حقایق انسان باید با مراجع موثق در آگاهی به کریشنا معاشرت نماید و راز مطلب را از آنان بیاموزد که این درست همانند آموختن مستقیم از خداوند است. در غیر این صورت حتی هوشمندترین اشخاص سرگردان و آشفته می‌شوند.

## آیه ۱۸

*karmaṇy akarma yaḥ paśyed*
*akarmaṇi ca karma yaḥ*
*sa buddhimān manuṣyeṣu*
*sa yuktaḥ kṛtsna-karma-kṛt*

*karmaṇi*: در عمل ـ *akarma*: بی‌عملی ـ *yaḥ*: کسی که ـ *paśyet*: مشاهده می‌کند ـ *akarmaṇi*: در بی‌عملی ـ *ca*: همچنین ـ *karma*: کار برای اجر و ثمر ـ *yaḥ*: کسی که ـ *saḥ*: او ـ *buddhi-mān*: خردمند است ـ *manuṣyeṣu*: در جامعه انسانی ـ *saḥ*: او ـ *yuktaḥ*: در موقعیت روحانی واقع است ـ *kṛtsna-karma-kṛt*: با اینکه در تمام فعالیتها مشغول شده.

## ترجمه

**کسی که بی‌عملی را در عمل و عمل را در بی‌عملی می‌بیند، فرزانه‌ای است در میان انسانها که به رغم پرداختن به هر گونه فعالیتی، در موقعیت روحانی قرار دارد.**

## شرح

کسی که در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند طبیعتاً از اسارت بندهای کارما آزاد است. تمام فعالیتهایش به خاطر کریشنا انجام می‌گیرد و در نتیجه از نتایج آنها نه لذت می‌برد و نه درد می‌کشد.او به رغم اشتغال به انواع فعالیتها شخص خردمندی در میان جامعه بشری است، زیرا آنها را فقط برای رضایت کریشنا انجام می‌دهد. آکارما یعنی عمل بدون بازتاب. فلاسفه بی‌هویت‌گرا یا پرستش‌گنندگان وجه فاقد شخصیت خداوند، دست از اعمال ثمرجویانه برمی‌دارند از ترس اینکه مبادا بازتاب اعمال به صورت موانعی بر سر راه خودشناسی آنها قرار گیرد، در حالی که هویت‌گرایان یا کسانی که به شخصیت مطلق الهی ایمان دارند به درستی موقعیت خود را به عنوان خادم ابدی شخصیت اعلای پروردگار می‌شناسند و در نتیجه خود را وقف فعالیتهای کریشنا آگاهی می‌نمایند. از آنجا که همه چیز به خاطر کریشنا انجام می‌گیرد، عابد فقط در انجام خدمتش از سرور و شادمانی روحانی بهره‌مند می‌شود. کسانی که به این طریق عمل می‌کنند، فاقد خواسته برای ارضای تمایلات نفسانی یا به عبارتی عاری از میل به کامجویی اند. درک خدمت ابدی به کریشنا، شخص را در مقابل انواع بازتابهای عمل مصون نگاه می‌دارد.

## آیه ۱۹

*yasya sarve samārambhāḥ*
*kāma-saṅkalpa-varjitāḥ*
*jñānāgni-dagdha-karmāṇaṁ*
*tam āhuḥ paṇḍitaṁ budhāḥ*

*yasya*: کسی که (به او تعلق دارد) ـ *sarve*: تمام انواع مربوط به ـ *samārambhāḥ*: تلاشها ـ *kāma*: بر اساس خواسته و آرزو برای ارضای حواس ـ *saṅkalpa*: تصمیم، عزم ـ *varjitāḥ*: عاری هستند از ـ *jñāna*: مربوط به دانش کامل ـ *agni*: به‌وسیله آتش ـ *dagdha*: سوخته ـ *karmāṇam*: که کارش ـ *tam*: او را، به او ـ *āhuḥ*: اعلام می‌دارند، اظهار می‌کنند ـ *paṇḍitam*: دانا، صاحب معرفت ـ *budhāḥ*: آن کسانی که می‌دانند.

## ترجمه

**کسی در دانش کامل واقع شده است که تمامی تلاشهایش عاری از خواسته برای کامجویی باشد. حکما معتقدند او فاعلی است که بازتابهای اعمالش در آتش دانش کامل سوخته شده است.**

## شرح

تنها کسی که در دانش کامل قرار دارد می‌تواند فعالیتهای شخص کریشنا آگاه یا خدا آگاه را درک نماید. شخصی که در آگاهی به کریشنا واقع شده، عاری از هر گونه تمایلات کامجویانه است و باید درک نمود که او با دانش کامل از موقعیت اصلی و حقیقی خود به عنوان خادم ابدی شخصیت اعلای خداوند، واکنشهای اعمال خود را سوزانده است. همانا کسی که به چنین مرحله‌ای از کمال دانش نائل شده است، واقعاً دانا و عارف می‌باشد. پیشرفت و تکامل انی دانش خدمت ابدی به خداوند به آتش تشبیه شده است، که انسان با برافروختن آن قادر می‌گردد تمام انواع واکنشهای عمل را بسوزاند.

## آیه ۲۰

*tyaktvā karma-phalāsaṅgaṁ*
*nitya-tṛpto nirāśrayaḥ*
*karmaṇy abhipravṛtto 'pi*
*naiva kiñcit karoti saḥ*

*tyaktvā*: با رها کردن ـ *karma-phala-āsaṅgam*: دلبستگی به نتایج و ثمرات عمل ـ *nitya*: همواره ـ *tṛptaḥ*: راضی و خشنود شدن ـ *nirāśrayaḥ*: بدون هیچ پناهی ـ *karmaṇi*: در فعالیت ـ *abhipravṛttaḥ*: کاملا مشغول شدن ـ *api*: به رغم ـ *na*: علامت منفی ساختن فعل ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *kiñcit*: هیچ چیز ـ *karoti*: انجام می‌دهد ـ *saḥ*: او.

### ترجمه

**چنین کسی که هر گونه دلبستگی به نتایج و ثمرات اعمالش را کنار گـذارده و همـواره راضـی ومسـتقل و بی‌نیاز است، هرچند همه گونه فعالیتی می‌کند، به هیچ وجه عملی را در انتظار نتیجه انجام نمی‌هد.**

### شرح

رهایی از اسارت اعمال تنها در آگاهی به خداوند امکان‌پذیر است، یعنی هنگامی که انسان همه چیز را به خاطر کریشنا انجام می‌دهد. کسی که در آگاهی به کریشنا واقع است، با انگیزه عشق پاک به شخصیت متعال خداوند کار می‌کند و از این رو هیچ کشش و جذبه‌ای به نتیجه عمل ندارد. او حتی نگران حفظ و بقای شخص خود نیست، زیرا همه چیز را به کریشنا سپرده است؛ او نه در اشتیاق به دست آوردن چـیزی است و نه نگران حفظ چـیزهایی که اکـنون در اختیار دارد؛ وظیفه خود را به بهـترین وجهـی که در تواناییش است انجام می‌دهد و نتیجه آن را به کریشنا می‌سپارد. چنین شخصی، به علت فـقدان دلبـستـگی، همواره از نـتایج و واکنـشهای اعمال نیک و بد رها است، مانند آنکه اصلا کاری انجام نداده باشد. این است نشانه آکارما یا اعمالی که بدون چشمداشت به نتایج آن صورت می‌گیرد. باید دانست هر عمل دیگری که عاری از آگاهی به کریشناباشد، انجام دهنده را به بند می‌کشد و همان گونه که قبلا توضیح داده شد چهره حقیقی ویکارما محسوب می‌شود.

## آیه ۲۱

*nirāśīr yata-cittātmā*
*tyakta-sarva-parigrahaḥ*
*śārīraṁ kevalaṁ karma*
*kurvan nāpnoti kilbiṣam*

*nirāśīḥ*: بدون آرزو برای نتیجه ـ *yata*: کنترل شده، مهار شده ـ *citta-ātmā*: ذهن و شعور ـ *tyakta*: رها کردن ـ *sarva*: تمام ـ *parigrahaḥ*: احساس مالکیت بر اموال ـ *śārīram*: در کنار هم نگاه داشتن روح و بدن (حفظ موجودیت) ـ *kevalam*: تنها ـ *karma*: کار ـ *kurvan*: انجام دادن ـ *na*: هرگز ـ *āpnoti*: کسب می‌کند ـ *kilbiṣam*: بازتابهای گناه.

### ترجمه

**چنین انسان فرزانه‌ای با ذهن و شعوری که کاملا تحت اختیار درآمده است عمل می‌کند، عاری‌از هر گونه احساس مالکیت بر اموال خویش، فعالیت او فقط در حد رفع حداقل نیازهای زندگی‌است؛ و در نتیجهٔ عمل کردن در چنین آگاهی، تحت تأثیر بازتابهای گناه قرار نمی‌گیرد.**

## شرح

انسانی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد، اعمال خود را در انتظار نتایج نیک یا بد انجام نمی‌دهد.فکر و شعورش کاملا مهار شده است. او می‌داند که چون جزء و ذره‌ای از حقیقت متعال است، نقشی‌که به عنوان ذره‌ای از کل ایفا می‌کند، عملکردی از روی انتخاب خودش نیست بلکه او تنها وسیله‌ای در دستان حق تعالی، که در جهت تحقق خواست و اراده او می‌کوشد، محسوب می‌گردد. همچنانکه حرکت دست به دلخواه خودش نیست و به کوشش کل بدن صورت می‌پذیرد، به همین ترتیب نیز حرکت شخص کریشنا آگاه همواره در انطباق با خواست و اراده حقیقت متعال است، زیرا او هیچ آرزویی برای ارضای تمایلات حواس خود ندارد. او درست مانند بخش کوچکی از کل یک ماشین عمل می‌کند. همان گونه که برای نگهداری ماشین احتیاج به پاک کردن و روغن زدن آن است، به همین نحو انسان کریشنا آگاه نیز از بدن خود مراقبتهای لازم را به عمل می‌آورد تا برای به کارگیری آن در خدمت عاشقانه روحانی به خداوند آماده باشد. بدین ترتیب او از هر گونه واکنش حاصل از تلاشهایش مصون می‌ماند. وی فاقد هر گونه احساس تملک حتی نسبت به بدن خود است،همچنانکه حیوان را بر بدنش تصاحب و اختیاری نیست. گاهی اوقات صاحب بی‌رحم حیوانی، اقدام به کشتنش می‌کند، در حالی که حیوان عاری از هر گونه استقلال حقیقی، اعتراض یا مقاومت نمی‌کند. شخص کریشنا آگاه، که کاملا مشغول خودشناسی است، فرصت تصاحب اشیای مادی را ندارد. او برای نگهداری بدن و روح، احتیاج به اتخاذ شیوه‌ای نادرست برای کسب ثروت ندارد. بنابراین آلوده چنین گناهان مادی نمی‌شود و از هر گونه واکنش حاصل از اعمالش آزاد است.

## آیه ۲۲

*yadṛcchā-lābha-santuṣṭo*
*dvandvātīto vimatsaraḥ*
*samaḥ siddhāv asiddhau ca*
*kṛtvāpi na nibadhyate*

*yadṛcchā*: ناشی از وقوع طبیعی خودش ـ *lābha*: با دستاورد ـ *santuṣṭaḥ*: راضی شده ـ *dvandva*: دوگانگی ـ *atītaḥ*: پشت سر گذاشته ـ *vimatsaraḥ*: آزاد از حسادت ـ *samaḥ*: یکنواخت ـ *siddhau*: در موفقیت ـ *asiddhau*: شکست ـ *ca*: همچنین ـ *kṛtvā*: انجام دادن ـ *api*: هرچند که ـ *na*: هرگز ـ *nibadhyate*: متأثر می‌گردد.

## ترجمه

**کسی که از هر گونه دوگانگی و حسد رهاست، در پیروزی و شکست ثابت و استوار است و به آنچه در موعد طبیعی خود به دستش می‌رسد راضی است، با وجود آنکه عمل می‌کند ولی هیچگاه اسیر و گرفتار نمی‌شود.**

## شرح

شخص آگاه به کریشنا حتی برای نگهداری بدن خود نیز کوشش زیادی نمی‌کند. او با دستاوردهایی که در موعد طبیعی خود به دست می‌آید راضی است. نه گدایی پیشه می‌کند و نه‌قرض می‌کند، بلکه تا آنجا که توانایی دارد خالصانه کار می‌کند و به هر

آنچه از تلاش صادقانه‌اش به دست می‌آورد راضی است. بنابراین در تأمین معاش زندگی خود مستقل است. نمی‌گذارد خدمت کسی مانع خدمت او در آگاهی به کریشنا گردد. ولی برای خدمت به خداوند، بدون تأثر از دوگانگیهای دنیای مادی به انجام هر نوع کاری مبادرت می‌ورزد. شخص آگاه به کریشنا چون برای راضی کردن خداوند در هر شرایط تردیدی به خود راه نمی‌دهد، در ورای دوگانگیهای مادی (سرما و گرما، رنج و شادی و غیره) واقع است. بنابراین هم در موفقیت و هم در شکست، استوار و یکنواخت است. این نشانه‌ها هنگامی قابل رؤیت‌اند که انسان در معرفت روحانی کامل قرار گرفته باشد.

## آیه ۲۳

*gata-saṅgasya muktasya*
*jñānāvasthita-cetasaḥ*
*yajñāyācarataḥ karma*
*samagraṁ pravilīyate*

*gata-saṅgasya*: مربوط به کسی که تحت تأثیر گونه‌های طبیعت مادی نیست ـ *muktasya*: مربوط به رها شده ـ *jñāna-avasthita*: واقع شده در متعال ـ *cetasaḥ*: که حکمت او ـ *yajñāya*: به خاطر یاگیا (کریشنا) ـ *ācarataḥ*: انجام دادن ـ *karma*: کار، عمل ـ *samagram*: در کل ـ *pravilīyate*: به طور کامل غرق می‌شود و یکی می‌شود.

## ترجمه

**اعمال انسانی که تحت تأثیر گونه‌های طبیعت مادی نیست و کاملا در معرفت روحانی واقع شده است، تماماً در متعال قرار دارد.**

## شرح

هنگامی که انسان کاملا در آگاهی به کریشنا قرار گرفته باشد، از تمام دوگانگیها رها و بدین‌سان از بند آلودگی گونه‌های طبیعت مادی آزاد می‌گردد، زیرا به موقعیت اصلی خود در ارتباط با کریشنا واقف شده است. زمانی که به این شناخت دست یافت فکر او نمی‌تواند یک لحظه از کریشنا دور گردد. در نتیجه هر آنچه انجام می‌دهد، برای کریشنا، یعنی همان ویشنوی ازلی، است. بنابراین تمام کارهای او در حکم قربانی است، چرا که انجام قربانی به منظور راضی کردن شخص متعال یا ویشنو یا کریشنا صورت می‌گیرد. و بدین ترتیب است که بازتاب این اعمال غرق در متعال و با آن یکی می‌شود و فاعل خود را دیگر به بند نمی‌تواند بکشد.

## آیه ۲۴

*brahmārpaṇaṁ brahma havir*
*brahmāgnau brahmaṇā hutam*
*brahmaiva tena gantavyaṁ*
*brahma-karma-samādhinā*

*brahma*: دارای طبیعت روحانی ـ *arpaṇam*: وقف، تقدیم ـ *brahma*: متعال ـ *haviḥ*: کره ـ *brahma*: روحانی، معنوی ـ *agnau*: در آتشی که تقدیم صورت می‌گیرد ـ *brahmaṇā*: به‌وسیله روح ـ *hutam*: تقدیم شده ـ *brahma*: ملکوت روحانی ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *tena*: توسط او ـ *gantavyam*: نائل آمدن ـ *brahma*: روحانی، معنوی ـ *karma*: در فعالیتها ـ *samādhinā*: به‌وسیله مجذوب شدن کامل.

## ترجمه

**شخصی که کاملا مجذوب آگاهی به کریشناست به دلیل وقف بودن کامل در فعالیتهای روحانی، بدون تردید به ملکوت الهی واصل می‌گردد؛ در این فعالیتها عمل تقدیم مطلق است وآنچه تقدیم می‌شود نیز از همان ویژگی روحانی برخوردار است.**

## شرح

در اینجا توصیفی به عمل آمده است از اینکه چگونه فعالیت در آگاهی به کریشنا می‌تواند در نهایت انسان را به هدف روحانی رهنمون سازد. فعالیتهای گوناگونی در آگاهی به کریشنا وجود داردکه تمام آنها در آیات بعد شرح داده خواهد شد و در این آیه فقط به اصل کریشنا آگاهی پرداخته شده است. روح مقید که در اسارت آلودگی مادی واقع است مسلماً در عرصه مادی فعالیت می‌کند، حال آنکه باید از این فضای آگاهی مادی خارج گردد و طریق نجات او از این فضای مادی، آگاهی به کریشنا است. برای مثال، بیماری که به علت زیاده‌روی در مصرف محصولات لبنی از اختلالات گوارشی رنج می‌برد با مصرف محصول دیگری از شیر، یعنی ماست، می‌تواند بهبود یابد. به هر تقدیر، روح مقید مجذوب مادیات شده را می‌توان از طریق آگاهی به کریشنا، همان گونه که اینجا در گیتا مطرح شده، از طریق روش یاگیا، یا فعالیتهایی (قربانیهایی) که تنها برای رضایت ویشنو یا کریشنا است، بهبود بخشید. هر قدر فعالیتهای دنیای مادی بیشتر در آگاهی به کریشنا، یا به عبارتی فقط برای ویشنو انجام شود، به همان میزان فضای پیرامون به موجب مجذوب بودن کامل در آگاهی به خداوند، بیشتر روحانی می‌گردد. واژه برهما (برهمن) به معنای (روحانی) می‌باشد. خداوند روحانی است و انوار ساطع از جسم متعال او برهما جیوتی یا تابش انوار روحانی او خوانده می‌شود. کل کائنات در عالم هستی در برهما جیوتی قرار دارد، ولی هنگامی که جیوتی به‌وسیله حجاب توهم(مایا) یا ارضای تمایلات نفسانی پوشیده شود، ماده خوانده می‌شود. این حجاب مادی را به یکباره می‌توان به‌وسیله آگاهی به کریشنا کنار زد؛ بدین ترتیب که تقدیم و پیشکش در آگاهی به کریشنا، آنچه برای این تقدیم یا پیشکش مصرف می‌شود، روند تقدیم، تقدیم کننده و نتیجه آن – همه با هم – برهمن یا حقیقت مطلق محسوب می‌شود. باید در نظر داشت که حقیقت مطلق زمانی که با مایا پوشیده شده است ماده خوانده می‌شود و هنگامی که از ماده برای حقیقت مطلق و در انطباق با آن استفاده شود، کیفیت روحانی خود را باز می‌یابد. همانا کریشنا آگاهی طریق تبدیل کردن آگاهی توهم‌آلود به برهمن یا متعال است. هنگامی که فکر کاملا مجذوب کریشنا آگاهی باشد، گفته می‌شود در سامادهی یا خلسه واقع شده است. هر عملی که در چنین آگاهی متعالی انجام گردد، یاگیا یا قربانی برای مطلق خوانده می‌شود و در یک چنین آگاهی روحانی، تقدیم کننده، تقدیم، آنچه تقدیم می‌شود، اجرا کننده یا رهبر مراسم، و نتیجه یا دستاورد نهایی – همه چیز – در مطلق، یعنی برهمن متعال، یکی می‌شود. این است راه و روش کریشنا آگاهی.

## آیه ۲۵

*daivam evāpare yajñaṁ*
*yoginaḥ paryupāsate*
*brahmāgnāv apare yajñaṁ*
*yajñenaivopajuhvati*

*daivam*: در پرستش فرشتگان ـ *eva*: مانند این ـ *apare*: بعضی دیگر ـ *yajñam*: قربانیها ـ *yoginaḥ*: یوگیها ـ *paryupāsate*: به طور کاملی پرستش می‌کنند ـ *brahma*: مربوط به حقیقت‌مطلق ـ *agnau*: در آتش ـ *apare*: دیگران ـ *yajñam*: قربانی ـ *yajñena*: به‌وسیله قربانی ـ *eva*: بدین‌سان ـ *upajuhvati*: تقدیم می‌کنند.

## ترجمه

**بعضی از یوگیها با تقدیم قربانیهای مختلف به فرشتگان، به طرز کاملی آنها را پرستش می‌کنند، و برخی دیگر قربانیهایی را به آتش برهمن متعال تقدیم می‌نمایند.**

## شرح

همان گونه که در بالا توصیف گردید کسی که در آگاهی به کریشنا مشغول انجام وظیفه باشد، یعنی قربانی انجام دهد، یوگی کامل یا عارف درجه یک خوانده می‌شود. ولی افراد دیگری نیز هستند که قربانیهای مشابهی را برای پرستش فرشتگان انجام می‌دهند و باز برخی دیگر که برای برهمن متعال یا وجه فاقد شخصیت خداوند قربانی می‌کنند. بنابراین، انواع مختلف قربانی بر حسب انواع بهره‌برنده از آن وجود دارد. ولی این تنوع قربانی ظاهری است چه، منظور اصلی تمام قربانیها نهایتاً ویشنو که با نام یاگیا نیز معروف است می‌باشد که بهره‌برنده اصلی از تمام قربانیهاست. انواع مختلف قربانی به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: قربانی متعلقات مادی و قربانی برای دانش متعال. کسانی که در آگاهی به کریشنا هستند تمام متعلقات مادی خود را برای رضایت خداوند متعال قربانی می‌کنند. در حالی که افراد دیگری نیز هستند، که به منظور به دست آوردن خوشبختی موقت مادی از طریق راضی نمودن فرشتگانی مانند ایندرا یا فرشته خورشید و غیره، اموال مادی خود را قربانی می‌کنند. بی‌هویت‌گرایان نیز هویت خود را با غرق شدن و یکی شدن در موجودیت برهمن فاقد شخصیت قربانی می‌کنند. فرشتگان موجودات زنده قدرتمندی هستند که از طرف خداوند متعال برای تدبیر و نظارت بر امور مادی از قبیل تأمین نیروی حرارتی، آبیاری و روشنایی در جهان منصوب شده‌اند. کسانی که به کسب منافع مادی علاقه‌مندند با انجام قربانیهای مختلفی که در مراسم ودایی مقرر گشته به پرستش فرشتگان می‌پردازند. آنان را باهو ـ ایشوارا ـ وادی (*bahv-īśvara-vādī*) یا کسانی که به فرشتگان متعدد ایمان دارند می‌خوانند. ولی دیگران که وجه فاقد شخصیت حقیقت مطلق را می‌پرستند و اشکال مختلف فرشتگان را موقتی می‌دانند، فردیت خود را در آتش متعال قربانی می‌نمایند و بدین گونه به موجودیت فردی خود با غرق شدن در موجودیت متعال پایان می‌دهند. فلاسفه بی‌هویت‌گرا وقت خود را به تفکر و تعمق فلسفی برای درک طبیعت روحانی حق تعالی صرف می‌کنند. به عبارت دیگر، کسانی که برای اجر و ثمر کار می‌کنند، اموال مادی خود را در آرزوی کسب لذات مادی قربانی می‌کنند، در حالی که بی‌هویت‌گرایان یا کسانی که به وجه باشخصیت خداوند ایمان ندارند، مقامات و منسوبات مادی خود را به قصد غرق شدن در وجود متعال و یکی شدن با آن قربانی می‌کنند. برای فلاسفه بی‌هویت‌گرا، محراب آتش قربانی، برهمن متعال و آنچه تقدیم می‌شود "ذات" است که در آتش برهمن مستحیل می‌گردد. ولی شخص کریشنا آگاهی مانند آرجونا در عین حال که موجودیت و هویت فردی خود را از دست نمی‌دهد، همه چیز اعم از مایملک مادی و همچنین ذات خود را برای رضایت کریشنا قربانی می‌کند و بدین سبب او کاملترین یوگی‌ها محسوب می‌شود.

## آیه ۲۶

*śrotrādīnīndriyāṇy anye*
*saṁyamāgniṣu juhvati*
*śabdādīn viṣayān anya*
*indriyāgniṣu juhvati*

*śrotra-ādīni*: عمل شنیدن ـ *indriyāṇi*: حواس ـ *anye*: دیگران ـ *saṁyama*: مربوط به خودداری و جلوگیری ـ *agniṣu*: در آتشها ـ *juhvati*: تقدیم می‌کنند ـ *śabda-ādīn*: ارتعاش صوتی و غیره ـ *viṣayān*: موضوعات ارضای حواس ـ *anye*: دیگران ـ *indriya*: مربوط به اعضای حسی ـ *agniṣu*: در آتشها ـ *juhvati*: آنها قربانی می‌کنند.

### ترجمه

**برخی [برهماچاریهای حقیقی] عمل شنیدن و حواس را در آتش ذهن مهار شده قربانی می‌کنند و دیگران [متأهلان پیرو قواعد و قوانین] موضوعات جلب کنندهٔ حواس را در آتش حواس قربانی می‌کنند.**

### شرح

از آنجا که مقصود از حیات انسانی ارضای لذات حسی همچون حیوانات نیست، برای انسان چهار مرحله زندگی در نظر گرفته شده است که وی بتواند از طریق تحول به‌وسیله آنها، در زندگی روحانی به کمال نائل آید و عارف یا یوگی کامل گردد. این چهار مرحله به ترتیب برهماچاری، گریهاستها، واناپراستها و سانیاسی نام دارد.

برهماچاریها، یا شاگردانی که تحت مراقبت یک پیر روحانی معتبر و موثق به سر می‌برند، ذهن را با امتناع از ارضای حواس مهار می‌کنند. یک برهماچاری تنها به سخنانی گوش فرا می‌دهد که در ارتباط با آگاهی به کریشنا باشد؛ شنوایی اصل اساسی درک و فهم است و بنابراین برهماچاری پاک کاملا به هارر نامانو کیرتانام یا ذکر و سماع شکوه و جلال خداوند مشغول می‌شود. او از گوش فرا دادن به ارتعاشات اصوات مادی خودداری می‌کند و شنوایی او به دریافت ارتعاش متعال و صدای روحانی هاره کریشنا، هاره کریشنا مشغول می‌گردد. در چارچوب ازدواج برخی از کامجوییها مجاز شمرده می‌شود، ولی فرد گریهاستها که در زندگی تأهل خود از قوانین ودایی تبعیت می‌کند به آنها به صورت محدود و تحت شرایطی می‌پردازد. رابطه جنسی، استفاده از مسکرات و گوشتخواری علایق کلی جامعه بشری است، ولی شخص متأهلی که طبق قوانین ودایی رفتار می‌کند خود را به روابط جنسی بی‌بند و بار و انواع کامجوییهای دیگر آلوده نمی‌سازد. از این روست که در تمام جوامع متمدن انسانی، ازدواج بر مبنای اصول دینی انجام می‌شود، زیرا این راه محدود و مهار کردن روابط جنسی است. رابطه جنسی کنترل شده و بدون دلبستگی نیز نوعی یاگیا محسوب می‌شود، زیرا شخص متأهلی که محدودیت پذیرفته است، تمایل کلی خود را برای ارضای لذات حواس، به خاطر زندگی والاتر روحانی قربانی می‌کند.

## آیه ۲۷

*sarvāṇīndriya-karmāṇi*
*prāṇa-karmāṇi cāpare*
*ātma-saṁyama-yogāgnau*
*juhvati jñāna-dīpite*

*sarvāṇi*: مربوط به همه ـ *indriya*: حواس ـ *karmāṇi*: عملکردها ـ *prāṇa-karmāṇi*: عملکردهای هوای زندگی (تنفس) ـ *ca*: همچنین ـ *apare*: دیگران ـ *ātma-saṁyama*: مربوط به کنترل ذهن ـ *yoga*: طریق اتصال ـ *agnau*: در آتش ـ *juhvati*: تقدیم می‌کنند ـ *jñāna-dīpite*: به دلیل خواسته برای خودشناسی.

### ترجمه

**دیگران که علاقه‌مندند از طریق تسلط بر ذهن و حواس به خودشناسی نائل آیند، عملکردهای تمام حواس و هوای زندگی را به منزلهٔ هدایایی به آتش ذهن مهار شده تقدیم می‌کنند.**

### شرح

در اینجا به آن روش یوگایی که پاتانجالی مطرح کرده اشاره شده است. در یوگا ـ سوترای پاتانجالی، روح دارای اسامی پراتیاگ ـ آتما و پاراگ ـ آتما می‌باشد. مادام که روح به کامجویی و ارضای نفس دلبستگی دارد، پاراگ ـ آتما و به مجرد آنکه نسبت به لذات حواس دلبستگی خود را از دست بدهد، پراتیاگ ـ آتما نامیده می‌شود. روح در معرض فعالیتهای ده نوع هوا (نیرو) قرار دارد که درون بدن عمل می‌کنند که این امر به‌وسیله عمل تنفس درک می‌شود. روش یوگای پاتانجالی به انسان می‌آموزد که چگونه عملکردهای این هواها یا انرژیها را با فنون خاصی تحت اختیار درآورد تا بدین وسیله بتواند به صورت مطلوب و مساعدی از آنها در جهت تهذیب روح از دلبستگیهای مادی استفاده نماید. بر اساس این روش یوگا، رسیدن به پراتیاگ ـ آتما که خودداری و امتناع از فعالیت در ماده است هدف غایی است. یکی از ده هوا پرانا ـ وایو خوانده می‌شود که باعث برهم کنش متقابل حواس و اشیای جلب کننده حواس می‌گردد، بدین معنی که اجازه می‌دهد گوش بشنود، چشم ببیند، بینی ببوید، زبان بچشد و دست لمس کند. و بدین گونه تمام این فعالیتها در خارج از ذات صورت می‌پذیرد. هوای دیگر آپانا ـ وایو است که پایین می‌رود، ویانا ـ وایو عامل انقباض و انبساط است، سامانا ـ وایو تعادل و توازن برقرار می‌کند، اودانا ـ وایو بالا می‌رود. و هنگامی که انسان به ادراک و اشراق نائل شد، تمام این نیروها را در جهت خودشناسی به کارمی‌گمارد.

## آیه ۲۸

*dravya-yajñās tapo-yajñā*
*yoga-yajñās tathāpare*
*svādhyāya-jñāna-yajñāś ca*
*yatayaḥ saṁśita-vratāḥ*

*dravya-yajñāḥ*: قربانی اموال شخص ـ *tapaḥ-yajñāḥ*: قربانی در ریاضتها ـ *yoga-yajñāḥ*: قربانی در طریق تهذیب هشتگانه ـ *tathā*: بدین‌سان ـ *apare*: دیگران ـ *svādhyāya*: قربانی در مطالعه وداها ـ *jñāna-yajñāḥ*: قربانی در پیشرفت دانش متعال ـ *ca*: همچنین ـ *yatayaḥ*: اشخاص به روشنایی رسیده ـ *saṁśita-vratāḥ*: تمسک جسته به سوگند و پیمانهای استوار.

## ترجمه

**برخی با تعهد به سوگند و پیمانهای سخت، با قربانی کردن اموال خود و دیگران با انجام ریاضتهای شدید، با تمرین یوگای هشتگانه، یا با مطالعهٔ وداها برای پیشرفت در دانش متعال، به آگاهی و روشنایی می‌رسند.**

## شرح

قربانیها را می‌توان به دسته‌های مختلف تقسیم نمود. اشخاصی وجود دارند که اموال و دارایی‌خود را در قالب انواع مختلف خیرات و صدقات قربانی می‌کنند. در هندوستان تاجران ثروتمند یا شاهزادگان به تأسیس انواع مؤسسات خیریه مانند دهارما ـ شالا، آنا ـ کشترا، آتیتهی ـ شالا، آناتهالایا و ویدیا ـ پیتها می‌پردازند و در کشورهای دیگر نیز بیمارستانها، خانه‌های سالمندان و مؤسسات خیریه مشابهی برای توزیع رایگان غذا، خدمات فرهنگی و آموزشی و درمانی برای نیازمندان وجود دارد.کلیه این امور خیریه دراویامایا ـ یاگیا خوانده می‌شود. افراد دیگری وجود دارند که برای ارتقای بیشتر در زندگی یا برای نیل به سیارات فوقانی این جهان، داوطلبانه انواع بسیاری از ریاضتها مانند چاندرایانا و چاتورماسیا را می‌پذیرند. این روشها مستلزم سوگند و پیمانهای سختی برای زندگی تحت قواعد و قوانین بسیار دقیق است. برای مثال، به موجب عهد و پیمان چاتورماسیا، فرد برای چهار ماه

ازسال (تیر تا مهر) اصلاح نمی‌کند، از غذاهای خاصی پرهیز می‌نماید، بیشتر از یک بار در روز غذا نمی‌خورد و از خانه خارج نمی‌شود. انجام این گونه قربانی و چشم‌پوشی از آسایش زندگی، تاپومایا ـ یاگیا خوانده می‌شود. باز افراد دیگری وجود دارند که انواع یوگاهای خارق‌العاده مانند روش پاتانجالی (به منظور مستحیل شدن در وجود مطلق)، یا هاتها ـ یوگا یا آشتانگا ـ یوگا (برای کسب کمالات خاصی) را انجام می‌دهند. و برخی دیگر به کلیه زیارتگاههای مقدس سفر می‌کنند. تمام این اعمال، یوگا ـ یاگیا خوانده می‌شود، یعنی قربانی برای کسب کمالات خاص در دنیای مادی. افراد دیگری نیز به مطالعه ادبیات مختلف ودایی مخصوصاً اوپانیشادها و ودانتا ـ سوتراها یا فلسفه سانکهیا می‌پردازند، که به آن سوادهیایا ـ یاگیا گفته می‌شود، یعنی اشتغال به قربانی مطالعات. تمام این یوگیها با ایمان مشغول انجام انواع مختلف قربانی و در پی صعود به مراتب بالاتری از زندگی هستند. اما کریشنا آگاهی با تمام این موارد تفاوت دارد، زیرا خدمت مستقیم به خداوند متعال است. آگاهی به کریشنا با هیچیک از قربانیهای فوق‌الذکر قابل حصول نیست، بلکه فقط با لطف و رحمت خداوند و عابدان حقیقی و معتبر او به دست می‌آید. بنابراین، آگاهی به کریشنا، متعال و روحانی است.

## آیه ۲۹

*apāne juhvati prāṇaṁ*
*prāṇe 'pānaṁ tathāpare*
*prāṇāpāna-gatī ruddhvā*
*prāṇāyāma-parāyaṇāḥ*
*apare niyatāhārāḥ*
*prāṇān prāṇeṣu juhvati*

*apāne*: در هوایی که به سمت پایین عمل می‌کند ـ *juhvati*: تقدیم می‌کنند ـ *prāṇam*: هوایی‌که به سمت بیرون عمل می‌کند ـ *prāṇe*: در هوایی که خارج می‌شود ـ *apānam*: هوایی که به سمت پایین می‌رود ـ *tathā*: چنانکه همچنین ـ *apare*: دیگران ـ *prāṇa*: مربوط به هوایی که خارج می‌شود ـ *apāna*: و هوایی که به سمت پایین می‌رود ـ *gatī*: حرکت، گردش ـ *ruddhvā*: با متوقف کردن ـ *prāṇa-āyāma*: جذبه حاصل از توقف کامل تنفس ـ *parāyaṇāḥ*: چنین متمایل شده ـ *apare*: دیگران ـ *niyata*: کنترل داشتن ـ *āhārāḥ*: عمل خوردن ـ *prāṇān*: هوای برون‌رونده ـ *prāṇeṣu*: در هوای برون‌رونده ـ *juhvati*: قربانی می‌کنند.

## ترجمه

**و باز هم عده‌ای دیگر تمایل دارند از طریق قطع عمل تنفس در جذبه و خلسه قرار گیرند؛ بدین طریق که با تقدیم حرکت هوای برون‌رونده به هوای درون‌رونده و بالعکس به تمرین می‌پردازند و بدین‌سان سرانجام با متوقف کردن کامل عمل تنفس به حالت جذبه می‌رسند و در آن باقی می‌مانند. برخی دیگر که عمل خوردن را تقلیل می‌دهند، هوای برون‌رونده را به عنوان قربانی به خود آن تقدیم می‌کنند.**

## شرح

روش یوگا برای کنترل تنفس، پرانایاما خوانده می‌شود و در آغاز با آساناهای مختلف هاتها ـ یوگا تمرین می‌گردد. تمام این روشها به منظور مهار کردن و تحت اختیار درآوردن حواس و پیشرفت در معرفت روحانی توصیه شده است. این تمرین شامل کنترل هواهای درون بدن است تا حرکت هواها را در دو جهت مخالف در آن واحد مقدور سازد. هوای آپانا پایین می‌رود و

هوای پرانا بالا می‌رود. پرانایاما ـ یوگی به تمرین تنفس در جهت مخالف می‌پردازد تا این جریانات هوا در پوراکا (تعادل و توازن) خنثی شوند. تقدیم هوای برون‌رونده به هوای درون‌رونده، رچاکا خوانده می‌شود و هنگامی که هر دو جریان هوا کاملا متوقف گردد گفته می‌شود که شخص در کومبهاکا ـ یوگا قرار گرفته است. یوگی با تمرین کومبهاکا ـ یوگا قادر می‌گردد که طول عمر را به منظور برخوردار شدن از فرصت بیشتری برای نیل به کمال معرفت روحانی افزایش دهد. یوگی خردمند علاقه‌مند است بدون آنکه در انتظار فرصت زندگی بعد باشد، در زندگی کنونی خود به مرحله کمال نائل آید. بالطبع یوگیها با تمرین کومبها ـ یوگا طول عمر را برای سالهای بسیار زیادی افزایش می‌دهند. شخص کریشنا آگاه چون همواره در خدمت عاشقانه روحانی خداوند قرار دارد، به خودی خود بر حواس مسلط می‌گردد.حواس او که همواره وقف خدمت به کریشنا است، هیچ گونه امکانی را برای مشغولیت دیگری نمی‌یابد. بنابراین در پایان زندگی طبیعتاً به جایگاه روحانی خداوند کریشنا رهسپار می‌شود و به این سبب است که او هیچ تلاشی برای افزایش طول عمر خود نمی‌کند. همان گونه که در بهاگاواد–گیتا (۲۶/۱۴) گفته شده است:

*māṁ ca yo 'vyabhicāreṇa*
*bhakti-yogena sevate*
*sa guṇān samatītyaitān*
*brahma-bhūyāya kalpate*

"کسی که وقف خدمت عاشقانه خالص به خداوند باشد، از گونه‌های طبیعت مادی فرا رفته و بی‌درنگ به عرصه روحانی صعود می‌کند." شخص کریشنا آگاه از مرحله روحانی شروع می‌کند و دائم در آن آگاهی بسر می‌برد. بنابراین، هیچ گونه فرو افتادنی برای او وجود ندارد و در نهایت بدون کوچکترین وقفه‌ای به قلمرو جاودان خداوند وارد می‌شود. عمل تقلیل خوراک هنگامی که انسان فقط کریشنا ـ پراسادام – خوراکی که ابتدا به پیشگاه خداوند تقدیم شده – می‌خورد، به خودی خود انجام می‌شود. کم‌خوری در زمینه مهار کردن حواس تأثیر بسزایی دارد. و بدون تسلط بر حواس به هیچ وجه امکان رهایی از زنجیرهای اسارت مادی وجود ندارد.

## آیه ۳۰

*sarve 'py ete yajña-vido*
*yajña-kṣapita-kalmaṣāḥ*
*yajña-śiṣṭāmṛta-bhujo*
*yānti brahma sanātanam*

*sarve*: تمام، همه ـ *api*: به رغم تفاوت ظاهری ـ *ete*: اینها ـ *yajña-vidaḥ*: آگاه از هدف انجام قربانیها ـ *yajña-kṣapita*: پاک شدن به عنوان نتیجه انجام چنین اعمالی ـ *kalmaṣāḥ*: مربوط به بازتابهای گناه ـ *yajña-śiṣṭa*: مربوط به نتیجه حاصل از انجام چنین قربانیهایی ـ *amṛta-bhujaḥ*: آن کسانی که چنین شهدی را چشیده‌اند ـ *yānti*: نزدیک می‌شوند، تقرب می‌جویند ـ *brahma*: والا و متعالی ـ *sanātanam*: فضای جاودان.

## ترجمه

**کلیهٔ این بجاآورندگان قربانی که به معنی و مفهوم قربانی واقفند از بازتاب گناهان پاک می‌گردند و با چشیدن شهد نتایج قربانیها به سوی فضای اعلای جاودان پیش می‌روند.**

## شرح

از توصیفاتی که تا کنون درباره انواع مختلف قربانی به عمل آمد (قربانی اموال، مطالعه وداها یا اصول فلسفی و انجام روش یوگا) درمی‌یابیم که هدف مشترک تمام آنها کنترل حواس است. زیرا کامجویی یا ارضای حواس، علت یا ریشه اصلی زندگی مادی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، مادامی که انسان در مرحله‌ای کاملا عاری از کامجویی قرار نگرفته باشد، به هیچ وجه امکان ندارد به مرحله جاودان دانش مطلق، شعف مطلق و حیات مطلق ارتقاء یابد. این مرحله در فضای جاودان یا فضای برهمن نهفته است. تمام قربانیهایی که از آنها سخن به میان رفت به انسان کمک می‌کند تا از بازتاب گناهان زندگی مادی تطهیر شود و با چنین پیشرفتی نه تنها در این زندگی خوشبخت و صاحب ثروت و نعمت می‌شود، که در پایان عمر نیز به ملکوت جاودان خداوند – یا با یکی شدن در برهمن فاقد شخصیت و یا با معاشرت با شخصیت اعلای خداوند کریشنا – وارد می‌شود.

## آیه ۳۱

*nāyaṁ loko 'sty ayajñasya*
*kuto 'nyaḥ kuru-sattama*

*na*: هیچگاه ـ *ayam*: این ـ *lokaḥ*: سیاره ـ *asti*: وجود دارد ـ *ayajñasya*: برای کسی که هیچ‌گونه قربانی انجام نمی‌دهد ـ *kutaḥ*: کجا هست ـ *anyaḥ*: دیگری، جز این ـ *kuru-sat-tama*: ای بهترین کوروها.

## ترجمه

**ای بهترینِ دودمان کورو، انسان بدون قربانی هیچگاه نمی‌تواند در این حیات و در این سیاره شاد و خوشبخت زیست کند، حال چه رسد به حیات بعدی و سیارهٔ دیگر**

## شرح

شخص در هر یک از شکلهای موجودیت مادی که قرار گیرد، بدون استثناء از موقعیت اصلی خود غافل است. به عبارت دیگر، زندگی در دنیای مادی حاصل واکنشهای متعدد زندگیهای پرگناه، جهل و غفلت علت زندگی گناه‌آلود، و زندگی توأم با گناه باعث استمرار موجودیت مادی است. کالبد انسانی حیات تنها فرصتی است که به‌وسیله آن شخص می‌تواند از اسارت موجودیت مادی رهایی یابد. بنابراین، وداها با نشان دادن راه دین، رفاه اقتصادی، ارضای حواس یا کامجویی طبق قواعد و قوانین و در نهایت با ارائه تمهیدات لازم برای رهایی کامل از این وضعیت رنجبار و رقت‌انگیز، فرصتی را برای نجات در اختیار ما نهاده است. راه دین یا انواع قربانیهای مختلف که در فوق توصیه شد، به خودی خود مسائل و مشکلات اقتصادی ما را می‌تواند حل کند. با انجام یاگیا – به رغم حتی این به اصطلاح ازدیاد جمعیت – ما می‌توانیم از مقادیر کافی خوراک، شیر و غیره برخوردار گردیم. طبیعتاً وقتی احتیاجات بدن تأمین شد، انسان درصدد راضی کردن حواس خود برمی‌آید. از این رو کتب مقدس برای ارضای لذات حسی، ازدواج مقدس را طبق قواعد و قوانین تجویز می‌کند. مراعات اصول دینی، انسان را تدریجاً به سطح رهایی از اسارت مادی ارتقاء و به بالاترین مرتبه کمال زندگی در حالت رهایی یافته، یعنی معاشرت با خداوند متعال، سوق می‌دهد. همان گونه که در فوق گفته شد، نیل به مرحله کمال با انجام یاگیا (قربانی) قابل حصول است. حال اگر شخصی مایل به انجام یاگیا طبق وداها نباشد، چگونه می‌تواند انتظار شادی و خوشبختی را در این زندگی داشته باشد، چه رسد به کسب شادی و خوشبختی در کالبد مادی دیگر در سیاره دیگر در انواع سیارات بهشتی، درجات مختلفی از آسایش و خوشبختی مادی برای کسانی که مشغول انجام یاگیا هستند، وجود دارد؛ اما بالاترین شعف و خوشبختی، دستیابی و ترفیع به سیارات روحانی از طریق آگاهی به کریشنا است. بنابراین، زیستن در کریشنا آگاهی یا به عبارت دیگرمرکز قرار دادن خدا در تمام فعالیتهای زندگی راه حل نهایی تمام مسائل و مشکلات حیات مادی است.

## آیه ۳۲

*evaṁ bahu-vidhā yajñā*
*vitatā brahmaṇo mukhe*
*karma-jān viddhi tān sarvān*
*evaṁ jñātvā vimokṣyase*

*evam*: بدین گونه ـ *bahu-vidhāḥ*: انواع مختلف ـ *yajñāḥ*: قربانیها ـ *vitatāḥ*: گسترده شده است ـ *brahmaṇaḥ*: مربوط به وداها ـ *mukhe*: از طریق دهان ـ *karma-jān*: زاده شده از کار وعمل ـ *viddhi*: تو باید بدانی ـ *tān*: آنها را ـ *sarvān*: تمام ـ *evam*: بدین‌سان ـ *jñātvā*: با دانستن ـ *vimokṣyase*: تو رها خواهی شد.

### ترجمه

**تمام این انواع قربانی که از شکلهای مختلف کار و عمل ناشی می‌شود از طرف وداها تأیید شده‌است. با چنین شناختی از آنها، به رهایی نائل خواهی شد.**

### شرح

همان گونه که قبلا بحث شد، با توجه به انواع متفاوت افراد، وداها قربانیهای مختلفی را بر حسب کار و عمل برای آنها توصیه می‌کند. از آنجا که انسان عمیقاً مجذوب دیدگاه جسمانی و افکار مادی است، این قربانیها به گونه‌ای تنظیم شده است که او بتواند آنها را با بدن، با ذهن و یا با شعور انجام دهد. ولی کلیه آنها، در نهایت امر، برای رهایی از کالبد مادی توصیه شده است. این موضوع در اینجا شخصاً به‌وسیله خود خداوند تأیید شده است.

## آیه ۳۳

*śreyān dravya-mayād yajñāj*
*jñāna-yajñaḥ parantapa*
*sarvaṁ karmākhilaṁ pārtha*
*jñāne parisamāpyate*

*śreyān*: بزرگتر، برتر ـ *dravya-mayāt*: مربوط به متعلقات مادی ـ *yajñāt*: از (نسبت به) قربانی ـ *jñāna-yajñaḥ*: قربانی در دانش ـ *parantapa*: ای تنبیه کننده دشمنان ـ *sarvam*: همه ـ *karma*: فعالیتها ـ *akhilam*: در کل ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *jñāne*: به دانش ـ *parisamāpyate*: ختم می‌شود.

### ترجمه

**ای تنبیه‌کنندهٔ دشمن، قربانی دانش برتر از قربانی ثروت و اموال است. ای پسر پریتها، سرانجام تمام قربانیهای کار و عمل به دانش متعال می‌انجامد.**

### شرح

هدف تمام قربانیها رسیدن به مرحله دانش کامل، سپس رهایی از رنجهای مادی و در نهایت وقف شدن در خدمت عاشقانه روحانی خداوند متعال (کریشنا آگاهی) است. با این حال، درون این قربانیها رازی نهفته است که انسان باید به آن دست یابد.

قربانیها، طبق ایمان خاص شخصی که قربانی را انجام می‌دهد، شکلهای مختلفی به خود می‌گیرد. هنگامی که ایمان شخص به مرحله دانش متعال می‌رسد، انجام دهنده قربانیها باید پیشرفته‌تر از کسانی محسوب شود که بدون چنین دانشی‌صرفاً اموال مادی را قربانی می‌کنند زیرا بدون رسیدن به دانش، قربانیها در سطح مادی باقی می‌ماند و هیچ گونه فایده روحانی در بر ندارد. دانش حقیقی، به کریشنا آگاهی، یعنی بالاترین مرحله دانش متعال منجر می‌شود. عمل قربانی بدون ارتقاء به چنین دانشی فقط کاری مادی محسوب می‌گردد. فقط هنـگامی که شخـصی به سطح دانش متـعال ترفیع یابد، اعمال او در سطح روحانی قرار می‌گیرد. انواع مختلف قربانی از آگاهیهای متفاوت افراد سرچشمه می‌گیرد مانند کارما ـ کاندا (کار برای اجر و ثمر) و گیانا ـ کاندا (دانش در پی حقیقت). اما بهتر آن است که انسان سرانجام به دانش دست یابد.

## آیه ۳۴

*tad viddhi praṇipātena*"
*paripraśnena sevayā*
*upadekṣyanti te jñānaṁ*
*jñāninas tattva-darśinaḥ*

*tat*: دانش قربانیهای مختلف ـ *viddhi*: سعی کن درک کنی ـ *praṇipātena*: با رفتن (تقرب‌جستن) نزد یک پیر روحانی ـ *paripraśnena*: به‌وسیله پرسشهای متواضعانه ـ *sevayā*: به‌وسیله اعطای خدمت ـ *upadekṣyanti*: آنها تشرف خواهند داد ـ *te*: تو را، به تو ـ *jñānam*: به دانش ـ *jñāninaḥ*: ارواح خودشناخته ـ *tattva*: مربوط به حقیقت ـ *darśinaḥ*: بینندگان.

## ترجمه

**سعی کن حقیقت را فقط با رفتن نزد یک پیر روحانی بیاموزی. با تواضع و تسلیم از او پرسش‌کن و بـه او خدمت نما. ارواح خودشناخته قادرند دانش را بر تو آشکار سازند زیرا که آنها حقیقت‌را دیده‌اند.**

## شرح

بدون شک راه معرفت روحانی دشوار است. به همین جهت خداوند به ما پند می‌دهد که نزد یک پیر روحانی معتبر و موثق در سلسله پیران، که از خود خداوند سرچشمه می‌گیرد، برویم. هیچکس قادر نیست پیر روحانی معتبر گردد، مگر اینکه از این اصل سلسله پیران پیروی نموده باشد. همانا خداوند پیر روحانی اصلی و ازلی است و کسی که در سلسله پیران قرار داشته باشد می‌تواند پیام خداوند را دقیقاً همان گونه که هست به مرید خود منتقل کند. هیچکس نمی‌تواند با ابداع شیوه‌های خودساخته، چنانکه بین متظاهران ابله امری متداول است، به ادراک روحانی نائل آید. بهاگاواتام (۱۹/۳/۶) می‌فرماید: *dharmaṁ tu sākṣād bhagavat-praṇītam*:

راه دین مستقیماً از طرف خداوند تبیین می‌شود. از این روست که پندارهای ذهنی و بحث و استدلال خشک نمی‌تواند به پیشرفت انسان در راه راست کمک نماید، همچنانکه انسان صرفاً بامطالعه کتب دانش نیز نمی‌تواند در زندگی روحانی پیشرفت نماید، بلکه انسان باید برای کسب دانش به پیر روحانی حقیقی مراجعه کند. چنین پیری باید با تسلیم کامل پذیرفته شود و شخص باید بدون منیت کاذب و عاری از هر گونه مقام و حیثیت دروغین، مانند یک خادم، به او خدمت کند. جلب رضایت پیر روحانی خودشناخته، سر پیشرفت در زندگی روحانی است. پرسش کردن از پیر روحانی و مطیع او بودن دو موضوعی است که ترکیب صحیحی را برای معرفت روحانی به وجود می‌آورد. مادام که حالت تواضع و تسلیم، و خدمت کردن به پیر روحانی دانا وجود نداشته باشد، پرسش از او بی‌فایده خواهد بود. انسان باید قادر باشد که از آزمون پیر روحانی با موفقیت بگذرد و هنگامی

که او خواسته خالص و آرزوی واقعی سالک را مشاهده کند، بی‌درنگ لطف و رحمت خود را برای اعطای معرفت روحانی خالص نثار او می‌سازد. در این آیه، پیروی کورکورانه و همچنین پرسش بی‌مورد و بی‌معنی نیز هر دو محکوم شده‌اند. شخص نه تنها باید با اطاعت و تواضع از پیر روحانی شنوایی داشته باشد، بلکه باید با حالت تواضع و تسلیم، خدمت و پرسش، بینش و شناخت روشنی را از او کسب کند. پیر روحانی معتبر و موثق طبعاً نسبت به مرید بسیار مهربان است. بنابراین هنگامی که شاگرد، مطیع و متواضع و همواره آماده خدمت باشد، تبادل دانش و پرسش کامل می‌گردد.

## آیه ۳۵

*yaj jñātvā na punar moham*
*evaṁ yāsyasi pāṇḍava*
*yena bhūtāny aśeṣāṇi*
*drakṣyasy ātmany atho mayi*

*yat*: که ـ *jñātvā*: با دانستن ـ *na*: هیچگاه ـ *punaḥ*: دوباره ـ *moham*: به توهم ـ *evam*: همچون این ـ *yāsyasi*: خواهی رفت ـ *pāṇḍava*: ای پسر پاندو ـ *yena*: که به موجب آن ـ *bhūtāni*: موجودات زنده ـ *aśeṣāṇi*: همه ـ *drakṣyasi*: خواهی دید، پی خواهی برد ـ *ātmani*: در روح متعال ـ *atha u*: یا به عبارت دیگر ـ *mayi*: در من.

## ترجمه

**وقتی بدین گونه دانش حقیقی را از یک روح خودشناخته آموختی، دیگر هیچگاه در چنین توهمی فرونخواهی افتاد، زیرا به موجب این معرفت پی خواهی برد که تمام موجودات زنده چیزی جز اجزاء و ذرات متعال نیستند یا به عبارت دیگر آنها متعلق به من هستند.**

## شرح

نتیجه دریافت دانش از یک روح خودشناخته، یا کسی که به ماهیت اشیاء هستی همان گونه که‌هست علم دارد، آموختن این حقیقت است که تمام موجودات زنده، اجزاء و ذرات لاینفک شخصیت اعلای پروردگار، خداوند شری کریشنا، می‌باشند. درک موجودیت واحد به صورت جدا و مستقل از کریشنا، مایا (ما: نیست، یا: این) خوانده می‌شود، به بیان دیگر، مایا به توهم "خود را جدا و منفک از خداوند متعال تلقی کردن" گفته می‌شود. برخی چنین گمان می‌کنند که ما با کریشنا هیچ‌گونه پیوند و ربطی نداریم و او فقط یک شخصیت بزرگ تاریخی است و دیگر اینکه حقیقت مطلق همانا برهمن فاقد شخصیت می‌باشد. در واقع چنانکه در بهاگاواد-گیتا نیز ذکر شده است، این برهمن فاقد شخصیت انوار ذاتی شخص کریشنا می‌باشد. کریشنا به منزله شخصیت اعلای خداوند علت اصلی همه چیز است. در برهما ـ سامهیتا به وضوح بیان شده که کریشنا شخصیت مطلق الهی و علت تمام علل است و میلیونها ظهور خداوند تنها بسطهای مختلف اویند. به همین ترتیب موجودات زنده (ارواح) نیز بسطهای کریشنا هستند. فلاسفه مایاوادی به اشتباه چنین تصور می‌کنند که کریشنا موجودیت واحد و مستقل خود را در بسطهای بی‌شمارش از دست می‌دهد. این طرز تفکر اساساً و کاملا مادی است. ما در دنیای مادی این تجربه را کسب کرده‌ایم که هر گاه شیئی به اجزاء و ذرات تقسیم شود، هویت اصلی و اولیه خود را از دست می‌دهد. در حالی که فیلسوفان مایاوادی قادر به درک این حقیقت نیستند که مطلق یعنی آنکه یک به علاوه یک مساوی یک می‌شود و در عین حال، یک منهای یک نیز برابر یک می‌شود. در عالم مطلق قضیه بدین صورت است.

ما اکنون به علت فقدان دانش کافی در موضوع علم مطلق با توهم پوشیده شده‌ایم و بنابراین می‌پنداریم که از کریشنا جداییم. اگرچه ما ذرات جدا شده از کریشنا هستیم با این وصف از او مجزا و یا با او متفاوت نیستیم. تفاوتهای کالبد جسمانی که در میان موجودات زنده مشاهده می‌کنیم صوری است و حقیقت امر نیست و به این لحاظ به آن مایا گفته می‌شود. در حقیقت تمامی ما – موجودات زنده – برای راضی کردن کریشنا به وجود آمده‌ایم. به واسطه مایا بود که آرجونا گمان کرد روابط جسمانی مادی و موقت او با بستگانش مهمتر از رابطه جاودان روحانی او با کریشنا است. تمام تعالیم گیتا در راستای تحقق این مقصود است که گوهر روح موجود زنده به عنوان خادم ابدی کریشنا نمی‌تواند از او جدا و منفک باشد و این درک که او هویتی مجزا از کریشنا داشته باشد مایا خوانده می‌شود. موجودات زنده یا ارواح، به منزله اجزاء و ذرات جدا شده متعال، باید منظور و مقصودی را برآورده سازند. آنان به علت فراموش کردن این هدف و غفلت از آن، از زمانهای بسیار کهن، در قالبهای مادی مختلف به صورت انسان، حیوان، فرشته و غیره قرار گرفته‌اند. چنین تفاوتهای جسمانی، از غفلت و فراموشی یا نادیده‌گرفتن خدمت روحانی به خداوند نشأت می‌گیرد. در حالی که وقتی انسان در آگاهی به کریشنا مشغول خدمت روحانی شود، فوراً از این توهم رهایی می‌یابد. شخص می‌تواند این دانش پاک و خالص را تنها از پیر روحانی حقیقی دریافت نماید و از این رو به توهمی که طبق آن موجود زنده با کریشنا برابر است دچار نگردد. دانش کامل در این خلاصه می‌شود که روح متعال، یعنی کریشنا، پناه و مأمن متعال همه موجودات زنده است و با رها کردن چنین پناهی، موجودات زنده در گرداب نیروی مادی غوطه‌ور شده و به این توهم دچار می‌شوند که دارای هویتهای مستقلی‌اند؛ بدین‌سان تحت تأثیر درجات مختلفی از هویت مادی در غفلت و فراموشی از خداوند قرار می‌گیرند. اما هنگامی که این موجودات زنده وهم‌زده در آگاهی به کریشنا قرار گیرند، باید درک کرد که آنان در راه رهایی واقع شده‌اند، چنانکه این مطلب در بهاگاواتام (۱۰/۶/۲) به این صورت تأیید شده است: *muktir hitvānyathā-rūpaṁ svarūpeṇa vyavasthitiḥ*.

رهایی یعنی قرار گرفتن در موقعیت اصلی و باطنی خود به عنوان خادم ابدی کریشنا (کریشنا ـآگاهی).

## آیه ۳۶

*api ced asi pāpebhyaḥ*
*sarvebhyaḥ pāpa-kṛt-tamaḥ*
*sarvaṁ jñāna-plavenaiva*
*vṛjinaṁ santariṣyasi*

*api*: حتی ـ *cet*: اگر ـ *asi*: تو هستی ـ *pāpebhyaḥ*: مربوط به گناهکاران ـ *sarvebhyaḥ*: مربوط به همه ـ *pāpa-kṛt-tamaḥ*: بزرگترین گناهکار ـ *sarvam*: تمام این واکنشهای گناه ـ *jñāna-plavena*: به‌وسیله زورق دانش متعال ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *vṛjinam*: اقیانوس رنجها ـ *santariṣyasi*: به طور کامل گذر خواهی کرد.

## ترجمه

**حتی اگر گناهکارترینِ گناهکاران نیز باشی، به محض سوار شدن و قرار گرفتن در زورق دانش متعال قادر خواهی شد از اقیانوس مصائب مادی گذر نمایی.**

## شرح

نبرد برای بقاء در موجودیت مادی، انسان را بیشتر و بیشتر در اقیانوس جهالت فرو می‌برد، حال آنکه درک صحیح از موقعیت اصلی خود در رابطه با کریشنا می‌تواند بی‌درنگ انسان را از این اقیانوس بیرون کشد و او را از این خطر مهلک نجات دهد. در

ادبیات ودائی، دنیای مادی گاهی اوقات به اقیانوس جهالت و پاره‌ای اوقات به جنگلی شعله‌ور تشبیه شده است. تلاش برای بقاء در این اقیانوس، هر قدر هم که انسان شناگری ماهر باشد، دشوار است. به هر تقدیر، اگر کسی فرا رسد و شناگر تقلاکننده را از این اقیانوس بیرون بکشاند، او بزرگترین ناجی محسوب می‌شود. دانش کامل دریافت شده از شخصیت متعال خداوند – کریشنا آگاهی – به سان زورقی عمل می‌کند که قادر است ما را از این اقیانوس نجات بخشد و در عین سادگی در اوج تعالی است، زیرا تنها راه نجات محسوب می‌شود.

## آیه ۳۷

*yathaidhāṁsi samiddho 'gnir*
*bhasma-sāt kurute 'rjuna*
*jñānāgniḥ sarva-karmāṇi*
*bhasma-sāt kurute tathā*

*yathā*: درست مانند ـ *edhāṁsi*: هیزم ـ *samiddhaḥ*: سوزان ـ *agniḥ*: آتش ـ *bhasma-sāt*: خاکستر ـ *kurute*: تبدیل می‌کند ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *jñāna-agniḥ*: آتش دانش ـ *sarva-karmāṇi*: تمام واکنشهای اعمال مادی ـ *bhasma-sāt*: به خاکستر ـ *kurute*: آن تبدیل می‌کند ـ *tathā*: مشابهاً.

## ترجمه

**ای آرجونا، همان گونه که آتش سوزان چوب را به خاکستر تبدیل می‌کند، آتش دانش نیز تمام بازتابهای اعمال مادی را به خاکستر مبدل می‌کند.**

## شرح

در اینجا، دانش کامل ذات (روح فردی) و روح متعال و رابطه آنان با یکدیگر، به آتشی تشبیه شده است که نه تنها واکنشهای تمام اعمال شریرانه را می‌سوزاند، بلکه واکنشهای تمام اعمال پرهیزکارانه را نیز به خاکستر تبدیل می‌کند. هر کدام از اعمالی که ما انجام می‌دهیم دارای واکنشی است که با گذشتن از مراحل مختلف ظاهر می‌شود و عمل می‌کند. مراحلی که واکنش از آن عبور می‌کند عبارت است از: مرحله نامتجلی، مرحله در حال ایجاد شدن، مرحله در حال بارور شدن و مرحله به ثمر رسیده و ظاهر شده. اما علم به موقعیت فطری موجود زنده کلیه واکنشها را می‌سوزاند و به خاکستر تبدیل می‌کند. پس زمانی که انسان در دانش کامل قرار گیرد تمام واکنشهای پیشین و آینده او از بین می‌رود. چنانکه در وداها ( بریهاد ـ آرانیاکا اوپانیشاد ۲۲/۴/۴) گفته شده است: *ubhe uhaivaiṣa ete taraty amṛtaḥ sādhv-asādhūnī* :

"انسان بر کلیه واکنشهای حاصل از اعمال شریرانه یا پرهیزکارانه فائق می‌آید."

## آیه ۳۸

*na hi jñānena sadṛśaṁ*
*pavitram iha vidyate*
*tat svayaṁ yoga-saṁsiddhaḥ*
*kālenātmani vindati*

*na*: هیچ چیز ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *jñānena*: با دانش ـ *sadṛśam*: در مقایسه ـ *pavitram*: تقدیس شده، تطهیر شده ـ *iha*: در این جهان ـ *vidyate*: وجود دارد ـ *tat*: آن ـ *svayam*: خودش، ـ *yoga*: در عشق و عبودیت ـ *saṁsiddhaḥ*: کسی که پخته و رسیده است ـ *kālena*: در طی زمان ـ *ātmani*: در خویش ـ *vindati*: لذت می‌برد.

## ترجمه

**در این جهان، هیچ چیز پاکتر و والاتر از دانش متعال نیست. کسی که در انجام خدمت عابدانــه پیشــرفت حاصل کرده است از این دانش که میوهٔ رسیدهٔ تمامی عرفان است به مرور زمان در درون لذت می‌برد.**

## شرح

هنگامی که ما درباره دانش متعال (معرفت روحانی) سخن می‌گوییم، این کار را طبق ادراک روحانی انجام می‌دهیم. بر این اساس هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه دانش متعال والا و پاک باشد. جهل و غفلت، علت اسارت و دانش، عامل رهایی است. این دانش میوه رسیده عبادت عاشقانه و خدمت عابدانه است و هنگامی که انسان بدان دست یافت، دیگر احتیاجی نیست که آرامش را به جز درون خود در جای دیگر جستجو کند. باید دانست که این دانش و آرامش در آگاهی به کریشنا به اوج خود می‌رسد. این کلام نهایی بهاگاواد-گیتا است.

## آیه ۳۹

*śraddhāvāl labhate jñānaṁ*
*tat-paraḥ saṁyatendriyaḥ*
*jñānaṁ labdhvā parāṁ śāntim*
*acireṇādhigacchati*

*śraddhā-vān*: یک انسان باایمان ـ *labhate*: به دست می‌آورد ـ *jñānam*: دانش ـ *tat-paraḥ*: بسیار مجذوب شده به آن ـ *saṁyata*: کنترل شده، مهار شده ـ *indriyaḥ*: حواس ـ *jñānam*: دانش ـ *labdhvā*: نائل شدن ـ *parām*: متعال و روحانی ـ *śāntim*: صلح و آرامش ـ *acireṇa*: خیلی زود ـ *adhigacchati*: دست می‌یابد.

## ترجمه

**انسان باایمانی که وقف دانش متعال می‌گردد و حواسش را مهار می‌نماید، شایستهٔ کسب این دانش است و پس از رسیدن به آن سریعاً به آرامش روحانی اعلایی دست می‌یابد.**

## شرح

این دانش در کریشنا آگاهی نصیب شخص باایمانی می‌گردد که اعتقاد راسخ به کریشنا دارد. شخصی باایمان خوانده می‌شود که مطمئن باشد فقط با عمل‌کردن و زندگی در آگاهی به کریشنا می‌تواند به بالاترین مرتبه کمال دست یابد. این ایمان با انجام خدمت عابدانه و با ذکر ماهامانترا، یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، که قلب انسان را از تمام آلودگیهای مادی پاک می‌نماید حاصل می‌شود. از این گذشته، انسان باید حواسش را مهار کند. کسی که به خداوند ایمان داشته باشد و حواسش را نیز کنترل کند، به سادگی و بدون کوچکترین وقفه‌ای به کمال در دانش آگاهی به کریشنا نائل می‌گردد.

## آیه ۴۰

*ajñaś cāśraddadhānaś ca*
*saṁśayātmā vinaśyati*
*nāyaṁ loko 'sti na paro*
*na sukhaṁ saṁśayātmanaḥ*

*ajñaḥ*: نادانی که هیچ گونه دانشی از کتب مقدس ندارد ـ *ca*: و ـ *aśraddadhānaḥ*: عاری از ایمان به کتب مقدس وحی شده ـ *ca*: همچنین ـ *saṁśaya*: مربوط به تردیدها ـ *ātmā*: یک شخص ـ *vinaśyati*: فرو می‌افتد، سقوط می کند ـ *na*: هرگز ـ *ayam*: در این ـ *lokaḥ*: جهان ـ *asti*: وجود دارد ـ *na*: و نه ـ *paraḥ*: در زندگی بعد ـ *na*: نه ـ *sukham*: شادی و خوشبختی ـ *saṁśaya*: شکاک ـ *ātmanaḥ*: مربوط به شخص.

## ترجمه

**اما نادانان و بی‌ایمانان که به کتب مقدس شک و تردید دارند به آگاهی الهی دست نمی‌یابند و سقوط می‌کنند. برای روح مردّد نه در این جهان شادی و خوشبختی وجود دارد و نه در جهان دگر.**

## شرح

بهاگاواد–گیتا پربهاترین کتب مقدس است. ولی بعضی افراد که بیشتر شبیه به حیوانات هستند تا انسان، به کتب آسمانی معتبر و اصولی که از طریق آنها مطرح می‌شود ایمان یا دانش ندارند؛ و برخی دیگر، اگرچه واجد دانش کتب مقدس‌اند، یا می‌توانند قسمتهایی از آنها را نقل نمایند، ولی در واقع‌به حقیقت کلام این کتب ایمانی ندارند؛ و پاره‌ای دیگر هرچند به کتب مقدس مانند بهاگاواد–گیتا ممکن است اعتقاد داشته باشند، لیکن به شخصیت الهی شری‌کریشنا ایمان نداشته و سیمای واجد شخصیت مطلق را عبادت نمی‌کنند. چنین اشخاصی نمی‌توانند هیچ گونه پایه محکمی درکریشنا آگاهی به دست آورند و هرچند ممکن است روزی اصول کریشنا آگاهی را نیز بپذیرند، از آن فرو می‌افتند و سراغ زندگی مادی می‌روند. در میان افراد فوق‌الذکر که در مورد کتب مقدس فاقد ایمان و همواره دچار شک و تردیدند، هیچ گونه پیشرفتی حاصل نمی‌کنند. اشخاصی که به خداوند و کلام وحی او ایمان نداشته باشند، نه در این دنیا خیر و شادی خواهند یافت و نه در دنیای دیگر؛ برای آنان اصلا خوشبختی وجود ندارد. بنابراین انسان باید با ایمان، از اصول کتب آسمانی پیروی نماید تا بدین ترتیب به سطح دانش ارتقاء یابد. و تنها تحصیل این دانش به انسان کمک خواهد کرد که به سکوی معرفت روحانی دست یابد. به عبارت دیگر، اشخاص شکاک به هیچ وجه جایی در عرصه رستگاری روحانی ندارند. بنابراین انسان باید از آچاریاهای بزرگ که در سلسله پیران هستند پیروی نماید تا به موفقیت و سعادت دست یابد.

## آیه ۴۱

*yoga-sannyasta-karmāṇaṁ*
*jñāna-sañchinna-saṁśayam*
*ātmavantaṁ na karmāṇi*
*nibadhnanti dhanañjaya*

*yoga*: به‌وسیله خدمت عابدانه در کارما ـ یوگا ـ *sannyasta*: کسی که انقطاع پیشه کرده است ـ *karmāṇam*: ثمرات اعمال ـ *jñāna*: به‌وسیله دانش ـ *sañchinna*: قطع شده ـ *saṁśayam*: شکها و تردیدها ـ *ātma-vantam*: در ذات واقع شده ـ *na*: هرگز ـ *karmāṇi*: کارها، اعمال ـ *nibadhnanti*: به بند می‌کشاند ـ *dhanañjaya*: ای فاتح ثروت.

## ترجمه

**ای فاتح ثروت، کسی که وقف خدمت عابدانه است، از ثمرات اعمالش منفک و شک و تردیدهایش با دانش متعال از بین رفته است، حقیقتاً در ذات قرار دارد. بدین‌سان او اسیر واکنشهای اعمالش نمی‌گردد.**

## شرح

کسی که از آموزشهای بهاگاواد–گیتا همان گونه که خود شخصیت الهی بیان فرموده است، پیروی نماید، به برکت دانش متعال از تمام شکها و تردیدها رهایی می‌یابد. او به منزله جزئی لاینفک از خداوند که در آگاهی به کریشنا قرار گرفته است، به خودشناسی نایل می‌گردد. بدین‌سان او بدون تردید در بند اعمال واقع نیست.

## آیه ۴۲

*tasmād ajñāna-sambhūtaṁ*
*hṛt-sthaṁ jñānāsinātmanaḥ*
*chittvainaṁ saṁśayaṁ yogam*
*ātiṣṭhottiṣṭha bhārata*

*tasmāt*: بنابراین ـ *ajñāna-sambhūtam*: زاده جهل و غفلت ـ *hṛt-stham*: واقع شده در قلب ـ *jñāna*: مربوط به دانش ـ *asinā*: به‌وسیله سلاح ـ *ātmanaḥ*: مربوط به ذات ـ *chittvā*: قطع کردن، به پایان رساندن ـ *enam*: این ـ *saṁśayam*: شک و تردید ـ *yogam*: در یوگا ـ *ātiṣṭha*: واقع شو ـ *uttiṣṭha*: برخاستن برای جنگیدن ـ *bhārata*: ای نواده بهاراتا.

## ترجمه

**پس، با سلاح دانش، باید شک و تردیدهایی را که جهل و غفلت در قلبت پدید آورده است نابود سازی. ای بهاراتا، مسلّح به یوگا برخیز و بجنگ.**

## شرح

روش یوگایی که در این فصل آموزش داده شد، ساناتانا ـ یوگا خوانده می‌شود، یا عملکرد جاودان موجود زنده. این روش یوگا دارای دو نوع قربانی است: واگذاری و ترک اموال مادی، و دانش ذات که عملکرد خالص روحانی است. اگر قربانی اموال مادی به معرفت روحانی نینجامد آنگاه این عمل قربانی به یک فعالیت مادی تبدیل می‌گردد. اما کسی که چنین قربانیهایی را با هدفی روحانی، و در خدمت عابدانه، انجام می‌دهد قربانی او کامل و صحیح محسوب خواهد شد. هنگامی که ما به‌عرصه فعالیتهای روحانی پا می‌نهیم، درمی‌یابیم که آن نیز دارای دو تقسیم‌بندی است: نخست درک ذات یا معرفت روح (یا به عبارتی شناخت موقعیت ذاتی شخص)، و دیگری حقیقت درباره شخصیت متعال خداوند. کسی که راه بهاگاواد–گیتا را همان گونه که هست دنبال کند خیلی آسان می‌تواند به درک این دو تقسیم‌بندی مهم دانش روحانی نائل آید. شخص بدون هیچ مشکلی به

تحصیل دانش کامل درباره ذات به عنوان جزئی از خداوند، و به دنبال آن به درک اعمال روحانی حق تعالی دست خواهد یافت. در آغاز این فصل فعالیتهای روحانی خداوند از طرف خود او مطرح گردید؛ چنانچه با وجود چنین تعالیمی کسی ماهیت حقیقی او را به عنوان شخصیت جاودان، مملو از شعف و علیم کامل درک ننماید واقعاً ابله درجه یک است و باید به عنوان شخصی که از استقلال اندکی که خداوند در اختیار او نهاده است سوءاستفاده می‌کند، محسوب شود. این نادانی یا پرده جهل و غفلت قطعی نیست و با قبول تدریجی اصول کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی مرتفع می‌گردد. آگاهی به کریشنا به‌وسیله قربانی به فرشتگان، قربانی به برهمن، قربانی در تجرد، قربانی در زندگی تأهل، در مهار کردن حواس، در انجام یوگای خارق‌العاده، در توبه و ریاضت، در انفاق اموال مادی، در مطالعه وداها، و در شرکت در نظام اجتماعی وارناشراما ـ دهارما بیدار می‌شود و احیاء می‌گردد. تمام این فعالیتها قربانی محسوب می‌گردد و باید با قواعد و قوانین تنظیم شده انجام شود. هدف اصلی تمام این فعالیتها خودشناسی است و کسی که این هدف را دنبال می‌کند، شاگرد واقعی بهاگاواد–گیتا است، و برعکس کسی که به مرجعیت و حقانیت کریشنا شک می‌کند یا در آن تردید دارد، از راه شناخت حقیقت بازمی‌ماند. از این روست که توصیه می‌شود انسان با تواضع و تسلیم و اعطای خدمت به یک پیر روحانی معتبر و موثق، بهاگاواد–گیتا یا هر کتاب مقدس دیگری را تحت هدایت او مطالعه نماید. پیر روحانی حقیقی در سلسله پیران قرار دارد و به هیچ وجه از آموزشهای خداوند متعال – دقیقاً همان گونه که میلیونها سال پیش به فرشته خورشید، کسی که تعالیم بهاگاواد–گیتا از طریق او به این قلمرو زمین آمده است – انحراف حاصل نمی‌کند. بنابراین انسان باید از راه بهاگاواد–گیتا همان گونه که در خود گیتا توصیه شده است تبعیت کند و از معلمان دروغین خودپرستی که فقط جویای نام هستند و دیگران را از راه واقعی منحرف می‌سازند احتراز کند. بدون شک خداوند شخص متعال است و اعمال او روحانی‌اند. کسی که این حقیقت را درک کند از همان آغاز مطالعه بهاگاواد–گیتا شخص رهاشده رستگاری است.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل چهارم شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "دانش متعال" پایان می‌یابد.

# فصل پنجم

# کارما ــ یوگا (عمل در کریشنا آگاهی)

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*sannyāsaṁ karmaṇāṁ kṛṣṇa*
*punar yogaṁ ca śaṁsasi*
*yac chreya etayor ekaṁ*
*tan me brūhi su-niścitam*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *sannyāsam*: انقطاع، ترک کردن ـ *karmaṇām*: مربوط به‌تمام فعالیتها ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *punaḥ*: دوباره ـ *yogam*: خدمت عابدانه ـ *ca*: همچنین ـ *śaṁsasi*: تو تجلیل می‌کنی ـ *yat*: کدام ـ *śreyaḥ*: سودمندتر است ـ *etayoḥ*: مربوط به این دو ـ *ekam*: یک ـ *tat*: آن ـ *me*: به من ـ *brūhi*: لطفاً بگو ـ *su—niścitam*: قطعاً، دقیقاً.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای کریشنا، نخست از من می‌خواهی کار و عمل را ترک گویم و سپس دوباره کار بـا عشـق و عبودیت را توصیه می‌کنی. اکنون خواهش می‌کنم قاطع و صریح به من بگو کدامیک از این دو سودمندتر است؟**

## شرح

خداوند در این فصل پنجم بهاگاواد–گیتا می‌فرماید که عمل کردن در خدمت عابدانه بهتر ازپندارهای خشک و بی‌ثمر ذهنی است. بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه از پندارهای خشک ذهنی آسانتر است، زیرا خدمت به خداوند چون طبعاً دارای سرشت روحانی است، انسان را از دام واکنشهای اعمال می‌رهاند. در فصل دوم، مقدمتاً درباره روح و اسارت آن در کالبد مادی و نحوه رهایی از گرداب اسارت مادی به وسیله بودهی ـ یوگا یا خدمت عابدانه توضیح داده شد. در فصل سوم روشن شد که کسی که به دانش روحانی دست یافته باشد دیگر هیچ وظیفه‌ای برای انجام دادن ندارد. و متعاقباً در فصل چهارم خداوند به آرجونا اظهار داشت که تمام قربانی‌ها به دانش می‌انجامد. اما با این حال در انتهای فصل چهارم به آرجونا توصیه فرمود که حال چون در دانش کامل قرار گرفته، بیدار شود، برخیزد و بجنگد. بنابراین کریشنا با تأکید همزمان بر دو موضوع، یعنی اهمیت کار در عشق و عبودیت و همچنین بی‌عملی در دانش، گویی موجبات گیجی و گمگشتگی آرجونا را فراهم آورده و عزم و تصمیم او را مغشوش ساخته است. آرجونا چنین درک می‌کند که انقطاع در دانش متضمن ترک کلیه فعالیت‌های حواس است. ولی چنانچه انسان به کار و عمل در خدمت عابدانه بپردازد، آنگاه در این صورت چگونه از کار و عمل باز ایستاده است؟ به عبارت دیگر، او چنین تصور می‌کند که سانیاسا، یا انقطاع در دانش، باید کاملاً عاری از هر گونه فعالیت باشد، زیرا از دید او کار و انقطاع با یکدیگر سازگار نیست و منافات دارد. به نظر می‌رسد که او کاملاً درک نکرده است که عمل‌در معرفت کامل عاری از

عکس‌العمل و بنابراین عین بی‌عملی است. بدین سبب سؤال می‌کند که آیا باید کاملاً از کار و عمل دست شوید یا با دانش و علم کامل به کار و عمل بپردازد.

## آیه ۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*sannyāsaḥ karma-yogaś ca*
*niḥśreyasa-karāv ubhau*
*tayos tu karma-sannyāsāt*
*karma-yogo viśiṣyate*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت پروردگار فرمود ـ *sannyāsaḥ*: ترک کار و عمل ـ *karma*: کار در عشق و عبودیت ـ *ca*: همچنین ـ *niḥśreyasa—karau*: رهنمون شدن به‌راه‌رهایی ـ *ubhau*: هر دو ـ *tayoḥ*: از این دو ـ *tu*: ولی ـ *karma-sannyāsāt*: در مقایسه با ترک کاربرای اجر و ثمر ـ *karma-yogaḥ*: کار در عشق و عبودیت ـ *viśiṣyate*: بهتر است.

## ترجمه

**شخصیت پروردگار پاسخ فرمود: ترک کار و عمل و عمل در عشق و عبودیت هر دو بـرای رهـایی مطلـوب است. ولی از این دو کار کردن در خدمت عابدانه بهتر از ترک کار و فعالیت است.**

## شرح

کار برای اجر و ثمر، به منظور ارضای حواس و کامجویی، علت اسارت مادی است. مادامی که انسان مشغول انجام فعالیت‌هایی برای بهبودی و توسعه آسایش کالبد مادی خود است، مطمئناً باید از انواع بدنهای مادی گوناگون بگذرد و بدین سان دائماً به جریان اسارت در زنجیرهای مادی استمرار بخشد. شریماد- بهاگاواتام (۶-۵/۵/۴) این موضوع را بدین صورت تأیید می‌کند:

*nūnaṁ pramattaḥ kurute vikarma*
*yad indriya-prītaya āpṛṇoti*
*na sādhu manye yata ātmano 'yam*
*asann api kleśa-da āsa dehaḥ*

*parābhavas tāvad abodha-jāto*
*yāvan na jijñāsata ātma-tattvam*
*yāvat kriyās tāvad idaṁ mano vai*
*karmātmakaṁ yena śarīra-bandhaḥ*

*evaṁ manaḥ karma-vaśaṁ prayuṅkte*
*avidyayātmany upadhīyamāne*
*prītir na yāvan mayi vāsudeve*
*na mucyate deha-yogena tāvat*

"مردم دیوانه‌وار در پی کامجویی و ارضای تمایلات نفسانی‌اند و نمی‌دانند که این کالبد مادی کنونی که مملو از درد و رنج است، ماحصل اعمال ثمرجویانه‌ای است که در گذشته انجام داده‌اند. اگرچه این بدن، فانی و موقتی است، ولی همواره به طرق گوناگون برای انسان رنج و زحمت به بار می‌آورد. بنابراین، کار کردن برای ارضای حواس صحیح و شایسته نیست. انسان مادامی که در صدد پرسش و تحقیق درباره هویت حقیقی خود برنیامده است، در زندگی ناموفق محسوب می‌شود، زیرا تا زمانی که هویت حقیقی خویش را نشناسد، باید برای کسب نتایج ثمرجویانه به منظور ارضای نفس کار کند و تا زمانی که این‌چنین در بند آگاهی ارضای حواس مادی باشد، ناگزیر خواهد بود به حکم طبیعت مادی از یک کالبد به کالبد مادی دیگری درآید. با اینکه ممکن است انسان تحت تأثیر جهل و بی‌خبری مجذوب کار برای ثمر باشد، لیکن باید حالتی سرشار از عشق برای خدمت عابدانه به واسودوا – خداوند متعال – را در خود پرورش دهد. تنها آن هنگام است که انسان می‌تواند فرصت رهایی از اسارت این موجودیت مادی را بیابد.

بنابراین گیانا – دانش اینکه انسان روح است نه کالبد مادی – برای رهایی کافی نیست. انسان باید در موقعیت روحانی به عمل نیز بپردازد، در غیر این صورت هیچ گونه راه گریزی از اسارت مادی وجود نخواهد داشت. چون در آگاهی به کریشنا، عملی در سطح کار برای اجر و ثمر وجود ندارد، انجام فعالیتهایی که برخاسته از دانش کامل است، پیشرفت انسان را به سوی دانش حقیقی هموار می‌سازد. بدون آگاهی به کریشنا و صرفاً از طریق انقطاع از اعمال ثمرجویانه، قلب روح اسیر مادیات پاک نمی‌شود و تا زمانی که قلب پاک نشده، انسان ناگزیر است در سطح کار برای اجر و ثمر فعالیت کند؛ در حالی که فعالیت در آگاهی به کریشنا خود به خود انسان را یاری می‌دهد تا از نتایج اعمال ثمربخش رهایی یابد و دیگر به سطح مادی نزول نکند. از این رو کار و عمل در آگاهی به کریشنا همواره از ترک کار، که دائماً خطر فرو افتادن را نیز در بر دارد، بالاتر است. ترک کار یا انقطاع بدون‌آگاهی به کریشنا ناقص است چنانکه شریلا روپا گوسوامی نیز این موضوع را در کتاب خود موسوم به بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو (۱/۲/۲۵۸) چنین تأیید می‌کند:

*prāpañcikatayā buddhyā*
*hari-sambandhi-vastunaḥ*
*mumukṣubhiḥ parityāgo*
*vairāgyaṁ phalgu kathyate*

"انقطاع اشخاصی که مشتاق نیل به رهایی اند و از چیزهایی که در واقع مربوط به شخصیت متعال خداوند می‌شود، به منزله اشیای مادی چشم‌پوشی می‌کنند، ناکامل خوانده می‌شود." انسان مزه انقطاع حقیقی را زمانی می‌چشد که درک کند خداوند مالک همه چیز است و سزاوار نیست که او ادعای مالکیت بر چیزی را نماید. پس در این صورت چگونه می‌توانیم از چیزی که صاحبش نیستیم انقطاع حاصل کنیم؟ شخصی که کریشنا را صاحب متعال هر چیز بداند منقطع کامل محسوب می‌شود. همه چیز به کریشنا تعلق دارد و باید در خدمت او به کار گرفته شود. عملکردی که بدین‌صورت، در آگاهی به کریشنا انجام گیرد، کامل شمرده می‌شود و بر انقطاع کاذب سانیاسی‌های مکتب مایاوادی رجحان دارد.

## آیه ۳

*jñeyaḥ sa nitya-sannyāsī*
*yo na dveṣṭi na kāṅkṣati*
*nirdvandvo hi mahā-bāho*
*sukhaṁ bandhāt pramucyate*

*jñeyaḥ*: می‌باید شناخته شود ـ *saḥ*: او ـ *nitya*: همواره ـ *sannyāsī*: کسی که انقطاع پیشه‌ساخته ـ *yaḥ*: که، کسی که ـ *na*: هرگز ـ *dveṣṭi*: نفرت می‌ورزد ـ *na*: و نه، هم نه ـ *kāṅkṣati*: آرزومی‌کند، می‌خواهد ـ *nirdvandvaḥ*: آزاد از تمام

دوگانگیها ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *mahā-bāho*: ای‌مسلح بزرگ ـ *sukham*: به سرور و شادی ـ *bandhāt*: از اسارت ـ *pramucyate*: کاملاً رها شده‌است.

## ترجمه

**ای مسلح بزرگ، آرجونا، باید درک کرد کسی که آرزومند نتایج و ثمرات اعمالش نمی‌باشد و به آنها نفـرت نیز نمی‌ورزد، پیوسته در انقطاع است. وی، عاری از هر گونه دوگانگی، به سادگی بر زنجیرهای اسارت مادی فائق می‌آید و کاملاً رها شده است.**

## شرح

کسی که در آگاهی کامل به خداوند، آگاهی کامل به کریشنا، قرار دارد همواره در انقطاع است، زیرا او نه خواستار نتایج و ثمرات اعمالش است و نه به این ثمرات نفرت می‌ورزد. چنین شخص منقطعی که وقف خدمت عاشقانه روحانی به خداوند است به دانش کامل دست یافته، زیرا به موقعیت فطری خویش در رابطه با کریشنا واقف شده است و به خوبی می‌داند که کریشنا کل و او جزئی لاینفک از اوست. چنین دانشی کامل است، زیرا از دیدگاه کیفی این شخص خود را، به علت ماهیت روحانی یکسان، با خداوند یکی می‌داند، ولی در عیـن حال از دیدگاه کمی خود را جزئی ناچـیز و وابسته به او محسوب می‌کند. به هر تقدیر، تصور یکی شدن با خداوند نادرست است، زیرا جزء هیچگاه با کل برابر نیـست. زمانی که انـسان به دانش حقـیقی، که طبق آن او را در کیفیت باخداوند یکی و در کمـیت متـفاوت می‌داند، دسـت یافت به کامل بودن در خویش هدایت می‌شود و در این هنگام است که دیـگر نه خواهان چـیزی است و نه افـسوس چـیـزی را می‌خورد. در فکر چنین شخصی هیـچ گونه دوگانـگی وجود ندارد، زیرا هر کاری که می‌کـند فقط به خاطر کریشنا انجام می‌دهد. وقتی او بدین سان از سطح دوگانگی‌ها رهایی یافت، حتی در این دنیای مادی نیز، رها ورستگار شده است.

## آیه ۴

*sāṅkhya-yogau pṛthag bālāḥ*
*pravadanti na paṇḍitāḥ*
*ekam apy āsthitaḥ samyag*
*ubhayor vindate phalam*

*sāṅkhya*: مطالعه تحلیلی دنیای مادی ـ *yogau*: کار و عمل در خدمت عابدانه ـ *pṛthak*: مختلف ـ *bālāḥ*: نابخردان ـ *pravadanti*: می‌گویند ـ *na*: هرگز ـ *paṇḍitāḥ*: دانایان ـ*ekam*: دریکی ـ *api*: حتی ـ *āsthitaḥ*: واقع شدن ـ *samyak*: کامل ـ *ubhayoḥ*: مربوط به هر دو ـ *vindate*: لذت می‌برد، بهره‌مند می‌گردد ـ *phalam*: نتیجه.

## ترجمه

**فقط نادانان گمان می‌کنند که خدمت عابدانه [کارما ـ یوگا] با مطالعـه تحلیلـی دنیـای مـادی [سـانکهیا] متفاوت است. فرزانگان حقیقی معتقدند کسی که خود را به درستی در یکی از این دو راه وقف کند، به نتـایج هـر دو دست می‌یابد.**

## شرح

هدف مطالعه تحلیلی دنیای مادی یافتن روح هستی است. روح عالم مادی، ویشنو یا روح متعال است. از طرفی، خدمت عابدانه به خداوند شامل خدمت به روح متعال نیز می‌باشد. از دو راه فوق‌الذکر یکی راه یافتن ریشه درخت، و دیگری به منزله آب دادن به ریشه آن است. شاگرد واقعی فلسفه سانکهیا، ریشه عالم مادی، یعنی خداوند ویشنو را می‌یابد و سپس با دانش کامل، خود را وقف خدمت به خداوند می‌نماید. بنابراین در اصل تفاوتی میان این دو نیست، زیرا هدف و مقصود هر دو طریق ویشنو است. کسانی که به هدف غایی واقف نیستند می‌گویند که هدف سانکهیا و کارما–یوگا یکسان نیست، در حالی که فرد دانا هدف یگانه این دو راه متفاوت را درک می‌کند.

## آیه ۵

*yat sāṅkhyaiḥ prāpyate sthānaṁ*
*tad yogair api gamyate*
*ekaṁ sāṅkhyaṁ ca yogaṁ ca*
*yaḥ paśyati sa paśyati*

*yat*: آنچه ـ *sāṅkhyaiḥ*: به وسیله فلسفه سانکهیا ـ *prāpyate*: به دست آمده است ـ *sthānam*: جا و مکان ـ *tat*: آن ـ *yogaiḥ*: توسط خدمت عابدانه ـ *api*: همچنین ـ *gamyate*: شخص می‌تواندبه دست آورد ـ *ekam*: یک ـ *sāṅkhyam*: مطالعه تحلیلی ـ *ca*: و ـ *yogam*: عمل در عشق وعبودیت ـ *ca*: و ـ *yaḥ*: کسی که ـ *paśyati*: می‌بیند ـ *saḥ*: او ـ *paśyati*: واقعاً می‌بیند.

## ترجمه

**کسی که بداند موقعیت حاصل از راه مطالعه تحلیلی از طریق خدمت عابدانه نیز قابل حصول است و بدین سبب به مطالعه تحلیلی و خدمت عابدانه در یک سطح بنگرد، چیزها را همان گونه که هست می‌بیند.**

## شرح

منظور واقعی تحقیقات فلسفی یافتن هدف غایی حیات است. از آنجایی که مقصود نهایی زندگی خودشناسی است، هیچ گونه تفاوتی میان نتایجی که از این دو راه حاصل می‌شود وجود ندارد. با مطالعات فلسفی سانکهیا انسان به این نتیجه می‌رسد که موجود زنده جزئی از دنیای مادی نیست، بلکه ذره‌ای لاینفک از روح متعال کل است. نتیجتاً گوهر روح کاری با دنیای مادی ندارد، بلکه اعمالش باید به گونه‌ای در رابطه با متعال باشد. هنگامی که او در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند، درواقع در موقعیت اصلی و اساسی خود قرار می‌گیرد. در روش اول، یعنی سانکهیا، انسان باید از ماده وارسته گردد و در روش یوگای عشق و عبودیت انسان باید خود را به کاری که مربوط به کریشنا آگاهی است دلبسته نماید. در حقیقت هر دو راه یکی است، گرچه ظاهراً به نظر می‌رسد که یکی مستلزم انقطاع، وارستگی و ترک است و دیگری متضمن دلبستگی، تعلق و علاقه. در حقیقت انقطاع و ترک مادیات با دلبستگی و علاقه به کریشنا امری واحد محسوب می‌شود. کسی که بتواند این حقیقت را دریابد به مشاهده اشیاء همان گونه که هستند نائل می‌آید.

## آیه ۶

*sannyāsas tu mahā-bāho*
*duḥkham āptum ayogataḥ*

*yoga-yukto munir brahma*
*na cireṇādhigacchati*

*sannyāsaḥ*: مرحله انقطاع در زندگی یا ترک مادیات ـ *tu*: اما ـ *mahā-bāho*: ای مسلح بزرگ ـ *duḥkham*: درد، مصیبت ـ *āptum*: انسان را مبتلا می‌کند به ـ *ayogataḥ*: بدون خدمت عابدانه ـ *yoga-yuktaḥ*: شخصی که به خدمت عابدانه اشتغال دارد ـ *muniḥ*: متفکر، اندیشمند ـ *brahma*: متعال ـ *na cireṇa*: بدون تأخیر ـ *adhigacchati*: دست می‌یابد.

## ترجمه

**صرفاً ترک تمامی فعالیت‌ها، بدون پرداختن به خدمت عابدانه خداوند، نمی‌تواند انسان را خشنود و خوشبخت سازد. لیکن شخص اندیشمندی که وقف خدمت عابدانه است می‌تواند بی‌درنگ به متعال نائل گردد.**

## شرح

دو دسته سانیاسی یا کسانی که در مرحله انقطاع و ترک مادیات هستند وجود دارد: سانیاسی‌های مایاوادی که فلسفه سانکهیا و سانیاسی‌های وایشناوا که فلسفه بهاگاواتام را مطالعه می‌کنند. بهاگاواتام گنجینه‌ای است که تفسیر صحیحی از ودانتا– سوتراها را ارائه می‌کند. سانیاسی‌های مایاوادی نیز ودانتا– سوتراها را مطالعه می‌کنند، لیکن از طریق تفسیر خودشان به نام شاریراکا– بهاشیا به قلم شانکاراچاریا. پیروان مکتب بهاگاواتا که سانیاسی‌های وایشناوا به آن تعلق دارند طبق قواعد پانچاراتریکی به خدمت خداوند می‌پردازند و در این زمینه همیشه فعال هستند، ولی اعمال آنها که در عشق به متعال صورت می‌پذیرد، مادی محسوب نمی‌شود. در حالی که سانیاسی‌های مایاوادی که مشغول مطالعه سانکهیا و ودانتا و تأمل در نظریات فلسفی‌اند نمی‌توانند طعم لذتی را که در خدمت روحانی خداوند نهفته است بچشند. چون مطالعات آنان به مرور ملال‌آور می‌گردد، از تحلیل فلسفی برهمن خسته می‌شوند و به بهاگاواتام بی‌آنکه درک صحیحی از آن داشته باشند پناه می‌آورند. نتیجتاً آنها در مطالعه شریماد– بهاگاواتام با اشکالات زیادی مواجه می‌گردند. غور و تفکر خشک فلسفی و تفسیرهای بی‌هویت‌گرایانه، از طریق شیوه‌های تصنعی، تماماً برای سانیاسی‌های مایاوادی بی‌فایده است. در حالی که سانیاسی‌های وایشناوا که وقف عبادت عاشقانه و خدمت عابدانه خداوندند، درانجام وظایف روحانی خود شاد و مسرورند و این تضمین برای آنان وجود دارد که در نهایت به ملکوت روحانی خداوند واصل گردند. گاهی اوقات سانیاسی‌های مایاوادی از پیمودن طریق معرفت‌النفس فرو می‌افتند و بار دیگر پا به عرصه فعالیتهای دنیوی بشردوستانه و نوع‌دوستانه می‌نهند که چیزی جز امور مادی محسوب نمی‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت کسانی که به فعالیتهای کریشنا آگاهی اشتغال دارند دارای موقعیتی بهتر و مطمئن‌تر از سانیاسی‌هایی هستند که صرفاً به تفکر و تعمق پیرامون ماهیت برهمن و غیربرهمن می‌پردازند، گو اینکه آنها نیز پس از تولدهای بسیار به کریشنا آگاهی خواهند رسید.

## آیه ۷

*yoga-yukto viśuddhātmā*
*vijitātmā jitendriyaḥ*
*sarva-bhūtātma-bhūtātmā*
*kurvann api na lipyate*

*yoga-yuktaḥ*: مشغول شده به خدمت عابدانه ـ *viśuddha-ātmā*: یک روح مطهر ـ *vijita-ātmā*: حکمران نفس ـ *jita-indriyaḥ*: پیروزی یافتن بر حواس ـ *sarva—bhūta*: برای تمام‌موجودات زنده ـ *ātma-bhūta-ātmā*: مهربان، شفیق ـ *kurvan api*: هرچند که به کار و عمل‌مشغول شده ـ *na*: هرگز ـ *lipyate*: گرفتار می‌شود.

## ترجمه

**روح پاکی که اعمالش آکنده از عشق و عبودیت و حکمران ذهن و حواس خویش است، برای همه عزیز است و همه برای او عزیزند. چنین انسانی هرچند همواره مشغول فعالیت است ولی هیچ‌گاه گرفتار نمی‌شود.**

## شرح

کسی که از طریق کریشنا آگاهی در راه رهایی قرار دارد، برای هر موجود زنده‌ای بسیار عزیز است و هر موجود زنده‌ای نیز برای او عزیز می‌باشد. این بدان سبب است که او در آگاهی به کریشنا یعنی‌آگاهی به خداوند واقع شده است. چنین شخصی نمی‌تواند هیچ موجود زنده‌ای را جدا از کریشنا ببیند، همان گونه که شاخه‌ها و برگهای یک درخت از آن منفک نیست. او به خوبی می‌داند که با آبیاری ریشه درخت آب به تمام شاخه‌ها و برگها خواهد رسید و یا با تغذیه قسمت اصلی بدن یعنی شکم، انرژی خود به خود در تمام بدن پخش خواهد شد. کسی که در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند خادم همه است؛ از این رو برای همه بسیار عزیز می‌باشد. و چون او در آگاهی پاک قرار دارد، همه از عمل او راضی می‌شوند. ذهن او به علت قرار گرفتن در آگاهی پاک کاملاً مهار شده؛ و به علت تسلط بر ذهن، حواسش نیز مهار شده است. از آنجایی که فکرش همواره بر خداوند کریشنا متمرکز است، هیچ گونه امکان انحراف از کریشنا برای او وجود ندارد و نیز این امکان که حواسش را در موضوعاتی به جز خدمت به کریشنا مشغول دارد. او دوست ندارد جز درباره موضوعاتی که به کریشنا مربوط می‌شود چیزی بشنود، چیزی جز آنچه به کریشنا تقدیم شده تناول کند و به جایی برود که در آنجا کریشنا مطرح نباشد. بنابراین، حواس این شخص مهار شده است. و چون حواسش کاملاً دراختیارش است نمی‌تواند به کسی ضرر برساند یا خشونت ورزد. ممکن است کسی بپرسد: "پس چرا آرجونا در میدان نبرد نسبت به دیگران خشونت روا داشت؟ آیا او در آگاهی به کریشنا نبود؟" آرجونا فقط ظاهراً دست به خشونت زد، زیرا با توجه به جاودانگی روح (همان گونه که قبلا در فصل دوم توضیح داده شد) تمام کسانی که در میدان نبرد گرد آمده بودند همگی به حیات خویش ادامه می‌دادند. بنابراین از نظر روحانی هیچکس در میدان جنگ کوروکشترا کشته نشد، بلکه تنها لباس یا پوشش بیرونی آنها طبق فرمان کریشنا که شخصاً حضور داشت تغییر کرد. از این رو باید در نظر داشت که آرجونا ظاهراً در میدان جنگ کوروکشترا می‌جنگید، لیکن در اصل فقط در کمال آگاهی به کریشنا فرامین خداوند را اجرا می‌کرد. چنین شخصی هیچگاه در دام واکنشهای عمل گرفتار نمی‌شود.

## آیه ۹-۸

*naiva kiñcit karomīti*
*yukto manyeta tattva-vit*
*paśyañ śṛṇvan spṛśañ jighrann*
*aśnan gacchan svapan śvasan*

*pralapan visṛjan gṛhṇann*
*unmiṣan nimiṣann api*
*indriyāṇīndriyārtheṣu*
*vartanta iti dhārayan*

*na*: هیچ چیز ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *karomi*: انجام می‌دهم ـ *iti*: بدین سان ـ *yuktaḥ*: مشغول شده به آگاهی الهی ـ *manyeta*: فکر می‌کند ـ *tattva-vit*: کسی که حقیقت رامی‌شناسد ـ *paśyan*: دیدن ـ *śṛṇvan*: شنیدن ـ *spṛśan*: لمس کردن ـ *jighran*: بوییدن ـ *aśnan*: خوردن ـ *gacchan*: رفتن ـ *svapan*: رؤیا دیدن ـ *śvasan*: تنفس کردن ـ *pralapan*:

گفتگو کردن ـ *visṛjan*: رها کردن ـ *gṛhṇan*: پذیرفتن ـ *unmiṣan*: باز کردن ـ *nimiṣan*: بستن ـ *api*: علی‌رغم ـ *indriyāṇi*: حواس ـ *indriya-artheṣu*: در ارضای حواس ـ *vartante*: آنها را بگذار چنین مشغول‌باشند ـ *iti*: بدین گونه ـ *dhārayan*: با در نظر گرفتن.

## ترجمه

**شخصی که در آگاهی الهی واقع است، هرچند به دیدن، شنیدن، لمس کردن، بوییدن، خوردن، حرکت کردن، خوابیدن و تنفس مشغول است، ولی پیوسته در درون خویش واقف است که در واقع فاعل اعمال خود نیست، زیرا همواره می‌داند هنگام سخن گفتن، دفع، دریافت و یا باز کردن و بستن چشمان فقط حواس مادی است که درگیر محسوسات می‌گردد و او از آنها منفک است.**

## شرح

کسی که در آگاهی به کریشنا واقع شده وجودش پاک است و گوهر روحانی او با اعمالش که به پنج عامل مستقیم و غیر مستقیم عمل، یعنی فاعل، عمل، محل، تلاش و مشیت ربانی ارتباط دارد وابسته نیست. این بدان علت است که او وقف خدمت عاشقانه روحانی خداوند می‌باشد. با اینکه به نظر می‌رسد که او با بدن و حواسش کار می‌کند، اما همواره به موقعیت اصلی خود که فعالیت روحانی است آگاه می‌باشد. در آگاهی مادی، حواس به ارضای تمایلات نفسانی اشتغال دارند در حالی که در کریشنا آگاهی، حواس مشغول جلب رضایت حواس کریشنا می‌باشد. بنابراین شخص آگاه به‌کریشنا همواره آزاد است، هر چند که به نظر می‌رسد به کارهای مربوط به حواس اشتغال دارد. مقصود از فعالیتهایی همچون دیدن و شنیدن، دریافت دانش است و حرکت کردن، سخن گفتن، دفع کردن وغیره جزو عملکردهای حواس عمل کننده می‌باشد. شخص کریشنا آگاه هیچگاه تحت تأثیر عملکردهای حواس نیست. او نمی‌تواند به هیچ کاری جز آنکه در خدمت خداوند باشد مبادرت ورزد زیرا به خوبی می‌داند که خادم ابدی خداوند است.

## آیه ۱۰

*brahmaṇy ādhāya karmāṇi*
*saṅgaṁ tyaktvā karoti yaḥ*
*lipyate na sa pāpena*
*padma-patram ivāmbhasā*

*brahmaṇi*: به شخصیت اعلای پروردگار ـ *ādhāya*: واگذار کردن، تسلیم کردن ـ *karmāṇi*: تمام اعمال ـ *saṅgam*: دلبستگی ـ *tyaktvā*: رها کردن ـ *karoti*: انجام می‌دهد ـ *yaḥ—who*: کسی که ـ *lipyate*: تحت تأثیر قرار می‌گیرد ـ *na*: هرگز ـ *saḥ*: او ـ *pāpena*: به وسیله گناه ـ *padma—patram*: برگ نیلوفر ـ *iva*: همانند ـ *ambhasā*: به وسیله آب.

## ترجمه

**همان گونه که آب برگهای نیلوفر آبی را تر نمی‌کند، گناه نیز، فردی را که وظیفه خود را بدون دلبستگی انجام می‌دهد و ثمرات آن را به خداوند متعال تسلیم می‌نماید، در برنمی‌گیرد.**

## شرح

اینجا واژه برهمنی به مفهوم در آگاهی به کریشنا است. دنیای مادی تجلی کامل سه گونه طبیعت مادی است که اصطلاحاً پرادهانا خوانده می‌شود. سرودهای ودایی از جمله:

*sarvaṁ hy etad brahma* (ماندوکیا اوپانیشاد ۲)

*tasmād etad brahma nāma-rūpam annaṁ ca jāyate* (مونداکا اوپانیشاد ۱/۲/۱۰)

*mama yonir mahad brahma* (بهاگاواد-گیتا ۱۴/۳)

حاکی از آن است که همه چیز در دنیای مادی تجلی برهمن است؛ و با اینکه هر آنچه از برهمن نشأت‌گرفته به صور مختلف تجلی یافته است، لیکن معلول هیچگاه از علت منفک نیست. در ایشوپانیشاد گفته شده است که همه چیز در ارتباط با برهمن متعال یا کریشناست و بدین ترتیب همه چیز تنها در مالکیت اوست. کسی که به خوبی می‌داند همه چیز از آن کریشناست و خداوند تنها مالک جمله اشیای هستی است و بنابراین همه چیز را در خدمت به او به کار می‌گیرد، طبعاً دچار واکنش حاصل از اعمال خود، چه پرهیزکارانه و چه گناه‌آلود، نمی‌گردد. حتی کالبد مادی انسان که هدیه‌ای از جانب خداوند است و قابلیت انجام کار خاصی را دارد می‌تواند در آگاهی به کریشنا به کار گرفته شود. و بدین ترتیب بدن در ورای آلودگی ناشی از واکنشهای گناهان قرار می‌گیرد، درست همانند برگهای نیلوفر آبی که به رغم تماس با آب خیس نمی‌شوند. خداوند در گیتا (۳/۳۰) می‌فرماید:

*mayi sarvāṇi karmāṇi sannyasya*

"تمام اعمالت را به من *[کریشنا]* تسلیم کن." نتیجه این است که شخصی که فاقد آگاهی به کریشناست طبق ادراک بدن و حواس مادی عمل می‌کند، در حالی که شخص کریشنا آگاه با علم به اینکه بدنش به کریشنا تعلق دارد و در نتیجه باید وقف خدمت کریشنا باشد عمل می‌کند.

## آیه ۱۱

*kāyena manasā buddhyā*
*kevalair indriyair api*
*yoginaḥ karma kurvanti*
*saṅgaṁ tyaktvātma-śuddhaye*

*kāyena*: با بدن ـ *manasā*: با ذهن ـ *buddhyā*: با شعور ـ *kevalaiḥ*: پاک شده ـ *indriyaiḥ*: باحواس ـ *api*: حتی ـ *yoginaḥ*: اشخاص کریشنا آگاه ـ *karma*: اعمال ـ *kurvanti*: انجام می‌دهند ـ *saṅgam*: دلبستگی ـ *tyaktvā*: رها کردن ـ *ātma*: مربوط به ذات ـ *śuddhaye*: به منظور پاکسازی.

## ترجمه

**یوگیها با کنار گذاردن دلبستگی، با بدن، ذهن، شعور و حتی حواس خود فقط به منظور تزکیه و پاکسازی عمل می‌کنند.**

## شرح

هر عملی را که انسان از طریق بدن، فکر، شعور و حواس برای رضایت حواس کریشنا در آگاهی به کریشنا انجام دهد، او را از آلودگی مادی پاک می‌کند. باید دانست که از فعالیتهای شخص کریشنا آگاه هیچ گونه بازتاب مادی ناشی نمی‌شود. بنابراین،

اعمال پاک شده را که عموماً ساد ـ آچارا خوانده می‌شود، می‌توان به سادگی با عمل در آگاهی به کریشنا انجام داد. شری روپا گوسوامی دربهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو (۱/۲/۱۸۷) این موضوع را چنین توصیف می‌کند:

*īhā yasya harer dāsye*
*karmaṇā manasā girā*
*nikhilāsv apy avasthāsu*
*jīvan-muktaḥ sa ucyate*

"شخصی که با بدن، فکر، شعور و گفتارش در آگاهی به کریشنا یا به عبارت دیگر در خدمت کریشنا عمل می‌کند، با اینکه ممکن است ظاهراً به بسیاری از فعالیتهای به اصطلاح مادی اشتغال داشته باشد، لیکن حتی در این دنیای مادی یک شخص رها شده است." او کاملاً عاری از منیت کاذب است، زیرا می‌داند که این بدن نیست و این کالبد مادی نیز متعلق به او نمی‌باشد؛ بلکه خویشتن حقیقی و همچنین بدنش متعلق به کریشناست. او با وقف و نثار کردن تمامی مایملک خود اعم از بدن، فکر، شعور، گفتار، زندگی، ثروت و غیره در خدمت کریشنا، فوراً به خداوند متصل‌می‌شود. او در می‌یابد که با کریشنا یکی است و از آن منیت دروغین که انسان را به باور "من این بدن‌هستم" و غیره می‌کشاند رها می‌شود. همانا این کمال کریشنا آگاهی است.

## آیه ۱۲

*yuktaḥ karma-phalaṁ tyaktvā*
*śāntim āpnoti naiṣṭhikīm*
*ayuktaḥ kāma-kāreṇa*
*phale sakto nibadhyate*

***yuktaḥ***: کسی که وقف خدمت عابدانه است ـ ***karma-phalam***: نتایج تمام اعمال ـ ***tyaktvā***: رها کردن ـ ***śāntim***: صلح کامل ـ ***āpnoti***: دست می‌یابد ـ ***naiṣṭhikīm***: تزلزل‌ناپذیر، پایدار ـ ***ayuktaḥ***: کسی که در کریشنا آگاهی نیست ـ ***kāma-kāreṇa***: برای لذت بردن از نتیجه کار ـ ***phale***: به نتیجه ـ ***saktaḥ***: مجذوب شده، دلبسته شده ـ ***nibadhyate***: گرفتار می‌گردد.

## ترجمه

**روح وقف شده‌ای که در راه عشق و عبودیت ثابت و استوار است، به صلح و آرامش حقیقی دست می‌یابد، زیرا نتایج و ثمرات تمامی اعمال خود را نثار من می‌کند؛ لیکن شخصی که در وصل با حق تعالی نیست و به نتایج اعمالش چشم طمع می‌دوزد، گرفتار می‌گردد.**

## شرح

تفاوت بین کسی که در آگاهی به کریشـنا قرار دارد با شخصی که در آگاهی این کالبد مادی است در آن است که شخص اول به کریشـنا دلبستگی دارد در حالی که شخص دوم به ثمرات اعمالش چشم دوخته است. فردی که به کریشنا دلبستگی دارد و تنها به خاطر خداوند عمل می‌کند، مسلماً شخصی رها شده است و نسبـت به ثمرات اعمالش هـیچ گونه اشتیاق و اضطرابی حس نمی‌کند. در بهاگاواتام توضـیح داده شده است که داشتن اشتیاق یا اضطراب برای نتیجه و ثمره کار به علت واقع بودن در دوگانگی، یعنی بی‌بهره بودن از شناخت حقیقت مطلق، کریشنا یا شخصیت پروردگار است. در آگاهی به کریشنا هیچ گونه

دوگانگی وجود ندارد. هر آنچه وجود دارد حاصل انرژی کریشناست و کریشنا خیر مطلق است. بنابراین، فعالیتهایی که در آگاهی به کریشنا انجام می‌گیرد در سطح مطلق و روحانی است و هیچ گونه بازتاب مادی ندارد. در نتیجه انسان در آگاهی به کریشنا پر از صلح و آرامش می‌شود. لیکن کسی که گرفتار حساب سود و منفعت برای کامجویی است نمی‌تواند این صلح و آرامش را داشته باشد. راز کریشنا آگاهی در این نکته نهفته است که دریابیم چیزی غیر از کریشنا وجود ندارد. کسی که این موضوع را دریابد از هر گونه ترس رها شده به آرامش متعال می‌رسد.

## آیه ۱۳

*sarva-karmāṇi manasā*
*sannyasyāste sukhaṁ vaśī*
*nava-dvāre pure dehī*
*naiva kurvan na kārayan*

*sarva*: همه ـ *karmāṇi*: فعالیتها ـ *manasā*: توسط ذهن ـ *sannyasya*: رها کردن ـ *āste*: باقی‌می‌ماند ـ *sukham*: در شادی و خوشبختی ـ *vaśī*: کسی که کنترل شده است ـ *nava-dvāre*: درمکانی که نه دروازه وجود دارد ـ *pure*: در شهر ـ *dehī*: روح قالب گرفته ـ *na*: هرگز ـ *eva*: حتماً،محققاً ـ *kurvan*: انجام دادن هر چیز ـ *na*: نه ـ *kārayan*: باعث انجام شدن.

## ترجمه

**هنگامی که موجود زنده قالب گرفته بر طبیعت خود مسلط، و از طریق ذهن از هر گونه عملی منقطع می‌شود، شادمانه ساکن نه دروازه [بدن مادی] می‌گردد، نه عمل انجام می‌دهد و نه باعث انجام عمل می‌شود.**

## شرح

روح که در قالب کالبد مادی جای گرفته است در شهر نه دروازه بدن زندگی می‌کند. فعالیتهای بدن، یا شهر تمثیلی بدن، خود به خود طبق گونه‌های خاص طبیعت صورت می‌گیرد. روح با اینکه خود را در معرض موقعیت بدن قرار می‌دهد، می‌تواند چنانچه بخواهد در ورای هر گونه قید و بند این کالبد جسمانی قرار گیرد. او فقط به علت فراموشی از سرشت عالیش، خود را با کالبد مادی یکی می‌داند و در نتیجه متحمل رنج می‌گردد. وی از طریق آگاهی به کریشنا می‌تواند موقعیت حقیقی خود را احیاء کند و بدین سان از محدودیت کالبد جسمانیش خارج گردد. بنابراین وقتی انسان راه کریشنا آگاهی را اختیار می‌کند به یکباره و کاملاً از فعالیتهای بدنی منفک می‌شود و با زندگی مهار شده که نگرشهایش در آن تغییر یافته، با سرور و شادی در شهر نه دروازه بدن زندگی می‌کند. شهر نه دروازه بدن بدین گونه توصیف شده است:

*nava-dvāre pure dehī*
*haṁso lelāyate bahiḥ*
*vaśī sarvasya lokasya*
*sthāvarasya carasya ca*

"شخصیت اعلای خداوند که درون بدن هر موجود زنده سکنی دارد اداره‌کننده تمام مخلوقات درسراسر جهان است. این بدن شامل نه دروازه می‌شود (دو چشم، دو حفره بینی، دو گوش، یک دهان،مقعد و منفذ تناسلی). موجود زنده (روح) در مرحله مقید، خود را با این بدن یکی می‌داند در حالی‌که اگر به درک وحدت با خداوند درون خود نائل آید، حتی در همین بدن، به آزادی و رهایی‌همچون آزادی و رهایی خداوند می‌رسد." (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۳/۱۸)

بنابراین شخص کریشنا آگاه هم از فعالیتهای بیرونی و هم از فعالیتهای درونی بدن مادی آزاداست.

## آیه ۱۴

*na kartṛtvaṁ na karmāṇi*
*lokasya sṛjati prabhuḥ*
*na karma-phala-saṁyogaṁ*
*svabhāvas tu pravartate*

***na***: هرگز ـ ***kartṛtvam***: مالکیت ـ ***na***: و نه، هم نه ـ ***karmāṇi***: فعالیتها ـ ***lokasya***: مربوط به‌مردم ـ ***sṛjati***: ایجاد می‌کند ـ ***prabhuḥ***: فرمانروای شهر بدن ـ ***na***: و نه، هم نه ـ ***karma-phala***: باثمرات اعمال ـ ***saṁyogam***: پیوستگی، اتصال ـ ***svabhāvaḥ***: گونه‌های طبیعت مادی ـ ***tu***: اما ـ ***pravartate***:عمل می‌کنند.

## ترجمه

**روح کالبد گرفته که حکمران شهر بدن است، نه عملی ایجاد، نه کسی را به عمل ترغیب و نه‌نتایج عمل را تولید می‌کند؛ بلکه تمامی اینها از طریق گونه‌های طبیعت مادی انجام می‌شود.**

## شرح

موجود زنده همان گونه که در فصل هفتم توضیح داده خواهد شد به طبیعت برتر یا به عبارتی به‌یکی از قوای سه‌گانه خداوند متعال (قوه بیرونی، قوه حاشیه‌ای و قوه درونی) تعلق دارد و با ماده که‌طبیعت پست‌تر خوانده می‌شود تفاوت دارد. موجود زنده که جزء طبیعت برتر خداوند محسوب‌می‌شود به گونه‌ای از زمانهای بسیار کهن در تماس با طبیعت مادی یا طبیعت پست‌تر او قرار گرفته‌است و کالبد موقت یا اقامتگاه مادیی که به دست آورده، حاصل اعمال مختلف و بازتاب آنهاست.انسان با زندگی در چنین فضای اسارت‌باری، از روی جهل و غفلت، با یکی پنداشتن خود با این کالبدجسمانی، از نتایج فعالیتهای آن رنج می‌کشد. این جهل و بی‌خبری که از زمانهای بسیار کهن کسب‌شده عامل رنجها و اضطرابات این کالبد مادی است. اما به محض آنکه موجود زنده از فعالیتهای بدن‌منفک شود از بازتاب اعمال نیز رها می‌گردد. انسان تا وقتی که در شهر بدن سکنی دارد به نظرمی‌رسد که ارباب آن است، اما در حقیقت نه تنها صاحب که اداره‌کننده اعمال و عکس‌العملهای آن‌نیز نمی‌باشد. او فقط در اقیانوس مادی برای بقاء تلاش می‌کند. موجهای اقیانوس او را به این سو وآن سو پرتاب می‌کند و او هیچ تسلطی بر آنها ندارد. بهترین راه حل برای او خروج از این امواج باکمک کریشنا آگاهی است. این انتخاب تنها راهی است که او را از کلیه پریشانیها و آشفتگیها نجات‌می‌بخشد.

## آیه ۱۵

*nādatte kasyacit pāpaṁ*
*na caiva sukṛtaṁ vibhuḥ*
*ajñānenāvṛtaṁ jñānaṁ*
*tena muhyanti jantavaḥ*

***na***: هرگز ـ ***ādatte***: می‌پذیرد ـ ***kasyacit***: (متعلق به) هر کس ـ ***pāpam***: گناه ـ ***na***: و نه، هم نه ـ ***ca***: همچنین ـ ***eva***: حتماً، محققاً ـ ***su—kṛtam***: اعمال پرهیزکارانه ـ ***vibhuḥ***: خداوند متعال ـ ***ajñānena***: توسط جهالت ـ ***āvṛtam***: پوشیده شده ـ***jñānam***: دانش ـ ***tena***: به وسیله آن ـ ***muhyanti*** : گیج و سرگردان شده‌اند ـ ***jantavaḥ***: موجودات زنده.

## ترجمه

**هیچگاه خداوند متعال مسئول اعمال متقیانه و گناهان کسی نیست. ولی با تمام این احوال، موجودات کالبد گرفته به دلیل جهل و غفلتی که بر دانش حقیقی آنان پرده می‌افکند، گمراه وسرگردان هستند.**

## شرح

واژه سانسکریت ویبهو برای وصف خداوند متعال که مملو از دانش مطلق، ثروت مطلق، قدرت‌مطلق، شهرت مطلق، زیبایی مطلق و انقطاع مطلق است استفاده می‌شود. او همواره در خود راضی‌است و از فعالیتهای گناهکارانه یا پرهیزکارانه متأثر نمی‌گردد. خداوند موقعیت بخصوصی را برای‌موجودات زنده ایجاد نمی‌کند، بلکه موجود زنده که به وسیله جهل و غفلت گمگشته و سرگردان‌شده است، آرزوی زندگی در موقعیتهای خاصی را در سر می‌پروراند و در نتیجه آن، دایره عمل وعکس‌العمل او آغاز می‌گردد. گوهر روح به علت طبیعت برتر یا سرشت روحانی خود پر از دانش‌است، ولی با این وصف به علت قدرت محدودش مستعد آن است که تحت نفوذ جهل و نادانی قرارگیرد. خداوند، قادر مطلق است؛ در حالی که موجود زنده چنین نیست. خداوند ویبهو یا دانای مطلق‌است در حالی که موجود زنده، آنو یا ذره اتمی است. روح فردی این ویژگی را دارد که به اراده آزادخود آرزو و خواسته داشته باشد و چنین آرزوهایی تنها به وسیله خداوند برآورده می‌شود. از این رووقتی موجود زنده به علت آرزوهایش در بحر گیجی و گمگشتگی فرو رفته است، خداوند به اواجازه می‌فرماید که خواسته‌هایش را برآورده نماید. لیکن هیچگاه خداوند مسئول اعمال وعکس‌العملهای موقعیت بخصوصی که از طرف موجود زنده آرزو شده نیست. بنابراین، روح قالب گرفته به علت اینکه در چنین موقعیت سرگشته‌ای واقع است خود را با بدن مادی یکی‌می‌پندارد و در معرض رنج و شادی موقت زندگی قرار می‌گیرد. خداوند به عنوان پاراماتما یا روح‌متعال، یار و همراه همیشگی موجود زنده است و از این رو همان گونه که انسان در مجاورت یک گل‌قادر است عطر آن را استشمام کند، خداوند نیز کاملاً در مجاورت روح فردی آرزوهای او را درک‌می‌کند. خواسته و آرزو شکل لطیفی از مقید بودن موجود زنده است. خداوند آرزوهای او را در خوراستحقاق و شایستگیش برآورده می‌سازد: انسان ابراز می‌کند و خداوند برآورده می‌سازد. بنابراین،روح فردی در جامه عمل پوشاندن به آرزوهایش قادر کامل نیست، بلکه این خداوند است که‌می‌تواند آنها را برآورده سازد و چون خداوند نسبت به همه یکسان و بیطرف است در آرزوهای‌موجودات زنده که از استقلال جزئی برخوردارند دخالت نمی‌کند. اما هنگامی که شخصی کریشنا رابخواهد، خداوند توجه مخصوص مبذول می‌دارد و او را به آرزو کردن در جهتی تشویق می‌نماید که‌بتواند به خداوند واصل گردد و تا ابد شاد و خوشبخت باشد. از این روست که سرودهای ودایی‌اعلام می‌کنند:

*eṣa u hy eva sādhu karma kārayati taṁ yam ebhyo lokebhya unninīṣate. eṣa u evāsādhu karma kārayati yam adho ninīṣate*

"خداوند موجود زنده را به اعمال صالحانه و پرهیزکارانه هدایت می‌کند تا او ارتقاء حاصل نماید وهم اوست که اجازه می‌دهد موجود زنده به اعمال شریرانه و ناپرهیزکارانه مشغول گردد و به تبع آن‌رهسپار جهنم شود." (کشیتاکی اوپانیشاد ۳/۸)

*ajño jantur anīśo 'yam*
*ātmanaḥ sukha-duḥkhayoḥ*
*īśvara-prerito gacchet*
*svargaṁ vāśv abhram eva ca*

"موجود زنده در رنج و شادی خود کاملاً متکی است و با اراده متعال است که می‌تواند – همان‌گونه که باد ابر را حمل می‌کند – راهی بهشت یا جهنم شود."

بنابراین روح قالب گرفته با آرزوهای بسیار دیرینه‌اش که عاری از آگاهی به کریشناست باعث‌سرگشتگی خویش می‌شود. در نتیجه اگرچه او ذاتاً جاودان، مملو از شعف و کاملاً آگاه است، به‌علت ضعفش موقعیت حقیقی و فطری خود را که خدمت به خداوند است فراموش می‌کند و بدین‌سان به وسیله جهل گرفتار می‌شود. تحت نفوذ جهل و غفلت است که موجود زنده ادعا می‌کندخداوند مسئول زندگی مقید و وضعیت اسارت‌بار اوست. ودانتا ـ سوتراها (۲/۱/۳۴) نیز این مطلب راچنین تصریح می‌کند:

*Vaiṣamya-nairghṛṇye na sāpekṣatvāt tathā hi darśayati*

"خداوند نه از کسی متنفر است و نه به کسی علاقه‌مند، هرچند که او چنین به نظر می‌رسد."

## آیه ۱۶

*ñānena tu tad ajñānaṁ*
*yeṣāṁ nāśitam ātmanaḥ*
*teṣām āditya-vaj jñānaṁ*
*prakāśayati tat param*

*jñānena*: به وسیله دانش ـ *tu*: اما ـ *tat* : آن ـ *ajñānam*: جهل و غفلت ـ *yeṣām*: که، ش ـ *nāśitam*: نابود می‌شود ـ *ātmanaḥ*: مربوط به موجود زنده ـ *teṣām*: مال آنها، شان ـ *āditya-vat*: مانند خورشید در حال طلوع ـ *jñānam*: دانش ـ *prakāśayati*: آشکار می‌کند، پرده‌برمی‌دارد ـ *tat param*: کریشنا آگاهی.

## ترجمه

**ولی وقتی انسان با دانش زایل کننده جهل به اشراق دست یافت، آنگاه همان گونه که خورشیدهمه چیز را روشن می‌کند، دانش او نیز حقیقت همه چیز را نمایان می‌سازد.**

## شرح

کسانی که کریشنا را به فراموشی سپرده‌اند مسلماً گیج و سرگشته‌اند، ولی آنان که در آگاهی به خداهستند دچار چنین مصیبتی نمی‌شوند. در بهاگاواد–گیتا (۳۸–۳۷–۴/۳۶)بیان شده است:

*sarvaṁ jñāna-plavena, jñānāgniḥ sarva-karmāṇi, na hi jñānena sadṛśam*

دانش همواره قدر و منزلت والایی دارد. و آن دانش چیست؟ همان گونه که در فصل هفتم، آیه‌نوزدهم گفته شده است، دانش کامل زمانی که انسان به کریشنا تسلیم می‌شود به دست می‌آید:

*bahūnāṁ janmanām ante jñānavān māṁ prapadyate*

.پس از پشت سر نهادن تولدهای بسیار زیاد هنگامی که انسان در دانش کامل قرار گرفت، سرتسلیم به کریشنا فرود می‌آورد، یا به عبارتی هنگامی که شخص به کریشنا آگاهی رسید، همان گونه‌که نور خورشید همه چیز را روشن می‌کند، حقیقت هر چیز برایش نمایان می‌شود. موجود زنده به‌طرق مختلف دچار سرگشتگی می‌شود؛ برای مثال هنگامی که خویش را خدا می‌پندارد، در واقع درآخرین و مهمترین دام جهل و غفلت فرو می‌افتد. اگر موجود زنده خدا باشد، چرا و چگونه با جهل وغفلت دچار سرگشتگی می‌گردد؟ آیا خدا با حجاب جهل و غفلت پوشیده می‌شود؟ در این صورت‌جهل یا شیطان برتر از خداست. حصول دانش حقیقی از کسی میسر است که در آگاهی کامل به‌کریشناست. بنابراین انسان باید در جستجوی چنین پیر روحانی معتبر و موثقی برآید و تحت نظر او بیاموزد که کریشنا آگاهی چیست، زیرا آگاهی به کریشنا تمام جهل و فراموشی را از روح می‌زداید،همان گونه که خورشید تاریکی را مرتفع می‌سازد. هرچند ممکن است شخص بداند که روح و بدن متفاوت است و روح

در ورای کالبد مادی قرار دارد، ولی شاید قادر نباشد بین روح و روح متعال‌تمیز قائل شود؛ ولی با پناه بردن به پیر روحانی کاملاً کریشنا آگاه با صلاحیت قادر می‌گردد همه چیزرا به خوبی درک کند. شخص فقط زمانی می‌تواند خداوند را بشناسد و رابطه با او را درک کند که واقعاً نماینده خدا را ملاقات نماید. نماینده خداوند اگرچه دارای علم معرفت خداوند است و معمولاً تمام احترامی که برای خداوند ابراز می‌شود به او تقدیم می‌گردد، ولی با این حال هیچگاه ادعا نمی‌کند که خداست. شخص باید تفاوت بین خدا و موجود زنده را بیاموزد. از این رو خداوندشری‌کریشنا در فصل دوم (۲/۱۲) اظهار می‌دارد که هر موجود زنده واجد فردیت است و خود او نیز فردیت دارد. آنها در گذشته فردیت داشته‌اند، در حال حاضر فردیت دارند و در آینده نیز حتی پس از رهایی، فردیتشان حفظ خواهد شد. در تاریکی شب ما همه چیز را یکسان می‌بینیم، لیکن هنگام روز که خورشید در آسمان قد برافراشت، افراد و اشیاء را می‌توانیم در هویت حقیقی خودشان مشاهده‌کنیم. شناخت فردیت روحانی همه موجودات و خداوند، دانش حقیقی است.

## آیه ۱۷

*tad-buddhayas tad-ātmānas*
*tan-niṣṭhās tat-parāyaṇāḥ*
*gacchanty apunar-āvṛttiṁ*
*jñāna-nirdhūta-kalmaṣāḥ*

*tat*: آن کسانی که شعورشان همواره در متعال است ـ *tat-ātmānaḥ*: آن کسانی که‌ذهنشان همواره در متعال است ـ *tat-niṣṭhāḥ*: آن کسانی که ایمانشان تنها به متعال است ـ *tat-parāyaṇāḥ*: که کاملاً پناه خداوند را گرفته‌اند ـ *gacchanti*: می‌روند ـ *apunaḥ—āvṛttim*: به‌رهایی ـ *jñāna*: به وسیله دانش ـ *nirdhūta*: پاک شده ـ *kalmaṣāḥ*: ترسها، شبهه‌ها.

## ترجمه

**هنگامی که شعور، ذهن، ایمان و پناه انسان، همگی معطوف خداوند متعال می‌شود، آنگاه ازطریـق دانـش کامل از تمامی شک و تردیدها کاملاً پاک می‌گردد و بدین سان مستقیماً در راه رهایی‌گام برمی‌دارد.**

## شرح

همانا حقیقت متعال، خداوند کریشناست. تمام بهاگاواد–گیتا حول این محور دور می‌زند که‌کریشنا شخصیت اعلای پروردگار است و این نظر کلیه متون مقدس ودایی است. پارا ـ تاتوا، یعنی‌همان حقیقت متعال، از سوی کسانی که متعال را می‌شناسند با عنوان برهمن، پاراماتما و بهاگاوان‌درک می‌شود. بهاگاوان یا شخصیت متعال خداوند مفهوم غایی حقیقت مطلق است و هیچ حقیقتی‌برتر از آن نیست. خداوند می‌فرماید:

*mattaḥ parataraṁ nānyat kiñcid asti dhanañjaya*

برهمن فاقد شخصیت نیز به کریشنا تکیه دارد:

*brahmaṇo hi pratiṣṭhāham*

بنابراین از هر سو که نظر بیفکنیم کریشنا حقیقت متعال است. کسی که فکر، شعور، ایمان وپناهش همواره در کریشنا خلاصه می‌شود یا به عبارت دیگر کسی که کاملاً در آگاهی به کریشنا،آگاهی به خداوند، قرار دارد بدون شک از هر گونه بیم و شبهه تطهیر شده است و نسبت به هر چیزی‌که مربوط به متعال می‌شود دانش کامل دارد. او کاملاً می‌تواند درک کند که با خداوند

یکی و در عین‌حال متفاوت است و با مجهز بودن به این دانش متعال است که انسان می‌تواند در راه رهایی ورستگاری پیشرفتی استوار و مداوم بکند.

## آیه ۱۸

*vidyā-vinaya-sampanne*
*brāhmaṇe gavi hastini*
*śuni caiva śva-pāke ca*
*paṇḍitāḥ sama-darśinaḥ*

*vidyā*: با تحصیل، با دانش ـ *vinaya*: و نجابت و مهربانی ـ *sampanne*: کاملاً مجهز شده ـ *brāhmaṇe*: در براهمانا ـ *gavi*: در گاو ـ *hastini*: در فیل ـ *śuni*: در سگ ـ *ca*: و ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *śva—pāke*: در سگ‌خور (مطرود) ـ *ca*: به ترتیب ـ *paṇḍitāḥ*: آن کسانی که خردمندهستند ـ *sama-darśinaḥ*: که با دید یکسان می‌نگرند.

## ترجمه

**حکیمان متواضع به برکت دانش حقیقی، به براهمانای شریف و دانا، به گاو، به فیل، به سگ وبه سگ‌خور (مطرود) به یک چشم می‌نگرند.**

## شرح

شخص آگاه به کریشنا تمایزی میان انواع موجودات یا انواع طبقات اجتماعی قائل نمی‌شود.ممکن است یک براهمانا و یک شخص مطرود از نظر اجتماعی فرق داشته باشند یا یک سگ، یک‌گاو و یا فیل از نظر انواع گونه‌های حیات متفاوت باشند، ولی از دیدگاه یک اهل حقیقت دانا این‌تفاوتهای جسمانی بی‌معنی هستند. این یکسان‌نگری عرفا به علت درک آنان از رابطه‌ای است که‌موجودات با خداوند دارند، زیرا پروردگار متعال با بسط کامل خویش موسوم به پاراماتما در قلب‌همه حضور دارد و همانا چنین درکی از متعال، دانش حقیقی است. رحمت واسعه خداوند شامل‌کلیه کالبدهای مادی در انواع گوناگون حیات و طبقات مختلف می‌شود، زیرا او با تمام موجودات‌زنده مانند یک دوست رفتار می‌کند و با این حال بدون توجه به شرایط موجودات زنده، مستقل ازآنها، به صورت پاراماتما باقی می‌ماند. خداوند به صورت روح متعال در بدن براهمانا و شخص‌مطرود هر دو حضور دارد، هر چند که بدن براهمانا و شخص مطرود یکسان نیست. بدنها حاصل‌ترکیب گونه‌های مختلف طبیعت مادی است ولی روح فردی و روح متعال درون بدن از کیفیت روحانی واحدی برخوردار است. ولی تشابه کیفی روح فردی و روح متعال آنها را از نظر کمی برابرنمی‌کند زیرا روح فردی فقط در بدن خاصی و پاراماتما در یکایک بدنها حضور دارد. شخص‌کریشنا آگاه کاملاً به این امر آگاه است و در نتیجه حقیقتاً داناست و با یک دید به همه موجودات‌می‌نگرد. خصوصیات مشابه روح فردی و روح متعال در این است که هر دوی آنان آگاه، جاودان ومملو از شعف‌اند و تفاوتشان در این است که آگاهی روح منفرد فقط در قلمروی محدود بدن قرار دارددر حالی که روح متعال نسبت به تمام ابدان آگاه می‌باشد، زیرا روح متعال بدون استثناء در تمام‌کالبدهای جسمانی حضور دارد.

## آیه ۱۹

*ihaiva tair jitaḥ sargo*
*yeṣāṁ sāmye sthitaṁ manaḥ*
*nirdoṣaṁ hi samaṁ brahma*

*tasmād brahmaṇi te sthitāḥ*

*iha*: در این زندگی ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *taiḥ*: به وسیله آنها ـ *jitaḥ*: غالب شده ـ *sargaḥ*: تولد و مرگ ـ *yeṣām*: که، شان (که ذهنشان) ـ *sāmye*: در تعادل، در آرامش ـ *sthitam*: واقع‌شده ـ *manaḥ*: ذهن ـ *nirdoṣam*: بی‌عیب، بی‌نقص ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *samam*: در تعادل، درآرامش ـ *brahma*: مانند متعال ـ *tasmāt*: بنابراین ـ *brahmaṇi*: در متعال ـ *te*: آنها ـ *sthitāḥ*: واقع شده‌اند.

## ترجمه

**اشخاصی که ذهنشان در ثبات و آرامش استوار شده است، بر شرایط تولد و مـرگ غلبـه‌یافتـه‌انـد. آنـان همچون برهمن بی‌عیب و نقص هستند و در نتیجه در برهمن واقع شده‌اند.**

## شرح

آرامش و تعادل ذهنی، همان گونه که در بالا ذکر گردیده، نشانه خودشناسی یا معرفت‌النفس‌است. کسانی که واقعاً به چنین مرحله‌ای رسیده‌اند باید به عنوان اشخاصی که بر شرایط مادی،بخصوص تولد و مرگ، غلبه یافته‌اند محسوب شوند. مادامی که شخص خود را با بدن یکی بداند،روح مقید به شمار می‌آید و به محض آنکه از طریق شناخت ذات به مرحله آرامش و تعادل ارتقاءیافت از اسارت زندگی مادی رهایی می‌یابد. به عبارت دیگر، او مجدداً در دنیای مادی تولد نمی‌یابدو می‌تواند پس از مرگ به آسمان روحانی وارد شود. خداوند منزه از هر گونه عیب و نقص است زیراعاری از علاقه یا تنفر است. به همین ترتیب وقتی موجود زنده بدون علاقه یا تنفر باشد، او نیزبی‌عیب و نقص می‌شود و شایسته وارد شدن به آسمان روحانی می‌گردد. چنین افرادی باید، درحقیقت، به منزله اشخاص رها شده محسوب شوند که نشانه‌های آنان در زیر توصیف شده است.

## آیه ۲۰

*na prahṛṣyet priyaṁ prāpya*
*nodvijet prāpya cāpriyam*
*sthira-buddhir asammūḍho*
*brahma-vid brahmaṇi sthitaḥ*

*na*: هرگز ـ *prahṛṣyet*: شادمانی می‌کند ـ *priyam*: موارد خوشایند ـ *prāpya*: به دست آوردن ـ *na*: علامت نفی فعل ـ *udvijet*: آشفته می‌گردد ـ *prāpya*: کسب کردن ـ *ca*: همچنین ـ *apriyam*: موارد ناخوشایند ـ *sthira-buddhiḥ*: هوشیار به ذات ـ *asammūḍhaḥ*: کسی که گیج و سرگشته‌نیست ـ *brahma—vit*: کسی که متعال را کاملاً می‌شناسد ـ *brahmaṇi*: در متعال ـ *sthitaḥ*: واقع‌شده.

## ترجمه

**شخصی در متعال واقع شده است که نه از موارد خوشایند شاد و سرمست می‌شود و نه بافرارسیدن موارد ناگوار دچار اندوه و تأسف می‌گردد، آگاه به ذات است، گمراه و سرگردان نیست وبه علم شناخت خداونـد واقـف است.**

## شرح

در اینجا نشانه‌های شخص خودشناخته داده شده است: او تحت توهم یکی پنداشتن بدن با ذات‌حقیقی (خود حقیقی) واقع نیست و به خوبی می‌داند که این کالبد فانی نیست بلکه جزئی لاینفک ازشخصیت متعال خداوند است؛ بنابراین با به دست آوردن یا از دست دادن چیزهایی که مربوط به این‌بدن می‌باشد شادمان یا غمگین نمی‌گردد. این ثبات فکری را استهیرا ـ بودهی یا هوشیاری به ذات‌می‌گویند. بنابراین او هیچگاه با اشتباه پنداشتن کالبد مادی زمخت به جای روح، گیج و سرگشته‌نمی‌شود؛ این لباس بیرونی را به منزله پدیده‌ای دائمی در نظر نمی‌گیرد و همواره به وجود روح‌واقف است. این دانش او را به مرتبه شناخت علم کامل حقیقت مطلق یعنی برهمن، پاراماتما وبهاگاوان ارتقاء می‌دهد. در نتیجه او بدون کوچکترین تلاش کاذبی در جهت یکی شدن با متعال، کاملابه موقعیت فطری خود واقف است. این مرحله را شناخت برهمن یا خودشناسی می‌نامند و چنین‌آگاهی استوار و مداومی، آگاهی به کریشنا خوانده می‌شود.

## آیه ۲۱

*bāhya-sparśeṣv asaktātmā*
*vindaty ātmani yat sukham*
*sa brahma-yoga-yuktātmā*
*sukham akṣayam aśnute*

***bāhya-sparśeṣu***: به لذات حسی بیرونی ـ ***asakta-ātmā***: کسی که دلبسته نیست ـ ***vindati***: لذت می‌برد ـ ***ātmani***: در ذات ـ ***yat***: آن که ـ ***sukham***: شادمانی و خوشبختی ـ ***saḥ***: او ـ ***brahma-yoga***: به وسیله تمرکز بر برهمن ـ ***yukta-ātmā***: در وصل با ذات ـ ***sukham***: سرور وشادی ـ ***akṣayam***: نامحدود ـ ***aśnute***: لذت می‌برد، بهره‌مند می‌گردد.

## ترجمه

**چنین شخص رها شده‌ای جذب لذات حواس مادی نمی‌شود، بلکه با لذت بردن از ردون‌خویش همواره در جذبه می‌باشد. بدین ترتیب شخص خودشناخته از شعف بیکرانی لذت می‌برد،زیرا او بر متعال متمرکز است.**

## شرح

شری یاموناچاریا، یکی از عابدان بزرگ در آگاهی به کریشنا، می‌فرماید:

*yad-avadhi mama cetaḥ kṛṣṇa-pādāravinde*
*nava-nava-rasa-dhāmany udyataṁ rantum āsīt*
*tad-avadhi bata nārī-saṅgame smaryamāne*
*bhavati mukha-vikāraḥ suṣṭhu niṣṭhīvanaṁ ca*

"از زمانی که من به خدمت عاشـقانه روحانی کریشنا مشغول شده‌ام و لذات هر چه تازه‌تر را درآن می‌یابم، هر گاه فکر لذت جـنسی به ذهنـم خطـور می‌کند بر آن فکر تف انداخته و لبهایم ازکراهت جمع می‌شود." کسی که در برهما ـ یوگا یا آگاهی به کریشنا قرار دارد، چنان مجذوب طاعت‌عاشقانه خداوند است که کاملاً طعم لذات مادی را از دست می‌دهد. بالاترین لذت از دیدگاه مادی لذت جـنـسی است. در واقع تمام جهان تحت افـسون فریـبنده آن حرکت می‌کند و شخص دنیوی‌به هـیـچ وجه قادر نـیست که بدون این انگـیزه به کار و تلاش بـپردازد. ولی کسی که مشغول آگاهی‌به کریـشنا است می‌تواند با دوری جستن از لذت جنسی، با قدرت و توان بیشتری کار کند. این‌آزمون شناخت و ادراک روحانی است، چون ادراک روحانی و لذت جنسی با یکدیگر سازگارنیستند. شخص کریشنا آگاه به علت اینکه روح رها شده است به سوی هیچ گونه لذت مادی کشیده نمی‌شود.

## آیه ۲۲

*ye hi saṁsparśa-jā bhogā*
*duḥkha-yonaya eva te*
*ādy-antavantaḥ kaunteya*
*na teṣu ramate budhaḥ*

*ye*: آنها ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *saṁsparśa-jāḥ*: به وسیله تماس با حواس مادی ـ *bhogāḥ*: لذات ـ *duḥkha*: رنج، درد ـ *yonayaḥ*: سرچشمه‌های مربوط به ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *te*: آنهاهستند ـ *ādi*: آغاز ـ *anta*: انتها ـ *vantaḥ*: در معرض ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *na*: هرگز ـ *teṣu*: در آنها ـ *ramate*: لذت می‌برد، شادمانی می‌یابد ـ *budhaḥ*: شخص خردمند.

## ترجمه

**شخص خردمند خود را در معرض سرچشمه‌های رنج و درد که از تماس با حواس مادی پدیدمی‌آید قــرار نمی‌دهد. ای پسر کونتی، چنین لذاتی آغاز و پایانی دارند و در نتیجه شخص دانا از آنها لذت نمی‌برد.**

## شرح

لذات مادی به علت تماس با حواس مادی پدید می‌آید و همه آنها زودگذر می‌باشد، زیرا خودکالبد مادی گذرا و فانی است. روح رها شده علاقه به چیزهای موقت و گذرا ندارد. چگونه روح رها شده با شناخت کامل سرور لذات روحانی می‌تواند به لذات مادی روی آورد؟ در پادما پورانا گفته‌شده است:

*ramante yogino 'nante*
*satyānande cid-ātmani*
*iti rāma-padenāsau*
*paraṁ brahmābhidhīyate*

"اهل حقیقت یا عرفا، لذات روحانی نامحدودی را از حقیقت مطلق کسب می‌کنند و از این روحقیقت مطلق متعال یعنی شخصیت خداوند به نام راما شناخته می‌شود."

در شریماد– بهاگاواتام (۵/۵/۱) نیز گفته شده است:

*nāyaṁ deho deha-bhājāṁ nṛ-loke*
*kaṣṭān kāmān arhate viḍ-bhujāṁ ye*
*tapo divyaṁ putrakā yena sattvaṁ*
*śuddhyed yasmād brahma-saukhyaṁ tv anantam*

"پسران عزیزم، هیچ دلیلی ندارد که شخص از این فرصت مغتنم حیات انسانی، برای کسب لذات‌حواس مادی، به کار طاقت‌فرسا تن در دهد زیرا چنین لذاتی در اختیار چهارپایان مدفوع‌خوار (خوکها) نیز هست. بلکه به جای آن شما باید در این زندگی متحمل توبه و ریاضت گردید تا به‌موجب آن وجودتان تزکیه، و در نتیجه قادر شوید از شعف نامحدود روحانی بهره‌مند گردید."

بنابراین آن کسانی که یوگیان حقیقی یا حق‌جویان دانایی هستند به سوی لذات حواس که باعث‌استمرار زندگیهای پیاپی مادی است کشیده نمی‌شوند. در حقیقت، هر چقدر انسان بیشتر معتاد به لذات مادی باشد بیشتر گرفتار رنجهای مادی می‌شود.

## آیه ۲۳

*śaknotīhaiva yaḥ soḍhuṁ*
*prāk śarīra-vimokṣaṇāt*
*kāma-krodhodbhavaṁ vegaṁ*
*sa yuktaḥ sa sukhī naraḥ*

*śaknoti*: قادر است ـ iha eva: در بدن فعلی ـ yaḥ: کسی که ـ soḍhum: تحمل کردن، بردباری‌نمودن ـ prāk: قبل از ـ śarīra: بدن ـ vimokṣaṇāt: رها کردن، کنار گذاردن ـ kāma: خواسته وآرزو ـ krodha: و خشم ـ udbhavam: پدید آمده از ـ vegam: خواسته‌ها، گرایشها ـ *saḥ*: او ـ yuktaḥ: در جذبه ـ saḥ: او ـ sukhī: شاد و خوشبخت ـ naraḥ: موجود بشری.

## ترجمه

**چنانچه انسان بتواند، پیش از ترک بدن کنونی، در مقابل گرایشها و تمایلات خواس مادی تاب‌آورد و نیروی خواسته و خشم را متوقف سازد، در موقعیت صحیحی قرار دارد و در این جهان‌خوشبخت خواهد بود.**

## شرح

چنانچه کسی بخواهد پیشرفت مداومی در طریق خودشناسی داشته باشد باید بکوشد نیروهای‌حواس مادی را مهار نماید. این نیروها عبارتند از گرایش برای سخن گفتن، عکس‌العمل خشم،خواسته‌های فکر، خواهشهای زبان، شکم و آلت تناسلی؛ و کسی که قادر باشد خواسته‌های حواس‌مختلف و فکر را کنترل نماید، گوسوامی یا سوامی خوانده می‌شود. گوسوامی‌ها زندگیهای بسیار کنترل‌شده‌ای دارند و کاملاً از تمنیات حواس چشم‌پوشی می‌کنند. از آنجا که با برآورده نشدن آرزوهای مادی، خشم ایجاد می‌گردد و در نتیجه فکر، چشم و سینه تحریک و آشفته می‌شود، ضروری است‌که انسان قبل از ترک این کالبد مادی به ممارست برای مهار کردن آنها بپردازد. باید دانست کسی که بتواند از عهده این کار برآید شخصی خودآگاه و خودشناخته است و از این رو از قرار گرفتن در مرحله‌خودشناسی شاد و مسرور است. این وظیفه رهروان طریق حقیقت است که به شدت بکوشند تا خواسته و خشم را کنترل نمایند.

## آیه ۲۴

*yo 'ntaḥ-sukho 'ntar-ārāmas*
*tathāntar-jyotir eva yaḥ*
*sa yogī brahma-nirvāṇaṁ*
*brahma-bhūto 'dhigacchati*

*yaḥ*: کسی که ـ *antaḥ-sukhaḥ*: شادمان از درون ـ *antaḥ-ārāmaḥ*: فعالانه لذت بردن ازدرون ـ *tathā*: به خوبی (مثل، مانند) ـ *antaḥ-jyotiḥ*: باطن را هدف داشتن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *saḥ*: او ـ *yogī*: اهل حقیقت، عارف ـ *brahma—nirvāṇam*: رهایی و رستگاری‌در متعال ـ *brahma-bhūtaḥ*: خودشناخته بودن ـ *adhigacchati*: می‌رسد.

## ترجمه

**کسی که شادی، فعالیت و هدفش معطوف درون و باطن، و قلباً از سرور معنوی برخوردار است عارف کامل می‌باشد. او به رهایی در متعال دست یافته و در نهایت به خداوند متعال واصل می‌گردد.**

## شرح

مادامی که انسان قادر نباشد از درون طعم شادی و خوشبختی را بچشد چگونه می‌تواند ازفعالیتهای بیرونی که به منظور کسب خوشبختیهای سطحی صورت می‌گیرد دست شوید؟ همانا‌شخص رهایی‌یافته از خوشبختی حقیقی بهره‌مند می‌شود. بنابراین او می‌تواند به آرامی در هرمکانی بنشیند و از فعالیتهای حیات درون لذت برد. چنین شخص رهاشده و رستگاری دیگر فاقد آرزوی شادی بیرونی و دنیوی است. این مرحله را برهما ـ بهوتا می‌خوانند که با رسیدن به آن، انسان از بازگشت به سوی خدا یعنی بازگشت به وطن مطمئن می‌گردد.

## آیه ۲۵

*labhante brahma-nirvāṇam*
*ṛṣayaḥ kṣīṇa-kalmaṣāḥ*
*chinna-dvaidhā yatātmānaḥ*
*sarva-bhūta-hite ratāḥ*

*labhante*: به دست می‌آورند ـ *brahma—nirvāṇam*: رهایی در متعال ـ *ṛṣayaḥ*: آن کسانی که‌دروناً فعال هستند ـ *kṣīṇa—kalmaṣāḥ*: که عاری از هر گونه گناه هستند ـ *chinna*: پاره‌شدن،جدا شدن ـ *dvaidhāḥ*: دوگانگی ـ *yata-ātmānaḥ*: مشغول شده به خودشناسی ـ *sarva-bhūta*: برای تمام موجودات زنده ـ *hite*: در کار خیر ـ *ratāḥ*: مشغول شده.

## ترجمه

**آنان که ورای دوگانگیهای حاصل از شک و تردید قرار دارند، افکارشان متوجه درون است، همواره در جهت خیر و سعادت کلیه موجودات زنده عمل می‌کنند، و از تمام گناهان مبری هستند، به رهایی در متعال می‌رسند.**

## شرح

تنها کسی را که کاملاً در آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، قرار دارد می‌توان گفت که مشغول‌کار خیر برای تمام موجودات زنده است. هنگامی که شخص واقعاً به این دانش واقف شد که کریشناسرچشمه اصلی همه چیز است، و با این روحیه عمل کرد می‌توان گفت که به نفع همه کار می‌کند. رنج بشر به علت غفلت از کریشناست، زیرا انسان خداوند را به عنوان لذت‌برنده متعال، صاحب متعال و دوست متعال به فراموشی سپرده است. بنابراین فعالیت برای احیای این آگاهی در سراسر جامعه بشری، بالاترین خدمت در جهت رفاه و سعادت جامعه محسوب می‌شود. فقط عابد خداوند و کسی که به رهایی در متعال نائل شده باشد می‌تواند به این امر که والاترین است بپردازد، زیرا شخص آگاه به کریشنا شکی درباره متعال بودن خداوند ندارد. او عاری از هر گونه شک و تردید است زیرا کاملاً مبری از هر گونه گناه می‌باشد. این وادی عشق الهی است.
شخصی که فقط مشغول خدمت به مردم در محدوده نیازهای جسمانی آنان است، واقعاً نمی‌تواند به آنها کمک کند. صرفاً جستجوی آسایش موقت فکر و کالبد مادی کافی نیست. علت حقیقی مسائل و مشکلات انسان را در نبرد سخت او برای

زندگی، می‌توان در فراموشی رابطه‌اش با خداوند متعال یافت. وقتی انسان به رابطه‌اش با کریشنا کاملاً آگاهی یابد، در آن صورت یک روح رهاشده است، هرچند در این منزلگاه موقت مادی حضور داشته باشد.

## آیه ۲۶

*kāma-krodha-vimuktānāṁ*
*yatīnāṁ yata-cetasām*
*abhito brahma-nirvāṇaṁ*
*vartate viditātmanām*

***kāma***: از خواسته‌ها ـ ***krodha***: و خشم ـ ***vimuktānām***: مربوط به کسانی که رها شده هستند ـ ***yatīnām***: مربوط به اشخاص مقدس ـ ***yata-cetasām***: که کنترل کامل بر ذهن دارند ـ ***abhitaḥ***: در آینده نزدیک تضمین شده ـ***nirvāṇam***: رهایی در متعال ـ ***vartate***: وجود دارد ـ ***vidita-ātmanām***: مربوط به کسانی که خود شناخته‌اند.

## ترجمه

**کسانی که از خشم و هر گونه خواسته و آرزوی مادی آزاد و حکمران نفس هستند، دائماً به قصد کمال می‌کوشند و به خودشناسی دست یافته‌اند، قطعاً در آینده بسیار نزدیکی به رهایی در متعال می‌رسند.**

## شرح

از میان اشخاص مقدسی که بی‌وقفه برای نیل به رستگاری کمر همت به میان بسته‌اند، کسی که در آگاهی به کریشنا واقع است بهترین محسوب می‌گردد. بهاگاواتام (۳۹/۲۲/۴) این حقیقت را بدین‌گونه تأیید می‌کند:

*yat-pāda-paṅkaja-palāśa-vilāsa-bhaktyā*
*karmāśayaṁ grathitam udgrathayanti santaḥ*
*–tadvan na rikta-matayo yatayo 'pi ruddha*
*sroto-gaṇās tam araṇaṁ bhaja vāsudevam*

"فقط بکوشید، با وقف بودن در خدمت عابدانه، واسودوا یعنی شخصیت اعلای پروردگار را پرستش نمایید؛ زیرا حتی بزرگترین حکما در مقایسه با موفقیت آنهایی که به لذت متعال خدمت به قدوم نیلوفرین خداوند نائل شده‌اند و بدین وسیله خواسته لذت بردن از ثمرات اعمال را که در تمام موجودات زنده وجود دارد از قلب خود ریشه‌کن ساخته‌اند، قادر به تسلط بر حواس خود نیستند."

آرزوی لذت بردن از نتایج و ثمرات کار در ارواح اسیر مادیات آنچنان ریشه عمیق دارد که حتی برای حکمای بزرگ کنترل کردن چنین خواسته‌هایی به رغم جهد سخت و عزم راسخی که به کار می‌بندند بسیار دشوار است. عابد خداوند که دائماً در آگاهی به کریشنا مشغول خدمت عابدانه است و در کمال خودشناسی می‌باشد بی‌درنگ به رهایی و رستگاری در متعال می‌رسد. او به علت معرفت کامل حاصل از واقع بودن در خودشناسی همواره در خلسه است. در این باره به عنوان مثال می‌توان گفت:

*darśana-dhyāna-saṁsparśair*
*matsya-kūrma-vihaṅgamāḥ*
*svāny apatyāni puṣṇanti*
*tathāham api padma-ja*

"ماهیان، لاک‌پشتان و پرندگان فقط با نگاه کردن، تمرکز کردن و تماس داشتن از نوزادان خود نگهداری می‌کنند. من نیز به همین سان عمل می‌کنم، ای پادماجا!"
ماهی فقط با نگاه کردن به نوزادانش، آنان را بزرگ می‌کند و لاک‌پشت با تمرکز بر آنها؛ لاک‌پشت در خشکی تخم می‌گذارد و هنگامی که در آب بسر می‌برد بر آنان تمرکز می‌کند. مشابهاً عابد کریشنا آگاه با اینکه از جایگاه خداوند بسیار دور است، می‌تواند خود را با دائماً فکر کردن به او از طریق خدمت در آگاهی به کریشنا، به آن ملکوت روحانی ارتقاء دهد. بدین ترتیب او ضربات رنجهای مادی را احساس نمی‌کند؛ این مرحله از زندگی برهما ـ نیروانا یا پایان دردهای مادی به علت غرق بودن دائم در متعال خوانده می‌شود.

## آیه ۲۸-۲۷

*sparśān kṛtvā bahir bāhyāṁś*
*cakṣuś caivāntare bhruvoḥ*
*prāṇāpānau samau kṛtvā*
*nāsābhyantara-cāriṇau*

*yatendriya-mano-buddhir*
*munir mokṣa-parāyaṇaḥ*
*vigatecchā-bhaya-krodho*
*yaḥ sadā mukta eva saḥ*

*sparśān*: اشیای جلب کننده حواس یا مفعول حواس مانند صدا ـ *kṛtvā*: نگه‌داشتن ـ *bahiḥ*: بیرونی ـ *bāhyān*: فاقد ضرورت، غیر لازم ـ *cakṣuḥ*: چشمان ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *antare*: بین ـ *bhruvoḥ*: ابروان ـ *prāṇa-apānau*: هوای درون رونده و بیرون رونده ـ *samau*: درتوقف ـ *kṛtvā*: نگه داشتن ـ *nāsa—abhyantara*: در مجاری بینی ـ *cāriṇau*: دمیدن ـ *yata*: کنترل شده ـ *indriya*: حواس ـ *manaḥ*: ذهن ـ *buddhiḥ*: شعور ـ *muniḥ*: حق‌جو ـ *mokṣa*: برای رهایی ـ *parāyaṇaḥ*: چنین مقدر شدن ـ *vigata*: دور انداختن، رها شدن ـ *icchā*: آرزوها ـ *bhaya*: ترس ـ *krodhaḥ*: خشم ـ *yaḥ*: کسی که ـ *sadā*: همواره ـ *muktaḥ*: رها شده ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *saḥ*: او هست.

## ترجمه

**حق‌جویی که هدفش رهایی است با بستن درهای تمام حواس به روی محسوسات، ثابت ومتمرکز نگاه داشتن چشمان و بینایی بین دو ابرو، متوقف کردن هوای درون رونده و بیرون رونده در مجاری بینی، و بدین سان با تسلط بر ذهن، حواس و شعور، از خواسته، ترس و خشم رها می‌گردد. کسی که همواره در این حالت قرار داشته باشد بدون تردید رها شده و رستگار است.**

## شرح

شخص با اشتغال در آگاهی به کریشنا می‌تواند فوراً هویت روحانی خود را درک نماید و آنگاه‌قادر می‌گردد از طریق خدمت عابدانه به شناخت خداوند متعال دست یابد. هنگامی که انسان به درستی در خدمت عابدانه قرار گرفته باشد، به موقعیت روحانی پا می‌نهد و شایستگی می‌یابد که‌حضور خداوند را در حوزه فعالیتهای خود احساس کند. این موقعیت بخصوص، رهایی در متعال خوانده می‌شود.

خداوند بعد از توضیح دادن اصول رهایی در متعال، که در بالا ذکر شد، آرجونا را راهنمایی می‌کند که چگونه انسان می‌تواند با تمرین طریقت تصوف یا یوگا به آن مرحله دست یابد. این‌طریقت یوگا به نام آشتانگا ـ یوگا معروف است و دارای هشت بخش است که یاما، نیاما، آسانا، پرانایاما، پراتیاهارا، دهارانا، دهیانا و سامادهی خوانده می‌شود. از این روش یوگا در انتهای فصل پنجم اجمالاسخن به میان رفته است و در فصل ششم درباره آن به تفصیل توضیح داده خواهد شد. شخص در این طریقت یوگا باید به وسیله روش پراتیاهارا از محسوسات مانند صدا، لمس، شکل، مزه و بو منفک گردد و آنگاه قوه بینایی چشمها را بین دو ابرو نگاه داشته و با چشمهای نیمه‌باز بر نوک بینی تمرکز نماید. زیرا در بستن کامل چشمها امکان به خواب رفتن و در باز نگاه داشتن کامل آنها نیز خطر مجذوب شدن به سوی اشیای جلب‌کننده حواس وجود دارد. شخص با خنثی و بی‌اثر کردن هواهای بالارونده و پایین رونده در بدن، حرکت تنفس را در مجاری بینی محدود و متوقف می‌گرداند و باالنجام این روش یوگا قادر می‌گردد حواس خود را مهار نماید و از توجه به اشیای بیرونی جلب کننده حواس خودداری کند و بدین سان خود را برای رهایی در متعال آماده سازد.

این روش یوگا به شخص کمک می‌کند تا از هر گونه ترس و خشم آزاد گردد و بدین سان حضور روح متعال را در این موقعیت روحانی احساس نماید. همان طور که در فصل بعد به تفصیل توضیح داده خواهد شد آگاهی به کریشنا آسانترین راه برای انجام اصول یوگا است. شخص کریشنا آگاه که همواره به خدمت عابدانه اشتغال دارد هیچگاه حواس خود را جز در خدمت عابدانه خداوند مشغول نمی‌دارد و بدین ترتیب توجه خود را به مخاطره نمی‌افکند. این روش نسبت به آشتانگا ـ یوگا راه بهتری برای مهار کردن حواس است.

## آیه ۲۹

*bhoktāraṁ yajña-tapasāṁ*
*sarva-loka-maheśvaram*
*suhṛdaṁ sarva-bhūtānāṁ*
*jñātvā māṁ śāntim ṛcchati*

*bhoktāram*: بهره‌برنده ـ *yajña*: مربوط به قربانیها ـ *tapasām*: و توبه‌ها و ریاضتها ـ *sarva-loka*: مربوط به تمام سیارات و فرشتگان آن ـ *mahā-īśvaram*: خداوند متعال ـ *su-hṛdam*: حامی و خیرخواه ـ *sarva*: مربوط به همه ـ *bhūtānām*: موجودات زنده ـ *jñātvā*: بدین سان با شناختن ـ *mām*: مرا (خداوند کریشنا) ـ *śāntim*: آسودگی از رنجهای مادی ـ *ṛcchati*: شخص دست می‌یابد به.

## ترجمه

**شخصی که در آگاهی کامل به من واقع شده است و مرا به عنوان بهـره برنـده غـایی از تمـام‌قربانیهـا و ریاضتها، خداوند تمام سیارات و فرشتگان و حامی و خیرخواه تمام موجودات زنده‌می‌شناسد، از رنجهای شـدید مصائب مادی آسوده می‌گردد.**

## شرح

ارواح اسیر مادیات که در چنگال نیروی توهم‌زا واقع هستند همگی مشتاق رسیدن به صلح و آرامش در دنیای مادی‌اند، لیکن آنها از شرایط لازم رسیدن به آن که در این قسمت بهاگاواد-گیتا توضیح داده شده بی‌اطلاع هستند. همانا مهمترین قاعده تحقق صلح و آرامش فقط درک این حقیقت است که خداوند کریشنا مقصود تمامی فعالیتهای بشری است. انسان باید همه چیز

را نثار خدمت روحانی خداوند نماید، زیرا خداست پادشاه و مالک تمام سیارات و فرشتگان آن و هیچکس به‌عظمت پروردگار نیست. شأن پروردگار متعال از بزرگترین فرشتگان، یعنی خداوندگار شیوا و خداوندگار برهما، نیز برتر است، چنانکه در وداها (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۶/۷) حق تعالی بدین گونه توصیف شده است:

*tam īśvarāṇāṁ paramaṁ maheśvaraṁ*

موجودات زنده، تحت افسون توهم مادی، می‌کوشند تا حکمران حیطه خود یا محور جهان گردند، در حالی که در واقع خود آنها تحت سیطره قدرتمند نیروی مادی خداوند قرار دارند.

همانا پروردگار ارباب طبیعت مادی است و ارواح مقید تحت نفوذ قوانین سخت این طبیعت می‌باشند. مادامی که انسان این حقایق مسلم را درک نکرده باشد ممکن نیست که از طریق فردی یاجمعی در این جهان به آرامش نائل آید. مفهوم آگاهی به کریشنا چنین است: خداوند کریشنا، آن قادر و حکمران مطلق است و تمام موجودات زنده به انضمام فرشتگان بزرگ تحت اختیار و اراده اویند. انسان فقط در آگاهی کامل به کریشناست که می‌تواند به صلح و آرامش تام دست یابد.

فصل پنجم توضیحی عملی از کریشنا آگاهی به دست می‌دهد که به عنوان کارما ـ یوگا معروف می‌باشد. در اینجا به این دیدگاه ذهنی که چگونه ممکن است کارما ـ یوگا باعث رهایی و رستگاری گردد، پاسخ گفته شده است. عمل کردن در آگاهی به کریشنا یعنی عمل کردن با شناخت کامل خداوند به عنوان حکمران متعال. در حقیقت عمل کردن با این گونه آگاهی، با دانش متعال متفاوت نیست. کریشنا آگاهی مستقیم همان بهاکتی- یوگا است و گیانا ـ یوگا راهی است که به بهاکتی- یوگا رهنمون می‌شود. آگاهی به کریشنا یعنی کار کردن توأم با شناخت کامل از رابطه خود با حقیقت مطلق و کمال این آگاهی، شناخت کامل کریشنا یا شخصیت اعلای پروردگار است. روح پاک، به عنوان ذره‌ای لاینفک از خداوند، خادم جاودان او است؛ لیکن موجود زنده به علت آرزوی حکمرانی یا خدایی کردن بر مایا، یا طبیعت مادی توهمی، در تماس با آن قرار می‌گیرد و این امر باعث رنجهای بیشماری برای او می‌شود. مادامی که روح در تماس با ماده قرار دارد باید بر حسب نیازهای مادی به‌کار بپردازد. اما کریشنا آگاهی انسان را، حتی در قلمروی ماده، به عرصه زندگی روحانی وارد می‌کند زیرا این راه مسیری برای شکوفایی زندگی روحانی از طریق عمل در دنیای مادی است. هر چقدر انسان در این راه بیشتر پیشرفت کند، بیشتر از چنگال ماده رهایی می‌یابد. خداوند نسبت به هیچکس تمایز قائل نمی‌شود، بلکه هر گونه پیشرفت به همت شخص در اجرای عملی وظایف در کریشنا آگاهی بستگی دارد که این مهم فرد را در مهار کردن حواس و غلبه بر نفوذ خواسته و خشم یاری می‌رساند. و آن کس که با مهار کردن تمایلات فوق‌الذکر به سرعت در آگاهی به کریشنا پابرجا گردد، واقعاً در مرحله روحانی یا برهما ـ نیروانا استوار می‌ماند. طریقت آشتانگا ـ یوگا، به خودی خود، در آگاهی به کریشنا تحقق می‌پذیرد، زیرا مقصود نهایی آشتانگا ـ یوگا در کریشنا آگاهی حاصل می‌شود. در تمرین یاما، نیاما، آسانا، پرانایاما، پراتیاهارا، دهارانا، دهیانا و سامادهی پیشرفتی تدریجی وجود دارد. لیکن اینها تنها مقدمه‌ای بر کمال هستند که از طریق خدمت عابدانه – که به تنهایی قادر است صلح و آرامش را برای انسان به ارمغان آورد – تحقق می‌یابد. خدمت عابدانه بالاترین مرتبه کمال زندگی است.

بدین سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل پنجم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "کارما ـ یوگا یاعمل در کریشنا آگاهی" پایان می‌یابد.

# فصل ششم

# دهیانا ــ یوگا

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*anāśritaḥ karma-phalaṁ*
*kāryaṁ karma karoti yaḥ*
*sa sannyāsī ca yogī ca*
*na niragnir na cākriyaḥ*

*śrī*: خداوند ـ *uvāca*: فرمود___*anāśritaḥ* بدون پناه بردن ـ *karma-phalam*: مربوط به نتیجه کار ـ *kāryam*: الزامی، واجب ـ *karma*: کار ـ *karoti*: انجام می‌دهد ـ *yaḥ*: کسی‌که ـ *saḥ*: او ـ *sannyāsī*: در مرحله انقطاع ـ *ca*: همچنین ـ *yogī*: حق‌جو، عارف ـ *ca*: همچنین ـ *na*: نه ـ *niḥ*: بدون ـ *agniḥ*: آتش ـ *na*: و نه، هم نه ـ *ca*: همچنین ـ *akriyaḥ*: بدون وظیفه.

## ترجمه

**شخصیت اعلای پروردگار فرمود: شخصی که وظایف خود را بدون دلبستگی به نتایج آنها بـا تعهـد کامـل انجام می‌دهد، در مرحله انقطاع واقع است و حق‌جوی واقعی به شمار می‌آید، نه آن‌کس که آتشی برنمی‌افروزد و وظیفه‌ای انجام نمی‌دهد.**

## شرح

در این فصل خداوند توضیح می‌دهد که روش یوگای هشتگانه راهی است برای مهار کردن ذهن و حواس. با این وجود انجام آن برای توده مردم، مخصوصاً در این عصر کالی، بسیار دشوار است. با اینکه در این فصل طریقت هشتگانه یوگا توصیه شده، ولی خداوند تأکید می‌کند که روش کارما ـ یوگا، یا کار در آگاهی به کریشنا، بهتر است. همه در این جهان برای تأمین معاش خانواده و اسباب و لوازم آن می‌کوشند، لیکن هیچ کس بدون در نظر گرفتن منافع کامجویی شخصی، چه به صورت محدود و چه به صورت گسترده آن کار نمی‌کند.

معیار کمال، عمل کردن در آگاهی به کریشنا یا آگاهی به خداوند است، نه نظر داشتن به لذت از نتایج کار. عمل کردن در آگاهی به کریشنا وظیفه اصلی هر موجود زنده است زیرا کلیه آحاد، فطرتاً اجزاء و ذرات لاینفک خداوند متعال هستند. همان گونه که اعضای بدن برای رضایت کل آن کار می‌کنند و نه رضایت خود، به همین ترتیب موجود زنده‌ای که برای رضایت کل متعال فعالیت می‌کند و نه برای ارضای نفس، سانیاسی و یوگی کامل است.

بعضی اوقات سانیاسی‌ها تصور می‌کنند از تمام وظایف مادی رهایی یافته‌اند و از این رو از انجام آگنی‌هوترا یاگیاها (قربانیهای آتش) دست برمی‌دارند؛ ولی در واقع آنان در پی منافع شخصی اند، زیرا هدفشان یکی شدن با برهمن فاقد شخصیت است. باید

در نظر داشت چنین آرزویی والاتر از هر گونه آرزوی مادی است، لیکن عاری از حب نفس نیست. مشابهاً آن یوگی حق‌جویی که با چشمان نیمه‌باز به تمرین این طریقت یوگا می‌پردازد و از کلیه فعالیتهای مادی چشم‌پوشی می‌کند نیز، عمیقاً و باطناً، خواهان ارضای نفس خویش است. اما شخصی که در کریشنا آگاهی عمل می‌کند، بدون کوچکترین انگیزه‌ای برای نفع شخصی فقط به منظور رضایت حقیقت کل کار می‌کند. شخص کریشنا آگاه یا خدا آگاه عاری از هر گونه آرزوی ارضای نفس و معیار او برای موفقیت فقط رضایت کریشناست و بدین سان او سانیاسی کامل یا یوگی کامل به شمار می‌آید؛ چنانکه خداوند چیتانیا، بالاترین و کاملترین اسوه انقطاع، این گونه نیایش می‌کند:

*na dhanaṁ na janaṁ na sundarīṁ*
*kavitāṁ vā jagad-īśa kāmaye*
*mama janmani janmanīśvare*
*bhavatād bhaktir ahaitukī tvayi*

"ای قادر متعال، من از تو ثروت نخواهم و تقرب به حوریان رعنا نجویم، همچنین از تو توقع اعطای مرید ندارم، تنها التماسم توفیق کسب لطف بیکران خدمت عاشقانه‌ات در تولدهای پیاپی است."

## آیه ۲

*yaṁ sannyāsam iti prāhur*
*yogaṁ taṁ viddhi pāṇḍava*
*na hy asannyasta-saṅkalpo*
*yogī bhavati kaścana*

*yam*: آنچه ـ *sannyāsam*: انقطاع ـ *iti*: بدین سان ـ *prāhuḥ*: آنها می‌گویند ـ *yogam*: اتصال با متعال ـ *tam*: آن ـ *viddhi*: باید بدانی ـ *pāṇḍava*: ای پسر پاندو ـ *na*: هرگز ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *asannyasta*: بدون رها کردن ـ *saṅkalpaḥ*: آرزو برای ارضای نفس ـ *yogī*: حق‌جوی اهل تصوف ـ *bhavati*: می‌گردد، می‌شود ـ *kaścana*: هیچکس.

## ترجمه

**ای پسر پاندو، باید دریابی آنچه انقطاع خوانده می‌شود همان یوگا به مفهوم اتصال با متعال است، زیرا هیچکس بی‌آنکه آرزوی ارضای حواس را ترک گفته باشد نمی‌تواند یوگی گردد.**

## شرح

ساسانیا ـ یوگا یا بهاکتی واقعی به مفهوم شناخت موقعیت فطری موجود زنده و عمل بر مبنای آن است. موجود زنده که جزو نیروی حاشیه‌ای خداوند محسوب می‌شود، هویت مستقل مجزایی‌ندارد؛ هنگامی که در اسارت نیروی مادی واقع شود مقید و هنگامی که آگاه به کریشنا، یا آگاه به نیروی روحانی شود، در حالت حقیقی و طبیعی حیات خویش قرار می‌گیرد. بنابراین هنگامی که شخص در دانش کامل واقع گردد هرگونه فعالیت کامجویانه را ترک می‌گوید. این امر را یوگیهایی که حواس خود را برای قطع دلبستگیهای مادی مهار می‌کنند تمرین می‌نمایند. ولی فرد کریشنا آگاه یاخدا آگاه فرصتی برای مشغول کردن حواسش در موضوعی که منظور و مقصود از آن رضایت کریشنا نیست، ندارد. بنابراین او در آن واحد هم سانیاسی و هم یوگی است. هدف دانش و مقصود از جلوگیری و مهار کردن حواس، همان گونه که در روشهای گیانا و یوگا تجویز شده، به خودی خود و به راحتی درکریشنا آگاهی تحقق می‌پذیرد. اگر شخص قادر نباشد خواهشهای نفسانی و فعالیتهای خودخواهانه خود را رها نماید، در این صورت فایده‌ای بر گیانا و یوگا مترتب نخواهد بود. هدف حقیقی در رها کردن کلیه خواسته‌های ارضای نفس،

آماده بودن برای ایجاد رضایت حقیقت متعال است. شخص کریشنا آگاه کاملا عاری از هر گونه خواسته برای لذات حواس است و همواره برای لذت خداوند متعال عمل می‌کند. بنابراین کسی که خداوند را نمی‌شناسد و هیچ گونه اطلاعی از حقیقت متعال ندارد، ناگزیر باید به ارضای نفس اشتغال داشته باشد زیرا هیچ کس نمی‌تواند در حالت سکون و بی‌فعالیتی قرار گیرد. تمام این اهداف کاملا با تمرین کریشنا آگاهی برآورده می‌شود.

## آیه ۳

*āruruksor muner yogaṁ*
*karma kāraṇam ucyate*
*yogārūḍhasya tasyaiva*
*śamaḥ kāraṇam ucyate*

*ārurukṣoḥ*: کسی که تازه یوگا را آغاز کرده است ـ *muneḥ*: مربوط به حکیم ـ *yogam*: طریقت یوگای هشتگانه ـ *karma*: کار ـ *kāraṇam*: وسیله ـ *ucyate*: گفته می‌شود چنین است ـ *yoga*: یوگای هشتگانه ـ *ārūḍhasya*: مربوط به کسی که رسیده است ـ *tasya*: مال او، ش ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *śamaḥ*: توقف تمام فعالیتهای مادی ـ *kāraṇam*: وسیله ـ *ucyate*: گفته می‌شود چنین‌است.

## ترجمه

**گفته می‌شود که برای رهروی مبتدی در طریقت هشتگانه یوگا، کار وسیله است در حالی که بـرای یـوگی کامل، وسیله، باز ایستادن از تمام فعالیتهای مادی است.**

## شرح

طریق اتصال آگاهی فردی به آگاهی متعال یوگا خوانده می‌شود که می‌توان آن را به نردبانی برای رسیدن به بالاترین مرتبه معرفت روحانی تشبیه نمود. پله‌های این نردبان از پایین‌ترین وضعیت مادی موجود زنده شروع می‌شود و تا کمال خودشناسی در زندگی پاک و خالص روحانی ادامه می‌یابد. درجات مختلف این نردبان، بر حسب ارتفاعات گوناگونش، نامگذاری شده است. اما جمعاً کل نردبان یوگا خوانده می‌شود که می‌توان آن را به سه بخش گیانا ـ یوگا، دهیانا ـ یوگا و بهاکتی– یوگا تقسیم کرد. آغاز نردبان یوگاروروکشو (*yogārurukṣu*) و بالاترین پله یوگارودها (*yogārūḍha*) خوانده می‌شود.
درباره یوگای هشتگانه باید گفت تلاشهایی که در آغاز برای ایجاد تمرکز به وسیله اصول تنظیم‌کننده زندگی و آساناهای مختلف یوگا (که کمابیش تمرینات بدنی هستند) صورت می‌گیرد، اعمال مادی ثمرجویانه محسوب می‌شود. کلیه این فعالیتها به دست یافتن به توازن کامل فکری برای کنترل حواس رهنمون می‌شود. هنگامی که انسان به کمال موفقیت در تمرین تمرکز نائل آید، قادر می‌گردد تمام فعالیتهای ذهنی را که ایجاد آشفتگی و اضطراب می‌کند متوقف نماید.
اما شخص آگاه به کریشنا از همان آغاز بر سکوی تمرکز قرار دارد، زیرا همواره به کریشنا می‌اندیشد، و چون دائماً به خدمت کریشنا اشتغال دارد، در زمره کسانی محسوب می‌شود که تمام فعالیتهای مادی را متوقف کرده‌اند.

## آیه ۴

*yadā hi nendriyārtheṣu*
*na karmasv anuṣajjate*
*sarva-saṅkalpa-sannyāsī*

*yogārūḍhas tadocyate*

*yadā*: هنگامی که ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *na*: نه ـ*indriya-artheṣu* : در ارضای حواس ـ *na*: هرگز ـ *karmasu*: در اعمال ثمرجویانه ـ *anuṣajjate*: انسان ضرورتاً مشغول می‌گردد ـ *sarva-saṅkalpa*: مربوط به تمام خواسته‌های مادی ـ *sannyāsī*: شخصی که در مرحله انقطاع است ـ *yoga—ārūḍhaḥ*: پیشرفته در یوگا ـ *tadā*: در آن زمان ـ *ucyate*: گفته می‌شود (چنین) است.

## ترجمه

**هنگامی گفته می‌شود رهرو در یوگا پیشرفته است که با ترک هر گونه خواسته و آرزوی مادی، دیگر نه برای کامجویی کار کند و نه مشغول اعمال ثمرجویانه شود.**

## شرح

وقتی انسان کاملا وقف خدمت عاشقانه روحانی به خداوند شود، در درون خویش احساس رضایت می‌کند و بدین سان دیگر مشغول کامجویی یا فعالیتهای ثمرجویانه نمی‌گردد. اما در غیر این صورت، به علت اینکه انسان نمی‌تواند بدون مشغولیت باشد، ناگزیر به ارضای حواس و کامجویی می‌پردازد. شخص در فقدان آگاهی به کریشنا ناچار است همواره در پی اعمال خودکامه یا فعالیتهای خودخواهانه بسط یافته باشد. در حالی که شخص آگاه به کریشنا قادر است همه چیز را برای رضایت کریشنا انجام دهد و به این طریق کاملا از ارضای تمایلات نفسانی وارسته شود. اما کسی که فاقد این معرفت است اجباراً باید به طور مکانیکی بکوشد از خواسته‌های مادی برهد تا بلکه شاید بتواند به رفیعترین پله نردبان یوگا دست یابد.

## آیه ۵

*uddhared ātmanātmānaṁ*
*nātmānam avasādayet*
*ātmaiva hy ātmano bandhur*
*ātmaiva ripur ātmanaḥ*

*uddharet*: شخص باید رهایی بخشد ـ *ātmanā*: به وسیله ذهن ـ *ātmānam*: روح مقید ـ *na*: هرگز ـ *ātmānam*: روح اسیر مادیات ـ *avasādayet*: در انحطاط بگذارد ـ *ātmā*: ذهن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *hi*: در واقع، در حقیقت ـ *ātmanaḥ*: مربوط به روح مقید ـ *bandhuḥ*: دوست ـ *ātmā*: ذهن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ripuḥ*: دشمن ـ *ātmanaḥ*: مربوط به روح اسیر مادیات.

## ترجمه

**ذهن می‌تواند دوست روح مقید و در عین حال دشمن او نیز باشد. انسان باید از ذهن برای ارتقاء و رهایی خود بهره جوید و نه انحطاط.**

## شرح

واژه آتما بر حسب موقعیتهای مختلف به معانی بدن، ذهن و روح به کار می‌رود. در طریقت یوگا ذهن و روح مقید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آنجا که ذهن محور اصلی تمرینات یوگا است، کاربرد آتما در اینجا به ذهن اشاره دارد. هدف روش

یوگا عبارت است از مهار ذهن وبازپس کشیدن آن از دلبستگی به محسوسات. در اینجا بر این نکته تأکید شده است که ذهن را باید چنان تربیت کرد که بتواند روح مقید را از اسارت منجلاب غفلت رهایی بخشد. طبعاً انسان در زندگی مادی تحت تأثیر ذهن و حواس است و در حقیقت روح منزه، به علت ذهنی که اسیر منیت کاذب شده و می‌خواهد بر طبیعت مادی حکمرانی کند، در دنیای مادی گرفتار شده است. بنابراین، ذهن باید آنچنان تربیت شود که تحت افسون جاذبه‌های پر زرق و برق این عالم خاکی واقع نگردد و بدین طریق روح مقید نجات یابد. انسان نباید خویشتن را، با مجذوب شدن به سوی اشیای جلب کننده حواس، دچار تباهی و تنزل سازد، چرا که هر قدر بیشتر به سوی محسوسات کشیده شود بیشتر گرفتار موجودیت مادی می‌گردد. بهترین راه برای رهایی خویشتن از این اسارت مشغول کردن ذهن در آگاهی به کریشناست. واژه هی (*hi*) در این آیه تأکید بر این موضوع دارد که انسان "باید" این کار را انجام دهد. همچنین گفته شده است:

*mana eva manuṣyāṇāṁ*
*kāraṇaṁ bandha-mokṣayoḥ*
*bandhāya viṣayāsaṅgo*
*muktyai nirviṣayaṁ manaḥ*

"ذهن برای انسان هم می‌تواند علت گرفتاری باشد و هم علت رهایی و رستگاری. همانا ذهن با مجذوب شدن به محسوسات مایه اسارت و با جدا شدن از اشیای جلب کننده حواس علت رهایی است." (آمریتا ـ بیندو اوپانیشاد ۲) بنابراین عالی‌ترین رهایی از طریق مشغول داشتن مداوم ذهن بر آگاهی به کریشنا حاصل می‌شود.

## آیه ۶

*bandhur ātmātmanas tasya*
*yenātmaivātmanā jitaḥ*
*anātmanas tu śatrutve*
*vartetātmaiva śatru-vat*

*bandhuḥ*: دوست ـ *ātmā*: ذهن ـ *ātmanaḥ*: مربوط به موجود زنده ـ *tasya*: مربوط به او ـ *yena*: توسط کسی که ـ *ātmā*: ذهن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ātmanā*: به وسیله موجود زنده ـ *jitaḥ*: غلبه یافته ـ *anātmanaḥ*: مربوط به کسی که در کنترل ذهن ناموفق بوده است ـ *tu*: اما ـ *śatrutve*: به دلیل دشمنی ـ *varteta*: باقی می‌ماند ـ *ātmā eva*: همان ذهن ـ *śatru-vat*: به صورت یک دشمن.

## ترجمه

**برای آن کس که بر ذهن غلبه یافته، ذهن بهترین دوست است؛ لیکن برای آن کس که در این مهم ناموفق بوده است، ذهن بزرگترین دشمن خواهد بود.**

## شرح

هدف از تمرین یوگای هشتگانه مهار کردن ذهن است تا بتوان آن را برای انجام رسالت حیات انسانی دوست خود گرداند. مادامی که ذهن کنترل نشده، تمرین یوگا (برای نمایش) صرفاً اتلاف وقت خواهد بود. کسی که قادر نباشد ذهنش را مهار کند همواره در جوار بزرگترین دشمن، زندگی راسپری می‌سازد و بدین سان حیات انسانی و رسالت او تباه می‌شود. موقعیت نهادی و فطری موجود زنده اجرای اوامر خداوند متعال است؛ مادامی که انسان بر ذهن غلبه نیافته، ناگزیر است در خدمت به تمنیات شهوت، خشم، حرص، توهم و غیره قرار گیرد. اما هنگامی که ذهن مغلوب و مطیع شد، انسان داوطلبانه، طوق بندگی و اطاعت

از فرامین شخصیت اعلای خداوند را که به صورت پاراماتما در قلب همه موجودات حضور دارد، بر گردن می‌نهد. تمرین یوگای حقیقی شامل ملاقات پاراماتمای درون قلب و پیروی از دستورات او می‌باشد. کسی که مستقیماً راه آگاهی به کریشنا را برمی‌گزیند، یعنی مستقیماً وارد کریشنا آگاهی می‌گردد، تسلیم کامل به دستورات خداوند خود به‌خود به دنبال آن می‌آید.

## آیه ۷

*jitātmanaḥ praśāntasya*
*paramātmā samāhitaḥ*
*śītoṣṇa-sukha-duḥkheṣu*
*tathā mānāpamānayoḥ*

*jita-ātmanaḥ*: مربوط به کسی که بر ذهنش غلبه یافته است ـ *praśāntasya*: کسی که با چنین کنترلی بر ذهن به آرامش و آسودگی دست یافته است ـ *parama-ātmā*: روح متعال ـ *samāhitaḥ*: کاملا نائل آمده ـ *śīta*: در سرما ـ *uṣṇa*: گرما ـ *sukha*: سرور و شادی ـ *duḥkheṣu*: و درد و رنج ـ *tathā*: همچنین ـ *māna*: در عزت و احترام ـ *apamānayoḥ*: و بی‌احترامی و بی‌حرمتی.

## ترجمه

**آن کس که بر ذهن غلبه یافته، از آنجا که به آرامش و آسودگی نائل آمده، به روح متعال نیز رسیده است. برای چنین شخصی شادی و رنج، گرما و سرما، احترام و اهانت، همگی یکسان است.**

## شرح

تمام موجودات زنده، بدون استثناء، برای زیستن در اطاعت کامل از شخصیت متعال خداوند که به صورت پاراماتما در قلب آنها جایگزین است، آفریده شده‌اند. انسان زمانی گرفتار فعالیتهای مادی می‌گردد که ذهن از طریق نیروی توهم‌انگیز بیرونی دچار گمراهی شود. از این رو به محض آنکه فکر و ذهن انسان به وسیله یکی از روشهای یوگا کنترل گردد، آن شخص باید به منزله کسی که به مقصد رسیده است تلقی شود. انسان، طبق طبیعت و فطرت خود، باید تحت اوامر برتر زندگی کند و هنگامی که ذهن انسان بر طبیعت برتر متمرکز شود، تنها راه برای او، پیروی از دستورات خداوند متعال است. فکر قطعاً باید نوعی فرمان برتر را قبول و از آن پیروی نماید؛ بدین سبب در صورت مهار ذهن، انسان خود به خود از اوامر پاراماتما یا روح متعال تبعیت خواهد کرد. و اما عابد خداوند، یعنی کسی که در آگاهی به کریشناست، چون بی‌درنگ به این موقعیت روحانی دست می‌یابد، تحت تأثیر دوگانگیهای زندگی مادی نظیر شادی و رنج، سرما و گرما و غیره قرار نمی‌گیرد. این حالت، سامادهی عملی یا جذب شدن در متعال است.

## آیه ۸

*jñāna-vijñāna-tṛptātmā*
*kūṭa-stho vijitendriyaḥ*
*yukta ity ucyate yogī*
*sama-loṣṭrāśma-kāñcanaḥ*

*jñāna*: به وسیله دانش کسب شده ـ *vijñāna*: و دانش درک شده ـ *tṛpta*: راضی شده ـ *ātmā*: یک موجود زنده ـ *kūṭa-sthaḥ*: از نظر روحانی واقع شده ـ *vijita—indriyaḥ*: از نظر امیال نفسانی کنترل شده ـ *yuktaḥ*: شایسته برای

خودشناسی ـ *iti*: بدین سان ـ *ucyate*: گفته شده است ـ *yogī*: عارف ـ*loṣṭra* : متعادل، متوازن ـ *sama*: ریگها ـ *aśma*: سنگ ـ *kāñcanaḥ*: طلا.

## ترجمه

**هنگامی گفته می‌شود شخص در خودشناسی واقع است و یوگی ( عارف) خوانده می‌شود که به برکت تحصیل دانش و رسیدن به معرفت، کاملا در رضایت باشد. چنین شخصی در روحانیت و وادی حقیقت قرار دارد و حکمران نفس خویش است. او به همه چیز - خاک، سنگ یا طلا - به دیده یکسان می‌نگرد.**

## شرح

دانش حاصل از کتب مقدس، بدون درک حقیقت مطلق بی‌فایده است. این امر چنین بیان شده‌است:

*ataḥ śrī-kṛṣṇa-nāmādi*
*na bhaved grāhyam indriyaiḥ*
*sevonmukhe hi jihvādau*
*svayam eva sphuraty adaḥ*

"هیچکس قادر نیست از طریق حواس آلوده مادی خود به درک طبیعت روحانی نام، شکل، صفات و شئون الهی شری کریشنا نایل آید. تنها هنگامی که انسان به وسیله خدمت روحانی خداوند سراپا خلوص معنوی شود راز آنها بر او آشکار می‌گردد."
(بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو ۲۳۴/۲/۱)

بهاگاواد–گیتا علم آگاهی به کریشناست. هیچکس نمی‌تواند صرفاً با تحقیقات و پژوهشهای مادی، خدا آگاه یا کریشنا آگاه گردد. انسان باید چنان خوشبخت باشد که سعادت و توفیق معاشرت با کسی را که در آگاهی پاک و خالص قرار دارد نصیب خود کند. شخص آگاه به کریشنا به لطف کریشنا دانش را درک می‌نماید، زیرا با عبادت عاشقانه و خدمت عابدانه خالص راضی است. باید در نظر داشت که با دانش درک شده، انسان کامل می‌شود. انسان با دانش متعال می‌تواند در ایمانش راسخ و پابرجا باقی بماند، لیکن با دانش حاصل از تحصیلات دانشگاهی، به سادگی می‌تواند با تناقضات ظاهری گیج و گمراه گردد. فقط روح خودشناخته است که واقعاً حکمران نفس می‌باشد، چرا که او به کریشنا سر تسلیم فرود آورده است. همانا او در سطح روحانی واقع است، زیرا معرفتش ارتباطی با تحصیلات و دانش مادی ندارد. برای روح خودشناخته تحقیقات علمی مادی و پندارهای ذهنی یا نظریات فلسفی که شاید ارزش آن برای دیگران در حکم طلا باشد، ارزشی چندان بیشتر از خاک و سنگ ندارد.

## آیه ۹

*suhṛn-mitrāry-udāsīna*
*madhyastha-dveṣya-bandhuṣu*
*sādhuṣv api ca pāpeṣu*
*sama-buddhir viśiṣyate*

*su-hṛt*: به اشخاص ذاتاً خیرخواه ـ *mitra*: حامیان بامحبت ـ *ari*: دشمنان ـ *udāsīna*: بی‌طرفان در بین متخاصمان ـ *madhya-stha*: تمرکزکنندگان در بین متخاصمان ـ *dveṣya*: حسودان ـ *bandhuṣu*: و بستگان یا خیرخواهان ـ *sādhuṣu*: به پرهیزکاران ـ *api*: همچنین ـ *ca*: و ـ *pāpeṣu*: نسبت به گناهکاران ـ *sama-buddhiḥ*: با برخورداری از شعور یکسان ـ *viśiṣyate*: به مراتب پیشرفته است.

**شخص به مراتب پیشرفته‌تر محسوب می‌گردد آن هنگام که همه از جملـه خیرخواهـان صـادق، حامیـان مهربان، بی‌طرفان، تمرکزکنندگان، حسودان، دوستان و دشمنان، پرهیزکاران و گناهکاران را با یک نظر بنگرد.**

## آیه ۱۰

*yogī yuñjīta satatam*
*ātmānaṁ rahasi sthitaḥ*
*ekākī yata-cittātmā*
*nirāśīr aparigrahaḥ*

*yogī*: حق‌جو ـ *yuñjīta*: باید در آگاهی به کریشنا تمرکز کند ـ *satatam*: دائماً ـ *ātmānam* : خود، خویشتن (توسط بدن، ذهن و ذات) ـ *rahasi*: در یک مکان خلوت ـ *sthitaḥ*: واقع شدن ـ *ekākī*: به تنهایی ـ *yata-citta-ātmā*: همواره مراقب به ذهن ـ *nirāśīḥ*: بدون آنکه به وسیله هیچ‌چیز دیگر مجذوب شود ـ *aparigrahaḥ*: آزاد از احساس مالکیت.

## ترجمه

**حق‌جو باید همواره بدن، ذهن و ذات را در ارتباط با متعال مشغول دارد. او باید به تنهایی در مکانی خلـوت زندگی کند و همواره ذهنش را به دقت مهار نماید. او باید آزاد از هر گونه آرزو و احساس مالکیت باشد.**

## شرح

کریشنا در سه وجه مختلف به عنوان برهمن، پاراماتما و شخصیت متعال خداوند شناخته می‌شود. کریشنا آگاهی دقیقاً یعنی مشغول بودن دائم در خدمت عاشقانه روحانی خداوند. با این حال، آن کسانی که مجذوب برهمن فاقد شخصیت و یا روح متعال ساری و جاری (پاراماتما) هستند نیز به طور ناقص کریشنا آگاه می‌باشند زیرا برهمن فاقد شخصیت، تشعشع انوار روحانی ساطع از کریشنا و روح متعال، بسط جزئی همه جا گسترده کریشناست. بدین سان بی‌هویت‌گرایان و تمرکزکنندگان بر پاراماتما نیز به طور غیر مستقیم آگاه به کریشنایند. کسی که مستقیماً آگاه به کریشناست، بالاترین عارف و حق‌جو می‌باشد، زیرا این عابد به مفهوم برهمن یا پاراماتما نیز واقف است. دانش او در مورد حقیقت مطلق، کامل است؛ در حالی که بی‌هویت‌گرایان و آن یوگی که تمرکز می‌کند به طور ناقص کریشنا آگاه هستند.

با این وصف، به همه حق‌جویان در اینجا راهنمایی شده است که با ثبات راه مناسب خود را پیروی کنند تا سرانجام دیر یا زود به بالاترین مرحله کمال دست یابند. اولین وظیفه سالک طریق حقیقت این است که ذهن را همواره بر کریشنا متمرکز نگاه دارد و حتی برای یک لحظه نیز از یاد او غافل نگردد. تمرکز ذهن بر متعال، سامادهی یا جذبه خوانده می‌شود که برای دستیابی به آن باید همواره در خلوت زیست و از مزاحمت موضوعات بیرونی احتراز جست، شرایط مطلوب را پذیرفت و شرایط نامطلوب را که بر ادراک تأثیر می‌گذارد رد کرد و کاملا با عزم راسخ از تلاش برای کسب اشیای مادی غیر ضروری که انسان را اسیر احساس مالکیت می‌سازد اجتناب کرد.

هنگامی تمامی این کمالات و احتیاطات به طور کامل انجام می‌گیرد که انسان مستقیماً در آگاهی به کریشنا قرار داشته باشد، زیرا کریشنا آگاهی مستقیم یعنی همان کف نفس که در آن محلی برای احساس مالکیت مادی وجود ندارد. شریلا روپا گوسوامی، آگاهی به کریشنا را چنین توصیف‌می‌کند:

*anāsaktasya viṣayān*

*yathārham upayuñjataḥ*
*nirbandhaḥ kṛṣṇa-sambandhe*
*yuktaṁ vairāgyam ucyate*

*prāpañcikatayā buddhyā*
*hari-sambandhi-vastunaḥ*
*mumukṣubhiḥ parityāgo*
*vairāgyaṁ phalgu kathyate*

"آن هنگام که انسان به چیزی دلبستگی نداشته باشد و در عین حال همه چیز را در رابطه با کریشنا بپذیرد، به طور صحیح ورای احساس مالکیت قرار گرفته است. از طرف دیگر کسی که هر چیزی را بدون شناخت رابطه آن با کریشنا رد می‌نماید در انقطاع کاملی نیست."

(بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو ۲/۲۵۵-۲۵۶)

شخص آگاه به کریشنا به خوبی می‌داند که همه چیز به کریشنا تعلق دارد و بدین سان همواره عاری از احساس مالکیت شخصی است. بدین ترتیب هیچگاه در آرزوی کسب چیزی برای خویشتن نیست. او می‌داند چگونه آنچه را برای آگاهی به کریشنا مطلوب است بپذیرد و آنچه را برای آگاهی به کریشنا نامطلوب است رد کند. وی همواره در سطحی کاملا روحانی و فراتر از مادیات واقع شده و همواره تنهاست، زیرا با اشخاصی که در آگاهی به کریشنا نیستند کاری ندارد. بنابراین یوگی کامل شخصی است که در آگاهی به کریشنا قرار داشته باشد.

## آیات ۱۲-۱۱

*śucau deśe pratiṣṭhāpya*
*sthiram āsanam ātmanaḥ*
*nāty-ucchritaṁ nāti-nīcaṁ*
*cailājina-kuśottaram*

*tatraikāgraṁ manaḥ kṛtvā*
*yata-cittendriya-kriyaḥ*
*upaviśyāsane yuñjyād*
*yogam ātma-viśuddhaye*

*śucau*: در یک (مکان) مقدس ـ *deśe*: سرزمین ـ *pratiṣṭhāpya*: قرار دادن ـ *sthiram*: استوار، ثابت ـ *āsanam*: نشیمنگاه ـ *ātmanaḥ*: متعلق به خودش ـ *na*: نه ـ *ati*: خیلی ـ *ucchritam*: بالا ـ *na*: و نه، هم نه ـ *ati*: خیلی ـ *nīcam*: پایین ـ*caila—ajina*: مربوط به پارچه نرم و پوست آهو ـ *kuśa*: و علف کوشا ـ *uttaram*: پوشاندن ـ *tatra*: پس از آن ـ *eka—agram*: با یک توجه ـ *manaḥ*: ذهن ـ *kṛtvā*: ساختن ـ *yata-citta*: کنترل کردن ذهن ـ *indriya*: حواس ـ *kriyaḥ*: و اعمال ـ *upaviśya*: نشستن ـ *āsane*: روی نشیمنگاه ـ *yuñjyāt*: باید انجام دهد ـ *yogam*: تمرین یوگا ـ *ātma*: قلب ـ *viśuddhaye*: برای تصفیه کردن.

### ترجمه

**برای تمرین یوگا، انسان باید به محلی خلوت برود، علف کوشا روی زمین پهن کند و سپس‌روی آن را با پوست آهو و پارچه‌ای نرم بپوشاند. این نشیمنگاه نباید چندان مرتفع یا پایین باشد وهمچنین باید در مکانی مقدس واقع شده باشد. آنگاه یوگی باید کاملا راست و استوار بر آن بنشیندو به تمرین یوگا به منظور تزکیه قلب - از طریق کنترل کردن ذهن، حواس و اعمال و ثابت نگاه‌داشتن فکر بر یک نقطه - بپردازد.**

## شرح

"مکان مقدس" عطف به مکانهای زیارتی است. در هندوستان یوگیها، حق‌جویان یا عابدان همگی خانه را ترک گفته و در مکانهای مقدس مانند پرایاگا، ماتهورا، وریندااوانا، هریشی‌کشا و هاردوار زندگی می‌نمایند و بدین ترتیب در جایی که رودخانه‌های مقدس مانند یامونا یا گنگ جریان دارد در گوشه‌ای خلوت به تمرین یوگا می‌پردازند. ولی این کار برای عموم و مخصوصاً برای غربیان امکان‌پذیر نیست. شاید این انجمنهای به اصطلاح یوگا در شهرهای بزرگ از نظر کسب منافع مادی موفق باشند، لیکن به هیچ وجه برای تمرین واقعی یوگا شایسته نیستند. کسی که حاکم بر نفس نیست و فکرش آرامش ندارد نمی‌تواند تمرکز کند. بنابراین در بریهان ـ نارادیا پورانا گفته شده است در کالی ـ یوگا (عصری که اکنون در آن هستیم)، برای عموم مردم که عمری کوتاه دارند و در فهم معرفت روحانی سست می‌باشند و دائماً با نگرانیها و اضطرابات گوناگون ناراحت و آشفته‌اند، بهترین راه معرفت روحانی، ذکر نام مقدس خداوند است.

*harer nāma harer nāma*
*harer nāmaiva kevalam*
*kalau nāsty eva nāsty eva*
*nāsty eva gatir anyathā*

"در این عصر نزاع و تزویر، تنها راه نجات ذکر نام مقدس خداوند است و هیچ راه دیگری وجود ندارد، هیچ راه دیگری وجود ندارد، هیچ راه دیگری وجود ندارد."

## آیات ۱۴-۱۳

*samaṁ kāya-śiro-grīvaṁ*
*dhārayann acalaṁ sthiraḥ*
*samprekṣya nāsikāgraṁ svaṁ*
*diśaś cānavalokayan*

*praśāntātmā vigata-bhīr*
*brahmacāri-vrate sthitaḥ*
*manaḥ saṁyamya mac-citto*
*yukta āsīta mat-paraḥ*

*samam*: راست، مستقیم ـ *kāya*: بدن ـ *śiraḥ*: سر ـ *grīvam*: و گردن ـ *dhārayan*: نگه داشتن ـ *acalam*: بدون حرکت ـ *sthiraḥ*: آرام و بی‌حرکت ـ *samprekṣya*: خیره شدن ـ *nāsikā*: مربوط به بینی ـ *agram*: به نوک ـ *svam*: مال خود ـ *diśaḥ*: به تمام جوانب ـ *ca*: همچنین ـ *anavalokayan*: خیره نشدن، نگاه نکردن ـ *praśānta*: بدون آشفتگی، بدون تشویش ـ *ātmā*: ذهن ـ *vigata—bhīḥ*: عاری از ترس ـ *brahmacāri—vrate*: در سوگند تجرد ـ *sthitaḥ*: واقع

شده ـ *manaḥ*: ذهن ـ *saṁyamya*: کاملا مطیع ـ *mat*: بر من (کریشنا) ـ *cittaḥ*: تمرکز ذهن ـ *yuktaḥ*: یوگی حقیقی ـ *āsīta*: باید بنشیند ـ *mat*: به من، مرا ـ *paraḥ*: هدف نهایی.

## ترجمه

**انسان باید با بدن، گردن و سر صاف، نگاه ثابت و خیره به نوک بینی، با فکری مطیع و بدون تشویش، عاری از ترس، و کاملا رها از رابطه جنسی، در درون قلب بر من تمرکز نماید و مرا هدف نهایی زندگیش قرار دهد.**

## شرح

هدف زندگی شناخت کریشناست که درون قلب هر موجود زنده به صورت پاراماتما، یعنی شکل متعال ویشنوی چهار دست، قرار دارد. یوگا برای مکاشفه و مشاهده این فرم همه جا گسترده ویشنو و نه برای مقصود دیگری انجام می‌شود. ویشنو ـ مورتی همه جا گسترده، تمثال کامل کریشناست که درون قلب هر موجود زنده سکنی دارد و کسی که انگیزه‌ای برای درک ویشنو ـ مورتی نداشته باشد، بی‌فایده مشغول انجام یوگای مصنوعی است و مسلماً وقت خود را تلف می‌کند. کریشنا هدف نهایی زندگی است و ویشنو ـ مورتی که درون قلب هر موجود زنده قرار دارد هدف تمرین یوگا می‌باشد. انسان برای شناخت ویشنو ـ مورتی درون قلب باید از روابط جنسی کاملا پرهیز نماید؛ بنابراین باید خانه را ترک گوید و به تنهایی در مکانی خلوت زندگی کند و همان گونه که در بالا ذکر شد بنشیند. انسان با پرداختن روزانه به لذایذ جنسی در خانه و مکانهای دیگر و بدون رعایت قواعد کف نفس و فقط به صرف شرکت در کلاسهای به اصطلاح یوگا نمی‌تواند تبدیل به یوگی گردد. او باید به تمرین مهار کردن ذهن بپردازد و از انواع کامجوییهای حواس که بالاترینشان رابطه جنسی است اجتناب کند. در قواعد تجرد که به وسیله حکیم بزرگ یاگیاوالکیا نوشته شده، آمده است:

*karmaṇā manasā vācā*
*sarvāvasthāsu sarvadā*
*sarvatra maithuna-tyāgo*
*brahmacaryaṁ pracakṣate*

"مراد از سوگند برهما چاریا آن است که انسان را یاری رساند تا کاملا از پرداختن به رابطه جنسی در عمل، کلام و فکر، در تمام اوقات، در تمام شرایط و در همه جا خودداری کند." هیچکس نمی‌تواند با وجود رابطه جنسی به تمرین صحیح یوگا نیز بپردازد. بنابراین زندگی برهماچاریا از همان دوران کودکی که انسان اطلاعی از روابط جنسی ندارد تعلیم داده می‌شود. کودکان از سن پنج سالگی به گورو ـ کولا یا مکان پیر روحانی فرستاده می‌شوند و استاد انضباط دقیق و شایسته یک برهماچاری را به آنان می‌آموزد که بدون آن هیچکس در هیچ روش یوگایی، اعم از دهیانا، گیانا یا بهاکتی، قادر به پیشرفت نیست. ولی با این وصف کسی که از قواعد و قوانین زندگی تأهل متابعت کند و تنها باهمسر خویش، طبق قواعد خاصی، رابطه جنسی محدود داشته باشد نیز برهماچاری خوانده می‌شود. مکتب بهاکتی این گونه برهماچاری متأهل را به رسمیت می‌شناسد، ولی مکاتب گیانا و دهیانا حتی متأهلان برهماچاری را نیز قبول نمی‌کنند. آنها امساک و خودداری کامل را لازم می‌دانند و هیچ گونه سازشی را نمی‌پذیرند. در مکتب بهاکتی به متأهل برهماچاری اجازه داده می‌شود که رابطه جنسی محدود و مهار شده‌ای داشته باشد، زیرا آیین بهاکتی- یوگا به قدری نیرومند است که انسان به دلیل وقف بودن در خدمت روحانی خداوند به خودی خود کشش برای رابطه جنسی را از دست می‌دهد. در بهاگاواد-گیتا (۲/۵۹) گفته شده است:

*viṣayā vinivartante*

*nirāhārasya dehinaḥ*
*rasa-varjaṁ raso 'py asya*
*paraṁ dṛṣṭvā nivartate*

در حالی که دیگران مجبورند خود را از کامجویی بازدارند، عابد خداوند، خود به خود، به علت چشیدن مزه بالاتر است که به کف نفس می‌پردازد. به جز عابدان و خالصان هیچکس دیگری از آن مزه بالاتر آگاهی ندارد.

به غیر از سوگند تجرد، یوگی باید قاعده دیگری را رعایت کند و آن ویگاتا ـ بهیه و یا "بدون ترس" بودن است. انسان نمی‌تواند فاقد ترس یا بدون واهمه باشد، مگر آنکه کاملا در آگاهی به کریشنا قرار گیرد. وجود ترس در روح مقید به علت یاد بردن خاطره ازلی یعنی فراموش نمودن رابطه جاودانش با کریشناست. بهاگاواتام (۱۱/۲/۳۷) می‌فرماید:

*bhayaṁ dvitīyābhiniveśataḥ syād īśād apetasya viparyayo 'smṛtiḥ*

آگاهی به کریشنا تنها وسیله‌ای است که از طریق آن امکان رهایی از بیم و ترس وجود دارد. بنابراین انجام کامل یوگا فقط برای کسی که آگاه به کریشناست امکان دارد. و از آنجا که هدف نهایی یوگا مشاهده خداوند درون است، شخص آگاه به کریشنا بهترین در میان تمام یوگیها می‌باشد. به هر تقدیر، اصول طریقت یوگا که در اینجا از آن سخن به میان رفت با اصول انجمنهای معروف به اصطلاح یوگا تفاوت بارز دارد.

## آیه ۱۵

*yuñjann evaṁ sadātmānaṁ*
*yogī niyata-mānasaḥ*
*śāntiṁ nirvāṇa-paramāṁ*
*mat-saṁsthām adhigacchati*

*yuñjan*: تمرین کردن ـ *evam*: چنانکه در فوق ذکر شد ـ *sadā*: دائماً ـ *ātmānam*: بدن، ذهن و روح ـ *yogī*: حق‌جو ـ *niyata-mānasaḥ*: با ذهنی نظم یافته ـ *śāntim*: صلح و آرامش ـ *nirvāṇa-paramām*: پایان موجودیت مادی ـ *mat—saṁsthām*: آسمان روحانی (ملکوت خداوند) ـ *adhigacchati*: می‌رسد.

## ترجمه

**بدین ترتیب حق‌جویی که با مهار نمودن دائم بدن، ذهن و اعمال، فکرش نظم یافته، با پایان یافتن موجودیت مادی به ملکوت خداوند (یا قلمروی کریشنا) دست می‌یابد.**

## شرح

در این آیه هدف نهایی یوگا به روشنی توضیح داده شده است. تمرین یوگا برای کسب هیچ گونه امکانات، تسهیلات یا دستاوردهای مادی نیست بلکه برای پایان بخشیدن کامل به موجودیت مادی است. بر اساس بهاگاواد-گیتا کسی که خواهان به دست آوردن سلامتی و یا جویای کرامات مادی است یوگی به شمار نمی‌آید. همچنین پایان بخشیدن به موجودیت مادی نیز به معنای وارد شدن به خلا – که خود این موضوع افسانه‌ای بیش نیست – نمی‌باشد. هیچ گونه خلئی در هیچیک از نقاط آفرینش خداوند وجود ندارد. بلکه پایان بخشیدن به موجودیت مادی، شخص را قادر می‌سازد که پابه عرصه آسمان روحانی یعنی جایگاه عالی خداوند بگذارد. ملکوت خداوند نیز به وضوح در بهاگاواد-گیتا به عنوان مکانی که هیچ احتیاجی به نور خورشید، ماه یا الکتریسیته ندارد توصیف شده است، زیرا تمام سیارات آسمان روحانی همچون خورشید آسمان دنیای مادی، بالذات درخشان و نورانی‌اند. باید دانست که تمام نقاط هستی، جایگاه خداوند است، اما آسمان روحانی و سیارات آن، پارام دهاما

یا مکانهای اعلی خوانده می‌شود. یوگی کامل که به کمال معرفت در شناخت خداوند کریشنا رسیده، همان گونه که در اینجا از طرف خود خداوند نیز به طرز واضحی بیان شده است (مات ـ چیتا، مات ـ پارا، مات ـ استهانام)، می‌تواند به صلح و آرامش حقیقی دست یابد و در نهایت به منزلگاه متعال پروردگار، یعنی کریشنالوکا معروف به گولوکا ورینداوانا، واصل گردد. در برهما ـ سامهیتا (۳۷/۵) به روشنی بیان شده است:

*goloka eva nivasaty akhilātma-bhūtaḥ*

شخصیت مطلق خداوند هرچند همواره در منزلگاه متعال خویش به نام گولوکا بسر می‌برد، به‌قدرت نیروهای برتر و روحانی خویش، به صورت برهمن در تمام جهان آفرینش مادی و روحانی، و به صورت پاراماتما در قلب تمامی موجودات زنده و ذرات آفرینش مادی منتشر گردیده‌است. هیچکس نمی‌تواند بدون درک صحیح کریشنا و بسط کامل او یعنی ویشنو، به آسمان روحانی (وایکونتها) واصل گردد و یا به منزلگاه جاودان خداوند (گولوکا ورینداوانا) وارد گردد. بنابراین شخصی که در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند، یوگی کامل است، زیرا فکرش همواره معطوف و مجذوب فعالیتهای مربوط به کریشناست.

*sa vai manaḥ kṛṣṇa-pādāravindayoḥ*

وداها (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۸/۳) نیز به ما می‌آموزد:

*tam eva viditvāti mṛtyum eti*

"انسان تنها با معرفت به کریشنا، شخصیت متعال خداوند، قادر می‌گردد بر دایره تولد و مرگ فائق آید." به عبارت دیگر، کمال طریقت یوگا نیل به رهایی از موجودیت مادی است و نه کرامات خارق‌العاده یا انجام حرکات مشکل ورزشی برای فریفتن مردم معصوم.

## آیه ۱۶

*nāty-aśnatas 'tu yogo 'sti*
*na caikāntam anaśnataḥ*
*na cāti-svapna-śīlasya*
*jāgrato naiva cārjuna*

*na*: هرگز ـ *ati*: بسیار زیاد ـ *aśnataḥ*: مربوط به کسی که می‌خورد ـ *tu*: ولی ـ *yogaḥ*: اتصال‌با متعال ـ *asti*: وجود دارد ـ *na*: و نه، هم نه ـ *ca*: همچنین ـ *ekāntam*: بیش از اندازه ـ *anaśnataḥ*: خودداری از خوردن ـ *na*: و نه، هم نه ـ *ca*: همچنین ـ *ati*: خیلی زیاد ـ *svapna-śīlasya*: مربوط به کسی که می‌خوابد ـ *jāgrataḥ*: یا کسی که بسیاری از شب را به بیداری سپری می‌کند ـ *na* : نه ـ *eva*: هر گاه ـ *ca*:و ـ *arjuna*: ای آرجونا.

## ترجمه

**ای آرجونا، به هیچ وجه ممکن نیست کسی یوگی گردد چنانچه خیلی زیاد یا خیلی کم بخورد، و همچنین خیلی زیاد یا به میزان ناکافی بخوابد.**

## شرح

در اینجا نظم و تعادل در آداب خواب و خوراک به یوگیها توصیه شده است. زیاد از حد خوردن، یعنی بیش از آنچه برای نگاه داشتن بدن و روح در کنار یکدیگر لازم است، طعام برگیریم. همچنین هیچ نیازی نیست که انسان از حیوانات تغذیه کند، زیرا به اندازه کافی حبوبات، سبزیجات، میوه و شیر یافت می‌شود. طبق بهاگاواد-گیتا چنین خوراکهای ساده‌ای در گونه نیکی

طبیعت قرار دارد، لیکن خوراک حیوانی برای کسانی است که در گونه جهل و غفلت هستند. بنابراین کسانی که به خوردن طعام حیوانی، استفاده از مسکرات و خوردن غذایی که ابتدا به پیشگاه خداوند تقدیم نشده است مبادرت می‌ورزند، به علت اینکه فقط از طعام آلوده تناول می‌کنند، متحمل بازتاب گناهان خود خواهند شد و رنج خواهند برد.

*Bhuñjate te tv aghaṁ pāpā ye pacanty ātma-kāraṇāt*

کسی که برای لذت حواس طعام برمی‌گیرد، برای خود طبخ می‌کند و آن را به کریشنا تقدیم نمی‌نماید، فقط گناه تناول می‌کند. چگونه کسی که گناه تناول می‌کند و بیش از آنچه سهم و قسمت اوست طعام برمی‌گیرد می‌تواند یوگای صحیح و کامل انجام دهد؟ بهترین حالت آن است که انسان‌تنها باقیمانده خوراکی را که به پیشگاه خداوند کریشنا تقدیم شده است برگیرد. شخصی که در آگاهی به کریشناست، چیزی را که نخست به خداوند تقدیم نشده است نمی‌خورد. بنابراین فقط شخص آگاه به کریشنا می‌تواند در تمرین یوگا به کمال برسد. مشابهاً کسی که مصنوعاً از خوردن امتناع می‌کند و با ابداع شیوه‌های خودساخته روزه می‌گیرد نیز قادر به انجام یوگا نیست. شخص آگاه به کریشنا به همان صورت که در کتب آسمانی توصیه شده روزه می‌گیرد. او بیش از آنچه لازم است نه روزه می‌گیرد و نه غذا می‌خورد و بدین ترتیب صلاحیت و شایستگی لازم برای انجام یوگا را داراست. کسی که بیش از نیاز لازم می‌خورد در خواب هم زیاد رؤیا می‌بیند و در نتیجه ناگزیر است بیش از مقدار لازم بخوابد. شش ساعت خواب در شبانه‌روز برای انسان کافی است و کسی که بیش از این بخوابد تحت نفوذ گونه جهل قرار دارد. شخصی که در گونه جهل و غفلت باشد علاوه بر اینکه تمایل زیادی به خوابیدن دارد تنبل هم هست و چنین شخصی قادر به انجام یوگا نیست.

## آیه ۱۷

*yuktāhāra-vihārasya*
*yukta-ceṣṭasya karmasu*
*yukta-svapnāvabodhasya*
*yogo bhavati duḥkha-hā*

*yukta*: نظم یافته و تعادل یافته ـ *āhāra*: خوردن ـ *vihārasya*: تفریح ـ *yukta*: نظم یافته ـ *ceṣṭasya*: مربوط به کسی که برای بقاء کار می‌کند ـ *karmasu*: در انجام وظایف ـ *yukta*: تعادل یافته ـ *svapna-avabodhasya*: خواب و بیداری ـ *yogaḥ*: تمرین یوگا ـ *bhavati*: می‌گردد ـ *duḥkha—hā*: کاهش یافتن دردها.

## ترجمه

**کسی که بتواند نظم و تعادل را در خوردن، خوابیدن، کار و تفریح حفظ کند، قادر خواهد بود با انجام یوگا تمام دردهای مادی را فرو بنشاند.**

## شرح

افراط در خوردن، خوابیدن، دفاع و رابطه جنسی که تمایلات و خواسته‌های بدن هستند، می‌تواند مانع پیشرفت در تمرین یوگا گردد. درباره خوردن باید گفت تنها هنگامی تنظیم می‌شود که انسان به برگرفتن و پذیرفتن پراسادام، یعنی طعام مقدس، مبادرت ورزد. طبق بهاگاواد–گیتا (۲۶/۹)، سبزیجات، حبوبات و غلات، شیر، گل، میوه و غیره را می‌توان به خداوند کریشنا تقدیم کرد. به این ترتیب شخصی که در آگاهی به کریشناست به خودی خود تعلیم می‌یابد که به طعامی که برای مصرف انسان و یا به عبارت دیگر در گونه نیکی نیست دست نبرد. تا آنجا که به خوابیدن مربوط می‌شود، شخص آگاه به کریشنا

همواره در انجام وظایفش هوشیار و بیدار است، و بنابراین هر زمانی که بدون لزوم صرف خوابیدن شود خسرانی بزرگ محسوب می‌گردد. آویارتها ـ کالاتوام: شخص آگاه به کریشنا نمی‌تواند تحمل کند که لحظه‌ای از زندگیش بدون وقف شدن در خدمت و طاعت خداوند سپری شود. بنابراین خوابیدن وی به حداقل تقلیل می‌یابد. برای او کمال مطلوب و شخصیت ایده‌آل حضرت روپا گوسوامی است که همواره در خدمت کریشنا بود و نمی‌توانست بیش از دو ساعت در شبانه‌روز بخوابد و گاهی اوقات حتی از آن نیز صرف نظر می‌کرد. حضرت تهاکورا هاری‌داسا نیز قبل از انجام دادن برنامه روزانه‌اش که ذکر سیصد هزار بار نام مقدس پروردگار بر تسبیح بود پراسادام را قبول نمی‌کرد و یک لحظه نیز نمی‌خوابید. و اما در مورد کار، تمام اعمال عابد فقط برای رضایت کریشنا انجام می‌شود و بدین سبب کار او همواره در نظم و اعتدال است و کمترین اثری از ارضای تمایلات نفسانی در آن نیست. بنابراین چون برای شخص کریشنا آگاه مسأله کامجویی مطرح نیست، هیچ گونه فرصت آسودگی دنیوی یا فراغت مادی نیز وجود ندارد. و از آنجا که او در اعمال، گفتار، خواب، بیداری و تمامی فعالیتهای جسمانی دیگرش منظم و معتدل است، رنج مادی برایش پیش نمی‌آید.

## آیه ۱۸

*yadā viniyataṁ cittam*
*ātmany evāvatiṣṭhate*
*nispṛhaḥ sarva-kāmebhyo*
*yukta ity ucyate tadā*

*yadā*: هنگامی که ـ *viniyatam*: مخصوصاً تربیت شده ـ *cittam*: ذهن و فعالیتهایش ـ *ātmani*: در متعال ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *avatiṣṭhate*: واقع می‌گردد ـ *nispṛhaḥ*: عاری از خواسته و آرزو ـ *sarva*: برای تمام انواع ـ *kāmebhyaḥ*: ارضای حواس مادی ـ *yuktaḥ*: درست واقع گردیده در یوگا ـ *iti*: بدین سان ـ *ucyate*: گفته شده چنین است ـ *tadā*: در آن زمان.

## ترجمه

**آن هنگام که یوگی، با تمرین یوگا، فعالیتهای ذهنیش را تربیت نماید و در وادی حقیقت متعال عاری از هر گونه آرزوی مادی – قرار گیرد، گفته می‌شود کاملا در یوگا استوار شده است.**

## شرح

تمایز فعالیتهای یک یوگی از فعالیتهای یک شخص عادی در این خلاصه می‌شود که یوگی به هرگونه خواسته و آرزوی مادی (که بالاترین آنها رابطه جنسی است) پایان بخشیده است. فعالیتهای ذهنی یوگی کامل آنچنان درست تربیت شده که دیگر با هیچ گونه آرزوی مادی آشفته نمی‌گردد. برای اشخاصی که در آگاهی به کریشنا هستند، نیل به این مرحله کمال خود به خود قابل حصول است، همان گونه که در شریماد- بهاگاواتام (۱۸/۴/۹–۲۰) بیان شده است:

*sa vai manaḥ kṛṣṇa-padāravindayor*
*vacāṁsi vaikuṇṭha-guṇānuvarṇane*
*karau harer mandira-mārjanādiṣu*
*śrutiṁ cakārācyuta-sat-kathodaye*

*mukunda-liṅgālaya-darśane dṛśau*
*tad-bhṛtya-gātra-sparśe 'ṅga-saṅgamam*

*ghrāṇaṁ ca tat-pāda-saroja-saurabhe*
*śrīmat-tulasyā rasanāṁ tad-arpite*

*pādau hareḥ kṣetra-padānusarpaṇe*
*śiro hṛṣīkeśa-padābhivandane*
*kāmaṁ ca dāsye na tu kāma-kāmyayā*
*yathottama-śloka-janāśrayā ratiḥ*

"پادشاه آمباریشا نخست فکرش را بر قدوم نیلوفرین خداوند کریشنا معطوف کرد؛ سپس کلامش را به توصیف صفات روحانی خداوند مشغول نمود، آنگاه دستهایش را برای پاک کردن معبد خداوند، گوشهایش را برای استماع فعالیتهای خداوند، چشمان خود را برای نگریستن به شکل جاودان خداوند، بدن خود را برای لمس کردن و مسح کردن بدن عابدان، بینی خود را برای بوییدن رایحه گلهای تقدیم شده به قدوم نیلوفرین خداوند، زبان خود را برای چشیدن برگهای تولاسی اهدا شده به شخصیت پروردگار، پاهای خود را برای رفتن به زیارتگاهها و معابد خداوند، سر خود را برای سجده به خداوند، و آرزوهای خود را در اجرای مأموریتهای احاله شده از طرف خداوند به کار گرفت. تمام این فعالیتهای روحانی شایسته عابد پاک خداوند است."

شاید از دیدگاه عقلایی، اعمال و حرکات فوق، برای بی‌هویت‌گرایان عملی نباشد، لیکن برای شخصی که در آگاهی به کریشناست، چنانکه از توصیف بالا درباره اعمال ماهاراجا آمباریشا مشهود است، بسیار آسان و شدنی است. باید دانست مادامی که فکر دائماً بر قدوم مقدس خداوند متمرکز نباشد، انجام چنین فعالیتهای روحانی عملی نیست. در خدمت عابدانه خداوند این گونه فعالیتهای تجویز شده، آرچانا یا مشغول نمودن تمام حواس در خدمت به خداوند خوانده می‌شود. از آنجا که ذهن و حواس احتیاج به مشغولیت و فعالیت دارند، تنها خودداری نمودن و کف نفس، عملی نیست. بنابراین برای عموم مردم مخصوصاً برای کسانی که در مرحله انقطاع نیستند، اشتغال روحانی ذهن و حواس به نحوی که در بالا توصیف شد، همانا روش صحیح و کامل پیشرفت روحانی می‌باشد که در بهاگاواد-گیتا با واژه یوکتا از آن یاد شده است.

## آیه ۱۹

*yathā dīpo nivāta-stho*
*neṅgate sopamā smṛtā*
*yogino yata-cittasya*
*yuñjato yogam ātmanaḥ*

*yathā*: همچنانکه ـ *dīpaḥ*: چراغ شعله‌دار ـ *nivāta-sthaḥ*: در مکانی بدون باد ـ *na*: علامت نفی فعل ـ *iṅgate*: می‌لرزد ـ *sā*: این ـ *upamā*: مقایسه ـ *smṛtā*: در نظر گرفته می‌شود ـ *yoginaḥ*: مربوط به یوگی ـ *yata-cittasya*: که ذهنش مهار شده است ـ *yuñjataḥ*: دائماً مشغول شده ـ *yogam*: در تمرکز ـ *ātmanaḥ*: بر متعال.

## ترجمه

**تمرکز آن حق‌جویی که حکمران ذهن خود باشد، همواره بر ذات متعال ثابت و استوار می‌ماند، همانند شعله‌ای که دور از باد دچار لرزش نمی‌گردد.**

## شرح

شخص کریشنا آگاه حقیقی که همواره مجذوب حقیقت متعال و در تمرکز لاینقطع و دائم بر پروردگار معبودش می‌باشد، به سان شعله‌ای ثابت و بدون لرزش در مکانی بدون باد است.

## آیات ۲۳-۲۰

*yatroparamate cittaṁ*
*niruddhaṁ yoga-sevayā*
*yatra caivātmanātmānaṁ*
*paśyann ātmani tuṣyati*

*sukham ātyantikaṁ yat tad*
*buddhi-grāhyam atīndriyam*
*vetti yatra na caivāyaṁ*
*sthitaś calati tattvataḥ*

*yaṁ labdhvā cāparaṁ lābhaṁ*
*manyate nādhikaṁ tataḥ*
*yasmin sthito na duḥkhena*
*guruṇāpi vicālyate*

*taṁ vidyād duḥkha-saṁyoga*
*viyogaṁ yoga-saṁjñitam*

*yatra*: در آن مرحله از امور جایی که ـ *uparamate*: متوقف می‌گردد (زیرا شخص شعف روحانی احساس می‌کند) ـ *cittam*: فعالیتهای ذهنی ـ *niruddham*: بازداشته شدن از ماده ـ *yoga-sevayā*: به وسیله انجام یوگا ـ *yatra*: که در آن ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ātmanā*: به وسیله ذهن پاک ـ *ātmānam*: ذات ـ *paśyan*: شناخت موقعیت ـ *ātmani*: در ذات ـ *tuṣyati*: شخص راضی می‌گردد ـ *sukham*: شادی و شعف ـ *ātyantikam*: والا و متعال ـ *yat*: که ـ *tat*: آن ـ *buddhi*: به وسیله شعور ـ *grāhyam*: دست یافتنی ـ *atīndriyam*: متعال ـ *vetti*: شخص می‌داند ـ *yatra*: که در آن ـ *na*: هرگز ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ayam*: او ـ *sthitaḥ*: واقع شده ـ *calati*: حرکت می‌کند، تغییر مکان می‌دهد ـ *tattvataḥ*: از حقیقت ـ *yam*: آن که ـ *labdhvā*: به وسیله حصول ـ *ca*: همچنین ـ *aparam*: هر چیز دیگر ـ *lābham*: دستاورد ـ *manyate*: در نظر می‌گیرد ـ *na*: هرگز ـ *adhikam*: بیشتر ـ *tataḥ*: از آن ـ *yasmin*: در آن که ـ *sthitaḥ*: واقع شدن ـ *na*: هرگز ـ *duḥkhena*: به وسیله رنجها ـ *guruṇā api*: حتی اگرچه بسیار مشکل ـ *vicālyate*: متزلزل می‌گردد ـ *tam*: آن ـ *vidyāt*: تو باید بدانی ـ *duḥkha-saṁyoga*: مربوط به رنجهایی که از تماس مادی پدید می‌آید ـ *viyogam*: زدودن، ریشه‌کنی ـ *yoga-saṁjñitam*: خلسه در یوگا خوانده شده.

## ترجمه

**ذهن انسان در مرحله کمال که جذبه یا سامادهی خوانده می‌شود، از طریق تمرین یوگا کاملا از فعالیتهای مادی منفک می‌گردد. این مرحله کمال زمانی فرا می‌رسد که شخص قادر گردد ذات را از طریق ذهن پاک ببیند و لذت و شادمانی را در آن بیابد. انسان در چنین حالت پر سروری، از طریق حواس روحانی (حواس پاک شده)**

**خود به خوشبختی روحانی بیکرانی دست می‌یابد. روح با نیل به چنین کمالی متوجه می‌گردد که دستاوردی گرانبهاتر از آن وجود ندارد و دیگر هیچگاه از حقیقت دور نمی‌شود و به صورت تزلزل‌ناپذیری، حتی در سخت‌ترین مشکلات، در آن استوار می‌ماند. این است رهایی حقیقی از تمامی رنجهای زاییده شده از تماس با نیروی مادی.**

## شرح

مهمترین ویژگی یوگا پاک کردن تدریجی آگاهی ما از ادراکات مادی زندگی است. آنگاه، وقتی یوگی با شناخت روح متعال، به وسیله ذهن و شعور پاک شده یا روحانی خود، به سامادهی یا جذبه دست یافت، دیگر هیچگاه اشتباه یکی شدن روح فردی با روح متعال را مرتکب نمی‌شود. طریقت یوگا کمابیش بر اصول پاتانجالی استوار است و برخی معتقدان به وحدت وجود (وحدت‌گرایان یا معتقدان به یکی شدن روح فردی و روح متعال) در تفسیرهای خود از پاتانجالی، برخلاف نظریه او، رهایی را در یکی شدن روح فردی با روح متعال می‌دانند. آنها تمایز بین دانش و داننده را که در این آیه از طریق قبول وجود یک شعف متعال که با حواس روحانی قابل درک است، رد می‌کنند. بنابراین یوگای پاتانجالی، وجود این شعف متعال را که وحدت‌گرایان از ترس به خطر افتادن نظریه‌شان رد می‌کنند، قبول دارد. حکیم بزرگ پاتانجالی مونی، استاد معروف، این نکته بهاگاواد-گیتا را در یوگا ـ سوتراهای خویش (۳۴/۳) تأیید می‌کند:

*puruṣārtha-śūnyānāṁ guṇānāṁ pratiprasavaḥ*
*kaivalyaṁ svarūpa-pratiṣṭhā vā citi-śaktir iti*

این نیروی درونی یا چیتی ـ شاکتی، نیرویی روحانی است. پوروشارتها به معنای دینداری مادی، توسعه اقتصادی، ارضای حواس و سرانجام تلاش برای یکی شدن با حقیقت متعال است. این "وحدت با متعال" از طرف نحله وحدت وجود کایوالیام خوانده می‌شود. اما طبق اظهارات پاتانجالی‌کایوالیام نیرویی درونی یا روحانی است که موجود زنده به وسیله آن از موقعیت فطری خود آگاه می‌شود. این حالت در کلام خداوند چیتانیا، *ceto-darpaṇa-mārjanam* ، یا شفافیت یافتن آینه ناپاک ذهن خوانده می‌شود. این "خلوص یا شفافیت" در واقع رهایی یا رستگاری، یا همان *bhava-mahā-dāvāgni-nirvāpaṇam* خوانده می‌شود. نظریه نیروانا - که همانند رهایی، مرحله‌ای مقدماتی برای رسیدن به کمال روحانی است - نیز با این اصل مطابقت می‌کند. این موضوع در شریماد- بهاگاواتام (۶/۱۰/۲) *svarūpeṇa vyavasthitiḥ* خوانده می‌شود. بهاگاواد-گیتا نیز آن را در این آیه تأیید می‌کند.

پس از نیروانا، یا پایان یافتن موجودیت مادی، مرحله دیگری که همانا تجلی فعالیتهای روحانی یا خدمت عابدانه به خداوند که به عنوان آگاهی به کریشنا شناخته می‌شود، وجود دارد. طبق اظهارات بهاگاواتام، سواروپنا ـ ویاواستهیتی: همانا این "زندگی حقیقی موجود زنده" است. هنگامی که روند زندگی حقیقی روحانی با آلایشهای مادی آلوده می‌گردد، مایا یا توهم خوانده می‌شود. باید دانست رهایی از آلایش مادی به معنای از بین رفتن موقعیت فطری و جاودان موجود زنده نیست. پاتانجالی نیز با اظهارات خویش این حقیقت را چنین تصدیق می‌کند:

*kaivalyaṁ svarūpa-pratiṣṭhā vā citi-śaktir iti*

این چیتی ـ شاکتی، یا لذت روحانی همانا زندگی حقیقی است که این موضوع در ودانتا ـ سوترا (۱۲/۱/۱) نیز به صورت *ānanda-mayo 'bhyāsāt* تأیید شده است. این لذت ذاتی روحانی، هدف نهایی یوگا است و به سادگی با انجام عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه یعنی بهاکتی- یوگا به دست می‌آید. بهاکتی- یوگا به وضوح در فصل هفتم بهاگاواد-گیتا توصیف خواهد شد.

در طریقت یوگا همان گونه که در این فصل توصیف شد دو نوع سامادهی به نام سامپراگیاتا ـ سامادهی و آسامپراگیاتا ـ سامادهی وجود دارد. هنگامی که انسان با تحقیقات گوناگون فلسفی در موقعیت روحانی قرار گیرد، گفته می‌شود به سامپراگیاتا ـ سامادهی رسیده است. در آسامپراگیاتا ـ سامادهی دیگر هیچ گونه ارتباطی با لذات دنیوی وجود ندارد، زیرا در آن حالت انسان در ماورای انواع لذات حواس قرار می‌گیرد. هنگامی که یوگی یک بار در این موقعیت روحانی واقع گردد، دیگر هیچگاه از آن تزلزل نمی‌یابد و مادامی که یوگی قادر نباشد به این مرحله دست یابد ناموفق محسوب می‌شود. امروزه انجام تمرین به اصطلاح یوگا، که دور از لذات حسی گوناگون نیز نیست، با این اصول مغایرت تام دارد. یوگیی که آلوده روابط جنسی و مسکرات باشد حقه‌بازی بیش نیست. حتی آن یوگیهایی که مجذوب سیدهیها (کمالات) در طریقت یوگا هستند نیز در موقعیت کاملی واقع نیستند. چنانچه یوگی جذب راههای فرعی یوگا شده باشد نمی‌تواند به مرحله کمال چنانکه در این آیه ذکر شده است دست یابد. بنابراین اشخاصی که مبادرت به انجام تمرینات نمایشی ژیمناستیک و همچنین سیدهیها می‌کنند باید بدانند که به این ترتیب به هدف حقیقی یوگا دست نمی‌یابند.

بهترین روش انجام یوگا در این عصر، روند بهاکتی- یوگا یا آگاهی به کریشناست که انسان را دچار گمراهی و سرگشتگی نمی‌سازد. شخص آگاه به کریشنا آنچنان در وظیفه‌اش شاد و مسرور است که در پی هیچ گونه خوشبختی دیگری نیست. باید در نظر داشت که در راه تمرین هاتها ـ یوگا، دهیانا ـ یوگا و گیانا ـ یوگا، بخصوص در این عصر دو رویی و تزویر، موانع بسیار زیادی وجود دارد، در حالی که چنین مشکلی در انجام کارما ـ یوگا یا بهاکتی- یوگا یافت نمی‌شود.

مادامی که انسان درگیر کالبد جسمانی است، باید نیازها و خواسته‌های بدن یعنی خوردن، خوابیدن، رابطه جنسی و دفاع را برآورده سازد. ولی شخصی که در بهاکتی- یوگای خالص و پاک، یا در آگاهی به کریشنا قرار داشته باشد، در مواجهه با خواسته‌های بدن حواس را تحریک نمی‌سازد. بلکه به حداقل نیازهای زندگی اکتفا می‌کند و بهترین استفاده را از یک معامله بد به عمل می‌آورد و در آگاهی به کریشنا از خوشبختی روحانی بهره‌مند می‌گردد. او در حوادث غیر مترقبه مانند وقایع ناگوار، بیماری، قحطی و حتی مرگ عزیزترین بستگان ثابت و استوار و همواره در انجام وظایف خویش در آگاهی به کریشنا یا بهاکتی- یوگا بیدار و هوشیار است. حوادث هیچگاه او را از انجام وظیفه‌اش منحرف نمی‌سازد، همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۱۴/۲) بیان شده است:

*āgamāpāyino 'nityās tāṁs titikṣasva bhārata*

او کلیه این وقایع را با صبر و بردباری پشت سر می‌گذارد زیرا به طبیعت گذرای آنها واقف است. به این ترتیب او به بالاترین کمال در انجام یوگا نائل می‌گردد.

## آیه ۲۴

*sa niścayena yoktavyo*
*yogo 'nirviṇṇa-cetasā*
*saṅkalpa-prabhavān kāmāṁs*
*tyaktvā sarvān aśeṣataḥ*
*manasaivendriya-grāmaṁ*
*viniyamya samantataḥ*

*saḥ*: آن ـ *niścayena*: با عزم راسخ ـ *yoktavyaḥ*: می‌باید تمرین گردد ـ *yogaḥ*: روش یوگا ـ *anirviṇṇa-cetasā*: بدون انحراف ـ *saṅkalpa*: پندارهای ذهنی ـ *prabhavān*: زاده شده از ـ *kāmān*: آرزوهای مادی ـ *tyaktvā*: رها کردن ـ *sarvān*: تمام ـ *aśeṣataḥ*: کاملا ـ *manasā*: به‌وسیله ذهن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *indriya-grāmam*: مجموعه کامل حواس ـ *viniyamya*: تنظیم کردن ـ *samantataḥ*: از تمام جهات.

## ترجمه

**انسان باید، با ایمان و عزم راسخ و بدون انحراف از مسیر، به تمرین یوگا بپردازد. و بدون استثناء تمام خواسته‌های مادی را که از پندارهای ذهنی پدید می‌آید رها سازد و بدین سان کلیه حواس را از تمام جهات به وسیله ذهن مهار نماید.**

## شرح

انجام‌دهنده یوگا باید مصمم باشد و اصول را با صبر و بردباری و بدون انحراف انجام دهد. شخص باید به موفقیت نهایی اطمینان داشته باشد و راهش را با تلاش و پشتکار دنبال نماید و چنانچه وقفه‌ای در نیل به موفقیت پیش آید ناامید نگردد. موفقیت برای تمرین کننده جدی قطعی است. حضرت روپا گوسوامی درباره بهاکتی – یوگا می‌فرماید:

*utsāhān niścayād dhairyāt*
*tat-tat-karma-pravartanāt*
*saṅga-tyāgāt sato vṛtteḥ*
*ṣaḍbhir bhaktiḥ prasidhyati*

"شخص می‌تواند روش بهاکتی– یوگا را با اشتیاق کامل قلبی، پشتکار، عزم راسخ، و به وسیله پیروی از وظایف تجویز شده در معاشرت عابدان، و با اشتغال کامل به فعالیتهای نیک انجام دهد." (اوپادشامریتا ۳)

درباره عزم راسخ انسان باید از الگوی پرستویی که تخمهایش را در امواج اقیانوس از دست داد پیروی نماید. داستان از این قرار است که پرستویی تخمهایش را در کنار ساحل اقیانوس می‌گذارد و دیری نمی‌پاید که امواج اقیانوس پهناور تخمهای او را در خود فرو می‌برد. پرستوی نگران از اقیانوس درخواست می‌کند که تخمهایش را بازگرداند، اما اقیانوس کمترین توجهی به خواسته او نمی‌کند. بنابراین پرستو تصمیم می‌گیرد اقیانوس را خشک کند. او با منقار کوچکش شروع به خالی کردن آب اقیانوس می‌کند، در حالی که همه به تصمیم غیر ممکن او به دیده استهزا می‌نگرند. این خبر پخش می‌شود و سرانجام به گارودا، پرنده عظیم حمل کننده خداوند ویشنو، می‌رسد. گارودا که نسبت به همنوع کوچکش آکنده از ترحم می‌گردد، عازم دیدار پرستو می‌شود. بدین ترتیب گارودا از عزم راسخ پرستوی کوچک بسیار خشنود می‌گردد و قول مساعدت به او می‌دهد. گارودا بی‌درنگ از اقیانوس می‌خواهد که تخمهای پرنده را بازگرداند، زیرا در غیر این صورت او خودش کار پرستو را ادامه خواهد داد. اقیانوس از این امر بیمناک می‌شود و تخمها را بی‌درنگ بازمی‌گرداند. در نتیجه پرستو به لطف گارودا با به دست آوردن تخمهایش شاد و خوشبخت می‌شود.

به همین ترتیب تمرین یوگا بخصوص بهاکتی– یوگا در آگاهی به کریشنا ممکن است کار بسیاردشواری به نظر آید، لیکن اگر کسی اصول آن را با عزم راسخ دنبال کند، قطعاً یاری خداوند او را همراهی خواهد کرد، زیرا خداوند یاری‌رسان کسانی است که به خویش یاری می‌رسانند.

## آیه ۲۵

*śanaiḥ śanair uparamed*
*buddhyā dhṛti-gṛhītayā*
*ātma-saṁsthaṁ manaḥ kṛtvā*
*na kiñcid api cintayet*

*śanaiḥ*: به تدریج ـ *śanaiḥ*: قدم به قدم ـ *uparamet*: شخص باید از عمل بازدارد (محدودنماید) ـ *buddhyā*: به وسیله شعور ـ *dhṛti-gṛhītayā*: با اعتقاد و ایمان ـ *ātma-saṁstham*: واقع‌شده در حقیقت ـ *manaḥ*: ذهن ـ *kṛtvā*: ساختن ـ *na*: نه ـ *kiñcit*: هیچ چیز دیگر ـ *api*: حتی ـ *cintayet*: می‌باید فکر کند به.

## ترجمه

**انسان باید به تدریج و قدم به قدم با شعوری که از اعتقاد و اطمینان کامل نشأت گرفته است درجذبه قرار گیرد و بدین سان ذهن باید تنها بر ذات متمرکز گردد و به هیچ چیز دیگر نیندیشد.**

## شرح

با اعتقاد و شعور صحیح، شخص باید تدریجاً از فعالیتهای ارضای حواس دست بشوید. این امرپراتیاهارا خوانده می‌شود. ذهن که به وسیله اعتقاد، تمرکز و امتناع از لذات حواس مهار شده است باید در جذبه یا سامادهی قرار گرفته باشد. در این هنگام دیگر هیچ گونه خطری، از طرف اشتغال به‌امور مادی زندگی، شخص را تهدید نمی‌کند. به عبارت دیگر، با اینکه مادامی که بدن مادی وجوددارد انسان درگیر ماده است، لیکن نباید در فکر ارضای لذات حواس باشد. انسان نباید به چیزی جزرضایت ذات متعال بیندیشد، که این امر به سادگی از طریق مستقیماً پرداختن به کریشناآگاهی قابل‌حصول است.

## آیه ۲۶

*yato yato niścalati*
*manaś cañcalam asthiram*
*tatas tato niyamyaitad*
*ātmany eva vaśaṁ nayet*

*yataḥ yataḥ*: هر کجا ـ *niścalati*: براستی آشفته می‌گردد ـ *manaḥ*: ذهن ـ *cañcalam*: لرزان ـ *asthiram*: نااستوار، بی‌ثبات ـ *tataḥ tataḥ*: از آنجا ـ *niyamya*: تنظیم کردن ـ *etat*: این ـ *ātmani*: در ذات ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *vaśam*: کنترل ـ *nayet*: باید بیاورد تحت.

## ترجمه

**انسان باید حتماً ذهن را از هر کجا که به علت طبیعت لرزان و بی‌ثباتش در آن سرگردان پرسه می‌زند بازپس کشاند و آن را تحت کنترل ذات قرار دهد.**

## شرح

طبیعت ذهن لرزان و بی‌ثبات است. ولی یوگی خودشناخته باید ذهن را مهار کند؛ نه آنکه ذهن بر او چیره شود. کسی که ذهن (و در نتیجه حواس را نیز) مهار می‌نماید گوسوامی یا سوامی و کسی که تحت کنترل ذهن است، گو ـ داسا یا خادم حواس خوانده می‌شود. گوسوامی معیار لذت حواس را می‌داند. او واقف است که خوشبختی حقیقی یا لذات حواس روحانی زمانی پدید می‌آید که حواس روحانی، در خدمت به هریشی‌کشا، یا مالک متعال حواس یعنی کریشنا اشتغال داشته باشد. خدمت کردن به کریشنا با حواس پاک شده، کریشنا آگاهی خوانده می‌شود. همانا این راه مهار کردن کامل حواس است. به علاوه، این بالاترین کمال تمرین یوگا است.

## آیه ۲۷

*praśānta-manasaṁ hy enaṁ*
*yoginaṁ sukham uttamam*
*upaiti śānta-rajasaṁ*
*brahma-bhūtam akalmaṣam*

*praśānta*: آرام، سلیم، متمرکز شده بر قدوم نیلوفرین کریشنا ـ *manasam*: که ذهنش ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *enam*: این ـ *yoginam*: یوگی ـ *sukham*: شادی، شعف ـ *uttamam*: بالاترین ـ *upaiti—attains*: دست می‌یابد ـ *śānta—* *rajasam*: شهوتش فرو نشانده شده ـ *brahma-bhūtam*: رهایی از طریق هم‌هویت شدن با مطلق ـ *akalmaṣam*: رها شده از تمام واکنشهای گناهان گذشته.

## ترجمه

**آن یوگی که ذهنش بر من متمرکز است، مسلماً به بالاترین کمال شعف روحانی دست می‌یابد. او در ورای گونه شهوت قرار گرفته و به شناخت هویت یکسان خود - از نظر کیفی - با متعال نائل آمده و در نتیجه از تمـام واکنشهای اعمال گذشته رها شده است.**

## شرح

برهما ـ بهوتا مرحله رها شدن از آلودگی مادی و قرار گرفتن در خدمت روحانی خداوند است.

Mad-bhaktiṁ labhate parām(ب.گ.۵۴/۱۸)

تا زمانی که ذهن و فکر انسان بر قدوم مقدس خداوند متمرکز و ثابت نباشد، نمی‌تواند در سطح مطلق یا کیفیت برهمن، قرار بگیرد.

*Sa vai manaḥ kṛṣṇa-pādāravindayoḥ*

همواره در خدمت عاشقانه روحانی خداوند بودن، یا در آگاهی به کریشنا بسر بردن، یعنی آزادی واقعی از گونه شهوت و تمام آلودگیهای مادی.

## آیه ۲۸

*yuñjann evaṁ sadātmānaṁ*
*yogī vigata-kalmaṣaḥ*
*sukhena brahma-saṁsparśam*
*atyantaṁ sukham aśnute*

*yuñjan*: اشتغال به تمرین یوگا ـ *evam*: بدین سان ـ *sadā*: همواره ـ *ātmānam*: ذات ـ *yogī*: کسی که در تماس با ذات متعال است ـ *vigata*: رها شده از ـ *kalmaṣaḥ*: تمام آلودگیهای مادی ـ *sukhena*: در شعف روحانی ـ *brahma-saṁsparśam*: در تماس دائم بودن با متعال ـ *atyantam*: بالاترین ـ *sukham*: شادی، شعف ـ *aśnute*: دست می‌یابد.

## ترجمه

**بدین سان یوگی حکمران بر نفس، که دائماً به تمرین یوگا مشغول است، از تمام آلودگیهای مادی رها می‌گردد و به بالاترین مرحله کمال خوشبختی در خدمت عاشقانه روحانی به خداوند دست می‌یابد.**

## شرح

خودشناسی یعنی شناخت موقعیت ذاتی خود در رابطه با متعال. روح فردی ذره‌ای از متعال و موقعیت او اعطای خدمت روحانی به خداوند است. این ارتباط روحانی با متعال، برهما ـ سامسپارشا خوانده می‌شود.

## آیه ۲۹

*sarva-bhūta-stham ātmānaṁ*
*sarva-bhūtāni cātmani*
*īkṣate yoga-yuktātmā*
*sarvatra sama-darśanaḥ*

*sarva-bhūta-stham*: واقع شده در تمام موجودات ـ *ātmānam*: روح متعال ـ *sarva*: همه ـ *bhūtāni*: کائنات، موجودات ـ *ca*: همچنین ـ *ātmani*: در ذات ـ *īkṣate*: می‌بیند ـ *yoga-yukta-ātmā*: کسی که در آگاهی به کریشنا استقرار یافته ـ *sarvatra*: در همه جا ـ *sama-darśanaḥ*: به طور یکسان مشاهده کردن.

## ترجمه

**یوگی حقیقی مرا در همه موجودات می‌بیند و همه موجودات را نیز در من می‌بینند. در حقیقت شخص خودشناخته مرا، همان خداوند متعال را، در همه جا مشاهده می‌نماید.**

## شرح

یوگی آگاه به کریشنا بصیرت کامل دارد، زیرا او خداوند را به صورت روح متعال (پاراماتما) در قلب همه موجودات می‌بیند.

*Īśvaraḥ sarva-bhūtānāṁ hṛd-deśe 'rjuna tiṣṭhati*

خداوند با وجه پاراماتمای خود هم درون قلب یک سگ و هم درون قلب یک براهمانا قرار دارد و یوگی کامل واقف است که خداوند به طور جاودان، متعال و روحانی است و به علت حضورش در قلب یک سگ یا یک براهمانا تحت تأثیر کیفیات طبیعت مادی قرار نمی‌گیرد. این امر همان بی‌طرفی اعلای خداوند است. جایگاه روح فردی نیز در قلب است، ولی برخلاف روح متعال که‌در تمام قلبها بسط یافته و به صورت همزمان در تمامی آنها حضور دارد، روح فردی فقط در قلب موجود خاصی مستقر است. باید دانست کسی که واقعاً در تمرین یوگا نباشد نمی‌تواند به این وضوح مشاهده نماید. شخص آگاه به کریشنا قادر است کریشنا را هم در قلب یک شخص باایمان و هم در قلب شخص بی‌ایمان، هر دو، رؤیت کند. این موضوع در اسمریتی به صورت زیر تأیید شده‌است:

*ātatatvāc ca mātṛtvāc ca ātmā hi paramo hariḥ*

حق تعالی که اصل و منشأ همه موجودات و کائنات است، همچون مادر و حافظ آنهاست. همان گونه که مادر نسبت به کلیه فرزندان خود بی‌طرف است، پدر یا مادر متعال نیز چنین است. روح متعال همواره درون همه موجودات زنده حضور دارد و همراه دائمی آنهاست.

از نظر بیرونی نیز هر موجود زنده‌ای در انرژی خداوند قرار گرفته است. همان گونه که در فصل هفـتم توضیح داده خواهد شد، خداوند دارای دو نیروی عمده است: نیروی روحانی (اعلی) ونیروی مادی (سفلی). گوهر روح موجود زنده اگرچه ذره‌ای از نیروی اعلای خداوند می‌باشد، ولی تحت اسارت نیروی سفلای او قرار گرفته است؛ بنابراین چون موجود زنده همواره در نیروی خداوند واقع است، به نحوی در خداوند قرار دارد. یوگی همه را یکسان می‌نگرد، زیرا واقف است که تمام موجودات زنده (ارواح)، اگرچه طبق نتایج کار برای ثمر در موقعیتهای مختلف قرار گرفته‌اند، لیکن در تمام شرایط خادم خداوند باقی می‌مانند. این بدان مفهوم است که وقتی موجود زنده در نیروی مادی واقع است به حواس مادی خدمت می‌کند و زمانی که در نیروی روحانی واقع باشد مستقیماً به خداوند متعال خدمت می‌نماید. در هر دو حالت موجود زنده، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم، خادم خداوند است و این بینش یکسان نگریستن در شخص آگاه به کریشنا تام و کامل است.

## آیه ۳۰

*yo māṁ paśyati sarvatra*
*sarvaṁ ca mayi paśyati*
*tasyāhaṁ na praṇaśyāmi*
*sa ca me na praṇaśyati*

*yaḥ*: هر کسی که ـ *mām*: مرا ـ *paśyati*: می‌بیند ـ *sarvatra*: در همه جا ـ *sarvam*: در همه‌چیز ـ *ca*: و ـ *mayi*: در من ـ *paśyati*: می‌بیند ـ *tasya*: برای او ـ *aham*: من ـ *na*: نه (علامت‌نفی) ـ *praṇaśyāmi*: گم شده (از دست رفته) هستم ـ *saḥ*: او ـ *ca*: همچنین ـ *me*: برای من ـ *na*: و نه، هم نه ـ *praṇaśyati*: گم شده (از دست رفته) است.

## ترجمه

**من هیـچگاه برای کسی که مرا در همه جا می‌بـیند و همه چیز را در من می‌بیند گم نیستم، همان گونه کـه او نیز هیچگاه برای من گم نیست.**

## شرح

مسلماً شخص آگاه به کریشنا، خداوند را در همه جا مشاهده می‌کند و همه چیز را در او می‌بیند. شاید این گونه به نظر آید که چنین شخصی تمام تجلیات طبیعت مادی را به صورت نیروهای مجزا می‌بیند، ولی در حقیقت او در رؤیت هر پدیده آگاه به کریشناست، چه به خوبی می‌داند که همه چیز مظهر نیروی خداوند است. بدون کریشنا هیچ چیز نمی‌تواند وجود داشته باشد و او پادشاه و مالک بر هر چیز است. این بینش، اصل اساسی آگاهی به کریشنا می‌باشد. کریشناآگاهی، تکامل عشق به خداوند است، یعنی موقعیتی که حتی از رهایی و رستگاری مادی نیز فراتر می‌باشد. در این مرحله از کریشنا آگاهی، که ورای خودشناسی است، عابد لبریز از عشق به کریشنا، در رابطه‌ای بسیار صمیمانه و خالصانه، با او یکی می‌گردد، از این نظر که کریشنا همه چیز عابد دلباخته می‌شود. زمانی که چنین ارتباط نزدیکی بین خداوند و عابدش به وجود آید، فردیت گوهر روحانی در وجود حق فانی ومستحیل نمی‌گردد و شخصیت پروردگار لحظه‌ای از دیدگان عابد پنهان نمی‌ماند، در عین حال که عابد نیز خطر غرق شدن و یکی شدن با کریشنا را، که همان فنای روحانی است، هیچگاه نمی‌پذیرد.

در برهما ـ سامهیتا (۳۸/۵) بیان شده است:

*premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena*
*santaḥ sadaiva hṛdayeṣu vilokayanti*
*yaṁ śyāmasundaram acintya-guṇa-svarūpaṁ*

*govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

"من خداوند ازلی، گوویندا را می‌پرستم که همواره از سوی عابدان دلباخته که چشمانشان به مرهم عشق آغشته شده است دیده می‌شود. خداوند با سیمای جاودان خود به صورت شیاما ـ سوندارا که درون قلب تمام عابدان جای دارد، دیده می‌شود." در این مرحله خداوند کریشنا هیچگاه از دیدگان عابد ناپدید نمی‌شود و نه هیچگاه عابد مشاهده خداوند را از دست می‌دهد. همین امر در مورد یوگیی که خداوند را به صورت پاراماتما درون قلب می‌بیند نیز صدق می‌کند. چنین یوگیی به عابدی پاک تبدیل می‌گردد و قادر نخواهد بود لحظه‌ای از زندگی را بدون مشاهده خداوند در درون خویش تحمل نماید.

## آیه ۳۱

*sarva-bhūta-sthitaṁ yo māṁ*
*bhajaty ekatvam āsthitaḥ*
*sarvathā vartamāno 'pi*
*sa yogī mayi vartate*

*sarva-bhūta-sthitam*: واقع شده در قلب همه ـ *yaḥ*: او که ـ *mām*: مرا، به من ـ *bhajati*: در خدمت عابدانه خدمت می‌کند ـ *ekatvam*: در یکی بودن، در یگانگی ـ *āsthitaḥ*: واقع شده ـ *sarvathā*: از تمام جهات ـ *varta-mānaḥ*: واقع شدن ـ *api*: به رغم ـ *saḥ*: او ـ *yogī*: حق‌جو، عارف ـ *mayi*: در من ـ *vartate*: باقی می‌ماند.

## ترجمه

**چنین یوگیی که مشغول خدمت پرستش گونه به روح متعال است، با پی بردن به اینکه مـن و روح متعـال یکی و واحد هستیم، همواره در تمام شرایط، در من مأوا می‌گزیند.**

## شرح

یوگی که به تمرکز بر روح متعال همت گمارده، در درون خویش بسط کامل کریشنا را به صورت ویشنو که بوق صدفی، صفحه مدور، گرز و گل نیلوفر را در چهار دست خود دارد، می‌بیند. یوگی باید به درک این نکته که ویشنو با کریشنا تفاوت ندارد، نائل آید. کریشنا به شکل روح متعال در قلب همه وجود دارد. به علاوه هیچ گونه تفاوتی بین بیشمار روح متعال که در قلب بینهایت موجود زنده حاضر است نمی‌باشد. و همچنین میان یک شخص آگاه به کریشنا که همواره وقف خدمت عاشقانه روحانی به کریشناست و یک یوگی کامل که مشغول تمرکز بر روح متعال است، تفاوتی وجود ندارد. یوگی آگاه به کریشنا با اینکه ممکن است در طول موجودیت مادی مشغول فعالیتهای مختلف باشد، اما همواره در کریشنا باقی می‌ماند. این موضوع در کتاب بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو (۱۸۷/۲/۱) به‌قلم شریلا روپا گوسوامی تأیید شده است:

*nikhilāsv apy avasthāsu jīvan-muktaḥ sa ucyate*

عابد خداوند، که همواره در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند، خود به خود رها شده و رستگار است. در نارادا ـ پانچاراترا این موضوع بدین ترتیب تأیید شده است:

"انسان با متمرکز نمودن توجه خویش بر سیمای متعال کریشنا، که در دل هر ذره بسط یافته و در ورای فضا و زمان است، مجذوب فکر کردن به کریشنا می‌شود و سپس به مرحله مملو از شعف قرب الهی و معاشرت روحانی با خداوند دست می‌یابد."

آگاهی به کریشنا بالاترین مرحله جذبه یا خلسه در تمرین یوگا است. درک این حقیقت که کریشنا به عنوان پاراماتما در قلب همه حضور دارد، یوگی را بری از خطا و نقص می‌نماید. دانش ودایی (گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۱/۲۱) قدرت تصورناشدنی حضور خداوند را در همه جا به صورت زیر تأیید می‌کند:

*dik-kālādy-anavacchinne*
*kṛṣṇe ceto vidhāya ca*
*tan-mayo bhavati kṣipraṁ*
*jīvo brahmaṇi yojayet*

"با اینکه خداوند آن یگانه بی‌همتاست، لیکن در قلوب بیشماری حضور دارد."
مشابهاً در اسمریتی ـ شاسترا گفته شده است:

*eka eva paro viṣṇuḥ*
*sarva-vyāpī na saṁśayaḥ*
*aiśvaryād rūpam ekaṁ ca*
*sūrya-vat bahudheyate*

"ویشنو یکی بیش نیست، ولی با این حال در همه جا بسط یافته است. خداوند با قدرت غیرقابل تصور خود و به رغم شکل یگانه‌اش، در همه جا حاضر است، همچنانکه خورشید در آن واحد در مکانهای بسیاری ظاهر می‌شود."

## آیه ۳۲

*ātmaupamyena sarvatra*
*samaṁ paśyati yo 'rjuna*
*sukhaṁ vā yadi vā duḥkhaṁ*
*sa yogī paramo mataḥ*

*ātma*: با ذات خویش ـ *aupamyena*: به وسیله مقایسه ـ *sarvatra*: در همه جا ـ *samam*: به‌طور یکسان ـ *paśyati*: می‌بیند ـ *yaḥ*: او که ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *sukham*: خوشبختی ـ *vā*: یا ـ *yadi*: اگر ـ *vā*: یا ـ *duḥkham*: رنج ـ *saḥ*: چنین ـ *yogī*: حق‌جو، عارف ـ *paramaḥ*: کامل ـ *mataḥ*: محسوب می‌گردد.

## ترجمه

**ای آرجونا، یوگی کامل کسی است که در مقایسه با ذات خویش، برابری حقیقی همه موجودات را چه در رنج و چه در شادی آنها مشاهده می‌کند.**

## شرح

کسی که کریشنا آگاه یا خدا آگاه باشد، یک یوگی کامل است. او در اثر تجربه شخصی‌اش از علل شادی و رنج همه آگاه است؛ زیرا او درک کرده که علت رنج موجود زنده فراموشی رابطه‌اش با خداوند و علت شادی او در پی بردن به این حقیقت است که کریشنا لذت‌برنده متعال از تمام فعالیتهای انسان، صاحب و مالک تمام سرزمینها و سیارات، و صادقترین دوست تمام موجودات زنده است. یوگی کامل می‌داند موجود زنده‌ای که تحت تأثیر گونه‌های طبیعت مادی واقع است، به علت فراموشی رابطه‌اش با کریشنا، در معرض رنجهای سه‌گانه مادی قرار دارد. و چون کسی که در آگاهی به کریشناست شاد و مسرور می‌باشد، می‌کوشد دانش شناخت کریشنا را در همه جا پخش کند. یوگی کامل، از آنجا که می‌کوشد اهمیت و ضرورت آگاه شدن به کریشنا را در

جوامع بشری تفهیم کند، بهترین اسوه نوعدوستی و بشردوستی در جهان به شمار می‌آید و بدین سبب عزیزترین خادم خداوند نیز هست.

*Na ca tasmān manuṣyeṣu kaścin me priya-kṛttamaḥ*(ب.گ.۶۹/۱۸)

به عبارت دیگر، عابد خداوند همواره خواهان رفاه و سعادت تمام موجودات زنده و به این ترتیب دوست حقیقی همه آنهاست. او بهترین یوگی است، زیرا در پی نفع شخصی در راه کمال یوگا نیست، بلکه تحقق این کمال را برای دیگران نیز می‌خواهد و در پی آن تلاش می‌کند. او نسبت به موجودات زنده که در واقع همنوع و همتای او هستند حسادت نمی‌ورزد. بنابراین، اینجا تفاوت بین عابد پاک خداوند و یوگیی که فقط به ارتقای شخصی علاقه دارد مشهود می‌گردد. یوگیی که به عزم تمرکزی کامل در مکانی خلوت انزوا گزیده است را نمی‌توان در کمال، همتای عابد و فدایی خدا برشمرد که کمر همت به میان بسته تا به بهترین وجه همه مردم را به سمت خداشناسی هدایت نماید.

## آیه ۳۳

*arjuna uvāca*
*yo 'yaṁ yogas tvayā proktaḥ*
*sāmyena madhusūdana*
*etasyāhaṁ na paśyāmi*
*cañcalatvāt sthitiṁ sthirām*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *yaḥ ayam*: این روش ـ *yogaḥ*: عرفان ـ *tvayā*: به وسیله تو ـ *proktaḥ*: توصیف شده ـ *sāmyena*: به طور کلی ـ *madhu-sūdana*: ای کشنده دیو مادهو ـ *etasya*: مربوط به این ـ *aham*: من ـ *na*: علامت منفی ساختن فعل ـ *paśyāmi*: می‌بینم ـ *cañcalatvāt*: به علت بی‌قرار بودن ـ *sthitim*: موقعیت ـ *sthirām*: استوار، ثابت.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای مادهوسودانا، روش یوگایی که برایم به اختصار بیان کرده‌ای غیر عملی و تحمل‌ناپذیر به نظر می‌آید، زیرا ذهن بی‌قرار و بی‌ثبات است.**

## شرح

در اینجا آرجونا روش یوگایی را که خداوند کریشنا برای او توصیف می‌کند، یعنی آموزشهایی را که با کلمات *śucau deśe* آغاز می‌گردد و تا پایان لغات *yogī paramaḥ* ادامه می‌یابد، به علت احساس عدم توانایی در انجام آن رد می‌کند. برای انسان عادی در عصر کالی ممکن نیست خانه‌اش را ترک گوید و به منظور تمرین یوگا رهسپار مکانی خلوت در کوهستان یا جنگل گردد. باید در نظر داشت که ویژگی بارز عصر حاضر، تقلایی سخت برای زندگی کوتاه مدت است. و از مردمی که حتی از پیمودن یک راه ساده و عملی برای خودشناسی نیز غفلت می‌ورزند و نسبت به آن جدی نیستند، چگونه می‌توان انتظار داشت بتوانند از این روش دشوار یوگا که شیوه زندگی، طرز نشستن، انتخاب مکان، و منفک کردن ذهن از اشتغالات مادی را تنظیم می‌کند، پیروی نمایند؟ آرجونا به عنوان یک شخص اهل عمل و واقع‌بین که صلاحیت انجام روش یوگای پیشنهاد شده را نیز داشت، پیروی کردن از آن را ناممکن تشخیص داد. او به خانواده سلطنتی تعلق داشت و به موجب ویژگیهای متعددش حائز مقام والایی بود؛ آرجونا جنگجویی بزرگ و از عمری طولانی برخوردار بود، و بالاتر از همه اینها، صمیمی‌ترین دوست خداوند کریشنا، شخصیت متعال خداوند، محسوب می‌شد. آرجونا به رغم آنکه پنج هزار سال پیش از تسهیلات معنوی بسیار بهتری

نسبت به آنچه ما امروز در اختیار داریم برخوردار بود، با این حال از قبول این روش یوگا امتناع کرد. در واقع ما هیچ گونه مدرکی دال بر اینکه او زمانی به این کار مبادرت ورزیده باشد، در اختیار نداریم. بنابراین، چنین روشی باید قاعدتاً در عصر کالی غیر ممکن محسوب گردد. البته این امر ممکن است برای افرادی نادر امکان‌پذیر باشد، ولی برای عموم مردم پیشنهادی غیر ممکن است. بنابراین اگر این امر پنج هزار سال پیش چنین بوده است، برای دوران معاصر چه می‌توان گفت؟ آن کسانی که در این به اصطلاح مدارس و انجمنهای مختلف از این روش یوگا تقلید می‌کنند مسلماً وقت خود را تلف می‌نمایند. آنها کاملا نسبت به هدف اصلی در جهل و بی‌خبری هستند.

## آیه ۳۴

*cañcalaṁ hi manaḥ kṛṣṇa*
*pramāthi balavad dṛḍham*
*tasyāhaṁ nigrahaṁ manye*
*vāyor iva su-duṣkaram*

*cañcalam*: لرزان ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *manaḥ*: ذهن ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *pramāthi*: متلاطم ـ *bala—vat*: قوی ـ *dṛḍham*: سرسخت، لجوج ـ *tasya*: مال آن، ش ـ *aham*: من ـ *nigraham*: مطیع نمودن، تحت اختیار درآوردن ـ *manye*: فکر می‌کنم ـ *vāyoḥ*: مربوط به باد ـ *iva*: همانند ـ *su-duṣkaram*: مشکل.

## ترجمه

**ای کریشنا، چون ذهن ناآرام، متلاطم، سرکش و بسیار قوی است، فکر می‌کنم تسلط بر آن مشکلتر از مهار کردن باد است.**

## شرح

با اینکه ذهن باید مطیع شعور باشد، ولی آنچنان تند و قوی و سرکش است که گاهی اوقات بر شعور یا قوه تشخیص چیره می‌شود. برای انسانی که در دنیای حاضر باید با عناصر مخالف بسیاری بجنگد، مسلماً مهار کردن فکر بسیار مشکل است. شاید بتوان مصنوعاً آرامشی فکری در برابر دوست و دشمن ایجاد نمود، ولی این کار در نهایت امر از عهده هیچ انسان دنیوی برنمی‌آید، زیرا چنین چیزی مشکلتر از کنترل بادی سخت و شدید است. در متون مقدس ودایی (کاتها اوپانیشاد۱/۳/۳–۴) گفته شده است:

*ātmānaṁ rathinaṁ viddhi*
*śarīraṁ ratham eva ca*
*buddhiṁ tu sārathiṁ viddhi*
*manaḥ pragraham eva ca*

*indriyāṇi hayān āhur*
*viṣayāṁs teṣu gocarān*
*ātmendriya-mano-yuktaṁ*
*bhoktety āhur manīṣiṇaḥ*

"روح فردی مسافری است بر ارابه کالبد مادی که شعور ارابه‌ران آن، ذهن افسار، و حواس اسبان آن می‌باشند. در چنین موقعیتی، ذات در مجاورت و معاشرت با ذهن و حواس لذت می‌برد یا رنج می‌کشد. دانایان و حکیمان بزرگ این مطلب را چنین درک کرده‌اند." عملکرد شعور هدایت ذهن است، لیکن ذهن چنان قوی و لجوج است که اغلب حتی بر شعور استیلا می‌یابد، همچنانکه بیماری عفونی حاد می‌تواند تأثیر دارو را خنثی سازد. و اکنون باید این ذهن قوی با تمرین یوگا مهار گردد، ولی چنین کاری برای شخص دنیوی مانند آرجونا عملی نیست؛ پس درباره انسان معاصر چه می‌توان گفت؟ تشبیه مناسبی در اینجا بین ذهن و باد به کار رفته است، زیرا انسان نمی‌تواند حرکت باد را متوقف کند. تسخیر کردن ذهن متلاطم حتی از آن هم دشوارتر است. همانا ساده‌ترین راه برای مهار کردن ذهن همان گونه که خداوند چیتانیا عرضه داشت، ذکر مانترای اعظم هاره کریشنا با فروتنی و تواضع وافر است که در اثر آن رهایی میسر می‌شود. روش تجویز شده عبارت است از:

*sa vai manaḥ kṛṣṇa-pādāravindayoḥ*

بدین معنا که انسان باید ذهنش را کاملا به کریشنا معطوف نماید. تنها در آن صورت است که دیگر هیچ گونه مشغولیتی برای تحریک و آشفتگی ذهن به وجود نخواهد آمد.

## آیه ۳۵

*śrī-bhagavān uvāca*
*asaṁśayaṁ mahā-bāho*
*mano durnigrahaṁ calam*
*abhyāsena tu kaunteya*
*vairāgyeṇa ca gṛhyate*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت پروردگار فرمود ـ *asaṁśayam*: بدون تردید ـ *mahā-bāho*: ای مسلح بزرگ ـ *manaḥ*: ذهن ـ *durnigraham*: مهار نمودن آن مشکل است ـ *calam*: لرزان ـ *abhyāsena*: به وسیله تمرین ـ *tu*: اما ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *vairāgyeṇa*: به وسیله انقطاع (عدم دلبستگی) ـ *ca*: همچنین ـ *gṛhyate*: می‌تواند چنین کنترل گردد.

## ترجمه

**خداوند شری کریشنا فرمود: ای مسلح بزرگ، پسر کونتی، بدون تردید مطیع نمودن ذهن بی‌قرار بسیار دشوار است، ولی این کار با تمرین مناسب و انقطاع عملی می‌گردد.**

## شرح

شخصیت متعال خداوند نیز نظر آرجونا را مبنی بر دشواری مهار کردن ذهن سرسخت می‌پذیرد، ولی در عین حال، راه حل این مشکل را از طریق تمرین و انقطاع توصیه می‌کند. این تمرین چیست؟ باید در نظر داشت که در عصر حاضر مراعات و اجرای قواعد و قوانین سخت از قبیل اقامت گزیدن در مکان مقدس، تمرکز ذهن بر روح متعال، مهار کردن ذهن و حواس، قبول تجرد، در عزلت و خلوت زیستن، و غیره عملا برای کسی مقدور نیست. راه حل مناسب مشغول شدن به کریشناآگاهی در نه روش خدمت عابدانه به خداوند است که با تمرینات فوق متفاوت می‌باشد. اولین و مهمترین فعالیت عابدانه در نه روش مذکور شنیدن درباره کریشناست. این یک روش روحانی بسیار قوی برای تطهیر ذهن از تمامی تردیدها و ترسهاست. انسان هر چه بیشتر درباره کریشنا بشنود، بیشتر به آگاهی و روشنایی دست می‌یابد و طبیعتاً از هر چیزی که ذهن را از کریشنا منحرف سازد

انقطاع حاصل می‌کند. با انقطاع حاصل کردن ذهن از فعالیتهایی که هدفشان جلب رضایت شخصیت خداوند نیست، انسان می‌تواند به آسانی وایراگیا را فرا گیرد. وایراگیا به معنای انقطاع حاصل کردن از ماده و اشتغال ذهن در طریق معرفت روحانی است. انقطاع روحانی بی‌هویت‌گرایانه بسی مشکلتر از دلبستگی ذهن به فعالیتهای روحانی در کریشنا آگاهی است، زیرا انسان با استماع درباره کریشنا به خودی خود به روح متعال دلبسته می‌گردد و این دلبستگی پارشانوبهوتی یا رضایت روحانی خوانده می‌شود، که همچون احساس رضایت گرسنه‌ای است که با هر لقمه غذایی که می‌خورد جان تازه‌ای می‌یابد. مشابهاً شخص با انجام عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه، همچنانکه از فکر اهداف مادی دور می‌شود، احساس رضایت روحانی به او دست می‌دهد. این امر مانند بهبودی بیمار از طریق درمان استادانه و پرهیز غذایی مناسب است. بنابراین، استماع فعالیتهای روحانی خداوند کریشنا به منزله درمان ماهرانه برای ذهن دیوانه – ذهنی که اسیر افکار ارضای حواس است – و خوردن خوراکی که به پیشگاه خداوند کریشنا تقدیم شده به مثابه پرهیز غذایی و مناسب برای بیماری است که در درد و رنج بسر می‌برد. این شیوه درمان، راه آگاهی به کریشناست.

## آیه ۳۶

*asaṁyatātmanā yogo*
*duṣprāpa iti me matiḥ*
*vaśyātmanā tu yatatā*
*śakyo 'vāptum upāyataḥ*

***asaṁyata***: افسار گسیخته ـ ***ātmanā***: به وسیله ذهن ـ ***yogaḥ***: خودشناسی ـ ***duṣprāpaḥ***: حاصل کردن (آن) مشکل است ـ ***iti***: بدین‌سان ـ ***me***: مال من، م ـ ***matiḥ***: نظر، عقیده ـ ***vaśya***: کنترل شده ـ ***ātmanā***: به وسیله ذهن ـ ***tu***: ولی ـ ***yatatā***: در حال تلاش کردن ـ ***śakyaḥ***: عملی ـ ***avāptum***: به دست آوردن ـ ***upāyataḥ***: با شیوه مناسب.

## ترجمه

**برای کسی که دارای ذهنی لجام گسیخته است، خودشناسی کار مشکلی است. ولی برای کسی که ذهنی مهار شده دارد و با شیوه درست تلاش می‌کند، موفقیت تضمین شده است؛ این است عقیده من.**

## شرح

شخصیت متعال خداوند اعلام می‌دارد برای کسی که درمان صحیح را برای انقطاع ذهن از فعالیتهای مادی نمی‌پذیرد بسیار دشوار است که به موفقیت در خودشناسی نائل آید. کوشش در تمرین یوگا در حالی که ذهن مشغول لذات مادی است، مانند تلاش در شعله‌ور ساختن آتشی است که روی آن آب هم بریزیم. پس تمرین یوگا بدون کنترل ذهن اتلاف وقت است. شاید پرداختن به چنین نمایشی از تمرین یوگا از نظر مادی منفعتی در بر داشته باشد، لیکن برای نیل به معرفت روحانی کاری عبث و بی‌فایده است. بنابراین، شخص باید ذهن را با مشغولیت دائم به خدمت عاشقانه روحانی به خداوند مهار نماید. تا زمانی که انسان وقف آگاهی به کریشنا نشده باشد، قادر نخواهد بود به طور ثابت ذهن را کنترل نماید. شخص آگاه به کریشنا به سادگی و بدون کوشش جداگانه‌ای به نتیجه تمرین یوگا دست می‌یابد، در حالی که کسی که یوگا تمرین می‌کند نمی‌تواند بدون آگاه شدن به کریشنا به موفقیت نائل شود.

## آیه ۳۷

*arjuna uvāca*

*ayatiḥ śraddhayopeto*
*yogāc calita-mānasaḥ*
*aprāpya yoga-saṁsiddhiṁ*
*kāṁ gatiṁ kṛṣṇa gacchati*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *ayatiḥ*: حق‌جوی ناموفق ـ *śraddhayā*: با ایمان ـ *upetaḥ*: مشغول شده ـ *yogāt*: از حلقه اتصال طریقه خودشناسی ـ *calita*: منحرف شده ـ *mānasaḥ*: کسی‌که چنین ذهنی دارد ـ *aprāpya*: در صورت عدم نائل شدن به ـ *yoga-saṁsiddhim*: بالاترین کمال در عرفان ـ *kām*: کدام ـ *gatim*: سرنوشت ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *gacchati*: به دست می‌آورد.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای کریشنا، سرنوشت آن حق‌جوی ناموفقی که در آغاز، راه خودشناسی را با ایمان اختیار می‌کند، لیکن سپس به علت افکار دنیوی از ادامه آن دست برمی‌کشد و به مرحله کمال در وادی عرفان دست نمی‌یابد چیست؟**

## شرح

بهاگاواد–گیتا طریقه خودشناسی یا عرفان را که پایه اصلی آن بر شناخت و درک این حقیقت است که موجود زنده کالبد مادی نیست و با آن تفاوت دارد و خوشبختی حقیقی او در حیات جاودان مملو از شعف و دانش تحقق می‌پذیرد توصیف کرده است. این مطالب حقایق روحانی والایی در فراسوی ادراکات ذهنی انسان می‌باشد. نیل به خودشناسی از طرق گیانا ـ یوگا (جستجوی دانش)، آشتانگا ـ یوگا (یوگای هشتگانه) و بهاکتی– یوگا (خدمت عابدانه) صورت می‌پذیرد. شخص در هر یک از طرق فوق باید موقعیت فطری موجود زنده، رابطه‌اش با خداوند، و فعالیتهایی را که به وسیله آنها بتواند رابطه گمشده خویش را دوباره با او برقرار سازد تا به بالاترین مرحله کمال در آگاهی به کریشنا واصل گردد بشناسد. شخص با تبعیت از هر یک از سه روش مذکور مسلماً دیر یا زود به هدف نهایی دست می‌یابد. این نکته را خداوند در فصل دوم قاطعانه اظهار داشت که کمترین کوشش در راه معرفت روحانی مایه امیدواری بزرگی برای رستگاری محسوب می‌گردد. از این سه روش، بهاکتی– یوگا مناسبترین راه برای این عصر محسوب می‌شود، زیرا مستقیم‌ترین طریقه شناخت خداوند است. آرجونا برای اینکه دوباره اطمینان حاصل کند، از خداوند می‌خواهد تا بیان پیشین خود را تأیید نماید. انسان ممکن است صادقانه به راه خودشناسی روی آورد، ولی روش تحصیل دانش و تمرین طریقت یوگای هشتگانه برای عموم مردم در این عصر بسیار مشکل است. از این رو ممکن است انسان با وجود سعی دائم، بنا به دلایل بسیاری، که مهمترین آنها به کار نبردن جدیت کافی در دنبال کردن اصول خودشناسی است، شکست بخورد. در حقیقت، پیروی کردن از راه معرفت روحانی کم و بیش به منزله اعلام جنگ به نیروی توهم‌انگیز است. در نتیجه هر گاه شخص در صدد برآید که از پنجه‌های اسارت نیروی توهمی برهد، این نیرو سعی خواهد کرد با انواع وسوسه‌های گوناگون موجبات شکست رهرو را فراهم آورد. به هر تقدیر، روح مقید قبلا به موجب نفوذ گونه‌های نیروی مادی اغوا شده است و امکان بسیاری برای فریب مجدد او، حتی در خلال انجام اصول و قواعد روحانی، وجود دارد. این امر یوگاچ چالیتا ـ ماناسا (*yogāc calita-mānasaḥ*) یعنی انحراف از راه روحانی خوانده می‌شود. اینک آرجونا کنجکاو است که نتایج انحراف از راه خودشناسی را بداند.

## آیه ۳۸

*kaccin nobhaya-vibhraṣṭaś*

*chinnābhram iva naśyati*
*apratiṣṭho mahā-bāho*
*vimūḍho brahmaṇaḥ pathi*

***kaccit***: آیا ـ ***na***: نه ـ ***ubhaya***: هر دو ـ ***vibhraṣṭaḥ***: منحرف شده از ـ ***chinna***: پاره شده، بریده شده ـ ***abhram***: ابر ـ ***iva***: همانند ـ ***naśyati***: هلاک می‌شود، از بین می‌رود ـ ***apratiṣṭhaḥ***: بدون هیچ گونه موقعیتی ـ ***mahā—bāho***: ای مسلح بزرگ، کریشنا ـ ***vimūḍhaḥ***: سرگشته شده، سرگردان شده ـ ***brahmaṇaḥ***: مربوط به حقیقت ـ ***pathi***: در راه.

## ترجمه

**ای مسلح بزرگ، کریشنا، آیا چنین شخصی که از راه حقیقت منحرف شده از موقعیت روحانی و مادی هر دو سقوط نمی‌کند؟ و مانند ابر جدا شده‌ای بدون اینکه در هیچ محیطی جایی داشته باشد از میان نمی‌رود؟**

## شرح

دو راه بیشتر برای پیشرفت انسان وجود ندارد: راهی که به سوی پیشرفت مادی می‌انجامد و راهی که او را به سوی کمال و تعالی روحانی سوق می‌دهد. آنان که مادی‌اند هیچ گونه علاقه‌ای به شناخت حقیقت ندارند؛ بنابراین بیشتر علاقه‌مند به پیشرفت مادی از طریق توسعه اقتصادی یا ارتقاء به سیارات بالاتر به وسیله اعمال نیک هستند. وقتی انسان به راه شناخت حقیقت پا می‌نهد، باید تمام فعالیتهای مادی را متوقف سازد و تمام جنبه‌های به اصطلاح خوشبختی مادی را قربانی نماید. چنانچه این حق‌جوی مشتاق شکست بخورد، آنگاه ظاهراً ثمرات منتج هر دو راه را از دست داده است. به عبارت دیگر، او نه می‌تواند از خوشبختی مادی لذت ببرد و نه می‌تواند از موفقیت روحانی بهره‌مند گردد. بنابراین، او هیچ گونه موقعیتی ندارد و مانند لکه ابر جدا شده‌ای است. گاهی اوقات در آسمان لکه ابری از یک ابر کوچک جدا می‌شود و به یک ابر بزرگ می‌پیوندد. ولی چنانچه نتواند به ابر بزرگی ملحق شود، در این صورت باد آن را به سویی می‌برد و در آسمان بیکران نیست می‌گردد. برهمانا پاتهی که در این آیه از آن سخن به میان آمده است راه معرفت روحانیی است که از طریق آن انسان به شناخت خویشتن به عنوان گوهری روحانی و ذره‌ای از آن یگانه متعال که به صور برهمن، پاراماتما و بهاگاوان تجلی می‌یابد، می‌رسد. خداوند شری‌کریشنا کاملترین ظهور حقیقت مطلق است و بنابراین کسی که تسلیم شخص متعال شده، حق‌جویی موفق می‌باشد. برای رسیدن به این هدف، از طریق درک برهمن و پاراماتما، تولدهای بسیار زیادی را باید پشت سر گذارد (باهونام‌جانمانام آنته). بنابراین بالاترین راه معرفت روحانی، بهاکتی– یوگا یا آگاهی به کریشناست که همان صراط مستقیم برای نیل به حقیقت نهایی است.

## آیه ۳۹

*etan me saṁśayaṁ kṛṣṇa*
*chettum arhasy aśeṣataḥ*
*tvad-anyaḥ saṁśayasyāsya*
*chettā na hy upapadyate*

***etat***: این هست ـ ***me***: مال من ـ ***saṁśayam***: شک، تردید ـ ***kṛṣṇa***: ای کریشنا ـ ***chettum***: برطرف کردن ـ ***arhasi***: از تو تقاضا می‌شود ـ ***aśeṣataḥ***: کاملا ـ ***tvat***: جز تو ـ ***anyaḥ***: کس‌دیگری ـ ***saṁśayasya***: مربوط به شک ـ ***asya***: این ـ ***chettā***: پاک کننده، برطرف کننده ـ ***na***: هرگز ـ ***hi***: حتماً، محققاً ـ ***upapadyate***: می‌تواند یافت شود.

## ترجمه

**ای کریشنا، من در این باره تردید دارم و از تو تقاضا می‌کنم که آن را کاملا برطرف نمایی. هیچکس را جز تو یارای آن نیست که بتواند این شک را از میان بردارد.**

## شرح

کریشنا که دانای مطلق به گذشته، حال و آینده است، در آغاز بهاگاواد–گیتا فرمود که تمام موجودات زنده دارای هویت فردی‌اند و این هویت را در گذشته نیز داشته و در آینده نیز آن را، حتی پس از رهایی از اسارت مادی، حفظ خواهند کرد. بنابراین خداوند قبلا مسأله آینده موجود زنده فردی را روشن کرده است. اکنون آرجونا می‌خواهد درباره سرنوشت یک حق‌جوی ناموفق بداند. هیچکس برابر با کریشنا یا بالاتر از او نیست و مسلماً این به اصطلاح حکیمان و فیلسوفان بزرگ که زندگیشان بستگی به رحم طبیعت مادی به آنان دارد نمی‌توانند در موقعیتی برابر با او باشند. بنابراین، حکم کریشنا پاسخ کامل و نهایی به تمام تردیدهاست، زیرا علم مطلق پروردگار کاملا به گذشته، حال و آینده احاطه دارد، در حالی که هیچکس به حقیقت او واقف نیست. همانا تنها کریشنا و عابدان آگاه به کریشنا می‌توانند به حقیقت امور پی ببرند.

## آیه ۴۰

*śrī-bhagavān uvāca*
*pārtha naiveha nāmutra*
*vināśas tasya vidyate*
*na hi kalyāṇa-kṛt kaścid*
*durgatiṁ tāta gacchati*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت متعال خداوند فرمود ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *na eva*: هیچگاه چنین نیست ـ *iha*: در این دنیای مادی ـ *na*: هرگز ـ *amutra*: در زندگی بعد ـ *vināśaḥ*: نابودی ـ *tasya*: مال او، ش ـ *vidyate*: وجود دارد ـ *na*: هرگز ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *kalyāṇa-kṛt*: کسی که به فعالیتهای پاک و خجسته مشغول شده ـ *kaścit*: هر کس ـ *durgatim*: به انحطاط، به‌تنزل رتبه ـ *tāta*: دوست من ـ *gacchati*: می‌رود.

## ترجمه

**شخصیت اقدس پروردگار فرمود: ای پسر پریتها، آن حق‌جویی که مشغول انجام فعالیتهای پاک و خجسته است نه در این دنیای خاکی و نه در دنیای روحانی با نابودی مواجه نمی‌شود؛ ای دوست من، کسی که نیک و پاک عمل می‌کند، هیچگاه مغلوب بدی و شر نمی‌گردد.**

## شرح

در شریماد– بهاگاواتام (۱۷/۵/۱) شری نارادا مونی به ویاسادوا چنین آموزش می‌دهد:

*tyaktvā sva-dharmaṁ caraṇāmbujaṁ harer*
*bhajann apakvo 'tha patet tato yadi*
*yatra kva vābhadram abhūd amuṣya kiṁ*
*ko vārtha āpto 'bhajatāṁ sva-dharmataḥ*

"اگر کسی از هر گونه آینده‌نگری مادی چشم‌پوشی نماید و به تمام و کمال به شخصیت متعال خداوند پناه ببرد، تنزلی نکرده و هیچ گونه ضرری متوجه او نخواهد شد. برعکس، یک غیر عابد ممکن است کاملا به انجام وظایف حرفه‌ای خود اشتغال داشته باشد، ولی هیچ گونه حاصلی نیز کسب نکند."

برای سامان بخشیدن به آینده مادی، فعالیتهای بسیاری چه مطابق کتب مقدس و چه طبق قواعد مرسوم وجود دارد. فرض بر این است که حق‌جو تمام فعالیتهای مادی را به خاطر خداشناسی و پیشرفت در زندگی روحانی، یعنی کریشناآگاهی، کنار بگذارد. اینک ممکن است این استدلال مطرح شود که شاید انسان در صورت موفقیت کامل در آگاهی به کریشنا به بالاترین کمال نائل آید، ولی در صورت عدم موفقیت، هم از نظر مادی و هم از نظر روحانی دچار خسران خواهد شد. در کتب مقدس آمده است که در صورت عدم انجام وظایف تجویز شده انسان باید بار رنج بازتاب آنها را بر دوش کشد؛ بنابراین کسی که موفق نشود فعالیتهای روحانی خود را به درستی انجام دهد در معرض این واکنشها قرار می‌گیرد. بهاگاواتام به حق‌جوی ناموفق اطمینان می‌دهد که جای هیچ گونه نگرانی نیست؛ حتی در صورتی که به علت عدم انجام وظایف تجویز شده در معرض این گونه واکنشها نیز قرار گیرد، باز هم بازنده نیست، زیرا این طریق خداشناسی یا کریشنا آگاهی پاک و خجسته هیچگاه فراموش نمی‌شود و کسی که در چنین راهی پا نهاده باشد، حتی چنانچه در زندگی بعد تولدی فرو مرتبه بیابد، مجدداً به این راه ادامه خواهد داد. از طرف دیگر، کسی که با دقت و جدیت فقط وظایف تجویز شده را انجام دهد، ولی آگاه به کریشنا نباشد، لزوماً به نتایج فرخنده و خجسته دست نمی‌یابد.

نوع بشر را می‌توان دو دسته کرد: دسته‌ای که از قواعد و قوانین تنظیم کننده پیروی می‌کنند و دسته‌ای که قواعد و قوانین تنظیم کننده را مراعات نمی‌کنند. آنان که بدون دانش نسبت به زندگی بعدیا عدم آگاهی از رستگاری روحانی فقط مشغول کامجویی حیوانی‌اند به دسته خارج از قواعد و قوانین تعلق دارند و آن کسانی که از اصول وظایف تجویز شده در کتب مقدس پیروی می‌کنند، در بخش پیرو قواعد و قوانین دسته‌بندی می‌شوند. دسته خارج از قواعد و قوانین، چه متمدن و چه غیر متمدن، تحصیل کرده یا تحصیل نکرده، قوی یا ضعیف، به هر حال مملو از تمایلات حیوانی و نفسانی‌اند. و فعالیتهایشان هیچگاه خجسته و مطهر نیست، زیرا با لذت‌جویی صرف از تمایلات حیوانی همچون خوردن، خوابیدن، دفاع کردن و رابطه جنسی همواره در موجودیت مادی که همیشه پر از رنج و مصیبت است باقی می‌مانند. از طرف دیگر، آن کسانی که پیرو قواعد و قوانین الهی در کتب مقدس هستند و بدین سان به تدریج به مرحله آگاهی به کریشنا صعود می‌کنند، قطعاً در زندگی پیشرفت می‌نمایند.

و اما کسانی که راه پاکی و خجستگی را دنبال می‌کنند، می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

پیروان قواعد و قوانین کتب مقدس که از موفقیت و سعادت مادی لذت می‌برند.

آن کسانی که می‌کوشند به رهایی نهایی از موجودیت مادی نائل آیند.

آنان که عابدانی در کریشناآگاهی‌اند.

آن کسانی را که به منظور کسب خوشبختی مادی از قواعد و قوانین کتب مقدس پیروی می‌کنند، می‌توان خود به دو بخش تقسیم کرد: کسانی که برای اجر و ثمر کار می‌کنند و کسانی که هیچ گونه ثمری برای کامجویی نمی‌خواهند. کسانی که برای کامجویی به دنبال نتایج اعمال ثمرجویانه‌اند ممکن است به سطوح برتری از حیات و حتی به سیارات فوقانی ارتقاء یابند، ولی با این حال چون از ورطه موجودیت مادی رهایی نیافته‌اند، هنوز از راه پاکی و خجستگی حقیقی پیروی نمی‌کنند. تنها فعالیتهای خجسته و فرخنده آنهایی است که انسان را به رهایی و رستگاری رهنمون می‌سازد. هر گونه فعالیتی که به هدف خودشناسی نهایی یا رهایی از دیدگاه مادی حیات صورت نگیرد، به هیچ وجه پاک و خالص نیست. تنها فعالیت فرخنده و مبارک، عمل در آگاهی به کریشناست و کسی که داوطلبانه کلیه راحتیهای زندگی را به خاطر پیشرفت در کریشناآگاهی فدا سازد را می‌توان حق‌جوی کاملی که تحت ریاضت شدید است خواند. باید در نظر داشت چون روش یوگای هشتگانه نیز به سمت معرفت نهایی

کریشنا آگاهی سوق دارد، پاک و خجسته است و هر کسی که کوشش خود را به بهترین وجه در این راه به کار می‌بندد، نباید از فرو افتادن یا تنزل مرتبه بیمی به دل راه دهد.

## آیه ۴۱

*prāpya puṇya-kṛtāṁ lokān*
*uṣitvā śāśvatīḥ samāḥ*
*śucīnāṁ śrīmatāṁ gehe*
*yoga-bhraṣṭo 'bhijāyate*

*prāpya*: پس از نائل شدن به ـ *puṇya-kṛtām*: مربوط به آن کسانی که اعمال پرهیزکارانه انجام داده‌اند ـ *lokān*: سیارات ـ *uṣitvā*: پس از اقامت کردن و زندگی کردن ـ *śāśvatīḥ*: بسیار ـ *samāḥ*: سالها ـ *śucīnām*: مربوط به پرهیزکاران ـ *śrī-matām*: مربوط به کسانی که خوشبخت و کامیاب‌هستند ـ *gehe*: در خانه ـ *yoga-bhraṣṭaḥ*: کسی که از راه خودشناسی سقوط کرده است ـ *abhijāyate*: تولد خود را می‌یابد.

## ترجمه

**یوگی ناموفق پس از سالیان متمادی لذت بردن در سیارات موجودات پرهیزکار، در یک خانواده متقی و صالح یا در یک خانواده نجیب ثروتمند تولد می‌یابد.**

## شرح

یوگیهای ناموفق به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست کسانی که پس از پیشرفت اندکی فرو افتاده‌اند و دیگر کسانی که پس از تلاش بسیار طولانی در یوگا سقوط کرده‌اند. آن یوگیی که پس از مدت کوتاهی در تمرین یوگا فرو می‌افتد به سیارات فوقانی، جایی که موجودات پرهیزکار حق ورود به آن را دارند، رهنمون می‌شود و پس از سپری نمودن زندگیی طولانی در آنجا دوباره به سیاره زمین بازمی‌گردد تا در یک خانواده باتقوای براهمانا وایشناوا یا وایشیای اصیل و ثروتمند تولد یابد.

هدف حقیقی از تمرین یوگا، همان گونه که در آخرین آیه این فصل ذکر گردیده، رسیدن به بالاترین کمال در آگاهی به کریشناست. ولی آنان که تا رسیدن به سرحد این کمال نمی‌توانند استقامت کنند و تحت تأثیر وسوسه‌های مادی و افسون جاذبه‌های دنیوی با شکست مواجه می‌شوند به لطف خداوند این فرصت به آنان داده می‌شود که بتوانند تمایلات مادی خود را کاملا برآورده سازند. سپس فرصتهایی در اختیار آنان گذارده می‌شود که در خانواده‌های صالحان و پرهیزکاران یا نجیب‌زادگان زندگیهای موفق و مرفهی را سپری کنند. کسانی که در چنین خانواده‌هایی تولد می‌یابند این امکان را پیدا می‌کنند تا از تسهیلات آنان بهره‌مند گردند و بکوشند خود را در آگاهی کامل به کریشنا ارتقاء دهند.

## آیه ۴۲

*atha vā yoginām eva*
*kule bhavati dhīmatām*
*etad dhi durlabhataraṁ*
*loke janma yad īdṛśam*

*atha vā*: یا ـ *yoginām*: مربوط به حق‌جویان دانا ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *kule*: در خانواده ـ *bhavati*: تولد می‌یابد ـ *dhī-matām*: مربوط به آن کسانی که از حکمت و معرفت بسزایی برخوردارند ـ *etat*: این ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *durlabha-taram*: بسیار نادر ـ *loke*: در این جهان ـ *janma*: تولد ـ *yat*: آن که ـ *īdṛśam*: همانند این.

## ترجمه

**یا (چنانچه پس از تلاش بسیار طولانی در یوگا ناموفق باشد) در خانواده حکیمان حق‌جو و برجسته در معرفت و خودشناسی زاده می‌شود که البته به دست آوردن چنین تولدی در این جهان بسیار نادر است.**

## شرح

تولد در خانواده یوگیها یا حق‌جویان – کسانی که حکمت و معرفت والایی دارند – در اینجا ستایش شده است، زیرا فرزندی که در چنین خانواده‌ای تولد یابد، از همان اوان کودکی انگیزه قوی روحانی کسب می‌کند. این نکته بخصوص در مورد خانواده‌های آچاریا یا گوسوامی صادق است. اعضای چنین خانواده‌هایی به موجب سنت و تربیت خود بسیار دانا و عابدند و از این رو برای هدایت و ارشاد مردم در منصب پیر روحانی قرار می‌گیرند. در هندوستان این گونه خانواده‌های آچاریا بسیار یافت می‌شود، ولی اکنون به علت عدم وجود تعلیم و تربیت کافی افراد آنها به مرور تنزل کرده و به انحطاط کشیده شده‌اند. اما همیشه به لطف و مرحمت خداوند خانواده‌های معدودی وجود خواهد داشت که نسل بعد از نسل اشخاص حق‌پرست پرورش دهند. واقعاً مایه خوشبختی بسیار است که انسان در چنین خانواده‌هایی تولد یابد. خوشبختانه هم پیر روحانی ما، حضرت امویشنوپادا شری شریماد بهاکتی‌سیدهانتا سارسواتی گوسوامی ماهاراجا، و همچنین بنده حقیر به شکرانه لطف و رحمت خداوند این موهبت نصیبمان گردید که در چنین خانواده‌هایی تولد یابیم و هر دوی ما از همان آغاز زندگیمان در عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه به خداوند تعلیم یافتیم و تربیت شدیم و کمی بعد بر طبق مشیت ربانی یکدیگر را ملاقات نمودیم.

## آیه ۴۳

*tatra taṁ buddhi-saṁyogaṁ*
*labhate paurva-dehikam*
*yatate ca tato bhūyaḥ*
*saṁsiddhau kuru-nandana*

*tatra*: در نتیجه ـ *tam*: آن ـ *buddhi—saṁyogam*: احیای مجدد آگاهی ـ *labhate*: به دست می‌آورد ـ *paurva—dehikam*: از بدن پیشین ـ *yatate*: او تلاش می‌کند ـ *ca*: همچنین ـ *tataḥ*: پس‌از آن ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *saṁsiddhau*: به منظور کمال ـ *kuru—nandana*: ای پسر کورو.

## ترجمه

**ای فرزند کورو، به موجب چنین تولدی او آگاهی الهی زندگی قبلیش را احیاء می‌نماید و بار دیگر می‌کوشد تا پیشرفت بیشتری در راه نیل به موفقیت کامل حاصل نماید.**

## شرح

پادشاه بـهاراتا که سومین تولدش در یک خانواده براهـمانای صالح و پاک به وقوع پیوست، می‌تـواند نمـونه بارزی از یک تولد نـیک و مطـلوب برای احـیای آگاهی روحـانی گذشـته شخص را ارائه دهد. پادشاه بـهاراتا امپراتور سراسر جهان بود و از سلطنت او به بعد است که کره زمین در مـیان فرشـتـگان به نام "بـهاراتا ـ وارشا" معـروف شد. لازم به ذکر است که زمـین سابقاً به نام "ایلاوریـتا ـ وارشا" معـروف بوده است. امپراتور در سنین جوانی به منظور دستیابی به کمال روحانی از فرمانروایی کناره‌گیری کرد، ولی نتوانست به موفقیت کامل نائل گردد. بدین ترتیب در زندگی بعدش در یک خانواده براهمانای نیک‌سرشت تولد یافت و چون همواره در گوشه عزلت و خلوت به تنهایی بسر می‌برد و با کسی سخن نمی‌گفت به نام "جادا بهاراتا" معروف شد. بعدها پادشاه راهوگانا او را به عنوان بزرگترین حق‌جو کشف کرد. زندگی او بیانگر این حقیقت است که تلاش و کوشش روحانی یا تمرین یوگا هیچگاه بیهوده و بی‌ثمر نمی‌ماند، بلکه به شکرانه لطف پروردگار حق‌جویان از فرصتهای مکرری برای رسیدن به کمال در آگاهی به کریشنا برخوردار می‌گردند.

## آیه ۴۴

*pūrvābhyāsena tenaiva*
*hriyate hy avaśo 'pi saḥ*
*jijñāsur api yogasya*
*śabda-brahmātivartate*

***pūrva***: پیشین ـ ***abhyāsena***: به وسیله تمرین ـ ***tena***: به وسیله آن ـ ***eva***: حتماً، محققاً ـ ***hriyate***: جذب می‌شود ـ ***hi***: یقیناً، مطمئناً ـ ***avaśaḥ***: به خودی خود ـ ***api***: همچنین ـ ***saḥ***: او ـ ***jijñāsuḥ***: کنجکاو ـ ***api***: حتی ـ ***yogasya***: درباره یوگا ـ ***śabda—brahma***: اصول آئینی کتب مقدس، شعائر مذهبی کتب مقدس ـ ***ativartate***: فرا می‌رود.

## ترجمه

**او به برکت آگاهی الهی کسب شده در زندگی گذشته‌اش، خود به خود جذب اصول یوگایی می‌گردد، حتـی بی‌آنکه آنها را جستجو کند. چنین حق‌جوی کنجکاوی همواره فراتر از اصول آئینی کتب مقدس قرار دارد.**

## شرح

یوگیهای پیشرفته چندان مجذوب مراسم و مناسک کتب مقدس نیستند، اما خود به خود شیفته اصول یوگا می‌شوند که بدین ترتیب آنها را به بالاترین کمال یوگا، یعنی آگاهی کامل به کریشنا، ارتقاء می‌دهد. در شریماد– بهاگاواتام (۷/۳۳/۳) از این گونه بی‌توجهی و بی‌اعتنایی که حق‌جویان پیشرفته نسبت به مراسم و مناسک ودایی ابراز می‌دارند، چنین توصیف به عمل آمده است:

*aho bata śva-paco 'to garīyān*
*yaj-jihvāgre vartate nāma tubhyam*
*tepus tapas te juhuvuḥ sasnur āryā*
*brahmānūcur nāma gṛṇanti ye te*

"پروردگارا! اشخاصی که اسماء مقدس شخصیت ربانی تو را ذکر می‌کنند، حتی اگر در خانواده‌های سگ‌خور زاده شده باشند، در زندگی روحانی، چه بسیار پیشرفته‌اند. چنین ذاکرانی بدون تردید تمام انواع ریاضتها و قربانیها را بجا آورده‌اند، و در تمام مکانهای مقدس استحمام نموده‌اند، و تمام مطالعات کتب مقدس را به اتمام رسانیده‌اند."

در اینجا به عنوان مصداق این امر می‌توان به مثال مشهور هاری داسا تهاکورا که یکی ازبرجسته‌ترین پیروان خداوند چیتانیا بود اشاره کرد. با اینکه تهاکورا هاری داسا در یک خانواده مسلمان زاده شده بود، ولی از سوی خداوند چیتانیا به علت پرداختن دقیق و جدی به ذکر روزانه سیصدهزار بار نام مقدس خدا به مقام ناماچاریا (آچاریای نام مقدس) ارتقاء یافت. ذکر نامبرده شده بدین صورت است: هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره. و چون ذکر نام مقدس خداوند پیوسته بر زبان او جاری بود، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که باید در زندگی پیشین خود کلیه شعائر مذهبی و مراسم آئینی وداها معروف به شابدا ـ برهما را پشت سر گذاشته باشد. بنابراین، مادامی که انسان پاک نشده و تزکیه نکرده باشد، نمی‌تواند اصول آگاهی به کریشنا را اختیار نماید و یا مشغول ذکر اسماء مقدس خداوند، یعنی هاره کریشنا، گردد.

## آیه ۴۵

*prayatnād yatamānas tu*
*yogī saṁśuddha-kilbiṣaḥ*
*aneka-janma-saṁsiddhas*
*tato yāti parāṁ gatim*

*prayatnāt*: به وسیله تمرین سخت و جدی ـ *yatamānaḥ*: تلاش کردن، کوشش کردن ـ *tu*: و ـ *yogī*: چنین حق‌جویی ـ *saṁśuddha*: پاک شده ـ *kilbiṣaḥ*: از تمام انواع گناهانش ـ *aneka*: پس ازبسیار بسیار ـ *janma*: تولدها ـ *saṁsiddhaḥ*: نائل شدن به کمال ـ *tataḥ*: از آن پس ـ *yāti*: می‌رسد ـ *parām*: بالاترین ـ *gatim*: مقصد.

## ترجمه

**و هنگامی که یوگی وجود خویش را در این راه با کوشش صادقانه به منظور پیشرفت بیشتر نثار می‌کند، با تطهیر شدن از تمام آلودگیها، و در نهایت با نائل شدن به کمال پس از پشت سر گذاردن تمرینهای متمـادی در تولدهای بسیار بسیار زیاد، به هدف غایی دست می‌یابد.**

## شرح

شخصی که بخصوص در یک خانواده ثروتمند پارسا و یا در یک خانواده مقدس تولد می‌یابد، به موقعیت مطلوب خود برای انجام تمرین یوگا واقف می‌گردد. بنابراین او با عزم راسخ وظیفه ناتمام خود را از نو آغاز می‌کند و بدین سان وجود خویش را کاملا از تمام آلودگیهای مادی تطهیر می‌کند. سرانجام هنگامی که او از هر گونه آلودگی مبری گشت، به سرحد کمال، یعنی آگاهی به کریشنا دست می‌یابد. کریشنا آگاهی مرحله کامل رها شدن از تمام آلودگیهاست. این نکته دربهاگاواد–گیتا (۲۸/۷) تأیید شده است:

*yeṣāṁ tv anta-gataṁ pāpaṁ*
*janānāṁ puṇya-karmaṇām*
*te dvandva-moha-nirmuktā*
*bhajante māṁ dṛḍha-vratāḥ*

"هنگامی که انسان با انجام اعمال متقیانه در تولدهای پیاپی کاملا از هر گونه آلودگی و کلیه دوگانگیهای توهمی رها شد، وقف خدمت عاشقانه روحانی به خداوند می‌گردد."

## آیه ۴۶

*tapasvibhyo 'dhiko yogī*
*jñānibhyo 'pi mato 'dhikaḥ*
*karmibhyaś cādhiko yogī*
*tasmād yogī bhavārjuna*

*tapasvibhyaḥ*: از زاهدان ـ *adhikaḥ*: بزرگتر ـ *yogī*: یوگی ـ *jñānibhyaḥ*: از اهل عقل و خرد ـ *api*: همچنین ـ *mataḥ*: در نظر گرفته شده ـ *adhikaḥ*: بزرگتر ـ *karmibhyaḥ*: از کسانی که برای اجر و ثمر کار می‌کنند ـ *ca*: همچنین ـ *adhikaḥ*: بزرگتر ـ *yogī*: یوگی ـ *tasmāt*: بنابراین ـ *yogī*: حق‌جو ـ *bhava*: فقط بشو ـ *arjuna*: ای آرجونا.

## ترجمه

**یوگی برتر از زاهد ریاضت‌کش، برتر از فیلسوف (اهل روش نظری) و برتر از کسانی است که برای اجـر و ثمر کار می‌کنند. بنابراین، ای آرجونا، در تمام شرایط یوگی باش.**

## شرح

هنگامی که ما از یوگا سخن می‌گوییم، منظور اتصال آگاهیمان با حقیقت مطلق متعال است. این روند بر حسب طرق خاصی که رهروان گوناگون در پیش گرفته‌اند با اسامی مختلف خوانده می‌شود. هنگامی که جریان اتصال بیشتر بر فعالیتهای ثمرجویانه متمرکز است، کارما ـ یوگا، زمانی که بیشتر مبتنی بر فلسفه محض است، گیانا ـ یوگا و موقعی که بیشتر حول محور رابطه عابدانه و عاشقانه با خداوند متعال دور می‌زند، بهاکتی- یوگا خوانده می‌شود. بهاکتی- یوگا، یا آگاهی به کریشنا، همان‌گونه که در آیه بعد توضیح داده خواهد شد، کمال نهایی تمام یوگاها است. خداوند در این آیه فضیلت و برتری یوگا را تأیید فرموده است، لیکن آن را بهتر از بهاکتی- یوگا ندانسته است. بهاکتی- یوگا عبارت است از معرفت کامل روحانی، بنابراین هیچ چیز نمی‌تواند بر آن رجحان داشته باشد. زهد و ریاضت بدون دانش ذات ناکامل است. دانش نظری بدون تسلیم شدن به خداوند متعال نیز ناقص است. و همچنین کار برای اجر و ثمر بدون آگاهی به کریشنا اتلاف وقت محسوب می‌شود. از این رو، آن والاترین و ستوده‌ترین شکل یوگا که در اینجا از آن سخن به میان رفته است، بهاکتی- یوگا می‌باشد که این نکته با بیان روشن‌تری در آیه بعد توضیح داده خواهد شد.

## آیه ۴۷

yogināṁ api sarveṣāṁ
mad-gatenāntar-ātmanā
śraddhāvān bhajate yo māṁ
sa me yuktatamo mataḥ

*yoginām*: مربوط به یوگیها ـ *api*: همچنین ـ *sarveṣām*: تمام انواع مربوط به ـ *mat—gatena*: باقی ماندن یا مأوا گزیدن در من، همواره در فکر من بودن ـ *antaḥ—ātmanā*: در درون خویش ـ *śraddhā—vān*: با ایمان کامل ـ *bhajate*: خدمت عاشقانه روحانی عطا می‌کند ـ *yaḥ*: کسی که ـ *mām*: به من (خداوند متعال) ـ *saḥ*: او ـ *me*: به وسیله من ـ *yukta—tamaḥ*: بزرگترین یوگی ـ *mataḥ*: محسوب می‌گردد.

## ترجمه

**و از میان تمام یوگیها، آن که با ایمان راسخ همواره در من مأوا می‌گزیند، در درون خود به من فکر می‌کند، و خدمت عاشقانه روحانی به من نثار می‌کند، با نزدیکترین و صمیمانه‌ترین وجه در یوگا به من متصل شده است و والاتر از همه می‌باشد. این نظر من است.**

## شرح

در این آیه لغت بهاجاته حائز اهمیت است. ریشه لغوی آن در فعل بهاج می‌باشد که به مفهوم خدمت و طاعت است. واژه انگلیسی *worship* را نمی‌توان دقیقاً معادل مفهوم بهاج *bhaj* استفاده کرد. *worship* یعنی ستایش کردن، احترام گذاردن و عزت قائل شدن به یک شخص ارزشمند. ولی خدمت و طاعت توأم با عشق و ایمان بالاخص مناسب شخصیت متعال خداوند است. ممکن است شخص با امتناع از ستایش کردن فرشته یا شخص حائز احترامی بی‌نزاکت خوانده شود، در حالی که با اجتناب از طاعت و خدمت خداوند متعال کاملا محکوم می‌گردد. وظیفه هر موجود زنده، به عنوان جزء و ذره‌ای لاینفک از شخصیت اعلای خداوند، به اقتضای فطرتش، خدمت به پروردگار متعال است. موجود زنده‌ای که از عهده انجام این مهم برنیاید، سقوط می‌کند و بهاگاواتام (۳/۵/۱۱) این موضوع را بدین گونه تأیید می‌نماید:

*ya eṣāṁ puruṣaṁ sākṣād*
*ātma-prabhavam īśvaram*
*na bhajanty avajānanti*
*sthānād bhraṣṭāḥ patanty adhaḥ*

"کسی که طاعت و خدمت نمی‌کند و از انجام وظیفه‌اش به خداوند ازلی که منشأ تمام موجودات زنده است غفلت می‌ورزد، مسلماً از موقعیت فطری خویش سقوط خواهد کرد."

در این آیه نیز واژه بهاجانتی استفاده شده است. بنابراین بهاجانتی فقط برای خداوند متعال قابل استفاده است، در حالی که لغت *worship* را می‌توان در مورد فرشتگان یا هر موجود زنده معمولی دیگری استفاده نمود. واژه آواجانانتی که در این آیه شریماد-بهاگاواتام استفاده شده، در بهاگاواد-گیتا نیز به چشم می‌خورد.

*Avajānanti māṁ mūḍhāḥ*

"تنها ابلهان و نادانان شخصیت اقدس پروردگار، خداوند کریشنا را استهزاء می‌کنند." چنین ابلهانی به خود اجازه می‌دهند بی‌آنکه حالتی سرشار از خدمت به خداوند داشته باشند، بر بهاگاواد-گیتا شرح بنویسند. در نتیجه آنها نمی‌توانند به درستی تفاوت بین واژه بهاجانتی و *worship* را تشخیص دهند.

ماحصل تمام تمرینات مختلف یوگا در بهاکتی- یوگا نهفته است. بدین معنی که تمام یوگاهای دیگر تنها راههایی هستند برای رسیدن به بهاکتی- یوگا. یوگا در واقع یعنی بهاکتی- یوگا؛ تمام یوگاهای دیگر به منزله راههایی هستند که به سرمنزل مقصود، یعنی بهاکتی- یوگا، منتهی می‌شوند. از آغاز کارما ـ یوگا تا پایان بهاکتی- یوگا راهی طولانی در مسیر خودشناسی است. کارما ـ یوگا، به مفهوم عدم چشمداشت به نتایج ثمرجویانه، آغاز این راه است. هنگامی که کارما ـ یوگا به دانش و انقطاع منتج می‌شود، گیانا ـ یوگا حاصل می‌گردد. زمانی که گیانا ـ یوگا به تمرکز بر روح متعال از طریق شیوه‌های مختلف جسمانی منجر و ذهن معطوف خداوند می‌گردد، آشتانگا ـ یوگا آغاز می‌شود. و هنگامی که انسان از مرحله آشتانگا ـ یوگا فراتر می‌رود و به شناخت شخصیت متعال خداوند کریشنا می‌رسد، آن مرحله بهاکتی- یوگا خوانده می‌شود، یعنی اوج اعلی. در واقع بهاکتی- یوگا آرمان نهایی است، ولی انسان برای تحلیل دقیق بهاکتی- یوگا باید یوگاهای دیگر را نیز بشناسد. بنابراین آن یوگیی که

در حال پیشرفت است در راه حقیقی سعادت جاودان می‌باشد. ولی زمانی که در یکی از مراحل ذکر شده، تحول خود را متوقف سازد و پیشرفت بیشتری نکند، با توجه به مرحله‌ای که در آن ثابت مانده است کارما ـ یوگی، گیانا ـ یوگی، دهیانا ـ یوگی، راجا ـ یوگی، هاتها ـ یوگی و غیره خوانده می‌شود. اگر کسی چنان خوشبخت باشد که به مرحله بهاکتی- یوگا پا نهد باید درک شود که تمام یوگاهای دیگر را پشت سر نهاده است. بنابراین، کریشنا آگاه شدن بالاترین مرحله یوگا است، همان گونه که ما وقتی از هیمالیا صحبت می‌کنیم به مرتفعترین کوههای جهان اشاره داریم که بلندترین قله‌اش اورست است که در اوج آن قرار دارد.
این سعادت بزرگی است که انسان در راه بهاکتی- یوگا به کریشنا آگاهی برسد و طبق تعالیم ودایی در موقعیت صحیح قرار گیرد. به هر تقدیر، یوگی کامل و ایده‌آل توجهش را روی کریشنا متمرکز می‌کند که شیاماسوندارا خوانده می‌شود؛ رنگ رخسارش به زیبایی ابر نیلگون است، صورت نیلوفرینش همچون خورشید می‌درخشد، جامه الهیش با جواهرات درخشان تزئین شده، و بدن‌متعالش به حلقه گل مزین است. جمله هستی با روشنایی انوار ذاتی درخشنده‌اش به نام برهما جیوتی منور گشته است. او به صورتهای مختلف مانند راما، نریسیمها، واراها و همچنین در شکل روحانی اصلی خود یعنی کریشنا، شخصیت اعلای خداوند ظهور می‌کند. او همچون یک انسان به صورت پسر مادر یاشودا هبوط می‌کند و به نامهای کریشنا، گوویندا و واسودوا معروف است. خداوند نقش فرزند، همسر، دوست و پیر یا ارباب را می‌پذیرد که این نقشها همانند خود او کامل و مطلق است. اوست که مملو از تمام توانگریها و برخوردار از صفات متعال است. اگر انسان بتواند این وجوه خداوند را همیشه در آگاهی خود حفظ نماید، بالاترین یوگی خوانده می‌شود.
این مرحله اعلای کمال در یوگا، همان گونه که در کلیه متون مقدس ودایی تأیید شده، به وسیله بهاکتی- یوگا قابل حصول است:

*yasya deve parā bhaktir*
*yathā deve tathā gurau*
*tasyaite kathitā hy arthāḥ*
*prakāśante mahātmanaḥ*

"تنها برای آن ارواح بزرگی که ایمان خدشه‌ناپذیر به خداوند و پیر روحانی، هر دو، دارند مفاهیم دانش ودایی به خودی خود فاش خواهد شد." (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۲۳/۶)

*Bhaktir asya bhajanaṁ tad ihāmutropādhi-nairāsyenāmuṣmin manaḥ-kalpanam, etad eva naiṣkarmyam*

"بهاکتی یعنی خدمت عابدانه و عاشقانه به خداوند که مبری از هر گونه خواسته و آرزو برای نفع مادی، چه در این زندگی و چه در زندگی بعد، باشد. انسان باید عاری از چنین تمایلاتی ذهنش را کاملا معطوف و مجذوب متعال نماید. این است هدف و مقصود نایشکارمیا."(گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۱۵/۱)
اینها برخی از راههایی است برای انجام بهاکتی، یا کریشنا آگاهی که مرحله اعلای کمال در روش یوگا محسوب می‌شود.
بدین سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل ششم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "دهیانا ـ یوگا" پایان می‌یابد.

# فصل هفتم

# شناخت مطلق

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*mayy āsakta-manāḥ pārtha*
*yogaṁ yuñjan mad-āśrayaḥ*
*asaṁśayaṁ samagraṁ māṁ*
*yathā jñāsyasi tac chṛṇu*

*śrī-bhagavān uvāca*: خداوند متعال فرمود ـ *mayi*: به من ـ *āsakta-manāḥ*: ذهن دلبسته شده ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *yogam*: خودشناسی ـ *yuñjan*: تمرین کردن ـ *mat-āśrayaḥ*: درآگاهی به من (کریشنا آگاهی) ـ *asaṁśayam*: بدون شک و تردید ـ *samagram*: کاملا ـ *mām*: مرا ـ *yathā*: چگونه، چطور ـ *jñāsyasi*: می‌توانی بشناسی ـ *tat*: آن ـ *śṛṇu*: سعی کن بشنوی.

## ترجمه

**خداوند متعال فرمود: اکنون بشنو، ای پسر پریتها، که چگونه با انجام یوگا در آگاهی کامل به من، در حالی که ذهنت به من دلبسته است، می‌توانی عاری از هر گونه شک و تردید مرا کاملا بشناسی.**

## شرح

در فصل هفتم بهاگاواد-گیتا، حقیقت کریشنا آگاهی کاملا توصیف شده است. کریشنا مملو از تمامی توانگریهاست و اینکه چگونه این توانگریها را متجلی می‌کند در اینجا وصف شده است. در این فصل همچنین چهار دسته از مردم خوشبختی که به کریشنا دلبسته می‌گردند و چهار دسته مردم نگون‌بختی که هیچگاه به سوی کریشنا کشیده نمی‌شوند، توصیف شده‌اند.

در شش فصل اول بهاگاواد-گیتا موجود زنده به عنوان گوهری روحانی و غیر مادی که قادر است خود را به وسیله انواع یوگاهای مختلف در طریق خودشناسی تعالی بخشد توصیف شده و در انتهای فصل ششم صریحاً بیان شده است که توجه و تمرکز ثابت ذهن بر کریشنا، یا به عبارت دیگر آگاهی به کریشنا کاملترین و بالاترین شکل انواع یوگا می‌باشد. با توجه و تمرکز ذهن بر کریشنا، انسان قادر می‌گردد حقیقت مطلق را کاملا بشناسد و به جز این روش راه دیگری وجود ندارد. شناخت برهما جیوتی یا جنبه فاقد شخصیت خداوند یا شناخت پارام آتمای حاضر در همه جا، دانش و شناخت کاملی از حقیقت مطلق را به دست نمی‌دهد، زیرا هر یک از آنها فقط بخشی از دانش کامل را در بر می‌گیرد. باید خاطر نشان ساخت که شناخت علمی و دانش کامل در گرو معرفت کریشناست و بدین ترتیب همه چیز برای شخصی که در آگاهی به کریشناست آشکار می‌شود. در آگاهی کامل به کریشناست که انسان درک می‌کند که معرفت کریشنا آن دانش نهایی است که در ورای هر گونه شک و تردید قرار دارد. انواع مختلف یوگا تنها به منزله سنگ بناهایی در راه آگاهی به کریشنا می‌باشد. کسی که مستقیماً در راه کریشنا

آگاهی پا می‌نهد خود به خود شناخت کامل برهما جیوتی و پارام آتما نیز برای او میسر می‌گردد. با انجام یوگای کریشنا آگاهی، انسان می‌تواند همه چیز را یعنی حقیقت مطلق، موجودات زنده، طبیعت مادی و تجلیات آنها را همراه با متعلقاتشان کاملا بشناسد.

بنابراین انسان باید انجام یوگا را همان گونه که در آخرین آیه فصل ششم تعلیم داده شد آغاز کند. اما توجه و تمرکز ذهن بر کریشنا، یعنی آن حقیقت متعال، از طریق نه روش عبادت عاشقانه یا خدمت خالصانه امکان‌پذیر می‌شود که در میان آنها شراوانام نخستین و مهمترین محسوب می‌گردد.از این روست که خداوند به آرجونا می‌فرماید: تاچ چهرینو (*tac chṛṇu*) یعنی "از من بشنو". هیچکس نمی‌تواند مرجعی برتر از کریشنا باشد، و بنابراین انسان با شنیدن از خداوند یا استماع کلام او بهترین فرصت را می‌یابد که کریشنا آگاه کامل شود. در نتیجه انسان باید مستقیماً از کریشنا یا عابد پاک کریشنا بشنود و تبعیت کند، و نه از غیر عابدی که به تحصیلات دانشگاهی خود می‌بالد و احساس غرور می‌کند.

در فصل دوم، جزء اول شریماد- بهاگاواتام، روند درک کریشنا، شخصیت متعال خداوند و حقیقت مطلق چنین توصیف شده است:

*śṛṇvatāṁ sva-kathāḥ kṛṣṇaḥ*
*puṇya-śravaṇa-kīrtanaḥ*
*hṛdy antaḥ-stho hy abhadrāṇi*
*vidhunoti suhṛt satām*

*naṣṭa-prāyeṣv abhadreṣu*
*nityaṁ bhāgavata-sevayā*
*bhagavaty uttama-śloke*
*bhaktir bhavati naiṣṭhikī*

*tadā rajas-tamo-bhāvāḥ*
*kāma-lobhādayaś ca ye*
*ceta etair anāviddhaṁ*
*sthitaṁ sattve prasīdati*

*evaṁ prasanna-manaso*
*bhagavad-bhakti-yogataḥ*
*bhagavat-tattva-vijñānaṁ*
*mukta-saṅgasya jāyate*

*bhidyate hṛdaya-granthiś*
*chidyante sarva-saṁśayāḥ*
*kṣīyante cāsya karmāṇi*
*dṛṣṭa evātmanīśvare*

"استماع درباره کریشنا از طریق متون مقدس ودایی، یا مستقیماً گوش فرا دادن به آموزشهای خداوند از طریق بهاگاواد-گیتا خود کار صالحانه و نیکی است. خداوند کریشنا که درون قلب همه حضور دارد، برای کسی که درباره کریشنا می‌شنود، مانند بهترین دوست خیرخواه عمل می‌کند و آن عابد را که پیوسته مشغول شنیدن درباره اوست تزکیه می‌نماید. عابد به همان نسبت که از بهاگاواتام و عابدان خدا، بیشتر درباره کریشنا می‌شنود، در خدمت به او استوارتر می‌گردد. شخص با تکامل خدمت عابدانه

از گونه‌های شهوت و جهل آزاد می‌شود و بدین سان حرص و طمع دنیوی و امیال نفسانی و شهوانی از وجود او رخت برمی‌بندد. سالک هنگامی که از این آلودگیها پاک شد، در موقعیت حقیقی خود، یعنی نیکی خالص، استوار می‌ماند و با خدمت عابدانه زنده می‌شود و علم معرفت خدا را کاملا درک می‌نماید. بدین ترتیب بهاکتی- یوگا گره محکم علایق و عواطف مادی را قطع می‌کند و بی‌درنگ انسان را قادر می‌سازد به مرحله آسامشایام ساماگرام*asaṁśayaṁ-samagram* یعنی درک شخصیت حقیقت مطلق یا خداوند متعال نائل آید.» (بهاگاواتام ۱۷/۲/۱-۲۱)

بنابراین، فقط با شنیدن از کریشنا یا عابد او که در آگاهی به کریشناست، انسان می‌تواند علم شناخت کریشنا را درک نماید.

## آیه ۲

*jñānaṁ te 'haṁ sa-vijñānam*
*idaṁ vakṣyāmy aśeṣataḥ*
*yaj jñātvā neha bhūyo 'nyaj*
*jñātavyam avaśiṣyate*

*jñānam*: دانش طبیعیات - دانش نمود *jñānam*: به تو ـ *aham*: من ـ *sa*: با ـ *vijñānam*: دانش الهیات - دانش بود *idam*: این ـ *vakṣyāmi*: توضیح خواهم داد ـ *aśeṣataḥ*: به طور کامل ـ *yat*: که ـ *jñātvā*: دانستن، شناختن ـ *na*: نه ـ *iha*: در این جهان ـ *bhūyaḥ*: اضافه بر این، بیشتر ـ *anyat*: هیچ چیز دیگر ـ *jñātavyam*: دانستنی، شناختنی ـ *avaśiṣyate*: باقی می‌ماند.

## ترجمه

**اکنون من این دانش را کامل و از هر دو جنبه طبیعیات و الهیات برایت بازگو می‌کنم که با دانستن آن دیگر چیزی ناشناخته برایت باقی نخواهد ماند.**

## شرح

دانش کامل شامل دانش مربوط به عالم کائنات، روحی که ورای آن است، و منشأ هر دو می‌باشد. همانا این، دانش متعال و روحانی است. خداوند می‌خواهد اصول دانش را که در فوق ذکر شد توضیح دهد، زیرا آرجونا دوست و مرید محرم کریشناست. در آغاز فصل چهارم نیز این توضیح از طرف خداوند داده شد و در اینجا دوباره تأکید می‌گردد: تنها عبد و مرید خداوند - در سلسله پیران - است که می‌تواند دانش کامل را مستقیماً از خداوند دریافت نماید. بنابراین شخص باید آنچنان خردمند باشد که منشأ تمام دانش را که علت‌العلل و تنها هدف مدی‌تیشن در انواع تمرینات یوگا می‌باشد بشناسد. وداها (مونداکا اوپانیشاد ۳/۱) می‌گوید:

*kasminn u bhagavo vijñāte sarvam idaṁ vijñātaṁ bhavati*

زمانی که علت تمام علل شناخته شود، دیگر هر چه دانستنی است دانسته می‌شود و هیچ چیز ناشناخته باقی نمی‌ماند.

## آیه ۳

*manuṣyāṇāṁ sahasreṣu*
*kaścid yatati siddhaye*
*yatatām api siddhānāṁ*
*kaścin māṁ vetti tattvataḥ*

*manuṣyāṇām*: مربوط به انسانها ـ *sahasreṣu*: از میان هزاران نفر ـ *kaścit*: کسی ـ *yatati*: تلاش می‌کند ـ *siddhaye*: برای کمال ـ *yatatām*: مربوط به آن کسانی که بدین گونه تلاش می‌کنند ـ *api*: واقعاً ـ *siddhānām*: مربوط به آن کسانی که به کمال دست یافته‌اند ـ *kaścit*: کسی ـ *mām*: مرا ـ *vetti*: می‌شناسد ـ *tattvataḥ*: به حقیقت.

## ترجمه

**از میان هزاران انسان، ممکن است یکی برای کمال بکوشد، و در بین کسانی که به کمال نائل شده‌اند، به ندرت می‌توان کسی را یافت که مرا به حقیقت بشناسد.**

## شرح

انسانها در درجات گوناگونی از آگاهی قرار می‌گیرند و در میان هزاران هزار نفر آنها شاید یکی را آنچنان علاقه‌مند به معرفت روحانی بتوان یافت که برای شناخت ماهیت ذات، بدن و حقیقت مطلق جهد و کوشش نماید. عموم توده‌های بشری فقط مشغول ارضای تمایلات حسی یعنی خوردن، خوابیدن، دفاع و جفتگیری هستند و تقریباً هیچکس علاقه‌ای به دانش متعال از خود نشان نمی‌دهد. شش فصل اول گیتا برای آن کسانی است که به دانش متعال، درک ذات و ذات متعال و طی طریق معرفت از راه گیانا ـ یوگا، دهیانا ـ یوگا و تشخیص و تمیز روح از ماده علاقه‌مندند. اما شناخت کریشنا تنها به وسیله اشخاصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارند میسر است. حق‌جویان دیگر می‌توانند به شناخت برهمن فاقد شخصیت نائل شوند، زیرا شناخت این جنبه حقیقت مطلق که عنصر شخصیت در آن مطرح نیست، از شناخت کریشنا آسانتر است. همانا کریشنا شخص متعال است و در عین حال در ورای حوزه شناخت برهمن و پاراماتما قرار دارد. یوگیها و گیانیها در جهد و کوشش خود برای درک کریشنا موفق نیستند و به حیرانی و سرگشتگی دچارند. با اینکه بزرگترین شخصیت بی‌هویت‌گرایان، یعنی شریپادا شانکاراچاریا، در تفسیر خود بر گیتا اذعان داشته است که کریشنا شخصیت متعال خداوند است، با وجود این، پیروان او کریشنا را بدین صورت قبول ندارند و تأیید نمی‌کنند، زیرا شناخت کریشنا حتی برای کسی که به معرفت روحانی برهمن فاقد شخصیت نیز واصل شده بسیار دشوار است.

کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، علت‌العلل و پروردگار ازلی یعنی گوویندا می‌باشد.

*Īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ sac-cid-ānanda-vigrahaḥ/ anādir ādir govindaḥ sarva-kāraṇa-kāraṇam*

برای غیر عابدان بسیار سخت است که شخصیت مطلق الهی را بشناسند. با وجود آنکه غیر عابدان راه بهاکتی یا خدمت عابدانه را بسیار آسان می‌پندارند، ولی نمی‌توانند آن را دنبال و به آن عمل کنند. چنانچه راه بهاکتی یا آیین عشق و بندگی همان گونه که گروه غیر عابدان اظهار می‌کنند تا این اندازه آسان است، در این صورت چرا آنان راه دشوارتر را در پیش می‌گیرند؟ در واقع راه بهاکتی آسان نیست. شاید آن راه به اصطلاح بهاکتی که از طرف اشخاص غیر معتبر و فاقد دانش پیروی می‌شود آسان باشد، لیکن هنگامی که به طور کامل و طبق قواعد و قوانین آن عمل شود، دانش‌پژوهان و فیلسوفان پندارگرا از طی طریق باز می‌مانند. حضرت شریلا روپا گوسوامی در کتاب خود موسوم به بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو (۱۰۱/۲/۱) چنین می‌نویسد:

*śruti-smṛti-purāṇādi*
*pañcarātra-vidhiṁ vinā*
*aikāntikī harer bhaktir*
*utpātāyaiva kalpate*

"چنانچه خدمت عابدانه به خداوند با نادیده گرفتن و عدم انطباق با متون مقدس و معتبر ودایی مانند اوپانیشادها، پوراناها، نارادا ـ پانچاراترا و غیره صورت گیرد فقط باعث اغتشاش در جامعه می‌شود."
درک شخصیت متعال خداوند کریشنا به عنوان پسر مادر یاشودا و یا ارابه‌ران آرجونا برای بی‌هویت‌گرایی که به شناخت برهمن، یا آن یوگی که به شناخت پاراماتما نائل شده است، امکان‌پذیر نیست. گاهی اوقات حتی فرشتگان بزرگ نیز در مورد شناخت کریشنا (موهیانتی یات سورایا) حیران و سرگشته می‌شوند.

*Māṁ tu veda na kaścana*

خداوند می‌فرماید: "هیچکس مرا آن گونه که هستم نمی‌شناسد." و چنانچه کسی نیز او را بشناسد، در این صورت ساماهاتما سو ـ دورلابها، "چنین روح بزرگی بسیار نادر است." بنابراین اگر انسان در عبادت عاشقانه یا خدمت خالصانه به خداوند عمل نکند قادر نخواهد بود کریشنا را همان‌گونه که هست (تاتواتا) بشناسد، حتی چنانچه محققی برجسته یا فیلسوفی بزرگ باشد. تنها عابدان پاک و سرسپردگان خالص هستند که می‌توانند قدری از صفات تصورناشدنی روحانی کریشنا، آن علت تمام علل را بشناسند و تا حدودی به توانگریهای مطلق او، اعم از ثروت، شهرت، قدرت، زیبایی، دانش و انقطاع پی ببرند، زیرا کریشنا به عابدان خود عشق می‌ورزد و به راحتی به آنان نزدیک می‌شود. شخصیت مطلق الهی کلام نهایی در شناخت برهمن است و تنها مریدان می‌توانند او را همان گونه که هست بشناسند. بنابراین گفته شده است:
"هیچکس قادر نیست کریشنا را همان گونه که واقعاً هست با حواس محدود مادی خود درک نماید. در حالی که شخصیت کامل الهی با رضایت از خدمت عاشقانه روحانی مریدانش خود را برای آنان آشکار می‌کند." (بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو ۲۳۴/۲/۱)

*ataḥ śrī-kṛṣṇa-nāmādi*
*na bhaved grāhyam indriyaiḥ*
*sevonmukhe hi jihvādau*
*svayam eva sphuraty adaḥ*

## آیه ۴

*bhūmir āpo 'nalo vāyuḥ*
*khaṁ mano buddhir eva ca*
*ahaṅkāra itīyaṁ me*
*bhinnā prakṛtir aṣṭadhā*

*bhūmiḥ*: خاک ـ *āpaḥ*: آب ـ *analaḥ*: آتش ـ *vāyuḥ*: هوا ـ *kham*: اتر، اثیر ـ *manaḥ*: ذهن ـ *buddhiḥ*: شعور ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و ـ *ahaṅkāraḥ*: منیت کاذب ـ *iti*: بدین سان ـ *iyam*: تمام اینها ـ *me*: مال من، م ـ *bhinnā*: جدا شده ـ *prakṛtiḥ*: انرژیها، نیروها ـ *aṣṭadhā*: هشتگانه.

## ترجمه

**عناصر هشتگانه خاک، آب، آتش، هوا، اتر، ذهن، شعور و منیت کاذب، نیروهای جداشده مادی مرا تشکیل می‌دهند.**

## شرح

علم شناخت خداوند، به تجزیه و تحلیل موقعیت ذاتی پروردگار و نیروهای متعدد او می‌پردازد. طبیعت مادی، پراکریتی خوانده می‌شود یا همان گونه که در ساتواتا ـ تانترا توصیف شده است، نیروی خداوند در ظهورات یابسطهای مختلف پوروشای او می‌باشد:

*viṣṇos tu trīṇi rūpāṇi*
*puruṣākhyāny atho viduḥ*
*ekaṁ tu mahataḥ sraṣṭṛ*
*dvitīyaṁ tv aṇḍa-saṁsthitam*
*tṛtīyaṁ sarva-bhūta-sthaṁ*
*tāni jñātvā vimucyate*

"خداوند کریشنا به منظور آفرینش مادی با سه بسط کامل یعنی سه سیمای ویشنو عمل می‌کند. اولین آنها، یعنی ماها ـ ویشنو، کل انرژی مادی را که به نام ماهات ـ تاتوا شناخته می‌شود خلق می‌کند. دومین آنان گاربهوداکاشایی ویشنو است که به درون هر جهان وارد می‌شود تا در هر کدام از آنها تنوعات گوناگون بیافریند. سومین آنان کشیروداکاشایی ویشنو یا پاراماتما است که به صورت روح متعال حاضر در همه جا در تمام جهانها بسط می‌یابد و حتی در دل هر اتم نیز حضور دارد. کسی که این سه ویشنو را درک کند می‌تواند از اسارت مادی رهایی یابد."

دنیای مادی تجلی موقتی از یکی از نیروهای خداوند است و تمام امور آن به وسیله این سه ویشنو که به بسط خداوند کریشنا هستند اداره می‌گردد. این پوروشاها ظهورات نامیده می‌شوند. قاعدتاً کسی که به علم شناخت خداوند (کریشنا) واقف نیست تصور می‌کند که این عالم خاکی به منظور لذت موجودات زنده خلق شده است و گمان می‌کند که موجودات زنده، پوروشاها یعنی علل، کنترل‌کنندگان و لذت‌برندگان نیروی مادی‌اند. طبق بهاگاواد–گیتا این گونه نتیجه‌گیری خدانشناسانه، دروغی بیش نیست. در آیه‌ای که اکنون مورد بحث است گفته شده که کریشنا علت اصلی تجلی مادی می‌باشد، همچنانکه شریماد–بهاگاواتام نیز این حقیقت را تصدیق می‌کند. عناصر تجلی مادی،انرژیهای جداشده خداوند هستند. حتی برهماجیوتی که هدف غایی بی‌هویت‌گرایان است، انرژیی روحانیست که در آسمان تجلی یافته است. باید در نظر داشت آن گونه تنوع روحانی که در وایکونتهالوکاها وجود دارد در برهماجیوتی که بی‌هویت‌گرایان آن را به منزله هدف غایی جاودان می‌پذیرند، یافت نمی‌شود. پاراماتما نیز یک وجه همه جا گسترده موقت از کشیروداکاشایی ویشنو است. تجلی پاراماتما در جهان روحانی، جاودان نیست، بدین سبب حقیقت مطلق واقعی فقط شخصیت متعال خداوند کریشناست. شخص او که در کمال نیرومندی است دارای نیروهای مختلف جدا شده (نیروهای بیرونی) و نیروهای درونی است.

همان گونه که در بالا گفته شد، انرژی مادی از هشت عنصر تشکیل می‌گردد که از آنها پنج نمود مادی اولیه یعنی خاک، آب، آتش، هوا و اثیر (اتر) پنج آفرینش عظیم یا آفرینشهای زمخت خوانده می‌شود. آنها پنج شیء محسوس – تجلی مادی مسموعات، ملموسات، مبصرات، مذوقات، مشمومات – را در برمی‌گیرند. علوم مادی فقط شامل این ده عنصر است و از آن فراتر نمی‌رود؛ درحالی که مادیگرایان به علت عدم شناخت سه عنصر دیگر یعنی ذهن، شعور و منیت کاذب، آنها را نادیده می‌گیرند. فلاسفه‌ای که با فعالیتهای ذهنی سروکار دارند نیز فاقد کمال دانش هستند، زیرا منشأ غایی، یعنی کریشنا را نمی‌شناسند. منیت کاذب به مفهوم "من هستم" و "مال من است"، به منزله مبنای اصلی موجودیت مادی، دارای ده عضو حسی برای انجام فعالیتهای مادی می‌باشد. شعور عطف به کل آفرینش مادی دارد که ماهات ـ تاتوا خوانده می‌شود. از این انرژیهای هشتگانه جدا شده خداوند، بیست و چهار عنصر جهان مادی تجلی یافته است که موضوع فلسفه ملحدانه سانکهیا می‌باشد؛ آنها در اصل مشتقاتی از نیروهای کریشناست که در عین حال جدا از او می‌باشد، ولی فیلسوفان خدانشناس سانکهیا با بهره اندکی که از دانش دارند کریشنا را به عنوان علت تمام علل نمی‌شناسند. موضوع مورد بحث در فلسفه سانکهیا، همان گونه که در بهاگاواد–گیتا نیز توصیف شده، تنها ظهور انرژی بیرونی کریشناست.

## آیه ۵

*apareyam itas tv anyāṁ*
*prakṛtiṁ viddhi me parām*
*jīva-bhūtāṁ mahā-bāho*
*yayedaṁ dhāryate jagat*

*aparā*: سفلی، فروتر ـ *iyam*: این ـ *itaḥ*: علاوه بر این ـ *tu*: اما ـ *anyām*: دیگری ـ *prakṛtim*: انرژی، نیرو ـ *viddhi*: فقط سعی کن درک کنی ـ *me*: مال من، م ـ *parām*: علیا، برتر ـ *jīva-bhūtām*: شامل موجودات زنده ـ *mahā-bāho*: ای مسلح بزرگ ـ *yayā*: توسط چه کسی ـ *idam*: این ـ *dhāryate*: به کار برده شده است یا بهره‌برداری شده است ـ *jagat*: جهان مادی.

## ترجمه

**علاوه بر اینها، ای مسلح بزرگ آرجونا، نیروی اعلای دیگری متعلق به من، که مشتمل بر تمـام موجـودات زنده‌ای که در حال بهره‌برداری و منفعت‌جویی از منابع طبیعت سفلای مادی‌اند، وجوددارد.**

## شرح

در اینجا به وضوح ذکر شده است که موجودات زنده (ارواح) به انرژی برتر خداوند متعال تعلق دارند. انرژی سفلی یا نیروی فروتر، ماده است که به صورت عناصر مختلف یعنی خاک، آب، آتش،هوا، اتر، ذهن، شعور و منیت کاذب تجلی یافته است. هر دو وجه طبیعت مادی، یعنی شکل زمخت آن (خاک، آب، آتش، هوا و اتر) و شکل لطیف آن (ذهن، شعور و منیت کاذب) محصول انرژی سفلی هستند. گوهر روح موجود زنده که سرگرم بهره‌برداری و منفعت‌جویی از انرژی فروتر برای مقاصد مختلف می‌باشد، انرژی برتر خداوند متعال محسوب می‌شود و به علت هم اوست که تمام جهان مادی در حرکت و تحول است. کل عالم مشهود یا تجلی کیهانی هیچ گونه توانایی برای عمل ندارد مگر آنکه از طریق انرژی برتر یعنی موجود زنده (روح) به حرکت درآید. نیروها همواره به وسیله منبع نیرو و یا صاحب نیرو اداره می‌گردند، و از این رو موجودات زنده همواره به وسیله حق تعالی کنترل می‌شوند و به هیچ وجه موجودیت مستقل و قائم بالذات ندارند. آنچنانکه اشخاص کم‌خرد می‌پندارند هیچگاه قدرت خداوند و موجود زنده همسان و برابر نیست. تفاوت بین موجودات زنده و خداوند در شریماد- بهاگاواتام (۳۰/۸۷/۱۰) بدین گونه توصیف شده است:

*aparimitā dhruvās tanu-bhṛto yadi sarva-gatās*
*tarhi na śāsyateti niyamo dhruva netarathā*
*ajani ca yan-mayaṁ tad avimucya niyantṛ bhavet*
*samam anujānatāṁ yad amataṁ mata-duṣṭatayā*

"پروردگارا! ای متعال جاودان! اگر موجود زنده جسم گرفته، همچون تو جاودان و ساری و جاری در همه هستی می‌بود، در این صورت تحت اراده و تسلط تو واقع نمی‌شد. اما چنانچه موجود زنده، هویت خود را به عنوان انرژی بسیار خرد تو درک کند، آنگاه بی‌درنگ تحت اراده متعال تو خواهد بود. بنابراین رهایی واقعی متضمن تسلیم شدن موجود زنده به خواست و اراده تو خواهد بود و این تسلیم او را شاد و خوشبخت خواهد ساخت. تنها در این موقعیت فطری و ذاتی است که او می‌تواند اداره کننده باشد. از این رو، آن افرادی که با دانش محدود خویش از نظریه وحدت وجود که خداوند را از هر نظر با موجودات زنده برابر و یکسان می‌داند دفاع می‌کنند در واقع خود و دیگران را به گمراهی و انحراف می‌کشانند."

خداوند کریشنا یگانه اداره‌کننده متعال است و تمام موجودات زنده تحت اختیار و اراده او هستند. این موجودات زنده انرژی برتر او و در صفت و کیفیت با حق تعالی یکی هستند، در حالی که در کمیت هیچگاه توانایی خداوند را ندارند. موجود زنده (انرژی برتر) با بهره‌برداری و منفعت‌جویی از انرژی فروتر زمخت و ظریف (ماده)، ذهن و شعور واقعی روحانی خود را فراموش می‌نماید. این غفلت و فراموشی ناشی از تأثیر ماده بر موجود زنده است. اما هنگامی که موجود زنده از تأثیر نیروی مادی توهمی آزاد گردد، به مرحله‌ای که موکتی یا رهایی خوانده می‌شود نائل می‌گردد. منیت کاذب، تحت تأثیر توهم مادی گمان می‌کند که "من ماده هستم و اشیاء و دستاوردهای مادی متعلق به من است." شناخت موقعیت حقیقی موجود زنده هنگامی تحقق می‌پذیرد که او از تمام افکار مادی، از جمله تصور یکی شدن کامل با خداوند رهایی یابد. بنابراین از آموزشهای گیتا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که موجود زنده فقط یکی از نیروهای گوناگون کریشناست و زمانی که این نیرو یا ذره روحانی از آلودگی مادی آزاد گردد، کاملا کریشنا آگاه می‌شود و رهایی می‌یابد.

## آیه ۶

*etad-yonīni bhūtāni*
*sarvāṇīty upadhāraya*
*ahaṁ kṛtsnasya jagataḥ*
*prabhavaḥ pralayas tathā*

*etat*: این دو طبیعت ـ *yonīni*: که منشأ تولدش ـ *bhūtāni*: کلیه مخلوقات ـ *sarvāṇi*: همه ـ *iti*: بدین‌سان ـ *upadhāraya*: بدان ـ *aham*: من ـ *kṛtsnasya*: که شامل همه چیز می‌شود ـ *jagataḥ*: مربوط به جهان ـ *prabhavaḥ*: منشأ تجلیات ـ *pralayaḥ*: نابودی ـ *tathā*: و همچنین.

## ترجمه

**تمامی مخلوقات از این دو طبیعت سرچشمه می‌گیرند و به یقین بدان که من، در این جهان، منشأ ایجاد و اضمحلال تمامی آنها، چه مادی و چه روحانی، می‌باشم.**

## شرح

هر آنچه وجود دارد حاصل ماده و روح است. روح پایه اصلی خلقت و ماده به وسیله آن به وجود می‌آید. روح در مرحله بخصوصی از تکامل مادی خلق نمی‌شود، بلکه تنها بر اساس انرژی روحانی، خلقت مادی تجلی می‌یابد. این کالبد مادی به علت حضور روح درون آن تحول و تکامل می‌یابد؛ کودک تدریجاً رشد می‌کند و پسری بالغ می‌شود و بعد هم به مرحله مردی جوان می‌رسد، زیرا انرژی برتر یعنی روح حضور دارد. به همین ترتیب، کل عالم مشهود یا این تجلی کیهانی بی‌نهایت عظیم به علت حضور روح متعال، یعنی ویشنو، تکامل می‌یابد. بنابراین، روح و ماده در اصل دو نیروی خداوند است که با هم ترکیب می‌شود تا این کیهان عظیم مادی را تجلی دهد. از این رو می‌توان گفت خداوند منشأ اصلی همه چیز است. شاید ذره کوچکی از خداوند، یعنی گوهر روح موجود زنده، بتواند باعث ایجاد آسمانخراشی بزرگ، کارخانه‌ای بزرگ، یا حتی شهری بزرگ گردد، لیکن قادر نیست جهان بزرگی را به وجود آورد. خالق جهان بزرگ، روح بزرگ یا روح متعال است و کریشنا، یعنی حق تعالی، منشأ هر دو روح خرد و بزرگ می‌باشد. بنابراین او علت‌العلل اصلی است. این موضوع در کاتها اوپانیشاد (۱۳/۲/۲) تصریح شده است:

*Nityo nityānāṁ cetanaś cetanānām*

## آیه ۷

*mattaḥ parataraṁ nānyat*
*kiñcid asti dhanañjaya*
*mayi sarvam idaṁ protaṁ*
*sūtre maṇi-gaṇā iva*

*mattaḥ*: ورای من ـ *para-taram*: برتر ـ *na*: نه ـ *anyat kiñcit*: هر چیز دیگری ـ *asti*: وجوددارد ـ *dhanañjaya*: ای فاتح ثروت ـ *mayi*: در من ـ *sarvam*: هر آنچه هست ـ *idam*: که مامی‌بینیم ـ *protam*: به نخ کشیده شده ـ *sūtre*: بر یک نخ یا رشته ـ *maṇi—gaṇāḥ*: مرواریدها ـ *iva*: همانند.

## ترجمه

**ای فاتح ثروت، هیچ حقیقتی برتر از من نیست. همه چیز بـر مـن تکیـه دارد همچـون مرواریـدهایی بـر ریسمان.**

## شرح

بحث متداولی پیرامون این موضوع وجود دارد که آیا حقیقت مطلق واجد شخصیت است و یا فاقد شخصیت؟ تا آنجا که به بهاگاواد–گیتا مربوط می‌شود، حقیقت مطلق، شخصیت خداوند شری کریشنا می‌باشد که در هر قسمت آن این حقیقت تصریح شده است. در این آیه بخصوص تأکیدشده که حقیقت مطلق یک شخص است. اینکه شخصیت خداوند، حقیقت مطلق است در برهما ـ سامهیتا نیز تأکید شده است:

*īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ sac-cid-ānanda-vigrahaḥ*

"حقیقت مطلق، شخصیت خداوند شری‌کریشناست، که همانا خداوند ازلی، منبع تمام لذات، گوویندا، و شکل جاودان دانش و شعف مطلق می‌باشد." این مراجع کوچکترین جای شکی باقی نمی‌گذارند که حقیقت مطلق، همان شخص متعال و علت تمام علل است. اما بی‌هویت‌گرایان باتکیه به گفتار ودایی که در شوتاش واتارا اوپانیشاد (۱۰/۳) آمده است، استدلالی عکس آن را ابرازمی‌کنند:

*tato yad uttarataraṁ tad arūpam anāmayam/ ya etad vidur amṛtās te bhavanti athetare duḥkham evāpiyanti*

"اولین موجود زنده جهان برهماست که برترین در میان فرشتگان، انسانها و حیوانات است. اما فراسوی برهما، حقیقت مطلق وجود دارد که شکل مادی نداشته و از هر گونه آلودگی مادی رهاست. هر آن کس که او را بشناسد خود نیز از ماده آزاد می‌گردد، در حالی که رنجهای مادی همچنان بر افرادی که از شناخت او سرباز می‌زنند سنگینی می‌کند."

بی‌هویت‌گرایان تأکید بر واژه آروپام (به معنی بدون شکل) دارند، اما این آروپام به مفهوم فاقد شخصیت نیست، بلکه بیانگر این موضوع است که حقیقت مطلق دارای شکل مادی نیست و شکل متعال او ابدی و پر از شعف و دانش است، همان گونه که در نقل قول فوق از برهما ـ سامهیتا ذکر شد. آیات دیگری از شوتاش واتارا اوپانیشاد (۸/۳–۹) نیز صحت این موضوع را بدین گونه اثبات می‌کند:

*vedāham etaṁ puruṣaṁ mahāntam*
*āditya-varṇaṁ tamasaḥ parastāt*
*tam eva viditvāti mṛtyum eti*
*nānyaḥ panthā vidyate 'yanāya*

*yasmāt paraṁ nāparam asti kiñcid*
*yasmān nāṇīyo no jyāyo 'sti kiñcit*
*vṛkṣa iva stabdho divi tiṣṭhaty ekas*
*tenedaṁ pūrṇaṁ puruṣeṇa sarvam*

"من آن شخصیت اعلای پروردگار را که در ورای تمام ظلمات ادراکات مادی قرار دارد می‌شناسم. تنها آن کسی که او را بشناسد می‌تواند از اسارت تولد و مرگ رهایی یابد. جز شناخت آن شخص متعال هیچ گونه راهی برای رهایی وجود ندارد."

"هیچ حقیقتی بالاتر از آن شخص متعال وجود ندارد، زیرا او در اوج تعالی است. او کوچکتر از کوچکترین و بزرگتر از بزرگترین است. او همچون درختی آرام و ساکت سر برافراشته است و آسمان روحانی را منور می‌سازد و همچون درختی که ریشه‌هایش را می‌گستراند، نیروهای خود را منتشر می‌کند."

از آیات فوق نتیجه‌گیری می‌کنیم که حقیقت مطلق، شخصیت متعال خداوند است که به واسطه نیروهای متعدد و متنوع خود، چه مادی و چه روحانی، در همه جا ساری و جاری است.

## آیه ۸

*raso 'ham apsu kaunteya*
*prabhāsmi śaśi-sūryayoḥ*
*praṇavaḥ sarva-vedeṣu*
*śabdaḥ khe pauruṣaṁ nṛṣu*

*rasaḥ*: مزه، طعم ـ *aham*: من ـ *apsu*: در آب ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *prabhā*: نور ـ *asmi*: من هستم ـ *śaśi*— *sūryayoḥ*: مربوط به ماه و خورشید ـ *praṇavaḥ*: سه حرف *a-u-m*_ *sarva* : در همه ـ *vedeṣu*: وداها ـ *śabdaḥ*: ارتعاش صوتی ـ *khe*: در اتر ـ*pauruṣam*: توانایی ـ *nṛṣu*: در انسانها.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، من طعم آب، نور خورشید و ماه، هجای مقدس "ام" در مانتراهای ودایی هستم. من آن صوت در اتر و توانایی در انسان هستم.**

## شرح

این آیه توضیح می‌دهد که چگونه خداوند به واسطه نیروهای مادی و روحانی متعدد خود در همه جا بسط یافته است. در آغاز خداشناسی می‌توان حقیقت مطلق را از طریق نیروهای او درک نمود و بدین ترتیب به شناخت وجه فاقد شخصیت خداوند دست یافت. همان گونه که فرشته خورشید یک شخص است و به موجب نیروی همه جا گسترده‌اش، یعنی انوار آفتاب، مشاهده و درک می‌شود، به همین نحو به رغم حضور پروردگار در بارگاه جاودان خود، به وسیله نیروهای فراگیر و در همه جا گسترده‌اش مشاهده و درک می‌شود. طعم آب اصل اساسی آب را تشکیل می‌دهد. هیچکس مایل نیست از آب دریا بنوشد، چرا که طعم خالص آب با نمک دریا مخلوط شده است. در حقیقت، جاذبه آب به سبب خلوص طعم آن است و این طعم خالص از جمله قدرتهای خداوند است. بی‌هویت‌گرایان حضور خداوند را در آب به موجب طعم آن مشاهده و درک می‌کنند و کسانی که به شخصیت الهی ایمان دارند نیز حق تعالی را به خاطر آنکه از روی لطف و رحمت خویش آب را برای فرو نشاندن عطش انسان نازل فرموده است، تجلیل و تقدیر می‌کنند. این چنین است طریق مشاهده و درک متعال. واقعاً و عملا تضادی بین

هویت‌گرایی و بی‌هویت‌گرایی وجود ندارد. برای کسی که خدا را می‌شناسد همه چیز در آن واحد وجه بدون شخصیت و وجه با شخصیت خداوند را تشـکیل می‌دهد، همان گونه که خداوند چیتانیا چکیده تعالیم والای الهیش را چنین بنا نهاد که: آچینتیا بهدا – و – آبهدا ـ تاتوا یعنی همزمان یکی و متفاوت.
نور خورشید و ماه نیز در اصل از برهماجیوتی که تابش انوار فاقد شخصیت خداوند است سرچشمه می‌گیرد. صوت روحانی ام‌کارا یا پراناوا نیز در آغاز هر مانترای ودایی برای مخاطب قراردادن خداوند متعال به کار می‌رود. چون بی‌هویت‌گرایان بیم دارند خداوند متعال کریشنا را با نامهای بی‌شمارش مخاطب قرار دهند، ترجیح می‌دهند که صوت ام‌کارا را به صدا درآورند، بدون آنکه درک کنند که ام‌کارا نیز مظهر صوتی کریشناست. دامنه شناخت کریشنا همه چیز را فرا می‌گیرد و کسی که آگاهی به کریشنا را درک نماید مشمول لطف و رحمت خداوند قرار گرفته است. اما کسانی که کریشنا را نمی‌شناسند در توهم می‌باشند و از این روست که شناخت کریشنا مایه رهایی و فراموشی و غفلت از خداوند مایه اسارت است.

## آیه ۹

*puṇyo gandhaḥ pṛthivyāṁ ca*

*tejaś cāsmi vibhāvasau*

*jīvanaṁ sarva-bhūteṣu*

*tapaś cāsmi tapasviṣu*

*puṇyaḥ*: اصلی ـ *gandhaḥ*: عطر، رایحه ـ *pṛthivyām*: در خاک ـ *ca*: همچنین ـ *tejaḥ*: گرما،حرارت ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *vibhāvasau*: در آتش ـ *jīvanam*: جان، حیات ـ *sarva*: در تمام ـ *bhūteṣu*: موجودات زنده ـ *tapaḥ*: توبه و ریاضت ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *tapasviṣu*: در آن کسانی که توبه و ریاضت انجام می‌دهند.

## ترجمه

**من عطر و رایحه اصلی خاک و حرارت آتش هستم. من جان تمامی آنچه حیات دارد و ریاضتهای زاهـدان هستم.**

## شرح

پونیا به مفهوم سرشت اصلی یا آن چیزی است که قابل تجزیه شدن نیست؛ پونیا یعنی اصلی. در دنیای مادی همه چیز طعم و عطر خاص خود را دارد، مانند طعم و عطر گل یا طعم و عطر خاک، آب، آتش، هوا و غیره. آن مزه و بوی خالص، مزه و بوی اصلی که در همه چیز سریان دارد کریشناست. به همین ترتیب هر شیئی طعم اصلی بخصوصی دارد و اصالت آن طعم می‌تواند با ترکیب مواد شیمیایی تغییر یابد. ویبهاواسو یعنی آتش. بدون آتش، راه‌اندازی کارخانه‌ها، طبخ و غیره برای ما میسر نیست، و آن آتش کریشناست. کریشنا حرارت آتش است. بر اساس طب ودایی سوءهاضمه ناشی از فقدان حرارت کافی در معده است. بنابراین حتی برای هضم نیز به آتش نیاز است. ما در آگاهی به کریشناست که درمی‌یابیم خاک، آب، آتش، هوا و هر عنصر اصلی، تمام مواد شیمیایی و کلیه عناصر مادی از کریشنا نشأت می‌گیرد. طول عمر انسان نیز از کریشناست. بنابراین با لطف و رحمت کریشناست که انسان می‌تواند طول عمرش را افزایش یا کاهش دهد. در نتیجه آگاهی به کریشنا در همه جا عمل می‌کند و مؤثر است.

## آیه ۱۰

*bījaṁ māṁ sarva-bhūtānāṁ*
*viddhi pārtha sanātanam*
*buddhir buddhimatām asmi*
*tejas tejasvinām aham*

*bījam*: تخم ـ *mām*: به من، مرا ـ *sarva-bhūtānām*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ*viddhi* : سعی کن درک کنی ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *sanātanam*: اصلی و ازلی، ابدی ـ *buddhiḥ*: شعور، خرد ـ *buddhi-matām*: مربوط به خردمندان ـ *asmi*: من هستم ـ *tejaḥ*: قدرت و قابلیت ـ *tejasvinām*: مربوط به قدرتمندان ـ *aham*: من هستم.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، بدان که من آن تخم اصلی تمام موجودات، خرد خردمندان و قدرت و قابلیت تمام اشخاص قدرتمندم.**

## شرح

بیجام یعنی تخم؛ کریشنا تخم یا منشأ همه چیز است. زمانی که این تخم در تماس با انرژی مادی خداوند قرار می‌گیرد، موجودات زنده را، چه به صورت متحرک (پرندگان، چهار پایان، انسانها و غیره) و چه به صورت ساکن (گیاهان) ایجاد می‌کند که رویهمرفته آنان ۸/۴۰۰/۰۰۰ نوع را تشکیل می‌دهند و بذر اصلی حیات تمامی آنان کریشناست. همچنانکه در متون مقدس ودایی نیز بیان شده است، برهمن متعال یا حقیقت مطلق آن منشأیی است که همه چیز از آن ساطع می‌گردد. کریشنا، پارابرهمن یعنی روح متعال است. برهمن فاقد شخصیت و هویت و پارابرهمن واجد شخصیت است. در بهاگاواد-گیتا گفته شده که پارابرهمن، برهمن را در بر می‌گیرد. بنابراین، کریشنا در اصل سرچشمه همه چیز است. او منشأ، مبدأ و ریشه است. همان گونه که ریشه تمام درخت را حفظ می‌کند، کریشنا نیز که ریشه اصلی همه چیز است تمامی کائنات را در این تجلی مادی حفظ می‌کند. این موضوع نیز در ادبیات ودایی (کاتها اوپانیشاد ۱۳/۲/۲) تأیید شده است:

*nityo nityānāṁ cetanaś cetanānām*
*eko bahūnāṁ yo vidadhāti kāmān*

همانا خداوند، آن حقیقت جاودان اصلی در میان تمام جاودانان است. او آن حی متعال در میان تمام موجودات زنده است و تنها اوست که کل حیات را حفظ می‌کند و بقاء می‌بخشد. بدون وجود شعور امکان هر گونه عملی از شخص سلب می‌گردد و کریشنا نیز می‌گوید که او منشأ و مبدأ تمام شعور و خرد است. مادامی که شخص خردمند نباشد قادر نخواهد بود شخصیت متعال خداوند، کریشنا را درک نماید.

## آیه ۱۱

*balaṁ balavatāṁ cāhaṁ*
*kāma-rāga-vivarjitam*
*dharmāviruddho bhūteṣu*
*kāmo 'smi bharatarṣabha*

*balam*: قدرت، قوه ـ *bala-vatām*: مربوط به فرد قدرتمند ـ *ca*: و ـ *aham*: من هستم ـ *kāma*: شهوت ـ *rāga*: و دلبستگی ـ *vivarjitam*: عاری از ـ *dharma-aviruddhaḥ*: که برخلاف‌اصول دینی نیست ـ *bhūteṣu*: در تمام موجودات ـ *kāmaḥ*: رابطه جنسی ـ *asmi*: من هستم ـ *bharata-ṛṣabha*: ای سرور بهاراتاها.

## ترجمه

**من نیروی نیرومندان، عاری از شهوت و خواسته، هستم. ای سرور بهاراتاها (آرجونا)، من آن رابطه جنسی‌ای هستم که مغایر با اصول دینی نیست.**

## شرح

نیروی نیرومندان باید برای حفاظت از ضعیفان به کار رود، نه برای تهاجم و خصومت شخصی. به همین ترتیب، رابطه جنسی باید بر اساس اصول دینی (دهارما) و فقط به منظور ایجاد فرزندانی باشد که رشد آنها در آگاهی به کریشنا تضمین شده است. این است مسئولیت والدین در قبال فرزندان.

## آیه ۱۲

*ye caiva sāttvikā bhāvā*
*rājasās tāmasāś ca ye*
*matta eveti tān viddhi*
*na tv ahaṁ teṣu te mayi*

*ye*: تمام اینها که ـ *ca*: و ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *sāttvikāḥ*: در نیکی ـ *bhāvāḥ*: حالات موجود ـ *rājasāḥ*: در گونه شهوت ـ *tāmasāḥ*: در گونه جهل ـ *ca*: همچنین ـ *ye*: تمام اینها که ـ *mattaḥ*: از من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *iti*: بدین‌سان ـ *tān*: آنها ـ *viddhi*: سعی کن درک کنی ـ *na*: نه ـ *tu*: اما ـ *aham*: من ـ *teṣu*: در آنها ـ *te*: آنها ـ *mayi*: در من.

## ترجمه

**تمام حالات موجود که از نیکی، شهوت یا جهل سرچشمه می‌گیرد، به وسیله نیروهای من تجلی یافته است. به عبارتی در عین حال که همه چیز هستم، مستقل نیز هستم و هیچگاه هویت خود را از دست نمی‌دهم. من تحت تأثیر و تسلط گونه‌های طبیعت مادی نیستم، بلکه بالعکس آنها در اختیار من هستند.**

## شرح

کلیه اعمال مادی در جهان تحت اثر سه گونه طبیعت مادی صورت می‌گیرد. با اینکه این گونه‌های طبیعت مادی از خداوند متعال کریشنا نشأت می‌گیرد، لیکن او تحت تأثیر آنها واقع نمی‌شود. همچنانکه، برای مثال، اتباع هر مملکت تحت قوانین دولت آن مملکت هستند، در حالی که پادشاهش مشمول آن قوانین نیست. به همین ترتیب تمام گونه‌های طبیعت مادی – نیکی، شهوت و جهل – از خداوند متعال کریشنا سرچشمه می‌گیرد، ولی کریشنا تحت نفوذ کیفیات طبیعت مادی نیست. بنابراین، او نیرگونا است، یعنی به رغم اینکه این گوناها یا حالات و کیفیات از او ساطع می‌شود لیکن در او تأثیری نمی‌کند. این یکی از خصوصیات بهاگاوان یا شخصیت اعلای پروردگار است.

## آیه ۱۳

*tribhir guṇa-mayair bhāvair*
*ebhiḥ sarvam idaṁ jagat*
*mohitaṁ nābhijānāti*
*mām ebhyaḥ param avyayam*

*tribhiḥ*: سه ـ *guṇa-mayaiḥ*: شامل گوناها ـ *bhāvaiḥ*: به وسیله حالات موجود ـ *ebhiḥ*: تمام اینها ـ *sarvam*: کل، تمام ـ *idam*: این ـ *jagat*: جهان ـ *mohitam*: گمراه، متوهم ـ *na abhijānāti*: نمی‌شناسد ـ *mām*: مرا ـ *ebhyaḥ*: ورای اینها ـ *param*: متعال ـ *avyayam*: پایان‌ناپذیر.

### ترجمه

**تمام جهان به علت توهم حاصل از سه گونه (نیکی، شهوت و جهل)، مرا که در ورای گونه‌ها و پایان‌ناپذیرم نمی‌شناسد.**

## شرح

تمام جهان تحت افسون سه گونه طبیعت مادی است. آن کسانی که از طریق این سه گونه گیج و گمگشته شده‌اند نمی‌توانند درک کنند که آن حقیقت اعلای ورای این طبیعت مادی، خداوند متعال، یعنی کریشناست. در سرتاسر این کائنات همه موجودات زنده تحت تأثیر این سه گونه، و در نتیجه گیج و سرگشته‌اند.

کلیه موجودات زنده بر حسب نفوذ کیفیات طبیعت مادی، دارای کالبد جسمانی خاص و در عمل دارای خصوصیات و فعالیتهای روانشناختی و زیست‌شناختی خاص مربوط به آن کالبد هستند. بر اساس کیفیات سه گانه طبیعت مادی چهار دسته انسان وجود دارد: کسانی که به طور خالص در گونه نیکی‌اند که براهمانا خوانده می‌شوند؛ کسانی که به طور خالص در گونه شهوت هستند که کشاتریا نامیده می‌شوند؛ کسانی که در هر دو گونه شهوت و جهل هستند که وایشیا خوانده می‌شوند؛ و کسانی که کاملا در جهل و غفلت‌اند و شودرا نامیده می‌شوند. کسانی که در مراتب پست‌تری از آن قرار دارند حیوانات یا اشخاصی را شامل می‌شوند که دارای حیاتی صرفاً حیوانی‌اند. اما این درجات و مراتب دائمی نیست. ممکن است من یک براهمانا، کشاتریا، وایشیا و یا واجد هر عنوان دیگری باشم، ولی باید دانست که این عناوین به همراه بدنهایی که با آنها مطابقت دارد، همگی موقت و فانی است. ولی با اینکه این زندگی موقتی است و نمی‌دانیم در زندگی بعد چه خواهیم شد، تحت افسون این نیروی توهم‌انگیز، خویش را بر حسب دیدگاه مادی می‌نگریم و بدین‌سان تصور می‌کنیم امریکایی، هندی، روسی یا براهمانا، هندو، مسلمان و ... هستیم. و تحت اسارت گونه‌های طبیعت مادی، شخصیت اعلای خداوند را که در ورای همه این گونه‌هاست فراموش می‌کنیم. بنابراین خداوند کریشنا در این آیه می‌فرماید کسانی که به وسیله سه گونه طبیعت در توهم قرار گرفته‌اند درک نمی‌کنند که شخصیت متعال خداوند در ورای موجودیت مادی قرار دارد.

تمام انواع موجودات زنده از قبیل حیوان، انسان، فرشته و غیره تحت نفوذ طبیعت مادی‌اند و همه آنها به ترتیبی شخصیت روحانی خداوند را از یاد برده‌اند. کسانی که در گونه‌های شهوت و جهالت قرار دارند و حتی آنان که در گونه نیکی هستند نیز نمی‌توانند در حوزه شناخت حقیقت مطلق از وجه برهمن فاقد شخصیت فراتر روند و در مقابل جنبه واجد شخصیت خداوند متعال که صاحب مطلق زیبایی، ثروت، دانش، قدرت، شهرت و انقطاع است، گیج و گمگشته می‌شوند. وقتی حتی کسانی که در گونه نیکی‌اند نمی‌توانند درک کنند، پس چه امیدی برای آنان که در گونه‌های شهوت و جهالت هستند وجود دارد؟ کریشنا

آگاهی در ورای تمامی کیفیات سه‌گانه طبیعت مادی است و کسانی که به طور کامل در کریشنا آگاهی قرار دارند واقعاً رها شده و رستگارند.

## آیه ۱۴

*daivī hy eṣā guṇa-mayī*
*mama māyā duratyayā*
*mām eva ye prapadyante*
*māyām etāṁ taranti te*

*daivī*: متعال، روحانی ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *eṣā*: این ـ *guṇa-mayī*: شامل سه گونه طبیعت مادی ـ *mama*: مال من، م ـ *māyā*: انرژی، نیرو ـ *duratyayā*: بسیار دشوار برای فائق آمدن_ *mām*: به من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ye*: آن کسانی که ـ *prapadyante*: تسلیم می‌شوند ـ*māyām etām*: این نیروی توهمی ـ *taranti*: فائق می‌شوند ـ *te*: آنها.

## ترجمه

**فائق آمدن بر این انرژی الهی من که شامل سه گونه طبیعت مادی است بسـیار مشـکل مـی‌باشـد. ولـی کسانی که در برابر من سر تسلیم فرود آورده‌اند، می‌توانند به سادگی از آن درگذرند.**

## شرح

شخصیت متعال خداوند دارای نیروهای بیشماری است که تمام آنها الهی و روحانی می‌باشد. با اینکه گوهر روحانی موجود زنده بخشی از نیروی خداوند و بنابراین الهی است، ولی به علت تماس با انرژی مادی قدرت اعلای اصلیش پوشیده شده است. وقتی انسان بدین گونه در حجاب نیروی مادی فرو رفته باشد، امکان ندارد شخصاً بتواند از نفوذ آن رهایی یابد. همان گونه که قبلا بیان گردید، هم طبیعت مادی و هم روحانی هر دو چون از شخصیت متعال خداوند سرچشمه می‌گیرند جاودان می‌باشند؛ موجودات زنده به طبیعت اعلی و جاودان خداوند تعلق دارند، اما به علت آلودگی حاصل از طبیعت سفلی، یعنی ماده، توهم آنان نیز جاودان است. از این روست که روح اسیر مادیات، نیتیا ـ بادها یا مقید ابدی خوانده می‌شود. هیچکس نمی‌تواند تاریخ دقیقی از مقید شدنش را در آفرینش مادی به دست دهد. نتیجتاً با اینکه طبیعت مادی یک انرژی فروتر است ولی رهایی از پنجه‌های سرسخت آن بسیار مشکل می‌باشد، زیرا این طبیعت قهار در نهایت تحت هدایت و اراده حق تعالی قرار دارد. در این آیه طبیعت سفلی و مادی با عنوان طبیعت الهی تعریف شده است، زیرا کاملا تحت اراده الهی عمل می‌کند. طبیعت مادی با اینکه نیروی سفلی است، چون تحت اراده الهی قرار دارد در مراحل ایجاد، بقاء و فنای تجلی کیهانی به صورت بسیار شگفت‌انگیزی عمل می‌کند. وداها این موضوع را بدین گونه تأیید می‌کند:

*māyāṁ tu prakṛtiṁ vidyān māyinaṁ tu maheśvaram*

"اگرچه مایا (توهم) کاذب یا موقتی و فانی است، اما در پس مایا، آن قادر و ساحر متعال یعنی شخصیت پروردگار قرار دارد که ماهشوارا یعنی گرداننده متعال می‌باشد." (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۱۰/۴)

معنای دیگر گونا طناب یا ریسمان است؛ باید این نکته را درک نمود که روح اسیر مادیات با بندهای توهم محکم بسته شده است. کسی که دست و پایش بسته شده است نمی‌تواند خود را آزاد کند بلکه باید کسی که دربند نیست به او کمک کند. چون شخص دربند نمی‌تواند به شخص دربند کمک کند، از این رو ناجی باید رها شده باشد. بنابراین، تنها خداوند کریشنا، یا نماینده معتبر و موثق او یعنی پیر روحانی می‌تواند روح مقید را رهایی بخشد. انسان بدون کمک مقامات عالی قادر نخواهد بود از

زنجیرهای اسارت طبیعت مادی برهد. خدمت عابدانه یا آگاهی به کریشنا قادر است انسان را در جهت نیل به این رهایی یاری رساند. کریشنا که حکمران نیروی توهمی است می‌تواند به این نیروی تسخیرناپذیر فرمان دهد که روح مقید را رها سازد. این خداوند است که به علت علاقه و محبت پدرانه‌اش به موجود زنده و به علت لطف بیکران و بی‌سبب خود نسبت به روحی که سر تسلیم فرود آورده، که در اصل فرزند عزیز و محبوب اوست، فرمان این رهایی را صادر می‌کند. بنابراین تسلیم به قدوم نیلوفرین خداوند تنها راه رهایی از پنجه‌های سرسخت طبیعت مادی است.

لغات مام اوا نیز حائز اهمیت است. مام یعنی تنها به کریشنا (ویشنو) و نه به برهما یا شیوا. هرچند برهما و شیوا حائز مقام بسیار عالی هستند و تقریباً در سطح ویشنو می‌باشند، ولی برای این ظهورات راجو ـ گونا (شهوت) و تامو ـ گونا (جهل) مقدور نیست که روح مقید را از پنجه‌های مایا آزاد سازند. زیرا هر دوی آنها نیز تحت نفوذ مایا هستند. تنها ویشنو ارباب و حکمران مایا است؛ به همین جهت صرفاً او قادر است به روح اسیر مادیات رهایی اعطاء کند. این موضوع در وداها (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۸/۳) با عبارت تام اوا ویدیتوا به معنای "رهایی تنها به موجب درک کریشنا امکان‌پذیر است" تأیید شده است. حتی خداوندگار شیوا تصریح می‌کند که روح مقید فقط به لطف ویشنو رها می‌گردد:

*mukti-pradātā sarveṣāṁ viṣṇur eva na saṁśayaḥ*

"هیچ گونه شکی در این باره نیست که ویشنو اعطاءکننده رهایی به هر شخص است."

## آیه ۱۵

*na māṁ duṣkṛtino mūḍhāḥ*
*prapadyante narādhamāḥ*
*māyayāpahṛta-jñānā*
*āsuraṁ bhāvam āśritāḥ*

*na*: نه ـ *mām*: به من ـ *duṣkṛtinaḥ*: شریران ـ *mūḍhāḥ*: ابلهان ـ *prapadyante*: تسلیم‌می‌شوند ـ *nara-adhamāḥ*: پست‌ترین در میان نوع بشر ـ *māyayā*: به وسیله نیروی توهمی ـ *apahṛta*: ربوده شده ـ *jñānāḥ*: که دانششان ـ *āsuram*: دیوصفتانه ـ *bhāvam*: طبیعت ـ *āśritāḥ*: پذیرفتن.

## ترجمه

**ابلهان، پست‌ترین افراد در میان بشریت، اشخاصی که دانششان به وسیله توهم ربوده شده است و دیوصفتان، بی‌ایمانان و شریرانی هستند که در برابر من سر تسلیم فرود نمی‌آورند.**

## شرح

در بهاگاواد-گیتا گفته شده است که انسان صرفاً با تسلیم نمودن خود به قدوم مقدس شخصیت متعال کریشنا می‌تواند بر قوانین سرسخت طبیعت مادی فائق آید. اینک این سؤال مطرح می‌شود که‌چرا دانشمندان، فیلسوفان، مدیران و تاجران تحصیل کرده و تمام رهبران توده مردم به قدوم نیلوفرین شری‌کریشنا، شخصیت قادر مطلق پروردگار، تسلیم نمی‌شوند؟ رهبران بشریت به طرق مختلف و با طرح برنامه‌ها و نقشه‌های بزرگ و با پشتکاری که در سالیان متمادی و در تولدهای پیاپی از خود نشان می‌دهند، در صدد نیل به موکتی یا رهایی از قوانین طبیعت مادی هستند. چنانچه این رهایی صرفاً با تسلیم شدن به قدوم نیلوفرین شخصیت متعال خداوند امکان‌پذیر باشد، در این صورت چرا این پیشوایان خردمند و سختکوش این روش ساده را در پیش نمی‌گیرند؟

گیتا پاسخ این پرسش را با صراحت تمام بیان می‌کند. آن کسانی که واقعاً پیشوایان دانای اجتماع هستند مانند برهما، شیوا، کاپیلا، کوماراها، مانو، ویاسا، دوالا، آسیتا، جاناکا، پراهلادا، بالی و در اعصار بعد مادهواچاریا، رامانوجاچاریا، شری چیتانیا و افراد بسیار دیگری، که واقعاً دانشمندان، مربیان، سیاستمداران و فیلسوفان باایمان هستند، به قدوم مبارک شخص مطلق یعنی قادر متعال سر تسلیم فرود می‌آورند. در عین حال فریبکارانی نیز وجود دارند که صرفاً به جهت منافع مادی در نقش فیلسوف، دانشمند، معلم، مدیر و غیره ظاهر می‌شوند. بدین سبب است که آنها راه خداوند را قبول نمی‌کنند و به طرحها و نقشه‌های او بی‌توجه‌اند. آنان هیچ گونه شناختی درباره خداوند ندارند، بلکه فقط نقشه‌ها و برنامه‌های دنیاپرستانه خود را اجرا می‌کنند و نتیجتاً در تلاش مذبوحانه خود در جهت حل مسائل و مشکلات موجودیت مادی، آنها را پیچیده‌تر می‌سازند. آنها قبول نمی‌کنند که انرژی مادی (طبیعت) فوق‌العاده قدرتمند است و می‌تواند برنامه‌های نادرست و نقشه‌های شوم خدانشناسانه آنها را بی‌اثر و "سازمانها و کمیسیونهای برنامه‌ریزی" آنان را با شکست مواجه سازد.

در اینجا طراحان و برنامه‌ریزان خدانشناس با واژه دوشکریتینا، یا "شریران" – در مقابل لغت کریتی به معنی کسی که کار شایسته و قابل ستایش انجام می‌دهد – توصیف شده‌اند. اعمال برنامه‌ریزان خدانشناس نیز بسیار هوشمندانه و قابل ستایش طراحی می‌گردد زیرا انجام هر نقشه عظیم، چه خوب یا بد، احتیاج به هوش و خرد کافی دارد. اما از آنجا که قوای دماغی خدانشناسان به صورت نادرست و در جهت مخالف نقشه‌های الهی به کار گرفته می‌شود، آنان را دوشکریتینا نامیده‌اند، یعنی کسانی که شعور، استعداد و کوششهایشان به گمراهی و تباهی کشیده شده است.

در گیتا به وضوح ذکر گردیده است که انرژی مادی کاملا تحت هدایت و اراده خداوند متعال – همچون سایه‌ای که طبق حرکات یک شیء حرکت می‌کند – عمل می‌نماید و هیچگاه مستقل یا قائم بالذات نیست. باید در نظر داشت که انرژی مادی بسیار نیرومند است و کافران، به علت طبع خدانشناسانه‌شان، نمی‌توانند دریابند که این نیروی مادی چگونه عمل می‌کند و به نقشه‌های خداوند متعال نمی‌توانند دست یابند. برنامه‌های چنین اشخاصی تحت نفوذ توهم و گونه‌های شهوت و جهالت نقش بر آب می‌شود و بی‌نتیجه می‌ماند، مانند هیرانیا کاشیپو و راوانا که اگرچه هر دو از نظر مادی دانشمند، فیلسوف، مدیر و معلم دانا بودند، نقشه‌هایشان بر باد رفت. دوشکریتیناها، یا اشخاص شریر، چنانکه در ذیل توصیف شده است به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

مودهایان اشخاص بسیار ابلهی هستند که همچون چهارپایان بارکش به سختی کار می‌کنند. آنها می‌خواهند خودشان به تنهایی از نتایج و ثمرات کارشان لذت ببرند و بنابراین نمی‌خواهند به خاطر تقرب به خداوند متعال از آن نتایج دست بشویند. مثال بارز و نمونه مشخص از حیوانات بارکش الاغ است. این حیوان متواضع از سوی صاحبش به کار بسیار سخت وادار می‌شود. الاغ واقعاً نمی‌داند که شب و روز برای چه کسی چنین به سختی کار می‌کند. او به همین راضی است که شکمش را با قدری علف سیر کند، با ترس از تازیانه صاحبش چند لحظه‌ای بخوابد و میل جنسی‌اش را نیز با لگد خوردن و جفتک زدن مکرر الاغ ماده راضی نماید. الاغ گاهی اوقات شعر و فلسفه هم می‌گوید ولی صدای عرعر او تنها باعث ناراحتی و آشفتگی دیگران می‌شود. این است موقعیت شخص ابلهی که در پی نیل به لذات مادی فقط برای اجر و ثمر کار می‌کند و نمی‌داند حقیقتاً باید برای چه کسی کار کرد. او نمی‌داند که کارما (عمل) به منظور یاگیا (قربانی) است.

اغلب اوقات کسانی که شب و روز برای سبک کردن بار وظایف خودساخته‌شان کار طاقت‌فرسا انجام می‌دهند می‌گویند که فرصتی برای شنیدن پیرامون جاودانگی موجود زنده ندارند. برای چنین مودهایانی منافع مادی و دستاوردهای دنیوی – با اینکه تنها از بخش بسیار کوچکی از ثمره کارشان لذت می‌برند که فانی و موقت نیز هست – همه چیز زندگی است. آنان گاهی اوقات برای نتیجه و ثمر شب و روز رنج بی‌خوابی را متحمل می‌شوند و به رغم بیماری زخم معده یا سوءهاضمه نیز عملا با اندکی خوراک یا تقریباً بدون غذا راضی‌اند و اوقات را سپری می‌کنند؛ آنان شب و روز فقط به کار طاقت‌فرسا برای نفع اربابان خیالی خود می‌پردازند. این ابلهان سختکوش با جهل و غفلت نسبت به ارباب و صاحب حقیقی خود، وقت باارزش و فرصت گرانبهای خویش را برای گردآوری مال و ثروت تلف می‌کنند. متأسفانه آنان هیچگاه به آن ارباب تمامی اربابان سر تسلیم فرود

نمی‌آورند و وقت خود را برای استماع درباره خداوند از مراجع موثق، اختصاص نمی‌دهند. همان گونه که خوکهای لجن و کثافت‌خور علاقه‌ای به خوردن شیرینی‌جات ساخته شده از شکر و روغن ندارند، ثمرجویان نادان نیز بدون احساس کوچکترین خستگی، وقت خود را صرف شنیدن وقایع بی‌ثبات این عالم فانی می‌کنند و کمترین فرصتی برای استماع پیرامون آن نیروی حیاتبخش جاودان که جهان مادی را حرکت می‌بخشد ندارند.

دسته دیگری از دوشکریتی یا اشخاص شریر، نارادهاما یا پست‌ترین نوع بشر خوانده می‌شود. نارا یعنی انسان و آدهاما یعنی پست‌ترین. از میان ۸/۴۰۰/۰۰ نوع قالبهای مختلف حیات ۴۰۰/۰۰۰ گونه انسانی وجود دارد که بیشتر آنها را شکلهای پست حیات بشری فاقد تمدن تشکیل می‌دهد. انسانهای متمدن کسانی هستند که واجد اصول تنظیم‌کننده اجتماعی، سیاسی و دینی باشند. کسانی که از نظر اجتماعی و سیاسی پیشرفت حاصل نموده و تکامل یافته‌اند در حالی که فاقد هر گونه پایبندی به اصول دینی‌اند باید در زمره نارادهاماها محسوب شوند. باید در نظر داشت که دین بدون خدا، دین نیست زیرا هدف پیروی از اصول دین شناخت حقیقت متعال و درک رابطه انسان با او می‌باشد. در گیتا، شخصیت متعال خداوند به روشنی بیان می‌کند که هیچ مرجعی بالاتر از او نیست و او حقیقت متعال است. شکل متمدن حیات بشری ، صرفاً به منظور احیای آگاهی گمشده انسان درباره رابطه جاودانش با حقیقت متعال یعنی شخصیت الهی شری‌کریشنا، آن قادر مطلق، به کار می‌آید. هر کسی که این فرصت را از کف بدهد در دسته نارادهاما قرار می‌گیرد. ما از طریق کتب مقدس مطلع می‌شویم که وقتی طفل در رحم مادر است، برای رهایی از آن وضع که وضعیت بسیار دشواری است، به خداوند دعا و سوگند یاد می‌کند که به محض خروج از آن موقعیت، فقط خداوند را پرستش نماید. دعا کردن به خداوند هنگامی که شخص در مصائب و مشکلات و یا در موقعیتی سخت و دشوار واقع است کشش طبیعی هر موجود زنده می‌باشد، زیرا او به طور جاودان با خداوند ارتباط دارد. اما طفل پس از رهایی از آن وضع، به علت تأثیر مایا یعنی انرژی توهمی، مشکلات تولد و همچنین ناجی خود را فراموش می‌کند.

این وظیفه اولیای اطفال است که آگاهی الهی نهفته در آنان را احیاء نمایند. در نظام وارناشراما ــ دهارما ده طریقه تزکیه – چنانکه در مانو ــ اسمریتی، راهنمای اصول دینی آمده است – برای احیای آگاهی به خداوند منظور شده است. اما اکنون در هیچ کجای جهان مردم از این اصول دقیقاً پیروی نمی‌کنند و بنابراین ۹۹/۹ درصد جمعیت جهان نارادهاما هستند.

هنگامی که کل جمعیت بشری به اشخاص نارادهاما مبدل می‌گردند، طبیعتاً تمامی این به اصطلاح تعلیم و تربیت (دانش) آنها در مقابل خواست و اراده الهی، از طریق قدرت تسخیرناپذیر طبیعت مادی بی‌اثر می‌شود و بر باد می‌رود. طبق معیار گیتا، انسان دانا کسی است که با نظری یکسان به براهمانای عالم، سگ، گاو، فیل و سگ‌خور بنگرد. چنین است بینش و نگرش عابد حقیقی. حضرت شری نیتیاناندا پرابهو که ظهور خداوند به صورت استاد روحانی است، دو نمونه بارز از اشخاص نارادهاما یعنی دو برادر جاگای و مادهای را نجات بخشید و رستگار نمود و نشان داد که چگونه لطف و رحمت عابد واقعی شامل حال پست‌ترین نوع بشر می‌گردد. بنابراین، شخص نارادهاما که از طرف شخصیت خداوند محکوم شده است، تنها به شکرانه لطف و رحمت یک عابد می‌تواند آگاهی روحانی خود را احیاء نماید.

حضرت چیتانیا ماهاپرابهو در اشاعه آیین بهاگاواتا ــ دهارما، یا نحوه سلوک و فعالیت عابدان توصیه فرموده است که مردم با تواضع و فروتنی پیام شخصیت خداوند را به گوش جان بشنوند؛ جوهر و چکیده این کلام الهی بهاگاواد–گیتا است. فرومرتبه‌ترین انسانها می‌توانند با گوش فرا دادن‌متواضعانه و فروتنانه به این پیام معنوی، نجات یابند؛ ولی متأسفانه آنان حتی از شنیدن این پیام الهی نیز امتناع می‌کنند، حال چه رسد به اینکه به خواست و اراده حق تعالی سر تسلیم فرود آورند! انسانهای نارادهاما یا فرومایگان بشری به علت جهل و بی‌خبری خود، مهمترین وظیفه انسانی را کاملا نادیده می‌گیرند.

دسته دیگر دوشکریتی را اشخاص ماپایاپاهریتا ــ گیانا تشکیل می‌دهند، یعنی کسانی که دانش عالمانه آنان به علت تأثیر انرژی توهم‌انگیز مادی خنثی و بی‌اثر گشته است. آنها غالباً اشخاص دانشمند و دانا هستند از قبیل فلاسفه بزرگ، شاعران، نویسندگان، دانشمندان و غیره؛ لیکن انرژی فریبنده مادی آنان را گمراه می‌سازد و بنابراین آنها از فرامین خداوند متعال سرپیچی می‌کنند.

در حال حاضر تعداد بیشماری از اشخاص مایایاپاهریتا ـ گیانا، حتی در میان محققان بهاگاواد–گیتا نیز وجود دارند. در گیتا با زبان ساده و روشن گفته شده که شری کریشنا شخصیت متعال خداوند است. هیچکس برابر با او یا بزرگتر از او نیست. از او به عنوان پدر برهما که پدر اصلی تمام انسانهاست یاد شده است. در واقع گفته شده شری کریشنا نه تنها پدر برهما، بلکه پدر تمام انواع حیات است. او منشأ برهمن فاقد شخصیت می‌باشد و همچنین پاراماتما، یعنی روح متعال یا جنبه ساری و جاری خداوند در قلب تمام موجودات زنده، بسط کاملی از وجود متعال اوست. او اصل و سرچشمه همه چیز است و به همه بشارت داده شده است که به قدوم مقدس او سر تسلیم فرود آورند. اشخاص مایایاپاهریتا ـ گیانا، به رغم تمام این اظهارات واضح، شخصیت حق تعالی را استهزاء می‌کنند و او را صرفاً انسانی عادی می‌پندارند. آنها نمی‌دانند که سیمای مبارک انسان از روی صورت جاودان و روحانی خداوند متعال طراحی شده است.

کلیه شرحهای غیر معتبر و تفاسیر غیر موثق گیتا که از سوی اشخاص مایایاپاهریتا ـ گیانا، خارج از بصیرت ژرف‌نگر طریقت پارام پارا، ارائه شده است فقط موانعی هستند در راه معرفت روحانی. این مفسران گمراه و منحرف به قدوم مقدس شری‌کریشنا تسلیم نمی‌شوند و به دیگران نیز، پیروی از این‌اصل را آموزش نمی‌دهند.

آخرین گروه اشخاص دوشکریتی، آسورام بهاوام آشریتا خوانده می‌شوند، به معنای کسانی که دارای اصول شیطانی‌اند. آنها علناً خدانشناس و بی‌ایمانند. برخی از آنان چنین استدلال می‌کنند که هیچگاه ممکن نیست خداوند متعال در این دنیای مادی هبوط نماید. در عین حال نیز قادر نیستند دلایل محکم و متقن مبنی بر عدم امکان این امر ارائه کنند. اشخاص دیگری هستند که شخصیت الهی را تابع برهمن فاقد شخصیت می‌دانند، با وجود آنکه در گیتا خلاف این مطلب بیان شده است. خدانشناسان و بی‌ایمانان به علت حسادت نسبت به شخصیت متعال خداوند، شماری از ظهورات کاذب را که ساخته و پرداخته قوای دماغی ناچیزشان است ارائه می‌دهند. چنین اشخاصی که اصل زندگی آنان بر محور بی‌ارج شمردن شخصیت الهی دور می‌زند، نمی‌توانند به قدوم مقدس شری‌کریشنا سر تسلیم فرود آورند.

حضرت یاموناچاریا آلباندارو که در جنوب هند می‌زیست فرموده است: "ای پروردگار من! با وجود صفات، وجوه و فعالیتهای خارق‌العاده‌ات، با وجود تأیید شخصیت تو از طرف تمام کتب مقدس که در گونه نیکی‌اند و با وجود شناخت و تأیید تو از طرف مراجع مشهوری که به خاطر دانش عمیق در علم روحانی و قرار داشتن در صفات الهی معروف هستند، تو برای کسانی که فاقد اصول الهی و در زمره بی‌ایمانان و خدانشناسان هستند غیر قابل شناخت هستی."

بنابراین، همان گونه که در فوق ذکر شد، (۱) اشخاص بسیار ابله (۲) فرومرتبه‌ترین انسانها (۳) پندارگرایان گمراه و منحرف و (۴) خدانشناسان و بی‌ایمانان متظاهر، به رغم کلیه پندهای کتب مقدس و توصیه‌های مراجع موثق هیچگاه به قدوم مقدس شخصیت پروردگار سر تسلیم فرود نمی‌آورند.

## آیه ۱۶

*catur-vidhā bhajante māṁ*
*janāḥ sukṛtino 'rjuna*
*ārto jijñāsur arthārthī*
*jñānī ca bharatarṣabha*

*catuḥ-vidhāḥ*: چهار نوع از ـ *bhajante*: خدمت می‌کنند ـ *mām*: به من ـ *janāḥ*: اشخاص ـ *su-kṛtinaḥ*: آن کسانی که پرهیزکارند ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *ārtaḥ*: دردمند ـ *jijñāsuḥ*: کنجکاو ـ *artha-arthī*: کسی که در آرزوی دستاورد مادی است ـ *jñānī*: کسی که چیزها را همان گونه که هست می‌داند ـ *ca*: همچنین ـ *bharata-ṛṣabha*: ای برترین در میان نوادگان بهاراتا.

## ترجمه

**ای بهترین در میان بهاراتاها، چهار نوع انسان پرهیزکار طوق بندگی و عبودیت مرا بر گردن می‌نهند و بـه من خدمت عابدانه می‌کنند: انسان دردمند، شخص خواستار ثروت، فرد کنجکاو و کسی که در جستجوی شناخت مطلق است.**

## شرح

برخلاف اشخاص شریر، این افراد پیرو اصول تنظیم‌کننده کتب مقدس هستند و سوکریتینا یا کسانی که از قواعد و احکام کتب مقدس و قوانین اخلاقی و اجتماعی اطاعت می‌کنند خوانده می‌شوند و کم و بیش وقف بندگی خداوند متعال هستند. آنان چهار دسته‌اند: کسانی که گرفتار درد و غم هستند، کسانی که نیاز مالی دارند، کسانی که کنجکاوند و کسانی که در جستجوی شناخت حقیقت مطلق‌اند. این اشخاص در شرایط مختلف برای بندگی و خدمت به خداوند به سوی حق تعالی روی می‌آورند. ولی چون خواسته‌ای در قبال خدمت و طاعت و بندگی خویش دارند و خواهان تحقق آن هستند، لذا عابدان پاک و خالص محسوب نمی‌شوند. باید در نظر داشت که در خدمت عابدانه پاک و خالص نباید کمترین اثری از خواسته و آرزو برای نفع شخصی وجود داشته باشد. کتاب بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو (۱۱/۱/۱) در توصیف عشق و عبودیت پاک چنین می‌گوید:

*anyābhilāṣitā-śūnyaṁ*
*jñāna-karmādy-anāvṛtam*
*ānukūlyena kṛṣṇānu*
*śīlanaṁ bhaktir uttamā*

"انسان باید وجود خویش را به طور مطلوب در خدمت عاشقانه روحانی به خداوند متعال کریشنا نثار کند، بدون آنکه خواهان کوچکترین منفعت مادی یا دستاورد دنیوی از طریق اعمال ثمرجویانه یا از طریق پندارهای فلسفی باشد. این گونه طرز سلوک، خدمت عابدانه پاک خوانده می‌شود."

هنگامی که این چهار دسته انسان برای خدمت عابدانه نزد خداوند متعال می‌آیند، در اثر معاشرت با یک عابد پاک کاملا تزکیه و تطهیر می‌شوند و به نوبه خود، آنان نیز عابد پاک و خالص می‌گردند. اما راجع به اشخاص شریر باید گفت که خدمت عابدانه برای آنان بسیار دشوار است، زیرا زندگی آنها بر محور خودخواهی و خودپرستی، بی‌نظمی و سرپیچی از قواعد و قوانین می‌چرخد و هیچ گونه هدف روحانی را دنبال نمی‌کنند. با این حال، حتی آنها نیز، چنانچه در تماس با عابد پاکی قرار گیرند خود نیز عابد پاک می‌شوند.

کسانی که دائماً به اعمال ثمرجویانه اشتغال دارند، در مواقع رنج و گرفتاری مادی، رو به خدا می‌آورند و در آن هنگام با عابدان پاک معاشر می‌شوند و در گرفتاری خود عابد خدا می‌گردند. کسانی که در ناکامی و نومیدی بسر می‌برند نیز گاهی اوقات برای معاشرت با عابدان پاک پا پیش می‌نهند و کنجکاو می‌شوند که خدا را بشناسند. به همین ترتیب، وقتی فیلسوفان خشک و بی‌روح، در تمام زمینه‌های دانش با یأس و ناکامی مواجه می‌شوند، گاهی اوقات قصد می‌کنند درباره خدا بیاموزند و به سوی او رو می‌آورند تا به اعطای خدمت عابدانه بپردازند و بدین‌سان از حدود دانش برهمن فاقد شخصیت و پاراماتمای ساری و جاری فراتر رفته و با لطف حق تعالی یا عابد پاک او به حیطه شناخت جنبه واجد شخصیت خداوند دست می‌یابند. به طور کلی هنگامی که دردمندان، کنجکاوان، جستجوگران دانش و آن کسانی که محتاج ثروت هستند، از تمام خواسته‌های مادی آزاد می‌شوند و کاملا درک می‌کنند که اجر و پاداش مادی ارتباطی با پیشرفت روحانی ندارد، آنگاه عابدان پاک می‌شوند. عابدانی که در خدمت متعال به خداوندند، مادامی که به چنین مرحله پاکی نرسیده‌اند، آلوده فعالیتهای ثمرجویانه و جستجو برای دانش مادی و غیره می‌باشند. بنابراین، انسان باید از تمام این مراحل فراتر رود تا بتواند به عرصه خدمت عابدانه پاک نائل آید.

## آیه ۱۷

*teṣāṁ jñānī nitya-yukta*
*eka-bhaktir viśiṣyate*
*priyo hi jñānino 'tyartham*
*ahaṁ sa ca mama priyaḥ*

***teṣām***: در میان آنها ـ ***jñānī***: شخصی که در دانش کامل قرار دارد ـ ***nitya-yuktaḥ***: همواره مشغول ـ ***eka***: فقط ـ ***bhaktiḥ***: در خدمت عابدانه ـ ***viśiṣyate***: بخصوص است ـ ***priyaḥ***: بسیار عزیز ـ ***hi***: حتماً، محققاً ـ ***jñāninaḥ***: برای شخصی که در دانش قرار دارد ـ ***atyartham***: به طرز والایی ـ ***aham***: من هستم ـ ***saḥ***: او ـ ***saḥ***: همچنین ـ ***mama***: برای من ـ ***priyaḥ***: عزیز.

## ترجمه

**از میان آنها، کسی که در دانش کامل قرار دارد و همـواره وقـف خـدمت عابدانــه خـالص اســت بهتــرین می‌باشد، زیرا من برای او بسیار عزیزم، همان طور که او نیز برای من بسیار عزیز است.**

## شرح

دردمندان، کنجکاوان، فقیران و جستجوگران دانش متعال با رهایی از آلودگی ناشی از آرزوهای مادی می‌توانند همگی عابدان پاک شوند. ولی از میان آنها، آن کس که در دانش حقیقت مطلق قرار دارد و عاری از هر گونه خواسته مادی است، عابد و فدایی واقعاً پاک خداوند می‌شود. خداوند می‌فرماید از این چهار گروه آن عابد که در دانش کامل قرار دارد و در عین حال مشغول خدمت عابدانه می‌باشد، بهترین است. از طریق دانش، انسان درمی‌یابد که روح یا ذات با بدن یا کالبد مادی متفاوت است و هنگامی که بیشتر پیشرفت نماید به دانش برهمن فاقد شخصیت و پاراماتما می‌رسد. هنگامی که انسان کاملا پاک گردد درک می‌کند که مقام فطری و موقعیت اصلی او خادم ابدی خداوند بودن است. بنابراین، انسانهای کنجکاو، دردمند، جویای پیشرفت مادی و کسی که در دانش است از طریق معاشرت با مریدان پاک خدا نیز همگی پاک می‌شوند. لیکن شخصی که از آغاز، در دانش کامل خداوند قرار دارد و در عین حال مشغول انجام خدمت عابدانه می‌باشد برای خداوند بسیار عزیز است. کسی که در دانش پاک تعالی شخصیت اعلای پروردگار قرار دارد، آنچنان به وسیله خدمت عابدانه حفاظت می‌شود که آلودگی مادی قدرت تماس با او را نمی‌یابد.

## آیه ۱۸

*udārāḥ sarva evaite*
*jñānī tv ātmaiva me matam*
*āsthitaḥ sa hi yuktātmā*
*mām evānuttamāṁ gatim*

***udārāḥ***: بزرگوار ـ ***sarve***: همه ـ ***eva***: حتماً، محققاً ـ ***ete***: اینها ـ ***jñānī***: کسی که در دانش است ـ ***tu***: اما ـ ***ātmā eva***: درست همانند خودم ـ ***me***: مال من، م ـ ***matam***: نظر، عقیده ـ ***āsthitaḥ***: واقع شده ـ ***saḥ***: او ـ ***hi***: حتماً، محققاً ـ ***yukta-ātmā***: مشغول در خدمت عابدانه ـ ***mām***: در من ـ ***eva***: حتماً، محققاً ـ ***anuttamām***: بالاترین، عالیترین ـ ***gatim***: مقصد.

## ترجمه

**بدون شک تمام این عابدان ارواح بزرگواری هستند، اما کسی که مرا می‌شناسد، من او را درست همچون خویش محسوب می‌کنم. او به علت مشغول بودن در خدمت متعال من، یقیناً به من، یعنی عـالیترین و کـاملترین هدف، واصل می‌گردد.**

## شرح

چنین نیست که عابدانی که چندان در دانش کامل واقع نیستند برای خداوند عزیز نباشند. خداوند می‌فرماید همه بزرگوارند، زیرا هر کسی که با هر انگیزه یا مقصودی رو به خدا آورد ماهاتما یا روح بزرگ خوانده می‌شود. حتی عابدانی که از طریق خدمت عابدانه در جستجوی سود و ثمر هستند نیز از طرف خداوند پذیرفته می‌شوند، زیرا در این رابطه هم تبادل مهر و عاطفه وجود دارد. آنان با مهر از خداوند طلب پاداش و اجر مادی می‌نمایند و زمانی که به آن دست یافتند آنچنان احساس‌خوشبختی و رضایت می‌کنند که خود این سعادت باعث پیشرفتشان در راه خدمت عابدانه می‌شود. ولی آن عابدی که در دانش کامل است، چون تنها هدفش خدمت با عشق و عبودیت به خداوند متعال است برای خداوند بسیار عزیز می‌باشد. چنین عابدی نمی‌تواند لحظه‌ای را بدون تماس با خداوند متعال یا خدمت به او سپری کند. به همین نحو، خداوند نیز به عابدش بسیار علاقه‌مند است و نمی‌تواند از او منفک باشد.

خداوند در شریماد- بهاگاواتام (۶۸/۴/۹) اعلام می‌دارد:

*sādhavo hṛdayaṁ mahyaṁ*
*sādhūnāṁ hṛdayaṁ tv aham*
*mad-anyat te na jānanti*
*nāhaṁ tebhyo manāg api*

"عابدان و مریدان همواره در قلب من جای دارند و من همواره در قلب آنان هستم. همان گونه که آنها هیچ چیز به جز من نمی‌شناسند، من نیز نمی‌توانم آنها را فراموش کنم. رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمانه بین من و مریدان پاکم وجود دارد. هیچگاه نیست که سرسپردگان پاک که در دانش کامل قرار دارند خارج از عرصه روحانی واقع شوند و بنابراین آنان برای من بسیار محبوب می‌باشند."

## آیه ۱۹

*bahūnāṁ janmanām ante*
*jñānavān māṁ prapadyate*
*vāsudevaḥ sarvam iti*
*sa mahātmā su-durlabhaḥ*

*bahūnām*: بسیاری ـ *janmanām*: تولدها و مرگهای مکرر ـ *ante*: پس از ـ *jñāna—vān*: کسی‌که در دانش کامل است ـ *mām*: به من ـ *prapadyate*: تسلیم می‌گردد ـ *vāsudevaḥ*: شخصیت‌پروردگار، کریشنا ـ *sarvam*: همه چیز ـ *iti*: بدین‌سان ـ *saḥ*: آن ـ *mahā-ātmā*: روح بزرگ ـ *su-durlabhaḥ*: بسیار نادر.

## ترجمه

**پس از تولدها و مرگهای بسیار، کسی که با شناخت من به عنوان علت تمام علل و خالق تمـام هسـتی در دانش واقعی قرار گرفت، به من تسلیم می‌گردد. چنین روح بزرگی بسیار نادر است.**

## شرح

انسان با انجام خدمت عابدانه یا اجرای مراسم و مناسک روحانی، پس از سپری نمودن تولدهای بسیار زیادی ممکن است واقعاً در دانش متعال خالص، یعنی آنکه شخصیت اعلای خداوند هدف نهایی معرفت روحانی است، قرار گیرد. انسان در آغاز معرفت روحانی می‌کوشد دلبستگیهای خود را به گرایشات مادی رها نماید، و در این حالت تمایل به بی‌هویت‌گرایی در او به وجود می‌آید، ولی هنگامی که او پیشرفت بیشتری حاصل کند، رفته رفته درک می‌نماید که در زندگی روحانی فعالیتهایی هم وجود دارد که این فعالیتها خدمت عابدانه را تشکیل می‌دهد. با درک این موضوع او به خداوند متعال به صورت یک شخص دلبسته می‌شود و بدو تسلیم می‌گردد. در این زمان است که او می‌تواند درک کند که همه چیز لطف خداوند شری‌کریشناست، که خداوند علت تمام علل می‌باشد و تجلی مادی کائنات هم مستقل از او نیست. انسان به این ادراک دست می‌یابد که دنیای مادی انعکاس منحرفی از جهان متنوع روحانی است و در هر چیزی رابطه‌ای با خداوند متعال کریشنا وجود دارد. بدین‌سان او به همه چیز در رابطه با خدا، واسودوا، یا شری‌کریشنا فکر می‌کند. این گونه بینش و بصیرت جامع نسبت به واسودوا، باعث تسلیم کامل انسان به خداوند متعال شری‌کریشنا به عنوان بالاترین مقصود می‌گردد. لیکن این گونه ارواح بزرگی که سر تسلیم فرود آورده باشند بسیار نادرند.

آیه زیر به طرز بسـیار عالی در فصل سوم شوتاش واتارا اوپانیشاد (آیات ۱۴ و ۱۵) توضیح داده‌شده است:

در چاندوگیا اوپانیشاد (۱۵/۱/۵) گفته شده است:

*sahasra-śīrṣā puruṣaḥ*
*sahasrākṣaḥ sahasra-pāt*
*sa bhūmiṁ viśvato vṛtvā*
*tyātiṣṭhad daśāṅgulam*

*puruṣa evedaṁ sarvaṁ*
*yad bhūtaṁ yac ca bhavyam*
*utāmṛtatvasyeśāno*
*yad annenātirohati*

"در کالبد جسمانی موجود زنده هیچیک از قوای کلام، بینایی، شنوایی و تفکر کردن عامل اصلی نیست، بلکه آن نیروی زندگی، جان یا روح است که محور تمام فعالیتهاست." به همین ترتیب، خداوند واسودوا یا شخصیت الهی، یعنی خداوند شری‌کریشنا، آن جوهر اصلی در همه چیز است. گو اینکه در این کالبد جسمانی قوای کلام، بینایی، شنوایی، فعالیتهای ذهنی و غیره وجود دارد، اما چنانچه آنها در ارتباط با خداوند متعال نباشند، اهمیتی در بر نخواهند داشت. عابد از آنجا که واسودوا در همه جا حاضر است و همه چیز واسودوا است، در دانش کامل سر تسلیم فرود می‌آورد (بهاگاواد–گیتا ۱۷/۷ و ۴۰/۱۱).

## آیه ۲۰

*kāmais tais tair hṛta-jñānāḥ*
*prapadyante 'nya-devatāḥ*
*taṁ taṁ niyamam āsthāya*
*prakṛtyā niyatāḥ svayā*

*kāmaiḥ*: به وسیله خواسته‌ها و آرزوها ـ *taiḥ taiḥ*: گوناگون ـ *hṛta*: محروم شده از ـ *jñānāḥ*: دانش ـ *prapadyante*: تسلیم می‌شوند ـ *anya*: به دیگر ـ *devatāḥ*: فرشتگان، الهگان ـ *tam tam*: تطبیق کردن، برابر بودن ـ *niyamam*: قواعد

و قوانین ـ *āsthāya*: پیروی کردن ـ *prakṛtyā*: به وسیله طبیعت ـ *niyatāḥ*: کنترل شده ـ *svayā*: به وسیله (طبیعت) خودشان.

## ترجمه

**کسانی که شعورشان به وسیله خواسته‌های مادی ربوده شده است به فرشتگان تسلیم می‌شوند و طبق طبایع خویش از قواعد و قوانین خاصی از پرستش پیروی می‌کنند.**

## شرح

کسانی که از تمام آلودگیهای مادی آزاد شده باشند به خداوند متعال سر تسلیم فرود می‌آورند و مشغول خدمت خالصانه او می‌گردند. مادامی که آلایشهای مادی از ساحت ضمیر شخص کامل ارخت برنبسته باشد، طبعاً او آباکتا یا غیر عابد محسوب می‌شود. اما حتی کسانی که به رغم خواسته‌های مادی به خداوند متعال پناه می‌برند و به او توکل می‌کنند، دلبستگی خود را به طبیعت بیرونی و دنیای ظاهری از دست می‌دهند، زیرا آنان به علت نزدیک شدن به هدف صحیح زندگی، دیری نمی‌پاید که از تمام شهوات مادی آزاد می‌گردند. این نکته در شریماد- بهاگاواتام توصیه شده که چه انسان عابدی پاک و عاری از تمام آرزوهای مادی و چه مملو از خواسته‌های مادی باشد، و یا آنکه آرزوی رهایی از آلودگیهای مادی را در سر بپروراند، باید در تمام موارد تسلیم واسودوا گردد و خداوند را عبادت کند. چنانکه در بهاگاواتام (۱۰/۳/۲) گفته شده است:

*akāmaḥ sarva-kāmo vā*
*mokṣa-kāma udāra-dhīḥ*
*tīvreṇa bhakti-yogena*
*yajeta puruṣaṁ param*

افراد کم‌خرد که قوه تشخیص و درک روحانی خود را از دست داده‌اند برای تحقق عاجل و فوری آرزوهای مادی خود به فرشتگان پناه می‌برند. این افراد قاعدتاً به سوی شخصیت متعال خداوند روی نمی‌آورند، زیرا در گونه‌های پست‌تر طبیعت (جهل و شهوت) قرار دارند و به همین جهت به عبادت فرشتگان گوناگون مبادرت می‌ورزند. آنها با پیروی از قواعد و قوانین پرستش راضی‌اند. پرستش‌کنندگان فرشتگان که برده خواسته‌های حقیر مادی خود هستند از دستیابی به هدف متعال غافلند؛ در حالی که عابد خداوند این گونه گمراه نمی‌گردد. از آنجا که در متون مقدس ودایی برای نیل به مقاصد مختلف توصیه‌هایی برای پرستش فرشتگان شده است (مانند پرستش الهه خورشید برای به دست آوردن سلامتی)، کسانی که عابد خداوند نیستند، فرشتگان را برای نیل به مقاصد خاصی، از خداوند متعال، قابل و شایسته‌تر می‌دانند. اما عابد پاک واقف است که خداوند متعال کریشنا، حکمران و ارباب همه است، چه فرشته و چه انسان. در چیتانیا ـ چاریتامریتا (آدی ۱۴۲/۵) گفته‌شده است:

*ekale īśvara kṛṣṇa, āra saba bhṛtya*

تنها ارباب، شخصیت اعلای خداوند، کریشناست و بس و دیگران همگی خادم او هستند. بنابراین، عابد پاک هیچگاه برای رضایت و تحقق نیازهای مادی خود رو به سوی فرشتگان‌نمی‌برد. او به خداوند متعال تکیه و توکل می‌کند و تنها با هر آنچه که حق تعالی به او اعطاء کند، راضی است.

## آیه ۲۱

*yo yo yāṁ yāṁ tanuṁ bhaktaḥ*
*śraddhayārcitum icchati*
*tasya tasyācalāṁ śraddhāṁ*

*tām eva vidadhāmy aham*

*yaḥ yaḥ*: هر کسی که ـ *yām yām*: هر کدام، هر یک ـ *tanum*: سیمای یک فرشته ـ *bhaktaḥ*: عابد ـ *śraddhayā*: با ایمان ـ *arcitum*: پرستش کردن ـ *icchati*: آرزو کند ـ *tasya tasya*: برای او ـ *acalām*: استوار و ثابت ـ *śraddhām*: ایمان ـ *tām*: آن ـ *eva*: مطمئناً، یقیناً ـ *vidadhāmi*: می‌دهم ـ *aham*: من.

## ترجمه

**من به صورت روح متعال در قلب همه می‌باشم. به محض آنکه کسی آرزوی پرستش فرشته‌ای را در سر بپروراند، من ایمان او را محکم و راسخ می‌کنم تا بتواند خود را وقف آن فرشته بخصوص نماید.**

## شرح

خداوند به همه استقلال عطا کرده است؛ بنابراین چنانچه شخصی آرزوی کسب لذات مادی را داشته باشد و در کمال صداقت چنین تسهیلاتی را از فرشتگان طلب نماید، خداوند به عنوان روح‌متعال حاضر در قلب همه موجودات، به این مطلب احاطه داشته و به چنین شخصی امکانات لازم را اعطاء می‌کند. خداوند به عنوان پدر متعال کلیه موجودات زنده در استقلال آنان دخالت نمی‌ورزد، بلکه تمام تسهیلات لازم را در اختیار می‌گذارد تا بتوانند آرزوهای مادی خود را تحقق بخشند. اینک برخی ممکن است سؤال کنند چرا قادر مطلق به موجودات زنده امکانات لازم برای لذت بردن از دنیای مادی را عطا می‌کند و بدین ترتیب اجازه می‌دهد که آنها در ورطه نیروی توهمی فرو بیفتند. پاسخ این است که اگر خداوند سبحان به عنوان روح متعال چنین امکانات و تسهیلاتی را در اختیار آنان قرار ندهد، در این صورت دیگر استقلال مفهوم خود را از دست می‌دهد. بنابراین، حق تعالی به همه استقلال کامل می‌دهد، ولی در عین حال آموزش نهایی را در بهاگاواد–گیتا نیز ارزانی می‌دارد: انسان باید تمام فعالیتهای خود را به منظور تسلیم شدن کامل به خداوند رها سازد. این طریق همانا خوشبختی انسان را به ارمغان خواهد آورد.

همه موجودات زنده، از جمله فرشتگان، تحت خواست و اراده شخصیت اعلای پروردگار قرا ردارند؛ از این رو پرستش فرشتگان از سوی موجود زنده تنها مربوط به خواست و اراده او نیست، همچنانکه فرشتگان نیز نمی‌توانند هیچ گونه موهبتی را بی‌آنکه اراده متعال به آن تعلق گرفته باشد ارزانی دارند. همان گونه که گفته شده است حتی برگی از درخت بدون اراده شخصیت اعلای پروردگار فرو نمی‌افتد. به طور کلی همان گونه که در ادبیات ودایی نیز توصیه شده است اشخاص دردمند به فرشتگان روی می‌آورند. به هر حال، شخصی که خواهان امتیاز خاصی باشد می‌تواند به‌پرستش فرشته مربوطه مبادرت ورزد. برای مثال، پرستش فرشته خورشید به شخص بیمار توصیه شده، کسی که خواهان فضل و دانش است می‌تواند ساراسواتی را بپرستد و شخصی که در آرزوی همسری زیباست می‌تواند اوما، همسر خداوندگار شیوا را بپرستد. به این ترتیب در شاستراها (کتب‌مقدس ودایی) توصیه‌هایی برای حالات مختلف پرستش فرشتگان وجود دارد. از آنجا که هر موجود زنده بخصوصی درصدد است که از امکانات و تسهیلات مادی خاصی بهره‌مند شود و لذت ببرد، خداوند آرزوی قوی و عزم راسخ برای به دست آوردن آن را به او می‌بخشد تا آن موهبت را از فرشته بخصوص طلب کند و به این ترتیب شخص برکات مادی را با موفقیت دریافت می‌کند. و باید دانست که پرستش فرشته خاص از طرف موجود زنده نیز به وسیله خداوند متعال تدبیر می‌شود و فرشتگان قادر نیستند چنین گرایشی را در موجود زنده القاء کنند لیکن کریشنا، آن روح متعال حاضر در قلب تمام موجودات زنده، به انسان انگیزه لازم را برای پرستش فرشتگان خاصی عطا می‌کند. در واقع، فرشتگان بخشهای مختلفی از کالبد کیهانی خداوند متعال هستند؛ بنابراین آنان شخصاً استقلالی ندارند. در ادبیات ودایی گفته شده است: "شخصیت اعلای پروردگار، به منزله روح متعال، درون

قلب فرشتگان نیز حضور دارد؛ از این رو خداوند از طریق فرشتگان ترتیبی می‌دهد تا آرزوهای موجودات زنده برآورده شود. هم فرشتگان و هم موجودات زنده هر دو متکی به اراده متعال هستند و استقلال ندارند.“

## آیه ۲۲

*sa tayā śraddhayā yuktas*
*tasyārādhanam īhate*
*labhate ca tataḥ kāmān*
*mayaiva vihitān hi tān*

*saḥ*:او _ *tayā*:با آن _*śraddhayā* : الهام _*yuktaḥ* : ارزانی شده _ *tasya*: مربوط به آن فرشته _ *ārādhanam*: برای پرستش _ *īhate*: او آرزو می‌کند _ *labhate*: به دست می‌آورد _ *ca*: و _ *tataḥ*: از آن _ *kāmān*: آرزوهایش _ *mayā*: توسط من _ *eva*: به تنهایی _ *vihitān*: تدبیرشده، تنظیم‌شده _ *hi*: حتماً، محققاً _ *tān*: آنها.

## ترجمه

**انسان، با موهبت چنین ایمانی، تلاش می‌کند فرشته بخصوصی را عبادت کند و به آرزوهایش‌دست می‌یابد. اما در واقع این الطاف و برکات فقط از سوی من اعطاء می‌شود.**

## شرح

فرشتگان بدون اراده خداوند متعال قادر نیستند به عابدانشان برکات و نعمات ارزانی دارند. انسان ممکن است مالکیت مطلق خداوند را بر همه چیز فراموش کند، لیکن فرشتگان فراموش نمی‌کنند. بنابراین، باید در نظر داشت که تحقق خواسته‌های مادی و دستیابی به نتایج دلخواه از طریق پرستش فرشتگان، در نهایت امر با تدبیر شخصیت متعال خداوند صورت می‌پذیرد. انسانهای بی‌خرد به این امر واقف نیستند و بنابراین ابلهانه برای دستیابی به مواهب مادی به فرشتگان رو می‌کنند. اما عابدان پاک برای برآورده شدن تمام نیازهای خود فقط به شخصیت متعال دعا می‌نمایند. اما طلب دستاوردهای مادی نشانه عابد پاک نیست. معمولا شخصی که شدیداً خواستار ارضای تمایلات نفسانی خود باشد به سوی فرشتگان رو می‌کند و این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که او در طلب خواسته نابجایی است و خداوند خود این آرزو را برآورده نمی‌سازد. در چیتانیا ـ چاریتامریتا گفته شده است کسی که خداوند متعال را عبادت می‌کند و در عین حال خواستار لذات مادی است در آرزوهایش دچار تضاد است. خدمت عابدانه به خداوند متعال و پرستش فرشتگان از ارزش همسانی برخوردار نیست، زیرا پرستش فرشتگان امری مادی محسوب می‌شود، حال آنکه عبادت خالصانه یا خدمت عاشقانه کاملا روحانی است.

برای موجود زنده‌ای که خواهان بازگشت به سوی خداوند است آرزوهای مادی در حکم موانعی بر سر راه است. بنابراین، به عابد پاک خداوند، منافع و مواهب دنیوی که افراد کم‌خردتر آرزوی آن را در سر می‌پرورانند و به خاطر آن ترجیح می‌دهند به جای خدمت خالصانه خداوند، فرشتگان دنیای مادی را بپرستند، اعطاء نمی‌شود.

## آیه ۲۳

*antavat tu phalaṁ teṣāṁ*
*tad bhavaty alpa-medhasām*
*devān deva-yajo yānti*
*mad-bhaktā yānti mām api*

*anta-vat*: از بین رفتنی ـ *tu*: ولی ـ *phalam*: میوه، ثمر ـ *teṣām*: مال آنها، شان ـ *tat*: آن ـ *bhavati*: می‌شود ـ *alpa*—— *medhasām*: مربوط به آن کسانی که شعور اندکی دارند ـ *devān*: به فرشتگان ـ *deva-yajaḥ*: پرستندگان فرشتگان ـ *yānti*: می‌روند ـ *mat*: مال من، م ـ *bhaktāḥ*: عابدان، مریدان ـ *yānti*: می‌روند ـ *mām*: به سوی من ـ *api*: همچنین.

## ترجمه

**اشخاص کم‌شعور فرشتگان را می‌پرستند و ثمرات پرستششان محدود و موقتی است. کسانی که فرشتگان را عبادت کنند به سیارات فرشتگان دست می‌یابند، در حالی که مریدانم در نهایت امر به سیاره متعال من واصل می‌شوند.**

## شرح

بعضی از مفسران بهاگاواد-گیتا می‌گویند کسی که فرشتگان را عبادت کند نیز به خداوند متعال نائل می‌گردد، حال آنکه در اینجا به وضوح بیان شده است که کسانی که فرشتگان را بپرستند به کرات گوناگونی که فرشتگان مختلف بر آنها موکل‌اند عزیمت خواهند کرد، همان گونه که پرستش‌کننده خداوندگار خورشید به سیاره خورشید و پرستش‌کننده خداوندگار ماه به کره ماه دست می‌یابد. به همین ترتیب اگر کسی بخواهد فرشته‌ای مانند ایندرا را عبادت کند می‌تواند به سیاره خاص او دست یابد. چنین نیست که هر نوع عبادتی شخص را به شخصیت اقدس پروردگار واصل کند. این مطلب در اینجا به روشنی بیان شده است که پرستش‌کنندگان فرشتگان به سیارات گوناگون دنیای مادی عزیمت خواهند کرد، اما عابد خداوند مستقیماً به آن کوکب متعال شخصیت پروردگار واصل خواهد شد.

ممکن است در اینجا این نکته مطرح شود که چنانچه فرشتگان قسمتهای مختلف کالبد کیهانی خداوند متعال را تشکیل می‌دهند می‌توان با پرستش آنان به خداوند متعال نیز دست یافت. ولی پرستندگان فرشتگان بهره چندانی از شعور ندارند، زیرا به این نکته واقف نیستند که غذا را باید به کدام عضو بدن رساند. آیا کسی می‌تواند غذا را از طریق چشم و گوش به بدن برساند؟ این مطلب نشان می‌دهد که آنها به این نکته که فرشتگان اعضاء و قسمتهای مختلفی از کالبد جهانی خداوند متعال هستند به درستی پی نبرده و در جهل و غفلت خویش معتقدند که هر فرشته‌ای برای خودش خدایی جداگانه و همتایی برای خداوند متعال است.

نه تنها فرشتگان بلکه موجودات زنده معمولی نیز اجزای خداوند متعال هستند. درشریماد- بهاگاواتام آمده است که براهماناها سر خداوند متعال، کشاتریاها بازوان او، وایشیاها کمر او، شودراها پای او، و همگی مشغول انجام وظایف گوناگون می‌باشند. چنانچه کسی صرف نظر از موقعیتهای گوناگونی که ما موجودات زنده (ارواح) در آن قرار گرفته‌ایم، درک کند که هم فرشتگان و هم خودش، اجزاء و ذرات لاینفک خداوند متعال اند، دانش او کامل خواهد بود. اما اگر او این نکته را درک نکند و پرستش خود را به فرشتگان محدود نماید، به کرات مختلفی که آنان بر آنها موکل‌اند نائل می‌شود، که این کرات از مقصدی که مریدان خدا به آن واصل می‌شوند بسیار دور است.

نتایج حاصل از نعماتی که فرشتگان ارزانی می‌دارند دائمی نیست، زیرا در سراسر این دنیای مادی اعم از سیارات، فرشتگان و پرستش‌کنندگان آنها همگی نابودشدنی و فانی هستند. بدین جهت، به روشنی در این آیه ذکر شده که تمام نتایجی که از عبادت فرشتگان به دست می‌آید از بین رفتنی است و از این رو چنین عبادتی را موجودات کم‌شعور انجام می‌دهند. اما عابد پاک، چون در آگاهی به کریشنا وقف خدمت عابدانه خداوند متعال شده است، به حیات سرمدی پرشعف که سرشار از دانش است دست می‌یابد و لذا موفقیت او با عبادت‌کنندگان عادی فرشتگان متفاوت است. خداوند تبارک و تعالی لایتناهی و نامحدود است، همان طور که رحمت و لطف او بر عابدان پاکش.

## آیه ۲۴

*avyaktaṁ vyaktim āpannaṁ*
*manyante mām abuddhayaḥ*
*paraṁ bhāvam ajānanto*
*mamāvyayam anuttamam*

*avyaktam*: تجلی‌نیافته ـ *vyaktim*: شخصیت ـ *āpannam*: به دست آورده، نائل شده به ـ *manyante*: فکر می‌کنند ـ *mām*: به من، مرا ـ *abuddhayaḥ*: اشخاص کم‌خرد ـ *param*: والا و متعال ـ *bhāvam*: موجودیت ـ *ajānantaḥ*: بدون شناختن ـ *mama*: مال من، م ـ *avyayam*: تغییرناپذیر، جاودانی ـ *anuttamam*: عالیترین، نابترین.

## ترجمه

**نابخردان که مرا به طور کامل نمی‌شناسند، می‌پندارند که من، شخصیت اعلای خداوند، کریشنا، قبلا فاقد شخصیت بوده‌ام و اکنون این صورت و شخصیت را به خود گرفته‌ام. دانش اندک آنان اجازه نمی‌دهد که طبیعت اعلای مرا که تغییر ناپذیر و متعال است بشناسند.**

## شرح

کسانی که فرشتگان را پرستش می‌کنند به منزله اشخاص کم‌شعور توصیف شده‌اند و در آیه حاضر نیز بی‌هویت‌گرایان به همان صورت وصف شده‌اند. اینجا خداوند کریشنا با شکل جاودان‌واجد شخصیت خود در مقابل آرجونا سخن می‌گوید و با این وصف بی‌هویت‌گرایان از روی نادانی چنین استدلال می‌کنند که خداوند متعال در نهایت امر فاقد شکل است. حضرت یاموناچاریا، عابد بزرگ خداوند که در خط سلسله پیران رامانوجاچاریا قرار دارد دو بیت بسیار مناسب در این رابطه نگاشته است:

*tvāṁ śīla-rūpa-caritaiḥ parama-prakṛṣṭaiḥ*
*sattvena sāttvikatayā prabalaiś ca śāstraiḥ*
*prakhyāta-daiva-paramārtha-vidāṁ mataiś ca*
*naivāsura-prakṛtayaḥ prabhavanti boddhum*

"پروردگار عزیزم، عابدانی همچون ویاسادوا و نارادا تو را شخصیت الهی خداوند می‌دانند. انسان با درک متون مقدس مختلف ودایی می‌تواند صفات و خصوصیات، شکل جاودان و فعالیتهای روحانی تو را بشناسد و بدینسان درک کند که تو شخصیت متعال خداوند هستی. اما کسانی که در گونه‌های شهوت و جهل هستند، دیوسیرتان، و غیر عابدان قادر نیستند که تو را درک کنند. این غیر عابدان هر اندازه در بحث پیرامون ودانتا و اوپانیشادها و دیگر متون مقدس ودایی نیز استاد باشند، عاجز از درک شخصیت خداوندند." (استوترا ـ راتنا ۱۲)

این نکته در برهما ـ سامهیتا نیز تصریح گردیده که تنها با مطالعه ادبیات ودانتا نمی‌توان شخصیت مطلق الهی را درک نمود. در حقیقت تنها با لطف و رحمت خداوند می‌توان شخصیت آن وجود متعال را شناخت. بنابراین در این آیه به وضوح ذکر شده است که نه تنها پرستش‌کنندگان فرشتگان، بلکه آن غیر عابدانی که بدون کمترین بهره‌ای از شناخت حقیقی کریشنا مشغول مطالعه ودانتا و پندار بر ادبیات ودایی‌اند نیز کم‌شعورند و برای آنها درک طبیعت واجد شخصیت خداوند امکان‌پذیر نیست. کسانی که حقیقت مطلق را فاقد شخصیت تصور می‌کنند به عنوان آبودهایا توصیف شده‌اند،ی عنی کسانی که وجه نهایی حقیقت مطلق را نمی‌شناسند. شریماد- بهاگاواتام این موضوع را بیان می‌دارد که شناخت حق تعالی از مرحله برهمن فاقد شخصیت آغاز می‌شود و به معرفت روح متعال که مظهر ساری و جاری خداوند است گسترش می‌یابد، در حالی که شناخت شخصیت پروردگار

همانا درک مفهوم غایی حقیقت مطلق است. بی‌هویت‌گرایان معاصر کم‌شعورترند، زیرا آنها حتی از پیشوای بزرگ خود شانکاراچاریا نیز پیروی نمی‌کنند که کریشنا را در مقام شخصیت متعال خداوند شناخته و پذیرفته است. بنابراین، بی‌هویت‌گرایان با عدم شناخت آن حقیقت متعال، کریشنا را تنها به عنوان پسر دواکی و واسودوا یا شاهزاده و یا شخصی نیرومند تصور می‌کنند. این غفلت در بهاگاواد-گیتا (۱۱/۹) نیز محکوم گردیده است:

*Avajānanti māṁ mūḍhā mānuṣīṁ tanum āśritam*

"تنها ابلهان مرا شخصی عادی تصور می‌کنند."

حقیقت این است که درک خداوند بدون اعطای خدمت عابدانه و عاشقانه و پرورش کریشنا آگاهی، برای هیچکس ممکن نیست. بهاگاواتام (۲۹/۱۴/۱۰) این نکته را چنین تأیید می‌کند:

*athāpi te deva padāmbuja-dvaya*
*prasāda-leśānugṛhīta eva hi*
*jānāti tattvaṁ bhagavan-mahimno*
*na cānya eko 'pi ciraṁ vicinvan*

"خدایا، چنانچه کسی حتی با ذره‌ای از لطف بیکران قدوم نیلوفرین تو مورد لطف و رحمت قرار گیرد، قادر خواهد بود عظمت شخصیت مبارک تو را درک کند. اما آنان که برای شناخت شخصیت مطلق الهیت پندار می‌کنند و به حدسیات و نظریات ذهنی می‌پردازند قادر به درک تو نخواهند بود، هرچند وداها را سالیان سال پیوسته مطالعه کنند.< کسی نمی‌تواند شخصیت متعال خداوند یا شکل، صفات و اسمای او را تنها با پندارهای ذهنی یا با بحث و جدل پیرامون کتب مقدس ودایی درک کند. شخصیت کامل الهی فقط از طریق خدمت عابدانه قابل درک است. تنها هنگامی که انسان وجود خویش را کاملا وقف و نثار آگاهی به کریشنا گرداند – که این روند با ذکر ماها ـ مانترا یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره آغاز می‌گردد – قادر خواهد بود شخصیت اعلای پروردگار را بشناسد. بی‌هویت‌گرایان غیر عابد تصور می‌کنند که کریشنا دارای بدنی ساخته شده از عناصر طبیعت مادی است و تمام فعالیتهایش، تمثال مبارکش و یا همه چیز او مایا است. این بی‌هویت‌گرایان که به نام مایاوادیها معروف هستند، از شناخت حقیقت غایی بی‌بهره‌اند.

آیه بیستم این فصل به طرز واضحی بیان می‌کند:

*kāmais tais tair hṛta-jñānāḥ prapadyante 'nya-devatāḥ*

"آنان که به واسطه خواسته‌های نفسانی و شهوانی کور و نابینا شده‌اند به فرشتگان مختلف تسلیم می‌شوند." این نکته اذعان شده است که به غیر از شخصیت متعال خداوند، که از سیاره روحانی خاص خود برخوردار است فرشتگانی نیز وجود دارند که صاحب کرات مختص به خودند. همان‌گونه که در آیه بیست و سوم بیان شده است:

*devān deva-yajo yānti mad-bhaktā yānti mām api*

پرستش‌کنندگان فرشتگان رهسپار سیارات مختلف آنها خواهند شد و کسانی که عابدان خداوند کریشنا هستند به سیاره روحانی کریشنالوکا عزیمت خواهند کرد. هرچند این مطلب به وضوح بیان شده است، ولی بی‌هویت‌گرایان نادان باز هم ادعا می‌کنند که خداوند فاقد شکل است و این شکلها به او تحمیل شده است. آیا از مطالعه گیتا این گونه به نظر می‌رسد که فرشتگان و جایگاهشان فاقد هویت‌اند؟ پر واضح است که نه فرشتگان و نه کریشنا، یعنی شخصیت مطلق الهی، هیچیک فاقد شخصیت نیستند. در حقیقت همه آنان شخص هستند؛ خداوند کریشنا شخصیت اعلای الهی می‌باشد و دارای سیاره روحانی خویش است و فرشتگان نیز بر سیارات خود موکل‌اند.

از این رو، این ادعای نحله وحدت وجود که حقیقت غایی را فاقد شکل، و شکل را عارض و تحمیل شده به او می‌داند بدون اساس است. در این آیه به روشنی بیان گردیده که این شکل، عارض به ذات نیست. از بهاگاواد-گیتا می‌توانیم به وضوح درک

کنیم که شکلهای فرشتگان و سیمای روحانی خداوند متعال در آن واحد و به طور همزمان وجود دارند و خداوند کریشنا ساچ ـ چید ـ آناندا یعنی مظهر دانش، شعف و ابدیت است. وداها نیز این امر را تصدیق می‌کنند که حقیقت اعلای مطلق، آناندا ـ مایو بهیاسات، یا ذاتاً مملو از لذت پرشعف و هم او منشأ صفات خجسته لایتناهی است. خداوند در گیتا می‌فرماید با اینکه او آجا (زاده نشده) است با این وصف ظهور می‌کند. اینها حقایقی است که باید از بهاگاواد–گیتا بیاموزیم. با توجه به اظهارات واضح گیتا ما نمی‌توانیم درک کنیم که چگونه شخصیت مطلق الهی می‌تواند فاقد هویت باشد. از این رو، نظریه عارضی یا صوری بودن شکل خداوند که از سوی بی‌هویت‌گرایان وحدت وجودی مطرح می‌شود عاری از حقیقت است؛ در اینجا کاملا واضح است که وجود شکل و شخصیت هر دو برای حقیقت مطلق متعال، خداوند کریشنا، تصدیق شده است.

## آیه ۲۵

*nāhaṁ prakāśaḥ sarvasya*
*yoga-māyā-samāvṛtaḥ*
*mūḍho 'yaṁ nābhijānāti*
*loko mām ajam avyayam*

*na*: و نه، هم نه ـ *aham*: من ـ *prakāśaḥ*: تجلی می‌کنم ـ *sarvasya*: برای هر کسی ـ *yoga-māyā*: به وسیله قوه درونی ـ *samāvṛtaḥ*: پوشیده شده ـ *mūḍhaḥ*: ابله ـ *ayam*: اینها ـ *na*: نه ـ *abhijānāti*: می‌توانند درک کنند ـ *lokaḥ*: اشخاص ـ *mām*: مرا ـ *ajam*: تولد نیافته ـ *avyayam*: بی‌پایان، لایتناهی.

## ترجمه

**من هیچگاه برای ابلهان و نابخردان متجلی نمی‌شوم. برای آنان من همواره بــه وسـیله نیـروی درونــی‌ام (یوگا ـ مایا) پوشیده شده‌ام، و از این رو آنان واقف نیستند که من تولد نیافته و خطاناپذیرم.**

## شرح

ممکن است چنین استدلال شود که به چه علت کریشنا که بر این کره ارض حضور داشت و برای همه قابل رؤیت بود، اکنون برای همه متجلی نیست؟ در حقیقت باید دانست که در آن زمان نیز شخصیت الهی برای همه متجلی نبود. در زمان ظهور کریشنا تنها افراد معدودی توانستند درک کنند که او شخصیت اعلای خداوند است. برای مثال، در گردهمایی کوروها، وقتی شیشوپالا بر ضد کریشنا که به عنوان رئیس مجمع انتخاب شده بود سخن گفت، بهیشما از شخصیت الهی پشتیبانی نمود و او را خداوند متعال اعلام کرد. به همین ترتیب پانداواها و برخی دیگر نیز می‌دانستند که کریشنا شخصیت متعال است لیکن نه همه. او برای غیر عابدان و اشخاص عادی آشکار و ظاهر نشده بود. بنابراین، کریشنا در بهاگاواد–گیتا می‌فرماید که به جز مریدان و عابدان پاکش تمام مردم او را شخصی عادی همچون خویش محسوب می‌کنند. شخصیت الهی فقط برای عابدانش به منزله سرچشمه تمام لذات متجلی بود ، و برای دیگران یعنی غیر عابدان نابخرد، بانیروی درونیش پوشیده شده بود.
در دعاهای کونتی در شریماد– بهاگاواتام (۱۹/۸/۱) گفته شده که خداوند با پرده یوگا ـ مایا نهان شده است و بدین ترتیب مردم عادی نمی‌توانند او را درک کنند. این حجاب یوگا ـ مایا در ایشوپانیشاد (مانترا ۱۵) نیز تصدیق شده است. آنجا عابد خدا چنین نیایش می‌کند:

*hiraṇmayena pātreṇa*
*satyasyāpihitaṁ mukham*
*tat tvaṁ pūṣann apāvṛṇu*

*satya-dharmāya dṛṣṭaye*

"پروردگارا! تو حافظ و نگهدارنده تمام جهان هستی و خدمت خالصانه و عاشقانه به تو بالاترین حقیقت دین است. بنابراین، به درگاهت دعا می‌کنم مرا نیز حفظ فرمایی. شکل مبارک و متعال تو با یوگا ـ مایا پوشیده شده و برهما جیوتی آن پوشش نیروی درونی تو است. اینک از تو تمنا دارم این انوار خیره‌کننده جلالت را که حجاب دیدگانم گشته است مرتفع گردانی تا بتوانم به چهره مبارک‌ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراها، یعنی شکل جاودان مملو از شعف و دانش تو نظر بیفکنم." شخصیت اعلای پروردگار که در شکل روحانیش سرشار از دانش و شعف است با نیروی درونی برهما جیوتی پوشیده شده و به این علت بی‌هویت‌گرایان کم‌خرد قادر به رؤیت حق تعالی نیستند.

در شریماد- بهاگاواتام (۷/۱۴/۱۰) نیز برهما این گونه دعا می‌کند: "ای شخصیت متعال خداوند، ای روح متعال، ای ارباب تمامی اسرار نهان، چه کسی قادر به احصاء نیروها و شئون الهیت در این جهان خواهد بود؟ تو همواره در حال بسط نیروی درونیت هستی و به همین جهت هیچکس قادر نیست تو را درک کند. دانایان و دانش‌پژوهان خردمند می‌توانند ساختار اتمی دنیای مادی یا حتی سیارات را مطالعه کنند، اما به رغم حضور تو در مقابل آنان، قادر نیستند نیرو و قدرت بی‌کران تو را برشمرند." شخصیت مطلق الهی، خداوند کریشنا، نه تنها زاده نشده بلکه آویایا یعنی پایان‌ناپذیر است. شکل جاودان او مملو از شعف و دانش و تمام نیروهای او لایتناهی است.

## آیه ۲۶

*vedāhaṁ samatītāni*
*vartamānāni cārjuna*
*bhaviṣyāṇi ca bhūtāni*
*māṁ tu veda na kaścana*

*veda*: می‌دانم ـ *aham*: من ـ *samatītāni*: کاملا گذشته ـ *vartamānāni*: حال ـ *ca*: و ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *bhaviṣyāṇi*: آینده ـ *ca*: همچنین ـ *bhūtāni*: همه موجودات زنده ـ *mām*: مرا ـ *tu*: اما ـ *veda*: می‌شناسد ـ *na*: نه ـ *kaścana*: هیچکس.

## ترجمه

**ای آرجونا، به منزله شخصیت اعلای پروردگار، تمامی آنچه را که در گذشته به وقوع پیوسته، هر آنچه را که اکنون در حال به وقوع پیوستن و تمامی آنچه را که هنوز رخ نداده است می‌دانم. من همچنین تمامی موجودات زنده را می‌شناسم در حالی که هیچکس مرا نمی‌شناسد.**

## شرح

در اینجا مسأله واجد شخصیت بودن خداوند یا فاقد هویت بودن او دقیقاً روشن شده است. اگر آن گونه که بی‌هویت‌گرایان تصور می‌کنند، کریشنا یعنی شکل مبارک شخصیت الهی، مایا و یا مادی محسوب گردد، در این صورت شخصیت الهی نیز باید همچون موجودات زنده تغییر کالبد دهد و همه چیز را درباره زندگی گذشته‌اش فراموش نماید. کسی که دارای بدن مادی است نمی‌تواند زندگی پیشین خود را به خاطر آورد و یا زندگی آینده و نتیجه زندگی کنونی خویش را پیشگویی کند؛ بنابراین شخص نمی‌تواند حوادث گذشته، حال و آینده را بداند. به یک عبارت، مادامی که انسان از آلودگی مادی آزاد نشده باشد قادر به شناخت گذشته، حال و آینده نخواهد بود.

برخلاف اشخاص عادی، خداوند کریشنا به روشنی بیان می‌کند که کاملا نسبت به وقایع گذشته، حال و آینده واقف است. در فصل چهارم مشاهده کردیم که او تعالیمی را که میلیونها سال پیش به فرشته خورشید ویواسوان آموزش داده بود به خاطر دارد. کریشنا تمام موجودات زنده را در آن واحد می‌شناسد، زیرا او به منزله روح متعال در قلب تمامی آنها قرار دارد. اما با وجود حضور خداوند در قلب تمام موجودات زنده به صورت روح متعال، و حضورش به عنوان شخصیت متعال خداوند در ورای آسمان مادی، اشخاص کم‌شعور، چنانچه حتی بتوانند به شناخت برهمن فاقد هویت نیز نائل آیند، قادر نخواهند بود شری‌کریشنا را به منزله شخص متعال بشناسند. باید به یقین دانست جسم متعال شری‌کریشنا زوال‌پذیر و نابودشدنی نیست. او همانند خورشید است و مایا مانند ابر. ممکن است ابرها موقتاً خورشید، ستارگان و سیارات مختلف را بپوشانند، لیکن این پوشش تنها حجابی برای دید محدود و ناقص ما محسوب می‌گردد، زیرا خورشید، ماه و ستارگان واقعاً پوشیده نشده‌اند. به همین ترتیب، مایا نیز نمی‌تواند خداوند متعال را بپوشاند؛ اما باید دانست که شخصیت الهی به موجب نیروی درونیش برای اشخاص کم‌شعور متجلی نیست. همان گونه که در آیه سوم این فصل ذکر شد از میان میلیونها میلیون موجود بشری فقط برخی برای نیل به کمال می‌کوشند و از میان هزاران هزار شخص به کمال نائل آمده مشکل می‌توان یکی را یافت که درک کند خداوند کریشنا کیست. حتی اگر کسی با شناخت برهمن فاقد شخصیت یا پاراماتمای ساری و جاری به کمال دست یابد امکان ندارد بدون قرار داشتن در آگاهی به کریشنا بتواند شخصیت متعال خداوند، شری‌کریشنا، را درک کند.

## آیه ۲۷

*icchā-dveṣa-samutthena*
*dvandva-mohena bhārata*
*sarva-bhūtāni sammohaṁ*
*sarge yānti parantapa*

*icchā*: خواسته و آرزو ـ *dveṣa*: و نفرت ـ *samutthena*: پدید آمده از ـ *dvandva*: مربوط به دوگانگی ـ *mohena*: به وسیله توهم ـ *bhārata*: ای نواده بهاراتا ـ *sarva*: همه ـ *bhūtāni*: موجودات زنده ـ *sammoham*: در توهم‌زدگی ـ *sarge*: در حال تولد ـ *yānti*: می‌روند ـ *parantapa*: ای مغلوب‌کننده دشمنان.

## ترجمه

**ای نواده بهاراتا، ای مغلوب‌کننده دشمنان، تمام موجودات زنده تحت توهم زاده می‌شوند و سرگشته دوگانگیهای برخاسته از خواسته و نفرت می‌گردند.**

## شرح

موقعیت فطری موجود زنده تبعیت محض از خداوند متعال است، که همانا او دانش پاک و خالص می‌باشد. هنگامی که انسان در وادی غفلت و جدایی از این دانش پاک قرار گیرد، فریب می‌خورد و گمراه می‌شود و تحت سیطره نیروی توهمی، از درک شخصیت اعلای پروردگار بازمی‌ماند. نیروی توهمی در دوگانگی خواسته و نفرت متجلی می‌شود. اشخاص جاهل به علت خواسته و نفرت خواهان یکی شدن با خداوند متعال‌اند و به کریشنا به منزله شخصیت متعال خداوند حسادت می‌ورزند. عابدان پاک که اینچنین فریب نخورده و گمراه نگردیده‌اند و به وسیله خواسته و نفرت‌آلوده نشده‌اند می‌توانند درک کنند که خداوند شری‌کریشنا از طریق نیروهای درونیش ظهور می‌کند؛ اما کسانی که در ورطه دوگانگی و جهل و غفلت گرفتار آمده و متوهم گشته‌اند می‌پندارند که شخصیت مطلق الهی از نیروهای مادی خلق شده است. این بدبختی آنان است. چنین اشخاص

گمراهی، چنانکه از علایم و آثارشان نمایان است، در دوگانگیهای نیک‌نامی و بدنامی، بدبختی و خوشبختی، زن و مرد، خوب و بد، درد و لذت و غیره با این گمان که "این زن من است؛ این خانه من است؛ من رئیس این خانه هستم؛ من شوهر این زن هستم." زندگی می‌کنند. اینها دوگانگیهای ناشی از توهم‌زدگی است. کسانی که این گونه فریب دوگانگیها را خورده‌اند کاملا نادان هستند و بنابراین نمی‌توانند شخصیت متعال خداوند را درک کنند.

## آیه ۲۸

*yeṣāṁ tv anta-gataṁ pāpaṁ*
*janānāṁ puṇya-karmaṇām*
*te dvandva-moha-nirmuktā*
*bhajante māṁ dṛḍha-vratāḥ*

*yeṣām*: مربوط به اشخاص ـ *tu*: که ـ ولی ـ *anta—gatam*: کاملا ریشه‌کن گردیده ـ *pāpam*: گناه ـ *janānām*: مربوط به اشخاص ـ *puṇya*: پرهیزکار، پرهیزکارانه ـ *karmaṇām*: که فعالیتهای گذشته‌شان ـ *te*: آنها ـ *dvandva*: مربوط به دوگانگی ـ *moha*: توهم‌زدگی ـ *nirmuktāḥ*: رها از ـ *bhajante*: مشغول به خدمت عابدانه ـ *mām*: به من ـ *dṛḍha-vratāḥ*: با عزم راسخ.

## ترجمه

**اشخاصی که در زندگیهای گذشته و کنونی خود پرهیزکارانه عمل کرده‌اند و گناهانشان کاملا پاک گردیده، از دوگانگیهای توهم آزادند و با عزم راسخ خود را وقف خدمت به من می‌کنند.**

## شرح

در این آیه از کسانی که شایسته ارتقاء به موقعیت روحانی‌اند سخن به میان آمده است. برای گناهکاران، کافران، ابلهان و فریبکاران بسیار مشکل است که از چنگ دوگانگیهای خواسته و نفرت رهایی یابند. تنها کسانی که زندگی خود را با متابعت از اصول تنظیم‌کننده دین گذرانده و پرهیزکارانه عمل کرده‌اند و از دام واکنشهای گناهان خود رها شده‌اند می‌توانند خدمت عابدانه را بپذیرند و تدریجاً به سطح دانش پاک و شناخت خالص شخصیت متعال خداوند ارتقاء یابند. آنگاه به تدریج قادر خواهند شد با حالت جذبه و خلسه بر شخصیت متعال خداوند تمرکز نمایند. چنین است راه قرار گرفتن در سکوی روحانیت. این ارتقای آگاهی در عرصه خداشناسی، در معاشرت با مریدان پاک که شخص را قادر می‌سازند تا از چنگال توهم رهایی یابد، امکان پذیر است.
در شریماد- بهاگاواتام (۲/۵/۵) آمده است که چنانچه انسان واقعاً خواهان رهایی باشد باید به عابدان خداوند خدمت کند: (*mahat-sevāṁ dvāram āhur vimukteḥ*) و اما کسی که با اشخاص مادیگرا و دنیاپرست معاشرت کند در راه نیل به تاریکترین وادی حیات است: (*tamo-dvāraṁ yoṣitāṁ saṅgi-saṅgam*) تمام عابدان خداوند، فقط به منظور رهایی ارواح اسیر مادیات از توهمشان، به این کره ارض پا می‌نهند. بی‌هویت‌گرایان نمی‌دانند که غفلت و فراموشی از موقعیت فطری خویش به عنوان تابع و مطیع خداوند متعال بودن، بزرگترین عصیان از قانون خداوند است. تا زمانی که شخص مجدداً موقعیت فطریش را بازنیابد ممکن نیست که شخصیت متعال را درک نماید و یا بتواند با عزم راسخ در خدمت عاشقانه روحانی او کاملا وقف گردد.

## آیه ۲۹

*jarā-maraṇa-mokṣāya*

*mām āśritya yatanti ye*
*te brahma tad viduḥ kṛtsnam*
*adhyātmaṁ karma cākhilam*

*jarā*: از پیری ـ *maraṇa*: و مرگ ـ *mokṣāya*: به منظور رهایی ـ *mām*: به من، مرا ـ *āśritya*: پناه بردن به ـ *yatanti*: تلاش می‌کنند ـ *ye*: همه آن کسانی که ـ *te*: چنین اشخاصی ـ *brahma*: برهمن ـ *tat*: واقعاً آن ـ *viduḥ*: آنها می‌دانند ـ *kṛtsnam*: همه چیز ـ *adhyātmam*: متعال، روحانی ـ *karma*: فعالیتها ـ *ca*: همچنین ـ *akhilam*: به طور کامل.

## ترجمه

**اشخاص خردمند که برای رهایی از پیری و مرگ می‌کوشند در خدمت عابدانه به من پناه می‌آورند. آنان در واقع برهمن هستند، زیرا کاملا همه چیز را درباره فعالیتهای روحانی و متعال می‌دانند.**

## شرح

تولد، پیری، بیماری و مرگ بر این جسم مادی تأثیر می‌گذارد، در حالی که کالبد روحانی از این گونه تأثیرات مبری است. تولد، پیری، بیماری و مرگ به هیچ وجه برای بدن روحانی وجود ندارد؛ از این رو، کسی که به کالبد روحانیش دست یابد، از معاشران و نزدیکان شخصیت متعال خداوند می‌شود و مشغول خدمت عابدانه ابدی می‌گردد؛ چنین شخصی واقعاً رها شده است. آهام‌براهماسمی: من روح هستم. گفته شده که انسان باید درک کند که برهمن، یا روح است. همان گونه که در این آیه توصیف شده است، این دیدگاه برهمن بودن شخص، در خدمت عابدانه نیز وجود دارد. عابدان پاک در سطح روحانی و در سکوی برهمن قرار گرفته‌اند و آنان همه چیز را درباره فعالیتهای روحانی می‌دانند.
همان طور که قبلا اشاره شد، چهار دسته از عابدان خدا – که هنوز از آلایشهای مادی پاک نشده‌اند – به منظور اهداف مختلف به خدمت متعال خداوند رو می‌آورند، که پس از رسیدن به آن اهداف و آنگاه که از این اهداف و خواسته‌ها فراتر رفتند با لطف خداوند، کریشناآگاه شده، از معاشرت روحانی خداوند متعال لذت می‌برند. اما کسانی که فرشتگان را عبادت می‌کنند هیچگاه به شخصیت الهی در سیاره متعالش دست نمی‌یابند. حتی اشخاصی که به شناخت برهمن نائل آمده‌اند – که افراد کم‌خردی محسوب می‌شوند – نیز نمی‌توانند به سیاره متعال کریشنا که به عنوان گولوکا ورینداوانا معروف است واصل شوند. در واقع، تنها افرادی که در آگاهی به کریشنا (مام‌آشریتیا) فعالیت می‌کنند مستحق هستند که برهمن خوانده شوند، زیرا واقعاً می‌کوشند که به سیاره کریشنا برسند. آنها هیچ گونه شک و تردیدی نسبت به کریشنا ندارند و بدین سبب واقعاً برهمن هستند.
کسانی که مشغول پرستش فرم یا آرچای خداوند هستند، و یا فقط برای رهایی از اسارت مادی مشغول تمرکز بر خداوند می‌باشند نیز به لطف او مفهوم برهمن، آدهیبهوتا و غیره را همان گونه که خداوند در فصل بعد توضیح داده است می‌دانند.

## آیه ۳۰

*sādhibhūtādhidaivaṁ māṁ*
*sādhiyajñaṁ ca ye viduḥ*
*prayāṇa-kāle 'pi ca māṁ*
*te vidur yukta-cetasaḥ*

*sa-adhibhūta*: اصل حاکم بر تجلی مادی ـ *adhidaivam*: حکمران تمام فرشتگان ـ *mām*: به من، مرا ـ *sa-adhiyajñam*: و اداره‌کننده تمام قربانیها ـ *ca*: همچنین ـ *ye*: آن کسانی که ـ *viduḥ*: می‌دانند ـ *prayāṇa*: مربوط به

مرگ ـ *kāle*: در زمان ـ *api*: حتی ـ *ca*: و ـ *mām*: به من، مرا ـ *te*: آنها ـ *viduḥ*: می‌شناسند ـ *yukta—cetasaḥ*: ذهنهایشان مشغول شده به من.

## ترجمه

**آن کسانی که در آگاهی کامل به من، مرا به منزله خداوند متعال، حقیقت اصلی حاکم بر تجلی مادی، حکمران فرشتگان و اصل تمام طرق قربانی می‌شناسند، می‌توانند به درک و شناخت من، یعنی شخصیت اعلای پروردگار، حتی در زمان مرگ نائل آیند.**

## شرح

اشخاصی که در آگاهی به کریشنا عمل می‌کنند هیچگاه از راه درک کامل شخصیت متعال خداوند منحرف نمی‌شوند. انسان در معاشرت روحانی کریشنا آگاهی، می‌تواند درک کند که چگونه خداوند متعال، اصل حاکم بر تجلی مادی و حتی بر فرشتگان می‌باشد. انسان تدریجاً با چنین معاشرت روحانی و متعالی نسبت به شخصیت اعلای پروردگار اطمینان حاصل می‌کند و در هنگام مرگ نیز نمی‌تواند کریشنا را فراموش کند. بدین ترتیب او طبیعتاً به سیاره روحانی خداوند متعال، گولوکاورینداوانا، ارتقاء می‌یابد.

فصل هفتم بخصوص این نکته را توضیح می‌دهد که چگونه انسان می‌تواند شخصی کاملا آگاه به کریشنا یا به عبارتی خداشناس شود. آغاز کریشنا آگاهی، معاشرت با اشخاصی است که کریشنا آگاه هستند. چنین معاشرتی، روحانی است و فرد را مستقیماً در رابطه با خداوند متعال قرار می‌دهد، و با لطف الهی، انسان می‌تواند درک کند که کریشنا، شخصیت اعلای پروردگار است. در این زمان است که شخص می‌تواند به ادراک موقعیت فطری موجود زنده، چگونگی فراموشی کریشنا و در نتیجه در بند فعالیتهای مادی قرار گرفتن او دست یابد. انسان با پیشرفت تدریجی در آگاهی به کریشنا، به موجب معاشرت خوب، می‌تواند درک کند که به علت فراموشی و غفلت از او است که اسیر و گرفتار قوانین طبیعت مادی شده است. او همچنین به این مطلب دست می‌یابد که شکل انسانی حیات فرصت گرانبهایی است برای احیای مجدد آگاهی به کریشنا که باید کاملا از آن، در جهت کسب لطف بیکران و بی‌دلیل خداوند متعال، استفاده کرد.

موضوعات زیادی در این فصل مطرح شد: شخص دردمند، انسان کنجکاو، کسی که نیازمند حاجات مادی است، دانش برهمن، دانش پاراماتما، رهایی از تولد، بیماری و مرگ، و عبادت خداوند متعال. کسی که واقعاً به سطح آگاهی به کریشنا ارتقاء یافته باشد علاقه‌ای به روشهای مختلف خودشناسی ندارد. او فقط به طرز مستقیمی خود را وقف فعالیتهای کریشنا آگاهی می‌کند و به موجب آن به موقعیت اصلی خود در مقام خادم ابدی خداوند کریشنا دست می‌یابد. او در چنین موقعیتی از ذکر نامهای مقدس خداوند متعال و تجلیل از او، در خدمت عابدانه خالص، لذت می‌برد؛ و متقاعد شده است که با این کار تمام آمال و اهدافش تحقق خواهد یافت. این ایمان محکم دریدها ـ وراتا خوانده می‌شود و آغاز بهاکتی- یوگا یا خدمت عاشقانه روحانی است. این نظر تمام کتب مقدس است. در حقیقت فصل هفتم بهاگاواد-گیتا جوهر و چکیده آن اعتقاد راسخ است.

بدین سان شرحهای بهاکتی‌ودانتا بر فصل هفتم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "شناخت مطلق" پایان می‌یابد.

# فصل هشتم

# واصل شدن به متعال

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*kiṁ tad brahma kim adhyātmaṁ*
*kiṁ karma puruṣottama*
*adhibhūtaṁ ca kiṁ proktam*
*adhidaivaṁ kim ucyate*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *kim*: چیست ـ *tat*: آن ـ *brahma*: برهمن ـ *kim*: چیست ـ *adhyātmam*: ذات ـ *kim*: چیست ـ *karma*: اعمال ثمربخش ـ *puruṣa-uttama*: ای شخص متعال ـ *adhibhūtam*: تجلی مادی ـ *ca*: و ـ *kim*: چیست ـ *proktam*: خوانده می‌شود ـ *adhidaivam*: فرشتگان ـ *kim*: چیست ـ *ucyate*: خوانده می‌شود.

## ترجمه

**آرجونا سؤال نمود: ای خداوند من، ای شخص متعال، برهمن چیست؟ ذات چیست؟ فعالیتهای ثمـربخش کدام است؟ این تجلی مادی چیست؟ و فرشتگان چه هستند؟ خواهش‌می‌کنم اینها را برای من توضیح ده.**

## شرح

در این فصل خداوند کریشنا به پاسخ سؤالات مختلف آرجونا که با "برهمن چیست؟" آغاز می‌شود می‌پردازد. همچنین خداوند، کارما (فعالیتهای ثمرجویانه)، خدمت عابدانه، اصول یوگا، و خدمت عابدانه را در شکل پاک و خالص آن توضیح می‌دهد. شریماد- بهاگاواتام بیان می‌دارد که شناخت حقیقت مطلق در سه وجه برهمن، پاراماتما و بهاگاوان صورت می‌گیرد. بعلاوه، گوهر روح موجود زنده، یعنی روح فردی نیز برهمن خوانده می‌شود. آرجونا همچنین به سؤال درباره آتما که عطف به بدن، ذهن و روح می‌شود می‌پردازد. طبق لغتنامه ودایی، واژه آتما به ذهن، روح، بدن و همچنین حواس اطلاق می‌شود.

آرجونا خداوند متعال را با عنوان پوروشوتاما، یا شخص متعال مخاطب قرار می‌دهد. این بدان معناست که او این سؤالات را تنها در برابر یک دوست مطرح نمی‌کند بلکه آنها را از شخص متعال پرسش می‌کند، زیرا او را به منزله آن مرجع موثق متعال می‌شناسد که قادر است پاسخهای قاطع و صریح را ارائه کند.

## آیه ۲

*adhiyajñaḥ kathaṁ ko 'tra*
*dehe 'smin madhusūdana*
*prayāṇa-kāle ca kathaṁ*
*jñeyo 'si niyatātmabhiḥ*

*adhiyajñaḥ*: خداوند قربانی ـ *katham*: چگونه ـ *kaḥ*: کی، چه کسی ـ *atra*: اینجا ـ *dehe*: در بدن ـ *asmin*: این ـ *madhusūdana*: ای مادهوسودانا ـ *prayāṇa-kāle*: در زمان مرگ ـ *ca*: و ـ *katham*: چگونه ـ *jñeyaḥ asi*: تو می‌توانی شناخته شوی ـ *niyata-ātmabhiḥ*: توسط اشخاص حکمران نفس.

## ترجمه

**ای مادهوسودانا، خداوند قربانی کیست و چگونه در بدن زیست می‌کند؟ و چگونه آن کسانی که وقف خدمت عابدانه هستند می‌توانند در هنگام مرگ، تو را بشناسند؟**

## شرح

"خداوند قربانی" ممکن است یا به ایندرا و یا به ویشنو اطلاق گردد. ویشنو در رأس خداوندگاران اصلی مثل برهما و شیوا است و ایندرا نیز در رأس فرشتگان موکل بر اداره امور طبیعی است. هم ایندرا و هم ویشنو هر دو با انجام یاگیا پرستیده می‌شوند. اما در اینجا آرجونا می‌پرسد چه کسی واقعاً خداوند یاگیا (قربانی) است و چگونه خداوند در کالبد موجود زنده سکنی دارد.

در واقع چنین سؤالاتی که حاکی از شک و تردید است نباید به ذهن آرجونا که عابد کریشناآگاه است خطور کند. بنابراین، چنین شکهایی همچون دیوند و از آنجا که کریشنا در نابود ساختن دیوان بسیار تبحر دارد – و با کشتن دیوی به نام مادهو به مادهوسودانا نیز ملقب شد – آرجونا در اینجا او را با عنوان مادهوسودانا مخاطب قرار می‌دهد تا کریشنا دیو ادراکات نادرست و تردیدهای شیطانی را که در ذهنش خطور می‌کند از بین ببرد.

حال در این آیه واژه پرایانا ـ کاله حائز کمال اهمیت است، زیرا تمامی آنچه ما در زندگی انجام دهیم در هنگام مرگ به محک آزمایش گذارده خواهد شد. آرجونا بسیار مشتاق است که درباره کسانی که دائماً وقف در آگاهی به کریشنا هستند بداند. موقعیت آنان در آن لحظه نهایی چه باید باشد؟ در هنگام مرگ در عملکرد فعالیتهای جسمی اختلال ایجاد می‌گردد و ذهن در موقعیتی نامناسب قرار می‌گیرد و در نتیجه انسان به علت اضطراب و آشفتگی حاصل از وضعیت بدن ممکن است قادر نباشد خداوند متعال را به خاطر آورد. از این رو، ماهاراجا کولاشکهارا که عابدی بزرگ است چنین دعا می‌کند: "پروردگار عزیزم، بهتر است مرگ من هم اکنون که سالم و تندرست هستم بی‌درنگ فرا رسد تا ذهن من همانند قویی بتواند درون ساقه‌های قدوم نیلوفرین تو گم شود." این تمثیل بدان معنی است که همان گونه که قو علاقه دارد سرش را داخل ساقه‌های گل نیلوفر آبی کند، فکر عابد پاک نیز مجذوب قدوم نیلوفرین خداوند است ماهاراجا کولاشکهارا به خداوند می‌گوید: "اکنون که ذهنم فاقد اضطراب است و کاملا سالم و تندرست هستم، چنانچه مرگ من با اندیشیدن به قدوم نیلوفرین تو فرا رسد، یقین خواهم داشت که اعمال عابدانه من به کمال خواهد رسید. اما اگر در انتظار مرگ طبیعیم باشم، نمی‌دانم چه رخ خواهد داد، زیرا در آن هنگام دیگر فعالیتهای بدنی با اختلال توأم است، صدا در گلویم بازخواهد ایستاد و نمی‌دانم آیا قادر خواهم بود نام مقدس تو را ذکر کنم. بهتر است اینک مرگ مرا فرا رسانی." آرجونا سؤال می‌کند که در چنین موقعیتی چگونه انسان می‌تواند ذهنش را بر قدوم نیلوفرین کریشنا متمرکز کند.

## آیه ۳

*śrī-bhagavān uvāca*
*akṣaraṁ brahma paramaṁ*
*svabhāvo 'dhyātmam ucyate*
*bhūta-bhāvodbhava-karo*
*visargaḥ karma-saṁjñitaḥ*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای پروردگار فرمود ـ *akṣaram*: فناناپذیر ـ *brahma*: برهمن ـ *paramam*: متعال، روحانی ـ *svabhāvaḥ*: طبیعت ابدی، سرشت جاودان ـ *adhyātmam*: ذات ـ *ucyate*: خوانده می‌شود ـ *bhūta-bhāva-udbhava-karaḥ*: ایجاد کردن کالبدهای مادی موجودات زنده ـ *visargaḥ*: خلقت ـ *karma*: اعمال ثمربخش ـ *saṁjñitaḥ*: خوانده می‌شود.

## ترجمه

**شخصیت مطلق الهی فرمود: موجود زنده روحانی و فناناپذیر، برهمن خوانده می‌شود، و سرشت جاودان او به آدهیاتما یا ذات موسوم است. اعمالی که در ارتباط با تکامل بدنهای مادی موجودات زنده است کارما یا فعالیتهای ثمرجویانه خوانده می‌شود.**

## شرح

برهمن فناناپذیر است، به طور جاودان وجود دارد و فطرت آن هیچگاه تغییر نمی‌کند. اما در ورای برهمن، پارابرهمن وجود دارد. برهمن عطف به گوهر روحانی موجود زنده و پارابرهمن عطف‌به شخصیت متعال خداوند دارد. موقعیت فطری موجود زنده با موقعیتی که در دنیای مادی به خود می‌گیرد متفاوت است. در آگاهی مادی، اقتضای طبیعتش این است که بکوشد ماده را مسخر خود سازد و بر آن حکم راند و خدایی کند، در حالی که در آگاهی روحانی، یعنی آگاهی به کریشنا، موقعیت وی خدمت به متعال است. هنگامی که موجود زنده در آگاهی مادی قرار دارد ناگزیر باید در قالبهای گوناگون دنیای مادی جامه عوض کند. این امر را کارما یا گوناگونی آفرینش حاصل از آگاهی مادی می‌خوانند.

در ادبیات ودایی موجود زنده موسوم به جیواتما و برهمن است، اما هیچگاه پارابرهمن خوانده نمی‌شود. موجود زنده (جیواتما) موقعیتهای مختلفی را می‌پذیرد: گاهی اوقات در ورطه تاریک طبیعت مادی غوطه‌ور می‌شود و خود را با ماده یکی می‌پندارد و گاهی اوقات یکی بودن خود را با طبیعت عالی روحانی تشخیص می‌دهد. از این روست که او را نیروی حاشیه‌ای خداوند متعال می‌خوانند. او در اثر هم‌هویت دانستن خود با طبیعت مادی یا طبیعت روحانی، کالبد مادی یا کالبد روحانی دریافت می‌کند. در طبیعت مادی او می‌تواند یکی از ۸/۴۰۰/۰۰۰ نوع گونه حیاتی را به خود بگیرد، در حالی که در طبیعت روحانی او فقط یک بدن و یک شکل واحد دارد. در طبیعت مادی، او طبق کارمای خویش گاهی به صورت انسان، فرشته، حیوان، و گاهی چهارپا، پرنده و غیره ظاهر می‌گردد. همچنین او گاهی برای نیل به سیارات مادی بهشتی و بهره‌مند شدن از تسهیلات آنها به انجام قربانی (یاگیا) مبادرت می‌ورزد، لیکن با اتمام سرمایه اعمال صالحانه‌اش دوباره در قالب انسان به زمین باز می‌گردد. این جریان، کارما نامیده می‌شود.

چاندوگیا اوپانیشاد، جریان قربانی ودایی را توصیف می‌کند. در محراب قربانی، پنج نوع پیشکش به پنج نوع آتش اهدا می‌گردد. پنج نوع آتش به عنوان سیارات بهشتی، ابرها، زمین ، مرد، زن و پنج نوع پیشکش قربانی یعنی ایمان، لذت‌برنده در کره ماه، باران، دانه‌ها و غلات، و نطفه در نظر گرفته می‌شود.

موجود زنده قربانیهای بخصوصی را برای وصول به کرات بهشتی خاصی انجام می‌دهد که در نتیجه به آنها دست می‌یابد. هنگامی که پاداش و اعتبار قربانی تمام می‌شود، موجود زنده در قطره بارانی به زمین نزول می‌کند که از آن به دانه غلات منتقل می‌شود. آن دانه توسط مردی خورده شده و به نطفه تبدیل می‌شود که زنی را باردار می‌نماید و بدین سان موجود زنده بار دیگر شکل انسانی حیات را به دست می‌آورد تا قربانی انجام دهد و همان گردش را تکرار نماید. به این ترتیب، موجود زنده دائماً در این دایره مادی می‌آید و می‌رود. اما شخص آگاه به کریشنا از چنین قربانیهایی اجتناب می‌کند. او مستقیماً کریشنا آگاهی را اختیار می‌کند و بدین سان خود را آماده بازگشت به سوی خداوند می‌نماید.

مفسران بی‌هویت‌گرایی که گیتا را تفسیر می‌کنند به طور غیر منطقی فرض می‌کنند که برهمن در دنیای مادی شکل جیوا را به خود می‌گیرد و برای اثبات این مدعا به آیه هفتم فصل پانزدهم گیتا اشاره می‌کنند. در حالی که در آن آیه خداوند از موجود زنده به عنوان "ذره ابدی من" سخن می‌گوید. شاید اجزای خداوند، یعنی نفوس زنده، به دنیای مادی سقوط کنند لیکن خداوند متعال (آچیوتا) هیچگاه سقوط نمی‌کند. در نتیجه این فرض که برهمن متعال شکل جیوا را به خود می‌گیرد قابل قبول نیست. این نکته حائز اهمیت است که به خاطر داشته باشیم در ادبیات ودایی برهمن (موجود زنده) از پارابرهمن (خداوند متعال) متمایز است.

## آیه ۴

*adhibhūtaṁ kṣaro bhāvaḥ*
*puruṣaś cādhidaivatam*
*adhiyajño 'ham evātra*
*dehe deha-bhṛtāṁ vara*

*adhibhūtam*: تجلی فیزیکی ـ *kṣaraḥ*: تغییر دائم ـ *bhāvaḥ*: طبیعت ـ *puruṣaḥ*: شکل‌جهانی (شامل تمام فرشتگان همچون خداوندگار خورشید و ماه) ـ *ca*: وـ *adhidaivatam*: موسوم به آدهی دایوا ـ *adhiyajñaḥ*: روح متعال ـ *aham*: من (کریشنا) ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *atra*: در این ـ *dehe*: بدن ـ *deha-bhṛtām*: مربوط به جسم گرفته ـ *vara*: ای بهترین.

## ترجمه

**ای بهترین موجودات جسم یافته، طبیعت فیزیکی که دائماً در حال تغییر است، آدهی بهوتا (تجلی مادی) خوانده می‌شود. شکل جهانی خداوند که شامل تمام فرشتگان همچون خداوندگار آفتاب و ماه می‌باشد، به آدهی دایوا موسوم است. و من، خداوند متعال، که به صورت روح متعال در قلب هر روح کالبد گرفته‌ای سکنی دارم، آدهی یاگیا (خداوند قربانی) نامیده می‌شوم.**

## شرح

طبیعت مادی دائماً تغییر می‌کند و بدین سبب کالبدهای مادی به طور کلی از شش مرحله تغییر گذر می‌کنند: تولد، رشد، ابقاء، تولید مثل، زوال و سرانجام مرگ. این طبیعت مادی که آدهی بهوتا خوانده می‌شود در زمان معینی آفریده شده است و در زمان معینی نیز نابود خواهد شد. تصور شکل کیهانی خداوند متعال که شامل تمام فرشتگان و سیارات مختلفشان می‌شود، آدهی دایواتا خوانده می‌شود. روح متعال، یعنی مظهر کامل خداوند کریشنا، که همراه با روح فردی (جیوا) در بدن حضور دارد، پاراماتما یا آدهی یاگیا خوانده می‌شود که جایگاه آن در قلب است. کاربرد کلمه اوا در متن این آیه از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا به موجب آن خداوند تأکید می‌فرماید که پاراماتما با او تفاوتی ندارد. روح متعال، یعنی شخصیت اعلای پروردگار، که در کنار روح فردی قرار دارد، شاهد فعالیتهای روح منفرد بوده و منشأ انواع آگاهیهای گوناگون برای روح می‌باشد. روح متعال این فرصت را در اختیار جیوا می‌نهد که آزادانه عمل کند و در مقام شاهد فعالیتهای او باقی می‌ماند. نقش تمام این تجلیات مختلف خداوند متعال برای عابد پاک آگاه به کریشنا که مشغول خدمت روحانی به خداوند است، به خودی خود روشن می‌گردد. شکل عظیم جهانی خداوند که موسوم به آدهی دایواتا است از سوی عابدان تازه‌کاری مورد تعمق و تفکر قرار می‌گیرد که نمی‌توانند به تجلی خداوند به عنوان روح متعال تقرب جویند. به رهروی مبتدی توصیه می‌شود که بر هیئت جهانی خداوند یا ویرات ـ پوروشا که پاهایش سیارات تحتانی و چشمانش خورشید و ماه و سرش منظومه سیارات فوقانی محسوب می‌شود.

## آیه ۵

*anta-kāle ca mām eva*
*smaran muktvā kalevaram*
*yaḥ prayāti sa mad-bhāvaṁ*
*yāti nāsty atra saṁśayaḥ*

*anta-kāle*: در پایان زندگی ـ *ca*: همچنین ـ *mām*: به من، مرا ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *smaran*: به یاد آوردن ـ *muktvā*: ترک کردن، رها کردن ـ *kalevaram*: بدن ـ *yaḥ*: او که ـ *prayāti*: می‌رود *saḥ*: او ـ *mat-bhāvam*: طبیعت من ـ *yāti*: دست می‌یابد ـ *na*: نه ـ *asti*: وجود دارد ـ *atra*: اینجا ـ *saṁśayaḥ*: شک و تردید.

## ترجمه

**و هر کسی که در لحظه پایان زندگی، تنها مرا به خاطر آورد و بدنش را ترک گوید، بی‌درنگ به طبیعت من واصل می‌گردد و جای هیچ گونه تردید در این باره نیست.**

## شرح

ضرورت و اهمیت آگاهی به کریشنا در این آیه تأکید شده است. هر کسی که بدنش را در آگاهی به کریشنا ترک گوید بی‌درنگ به طبیعت روحانی خداوند متعال واصل می‌گردد. خداوند سبحان، پاکترین پاکان است؛ بنابراین کسی که دائماً در آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، بسر برد نیز پاکترین پاکان است. واژه اسماران ("به خاطر آوردن") حائز اهمیت است. به یاد آوردن کریشنا برای روح ناپاکی که آگاهی به کریشنا را در بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه تمرین نکرده است ممکن نیست. بنابراین، شخص باید خدا آگاهی یا کریشنا آگاهی را از همان آغاز زندگی تمرین کند. چنانچه شخص خواهان نیل به موفقیت در لحظه پایان زندگیش باشد، طریق به یاد آوردن کریشنا ضروری است. بنابراین، شخص باید دائماً و لاینقطع ماها ـ مانترا یعنی اسماء مقدس هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره را ذکر کند. خداوند چیتانیا به ما توصیه کرده که همچون درختی (*taror iva sahiṣṇunā*) صبور باشیم. برای کسی که نام پروردگار یعنی هاره کریشنا را ذکر می‌کند ممکن است موانع بسیار زیادی وجود داشته باشد، ولی با این وجود شخص باید با تحمل کردن تمامی این موانع به ذکر اسماء الهی یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره ادامه دهد تا در پایان زندگی بتواند از مزیت کامل آگاهی به کریشنا بهره‌مند گردد.

## آیه ۶

*yaṁ yaṁ vāpi smaran bhāvaṁ*
*tyajaty ante kalevaram*
*taṁ tam evaiti kaunteya*
*sadā tad-bhāva-bhāvitaḥ*

*yam yam*: هر آنچه ـ *vā api*: ابداً، اصلا ـ *smaran*: به یاد آوردن ـ *bhāvam*: طبیعت ـ *tyajati*: ترک بکند ـ *ante*: در پایان ـ *kalevaram*: این بدن ـ *tam tam*: مشابه ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *eti*: به دست می‌آورد ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *sadā*: همواره ـ *tat*: آن ـ *bhāva*: حالت مربوط به وجود ـ *bhāvitaḥ*: به خاطر آوردن.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، هر حالتی از وجود را که انسان در هنگام ترک بدن به خاطر آورد قطعاً به همان حالت نائل خواهد شد.**

## شرح

اینجا طریقه تغییر کالبد جسمانی انسان در لحظه بحرانی مرگ توضیح داده شده است. شخصی که در پایان زندگی بدنش را با اندیشیدن به کریشنا ترک گوید به طبیعت روحانی خداوند متعال واصل می‌گردد، در حالی که وصول به این کمال برای کسی که در آن هنگام به چیزی جز کریشنا فکر کند امکان نخواهد داشت. این نکته‌ای است که ما بایستی به دقت آن را مورد توجه قرار دهیم: چگونه شخص می‌تواند در شرایط مطلوب ذهنی بدن را ترک گوید؟ ماهاراجا بهاراتا با اینکه شخصیت بزرگی محسوب می‌شد، ولی چون در هنگام مرگ به فکر یک آهو بود در زندگی بعدیش به بدن آهو انتقال یافت. هرچند ماهاراجا بهاراتا به صورت آهو اعمال گذشته‌اش را به یاد داشت، ولی پذیرفتن بدن آهو برای او اجتناب‌ناپذیر بود. باید در نظر داشت که افکار ما در لحظه مرگ عموماً منتج از مجموعه اعمال و افکاری است که در طول زندگیمان وجود داشته و به آن شکل داده است؛ بنابراین، اعمال این زندگی حالت زندگی آینده انسان را تعیین می‌کند. اگر انسان حیات کنونیش را در گونه نیکی سپری نماید و همواره به کریشنا فکر کند، در این صورت می‌توان گفت که به خاطر آوردن کریشنا در پایان زندگی برای فرد امکان‌پذیر است. این امر به انسان کمک خواهد کرد که رهسپار ملکوت روحانی خداوند گردد. اگر انسان از نظر روحانی مجذوب خدمت به کریشنا گردد، آنگاه بدن بعدی او متعال (روحانی) خواهد بود نه مادی. بنابراین ذکر هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره بهترین روش برای ایجاد تغییری موفقیت‌آمیز در حالت وجود در هنگام پایان زندگی شخص خواهد بود.

## آیه ۷

*tasmāt sarveṣu kāleṣu*
*mām anusmara yudhya ca*
*mayy arpita-mano-buddhir*
*mām evaiṣyasy asaṁśayaḥ*

***tasmāt***: بنابراین ـ ***sarveṣu***: در تمام ـ ***kāleṣu***: اوقات ـ ***mām*** : به من، مرا ـ ***anusmara***: به یادداشتن را ادامه بده ـ ***yudhya***: جنگ ـ ***ca***: همچنین ـ ***mayi***: به من ـ ***arpita***: تسلیم کردن ـ ***manaḥ***: ذهن ـ ***buddhiḥ***: شعور، عقل ***mām***: به من ـ ***eva***: حتماً، محققاً ـ ***eṣyasi***: تو واصل خواهی شد ـ ***asaṁśayaḥ***: ورای هر گونه شک.

## ترجمه

**بنابراین، آرجونا، تو باید همواره مرا به صورت کریشنا به خاطر داشته باشی و به من فکر کنی و در عین حال وظیفه تجویز شده خود را که جنگیدن است انجام دهی. با نثار اعمالت به من و با متمرکز کردن فکر و شعورت بر من بدون شک به من خواهی رسید.**

## شرح

این آموزش خداوند به آرجونا برای تمامی مردمی که مشغول فعالیتهای مادی‌اند حائز کمال اهمیت است. خداوند نمی‌گوید که انسان وظایف تجویز شده یا فعالیتهای خود را رها کند، بلکه می‌تواند به آنها ادامه دهد و در عین حال با ذکر هاره کریشنا، به

خداوند فکر کند. این عمل انسان را از اسارت آلودگی مادی آزاد می‌کند و ذهن و شعور او را به کریشنا معطوف می‌سازد. انسان با ذکر اسماء مقدس کریشنا بدون شک به آن کوکب روحانی متعال یعنی کریشنالوکا رهسپار خواهد شد.

## آیه ۸

*abhyāsa-yoga-yuktena*
*cetasā nānya-gāminā*
*paramaṁ puruṣaṁ divyaṁ*
*yāti pārthānucintayan*

*abhyāsa-yoga*: به وسیله تمرین ـ *yuktena*: به تمرکز مشغول می‌شود ـ *cetasā*: به وسیله‌ذهن و شعور ـ *na anya-gāminā*: بدون منحرف شدنشان ـ *paramam*: حق تعالی ـ *puruṣam*: شخصیت خداوند ـ *divyam*: متعال و روحانی ـ *yāti*: شخص دست می‌یابد ـ *pārtha*: ای پسرپریتها ـ *anucintayan*: دائماً فکر کردن به.

## ترجمه

**ای پارتها، آن کس که بر من به عنوان شخصیت اعلای پروردگار تمرکز می‌نماید، و همواره به یاد من است، و از این راه انحراف حاصل نمی‌کند، یقیناً به من نائل خواهد شد.**

## شرح

در این آیه خداوند کریشنا مجدداً اهمیت به یاد داشتن او را خاطر نشان می‌کند. حافظه و خاطره انسان درباره خداوند با ذکر ماها مانترای هاره کریشنا احیاء می‌شود. با این عمل ذکر و سماع ارتعاش صوتی نام خداوند متعال، گوش، زبان و ذهن انسان همزمان به کار گرفته می‌شود. انجام این تمرکز عرفانی بسیار آسان است و انسان را یاری می‌دهد تا به خداوند متعال نائل آید. پوروشام به معنای لذت‌برنده است. به رغم آنکه موجودات زنده متعلق به نیروی حاشیه‌ای خداوند هستند، ولی در آلودگی مادی قرار دارند و خود را لذت‌برنده می‌پندارند، در حالی که لذت‌برنده واقعی آنان نیستند. اینجا به وضوح بیان شده است که لذت‌برنده متعال همانا شخصیت الهی خداوند در تجلیات گوناگون و بسطهای کاملش به صورت نارایانا و واسودوا و غیره می‌باشد.
عابدان می‌توانند با ذکر هاره کریشنا دائماً به فکر معبود و محبوب خود یعنی خداوند متعال در هر یک از وجوهش همچون نارایانا، کریشنا، راما و غیره باشند. این عمل قلب عابد را پاک و در پایان زندگیش به علت ذکر و یاد دائم، به ملکوت خداوند رهسپار خواهد کرد. تمرین یوگا تمرکز بر روح متعال درون است؛ مشابهاً با ذکر هاره کریشنا انسان ذهنش را همواره بر خداوند متعال ثابت و متمرکز می‌گرداند. ذهن بی‌ثبات است بنابراین لازم است آن را عالمانه و عامدانه به فکر کریشنا معطوف نمود. مثالی که اغلب در این باره بیان می‌شود در مورد کرمی است که مصراً به فکر پروانه شدن است، لذا در همین زندگی به پروانه تبدیل می‌شود. به همین نحو، چنانچه ما دائماً به یاد خدا و در فکر کریشنا باشیم، مسلماً در پایان زندگی از کالبدی روحانی همچون کریشنا برخوردار خواهیم شد.

## آیه ۹

*kaviṁ purāṇam anuśāsitāram*
*aṇor aṇīyāṁsam anusmared yaḥ*
*sarvasya dhātāram acintya-rūpam*
*āditya-varṇaṁ tamasaḥ parastāt*

*kavim*: کسی که همه چیز را می‌داند ـ *purāṇam*: کهن‌ترین ـ *anuśāsitāram*: کنترل‌کننده ـ *aṇoḥ*: نسبت به ذره ـ *aṇīyāṁsam*: کوچکتر ـ *anusmaret*: همواره فکر می‌کند به ـ *yaḥ*: کسی‌که ـ *sarvasya*: مربوط به همه چیز ـ *dhātāram*: حافظ، نگهدارنده ـ *acintya*: تصورناشدنی ـ *rūpam*: که شکل آن ـ *āditya—varṇam*: نورانی همچون خورشید ـ *tamasaḥ*: در مقایسه با ظلمت و تاریکی ـ *parastāt*: متعال و روحانی.

## ترجمه

**انسان بایستی بر شخصیت متعال به عنوان دانای مطلق، قدیم ازلی، حکمران نهایی، کوچکتر از کوچکترین، حافظ همه کائنات، ورای همه ادراکات مادی و وجود تصورناشدنیی که همواره یک شخص است تمرکز نماید. او همچون خورشید درخشان و شخصیت متعال و روحانیش در ورای این طبیعت مادی است.**

## شرح

روش فکرکردن به متعال در این آیه ذکر گردیده است. مهمترین نکته این است که خداوند فاقد شخصیت یا خلا نیست. انسان نمی‌تواند بر چیزی مبهم و گنگ همانند نیرویی فاقد شخصیت یا خلا تمرکز کند؛ این بسیار مشکل است. ولی به یاد خدا بودن یا روش فکر کردن به کریشنا بسیار ساده است و به طور واقعی در اینجا بیان شده است. نخست اینکه خداوند، پوروشا یا به عبارتی یک شخص است و ما به شخص راما و کریشنا فکر می‌کنیم. اینکه حقیقت این شخص چیست، اعم از اینکه انسان بخواهد به کریشنا یا راما فکر کند، در این آیه بهاگاواد-گیتا توصیف شده است. خداوند به عنوان کاوی توصیف شده، بدان معنا که او گذشته، حال و آینده را می‌داند و بنابراین به همه چیز علم دارد. همانا او شخصیت ازلی است زیرا اصل و منشأ همه چیز است؛ او یگانه خالق همه اشیاء هستی است. او هادی متعال جهان، حافظ و معلم بشریت است. او کوچکتر از کوچکترین است؛ گوهر روحانی موجود زنده یک ده هزارم نوک مو است و خداوند چنان به طرز غیر قابل تصوری کوچک است که وارد قلب این ذره می‌گردد. بنابراین او کوچکتر از کوچکترین خوانده می‌شود. همانا او به عنوان خداوند متعال می‌تواند وارد اتم و درون قلب کوچکترین ذره گردد و به عنوان روح متعال او را هدایت کند. با اینکه به طرز بسیار شگفت‌انگیزی کوچک است، در همه جا ساری و جاری و حافظ همه کائنات است. با اراده اوست که تمامی این منظومه‌های سیارات باقی‌اند. اغلب ما به شگفت می‌آییم که چگونه این سیارات در فضا شناور هستند. در اینجا ذکر گردیده که خداوند متعال با قدرت تصورناشدنیش تمامی این سیارات و منظومه‌های کهکشانی عظیم را در فضا اداره می‌کند. واژه آچینتیا (تصورناشدنی) در این رابطه بسیار مهم است. نیروی خداوند ورای تصور و اندیشه و خارج از ظرفیت محدود شعور ما می‌باشد و بدین لحاظ غیر قابل تصور (آچینتیا) خوانده می‌شود. چه کسی می‌تواند درباره این موضوع بحث و جدل کند؟ خداوند در این دنیای مادی بسط می‌یابد و منتشر می‌گردد و در عین حال ورای عالم مادی قرار دارد. ما حتی نمی‌توانیم ابعاد این دنیای مادی را که در مقایسه با عالم روحانی بسیار ناچیز است درک کنیم، پس چگونه می‌توانیم به آنچه در ورای آن است دست یابیم؟ آچینتیا یعنی آنچه در ورای این عالم مادی است یا به عبارتی آنچه تصورناشدنی است و قدرت منطق، استدلال و پندارهای فلسفی ما به آن راه نمی‌یابد. بنابراین اشخاص خردمند باید با اجتناب از استدلالات، حدسیات و نظریات پندارگرایانه عبث و بی‌فایده، آنچه را در کتب آسمانی همچون وداها، بهاگاواد-گیتا و شریماد- بهاگاواتام آمده است قبول نمایند و از اصولی که آنها وضع می‌کنند پیروی نمایند. این راهی است که انسان را به درک و معرفت رهنمون خواهد ساخت.

## آیه ۱۰

*prayāṇa-kāle manasācalena*

*bhaktyā yukto yoga-balena caiva*
*bhruvor madhye prāṇam āveśya samyak*
*sa taṁ paraṁ puruṣam upaiti divyam*

*prayāṇa-kāle*: در زمان مرگ ـ *manasā*: به وسیله ذهن ـ *acalena*: بدون منحرف شدن آن ـ *bhaktyā*: در عشق و عبودیت کامل ـ *yuktaḥ*: مشغول شده ـ *yoga—balena*: به وسیله قدرت یوگای خارق‌العاده ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *bhruvoḥ*: دو ابرو ـ *madhye*: بین ـ *prāṇam*: هوای زندگی ـ *āveśya*: مستقر کردن ـ *samyak*: به طور کامل ـ *saḥ*: او ـ *tam*: آن ـ *param*: متعال و روحانی ـ *puruṣam*: شخصیت پروردگار ـ *upaiti*: دست می‌یابد ـ *divyam*: به ملکوت روحانی.

## ترجمه

**کسی که هنگام مرگ هوای زندگیش را بین دو ابرو ثابت و متمرکز کند و با قدرت یوگا و با ذهنی بدون انحراف خود را وقف به یاد داشتن خداوند متعال در عشق و عبودیت کامل نماید، قطعاً به شخصیت اعلای پروردگار نائل خواهد شد.**

## شرح

در این آیه به وضوح بیان شده است که در هنگام مرگ ذهن باید با عشق و عبودیت بر شخصیت اعلای خداوند متمرکز باشد. برای کسانی که در یوگا باتجربه‌اند، توصیه شده است که نیروی حیات را به میان دو ابرو (به آگیا ـ چاکرا) بالا ببرند. اینجا انجام شات ـ چاکرا ـ یوگا که شامل تمرکز بر شش چاکرا می‌باشد مطرح شده است. ولی برای عابد پاک که این یوگا را انجام نمی‌دهد، چون همواره وجودش در آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا وقف شده است، به شکرانه لطف و رحمت شخصیت اعلای پروردگار می‌تواند در لحظه مرگ خداوند را به خاطر داشته باشد. این موضوع در آیه چهاردهم توضیح داده شده است.

استفاده بخصوص از واژه یوگا ـ بالنا در این آیه حائز اهمیت است، زیرا شخص بدون انجام یوگا،ا عم از شات ـ چاکرا ـ یوگا یا بهاکتی- یوگا، نمی‌تواند در هنگام مرگ به این عرصه روحانی دست یابد. برای انسان میسر نیست که ناگهان و به یکباره در لحظه مرگ خداوند متعال را به خاطر بیاورد مگر آنکه به تمرین نوعی روش یوگا مخصوصاً بهاکتی- یوگا پرداخته باشد. پس، از آنجا که در لحظه مرگ ذهن بسیار در تشویش و اضطراب قرار می‌گیرد، بر انسان واجب است که در طول حیات از طریق یوگا به تمرین تعالی و روحانیت بپردازد.

## آیه ۱۱

*yad akṣaraṁ veda-vido vadanti*
*viśanti yad yatayo vīta-rāgāḥ*
*yad icchanto brahmacaryaṁ caranti*
*tat te padaṁ saṅgraheṇa pravakṣye*

*yat*: آن که ـ *akṣaram*: هجا ام ـ *veda-vidaḥ*: اشخاص بصیر و آگاه به وداها ـ *vadanti*: می‌گویند ـ *viśanti*: وارد می‌شوند ـ *yat*: به آن ـ *yatayaḥ*: حکمای بزرگ ـ *vīta-rāgāḥ*: در مرحله انقطاع از زندگی (ترک مادیات) ـ *yat*: آن که ـ *icchantaḥ*: آرزو کردن ـ *brahmacaryam*: تجرد ـ *caranti*: تمرین، انجام ـ *tat*: آن ـ *te*: به تو ـ *padam*: وضعیت، موقعیت ـ *saṅgraheṇa*: به طور خلاصه ـ *pravakṣye*: من توضیح خواهم داد.

### ترجمه

**حکمای بزرگ در مرحله انقطاع که در وداها تبحر دارند و به ذکر امکارا می‌پردازند وارد برهمن مـی‌شـوند. اکنون این روش رهایی را که شخص در آرزوی رسیدن به آن، تجرد (عفاف کامل) اختیـار مـی‌کنـد، برایـت بـه اختصار توضیح خواهم داد.**

## شرح

خداوند شری‌کریشنا انجام شات ـ چاکرا ـ یوگا را که شخص در آن هوای زندگی را بین دو ابرو قرار می‌دهد به آرجونا توصیه کرده است. خداوند با محتوم دانستن این نکته که آرجونا باید نسبت به چگونگی انجام شات ـ چاکرا ـ یوگا بی‌اطلاع باشد، این روش را در آیات بعد توضیح می‌دهد. خداوند می‌فرماید برهمن به رغم اینکه آن یگانه بی‌همتاست، ولی دارای تجلیات و وجوه گوناگون است. واژه آکشارا، امکارا – هجا ام – نزد بی‌هویت‌گرایان با برهمن یکی است. اینجا کریشنا برهمن فاقد شخصیت را که حکمای در مرحله انقطاع وارد آن می‌شوند توضیح می‌دهد.

در نظام دانش ودایی، از همان آغاز به شاگردان می‌آموزند که هجاء ام را بیان کنند و از طریق زندگی کردن با پیر روحانی در حالت تجرد کامل، درباره برهمن غایی فاقد شخصیت تعلیم یابند. بدین ترتیب آنها به شناخت دو وجه از برهمن نائل می‌شوند. این تمرین برای پیشرفت روحانی شاگرد بسیار ضروری است، ولی در حال حاضر این گونه زندگی برهما چاری (تجرد بدون ازدواج) اصلا ممکن نیست. ساختار اجتماعی جهان به قدری دگرگون شده است که امکان آن وجود ندارد که انسان از همان آغاز دوران شاگردی، تجرد محض را پیشه کند. اینک در سراسر جهان سازمانهای بسیاری برای فراگیری علوم مختلف وجود دارد، اما هیچ گونه سازمان شناخته شده‌ای که در آن اصول برهماچاری به محصلان تعلیم داده شود وجود ندارد. مادامی که انسان تجرد را اختیار نکند، پیشرفت در زندگی روحانی بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین، خداوند چیتانیا بر اساس احکام کتب مقدس برای این عصر کالی، اعلام کرده است که در این عصر هیچ راهی برای معرفت حق تعالی به جز ذکر اسامی مقدس خداوند کریشنا یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره وجود ندارد.

## آیه ۱۲

*sarva-dvārāṇi saṁyamya*
*mano hṛdi nirudhya ca*
*mūrdhny ādhāyātmanaḥ prāṇam*
*āsthito yoga-dhāraṇām*

*sarva-dvārāṇi*: تمام درهای بدن ـ *saṁyamya*: کنترل کردن ـ *manaḥ*: ذهن ـ *hṛdi*: در قلب ـ *nirudhya*: محبوس کردن ـ *ca*: همچنین ـ *mūrdhni*: روی سر ـ *ādhāya*: ثابت کردن ـ *ātmanaḥ*: مربوط به روح ـ *prāṇam*: هوای زندگی ـ *āsthitaḥ*: واقع شده در ـ *yoga-dhāraṇām*: وضعیت یوگایی.

### ترجمه

**مفهوم یوگا انقطاع از کلیه اعمال کامجویانه حسی و شهوانی است. شخص با بستن تمام درهای حواس و متمرکز نمودن ذهن بر قلب و هوای حیات بر نوک سر، خود را در یوگا استوار و پابرجا می‌سازد.**

## شرح

برای انجام یوگا به نحوی که اینجا توصیه شده است، نخست شخص باید تمام درهای کامجویی و راههای ارضای حواس را ببندد، که این عمل را پراتیاهارا یا بازپس کشیدن حواس از اشیای‌جلب کننده آنان می‌خوانند. اعضای حسی کسب کننده دانش یعنی چشم، گوش، زبان، بینی و حس لامسه باید کاملا مهار گردد و به آنها اجازه اشتغال در فعالیتهای ارضای نفس داده نشود. به این طریق، ذهن بر روح متعال درون قلب متمرکز و نیروی حیات به نوک سر، بالا کشیده می‌شود. این روش در فصل ششم به تفصیل توضیح داده شده است. اما همان گونه که قبلا نیز ذکر گردید این طریق در عصر حاضر عملی نیست. بهترین روش کریشنا آگاهی است. چنانچه کسی قادر باشد همواره ذهنش را، در خدمت عابدانه، بر کریشنا ثابت و متمرکز نگاه دارد برایش بسیار آسان خواهد بود که بدون تشویش و اضطراب در سامادهی یا جذبه متعال باقی بماند.

## آیه ۱۳

*oṁ ity ekākṣaraṁ brahma*
*vyāharan mām anusmaran*
*yaḥ prayāti tyajan dehaṁ*
*sa yāti paramāṁ gatim*

***oṁ***: ترکیب حروف ام (امکارا) ـ ***iti***: بدین سان ـ ***eka—akṣaram***: یک هجاء ـ ***brahma***: مطلق ـ ***vyāharan***: به ارتعاش درآوردن ـ ***mām***: مرا (کریشنا) ـ ***anusmaran***: به یاد آوردن ـ ***yaḥ***: هر کسی که ـ ***prayāti***: ترک کند ـ ***tyajan***: رها کردن، دست کشیدن ـ ***deham***: این بدن ـ ***saḥ***: او ـ ***yāti***: واصل می‌شود ـ ***paramām***: والا و متعال ـ ***gatim***: مقصد.

## ترجمه

**چنانچه انسان پس از واقع شدن در این عمل یوگا و ذکر هجاء مقدس ام کـه عـالیترین ترکیـب حـروف است، به شخصیت اعلای پروردگار فکر کند و بدنش را ترک گوید، قطعاً به سیارات روحانی واصل خواهد شد.**

## شرح

در اینجا به طرز واضحی بیان شده است که ام، برهمن و خداوند کریشنا با یکدیگر تفاوت ندارند. ام همان صوت فاقد شخصیت کریشناست، در حالی که صوت هاره کریشنا شامل ام نیز هست. ذکر مانترای هاره کریشنا مشخصاً برای این عصر توصیه شده است. پس چنانچه انسان در پایان زندگی، در لحظه ترک بدن، در حال ذکر ماهامانترای هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره باشد، مسلماً طبق شیوه تمرینش به یکی از سیارات روحانی خواهد رسید. عابدان و سرسپردگان کریشنا به سیاره روحانی کریشنا، یعنی گولوکا ورینداوانا، پا می‌نهند و برای هویتگرایان نیز سیارات بیشمار دیگری وجود دارد که به عنوان سیارات وایکونتها در آسمان روحانی معروف هستند، در حالی که بی‌هویت‌گرایان از برهما جیوتی پا فراتر نمی‌گذارند.

## آیه ۱۴

*ananya-cetāḥ satataṁ*
*yo māṁ smarati nityaśaḥ*
*tasyāhaṁ sulabhaḥ pārtha*
*nitya-yuktasya yoginaḥ*

*ananya-cetāḥ*: بدون انحراف ذهن ـ *satatam*: همواره ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *mām*: مرا (کریشنا) ـ *smarati*: یاد می‌کند، به خاطر دارد ـ *tasya*: مرتباً ـ *nityaśaḥ*: برای او ـ *aham*: من هستم ـ *su-labhaḥ*: بسیار آسان برای رسیدن ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *nitya*: مرتباً ـ *yuktasya*: مشغول شده ـ *yoginaḥ*: برای عابد.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، برای کسی که مرا همواره بدون انحراف به خاطر دارد، به علت وقف بود دائمیش در عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه، رسیدن به من آسان است.**

## شرح

در این آیه مشخصاً از آن مقصد غایی سخن به میان رفته است که عابدان پاک و خالص در بهاکتی- یوگا از طریق خدمت به شخصیت اعلای پروردگار به آن دست می‌یابند. در آیات قبل چهار نوع عابد مختلف ذکر شد: دردمند، کنجکاو، کسانی که به دنبال دستاوردهای مادی‌اند و فلاسفه پندارگرا. همچنین روشهای مختلف رهایی از زنجیرهای اسارت مادی نیز توصیف شد: کارما ـ یوگا، گیانا ـ یوگا و هاتها ـ یوگا. به اصول این روشهای یوگا قدری بهاکتی افزوده شده است، اما در این آیه مشخصاً بهاکتی- یوگای خالص بدون هیچ گونه آمیزه‌ای با گیانا، کارما یا هاتها ذکر می‌گردد. همان گونه که با واژه آنانیا ـ چتا مشخص شده، در بهاکتی- یوگای خالص، عابد آرزوی هیچ چیز جز کریشنا را درسر ندارد. عابد پاک نه تنها آرزوی ارتقاء به سیارات بهشتی را در سر نمی‌پروراند بلکه خواستار یکی‌شدن با برهماجیوتی یا رهایی از اسارت مادی نیز نیست. در چیتانیا ـ چاریتامریتا، عابد پاک، نیشکاما خوانده می‌شود، یعنی او هیچ گونه آرزویی برای نفع شخصی ندارد؛ صلح و آرامش کامل تنها از آن اوست، نه از آن کسانی که برای منافع شخصی می‌کوشند. در حالی که گیانا ـ یوگی، کارما ـ یوگی، یاهاتها ـ یوگی علائق و منافع خودخواهانه خویش را مد نظر دارند، عابد پاک هیچ گونه آرزویی جز رضایت شخصیت اعلای پروردگار ندارد. بنابراین خداوند می‌فرماید واصل شدن به او برای کسی که خالصانه و بی‌دریغ وقف وی شده است سهل و آسان می‌باشد.

عابد پاک همواره مشغول خدمت عاشقانه به کریشنا در یکی از وجوه گوناگون شخصیت الهی است. خداوند کریشنا ظهورات و بسطهای کامل گوناگونی همچون راما و نریسیمها دارد و عابدمی‌تواند برای متمرکز کردن ذهنش در خدمت عاشقانه هر یک از این شکلهای روحانی خداوند متعال را اختیار کند. چنین عابدی با هیچیک از مسائل و مشکلاتی که رهروان یوگاهای دیگر به آن دچارند روبرو نمی‌شود. انجام بهاکتی- یوگا بسیار ساده، آسان و پاک است. انسان می‌تواند به سادگی فقط با ذکر هاره کریشنا شروع کند. خداوند نسبت به همه بخشنده و مهربان است، اما همان گونه که قبلا توضیح داده شد نسبت به کسانی که همواره بدون انحراف به او خدمت می‌کنند لطف خاص دارد. کریشنا چنین عابدانی را به طرق مختلف کمک می‌نماید. چنانکه در وداها (کاتها اوپانیشاد۱/۲/۲۳) بیان شده:

*yam evaiṣa vṛṇute tena labhyas/ tasyaiṣa ātmā vivṛṇute tanuṁ svām*

کسی که کاملا سر تسلیم فرود آورده و در عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه خداوند متعال وقف شده است، می‌تواند خداوند متعال را همان گونه که هست درک کند همچنانکه در بهاگاواد-گیتا (۱۰/۱۰) گفته شده است:

*dadāmi buddhi-yogaṁ tam*

خداوند به چنین عابدی شعور و خرد کافی اعطاء می‌کند تا در نهایت امر بتواند به او در ملکوت روحانی واصل گردد.

صفت مشخصه عابد پاک در این خلاصه می‌شود که او همواره بدون انحراف و بدون در نظر گرفتن زمان و مکان در فکر کریشنا است و هیچ مانعی او را از یاد خدا منفک نمی‌سازد. او باید قادر باشد در هر مکان و در هر زمان خدمت خود را انجام دهد. برخی می‌گویند که عابد باید در مکانهای مقدسی مانند ورینداوانا یا هر شهر مقدس دیگری که شخصیت الهی در آن بسر

برده است سکنی گزیند، در حالی که یک عابد پاک می‌تواند در هر مکانی زندگی کند و از طریق طاعت عاشقانه و خدمت عابدانه خود فضای وریندااوانا را ایجاد نماید، همان گونه که شری ادویتا به خداوند چیتانیافرمود: "ای خداوندم، هر کجا که تو هستی آنجا وریندااوانا است."

همان گونه که با واژه‌های ساتاتام و نیتیاشا به معنای "همواره"، "مرتباً" یا "هر روز" نشان داده شده، عابد پاک همواره کریشنا را به خاطر دارد و بر او تمرکز می‌کند. اینها صفات عابد و فدایی پاکی است که خداوند برایش بسیار سهل در دسترس قرار می‌گیرد. بهاگاواد-گیتا، بهاکتی- یوگا را بهترین روش در میان یوگاها می‌داند و توصیه می‌کند. پنج نوع بهاکتا یا بهاکتا ـ یوگی وجود دارد: (۱) شانتا ـ بهاکتا که به خدمت عاشقانه خداوند در حالت خنثی می‌پردازد (۲) داسیا ـ بهاکتا، مشغول خدمت عاشقانه خداوند به صورت خادم او است (۳) ساکهیا ـ بهاکتا، به صورت دوست به خداوند خدمت می‌کند (۴) واتسالیا ـ بهاکتا، در نقش پدر و مادر خدمت خود را به خداوند عرضه می‌کند (۵) مادهوریا ـ بهاکتا، که به صورت دلباخته و عاشق نکاح گونه به خداوند متعال خدمت می‌کند. در هر یک از این طرق، عابد پاک همواره بدون وقفه مشغول خدمت عاشقانه روحانی به خداوند متعال است و نمی‌تواند او را فراموش نماید، و در نتیجه برای وی خداوند به آسانی در دسترس است. همانطور که عابد پاک حتی برای یک لحظه خداوند متعال را فراموش نمی‌کند، مشابهاً حق تعالی نیز نمی‌تواند مرید پاک و خالص خود را برای لحظه‌ای از یاد ببرد. این لطف و موهبت عظیم ذکر ماها ـ مانترا – هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره – در روند کریشنا آگاهی می‌باشد.

## آیه ۱۵

*mām upetya punar janma*
*duḥkhālayam aśāśvatam*
*nāpnuvanti mahātmānaḥ*
*saṁsiddhiṁ paramāṁ gatāḥ*

*mām*: به من، مرا ـ *upetya*: نائل شدن ـ *punaḥ*: دوباره ـ *janma*: تولد ـ *duḥkha-ālayam*: مکان رنج و درد ـ *aśāśvatam*: موقت ـ *na*: هرگز ـ *āpnuvanti*: دست می‌یابد ـ *mahā-ātmānaḥ*: ارواح بزرگ ـ *saṁsiddhim*: کمال ـ *paramām*: نهایی ـ *gatāḥ*: نائل شدن به.

## ترجمه

**ارواح بزرگ که یوگیهایی در عشق و عبودیت هستند پس از نائل شدن به من هیچگاه به این عالم فانی که مملو از رنج و شوربختی است بازنمی‌گردند، زیرا آنان به بالاترین کمال دست یافته‌اند.**

## شرح

از آنجا که این عالم مادی موقت مملو از رنجهای تولد، پیری، بیماری و مرگ است طبیعتاً کسی که به بالاترین عرصه کمال دست یابد و به آن کوکب متعال کریشنا لوکا یا گولوکا وریندااوانا نائل آید دیگر خواهان رجعت به این عالم نخواهد بود. آن کوکب روحانی در متون مقدس ودایی به عنوان آویاکتا، آکشارا و پاراماگاتی توصیف شده است؛ آن سیاره روحانی وصف ناپذیر و در ورای دیدگاه مادی ما است، که این مقصد غایی و سرمنزل مقصود از آن ماهاتماها (ارواح بزرگ) است. ماهاتماها پیام معنوی متعال را از عابدان خودشناخته دریافت می‌کنند و بدین سان تدریجاً به خدمت عابدانه در کریشنا آگاهی می‌پردازند و چنان مجذوب و شیفته آن می‌شوند که دیگر آرزوی ارتقاء به هیچیک از سیارات مادی و حتی سیارات روحانی را ندارند. آنان

فقط کریشنا و معاشرت او را می‌طلبند و بس، و این بالاترین کمال حیات است. این آیه بخصوص مریدان کریشنا یعنی عابدان وجه واجد شخصیت خداوند را توصیف می‌کند. این عابدان به بالاترین کمال زندگی دست می‌یابند، زیرا ارواح بسیار والایی هستند.

## آیه ۱۶

*ā-brahma-bhuvanāl lokāḥ*
*punar āvartino 'rjuna*
*mām upetya tu kaunteya*
*punar janma na vidyate*

*ā-brahma-bhuvanāt*: تا سرحد سیاره برهمالوکا ـ *lokāḥ*: نظامهای سیاره‌ای ـ *punaḥ*: دوباره ـ *āvartinaḥ*: بازگشت کردن ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *mām*: به من ـ *upetya*: رسیدن ـ *tu*: اما ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *punaḥ janma*: تولد مجدد ـ *na*: هرگز ـ *vidyate*: رخ می‌دهد.

## ترجمه

**از بالاترین کرات دنیای مادی گرفته تا پایین‌ترین آنها، همگی مکان درد و رنج است که در آنها تولـدها و مرگهای پیاپی صورت می‌گیرد. اما ای پسر کونتی، کسی که به سرزمین من دست یابد از تولد مجدد ایمن خواهد بود.**

## شرح

تمام انواع یوگیها از قبیل کارما ـ یوگی، گیانا ـ یوگی، هاتها ـ یوگی و غیره، برای آنکه بتوانند به ملکوت متعال کریشنا پا نهند و دیگر به جهان مادی بازنگردند، باید در بهاکتی- یوگا یا آگاهی به کریشنا به کمال خدمت عابدانه یا عبادت عاشقانه دست یابند. حتی کسانی که به بالاترین کرات دنیای مادی یا سیارات فرشتگان دست می‌یابند نیز در معرض تولد و مرگ مکرر قرار دارند. همان گونه که ساکنان کره زمین به سیارات فوقانی ارتقاء می‌یابند، ساکنان سیارات فوقانی همچون برهمالوکا، چاندرالوکا و ایندرالوکا به کره زمین سقوط می‌کنند. انجام قربانی پانچاگنی ـ ویدیا که در چاندوگیا اوپانیشاد توصیه شده است، شخص را قادر می‌سازد به برهمالوکا نائل گردد، اما چنانچه شخص در برهمالوکا آگاهی به کریشنا را در خود پرورش ندهد، در این صورت باید به کره زمین رجعت کند. کسانی که در سیارات فوقانی به مراتب بالاتری از آگاهی به کریشنا پیشرفت می‌کنند تدریجاً به کرات بالاتر و بالاتر ارتقاء می‌یابند و در موعد نابودی جهان به سرزمین روحانی جاودان منتقل می‌شوند. حضرت شریدهارا سوامی در تفسیر خود بر بهاگاواد-گیتا این قطعه را نقل می‌کنند:

*brahmaṇā saha te sarve*
*samprāpte pratisañcare*
*parasyānte kṛtātmānaḥ*
*praviśanti paraṁ padam*

”هنگام نابودی این دنیای مادی، برهما و عابدان او که دائماً مشغول آگاهی به کریشنا هستند، همگی طبق آرزوهایشان، به سیارات روحانی دلخواه در عالم روحانی رهسپار می‌شوند.“

## آیه ۱۷

*sahasra-yuga-paryantam*
*ahar yad brahmaṇo viduḥ*
*rātriṁ yuga-sahasrāntāṁ*
*te 'ho-rātra-vido janāḥ*

*sahasra*: یک هزار ـ *yuga*: عصرها ـ *paryantam*: شامل بودن ـ *ahaḥ*: روز ـ *yat*: آن که ـ *brahmaṇaḥ*: مربوط به برهما ـ *viduḥ*: آنها می‌دانند ـ *rātrim*: شب ـ *yuga*: عصرها ـ *sahasra-antām*: مشابهاً پس از پایان یافتن یک هزار ـ *te*: آنها ـ *ahaḥ-rātra*: روز و شب ـ *vidaḥ*: که درک می‌کنند ـ *janāḥ*: مردم.

## ترجمه

**با محاسبه انسانی، مجموع هزار عصر معادل یک روز برهما است و همین مقدار نیز معادل یک شب اوست.**

## شرح

جهان مادی، طول عمری محدود دارد و در دوره‌هایی که کالپاها خوانده می‌شود تجلی می‌یابد. یک کالپا معادل یک روز برهما است، و یک روز برهما شامل هزار دوره می‌باشد که هر دوره خود شامل چهار یوگا یا عصر به نامهای ساتیا، ترتا، دواپارا و کالی است. دوره ساتیا دارای خصوصیاتی همانند پرهیزکاری و پاکدامنی، حکمت و خرد، و دین و مذهب می‌باشد و عملا در آن هیچ گونه مظاهر نادانی و فساد و گناه یافت نمی‌شود و این یوگا ۱/۷۲۸/۰۰۰ سال به طول می‌انجامد. درترتا ـ یوگا که طول آن ۱/۲۹۶/۰۰۰ سال است، فساد آغاز می‌گردد. در دواپارا ـ یوگا، تنزل بیشتری در دین، تقوا و پاکدامنی به وجود می‌آید و فساد افزایش می‌یابد و این یوگا ۸۶۴/۰۰۰ سال به طول می‌انجامد. و سرانجام کالی ـ یوگا (یوگایی که ما حدود ۵۰۰۰ سال از آن را پشت سر گذارده‌ایم) نزاع و کشمکش، جهل و غفلت، و کفر و گناه افزایشی چشمگیر می‌یابد و عملا پاکدامنی و تقوای حقیقی از میان می‌رود و طول این یوگا ۴۳۲/۰۰۰ سال است. فساد و گناه در کالی ـ یوگا به حدی افزایش می‌یابد که در پایان آن خداوند متعال شخصاً به صورت آواتارای کالکی ظهور می‌کند، شیاطین و دیوصفتان را نابود می‌سازد، عابدان را نجات می‌دهد و ساتیا ـ یوگای جدیدی را پی می‌نهد. آنگاه دوباره عصر دیگری متشکل از چهار دوره فوق‌الذکر آغاز می‌شود. وقتی دوره کامل این چهار یوگا هزار بار تکرار گردد، یک روز برهما را تشکیل می‌دهد و همین مقدار زمان معادل یک شب او می‌باشد. طول عمر برهما معادل یکصد سال از "سالهایی" است که از چنین روزهایی تشکیل شده است. این "صد سال" با محاسبات زمینی ۳۱۱ تریلیون و ۴۰ بیلیون (۳۱۱/۰۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) سال به طول می‌انجامد. طبق این محاسبه، عمر برهما به نظر خارق‌العاده و پایان‌ناپذیر می‌رسد، ولی در حقیقت از دیدگاه ابدیت به کوتاهی یک چشم بر هم زدن است. در اقیانوس علیت، برهماهای بیشماری وجود دارند که همچون حبابهایی در اقیانوس به وجود می‌آیند و ناپدید می‌شوند. برهما و آفرینش او که پیوسته در تغییرات مداومند به تمامی، تنها قسمتی از جهان مادی را تشکیل می‌دهند.

در دنیای مادی حتی برهما نیز از جریان تولد، پیری، بیماری و مرگ در امان نیست. لیکن برهما با اداره این جهان مستقیماً مشغول خدمت به خداوند متعال است و بدین جهت بی‌درنگ به رهایی می‌رسد. سانیاسی‌های عالیمقام به سیاره مخصوص برهما، یعنی برهمالوکا، ترفیع می‌یابند که بالاترین سیاره در دنیای مادی است و از تمام کرات بهشتی در سطوح نظام سیاره‌ای فوقانی بیشتر عمر می‌کند. اما برهما و تمام ساکنان برهمالوکا نیز طبق قانون طبیعت مادی در موعد خود در معرض مرگ قرار می‌گیرند.

## آیه ۱۸

*avyaktād vyaktayaḥ sarvāḥ*

*prabhavanty ahar-āgame*
*rātry-āgame pralīyante*
*tatraivāvyakta-saṁjñake*

*avyaktāt*: از تجلی نیافته ـ *vyaktayaḥ*: موجودات زنده ـ *sarvāḥ*: تمام ـ *prabhavanti*: متجلی می‌گردند ـ *ahaḥ-āgame*: در آغاز روز ـ *rātri-āgame*: با فرا رسیدن شب ـ *pralīyante*: نابود می‌شوند ـ *tatra*: به آن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *avyakta*: تجلی نیافته ـ *saṁjñake*: که خوانده‌می‌شود.

## ترجمه

**در آغاز روز برهما، تمام موجودات زنده از مرحله تجلی‌نیافته پدید می‌آیند و پس از آن، هنگامی که شب برهما فرا رسد، دوباره به مرحله تجلی‌نیافته فرو خواهند رفت.**

## آیه ۱۹

*bhūta-grāmaḥ sa evāyaṁ*
*bhūtvā bhūtvā pralīyate*
*rātry-āgame 'vaśaḥ pārtha*
*prabhavaty ahar-āgame*

*bhūta—grāmaḥ*: جمع تمام موجودات زنده ـ *saḥ*: اینها ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ayam*: این ـ *bhūtvā bhūtvā*: کراراً تولد می‌یابند ـ *pralīyate*: نابود می‌شود ـ *rātri*: مربوط به شب ـ *āgame*: با رسیدن ـ *avaśaḥ*: به طور خود به خود ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *prabhavati*: متجلی است ـ *ahaḥ*: مربوط به طول روز ـ *āgame*: با رسیدن.

## ترجمه

**دوباره و دوباره هنگامی که روز برهما فرا می‌رسد تمام موجودات زنده به عرصه حیات بازمی‌آیند و با فرا رسیدن شب برهما ناگزیر نابود خواهند شد.**

## شرح

کم‌خردان که می‌کوشند در این دنیای مادی بمانند، ممکن است به سیارات فوقانی ارتقاء یابند لیکن دوباره ناگزیرند به این کره ارض نزول کنند. آنها در طول روز برهما می‌توانند فعالیتهای خود را در سیارات فوقانی و تحتانی این عالم مادی به انجام رسانند، ولی با فرا رسیدن شب برهما همگی نابود خواهند شد. آنها در طول این روز بدنهای مختلفی را برای فعالیتهای مادی دریافت می‌کنند و در شب، دیگر کالبد جسمانی نخواهند داشت بلکه جیواها (ارواح منفرد) فشرده و متراکم در بدن ویشنو باقی می‌مانند. سپس بار دیگر با فرا رسیدن روز برهما متجلی می‌شوند. بهوتوا بهوتوا پرالیاته: در طول روز آنها تجلی می‌یابند و در شب دوباره از بین خواهند رفت و در نهایت امر هنگامی که حیات برهما پایان یافت، همه آنان از بین می‌روند و برای میلیونها و میلیونها سال نامتجلی باقی می‌مانند و دوباره وقتی برهما در دوره دیگری متولد می‌شود، آنان باز تجلی می‌یابند. به این طریق، جیواها به وسیله افسون دنیای مادی به دام افکنده شده‌اند. ولی آن اشخاص خردمندی که طریقت آگاهی به کریشنا را اختیار می‌کنند، با ذکر نامهای مقدس هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، از این فرصت حیات انسانی به طور کامل در خدمت مریدانه خداوند استفاده می‌کنند. در نتیجه آنها حتی در این زندگی نیز به

سیاره روحانی کریشنا رهسپار می‌شوند و از حیات سرمدی سرشار از شعف برخوردار می‌گردند و دیگر از این گونه تولدهای پیاپی رهایی می‌یابند.

## آیه ۲۰

*paras tasmāt tu bhāvo 'nyo*
*vyakto 'vyaktāt sanātanaḥ*
*yaḥ sa sarveṣu bhūteṣu*
*naśyatsu na vinaśyati*

*paraḥ*: متعال و روحانی ـ *tasmāt*: نسبت به آن ـ *tu*: ولی ـ *bhāvaḥ*: طبیعت ـ *anyaḥ*: دیگر ـ *avyaktaḥ*: تجلی نیافته ـ *avyaktāt*: نسبت به تجلی نیافته ـ *sanātanaḥ*: جاودان ـ *yaḥ saḥ*: آن که ـ *sarveṣu*: تمام ـ *bhūteṣu*: تجلی ـ *naśyatsu*: نابود شدن ـ *na*: هرگز ـ *vinaśyati*: نابود می‌شود.

## ترجمه

**با این حال، طبیعت غیرمتجلی دیگری وجود دارد که جاودانی است و در ورای این ماده تجلی‌یافته و تجلی‌نیافته قرار دارد. آن طبیعت اعلی که هرگز نابود نمی‌گردد، با انهدام کل این عالم، همچنان همان گونه که هست باقی می‌ماند.**

## شرح

انرژی علیا و روحانی کریشنا، متعال و جاودان است و در ورای تمام تمام تغییرات طبیعت مادی که در روزها و شبهای برهما تجلی می‌یابد و نابود می‌شود قرار دارد. انرژی برتر کریشنا از نظر کیفی درست برخلاف طبیعت مادی است. توصیف انرژیهای برتر و فروتر خداوند در فصل هفتم آمده است.

## آیه ۲۱

avyakto 'kṣara ity uktas
tam āhuḥ paramāṁ gatim
yaṁ prāpya na nivartante
tad dhāma paramaṁ mama

*avyaktaḥ*: تجلی‌نیافته ـ *akṣaraḥ*: خطاناپذیر (مصون از نقص) ـ *iti*: بدین سان ـ *uktaḥ*: گفته شده ـ *tam*: آن ـ *āhuḥ*: شناخته شده ـ *paramām*: نهایی، غایی ـ *gatim*: مقصد ـ *yam*: که ـ *prāpya*: به دست آوردن ـ *na*: هرگز ـ *nivartante*: بازمی‌گردند ـ *tat*: آن ـ *dhāma*: منزلگاه، سرزمین ـ *paramam*: والا و متعال ـ *mama*: مال من، م.

## ترجمه

**آن ملکوتی که ودانتیستها آن را به عنوان نامتجلی و بری از نقص توصیف می‌کنند، که به عنوان مقصد متعال شناخته می‌شود، و جایگاهی که شخص پس از واصل شدن به آن هیچگاه دیگر بازنمی‌گردد، منزلگاه متعال من است.**

## شرح

منزلگاه متعال شخصیت خداوند، کریشنا، در برهما ـ سامهیتا به عنوان چینتامانی ـ دهاما، یعنی مکان تحقق تمامی آرزوها توصیف شده است. آن جایگاه متعال خداوند کریشنا به نام گولوکا وریندااوانا معروف و مملو از قصرهایی از سنگ کیمیای روحانی است که اطراف آن را "درختان آرزو" که تمام خواسته‌ها را برآورده می‌سازند فرا گرفته است و گاوهای روحانی که با نام سورابهی معروفند و شیر نامحدودی را فراهم می‌آورند. خداوند در این ملکوت روحانی توسط صدها هزار الهه‌های خوشبختی (لاکشمیها) که گرد او را فرا گرفته‌اند خدمت و عبادت می‌شود و او گوویندا، خدای ازلی، و علت تمامی علل خوانده می‌شود. تمثال متعال او در تمام عوالم جذابترین شکل جاودان است؛ چشمانش مانند گلبرگهای نیلوفر آبی و بدن روحانیش به رنگ ابرهاست. جذابیت جمال او به حدی است که زیباییش بر هزاران الهه عشق برتری دارد. شخصیت الهی در جامه‌ای زعفرانی، حلقه‌ای گل به گردنش، و پر طاووسی بر موها جلوه دارد و بدین سان در فلوت روحانی خود می‌دمد (ونوم کوانانتام). خداوند در بهاگاواد–گیتا تنها اشاره اندکی به منزلگاه روحانیش، گولوکا وریندااوانا، که بالاترین سیاره در ملکوت روحانی است، دارد. توصیف دقیق آن در برهما ـ سامهیتا آمده است. ادبیات ودایی (کاتهااوپانیشاد ۱۱/۳/۱) بیان می‌کند که هیچ مکانی برتر از جایگاه خداوند متعال نیست و آن منزلگاه مقصد نهایی است:

*puruṣān na paraṁ kiñcit sā kāṣṭhā paramā gatiḥ*

وقتی کسی به آن سرزمین حقیقت نائل شود دیگر هیچگاه به این دنیای مادی رجعت نمی‌کند. منزلگاه متعال کریشنا و شخص کریشنا، کیفیت واحد داشته و با یکدیگر تفاوتی ندارند. در این کره زمین، منطقه وریندااوانا، در ۹۰ مایلی جنوب شرقی دهلی، انعکاس همان گولوکا وریندااوانا در آسمان روحانی است. هنگامی که کریشنا بر این کره ارض هبوط کرد، در آن سرزمین بخصوص که با وسعت ۸۴ مایل مربع به عنوان وریندااوانا در ناحیه ماتهورای هندوستان معروف است، بازیها، سرگرمیها و شئون عاشقانه الهیش را به نمایش گذارد.

## آیه ۲۲

*puruṣaḥ sa paraḥ pārtha*
*bhaktyā labhyas tv ananyayā*
*yasyāntaḥ-sthāni bhūtāni*
*yena sarvam idaṁ tatam*

*puruṣaḥ*: شخصیت متعال ـ *saḥ*: او (خداوند) ـ *paraḥ*: حق تعالی، که هیچکس برتر از او نیست ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *bhaktyā*: به وسیله خدمت عاشقانه ـ *labhyaḥ*: می‌تواند به دست آید ـ *tu*: ولی ـ *ananyayā*: خالص و بی‌دریغ، بی‌وقفه و بدون انحراف ـ *yasya*: آن کسی که ـ *antaḥ-sthāni*: داخل ـ *bhūtāni*: تمام این تجلی مادی ـ *yena*: به وسیله کسی که ـ *sarvam*: تمام ـ *idam*: آنچه می‌توانیم ببینیم ـ *tatam*: منتشر شده است، ساری و جاری شده است.

## ترجمه

**وصول به شخصیت اعلای خداوند که نسبت به هر شخصیتی برتر می‌باشد، از طریق عشق و بندگی پاک و خالص میسر است. به رغم ثبوت شخصیت الهی در جایگاهی واحد، او در سراسر هستی گسترده شده و همه چیز در او واقع شده است.**

## شرح

در اینجا به وضوح بیان شده است که آن مقصد اعلای بدون بازگشت، همانا منزلگاه کریشنا، یعنی آن شخص متعال است. برهما ـ سامهیتا این ملکوت متعال را به عنوان آناندا ـ چینمایا ـ راسا توصیف می‌کند، یعنی جایی که همه چیز سرشار از شعف روحانی، و کیفیت تمامی تنوعات متجلی در آن نیز شعف روحانی است؛ بنابراین هیچ چیز مادی در آنجا وجود ندارد. آن تنوعات، حاصل بسط روحانی خود خداوند متعال است، زیرا همان گونه که در فصل هفتم توضیح داده شد، تجلیات آنجا کاملا از انرژی روحانی حاصل می‌شود. تا آنجا که به دنیای مادی مربوط می‌گردد، هرچند خداوند همواره در ملکوت الهیش قرار دارد، با این وصف از طریق نیروی مادیش در همه جا ساری و جاری است. بنابراین، خداوند از طریق نیروهای روحانی و مادی خود در همه جا حاضر است، هم در این دنیای مادی و هم در جهان روحانی. واژه یاسیانتا ـ استهانی یعنی حفظ و بقای همه چیز در ید قدرت اوست و همه چیز در حیطه نیروی مادی یا روحانی او قرار دارد. حقیقت این است که خداوند با این دو نیروی خود در همه جا حضور دارد.

چنانکه اینجا با استفاده از واژه بهاکتیا به روشنی بیان گردیده، شخص فقط از طریق بهاکتی یا خدمت عاشقانه می‌تواند به ملکوت متعال کریشنا یا به سیارات روحانی بیشمار وایکونتها پا نهد. و هیچ راه دیگری نمی‌تواند انسان را در نیل به این ملکوت متعال یاری رساند. وداها (گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۳/۲) نیز شخصیت اعلای پروردگار و جایگاه متعالش را توصیف می‌کنند:

*Eko vaśī sarva-gaḥ kṛṣṇaḥ*

در آن ملکوت بیکران فقط یک شخصیت متعال خداوند به نام کریشنا وجود دارد. همانا او حکمران متعال سرشار از رحمت است که به رغم یگانگیش در آن ملکوت روحانی، خود را به میلیونها و میلیونها بسط کامل گسترش داده است. وداها خداوند را به درختی استوار تشبیه می‌کنند که تنوع بسیار زیادی از میوه، گل و برگ را به بار می‌آورد. بسطهای کامل خداوند که بر سیارات وایکونتها حکمرانی می‌کنند دارای چهار دست و اسامی گوناگون به نامهای پوروشوتاما، تری‌ویکراما، کشاوا، مادهاوا، آنیرودها، هریشی‌کشا، سانکارشانا، پرادیومنا، شریدهارا، واسودوا، دامودارا، جاناردانا، نارایانا، وامانا، پادمانابها و غیره‌اند.

برهما ـ سامهیتا (۳۷/۵) همچنین تأیید می‌کند که هرچند خداوند در منزلگاه متعال خود، یعنی گولوکا وریندااوانا، اقامت دارد ولی در همه جا حاضر است و بدین سبب تدبیر همه امور به طرز بسیار عالی صورت می‌گیرد.

*goloka eva nivasaty akhilātma-bhūtaḥ*

همان گونه که در وداها (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۸/۶) گفته شده:

*parāsya śaktir vividhaiva śrūyate/ svābhāvikī jñāna-bala-kriyā ca*

با اینکه خداوند متعال بسیار بسیار دور است، ولی نیروهایش چنان پخش شده است که همه چیز در عالم کائنات به نحو منظم و بدون خطایی اداره می‌گردد.

## آیه ۲۳

*yatra kāle tv anāvṛttim*
*āvṛttiṁ caiva yoginaḥ*
*prayātā yānti taṁ kālaṁ*
*vakṣyāmi bharatarṣabha*

*yatra*: در آن ـ *kāle* : زمان ـ *tu*: و ـ *anāvṛttim*: بدون بازگشت ـ *āvṛttim*: بازگشت ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *yoginaḥ*: انواع مختلف حق‌جویان ـ *prayātāḥ*: عزیمت کرده‌اند ـ *yānti*: دست می‌یابند ـ *tam*: آن ـ *kālam*: زمان ـ *vakṣyāmi*: من توضیح خواهم داد ـ*bharata-ṛṣabha* : ای بهترین بهاراتاها.

## ترجمه

**ای بهترین بهاراتاها، اینک برایت زمانهای مختلفی را توضیح خواهم داد که یوگی با درگذشت از این دنیا، در آن لحظات ممکن است دوباره به این جهان بازگردد یا بازنگردد.**

## شرح

عابدان پاک و مریدان مخلص خداوند که کاملا ارواح تسلیم شده‌ای هستند پروایی ندارند که در چه هنگام و یا به چه طریق بدنهایشان را ترک نمایند. آنها همه چیز را به عهده خداوند می‌سپارند و بدین سان به سادگی، خوشحالی و سبکدلی نزد خداوند بازمی‌گردند. اما آنان که عابدان پاک نیستند و در عوض به روشهایی از معرفت روحانی همچون کارما ـ یوگا، گیانا ـ یوگا، هاتها ـ یوگا و غیره تکیه می‌کنند باید بدن خود را در زمان مناسبی ترک گویند تا به موجب آن اطمینان حاصل کنند که مجدداً به دایره تولد و مرگ بازنمی‌گردند.

اگر یوگی به مرحله کمال رسیده باشد می‌تواند زمان و مکان مناسب را برای ترک این دنیای مادی انتخاب نماید، ولی در غیر این صورت موفقیتش بستگی پیدا می‌کند به درگذشتی اتفاقی در زمان مناسب معین. خداوند در آیه بعد زمانهای مناسبی را که شخص در آن با ترک بدن مجدداً بازگشت نمی‌نماید توضیح داده است. طبق اظهارات آچاریا بالادوا ویدیابهوشانا، واژه سانسکریت کالا که در اینجا به کار رفته است عطف به خداوندگار حکمران زمان دارد.

## آیه ۲۴

*agniḥ*: آتش ـ *jyotiḥ*: نور، روشنایی ـ *ahaḥ*: روز ـ *śuklaḥ*: دو هفته سفید ـ *ṣaṭ-māsāḥ*: شش ماه ـ *uttara—ayanam*: هنگامی که خورشید از نیمکره شمالی می‌گذرد ـ *tatra*: آنجا، اینجا ـ *prayātāḥ*: کسانی که رحلت می‌کنند ـ *gacchanti*: می‌روند ـ *brahma*: به سوی مطلق ـ *brahma-vidaḥ*: کسانی که مطلق را می‌شناسند ـ *janāḥ*: اشخاص.

## ترجمه

**کسانی که برهمن متعال را می‌شناسند، با رحلت از این جهان در هنگام نفوذ الهه آتش، در نور، در لحظه‌ای خجسته از روز، در دو هفته‌ای که ماه رو به بدر می‌رود، و در شش ماهی که خورشید در شمال حرکت می‌کند، به آن متعال واصل می‌شوند.**

## شرح

وقتی آتش، نور، روز و دو هفته مربوط به ماه ذکر شده است باید درک کرد که در پشت همه این تجلیات، حکمرانان گوناگونی وجود دارند که اثراتی بر چگونگی درگذشت روح می‌گذارند. در هنگام مرگ، ذهن است که شخص را رهسپار یک زندگی نوین می‌کند. چنانچه کسی طبق زمانهایی که در بالا عنوان شد، چه به صورت اتفاقی و چه از روی تدبیر و تنظیم، بدن را ترک گوید، امکان نائل شدن او به برهماجیوتی فاقد شخصیت فراهم می‌آید. حق‌جویانی که در انجام یوگا پیشرفته‌اند می‌توانند زمان و مکان مناسب را برای ترک بدن تدارک ببینند. دیگران هیچ گونه تسلطی نسبت به این امر ندارند، بلکه چنانچه تصادفاً در لحظه‌ای خجسته بدن را ترک گویند آنگاه به دایره تولد و مرگ بازنخواهند گشت، در غیر این صورت هر لحظه امکان بازگشت

وجود خواهد داشت. اما برای عابد پاک که در آگاهی به کریشنا قرار دارد، چه بدن را در لحظه مبارک یا نامبارک، چه از روی تصادف یا از روی تدبیر ترک گوید، در هر حال به هیچ وجه بیم بازگشت وجود ندارد.

## آیه ۲۵

*dhūmo rātris tathā kṛṣṇaḥ*
*ṣaṇ-māsā dakṣiṇāyanam*
*tatra cāndramasaṁ jyotir*
*yogī prāpya nivartate*

*dhūmaḥ*: دود ـ *rātriḥ*: شب ـ *tathā*: همچنین ـ *kṛṣṇaḥ*: دو هفته‌ای که ماه به سوی تاریکی می‌گراید ـ *ṣaṭ-māsāḥ*: شش ماه ـ *dakṣiṇa-ayanam*: هنگامی که خورشید از نیمکره جنوبی می‌گذرد ـ *tatra*: آنجا ـ *cāndra-masam*: کره ماه ـ *jyotiḥ*: نور ـ *yogī*: حق‌جو ـ *prāpya*: نائل شدن ـ *nivartate*: برمی‌گردد.

## ترجمه

**حق‌جویی که این جهان را هنگام شب، دود و در دو هفته‌ای که ماه از بدر خارج می‌شود، یا شش ماهی که خورشید از جنوب می‌گذرد، ترک گوید به کره ماه نائل می‌شود، ولی دوباره بازمی‌گردد.**

## شرح

در جزء سوم شریماد- بهاگاواتام، کاپیلامونی اظهار می‌کند کسانی که در اعمال ثمربخش و شیوه‌های قربانی در کره زمین خبره هستند هنگام مرگ به ماه نائل می‌شوند. این ارواح عالیمقام برای زمانی حدود ۱۰/۰۰۰ سال (با مقیاس زمانی فرشتگان) در کره ماه زندگی می‌کنند و با نوشیدن شراب سوما ـ راسا از زندگی لذت می‌برند و سرانجام به کره زمین بازمی‌گردند. این بدان مفهوم است که در کره ماه درجات عالیتری از موجودات زنده وجود دارد، گو اینکه ممکن است با حواس محدود و زمخت ما قابل درک و رؤیت نباشد.

## آیه ۲۶

*śukla-kṛṣṇe gatī hy ete*
*jagataḥ śāśvate mate*
*ekayā yāty anāvṛttim*
*anyayāvartate punaḥ*

*śukla*: روشنایی ـ *kṛṣṇe*: و تاریکی ـ *gatī*: راههای درگذشتن ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *ete*: این دو ـ *jagataḥ*: مربوط به جهان مادی ـ *śāśvate*: مربوط به وداها ـ *mate* : در نظر ـ *ekayā*: به وسیله یک شخص ـ *yāti*: می‌رود ـ *anāvṛttim*: به بدون بازگشت ـ *anyayā*: به وسیله دیگری ـ *āvartate*: بازمی‌گردد ـ *punaḥ*: دوباره.

## ترجمه

**بر اساس نظر وداها دو طریق درگذشت از این جهان وجود دارد: یکـی در نـور و روشـنایی و دیگـری در تاریکی و ظلمت. هنگامی که شخص در نور درمی‌گذرد به این جهان بازنمی‌گردد، امـا وقتـی در تـاریکی رحلـت می‌کند به آن بازمی‌گردد.**

## شرح

مشابه همین توصیف را آچاریا بالادوا ویدیابهوشانا از چاندوگیا اوپانیشاد (۵-۳/۱۰/۵) درباره عزیمت و رجعت موجود زنده نقل کرده است. باید دانست آنان که برای اجر و پاداش عمل می‌کنند و همچنین فلاسفه پندارگرا از زمانهای بسیار کهن در دایره مرگ و زندگی غوطه‌ورند. در حقیقت چون آنان به کریشنا سر تسلیم فرود نمی‌آورند، به رهایی و رستگاری نهایی دست نمی‌یابند.

## آیه ۲۷

*naite sṛtī pārtha jānan*
*yogī muhyati kaścana*
*tasmāt sarveṣu kāleṣu*
*yoga-yukto bhavārjuna*

*na*: هیچگاه، هرگز ـ *ete*: این دو ـ *sṛtī*: طرق مختلف ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *jānan*: حتی چنانچه او بشناسد ـ *yogī*: عابد خداوند ـ *muhyati*: گیج و سرگردان می‌شود ـ *kaścana*: هیچ، هیچیک ـ *tasmāt*: بنابراین ـ *sarveṣu kāleṣu*: همواره ـ *yoga-yuktaḥ*: مشغول شده در آگاهی به‌کریشنا ـ *bhava*: فقط بشو ـ *arjuna*: ای آرجونا.

## ترجمه

**ای آرجونا، با اینکه عابدان به این دو راه واقف هستند، ولـی هیچگـاه گمگشـته و سـرگردان نمـی‌شـوند. بنابراین همواره در عشق و عبودیت ثابت باش.**

## شرح

کریشنا در اینجا آرجونا را پند می‌دهد که او نباید با اطلاع از راههای مختلفی که روح می‌تواند در هنگام ترک دنیای مادی اتخاذ کند، آشفته گردد. عابد خداوند نباید نگران چگونگی ترک‌کردن بدن خود - چه به صورت اتفاقی و چه از روی حساب و با برنامه‌ریزی - باشد. او باید ثابت و استوار در آگاهی به کریشنا قرار گیرد و اسماء مقدس هاره‌کریشنا را ذکر کند. وی باید دریابد که فکرکردن و اهمیت دادن به هر کدام از این دو راه مشکل‌ساز است و حاصلی جز نگران کردن او ندارد. بهترین راه مجذوب بودن در کریشنا آگاهی و همواره خدمت کردن به خداوند است که این امر، راه انسان را به سوی ملکوت روحانی، ایمن، مطمئن و مستقیم خواهد نمود. واژه یوگا ـ یوکتا در این آیه حائز اهمیت است. کسی که در یوگا جدی، محکم و مصمم است، دائماً در تمامی فعالیتهایش در آگاهی به کریشنا بسر می‌برد. شری‌روپا گوسوامی توصیه می‌کند:

*anāsaktasya viṣayān yathārham upayuñjataḥ*

انسان باید عاری از دلبستگی به امور مادی باشد و در آگاهی به خداوند،آگاهی به کریشنا، عمل نماید. با این روش که یوکتا ـ وایراگیا خوانده می‌شود، فرد به کمال می‌رسد. بنابراین، مرید خدا با این توصیفات متشتت نمی‌شود چه به خوبی می‌داند که بازگشت او به مأمن و منزلگاه متعال به وسیله خدمت خالصانه و عاشقانه تضمین شده است.

## آیه ۲۸

*vedeṣu yajñeṣu tapaḥsu caiva*
*dāneṣu yat puṇya-phalaṁ pradiṣṭam*
*atyeti tat sarvam idaṁ viditvā*
*yogī paraṁ sthānam upaiti cādyam*

*vedeṣu*: در مطالعه وداها ـ *yajñeṣu*: در انجام یاگیا یا قربانی ـ *tapaḥsu*: با اتخاذ انواع مختلف ریاضتها ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *dāneṣu*: در دادن صدقات و خیرات ـ *yat*: آن که ـ *puṇya-phalam*: نتیجه عمل پرهیزکارانه ـ *pradiṣṭam*: گفته شده، خاطرنشان شده ـ *atyeti*: پشت سر می‌گذارد ـ *tat sarvam*: همه آنها ـ *idam*: این ـ *viditvā*: دانستن، شناختن ـ *yogī*: عبد و مرید ـ *param*: والا و متعال ـ *sthānam*: سرزمین ـ *upaiti*: نائل می‌گردد ـ *ca*: همچنین ـ *ādyam*: اصلی، ازلی.

## ترجمه

**شخصی که راه خدمت خالصانه و عاشقانه را می‌پذیرد، از نتایج حاصل از مطالعه وداها، انجام قربانیهای سخت، دادن صدقات و خیرات، پرداختن به مباحث فلسفی و فعالیتهای ثمرجویانه‌محروم نمی‌ماند. او صرفاً با انجام خدمت عابدانه به همه این موارد دست می‌یابد و سرانجام به ملکوت جاودان الهی واصل می‌گردد.**

## شرح

این آیه خلاصه و جمع‌بندی فصلهای هفتم و هشتم است که فصلهای مذکور بالاخص در ارتباط با کریشنا آگاهی و خدمت عابدانه‌اند. انسان باید وداها را تحت هدایت پیر روحانی مطالعه نماید و در حالی که تحت حمایت و مراقبت او زندگی می‌کند، به ریاضتها و توبه‌های بسیار بپردازد.

یک برهماچاری باید در منزل پیر روحانی درست همچون یک خادم زندگی کند و برای پیر روحانی خود، خانه به خانه صدقات و خیرات گدایی کند. او فقط به امر پیر غذا می‌خورد و چنانچه روزی پیر روحانی فراموش کند شاگرد را برای صرف غذا فرا خواند، شاگرد روزه می‌گیرد. اینها برخی از اصول ودایی به منظور رعایت برهماچاریا می‌باشد. پس از آنکه شاگرد, وداها را تحت نظر پیر روحانی از سن پنج تا بیست سالگی مطالعه کرد، می‌تواند انسانی کامل شود. مطالعه وداها وسیله‌ای برای تفریح و سرگرمی پندارگرایان راحت‌طلب نیست، بلکه برای تکامل شخصیت انسان است. پس از این تعلیمات به برهماچاری اجازه داده می‌شود که وارد زندگی تأهل گردد و ازدواج نماید. او در زندگی تأهل نیز باید قربانیهای بسیاری را انجام دهد تا بتواند به اشراق و ادراک عمیقتری دست یابد. او همچنین باید در حالی که زمان، مکان و شخص را در نظر می‌گیرد و بین صدقه در گونه نیکی، شهوت و جهل – چنانکه در بهاگاواد-گیتا توصیف شده است – تمایز قائل می‌گردد، صدقه بدهد. سپس با بازنشستن از زندگی تأهل و پذیرفتن مرحله واناپراستها، باید ریاضتهای سختی مانند زندگی در جنگل، بر تن کردن لباس از پوست درختان، نتراشیدن ریش و غیره را متحمل شود. انسان با انجام احکامی که مختص دوران برهماچاریا، مرحله گریهاستها یا زندگی تأهل، دوران واناپراستها و سرانجام مرحله سانیاسا می‌باشد، به کمال زندگی ارتقاء می‌یابد. سپس برخی به سیارات بهشتی واصل می‌گردند و حتی وقتی بیشتر پیشرفت حاصل کنند در آسمان روحانی، یا در برهماجیوتی فاقد شخصیت و یا در سیارات وایکونتها یا کریشنالوکا، رهایی می‌یابند. این راهی است که به وسیله متون مقدس ودایی تدوین‌شده است.

اما زیبایی کریشنا آگاهی در این است که به انسان اجازه می‌دهد با یک حرکت، یعنی با پرداختن به خدمت عابدانه، بتواند تمام مراسم و مناسک مربوط به مراحل مختلف زندگی را پشت سربگذارد.
کلمات ایدام ویدیتوا خاطرنشان می‌سازد که شخص باید آموزشهای شری کریشنا را که در این فصل و فصل هفتم داده شده است درک کند. انسان باید فصول هفتم و هشتم گیتا را نه با تحقیقات یا حدسیات و نظریات فلسفی بلکه با شنیدن آن در معاشرت با عابدان پاک درک نماید. فصلهای ششم تا دوازدهم، جوهر و چکیده بهاگاواد–گیتا است. شش فصل اول و شش فصل آخر همچون پوششهایی برای شش فصل میانی محسوب می‌شود که خصوصاً توسط خداوند حفاظت می‌گردد. اگر انسان آنقدر خوشبخت باشد که بهاگاواد–گیتا – بخصوص این شش فصل میانی – را در معاشرت با عابدان درک کند، آنگاه بی‌درنگ زندگیش بدون انجام کلیه قربانیها، خیرات، صدقات، پندارهای ذهنی و اعمال دیگر، قرین شکوه و سعادت خواهد شد؛ زیرا شخص صرفاً با انجام کریشنا آگاهی می‌تواند به تمام نتایج و ثمرات این اعمال دست یابد.
کسی که ایمان اندکی به بهاگاواد–گیتا داشته باشد باید آن را از عابد خدا بیاموزد، زیرا همان طور که در آغاز فصل چهارم به وضوح بیان شد، بهاگاواد–گیتا فقط به وسیله عابدان می‌تواند درک گردد و هیچکس دیگری قادر نیست به طور کامل به مقصود بهاگاواد–گیتا دست یابد. بنابراین شخص باید بهاگاواد–گیتا را از عابد کریشنا بیاموزد و نه از پندارگرایان ذهنی. این نشانه ایمان است. هنگامی که انسان در جستجوی عابدی برمی‌آید و سرانجام معاشرت او را کسب می‌کند، در حقیقت مطالعه و درک بهاگاواد–گیتا را آغاز کرده است. انسان با پیشرفت حاصل شده از معاشرت با عابد خدا، در خدمت عابدانه که تمامی شبهات را درباره کریشنا، نام، شکل، اعمال، شئون الهی و وجوه دیگر خداوند از قلب وی می‌زداید، قرار می‌گیرد. با تطهیر شدن کامل از این شک و تردیدهاست که انسان در مطالعه و تحقیق خود استوار و پابرجا می‌گردد و آنگاه از مطالعه بهاگاواد–گیتا لذت می‌برد و بهره‌مند می‌گردد و به عرصه دائمی آگاهی به کریشنا دست می‌یابد. شخص در مرحله پیشرفته کاملا عاشق کریشنا، عاشق خدا می‌گردد. نیل به این بالاترین مرتبه کمال زندگی، عابد را قادر می‌سازد که به منزلگاه کریشنا در ملکوت روحانی، یعنی گولوکا ورینداوانا رهسپار گردد، جایی که عابد در سرور و شادی و سعادت جاودان قرار می‌گیرد.
بدین سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل هشتم شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "واصل شدن به متعال" پایان می‌یابد.

# فصل نهم

# محرمانه‌ترین دانش

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*idaṁ tu te guhyatamaṁ*
*pravakṣyāmy anasūyave*
*jñānaṁ vijñāna-sahitaṁ*
*yaj jñātvā mokṣyase 'śubhāt*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای پروردگار فرمود ـ *idam*: این ـ *tu*: اما ـ *te*: به تو ـ *guhya-tamam*: محرمانه‌ترین ـ *pravakṣyāmi*: من صحبت می‌کنم ـ *anasūyave*: به غیر حسود ـ *jñānam*: دانش ـ *vijñāna*: دانش درک شده ـ *sahitam*: با ـ *yat*: که ـ *jñātvā*: دانستن ـ *mokṣyase*: تو رها و آزاد خواهی شد ـ *aśubhāt*: از این موجودیت مادی پر رنج.

## ترجمه

**شخصیت اعلای پروردگار فرمود: آرجونای عزیزم، چون تو هیچگاه به من حسد نمی‌ورزی، من از این محرمانه‌ترین دانش و معرفت برایت پرده برمی‌دارم تا با پی بردن به آن از تمام رنجهای موجودیت مادی آسوده شوی.**

## شرح

عابد هر قدر درباره خداوند متعال بیشتر بشنود، به آگاهی و اشراق بیشتر دست می‌یابد، همان گونه که در شریماد– بهاگاواتام توصیه شده است: "پیام معنوی شخصیت اعلای پروردگار مملو از نیرو و جاذبه روحانی است و درک آن زمانی تحقق می‌پذیرد که مطالب در ارتباط با خداوند متعال در میان عابدان مطرح گردد و مورد گفتگو قرار گیرد. نیل به این معرفت از طریق معاشرت با پندارگرایان ذهنی یا محققان دانشگاهی ممکن نیست، زیرا در اینجا دانش درک شده مورد نظر است."

عابد همواره مشغول خدمت به خداوند متعال است و از طرفی خداوند به ذهنیت و صداقت فردی که مشغول شناخت او یا آگاهی به کریشنا شده است واقف است و به او شعور لازم را می‌دهد که علم معرفت کریشنا را در معاشرت با عابدان درک کند. گفتگو درباره کریشنا بسیار مؤثر است، و اگر شخصی آنقدر خوشبخت باشد که از چنین معاشرت و همنشینی برخوردار شود و بکوشد این‌دانش را درک و جذب کند، آنگاه قطعاً در راه معرفت روحانی پیشرفت خواهد نمود. اینک خداوند کریشنا برای ترغیب و تشویق آرجونا به درجات بالا و عالیتری از خدمت پرقدرت و نیرومندش، در این فصل مطالبی را بازگو می‌نماید که از هر آنچه تا کنون نسبت به آن پرده برداشته، محرمانه‌تر است.

آغاز بهاگاواد–گیتا، یعنی فصل اول، کم و بیش در حکم مقدمه‌ای برای بقیه کتاب به شمار می‌آید. دانش روحانی که در فصول دوم و سوم توصیف شده است محرمانه خوانده می‌شود.مطالبی که در فصول هفتم و هشتم مطرح گردیده، دقیقاً مربوط به خدمت عابدانه است و این مطالب از آنجا که در طریقت شناخت و آگاهی به کریشنا به انسان روشنی و درک می‌دهد محرمانه‌تر خوانده می‌شود. و اما مطالبی که در فصل نهم توصیف شده است با عشق و عبودیت پاک، خالص و بی‌آلایش ارتباط دارد و از این رو محرمانه‌ترین خوانده شده است. کسی که در محرمانه‌ترین دانش کریشنا قرار گرفته، خود روحانی است؛ بنابراین هرچند در دنیای مادی قرار داشته باشد، هیچ گونه درد و اضطراب مادی حس نمی‌کند. در کتاب بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو آمده است کسی که آرزوی صادقانه برای خدمت عاشقانه خداوند متعال در سر دارد، هرچند در وضع مقید موجودیت مادی قرار داشته باشد، باید رهایی‌یافته محسوب گردد. مشابهاً در فصل دهم بهاگاواد–گیتا خواهیم دید که هر کس که به این طریق مشغول باشد، شخصی رها و رستگار محسوب می‌شود.

آیه اول این فصل اهمیت ویژه‌ای دارد. کلمات ایدام گیانام (این دانش) اشاره به خدمت عابدانه خالص دارد، که شامل نه فعالیت مختلف است: شنیدن، ذکر کردن، به یاد داشتن، خدمت کردن، پرستش کردن، دعا کردن، اطاعت کردن، دوستی کردن و تسلیم کردن همه چیز به خداوند. با انجام این نه رکن خدمت عابدانه انسان به آگاهی روحانی، آگاهی به کریشنا ارتقاء می‌یابد. هنگامی که قلب انسان بدین ترتیب از آلودگیهای مادی پاک شد، شخص می‌تواند این علم شناخت کریشنا را درک کند. صرفاً ادراک این نکته که موجود زنده مادی نیست کافی نمی‌باشد، زیرا این مطلب می‌تواند صرفاً به منزله آغازی برای شناخت روحانی باشد، ولی انسان باید به تفاوت بین فعالیتهای بدن و فعالیتهای روحانی، که به‌وسیله آن پی می‌برد که این بدن نیست، دست یابد.

قبلا، در فصل هفتم، پیرامون نیروی مطلق شخصیت متعال خداوند، انرژیهای مختلفش، طبیعت برتر و فروتر و کل تجلی مادی بحث نموده‌ایم. اینک در فصل نهم، شکوه و جلال خداوند به تفصیل توصیف خواهد شد.

واژه سانسکریت آناسو یاوه نیز در این آیه بسیار اهمیت دارد. به طور کلی مفسران، چنانچه بسیار محقق و دانشمند نیز باشند، همگی نسبت به کریشنا، شخصیت متعال خداوند، حسادت می‌ورزند. حتی داناترین محققان درباره بهاگاواد–گیتا بسیار نادرست قلم‌پردازی می‌کنند. باید در نظر داشت چون آنان به کریشنا حسادت می‌ورزند تفاسیرشان عبث و بی‌فایده است. تنها تفاسیری که مریدان خداوند ارائه می‌کنند دارای اعتبار است. چنانچه کسی حسد داشته باشد نمی‌تواند بهاگاواد–گیتا را توضیح دهد یا دانش کامل کریشنا را منتقل کند. از طرف دیگر فردی که از شخصیت کریشنا بدون شناخت او عیب‌جویی می‌کند ابله محسوب می‌شود. بنابراین، باید با دقت و توجه بسیار از چنین تفاسیری اجتناب نمود. برای کسی که درک کند کریشنا شخصیت اعلای خداوند، آن شخصیت پاک و متعال است، این فصول بسیار سودمند خواهد بود.

## آیه ۲

*rāja-vidyā rāja-guhyaṁ*
*pavitram idam uttamam*
*pratyakṣāvagamaṁ dharmyaṁ*
*su-sukhaṁ kartum avyayam*

*rāja-vidyā*: شاه دانش، کمال دانش ـ *rāja-guhyam*: شاه دانش محرمانه ـ *pavitram*: پاکترین، نابترین ـ *idam*: این ـ *uttamam*: روحانی و متعال ـ *pratyakṣa*: به‌وسیله تجربه مستقیم ـ *avagamam*: درک شده ـ *dharmyam*: اصل دین ـ *su-sukham*: بسیار شاد و خوشبخت ـ *kartum*: انجام دادن ـ *avyayam*: همیشگی، جاودانی.

## ترجمه

**این دانش، نابترین دانش است؛ محرمانه‌ترین اسرار است. خالصترین دانشها است و چون از طریق شناخت و معرفت، درک مستقیمی از ذات می‌دهد کمال دین است. از بین نرفتنی است و انجامش توأم با سرور و شادمانی.**

## شرح

این فصل بهاگاواد–گیتا، نابترین دانش یا معرفت اعلی خوانده می‌شود، زیرا جوهر و چکیده تمام حکمت و فلسفه‌هایی است که قبلا توضیح داده شد. در میان فیلسوفان اصلی هندوستان هفت شخصیت برجسته وجود دارد: گوتاما، کانادا، کاپیلا، یاگیاوالکیا، شاندیلیا، وایشوانارا و سرانجام ویاسادوا مؤلف ودانتا ـ سوترا. بنابراین در زمینه فلسفه و دانش روحانی، با وجود این اشخاص کمبودی احساس نمی‌گردد. حال خداوند می‌گوید فصل نهم شاه تمام این دانشهاست، یعنی جوهر و چکیده تمام دانشهایی است که می‌توان از مطالعه وداها و انواع فلسفه‌های مختلف تحصیل کرد. این دانش محرمانه‌ترین دانشهاست، زیرا دانش متعال یا محرمانه شامل درک تفاوت بین روح و بدن می‌شود و شاه تمام دانش محرمانه در خدمت خالصانه و عاشقانه خلاصه می‌گردد.

عموماً مردم تعلیمی در خصوص دانش محرمانه نیافته‌اند؛ بلکه آموخته‌های آنان صرفاً پیرامون دانش ظاهری و مادی دور می‌زند. تا آنجا که به تحصیل دانش عادی مربوط می‌شود، مردم وقت‌خود را به فراگیری بسیاری از رشته‌های مختلف از قبیل علوم سیاسی، علوم اجتماعی، فیزیک، شیمی، ریاضیات، ستاره‌شناسی، مهندسی و غیره اختصاص می‌دهند و دپارتمانهای بسیار زیادی از رشته‌های علمی و دانشگاهی و دانشگاههای معظم بسیاری وجود دارد، اما متأسفانه هیچ گونه دانشگاه یا مؤسسه آموزشی در جهان یافت نمی‌شود که بتوان علم معرفت روح را در آن تحصیل کرد. در حالی که روح مهمترین عامل بدن است؛ زیرا بدون حضور روح کالبد جسمانی ارزشی در بر نخواهد داشت. با این وصف مردم تأکید خود را بر نیازهای جسمانی حیات می‌گذراند و در این بین کمترین توجهی به عامل بسیار حیاتی، یعنی روح، نمی‌شود.

بهاگاواد–گیتا بخصوص از فصل دوم به بعد بر اهمیت روح تأکید می‌کند. در همان آغاز خداوند می‌فرماید که کالبد جسمانی نابودشدنی است اما روح فناناپذیر است.

اینکه روح با این کالبد مادی تفاوت دارد و ماهیت آن تغییرناپذیری، فناناپذیری و جاودانگی است، قسمت محرمانه دانش را تشکیل می‌دهد. لیکن این نکته اطلاعات جامع یا شناختی قطعی‌درباره روح نمی‌دهد. برخی اوقات مردم تصور می‌کنند که روح با بدن تفاوت دارد و با نابودی بدن یا با رهایی از بدن، روح وارد خلا می‌شود و فاقد هویت می‌گردد. اما در حقیقت چنین نیست. چگونه روح که اینچنین در بدن فعال است می‌تواند پس از رهایی از آن غیر فعال و بی‌اثر شود؟ روح همواره فعال است. و به سبب جاودانه بودنش به طور ابدی فعال است و فعالیتهای او در ملکوت روحانی، محرمانه‌ترین بخش دانش روحانی یا شاه دانش را تشکیل می‌دهد که در اینجا به آن اشاره شده است.

این دانش، همان گونه که در ادبیات ودایی توضیح داده شده، نابترین و پاکترین شکل تمام فعالیتهاست. در پادما پورانا اعمال گناه‌آلود انسان تحلیل گردیده و نشان داده شده است که در نتیجه آنها، گناهی پس از گناه دیگر خواهد آمد. کسانی که به اعمال ثمرجویانه مشغولند گرفتار بازتاب گناهان خود در مراحل و اشکال مختلف می‌شوند. برای مثال وقتی تخم درخت بخصوصی کاشته می‌شود، بلافاصله درخت پدیدار نمی‌گردد بلکه زمانی طول می‌کشد. گیاه نخست به صورت جوانه کوچکی پدیدار می‌شود و سپس شکل درخت را به خود می‌گیرد؛ پس از آن گل می‌دهد و هنگامی که به بار نشست، اشخاصی که تخم درخت را کاشتند از میوه آن لذت می‌برند. به همین ترتیب اعمال گناه‌آلود انسان نیز، همانند یک تخم، زمانی طول می‌کشد تا به بار بنشیند و میوه دهد؛ بنابراین مراحل مختلف وجود دارد. ممکن است گناه در گذشته متوقف شده باشد و اکنون دیگر

شخص آن را انجام ندهد، لیکن نتیجه یا میوه آن همچنان باید شامل حال او شود. گناهانی وجود دارد که هنوز در شکل تخم است و گناهان دیگر که اکنون بارور شده و در حال میوه دادن به ما است که ثمره آنها چیزی جز درد و رنج برای ما نیست.
همان گونه که در آیه بیست وهشت فصل هفت توضیح داده شد، شخصی که کاملا به واکنشهای گناهانش پایان داده و مشغول کارهای پرهیزکارانه گردیده است، با رها شدن از دوگانگی این دنیای مادی، به خدمت عابدانه شخصیت اعلای پروردگار، خداوند کریشنا، مشغول می‌گردد. به بیان دیگر، کسانی که واقعاً وقف خدمت عابدانه به خداوند متعال هستند، قبلا از کلیه عکس‌العملها آزاد گشته‌اند. این امر در پادما پورانا تأیید شده است:

*aprārabdha-phalaṁ pāpaṁ*
*kūṭaṁ bījaṁ phalonmukham*
*krameṇaiva pralīyeta*
*viṣṇu-bhakti-ratātmanām*

تمام عکس‌العمل گناهان اشخاصی که مشغول خدمت عابدانه به خداوند متعال هستند – چه به صورت میوه، چه به صورت بارور شده و چه به صورت تخم – تدریجاً ناپدید می‌شود و از بین می‌رود. بنابراین قدرت تطهیرکنندگی خدمت عابدانه بسیار زیاد است و پاویترام اوتامام خوانده می‌شود. اوتامام یعنی متعال. تاماس یعنی این دنیای مادی یا ظلمت و تاریکی، همچنین اوتاما یعنی آنچه در ورای فعالیتهای مادی است. فعالیتهای مربوط به خدمت عابدانه هیچگاه نباید مادی محسوب شود، اگر چه بعضی اوقات به نظر می‌رسد که عابدان مانند افرادی عادی مشغول فعالیت هستند. پس کسی که چشم بصیرت دارد و با خدمت عابدانه آشنا است، درک می‌کند که این فعالیتها همه روحانی و عابدانه‌اند و آلوده به گونه‌های طبیعت مادی نیستند.
گفته شده که انجام خدمت عابدانه آنقدر کامل است که انسان می‌تواند نتایج آن را مستقیماً مشاهده کند. این نتیجه مستقیم واقعاً مشاهده می‌شود و از طرفی، تجربه به ما نشان داده است که هر کس اسامی مقدس کریشنا (هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره / هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره) را ذکر کند – و چنانچه ذکر او بدون اهانت باشد – احساس لذت روحانی می‌کند و خیلی زود از تمام آلودگیهای مادی پاک می‌شود. این امر در اثر تمرین به وجود می‌آید و واقعاً دیده می‌شود. علاوه بر این، اگر کسی نه تنها مشغول ذکر و سماع یا استماع شکوه و جلال خداوند، که در پخش و گسترش پیام معنوی خدمت عابدانه نیز تلاش کند، و یا خود را در امور ارشادی یا ابلاغ آگاهی به کریشنا سهیم گرداند، تدریجاً احساس پیشرفت روحانی خواهد کرد. چنین پیشرفتی هیچ گونه بستگی به تحصیلات یا شایستگی و صلاحیت قبلی ندارد، بلکه این روش چنان در خود پاک است که انسان تنها با مشغول شدن به آن پاک می‌گردد.
این مطلب در ودانتا ـ سوترا (۲۶/۲/۳) نیز به صورت زیر توصیف شده است: *prakāśaś ca karmaṇy abhyāsāt*
"خدمت عابدانه آنچنان نیرومند است که انسان فقط با مشغول شدن به فعالیتهای آن بدون شک به آگاهی و اشراق دست می‌یابد." نمونه‌ای بارز از این امر را می‌توان در زندگی پیشین نارادا ملاحظه‌کرد: او پسر زنی خدمتکار بود، تحصیلاتی نداشت و در خانواده بلندمرتبه‌ای نیز متولد نشده بود. ولی چون مادرش مشغول خدمت به عابدان بزرگ بود، او نیز به این امر پرداخت و گاهی اوقات در غیاب مادرش، فرصت خدمت به آنها را می‌یافت. نارادا شخصاً می‌فرماید:

*ucchiṣṭa-lepān anumodito dvijaiḥ*
*sakṛt sma bhuñje tad-apāsta-kilbiṣaḥ*
*evaṁ pravṛttasya viśuddha-cetasas*
*tad-dharma evātma-ruciḥ prajāyate*

نارادا در این آیه از شریماد بهاگاواتام (۲۵/۵/۱) زندگی گذشته‌اش را چنین برای مرید خود، ویاسادوا، توصیف می‌کند: در چهار ماهی که چند عابد خداوند به علت ریزش شدید باران مجبور به اقامت در محل زندگی او شدند، وی به عنوان پسر خدمتکاری مشغول خدمت به آنها شد و از معاشرت بسیار نزدیک آنان برخوردار گردید. گاهی اوقات قدری غذا در بشقابهای آن حکما باقی

می‌ماند و پسرک که باید ظرفهایشان را بشوید دوست داشت از باقیمانده غذای آنان بخورد. بدین سبب، نارادا با کسب اجازه آنان، باقیمانده غذایشان را خورد و در نتیجه از تمام بازتابهای گناهان رهایی یافت. تدریجاً به همین ترتیب که به خوردن ادامه می‌داد، قلبی پاک همچون آن حکیمان حاصل کرد. آن مریدان بزرگ که با ذکر و سماع خود، طعم خدمت خالصانه و عاشقانه بی‌وقفه به خداوند را می‌چشیدند، باعث پرورش تدریجی همان مزه و شوق در نارادا شدند. نارادا همچنین می‌گوید:

*tatrānvahaṁ kṛṣṇa-kathāḥ pragāyatām*
*anugraheṇāśṛṇavaṁ manoharāḥ*
*tāḥ śraddhayā me 'nupadaṁ viśṛṇvataḥ*
*priyaśravasy aṅga mamābhavad ruciḥ*

نارادا با معاشرت حکیمان، مزه و شوق برای ذکر و سماع شکوه و جلال خداوند را در خود یافتو خواسته قوی برای خدمت مریدانه را در خود تکامل بخشید. بنابراین، همان گونه که درودانتا ـ سوترا توصیف شده:

*prakāśaś ca karmaṇy abhyāsāt*

چنانچه کسی فقط مشغول فعالیتهای خدمت عابدانه گردد، همه چیز به خودی خود برایش آشکار خواهد شد و به ادراک خواهد رسید. این امر را پراتیاکشا یا دریافت و ادراک مستقیم می‌خوانند.

واژه دهارمیام به مفهوم "راه دین" می‌باشد. در واقع نارادا پسر خدمتکاری بیش نبود و برایش امکان رفتن به مدرسه وجود نداشت. بدین سبب فقط به مادرش کمک می‌کرد. خوشبختانه چون مادرش مشغول خدمت به چند عابد شد، نارادای کوچک این فرصت را یافت که او نیز به آنها خدمت نماید. بنابراین فقط از طریق معاشرت، به بالاترین هدف دین، یعنی خدمت خالصانه و عاشقانه به خداوند دست یافت، همان گونه که در شریماد- بهاگاواتام بیان شده است:

*sa vai puṁsāṁ paro dharmo yato bhaktir adhokṣaje*

عموماً اشخاص مذهبی نمی‌دانند که بالاترین کمال دین، رسیدن به مرحله خدمت عابدانه و عاشقانه است. همان گونه که قبلا در آخرین آیه فصل هشتم بحث شد، هدف از معارف ودایی به طورکلی کسب خودشناسی است:

*vedeṣu yajñeṣu tapaḥsu caiva*

در اینجا مشاهده می‌شود که نارادا با وجود اینکه هیچگاه به مکتب پیر روحانی نرفته و اصول ودایی را تعلیم نیافته بود، به بالاترین نتیجه مطالعات ودایی دست یافت. این روش چنان نیرومنداست که شخص حتی بدون انجام مرتب مراسم مذهبی نیز می‌تواند به بالاترین کمال ارتقاء یابد.چگونه این امر امکان‌پذیر است؟ این مطلب در ادبیات ودایی تشریح شده است:

*ācāryavān puruṣo veda*

کسی که با آرچاریاهای بزرگ معاشرت کند، چنانچه حتی تحصیل نکرده باشد و هیچگاه وداها را نیز مطالعه ننموده باشد، می‌تواند با تمام دانشی که برای درک و معرفت لازم است آشنا شود.

راه خدمت عابدانه بسیار پر سرور و شادمانه‌است (سو ـ سوکهام). چرا؟ زیرا خدمت عابدانه شامل شراوانام کیرتانام ویشنو می‌باشد، یعنی انسان می‌تواند ذکر شکوه و جلال خداوند را به سادگی بشنود و در سخنرانیهای فلسفی که از طرف آچاریاهای معتبر پیرامون دانش متعال ایراد می‌شود به راحتی تعلیم لازم را بگیرد؛ سپس می‌تواند باقیمانده خوراکهای خوب و خوشمزه‌ای را که به پیشگاه خداوند تقدیم شده است تناول کند. باید در نظر داشت خدمت عابدانه در هر وضع و حالت سرشاراز شادی است. انسان می‌تواند حتی در فقیرترین وضع ممکن خدمت عابدانه انجام دهد. خداوندمی‌فرماید:

*ācāryavān puruṣo veda*

خداوند حاضر است هر نوع پیشکشی را از عابد بپذیرد: یک برگ، یک گل، قدری میوه، یا کمی آب، که همه اینها در هر کجای جهان یافت می‌شود و از سوی هر کسی بدون در نظر گرفتن مقام اجتماعیش می‌تواند تقدیم گردد و چنانچه با عشق اهداء

گردد، پذیرفته خواهد شد. نمونه‌های‌بسیاری از آن در تاریخ وجود دارد؛ حکیمان بزرگی همچون سانات ـ کومارا تنها با چشیدن برگهای تولاسی که به قدوم نیلوفرین خداوند تقدیم شده بود، عابدان بزرگی شدند. بنابراین، راه خدمت و عشق بسیار عالی است و می‌تواند در حالتی سرشار از شادی انجام گردد. در حقیقت خداوند تنها عشقی را که همراه با آن هدایا به او پیشکش می‌شود می‌پذیرد.

در این آیه آمده است، برخلاف آنچه فلاسفه مایاوادی ادعا می‌کنند، خدمت عابدانه امری جاودانه و ابدی است. با اینکه گاهی اوقات، آنها نیز به اصطلاح خدمت عابدانه را اتخاذ می‌کنند، ولی دیدگاهشان این است که به آن تا زمان رهایی و رستگاری خود ادامه بدهند و پس از رستگاری به علت "یکی شدن با خداوند" ضرورتی در ادامه خدمت عابدانه به او را احساس نمی‌کنند. چگونه می‌توان چنین خدمت موقتی را که منافع شخصی در آن ملحوظ است خدمت پاک و خالصانه محسوب کرد؟ خدمت عابدانه حقیقی حتی پس از رهایی هم ادامه می‌یابد و هنگامی که عابد به سیارات روحانی واقع در ملکوت خداوند ارتقاء می‌یابد، آنجا نیز، مشغول خدمت به خداوند متعال می‌گردد بدون اینکه تلاش کند با خداوند متعال یکی شود.

همان طور که در بهاگاواد–گیتا ملاحظه خواهیم کرد خدمت عابدانه حقیقی پس از رهایی، یعنی هنگامی که عابد در موقعیت برهمن (برهما ـ بهوتا) قرار گرفت، آغاز می‌گردد:

*samaḥ sarveṣu bhūteṣu mad-bhaktiṁ labhate parām*

هیچکس نمی‌تواند مستقلا با انجام کارما ـ یوگا، گیانا ـ یوگا، آشتانگا ـ یوگا یا هر یوگای دیگری، شخصیت متعال خداوند را درک نماید. انسان با روشهای مختلف یوگا ممکن است پیشرفت اندکی به سمت بهاکتی– یوگا حاصل کند، اما بدون رسیدن به مرحله خدمت عابدانه قادر به درک شخصیت الهی نخواهد بود. در شریماد– بهاگاواتام نیز تأیید شده که وقتی انسان با انجام راه و روش خدمت عابدانه – بخصوص با شنیدن شریماد– بهاگاواتام یا بهاگاواد–گیتا از ارواح خوشناخته – پاک شد آنگاه می‌تواند به علم معرفت کریشنا یا علم شناخت خدا دست یابد.

*Evaṁ prasanna-manaso bhagavad-bhakti yogataḥ*

هنگامی انسان می‌تواند به ادراک خداوند برسد که تمام آلایشهای مادی و عوامل نامطلوب درون‌از قلب او زدوده شده باشد. بدین ترتیب طریقت خدمت عابدانه در کریشنا آگاهی، کمال معرفت وغایت تمامی دانشهای محرمانه و پاک‌ترین شکل دین است که می‌تواند بدون مشکل با شادی وسرور انجام گردد. بنابراین، انسان باید به آن مبادرت ورزد.

## آیه ۳

*aśraddadhānāḥ puruṣā*
*dharmasyāsya parantapa*
*aprāpya māṁ nivartante*
*mṛtyu-saṁsāra-vartmani*

*aśraddadhānāḥ*: آن کسانی که بی‌ایمان هستند ـ *puruṣāḥ*: چنین اشخاصی ـ *dharmasya*: به سمت راه دین ـ *asya*: این ـ *parantapa*: ای کشنده دشمنان ـ *aprāpya*: بدون به دست آوردن ـ *mām*: مرا ـ *nivartante*: بازگشت می‌کنند ـ *mṛtyu*: مربوط به مرگ ـ *saṁsāra*: در موجودیت مادی ـ *vartmani*: در راه.

## ترجمه

**ای فاتح دشمنان، آنان که به این عبادت عاشقانه یا خدمت عابدانه ایمان ندارند نمی‌توانند به من واصل شوند. بنابراین دوباره به دایرهٔ تولد و مرگ در این جهان بازخواهند گشت.**

## شرح

مفهوم آیه فوق این است که نمی‌توان بدون داشتن ایمان، به طریقت خدمت عابدانه پرداخت؛ و این ایمان از طریق معاشرت با مریدان خدا به وجود می‌آید. افراد نگون‌بختی هستند که حتی پس از استماع تمام دلایل و استدلالات متون ودایی از حکمای بزرگ، باز هم به خدا ایمان نمی‌آورند. آنها همواره دچار شک و تردیدند و نمی‌توانند در خدمت عابدانه خداوند ثابت‌قدم باقی بمانند. بدین ترتیب، ایمان مهمترین عامل برای پیشرفت در کریشنا آگاهی محسوب می‌گردد. در چیتانیا ـ چاریتا مریتا گفته شده است که ایمان عبارت است از اطمینان کامل به اینکه فقط با خدمت به خداوند متعال، شری‌کریشنا، می‌توان به کمال غایی واصل شد. این ایمان حقیقی خوانده می‌شود. همان گونه که درشریماد– بهاگاواتام (۱۴/۳۱/۴) آمده است:

*yathā taror mūla-niṣecanena*
*tṛpyanti tat-skandha-bhujopaśākhāḥ*
*prāṇopahārāc ca yathendriyāṇāṁ*
*tathaiva sarvārhaṇam acyutejyā*

"شخص با رساندن آب به ریشه درخت، شاخه‌ها و برگها را نیز سیراب می‌سازد، همچنانکه با رساندن غذا به شکم تمام اعضای بدن ارضاء می‌گردد. مشابهاً انسان با اشتغال به خدمت روحانی خداوند متعال خود به خود تمامی فرشتگان و موجودات زنده را نیز راضی می‌سازد." بنابراین، انسان پس از خواندن بهاگاواد–گیتا باید بی‌درنگ به نتیجه آن دست یابد و تمام مشغولیات خود را کنار بگذارد و به خدمت خداوند متعال، کریشنا، شخصیت الهی مبادرت ورزد. چنانچه حقیقت این فلسفه انسان را متقاعد کرده باشد آنگاه می‌توان گفت که او به ایمان دست یافته است.

اینک طریقت کریشنا آگاهی چیزی جز پرورش و تکامل این ایمان نیست. اشخاص کریشنا آگاه یا خدا آگاه در سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: اشخاص دسته سوم کسانی‌اند که ایمان ندارند و حتی چنانچه رسماً به خدمت عابدانه اشتغال ورزند نیز نمی‌توانند به بالاترین مرحله کمال دست یابند.آنها به احتمال زیاد پس از مدتی فرو خواهند افتاد، زیرا به علت اینکه اعتقاد راسخ و ایمان کامل ندارند، ادامه راه کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی برایشان بسیار مشکل است. ما در انجام فعالیتهایی که در مأموریت خود برای ابلاغ این پیام الهی داشته‌ایم، تجربه‌های عملی در این مورد داریم: بعضی افراد همراه با انگیزه‌های نهانی خود در این راه خداشناسی قرار می‌گیرند و به محض اینکه از نظر مادی و اقتصادی وضعیت کمی بهتری یافتند این راه را ترک می‌گویند و دوباره به شیوه‌های سابق زندگی مادی خود رجعت می‌کنند. باید در نظر داشت تنها با ایمان می‌توان در کریشنا آگاهی پیشرفت نمود .در رابطه با تکامل ایمان می‌توان گفت کسی که به متون مقدس و خدمت عابدانه کاملا واقف و آگاه است و به ایمان محکم رسیده است عابد درجه یک در آگاهی به کریشنا خوانده می‌شود و در دسته‌بندی اول قرار می‌گیرد. اما اشخاص دسته دوم کسانی‌اند که چندان در درک کتب مقدس آیین عشق و بندگی پیشرفته نیستند، ولی به خودی خود ایمان محکم دارند که کریشنا ـ بهاکتی، یا خدمت به کریشنا، بهترین راه است و از این رو با ایمان زیاد این راه را اختیار کرده‌اند. بدین ترتیب آنها نسبت به اشخاص دسته سوم که از دانش کامل کتب مقدس بی‌بهره‌اند و ایمان درستی نیز ندارند و فقط از طریق معاشرت با عابدان به سادگی می‌کوشند که از این راه پیروی نمایند، برتر می‌باشند. شخص درجه سه در آگاهی به کریشنا ممکن است سقوط کند، لیکن هنگامی که انسان در دسته دوم واقع باشد سقوط نمی‌کند و برای شخص درجه یک در کریشنا آگاهی به هیچ وجه امکان سقوط وجود ندارد. کسی که در دسته اول قرار دارد قطعاً پیشرفت حاصل خواهد کرد و سرانجام به نتیجه مطلوب خواهد رسید. در رابطه با شخص درجه سه در آگاهی به کریشنا باید گفت با اینکه او به ارزش خدمت عابدانه به کریشنا واقف است و به آن ایمان دارد، ولی هنوز دانش کافی و شایسته درباره کریشنا از طریق کتب مقدس مانند شریماد– بهاگاواتام و بهاگاواد–گیتا حاصل نکرده است؛ بدین سبب گاهی اوقات این اشخاص به کارما ـ یوگا و گیانا ـ یوگا تمایل پیدا می‌کنند چون هنوز در این راه دودل و متزلزل هستند ولی به مجرد آنکه تأثیر کارما ـ یوگا یا گیانا ـ یوگا از بین برود آنها به اشخاص درجه دو و درجه یک در کریشنا آگاهی مبدل می‌شوند. در شریماد بهاگاواتام سه درجه ایمان به کریشنا

توصیف شده است و همچنین در جزء یازدهم آن سه درجه دلبستگی و شیفتگی. اشخاصی که حتی پس از شنیدن درباره کریشنا و عظمت خدمت عابدانه به او، ایمان نمی‌آورند و می‌پندارند که این تنها مدح و ستایشی بیش نیست، چنانچه حتی مشغول خدمت عابدانه نیز شوند این راه را بسیار دشوار می‌یابند. برای آنها امید بسیار کمی برای رسیدن به کمال وجود دارد. بدین‌سان ایمان، در انجام خدمت عابدانه، نقش بسیار مهمی دارد.

## آیه ۴

*mayā tatam idaṁ sarvaṁ*
*jagad avyakta-mūrtinā*
*mat-sthāni sarva-bhūtāni*
*na cāhaṁ teṣv avasthitaḥ*

*mayā*: توسط من ـ *tatam*: انتشار یافته، گسترش یافته ـ *idam*: این ـ *sarvam*: همه ـ *jagat*: تجلی کیهانی ـ*avyakta-mūrtinā*: به‌وسیله شکل تجلی‌نیافته ـ *mat-sthāni*: در من ـ *sarva-bhūtāni*: همه موجودات زنده ـ *na*: نه ـ *ca*: همچنین ـ *aham*: من ـ *teṣu*: در آنها ـ *avasthitaḥ*: واقع شده.

## ترجمه

**من در شکل تجلی‌نیافته‌ام، در تمام این جهان گسترده و پخش هستم. تمام موجودات در من هستند در حالی که من در آنان نیستم.**

## شرح

شخصیت متعال خداوند به‌وسیله حواس مادی زمخت قابل رؤیت نیست. در کتاب بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو (۲۳۴/۲/۱) گفته شده است:

*ataḥ śrī-kṛṣṇa-nāmādi*
*na bhaved grāhyam indriyaiḥ*
*sevonmukhe hi jihvādau*
*svayam eva sphuraty adaḥ*

نام، شهرت، بازیها و شئون الهی دیگر خداوند شری‌کریشنا را نمی‌توان با حواس مادی درک کرد. شخصیت الهی فقطا برای کسی که تحت راهنمایی و هدایت صحیح مشغول خدمت عابدانه پاک شده است، مشهود می‌گردد. در برهما ـ سامهیتا (۳۸/۵) گفته شده است:*premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena santaḥ sadaiva hṛdayeṣu vilokayanti*

انسان فقط در صورتی که حالت متعال عاشقانه را نسبت به شخصیت الهی در خود پرورش داده باشد می‌تواند شخصیت اعلای پروردگار، گوویندا، را همواره در درون و برون مشاهده نماید. بدین ترتیب شخصیت الهی برای عموم مردم آشکار نیست. در این آیه گفته شده است که اگرچه خداوند در همه جا حاضر و ساری و جاری است اما با این وصف به‌وسیله حواس مادی قابل درک و رؤیت نمی‌باشد. این نکته در اینجا با واژه آویاکتا ـ مورتینا تصریح شده است. در واقع هرچند ما نمی‌توانیم او را ببینیم، ولی همه چیز بر او تکیه دارد. همان گونه که در فصل هفتم مطرح شد، تمام تجلی کیهانی فقط ترکیبی از دو نیروی مختلف پروردگار است: انرژی روحانی برتر و انرژی مادی فروتر. درست همان گونه که نور خورشید در سراسر جهان پخش می‌باشد، انرژی خداوند نیز در تمام آفرینش گسترده است، و همه چیز در آن انرژی قرار و بر آن تکیه دارد.

ولی انسان نباید چنین نتیجه‌گیری کند که چون خداوند به‌وسیله نیروهای مختلف خود در همه‌جا پخش شده، پس با این عمل شخصیت واحد خود را از دست داده است. خداوند برای رد نمودن چنین استدلالی می‌فرماید: "من در همه جا هستم و همه چیز در من است. اما با این وصف من به کنار هستم." برای روشن شدن مسأله می‌توان به مثال ساده پادشاه اشاره کرد: پادشاه در رأس دولت قرار دارد و دولت چیزی جز تجلی قدرت او نیست؛ به عبارتی وزرای مختلف او نیروهایش محسوب می‌شوند و هر وزارتخانه‌ای به قدرت پادشاه تکیه دارد. اما با این وصف نمی‌توان انتظار داشت که پادشاه در هر اداره‌ای شخصاً حضور داشته باشد. به همین ترتیب تمام تجلیاتی که ما مشاهده می‌کنیم و آنچه در این دنیای مادی و دنیای روحانی وجود دارد به تمامی بر انرژی شخصیت متعال خداوند تکیه زده است. خلقت از طریق بسط و انتشار نیروهای مختلف خداوند صورت می‌گیرد و همان گونه که در بهاگاواد-گیتا گفته شده است:

*viṣṭabhyāham idaṁ kṛtsnam*

خداوند با ظهور شخص خود یعنی از طریق گسترش نیروهای مختلفش در همه جا حضور دارد.

## آیه ۵

*na ca mat-sthāni bhūtāni*
*paśya me yogam aiśvaram*
*bhūta-bhṛn na ca bhūta-stho*
*mamātmā bhūta-bhāvanaḥ*

*na*: هرگز ـ *ca*: همچنین ـ*mat—sthāni* : واقع شده در من ـ *bhūtāni*: تمام خلقت ـ *paśya*: فقط ببین ـ *me*: مال من، م ـ *yogam aiśvaram*: قدرت خارق‌العاده تصورناشدنی ـ *bhūta-bhṛt*: حافظ تمام موجودات زنده ـ *na*: هیچگاه ـ *ca*: همچنین ـ *bhūta—sthaḥ*: در تجلی کیهانی ـ *mama*: مال من، م ـ *ātmā*: ذات (پروردگار) ـ *bhūta-bhāvanaḥ*: منشأ تمام تجلیات.

## ترجمه

**و با این وصف آنچه خلق شده است بر من تکیه ندارد. اینک بنگر به توانایی اسرارآمیز من! به رغـم آنکـه حافظ تمام موجودات زنده هستم و در همه جا حضور دارم، جزئی از این عالم کائنات نیستم، زیرا ذات مـن خـود منشأ آفرینش است.**

## شرح

خداوند می‌فرماید همه چیز بر او تکیه دارد (مات ـ استهانی ساروا ـ بهوتانی). این موضوع را نباید اشتباه درک کرد. خداوند مستقیماً کاری با حفظ و بقای این تجلی مادی ندارد. شاید ما تصویری از اطلس را دیده باشیم که کره زمین را بر پشت خود دارد و به نظر می‌رسد با نگه‌داشتن این کره عظیم، بسیار خسته شده باشد. ما نباید چنین تصوری از کریشنا که حافظ و باعث بقای این جهان خلقت است داشته باشیم. خداوند می‌فرماید با اینکه همه چیز بر او تکیه دارد، در عین حال از آنها جدا و برکنار است. منظومه‌های سیارات در فضا شناورند و این فضا در حقیقت نیروی خداوند متعال است، اما شخص او با فضا متفاوت است و در ورای آن قرار دارد. بدین سبب خداوند اعلام می‌فرماید: "با اینکه آنها در انرژی تصورناشدنیم واقع شده‌اند، من به عنوان شخصیت متعال خداونداز آنان جدایم." این قدرت و توانایی تصورناشدنی خداوند است.
در لغتنامه ودایی نیروکتی آمده است:

*yujyate 'nena durghaṭeṣu kāryeṣu*

"خداوند متعال با بروز انرژی خود، اعمال شگفت‌انگیز غیرقابل تصوری را انجام می‌دهد." شخصیت او سرشار از قوای مختلف و اراده مبارکش حقیقت محض است. شخصیت الهی را به این طریق باید درک کرد. از طرفی انسان ممکن است به انجام کاری فکر کند، اما موانع بسیار زیادی در انجام آن برای او وجود خواهد داشت و گاهی اوقات نیز نمی‌تواند آنچنان که انتظار دارد عمل نماید. لیکن هنگامی که اراده کریشنا به امری تعلق می‌گیرد فقط با خواست او همه چیز آنقدر کامل انجام می‌گردد که انسان قادر نیست تصور کند چگونه این امور صورت پذیرفته است. خداوند این حقیقت را چنین توضیح می‌دهد: با اینکه او حافظ و باعث بقای تمام تجلیات مادی است، با آن تماس ندارد. تنها با اراده متعالش همه هستی خلق می‌شود، بقاء می‌یابد، حفظ می‌شود و نابود می‌گردد. برای خداوند هیچ گونه تفاوتی بین ذات و ذهن وجود ندارد (آنچنانکه بین ما و ذهن مادی کنونی‌مان تفاوت وجود دارد) زیرا او روح مطلق است. انسان عادی نمی‌تواند درک کند که چگونه خداوند در عین حال که در همه چیز و همه جا حضور دارد، دارای شخصیت واحد جدا از همه چیز نیز هست. خداوند با این تجلی مادی متفاوت است و در عین حال همه چیز بر او تکیه دارد؛ این موضوعی است که در اینجا تحت عنوان یوگام آیشوارام، یعنی قدرت خارق‌العاده شخصیت متعال خداوند توضیح داده شده است.

## آیه ۶

*yathākāśa-sthito nityaṁ*
*vāyuḥ sarvatra-go mahān*
*tathā sarvāṇi bhūtāni*
*mat-sthānīty upadhāraya*

*yathā*: درست همان گونه که ـ *ākāśa-sthitaḥ*: واقع شده در آسمان ـ *nityam*: همواره ـ *vāyuḥ*: باد ـ *sarvatra-gaḥ*: وزیدن در همه جا ـ *mahān*: بزرگ ـ *tathā*: مشابهاً ـ *sarvāṇi bhūtāni*: تمام مخلوقات ـ *mat-sthāni*: واقع شده در من ـ *iti*: بدین‌سان ـ *upadhāraya*: سعی‌کن درک نمایی.

## ترجمه

**درک کن همان گونه که باد نیرومند در همه جا می‌وزد، و همواره در آسمان قرار دارد، به همین‌ترتیب تمام مخلوقات نیز در من واقع‌اند.**

## شرح

برای اشخاص عادی درک اینکه چگونه خلقت عظیم مادی در خداوند قرار دارد تقریباً غیر قابل تصور است. اما خداوند مثالی را بیان می‌کند تا شاید راهگشایی برای درک ما باشد. آسمان شاید بزرگترین تجلی مادی باشد که ما می‌توانیم درک کنیم. و از طرفی باد یا هوا بزرگترین پدیده مادی در این آسمان است که حرکت آن بر جنبش همه چیز تأثیر می‌گذارد. اما به رغم این عظمت، باد همچنان در آسمان قرار دارد؛ به عبارت دیگر باد ورای آسمان نیست. مشابهاً تمام تجلیات شگفت‌انگیز این عالم کائنات با اراده متعال خداوند به عرصه وجود آمده‌اند و همه آنها تابع و مطیع اراده حق تعالی می‌باشند؛ همچنانکه معمولا می‌گوییم حتی برگی بدون اراده شخصیت متعال خداوند بر زمین نمی‌افتد. در نتیجه همه چیز تحت اراده او حرکت می‌کند: با اراده او همه چیز آفریده، حفظ و منهدم می‌شود. اینک همان گونه که آسمان همواره از تحرکات باد مستقل است، خداوند نیز از همه چیز مستقل است.

در اوپانیشادها آمده است: *yad-bhīṣā vātaḥ pavate*

"از بیم خداوند متعال است که باد می‌وزد." (تایت‌تیریا اوپانیشاد ۱/۸/۲) در بریهاد ـ آرانیاکا اوپانیشاد (۹/۸/۳) گفته شده است: *etasya vā akṣarasya praśāsane gārgi sūrya-candramasau vidhṛtau tiṣṭhata etasya vā akṣarasya praśāsane gārgi dyāv-āpṛthivyau vidhṛtau tiṣṭhataḥ*

"به امر متعال و تحت نظارت شخصیت اعلای خداوند، ماه، خورشید و سیارات بزرگ در حرکت و گردش هستند." در برهما ـ سامهیتا (۵۲/۵) گفته شده است:

*yac-cakṣur eṣa savitā sakala-grahāṇāṁ*
*rājā samasta-sura-mūrtir aśeṣa-tejāḥ*
*yasyājñayā bhramati sambhṛta-kāla-cakro*
*govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

این آیه حرکت خورشید را توصیف می‌کند. گفته شده است خورشید که به منزله یکی از چشمان خداوند متعال محسوب می‌شود، قدرت عظیمی در انتشار حرارت و نور دارد و به فرمان و اراده متعال گوویندا، در مدار معین خود حرکت می‌کند. بنابراین، ما می‌توانیم از ادبیات ودایی دلایل محکمی بیابیم حاکی از آنکه این تجلی مادی که به نظرمان بسیار شگفت‌انگیز و عظیم می‌آید، تحت کنترل کامل شخصیت متعال خداوند قرار دارد. این موضوع در آیات آخر این فصل بیشتر توضیح داده خواهد شد.

## آیه ۷

*sarva-bhūtāni kaunteya*
*prakṛtiṁ yānti māmikām*
*kalpa-kṣaye punas tāni*
*kalpādau visṛjāmy aham*

*sarva-bhūtāni*: تمام مخلوقات ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *prakṛtim*: طبیعت ـ *yānti*: وارد می‌شوند ـ *māmikām*: مال من، م ـ *kalpa-kṣaye*: در پایان عصر ـ *punaḥ*: دوباره ـ *tāni*: همه آنها ـ *kalpa-ādau*: در آغاز عصر ـ *visṛjāmi*: خلق می‌کنم ـ *aham*: من.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، تمامی تجلیات مادی در پایان هر عصر به درون طبیعت من وارد می‌شوند و من در آغاز عصر دیگری دوباره با نیروی خود آنها را می‌آفرینم.**

## شرح

خلقت، بقاء و فنای این عالم مشهود کاملا متکی بر اراده متعال شخصیت خداوند است. "در پایان عصر" یعنی در هنگام مرگ برهما. برهما یکصد سال زندگی می‌کند و هر روز او معادل۴/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سال زمینی محاسبه شده و طول شب او نیز معادل همین زمان است. یک ماه او شامل سی روز از چنین روزها و شبهایی است و سال برهما نیز دوازده ماه است. هنگامی که مرگ برهما پس از گذشت صد سال با چنین محاسبه زمانی فرا رسد، انهدام یا نابودی صورت می‌گیرد؛ این بدان معناست که آن انرژی که از طرف خداوند متعال بسط و تجلی یافته بود دوباره در او جمع می‌شود. سپس این جهان کائنات دوباره در موعد بعد با اراده خداوند متجلی می‌گردد. باهو سیام : "با اینکه من یکتا و یگانه هستم، بسیار خواهم شد." این بیان صریح

ودایی است (چاندوگیا اوپانیشاد ۳/۲/۶). خداوند خود را در این انرژی مادی بسط می‌دهد و دوباره کل عالم مشهود به عرصه ظهور می‌آید.

## آیه ۸

*prakṛtiṁ svām avaṣṭabhya*
*visṛjāmi punaḥ punaḥ*
*bhūta-grāmam imaṁ kṛtsnam*
*avaśaṁ prakṛter vaśāt*

*prakṛtim*: طبیعت مادی ـ *svām*: مربوط به ذات من ـ *avaṣṭabhya*: وارد شدن به ـ *visṛjāmi*: من خلق می‌کنم ـ *punaḥ punaḥ*: دوباره و دوباره ـ *bhūta-grāmam*: تمام تجلیات کیهانی ـ *imam*: اینها ـ *kṛtsnam*: در کل ـ *avaśam*: خود به خود ـ *prakṛteḥ*: مربوط به نیروی طبیعت ـ *vaśāt*: به حکم وظیفه.

## ترجمه

**تمام نظام کائنات تحت فرمان من است. این جهان به ارادهٔ من بارها و بارها تجلی می‌یابد و در پایان بــه ارادهٔ من منهدم می‌گردد.**

## شرح

جهان مادی تجلی انرژی سفلی یا به عبارتی مظهر نیروی فروتر شخصیت متعال خداوند است. این موضوع را قبلا چندین بار توضیح داده‌ایم. در هنگام خلقت، انرژی مادی به صورت ماهات ـ تاتوارها می‌گردد که خداوند به عنوان اولین ظهور پوروشای خود، یعنی ماها ـ ویشنو، داخل آن می‌شود. ماها ـ ویشنو درون اقیانوس علیت دراز می‌کشد و با تنفس و بازدم خود جهانهای بی‌شماری را بیرون می‌افشاند، و به صورت گاربهوداکاشایی ویشنو وارد هر یک از آنها می‌شود. هر جهان به این طریق آفریده می‌شود. خداوند باز خود را به صورت کشیرودا کاشایی ویشنو تجلی می‌دهد و به درون همه اشیاء حتی ذرات بسیار کوچک اتم وارد می‌گردد. این حقیقت در اینجا توضیح داده شده است که خداوند به درون همه اشیاء وارد می‌شود.

از طرفی، موجودات زنده درون رحم این طبیعت مادی افکنده و سپس بارور شده، شروع به رشد می‌نمایند و در اثر بازتاب اعمال گذشته خود در حالات و موقعیتهای مختلفی قرار می‌گیرند. بدین‌سان دنیای مادی شکل می‌گیرد و فعالیتهای انواع مختلف موجود زنده از همان لحظه خلقت آغاز می‌گردد. در اینجا تحول تدریجی انواع موجودات در کار نیست زیرا کلیه انواع مختلف حیات بلافاصله همراه با آفرینش جهان خلق می‌گردد؛ انسانها، حیوانات، چهارپایان، پرندگان همگی همزمان با هم خلق می‌شوند تا کلیه خواسته‌هایی که موجودات زنده در انهدام قبل داشته‌اند دوباره تجلی یابد. استفاده از واژه آواشام در اینجا به طرز واضحی بیانگر آن است که موجودات زنده کوچکترین دخالتی در جریان خلقت انواع حیات ندارند. بلکه حالت آگاهی آنها در زندگی سابقشان، در آفرینش گذشته، است که دوباره تجلی می‌یابد و تمام اینها فقط طبق اراده خداوند صورت می‌گیرد. این است نیروی تصورناشدنی شخصیت مطلق الهی. خداوند پس از خلق انواع گوناگون حیات، وابستگی به آنها پیدا نمی‌کند: جریان خلقت صورت می‌گیرد تا عرصه و موقعیتی مناسب برای ابراز تمایلات موجودات زنده مختلف فراهم آید لیکن خداوند کاملا مستقل از آن قرار دارد و فاقد هر گونه وابستگی به آن است و خود را درگیر سلسله حوادث مربوط به این آفرینش نمی‌کند.

## آیه ۹

*na ca māṁ tāni karmāṇi*

*nibadhnanti dhanañjaya*
*udāsīna-vad āsīnam*
*asaktaṁ teṣu karmasu*

*na*: هرگز ـ *ca*: همچنین ـ *mām*: به من، مرا ـ *tāni*: همه آنها ـ *karmāṇi*: فعالیتها ـ *nibadhnanti*: به بند کشاند ـ *dhanañjaya*: ای فاتح ثروتها ـ *udāsīna-vat*: به صورت خنثی وبی‌طرف ـ *āsīnam*: واقع شده ـ *asaktam*: بدون کشش، فاقد جذابیت ـ *teṣu*: برای آنها ـ *karmasu*: فعالیتها.

## ترجمه

**ای دهانانجایا، هیچیک از این اعمال نمی‌تواند مرا به بند کشد و گرفتار خود سازد. من همواره از تمام این فعالیتهای مادی جدا هستم و گویی بی‌تفاوت نشسته‌ام.**

## شرح

انسان نباید، در ارتباط با این موضوع، گمان کند که شخصیت متعال خداوند فاقد فعالیت است، بلکه خداوند همواره مشـغول شؤون الهـیش در عالم روحانی می‌باشد. در برهما ـ سامهیـتا (۶/۵) آمده است:

*ātmārāmasya tasyāsti prakṛtyā na samāgamaḥ*

"شخصیت الهی خداوند همواره جذب فعالیتهای روحانی، جاودان و مملو از شعف خود است و هیچ گونه تعلقی به امور مادی ندارد." فعالیتهای مادی از طریق نیروهای مختلف خداوند انجام می‌گیرد و او همواره نسبت به امور مادی جهان خلقت برکنار و بی‌تفاوت می‌باشد. این خنثی بودن و بی‌تفاوتی در اینجا با واژه اوداسینا ـ وات بیان گردیده است. هرچند خداوند بر تمام جزئیات فعالیتهای مادی سلطه و سیطره دارد، گویی بی‌تفاوت و برکنار نشسته است، همانند یک قاضی عالیمقام دادگاه در جایگاه خاص خود. طبق دستور قاضی دادگستری اتفاقهای بسیار می‌افتد: یکی رادار می‌زنند، دیگری را به زندان می‌برند و به یکی ثروت هنگفتی می‌دهند؛ با این وصف او بی‌تفاوت و بی‌طرف است. او هیچ گونه کاری با تمام آن برد و باختها ندارد. مشابهاً، هرچند اراده خداوند در کلیه اعمال جهان دخالت دارد، با این حال او همواره بی‌طرف است. در ودانتا ـ سوترا (۳۴/۱/۲) آمده است:

*vaiṣamya-nairghṛṇye na*

خداوند در ورای دوگانگیهای دنیای مادی قرار دارد و به آفرینش و نابودی آن دلبسته نیست. و دخالتی در امور موجودات زنده که قالبهای مختلفی از انواع حیات را طبق اعمال گذشته‌شان اختیارکرده‌اند، نمی‌ورزد.

## آیه ۱۰

*mayādhyakṣeṇa prakṛtiḥ*
*sūyate sa-carācaram*
*hetunānena kaunteya*
*jagad viparivartate*

*mayā*: به‌وسیله من ـ *adhyakṣeṇa*: به‌وسیله نظارت و هدایت ـ *prakṛtiḥ*: طبیعت مادی ـ *sūyate*: متجلی می‌گردد ـ *sa*: هر دو ـ *cara-acaram*: متحرک و ساکن ـ *hetunā*: به دلیل ـ *anena*: این ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *jagat*: تجلی کیهانی ـ *viparivartate*: کار می‌کند.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، این طبیعت مادی که یکی از نیروهای من است، تحت هدایت من عمل می‌کند و تمام موجودات متحرک و ساکن را ایجاد می‌کند. این عالم مشهود به حکم قانون طبیعت بارها و بارها خلق می‌شود و نابود می‌گردد.**

## شرح

در اینجا به وضوح بیان گردیده که هرچند خداوند متعال از تمام فعالیتهای دنیای مادی برکنار است، اما همچنان هادی متعال باقی می‌ماند. خداوند، اراده متعال و زمینه اصلی این جهان مادی است، اما اداره امور آن به‌وسیله طبیعت مادی صورت می‌گیرد. کریشنا همچنین در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که پدر تمام موجودات زنده در اشکال و انواع مختلف آنهاست. همان گونه که پدر باعث انعقاد نطفه در رحم مادر می‌شود، خداوند متعال تنها با یک نگاه تمام موجودات زنده را در رحم طبیعت مادی وارد می‌نماید و آنها طبق آخرین خواسته‌ها و اعمالشان در قالب انواع و اشکال مختلف حیات پدیدار می‌گردند. هرچند تمام این موجودات زنده با نگاه خداوند متعال متولد می‌شوند، بدنهای مختلف خود را طبق اعمال و آرزوهای گذشته‌شان کسب می‌کنند. بنابراین خداوند مستقیماً در ارتباط با این آفرینش مادی نیست، بلکه فقط با یک نظر بر طبیعت مادی آن را به کار می‌اندازد و فعال می‌کند و همه چیز بلافاصله خلق می‌شود. جای شکی نیست که خداوند از طریق نگاه خود دارای نقشی فعال در آفرینش مادی است ولی این نقش غیر مستقیم است و او مستقیماً هیچ گونه کاری با تجلی دنیای مادی ندارد. اسمریتی با مثالی این مطلب را روشن می‌سازد: وقتی در مجاورت گل معطری قرار بگیریم، عطر و رایحه آن از طریق قدرت شامه ما درک می‌شود، در حالی که شامه و گل از یکدیگر جدا هستند. رابطه مشابهی نیز بین دنیای مادی و شخصیت متعال خداوند وجود دارد: او تنها با نگاهش می‌آفریند و مقدر می‌کند ولی در تماس مستقیم با آن نیست. به طور خلاصه، طبیعت مادی بدون نظارت شخصیت اعلای خداوند قادر به هیچ عملی نیست و در عین حال شخصیت متعال از تمام فعالیتهای مادی جدا است.

## آیه ۱۱

*avajānanti māṁ mūḍhā*
*mānuṣīṁ tanum āśritam*
*paraṁ bhāvam ajānanto*
*mama bhūta-maheśvaram*

*avajānanti*: استهزاء می‌کنند ـ *mām* : مرا ـ *mūḍhāḥ*: انسانهای ابله ـ *mānuṣīm*: در یک قالب انسانی ـ *tanum*: بدن ـ *āśritam*: به خود گرفتن، بر عهده گرفتن ـ *param*: متعال و روحانی ـ *bhāvam*: طبیعت ـ *ajānantaḥ*: ندانستن ـ *mama*: مال من، م ـ *bhūta*: مربوط به آنچه وجود دارد ـ *mahā-īśvaram*: مالک متعال.

## ترجمه

**ابلهان وقتی من به صورت انسان نزول می‌کنم مرا استهزاء می‌کنند. آنان سرشت مطلق و روحانی مرا به عنوان خداوند متعالِ آنچه هست نمی‌شناسند.**

## شرح

چنانکه توضیحات آیات قبل روشن ساخت شخصیت متعال خداوند هرچند به صورت انسان ظاهر می‌شود اما موجود فانی عادی نیست. شخصیت مطلق الهی که امر خلقت، بقاء و فنای کل عالم مشهود را هدایت می‌کند نمی‌تواند انسان باشد. اما ابلهان

کریشنا را فقط شخصی نیرومند می‌دانند و بس. در حقیقت همان گونه که در برهما ـ سامهیتا نیز تأیید شده، همانا او خداوند متعال و شخصیت ازلی الهی است (ایشوارا پاراما کریشنا).
ایشواراها یا کنترل کننده‌های بسیاری وجود دارند که یکی برتر از دیگری به نظر می‌رسند. در مدیریت عادی امور دنیای مادی نیز با سلسله مراتبی متشکل از کارمندان، مدیر، معاون وزیر، وزیر، نخست وزیر ورئیس جمهور مواجه می‌شویم. هر کدام از آنان اداره‌کننده افراد تحت نظر خودند و در عین حال از سوی دیگری کنترل می‌شوند. در برهما ـ سامهیتا گفته شده که کریشنا کنترل‌کننده متعال است؛ بدون شک کنترل‌کننده‌های بسیاری در دنیای مادی و در عالم روحانی هر دو وجود دارد، لیکن کریشنا کنترل‌کننده متعال است (ایشوارا پاراما کریشنا) و بدن متعالش ساچ ـ چید ـ آناندا یعنی غیر مادی است.
بدن مادی قادر به انجام اعمال شگفت‌انگیزی که در آیات قبل توصیف شد نیست. جسم متعال خداوند، جاودان، مملو از شعف و سرشار از دانش است؛ با وجود این، ابلهان او را استهزاء می‌کنند و انسان عادی می‌پندارندش. اینجا کالبد روحانی خداوند مانوشیم خوانده می‌شود زیرا او درست مانند یک انسان، یعنی دوست آرجونا و سیاستمداری که درگیر نبرد کوروکشترا است، عمل می‌کند، در حالی که در حقیقت بدن او ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراهام یعنی شعف جاودان و دانش مطلق است. این موضوع در آیات ودایی نیز تأیید شده است. ساچ ـ چید ـ آناندا ـ روپایا کریشنایا : "من سجده‌های خود را تقدیم می‌کنم به کریشنا، شخصیت متعال خداوند، که شکل جاودان مملو از شعف و دانش است." (گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۱/۱). توصیفات دیگری نیز در معارف ودایی وجود دارد. تام اکام گوویندام: "تو گوویندا، موضوع لذت حواس تمامی موجودات و گاوها هستی." ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراهام :"و شکل تو متعال، مملو از دانش، شعف و جاودانگی است." (گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۳۵/۱).
با این وصف، به رغم کیفیات روحانی جسم متعال خداوند کریشنا و شعف مطلق آن، هنوز هستند افرادی به اصطلاح دانش‌پژوه و مفسر بهاگاواد–گیتا که کریشنا را به عنوان انسانی معمولی استهزاء می‌کنند. شخص دانش‌پژوه و محقق ممکن است به علت اعمال خوب گذشته‌اش انسانی فوق‌العاده و بسیار هوشمند به دنیا بیاید، لیکن نوع دیدگاه و تصورش از شری‌کریشنا نشان‌دهنده آن است که از دانش حقیقی بی‌بهره است. بدین لحاظ او مودها خوانده می‌شود، زیرا فقط اشخاص ابله کریشنا را انسانی معمولی محسوب می‌کنند. نادانان کریشنا را چنین می‌پندارند، زیرا به شئون الهی و محرمانه خداوند متعال و نیروهای مختلفش واقف نیستند. آنها نمی‌دانند که بدن روحانی کریشنا جلوه دانش و شعف مطلق و مالکیت همه چیز خاص آن وجود متعال است و هم اوست که می‌تواند به هر کسی رهایی و رستگاری اعطاء فرماید. چون آنها معرفتی به این همه صفات و کیفیات روحانی کریشنا ندارند او را استهزاء می‌کنند.
به علاوه آنها نمی‌دانند که ظهور شخصیت اعلای خداوند در این دنیای مادی، از طریق انرژی درونی است. شخصیت الهی، ارباب نیروی مادی است. همان گونه که در چند قسمت توضیح داده‌شد (ماما مایا دوراتیایا)، خداوند اظهار می‌کند که انرژی مادی هرچند بسیار نیرومند است ولی تحت فرمان اوست، و هر کس که تسلیم خداوند شود می‌تواند از سلطه و سیطره این انرژی مادی خارج گردد. بنابراین چنانچه روحی که به کریشنا سر تسلیم فرود آورده است بتواند از نفوذ انرژی مادی خارج شود، چگونه خداوند متعال که آفرینش، بقاء و فنای کل عالم را در دست دارد می‌تواند کالبد فانی مادی همچون ما داشته باشد؟ لذا چنین تصوری از کریشنا حماقت محض است. اما اشخاص ابله نمی‌توانند درک کنند که کریشنا، شخصیت مطلق الهی، که درست همچون انسانی عادی ظاهر می‌شود، بتواند کنترل‌کننده تمام ذرات اتمی و این عالم عظیم باشد. بزرگترین و کوچکترین در ورای درک آنان است، لذا نمی‌توانند تصور کنند که چگونه شکلی همچون یک انسان می‌تواند هستی بیکران و در عین حال ذره بسیار خرد را کنترل نماید. در حقیقت هرچند او نامحدود و محدود را در اختیار دارد و به آن مسلط است، از تمام این تجلی کیهانی جدا است. درباره نیروی تصورناشدنی خداوند، یعنی یوگام آیشوارام، به وضوح بیان شده که او قادر است محدود و نامحدود را در آن واحد کنترل نماید و جدا از آنان باقی بماند. ابلهان نمی‌توانند بپذیرند که کریشنا، که درست مانند موجود بشری ظاهر می‌شود، بتواند چنین قدرتهایی داشته باشد؛ در حالی که عابدان پاک او این حقیقت را می‌پذیرند، زیرا واقفند که

کریشنا شخصیت متعال خداوند است. بنابراین کاملا به او تسلیم می‌شوند و وجود خود را در خدمت عابدانه و عاشقانه، یعنی آگاهی به کریشنا، نثار می‌کنند.
مباحثات و مجادلات بسیاری بین بی‌هویت‌گرایان و هویت‌گرایان درباره ظهور خداوند به صورت انسان وجود دارد. اما چنانچه به بهاگاواد–گیتا و شریماد– بهاگاواتام که کتب موثقی در علم شناخت کریشنا هستند رجوع کنیم، می‌توانیم دریابیم که او شخصیت متعال خداوند است، اگر چه در نقش انسان معمولی و موجود بشری فانی بر این کره ارض ظاهر شود. در شریماد– بهاگاواتام، جزء اول، فصل اول، وقتی حکما به سرکردگی شوناکا در مورد شئون الهی کریشنا سؤال می‌کنند، بیان می‌دارند:

*kṛtavān kila karmāṇi*
*saha rāmeṇa keśavaḥ*
*ati-martyāni bhagavān*
*gūḍhaḥ kapaṭa-māṇuṣa*

"خداوند شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، همراه با بالاراما نقش انسان را بازی می‌کرد و در این حالت اعمال فرا انسانی بسیار انجام داد." (بهاگاواتام ۲۰/۱/۱). به هر تقدیر، ظهور خداوند به صورت انسان، ابلهان را گیج و سردرگم می‌کند. هیچ انسانی قادر به انجام اعمال شگرفی که کریشنا در هنگام ظهور خود بر این کره زمین انجام داد، نیست. برای مثال، وقتی که کریشنا در مقابل پدر و مادرش یعنی واسودوا و دواکی ظاهر شد، در شکل متعال چهار دست ظهور نمود، اما پس از دعاهای والدینش خود را به طفلی معمولی تبدیل کرد. همان گونه که در بهاگاواتام (۴۶/۳/۱۰) گفته شده است:

*babhūva prākṛtaḥ śiśuḥ*

او درست مانند طفلی معمولی، انسانی معمولی ظاهر گشت. اکنون در اینجا دوباره این موضوع مشخص شده است که یکی از مشخصه‌های کالبد روحانی خداوند ظهور وی به صورت انسانی معمولی است. در فصل یازدهم بهاگاواد–گیتا نیز بیان شده است که آرجونا دعا کرد که فرم چهار دست کریشنا را رؤیت کند.

*tenaiva rūpeṇa catur-bhujena*

کریشنا پس از آنکه به درخواست آرجونا شکل چهار دست خود را نشان داد، دوباره به صورت اصلی و ازلی خود بازگشت (مانوشام روپام). مسلماً تمامی این اعمال برجسته و خارق‌العاده نمی‌تواند از انسان عادی سر بزند.
در میان افرادی که اعتباری برای کریشنا قائل نیستند، آنهایی که تحت تأثیر فلسفه مایاوادی قرار دارند، برای اثبات این مدعا که کریشنا انسانی معمولی است، آیه زیر را از شریماد– بهاگاواتام (۲۱/۲۹/۳) نقل می‌کنند:

*Ahaṁ sarveṣu bhūteṣu bhūtātmāvasthitaḥ sadā*

"متعال در هر موجود زنده حضور دارد." بهتر است ما در تحلیل این آیه بخصوص از آچاریاهای وایشناوا مانند جیوا گوسوامی و ویشواناتها چاکراوارتی تهاکورا تبعیت کنیم تا از تفسیرات اشخاص‌غیرموثقی که کریشنا را استهزاء می‌نمایند. جیوا گوسوامی در شرح این آیه می‌فرماید که کریشنا در بسط کامل خود به صورت پاراماتما در کلیه موجودات، چه ساکن و چه متحرک، به صورت روح متعال حضور دارد، از این رو هر عابد تازه کاری که فقط به آرچا ـ مورتی یعنی تمثال خداوند متعال در معبد توجه کند و به موجودات زنده دیگر احترام نگذارد، مشغول عبادت بیهوده تمثال خداوند در معبد است. در دسته‌بندی سه‌گانه عابدان خداوند، رهروان مبتدی در پایین‌ترین مرحله و درجه قراردارند. عابد تازه کار بیشتر به تمثال خداوند در معبد توجه می‌کند تا به عابدان دیگر، بنابراین‌ویشواناتها چاکراوارتی تهاکورا تذکر می‌دهد که این نوع طرز تفکر باید تصحیح گردد. عابد باید درک کند که چون کریشنا به صورت پاراماتما در قلب همه حضور دارد، بنابراین هر بدنی معبد خداوند متعال است و همان گونه که انسان به معبد خداوند احترام می‌گذارد، به همین ترتیب باید به طرز شایسته و صحیح به تمام بدنها که پاراماتما در آنها سکنی دارد احترام بگذارد. در نتیجه باید همه را محترم شمرد و نسبت به کسی بی‌توجهی نکرد.

بی‌هویت‌گرایان بسیاری نیز وجود دارند که پرستش در معبد را استهزاء می‌کنند. آنها می‌گویند از آنجا که خداوند در همه جا حضور دارد، چرا انسان باید خود را به پرستش در معبد محدود کند؟ ولی اگر خداوند همه جا هست آیا در معبد یا در آرچا ـ مورتی نیست؟ هویت‌گرایان و بی‌هویت‌گرایان پیوسته با یکدیگر مجادله خواهند کرد، ولی عابدی که در خدا آگاهی یا کریشنا آگاهی کامل قرار دارد – چنانکه در برهما ـ سامهیتا تصریح شده – می‌داند در عین حال که کریشنا شخصیت متعال است در همه جا حضور دارد؛ هرچند خداوند به طور ابدی در گولوکا ورینداوانا سکنی دارد، همزمان، از طریق تجلیات نیروهای مختلف خود و با بسطهای کاملش در همه جا و در تمام قسمتهای آفرینش مادی و روحانی حاضر است.

## آیه ۱۲

*moghāśā mogha-karmāṇo*
*mogha-jñānā vicetasaḥ*
*rākṣasīṁ āsurīṁ caiva*
*prakṛtiṁ mohinīṁ śritāḥ*

*mogha-āśāḥ*: ناکام در امیدهایشان ـ *mogha-karmāṇaḥ*: ناکام و سرخورده در اعمال ثمرجویانه ـ *mogha-jñānāḥ*: ناکام و سرخورده در دانش ـ *vicetasaḥ*: گیج و سرگردان شده ـ *rākṣasīm*: دیوصفتانه ـ *āsurīm*: ملحدانه ـ *ca*: و ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *prakṛtim*: طبیعت ـ *mohinīm*: سرگردان بودن ـ *śritāḥ*: پناه بردن به.

## ترجمه

**آنان که بدین‌سان گیج و گمگشته گردیده‌اند، مجذوب نظریات دیوصفتانه و ملحدانه‌اند. در آن حالتِ توهم‌زدگی، امید آنان برای رهایی، برای اعمال ثمرجویانه و برای تحصیل دانش همگی با شکست و ناکامی مواجه می‌گردد.**

## شرح

عابدان بسیاری هستند که خود را در کریشنا آگاهی و خدمت عابدانه می‌پندارند، در حالی که قلباً، کریشنا، شخصیت متعال خداوند را به منزله حقیقت مطلق نپذیرفته‌اند. آنان هیچگاه ثمره خدمت عابدانه یعنی بازگشت به خداوند را نخواهند چشید. به همین ترتیب، کسانی که مشغول اعمال پرهیزکارانه ثمربخش هستند و در نهایت امر امید دارند به رهایی از این اسارت مادی نائل آیند نیز هرگز موفق نخواهند شد، زیرا کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، را استهزاء می‌کنند. به بیان دیگر، باید دانست اشخاصی که کریشنا را به باد تمسخر می‌گیرند دیوصفت و خدانشناسند و همان گونه که در فصل هفتم بهاگاواد–گیتا توصیف شد، چنین شریران دیوصفتی هیچگاه به کریشنا سر تسلیم فرود نمی‌آورند. پندارهای ذهنی آنان برای رسیدن به حقیقت مطلق، ایشان را به این نتیجه نادرست می‌کشاند که تمایزی بین کریشنا و موجود زنده معمولی وجود ندارد. با چنین اعتقاد نادرستی تصور می‌کنند به محض اینکه از انرژی مادی که به صورت بدن کنونی آنها را پوشانده است رهایی یابند، دیگر هیچ گونه تفاوتی بین آنها و خداوند نخواهد بود. باید دانست که تلاش برای یکی‌شدن با کریشنا توهم محض است و نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. این گونه جستجوی دانش روحانی به صورتی خدانشناسانه و دیوصفتانه همواره بی‌نتیجه خواهد ماند: این موضوع در این آیه خاطرنشان شده است. برای این اشخاص، تحصیل دانش روحانی از طریق ادبیات ودایی مانند ودانتا ـ سوترا و اوپانیشادها همواره با شکست مواجه خواهد شد.

بنابراین در نظر گرفتن کریشنا، شخصیت متعال خداوند، به منزله انسان عادی اهانت بزرگی به شمار می‌آید. بی‌تردید کسانی که به علت عدم توانایی در درک شکل جاودان کریشنا چنین می‌پندارند، در ورطه توهم فرو افتاده و گمراه شده‌اند. بریهاد ـ ویشنو ـ اسمریتی به روشنی بیان می‌کند:

*yo vetti bhautikaṁ dehaṁ*
*kṛṣṇasya paramātmanaḥ*
*sa sarvasmād bahiṣ-kāryaḥ*
*śrauta-smārta-vidhānataḥ*
*mukhaṁ tasyāvalokyāpi*
*sa-celaṁ snānam ācaret*

"کسی که بدن متعال کریشنا را مادی محسوب کند باید از تمام شعائر مذهبی و فعالیتهای شروتی و اسمریتی بیرون رانده شود؛ و چنانچه کسی تصادفاً به صورت چنین شخصی نظر افکند باید بی‌درنگ در رودخانه مقدس گنگ غسل نماید تا خود را از آلودگی پاک سازد. عوام‌الناس کریشنا را استهزاء می‌کنند، زیرا نسبت به شخصیت اعلای خداوند حسادت می‌ورزند. مسلماً سرنوشت چنین اشخاصی، زندگی پس از زندگی، تولد در میان خدانشناسان و دیوصفتان خواهد بود و دانش حقیقی آنان پیوسته تحت حجاب توهم باقی خواهد ماند و تدریجاً به تاریکترین وادی خلقت تنزل خواهند کرد."

## آیه ۱۳

*mahātmānas tu māṁ pārtha*
*daivīṁ prakṛtim āśritāḥ*
*bhajanty ananya-manaso*
*jñātvā bhūtādim avyayam*

*mahā-ātmānaḥ*: ارواح بزرگ ـ *tu*: ولی ـ *mām*: به من ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *pārtha*: الهی، ملکوتی ـ *prakṛtim*: طبیعت ـ *āśritāḥ*: پناه برده‌اند به ـ *bhajanti*: خدمت می‌کنند ـ *ananya-manasaḥ*: بدون انحراف یافتن ذهن ـ *jñātvā*: دانستن، شناختن ـ *bhūta*: مربوط به خلقت ـ *ādim*: اصل، منشأ ـ *avyayam*: پایان ناپذیر.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، کسانی که در توهم نیستند، یعنی ارواح بزرگ، تحت حفاظت طبیعت الهی هستند. آنان کاملا مشغول خدمت عابدانه‌اند، زیرا مرا به منزلهٔ شخصیت اعلای خداوند، حقیقت ازلی و پایان‌ناپذیر می‌شناسند.**

## شرح

در این آیه توصیف ماهاتما به طرز واضحی بیان شده است. اولین نشانه ماهاتما این است که در پناه طبیعت الهی قرار گرفته است و تحت کنترل طبیعت مادی نیست. چگونه این امر تحقق می‌پذیرد؟ این موضوع در فصل هفتم توضیح داده شد: به محض آنکه کسی قلباً و روحاً خود را به شری کریشنا، شخصیت متعال خداوند، تسلیم نماید، بی‌درنگ از کنترل طبیعت مادی آزاد می‌گردد. این قاعده کلی است. موجود زنده چون جزو نیروی حاشیه‌ای خداوند است به محض آنکه از کنترل طبیعت مادی رها گشت، تحت هدایت طبیعت روحانی یا دایوی پراکریتی (طبیعت الهی) قرار می‌گیرد. بدین ترتیب وقتی انسان از طریق تسلیم شدن به شخصیت اعلای پروردگار ارتقاء یابد به مرتبه روح بزرگ یا ماهاتما می‌رسد.

هیچ چیزی جز کریشنا توجه ماهاتما را به خود جلب نمی‌کند، زیرا او به خوبی می‌داند که کریشنا، بدون کوچکترین شکی، شخصیت ازلی متعال و علت تمام علل است. ماهاتما یا روح بزرگ از طریق معاشرت با ماهاتماهای دیگر، یعنی عابدان پاک دیگر، پرورش می‌یابد و شکل می‌گیرد. مریدان مخلص و عابدان پاک نه‌تنها به‌وسیله وجوه دیگر کریشنا همچون ویشنوی چهار دست جلب نمی‌شوند، که با هیچیک از شکلهای فرشتگان یا انسانها نیز کاری ندارند، زیرا آنان صرفاً مجذوب شکل دو دست کریشنایند. این اشخاص، در آگاهی به کریشنا، فقط بر او تمرکز می‌نمایند و همواره مشغول خدمت بی‌قید و شرط به خداوند هستند.

## آیه ۱۴

*satataṁ kīrtayanto māṁ*
*yatantaś ca dṛḍha-vratāḥ*
*namasyantaś ca māṁ bhaktyā*
*nitya-yuktā upāsate*

*satatam*: همیشه ـ *kīrtayantaḥ*: ذکر کردن ـ *mām*: درباره من ـ *yatantaḥ*: تلاش کردن به نحو کامل ـ *ca*: همچنین ـ *dṛḍha-vratāḥ*: با عزم راسخ ـ *namasyantaḥbv*: تقدیم کردن سجده‌ها ـ *ca*: و ـ *mām*: به من، مرا ـ *bhaktyā*: با عشق و عبودیت ـ *nitya—yuktāḥ*: دائماً مشغول شده ـ *upāsate*: می‌پرستند.

## ترجمه

**این ارواح بزرگ که با عزمی راسخ می‌کوشند، همواره به ذکر شکوه و جلال من می‌پردازند و در مقابل من سر تعظیم فرود می‌آورند، دائماً مرا با عشق و عبودیت می‌پرستند.**

## شرح

نمی‌توان با مهر زدن بر یک شخص عادی ماهاتما به وجود آورد. ماهاتما دارای علائم و نشانه‌هایی است که در این آیه بیان شده است: او همواره مشغول ذکر شکوه و جلال شخصیت الهی، خداوند متعال کریشنا، می‌باشد و کاری جز آن ندارد. وی همواره مشغول تجلیل از خداوند است؛ پس او نمی‌تواند بی‌هویت‌گرا باشد. هنگامی که مسأله تجلیل پیش می‌آید، انسان باید عظمت خداوند متعال را تجلیل نماید، و نام مقدس، شکل جاودان، صفات متعال و شئون روحانی خارق‌العاده حق تعالی را بستاید و بپرستد. انسان باید عظمت همه این حقایق را تجلیل کند؛ بدین سبب یک ماهاتما شیفته و دلبسته شخصیت اعلای خداوند است.

کسی که به جنبه فاقد شخصیت حق تعالی یعنی برهما جیوتی دلبستگی دارد، در بهاگاواد–گیتا به عنوان ماهاتما توصیف نشده است (مشخصات متفاوت او در آیه بعد توضیح داده خواهد شد). ماهاتما همواره مشغول فعالیتهای مختلف خدمت عابدانه است و همان گونه که در شریماد– بهاگاواتام توصیف شده دائماً مشغول استماع و ذکر درباره ویشنو است و نه درباره فرشتگان و انسانها. این است عشق و عبودیت (شراوانام کیرتانام ویشنو) و (اسمارانام)، یعنی به یاد داشتن خداوند. چنین ماهاتمایی عزم راسخ دارد تا به معاشرت با خداوند متعال، در یکی از پنج راسای روحانی در مقصد غایی، نائل آید. او برای نیل به این موفقیت، تمام فعالیتهایش اعم از ذهنی، بدنی و کلامی و خلاصه همه وجود خویش را نثار خدمت به خداوند متعال، شری کریشنا می‌کند. این امر کریشنا آگاهی کامل یا خداشناسی کامل خوانده می‌شود.

خدمت عابدانه شامل فعالیتهای تجویزشده خاصی است مانند روزه گرفتن در روزهای مخصوصی همچون یازدهمین روز بعد از ماه شب چهارده (اکاداشی) و یا روز ظهور خداوند. آچاریاهای بزرگ، تمام این قواعد و قوانین را برای کسانی که واقعاً خواهان معاشرت با شخصیت اعلای خداوند در عالم روحانی هستند، ارائه کرده‌اند. ماهاتماها، یعنی ارواح بزرگ، دقیقاً تمام این قواعد و قوانین را مراعات می‌کنند و بنابراین مطمئناً به نتیجه مطلوب خواهند رسید.

همان گونه که در آیه دوم این فصل بیان شد، انجام خدمت عابدانه نه تنها آسان است که می‌تواند در حالتی شاد و پرسرور نیز انجام گردد؛ احتیاجی به انجام هیچ گونه توبه و ریاضت سختی نیست. شخص می‌تواند در هر موقعیتی اعم از متأهل، سانیاسی یا برهماچاری و در هر نقطه‌ای از جهان، این خدمت عابدانه به شخصیت متعال خداوند را تحت هدایت یک پیر روحانی متبحر انجام دهد و بدین ترتیب یک ماهاتما یا روح بزرگ گردد.

## آیه ۱۵

*jñāna-yajñena cāpy anye*
*yajanto mām upāsate*
*ekatvena pṛthaktvena*
*bahudhā viśvato-mukham*

*jñāna-yajñena*: به‌وسیله پرورش دانش ـ *ca*: همچنین ـ *api*: حتماً، محققاً ـ *anye*: دیگران ـ *yajantaḥ*: قربانی کردن ـ *mām*: مرا ـ *upāsate*: پرستش می‌کنند ـ *ekatvena*: در یکتایی ـ *pṛthaktvena*: در دوگانگی ـ *bahudhā*: در گوناگونی ـ *viśvataḥ-mukham*: و در شکل جهانی.

## ترجمه

**دیگران که از طریق کسب دانش مشغول قربانی‌اند، خداوند متعال را، یا به عنوان آن هستی یگانه، یا در تنوع و گوناگونی موجودات، و یا در شکل جهانی خود می‌پرستند.**

## شرح

این آیه خلاصه آیات قبل است. خداوند به آرجونا می‌فرماید کسانی که به طور خالص و پاک در آگاهی به کریشنایند و چیزی جز کریشنا نمی‌شناسند، ماهاتما خوانده می‌شوند؛ با این وصف اشخاص دیگری نیز هستند که دقیقاً در مقام و منزلت ماهاتما نیستند، ولی به طرق دیگری کریشنا را می‌پرستند. برخی از آنان قبلا تحت عنوان دردمندان، نیازمندان مادی، کنجکاوان و کسانی که به کسب دانش مشغول هستند توصیف شدند. ولی اشخاص دیگری نیز هستند که در مراتب پایین‌تری از آنان قرار دارند و به سه دسته تقسیم می‌شوند:

کسی که خودش را با خداوند یکی می‌داند و می‌پرستد.

کسی که شکلی از خداوند متعال برای خود می‌سازد و آن را پرستش می‌کند.

کسی که شکل جهانی یعنی ویشواروپای شخصیت متعال خداوند را می‌پذیرد و آن را می‌پرستد.

از میان این سه دسته فرومرتبه‌ترین آنان، یعنی کسانی که خودشان را به عنوان خداوند متعال می‌پرستند و خود را وحدت وجودی تلقی می‌کنند، در اکثریت هستند. چنین اشخاصی خود را خداوند متعال می‌پندارند و با این طرز تفکر خود را می‌پرستند. این نیز می‌تواند نوعی پرستش خدا محسوب گردد، زیرا حداقل فرد را قادر می‌سازد تا به ادراک این مطلب که بدن مادی نیست و بلکه در حقیقت روح است برسد. به طور کلی، بی‌هویت‌گرایان خداوند متعال را به این شیوه پرستش می‌کنند. دسته دوم،

پرستش‌کنندگان فرشتگان هستند، یعنی کسانی که از روی تصور و گمان هر شکلی را سیمای خداوند متعال می‌پندارند. و دسته سوم کسانی‌اند که نمی‌توانند چیزی را بالاتر از تجلی این جهان مادی تصور و درک کنند. آنان جهان را که شکلی از خداوند است بالاترین نظام متعال تلقی می‌کنند و آن را می‌پرستند.

## آیه ۱۶

*ahaṁ kratur ahaṁ yajñaḥ*
*svadhāham aham auṣadham*
*mantro 'ham aham evājyam*
*aham agnir ahaṁ hutam*

*aham*: من ـ *kratuḥ*: مراسم و مناسک ودایی ـ *aham*: من ـ *yajñaḥ-smṛti*: قربانی اسمریتی ـ *svadhā*: خیرات ـ *aham*: من ـ *auṣadham*: گیاه شفابخش ـ *mantraḥ*: ارتعاش‌صوتی متعال ـ *aham*: من ـ *aham*: من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ājyam*: کره آب شده ـ *aham*: من ـ *agniḥ*: آتش ـ *aham*: من ـ *hutam*: تقدیم، پیشکش.

## ترجمه

**اما این منم که آیین مذهبی، قربانی، خیرات به نیاکان، گیاه شفابخش و ذکر متعال می‌باشم. من هم کره، هم آتش و هم تقدیم هستم.**

## شرح

آن قربانی ودایی موسوم به جیوتیشتوما نیز کریشنا است و همچنین او همان ماها ـ یاگیای مذکور در اسمریتی است. آن خیرات و نذورات تقدیم شده به نیاکان یا ساکنان پیتریلوکا به منظور رضایت آنها، که به صورت کره تصفیه شده‌ای است که اکسیر و داروی هر دردی محسوب می‌شود، نیز کریشنا است. مانتراهایی که در این قربانیها ذکر می‌شود و محصولاتی که از شیر به منظور اهداء در قربانی تهیه می‌شود نیز کریشنا هستند. آتش قربانی نیز کریشنا است، زیرا آتش یکی از پنج عنصر مادی و انرژی جداشده کریشنا می‌باشد. به عبارت دیگر، قربانیهای ودایی که در قسمت کارما ـ کاندای وداها توصیه شده‌اند نیز کلا کریشنایند. یا به بیان دیگر، باید در مورد کسانی که مشغول خدمت عابدانه به کریشنا هستند چنین درک نمود که تمام قربانیهای توصیه شده در وداها را انجام داده‌اند.

## آیه ۱۷

*pitāham asya jagato*
*mātā dhātā pitāmahaḥ*
*vedyaṁ pavitram oṁkāra*
*ṛk sāma yajur eva ca*

*pitā*: پدر ـ *aham*: من ـ *asya*: مربوط به این ـ *jagataḥ*: جهان ـ *mātā*: مادر ـ *dhātā*: پشتیبان، حامی، موجب بقاء ـ *pitāmahaḥ*: پدربزرگ ـ *vedyam*: آنچه برای شناختن است ـ *pavitram*: آن که تطهیر می‌کند ـ *oṁ-kāra*: هجاء ام ـ *ṛk*: ریگ ودا ـ *sāma*: ساما ودا ـ *yajuḥ*: یاجور ودا ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و.

## ترجمه

**من پدر، مادر، جدّ و موجب بقای این جهان هستم. من منظور دانش، تطهیرکننده و هجاءِ اُم هستم. من همچنین ریگ‌ودا، ساماودا و یاجورودا هستم.**

## شرح

تمام تجلیات کیهانی، اعم از متحرک یا ساکن، به‌وسیله فعالیتهای مختلف انرژی کریشنا پدید آمده‌اند. ما در موجودیت مادی پیوندهای گوناگونی را با موجودات زنده مختلف ایجاد می‌کنیم که این نفوس زنده چیزی جز انرژی حاشیه‌ای کریشنا نیستند؛ لیکن تحت تأثیر آفرینش پراکریتی بعضی از آنان برای ما، پدر، مادر، پدربزرگ، آفریدگار و غیره به نظر می‌رسند، در حالی که در واقع آنان اجزاء و ذرات لاینفک کریشنایند. بدین ترتیب با این دیدگاه، این نفوس زنده که به نظر پدر، مادر و غیره می‌آیند چیزی جز کریشنا نیستند. در این آیه واژه دهاتا به معنای "آفریدگار" است. نه تنها پدر و مادر اجزای کریشنا هستند، بلکه آفریدگار، پدربزرگ و مادربزرگ و غیره نیز کریشنایند. در واقع هر موجود زنده نیز کریشناست، چون ذره‌ای از کریشناست. و به دنبال آن، مقصود تمام وداها کریشناست. ما آنچه از وداها بیاموزیم چیزی نیست جز گامی به سوی درک کریشنا. همچنین آن مطلبی که به پاکسازی ما کمک نماید تا به موقعیت فطری خود دست یابیم نیز کریشناست. مشابهاً موجود زنده‌ای که کنجکاو است تمام اصول ودایی را درک کند نیز ذره‌ای از کریشنا و در نتیجه کریشنا محسوب می‌شود. همچنین واژه ام که پراناوا خوانده می‌شود، و یک ارتعاش صوتی روحانی است و در تمام مانتراهای ودایی به چشم می‌خورد، کریشناست. و چون در تمام سرودهای چهار ودا یعنی ساما، یاجور، ریگ و آتهاروا، لفظ پراناوا یا امکارا بسیار شاخص است باید درک گردد که آن نیز کریشنا است.

## آیه ۱۸

*gatir bhartā prabhuḥ sākṣī*
*nivāsaḥ śaraṇaṁ suhṛt*
*prabhavaḥ pralayaḥ sthānaṁ*
*nidhānaṁ bījam avyayam*

*gatiḥ*: هدف، مقصود ـ *bhartā*: نگهدارنده، حافظ ـ *prabhuḥ*: ارباب، خدا ـ *sākṣī*: شاهد ـ *nivāsaḥ*: سرزمین، جایگاه ـ *śaraṇam*: پناه ـ *su-hṛt*: صمیمی‌ترین دوست ـ *prabhavaḥ*: خلقت، آفرینش ـ *pralayaḥ*: انحلال، اضمحلال ـ *sthānam*: زمینه، اساس ـ *nidhānam*: قرارگاه، ـ *bījam*: تخم، بذر ـ *avyayam*: فناناپذیر.

## ترجمه

**من هدف، حافظ، ارباب، شاهد، مأمن، ملجأ و عزیزترین دوست هستم. من آفرینش و انهدام، اساس همهٔ کائنات، قرارگاه و تخم جاودان هستم.**

## شرح

گاتی یعنی آن مقصدی که ما با تصمیم قطعی می‌خواهیم به سوی آن برویم. اما مقصد نهایی حقیقت مطلق، بهاگاوان یا کریشنا است، گو اینکه مردم به این حقیقت واقف نیستند. کسی که حق تعالی کریشنا را نشناسد گمراه می‌شود و پیشرفتهای کاذب او یا ناقص است یا خیالی و توهمی. اشخاص بسیاری هستند که فرشتگان مختلف را هدف و مقصود خود قرار می‌دهند و با انجام دقیق روشهای سخت تجویزشده، به سیارات مختلفی مانند چاندرا لوکا، سوریالوکا، ایندرالوکا، ماهارلوکا و غیره دست

می‌یابند. اما از آنجا که تمام این لوکاها یا سیارات، آفرینش کریشنا هستند، می‌توان گفت کریشنا هستند و در عین حال متفاوت از او. در واقع، چون این سیارات از انرژی کریشنا متجلی‌شده‌اند کریشنا هستند، ولی در عین حال آنها به منزله گامی به سوی شناخت کریشنا محسوب‌می‌شوند. باید در نظر داشت که نزدیک شدن به انرژیهای مختلف کریشنا به مثابه نزدیک شدن غیرمستقیم به اوست. انسان باید مستقیماً به کریشنا تقرب جوید زیرا در این صورت در صرف زمان و نیرو صرفه‌جویی خواهد کرد. به عنوان مثال، می‌توان گفت چنانچه انسان بتواند با کمک آسانسور به بالای ساختمان دست یابد، چرا باید از راه‌پله استفاده کند و از تک تک پله‌ها بالا رود؟ چون همه چیز بر انرژی کریشنا تکیه دارد، هیچ چیز بدون پناه کریشنا نمی‌تواند وجود داشته باشد. کریشنا حاکم و حکمران متعال است، زیرا همه چیز متعلق به اوست و همه چیز در انرژی او موجودیت دارد. کریشنا که در قلب همه قرار دارد شاهد متعال است. اماکن، ممالک و یا سیاراتی که ما در آنها زندگی می‌کنیم نیز کریشنایند. کریشنا ملجأ غایی است؛ بدین سبب انسان باید برای حفاظت خویش و یا گذاردن نقطه پایانی بر رنجهای خود به کریشنا پناه ببرد. چون ما نیاز به حفاظت داریم، باید بدانیم که فقط یک نیروی زنده می‌تواند حافظ ما باشد و کریشنا آن حافظ و وجود حی متعال است. و چون کریشنا سرچشمه آفرینش یا پدر متعال ماست، هیچ کس جز او نمی‌تواند دوست و خیرخواه بهتری برای ما باشد. کریشنا سرچشمه اصلی و ازلی خلقت و مأمن نهایی پس از نابودی این جهان است. بنابراین کریشنا علت ابدی تمامی علل است.

## آیه ۱۹

*tapāmy aham ahaṁ varṣaṁ*
*nigṛhṇāmy utsṛjāmi ca*
*amṛtaṁ caiva mṛtyuś ca*
*sad asac cāham arjuna*

*tapāmi*: حرارت می‌دهم ـ *aham*: من ـ *varṣam*: باران ـ *nigṛhṇāmi*: بازمی‌دارم ـ *utsṛjāmi*: فرو می‌فرستم، نازل می‌کنم ـ *ca*: و ـ *amṛtam*: جاودانگی ـ *ca*: و ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *mṛtyuḥ*: مرگ ـ *ca*: و ـ *sat*: روح ـ *asat*: ماده ـ *ca*: و ـ *aham*: من ـ *arjuna*: ای‌آرجونا.

## ترجمه

**ای آرجونا، من حرارت را می‌دهم و باران را نازل می‌کنم یا بازمی‌ایستانم. من جاودانگی و درعین حال مظهر مرگ هستم. روح و ماده هر دو در من هستند.**

## شرح

کریشنا با نیروهای مختلفش، گرما و نور را از طریق الکتریسیته و خورشید منتشر می‌سازد. این کریشناست که در فصل تابستان مانع بارش باران از آسمان می‌گردد و سپس در فصل مناسب بارشهای بدون انقطاع را نازل می‌کند. آن نیرویی که باعث بقای عمر ما می‌گردد کریشنا است و آن که سرانجام ما را به صورت مرگ ملاقات می‌کند نیز کریشنا است. انسان می‌تواند با تجزیه و تحلیل تمام این نیروهای مختلف کریشنا، اطمینان حاصل کند که برای او هیچ گونه تفاوتی بین ماده و روح وجود ندارد یا به عبارت دیگر، او هم ماده است و هم روح. بنابراین، انسان در مرحله پیشرفته خدا آگاهی یا کریشنا آگاهی چنین تمایزاتی قائل نمی‌شود و فقط کریشنا را در همه چیز مشاهده می‌کند.

چون کریشنا هم ماده و هم روح است، می‌تواند به صورت شکل عظیم کیهانی خویش که شامل تمام تجلیات مادی است ظاهر شود که این نیز کریشناست و همچنین به صورت شکل اصلی خود با دو دست، شیاماسوندارا، که مشغول شئون الهی خویش در ورینداوانا و نواختن فلوت است.

## آیه ۲۰

*trai-vidyā māṁ soma-pāḥ pūta-pāpā*
*yajñair iṣṭvā svar-gatiṁ prārthayante*
*te puṇyam āsādya surendra-lokam*
*aśnanti divyān divi deva-bhogān*

*trai-vidyāḥ*: دانندگان سه ودا ـ *mām*: مرا ـ *soma-pāḥ*: نوشندگان عصاره سوما ـ *pūta*: تطهیر شده ـ *pāpāḥ*: از گناهان ـ *yajñaiḥ*: با قربانیها ـ *iṣṭvā*: پرستش کردن ـ *svaḥ-gatim*: رفتن به بهشت ـ *prārthayante*: دعا می‌کنند ـ *te*: آنها ـ *puṇyam*: متقی، مذهبی ـ *āsādya*: نائل شدن ـ *sura—indra*: مربوط به ایندرا ـ *lokam*: جهان ـ *aśnanti*: لذت می‌برند ـ *divyān*: آسمانی، سماوی ـ *divi*: در بهشت ـ *deva—bhogān*: لذات خداوندگاران.

## ترجمه

**کسانی که در آرزوی نیل به کرات بهشتی، وداها را مطالعه می‌کنند و عصارهٔ سوما می‌نوشند، غیر مستقیم مرا پرستش می‌کنند. آنان در نتیجهٔ تطهیر شدن از واکنشهای گناهان، در سیارهٔ بهشتی و مذهبی ایندرا تولد می‌یابند، جایی که در آن از لذت فرشتگان بهره‌مند می‌شوند.**

## شرح

واژه ترای ـ ویدیا به سه ودا یعنی ساما ودا، یاجور ودا و ریگ ودا اشاره دارد. براهمانایی که این سه ودا را مطالعه کرده باشد تری ـ ودی خوانده می‌شود و کسی که وابسته به مطالعه این سه ودا باشد، احترام کسب خواهد کرد. متأسفانه، بسیاری از محققان برجسته وداها نسبت به مفهوم غایی مطالعات ودایی بی‌اطلاع هستند. بدین جهت، کریشنا در اینجا خود را به عنوان هدف نهاییِ‌تری ـ ودی‌ها اعلام می‌کند. تری ـ ودی واقعی در قدوم نیلوفرین کریشنا پناه می‌گیرد و برای تحصیل رضایت خداوند مشغول خدمت مریدانه پاک او می‌شود. خدمت عابدانه با ذکر مانترای هاره کریشنا و در عین حال تلاش برای درک حقیقت کریشنا آغاز می‌گردد. متأسفانه آنان که فقط شاگردان ظواهر (پیروان مراسم آئینی) وداها هستند بیشتر علاقه‌مند به تقدیم قربانی به فرشتگان مختلف همچون ایندرا و چاندرا می‌گردند. پرستش‌کنندگان فرشتگان مختلف مطمئناً با این تلاش از آلودگیهای گونه‌های پست‌تر طبیعت پاک می‌شوند و به این ترتیب به منظومه‌های سیارات فوقانی یا سیارات بهشتی معروف به ماهارلوکا، جانولوکا، تاپولوکا و غیره ارتقاء می‌یابند. شخص با قرار گرفتن در منظومه‌های سیارات فوقانی می‌تواند صد چندان و هزاران بار بهتر از این کره ارض حواس خود را ارضاء نماید.

## آیه ۲۱

*te taṁ bhuktvā svarga-lokaṁ viśālaṁ*
*kṣīṇe puṇye martya-lokaṁ viśanti*
*evaṁ trayī-dharmam anuprapannā*
*gatāgataṁ kāma-kāmā labhante*

*te*: آنها ـ *tam*: آن ـ *bhuktvā*: لذت بردن، بهره‌مند شدن ـ *svarga-lokam*: بهشت ـ *viśālam*: عظیم، وسیع ـ *kṣīṇe*: تمام شدن، پایان یافتن ـ *puṇye*: نتایج اعمال پرهیزکارانه‌شان ـ *martya-lokam*: به زمین فانی ـ *viśanti*: سقوط می‌کنند ـ *evam*: بدین‌سان ـ *trayī*: مربوط به سه‌ودا ـ *dharmam*: آئینها ـ *anuprapannāḥ*: پیروی کردن ـ *gata-āgatam*: مرگ و تولد ـ *kāma-kāmāḥ*: خواستار لذات حسی ـ *labhante*: دست می‌یابند.

### ترجمه

**هنگامی که آنان بدین‌سان از لذات حسی نامحدود بهشتی بهره‌مند شدند و نتایج اعمال پرهیزکارانه‌شان پایان یافت، دوباره به این سیارهٔ فانی بازمی‌گردند. بدین ترتیب آن کسانی که به قصد کامجوییهای حسی به مراعات اصول سه ودا می‌پردازند تنها به تولد و مرگ پیاپی دست می‌یابند.**

### شرح

کسی که به منظومه‌های سیارات فوقانی ترفیع یابد از مزایای طول عمر بیشتر و تسهیلات بهتر برای لذات حسی بهره‌مند می‌گردد؛ لیکن به شخص اجازه داده نمی‌شود تا ابد آنجا باقی بماند. بلکه پس از اتمام نتایج و ثمرات اعمال صالحانه و متقیانه‌اش مجدداً به این کره خاکی بازگردانده می‌شود. کسی که به کمال دانش، یعنی آنچه در ودانتا ـ سوترا تحت عنوان جانمادی آسیا یاتا اشاره شده نرسیده است، یا به عبارت دیگر کسی که موفق به درک کریشنا، یعنی آن علت تمامی علل نشده است، در رسیدن به هدف نهایی زندگی گیج و گمراه می‌شود و بدین ترتیب در معرض جریان صعود به سیارات فوقانی و سپس نزول مجدد از آنها قرار می‌گیرد، چنانکه گویی در چرخ و فلکی واقع شده باشد که او را گاهی به بالا و گاهی به پایین ببرد. این بدان مفهوم است که انسان به جای صعود به ملکوت روحانی، جایی که دیگر هیچ گونه امکان بازگشت از آن نیست، تنها در دایره تولد و مرگ در منظومه‌های سیارات فوقانی و تحتانی گردش خواهد کرد. بهتر است که انسان به عالم روحانی‌بازگردد و از برکات کامل حیات جاودان سرشار از شعف و دانش بهره‌مند گردد و هیچگاه به این موجودیت فانی مصیبت‌بار باز نگردد.

## آیه ۲۲

*ananyāś cintayanto māṁ*
*ye janāḥ paryupāsate*
*teṣāṁ nityābhiyuktānāṁ*
*yoga-kṣemaṁ vahāmy aham*

*ananyāḥ*: هدف دیگری نداشتن ـ *cintayantaḥ*: تمرکز کردن ـ *mām*: بر من ـ *ye*: آن کسانی‌که ـ *janāḥ*: اشخاص ـ *paryupāsate*: به طرز درستی می‌پرستند ـ *teṣām*: مربوط به آنها ـ *nitya*: همواره ـ *abhiyuktānām*: ثابت و متمرکز در عشق و عبودیت ـ *yoga*: نیازها ـ *kṣemam*: حفاظت ـ *vahāmi*: تأمین می‌کنم، می‌دهم ـ *aham*: من.

### ترجمه

**اما من کمبودها و نیازهای افرادی را که همواره مرا با عشق و عبودیت محض می‌پرستند و بر سیمای متعال من تمرکز می‌کنند، تأمین می‌کنم و آنچه را در اختیار دارند حفظ می‌نمایم.**

### شرح

برای کسی که قادر نیست حتی برای یک لحظه بدون آگاهی به کریشنا زندگی کند و از طریق روشهای شنیدن، ذکر کردن، دعا کردن، پرستش، خدمت به قدوم نیلوفرین خداوند، انجام خدمات دیگر، ایجاد دوستی با خدا و تسلیم کامل به او، مشغول بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه است، به جز اینکه بیست و چهار ساعته در فکر کریشنا باشد کار دیگری وجود ندارد. چنین اعمالی همگی پاک و سرشار از قدرت روحانی‌اند، که عابد را در معرفت خودشناسی به کمال می‌رسانند. بدین ترتیب تنها آرزوی عابد، دست یافتن به معاشرت با شخصیت متعال خداوند است و چنین فردی بدون شک و بدون مشکل به خداوند تقرب حاصل خواهد کرد. این یوگا خوانده می‌شود. عابد به لطف و رحمت خداوند هیچگاه دوباره به وضعیت مادی زندگی بازنمی‌گردد. کشما اشاره به حفاظت سرشار از لطف خداوند دارد. خداوند عابد را یاری می‌دهد تا از طریق یوگا به کریشنا آگاهی نائل آید و وقتی او کاملا کریشنا آگاه شد، خداوند او را از فروافتادن مجدد به زندگی پرمصیبت مقید حفظ می‌کند.

## آیه ۲۳

*ye 'py anya-devatā-bhaktā*
*yajante śraddhayānvitāḥ*
*te 'pi mām eva kaunteya*
*yajanty avidhi-pūrvakam*

*ye*: آن کسانی که ـ *api*: همچنین ـ *anya*: مربوط به دیگر ـ *devatā*: خداوندگاران، الهگان، فرشتگان ـ *bhaktāḥ*: عابدان، مریدان، سرسپردگان ـ *yajante*: پرستش می‌کنند ـ *śraddhayā anvitāḥ*: با ایمان ـ*te*: آنها ـ *api*: همچنین ـ*mām* : مرا ـ *eva*: فقط ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *yajanti*: آنها پرستش می‌کنند ـ *avidhi-pūrvakam*: به طریقه نادرستی.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، آن کسانی که عابد فرشتگان هستند و با ایمان آنها را پرستش می‌کنند درحقیقت تنها مرا به طریقهٔ نادرست عبادت می‌کنند.**

## شرح

کریشنا می‌فرماید: "اشخاصی که مشغول پرستش فرشتگانند چندان خردمند نیستند، هرچند این پرستش غیر مستقیم به من تقدیم می‌شود." در واقع، آب پاشیدن روی شاخه‌ها و برگهای درخت‌بدون آبیاری ریشه‌های آن و همچنین تغذیه بدن از طریق اعضای مختلفش و نه از راه شکم، نشانگر فقدان دانش کافی و در نظر نگرفتن اصول طبیعی بسیار بدیهی است. فرشتگان گویی مأموران و مدیران مختلف دولت خداوند متعال هستند. انسان باید از قوانینی که دولت وضع می‌کند پیروی نماید نه از قانون مأموران یا مدیران. مشابهاً، همه باید فقط خداوند متعال را عبادت کنند و بس. این امر خود به خود موجبات رضایت مأموران و مدیران مختلف را فراهم خواهد آورد. باید در نظر داشت که مأموران و مدیران به عنوان نمایندگان دولت عمل می‌کنند و رشوه دادن به آنان غیرقانونی است. این مطلب در آیه حاضر تحت عنوان آویدهی ـ پورواکام بیان شده است. به بیان دیگر، کریشنا پرستش بی‌مورد فرشتگان را تأیید نمی‌کند.

## آیه ۲۴

*ahaṁ hi sarva-yajñānāṁ*
*bhoktā ca prabhur eva ca*
*na tu mām abhijānanti*

*tattvenātaś cyavanti te*

*aham*: من ـ *hi*: قطعاً، یقیناً ـ *sarva*: مربوط به همه ـ *yajñānām*: قربانیها ـ *bhoktā*: لذت‌برنده ـ *ca*: و ـ *prabhuḥ*: ارباب، خداوند ـ *eva*: همچنین ـ *ca*: و ـ *na*: نه ـ *tu*: ولی ـ *mām*: مرا ـ *abhijānanti*: آنها می‌شناسند ـ *tattvena*: به حقیقت ـ *ataḥ*: بنابراین ـ *cyavanti*: سقوط می‌کنند ـ *te*: آنها.

## ترجمه

**من تنها لذت‌برنده و یگانه ارباب قربانی هستم. بنابراین، کسانی که سرشت حقیقی روحانی مرا نمی‌شناسند سقوط می‌کنند.**

## شرح

در این آیه به روشنی بیان گردیده که در ادبیات ودایی انجام انواع بسیاری از یاگیا توصیه شده است، ولی در واقع همه آنها برای رضایت خداوند متعال است. یاگیا یعنی ویشنو. در فصل دوم بهاگاواد-گیتا به وضوح بیان شده که انسان باید فقط برای رضایت یاگیا یا ویشنو عمل کند. تصویر کامل تمدن بشری که در نظام اجتماعی وارناشراما ـ دهارما شکل می‌گیرد به منظور تحصیل رضایت ویشنو است. بدین سبب، کریشنا در این آیه می‌فرماید: "من لذت‌برنده از تمام قربانیها هستم، زیرا من ارباب متعالم." با این وصف، اشخاص کم‌شعور بدون اطلاع از این حقیقت و فقط به منظورکسب منافع مادی موقت، فرشتگان را می‌پرستند. بنابراین، آنان در ورطه موجودیت مادی فرومی‌افتند و به مقصد نهایی زندگی دست نمی‌یابند. اما چنانچه شخص در آرزوی تحقق هر گونه آرزوی مادی باشد، بهتر است بدین منظور به درگاه خداوند متعال دعا کند و به نتیجه مطلوب برسد، هرچند که این بندگی خالص و عبودیت پاک نیست.

## آیه ۲۵

*yānti deva-vratā devān*
*pitṝn yānti pitṛ-vratāḥ*
*bhūtāni yānti bhūtejyā*
*yānti mad-yājino 'pi mām*

*yānti*: می‌روند ـ *deva-vratāḥ*: پرستش‌کنندگان فرشتگان ـ *devān*: به سوی فرشتگان ـ *pitṝn*: به سوی اجداد و نیاکان ـ *yānti*: می‌روند ـ *pitṛ-vratāḥ*: پرستش‌کنندگان نیاکان ـ *bhūtāni*: نزد اشباح و ارواح ـ *yānti*: می‌روند ـ *bhūta-ijyāḥ*: پرستش‌کنندگان اشباح و ارواح ـ *yānti*: می‌روند ـ *mat*: مال من، م ـ *yājinaḥ*: مریدان، عابدان ـ *api*: ولی ـ *mām*: نزد من.

## ترجمه

**کسانی که به پرستش فرشتگان می‌پردازند در میان فرشتگان تولد می‌یابند؛ کسانی که اجداد و نیاکان را می‌پرستند به سوی آنان عزیمت می‌کنند؛ کسانی که اشباح و ارواح را می‌پرستند در میان آنها تولد می‌یابند؛ و کسانی که مرا عبادت می‌کنند با من زندگی خواهند کرد.**

## شرح

چنانچه شخص خواسته رفتن به ماه، خورشید یا هر سیاره دیگری را داشته باشد می‌تواند با پیروی از اصول ودایی خاصی – همچون طریقه دارشا ـ پرناماسی – که برای آن منظور توصیه شده به مقصد دلخواه دست یابد. این گونه اعمال در بخش فعالیتهای ثمرجویانه وداها به روشنی توصیف شده است که پرستش فرشتگان حکمران سیارات مختلف بهشتی را توصیه می‌نماید. مشابهاً، انسان می‌تواند با انجام یاگیای بخصوصی به سیارات پیتا (نیاکان) دست یابد. همچنین به همین ترتیب می‌تواند به بسیاری از کرات اشباح و ارواح عزیمت کند و یک یاکشا، راکشا یا پیشاچا گردد. پرستش پیشاچا "هنر جادوگری" یا "اسرار پلید" خوانده می‌شود. اشخاص بسیاری هستند که به فنون جادوگری عمل می‌کنند با این گمان که مشغول فعالیتهای روحانی‌اند در حالی که چنین اعمالی کاملا در حوزه مادی قرار دارد. به همین نحو، مرید مخلص یا عابد پاک، که فقط شخصیت اعلای خداوند را عبادت می‌کند بدون شک به سیارات روحانی همچون کرات وایکونتها و کریشنالوکا دست می‌یابد. از این آیه مهم می‌توان به سادگی درک نمود که چنانچه انسان بتواند صرفاً با پرستش فرشتگان به کرات بهشتی، یا با پرستش پیتاها به کرات پیتا، و یا با تمرین هنر جادوگری به کرات اشباح دست یابد، چگونه عابد پاک نتواند به سیاره کریشنا یا ویشنو نائل شود؟ متأسفانه از آنجایی‌که اکثریت مردم نسبت به این سیارات روحانی که کریشنا و ویشنو در آن زندگی می‌کنند کمترین اطلاعی ندارند، در اقیانوس موجودیت مادی فرومی‌افتند. بدین جهت این جنبش الهی‌کریشنا آگاهی مشغول اشاعه این معرفت عالیه در سراسر جهان است که صرفاً با ذکر اسماء مقدس الهی یعنی مانترای هاره کریشنا، انسان می‌تواند در این زندگی به کمال دست یابد و به وطن اصلی نزد خداوند بازگشت نماید.

## آیه ۲۶

*patraṁ puṣpaṁ phalaṁ toyaṁ*
*yo me bhaktyā prayacchati*
*tad ahaṁ bhakty-upahṛtam*
*aśnāmi prayatātmanaḥ*

*patram*: یک برگ ـ *puṣpam*: یک گل ـ *phalam*: یک میوه ـ *toyam*: آب ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *me*: به من ـ *bhaktyā*: با عشق و عبودیت ـ *prayacchati*: تقدیم کند ـ *tat*: آن ـ *aham*: من ـ *bhakti-upahṛtam*: تقدیم شده در عشق و عبودیت ـ *aśnāmi*: می‌پذیرم ـ *prayata-ātmanaḥ*: ازکسی که در آگاهی خالص قرار دارد.

## ترجمه

**اگر کسی با عشق و عبودیت یک برگ، یک گل، میوه یا آب به من تقدیم نماید، من آن را خواهم‌پذیرفت.**

## شرح

برای اشخاص خردمند این امر ضروری است که در آگاهی به کریشنا باشند و وجود خویش را نثار خدمت عاشقانه روحانی به خداوند نمایند تا به حیات سعادت‌آمیز جاودان در ملکوت سرمدی پرشعف نائل آیند. طریق دستیابی به چنین نتیجه والایی بسیار آسان است و حتی فقیرترین فقیران نیز بدون هیچ گونه صلاحیت خاص یا قید و شرطی می‌تواند در راه آن تلاش کند. تنها صلاحیت لازم، عابد پاک خدا بودن است. این موضوع اهمیت ندارد که شخص کیست یا کجا واقع شده است. طریقه این بندگی عاشقانه چنان است که انسان می‌تواند حتی یک برگ، کمی آب یا میوه را با عشق و خلوص حقیقی به خداوند متعال تقدیم کند و خداوند را از پذیرفتن آن خشنود و راضی سازد. بنابراین، هیچکس از آگاهی به کریشنا محروم نمی‌ماند، زیرا طریقه این بندگی خالصانه چنان ساده و عملی است که در هر نقطه جهان قابل اجراست. اینک کیست آن جاهل و غافلی که نخواهد با چنین روش ساده‌ای کریشنا آگاه شود و بدین‌سان به بالاترین کمال حیات جاودان مملو از شعف و سرشار از دانش دست

یابد؟ کریشنا فقط خدمت خالصانه و عاشقانه می‌خواهد و نه چیز دیگری. خداوند حتی گلی کوچک را از عابد پاکش می‌پذیرد، در حالی که هیچ نوع پیشکشی از غیرعابد طلب نمی‌کند. خداوند محتاج هیچ چیز از هیچکس نیست، زیرا او غنی کامل و مطلق است، لیکن با این حال تقدیم عابد پاکش را که تبادل عشق و محبت است می‌پذیرد. باید در نظر داشت که پرورش کریشنا آگاهی بالاترین کمال حیات است. در این آیه دو بار واژه بهاکتی ذکر شده است تا اهمیت و تأکید بیشتری را بر این نکته نمایان سازد که بهاکتی یا خدمت عابدانه تنها راه تقرب به کریشناست. هیچ شرط دیگری، همچون براهمانا، دانش‌پژوهی دانا، ثروتمندی بزرگ یا فیلسوفی برجسته بودن نمی‌تواند کریشنا را نسبت به قبول پیشکشی ترغیب کند. بدون وجود اصل اساسی بهاکتی، هیچ چیز نمی‌تواند باعث شود که خداوند چیزی از کسی قبول کند. بهاکتی هیچگاه در وادی علت و معلول نمی‌گنجد و جاودانی است و عمل خالص در خدمت به کل مطلق محسوب می‌شود.

خداوند کریشنا پس از اینکه روشن گرداند که او تنها لذت‌برنده، خداوند ازلی و مقصود حقیقی تمام پیشکشهای قربانی است، این نکته را آشکار می‌کند که چه نوع قربانیهایی دوست دارد به او تقدیم شود. چنانچه کسی بخواهد از طریق خدمت عابدانه به خداوند تطهیر گردد و به هدف زندگی، یعنی خدمت عاشقانه روحانی به خداوند نائل آید، آنگاه باید دریابد که خداوند چه چیزی از او می‌خواهد. کسی که کریشنا را دوست بدارد و به او عشق بورزد هرآنچه که او بخواهد بدو تقدیم خواهد کرد و نسبت به آنچه که خواسته و طلب نشده است اجتناب خواهد نمود. در نتیجه گوشت، ماهی و تخم‌مرغ نباید به کریشنا تقدیم شود. چنانچه خداوند چنین چیزهایی را به عنوان پیشکش می‌خواست آن را ذکر می‌نمود، بلکه به جای آن به روشنی درخواست می‌کند که یک برگ، گل، میوه و آب به او تقدیم شود و در مورد این پیشکش می‌فرماید: "من آن را خواهم پذیرفت." بدین لحاظ ما باید درک کنیم که او گوشت، ماهی و تخم‌مرغ را نمی‌پذیرد. سبزیجات، حبوبات، میوه‌جات، شیر و آب، خوراکهای خوبی برای انسان هستند و از طرف خود خداوند کریشنا نیز تجویزشده‌اند. جز اینها آنچه ما تناول کنیم قابل تقدیم به او نخواهد بود، زیرا خداوند آن را نمی‌پذیرد. در نتیجه چگونه می‌توان از عشق و عبودیت نسبت به خداوند سخن راند هنگامی که میل و خواست او را رعایت نکنیم؟ بنابراین بدین ترتیب نمی‌توان در سطح عبودیت عاشقانه عمل نمود.

شری کریشنا در آیه سیزدهم فصل سوم، برای کسانی که جویای پیشرفت در زندگی‌اند و می‌خواهند از پنجه‌های اسارت دنیای مادی رهایی یابند، توضیح می‌فرماید که تنها باقیمانده‌های قربانی، پاک و شایسته مصرف است. در همان آیه می‌فرماید کسانی که غذای خود را تقدیم نمی‌کنند، تنها گناه تناول می‌نمایند. به عبارت دیگر، هر لقمه آنان باعث می‌گردد بیشتر در دام واکنشهای طبیعت مادی فرو روند. اما تهیه غذاهای ساده و لذیذ گیاهی و تقدیم آن در مقابل تمثال یا آرچای خداوند کریشنا و سجده کردن و دعا کردن به او که این پیشکش ناقابل را بپذیرد، انسان را قادر می‌سازد که مرتباً در زندگی پیشرفت کند، بدنش را پاک سازد و سلولهای مغزی لطیفتر تولید کند که منجر به تفکر روشن گردد. و مهمتر از همه اینها، تقدیم باید با حالتی سرشار از عشق صورت گیرد. خداوند کریشنا به عنوان مالک مطلق، چون صاحب جمله اشیاء هستی است، هیچ گونه نیازی به غذا ندارد؛ لیکن او این پیشکش را از کسی که بخواهد با این طریق بندگی عاشقانه او را راضی و خشنود سازد قبول می‌نماید. عامل بسیار مهم در آماده کردن، پیش آوردن و تقدیم این است که با حالتی سرشار از عشق به کریشنا انجام شود.

فلاسفه بی‌هویت‌گرا که اصرار می‌ورزند اثبات کنند حقیقت مطلق فاقد حواس است، نمی‌توانند این آیه بهاگاواد-گیتا را درک کنند. برای آنان این آیه یا استعاره‌ای بیش نیست یا گواهی بر اثبات مادی بودن شخصیت کریشنا گوینده بهاگاواد-گیتاست . ولی در واقع خداوند متعال، کریشنا، دارای حواس است و گفته شده که هر یک از حواس روحانی او قادر است کار حواس دیگر را نیز انجام دهد. این است مفهوم مطلق بودن کریشنا. بدون داشتن حواس چگونه می‌توان گفت که او در تمامی توانگریها کامل است؟ در فصل هفتم کریشنا توضیح داده است که او موجودات زنده را در رحم طبیعت مادی بارور می‌سازد و این کار را با نظر افکندن بر طبیعت مادی انجام می‌دهد. بنابراین برای کریشنا شنیدن کلمات عاشقانه عابد هنگام تقدیم خوراک، کاملا با خوردن و چشیدن واقعی او یکی است. بر این نکته باید مجدداً تأکید شود که به علت موقعیت مطلق خداوند، شنوایی او کاملا و

مطلقاً با خوردن و چشیدن او یکی است. تنها آن عابد که کریشنا را همان گونه که شخصاً خود را توصیف می‌نماید، بدون تفسیر و تعبیر می‌پذیرد، می‌تواند درک کند که حقیقت مطلق متعال می‌تواند غذا تناول کند و از آن لذت ببرد.

## آیه ۲۷

*yat karoṣi yad aśnāsi*
*yaj juhoṣi dadāsi yat*
*yat tapasyasi kaunteya*
*tat kuruṣva mad-arpaṇam*

*yat*: هر آنچه ـ *karoṣi*: انجام می‌دهی ـ *yat*: هر آنچه ـ *aśnāsi*: می‌خوری ـ *yat*: هر آنچه ـ *juhoṣi*: تقدیم می‌کنی ـ *dadāsi*: می‌بخشی ـ *yat*: هر آنچه ـ *yat*: هر آنچه ـ *tapasyasi*: ریاضتهایی‌که انجام می‌دهی ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *tat*: آن ـ *kuruṣva*: انجام بده ـ *mat*: به من ـ *arpaṇam*: به عنوان پیشکش.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، آنچه انجام می‌دهی، آنچه می‌خوری، آنچه قربانی می‌کنی یا می‌بخشی، و تمامی ریاضتهایی که متحمل می‌شوی، آنها را به من تقدیم کن.**

## شرح

این وظیفه همه است که زندگی خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که تحت هیچ شرایطی نتوانند کریشنا را فراموش نمایند. همه باید برای حفظ و بقای بدن فعالیت کنند و کریشنا در اینجا توصیه می‌نماید که انسان باید برای او کار کند، یعنی کار خود را در آگاهی به او انجام دهد و ثمرات آن را به خداوند ببخشد. همه ناگزیرند برای زنده ماندن غذایی برگیرند؛ پس انسان باید از باقیمانده غذایی که به پیشگاه خداوند تقدیم شده، تناول نماید. هر انسان متمدنی باید نوعی مراسم و مناسک مذهبی انجام دهد؛ پس کریشنا توصیه می‌کند: "آن را برای من انجام ده"، و این آرچانا خوانده می‌شود. همه مایلند چیزی به عنوان صدقه ببخشند؛ کریشنا می‌فرماید: "آن را به من اعطاء کن"، این بدان مفهوم است که تمام پول اضافی جمع شده باید صرف پیشبرد جنبش کریشنا آگاهی گردد. در دوران معاصر مردم به مدی‌تیشن تمایل بسیار نشان می‌دهند که در این عصر چندان هم عملی نیست، اما اگر کسی با ذکر مانترای هاره کریشنا روی تسبیحش، بیست و چهار ساعته تمرکز بر کریشنا را تمرین کند، در این صورت همان گونه که در فصل ششم بهاگاواد–گیتا تصریح گردیده است مطمئناً بزرگترین مدیتیت کننده و یوگی به شمار خواهد آمد.

## آیه ۲۸

*śubhāśubha-phalair evaṁ*
*mokṣyase karma-bandhanaiḥ*
*sannyāsa-yoga-yuktātmā*
*vimukto mām upaiṣyasi*

*śubha*: از خجسته (نیک) ـ *aśubha*: و ناخجسته (بد) ـ *phalaiḥ*: نتایج ـ *evam*: بدین ترتیب ـ *mokṣyase*: رها خواهی شد ـ *karma*: مربوط به کار ـ *bandhanaiḥ*: از اسارت ـ *sannyāsa*: مربوط به انقطاع ـ *yoga*: یوگا ـ *yukta-ātmā*: متمرکز شدن کامل ذهن ـ *vimuktaḥ*: رها شده ـ *mām*: به من ـ *upaiṣyasi*: دست خواهی یافت.

## ترجمه

**به این طریق تو از بند عمل و نتایج نیک یا بد آن رها خواهی شد. آن هنگام که با توجه به این اصلِ انقطاع، ذهنت بر من ثابت و متمرکز گردید، رها و رستگار خواهی شد و نزد من خواهی آمد.**

## شرح

کسی که تحت هدایت شخصی برتر در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند، یوکتا خوانده می‌شود. اصطلاح فنی‌تر آن یوکتا ـ وایراگیا است. این مطلب به‌وسیله حضرت روپا گوسوامی در زیر بیشتر توضیح داده شده است:

*anāsaktasya viṣayān*
*yathārham upayuñjataḥ*
*nirbandhaḥ kṛṣṇa-sambandhe*
*yuktaṁ vairāgyam ucyate*

(بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیندهو ۲۵۵/۲)

حضرت روپا گوسوامی می‌فرماید مادامی که ما در این دنیای مادی بسر می‌بریم باید عمل کنیم و امکان دست کشیدن از کار و فعالیت وجود ندارد. بنابراین چنانچه نتیجه و ثمره کار به کریشنا داده شود، در این صورت آن کار یوکتا ـ وایراگیا خوانده می‌شود. چنین فعالیتهایی که در انقطاع انجام گردد، آئینه ذهن را پاک می‌نماید و به همین ترتیب که فاعل آنها تدریجاً در معرفت روحانی پیشرفت حاصل می‌کند، کاملا به شخصیت متعال خداوند تسلیم می‌گردد. بنابراین سرانجام در موقعیت یک روح رها شده قرار می‌گیرد و این رهایی نیز صریحاً ذکر شده است: او به واسطه این رهایی با برهماجیوتی یکی نمی‌شود بلکه به سیاره روحانی خداوند متعال پا می‌نهد. این مطلب در آیه حاضر به وضوح ذکر شده است: مام اوپایشیاسی، "او نزد من می‌آید یعنی به وطن، خداوند بازگشت خواهد کرد."

کسی که علاقه‌ای جز وقف کردن زندگیش در راه خدمت به خداوند ندارد، واقعاً یک سانیاسی است. چنین شخصی همواره خود را خادم ابدی خداوند و خویش را متکی به اراده و خواست الهی می‌داند و به این ترتیب تمامی آنچه انجام می‌دهد تنها برای رضایت خداوند است. و هر کاری که می‌کند آن را به منزله خدمت به خداوند انجام می‌دهد. او نسبت به کار برای اجر و ثمر یا وظایف تجویزشده‌ای که در وداها ذکر گردیده است، توجه و رغبت نشان نمی‌دهد. برای اشخاص عادی واجب است که وظایف تجویزشده در وداها را انجام دهند، لیکن گاهی اوقات ممکن است به نظر رسد که عابد پاک – که کاملا وقف خدمت به خداوند است – برخلاف وظایف تجویزشده ودایی عمل می‌کند، ولی در واقع چنین نیست.

از این رو، مراجع وایشناوا گفته‌اند که حتی خردمندترین و باهوشترین اشخاص نمی‌توانند نقشه‌ها و فعالیتهای عابد پاک و سرسپرده خالص را درک کنند. این کلام (چیتانیا ـ چاریتامریتا، مادهیا ۳۹/۲۳) دقیقاً چنین است:

*tāṅra vākya, kriyā, mudrā vijñeha nā bujhaya*

شخصی که بدین گونه همیشه در خدمت خداوند است و یا همواره فکر می‌کند و نقشه می‌کشد که چگونه به خداوند خدمت کند، در حال حاضر باید شخصی کاملا رها شده و رستگار محسوب گردد، و بازگشت او به سرمنزل مقصود، نزد خداوند، در آینده تضمین شده است. او ورای هر گونه عیب‌جویی و یا انتقاد مادی قرار دارد، همان گونه که کریشنا در ورای هر نوع انتقاد و عیب‌جویی است.

## آیه ۲۹

*samo 'haṁ sarva-bhūteṣu*

*na me dveṣyo 'sti na priyaḥ*
*ye bhajanti tu māṁ bhaktyā*
*mayi te teṣu cāpy aham*

*samaḥ*: به طور یکسان علاقه‌مند ـ *aham*: من ـ *sarva—bhūteṣu*: نسبت به تمام موجودات زنده ـ *na*: هیچکس ـ *me*: برای من ـ *dveṣyaḥ*: نفرت‌انگیز ـ *asti*: است ـ *na*: و نه، هم نه ـ *priyaḥ*: عزیز ـ *ye*: آن کسانی که ـ *bhajanti*: خدمت روحانی اعطاء می‌کنند ـ *tu*: ولی ـ *mām*: به‌من ـ *bhaktyā*: در عشق و عبودیت ـ *mayi*: در من هستند ـ *te*: چنین اشخاصی ـ *teṣu*: در آنها ـ *ca*: همچنین ـ *api*: حتماً، محققاً ـ *aham*: من.

## ترجمه

**من به هیچ کس حسادت نمی‌ورزم و تمایل خاصی نیز به هیچکس ندارم، بلکه نسبت به همه یکسان هستم. لیکن هر کس که با عشق و عبودیت به من خدمت کند، در من و دوست من است، و من نیز دوست او هستم.**

## شرح

در اینجا ممکن است این سؤال مطرح گردد که اگر کریشنا نسبت به همه یکسان است و هیچکس دوست خاص او نیست، پس چرا به مریدانی که همواره مشغول خدمت روحانی به اویند، توجه و علاقه خاص مبذول می‌دارد؟ در اینجا بحث بر تمایز قائل شدن و یا جانبداری کردن نیست، بلکه این امری طبیعی محسوب می‌شود. مشابهاً در دنیای مادی فردی هر قدر هم که بخشنده باشد توجه بیشتری به فرزندان خود ابراز می‌دارد. خداوند می‌فرماید که هر موجود زنده – در هر شکلی از حیات که باشد – به منزله فرزند اوست و در نتیجه او احتیاجات زندگی آنها را با اعطای سخاوتمندانه نعمتهایش تأمین می‌نماید. او همچون ابری است که باران خود را در همه جا صرف نظر از اینکه محل بارش سنگ است، یا خاک و یا آب نازل می‌کند. اما نسبت به مریدانش توجه خاصی مبذول می‌دارد. این عابدان، همان گونه که وصف آنها در این آیه آمده است، همواره در کریشنا آگاهی هستند و بنابراین همیشه به طور روحانی در کریشنا واقع شده‌اند. خود عبارت "کریشنا آگاهی" بیانگر این مطلب است که افراد قرار گرفته در این آگاهی، عرفایی هستند که در او قرار دارند. خداوند در اینجا مشخصاً و صریحاً اظهار می‌کند مایی‌ته: "آنها در من هستند." در نتیجه طبعاً خداوند نیز در آنان است. این امر رابطه‌ای دوطرفه و متقابل را تشکیل می‌دهد. این امر همچنین توضیح عبارت زیر نیز هست که:

*ye yathā māṁ prapadyante tāṁs tathaiva bhajāmy aham*

"به همان نسبتی که هر کس به من تسلیم گردد، از او مراقبت می‌کنم." چون خداوند و عابد هر دو آگاه هستند، این رابطه دوجانبه روحانی وجود دارد. وقتی نگین الماس بر حلقه‌ای از طلا قرار گیرد بسیار زیبا به نظر می‌رسد. طلا و الماس، زیبایی و جلوه یکدیگر را تشدید می‌کنند. مشابهاً خداوند و روح فردی دارای درخشندگی جاودانند: خداوند الماس و روح فردی شایق به خدمت او همچون طلاست؛ پیوند و ترکیب این دو جلوه بسیار زیبایی پیدا می‌کند. موجودات زنده در حالت پاک خود عابد خوانده می‌شوند و خداوند متعال، مرید عابدان خویش می‌شود. در صورتی که رابطه‌ای متقابل بین عابد و خداوند وجود نداشته باشد، آنگاه فلسفه شخصیت خداوند مفهومی نخواهد داشت. در فلسفه بی‌هویت‌گرایی هیچ گونه رابطه‌ای بین متعال و موجود زنده وجود ندارد، در حالی که در فلسفه معتقدان به شخصیت الهی چنین نیست.

این مثال اغلب زده می‌شود که خداوند همانند یک درخت آرزوست که هرآنچه انسان از آن طلب کند، خداوند اعطاء می‌کند. اما در اینجا توضیح کاملتری مطرح می‌شود مبنی بر اینکه خداوند به مریدان و عابدان خود علاقه دارد و هواخواه و جانبدار

آنهاست. این مظهر لطف خاص خداوند نسبت به عابدان و سرسپردگان است. رابطه دوجانبه خداوند و عابدان را نباید تحت قانون کارما در نظر گرفت بلکه این رابطه متعلق به موقعیتی عالی و روحانی می‌باشد که خداوند و مریدان در آن قرار دارند. خدمت عابدانه به خداوند فعالیتی دنیوی و مادی نیست و متعلق به دنیای روحانی می‌باشد که در آن ابدیت، شعف و دانش حکمفرماست.

## آیه ۳۰

*api cet su-durācāro*
*bhajate mām ananya-bhāk*
*sādhur eva sa mantavyaḥ*
*samyag vyavasito hi saḥ*

*api*: حتی ـ *cet*: اگر ـ *su—durācāraḥ*: شخصی که مرتکب زشت‌ترین اعمال گردد ـ *bhajate*: مشغول خدمت عابدانه است ـ *mām*: به من ـ *ananya-bhāk*: بدون انحراف ـ *sādhuḥ*: یک قدیس ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *saḥ*: او ـ *mantavyaḥ*: باید محسوب گردد ـ *samyak*: کاملا ـ *vyavasitaḥ*: در عزم راسخ واقع شده ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *saḥ*: او.

## ترجمه

**اگر کسی مشغول خدمت عابدانه باشد، چنانچه حتی به زشت‌ترین اعمال مبادرت ورزد، باید همچنان شخصی مقدس به شمار آید، چون او در راه درست قرار گرفته است.**

## شرح

واژه سو ـ دوراچارا که در این آیه به کار رفته است بسیار حائز اهمیت می‌باشد و ما باید آن را به درستی درک نماییم. وقتی موجود زنده در قید و بند است دو نوع فعالیت دارد: یکی فعالیتهایی که ناشی از مقید بودن اوست و دیگری فعالیتهایی که به اقتضای موقعیت فطری از آن برخوردار است. فعالیتهای نوع اول شامل فعالیتهای مربوط به موجودیت مادی است که به آنها فعالیتهای مقید می‌گویند مانند حفظ بدن، پیروی از قوانین اجتماع و مملکت که رعایت آنها حتی برای عابدان خدا نیز صادق است. علاوه بر این، موجود زنده‌ای که کاملا به سرشت روحانیش آگاه و در کریشنا آگاهی یا خدمت عابدانه به خداوند قرار گرفته است، فعالیتهایی دارد که متعال و روحانی خوانده می‌شود. چنین فعالیتهایی بر اساس موقعیت فطری روح انجام می‌شود که در اصطلاح روحانیت، بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه خوانده می‌شود. در حالت مقید، خدمت عابدانه (فعالیتهای عابدانه) و خدمت مقید (فعالیتهای دنیوی نفس مقید که در رابطه با حفظ و بقای بدن است) گاهی اوقات به موازات هم و پاره‌ای وقتها مغایر با یکدیگرند. عابد، تا آنجا که امکان دارد، مراقب و هوشیارست تا مبادا کاری انجام دهد یا مرتکب عملی گردد که به وضعیت صحیح و سالمش خدشه وارد سازد. او می‌داند که رسیدن به کمال در فعالیتهایش بستگی به پیشرفت در خودشناسی و شناخت عمیق از کریشنا آگاهی دارد. اما پاره‌ای اوقات ممکن است شخص‌کریشنا آگاهی کاری انجام دهد که از نظر اجتماعی یا سیاسی بسیار منفور و زشت به نظر آید؛

لیکن چنین سقوط موقتی از او سلب صلاحیت نمی‌کند و او را مردود نمی‌سازد. در شریماد ـبهاگاواتام آمده است اگر شخصی در حالی که با تمام قلبش مشغول خدمت روحانی خداوند متعال است، سقوط کند، خداوند حاضر در قلب، او را از درون پاک می‌نماید و مورد عفو قرار می‌دهد. آلودگی مادی آنقدر قوی است که گاهی حتی یوگیی را که کاملا وقف خدمت به خداوند است، در گرداب نیروی مادی به دام می‌افکند؛ لیکن، از طرف دیگر، کریشنا آگاهی نیز آنچنان قدرتمند است که این

سقوط تصادفی را بلافاصله جبران و اصلاح می‌کند. بنابراین باید در در نظر داشت که روند خدمت عابدانه همواره موفقیت‌آمیز است. هیچکس نباید عابدی را به دلیل یک سقوط اتفاقی از راه کمال استهزاء نماید، زیرا همان گونه که در آیه بعد توضیح داده خواهد شد، چنین سقوطهای اتفاقی به موقع خود، به مجرد اینکه عابد کاملا در آگاهی به کریشنا قرار گرفت، متوقف می‌گردد.
بنابراین کسی که در کریشنا آگاهی واقع شده و با عزم راسخ مشغول ذکر هاره کریشنا، هاره‌کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره است، حتی چنانچه ملاحظه گردد که از روی اتفاق یا اشتباه سقوط کرده باید به منزله کسی که در موقعیت روحانی است در نظر گرفته شود. لغات سادهوراوا به معنای "مقدس است" بسیار حالت تأکیدی دارد و هشداری است به غیر عابدان که نباید عابدی را به علت سقوط اتفاقی مسخره نمایند؛ بدین لحاظ حتی چنانچه تصادفاً سقوط کرده باشد باید مقدس محسوب گردد. و واژه مانتاویا تأکید بیشتری در این مورد است. اگر انسان از این اصل پیروی نکند و عابدی را به خاطر لغزشش استهزاء نماید، در این صورت از فرمان خداوند متعال سرپیچی کرده است. تنها شایستگی و صلاحیت یک عابد مشغول بودن وی با عزمی راسخ و منحصراً در خدمت عابدانه خداوند است.
در نریسیمها پورانا آمده است:

*bhagavati ca harāv ananya-cetā*
*bhṛśa-malino 'pi virājate manuṣyaḥ*
*na hi śaśa-kaluṣa-cchabiḥ kadācit*
*timira-parābhavatām upaiti candraḥ*

"بدین مفهوم که حتی چنانچه گاهی اوقات شخصی که کاملا وقف خدمت عابدانه خداوند است مشغول اعمال مکروه شود، این اعمال را باید همچون لکه‌هایی بر ماه در نظر گرفت. چنین لکه‌هایی مانعی در تلالؤ نور ماه نمی‌گردد. مشابهاً سقوط اتفاقی یک عابد از راه روحانیت و از صفات قدیس‌گونه او را منفور و مطرود نمی‌سازد."
از طرف دیگر انسان نباید دچار این درک اشتباه گردد که یک عابد در خدمت عابدانه روحانی می‌تواند به هر نحو زشت و ناپسندی که می‌خواهد رفتار کند؛ این آیه فقط مربوط به مواردی است که اتفاقاً یا سهواً در اثر قدرت فراوان روابط مادی صورت می‌گیرد. خدمت عابدانه کم و بیش اعلام جنگی است بر علیه نیروی توهمی و مادامی که انسان آنقدر نیرومند نشده باشد که با انرژی توهمی بجنگد امکان سقوطهای اتفاقی وجود دارد. اما وقتی انسان به اندازه کافی نیرو کسب کند، همان گونه که پیشتر توضیح داده شد، دیگر در معرض چنین سقوطهایی قرار نمی‌گیرد. هیچکس نباید با تعبیر اشتباه از این آیه سوءاستفاده نماید و به گمان اینکه هنوز عابد است به اعمال زننده مبادرت ورزد. چنانچه او با خدمت عابدانه به صفات و خصائل خود تکامل نبخشد و آنها را بهتر نکند آنگاه باید فهمید که او عابد بلندپایه‌ای نیست.

## آیه ۳۱

*kṣipraṁ bhavati dharmātmā*
*śaśvac-chāntiṁ nigacchati*
*kaunteya pratijānīhi*
*na me bhaktaḥ praṇaśyati*

*kṣipram*: خیلی زود ـ *bhavati*: می‌گردد ـ *dharma-ātmā*: صالح، درستکار ـ *śaśvat-śāntim*: صلح پایدار، آرامش پردوام ـ *nigacchati*: دست می‌یابد ـ *kaunteya*: ای پسرکونتی ـ *pratijānīhi*: اعلام کن ـ *na*: هرگز، هیچگاه ـ *me*: مال من، م ـ *bhaktaḥ*: عابد، مرید، فدایی ـ *praṇaśyati*: نابود می‌شود، از بین می‌رود.

## ترجمه

**دیری نمی‌گذرد که او انسانی صالح می‌شود و به آرامشی پردوام نائل می‌گردد. ای پسر کونتی،شجاعانه اعلام کن که عابد و فدایی من هرگز نابود نخواهد شد.**

## شرح

نباید اشتباهی در درک این مطلب به وجود آید. خداوند در فصل هفتم می‌فرماید کسی که مشغول اعمال ناپسند است نمی‌تواند عابد او شود. پس فرد به سبب اینکه عابد خداوند نیست‌عاری از هر گونه شایستگی و لیاقت است. اینک دقیقاً این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه شخصی که اشتباهاً یا تعمداً به اعمال زشت مبادرت ورزیده، می‌تواند عابد پاک باشد؟ باید در نظر داشت که اشخاص شریر، که در فصل هفتم از آنها نام برده شد هیچگاه در راه خدمت عابدانه به خداوند قدم نمی‌گذارند و لذا همان گونه که در شریماد- بهاگاواتام ذکر شده است هیچ گونه صلاحیت و صفات شایسته‌ای ندارند؛ در حالی که عابدی که وقف نه روش خدمت عابدانه می‌گردد در حال پاک کردن تمامی آلودگیهای مادی از قلب است. عابد قلبش را جایگاه شخصیت اعلای خداوند می‌کند و بدین سبب از تمامی آلودگیهای گناهان پاک می‌گردد. هر گونه ناپاکی از روح عابد، از طریق فکر کردن مداوم به خداوند متعال زدوده می‌شود. طبق وداها چنانچه کسی از مقام والای خود فرو افتد، قوانین وجود دارد که بر مبنای آن شخص باید تشریفات مذهبی خاصی را بجا آورد تا وجود خویش را پاک و تطهیر کند. لیکن در اینجا چنین نیازی پیش نمی‌آید، زیرا عابد به علت به یاد داشتن دائم شخصیت متعال خداوند، روش تهذیب را از پیش در قلب خود دارد. بنابراین، ذکر اسماء مقدس هاره کریشنا، هاره‌کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره باید بدون وقفه ادامه یابد زیرا این روش عابد را از هر گونه سقوط اتفاقی یا اشتباهی مصون خواهد داشت. و در نتیجه همواره از هر گونه آلودگی مادی مبری خواهد ماند.

## آیه ۳۲

*māṁ hi pārtha vyapāśritya*
*ye 'pi syuḥ pāpa-yonayaḥ*
*striyo vaiśyās tathā śūdrās*
*te 'pi yānti parāṁ gatim*

*mām*: مربوط به من ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *vyapāśritya*: بخصوص پناه‌بردن به ـ *ye*: آن کسانی که ـ *api*: همچنین ـ *syuḥ*: هستند ـ *pāpa-yonayaḥ*: زاده شده از یک خانواده فرومرتبه ـ *striyaḥ*: زنان ـ *vaiśyāḥ*: اشخاص تاجر و بازرگان ـ *tathā*: همچنین ـ *śūdrāḥ*: افراد طبقه پایین ـ *te api*: حتی آنها ـ *yānti*: عزیمت می‌کنند ـ *parām*: به سوی والا و متعال ـ *gatim*: مقصد.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، کسانی که به من پناه می‌برند هرچند از تولد پایین ـ زنان، وایشیاها [تاجران وبازرگانان] و شودراها [کارگران] ـ باشند می‌توانند به مقصد اعلی نائل آیند.**

## شرح

در آیه حاضر خداوند متعال به وضوح اعلام می‌دارد که در خدمت عابدانه هیچ گونه تفاوتی یا تمایزی بین افراد متعلق به طبقات بالا و اشخاص طبقات پایین جامعه وجود ندارد. چنین تقسیم‌بندیهایی در سطح مادی حیات موجود است، در حالی که

برای کسی که وقف خدمت عابدانه روحانی به خداوند است چنین تفاوتهایی مطرح نیست. همه اشخاص، شایسته نیل به مقصد اعلی هستند. در شریماد- بهاگاواتام (۲/۴/۱۸) آمده است که حتی فرومرتبه‌ترین اشخاص که چاندالا (سگ‌خور) خوانده می‌شوند، می‌توانند از طریق معاشرت با عابد پاک خدا تطهیر شوند. بدین جهت، خدمت عابدانه و هدایت عابد پاک آنقدر نیرومند است که هیچ گونه تمایزی بین طبقات بالاتر یا پایین‌تر مطرح نیست و هر کسی می‌تواند در این طریق خودشناسی پا نهد. ساده‌ترین فرد، چنانچه در پناه عابد پاک قرار گیرد و آموزشهای الهی او را مرکز زندگی خود قرار دهد قادر خواهد شد به لحاظ هدایت صحیح پاک گردد. اشخاص طبق گونه‌های مختلف طبیعت مادی، در گونهٔ نیکی (براهماناها)، در گونهٔ شهوت (کشاتریاها یا مدیران)، در ترکیب گونه‌های شهوت و جهل (وایشیاها یاتاجران)، و در گونهٔ جهل (شودراها یا کارگران) دسته‌بندی می‌شوند. اشخاص پایین‌تر از اینان، چاندالاها (سگ‌خورها) خوانده می‌شوند که در خانواده‌های آلوده به گناه تولد یافته‌اند. عموماً معاشرت کسانی که در خانواده‌های آلوده به گناه تولد یافته‌اند از طرف اشخاص طبقات بالاتر منع شده است، لیکن طریق خدمت عابدانه یا بندگی عاشقانه چنان نیرومند است که عابد پاک خداوند متعال می‌تواند حتی اشخاص طبقات پایین‌تر را قادر سازد به بالاترین مرتبه کمال حیات نائل آیند. همان گونه که اینجا با واژه ویاپا شریتیا نشان داده شده این امر فقط هنگامی ممکن است که انسان کاملا به کریشنا پناه ببرد. در این صورت شخص می‌تواند از بزرگترین گیانیها و یوگیها برتر گردد.

## آیه ۳۳

*kiṁ punar brāhmaṇāḥ puṇyā*
*bhaktā rājarṣayas tathā*
*anityam asukhaṁ lokam*
*imaṁ prāpya bhajasva mām*

*kim*: چقدر ـ *punaḥ*: دوباره ـ *brāhmaṇāḥ*: براهماناها ـ *puṇyāḥ*: صالح، پرهیزکار ـ *bhaktāḥ*: مریدان، عابدان ـ *rāja-ṛṣayaḥ*: پادشاهان قدیس ـ *tathā*: همچنین ـ *anityam*: موقت ـ *asukham*: مملو از مصائب ـ *lokam*: سیاره ـ *imam*: این ـ *prāpya*: به دست آوردن ـ *bhajasva*: وقف بودن در خدمت عاشقانه ـ *mām*: به من.

## ترجمه

**حال دیگر چه رسد به براهماناهای صالح، عابدان و پادشاهان قدیس که در این دنیای پرمصیبت و موقت، وجود خویش را نثار خدمت عاشقانهٔ من نموده‌اند.**

## شرح

در این دنیای مادی، طبقات مختلفی از مردم وجود دارد، لیکن با همه این احوال، این جهان جای شادی و خوشبختی برای هیچکس نیست. در آیه حاضر به روشنی ذکر گردیده است، آنیتیام آسوکهام لوکام: این جهان موقت و مملو از رنج و شوربختی اقامتگاه هیچ انسان عاقلی نیست. شخصیت اعلای خداوند اعلام می‌دارد که این جهان، موقت و مملو از مصائب گوناگون است. برخی از فلاسفه بخصوص فلاسفه مایاوادی می‌گویند این جهان کاذب است، در حالی که از تعالیم بهاگاواد-گیتا درمی‌یابیم که این جهان کاذب نیست بلکه موقتی است. بین موقت و کاذب تفاوت وجود دارد. این عالم مادی، موقت و فانی است، لیکن جهان دیگری وجود دارد که جاودان است. این عالم خاکی مملو از رنج و شوربختی است، لیکن جهان دیگر جاودان و مملو از شعف است.

خداوند به آرجونا نیز که در خانواده‌ای سلطنتی و مقدس تولد یافته است، می‌فرماید: "مشغول خدمت عابدانه من شو و بی‌درنگ به وطن جاودان خود، نزد من بازگرد." هیچکس نباید در این عالم مادی فانی که چنین مملو از رنج و مصیبت است باقی بماند. همه باید خود را در آغوش شخصیت اعلای خداوند قرار دهند تا بتوانند از خوشبختی جاودان برخوردار گردند. خدمت عابدانه یا بندگی عاشقانه خداوند تنها راهی است که از طریق آن تمام مسائل و مشکلات همه طبقات مردم می‌تواند حل شود. بنابراین، همه باید در راه شناخت خداوند یا کریشنا آگاهی همت گمارند تا به مرتبه کمال زندگی نائل آیند.

## آیه ۳۴

*man-manā bhava mad-bhakto*
*mad-yājī māṁ namaskuru*
*mām evaiṣyasi yuktvaivam*
*ātmānaṁ mat-parāyaṇaḥ*

*mat—manāḥ*: همواره فکر کردن به من ـ *bhava*: بشو ـ *mat*: مال من، م ـ *bhaktaḥ*: عابد،مرید، فدایی ـ *mat*: مال من، م ـ *yājī*: پرستش‌کننده ـ *mām*: به من ـ *namas-kuru*: سجده‌ها را تقدیم کن ـ *mām*: به من ـ *eva*: کاملا، تماماً ـ *eṣyasi*: خواهی آمد ـ *eṣyasi*: مجذوب شدن ـ *evam*: بدین‌سان ـ *ātmānam*: روح تو ـ *parāyaṇaḥ*: وقف و نثار شده به من.

## ترجمه

**ذهنت را همواره به من معطوف کن، عابد من شو، مرا عبادت کـن و سـجده‌هـای خـود را نثـار مـن کـن. بدین‌سان وقتی که کاملا مجذوب من گشتی، بی‌تردید نزد من خواهی آمد.**

## شرح

در این آیه به طرز واضحی گفته شده است که کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی تنها راه رهایی از چنگال این دنیای آلوده مادی است. پاره‌ای اوقات مفسران ناصالح معنای آنچه را به روشنی در آیه حاضر، یعنی این مفهوم که کل فعالیتهای عابدانه باید به کریشنا شخصیت متعال خداوند تقدیم شود، بیان گردیده است، تحریف می‌کنند و متأسفانه ذهن خوانندگان را به آنچه اصلا عملی نیست منحرف می‌سازند. آنها نمی‌دانند که هیچ گونه تفاوتی بین کریشنا و ذهن او وجود ندارد. کریشنا یک موجود بشری عادی نیست بلکه حقیقت مطلق است. میان جسم، ذهن و شخص او تفاوتی وجود ندارد و همگی یکی و مطلق می‌باشند. در کورما پورانا نیز – همان گونه که حضرت بهاکتی سیدهانتا ساراسواتی گوسوامی در شرح آنوبهاشیای خود بر کتاب چیتانیا ـ چاریتامریتا (فصل پنجم، آدی ـ لیلا، آیات ۴۸-۴۱) نقل فرموده – آمده است که:

*deha-dehi-vibhedo 'yaṁ neśvare vidyate kvacit*

این عبارت بدان معناست که بین جسم و شخص حق تعالی، کریشنا، هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد. اما چون مفسران به علم شناخت کریشنا واقف نیستند، با جدا کردن ذهن و بدن کریشنا از شخصیت او، وی را پنهان می‌کنند. هرچند این امر دال بر جهل و غفلت محض نسبت به علم معرفت کریشنا است ولی بعضی اشخاص از گمراه کردن مردم بهره‌برداری می‌کنند.

برخی افراد دیوصفت نیز به کریشنا فکر می‌کنند اما از روی حسادت مانند شاه کامسا، دایی کریشنا، که همواره به کریشنا می‌اندیشید اما به چشم دشمن. او همواره مضطرب و نگران زمانی بود که کریشنا بیاید و او را بکشد. این گونه فکر کردن به خداوند به ما کمک نخواهد کرد. انسان باید در حالتی سرشار از عشق مریدانه و خالصانه به فکر کریشنا باشد؛ این بهاکتی است.

انسان باید دائماً در صدد شناخت کریشنا برآید و این معرفت را در خود پرورش دهد. پرورش چنین معرفتی فقط زمانی مطلوب خواهد بود که از یک معلم حقیقی و واجد شرایط آموخته شود. کریشنا، همان طور که بارها توضیح داده‌ایم، شخصیت متعال خداوند است: جسم او مادی نیست، بلکه روحانی است و جاودان و مملو از شعف و دانش. این گونه سخن گفتن درباره کریشنا به انسان کمک خواهد کرد که عابد خدا گردد و در غیر این صورت، درک کریشنا از منبع نادرست، زحمتی بی‌ثمر خواهد بود.

بنابراین، انسان باید ذهن خود را به شکل جاودان، یعنی صورت ازلی کریشنا، معطوف سازد و با این اطمینان قلبی که کریشنا، همانا حقیقت متعال است، خود را وقف پرستش او کند. صدها هزار معبد در هندوستان وجود دارد که وقف عبادت کریشنا و خدمت عابدانه به او می‌باشند. وقتی فعالیت عابدانه انجام می‌گیرد انسان باید در برابر کریشنا به خاک بیفتد، در مقابل تمثال خدا (آرچا ـ ویگراها) سر تسلیم فرود آورد و ذهن، بدن، فعالیتها و همه چیزش را وقف خدا کند. این امر انسان را به طور کامل و بدون انحراف جذب کریشنا خواهد کرد و او را یاری خواهد داد که رهسپار کریشنالوکا گردد. شخص نباید توسط مفسران ناصالح منحرف شود، بلکه باید مشغول نه روش مختلف خدمت عابدانه گردد که نخست با شنیدن و ذکر کردن درباره کریشنا آغاز می‌شود. باید در نظر داشت که خدمت عابدانه پاک بزرگترین پیشرفت و موفقیت برای جامعه بشری است.

فصول هفتم و هشتم بهاگاواد–گیتا، خدمت عابدانه یا عاشقانه پاک به خداوند را که از دانش پندارگرایانه، یوگای قدرتهای ماورایی و اعمال ثمربخش مبری است، توضیح داده است. کسانی که به طور خالص تطهیر نشده‌اند ممکن است به وجوه مختلف خداوند مانند برهما جیوتی فاقد شخصیت یا پاراماتمای ساری و جاری جذب شوند، لیکن عابد پاک مستقیماً به خدمت خداوند متعال همت می‌گمارد.

شعر بسیار زیبایی درباره کریشنا وجود دارد که در آن به روشنی بیان شده است که هر شخصی که‌مشغول پرستش فرشتگان باشد نابخردترین است و هیچگاه نمی‌تواند به آن ارمغان عالی یعنی کریشنا دست یابد. گاهی اوقات شاید عابدی تازه‌کار از معیار و قاعده کلی عبودیت و روحانیت تنزل کند ولی با این وصف باید از تمام فلاسفه و یوگیها برتر محسوب گردد. باید درک کرد کسی که همواره به کریشنا آگاهی مشغول است شخص مقدس کامل است؛ اعمال اشتباه غیرعابدانه‌اش از میان خواهد رفت و بدون شک دیری نمی‌پاید که در کمال قرار خواهد گرفت و آنگاه امکان سقوط او از بین خواهد رفت. عابد پاک هیچگاه امکان سقوط ندارد، زیرا خداوند متعال شخصاً از عابدان پاک خود حفاظت می‌نماید. بنابراین، شخص خردمند باید مستقیماً خود را در کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی قرار دهد و با خوشبختی و سعادت در این دنیای مادی زندگی کند و سرانجام به ارمغان متعال، یعنی کریشنا، دست یابد.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی‌ودانتا بر فصل نهم شریماد بهاگاواد گیتا تحت عنوان ”محرمانه‌ترین دانش“ پایان می‌یابد.

# فصل دهم

# توانگری‌های حقیقت مطلق

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*bhūya eva mahā-bāho*
*śṛṇu me paramaṁ vacaḥ*
*yat te 'haṁ prīyamāṇāya*
*vakṣyāmi hita-kāmyayā*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت متعال خداوند فرمود ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *eva*: حتماً،محققاً ـ *mahā-bāho*: ای مسلّح بزرگ ـ *śṛṇu*: فقط بشنو ـ *me*: مال من، م ـ *paramam*: والا و متعال ـ *vacaḥ*: آموزش، تعلیم ـ *yat*: آن که ـ *te*: به تو ـ *aham*: من ـ *prīyamāṇāya*: با فکر کردن اینکه تو برای من عزیز هستی ـ *vakṣyāmi*: می‌گویم ـ *hita-kāmyayā*: به خاطر بهره‌مندی تو.

## ترجمه

**شخصیت متعال خداوند فرمود: دوباره گوش فرادار ای مسلّح بزرگ آرجونا، چون تو دوست عزیز من هستی، برای نفع تو سخنان بیشتری ادا و دانشی را به تو اعطاء خواهم کرد که از آنچه تا کنون توضیح داده‌ام برتر است.**

## شرح

واژه بهاگاوان از طرف پاراشارا مونی بدین‌سان توضیح داده شده است: کسی که دارای شش‌توانگری مطلق است، یا به عبارتی کسی که صاحب قدرت مطلق، شهرت مطلق، ثروت، دانش،زیبایی و انقطاع مطلق است بهاگاوان یا شخصیت متعال خداوند می‌باشد. وقتی کریشنا بر این کره ارض حضور داشت جلوه کاملی از توانگریهای مطلق خود را به نمایش گذاشت. بنابراین تمامی حکمای بزرگ همچون پاراشارا مونی، کریشنا را به عنوان شخصیت متعال خداوند پذیرفته‌اند. اینک کریشنا درباره توانگریها و شئون الهیش دانش محرمانه‌تری را به آرجونا تعلیم می‌دهد. پیش از این در آغاز فصل هفتم، خداوند به توصیف نیروهای مختلف خود و چگونگی عملکرد آنها پرداخت و اکنون در این فصل توانگریهای ویژه‌اش را برای آرجونا توضیح می‌دهد. توضیحات واضح خداوند در فصل قبل پیرامون نیروهای مختلفش بدین سبب بود که عشق و عبودیت برخاسته از ایمان و اعتقاد راسخ را استوار سازد و اکنون در این فصل بار دیگر آرجونا را درباره تجلیات و توانگریهای گوناگون خود آگاه می‌سازد.

انسان هر چه بیشتر درباره خداوند متعال بشنود، بیشتر در خدمت عابدانه تثبیت می‌گردد. پس انسان باید همواره، در معاشرت با عابدان، درباره خداوند بشنود، چرا که این امر باعث می‌شود انسان بیشتر به خدمت عابدانه همت گمارد. فقط افرادی که واقعاً

مشتاق آگاهی به کریشنایند می‌توانند در جمع عابدان به گفت و شنود در مورد خداوند بپردازند. اشخاص دیگر نمی‌توانند در چنین گفت‌وشنودهایی سهیم شوند. خداوند به وضوح به آرجونا می‌فرماید که چون او برایش بسیار عزیز است برای بهره‌مندی وی چنین گفت‌وشنودهایی انجام می‌گیرد.

## آیه ۲

*na me viduḥ sura-gaṇāḥ*
*prabhavaṁ na maharṣayaḥ*
*aham ādir hi devānāṁ*
*maharṣīṇāṁ ca sarvaśaḥ*

*na*: هرگز ـ *me*: مال من، م ـ *viduḥ*: می‌دانند ـ *sura-gaṇāḥ*: فرشتگان ـ *prabhavam*: اصل یامنشأ، توانگریها ـ *na*: هیچگاه ـ *mahā-ṛṣayaḥ*: حکیمان بزرگ ـ *aham*: من هستم ـ *ādiḥ*: سرچشمه ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *devānām*: مربوط به فرشتگان ـ *mahā-ṛṣīṇām*: مربوط به حکمای بزرگ ـ *ca*: همچنین ـ *sarvaśaḥ*: از هر نظر.

## ترجمه

**نه فرشتگان و نه حکیمان بزرگ، اصل و توانگریهای مرا نمی‌شناسند، زیرا من از هر نظر سرچشمهٔ وجـود فرشتگان و حکیمان هستم.**

## شرح

همان گونه که در برهما ـ سامهیتا ذکر شده، خداوند کریشنا، پروردگار متعال است. هیچکس برتر از وی نیست و او علت تمامی علل است. همچنین اینجا خداوند شخصاً اظهار می‌کند که او علت وجودی تمامی فرشتگان و حکیمان است. حتی فرشتگان و حکمای خردمند نمی‌توانند کریشنا را درک کنند و به درک نام و یا شخصیت او دست یابند، چه رسد به آن به اصطلاح محققان و دانش‌پژوهان این سیاره بسیار ناچیز یعنی زمین؟ هیچکس نمی‌تواند پی ببرد که چرا خداوند متعال در قالب انسانی معمولی بر این کره ارض ظهور می‌کند و چنین اعمال خارق‌العاده شگفت‌انگیزی را انجام می‌دهد. لذا انسان باید دریابد که محقق و دانشمند بودن، صلاحیت و شرط لازم برای درک کریشنا نیست. چنانچه فرشتگان و حکمای خردمند نیز کوشیده‌اند کریشنا را به‌وسیله پندار ذهنی خود درک نمایند اما موفق نشده‌اند. در شریماد- بهاگاواتام نیز به وضوح ذکر شده است که حتی فرشتگان بزرگ قادر نیستند شخصیت متعال خداوند را درک کنند. آنان می‌توانند در محدوده حواس ناقصشان به پندار بپردازند و به نتیجه عکس و مغایر با حاق واقع یعنی فلسفه بی‌هویت‌گرایی، یعنی به چیزی که به‌وسیله سه گونهٔ طبیعت مادی تجلی نیافته برسند، یا می‌توانند با پندارهای ذهنی خود به تصوراتی در مورد خداوند دست بزنند، لیکن معرفت کریشنا به‌وسیله چنین پندارهای ابلهانه‌ای ممکن نیست.

اینجا خداوند به طرز غیر مستقیمی آموزش می‌دهد چنانچه کسی بخواهد حقیقت مطلق را بشناسد، باید او را به عنوان خداوند، شخصیت متعال و وجود مطلق قبول کند، زیرا به طور غیرمستقیم بیان می‌دارد: "من اینجا به صورت شخصیت متعال خداوند، حقیقت متعال حاضر هستم." این نکته را انسان باید بداند که هرچند او قادر نباشد حضور خداوند تصورناشدنی را به صورت یک شخص درک نماید، ولی حق تعالی کماکان وجود خواهد داشت. ما واقعاً می‌توانیم کریشنا را که جاودان و مملو از شعف و دانش است به سادگی با مطالعه کلام متعالش در بهاگاواد-گیتاو شریماد- بهاگاواتام بشناسیم. تصور خداوند به منزله نوعی قدرت

حاکم یا به صورت برهمن فاقد شخصیت از طرف اشخاصی که در انرژی فروتر خداوند قرار دارند قابل درک است، اما شخصیت پروردگار را تا انسان در موقعیت روحانی قرار نگرفته باشد نمی‌تواند درک و رؤیت کند.
چون غالب اشخاص نمی‌توانند طبیعت حقیقی کریشنا را بشناسند، او به علت لطف بی‌سبب و بی‌کرانش هبوط می‌کند تا لطف و رحمت خویش را نثار چنین پندارگرایانی نماید. لیکن آنها به علت آلودگی به انرژی مادی، به رغم وجود اعمال غیر عادی خداوند متعال، همچنان گمان می‌کنند که برهمن فاقد شخصیت حقیقت غایی است. تنها آن عابدانی که کاملا سر تسلیم به حق تعالی فرود آورده‌اند، می‌توانند از طریق لطف و رحمتش به این شناخت دست یابند که او کسی جز کریشنانیست. عابدان زحمت درک وجه برهمن فاقد شخصیت خداوند را به خود نمی‌دهند؛ ایمان و عبادتشان، آنها را به تسلیم بی‌درنگ به خداوند متعال سوق می‌دهد، و به علت لطف بی‌سبب و بی‌کران کریشنا می‌توانند به درک او دست یابند؛ این امکان برای هیچکس دیگر موجود نیست. بنابراین حکمای بزرگ درباره ماهیت آتما یا حق تعالی اتفاق نظر دارند که او آن وجود حی مبارکی است که باید بپرستیمش.

## آیه ۳

*yo māṁ ajam anādiṁ ca*
*vetti loka-maheśvaram*
*asammūḍhaḥ sa martyeṣu*
*sarva-pāpaiḥ pramucyate*

*yaḥ*: هر کس که ـ *māṁ*: مرا ـ *ajam*: تولد نیافته ـ *anādim*: بی‌آغاز ـ *ca*: همچنین ـ *vetti*: می‌شناسد ـ *loka*: مربوط به سیارات ـ *mahā-īśvaram*: ارباب متعال ـ *asammūḍhaḥ*: کسی که در وهم و گمراهی نبوده ـ *saḥ*: او ـ *martyeṣu*: در میان آنان که در معرض مرگ قرار دارند ـ *sarva-pāpaiḥ*: از تمام بازتابهای گناهان ـ *pramucyate*: رها می‌شود.

## ترجمه

**آن کس که مرا به عنوان تولدنیافته، بی‌آغاز، و خداوند متعال تمام جهانها بشناسد که فقط چنین شخصی در میان انسانها در وهم و گمراهی نیست، از تمام گناهان آزاد می‌شود.**

## شرح

همان گونه که در فصل هفتم (۳/۷) بیان گردید:

*manuṣyāṇāṁ sahasreṣu kaścid yatati siddhaye*

آنان که می‌کوشند به معرفت روحانی دست یابند در زمره اشخاص معمولی نیستند؛ آنان نسبت به میلیونها و میلیونها شخص عادی که هیچ گونه اطلاعی در مورد معرفت روحانی ندارند بسی والاترند. اما از میان آنان که واقعاً می‌کوشند موقعیت روحانی خود را بشناسند، کسی که بتواند به این درک نائل آید که کریشنا، شخصیت متعال خداوند، مالک همه اشیای هستی و تولدنیافته است، موفقترین شخص خودشناخته در معرفت روحانی محسوب می‌گردد. فقط در آن مرحله، یعنی آن هنگام که انسان به طور کامل مقام متعال کریشنا را درک کرده باشد، می‌تواند کاملا از تمام بازتابهای گناهان آزاد شود.
در آیه حاضر، خداوند با واژه آجا به معنای "تولد نیافته" توصیف شده است، لیکن باید خاطر نشان ساخت که خداوند با موجودات زنده که در فصل دوم به صورت آجا توصیف شده‌اند، متمایز است زیرا شخصیت مطلق خداوند با موجودات زنده که به علت دلبستگیهای مادی در دایره تولد و مرگ غوطه‌ورند تفاوت دارد. این ارواح اسیر مادیات هستند که مرتباً تغییر کالبد

می‌دهند، در حالی که کالبد روحانی و جاودان خداوند تغییرناپذیر است. حتی هنگامی که شخصیت پروردگار به این عالم مادی نزول می‌کند، به همان صورت تولدنیافته می‌آید؛ بدین جهت در فصل چهارم گفته شده است که خداوند، به لحاظ نیروی درونیش، تحت نفوذ کیفیات نیروی مادی (نیروی سفلی) نیست بلکه همواره در نیروی علیا قرار دارد.
در این آیه، عبارت وتی لوکا ـ ماهشوارام بیانگر آن است که شخص باید دریابد که خداوند کریشنا مالک متعال تمامی منظومه‌های سیاره‌ای عالم می‌باشد. خداوند پیش از آفرینش وجود داشته و با آفرینش خود متفاوت است. تمامی ملائک در این آفرینش مادی خلق شده‌اند، حال آنکه درباره کریشنا گفته می‌شود که او خلق نشده است؛ بنابراین کریشنا حتی با فرشتگان قدرتمندی همچون برهما و شیوا تفاوت دارد و چون آفریننده برهما، شیوا و تمام ملائک دیگر است، همانا شخص‌متعال تمام سیارات می‌باشد.
بنابراین، شری کریشنا با هر آنچه خلق شده است تفاوت محض دارد و هر کس حقیقت او را بدین صورت بشناسد، فوراً از تمام عکس‌العملهای گناهان آزاد می‌گردد. انسان باید از تمام اعمال گناه‌آلود آزاد شده باشد تا خداوند متعال را بشناسد. همان گونه که در بهاگاواد–گیتا ذکر شده است خداوند را فقط با خدمت عاشقانه و آیین عشق و بندگی می‌توان شناخت و نه از هیچ راه دیگری.
انسان نباید تلاش نماید که کریشنا را به صورت موجودی بشری درک نماید. همان گونه که قبلا گفته شد فقط شخص نادان می‌پندارد که او یک انسان است. این نکته مجدداً به گونه‌ای دیگر در اینجا ذکر شده است. کسی که ابله نیست و از هوش و خرد کافی برخوردار است که مقام اصلی و ذاتی خداوند را درک نماید، همواره از تمام گناهان مبری است.
اینک این سؤال پیش می‌آید که چگونه کریشنا می‌تواند تولدنیافته باشد در صورتی که به عنوان پسر دواکی معروف است؟ این مطلب نیز در شریماد– بهاگاواتام توضیح داده شده است: هنگامی که شخصیت الهی خداوند در مقابل دواکی و واسودوا ظاهر گشت، به صورت طفلی معمولی زاده نشد، بلکه در شکل اصلی و ازلی خود ظاهر گردید و سپس خود را تبدیل به طفلی معمولی کرد.
هرآنچه تحت هدایت کریشنا انجام شود علوی و روحانی است و همچون اعمال دنیوی در معرض آلودگی واکنشهای مادی – پاک یا ناپاک (نیک یا بد) – قرار نمی‌گیرد. باید در نظر داشت تصور وجود اعمال پاک و ناپاک در دنیای مادی کم و بیش یک نگرش خودساخته ذهنی است، زیرا در این جهان مادی هیچ چیز پاک و مبارکی وجود ندارد. چون خود طبیعت مادی به علت تأثیر گونه‌های سه‌گانه خجسته و پاک نیست، پس هیچ چیز پاک و خجسته یافت نمی‌شود و استنباط پاکی و خجستگی صرفاً تصور ماست. خجستگی، فرخندگی و پاکی حقیقی متکی به فعالیتهایی است که در عشق و عبودیت و خدمت کامل در آگاهی به کریشنا صورت می‌گیرد. بنابراین، چنانچه ما واقعا طالب فعالیتهای پاک و خجسته باشیم، باید تحت هدایت و راهنمایی خداوند متعال عمل کنیم. چنین رهنمودهایی در کتب مقدس معتبر همچون شریماد– بهاگاواتام و بهاگاواد–گیتا، یا از طرف یک پیر روحانی واجد شرایط عرضه می‌شود. چون پیر روحانی نماینده خداوند متعال است، رهنمودش مستقیماً رهنمود خداوند متعال است. پیر روحانی، اشخاص قدیس و کتب مقدس همگی شخص را به طریقی واحد هدایت می‌کنند و هیچ گونه تضادی در این سه منبع نیست، تمام اعمالی که تحت نفوذ و اقتدار چنین هدایتی انجام گردد و از واکنشهای فعالیتهای صالحانه یا شریرانه این عالم مادی مبری خواهد بود. همانا طرز رفتار عابد خدا در انجام اعمال، کاملا روحانی و در واقع حاصل انقطاع وی است که این امر سانیاسا خوانده می‌شود.همان گونه که در آیه اول فصل ششم بهاگاواد–گیتا گفته شده، کسی که بر حسب وظیفه عمل می‌کند – چون خداوند متعال به انجام آن فرمان داده است – و به نتایج و ثمرات اعمالش چشم طمع ندوخته است (آناشریتا کارما ـ پهالام)، یک سانیاسی حقیقی است؛ به بیان دیگر شخصی که تحت هدایت خداوند متعال عمل کند یک سانیاسی و یک یوگی است نه آن کس که فقط لباس سانیاسی یا یوگی دروغین را بر تن می‌کند.

## آیه ۵-۴

*buddhir jñānam asammohaḥ*
*kṣamā satyaṁ damaḥ śamaḥ*
*sukhaṁ duḥkhaṁ bhavo 'bhāvo*
*bhayaṁ cābhayam eva ca*

*ahiṁsā samatā tuṣṭis*
*tapo dānaṁ yaśo 'yaśaḥ*
*bhavanti bhāvā bhūtānāṁ*
*matta eva pṛthag-vidhāḥ*

*buddhiḥ*: شعور ـ *jñānam*: دانش ـ *asammohaḥ*: رهایی از شک و تردید ـ *kṣamā*: بخشش، گذشت ـ *satyam*: راستگویی، صداقت ـ *damaḥ*: کنترل حواس ـ *śamaḥ*: کنترل ذهن ـ *sukham*: شادی، لذت ـ *duḥkham*: رنج، درد ـ *bhavaḥ*: تولد ـ *abhāvaḥ*: مرگ ـ *bhayam*: ترس ـ *ca*: همچنین ـ *abhayam*: بدون ترس بودن، بدون واهمه بودن ـ *eva*: همچنین ـ *ca*: و ـ *ahiṁsā*: عدم خشونت، صلح‌جویی ـ *samatā*: تعادل و توازن، آرامش ـ *tuṣṭiḥ*: رضایت ـ *tapaḥ*: توبه و ریاضت ـ *dānam*: صدقه ـ *yaśaḥ*: شهرت ـ *ayaśaḥ*: بدنامی ـ *bhavanti*: ناشی و حاصل شده‌اند ـ *bhāvāḥ*: طبایع، سرشتها ـ *bhūtānām*: مربوط به موجودات زنده ـ *mattaḥ*: از من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *pṛthak-vidhāḥ*: به طرز گوناگونی تدبیر شده.

## ترجمه

**خرد، دانش، رهایی از تردید و توهم، گذشت، صداقت، تسلط بر حواس، مهار کردن ذهن، لذت و درد، تولد، مرگ، ترس، تهور، عدم خشونت، تعادل و آرامش، رضایت، ریاضت، انفاق، شهرت و بدنامی، تمامی این خصوصیات گوناگون موجودات زنده فقط به‌وسیلهٔ من خلق شده است.**

## شرح

خالق تمامی خصوصیات مختلف موجودات زنده اعم از خوب یا بد که در آیه حاضر وصف شده است، کریشنا می‌باشد.
شعور یا خرد (بودهی) به قدرت تجزیه و تحلیل مسائل از زاویه دید صحیح اشاره دارد، و دانش عطف به شناخت ماده و روح است. دانش متداول که از طریق تحصیلات دانشگاهی به دست می‌آید فقط منحصر به شناخت ماده یا وجوه یروی مادی است و در این آیه به عنوان دانش پذیرفته نمی‌شود. دانش حقیقی (گیانا) یعنی شناخت تفاوت بین ماده و روح. اما در تعلیم و تربیت معاصر هیچ گونه دانشی درباره روح وجود ندارد؛ توجه فقط به اجزاء و عناصر مادی و نیازهای جسمانی شخص معطوف است. بدین لحاظ دانش حاصل از تحصیلات دانشگاهی کامل نیست.
آساموها، یا آزادی از تردید و توهم، هنگامی تحقق می‌پذیرد که انسان مردد نباشد و فلسفه متعال و روحانی را درک کرده باشد. بدین ترتیب، به آرامی اما مطمئن از گیجی و سردرگمی رهایی می‌یابد. نه تنها هیچ چیز نباید چشم بسته و کورکورانه پذیرفته شود که پذیرش هر چیز باید توأم با توجه، دقت و احتیاط باشد. انسان باید با کشاما یعنی حلم و گذشت عمل کند، لذا شخص باید صبور باشد و اهانتهای ناچیز دیگران را ببخشد. ساتیام یا راستگویی و صداقت یعنی مطرح نمودن حقایق همان‌گونه که هست به منظور بهره‌مندی دیگران. حقایق نباید اشتباه و نادرست ارائه شود. طبق قراردادهای متعارف اجتماعی، انسان فقط وقتی می‌تواند حقیقت را بازگو نماید که برای دیگران خوشایند باشد؛ لیکن این راستی و صداقت نیست. حقیقت باید صریح و روشن گفته شود تا بدین‌ترتیب دیگران درک کنند که واقعاً حقایق چه هستند. چنانچه کسی دزد باشد و به مردم هشدار داده

شود که او دزد است، این حقیقت است. هرچند گاهی اوقات بیان حقیقت ناگوار است، ولی انسان نباید از بیان آن خودداری نماید. صداقت ایجاب می‌کند که حقایق همان گونه که هست برای بهره‌مندی دیگران ارائه گردد. این تعریف صداقت و راستگویی است. کنترل حواس (داما) یعنی بهره‌برداری نکردن از حواس در جهت لذات غیر ضروری نفسانی. باید در نظر داشت که برای تأمین احتیاجات صحیح حواس ممنوعیتی وجود ندارد، لیکن چون ارضای لذات حسی غیر ضروری برای پیشرفت روحانی زیانبخش و مضر است، لذا باید جلوی استفاده غیر ضروری آن را گرفت. به همین ترتیب، شخص باید ذهن را نیز از افکار غیر ضروری بازدارد؛ این امر شاما خوانده می‌شود. فرد نباید وقتش را با غوطه‌ور شدن در فکر به دست آوردن پول صرف کند. این استفاده نادرست از نیروی فکر به شمار می‌آید. فکر شخص باید برای درک مهمترین و پایه‌ای‌ترین نیاز حیات بشری، از طریق منابع معتبر و موثق، به کار رود. قدرت فکر باید در معاشرت با اشخاصی پرورش یابد که صاحب مرجعیت در کتب مقدس هستند، یعنی اشخاص مقدس و پیران روحانی و کسانی که فکرشان بسیار تکامل‌یافته است. سوکهام یا لذت و خوشبختی، همواره در آنچه برای تحصیل دانش روحانی شناخت خداوند (کریشنا آگاهی) مطلوب است یافت می‌شود. و مشابهاً آنچه دردناک است یا موجب درد و غم می‌شود (دوکهام) آن چیزی است که برای پرورش آگاهی به کریشنا و پیشرفت در خداشناسی مطلوب نیست. پس باید آنچه برای پیشرفت در آگاهی به کریشنا مطلوب است پذیرفته و آنچه نامطلوب است رد شود.

باید دانست که واژه بهاوا، یا تولد، اشاره به بدن دارد، زیرا برای روح، همان گونه که در آغاز بهاگاواد-گیتا پیرامون آن به بحث پرداختیم، تولد و مرگی وجود ندارد، بلکه تولد و مرگ (آبهاوا) شامل حال کالبد جسمانی موجود زنده در دنیای مادی است. ترس (بهایا) به علت نگرانی درباره آینده به وجود می‌آید. برای عابد خدا که در کریشنا آگاهی قرار دارد به هیچ وجه ترسی وجود ندارد، زیرا با اعمالش مطمئن است که به عالم روحانی،به وطن، نزد خداوند بازمی‌گردد. بنابراین آینده‌اش بسیار روشن و درخشان است. اما دیگران که نسبت به آینده و زندگی بعد خود بی‌خبرند، همواره در اضطراب و نگرانی به سر می‌برند. بهترین راه برای رهایی از نگرانی و پریشانی، درک کردن خداوند وهمواره قرار داشتن در آگاهی اوست. به این طریق ما همواره از ترس آزاد خواهیم بود. در شریماد- بهاگاواتام (۳۷/۲/۱۱) بیان شده:

*bhayaṁ dvitīyābhiniveśataḥ syāt*

ترس به علت مجذوب شدن ما به نیروی توهمی است. لیکن آنان که از نیروی توهمی آزادند و اطمینان حاصل نموده‌اند که این بدنهای مادی نیستند، بلکه ذرات روحانی شخصیت متعال خداوند می‌باشند و بدین سبب وقف خدمت روحانی به خداوند متعال شده‌اند، از چیزی ترسی به دل راه نمی‌دهند. آینده آنان درخشان است. ترس حالت اشخاصی است که در آگاهی به کریشنا نیستند. بدین لحاظ، آبهایام، بدون ترس بودن، فقط برای کسی میسر است که در آگاهی به خداوند قرار داشته باشد.

آهیمسا، عدم خشونت و صلح‌جویی، بدان معناست که انسان نباید عملی انجام دهد که دیگران را در رنج و درد یا آشفتگی و پریشانی قرار دهد. برنامه‌های پیشنهادی چه بسیاری از سیاستمداران، جامعه‌شناسان، بشردوستان و زمامداران دیگر، نتایج و عواقب خوبی ببار نمی‌آورد، زیرا آنان فاقد بصیرت روحانی‌اند و نمی‌دانند چه چیزی واقعاً برای جامعه انسانی سودمند است. آهیمسا یعنی تعلیم و تربیت مردم به طریقی که از بدن انسانی خویش بهره کاملی در جهت کمال زندگی بشری عاید خود کنند. کالبد انسانی حیات، فرصت مغتنمی برای شناخت و معرفت روحانی است، و بدین جهت هر برنامه یا جنبش یا هیأت یا کمیسیونی که به پیشبرد و تحقق چنین آرمانی کمک نکند، به بدن انسان خشونت ورزیده است. بنابراین، آنچه باعث پیشبرد خوشبختی معنوی و روحانی عموم مردم بشود و آن را تحقق بخشد، عدم خشونت یا صلح‌جویی خوانده می‌شود.

ساماتا، توازن و تعادل یا آرامش، عطف به رهایی انسان از دلبستگی و دلزدگی است. دلبستگی‌بسیار زیاد و همان طور دلزدگی زیاد هیچکدام مطلوب نیست. این دنیای مادی را باید بدون دلبستگی و دلزدگی پذیرفت. باید آنچه را که برای انجام آگاهی به کریشنا مطلوب است پذیرفت و آنچه را که نامطلوب است رد کرد. این طرز عمل، ساماتا یا توازن و تعادل (آرامش) خوانده

می‌شود. کسی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد، انگیزه‌ای برای رد کردن و یا پذیرفتن ندارد جز آنکه برای آگاهی او به کریشنا مفید باشد.

توشتی، یا رضایت و قناعت، یعنی عدم اشتیاق به فعالیتهای غیر ضروری در جهت مال‌اندوزی و جمع‌آوری هر چه بیشتر اشیای مادی. انسان باید با هر آنچه به لطف خداوند متعال به دست می‌آید راضی و قانع باشد. تاپاس یا ریاضت یا توبه، قواعد و قوانین تنظیم‌کننده‌ای است که از طرف وداها توصیه شده است، مانند صبح زود بیدار شدن و استحمام کردن، که این کار گاهی اوقات بسیار سخت و دشوار است ولی باید دانست هر زحمت داوطلبانه‌ای که انسان به این طریق متحمل گردد ریاضت خوانده می‌شود. به همین منوال، احکامی برای روزه گرفتن در ایام معینی از ماه وجود دارد. ممکن است فرد به چنین روزه‌هایی تمایل نداشته باشد، اما به علت عزم راسخش برای پیشرفت در علم کریشنا آگاهی باید این زحمتهای جسمانی را که توصیه شده‌اند متحمل گردد. در ضمن شخص نباید بدون لزوم و مغایر با احکام الهی و ودایی و یا به خاطر دلایل و اهداف سیاسی روزه بگیرد؛ این امر در بهاگاواد–گیتا به عنوان روزه در گونۀ جهل توصیف شده است و هر عملی که در گونه‌های جهل و شهوت انجام گیرد به پیشرفت روحانی نخواهد انجامید. اما هر فعالیتی که در گونۀ نیکی انجام شود باعث پیشرفت انسان می‌گردد، و روزه بر اساس احکام ودایی دانش روحانی انسان را غنی می‌سازد.

در مورد صدقه (دانام)، شخص باید پنجاه درصد از درآمد خود را برای امر خیر انفاق کند. حال امر خیر کدام است؟ آنچه طبق آگاهی به کریشنا انجام می‌گردد نه تنها خیر که خیر محض به شمار می‌آید. چون کریشنا، پاک، منزه و خیر محض است، راهش نیز خیر محض است. بدین ترتیب صدقه باید به کسی داده شود که وقف آگاهی به کریشنا شده است. طبق متون مقدس ودایی، صدقه باید به براهماناها اعطاء شود، زیرا آنان مشغول کسب دانش روحانی‌اند. فرض بر این است که براهمانا تمام زندگیش را وقف درک برهمن کند. برهما جاناتیتی براهماناها: براهمانا کسی است که برهمن را می‌شناسد. بدین لحاظ صدقه به براهماناها اعطاء می‌گردد زیرا آنان همواره مشغول خدمت و طاعت برتر روحانی‌اند و زمانی برای امرار معاش ندارند. در ادبیات ودایی آمده است که صدقه باید به کسانی که زندگی مادی را ترک گفته‌اند یعنی سانیاسی‌ها نیز داده شود. سانیاسی‌ها خانه به خانه گدایی پیشه می‌کنند، لیکن حقیقت این امر اهداف ارشادی است نه جمع‌آوری پول. منظور حقیقی از این امر بیدار ساختن متأهلین از خواب غفلت و جهل است. از آنجا که متأهلین سرگرم زندگی خانوادگی و نمودهای دنیوی‌اند و بدین ترتیب هدف اصلی زندگی یعنی شناخت خداوند را فراموش می‌نمایند، وظیفه سانیاسی این است که در هیأت یک سائل نزد آنها برود و آنان را به خداشناسی تشویق کند. همان گونه که در وداها ذکر شده است، شخص باید با بیدار ساختن فطرت خداشناسی و دستیابی به بالاترین کمال زندگی، حق حیات انسانی را بجا آورد. اشاعه این دانش و طریقه عمل بدان بر عهده سانیاسی‌ها است؛ بدین سبب صدقه باید به کسانی که زندگی مادی را ترک گفته‌اند، به براهماناها و سانیاسی‌ها اختصاص داده شود و نه به مقصودی که از روی هوی و هوس اختیار شده باشد.

یاشاس، یا شهرت واقعی، باید مطابق توصیفات خداوند چیتانیا در این مورد باشد که فرمود انسان زمانی مشهور است که به عنوان عابد بزرگ اشتهار یافته باشد. چنانچه کسی در آگاهی به کریشنا، شخصیت بزرگی شده و شهرت یافته باشد، در این صورت حقیقتاً مشهور است. کسی که چنین شهرتی ندارد فاقد شهرت حقیقی است.

تمامی این صفات در سراسر گیتی، در جامعه بشری و در جامعه فرشتگان متجلی است. انواع بسیاری از گونه‌های بشری در سیارات دیگر وجود دارد که این صفات آنجا نیز یافت می‌شود. برای کسی که بخواهد در آگاهی به کریشنا پیشرفت نماید، خداوند تمام این صفات را به وجود می‌آورد، هرچند این خود شخص است که آنها را از درون پرورش می‌دهد. کسی که وجود خویش را نثار خدمت و طاعت و بندگی خالصانه حق تعالی کند، تمام صفات خوب را آنچنانکه خداوند متعال ترتیب داده است در خود پرورش می‌دهد.

منشأ اصلی تمامی آنچه ما ملاحظه می‌کنیم، اعم از خوب یا بد، کریشنا است. هیچ نمودی بی‌آنکه در کریشنا باشد، نمی‌تواند در این جهان تجلی یابد. این دانش است؛ هرچند کلیه نمودهای این عالم مادی صورت حقیقی دیگری دارد، باید درک کنیم که همه چیز از کریشنا منبعث می‌گردد.

## آیه ۶

*maharṣayaḥ sapta pūrve*
*catvāro manavas tathā*
*mad-bhāvā mānasā jātā*
*yeṣāṁ loka imāḥ prajāḥ*

*mahā-ṛṣayaḥ*: حکمای بزرگ ـ *sapta*: هفت ـ *pūrve*: قبل از ـ *catvāraḥ*: چهار ـ *manavaḥ*: مانوها ـ *tathā*: همچنین ـ *mat-bhāvāḥ*: تولدیافته از من ـ *mānasāḥ*: از ذهن ـ *jātāḥ*: زاده شده ـ *yeṣām*: مربوط به آنها ـ *loke*: در جهان ـ *imāḥ*: تمام این ـ *prajāḥ*: جمعیت، نفوس.

## ترجمه

**آن هفت حکیم بزرگ و پیش از آنان چهار حکیم بزرگ دیگر و مانوها [اجداد بشریت] که تمـام موجـودات زندهٔ مقیم سیارات گوناگون از اعقاب آنان می‌باشند، از ذهن من پدید آمده‌اند.**

## شرح

خداوند در آیه حاضر خلاصه‌ای از شجره‌نامه نفوس زنده جهان را ارائه می‌دهد. برهما نخستین موجود زنده است که از انرژی خداوند متعال موسوم به هیرانیا گاربها به وجود آمده است. و از برهما هفت حکیم بزرگ، و قبل از آنان چهار حکیم بزرگ دیگر به نامهای ساناکا، ساناندا، ساناتانا و سانات ـ کومارا، و چهارده مانو متجلی می‌گردد. تمامی این بیست و پنج حکیم برجسته در حکم اجداد موجودات زنده سراسر جهان شناخته می‌شوند. جهانهای بی‌شماری وجود دارد که درون هر یک سیارات بی‌شماری مملو از انواع گوناگون حیات قرار دارد که همه آنان از این بیست و پنج نیای اصلی پدید آمده‌اند. برهما پیش از آنکه به لطف کریشنا دریابد چگونه بیافریند، معادل یک هزار سال از سالهای فرشتگان را متحمل ریاضت گردید. سپس از برهما، ساناکا، ساناندا، ساناتانا و سانات ـ کومارا، سپس رودرا، و آنگاه هفت حکیم بزرگ و به این طریق تمام براهماناها و کشاتریاها از انرژی شخصیت متعال خداوند تولد یافته‌اند. برهما به عنوان پیتاماها یعنی جد بزرگ و کریشنا به عنوان پراپیتاماها یعنی پدر جد بزرگ معروف هستند. این مطلب در فصل یازدهم بهاگاواد-گیتا (۳۹/۱۱) بیان شده است.

## آیه ۷

*etāṁ vibhūtiṁ yogaṁ ca*
*mama yo vetti tattvataḥ*
*so 'vikalpena yogena*
*yujyate nātra saṁśayaḥ*

*etām*: تمام این ـ *vibhūtim*: توانگری ـ *yogam*: قدرت خارق‌العاده ـ *ca*: همچنین ـ *mama*: مربوط به مال من ـ *yaḥ*: هر کس که ـ *vetti*: بداند، بشناسد ـ *tattvataḥ*: حقیقتاً ـ *saḥ*: او ـ *avikalpena*: بدون تقسیم، بدون شکاف ـ *yogena*: در خدمت عابدانه ـ *yujyate*: مشغول‌می‌شود ـ *na*: هرگز ـ *atra*: اینجا ـ *saṁśayaḥ*: شک و تردید.

## ترجمه

**آن کس که حقیقتاً به توانگری مطلق و قدرت اسرارآمیز من پی برده باشد، وقف خدمت عابدانهٔ خالص من می‌گردد؛ در این باره شکی نیست.**

## شرح

بالاترین مرتبه کمال روحانی عبارت است از شناخت شخصیت اعلای خداوند. مادامی که انسان از توانگریهای مختلف حق تعالی کاملا اطمینان حاصل نکرده باشد، نمی‌تواند مشغول خدمت عابدانه گردد. عموم مردم معترفند که خداوند بزرگ است اما دقیقاً به چگونگی عظمت خداوند واقف نیستند. جزئیات آن در اینجا یافت می‌شود. اگر کسی واقعاً دریابد که خداوند چقدر بزرگ است، آنگاه طبیعتاً روحی تسلیم شده می‌شود و وجود خود را نثار خدمت عابدانه خداوند می‌نماید. آن هنگام که شخصی توانگریهای حق تعالی را واقعاً بشناسد، برای او راهی جز تسلیم به پروردگار نمی‌ماند. این شناخت حقیقی را می‌توان از توصیفات شریماد- بهاگاواتام و بهاگاواد-گیتا و کتب مقدس مشابه دریافت.

در اداره امور این جهان فرشتگان بسیاری در تمام منظومه‌های سیارات پخش هستند و شخصیتهای اصلی آنان عبارتند از برهما، خداوندگار شیوا، چهار کوماراهای بزرگ و دیگر اجداد. اجداد متعدد نفوس جهان همگی از خداوند متعال کریشنا تولد یافته‌اند؛ بنابراین کریشنا، شخصیت متعال خداوند، نیای اصلی و ازلی تمام اجداد است.

و این است برخی از توانگریهای خداوند متعال. آن هنگام که کسی کاملا نسبت به آنها اطمینان حاصل نماید، کریشنا را با ایمان کامل و بدون هیچ گونه شکی می‌پذیرد و مشغول خدمت عابدانه می‌گردد. چنانچه انسان بخواهد تمایل و آرزوی خدمت عاشقانه به خداوند را در خود افزایش دهد، شناخت دقیق و مفصل کمالات و توانگریهای حق تعالی ضروری خواهد بود. لذا شخص نباید نسبت به درک کامل عظمت کریشنا غفلت ورزد یا بی‌توجهی نماید زیرا با شناخت این مطلب، شخص قادر خواهد شد در خدمت عابدانه صادقانه به صورتی استوار قرار گیرد.

## آیه ۸

*ahaṁ sarvasya prabhavo*
*mattaḥ sarvaṁ pravartate*
*iti matvā bhajante māṁ*
*budhā bhāva-samanvitāḥ*

*aham*: من ـ *sarvasya*: مربوط به همه ـ *prabhavaḥ*: سرچشمه پیدایش ـ *mattaḥ*: از من ـ *sarvam*: همه چیز ـ *pravartate*: نشأت می‌گیرد ـ *iti*: بدین‌سان ـ *matvā*: دانستن، شناختن ـ *bhajante*: وجودشان وقف می‌گردد ـ *mām*: به من ـ *budhāḥ*: دانایان ـ *bhāva-samanvitāḥ*: باتوجه و دقت بسیار زیاد.

## ترجمه

**من اصل و سرچشمهٔ تمامی جهانهای مادی و روحانی هستم. همه چیز از من نشأت می‌گیرد. فرزانگانی که به حقیقت این امر کاملا واقف هستند، وجود خویش را نثار خدمت عابدانهٔ من می‌کنند و مرا با تمام قلبشان می‌پرستند.**

## شرح

محقق دانشمندی که کاملا وداها را مطالعه نموده و از مراجع موثقی همچون خداوند چیتانیا اطلاع و معارف کسب کرده است و به کار بستن این تعلیمات را می‌داند، می‌تواند درک کند که کریشنا منشأ و سرچشمه همه کائنات در عوالم مادی و روحانی است؛ و چون به خوبی از این امر آگاه است، با عزمی جزم در خدمت عابدانه خداوند متعال ثابت و متمرکز می‌گردد. او هیچگاه با هیچیک از تفسیرات نابخردانه و یا از طریق ابلهان، منحرف نمی‌گردد. تمامی متون مقدس ودایی اذعان می‌کنند که کریشنا منشأ برهما، شیوا و تمام فرشتگان دیگر است. در آتهاروا ودا (گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۲۴/۱) گفته شده است:

*yo brahmāṇaṁ vidadhāti pūrvaṁ yo vai vedāṁś ca gāpayati sma kṛṣṇaḥ*

"این کریشنا بود که در آغاز، دانش ودایی را به برهما آموخت و در گذشته دانش ودایی را اشاعه نمود." سپس دوباره در نارایانا اوپانیشاد (۱) گفته شده است:

*atha puruṣo ha vai nārāyaṇo 'kāmayata prajāḥ sṛjeyeti*

"آنگاه شخصیت متعال نارایانا اراده کرد که موجودات زنده را بیافریند." سپس اوپانیشاد مذکور ادامه می‌دهد:

*nārāyaṇād brahmā jāyate, nārāyaṇād prajāpatiḥ prajāyate, nārāyaṇād indro jāyate, nārāyaṇād aṣṭau vasavo jāyante, nārāyaṇād ekādaśa rudrā jāyante, nārāyaṇād dvādaśādityāḥ*

"از نارایانا برهما تولد یافت، و از نارایانا اجداد پدید آمدند. از نارایانا ایندرا تولد یافت، از نارایانا هشت واسو تولد یافتند، از نارایانا یازده رودرا تولد یافتند، از نارایانا دوازده آدیتیا تولد یافتند." این نارایانا همانا مظهر تام خداوند کریشنا است.
در همان ودا گفته شده است:

*brahmaṇyo devakī-putraḥ*

"همانا کریشنا، پسر دواکی، شخصیت متعال است." (نارایانا اوپانیشاد ۴) سپس گفته شده است:

*eko vai nārāyaṇa āsīn na brahmā na īśāno nāpo nāgni-samau neme dyāv-āpṛthivī na nakṣatrāṇi na sūryaḥ*

"در آغاز خلقت، تنها شخصیت متعال نارایانا بود. نه برهما وجود داشت، نه شیوا، نه آتش، نه ماه، نه ستارگان در آسمان و نه خورشید." (ماها اوپانیشاد ۱) همچنین در ماها اوپانیشاد آمده است که خداوندگار شیوا از پیشانی خداوند متعال پدیدار گشت. بدین سبب وداها می‌گویند همانا خداوند متعال، خالق برهما و شیوا، باید عبادت شود.
در موکشا ـ دهارما نیز کریشنا می‌فرماید:

*prajāpatiṁ ca rudraṁ cāpy*
*aham eva sṛjāmi vai*
*tau hi māṁ na vijānīto*
*mama māyā-vimohitau*

"اجداد، شیوا و دیگران توسط من خلق شده‌اند، ولی آنان این موضوع را نمی‌دانند، زیرا به‌وسیله نیروی توهمی من دچار گمراهی گشته‌اند."
در وارها پورانا نیز گفته شده است:

*nārāyaṇaḥ paro devas*
*tasmāj jātaś caturmukhaḥ*
*tasmād rudro 'bhavad devaḥ*
*sa ca sarva-jñatāṁ gataḥ*

"نارایانا، شخصیت متعال خداوند است و از او برهما تولد یافت و از او شیوا تولد یافت."

خداوند کریشنا منشأ تمامی نسلها است و او علت اصلی، ازلی و ابدی همه چیز است. خداوند می‌فرماید: "چون همه چیز از من تجلی یافته است، من سرچشمه اصلی همه چیز هستم. همه چیز تحت سلطه و سیطره من است؛ هیچکس برتر از من نیست." حکمران و اداره‌کننده متعالی جز کریشنا وجود ندارد. کسی که کریشنا را به این صورت از طریق پیر روحانی واجد شرایط، و با مرجعیت متون مقدس ودایی درک نماید، تمامی نیروی خود را معطوف خداشناسی و در آگاهی به کریشنا مشغول می‌کند و یک دانای حقیقی می‌شود. در مقایسه با او، تمامی اشخاص دیگر، که پروردگار متعال کریشنا را به درستی نمی‌شناسند، چیزی جز نادانان به شمار نمی‌آیند. تنها ابلهان کریشنا را انسانی عادی می‌پندارند. شخص کریشنا آگاه نباید از طریق ابلهان گیج و گمگشته شود؛ او باید از تمام نظریات غیرمعتبر و تفسیرات ناموثق بهاگاواد-گیتا اجتناب کند و با جدیت، قاطعیت و عزم راسخ در آگاهی به کریشنا پیش رود.

## آیه ۹

*mac-cittā mad-gata-prāṇā*
*bodhayantaḥ parasparam*
*kathayantaś ca māṁ nityaṁ*
*tuṣyanti ca ramanti ca*

*mat-cittāḥ*: اذهانشان کاملا به من مشغول شده ــ *mat-gata-prāṇāḥ*: زندگیهای آنان برای من‌وقف شده ــ *bodhayantaḥ*: ارشاد کردن، وعظ کردن ــ *parasparam*: در میان خودشان ــ *kathayantaḥ*: صحبت کردن ــ *ca*: همچنین ــ *mām*: درباره من ــ *nityam*: به طور دائمی ــ *tuṣyanti*: خشنود و راضی می‌گردند ــ *ca*: همچنین ــ *ramanti*: از شعف روحانی بهره‌مند می‌شوند ــ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**افکار مریدان مخلص و عابدان پاکم معطوف من است، زندگی آنان کاملا وقف خدمت و طاعت من است، و همواره رضایت و شعف عظیمی از ارشاد و آگاه ساختن یکدیگر و گفتگو دربارهٔ من به دست می‌آورند.**

## شرح

سرسپردگان خالص و عابدان پاک که خصوصیات آنان در این آیه ذکر شده است، وجود خود را کاملا معطوف خدمت عاشقانه روحانی به خداوند می‌کنند. هیچ چیز نمی‌تواند ذهن آنان را از قدوم نیلوفرین کریشنا منحرف کند. صحبت آنان تماماً و منحصراً درباره موضوعات الهی و روحانی است. نشانه‌های عابدان پاک در این آیه مشخصاً توصیف شده است. عابدان خداوند متعال بیست و چهار ساعته مشغول تجلیل از شکوه و عظمت صفات و شئون الهی خداوند متعال هستند. قلب و روح آنان دائماً غرق در بحر خداوند کریشنا است و از گفتگو درباره او با عابدان دیگر لذت می‌برند.

در مرحله مقدماتی خدمت عابدانه، آنان از خود خدمت لذت روحانی کسب می‌کنند و در مرحله تکامل یافته آنان واقعاً در وادی عشق خداوند قرار می‌گیرند. همین که در این موقعیت روحانی استقرار یافتند قادر می‌گردند طعم بالاترین مرتبه کمال را که خداوند در منزلگاهش نمایان‌می‌کند، بچشند. خداوند چیتانیا خدمت عابدانه روحانی را به کاشتن تخمی در قلب موجود زنده تشبیه می‌نماید. نفوس زنده بی‌شماری در سراسر سیارات مختلف عالم کائنات در حال سیر و سفرند، و از میان آنان تعداد بسیار اندکی آن سعادت را پیدا می‌کنند که عابد پاک و سرسپرده خالصی را ملاقات کنند و امکان درک خدمت عابدانه را بیابند. خدمت عابدانه درست همانند تخم است، و چنانچه در قلب موجود زنده کاشته شود، از طریق ذکر و سماع اسماء الهی

هاره‌کریشنا، هاره‌کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره به ثمر می‌رسد، همان گونه که تخم یک درخت نیز با آبیاری مرتب به بار می‌نشیند. گیاه روحانی خدمت مریدانه تدریجاً رشد می‌کند و رشد می‌کند تا در پوسته ضخیم جهان مادی نفوذ کند، سپس آن را شکافته به انوار متعال برهما جیوتی در آسمان روحانی وارد می‌شود. این گیاه در آسمان روحانی نیز هر چه بیشتر رشد می‌کند تا به عالیترین و رفیعترین سیاره روحانی، یعنی کوکب متعال کریشنا به نام گولوکا وریندااوانا برسد. در نهایت امر، این گیاه به قدوم نیلوفرین کریشنا پناه می‌گیرد و در آنجا مأوا می‌گزیند. تدریجاً همان گونه که گیاه گل و میوه می‌دهد، گیاه خدمت عابدانه نیز به ثمر می‌نشیند و آبیاری آن به صورت ذکر و سماع ادامه می‌یابد. کتاب چیتانیا ـ چاریتامریتا (مادهیا ـ لیلا، فصل نوزدهم) که توصیف کامل گیاه خدمت عاشقانه در آن آمده است، توضیح می‌دهد که چگونه وقتی کل گیاه تحت قدوم نیلوفرین خداوند متعال پناه گرفت، شخص کاملا در وادی عشق الهی مجذوب می‌گردد؛ در این حالت او همچون ماهی که بدون آب قادر به ادامه حیات نیست، حتی برای یک لحظه نیز نمی‌تواند بدون تماس با خداوند متعال زندگی کند. عابد در چنین حالتی، در تماس با خداوند متعال واقعاً به صفات عالی روحانی دست می‌یابد.

شریماد- بهاگاواتام نیز سرشار از چنین روایاتی درباره روابط خداوند و مریدانش می‌باشد؛ به همین جهت شریماد- بهاگاواتام برای مریدان و عابدان خدا بسیار عزیز است. در این کتاب هیچ گونه توصیفی راجع به فعالیتهای مادی، کامجویی و حتی رهایی و رستگاری وجود ندارد. همان گونه که در خود بهاگاواتام (۱۸/۱۳/۱۲) آمده است:

*Śrīmad-bhāgavataṁ purāṇam amalaṁ yad vaiṣṇavānāṁ priyam*

در این اثر، نشانه‌ای از کوچکترین توضیحی درباره فعالیتهای مادی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، ارضای حواس و یا رهایی و رستگاری به چشم نمی‌خورد. شریماد- بهاگاواتام تنها اثری است که در آن‌سرشت روحانی خداوند متعال و عابدانش کاملا توصیف شده است. بدین نحو ارواح خودشناخته در آگاهی به کریشنا، درست همچون دختر و پسر جوانی که از همدمی و معاشرت با یکدیگر لذت می‌برند، از استماع دائم اینگونه متون مقدس عالی و روحانی دچار شعف می‌گردند.

## آیه ۱۰

*teṣāṁ satata-yuktānāṁ*
*bhajatāṁ prīti-pūrvakam*
*dadāmi buddhi-yogaṁ taṁ*
*yena mām upayānti te*

*teṣām*: به آنها ـ *satata-yuktānām*: همواره مشغول شده ـ *bhajatām*: در اعطای خدمت عابدانه ـ *prīti-pūrvakam*: در جذبه عاشقانه ـ *dadāmi*: می‌دهم ـ *buddhi-yogam*: شعور و خرد حقیقی ـ *tam*: آن ـ *yena*: که به‌وسیله آن ـ *mām*: به من ـ *upayānti*: بیایند ـ *te*: آنها.

## ترجمه

**به آنان که وجودشان دائماً نثار خدمت و طاعت عاشقانهٔ من شده است، درکی می‌دهم که با آن بتوانند نزد من بیایند.**

## شرح

در این آیه واژه بودهی ـ یوگام بسیار حائز اهمیت است. شاید به خاطر داشته باشیم که خداوند در فصل دوم هنگام آموزش به آرجونا فرمود که چیزهای بسیاری را تا کنون به او گفته است و بعداً وی را در طریقت بودهی ـ یوگا تعلیم خواهد داد. اکنون

بودهی ـ یوگا توضیح داده می‌شود. خود بودهی ـ یوگا عبارت است از عمل در آگاهی به کریشنا که این نشانه بالاترین شعور و خرد است. بودهی یعنی هوش و خرد و یوگا یعنی فعالیتهای عرفانی (اعمالی که منجر به کشف و شهود می‌گردد) یا تعالی عرفانی. هنگامی که کسی می‌کوشد به وطن اصلی، نزد خداوند بازگردد و خود را کاملا با بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه در آگاهی به کریشنا قرار می‌دهد، عمل او بودهی ـ یوگا خوانده می‌شود. به عبارت دیگر، بودهی ـ یوگا طریقی است که به موجب آن انسان از اسارت دنیای مادی خارج می‌گردد. هدف غایی از پیشرفت و تعالی، کریشنا است. چون مردم از این حقیقت بی‌اطلاع هستند، معاشرت با عابدان و پیر روحانی معتبر و موثق بسیار حائز اهمیت است. شخص باید دریابد که هدف کریشناست و وقتی هدف مشخص گردید، آنگاه طی طریق به آرامی ولی پیشرونده انجام می‌گیرد و سپس هدف نهایی به دست می‌آید.

عمل کردن در کارما ـ یوگا هنگامی است که شخص هدف زندگی را بداند ولی با وجود این، به نتایج و ثمرات اعمال دلبستگی داشته باشد. عمل در گیانا ـ یوگا هنگامی صورت می‌گیرد که شخص بداند هدف کریشناست، ولی برای درک او از پندارهای ذهنی لذت ببرد. و زمانی که او هدف را بداند و کریشنا را کاملا در کریشنا آگاهی و خدمت عابدانه طلب کند، دارد در بهاکتی– یوگا یا بودهی ـ یوگا عمل می‌کند که آن یوگای کامل است و بالاترین مرحله کمال زندگی به شمار می‌آید.

شاید شخص دارای پیر روحانی و معتبر و موثق و به یک سازمان روحانی نیز وابسته باشد، با این وصف چنانچه از هوش لازم برای پیشرفت بی‌بهره باشد، در این صورت کریشنا از درون وی را به ترتیبی هدایت خواهد کرد تا بتواند در نهایت بدون مشکل نزد خداوند بازگشت نماید. صلاحیت و شایستگی این است که شخص همواره وجودش را در کریشنا آگاهی به کار گمارد و با عشق و عبودیت هر نوع خدمتی انجام دهد. او باید نوعی کار برای کریشنا انجام دهد که توأم با عشق باشد. چنانچه عابد صادقی که خود را وقف فعالیتهای خدمت عابدانه کرده است، از خرد کافی جهت پیشرفت در خودشناسی بهره نبرده باشد، خداوند فرصت لازم را برای پیشرفت در اختیارش می‌نهد تا در نهایت امر به او برسد.

## آیه ۱۱

*teṣām evānukampārtham*
*aham ajñāna-jaṁ tamaḥ*
*nāśayāmy ātma-bhāva-stho*
*jñāna-dīpena bhāsvatā*

*teṣām*: برای آنها ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *anukampā-artham*: برای نشان دادن لطف و رحمت خاص ـ *aham*: من ـ *ajñāna-jam*: به علت جهل و غفلت ـ *tamaḥ*: تاریکی و ظلمت ـ *nāśayāmi*: برطرف می‌کنم، زایل می‌کنم ـ *ātma-bhāva*: درون قلبهایشان ـ *sthaḥ*: واقع شده ـ *jñāna*: مربوط به دانش ـ *dīpena*: با چراغ ـ *bhāsvatā*: درخشنده، فروزنده.

## ترجمه

**من که در قلبشان ساکن می‌باشم، برای نشان دادن لطف و رحمت خاص خود به آنان، تمامی ظلمت حاصل از جهل را، از طریق چراغ فروزان دانش، از روح آنها می‌زدایم.**

## شرح

هنگامی که خداوند چیتانیا در بنارس در حال اشاعه ذکر هاره‌کریشنا، هاره‌کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره بود، هزاران نفر از او پیروی می‌کردند. در آن زمان در بنارس، محقق بسیار دانشمند و صاحب نفوذی به

نام پراکاشاناندا ساراسواتی وجود داشت که خداوند چیتانیا را به خاطر احساساتی بودن استهزاء می‌نمود. پاره‌ای اوقات فلاسفه از مریدان و سرسپردگان خدا انتقاد می‌کنند زیرا تصور می‌نمایند که اکثر عابدان در تاریکی جهل و بی‌خبری بسر می‌برند و اشخاصی احساساتی و فاقد اطلاع نسبت به مبانی فلسفی‌اند. اما در حقیقت چنین نیست. محققان بسیار دانشمندی وجود دارند که فلسفه عشق و عبودیت را ارائه کرده‌اند. لیکن چنانچه حتی عابدی از متون آنان و یا از پیر روحانی خود بهره نگیرد، در صورتی که در خدمت عابدانه خود صادق باشد، کریشنا شخصاً آن عابد را از درون قلب یاری خواهد کرد. بنابراین عابد صادقی که مشغول آگاهی به کریشنا است نمی‌تواند فاقد دانش باشد. تنها صلاحیت و شایستگی برای شخص، همت گماردن به انجام خدمت عابدانه در آگاهی کامل به کریشناست.

فلاسفه جدید تصور می‌کنند که برخوردار شدن از دانش پاک مستلزم فضل و قدرت تمیز و تشخیص است. خداوند متعال این پاسخ را برای آنان بیان فرموده است: آنان که وقف خدمت عابدانه پاک و خالص هستند، حتی به رغم فقدان تحصیلات و دانش کافی درباره اصول ودایی، همان گونه که در این آیه ذکر گردیده، از یاری خداوند بهره‌مند خواهند شد.

خداوند به آرجونا می‌فرماید که اساساً فقط با غور و تفکر، به هیچ وجه امکان درک حقیقت متعال، حقیقت مطلق، شخصیت اعلای خداوند، وجود ندارد، زیرا شأن حقیقت متعال آنچنان عظیم و در اوج تعالی است که امکان درک یا دستیابی به او صرفاً از طریق تلاش و کوشش ذهنی میسر نیست. انسان می‌تواند میلیونها سال به پندارهای ذهنی خود ادامه دهد، لیکن چنانچه وجودش نثار پروردگار نباشد و عاشق حق تعالی نگردد، هیچگاه کریشنا یا حقیقت مطلق را درک نخواهد کرد. تنها از طریق بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه است که حقیقت متعال یعنی کریشنا راضی می‌گردد و او می‌تواند با نیروی غیر قابل تصورش خود را بر قلب عابد پاک ظاهر سازد. قلب عابد پاک همواره محضر خداوند کریشنا است و با حضور کریشنا، که درست همچون خورشید است، ظلمت جهل و نادانی بی‌درنگ مرتفع می‌گردد. این است لطف خاصی که کریشنا به عابد پاک ارزانی می‌دارد.

قلب انسان به علت آلودگی معاشرت مادی که از میلیونها تولد ایجاد شده، همواره با غبارها و تیرگیهای مادی پوشیده شده است؛ اما وقتی شخص وقف خدمت عابدانه شود و دائماً نام خداوند یعنی هاره کریشنا را ذکر کند، بلافاصله این غبار و تیرگی پاک می‌شود و انسان به مرحله دانش پاک ارتقاء می‌یابد. دستیابی به هدف غایی یعنی ویشنو، فقط با این ذکر و خدمت عاشقانه میسر خواهد بود و نه با پندارهای ذهنی یا با بحث و استدلال خشک. لزومی ندارد عابد پاک نگران تأمین احتیاجات زندگی خود باشد، زیرا وقتی پرده ظلمت را از قلب خود کنار زند، همه چیز به خودی خود توسط خداوند متعال که از خدمت عاشقانه عابد راضی گردیده، تأمین می‌شود. این جوهر تعالیم بهاگاواد-گیتا است. با مطالعه بهاگاواد-گیتا انسان می‌تواند در مقام تسلیم محض به خداوند متعال قرار گیرد و وجود خویش را نثار خدمت عابدانه پاک او کند. وقتی خداوند عهده‌دار مسئولیت چنین افرادی می‌گردد، انسان کاملا از هر گونه سعی و کوشش مادی آزاد می‌شود.

## آیات ۱۳-۱۲

*arjuna uvāca*
*paraṁ brahma paraṁ dhāma*
*pavitraṁ paramaṁ bhavān*
*puruṣaṁ śāśvataṁ divyam*
*ādi-devam ajaṁ vibhum*

*āhus tvām ṛṣayaḥ sarve*
*devarṣir nāradas tathā*
*asito devalo vyāsaḥ*
*svayaṁ caiva bravīṣi me*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *param*: والا و متعال ـ *brahma*: حقیقت ـ *param*: والا و متعال ـ *dhāma*: تکیه‌گاه، مأوا ـ *pavitram*: پاک و منزه ـ *paramam*: والا و متعال ـ *bhavān*: تو ـ *puruṣam*: شخصیت ـ *śāśvatam*: اصلی و ازلی ـ *divyam*: متعال و روحانی ـ *ādi-devam*: خداوند ازلی ـ *ajam*: تولد نیافته ـ *vibhum*: بزرگترین ـ *āhuḥ*: می‌گویند ـ *tvām*: درباره تو ـ *ṛṣayaḥ*: حکما ـ *sarve*: تمام ـ *deva-ṛṣiḥ*: حکیم در میان فرشتگان ـ *nāradaḥ*: نارادا ـ *tathā*: همچنین ـ *asitaḥ*: آسیتا ـ *devalaḥ*: دوالا ـ *vyāsaḥ*: ویاسا ـ *svayam*: شخصاً ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *bravīṣī*: توضیح می‌دهی (خداوند) ـ *me*: به من.

## ترجمه

**آرجونا گفت: تو شخصیت اعلای پروردگار، حقیقت مطلق، مأمن غایی و پاکترین هستی. تو شخص ازلی، ابدی، روحانی، تولد نیافته و بزرگترین هستی. تمامی حکمای بزرگ همانند نارادا، آسیتا، دِوالا و ویاسا این حقیقت را دربارهٔ تو تصدیق نموده‌اند و اکنون تو خود آن را به من بازگو می‌نمایی.**

## شرح

در این دو آیه خداوند متعال امکان درک این نکته که حق تعالی و روح منفرد متفاوتند را برای فلاسفه معاصر فراهم می‌آورد. آرجونا پس از گوش فرا دادن به چهار آیه اصلی بهاگاواد-گیتا در این فصل، کاملا از هر گونه شک و تردید رها می‌شود و کریشنا را به عنوان شخصیت متعال خداوند قبول می‌نماید. لذا او بلافاصله با صراحت و جرأت اعلام می‌دارد: "تو پارام برهما، شخصیت متعال خداوند هستی." کریشنا قبلا بیان کرده بود که منشأ ایجاد همه چیز و همه کس است و تمامی فرشتگان و انسانها نیز به او متکی هستند و این جهالت و غفلت آنان است که تصور می‌کنند مطلق و مستقل از خداوند متعال هستند.

این حجاب جهالت با انجام بندگی عاشقانه یا خدمت عابدانه، همان گونه که خداوند در آیه قبل توضیح فرمود، کاملا برطرف می‌گردد. اکنون آرجونا به لطف شخصیت الهی خداوند، کریشنا را منطبق با احکام ودایی به عنوان حقیقت متعال می‌پذیرد. این تنها به سبب دوستی و یا از روی تملق نیست که آرجونا کریشنا را شخصیت اعلای خداوند و حقیقت مطلق خطاب می‌کند. آنچه آرجونا در این دو آیه اظهار می‌کند در معارف ودایی تأیید شده است. احکام ودایی تصدیق می‌کنند که تنها کسی که طریق خدمت عابدانه به خداوند متعال را اتخاذ نماید، می‌تواند خداوند را درک کند. معارف ودایی یکایک کلماتی را که آرجونا در این آیه اظهار می‌نماید، تأیید و تصدیق می‌کنند.

همان گونه که کریشنا قبلا توضیح داده است که همه چیز به او تکیه دارد، در کنا اوپانیشاد نیز بیان گردیده که برهمن متعال تکیه‌گاه و مأمن همه چیز است. مونداکا اوپانیشاد این مطلب را تصریح می‌کند که خداوند متعال که همه چیز در او استقرار یافته فقط از طرف کسانی که دائماً به فکر او هستند قابل درک است. فکر دائم به کریشنا یا اسمارانام یکی از روشهای خدمت عابدانه می‌باشد. تنها از طریق بندگی عاشقانه خداوند یا خدمت عابدانه به کریشنا است که انسان می‌تواند موقعیت حقیقی خود را درک کند و از اسارت این کالبد مادی رهایی یابد.

در وداها، خداوند متعال به عنوان پاکترین پاکان معرفی شده است. کسی که درک کند کریشنا پاکترین پاکهاست می‌تواند از تمامی گناهان پاک شود. انسان نمی‌تواند از گناه مبری گردد، مگر اینکه سر تسلیم به خداوند متعال فرود آورده باشد. اینکه آرجونا کریشنا را به عنوان پاک متعال می‌پذیرد منطبق با احکام متون مقدس ودایی است. این مطلب همچنین از طرف شخصیتهای بزرگی که در رأس آنان نارادا قرار دارد تأیید شده است.

کریشنا، شخصیت اعلای خداوند است و انسان باید همواره بر او تمرکز کند و از رابطه متعال‌خود با وی لذت ببرد. کریشنا وجود متعال و از تولد، مرگ و هر گونه نیاز جسمانی مبری است. نه تنها آرجونا این موضوع را تأیید می‌کند بلکه تمام متون مقدس

ودایی، پوراناها و تواریخ نیز مؤید این مطلبند. در تمام ادبیات ودایی کریشنا بدین گونه توصیف گشته است و خداوند متعال نیز در فصل چهارم شخصاً می‌فرماید: "هرچند من تولد نیافته‌ام، ولی روی این کره ارض ظاهر می‌شوم تا اصول دینی را استوار سازم." شخصیت الهی خداوند منشأ و مبدأ متعال است و علتی ورای او نیست، زیرا علت تمامی علتها اوست و همه چیز از وجود مبارک او نشأت می‌گیرد. این معرفت کامل به شکرانه لطف و رحمت پروردگار متعال نصیب انسان می‌گردد.

در آیه حاضر، آرجونا به لطف کریشنا می‌تواند خود را ابراز نماید. چنانچه بخواهیم بهاگاواد-گیتا را درک کنیم باید اظهارات این دو آیه را بپذیریم. این روش موسوم به پاراmپارا یا قبول سلسله پیران است. تا انسان در سلسله پیران نباشد، قادر به درک بهاگاواد-گیتا نخواهد بود. درک بهاگاواد-گیتا به‌وسیله تحصیلات به اصطلاح دانشگاهی ممکن نیست. متأسفانه آنان که به تحصیلات دانشگاهی خود مغرورند، به رغم اینهمه شواهد و دلایل متون مقدس ودایی، باز سرسختانه بر این باور خود که کریشنا یک شخص عادی است اصرار می‌ورزند.

## آیه ۱۴

*sarvam etad ṛtaṁ manye*
*yan māṁ vadasi keśava*
*na hi te bhagavan vyaktiṁ*
*vidur devā na dānavāḥ*

*sarvam*: تمام ـ *etat*: این ـ *ṛtam*: حقیقت ـ *manye*: من می‌پذیرم ـ *yat*: آنچه ـ *mām*: به من ـ *vadasi*: تو می‌گویی ـ *keśava*: ای کریشنا ـ *na*: هیچگاه ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *te*: مال تو، ت ـ *bhagavan*: ای شخصیت پروردگار ـ *vyaktim*: پرده‌برداری، افشاگری ـ *viduḥ*: می‌توانند بشناسند ـ *devāḥ*: فرشتگان ـ *na*: و نه، هم نه ـ *dānavāḥ*: دیوان.

## ترجمه

**ای کریشنا، تمامی آنچه را به من گفته‌ای کاملا به عنوان حقیقت می‌پذیرم. خداونـدا، نـه فرشـتگان و نـه دیوسیرتان را یارای آن نیست که شخصیت الهیت را دریابند.**

## شرح

آرجونا در آیه حاضر تصریح می‌کند که بی‌ایمانان و دیوصفتان قادر به درک کریشنا نیستند. حتی‌فرشتگان نیز قادر به شناخت او نیستند، حال چه رسد به این به اصطلاح محققان دوران معاصر؟ آرجونا به لطف پروردگار متعال درک کرده است که حقیقت متعال و آن شخص یگانه کامل کریشناست. بنابراین انسان باید از راه آرجونا پیروی کند که حقیقت و مرجعیت بهاگاواد-گیتا را دریافت نمود. همان گونه که در فصل چهارم توصیف شد، طریقه پاراmپارا یا سلسله پیران که لازمه درک بهاگاواد-گیتا است از دست رفته و گم شده بود، و بدین سبب کریشنا دوباره آن را با آرجونا از نو آغاز کرد زیرا وی دوست صمیمی و عابد بزرگ او بود. بنابراین همان گونه که در مقدمه خود بر گیتوپانیشاد بیان نمودیم، بهاگاواد-گیتا باید از طریق پاراmپارا درک گردد. وقتی پاراmپارا از دست رفت آرجونا برای احیای مجدد آن برگزیده شد. این شیوه آرجونا که حقانیت سخنان کریشنا را پذیرفت باید سرمشق ما قرار گیرد؛ زیرا در این صورت می‌توانیم به حقیقت بهاگاواد-گیتا پی ببریم و به جوهر آن دست یابیم و فقط در این صورت است که می‌توانیم درک نماییم کریشنا شخصیت اعلای خداوند است.

## آیه ۱۵

*svayam evātmanātmānaṁ*

*vettha tvaṁ puruṣottama*
*bhūta-bhāvana bhūteśa*
*deva-deva jagat-pate*

*svayam*: شخصاً ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ātmanā*: به‌وسیله خودت ـ *ātmānam*: خودت ـ *vettha*: می‌شناسی ـ *tvam*: تو ـ *puruṣa-uttama*: ای بزرگترین در میان تمام اشخاص ـ *bhūta-bhāvana*: ای منشأ همه چیز ـ *bhūta-īśa*: ای خداوند همه چیز ـ *deva—deva*: ای خداوند تمام فرشتگان ـ *jagat—pate*: ای خداوند تمام جهان.

## ترجمه

**ای شخص متعال، منشأ تمامی کائنات، خداوند همهٔ موجودات، خداوند خداوندگاران، پروردگار جهـان، در حقیقت تنها تویی که به واسطهٔ نیروی درونیت خود را می‌شناسی.**

## شرح

شناخت خداوند متعال کریشنا تنها برای اشخاصی همچون آرجونا و پیروانش که از طریق انجام خدمت عابدانه در رابطه با او قرار دارند، میسر است. اشخاصی که طرز تفکری دیوصفتانه یا خدانشناسانه دارند نمی‌توانند کریشنا را بشناسند. باید در نظر داشت پندارهای ذهنی که شخص را از پروردگار متعال دور می‌کند گناهی بزرگ است و کسی که کریشنا را نمی‌شناسد نباید سعی کند درباره بهاگاواد–گیتا نظریه بدهد. بهاگاواد–گیتا کلام کریشنا و علم معرفت اوست؛ بدین سبب باید از طریق کریشنا همان طور که آرجونا به آن دست یافت درک شود و نه از تعابیر اشخاصی خدانشناس.

همان گونه که در شریماد– بهاگاواتام (۱۱/۲/۱) گفته شده است:

*vadanti tat tattva-vidas*
*tattvaṁ yaj jñānam advayam*
*brahmeti paramātmeti*
*bhagavān iti śabdyate*

حقیقت مطلق در سه وجه شناخته می‌شود: به صورت برهمن فاقد شخصیت، پاراماتمای حاضر در همه جا و سرانجام به صورت بهاگاوان یا شخصیت متعال خداوند. بنابراین، انسان در آخرین مرحله درک حقیقت مطلق به شخصیت اعلای پروردگار می‌رسد. باید دانست که شناخت برهمن فاقد هویت و یا پاراماتمای حاضر در همه جا از طرف فردی عادی یا حتی شخصی رها شده متضمن درک شخصیت متعال خداوند یا بهاگاوان نیست. بدین لحاظ چنین افرادی می‌توانند تلاش‌کنند که شخص متعال را از آیات بهاگاواد–گیتا که از سوی خود او یعنی کریشنا بیان می‌گردد درک نمایند. گاهی اوقات بی‌هویت‌گرایان کریشنا را به عنوان بهاگاوان می‌پذیرند و یا اینکه مرجعیت او را قبول می‌کنند، لیکن باز بسیاری از اشخاص – حتی رها شده – نمی‌توانند کریشنا را به عنوان پوروشوتاما یعنی شخص متعال درک نمایند؛ بدین سبب است که آرجونا او را به عنوان پوروشوتاما مخاطب قرار می‌دهد. و باز ممکن است شخص درک نکند که کریشنا پدر متعال تمام نفوس زنده است؛ بدین جهت آرجونا شخصیت الهی را با عنوان بهوتا ـ بهاوانا مخاطب قرار می‌دهد. و چنانچه شخص به شناخت او به منزله پدر متعال تمامی نفوس زنده نائل آید، باز ممکن است او را به عنوان کنترل کننده متعال نشناسد؛ بدین سبب در اینجا با عنوان بهوتشا یعنی کنترل کننده متعال همه کس خطاب شده است. و حتی چنانچه کسی کریشنا را به منزله کنترل‌کننده متعال تمام موجودات زنده قبول کند، شاید باز او را به عنوان منشأ و سرچشمه تمام فرشتگان نپذیرد؛ بدین سبب در اینجا با عنوان دوا دوا یا خداوند معبود تمام فرشتگان مخاطب قرار می‌گیرد. و حتی چنانچه کسی او را به عنوان خداوند معبود تمام فرشتگان بشناسد، شاید او را مالک متعال همه

چیز نداند؛ بدین سبب او به عنوان جاگاتپاتی خطاب شده است. بدین ترتیب در این آیه حقایق مربوط به وجود متعال کریشنا از طریق ادراک آرجونا اثبات می‌گردد. برای شناخت کریشنا همان گونه که هست، راهی جز دنبال کردن آرجونا باقی نمی‌ماند.

## آیه ۱۶

*vaktum arhasy aśeṣeṇa*
*divyā hy ātma-vibhūtayaḥ*
*yābhir vibhūtibhir lokān*
*imāṁs tvaṁ vyāpya tiṣṭhasi*

*vaktum*: گفتن ـ *arhasi*: شایسته بدان ـ *aśeṣeṇa*: به تفصیل ـ *divyāḥ*: الهی ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *ātma*: متعلق به خودت ـ *vibhūtayaḥ*: توانگریها ـ *yābhiḥ*: که به‌وسیله آن ـ *vibhūtibhiḥ*: توانگریها ـ *lokān*: تمام سیارات ـ *imān*: اینها ـ *tvam*: تو ـ *vyāpya*: نفوذ کننده ـ *tiṣṭhasi*: می‌مانی.

## ترجمه

**خواهشمندم توانگریهای الهیت را که به موجب آن خود را در تمامی این عوالم می‌گسترانی برایم به تفصیل بازگو کن.**

## شرح

در این آیه به نظر می‌رسد آرجونا نسبت به درک خود از حقانیت شخصیت اعلای خداوند، کریشنا، قانع شده است. آرجونا به شکرانه لطف کریشنا از تجربه شخصی، شعور، دانش و تمامی چیزهای دیگری که ممکن است شخص به واسطه تمام این عوامل داشته باشد برخوردار است،علاوه بر آنها او کریشنا را به عنوان شخصیت متعال خداوند شناخته است و برای او جای هیچ گونه شکی در این مورد نیست؛ با این وصف از کریشنا می‌خواهد که طبیعت همه جا گسترده خود را توضیح دهد. مردم به طور کلی و بی‌هویت‌گرایان به طور اخص بیشتر به شناخت طبیعت و سرشت همه جا گسترده حق تعالی می‌پردازند. لذا آرجونا از کریشنا سؤال می‌کند که چگونه او به واسطه نیروهای گوناگونش، در وجه همه جا گسترده‌اش وجود دارد. باید در نظر داشت که آرجونا این سؤال‌را به خاطر مردم عادی می‌پرسد.

## آیه ۱۷

*kathaṁ vidyām ahaṁ yogiṁs*
*tvāṁ sadā paricintayan*
*keṣu keṣu ca bhāveṣu*
*cintyo 'si bhagavan mayā*

*katham*: چگونه ـ *vidyām aham*: خواهم شناخت ـ *yogin*: ای عارف متعال ـ *tvām*: تو ـ *sadā*: همواره ـ *paricintayan*: فکر کردن به ـ *keṣu*: در کدام ـ *keṣu*: در کدام ـ *ca*: همچنین ـ *bhāveṣu*: طبایع ـ *cintyaḥ asi*: تو به خاطر آورده شوی ـ *bhagavan*: ای متعال ـ *mayā*: توسطمن.

## ترجمه

**ای کریشنا، ای عارف متعال، چگونه دائماً در فکر تو باشم و چگونه تو را بشناسم؟ ای شخصیت متعال خداوند، در چه صوری تو را به خاطر داشته باشم؟**

## شرح

همان گونه که در فصل قبل بیان گردید، شخصیت متعال خداوند به‌وسیله یوگا ـ مایای خود پوشیده شده است. فقط ارواح تسلیم شده و عابدان می‌توانند او را مشاهده کنند. اکنون آرجونا اطمینان دارد که دوست او کریشنا خداوند متعال است، اما می‌خواهد آن طریقه کلی را که به‌وسیله آن مردم عادی قادر می‌شوند خداوند همه جا گسترده را درک کنند بداند. باید در نظر داشت اشخاص عادی، به انضمام دیوسیرتان و کافران نمی‌توانند کریشنا را بشناسند، زیرا شخصیت الهی به‌وسیله انرژی یوگا ـ مایای خود حفظ شده است. آرجونا بار دیگر این سؤالات را برای بهره‌مندی مردم عادی مطرح می‌کند. عابد عالیمقام نه تنها به درک خود بلکه برای درک و فهم تمام بشریت اهمیت قائل است. بنابراین آرجونا، چون وایشناوا یعنی عابد است، از روی لطف، راه ادراک حضور در همه جا منتشر خداوند متعال را برای مردم عادی باز می‌کند. او مخصوصاً کریشنا را به عنوان یوگین مخاطب قرار می‌دهد زیرا شری کریشنا ارباب انرژی یوگا ـ مایا است، که به موجب آن او برای مردم عادی نهان یا آشکار می‌گردد. انسان عادی که هیچ گونه عشقی برای کریشنا ندارد نمی‌تواند همواره به کریشنا فکر کند؛ بنابراین مجبور است افکار مادی داشته باشد. آرجونا این حالت فکری اشخاص مادی این جهان را در نظر می‌گیرد. واژه‌های کشو کشو چا بهاوشو اشاره به طبیعت مادی دارد (واژه بهاوا یعنی اشیای مادی). چون اشخاص دنیوی نمی‌توانند کریشنا را به طور روحانی درک کنند، به آنان توصیه می‌شود که ذهن خود را بر مظاهر طبیعی متمرکز کنند و سعی در درک این نکته نمایند که چگونه کریشنا از طریق نمودهای مادی تجلی یافته است.

## آیه ۱۸

*vistareṇātmano yogaṁ*
*vibhūtiṁ ca janārdana*
*bhūyaḥ kathaya tṛptir hi*
*śṛṇvato nāsti me 'mṛtam*

*vistareṇa*: به تفصیل ـ *ātmanaḥ*: مال تو، ت ـ *yogam*: قدرت خارق‌العاده ـ *vibhūtim*: توانگریها ـ *ca*: همچنین ـ *jana-ardana*: ای کشنده کافران ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *kathaya*: توصیف کن ـ *tṛptiḥ*: رضایت ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *śṛṇvataḥ*: شنیدن ـ *na asti*: وجود ندارد ـ *me*: مال من، م ـ *amṛtam*: شهد.

## ترجمه

**ای جاناردانا، خواهشمندم دوباره توانگریهای خارق‌العاده‌ات را به تفصیل توصیف کن. من هیچگاه از شنیدن دربارهٔ تو سیر نمی‌شوم، زیرا هر چه بیشتر گوش فرا می‌دهم بیشتر می‌خواهم شهد کلام شیرین تو را بچشم.**

## شرح

ریشی‌های جنگل نایمیشارانیا به سرکردگی شوناکا گفتار مشابهی را در مقابل حضرت سوتا گوسوامی اظهار داشتند:

*vayaṁ tu na vitṛpyāma*

*uttama-śloka-vikrame*
*yac chṛṇvatāṁ rasa-jñānāṁ*
*svādu svādu pade pade*

"انسان هیچگاه از شنیدن دائم شئون الهی و روحانی خداوند کریشنا که سرودهای ودایی او را ستوده‌اند، سیر نمی‌شود. کسانی که وارد رابطه‌ای روحانی با کریشنا شده‌اند در هر لحظه از توصیف فعالیتهای خداوند لذت می‌برند." (شریماد– بهاگاواتام ۱۹/۱/۱) بدین ترتیب آرجونا علاقه‌مند است درباره کریشنا بشنود، و بخصوص اینکه چگونه او به عنوان خداوند متعال، در همه جا حضور دارد.

حال در رابطه با آمریتام یعنی شهد، باید خاطر نشان ساخت که هر توصیف یا گفتار مربوط به کریشنا درست همچون شهد است و این شهد از طریق تجربه عملی چشیده می‌شود. تفاوت داستانهای امروزی، حکایات و تواریخ با اعمال روحانی خداوند در این است که انسان از شنیدن داستانهای دنیوی خسته می‌شود لیکن هیچگاه از استماع درباره کریشنا ملول نمی‌گردد. فقط به همین دلیل است که تاریخ تمام جهان مملو از حکایات مربوط به اعمال ظهورات خداوند می‌باشد. برای مثال، پوراناها تاریخ اعصار گذشته‌اند که اعمال و فعالیتهای ظهورات مختلف خداوند را توصیف می‌کنند. به این طریق مطالب مذکور با وجود خواندنهای مکرر همواره تازه و نو باقی می‌ماند.

## آیه ۱۹

*śrī-bhagavān uvāca*
*hanta te kathayiṣyāmi*
*divyā hy ātma-vibhūtayaḥ*
*prādhānyataḥ kuru-śreṣṭha*
*nāsty anto vistarasya me*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *hanta*: بله ـ *te*: به تو ـ *kathayiṣyāmi*: بیان خواهم کرد ـ *divyāḥ*: الهی ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *ātma-vibhūtayaḥ*: توانگریهای شخصی ـ *prādhānyataḥ*: که اصلی هستند ـ *kuru-śreṣṭha*: ای بهترین کوروها ـ *na asti*: وجود ندارد ـ *antaḥ*: حد، محدودیت ـ *vistarasya*: برای گستردگی، برای وسعت ـ *me*: مال من، م.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: بله، من از تجلیات شکوهمند خود برای تو سخن خواهم گفت، لیکن ای آرجونا، فقط از آنهایی که شاخص و برجسته‌اند، زیرا قدرت و توانگری من نامحدود است.**

## شرح

درک عظمت کریشنا و توانگری نامحدودش ممکن نیست. حواس روح منفرد محدود است و به او اجازه نمی‌دهد که به کل امور مربوط به کریشنا دست یابد. با این همه عابدان سعی می‌کنند کریشنارا درک کنند، اما نه با این طرز فکر که در یک زمان خاص و یا در مرحله‌ای از زندگی قادر شوند کریشنا را به تمام و کمال درک نمایند. بلکه چشیدن موضوعات جذاب و لذت‌بخش مربوط به کریشنا که در نظر آنان همچون شهد است، آنها را دچار لذت وافر نموده و بدین ترتیب راضی می‌گردند. سرسپردگان خالص و مریدان پاک از گفتگو درباره توانگریهای کریشنا و نیروهای مختلفش دچار سروری روحانی می‌شوند. بدین جهت، خواهان استماع و گفتگو درباره آنهایند. کریشنا می‌داند که موجودات زنده دامنه توانگریهای او را درک نمی‌کنند؛ بدین لحاظ

می‌پذیرد که تنها تجلیات اصلی نیروهای مختلفش را بیان نماید. لغت پرادهانیاتا ("اصلی") بسیار حائز اهمیت است، زیرا ما فقط مقدار کمی از جزئیات اصلی خداوند متعال را می‌توانیم درک کنیم، زیرا وجوه خداوند نامحدود است. واژه ویبهوتی، چنانکه در این آیه به کار رفته، اشاره به توانگریهایی دارد که خداوند به‌وسیله آن کل عالم مشهود را اداره می‌کند. در لغتنامه آمارا ـ کوشا گفته شده که ویبهوتی نشان‌دهنده قدرتی استثنایی است.

بی‌هویت‌گرایان یا قائلین به وحدت وجود قادر به درک تواناییهای استثنایی خداوند متعال نیستند و همچنین نمی‌توانند تجلیات نیروهای الهیش را درک نمایند. نیروهای خداوند هم در دنیای مادی و هم در عالم روحانی در تجلیات متنوع پخش شده است. اکنون کریشنا آنچه را مستقیماً از طرف اشخاص عادی قابل درک است توصیف می‌کند؛ و بدین ترتیب بخشی از نیروی متنوع او در ذیل توصیف می‌گردد.

## آیه ۲۰

*aham ātmā guḍākeśa*
*sarva-bhūtāśaya-sthitaḥ*
*aham ādiś ca madhyaṁ ca*
*bhūtānām anta eva ca*

*aham*: من ـ *ātmā*: روح ـ *guḍākeśa*: ای آرجونا (کسی که بر ظلمات خواب چیره شده است) ـ *sarva-bhūta*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *āśaya-sthitaḥ*: واقع شده درون قلب ـ *aham*: من هستم ـ *ādiḥ*: منشأ، آغاز ـ *ca*: همچنین ـ *madhyam*: وسط، میانه ـ *ca*: همچنین ـ *bhūtānām*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *antaḥ*: پایان ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و.

## ترجمه

**ای آرجونا [گوداکِشا]، من آن روح متعال هستم که در قلب تمام موجودات زنده جای دارد. من آغاز، میانه و پایان همهٔ موجودات هستم.**

## شرح

در این آیه آرجونا با عنوان گوداکشا مخاطب قرار می‌گیرد یعنی "کسی که بر تاریکی و ظلمت خواب فائق آمده است." برای کسانی که در تاریکی جهل و غفلت به خواب فرو رفته‌اند ممکن نیست درک کنند چگونه خداوند متعال خود را به طرق گوناگون در عوالم مادی و روحانی تجلی می‌دهد. پس انتخاب عنوان گوداکشا توسط کریشنا برای مخاطب قرار دادن آرجونا حائز اهمیت است.

کریشنا نخست آرجونا را مطلع می‌سازد که او به واسطه بسط اولیه‌اش، روح تمام تجلی کیهانی است. پیش از آفرینش مادی، خداوند متعال به‌وسیله بسط کامل خود، ظهورات پوروشا را به خود می‌پذیرد و از او همه چیز آغاز می‌شود. بنابراین او آتما یعنی روح ماهات ـ تاتوا (عناصر جهانی) است. صرفاً کل نیروی مادی، علت آفرینش مادی نیست بلکه در واقع ماها ـ ویشنو وارد ماهات ـ تاتوا یعنی کل نیروی مادی می‌گردد. ماها ـ ویشنو روح ماهات ـ تاتوا محسوب می‌شود. وقتی ماها ـ ویشنو وارد جهانهای تجلی یافته می‌شود، دوباره خود را به صورت روح متعال یکایک موجودات تجلی می‌دهد. ما به تجربه این نکته را دریافته‌ایم که کالبد جسمانی موجود زنده به علت حضور شراره روحانی موجودیت دارد. بنابراین بدون وجود آن شراره روحانی

بدن نمی‌تواند رشد کند. مشابهاً، کل عالم مادی نیز نمی‌تواند، بی‌آنکه روح متعال یعنی کریشنا وارد آن شود، تکامل یابد. همان گونه که در سوبالا اوپانیشاد آمده است:

*prakṛty-ādi-sarva-bhūtāntar-yāmī sarva-śeṣī ca nārāyaṇaḥ*

"شخصیت اعلای متعال خداوند به صورت روح متعال در تمام جهانهای تجلی یافته حضور دارد."

در شریماد- بهاگاواتام توصیف سه پوروشا ـ آواتارا آمده است. آنها در ساتواتا ـ تانترا نیز توصیف شده‌اند.

*Viṣṇos tu trīṇi rūpāṇi puruṣākhyāny atho viduḥ*

شخصیت متعال خداوند در این تجلی مادی، سه وجه به صورت کارانوداکاشایی ویشنو، گاربهوداکاشایی ویشنو و کشیروداکاشایی ویشنو را متجلی می‌کند. ماها ـ ویشنو، یا کارانوداکاشایی ویشنو، در برهما ـ سامهیتا (۴۷/۵) چنین توصیف شده است:

*Yaḥ kāraṇārṇava-jale bhajati sma yoga-nidrām*

خداوند متعال، کریشنا، علت تمام علل، در اقیانوس کیهانی به صورت ماها ـ ویشنو دراز می‌کشد. بنابراین شخصیت اعلای خداوند، آغاز این جهان، نگاهدارنده این عالم کائنات، و پایان تمام انرژی مادی است.

## آیه ۲۱

*ādityānām ahaṁ viṣṇur*
*jyotiṣāṁ ravir aṁśumān*
*marīcir marutām asmi*
*nakṣatrāṇām ahaṁ śaśī*

*ādityānām*: مربوط به آدیتیاها ـ *aham*: من هستم ـ *viṣṇuḥ*: خداوند متعال ـ *jyotiṣām*: ازتمام منابع نور ـ *raviḥ*: خورشید ـ *aṁśu-mān*: تابان، فروزان ـ *marīciḥ*: ماریچی ـ *marutām*: از ماروتها ـ *asmi*: من هستم ـ *nakṣatrāṇām*: از ستارگان ـ *aham*: من هستم ـ *śaśī*: ماه.

## ترجمه

**در میان آدیتیاها من ویشنو، در میان منابع نور من خورشید تابان، در میان ماروتها من ماریچی، و در میـان ستارگان من ماه هستم.**

## شرح

دوازده آدیتیا وجود دارد، که از آنها کریشنا آدیتیای اصلی است. در میان اجسام نورانی که در آسمان می‌درخشند خورشید عمده‌تر و در برهما ـ سامهیتا به منزله چشم درخشان خداوند متعال پذیرفته شده است. در فضا پنجاه نوع باد گوناگون می‌وزد که در میان آنها رب‌النوع حکمران، ماریچی، مظهر کریشناست.

در میان ستارگان، ماه در شب از همه شاخص‌تر است و بدین‌سان ماه مظهر کریشناست. این آیه مشخص می‌کند که ماه یکی از ستارگان است؛ بدین لحاظ ستارگانی که در آسمان می‌درخشند نیز نور خورشید را منعکس می‌سازند. متون مقدس ودایی نظریه وجود خورشیدهای متعدد در جهان را نمی‌پذیرد. خورشید یکی است و همان گونه که ماه با انعکاس نور خورشید می‌درخشد، ستارگان نیز به همین نحو می‌درخشند. چون بهاگاواد-گیتا در اینجا ماه را به عنوان یکی از ستارگان تلقی می‌کند، لذا دیگر ستارگان درخشان نیز خورشید نیستند بلکه ستارگانی همچون ماه‌اند.

## آیه ۲۲

*vedānāṁ sāma-vedo 'smi*
*devānām asmi vāsavaḥ*
*indriyāṇāṁ manaś cāsmi*
*bhūtānām asmi cetanā*

*vedānām*: از تمام وداها ـ *sāma-vedaḥ*: ساما ودا ـ*asmi*: من هستم ـ *devānām*: از تمام فرشتگان ـ *asmi*: من هستم ـ *vāsavaḥ*: پادشاه بهشتی ـ *indriyāṇām*: از تمام حواس ـ *manaḥ*: ذهن ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *bhūtānām*: از تمام موجودات زنده ـ *asmi*: من هستم ـ *cetanā*: نیروی حیات.

### ترجمه

**در میان وداها ساما ودا،در میان فرشتگان ایندرا پادشاه بهشت، در میان حواس ذهن، و در موجودات زنده من نیروی حیات [آگاهی] هستم.**

### شرح

تفاوت ماده و روح در این است که ماده همچون موجود زنده دارای آگاهی نیست. این آگاهی، متعال و جاودان است و نمی‌توان آن را از ترکیب ماده ایجاد کرد.

## آیه ۲۳

*rudrāṇāṁ śaṅkaraś cāsmi*
*vitteśo yakṣa-rakṣasām*
*vasūnāṁ pāvakaś cāsmi*
*meruḥ śikhariṇām aham*

*rudrāṇām*: از تمام رودراها ـ *śaṅkaraḥ*: خداوندگار شیوا ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *vitta-īśaḥ*: ارباب گنجینه‌های فرشتگان ـ *yakṣa-rakṣasām*: از یاکشاها و راکشاساها ـ *vasūnām*: از واسوها ـ *pāvakaḥ*: آتش ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *meruḥ*: مرو ـ *śikhariṇām*: از تمام کوهها ـ *aham*: من هستم.

### ترجمه

**در میان تمام رودراها خداوندگار شیوا، در میان یاکشاها و راکشاساها خدای ثروت [کووِرا]، در میان واسوها آتش [آگنی]، و در میان کوهها من مِرو هستم.**

### شرح

یازده رودرا وجود دارد که در میان آنان شانکارا یعنی خداوندگار شیوا برجسته‌ترین محسوب می‌شود. او ظهور خداوند متعال است که مسئولیت گونهٔ جهل را در جهان بر عهده دارد. رهبر یاکشاها و راکشاساها، کوورا می‌باشد که خزانه‌دار بزرگ فرشتگان و مظهری از خداوند متعال به شمار می‌آید. مرو کوهی است که به دلیل ثروت منابع طبیعیش مشهور است.

## آیه ۲۴

*purodhasāṁ ca mukhyaṁ māṁ*
*viddhi pārtha bṛhaspatim*
*senānīnām ahaṁ skandaḥ*
*sarasām asmi sāgaraḥ*

*purodhasām*: از تمام روحانیون ـ *ca*: همچنین ـ *mukhyam*: اصلی ـ *mām*: من را ـ *viddhi*: درک کن ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *bṛhaspatim*: بریهاسپاتی ـ *senānīnām*: از تمام فرماندهان ـ *aham*: من هستم ـ *skandaḥ*: کارتیکیا ـ *sarasām*: از تمام منابع آب ـ *asmi*: من هستم ـ *sāgaraḥ*: اقیانوس.

### ترجمه

**در میان روحانیون، ای آرجونا، بدان که من بریهاسپاتی هستم. در میان فرماندهان نظـامی کارتیکیـا، و در میان منابع آب من اقیانوس هستم.**

### شرح

ایندرا در رأس فرشتگان و پادشاه سیارات بهشتی است و سیاره‌ای که بر آن حکومت می‌کند ایندرا لوکا خوانده می‌شود، بریهاسپاتی فقیه روحانی ایندرا است و از آنجا که ایندرا در رأس تمام پادشاهان قرار دارد. بریهاسپاتی نیز در رأس تمام فقها است. و همان گونه که ایندرا در رأس تمام پادشاهان است، مشابهاً اسکاندا، یا کارتیکیا پسر پاراواتی و خداوندگار شیوا، در رأس تمام فرماندهان نظامی است. و در میان تمام منابع آبی اقیانوس بزرگترین به شمار می‌آید. این مظاهر کریشنا فقط دال بر نشانه‌های کوچکی از عظمت حق تعالی است.

## آیه ۲۵

*maharṣīṇāṁ bhṛgur ahaṁ*
*girām asmy ekam akṣaram*
*yajñānāṁ japa-yajño 'smi*
*sthāvarāṇāṁ himālayaḥ*

*mahā-ṛṣīṇām*: در میان حکمای بزرگ ـ *bhṛguḥ*: بهریگو ـ *aham*: من هستم ـ *girām*: از ارتعاشات ـ *asmi*: من هستم ـ *ekam akṣaram*: پراناوا ـ *yajñānām*: از قربانیها ـ *japa-yajñaḥ*: ذکر کردن ـ *asmi*: من هستم ـ *sthāvarāṇām*: از اشیای ساکن ـ *himālayaḥ*: کوههای هیمالیا.

### ترجمه

**در میان حکمای بزرگ من بهریگو، در میان ارتعاشات ارتعاش روحانی اُم، در میان قربانیها ذکـر نامهـای مقدس [جاپا]، و از اجسام ساکن کوههای هیمالیا هستم.**

### شرح

برهما اولین مخلوق زنده جهان، برای تکثیر انواع گوناگون حیات چندین فرزند پسر آفرید. قدرتمندترین این پسران، بهریگو است که در عین حال خردمندترین حکما نیز محسوب می‌شود. در میان تمام ارتعاشات روحانی، ام (امکارا) مظهر کریشناست. در میان تمام قربانیها، ذکر هاره‌کریشنا، هاره‌کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، خالصترین مظهر کریشنا به شمار می‌آید. هرچند گاهی اوقات قربانی حیوانات توصیه شده است، لیکن در این نوع قربانی یعنی ذکر مانترای هاره‌کریشنا، اعمال خشونت وجود ندارد و در ضمن این عمل ساده‌ترین و پاکترین نوع قربانی است. هرآنچه در عالم قدر، مقام و منزلتی والا دارد مظهر کریشنا محسوب می‌شود. بدین جهت کوههای هیمالیا، بزرگترین کوههای جهان، نیز مظهر اویند. در یکی از آیات قبل کوه مرو ذکر شده بود، اما مرو گاهی متحرک است و جابجا می‌شود در حالی که هیمالیا همواره ثابت است. بدین جهت هیمالیا برتر از مرو می‌باشد.

## آیه ۲۶

*aśvatthaḥ sarva-vṛkṣāṇāṁ*
*devarṣīṇāṁ ca nāradaḥ*
*gandharvāṇāṁ citrarathaḥ*
*siddhānāṁ kapilo muniḥ*

*aśvatthaḥ*: درخت بانیان ـ *sarva-vṛkṣāṇām*: از تمام درختان ـ *deva—ṛṣīṇām*: از تمام حکیمان در میان فرشتگان ـ *ca*: و ـ *nāradaḥ*: نارادا ـ *gandharvāṇām*: از ساکنان سیاره‌گاندهاروا ـ *citrarathaḥ*: چیتراراتها ـ *siddhānām*: از تمام آن کسانی که به کمال دست یافته‌اند ـ *kapilaḥ muniḥ*: کاپیلا مونی.

## ترجمه

**در میان تمام درختان من درخت بانیان و از میان حکمای در بین فرشتگان نارادا می‌باشم. در میان گاندهارواها چیتراراتها، و در میان به کمال رسیدگان کاپیلای حکیم هستم.**

## شرح

درخت بانیان (آشواتها) یکی از رفیعترین و زیباترین درختان است. پرستش درخت بانیان در صبحگاهان یکی از مراسم مردم هند است. در میان فرشتگان آنان نارادا را نیز می‌پرستند که بزرگترین عابد در جهان محسوب می‌شود. او مظهر کریشنا به عنوان یک عابد است. سیاره گاندهاروا مملو از موجوداتی است که آوازی خوش دارند و بهترین آنان چیتراراتها می‌باشد. در میان کمال‌یافتگان، کاپیلا، پسر دواهوتی، مظهر کریشناست. او یکی از ظهورات خداوند به شمار می‌آید و فلسفه‌اش در شریماد-بهاگاواتام ذکر گردیده است. باید او را از کاپیلای دیگری که دارای فلسفه الحادی بود و بعدها معروف شد متمایز نمود چه تفاوت فاحشی بین آن دو می‌باشد.

## آیه ۲۷

*uccaiḥśravasam aśvānāṁ*
*viddhi mām amṛtodbhavam*
*airāvataṁ gajendrāṇāṁ*
*narāṇāṁ ca narādhipam*

*uccaiḥśravasam*: اوچایهشراوا ـ *aśvānām*: در میان اسبان ـ *viddhi*: بدان ـ *mām*: من را ـ *amṛta-udbhavam*: ایجاد شده از به هم زدن اقیانوس ـ *airāvatam*: آیراواتا ـ *gaja-indrāṇām*: از فیلهای شاهانه ـ *narāṇām*: در میان انسانها ـ *ca*: و ـ *nara-adhipam*: پادشاه، سلطان.

## ترجمه

**بدان که در میان اسبانْ من اوچایهشراوا هستم که در حین به هم زدن اقیانوس برای گرفتن شهد ایجاد گردید. در میان فیلهای شاهانه من آیراواتا و در میان انسانها پادشاه و سلطان هستم.**

## شرح

روزی فرشتگان عابد و دیوان (آسوراها) به به هم زدن دریا پرداختند که از نتیجه آن شهد و سم تولید شد؛ خداوندگار شیوا زهر را نوشید. از شهد، موجودات بسیاری ایجاد گردید که در میان آنها اسبی به نام اوچایهشراوا و فیلی به نام آیراواتا بود. چون این دو حیوان از شهد پدید آمدند، دارای اهمیت بخصوصی هستند و در نتیجه مظاهر کریشنا محسوب می‌گردند.

در میان انسانها، پادشاه نماینده کریشنا محسوب می‌شود، زیرا کریشنا نگاهدارنده و حافظ جهان است و پادشاهان که بر مبنای صفات الهیشان منصوب می‌شوند نیز حافظ سرزمینهای خودند. پادشاهانی همچون ماهاراجا یودهیشت‌هیرا، ماهاراجا پاریکشیت و خداوند راما همگی پادشاهان بسیار صالح و درستکاری بودند که همواره به رفاه و سعادت مردم می‌اندیشیدند. در ادبیات ودایی، پادشاه به مثابه نماینده خداوند تشریح شده است. اما در این عصر، با انحطاط و انحرافی که در اصول دین صورت گرفت، نظام پادشاهی فرو ریخت و متلاشی گردید و سرانجام برچیده شد. با این وصف باید این نکته را درک کرد که در گذشته مردم با زندگی تحت حفاظت پادشاهان صالح و پرهیزکار خوشبخت‌تر بودند.

## آیه ۲۸

*āyudhānām ahaṁ vajraṁ*
*dhenūnām asmi kāmadhuk*
*prajanaś cāsmi kandarpaḥ*
*sarpāṇām asmi vāsukiḥ*

*āyudhānām*: از تمام سلاحها ـ *aham*: من هستم ـ *vajram*: صاعقه ـ *dhenūnām*: از گاوها ـ *asmi*: من هستم ـ *kāma-dhuk*: گاو سورابهی ـ *prajanaḥ*: علت صاحب فرزند شدن ـ *ca*: و ـ *asmi*: من هستم ـ *kandarpaḥ*: رب‌النوع عشق ـ *sarpāṇām*: از مارها ـ *asmi*: من هستم ـ *vāsukiḥ*: واسوکی.

## ترجمه

**در میان سلاحها من صاعقه، در میان گاوها سورابهی، در میان عوامل تولید مثل کانداریا رب‌النوع عشق و در میان مارها واسوکی هستم.**

## شرح

صاعقه که واقعاً سلاح نیرومندی است مظهر قدرت کریشناست. در کوکب متعال کریشنالوکا واقع در ملکوت روحانی گاوهایی به نام سورابهی وجود دارد که در هر زمان و به هر اندازه که دلخواه باشد شیر می‌دهند. البته در این دنیای مادی از چنین

گاوهایی که به وجود آنان در کریشنالوکا اشاره گردیده، کمترین اثری نیست. خداوند دارای بسیاری از این گاوهای سورابهی است و به مثابه چوپانی (گوپالا) آنها را می‌چراند. برخلاف تمایل جنسی که فقط به منظور کامجویی به آن پرداخته می‌شود، کاندارپا تمایل جنسی برای ایجاد فرزندان صالح و پاک و بنابراین مظهر کریشناست.

## آیه ۲۹

*anantaś cāsmi nāgānāṁ*
*varuṇo yādasām aham*
*pitṝṇām aryamā cāsmi*
*yamaḥ saṁyamatām aham*

*anantaḥ*: آنانتا ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *nāgānām*: از مارهای آسمانی ـ *varuṇaḥ*: فرشته کنترل‌کننده آب ـ *yādasām*: از تمام موجودات آبزی ـ *aham*: من هستم ـ *pitṝṇām*: از اجداد ـ *aryamā*: آریاما ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *yamaḥ*: کنترل‌کننده مرگ ـ *saṁyamatām*: از تمام تنظیم‌کنندگان ـ *aham*: من هستم.

## ترجمه

**در میان مارهای آسمانی ناگا من آنانتا، در میان موجودات دریایی وارونای فرشته، در میان اجداد آریاما، و از مجریان قانون من یاما خداوندگار مرگ هستم.**

## شرح

در میان بسیاری از مارهای آسمانی ناگا، آنانتا مهمترین است، همان گونه که وارونا نیز در میان موجودات دریایی چنین است. آنها هر دو مظهر کریشنایند. همچنین سیاره‌ای از پیتاها یا اجداد وجود دارد که حکمرانی آن با آریاما است که مظهر کریشنا می‌باشد. یاما در رأس موجودات بسیاری است که مسئول مجازات شریران و بدکارانند. او در سیاره‌ای همجوار زمین زندگی می‌کند که اشخاص بسیار گناهکار را پس از مرگ به آنجا می‌برند و یاما انواع مجازات را در قبال اعمالشان برای آنان ترتیب می‌دهد.

## آیه ۳۰

*prahlādaś cāsmi daityānāṁ*
*kālaḥ kalayatām aham*
*mṛgāṇāṁ ca mṛgendro 'haṁ*
*vainateyaś ca pakṣiṇām*

*prahlādaḥ*: پراهلادا ـ *ca*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *daityānām*: از دیوان، از خدانشناسان ـ *kālaḥ*: زمان ـ *kalayatām*: از مطیع‌کنندگان (مقهورکنندگان) ـ *aham*: من هستم ـ *mṛgāṇām*: از حیوانات ـ *ca*: و ـ *mṛga-indraḥ*: شیر ـ *aham*: من هستم ـ *vainateyaḥ*: گارودا ـ *ca*: همچنین ـ *pakṣiṇām*: از پرندگان.

## ترجمه

**در میان دیوانِ دایتیا من پراهلادای عابد، در میان مطیع‌کنندگان زمان، در میان حیوانات شیر، و در میان پرندگان گارودا هستم.**

## شرح

دیتی (*Diti*) و آدیتی (*Aditi*) دو خواهرند. پسران آدیتی، آدیتیاها خوانده می‌شوند که همگی عابدان خداوندند و پسران دیتی دایتیاها خوانده می‌شوند که کافر و خدانشناسند. هرچند پراهلادا در خانواده دایتیاها تولد یافت، لیکن از کودکی عابد بزرگ خداوند بود. او به علت خدمت عابدانه و فطرت الهیش مظهر کریشنا محسوب می‌گردد.

نیروهای مطیع‌کننده بسیاری وجود دارد، اما زمان سرآمد همه است زیرا همه چیز را در جهان مادی می‌فرساید و متلاشی می‌کند و بنابراین مظهر کریشناست. شیر قویترین و سبعترین در میان حیوانات و گارودا، حامل خداوند ویشنو، مهمترین در میان میلیونها نوع پرنده است.

## آیه ۳۱

*pavanaḥ pavatām asmi*
*rāmaḥ śastra-bhṛtām aham*
*jhaṣāṇāṁ makaraś cāsmi*
*srotasām asmi jāhnavī*

*pavanaḥ*: باد ـ *pavatām*: از تمام آن چیزهایی که تطهیر می‌کند ـ *asmi*: من هستم ـ *rāmaḥ*: راما ـ *śastra-bhṛtām*: از تمام کسانی که مسلّحند ـ *aham*: من هستم ـ *jhaṣāṇām*: از تمام ماهیان ـ *makaraḥ*: کوسه ـ *ca*: همچنین ـ *asmi* : من هستم ـ *srotasām*: از رودخانه‌های جاری ـ *asmi*: من هستم ـ *jāhnavī*: رودخانه گنگ.

## ترجمه

**در میان پاک‌کنندگان باد، در میان کسانی که ماهرانه اسلحه را به کار می‌برند راما، در میان ماهیان کوسه، و در میان رودخانه‌های روان، رود گنگ هستم.**

## شرح

در میان تمام جانوران دریایی کوسه یکی از بزرگترین و مسلماً برای انسان خطرناکترین است، بنابراین کوسه مظهر کریشنا به شمار می‌آید.

## آیه ۳۲

*sargāṇām ādir antaś ca*
*madhyaṁ caivāham arjuna*
*adhyātma-vidyā vidyānāṁ*
*vādaḥ pravadatām aham*

*sargāṇām*:از تمام خلقتها ـ *ādiḥ*: آغاز ـ *antaḥ*: پایان ـ *ca*: و ـ *madhyam*: وسط، میانه ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *aham*: من هستم ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *adhyātma—vidyā*: دانش روحانی ـ *vidyānām*: از تمام علوم ـ *vādaḥ*: نتیجه‌گیری قطعی ـ *pravadatām*: ازاستدلالات ـ *aham*: من هستم.

## ترجمه

**ای آرجونا، در میان تمام آفرینشها من آغاز و انتها و نیز میانه هستم. در میان تمام علوم، علم روحانی ذات و در میان منطق‌دانان، حقیقت قطعی و نهایی هستم.**

## شرح

در امر خلقت، نخست کلیت عناصر مادی خلق می‌گردد. همان گونه که قبلا توضیح داده شد، کل کیهان مادی توسط ماها ـ ویشنو، گاربهوداکاشایی ویشنو، و کشیرو داکاشایی ویشنو خلق می‌شود و اداره می‌گردد و سپس توسط خداوندگار شیوا نابود می‌گردد. پس برهما آفریدگاری ثانوی است. تمام این کارگزاران در امر ایجاد، بقاء و فنا، ظهورات کیفیات سه گانه مادی خداوند متعال هستند. بنابراین اوست آغاز، میانه و پایان تمام آفرینش.

انواع گوناگون کتب دانش به منظور پیشرفت در تحصیل علوم الهی وجود دارد همچون چهار ودا، ضمائم ششگانه آنها، ودانتا ـ سوترا، کتب منطق، کتب دین و پوراناها. بنابراین همه آنها چهارده قسم از کتب تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهند. در این میان، کتابی که آدهیاتما ـ ویدیا یا دانش روحانی را عرضه می‌دارد – بخصوص ودانتا ـ سوترا – مظهر کریشناست.

در میان منطق‌دانان انواع مختلف استدلال وجود دارد. اثبات استدلال با ارائه و استناد به دلایل متقن که مؤید جنبه عکس قضیه باشد، جالپا خوانده می‌شود. صرفاً سعی و تلاش برای تکذیب دلایل و برهانها و مغلوب کردن حریف، ویتاندا خوانده می‌شود. و اما نتیجه‌گیری حقیقی، وادا خوانده می‌شود. این حقیقت قطعی و نهایی مظهر کریشناست.

## آیه ۳۳

*akṣarāṇām a-kāro 'smi*
*dvandvaḥ sāmāsikasya ca*
*aham evākṣayaḥ kālo*
*dhātāhaṁ viśvato-mukhaḥ*

*akṣarāṇām*: از حروف ـ *a—kāraḥ*: نخستین حرف ـ *asmi*: من هستم ـ *dvandvaḥ*: دوگانه، دوتایی ـ *sāmāsikasya*: از ترکیبات ـ *ca*: و ـ *aham*: من هستم ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *akṣayaḥ*: ابدی ـ *kālaḥ*: زمان ـ *dhātā*: خالق ـ *aham*: من هستم ـ *viśvataḥ-mukhaḥ*: برهما.

## ترجمه

**در میان حروف من حرف الف و در میان کلمات مرکب ترکیب دوبخشی‌ام. من همچنین زمان پایان ناپذیرم، و در میان آفرینندگان برهما هستم.**

## شرح

حرف آ ـ کارا نخستین حرف از حروف الفبای سانسکریت، آغاز ادبیات ودایی است. بدون آ ـ کارا هیچ حرفی را نمی‌توان به صدا درآورد؛ بدین سبب این حرف اصل و مبدأ تمام اصوات است. همچنین در سانسکریت کلمات ترکیبی بسیاری وجود دارد، که از میان آنها کلمات دو قسمتی مانند راما ـ کریشنا، دواندوا (*dvandva*) خوانده می‌شود. در این واژه مرکب، به علت اینکه کلمات راما و کریشنا دارای آهنگ مشابهی‌اند، (دواندوا) خوانده می‌شود.

در میان همه کشندگان، زمان نهایی‌ترین عامل است زیرا همه چیز را نابود می‌کند. زمان مظهر کریشنا نیز محسوب می‌شود، زیرا در موقع موعود آتش بزرگی شعله‌ور می‌شود که همه چیز را در خود نابود می‌کند.

در میان موجودات زنده آفریننده برهمای چهارسر در رأس قرار دارد. بنابراین برهما مظهر خداوند متعال کریشناست.

## آیه ۳۴

*mṛtyuḥ sarva-haraś cāham*
*udbhavaś ca bhaviṣyatām*
*kīrtiḥ śrīr vāk ca nārīṇāṁ*
*smṛtir medhā dhṛtiḥ kṣamā*

*mṛtyuḥ*: مرگ ـ *sarva-haraḥ*: فروبلعنده همه چیز ـ *ca*: همچنین ـ *aham*: من هستم ـ *udbhavaḥ*: پیدایش ـ *ca*: همچنین ـ *bhaviṣyatām*: از تجلیات آینده ـ *kīrtiḥ*: شهرت ـ *śrīḥ*: توانگری یا زیبایی ـ *vāk*: سخن شیوا ـ *ca*: همچنین ـ *nārīṇām*: از زنان ـ *smṛtiḥ*: حافظه ـ *medhā*: شعور، خرد ـ *dhṛtiḥ*: ثبات، وفاداری ـ *kṣamā*: شکیبایی.

## ترجمه

**من مرگ، آن بلعندهٔ همه چیز هستم و همچنین اصل مولّد هر آنچه به وجود خواهد آمد. در زن، من شهرت، ثروت، سخن شیوا، حافظه، شعور، وفاداری و شکیبایی او هستم.**

## شرح

انسان، به مجرد تولدش، در هر لحظه می‌میرد. بدین‌سان مرگ در هر لحظه، هر موجود زنده‌ای را می‌بلعد؛ لیکن ضربه آخر، خود مرگ خوانده می‌شود. آن مرگ کریشناست. تمام موجودات زنده شش مرحله اصلی تغییر را پشت سر می‌گذارند که عبارتند از تولد، رشد، تثبیت، تولید مثل، تحلیل و سرانجام مرگ. در میان این تغییرات اولین آنها یعنی رهایی از رحم مادر که لحظه ابتدایی آغاز تمام فعالیتهای آینده است، کریشنا می‌باشد.

هفت توانگری و صفت نامبرده شده – شهرت، ثروت، سخن شیوا، حافظه، شعور، وفاداری و شکیبایی – در ارتباط با جنس زن ذکر گردیده است. چنانچه زنی همه آنها یا برخی از آنها را داشته باشد شکوهمند می‌شود. چنانچه فردی به عمل صالح مشهور باشد، درستکاریش او را سرافراز می‌سازد. سانسکریت زبانی کامل و در نتیجه پرشکوه است. چنانچه انسان بتواند پس از مطالعه، مطلب را به خاطر داشته باشد، از موهبت حافظه خوب یا اسمریتی برخوردار است. نه تنها توانایی‌خواندن کتابهای زیاد در موضوعات مختلف، بلکه توانایی درک آنها و به کار بردن آنها در هنگام لزوم شعور و خرد (مدها) می‌باشد. توانایی فائق آمدن بر بی‌ثباتی، ثبات قدم یا وفاداری (دهریتی) خوانده می‌شود. و هنگامی که انسان از هر نظر دارای شایستگی و صلاحیت باشد ولی همچنان متواضع و شریف بماند، و یا وقتی قادر باشد تعادل خویش را در غم و شادی حفظ نماید، دارای صبر و شکیبایی (کشاما) می‌باشد.

## آیه ۳۵

*bṛhat-sāma tathā sāmnāṁ*
*gāyatrī chandasām aham*
*māsānāṁ mārga-śīrṣo 'ham*
*ṛtūnāṁ kusumākaraḥ*

*bṛhat-sāma*: بریهات ـ ساما ـ *tathā*: همچنین ـ *sāmnām*: از سرودهای ساما ودا ـ *gāyatrī*: سرود گایاتری ـ *chandasām*: از تمام اشعار ـ *aham*: من هستم ـ *māsānām*: از ماهها ـ *mārga-śīrṣaḥ*: ماه نوامبر ـ دسامبر ـ *aham*: من هستم ـ *ṛtūnām*: از تمام فصول ـ *kusuma-ākaraḥ*: بهار.

## ترجمه

**در میان سرودهای روحانیِ ساما ودا من بریهات ـ ساما، و در میان اشعار، من گایاتری هستم. در میان ماهها من مارگاشیرشا [نوامبر ـ دسامبر]، و در میان فصول بهار پرگُل هستم.**

## شرح

خداوند قبلا این موضوع را توضیح داد که در میان همه وداها، ساما ودا است. ساما ودا سرشار از سرودهای روحانی بسیار زیبایی است که فرشتگان مختلف آن را سرائیده‌اند. یکی از این سرودهای روحانی، بریهات ـ ساما است که آهنگی بدیع و عالی دارد و در نیمه‌شب خوانده می‌شود.

در زبان سانسکریت قواعد دقیقی بر فن شعر حکمفرماست؛ قافیه و وزن آن، چنانکه در بیشتر اشعار جدید ملاحظه می‌شود، بر مبنای هوی و هوس نیست. در میان اشعاری که با قواعد فوق سروده می‌شود، مانترای گایاتری که ذکر آن در شریماد– بهاگاواتام نیز آمده و از طرف براهماناهای صاحب صلاحیت خوانده می‌شود، برجسته‌ترین است. از آنجا که مانترای گایاتری بویژه برای شناخت خداوند به کار می‌رود، مظهر حق تعالی محسوب می‌گردد. ذکر این مانترا مختص افراد پیشرفته در روحانیت است و وقتی انسان در خواندن آن موفق باشد، می‌تواند به موقعیت متعال و روحانی خداوند پا نهد. نخست انسان باید کامل گردد، یعنی صفات گونهٔ نیکی را طبق قوانین طبیعت مادی کسب کند تا بتواند مانترای گایاتری را ذکر کند. مانترای گایاتری در تمدن ودایی بسیار حائز اهمیت است و ظهور برهمن به صورت صوت محسوب می‌شود. برهما آغازکننده آن است و از طریق او در سلسله پیران سینه به سینه نازل شده است.

در هندوستان ماههای آبان و آذر که هنگام برداشت محصول و شادمانی مردم است بهترین ماهها محسوب می‌شود، ولی فصل بهار نزد همه مردم و در تمام دنیا بهترین فصل به شمار می‌آید، زیرا نه زیاد گرم است و نه زیاد سرد و گلها و درختها جوانه می‌زنند و شکوفه می‌دهند. همچنین در بهار مراسم بسیاری به یادبود بازیهای الهی کریشنا وجود دارد؛ بنابراین بهار فرحبخش‌ترین فصل محسوب می‌شود و مظهر خداوند کریشنا است.

## آیه ۳۶

*dyūtaṁ chalayatām asmi*
*tejas tejasvinām aham*
*jayo 'smi vyavasāyo 'smi*
*sattvaṁ sattvavatām aham*

*dyūtam*: قمار ـ *chalayatām*: از تمام متقلبان ـ *asmi*: من هستم ـ *tejaḥ*: شکوه، جلال ـ *tejasvinām*: از هر چیز باشکوه ـ *aham*: من هستم ـ *jayaḥ*: پیروزی ـ *asmi*: من هستم ـ *vyavasāyaḥ*: ماجراجویی ـ *asmi*: من هستم ـ *sattvam*: قدرت ـ *sattva-vatām*: مربوط به قدرتمندان ـ *aham*: من هستم.

## ترجمه

**من همچنین قمار متقلبان و شکوه شکوهمندان هستم. من پیروزی، ماجراجویی و قدرت قدرتمندان هستم.**

## شرح

متقلبان بسیاری در تمام جهان وجود دارند. در میان تمام روشهای تقلب، قمار بالاترین است و بنابراین مظهر کریشنا است. به عنوان خداوند متعال، کریشنا می‌تواند مکارتر و حیله‌گرتر از هر انسانی باشد. اگر کریشنا بخواهد شخصی را فریب دهد، هیچکس نمی‌تواند در خدعه و نیرنگ از او پیشی گیرد. باید در نظر داشت عظمت پروردگار فقط در یک جهت یا جنبه نیست بلکه در تمامی جهات است.

او فتح و پیروزی فاتحان و شکوه و جلال شکوهمندان است. در میان سخت‌کوشان، جسوران و متهوران، ماجراجویان و حادثه‌جویان او برترین است. بین قدرتمندان او قدرتمندترین است. وقتی کریشنا روی کره ارض حضور داشت هیچکس نمی‌توانست در قدرت از او پیشی گیرد. او حتی در کودکی تپه گوواردهانا را بلند کرد. پس، هیچکس نمی‌تواند در فریب و نیرنگ، در شکوه و جلال، در فتح و پیروزی، در جسارت و شهامت و در قدرت از او برتری جوید.

## آیه ۳۷

*vṛṣṇīnāṁ vāsudevo 'smi*
*pāṇḍavānāṁ dhanañjayaḥ*
*munīnām apy ahaṁ vyāsaḥ*
*kavīnām uśanā kaviḥ*

*vṛṣṇīnām*: از نوادگان وریشنی ـ *vāsudevaḥ*: کریشنا در دواراکا ـ *asmi*: من هستم ـ *pāṇḍavānām*: از پانداواها ـ *dhanañjayaḥ*: آرجونا ـ *munīnām*: از حکما ـ *api*: همچنین ـ *aham*: من هستم ـ *vyāsaḥ*: ویاسا، مؤلف تمام ادبیات ودایی ـ *kavīnām*: از تمام متفکران بزرگ ـ *uśanā*: اوشانا ـ *kaviḥ*: متفکر.

## ترجمه

**در میان نوادگان وریشنی من واسودِوا و در میان پانداواها آرجونا هستم. در میان حکما ویاسا و در میان متفکران بزرگ من اوشانا هستم.**

## شرح

کریشنا شخصیت لایزال پروردگار، و بالادوا بسط بلافصل اوست. هم خداوند کریشنا و هم بالادوا هر دو به عنوان پسران واسودوا (*Vāsudeva*) ظاهر شدند، بدین جهت هر دوی آنان را می‌توان واسودوا (*Vāsudeva*) خواند. از دیدگاهی دیگر، چون کریشنا ورینداوانا را ترک نمی‌گوید، تمام شکلهای مبارک او که در هر کجای دیگری ظاهر می‌گردند بسطهای اویند. واسودوا (*Vāsudeva*) بسط بلافاصله کریشنا است، از این رو با کریشنا تفاوت ندارد. باید درک گردد واسودوا (*Vāsudeva*) که در این

آیه بهاگاواد-گیتا به آن اشاره شده است بالادوا یا بالاراما می‌باشد، زیرا او سرچشمه اصلی تمام ظهورات است و در نتیجه او یگانه منشأ واسودوا (*Vāsudeva*) است. بسطهای بلافاصله یا بسطهای شخصی خداوند، سوامشا و بسطهای جدا شده ویبهینامشا خوانده می‌شود.
در میان پسران پاندو آرجونا به نام دهانانجایا مشهور است. او بهترین در میان انسانها و لذا مظهر کریشناست. در میان مونی‌ها یا اشخاص دانشمند که در دانش ودایی تبحر دارند، ویاسا برجسته‌ترین است زیرا او دانش ودایی را به شیوه‌های مختلف برای تفهیم به توده مردم در این عصر کالی تشریح کرد. همچنین ویاسا به منزله یکی از ظهورات کریشنا شناخته می‌شود؛ بدین جهت ویاسا نیز مظهر کریشنا است. کاویها کسانی هستند که قادرند به طرز کامل و دقیقی روی هر موضوعی فکر کنند. در میان کاویها، اوشانا، یعنی شوکراچاریا، پیر روحانی آسوراها یا دیوصفتان و سیاستمداری فوق‌العاده هوشمند و مال‌اندیش بود. بدین‌سان شوکراچاریا مظهر دیگری از توانگری کریشناست.

## آیه ۳۸

*daṇḍo damayatām asmi*
*nītir asmi jigīṣatām*
*maunaṁ caivāsmi guhyānāṁ*
*jñānaṁ jñānavatām aham*

*daṇḍaḥ*: تنبیه، مجازات، کیفر ـ *damayatām*: از تمام راههای سرکوب یا بازداری ـ *asmi*: من‌هستم ـ *nītiḥ*: اصول اخلاقی ـ *asmi*: من هستم ـ *jigīṣatām*: از آن کسانی که در جستجوی پیروزی هستند ـ *maunam*: سکوت ـ *ca*: و ـ *eva*: همچنین ـ *asmi*: من هستم ـ *guhyānām*: از رازها ـ *jñānam*: دانش ـ *jñāna-vatām*: از خردمندان و فرزانگان ـ *aham*: من هستم.

## ترجمه

**در میان تمام راههای جلوگیری از بی‌قانونی من مجازات هستم و در آنان که جستجوگر موفقیت و پیروزی‌اند اخلاقیات می‌باشم. در رازها، من سکوت و در خردمندان و فرزانگان، خرد هستم.**

## شرح

در میان کارگزاران جلوگیری‌کننده و سرکوب‌کننده بسیاری که وجود دارند، آنهایی که شریران و بدکاران را از بین می‌برند از همه مهمترند. وقتی اشخاص شریر مجازات می‌شوند، عمل تنبیه مظهر کریشناست. در میان آنان که می‌کوشند در زمینه‌ای به موفقیت و پیروزی دست یابند، مؤثرترین عامل پیروزی اخلاقیات است. سکوت مهمترین عامل پیشرفت سریع در اعمال نهان همچون شنیدن، فکر کردن و تمرکز کردن است. انسان خردمند کسی است که بتواند بین ماده و روح و همچنین بین طبیعت برتر و طبیعت فروتر خداوند تمایز قایل شده و آنها را از یکدیگر تشخیص دهد. چنین دانشی خود کریشنا است.

## آیه ۳۹

*yac cāpi sarva-bhūtānāṁ*
*bījaṁ tad aham arjuna*
*na tad asti vinā yat syān*
*mayā bhūtaṁ carācaram*

*yat*: هرآنچه ـ *ca*: همچنین ـ *api*: ممکن است باشد ـ *sarva-bhūtānām*: از تمام مخلوقات ـ *bījam*: تخم، بذر ـ *tat*: آن ـ *aham*: من هستم ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *na*: نه (علامت منفی ساختن) ـ *tat*: آن ـ *asti*: وجود دارد ـ *vinā*: بدون ـ *yat*: که، که... آن ـ *syāt*: وجود دارد ـ *mayā*: به من، مرا ـ *bhūtam*: موجود مخلوق ـ *cara-acaram*: متحرک و ساکن.

## ترجمه

**علاوه بر این، ای آرجونا، من تخم مولد تمام موجودات هستم. هیچ موجود متحرک یا ساکنی قادر نیست بدون من وجود داشته باشد.**

## شرح

هر چیزی علتی دارد و این علت یا تخم تجلی کریشنا است. بدون انرژی کریشنا هیچ چیز نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ بدین جهت او قادر مطلق خوانده می‌شود. بدون نیروی او هیچیک از موجودات متحرک و ساکن نمی‌توانند پا به عرصه وجود نهند. هر موجودیتی که بر مبنای انرژی کریشنا نباشد مایا خوانده می‌شود یعنی "آنچه که نیست".

## آیه ۴۰

*nānto 'sti mama divyānāṁ*
*vibhūtīnāṁ parantapa*
*eṣa tūddeśataḥ prokto*
*vibhūter vistaro mayā*

*na*: و نه، هم نه ـ *antaḥ*: محدودیتی ـ *asti*: وجود دارد ـ *mama*: مال من، م ـ *divyānām*: مربوط به الهی ـ *vibhūtīnām*: توانگریها ـ *parantapa*: ای مغلوب کننده دشمنان ـ *eṣaḥ*: تمام این ـ *tu*: اما ـ *uddeśataḥ*: به عنوان نمونه‌ها ـ *proktaḥ*: بیان شده ـ *vibhūteḥ*: از توانگریها ـ *vistaraḥ*: گستره، پهنه ـ *mayā*: به‌وسیله من.

## ترجمه

**ای مغلوب‌کنندهٔ قدرتمند دشمنان، هیچ گونه پایانی برای تجلیات الهی من وجود ندارد. آنچه برای تو بیان داشته‌ام تنها اشاره‌ای است به توانگریهای بی‌کران من.**

## شرح

همان گونه که در کتب آسمانی بیان شده است، هرچند توانگریها و انرژیهای خداوند متعال از طرق مختلف درک می‌شود، لیکن حدی برای چنین توانگریهای مترتب نیست؛ بنابراین تمامی توانگریها و انرژیها را نمی‌توان توضیح داد. صرفاً چند نمونه و مثال برای آرجونا توصیف می‌شود تا حس کنجکاوی او را فرونشاند.

## آیه ۴۱

*yad yad vibhūtimat sattvaṁ*
*śrīmad ūrjitam eva vā*
*tat tad evāvagaccha tvaṁ*

*mama tejo-'ṁśa-sambhavam*

*yat yat*: هرآنچه ـ *vibhūti*: توانگریها ـ *mat*: داشتن ـ *sattvam*: موجودیت ـ *śrī-mat*: زیبا ـ *ūrjitam*: باشکوه ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *vā*: یا ـ *tat tat*: همه آنها ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *avagaccha*: باید بدانی ـ *tvam*: تو ـ *mama*: مال من، م ـ *tejaḥ*: مربوط به شکوه و جلال ـ *aṁśa*: قسمتی ـ *sambhavam*: زاده شده از، پدید آمده از.

## ترجمه

**بدان که تمام آفرینشهای زیبا، شکوهمند و توانا تنها بارقه‌ای از قدرت و جلالت من است.**

## شرح

باید این حقیقت را درک کرد که هر موجودیت زیبا و شکوهمندی، چه در دنیای مادی و چه در دنیای روحانی، فقط تجلی بسیار کوچکی از توانگری کریشناست. هر چیزی که دارای توانگری فوق‌العاده‌ای باشد باید مظهر توانگری کریشنا محسوب شود.

## آیه ۴۲

*atha vā bahunaitena*
*kiṁ jñātena tavārjuna*
*viṣṭabhyāham idaṁ kṛtsnam*
*ekāṁśena sthito jagat*

*atha vā*: یا ـ *bahunā*: بسیار ـ *etena*: به‌وسیله این نوع ـ *kim*: چه، چیست ـ *jñātena*: به‌وسیله دانستن ـ *tava*: مال تو، ت ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *viṣṭabhya*: پخش شدن، منتشر شدن ـ *aham*: من ـ *idam*: این ـ *kṛtsnam*: سراسر، کل ـ *eka*: به‌وسیله یک ـ *aṁśena*: قسمت ـ *sthitaḥ*: واقع شده‌ام ـ *jagat*: جهان.

## ترجمه

**ولی آرجونا، چه نیازی به شرح این همه دانش مفصل است؟ زیرا با بخش کوچکی از شخص خود، من بــه درون عالم کائنات رخنه کرده و آن را اداره می‌کنم.**

## شرح

خداوند متعال از طریق بسط خود به صورت پاراماتما در همه اشیاء و در دل هر ذره در سراسر عوالم مادی حضور دارد. خداوند در اینجا به آرجونا می‌فرماید لزومی به درک این نکته نیست که چگونه اشیای هستی در قدرت و عظمت جداگانه‌شان موجودیت دارند. او باید دریابد که وجود همه چیز به علت حضور کریشنا در آنها به صورت روح متعال است. از برهما یعنی عظیمترین موجود گرفته تا مورچه‌ای کوچک، همگی چون خداوند در یکایک آنان حضور یافته و آنها را حفظمی نماید، موجودیت دارند.

دیدگاهی وجود دارد که پرستش فرشتگان را مبتنی به رهنمون شدن و نهایتاً دستیابی به شخصیت اعلای خداوند یا هدف متعال می‌داند؛ ولی این آیه ما را از پرستش فرشتگان دور می‌سازد، زیرا حتی بزرگترین آنان همچون برهما و شیوا نیز تنها جلوه قسمتی از قدرت خداوند متعال هستند. خداوند منشأ تمامی خلایق است. او آساموردهوا (*asamaurdhva*) است، یعنی هیچکس اعلی‌تر از او و یا برابر با او نیست. در پادما پورانا گفته شده است کسی که خداوند متعال کریشنا را در سطح فرشتگان

قرار دهد – حتی چنانچه آن فرشتگان برهما یا شیوا نیز باشند – فوراً خداشناس به شمار می‌آید. اما اگر انسان توصیفات مختلف توانگریها و بسطهای انرژی کریشنا را به درستی مطالعه نماید، آنگاه می‌تواند بدون هیچ گونه شکی موقعیت خداوند شری کریشنا را درک‌کند و فکرش را بدون انحراف در پرستش او متمرکز نماید. خداوند به‌وسیله بسط خود موسوم به روح متعال که درون هر شیئی وارد می‌شود، در همه جا گسترده است. بنابراین سرسپردگان مخلص و عابدان پاک ذهنشان را بر آگاهی به کریشنا در خدمت عابدانه کامل متمرکز می‌کنند؛ بدین سبب آنان همواره در موقعیت روحانی بسر می‌برند. خدمت عابدانه و پرستش کریشنا به طرز بسیار واضحی در آیات هشتم الی یازدهم این فصل نشان داده شد. این راه خدمت عابدانه پاک است. اینکه چگونه انسان می‌تواند به بالاترین کمال عشق و عبودیت در معاشرت با شخصیت اعلای خداوند نائل آید در این فصل به طور کامل توضیح داده شده است. شریلا بالادوا ویدیابهوشانا، یکی از آچاریاهای بزرگ در سلسله پیران، شرح خود را بر این فصل با این گفته نتیجه‌گیری می‌کند:

حتی خورشید قدرتمند، نیرویش را از قدرت بی‌کران خداوند کریشنا می‌گیرد و تنها به واسطه بسط جزئی کریشنا است که تمام جهان حفظ می‌گردد. بنابراین خداوند کریشنا قابل پرستش است.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل دهم شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "توانگریهای حقیقت مطلق پایان می‌یابد.

# فصل یازدهم

# شکل جهانی خداوند

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*mad-anugrahāya paramaṁ*
*guhyam adhyātma-saṁjñitam*
*yat tvayoktaṁ vacas tena*
*moho 'yaṁ vigato mama*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *mat-anugrahāya*: فقط برای نشان دادن لطفت به من ـ *paramam*: والا و متعال ـ *guhyam*: موضوع محرمانه ـ *adhyātma*: روحانی ـ *saṁjñitam*: در باره ـ *yat*: آنچه ـ *tvayā*: به‌وسیله تو ـ *uktam*: گفته شده ـ *vacaḥ*: کلمات، سخنان ـ *tena*: به‌وسیله آن ـ *mohaḥ*: توهم ـ *ayam*: این ـ *vigataḥ*: برطرف شده است ـ *mama*: مال من، م.

## ترجمه

**آرجونا گفت: من به آموزشهای تو دربارهٔ اسرار دانش روحانی که با محبت بسیار برایم ایراد نمودی گوش فرا دادم و از این طریق توهم من، اکنون برطرف گردیده است.**

## شرح

کریشنا علت تمام علل است؛ این مطلب در فصل حاضر آشکار خواهد شد. حتی علت اها ویشنو که جهانهای مادی از او ساطع می‌شود نیز کریشناست. کریشنا یک ظهور الهی نه، که سرچشمه اصلی تمام ظهورات است. این مطلب در فصل پیش کاملا توضیح داده شد.

اکنون آرجونا درباره خویش می‌گوید که توهم او مرتفع گردیده است. این بدان معناست که آرجونا دیگر به کریشنا فقط به صورت یک انسان عادی که دوستش است نمی‌نگرد، بلکه او را به عنوان منشأ همه چیز می‌بیند. اما اینک که آرجونا در اشراق و آگاهی عمیق قرار گرفته و از برخورداری دوستی کریشنا شادمان است می‌اندیشد که هرچند او می‌تواند کریشنا را به عنوان منشأ همه چیز بپذیرد، ولی دیگران ممکن است نتوانند. بدین سبب برای آنکه الوهیت کریشنا برای همگان ثابت گردد، در این فصل از او تقاضا می‌کند که چهره جهانی خود را نشان دهد. در واقع رؤیت شکل جهانی کریشنا انسان را مانند آرجونا دچار هراس می‌کند، ولی کریشنا آنقدر مهربان است که پس از نشان دادن آن دوباره خود را به صورت اصلیش برمی‌گرداند. آرجونا با آنچه کریشنا چندین بار بیان داشته مبنی بر اینکه کریشنا فقط برای نفع او سخن می‌گوید موافق است و آرجونا نیز از این امر قدردانی می‌کند که همه اینها به لطف کریشنا برای او اتفاق افتاده است. اکنون وی اطمینان حاصل کرده که کریشنا علت تمام علل و روح متعال حاضر در قلب همگان است.

## آیه ۲

*bhavāpyayau hi bhūtānāṁ*
*śrutau vistaraśo mayā*
*tvattaḥ kamala-patrākṣa*
*māhātmyam api cāvyayam*

*bhava*: پیدایش ـ *apyayau*: ناپدید شدن ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *bhūtānām*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *śrutau*: شنیده شده است ـ *vistaraśaḥ*: با جزئیات ـ *mayā*: به‌وسیله من ـ *tvattaḥ*: از تو ـ *kamala-patra-akṣa*: ای چشم نیلوفرین ـ *māhātmyam*: شکوه و عظمت ـ *api*: همچنین ـ *ca*: و ـ *avyayam*: پایان ناپذیر.

### ترجمه

**ای چشم نیلوفرین، من از تو دربارهٔ پیدایش و ناپدیدشدن تمام موجودات زنده به تفصیل شنیده‌ام و شکوه و عظمت پایان ناپذیرت را درک نموده‌ام.**

## شرح

آرجونا از فرط شادمانیش، خداوند کریشنا را با عنوان "چشم نیلوفرین" (چشمان کریشنا درست همچون گلبرگهای گل نیلوفر به نظر می‌رسد) مخاطب قرار می‌دهد، زیرا کریشنا او را در فصل پیش مطمئن ساخته است که:

*ahaṁ kṛtsnasya jagataḥ prabhavaḥ pralayas tathā*

"من سرچشمه پیدایش و ناپدید شدن تمام این تجلی مادی هستم." آرجونا این مطلب را با جزئیات آن از خداوند شنیده است. بعلاوه او می‌داند که کریشنا به رغم آنکه منشأ هر گونه پیدایش و ناپدید شدن می‌باشد، با این وصف از آنها به کنار است. همان گونه که خداوند در فصل نهم بیان داشته است، هرچند در همه جا پخش است، ولی شخصاً در همه جا حاضر نیست. این همان توانگری و قدرت تصورناشدنی کریشنا است که آرجونا اذعان می‌کند کاملا درک کرده است.

## آیه ۳

*evam etad yathāttha tvam*
*ātmānaṁ parameśvara*
*draṣṭum icchāmi te rūpam*
*aiśvaraṁ puruṣottama*

*evam*: بدین‌سان ـ *etat*: این ـ *yathā*: همان گونه که هست ـ *āttha*: گفته‌ای ـ *tvam*: تو ـ *ātmānam*: خودت ـ *parama-īśvara*: ای خداوند متعال ـ *draṣṭum*: دیدن ـ *icchāmi*: آرزودارم ـ *te*: مال تو، ت ـ *rūpam*: شکل ـ *aiśvaram*: الهی ـ *puruṣa—uttama*: ای بهترین شخصیتها.

### ترجمه

**ای برترینِ تمامی شخصیتها، ای شکل متعال، هرچند من اینجا در مقابلم، حالت واقعی‌ات را همان گونه که خودت توصیف نمودی مشاهده می‌کنم، با این همه آرزو دارم آن شکلی را که از طریق آن وارد این تجلی جهانی شده‌ای، ببینم.**

## شرح

خداوند فرمود چون او به‌وسیله بسط شخصیش به جهان مادی وارد می‌شود، تجلی کل عالم کائنات ممکن می‌گردد و بقاء و دوام پیدا می‌کند. حال تا آنجا که به آرجونا مربوط می‌شود او از بیانات کریشنا الهام گرفته است، ولی برای اطمینان خاطر دیگران که ممکن است در آینده فکر کنند کریشنا شخصی عادی است، می‌خواهد او را در شکل جهانیش ببیند و مشاهده کند که چگونه خداوند از درون جهان عمل می‌کند در حالی که از آن به کنار است. مخاطب قرار دادن خداوند به عنوان پوروشوتاما از طرف آرجونا حائز اهمیت است. چون او شخصیت اعلای پروردگار است و درون آرجونا نیز حضور دارد، نسبت به خواسته او واقف است و درک می‌کند که آرجونا شخصاً هیچ قصد خاصی برای دیدن او در شکل جهانیش ندارد، زیرا آرجونا کاملا با دیدن او در شکل واجد شخصیت کریشنا راضی است. اما خداوند این نکته را نیز درک می‌کند که آرجونا شکل جهانی او را به منظور مطمئن کردن دیگران می‌خواهد ببیند و هیچ گونه قصدی در خصوص اثبات این امر برای خود ندارد. همچنین کریشنا درک می‌کند که آرجونا می‌خواهد شکل جهانی او را مشاهده نماید تا ملاک و معیاری را بنا نهد، زیرا در آینده شیادان بسیاری خواهند آمد و وانمود خواهند کرد ظهورات خداوندند. بنابراین مردم باید مراقب باشند؛ کسی که ادعا می‌کند کریشنا است باید برای اثبات ادعایش به مردم شکل جهانی خود را نشان دهد.

## آیه ۴

*manyase yadi tac chakyaṁ*
*mayā draṣṭum iti prabho*
*yogeśvara tato me tvaṁ*
*darśayātmānam avyayam*

*manyase*: فکر می‌کنی ـ *yadi*: اگر ـ *tat*: آن ـ *śakyam*: قادر است ـ *mayā*: به‌وسیله من ـ *draṣṭum*: دیده شود ـ *iti*: بدین‌سان ـ *prabho*: خدایا ـ *yoga—īśvara*: ای خدای تمام قدرتهای خارق‌العاده ـ *tataḥ*: سپس ـ *me*: به من ـ *tvam*: تو ـ *darśaya*: نشان بده ـ *ātmānam*: ذات خودت ـ *avyayam*: ابدی، جاودان.

## ترجمه

**پروردگارا، ای صاحب تمام قدرتهای خارق‌العاده، چنانچه فکر می‌کنی من قادرم به صورت کیهانیت نظر افکنم، تقاضا دارم آن ذات جهانی بیکران را به من نشان دهی.**

## شرح

گفته شده است که انسان نمی‌تواند خداوند متعال کریشنا را به‌وسیله حواس مادی خود ببیند، بشنود، درک کند و یا بشناسد. اما چنانچه انسان از آغاز وقف خدمت عاشقانه روحانی به خداوند شود، آنگاه خداوند خود را بر او آشکار خواهد ساخت. از آنجا که موجود زنده فقط شراره‌ای روحانی است، امکان ندارد که خداوند متعال را ببیند و درک کند. آرجونا به عنوان عابد خدا به نیروی تفکر پندارگرایانه خود متکی نیست، بلکه او به محدودیتهای خویش به منزله موجود زنده (روح جزء) اذعان دارد و از شأن عظیم و منزلت بیکران و احصاءنشدنی کریشنا قدردانی می‌کند. آرجونا می‌داند که برای موجود زنده ممکن نیست حقیقت نامحدود را درک نماید، بلکه چنانچه حقیقت لایتناهی اراده نماید خود را نشان دهد، در آن صورت امکان دارد با لطف و رحمت آن حقیقت بیکران، طبیعت او را درک نمود. واژه یوگشوارا نیز در این آیه از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا خداوند دارای قدرتهای تصورناشدنی است. به هر تقدیر چنانچه خداوند بخواهد، به رغم نامحدود بودنش، می‌تواند از طریق لطف و رحمتش خود را

آشکار سازد. بنابراین آرجونا لطف و رحمت تصورنشدنی کریشنا را تقاضا می‌کند. او به کریشنا دستور نمی‌دهد، زیرا کریشنا اجباری ندارد که خویش را به کسی نشان دهد مگر آنکه انسان کاملا در آگاهی به او سر تسلیم فرود آورده و مشغول خدمت عاشقانه او شده باشد. بدین‌سان کسانی که متکی به پندارهای ذهنی خود هستند ممکن نیست کریشنا را ببینند.

## آیه ۵

*śrī-bhagavān uvāca*
*paśya me pārtha rūpāṇi*
*śataśo 'tha sahasraśaḥ*
*nānā-vidhāni divyāni*
*nānā-varṇākṛtīni ca*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *paśya*: فقط ببین ـ *me*: مال من، م ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *rūpāṇi*: اشکال ـ *śataśaḥ*: صدها ـ *atha*: همچنین ـ *sahasraśaḥ*: هزاران ـ *nānā-vidhāni*: متنوع ـ *divyāni*: الهی ـ *nānā*: متنوع ـ *varṇa*: رنگها ـ *ākṛtīni*: اشکال ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: آرجونای عزیزم، ای پسر پریتها، اکنون توانگریهای مرا ببین، صدها هزار شکل الهی متنوع و مملو از رنگهای گوناگون.**

## شرح

آرجونا می‌خواست کریشنا را در شکل جهانیش رؤیت کند، که هرچند سیمایی متعال است، لیکن فقط برای تجلی کیهانی ظاهر شده است و بنابراین تابع زمان موقت این طبیعت مادی می‌باشد. همانند طبیعت مادی، این شکل جهانی کریشنا نیز پاره‌ای اوقات تجلی یافته و زمانی تجلی نیافته است و همچون صورتهای دیگر کریشنا به طور جاودان در عالم روحانی قرار نگرفته است. اصولا عابد مشتاق دیدن شکل جهانی خداوند نیست، ولی چون آرجونا می‌خواست کریشنا را به این صورت ببیند، خداوند موافقت می‌کند. امکان دیدن این شکل جهانی برای اشخاص عادی میسر نیست. کریشنا باید قدرت دیدن آن را به انسان عطا کند.

## آیه ۶

*paśyādityān vasūn rudrān*
*aśvinau marutas tathā*
*bahūny adṛṣṭa-pūrvāṇi*
*paśyāścaryāṇi bhārata*

*paśya*: ببین ـ *ādityān*: دوازده پسر آدیتی ـ *vasūn*: هشت واسو ـ *rudrān*: یازده شکل رودرا ـ *aśvinau*: دو آشوینی ـ *marutaḥ*: چهل و نه ماروت (فرشتگان حکمران باد) ـ *tathā*: همچنین ـ *bahūni*: بسیار ـ *adṛṣṭa*: که تو ندیده‌ای ـ *pūrvāṇi*: پیش از این ـ *paśya*: ببین ـ *āścaryāṇi*: تمام شگفتیها ـ *bhārata*: ای بهترین بهاراتاها.

## ترجمه

**ای بهترین بهاراتاها، اینک تجلیات مختلف آدیتیاها، واسوها، رودراها، آشوینی ـ کوماراها وتمام فرشتگان دیگر را ببین. چیزهای شگفت‌انگیز بسیاری را رؤیت کن که هیچکس پیش از این نه دیده و نه شنیده است.**

## شرح

با اینکه آرجونا دوست صمیمی کریشنا و پیشرفته‌ترین دانایان است، برای او نیز امکان دانستن همه چیز درباره کریشنا وجود ندارد. اینجا بیان شده است که انسانها درباره هیچیک از این اشکال و تجلیات نه شنیده‌اند و نه می‌دانند. اکنون کریشنا این صور شگفت‌انگیز را نشان می‌دهد.

## آیه ۷

*ihaika-sthaṁ jagat kṛtsnaṁ*
*paśyādya sa-carācaram*
*mama dehe guḍākeśa*
*yac cānyad draṣṭum icchasi*

*iha*: در این ـ *eka—stham*: در یک مکان ـ *jagat*: جهان ـ *kṛtsnam*: کاملا ـ *paśya*: ببین ـ *adya*: بلافاصله، بی‌درنگ ـ *sa*: با ـ *cara*: متحرک ـ *acaram*: و ساکن ـ *mama*: مال من، م ـ *dehe*: در این بدن ـ *guḍākeśa*: ای آرجونا ـ *yat*: آن که ـ *ca*: همچنین ـ *anyat*: دیگر ـ *draṣṭum*: دیدن ـ *icchasi*: آرزو داری.

## ترجمه

**ای آرجونا، هرآنچه آرزوی دیدن آن را داری، بی‌درنگ در این کالبد من رؤیت کن! این شکل جهانی می‌تواند هرآنچه را تو اکنون آرزو می‌کنی و همچنین هرآنچه را در آینده ممکن است آرزو کنی به تو نشان دهد. همه چیز اعم از متحرک و ساکن به طور کامل در اینجا و در یک مکان جمع شده است.**

## شرح

هیچکس نمی‌تواند تمام جهان را در حالی که در یک مکان نشسته است ببیند. حتی بهترین دانشمند نیز نمی‌تواند امور جاری در قسمتهای دیگر جهان را رؤیت کند. لیکن فقط عابدی همچون آرجوناست که به لطف و رحمت کریشنا قادر می‌گردد هر چیزی را که در هر قسمت جهان وجود دارد مشاهده کند. کریشنا قدرت رؤیت هر چیزی را که او می‌خواهد در گذشته، حال و آینده ببیند، به او می‌دهد.

## آیه ۸

*na tu māṁ śakyase draṣṭum*
*anenaiva sva-cakṣuṣā*
*divyaṁ dadāmi te cakṣuḥ*
*paśya me yogam aiśvaram*

*na*: هرگز ـ *tu*: اما ـ *mām*: به من، مرا ـ *śakyase*: قادر هستند ـ *draṣṭum*: دیدن ـ *anena*: با اینها ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *sva-cakṣuṣā*: چشمان خودت ـ *divyam*: الهی ـ *dadāmi*: می‌دهم ـ *te*: به تو ـ *cakṣuḥ*: چشمان ـ *paśya*: ببین ـ *me*: مال من، م ـ *yogam aiśvaram*: قدرت خارق‌العاده تصورنشدنی.

## ترجمه

**اما تو با چشمان کنونیت قادر به رؤیت من نیستی. بنابراین من به تو چشمانی الهی می‌دهم. بـه قـدرت و توانگری خارق‌العادهٔ من بنگر!**

## شرح

عابد پاک مایل نیست کریشنا را در صورتی جز شکل جاودان دو دست رؤیت کند؛ با این احوال چنانچه میل دیدار شکل جهانی خداوند به او دست دهد باید آن را به لطف الهی، نه با ذهن بلکه با چشمان روحانی مشاهده نماید. برای دیدن شکل جهانی کریشنا به آرجونا گفته می‌شود که ذهنش را، نه که دیدش را، تغییر دهد. باید دانست که شکل جهانی کریشنا چندان حائز اهمیت نیست و این در آیات بعد روشن خواهد شد. اما چون آرجونا می‌خواست آن را مشاهده کند خداوند آن بینش و بصیرت خاص را که برای دیدن شکل جهانی لازم است به او اعطا می‌کند.

عابدانی که به طرز صحیحی در رابطه‌ای متعال و روحانی با کریشنا قرار دارند مجذوب وجوه پرمهر و عشق الهی می‌باشند و به نمایشی از توانگریهای فاقد شخصیت خداوند علاقه‌مند نیستند. همبازیها، دوستان و والدین کریشنا هیچگاه نمی‌خواهند وی قدرت خود را در معرض نمایش قرار دهد. آنان چنان غرق در عشق پاک و خالص هستند که حتی نمی‌دانند کریشنا شخصیت متعال خداوند است. آنان در تبادل روابط عاشقانه خود فراموش می‌کنند که کریشنا خداوند متعال است. در شریماد– بهاگاواتام بیان شده است که همبازیهای کریشنا ارواح بسیار بلندپایه، پرهیزکار و پاکی‌اند که پس از تولدهای بسیار زیاد قادر شده‌اند با کریشنا به بازیهای الهی بپردازند. آنها حتی نمی‌دانند که کریشنا شخصیت اعلای خداوند است و او را به صورت یکی از دوستان صمیمیشان می‌پندارند. بنابراین شوکادوا گوسوامی این آیه را بیان می‌دارد:

*itthaṁ satāṁ brahma-sukhānubhūtyā*
*dāsyaṁ gatānāṁ para-daivatena*
*māyāśritānāṁ nara-dārakeṇa*
*sākaṁ vijahruḥ kṛta-puṇya-puñjāḥ*

”همانا شخص متعال از طرف حکمای بزرگ به عنوان برهمن فاقد شخصیت، از طرف عابدان و مریدان به عنوان شخصیت اعلای خداوند و از طرف مردم عادی حاصل طبیعت مادی محسوب می‌گردد. اکنون این پسران که اعمال پرهیزکارانه بسیار بسیار زیادی را در زندگیهای گذشته خود انجام داده‌اند، با آن شخصیت اعلای خداوند در حال بازیهای الهی هستند.“ (شریماد– بهاگاواتام ۱۱/۱۲/۱۰)

واقعیت این است که عابد علاقه‌ای به دیدن ویشوا ـ روپا یعنی شکل جهانی ندارد، لیکن آرجونا می‌خواست آن را رؤیت کند تا صحت اظهارات کریشنا با دلیل ثابت شود؛ بدین ترتیب در آینده مردم درک خواهند کرد که کریشنا نه تنها از دیدگاه نظری و فلسفی خود را به عنوان متعال معرفی کرد که واقعاً خود را نیز به این صورت به آرجونا نشان داد. آرجونا باید این حقیقت را تصریح کند، زیرا او آغازکننده نظام پاراماپارا است. کسانی که واقعاً علاقه‌مند به درک کریشنا، شخصیت متعال خداوند، هستند و از راه آرجونا پیروی می‌کنند باید دریابند که کریشنا نه تنها از لحاظ نظری خود را به عنوان متعال معرفی نمود بلکه واقعاً نیز خود را به عنوان متعال آشکار ساخت.

خداوند به آرجونا قدرت لازم را برای دیدن شکل جهانیش اعطاء نمود زیرا می‌دانست که آرجونا همان گونه که پیش از این شرح دادیم عملا و شخصاً نمی‌خواست آن را ببیند.

## آیه ۹

*sañjaya uvāca*
*evam uktvā tato rājan*
*mahā-yogeśvaro hariḥ*
*darśayām āsa pārthāya*
*paramaṁ rūpam aiśvaram*

*sañjayaḥ uvāca*: سانجایا گفت ـ *evam*: بدین‌سان ـ *uktvā*: گفتن ـ *tataḥ*: از آن پس ـ *rājan*: ای پادشاه ـ *mahā-yoga-īśvaraḥ*: کسی که صاحب قدرتهای عظیم ماورایی است ـ *hariḥ*: شخصیت اعلای خداوند، کریشنا ـ *darśayām āsa*: نشان داد ـ *pārthāya*: به آرجونا ـ *paramam*: الهی ـ *rūpam aiśvaram*: شکل جهانی.

## ترجمه

**سانجایا گفت: پادشاها، شخصیت متعال خداوند، آن ارباب تمامی قـدرتهای مـاورائی، پـس از ادای ایـن سخنان شکل جهانی خود را به آرجونا نشان داد.**

## آیات ۱۱-۱۰

*aneka-vaktra-nayanam*
*anekādbhuta-darśanam*
*aneka-divyābharaṇaṁ*
*divyānekodyatāyudham*

*divya-mālyāmbara-dharaṁ*
*divya-gandhānulepanam*
*sarvāścarya-mayaṁ devam*
*anantaṁ viśvato-mukham*

*aneka*: گوناگون، متنوع ـ *vaktra*: دهانها ـ *nayanam*: چشمها ـ *aneka*: گوناگون ـ *adbhuta*: شگفت‌آور ـ *darśanam*: مناظر ـ *aneka*: بسیار ـ *divya*: الهی ـ *ābharaṇam*: زیورآلات ـ *divya*: الهی ـ *aneka*: گوناگون ـ *udyata*: بلند شده ـ *āyudham*: سلاحها ـ *divya*: الهی ـ *mālya*: حلقه‌های گل ـ *ambara*: لباسها، جامه‌ها ـ *dharam*: پوشیدن ـ *divya*: الهی، ملکوتی ـ *gandha*: عطرها، رایحه‌ها ـ *anulepanam*: آغشته به ـ *sarva*: تمام ـ *āścarya-mayam*: عالی، شگفت‌آور ـ *devam*: درخشان، تابان ـ *anantam*: نامحدود ـ *viśvataḥ—mukham*: همه جا حاضر.

## ترجمه

**آرجونا در آن شکل جهانی دهانهای بی‌شمار و نامحدود، چشمان بـی‌شـمار و نامحـدود و منـاظر شـگرف نامحدودی را مشاهده نمود. آن شکل با زیورآلات روحانی بسیار تزئین یافته بود و سلاحهای افراشته و روحـانی**

**بسیاری در دست داشت. خداوند جامه‌های الهی بر تن و حلقه گلهای روحانی بر گردن داشت و بدن او آغشته به بسیاری عطرهای الهی و رایحه‌های ملکوتی بود. تمامی اینها بی‌نهایت شگفت‌انگیز، درخشان، بیکران و فراگیر بود.**

## شرح

استفاده مکرر از واژه بسیار در این دو آیه نشان می‌دهد که هیچ حدی برای تعداد دستها، دهانها، پاها و تجلیات دیگر خداوند که آرجونا آنها را می‌دید وجود نداشت. این تجلیات در سراسر جهان گسترده شده بود، لیکن به لطف الهی آرجونا می‌توانست در حالی که در مکانی واحد نشسته بود آنها را رؤیت کند. این امر به علت نیروی غیر قابل تصور کریشنا امکان‌پذیر است.

## آیه ۱۲

*divi sūrya-sahasrasya*
*bhaved yugapad utthitā*
*yadi bhāḥ sadṛśī sā syād*
*bhāsas tasya mahātmanaḥ*

*divi*: در آسمان ـ *sūrya*: مربوط به خورشیدها ـ *sahasrasya*: مربوط به هزاران هزار ـ *bhavet*: وجود داشتند ـ *yugapat*: به طور همزمان ـ *utthitā*: حاضر ـ *yadi*: اگر ـ *bhāḥ*: نور، روشنایی ـ *sadṛśī*: مانند آن ـ *sā*: آن ـ *syāt*: شاید باشد ـ *bhāsaḥ*: درخشش، تشعشع ـ *tasya*: مربوط به او (خداوند) ـ *mahā-ātmanaḥ*: خداوند بزرگ.

## ترجمه

**چنانچه صدها هزار خورشید به یکباره در آسمان قد برافرازند، تابش انوار درخشان ساطع از آنها شاید بتواند شبیه به درخشش شخص متعال در آن شکل جهانی باشد.**

## شرح

آنچه آرجونا مشاهده نمود غیر قابل توصیف بود، با این حال سانجایا سعی می‌کند تصویری ذهنی از آن رازگشایی عظیم به دهریتاراشترا عرضه نماید. نه سانجایا و نه دهریتاراشترا هیچیک در آنجا حضور نداشتند، ولی سانجایا، به لطف ویاسا می‌توانست هرآنچه را اتفاق می‌افتاد مشاهده نماید. بدین‌سان او اکنون، تا آنجا که قابل درک است، موقعیت را با پدیده‌ای قابل تصور مانند هزاران خورشید مقایسه می‌کند.

## آیه ۱۳

*tatraika-sthaṁ jagat kṛtsnaṁ*
*pravibhaktam anekadhā*
*apaśyad deva-devasya*
*śarīre pāṇḍavas tadā*

*tatra*: آنجا ـ *eka—stham*: در یک مکان ـ *jagat*: جهان ـ *kṛtsnam*: کامل ـ *pravibhaktam*: تقسیم شده ـ *apaśyat*: به بسیاری ـ *deva-devasya*: می‌توانست ببیند ـ *śarīre*: مربوط به شخصیت اعلای خداوند ـ *pāṇḍavaḥ*: در شکل جهانی ـ *pāṇḍavaḥ*: آرجونا ـ *tadā*: در آن زمان.

## ترجمه

**در آن هنگام آرجونا توانست در شکل جهانی خداوند، بسطهای نامحدود جهان را که در یـک مکـان قـرار داشت، اما به هزاران هزار تقسیم شده بود، ببیند.**

## شرح

لغت تاترا ("آنجا") بسیار حائز اهمیت است. این واژه نشان می‌دهد که وقتی آرجونا شکل جهانی را مشاهده نمود، هم او و هم کریشنا هر دو بر روی ارابه نشسته بودند. دیگران که در میدان نبرد حضور داشتند نمی‌توانستند این شکل را رؤیت نمایند، زیرا کریشنا این بصیرت را تنها به آرجونا اعطاء کرده بود. آرجونا می‌توانست در بدن کریشنا هزاران هزار سیاره را مشاهده کند. همان گونه که ما از کتب مقدس ودایی می‌آموزیم جهانها و سیارات بسیاری وجود دارند. بعضی از آنها از خاک ساخته شده‌اند، بعضی از آنها از طلا، بعضی از جواهرات؛ بعضی بسیار بزرگند و بعضی نیز چندان بزرگ نیستند و غیره. آرجونا در حالی که در ارابه‌اش نشسته بود توانست تمام اینها را مشاهده کند. لیکن هیچکس قادر نبود درک کند بین آرجونا و کریشنا چه می‌گذشت.

## آیه ۱۴

*tataḥ sa vismayāviṣṭo*
*hṛṣṭa-romā dhanañjayaḥ*
*praṇamya śirasā devaṁ*
*kṛtāñjalir abhāṣata*

*tataḥ*: پس از آن ـ *saḥ*: او ـ *vismaya-āviṣṭaḥ*: در بهت و شگفتی فرو رفتن ـ *hṛṣṭa-romā*: با موهایی راست شده بر تن به خاطر وجد و جذبه عظیمش ـ *dhanañjayaḥ*: آرجونا ـ *praṇamya*: تقدیم کردن سجده‌ها ـ *śirasā*: با سر ـ *devam*: به شخصیت متعال خداوند ـ *kṛta-añjaliḥ*: با دستان بر هم قرار گرفته ـ *abhāṣata*: شروع کرد به سخن گفتن.

## ترجمه

**آنگاه، آرجونا، حیران و متحیر در حالی که مو بر تنش راست گردیده بود سر تعظیم فرود آورد و سجده‌های خود را به پیشگاه خداوند متعال تقدیم و با دستان بر هم قرار گرفته شروع به دعا به او نمود.**

## شرح

وقتی به برکت بصیرت الهی شکل جهانی نمایان می‌شود، رابطه بین کریشنا و آرجونا فوراً تغییر می‌کند. پیش از این رابطه کریشنا و آرجونا مبتنی بر دوستی بود، اما اینک پس از ظهور شکل جهانی، آرجونا با احترام بسیار زیاد سر تعظیم فرود می‌آورد و با دستان بر هم قرار گرفته، به نشانه خضوع و خشوع، به کریشنا دعا و شکل جهانی خداوند را ستایش می‌کند. بدین‌سان رابطه آرجونا با کریشنا به جای دوستی تبدیل به حیرت و شگفتی می‌گردد. عابدان بزرگ، کریشنا را به عنوان منبع تمامی روابط

می‌شناسند. در کتب مقدس دوازده نوع رابطه اصلی ذکر گردیده است که تمام آنها در کریشنا موجود است. گفته می‌شود او اقیانوس تمامی روابطی است که بین دو موجود زنده، بین فرشتگان یا بین خداوند متعال و عابدانش تبادل می‌شود.
آرجونا که در رابطه حیرت و شگفتی قرار گرفته بود، هرچند که طبیعتی هوشیار، آرام و ساکت داشت، پر از سرور و شعف گردید، مو بر تنش راست شد و با دستانی بر هم قرار گرفته شروع به ابراز اطاعت و احترام به خداوند متعال کرد. البته آرجونا دچار هراس نگردید، بلکه تحت تأثیر جنبه‌های شگرف و شگفت خداوند متعال قرار گرفت. حالتی که در آن موقعیت به آرجونا دست داد حیرت بود؛ لذا دوستی عاشقانه طبیعیش غرق در بهت و حیرت گردید و به همین دلیل او بدین صورت عکس‌العمل نشان داد.

## آیه ۱۵

*arjuna uvāca*
*paśyāmi devāṁs tava deva dehe*
*sarvāṁs tathā bhūta-viśeṣa-saṅghān*
*brahmāṇam īśaṁ kamalāsana-stham*
*ṛṣīṁś ca sarvān uragāṁś ca divyān*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *paśyāmi*: می‌بینم ـ *devān*: تمام فرشتگان ـ *tava*: مال تو، ت ـ *deva*: ای خداوند ـ *dehe*: در بدن ـ *sarvān*: همه، تمام ـ *tathā*: همچنین ـ *bhūta*: موجودات زنده ـ *viśeṣa-saṅghān*: به طور خاصی گرد آمده ـ *brahmāṇam*: خداوندگار برهما ـ *īśam*: خداوندگار شیوا ـ *kamala-āsana-stham*: نشسته بر گل نیلوفر ـ *ṛṣīn*: حکمای بزرگ ـ *ca*: همچنین ـ *sarvān*: همه ـ *uragān*: مارها ـ *ca*: همچنین ـ *divyān*: الهی، ملکوتی.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای کریشنا، خداوند عزیزم، در بدن تو اجتماع تمامی فرشتگان و انواع موجودات زندهٔ دیگر را مشاهده می‌کنم. من برهما را که بر گل نیلوفر نشسته است، همچنین خداوندگار شیوا، تمامی حکما و مارهای الهی را می‌بینم.**

## شرح

آرجونا تمامی پدیده‌های موجود در جهان را می‌بیند؛ بنابراین او برهما را می‌بیند که اولین مخلوق جهان است، همچنین مار الهی، واسوکی، را که گاربهوداکاشایی ویشنو در مناطق تحتانی جهان بر روی آن دراز کشیده است (همچنین مارهای دیگری نیز وجود دارد که همانند آن بستر یا تخت متعال به واسوکی معروفند). آرجونا می‌تواند از گاربهوداکاشایی ویشنو گرفته تا رفیعترین بخش جهان را که سیاره گل نیلوفر و محل سکونت برهما اولین مخلوق جهان است، مشاهده کند. این بدان معنی است که آرجونا قادر است همه چیز را از آغاز تا پایان در حالی که در مکانی واحد در ارابه‌اش نشسته رؤیت نماید. این امر فقط با لطف و رحمت خداوند متعال، کریشنا، امکان‌پذیر است.

## آیه ۱۶

*aneka-bāhūdara-vaktra-netraṁ*
*paśyāmi tvāṁ sarvato 'nanta-rūpam*
*nāntaṁ na madhyaṁ na punas tavādiṁ*

*paśyāmi viśveśvara viśva-rūpa*

*aneka*: بسیار ـ *bāhu*: بازوان ـ *udara*: شکمها ـ *vaktra*: دهانها ـ *netram*: چشمان ـ *paśyāmi*: مشاهده می‌کنم ـ *tvām*: تو را ـ *sarvataḥ*: در تمام جهات ـ *ananta-rūpam*: شکل نامحدود ـ *na antam*: بدون پایان ـ *na madhyam*: بدون میانه ـ *na punaḥ*و همچنین بدون ـ *tava*: مال تو، ت ـ *ādim*: آغاز ـ *paśyāmi*: می‌بینم ـ *viśva-īśvara*: ای خداوند جهان ـ *viśva-rūpa*: در شکل مربوط به جهان.

## ترجمه

**ای خداوند جهان، ای شکل جهانی، من در کالبد جهانیت بازوان، شکمها، دهانها و چشمهای بسیار بسیار زیادی را که به طور نامحدودی در همه جا بسط یافته‌اند می‌بینم. من در تو هیچ گونه پایان، میانه و آغازی مشاهده نمی‌کنم.**

## شرح

کریشنا شخصیت اعلای خداوند و حقیقت لایتناهی است و بدین ترتیب از طریق او همه چیز قابل رؤیت می‌باشد.

## آیه ۱۷

*kirīṭinaṁ gadinaṁ cakriṇaṁ ca*
*tejo-rāśiṁ sarvato dīptimantam*
*paśyāmi tvāṁ durnirīkṣyaṁ samantād*
*dīptānalārka-dyutim aprameyam*

*kirīṭinam*: با تاجها ـ *gadinam*: با گرزها ـ *cakriṇam*: با صفحه‌های مدور ـ *ca*: و ـ *tejaḥ-rāśim*: پرتو، تشعشع ـ *sarvataḥ*: در تمام جهات ـ *dīpti-mantam*: درخشان ـ *paśyāmi*: می‌بینم ـ *tvām*: تو را ـ *durnirīkṣyam*: مشکل برای دیدن ـ *samantāt*: همه جا ـ *dīpta-anala*: آتش سوزان ـ *arka*: مربوط به خورشید ـ *dyutim*: نور خورشید ـ *aprameyam*: بی‌کران.

## ترجمه

**تابش خیره کنندهٔ سیمای تو که همچون آتش سوزان یا پرتو بی‌کران خورشید از هر سو می‌درخشد، دیدن آن را مشکل می‌سازد. با وجود این، من این شکل نورانی را که با تاجها، گرزها، و صفحه‌های مدور گوناگونی آراسته شده است، در همه جا می‌بینم.**

## آیه ۱۸

*tvam akṣaraṁ paramaṁ veditavyaṁ*
*tvam asya viśvasya paraṁ nidhānam*
*tvam avyayaḥ śāśvata-dharma-goptā*
*sanātanas tvaṁ puruṣo mato me*

*tvam*: تو ـ *akṣaram*: مصون از خطا ـ *paramam*: والا و متعال ـ *veditavyam*: درک گردد ـ *tvam*: تو ـ *asya*: مربوط به این ـ *viśvasya*: جهان ـ *param*: والا و متعال ـ *nidhānam*: اساس، اصل ـ *tvam*: تو ـ *avyayaḥ*: بی‌پایان ـ *śāśvata-dharma-goptā*: حافظ دین ابدی ـ *sanātanaḥ*: ابدی، جاودان ـ *tvam*: تو ـ *puruṣaḥ*: شخصیت متعال ـ *mataḥ me*: این است نظر من.

## ترجمه

**هدف ازلی و متعال، تو هستی. قرارگاه و مأوای کل این عالم، تو هستی. حافظ دین ابدی و شخصیت الهی و پایان‌ناپذیر و کهن‌ترین، همانا تو هستی. این است نظر من.**

## آیه ۱۹

*anādi-madhyāntam ananta-vīryam*
*ananta-bāhuṁ śaśi-sūrya-netram*
*paśyāmi tvāṁ dīpta-hutāśa-vaktraṁ*
*sva-tejasā viśvam idaṁ tapantam*

*anādi*: بدون آغاز ـ *madhya*: میانه، وسط ـ *antam*: یا پایان ـ *ananta*: نامحدود، لایتناهی ـ *vīryam*: شکوه و عظمت ـ *ananta*: بی‌کران، بی‌پایان ـ *bāhum*: بازوان ـ *śaśi*: ماه ـ *sūrya*: و خورشید ـ *netram*: چشمان ـ *paśyāmi*: می‌بینم ـ *tvām*: تو را ـ *dīpta*: شعله‌ور، سوزان ـ *hutāśa-vaktram*: آتشی که از دهان تو بیرون می‌آید ـ *sva-tejasā*: به‌وسیله تشعشع تو ـ *viśvam*: جهان ـ *idam*: این ـ *tapantam*: گرم کردن.

## ترجمه

**تو آن منشأ و مبدایی هستی که آغاز، میانه و پایان ندارد. شکوه و عظمت تو لایتناهی است. تو بازوان بی‌شماری داری، و خورشید و ماه چشمان تو هستند. من تو را با آتش سوزانی که از دهانت زبانه می‌کشد و با درخشندگی و تشعشعی که تمامی این جهان را گرم می‌کند رؤیت می‌کنم.**

## شرح

هیچ گونه حدی برای عظمت شش توانگری شخصیت اعلای خداوند وجود ندارد. در این آیه و در آیه‌های بسیار دیگر ما شاهد عبارات تکراری زیادی هستیم، لیکن طبق کتب مقدس، تکرار شکوه و عظمت کریشنا یک ضعف ادبی محسوب نمی‌گردد. گفته شده است که در مواقع حیرت و شگفتی و یا جذبه و شعف زیاد، عبارات دوباره و دوباره تکرار می‌گردد. بدین لحاظ این را نمی‌توان نقص به شمار آورد.

## آیه ۲۰

*dyāv ā-pṛthivyor idam antaraṁ hi*
*vyāptaṁ tvayaikena diśaś ca sarvāḥ*
*dṛṣṭvādbhutaṁ rūpam ugraṁ tavedaṁ*
*loka-trayaṁ pravyathitaṁ mahātman*

*dyau*: از فضای بیرونی ـ *ā-pṛthivyoḥ*: تا زمین ـ *idam*: این ـ *antaram*: بین ـ *hi*: حتماً،محققاً ـ *vyāptam*: منتشر شده، پخش شده ـ *tvayā*: توسط تو ـ *ekena*: به تنهایی ـ *diśaḥ*: جهات ـ *ca*: و ـ *sarvāḥ*: تمام ـ *dṛṣṭvā*: به‌وسیله دیدن ـ *adbhutam*: شگفت‌آور، عالی ـ *rūpam*: شکل ـ *ugram*: وحشتناک، هراسناک ـ *tava*: مال تو، ت ـ *idam*: این ـ *loka*: نظامهای سیاره‌ای ـ *trayam*: سه ـ *pravyathitam*: به تشویش افکنده شده ـ *mahā-ātman*: ای شخص بزرگ.

## ترجمه

**هرچند تو یگانه‌ای، اما در سراسر آسمان، سیارات و فضای بین آنها گسترده شده‌ای. ای خدای بزرگ، از دیدار شکل هولناک و شگفت تو، تمام نظامهای سیاره‌ای دچار آشفتگی شده‌اند.**

## شرح

دیاو آ ـ پریتهیویو (*Dyāv ā-pṛthivyoḥ*) (فضای بین زمین و بهشت) و لوکا ـ ترایام (سه جهان) در این آیه کلمات حائز اهمیتی هستند، زیرا به نظر می‌رسد نه تنها آرجونا این شکل جهانی خداوند را رؤیت کرد بلکه دیگران در منظومه‌های سیاره‌ای دیگر نیز به مشاهده آن نائل آمدند. این مشاهده شکل جهانی خداوند توسط آرجونا رؤیا نبود. تمام کسانی که خداوند به آنان بینش الهی یا بصیرت روحانی اعطاء نمود به مشاهده آن شکل جهانی در صحنه نبرد نائل آمدند.

## آیه ۲۱

*amī hi tvāṁ sura-saṅghā viśanti*
*kecid bhītāḥ prāñjalayo gṛṇanti*
*svastīty uktvā maharṣi-siddha-saṅghāḥ*
*stuvanti tvāṁ stutibhiḥ puṣkalābhiḥ*

*amī*: تمام آنها ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *tvām*: به تو ـ *sura-saṅghāḥ*: گروههای فرشتگان ـ *viśanti*: داخل می‌شوند ـ *kecit*: بعضی از آنها ـ *bhītāḥ*: به علت ترس ـ *prāñjalayaḥ*: با دستان برهم قرار گرفته ـ *gṛṇanti*: نیایش می‌کنند ـ *svasti*: تمام صلح و آرامش ـ *iti*: بدین‌سان ـ *uktvā*: بیان‌کردن، اظهار داشتن ـ *mahā-ṛṣi*: حکمای بزرگ ـ *siddha-saṅghāḥ*: موجودات کامل ـ *stuvanti*: آوازهایی سر می‌دهند ـ *tvām*: برای تو ـ *stutibhiḥ*: با دعاها ـ *puṣkalābhiḥ*: سرودهای ودایی.

## ترجمه

**تمامی فرشتگان در مقابلت سر تسلیم فرود می‌آورند و به درون تو داخل می‌شوند. برخی که بسیار هراسان و بیمناکند، با دستانی بر هم قرار گرفته به تو دعا می‌کنند. تعداد بسیار زیادی از حکمای بزرگ و موجودات به کمال رسیده، با فریاد برآوردن [صلح و آرامش کل!] و خواندن سرودهای ودایی به درگاه تو در حال نیایش اند.**

## شرح

فرشتگان در تمام نظامهای سیاره‌ای از این ظهور یا تجلی هولناک شکل جهانی و درخشش خیره ـ کننده‌اش دچار خوف و ترس گردیدند و بنابراین برای حفظ خود به درگاه پروردگار دست به دعا برداشتند.

## آیه ۲۲

*rudrādityā vasavo ye ca sādhyā*
*viśve 'śvinau marutaś coṣmapāś ca*
*gandharva-yakṣāsura-siddha-saṅghā*
*vīkṣante tvāṁ vismitāś caiva sarve*

*rudra*: تجلیات خداوندگار شیوا ـ *ādityāḥ*: آدیتیاها ـ *vasavaḥ*: واسوها ـ *ye*: تمام آنها ـ *ca*: و ـ *sādhyāḥ*: سادهیاها ـ *viśve*: ویشودواها ـ *aśvinau*: آشوینی ـ کوماراها ـ *marutaḥ*: ماروتها ـ *ca*: و ـ *uṣma-pāḥ*: اجداد، نیاکان ـ *ca*: و ـ *gandharva*: مربوط به گاندهارواها ـ *yakṣa*: یاکشاها ـ *asura*: دیوان ـ *siddha*: و فرشتگان کمال یافته ـ *saṅghāḥ*: مجامع، مجالس ـ *vīkṣante*: می‌نگرند ـ *tvām*: تو را ـ *vismitāḥ*: در شگفتی و حیرت ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *sarve*: همه، تمام.

### ترجمه

**کلیهٔ تجلیات مختلف خداوندگار شیوا، آدیتیاها، واسوها، سادهیاها، ویشودِواها، دو آشوین، ماروتها، اجداد و نیاکان، گاندهارواها، یاکشاها، آسوراها و تمام فرشتگان به کمال رسیده با حیرت مشغول نگریستن به تو هستند.**

## آیه ۲۳

*rūpaṁ mahat te bahu-vaktra-netraṁ*
*mahā-bāho bahu-bāhūru-pādam*
*bahūdaraṁ bahu-daṁṣṭrā-karālaṁ*
*dṛṣṭvā lokāḥ pravyathitās tathāham*

*rūpam*: شکل ـ *mahat*: بسیار بزرگ ـ *te*: مربوط به تو ـ *bahu*: بسیار ـ *vaktra*: صورتها ـ *netram*: و چشمان ـ *mahā-bāho*: ای مسلّح بزرگ ـ *bahu*: بسیار ـ *bāhu*: بازوان ـ *ūru*: رانها ـ *pādam*: و پاها ـ *bahu—udaram*: شکمهای بسیار ـ *bahu-daṁṣṭrā*: دندانهای بسیار ـ *karālam*: ترسناک ـ *dṛṣṭvā*: دیدن ـ *lokāḥ*: تمام سیارات ـ *pravyathitāḥ*: مضطرب شده ـ *tathā*: مشابهاً ـ *aham*: من.

### ترجمه

ای مسلّح بزرگ، تمام سیارات با فرشتگانشان با دیدن شکل عظیم تو با صورتها، چشمان، بازوان، رانها، پاها، شکمهای بسیار و دندانهای هولناک بی‌شمار به تشویش افتاده‌اند و من نیز همچون آنان آشفته و پریشان گشته‌ام.

## آیه ۲۴

*nabhaḥ-spṛśaṁ dīptam aneka-varṇaṁ*
*vyāttānanaṁ dīpta-viśāla-netram*
*dṛṣṭvā hi tvāṁ pravyathitāntar-ātmā*

*dhṛtiṁ na vindāmi śamaṁ ca viṣṇo*

*nabhaḥ-spṛśam*: تماس یافتن با آسمان ـ *dīptam*: درخشان ـ *aneka*: بسیار ـ *varṇam*: رنگها ـ *vyātta*: باز ـ *ānanam*: دهانها ـ *dīpta*: درخشان ـ *viśāla*: بسیار عظیم ـ *netram*: چشمان ـ *dṛṣṭvā*: دیدن ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *tvām*: تو را ـ *pravyathita*: مضطرب شده ـ *antaḥ*: درون ـ *ātmā*: روح ـ *dhṛtim*: ثبات ـ *na*: نه ـ *vindāmi*: من دارم ـ *śamam*: آرامش ذهنی ـ *ca*: همچنین ـ *viṣṇo*: ای خداوند ویشنو.

## ترجمه

**ای ویشنوی همه جا گسترده، دیدن تو با انواع رنگهای تابناکی که آسمان را فرا گرفته، دهانهای گشوده‌ات، و چشمان بسیار درخشانت، ذهن مرا از ترس مضطرب کرده است. من دیگر قادر نیستم تعادل و آرامش ذهنم را حفظ کنم.**

## آیه ۲۵

*daṁṣṭrā-karālāni ca te mukhāni*
*dṛṣṭvaiva kālānala-sannibhāni*
*diśo na jāne na labhe ca śarma*
*prasīda deveśa jagan-nivāsa*

*daṁṣṭrā*: دندانها ـ *karālāni*: وحشتناک ـ *ca*: همچنین ـ *te*: مال تو، ت ـ *mukhāni*: صورتها ـ *dṛṣṭvā*: دیدن ـ *eva*: بدین‌سان ـ *kāla-anala*: آتش مرگ ـ *sannibhāni*: چنانکه گویی ـ *diśaḥ*: جهات ـ *na*: نه ـ *jāne*: می‌دانم ـ *na*: نه ـ *labhe*: کسب می‌کنم ـ *ca*: و ـ *śarma*: لطف و رحمت ـ *prasīda*: راضی و خشنود باش ـ *deva-īśa*: ای خداوند تمامی خداوندگاران ـ *jagat—nivāsa*: ای پناه جهانها.

## ترجمه

**ای خدای خداوندگاران، ای پناه جهانها، تمنا دارم نسبت به من پرلطف باش. بدین‌سان با دیدن صورتهای مرگبار و شعله‌ور تو و دندانهای هراسناکت نمی‌توانم توازنم را حفظ نمایم. من از هر جهت متحیر گشته‌ام.**

## آیات ۲۷-۲۶

*amī ca tvāṁ dhṛtarāṣṭrasya putrāḥ*
*sarve sahaivāvani-pāla-saṅghaiḥ*
*bhīṣmo droṇaḥ sūta-putras tathāsau*
*sahāsmadīyair api yodha-mukhyaiḥ*

*vaktrāṇi te tvaramāṇā viśanti*
*daṁṣṭrā-karālāni bhayānakāni*
*kecid vilagnā daśanāntareṣu*
*sandṛśyante cūrṇitair uttamāṅgaiḥ*

*amī*: اینها ـ *ca*: همچنین ـ *tvām*: تو را ـ *dhṛtarāṣṭrasya*: مربوط به دهریتاراشترا ـ *putrāḥ*: پسران ـ *sarve*: همه ـ *saha*: با ـ *eva*: واقعاً ـ *avani-pāla*: مربوط به شاهان سلحشور ـ *saṅghaiḥ*: گروهها، دسته‌ها ـ *bhīṣmaḥ*: بهیشمادوا ـ *droṇaḥ*: دروناچاریا ـ *sūta-putraḥ*: کارنا ـ *tathā*: همچنین ـ *asau*: آن ـ *saha*: با ـ *asmadīyaiḥ*: مال ما، مان ـ *api*: همچنین ـ *yodha-mukhyaiḥ*: سران جنگجویان ـ *vaktrāṇi*: دهانها ـ *te*: مال تو، ت ـ *tvaramāṇāḥ*: با عجله رفتن ـ *viśanti*: داخل می‌شوند ـ *daṁṣṭrā*: دندانها ـ *karālāni*: وحشتناک ـ *bhayānakāni*: بسیار ترسناک ـ *kecit*: بعضی از آنها ـ *vilagnāḥ*: گرفته شده ـ *daśana-antareṣu*: بین دندانها ـ *sandṛśyante*: دیده می‌شوند ـ *cūrṇitaiḥ*: با خرد شده، با له شده ـ *uttama-aṅgaiḥ*: سرها.

## ترجمه

**تمام پسران دهریتاراشترا به همراه شاهان متحدشان و بهیشما، درونا، کارنا، و همچنین سربازان اصلی ما، به سوی دهانهای ترسناکت شتابان هجوم می‌برند. و برخی را می‌بینم که با سرهایی خرد شده در بین دندانهایت، به دام افتاده‌اند.**

## شرح

در یکی از آیات قبل خداوند به آرجونا قول داد که چیزهایی را به او نشان خواهد داد که دیدن آنها برایش بسیار جالب خواهد بود. اکنون آرجونا مشاهده می‌کند که رهبران جبهه مقابل (بهیشما، درونا، کارنا و تمام پسران دهریتاراشترا) همراه سربازانشان و همچنین سربازان خود آرجونا همگی در شرف نابودی هستند. این امر نوید دهنده پیروزی آرجونا در جنگ کوروکشتراست، به رغم تلفات سنگینی که در هر دو جبهه رخ خواهد داد. همچنین در اینجا ذکر گردیده بهیشما که به مثابه شخصی شکست‌ناپذیر محسوب می‌شد نیز در هم فرو خواهد شکست. و بعلاوه کارنا نیز به همین سرنوشت دچار خواهد شد. باید در نظر داشت نه تنها دلاوران بزرگ طرف مقابل نظیر بهیشما تار و مار خواهند شد، بلکه سرنوشت بعضی از دلاوران برجسته طرف آرجونا نیز چنین خواهد بود.

## آیه ۲۸

*yathā nadīnāṁ bahavo 'mbu-vegāḥ*
*samudram evābhimukhā dravanti*
*tathā tavāmī nara-loka-vīrā*
*viśanti vaktrāṇy abhivijvalanti*

*yathā*: همان گونه که ـ *nadīnām*: مربوط به رودخانه‌ها ـ *bahavaḥ*: بسیاری ـ *ambu-vegāḥ*: امواج آبها ـ *samudram*: اقیانوس ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *abhimukhāḥ*: به طرف ـ *dravanti*: جریان دارد (آب) ـ *tathā*: مشابهاً ـ *tava*: مال تو، ت ـ *amī*: تمام اینها ـ *nara-loka-vīrāḥ*: شاهان جامعه بشری ـ *viśanti*: داخل می‌شوند ـ *vaktrāṇi*: دهانها ـ *abhivijvalanti*: و سوزان هستند.

## ترجمه

**همچون امواج رودخانه‌ها که به درون اقیانوس روان و جاری می‌گردد، این دلاوران بزرگ به دهانهای سوزان تو داخل می‌شوند.**

## آیه ۲۹

*yathā pradīptaṁ jvalanaṁ pataṅgā*
*viśanti nāśāya samṛddha-vegāḥ*
*tathaiva nāśāya viśanti lokās*
*tavāpi vaktrāṇi samṛddha-vegāḥ*

*yathā*: همان گونه که ـ *pradīptam*: سوزان ـ *jvalanam*: یک آتش ـ *pataṅgāḥ*: شب‌پره‌ها ـ *viśanti*: داخل می‌شوند ـ *nāśāya*: برای نابودی ـ *samṛddha*: با کامل ـ *vegāḥ*: سرعت ـ *tathā eva*: مشابهاً ـ *nāśāya*: برای نابودی ـ *viśanti*: داخل می‌شوند ـ *lokāḥ*: تمام مردم ـ *tava*: مال‌تو، ت ـ *api*: همچنین ـ *vaktrāṇi*: دهانها ـ *samṛddha-vegāḥ*: : با سرعت کامل.

## ترجمه

**من کلیهٔ مردمان را که با سرعت تمام به درون دهانهای تو داخل می‌شوند مشاهده می‌کنم، همان گونه که شب‌پره‌ها در آتش سوزان به استقبال مرگ می‌شتابند.**

## آیه ۳۰

*lelihyase grasamānaḥ samantāl*
*lokān samagrān vadanair jvaladbhiḥ*
*tejobhir āpūrya jagat samagraṁ*
*bhāsas tavogrāḥ pratapanti viṣṇo*

*lelihyase*: تو لیس می‌زنی ـ *grasamānaḥ*: بلعیدن ـ *samantāt*: از تمام جهات ـ *lokān*: مردم ـ *samagrān*: تمام ـ *vadanaiḥ*: : به‌وسیله دهانها ـ *jvaladbhiḥ*: سوزان ـ *tejobhiḥ*: به‌وسیله تشعشع ـ *āpūrya*: در بر گرفتن ـ *jagat*: جهان ـ *samagram*: تمام ـ *bhāsaḥ*: انوار ـ *tava*: مال تو، ت ـ *ugrāḥ*: هراس‌انگیز ـ *pratapanti*: سوزان هستند ـ *viṣṇo*: ای خداوند همه جا گسترده.

## ترجمه

**ای ویشنو، تو را که کلیهٔ مردم را از هر سو با دهانهای شعله‌ور خود می‌بلعی، مشاهده می‌کنم. تو با تشعشعات سوزان و هراس‌انگیز متجلی هستی، در حالی که انوار تو تمام جهان را فرا گرفته است.**

## آیه ۳۱

*ākhyāhi me ko bhavān ugra-rūpo*
*namo 'stu te deva-vara prasīda*
*vijñātum icchāmi bhavantam ādyaṁ*
*na hi prajānāmi tava pravṛttim*

*ākhyāhi*: لطفاً توضیح ده ـ *me*: به من ـ *kaḥ*: چه کسی ـ *bhavān*: تو ـ *ugra—rūpaḥ*: شکل خشمگین ـ *namaḥ astu*: سجده‌ها ـ *te*: به تو ـ *deva-vara*: ای بزرگترین در میان فرشتگان ـ *prasīda*: پر لطف باش ـ *vijñātum*: دانستن،

شناختن ـ *icchāmi*: آرزو دارم ـ *bhavantam*: تو ـ *ādyam*: اصلی، ازلی ـ *na*: نه ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *prajānāmi*: بدانم، بشناسم ـ *tava*: مال تو، ت ـ *pravṛttim*: مأموریت، هدف.

## ترجمه

**ای خدای خداوندگاران، چه شکل خشمناکی، خواهشمندم به من بگو کیستی. من سجده‌هایم را نثارت می‌کنم؛ خواهشمندم با من مهربان باش. همانا خداوند ازلی تو هستی. می‌خواهم دربارهٔ تو بدانم، زیرا نمی‌دانم هدف تو چیست.**

## آیه ۳۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*kālo 'smi loka-kṣaya-kṛt pravṛddho*
*lokān samāhartum iha pravṛttaḥ*
*ṛte 'pi tvāṁ na bhaviṣyanti sarve*
*ye 'vasthitāḥ pratyanīkeṣu yodhāḥ*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت خداوند فرمود ـ *kālaḥ*: زمان *asmi*: من هستم ـ *loka*: مربوط به جهانها ـ *kṣaya-kṛt*: نابودکننده ـ *pravṛddhaḥ*: بزرگ، عظیم ـ *lokān*: تمام مردم ـ *samāhartum*: در نابود کردن ـ *iha*: در این جهان ـ *pravṛttaḥ*: مشغول شده ـ *ṛte*: بدون، به استثنای ـ *api*: حتی ـ *tvām*: تو را ـ *na*: هرگز ـ *bhaviṣyanti*: خواهد بود ـ *sarve*: همه ـ *ye*: که، کسی که ـ *avasthitāḥ*: واقع شده ـ *prati-anīkeṣu*: در صفوف متخاصم ـ *yodhāḥ*: سربازان.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: من زمان هستم، آن نابودکنندهٔ عظیم جهانها و به اینجا آمده‌ام تا همهٔ مردم را هلاک کنم. اینک تمامی سربازان هر دو صف که در اینجا حضور یافته‌اند بـه استثنای شما [پانداواها] کشته خواهند شد.**

## شرح

به رغم آنکه آرجونا می‌دانست کریشنا دوست و همراه وی و شخصیت اعلای خداوند است، با صور گوناگونی که کریشنا از خود به نمایش می‌گذارد، گیج و متحیر می‌شود و درخواست توضیح بیشتری درباره هدف حقیقی این نیروی نابودکننده می‌نماید. در وداها گفته شده است که حقیقت متعال همه چیز را حتی براهماناها را نابود می‌کند. چنانکه در کاتها اوپانیشاد (۲۵/۲/۱) آمده است:

*yasya brahma ca kṣatraṁ ca*
*ubhe bhavata odanaḥ*
*mṛtyur yasyopasecanaṁ*
*ka itthā veda yatra saḥ*

در نهایت امر همه براهماناها، کشاتریاها و تمامی افراد دیگر توسط متعال بلعیده خواهند شد. این سیمای خداوند متعال همانا پیکره عظیمی است که همه چیز را می‌بلعد و اینجا کریشنا خود را با آن شکل بلعنده زمان نشان می‌دهد. بجز تعداد اندک پانداواها، هر کس که در آن میدان نبرد حضور داشت به دست او در کام مرگ فرو خواهد رفت.
آرجونا موافق جنگ نبود و می‌اندیشید که با خودداری از جنگ جلوی ناکامیها گرفته خواهد شد. خداوند در پاسخ می‌فرماید چنانچه حتی او نجنگد، باز همه آنان نابود خواهند شد، زیرا این برنامه و نقشه خداوند بود. چنانچه آرجونا از جنگیدن بازمی‌ایستاد، آنان به طریق دیگری از بین می‌رفتند. وقوع مرگ امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر بود. در واقع آنان پیش از این مرده بودند. زمان یعنی نابودی؛ و به خواست خداوند متعال باید تمام تجلیات نابود شوند. این قانون طبیعت است.

## آیه ۳۳

*tasmāt tvam uttiṣṭha yaśo labhasva*
*jitvā śatrūn bhuṅkṣva rājyaṁ samṛddham*
*mayaivaite nihatāḥ pūrvam eva*
*nimitta-mātraṁ bhava savya-sācin*

*tasmāt*: بنابراین ـ *tvam*: تو ـ *uttiṣṭha*: برخیز ـ *yaśaḥ*: شهرت ـ *labhasva*: به دست آور ـ *jitvā*: غلبه یافتن ـ *śatrūn*: دشمنان ـ *bhuṅkṣva*: لذت ببر ـ *rājyam*: پادشاهی ـ *samṛddham*: شکوفا ـ *mayā*: توسط من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ete*: همه اینها ـ *nihatāḥ*: کشته شده ـ *pūrvam eva*: به‌وسیله تدبیر قبلی ـ *nimitta-mātram*: فقط عامل ـ *bhava*: باش، شو ـ *savya-sācin*: ای ساویاساچی.

## ترجمه

**بنابراین برخیز. آمادهٔ جنگ شو و پیروزِ میدان. دشمنانت را مغلوب کن و از پادشاهی موفق و شکوفایی بهره‌مند شو. آنان پیش از این با تدبیر من کشته شده‌اند و تو ای ساویاساچی می‌توانی در این نبرد فقط وسیله‌ای در دستان من باشی.**

## شرح

ساویا ـ ساچین اشاره به کسی دارد که می تواند با مهارت زیاد در میدان تیراندازی کند؛ از این روست که آرجونا به عنوان دلاوری متبحر که هیچگاه تیرهایش در جنگ به خطا نمی‌رود مورد خطاب قرار می گیرد. "فقط یک وسیله شو": نیمیتا ـ ماترام. این واژه نیز بسیار حائز اهمیت است. کل جهان طبق طرح و نقشه شخصیت اعلای خداوند حرکت می‌کند. اشخاص ابله بی‌بهره از دانش کافی چنین می‌پندارند که طبیعت بدون وجود نقشه عمل می‌کند و تمام تجلیات آن تنها ساختارهایی تصادفی‌اند. به تعداد زیادی از این به اصطلاح دانشمندان برمی‌خوریم که مبنای توضیحات خود درباره آفرینش و حرکت طبیعت مادی را بر "شایدها" و "ممکن است‌ها" قرار می‌دهند. ولی باید دانست که در اینجا مسئله شاید و ممکن است مطرح نیست، زیرا این هستی مادی از نقشه‌ای دقیق و طرحی حساب شده پیروی می‌کند. آن نقشه و طرح در این مطلب خلاصه می‌شود: تجلی کیهانی به منزله فرصتی است که در اختیار ارواح مقید نهاده شده تا به وطن خود، نزد خداوند، بازگردند. مادامی که آنان سلطه‌جویی را پیشه خود کرده و می‌کوشند بر طبیعت مادی حکمرانی کنند، مقید یا تحت اسارت مادی محسوب می‌گردند. لیکن هر آن کس که بتواند طرح و نقشه خداوند متعال را درک کند و آگاهی به کریشنا را پرورش دهد خردمندترین انسان به شمار می‌آید. باید در نظر داشت آفرینش و نابودی کل عالم مشهود تحت هدایت عالی خداوند تحقق می‌پذیرد. بدین جهت نبرد

کوروکشترا نیز طبق طرح و نقشه خداوند صورت گرفت. همان گونه که آرجونا از جنگیدن امتناع می‌نمود، ولی به او گفته شد که باید طبق خواست و اراده خداوند متعال بجنگد و در این صورت است که خوشبختی را نصیب خود خواهد ساخت. شخصی کامل به حساب خواهد آمد که در آگاهی کامل به کریشنا قرار داشته و زندگیش وقف خدمت روحانی خداوند باشد.

## آیه ۳۴

*droṇaṁ ca bhīṣmaṁ ca jayadrathaṁ ca*
*karṇaṁ tathānyān api yodha-vīrān*
*mayā hatāṁs tvaṁ jahi mā vyathiṣṭhā*
*yudhyasva jetāsi raṇe sapatnān*

*droṇam ca*: همچنین درونا ـ *bhīṣmam ca*: همچنین بهیشما ـ *jayadratham ca*: همچنین جایادراتها ـ *karṇam*: کارنا ـ *tathā*: همچنین ـ *anyān*: دیگران ـ *api*: حتماً، محققاً ـ *yodha—vīrān*: سلحشوران بزرگ ـ *mayā*: به‌وسیله من ـ *hatān*: از پیش کشته شده ـ *tvam*: تو ـ *jahi* : نابود کن ـ *mā*: علامت منفی ساختن فعل ـ *vyathiṣṭhāḥ*: مضطرب باش ـ *yudhyasva*: فقط بجنگ ـ *jetā asi*: تو مغلوب خواهی کرد ـ *raṇe*: در جنگ ـ *sapatnān*: دشمنان.

## ترجمه

**درونا، بهیشما، جایادراتها، کارنا و دیگر سلحشوران بزرگ پیش از این به دست من نابود شده‌اند. بنابراین، آنان را هلاک کن و مضطرب نباش. فقط بجنگ و دشمنانت را در جنگ از بین خواهی برد.**

## شرح

هرچند تمام نقشه‌ها از طرف شخصیت اعلای خداوند کشیده می‌شود، لیکن او چنان نسبت به عابدانش مهربان و پرلطف است که می‌خواهد این امتیاز و اعتبار را به عابدانش که نقشه او را طبق خواست و اراده الهیش اجرا می‌کنند اعطاء کند. بنابراین حرکت زندگی باید به گونه‌ای باشد که همه در آگاهی به کریشنا عمل کنند و شخصیت اعلای خداوند را از طریق واسطه شفاف یک پیر روحانی درک نمایند. نقشه‌های شخصیت متعال خداوند با لطف خود او درک می‌شوند و نقشه‌های عابدان نیز همتای نقشه‌های الهی است. انسان باید از چنین نقشه‌هایی تبعیت کند و در این نبرد سخت برای بقای حیات فاتح گردد.

## آیه ۳۵

*sañjaya uvāca*
*etac chrutvā vacanaṁ keśavasya*
*kṛtāñjalir vepamānaḥ kirītī*
*namaskṛtvā bhūya evāha kṛṣṇaṁ*
*sa-gadgadaṁ bhīta-bhītaḥ praṇamya*

*sañjayaḥ uvāca*: سانجایا گفت ـ *etat*: بدین‌سان ـ *śrutvā*: شنیدن ـ *vacanam*: گفتار، نطق ـ *keśavasya*: مربوط به کریشنا ـ *kṛta-añjaliḥ*: با دستان بر هم قرار گرفته ـ *vepamānaḥ*: لرزان ـ *kirītī*: آرجونا ـ *namaskṛtvā*: تقدیم کردن سجده‌ها ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *eva*: همچنین ـ *āha*: گفت ـ *kṛṣṇam*: به کریشنا ـ *sa-gadgadam*: با صدایی لرزان ـ *bhīta-bhītaḥ*: ترسناک ـ *praṇamya*: تقدیم کردن سجده‌ها.

## ترجمه

**سانجایا به دهریتاراشترا گفت: پادشاها، آرجونای لرزان پس از استماع سخنان شخصیت اعلای خداوند، سجده‌های خود را بارها و بارها با دستهایی بر هم قرار گرفته تقدیم کرد و با حالتی حاکی از ترس و با صدایی لرزان شروع به سخن گفتن با خداوند کریشنا نمود.**

## شرح

همان گونه که قبلا شرح دادیم، به علت ظهور شکل جهانی شخصیت متعال خداوند و موقعیتی که ناشی از آن پدید آمد، آرجونا در حیرت و شگفتی فرو رفت؛ بدین‌سان او سجده‌های محترمانه‌اش را دوباره و دوباره نثار کریشنا کرد و با صدایی لرزان، نه به عنوان یک دوست، که به عنوان عابدی در حیرت و شگفتی، شروع به نیایش او نمود.

## آیه ۳۶

*arjuna uvāca*
*sthāne hṛṣīkeśa tava prakīrtyā*
*jagat prahṛṣyaty anurajyate ca*
*rakṣāṁsi bhītāni diśo dravanti*
*sarve namasyanti ca siddha-saṅghāḥ*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *sthāne*: به درستی، به حق ـ *hṛṣīka-īśa*: ای ارباب تمام‌حواس ـ *tava*: مال تو، ت ـ *prakīrtyā*: به‌وسیله شکوه و عظمت ـ *jagat*: تمام جهان ـ *prahṛṣyati*: شادمانی می‌کند ـ *anurajyate*: دلبسته می‌شود ـ *ca*: و ـ *rakṣāṁsi*: دیوان ـ *bhītāni*: به علت ترس ـ *diśaḥ*: در تمام جهات ـ *dravanti*: می‌گریزند ـ *sarve*: تمام ـ *namasyanti*: احترامات تقدیم می‌کنند ـ *ca*: همچنین ـ *siddha-saṅghāḥ*: موجودات انسانی کامل.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای ارباب حواس، جهان با شنیدن نام تو شادمان و مسرور می‌گردد و بدین‌سان همه به تو دلبسته می‌شوند. هرچند موجودات به کمال رسیده، تجلیل احترام‌آمیز خود را به تو نثار می‌کنند، لیکن دیوصفتان می‌ترسند و بدین سو و آن سو می‌گریزند. همهٔ اینها به حق انجام می‌گیرد.**

## شرح

آرجونا پس از آنکه نتیجه و پیامد نبرد کوروکشترا را از کریشنا استماع نمود، به اشراق دست یافت، و در مقام عابدی بزرگ و دوست شخصیت اعلای خداوند اظهار داشت که هرآنچه کریشنا انجام می‌دهد کاملا درست است. آرجونا تأیید کرد که کریشنا حافظ و هدف پرستش عابدان و نابودکننده عوامل نامطلوب است. اعمال او برای همه به نحو یکسانی خیر محض به شمار می‌آید. در اینجا آرجونا درک کرد که به علت حضور کریشنا در جنگ کوروکشترا تعداد بسیاری از فرشتگان، سیدهاها، و خردمندان سیارات بالاتر، در فضای خارج از جو زمین، با علاقه فراوان در حال مشاهده نبرد و منتظر نتیجه آن هستند. فرشتگان از دیدن صحنه‌ای که در آن آرجونا به دیدار شکل جهانی خداوند دست یافت لذت فراوان بردند، اما دیوان و خدانشناسان تحمل اینکه خداوند مورد تجلیل و تکریم قرار گیرد را ندارند. آنان، به علت ترس طبیعیشان از سیمای نابودکننده

شخصیت متعال خداوند، گریختند. آرجونا طرز رفتار کریشنا را با عابدان و همچنین خدانشناسان ستایش می‌کند. عابد در تمام موارد از پروردگار ستایش و تجلیل می‌نماید زیرا می‌داند که خداوند هر عملی انجام دهد خیر محض برای همگان است.

## آیه ۳۷

*kasmāc ca te na nameran mahātman*
*garīyase brahmaṇo 'py ādi-kartre*
*ananta deveśa jagan-nivāsa*
*tvam akṣaraṁ sad-asat tat paraṁ yat*

*kasmāt*: چرا ـ *ca*: همچنین ـ *te*: به تو ـ *na*: نه ـ *nameran*: آنها باید سجده‌های مناسب تقدیم کنند ـ *mahā-ātman*: ای خدای بزرگ ـ *garīyase*: که بهتر هستی ـ *brahmaṇaḥ*: از برهما ـ *api*: هر چند ـ *ādi-kartre*: به آفریدگار اعلی ـ *ananta*: ای نامحدود ـ *deva-īśa*: ای خدای خداوندگاران ـ *jagat-nivāsa*: ای پناه جهان ـ *tvam*: تو هستی ـ *akṣaram*: جاودانی، باقی ـ *sat-asat*: نسبت به علت و معلول ـ *tat param*: متعال، روحانی ـ *yat*: برای آنکه.

## ترجمه

**ای خدای بزرگی که حتی برتر از برهمایی، تو آن خالق ازلی هستی. پس چرا نباید آنان تجلیل و بزرگداشت خود را به تو تقدیم نمایند؟ ای لایتناهی! خدای خداوندگاران! پناه جهان! تو آن منشأ باقی، علت تمام علل و در ورای این تجلی مادی هستی.**

## شرح

آرجونا با این سجده‌کردن و ابراز خضوع و خشوع نشان می‌دهد که کریشنا برای همه قابل پرستش است. او در همه جا ساری و جاری است و روح و جان هر روح فردی می‌باشد. آرجونا کریشنا را با عنوان ماهاتما خطاب می‌کند، که به معنای بزرگوارترین و لایتناهی است. آنانتا نشان‌دهنده این است که چیزی وجود ندارد که تحت پوشش انرژی خداوند متعال نباشد، و دوشا یعنی او حکمران همه فرشتگان و برتر از همه آنان می‌باشد. او ملجأ تمام عالم است. آرجونا همچنین فکر کرد که شایسته است تمام موجودات زنده به کمال رسیده و تمام فرشتگان قدرتمند سجده‌های حاکی از احترام خود را به خداوند تقدیم دارند، زیرا هیچکس برتر از وی نیست. آرجونا مخصوصاً ذکر می‌کند که کریشنا برتر از برهما است، زیرا برهما آفریده اوست. برهما از نیلوفری که ساقه آن از ناف گاربهوداکاشایی ویشنو – بسط کامل کریشنا – رشد نمود، پدید آمد؛ بنابراین برهما و خداوندگار شیوا که از برهما تولد یافته است و تمام دیگر فرشتگان باید سجده‌های حاکی از احترام خود را به او تقدیم دارند. در شریماد–بهاگاواتام آمده است که خداوند از طرف خداوندگار شیوا و برهما و دیگر فرشتگان مشابه مورد احترام قرار می‌گیرد. واژه آکشارام بسیار مهم است، زیرا خداوند در ورای آفرینش مادی فانی قرار دارد. او علت تمام علل و بدین‌سان برتر از تمام ارواح مقید این دنیای مادی و نیز والاتر از خود تجلی کیهانی مادی است. بنابراین اوست آن خدای کاملا بزرگ.

## آیه ۳۸

*tvam ādi-devaḥ puruṣaḥ purāṇas*
*tvam asya viśvasya paraṁ nidhānam*
*vettāsi vedyaṁ ca paraṁ ca dhāma*
*tvayā tataṁ viśvam ananta-rūpa*

*tvam*: تو ـ *asya*: تو ـ *tvam*: کهن ـ *purāṇaḥ*: شخصیت ـ *puruṣaḥ*: خداوند متعال ازلی ـ *ādi-devaḥ*: مربوط به این ـ *viśvasya*: جهان ـ *param*: متعال، روحانی ـ *nidhānam*: پناه ـ *vettā*: داننده، عالم ـ *asi*: تو هستی ـ *vedyam*: دانستنی ـ *ca*: و ـ *param*: متعال، روحانی ـ *ca*: و ـ *dhāma*: پناه، ملجأ ـ *tvayā*: به‌وسیله تو ـ *tatam*: گسترده شده، منتشر شده ـ *viśvam*: جهان ـ *ananta—rūpa*: ای شکل نامحدود.

## ترجمه

**تو شخصیت ازلی خداوند، کهن‌ترین و قرارگاه غایی این عالم کائناتی. تو به همه چیز دانایی و هرآنچه دانستنی است تو هستی. ورای گونه‌های مادی و آن ملجأ متعالی. ای شکل لایتناهی، تو در تمام این تجلی کیهانی حاضر هستی!**

## شرح

همه چیز بر شخصیت متعال خداوند تکیه دارد؛ بدین لحاظ او مأمن و تکیه‌گاه نهایی است. نیدهانام بدان معناست که همه چیز حتی تابش انوار برهمن بر کریشنا شخصیت متعال خداوند تکیه دارد. او به تمامی آنچه در این جهان اتفاق می‌افتد واقف است و چنانچه دانش انتهایی داشته باشد، او غایت تمام دانش است؛ بنابراین هم عالم و هم معلوم همانا اوست. اوست هدف دانش، زیرا در همه جا ساری و جاری است. چون او علت جهان روحانی است، متعال و ماوراء است. او برترین شخصیت در عالم متعال می‌باشد.

## آیه ۳۹

*vāyur yamo 'gnir varuṇaḥ śaśāṅkaḥ*
*prajāpatis tvaṁ prapitāmahaś ca*
*namo namas te 'stu sahasra-kṛtvaḥ*
*punaś ca bhūyo 'pi namo namas te*

*vāyuḥ*: هوا ـ *yamaḥ*: کنترل کننده ـ *agniḥ*: آتش ـ *varuṇaḥ*: آب ـ *śaśa—aṅkaḥ*: ماه ـ *prajāpatiḥ*: برهما ـ *tvam*: تو ـ *prapitāmahaḥ*: جد اعلا ـ *ca*: همچنین ـ *namaḥ*: احترامات من ـ *namaḥ*: احترامات دوباره من ـ *te*: نثار تو ـ *astu*: اجازه ده باشد ـ *sahasra-kṛtvaḥ*: هزاربار ـ *punaḥ ca*: و دوباره ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *api*: همچنین ـ *namaḥ*: تقدیم کردن احتراماتم ـ *namaḥ te*: تقدیم احتراماتم به تو.

## ترجمه

**تو هوا، آتش، آب و ماه هستی! تو برهما، اولین مخلوق زنده و نیای اصلی و اداره کنندهٔ متعالی. بنابراین سجده‌های خاشعانهٔ خود را هزاران بار، مکرراً و مکرراً، نثارت می‌کنم.**

## شرح

خداوند در اینجا به عنوان هوا مخاطب قرار می‌گیرد، زیرا هوا مهمترین مظهر تمام فرشتگان است، چون در همه جا پخش می‌باشد. آرجونا همچنین کریشنا را به عنوان جد اصلی مخاطب قرار می‌دهد، زیرا او پدر برهما، اولین موجود زنده این جهان است.

## آیه ۴۰

*namaḥ purastād atha pṛṣṭhatas te*
*namo 'stu te sarvata eva sarva*
*ananta-vīryāmita-vikramas tvaṁ*
*sarvaṁ samāpnoṣi tato 'si sarvaḥ*

*namaḥ*: تقدیم کردن احترامات ـ *purastāt*: از مقابل ـ *atha*: همچنین ـ *pṛṣṭhataḥ*: از پشت ـ *te*: به تو ـ *namaḥ astu*: احترامات خود را تقدیم می‌کنم ـ *te*: به تو ـ *sarvataḥ*: از تمام جهات ـ *eva*: واقعاً ـ *sarva*: چون تو همه چیز هستی ـ *ananta-vīrya*: قدرت بی‌کران ـ *amita-vikramaḥ*: و نیروی نامحدود ـ *tvam*: تو ـ *sarvam*: همه چیز ـ *samāpnoṣi*: می‌پوشانی، فرا می‌گیری ـ *tataḥ*: بنابراین ـ *asi*: تو هستی ـ *sarvaḥ*: همه چیز.

## ترجمه

**خدایا کرنش و سجده‌هایم، از مقابل، از پشت و از هر سو نثارت باد! ای قدرت بی‌کران، ارباب نیروهای نامحدود، تو در همه جا ساری و جاری هستی و بدین‌سان تو همه چیز می‌باشی!**

## شرح

آرجونا به علت شعف عاشقانه نسبت به دوستش کریشنا از هر سو سر به خاک سجود می‌نهد. آرجونا می‌پذیرد که کریشنا ارباب تمام نیروها و صاحب کل شجاعت و دلاوری است و از تمام جنگاوران بزرگی که در میدان نبرد گرد آمده‌اند عالیتر است. در ویشنو پورانا (۶۹/۹/۱) گفته شده است:

*yo 'yaṁ tavāgato deva*
*samīpaṁ devatā-gaṇaḥ*
*sa tvam eva jagat-sraṣṭā*
*yataḥ sarva-gato bhavān*

"ای شخصیت متعال خداوند، هر کس که در مقابل تو درآید، چنانچه فرشته نیز باشد، از طرف تو آفریده شده است."

## آیات ۴۲-۴۱

*sakheti matvā prasabhaṁ yad uktaṁ*
*he kṛṣṇa he yādava he sakheti*
*ajānatā mahimānaṁ tavedaṁ*
*mayā pramādāt praṇayena vāpi*

*yac cāvahāsārtham asat-kṛto 'si*
*vihāra-śayyāsana-bhojaneṣu*
*eko 'tha vāpy acyuta tat-samakṣaṁ*
*tat kṣāmaye tvām aham aprameyam*

*sakhā*: دوست ـ *iti*: بدین‌سان ـ *matvā*: فکر کردن ـ *prasabham*: گستاخانه، جسورانه ـ *yat*: هر آنچه ـ *uktam*: گفته شده ـ *he kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *he yādava*: ای یاداوا ـ *he sakhe*: ای دوست عزیزم ـ *iti*: بدین‌سان ـ *ajānatā*: بدون

دانستن ـ *mahimānam*: شکوه و عظمت ـ *tava*: مال تو، ت ـ *idam*: این ـ *mayā*: به‌وسیله من ـ *pramādāt*: به علت حماقت ـ *praṇayena*: به علت عشق ـ *vā api*: و یا ـ *yat*: هر آنچه ـ *ca*: همچنین ـ *avahāsa-artham*: برای شوخی کردن ـ *asat-kṛtaḥ*: بی‌احترام شده ـ *asi*: تو بوده‌ای ـ *vihāra*: در استراحت ـ *śayyā*: در دراز کشیدن ـ *āsana*: در نشستن ـ *bhojaneṣu*: یا در حال خوردن با یکدیگر ـ *ekaḥ*: به تنهایی ـ *atha vā*: یا ـ *api*: همچنین ـ *acyuta*: ای خطاناپذیر ـ *tat-samakṣam*: در میان دوستان و همراهان ـ *tat*: همه آنها ـ *kṣāmaye*: تقاضای بخشش می‌کنم ـ *tvām*: از تو ـ *aham*: من ـ *aprameyam*: بی‌کران، وسیع.

## ترجمه

**من در گذشته بی‌مهابا تو را با عناوین "ای کریشنا"، "ای یاداوا"، "ای دوست من" مخاطب قرار داده‌ام بی‌آنکه به شکوه و جلال تو واقف بوده باشم. خواهشمندم هرآنچه را از سر دیوانگی یا عشق انجام داده‌ام بر من ببخشایی. من بارها به تو، در حال نشست و برخاست یا خواب و خوراک، گاهی تنها و گاهی در مقابل بسیاری از دوستان، بی‌احترامی کرده‌ام. ای مصون از خطا، تمنا دارم مرا برای تمامی اهانتهایم ببخشی.**

## شرح

هرچند کریشنا با شکل جهانی خود در مقابل آرجونا تجلی یافته، اما آرجونا رابطه دوستانه‌اش را با او به خاطر می‌آورد و بنابراین از او پوزش می‌خواهد و تمنا دارد که او را به خاطر بسیاری از حرکات و حالات غیر رسمی و خودمانی که در نتیجه دوستی به وجود می‌آید عفو نماید. او اذعان دارد که قبلا تصور نمی‌کرده است کریشنا قادر به متجلی نمودن شکل جهانی از خود باشد، هرچند کریشنا در محاورات دوستانه‌شان در مورد این مطلب برایش صحبت کرده بود. آرجونا نمی‌داند که تا به حال چند بار بدون در نظر گرفتن قدر و منزلت توانگری کریشنا، با مخاطب قرار دادن او به عنوان"ای دوست من"، "ای کریشنا"، "ای یاداوا" و غیره به او بی‌احترامی نموده است. اما کریشنا آنقدر مهربان و پرلطف است که به رغم برخورداری از چنین توانگریی با آرجونا مانند دوست رفتار کرده است. چنین است تبادل روابط عاشقانه روحانی بین عابد و خداوند. رابطه موجود زنده و کریشنا به طور ابدی ثابت است؛ همان گونه که از رفتار آرجونا می‌توانیم ملاحظه کنیم، این رابطه را نمی‌توان فراموش کرد. پس هرچند آرجونا دولتمندی و قدرت پروردگار را در شکل جهانی دیده است، لیکن نمی‌توانست رابطه دوستانه‌اش را با کریشنا به فراموشی سپارد.

## آیه ۴۳

*pitāsi lokasya carācarasya*
*tvam asya pūjyaś ca gurur garīyān*
*na tvat-samo 'sty abhyadhikaḥ kuto 'nyo*
*loka-traye 'py apratima-prabhāva*

*pitā*: پدر ـ *asi*: تو هستی ـ *lokasya*: مربوط به تمام جهان ـ *cara*: متحرک ـ *acarasya*: و ساکن ـ *tvam*: تو هستی ـ *asya*: مربوط به این ـ *pūjyaḥ*: قابل پرستش ـ *ca*: همچنین ـ *guruḥ*: استاد ـ *garīyān*: باشکوه، عالی ـ *na*: هرگز ـ *tvat-samaḥ*: برابر با تو ـ *asti*: وجود دارد ـ *abhyadhikaḥ*: برتر، بزرگتر ـ *kutaḥ*: چگونه امکان‌پذیر است ـ *anyaḥ*: دیگر ـ *loka—traye*: در سه نظام سیاره‌ای ـ *api*: همچنین ـ *apratima-prabhāva*: ای قدرت نامحدود.

## ترجمه

**تو پدر آحاد متحرک و ساکن در این تجلی کامل کیهانی هستی. تو یگانه معبود در عالم کائنات و پیر روحانی اعلی هستی. هیچکس با تو برابر نیست و هیچ کس نمی‌تواند با تو یکی گردد. پس ای قدرت بی‌کران، چگونه ممکن است کسی در سه جهان وجود داشته باشد که برتر از تو باشد؟**

## شرح

همان گونه که پدر شایسته احترامات از طرف فرزندانش است، کریشنا شخصیت اعلای خداوند نیز قابل احترام و پرستش از طرف تمام موجودات است. او پیر روحانی اصلی است، زیرا در ابتدا هم او بود که تعالیم ودایی را به برهما اعطاء کرد و اکنون نیز مشغول اعطای تعالیم بهاگاواد-گیتا به آرجونا است؛ بنابراین او پیر روحانی نخستین است، و در حال حاضر هر پیر روحانی معتبری باید از خط سلسله پیران که از کریشنا سرچشمه می‌گیرد باشد. انسان بدون آنکه نماینده کریشنا باشد نمی‌تواند معلم یا پیر روحانی برای آموزش مطالب متعال گردد.

به خداوند از هر جهت و از هر نظر سجده می‌شود. او دارای بزرگی و عظمت نامحدودی است. هیچکس نمی‌تواند بزرگتر از کریشنا شخصیت متعال خداوند باشد، زیرا هیچکس در هیچکدام از تجلیات روحانی یا مادی برابر با کریشنا یا بالاتر از او نیست. هیچکس نمی‌تواند از کریشنا برتری جوید. این نکته در شوتاش واتارا اوپانیشاد (۸/۶) بیان شده است:

*na tasya kāryaṁ karaṇaṁ ca vidyate*
*na tat-samaś cābhyadhikaś ca dṛśyate*

خداوند متعال کریشنا همچون انسان معمولی که دارای حواس و بدن است، دارای حواس و جسم متعال می‌باشد، بدین مفهوم که هیچ گونه تفاوتی بین حواس، جسم، ذهن، و روح او وجود ندارد. اشخاص ابله که او را به درستی نمی‌شناسند معتقدند که کریشنا با روح، ذهن، قلب و همه چیز دیگرش متفاوت است. باید در نظر داشت که کریشنا مطلق است و به همین جهت فعالیتها و قدرتهای او متعالند. همچنین گفته می‌شود که او دارای حواسی همچون ما نیست، ولی قادر به انجام تمام فعالیتهای حسی است؛ بنابراین حواس او نه ناقص است و نه محدود. هیچکس نمی‌تواند از او برتر باشد، هیچکس نمی‌تواند با او برابر باشد، و همه در مراتبی فروتر نسبت به او قرار دارند. دانش، قدرت و فعالیتهای شخصیت متعال همگی روحانیند. همان گونه که در بهاگاواد-گیتا (۹/۴) بیان شده است:

*janma karma ca me divyam*
*evaṁ yo vetti tattvataḥ*
*tyaktvā dehaṁ punar janma*
*naiti mām eti so 'rjuna*

هر کسی که جسم متعال کریشنا، فعالیتها و کمال او را بشناسد، پس از ترک کالبد کنونیش نزد او بازمی‌گردد و دیگر به این دنیای مصیبت‌بار رجعت نمی‌کند. بنابراین انسان باید بداند که اعمال‌کریشنا با دیگران متفاوت است. بهترین خط مشی آن است که انسان اصول کریشنا را دنبال نماید و این طریقه نیل به کمال برای انسان محسوب می‌شود. همچنین گفته شده است که هیچکس ارباب کریشنا نیست بلکه همه خادم اویند. چیتانیا ـ چارتیامرتیا (آدی ۱۴۲/۵) تأیید می کند که:

*ekale īśvara kṛṣṇa, āra saba bhṛtya*

همانا خداوند یکتا کریشناست و همه خادم و مطیع اویند. همه فرامین او را اجابت می‌کنند. هیچکس نیست که بتواند امر او را فرو گذارد. همه به علت نظارت او، طبق راهنمایی و هدایت او عمل می‌کنند. همان گونه که در برهما ـ سامهیتا بیان شده او علت تمام علل است.

## آیه ۴۴

*tasmāt praṇamya praṇidhāya kāyaṁ*
*prasādaye tvām aham īśam īḍyam*
*piteva putrasya sakheva sakhyuḥ*
*priyaḥ priyāyārhasi deva soḍhum*

*tasmāt*: بنابراین ـ *praṇamya*: تقدیم کردن سجده‌ها ـ *praṇidhāya*: دراز کشیدن ـ *kāyam*: بدن ـ *prasādaye*: تمنای لطف کردن ـ *prasādaye*: به تو ـ *aham*: من ـ *īśam*: به خداوند متعال ـ *īḍyam*: قابل پرستش ـ *pitā iva*: همچون یک پدر ـ *putrasya*: با یک پسر ـ *sakhā iva*: همچون یک دوست ـ *sakhyuḥ*: با یک دوست ـ *priyaḥ*: یک عاشق ـ *priyāyāḥ*: با عزیزترین و محبوبترین ـ *arhasi*: تو باید ـ *deva*: خدای من ـ *soḍhum*: تحمل نمایی.

## ترجمه

**تو آن خداوند متعال و یگانه معبود هستی که هر موجود زنده باید عبادتت نماید. بدین‌سان با تمامی خضوع به تو کرنش می‌کنم و در برابرت به خاک می‌افتم تا سجده‌های محترمانهٔ خود را به‌تو تقدیم و تقاضـای لطـف و رحمت تو را نمایم. تمنا دارم اشتباهاتی را که نسبت به تو روا داشته‌ام بر من ببخشایی، همان گونـه کـه پـدری نسبت به گستاخی پسرش یا دوستی نسبت به بی‌ادبی دوستش یـا زنـی در قبـال حالـت خودمـانی همسـرش شکیبایی به خرج می‌دهد.**

## شرح

عابدان و سرسپردگان کریشنا، روابط گوناگونی با کریشنا دارند؛ شخص ممکن است با کریشنا همچون فرزندش، همسرش، دوستش و یا اربابش رفتار کند. کریشنا و آرجونا در رابطه دوستی با یکدیگر قرار دارند. همان گونه که پدر، شوهر و یا ارباب شکیبایی به خرج می‌دهد، کریشنا نیز همواره نسبت به عابد خود صبور است.

## آیه ۴۵

*adṛṣṭa-pūrvaṁ hṛṣito 'smi dṛṣṭvā*
*bhayena ca pravyathitaṁ mano me*
*tad eva me darśaya deva rūpaṁ*
*prasīda deveśa jagan-nivāsa*

*adṛṣṭa—pūrvam*: هرگز قبلا دیده نشده ـ *hṛṣitaḥ*: شادمان ـ *asmi*: من هستم ـ *dṛṣṭvā*: بادیدن ـ *bhayena*: به علت ترس ـ *ca*: همچنین ـ *pravyathitam*: مضطرب شده ـ *manaḥ*: ذهن ـ *me*: مال من، م ـ *tat*: آن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *me*: به من ـ *darśaya*: نشان ده ـ *deva*: خدایا ـ *rūpam*: شکل ـ *prasīda*: فقط مهربان و بخشنده باش ـ *deva-īśa*: ای خدای خدایان ـ *jagat-nivāsa*: ای پناه عالم.

## ترجمه

**از دیدن این شکل جهانی که تا کنون هیچگاه ندیده بودم، شادمانم؛ اما در عین حال ذهنم از ترس مضطرب گردیده است. بنابراین ای خدای خدایان، ای مأوای جهان، تمنا دارم لطف و رحمت خویش را به من اعطاء نمایی و دوباره شکل مبارک خود را به صورت شخصیت خداوند به من بنمایانی.**

## شرح

آرجونا همواره محرم کریشنا است، زیرا دوست بسیار عزیز و محبوب او به شمار می‌آید و همان‌گونه که یک دوست از ثروت، توانگری و دولتمندی دوستش خرسند و خوشحال می‌شود، آرجونا نیز بسیار مسرور است مشاهده کند دوستش کریشنا شخصیت اعلای خداوند است و می‌تواند چنین سیمای جهانی شگرفی را نمایش دهد. ولی در عین حال پس از دیدن آن شکل جهانی نگران شده که به علت دوستی پاک و بی‌آلایشش، اهانتهای بسیار زیادی به کریشنا روا داشته است. هرچند این نگرانی علت محکمی ندارد، ولی توانسته است ذهن او را آشفته سازد. بنابراین، چون خداوند قادر است هر سیمایی را که اراده می‌کند به خود بگیرد، آرجونا از کریشنا می‌خواهد که شکل نارایانای خود را نشان دهد. باید در نظر داشت همان گونه که دنیای مادی موقتی است شکل جهانی نیز مادی و موقتی است. اما در سیارات وایکونتها کریشنا دارای شکل متعال چهار دست خود به صورت نارایانا است. سیارات بی‌شماری در آسمان روحانی وجود دارد و در هر کدام از آنها کریشنا به‌وسیله تجلیات کامل خود که دارای نامهای مختلف هستند حضور دارد. بدین ترتیب آرجونا خواست که یکی از صورتهای کریشنا را که در کرات وایکونتها متجلی است مشاهده نماید. در دستان نارایانا، چهار نماد صدف، گرز، نیلوفر و صفحه مدور مشاهده می‌شود. نارایاناهای حاضر در هر یک از کرات وایکونتها، طبق ترکیبهای مختلف نگاهداشتن این چهار نماد در دستهای چهارگانه خود نامگذاری می‌شوند. همه این اشکال با کریشنا یکی هستند؛ بنابراین آرجونا تقاضا می‌کند که شکل چهار دست او را ببیند.

## آیه ۴۶

*kirīṭinaṁ gadinaṁ cakra-hastam*
*icchāmi tvāṁ draṣṭum ahaṁ tathaiva*
*tenaiva rūpeṇa catur-bhujena*
*sahasra-bāho bhava viśva-mūrte*

*kirīṭinam*: با کلاهخود ـ *gadinam*: با گرز ـ *cakra-hastam*: چرخ در دست ـ *icchāmi*: آرزودارم ـ *tvām*: تو را ـ *draṣṭum*: دیدن ـ *aham*: من ـ *tathā eva*: در آن وضع ـ *tena eva*: در آن ـ *rūpeṇa*: شکل ـ *catuḥ—bhujena*: چهار دست ـ *sahasra-bāho*: ای هزار دست ـ *bhava*: فقط بشو ـ *viśva—mūrte*: ای شکل جهانی.

## ترجمه

**ای شکل جهانی، ای خداوند هزاردست، آرزو دارم تو را در شکل چهاردست خود، با گرز، چرخ، صدف و گل نیلوفر در دستان و تاج بر سر، نظاره کنم. من مشتاقم که تو را در آن شکل تحسین نمایم.**

## شرح

در برهما ـ سامهیتا (۳۹/۵) گفته شده است:

*rāmādi-mūrtiṣu kalā-niyamena tiṣṭhan*

خداوند به طور جاودان در صدها و هزاران شکل به طور همزمان و مقارن ظاهر می‌شود که شکلهای اصلی، راما، نریشیمها، نارایانا و غیره‌اند. با توجه به اینکه آرجونا می‌دانست کریشنا شخصیت اصلی و ازلی خداوند است که شکل موقت جهانی را به خود گرفته، از او تقاضا می‌کند که شکل نارایانای خود را که شکلی کاملا روحانی است متجلی سازد. این آیه بدون هیچ گونه شکی اظهارات شریماد- بهاگاواتام را ثابت می‌کند که کریشنا شخصیت اصلی خداوند است و تمام وجوه دیگر از او سرچشمه می‌گیرند. او با بسطهای کامل خویش تفاوتی ندارد و در هر یک از شکلهای بی‌شمار خود همان خداوند یکتا است. در تمام این صور، او مانند مرد جوان پرنشاط و باطراوتی به نظر می‌آید. این خصوصیت دائمی سیمای شخصیت متعال خداوند است. کسی که کریشنا را بشناسد بی‌درنگ از تمام آلودگیهای دنیای مادی آزاد می‌گردد.

## آیه ۴۷

*śrī-bhagavān uvāca*
*mayā prasannena tavārjunedaṁ*
*rūpaṁ paraṁ darśitam ātma-yogāt*
*tejo-mayaṁ viśvam anantam ādyaṁ*
*yan me tvad anyena na dṛṣṭa-pūrvam*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *mayā*: توسط من ـ *prasannena*: شادمانه ـ *tava*: به تو ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *idam*: این ـ *rūpam*: شکل ـ *param*: متعال و روحانی ـ *darśitam*: نشان داده شده ـ *ātma*— *yogāt*: به‌وسیله نیروی درونیم ـ *tejaḥ-mayam*: مملو از درخشندگی ـ *viśvam*: تمام جهان ـ *anantam*: نامحدود ـ *ādyam*: اصلی، ازلی ـ *yat*: آن‌که ـ *me*: مال من، م ـ *tvat anyena*: به غیر از تو ـ *na dṛṣṭa-pūrvam*: هیچکس قبلا ندیده است.

## ترجمه

**شخصیت متعال الهی فرمود: آرجونای عزیزم، من شادمانه به‌وسیلهٔ نیروی درونی خود، شکل جهانی عالی، نامحدود و مملو از درخشندگی خود را درون دنیای مادی به تو نشان دادم که هیچکس قبل از تو آن را ندیده است.**

## شرح

آرجونا می‌خواست شکل جهانی خداوند متعال را رؤیت کند، لذا خداوند کریشنا، از روی لطف و رحمت نسبت به عابدش آرجونا، شکل جهانیش را که پر از تلالؤ، توانگری و دولتمندی بود به او نشان داد. این شکل همچون خورشید خیره‌کننده بود و صور بسیار زیاد آن به سرعت تغییر می‌کرد. کریشنا این شکل را فقط برای رضایت خاطر و برآورده ساختن آرزوی دوستش آرجونا نشان داد. کریشنا این شکل را از طریق نیروی درونیش، که با تفکرات پندارگرایانه انسانی غیر قابل تصور است، متجلی ساخت. هیچکس قبل از آرجونا این شکل جهانی خداوند را ندیده بود، لیکن چون این شک به آرجونا نشان داده شد، عابدان دیگر در سیارات بهشتی و دیگر کرات فضای بیرونی نیز قادر به مشاهده آن شدند. شخصی اظهار نظر نموده است که این شکل به دوریودهانا، زمانی که کریشنا برای مذاکره صلح به نزدش رفته بود نیز نشان داده شد که متأسفانه، دوریودهانا پیشنهاد صلح را نپذیرفت؛ در واقع، در آن زمان کریشنا فقط برخی از شکلهای جهانی دیگر خود را متجلی ساخت. ولی آن شکلها با این شکل که به آرجونا نمایش داده شد متفاوت است. در این آیه به وضوح تصریح شده که هیچکس این صورت را قبلا ندیده بوده است.

## آیه ۴۸

*na veda-yajñādhyayanair na dānair*
*na ca kriyābhir na tapobhir ugraiḥ*
*evaṁ-rūpaḥ śakya ahaṁ nṛ-loke*
*draṣṭuṁ tvad anyena kuru-pravīra*

*na*: هرگز ـ *veda-yajña*: به‌وسیله قربانی ـ *adhyayanaiḥ*: یا مطالعه ودایی ـ *na*: هیچگاه ـ *dānaiḥ*: به‌وسیله صدقه ـ *na*: هرگز ـ *ca*: همچنین ـ *kriyābhiḥ*: به‌وسیله اعمال متقیانه ـ *na*: هیچگاه ـ *tapobhiḥ*: به‌وسیله ریاضتهای جدی ـ *ugraiḥ*: شدید، سخت ـ *evam-rūpaḥ*: در این شکل ـ *śakyaḥ*: می‌توانم ـ *aham*: من ـ *nṛ—loke*: در این عالم مادی ـ *draṣṭum*: دیده شدن ـ *tvat*: بجز تو ـ *anyena*: به‌وسیله دیگری ـ *kuru-pravīra*: ای بهترین در میان سلحشوران کورو.

## ترجمه

**ای بهترین سلحشوران کورو، هیچکس پیش از تو این شکل جهانی مرا ندیده است، زیرا نه مطالعه وداها، نه انجام قربانی، نه دادن صدقه، نه پرداختن به اعمال متقیانه و ریاضتهای شاق، هیچکدام دیدن مرا در این شکل در دنیای مادی میسر نمی‌کند.**

## شرح

بینایی و بصیرت الهی که در این آیه از آن سخن گفته شده است باید به روشنی درک شود. چه کسی می‌تواند بینش و بینایی الهی داشته باشد؟ از واژه "الهی" معنی "در ارتباط با خداوند" متبادر می‌شود. مادامی که انسان به صورت یک فرشته به مرتبه الوهیت نرسیده باشد نمی‌تواند از بصیرت الهی برخوردار شود. و فرشته چیست؟ در کتب مقدس ودایی بیان شده است آنان که عابدان خداوند ویشنو هستند فرشته‌اند (*viṣṇu-bhaktāḥ smṛtā devāḥ*). کسانی که خدانشناسند، یعنی کسانی که به ویشنو ایمان ندارند، و یا تنها وجه فاقد شخصیت کریشنا را به عنوان متعال می‌شناسند، نمی‌توانند بینایی الهی داشته باشند. امکان ندارد که هم کریشنا را کم‌ارزش شمرد و هم در عین حال بینایی الهی داشت. انسان نمی‌تواند بدون اینکه الهی شود بینایی الهی پیدا کند. به دیگر سخن، کسانی که بینایی الهی دارند نیز می‌توانند آنچه را که آرجونا مشاهده کرد ببینند.
بهاگاواد-گیتا توصیف شکل جهانی را ارائه می‌کند که پیش از نمایان شدن آن به آرجونا برای همه ناشناخته بود؛ ولی اکنون پس از این واقعه انسان می‌تواند تصوری از ویشوا ـ روپا یا شکل جهانی خداوند پیدا کند. کسانی که واقعاً در طبیعت الهی‌اند و بینایی الهی دارند می‌توانند شکل جهانی خداوند را رؤیت کنند که این خصوصیت فقط در عابدان پاک خداوند یافت می‌شود. با این احوال آنان چندان علاقه‌ای به دیدن سیمای جهانی خداوند از خود نشان نمی‌دهند. همان گونه که در آیه قبل توصیف شد، آرجونا از شکل جهانی خداوند ترسید و تقاضا کرد شکل چهاردست خداوند کریشنا را به صورت ویشنو مشاهده کند.
در این آیه چند واژه حائز اهمیت وجود دارد مانند ودا ـ یاگیادهیایانای (*veda-yajñādhyayanaiḥ*) که به مطالعه ادبیات ودایی و موضوع قواعد قربانی اشاره دارد. ودا عطف به تمام انواع ادبیات ودایی مانند چهار ودا (ریگ، یاجور، ساما و آتهاروا) و هیجده پورانا، اوپانیشادها و ودانتاسوترا است و انسان می‌تواند آنها را در خانه یا هر جای دیگری مطالعه نماید. مشابهاً سوتراها، کالپا ـ سوتراها و میمامسا ـ سوتراها وجود دارند که روشهای قربانی را آموزش می‌دهند. واژه دانای عطف به صدقه است، که به شخص مناسبی داده می‌شود، مانند کسانی که وقف خدمت عاشقانه روحانی خداوندند، یعنی براهماناها و وایشناواها. مشابهاً)اعمال پرهیزکارانه) به آگنی ـ هوترا و وظایف تجویزشده طبقات مختلف اجتماعی اشاره دارد. و پذیرش داوطلبانه بعضی مشقات جسمی، تاپاسیا خوانده می‌شود. بنابراین انسان می‌تواند ریاضتهای بدنی را بر خود هموار سازد، صدقه بدهد، وداها را

مطالعه نماید و غیره، اما تا وقتی عابدی مانند آرجونا نشده باشد ممکن نیست بتواند شکل جهانی را ببیند. بی‌هویت‌گرایان نیز می‌پندارند که دسترسی به شکل جهانی دارند، در حالی که ما از بهاگاواد–گیتا درمی‌یابیم که بی‌هویت‌گرایان چون بهاکتا یا عابد نیستند قادر به رؤیت شکل جهانی خداوند نخواهند بود.

اشخاص بسیاری هستند که بانی ایجاد ظهورات می‌شوند. آنها به کذب ادعا می‌کنند که یک شخص عادی، از ظهورات الهی است، در حالی که این حماقت محض است. ما باید از اصول بهاگاواد–گیتا تبعیت کنیم، در غیر این صورت امکانی برای رسیدن به معرفت کامل روحانی وجود نخواهد داشت. هرچند بهاگاواد–گیتا مطالعه مقدماتی علم شناسایی خدا محسوب می‌شود، آنقدر کامل است که انسان را قادر می‌سازد به تشخیص حقایق امور دست یابد. شاید پیروان ظهورات کاذب ادعا نمایند که آنان نیز ظهور ماورایی خداوند، یعنی شکل جهانی را دیده‌اند، اما این مطلب قابل قبول نیست، زیرا اینجا به روشنی بیان شده است که چنانچه انسان عابد کریشنا نگردد نمی‌تواند شکل جهانی خداوند را مشاهده کند. بنابراین نخست انسان باید عابد پاک و مرید خالص کریشنا بشود تا آنگاه بتواند ادعا نماید شکل جهانی را دیده است و آنچه را دیده نشان دهد. عابد کریشنا نمی‌تواند ظهورات دروغین یا پیروان ظهورات کاذب را بپذیرد.

## آیه ۴۹

*mā te vyathā mā ca vimūḍha-bhāvo*
*dṛṣṭvā rūpaṁ ghoram īdṛṅ mamedam*
*vyapeta-bhīḥ prīta-manāḥ punas tvaṁ*
*tad eva me rūpam idaṁ prapaśya*

*mā*: که این دیگر نباشد ـ *te*: به تو ـ *vyathā*: ناراحتی، نگرانی ـ *mā*: که این دیگر نباشد ـ *ca*: همچنین ـ *vimūḍha-bhāvaḥ*: بهت، حیرت ـ *dṛṣṭvā*: به‌وسیله دیدن ـ *rūpam*: شکل ـ *ghoram*: هولناک ـ *īdṛk*: همان گونه که هست ـ *mama*: مال من، م ـ *idam*: این ـ *vyapeta-bhīḥ*: رها از هرگونه ترس ـ *prīta-manāḥ*: راضی شده در ذهن ـ *punaḥ*: دوباره ـ *tvam*: تو ـ *tat*: آن ـ *eva*: بدین‌سان ـ *me*: مال من، م ـ *rūpam*: شکل ـ *idam*: این ـ *prapaśya*: فقط رؤیت کن.

## ترجمه

**تو با دیدن این شکل هولناک من حیران و آشفته شده‌ای، حال بگذار تمام بشود. ای عابد مـن، دوبـاره از تمام اضطرابات آسوده شو. اکنون با ذهنی آرام می‌توانی آن چهره‌ای را که آرزو می‌کنی ببینی.**

## شرح

در آغاز بهاگاواد–گیتا آرجونا از کشتن بهیشما و درونا، پدربزرگ و استاد قابل پرستش خود، نگران بود. اما کریشنا فرمود که از کشتن آنها هراسی به دل راه ندهد، زیرا هنگامی که پسران دهریتاراشترا در محفل کوروها کوشیدند دروپادی را عریان سازند، بهیشما و درونا سکوت اختیار نمودند و از دروپادی حمایت نکردند و به علت غفلت از انجام وظیفه باید کشته شوند. کریشنا فقط برای اینکه به او نشان دهد که این افراد به علت اعمال غیر مشروع خود از قبل کشته شده بودند، شکل جهانی خود را به آرجونا نشان داد. آن صحنه برای آرجونا نمایش داده شد، زیرا عابدان و مریدان خدا همواره صلحجو هستند و نمی‌توانند چنین اعمال هولناکی را انجام دهند. بدین ترتیب منظور از نمایان ساختن شکل جهانی روشن شد؛ حال آرجونا می‌خواست شکل چهاردست را مشاهده کند که کریشنا آن را به او نشان می‌دهد. عابد به شکل جهانی چندان علاقه‌ای ندارد، زیرا انسان را قادر

به تبادل احساسات عاشقانه نمی‌کند. عابد یا می‌خواهد احساسات پرستش‌گونه حاکی از احترام خود را تقدیم کند، و یا می‌خواهد شکل دو دست کریشنا را رؤیت کند تا بتواند در خدمت عاشقانه با شخصیت متعال خداوند رابطه متقابل داشته باشد.

## آیه ۵۰

*sañjaya uvāca*
*ity arjunaṁ vāsudevas tathoktvā*
*svakaṁ rūpaṁ darśayām āsa bhūyaḥ*
*āśvāsayām āsa ca bhītam enaṁ*
*bhūtvā punaḥ saumya-vapur mahatma*

*sañjayaḥ uvāca*: سانجایا گفت ـ *iti*: بدین‌سان ـ *arjunam*: به آرجونا ـ *vāsudevaḥ*: کریشنا ـ *tathā*: به آن طریق ـ *uktvā*: صحبت کردن ـ *svakam*: متعلق به خودش ـ *rūpam*: شکل ـ *darśayām āsa*: نشان داد ـ *bhūyaḥ*: ـ دوباره ـ *āśvāsayām āsa*: دلگرم نمود، تشویق کرد ـ *ca*: همچنین ـ *bhītam*: هراسناک ـ *enam*: به او، او را ـ *bhūtvā*: شدن، گردیدن ـ *punaḥ*: دوباره ـ *saumya—vapuḥ*: شکل زیبا ـ *mahā-ātmā*: خدای بزرگ.

## ترجمه

**سانجایا به دهریتاراشترا گفت: در حالی که شخصیت اعلای خداوند کریشنا با آرجونا چنین سخن می‌گفت، شکل واقعی چهاردست خود را به نمایش گذارد و سرانجام شکل دو دست خود را به او نشان داد و بدین‌سان آرجونای هراسناک را نیرو بخشید و دلگرم نمود.**

## شرح

هنگامی که کریشنا به عنوان فرزند الهی واسودوا و دواکی ظهور کرد، نخست به صورت نارایانا ظاهر گردید، اما با تقاضای والدینش خود را به طفلی معمولی تبدیل نمود. مشابهاً، اینجا کریشنا می‌دانست که آرجونا علاقه‌ای به دیدن شکل چهار دست ندارد، اما چون او تقاضای دیدن آن را نموده بود، کریشنا این صورت را دوباره نمایش داد و سپس خود را در شکل دو دستش نشان داد. در این آیه واژه سمیا ـ واپو بسیار حائز اهمیت است. سمیا ـ واپو شکل بسیار زیبایی است که به عنوان حد اعلای زیبایی شناخته شده است. وقتی کریشنا روی کره زمین حضور داشت همه مجذوب شکل مبارک او بودند، و چون کریشنا هادی جهان است، ترس عابد خود آرجونا را از بین می‌برد و دوباره شکل زیبای کریشنای خود را به او نشان می‌دهد. در برهما ـ سامهیتا (۳۸/۵) بیان شده است:

*premāñjana-cchurita-bhakti-vilocanena*

تنها شخصی که چشمانش آغشته به مرهم عشق است می‌تواند جمال الهی شری کریشنا را رؤیت کند.

## آیه ۵۱

*arjuna uvāca*
*dṛṣṭvedaṁ mānuṣaṁ rūpaṁ*
*tava saumyaṁ janārdana*
*idānīm asmi saṁvṛttaḥ*
*sa-cetāḥ prakṛtiṁ gataḥ*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *dṛṣṭvā*: دیدن ـ *idam*: این ـ *mānuṣam*: انسانی ـ *rūpam*: شکل ـ *tava*: مال تو، ت ـ *saumyam*: بسیار زیبا ـ *janārdana*: ای تنبیه‌کننده دشمنان ـ *idānīm*: اکنون ـ *asmi*: من هستم ـ *saṁvṛttaḥ*: آرام گرفته ـ *sa-cetāḥ*: در آگاهی من ـ *prakṛtim*: به طبیعت خودم ـ *gataḥ*: برگردانده شده.

## ترجمه

**وقتی آرجونا بدین‌سان کریشنا را در شکل اصلیش مشاهده نمود گفت: ای جاناردانا، اکنون با دیدن این شکل شبیه به انسان که بی‌نهایت زیباست، ذهن من آرامش یافته است و به طبیعت اصلی خود بازگشته‌ام.**

## شرح

در این آیه واژه مانوشام روپام به وضوح نشان می‌دهد که شخصیت متعال خداوند در اصل دو دست است. آیه فوق اشاره به این مطلب دارد: کسانی که کریشنا را به منزله یک شخص عادی استهزاء می‌کنند، در واقع نسبت به طبیعت الهی او بی‌اطلاعند. چنانچه کریشنا انسانی معمولی باشد، چگونه امکان دارد شکل جهانی خود را نمایش دهد و بعد شکل نارایانای چهار دست را نمایان سازد؟ بدین جهت در بهاگاواد-گیتا با وضوح بسیار بیان شده است که کسی که کریشنا را شخص عادی می‌پندارد و خوانندگان بهاگاواد-گیتا را با این ادعا گمراه می‌سازد که این برهمن فاقد شخصیت درون کریشنا است که سخن می‌گوید، بزرگترین ظلم و بی‌انصافی را روا داشته است. کریشنا واقعاً شکل جهانی و شکل ویشنوی چهار دست خود را نشان داده است. بدین ترتیب چگونه می‌تواند انسانی عادی باشد؟ عابد پاک با تفسیرات گمراه کننده بهاگاواد-گیتا گیج و گمگشته نمی‌شود، زیرا وی به حقیقت امور واقف است. آیات اصیل بهاگاواد-گیتا خود همچون آفتاب تابان می‌درخشد و احتیاجی به نور شمع مفسران ابله ندارد.

## آیه ۵۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*su-durdarśam idaṁ rūpaṁ*
*dṛṣṭavān asi yan mama*
*devā apy asya rūpasya*
*nityaṁ darśana-kāṅkṣiṇaḥ*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای پروردگار فرمود ـ *su-durdarśam*: بسیار مشکل برای‌دیدن ـ *idam*: این ـ *rūpam*: شکل ـ *dṛṣṭavān asi*: همان گونه که دیده‌ای ـ *yat*: که، که... آن ـ *mama*: مربوط به مال من ـ *devāḥ*: فرشتگان ـ *api*: همچنین ـ *asya*: این ـ *rūpasya*: شکل ـ *nityam*: به طور ابدی ـ *darśana-kāṅkṣiṇaḥ*: آرزوی دیدار.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: آرجونای عزیزم، مشاهده این شکل من که اکنون آن‌را می‌بینی، بسیار مشکل است. حتی فرشتگان همواره جویای فرصتی هستند که این شکل بسیار عزیز و محبوب را رؤیت کنند.**

## شرح

خداوند کریشنا در آیه چهل و هشتم این فصل نمایش شکل جهانی خود را به پایان رسانید و آرجونا را آگاه ساخت که رؤیت این شکل از طریق اعمال متقیانه، قربانیها و غیره امکان‌پذیر نیست. اکنون در آیه حاضر از واژه سو ـ دوردارشام استفاده شده که نشان می‌دهد شکل دو دست کریشنا از شکلهای قبل محرمانه‌تر است. شاید انسان بتواند با افزودن قدری خدمت عابدانه به اعمال گوناگونی همچون توبه و ریاضت، مطالعات ودایی و تفکرات فلسفی، شکل جهانی کریشنا را ببیند؛ این امر چنان که قبلا توضیح داده شد فقط از طریق بهاکتی میسر می‌گردد. گذشته از شکل جهانی خداوند، دیدن سیمای دو دست کریشنا باز هم مشکلتر است، حتی برای فرشتگانی چون برهما و خداوندگار شیوا. آنان آرزو دارند او را در این سیما مشاهده کنند، و ما دلایلی از شریماد– بهاگاواتام داریم که وقتی کریشنا در رحم مادرش دواکی بود، همه فرشتگان از بهشت فرود آمدند تا این شگفتی و اعجاز او را رؤیت کنند. آنها با وجود آنکه خداوند در آن زمان برای آنان هنوز مشهود نبود، دعاهای زیبای خود را به پیشگاه او نثار کردند و صبر نمودند تا وی را مشاهده کنند. اشخاص جاهل ممکن است با در نظر گرفتن شخصیت الهی به عنوان شخصی عادی خداوند را استهزاء کنند و نه به او بلکه به "چیزی" فاقد شخصیت درون کریشنا ادای احترام کنند، اما باید در نظر داشت تمامی اینها نگرشهایی احمقانه است، زیرا فرشتگانی نظیر برهما و شیوا واقعاً آرزومندند که کریشنا را در شکل جاودان دو دستش مشاهده کنند.

این مطلب در بهاگاواد–گیتا (۱۱/۹) نیز تأیید گردیده است:

*avajānanti māṁ mūḍhā mānuṣīṁ tanum āśritaḥ*

کریشنا برای اشخاص ابله که او را استهزاء می‌کنند قابل رؤیت نیست. بدن متعال او همان گونه که در برهما ـ سامهیتا و از طرف خودش در بهاگاواد–گیتا نیز تأیید گردیده، کاملا روحانی و مملو از شعف و جاودانگی است. بدن متعال او هیچگاه مانند جسم مادی فانی نیست. اما برای کسانی که از طریق صرفاً بهاگاواد–گیتا یا کتب مقدس ودایی مشابه، کریشنا را مطالعه می‌کنند، او یک معما باقی می‌ماند. برای کسی که با چشمان مادی کتب فوق را مطالعه می‌کند، کریشنا یک شخصیت بزرگ تاریخی و فیلسوفی بسیار دانا محسوب می‌گردد، که هرچند بسیار قدرتمند بود ولی مجبور به اختیار کالبد مادی شد. آنان در نهایت امر گمان می‌کنند که حقیقت مطلق فاقد شخصیت است؛ بدین سبب گمان می‌کنند که او از وجه فاقد هویت خود، وجه واجد شخصیت را که وابسته به طبیعت مادی است، به خود گرفته است. این درکی مادی از خداوند متعال است. درک دیگری نیز وجود دارد که درک پندارگرایانه است. آنان که در جستجوی دانش هستند نیز درباره کریشنا پندار می‌کنند و او را کم‌اهمیت‌تر از شکل جهانی خداوند متعال تلقی می‌کنند. بدین‌سان بعضی گمان می‌کنند که شکل جهانی کریشنا که برای آرجونا تجلی یافت مهمتر از سیمای واجد شخصیت اوست. طبق گفته آنان سیمای واجد شخصیت خداوند متعال پدیده‌ای خیالی است. آنان چنین عقیده دارند که در نهایت امر حقیقت مطلق یک شخص نیست. اما روش عالی و روحانی برای شناخت کریشنا در فصل چهارم بهاگاواد–گیتا توصیف شده است: شنیدن درباره کریشنا از مراجع موثق. این روش درست ودایی است و کسانی که واقعاً در طریقت ودایی هستند از مراجع موثق درباره کریشنا می‌شنوند، و به‌وسیله شنیدن مکرر درباره او، کریشنا عزیز و محبوب می‌شود. همان گونه که بارها مطرح کرده‌ایم، کریشنا به‌وسیله نیروی یوگا ـ مایای خود پوشیده شده است و قرار نیست که او برای همه و هر کسی آشکار و قابل رؤیت باشد. تنها کسی قادر به رؤیت کریشنا خواهد بود که خود کریشنا اراده نماید خویش را بر او آشکار سازد. این مطلب در ادبیات ودایی تأیید شده است؛ برای کسی که روح تسلیمی باشد، حقیقت مطلق واقعاً قابل درک است. برای فرد اهل حقیقت و عرفان، از طریق آگاهی مداوم به کریشنا و با خدمت عابدانه به او، امکان باز شدن چشمهای روحانی فراهم می‌آید و می‌تواند از طریق برگرفته شدن حجاب از رخ خداوند، کریشنا را ببیند. کسب توفیق دیدار خداوند حتی برای فرشتگان ممکن نیست؛ بدین لحاظ حتی برای آنان نیز مشکل است کریشنا را درک کنند، و فرشتگان پیشرفته همواره در امید دیدن کریشنا در شکل دو دست اویند. نتیجه آن که گرچه دیدن شکل جهانی کریشنا بسیار مشکل است و برای همه و هر کس ممکن نیست، ولی باز مشکلتر از آن درک سیمای واجد شخصیت خداوند به صورت شیاماسوندارا است.

## آیه ۵۳

*nāhaṁ vedair na tapasā*
*na dānena na cejyayā*
*śakya evaṁ-vidho draṣṭuṁ*
*dṛṣṭavān asi māṁ yathā*

*na*: هرگز ـ *aham*: من ـ *vedaiḥ*: به‌وسیله مطالعه وداها ـ *na*: هیچگاه ـ *tapasā*: به‌وسیله ریاضتهای سخت ـ *na*: هرگز ـ *dānena*: به‌وسیله صدقه ـ *na*: هرگز ـ *ca*: همچنین ـ *ijyayā*: به‌وسیله پرستش ـ *śakyaḥ*: ممکن است ـ *evam-vidhaḥ*: همچون این ـ *draṣṭum*: دیدن ـ *dṛṣṭavān*: در حال دیدن ـ *asi*: تو هستی ـ *mām*: مرا ـ *yathā*: همان گونه.

### ترجمه

**این صورتی را که با چشمان روحانی خود مشاهده می‌کنی، نه با مطالعهٔ وداهـا، نـه بـا تحمـل ریاضـتهای سخت، نه با دادن صدقه و نه با پرستش، نمی‌توان درک نمود. از این راهها نمی‌شود به مشاهدهٔ من، آن گونه که هستم، نائل شد.**

## شرح

کریشنا نخست در مقابل والدینش، دواکی و واسودوا، به صورت چهار دست ظاهر گردید و سپس خود را به صورت دو دست تبدیل نمود. فهم این راز برای کسانی که بی‌خدا یا دور از خدمت عابدانه‌اند بسیار مشکل است. درک کریشنا برای محققان و دانشمندانی که کتب مقدس ودایی راصرفاً از طریق دانش زبانشناسی یا به صرف صلاحیتهای دانشگاهی مطالعه کرده‌اند، امکان‌پذیر نیست. همچنانکه او از طرف اشخاصی که به طور رسمی و صرفاً بر حسب وظیفه عبادتش را بجای می‌آورند نیز درک نمی‌شود. کریشنا فقط از طریق خدمت عابدانه یا بندگی عاشقانه، همان گونه که خود او شخصاً در آیه بعد توضیح خواهد داد، قابل درک است.

## آیه ۵۴

*bhaktyā tv ananyayā śakya*
*aham evaṁ-vidho 'rjuna*
*jñātuṁ draṣṭuṁ ca tattvena*
*praveṣṭuṁ ca parantapa*

*bhaktyā*: به‌وسیله خدمت عابدانه ـ *tu*: اما ـ *ananyayā*: بدون اختلاط با اعمال ثمرجویانه یادانش پندارگرایانه ـ *śakyaḥ*: امکان‌پذیر ـ *aham*: من ـ *evam-vidhaḥ*: مانند این ـ *arjuna*: ای آرجونا ـ *jñātum*: دانستن، شناختن ـ *draṣṭum*: دیدن ـ *ca*: و ـ *tattvena*: به حقیقت ـ *praveṣṭum*: داخل شدن به ـ *ca*: همچنین ـ *parantapa*: ای مسلّح بزرگ.

### ترجمه

**آرجونای عزیزم، تنها از طریق خدمت عابدانهٔ لاینقطع، من همان گونه که هستم و در مقابل تو ایستاده‌ام، قابل درک می‌باشم؛ و بدین‌سان است که مستقیماً قابل رؤیت هستم. تنها از این راه تو می‌توانی اسرار درک مـرا کشف نمایی.**

## شرح

کریشنا فقط از طریق خدمت عابدانه لاینقطع قابل درک است. او صریحاً این مطلب را در این آیه توضیح می‌دهد تا مفسران غیر موثق که می‌کوشند بهاگاواد-گیتا را از طریق تفکرات پندارگرایانه درک نمایند بدانند که فقط وقتشان را تلف می‌کنند. هیچکس نمی‌تواند بفهمد چگونه کریشنا به صورت چهاردست از والدینش پدید آمد و بلافاصله خود را به صورت دو دست تغییر داد. درک این مطالب از طریق مطالعه وداها و یا پندارهای فلسفی بسیار مشکل است. بدین سبب، در اینجا به طرز واضحی بیان گردیده است که هیچکس نمی‌تواند او را مشاهده کند و یا به درک این موضوعات نائل آید. با این حال، کسانی که شاگردان باتجربه ادبیات ودایی‌اند می‌توانند به طرق بسیار از متون مقدس ودایی درباره او بیاموزند. قواعد و قوانین زیادی در متون مقدس معتبر ودایی وجود دارد، و چنانچه کسی واقعاً بخواهد کریشنا در درک کند، باید از اصول تنظیم کننده مربوط به آنها پیروی نماید و ریاضتهای صحیح انجام دهد. در انجام ریاضتهای سخت، به عنوان مثال شخص می‌تواند به مراعات روزه در روز جانماستامی یعنی روز ظهور کریشنا و دو روز اکاداشی (یازدهمین روز پس از ماه نو و یازدهمین روز پس از ماه کامل) در هر ماه مبادرت ورزد. در رابطه با صدقه واضح است که صدقه باید به عابدان و مریدان کریشنا داده شود که مشغول خدمت عابدانه‌اش هستند تا فلسفه شناخت کریشنا را در سراسر جهان پخش کنند، زیرا آگاهی به کریشنا برکتی است برای بشریت. حضرت روپا گوسوامی از خداوند چیتانیا به عنوان بخشنده‌ترین شخص در اعطای صدقه قدردانی کرد، زیرا او عشق به کریشنا را که دسترسی به آن بسیار مشکل است، به طور رایگان پخش نمود. بنابراین چنانچه انسان قدری از ثروت و دارایی خود را به اشخاصی که وقف پخش کریشنا آگاهی هستند اعطاء نماید، چنین صدقه‌ای، برترین صدقه در جهان محسوب می‌شود. و همینطور پرستش و عبادت شخصیت اعلای خداوند در معبد همان گونه که تجویزشده (در معابد هندوستان، همواره آرچا ـ ویگراهایی معمولا از ویشنو یا کریشنا وجود دارد)، نیز فرصتی برای پیشرفت به شمار می‌آید. برای رهروان مبتدی در خدمت عابدانه خداوند، پرستش در معبد بسیار لازم است، و این امر در ادبیات ودایی (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۲۳/۶) تأیید شده است:

*yasya deve parā bhaktir*
*yathā deve tathā gurau*
*tasyaite kathitā hy arthāḥ*
*prakāśante mahātmanaḥ*

کسی که عشق و عبودیت تزلزل‌ناپذیر نسبت به خداوند متعال دارد و از طرف پیر روحانی - که به او نیز ایمان خدشه‌ناپذیر مشابه دارد - هدایت می‌شود، می‌تواند شخصیت متعال خداوند را از طریق الهام مشاهده کند. باید در نظر داشت شخص نمی‌تواند با پندارهای ذهنی کریشنا را درک نماید. بدون گرفتن تعلیم شخصی از پیر روحانی معتبر، برداشتن حتی قدمهای اولیه برای درک خدا ناممکن است. در اینجا واژه تو (*tu*) بالاخص استفاده شده است تا نشان دهد هیچ راه و روش دیگری نمی‌تواند توصیه شود و مورد استفاده قرار گیرد، زیرا هیچکدام از آنها نمی‌تواند در این زمینه موفق باشد.

شکلهای واجد شخصیت کریشنا، یعنی فرم دودست و فرم چهاردست، کاملا با شکل جهانی موقت که به آرجونا نشان داده شد، متفاوتند. شکل چهاردست نارایانا و شکل دودست کریشناجاودان و روحانی‌اند، در حالی که شکل جهانی که به آرجونا نشان داده شد، موقتی است. واژه سو ـ دوردارشام به معنای)مشکل بتوان دید)، اشاره به آن دارد که هیچکس شکل جهانی را قبل از آن ندیده بوده است؛ و از طرف دیگر به این مطلب نیز اشاره می‌کند که عابدان و سرسپردگان نیازی به شناخت این شکل خداوند ندارند. آن چهره را کریشنا به درخواست آرجونا نمایش داد تا چنانچه در آینده کسی خود را به عنوان ظهور خداوند معرفی کند، مردم بتوانند از او بخواهند که شکل جهانیش را نشان دهد و از طریق این معیار او را آزمایش کنند.

واژه نا که کراراً در آیه قبل تکرار شد، نشان می‌دهد که انسان نباید نسبت به صلاحیتهای اشاره شده در آیه فوق همچون تحصیلات دانشگاهی در زمینه ادبیات ودایی مغرور باشد. انسان باید خدمت عابدانه کریشنا را اتخاذ کند و تنها در این صورت است که می‌تواند برای نوشتن شرحهایی بر بهاگاواد-گیتا تلاش نماید.

کریشنا از شکل جهانی به شکل چهاردست نارایانا و سپس به شکل ذاتی دودست خود تغییر می‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که شکلهای چهار دست و شکلهای دیگر ذکر شده در ادبیات ودایی، همگی تجلیاتی از کریشنای اصلی دودست هستند، زیرا او مبدأ و منشأ تمام تجلیات است. کریشنا حتی از این شکلها نیز متفاوت و متمایز است، حال چه رسد به وجه فاقد شخصیت خود. تا آنجا که به شکلهای چهاردست کریشنا مربوط می‌شود کاملا به روشنی بیان شده است که حتی شبیه‌ترین شکل چهاردست کریشنا (که به عنوان ماها ـ ویشنو معروف است و بر اقیانوس کیهانی دراز کشیده و از تنفس او جهانهای بی‌شماری بیرون می‌آیند و داخل می‌شوند) نیز بسطی از خداوند متعال می‌باشد. همان گونه که در برهما ـ سامهیتا (۴۸/۵) گفته شده است:

*yasyaika-niśvasita-kālam athāvalambya*
*jīvanti loma-vila-jā jagad-aṇḍa-nāthāḥ*
*viṣṇur mahān sa iha yasya kalā-viśeṣo*
*govindam ādi-puruṣaṁ tam ahaṁ bhajāmi*

"ماها ـ ویشنو که صرفاً با تنفسش تمامی جهانهای بی‌شمار به درون او داخل می‌شوند و دوباره از او بیرون می‌آیند، بسط کاملی از کریشنا است. بنابراین من گوویندا، کریشنا، علت تمامی علل را پرستش می‌کنم." لذا انسان باید منحصراً سیمای واجد شخصیت کریشنا را به عنوان شخصیت اعلای پروردگار که از دانش و شعف جاودان برخوردار است عبادت نماید. او منشأ تمام صور ویشنو است، او منشأ تمام صور ظهورات است، و او همان گونه که در بهاگاواد-گیتا تصریح گردیده، شخصیت ازلی متعال است.

در ادبیات ودایی (گوپالا ـ تاپانی اوپانیشاد ۱/۱) بیان شده است:

*sac-cid-ānanda-rūpāya*
*kṛṣṇāyākliṣṭa-kāriṇe*
*namo vedānta-vedyāya*
*gurave buddhi-sākṣiṇe*

"من سجده‌های محترمانه خود را به کریشنا که دارای شکل روحانی دانش، شعف و ابدیت است نثار می‌کنم. من به او کرنش می‌کنم زیرا درک او به مفهوم درک وداها است و بدین سبب او پیر روحانی متعال می‌باشد." سپس گفته شده است:

*kṛṣṇo vai paramaṁ daivatam*

"کریشنا شخصیت اعلای خداوند است." (گوپالا ـ تاپانی ۳/۱)

*Eko vaśī sarva-gaḥ kṛṣṇa īḍyaḥ*

"آن کریشنای واحد، شخصیت اعلای خداوند و یگانه معبود بی‌همتاست."

*Eko 'pi san bahudhā yo 'vabhāti*

"کریشنا یکتاست، ولی در شکلهای نامحدود متجلی شده و ظهورات خود را بسط داده است."(گوپالا ـ تاپانی ۲۱/۱)

برهما ـ سامهیتا (۵/۱) می‌گوید:

*īśvaraḥ paramaḥ kṛṣṇaḥ*
*sac-cid-ānanda-vigrahaḥ*
*anādir ādir govindaḥ*
*sarva-kāraṇa-kāraṇam*

"همانا کریشنا که دارای جسم متعال دانش، شعف و جاودانگی است، شخصیت اعلای خداوند می‌باشد. اوست ازلی و بدون آغاز، زیرا آغاز همه چیز اوست. او علت تمام علل است."
در جای دیگری گفته شده است:

*yatrāvatīrṇaṁ kṛṣṇākhyaṁ paraṁ brahma narākṛti*

"حقیقت مطلق متعال یک شخص است، نام او کریشنا است و گاهی اوقات به این کره ارض نزول می‌کند." مشابهاً در شریماد- بهاگاواتام توصیفی از تمام انواع ظهورات شخصیت اعلای خداوند وجود دارد، و در این فهرست ظهورات الهی نام کریشنا نیز به چشم می‌خورد. ولی سپس گفته شده است که این کریشنا یکی از ظهورات خداوند نیست بلکه خود شخصیت ازلی خداوند متعال است.

*ete cāṁśa-kalāḥ puṁsaḥ kṛṣṇas tu bhagavān svayam*

مشابهاً در بهاگاواد-گیتا خداوند می‌فرماید:

*mattaḥ parataraṁ nānyat*

"هیچ چیزی برتر از شکل من، به صورت شخصیت الهی کریشنا، وجود ندارد." همچنین خداوند در جای دیگری در بهاگاواد- گیتا می‌فرماید:

*aham ādir hi devānām*

"من منشأ تمام فرشتگان هستم." و آرجونا نیز پس از درک بهاگاواد-گیتا از کریشنا، این مطلب را با عبارت ذیل چنین تأیید می‌کند:

*paraṁ brahma paraṁ dhāma pavitram-paramaṁ bhavān*

"اکنون من کاملاً درک می‌کنم که تو شخصیت متعال خداوند، حقیقت مطلق و ملجأ همه چیز هستی." بنابراین، آن شکل جهانی که کریشنا به آرجونا نشان داد فرم اصلی خداوند نیست. شکل اصلی و ازلی کریشناست. شکل جهانی با هزاران هزار سر و دست فقط برای جلب توجه کسانی تجلی یافته که هیچ عشقی برای خداوند ندارند و نمی‌تواند شکل اصلی خداوند باشد.
شکل جهانی برای عابدان پاکی که از طریق روابط مختلف عاشقانه در اتصال با خداوندند جذاب نیست. خداوند متعال در شکل اصلی خود به صورت کریشنا، عشق روحانی تبادل می‌کند. بدین سبب برای آرجونا که در رابطه بسیار صمیمانه‌ای با کریشنا واقع است، تجلی شکل جهانی خوشایند که نه، بلکه هولناک هم هست. آرجونا که ملازم دائمی کریشنا است می‌باید از چشمان روحانی برخوردار باشد، چون او یک شخص معمولی نیست. پس او نمی‌تواند مجذوب و مسحور شکل جهانی شده باشد. شاید این شکل برای کسانی که درگیر ارتقای خودشان از طریق اعمال ثمرجویانه‌اند شگرف باشد لیکن برای کسانی که مشغول خدمت عابدانه‌اند فرم دودست کریشنا عزیزترین و محبوبترین است.

## آیه ۵۵

*mat-karma-kṛn mat-paramo*
*mad-bhaktaḥ saṅga-varjitaḥ*
*nirvairaḥ sarva-bhūteṣu*
*yaḥ sa mām eti pāṇḍava*

*mat-karma-kṛt*: مشغول به کار من ـ *mat-paramaḥ*: در نظر گرفتن من به عنوان متعال ـ *mat-bhaktaḥ*: مشغول شده در خدمت عابدانه من ـ *saṅga-varjitaḥ*: رها شده از آلودگی اعمال ثمرجویانه و پندارهای ذهنی ـ *nirvairaḥ*: بدون

دشمن ـ *sarva—bhūteṣu*: در میان تمام موجودات زنده ـ *yaḥ*: کسی که ـ *saḥ*: او ـ *mām*: به من ـ *eti*: می‌آید ـ *pāṇḍava*: ای پسر پاندو.

## ترجمه

**آرجونای عزیزم، آن کس که مشغول خدمت عابدانهٔ پاک و خالص من است و از آلودگیهای اعمال ثمرجویانه و پندارهای ذهنی رها گشته است، آن کس که برای من کار می‌کند، و مرا هدف اعلای زندگیش قرار می‌دهد، و دوست همهٔ موجودات زنده است حتماً نزد من می‌آید.**

## شرح

هر کس که بخواهد به خداوند در شکل متعال کریشنای او، در سیاره کریشنالوکا در آسمان روحانی تقرب حاصل نماید و صمیمانه با شخصیت الهیش در ارتباط باشد باید راهی را که خود خداوند در این آیه نشان می‌دهد دنبال نماید. بدین سبب این آیه جوهر و چکیده بهاگاواد-گیتا محسوب می‌شود. بهاگاواد-گیتا کتابی است برای ارواح مقید که سرگرم خدایی کردن بر طبیعت مادی‌اند و چیزی از زندگی حقیقی روحانی نمی‌دانند. هدف بهاگاواد-گیتا آن است که به انسان نشان دهد و بیاموزد که چگونه می‌تواند موجودیت روحانی و رابطه جاودان خود را با شخصیت متعال روحانی درک نماید و چگونه می‌تواند به وطن جاودان، نزد خداوند، بازگردد. اکنون این آیه به روشنی روشی را که به‌وسیله آن انسان می‌تواند به موفقیت در فعالیت روحانی یعنی خدمت عابدانه نائل آید، توضیح می‌دهد. تا آنجا که مربوط به کار می‌شود، شخص باید تمام انرژی خود را کاملاً به فعالیتهای کریشنا آگاهی اختصاص دهد. همان گونه که در بهاکتی ـ راسامریتا ـ سیدهو (۲۵۵/۲) گفته شده است:

*anāsaktasya viṣayān*
*yathārham upayuñjataḥ*
*nirbandhaḥ kṛṣṇa-sambandhe*
*yuktaṁ vairāgyam ucyate*

انسان نباید هیچ گونه کاری جز در رابطه با کریشنا انجام دهد. این امر کریشنا ـ کارما خوانده می‌شود. انسان می‌تواند فعالیتهای مختلفی داشته باشد به شرط آنکه به نتیجه کارش دل نبندد و آن را تقدیم خداوند کند. برای مثال، شخصی که به تجارت اشتغال دارد می‌تواند کار خود را به فعالیتی در آگاهی به کریشنا تبدیل نماید. بدین طریق که فقط برای کریشنا به تجارت بپردازد. بدین سبب که کریشنا صاحب و مالک واقعی تجارت این فرد است، پس هم اوست که باید از سود تجارت بهره‌مند شود؛ و چنانچه این فرد دارای ثروت بی‌کرانی باشد باید بتواند تمام آن را تقدیم کریشنا نماید. چنین است کار برای کریشنا. به جای بنا کردن ساختمان بزرگی برای کامجویی خویش، می‌تواند معبد زیبایی برای کریشنا بسازد و آرچا ـ ویگراهای او را در آن قرار دهد و امور لازم را برای خدمت کردن به خداوند، همان گونه که در کتب معتبر و موثق خدمت عابدانه آمده است، تدارک ببیند. تمام اینها کریشنا ـ کارما خوانده می‌شود. شخص نباید به نتیجه کارش دلبستگی داشته باشد، بلکه نتیجه عمل باید به کریشنا تقدیم شود؛ و پس از آن می‌تواند باقیمانده هر آنچه را که به پیشگاه خداوند کریشنا پیشکش می‌شود به عنوان پراسادام بپذیرد. چنانچه فرد ساختمان بسیار بزرگی برای خداوند بسازد و آرچا ـ ویگراهای کریشنا را در آنجا برپا دارد، بدان معنا نیست که از زندگی کردن در آنجا منع می‌شود، بلکه باید به این درک برسد که صاحب آن ساختمان کریشنا است. این امر کریشنا آگاهی خوانده می‌شود. چنانچه انسان قادر به ساختن معبدی برای کریشنا نباشد می‌تواند خود را به پاک کردن معبد او مشغول نماید؛ این نیز کریشنا ـ کارما محسوب می‌شود. انسان می‌تواند باغی درست کند. هر کسی که زمینی دارد – در هندوستان هر فقیری حداقل قطعه زمین کوچکی دارد – می‌تواند از آن با کاشتن گل و تقدیم آن به کریشنا استفاده نماید. شخص می‌تواند

گیاه تولاسی بکارد، زیرا برگهای این گیاه نقش مهمی در پرستش کریشنا دارند و خود او نیز آن را در بهاگاواد–گیتا توصیه فرموده است. پاترام پوشپام پهالام تویام. کریشنا می‌خواهد که انسان یک برگ یا یک گل یا میوه یا کمی آب به او تقدیم نماید و با چنین پیشکش ساده‌ای او را راضی و خشنود سازد. برگ مذکور، بخصوص اشاره به تولاسی دارد. بنابراین انسان می‌تواند تولاسی بکارد و آن را آب دهد. بدین‌سان حتی فقیرترین انسانها می‌توانند مشغول خدمت به کریشنا گردند. اینها مثالهایی است از اینکه چگونه انسان می‌تواند مشغول کار برای کریشنا شود.

واژه مات ـ پاراما عطف به کسی است که معاشرت با کریشنا در منزلگاه متعالش را، بالاترین کمال زندگی محسوب می‌دارد. چنین شخصی آرزو ندارد که به سیارات بالاتر همچون ماه، خورشید، یا کرات بهشتی و یا حتی به رفیعترین سیاره این جهان یعنی برهمالوکا عزیمت کند. او تمایل و کششی نسبت به آنها ندارد. تنها علاقه او رهسپار شدن به آسمان روحانی است. و حتی در آسمان روحانی او به یکی شدن با انوار خیره‌کننده برهما جیوتی راضی نیست، زیرا می‌خواهد وارد عالیترین کوکب روحانی یعنی کریشنالوکا، گولوکا ورینداوانا بشود. او دارای دانش کامل از آن سیاره متعال است و بنابراین علاقه‌ای به هیچیک از سیارات دیگر ندارد. همان گونه که با واژه ماد ـ بهاکتا نشان داده شده، او کاملاً مشغول خدمت عابدانه یا عبادت عاشقانه می‌شود که شامل نه روش زیر است: شنیدن، ذکر کردن، به یاد داشتن، پرستش کردن، خدمت به قدوم نیلوفرین خداوند، دعا کردن، انجام اوامر خداوند، دوستی کردن با خداوند و تسلیم کردن همه چیز به او. انسان می‌تواند به تمام این نه روش خدمت عابدانه، یا هشت، یا هفت، یا حداقل یکی از آنها مبادرت ورزد که انجام آن مسلماً انسان را به کمال می‌رساند.

عبادت سانگا ـ وارجیتا بسیار مهم است. انسان باید با اشخاص مخالف کریشنا قطع رابطه کند. این افراد شامل نه فقط اشخاص خدانشناس، که شامل آنان که مجذوب اعمال ثمرجویانه و پندارهای ذهنی‌اند نیز می‌شود. بنابراین شکل پاک خدمت عابدانه یا عبادت عاشقانه در بهاکتی ـ راسامریتاـسیندهو (۱۱/۱/۱) چنین توصیف شده است:

*anyābhilāṣitā-śūnyaṁ*
*jñāna-karmādy-anāvṛtam*
*–ānukūlyena kṛṣṇānu*

*śīlanaṁ bhaktir uttamā*

در این آیه شریلا روپا گوسوامی به وضوح اظهار می‌کند چنانچه شخصی بخواهد خدمت عابدانه پاک یا عبادت عاشقانه خالص انجام دهد، باید از هر گونه آلودگی مادی عاری و پاک و از معاشرت اشخاصی که به اعمال ثمرجویانه و پندارهای ذهنی وابستگی دارند، رها شده باشد. هنگامی که انسان از این گونه معاشرتهای نامناسب و از آلودگی آرزوهای مادی رها شد، می‌تواند به طور مساعدی شناخت کریشنا را کسب کند، و این مرحله خدمت عابدانه خالص خوانده می‌شود.

*Ānukūlyasya saṅkalpaḥ prātikūlyasya varjanam* (هاری ـ بهاکتی ـ ویلاسا ۶۷۶/۱۱)

انسان باید به طرز مطلوب به کریشنا فکر کند و برای او عمل نماید، نه به طور نامطلوب. برای مثال، می‌توان از کامسا، یکی از دشمنان کریشنا، نام بد. از همان آغاز ظهور کریشنا، او به طرق مختلف نقشه کشتن او را می‌کشید و چون همواره ناموفق بود، نمی‌توانست از فکر کریشنا خارج شود. بدین‌سان در هنگام کار، خواب و خوراک، پیوسته آگاه به کریشنا بود، اما این آگاهی به کریشنا مساعد محسوب نمی‌شود، و بدین سبب به رغم غرق بودن دائمی در فکر کریشنا، کامسا دیوصفتی به شمار می‌آید که سرانجام به دست کریشنا کشته شد. البته باید دانست هر کسی که به دست کریشنا کشته شود بلافاصله به رهایی و رستگاری دست می‌یابد، اما چنین چیزی هدف عابد پاک نیست. عابد پاک حتی خواهان رهایی و رستگاری هم نیست. او حتی نمی‌خواهد که به عالیترین کوکب متعال یعنی گولوکا و ریندااوانا منتقل شود. تنها هدفش این است که هر کجا هست به کریشنا خدمت کند.

عابد کریشنا دوست همه است، از این رو در این آیه گفته شده که او دشمنی ندارد ($nirvairaḥ$). این امر چگونه است؟ عابدی که در آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، قرار گرفته می‌داند که تنها خدمت عابدانه یا عبادت عاشقانه به کریشنا قادر است شخص را از تمام مصائب زندگی رهایی بخشد، زیرا در این مورد تجربه شخصی دارد و بدین سبب می‌خواهد این روش، یعنی آگاهی به کریشنا را به جامعه بشری معرفی نماید. در تاریخ مثالهای بسیاری از عابدان و مریدان خداوند وجود دارد که زندگی خود را برای اشاعه آگاهی به خداوند به مخاطره افکنده‌اند. مثال مطلوب حضرت عیسی مسیح است. او از طرف غیر عابدان مصلوب شد، اما زندگیش را برای گسترش آگاهی به خداوند قربانی کرد. البته بسیار سطحی و صوری خواهد بود چنانچه گمان کنیم او کشته شد. به همین ترتیب در هندوستان نیز مثالهای بسیاری وجود دارد، همچون تهاکورا هاری داسا و پراهلاداماهاراجا. قدیسان مذکور چنین خطراتی را به منظور پخش آگاهی به خداوند که کاری بس مشکل است تقبل کردند. شخص خدا آگاه یا کریشنا آگاه علت رنج انسان را در فراموش کردن رابطه جاودانش با خداوند می‌داند. بنابراین بالاترین نفعی که شخص می‌تواند به جامعه بشری عرضه دارد، رها ساختن همنوع خود از کلیه مصائب مادی است. عابد پاک به این طریق مشغول خدمت به خداوند است. اکنون ما می‌توانیم تصور کنیم که کریشنا نسبت به کسانی که وقف خدمت به اویند و همه چیز خود را برای او به خطر می‌اندازند، چقدر لطف دارد. بدین سبب این امری مسلم است که چنین اشخاصی پس از ترک کالبد مادی خود باید به سیاره متعال نائل آیند.

به عنوان خلاصه مطلب باید اظهار داشت، شکل جهانی کریشنا که تجلی موقت است، سیمای زمان که همه چیز را در کام خود فرو می‌برد، و حتی فرم ویشنوی چهاردست، همگی به‌وسیله کریشنا نشان داده شد. در نتیجه کریشنا منشأ و مبدأ تمامی این تجلیات است. این صحت ندارد که کریشنا تجلی ویشوا ـ روپا یا ویشنو باشد. کریشنا منشأ تمام اشکال است. صدها و هزاران ویشنو وجود دارد، اما برای عابد هیچ شکل کریشنا مهمتر از فرم اصلی و ازلی دودست شیاماسوندارا نیست. در برهما ـ سامهیتا بیان شده است کسانی که با عشق و عبودیت به فرم شیاماسوندارای کریشنا دلبستگی دارند، قادرند همواره او را درون قلب خود مشاهده کنند و نمی‌توانند چیزی جز جمال‌الهیش را رؤیت کنند. فصل یازدهم در این مطلب خلاصه می‌شود که فرم کریشنا ذاتی و متعال است.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل یازدهم شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "شکل جهانی خداوند" پایان می‌یابد.

# فصل دوازدهم

# خدمت عابدانه

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*evaṁ satata-yuktā ye*
*bhaktās tvāṁ paryupāsate*
*ye cāpy akṣaram avyaktaṁ*
*teṣāṁ ke yoga-vittamāḥ*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *evam*: بدین‌سان ـ *satata*: همیشه ـ *yuktāḥ*: مشغول شده ـ *ye*: آن کسانی که ـ *bhaktāḥ*: عابدان، مریدان ـ *tvām*: تو را ـ *paryupāsate*: به درستی پرستش می‌کنند ـ *ye*: آن کسانی که ـ *ca*: همچنین ـ *api*: دوباره ـ *akṣaram*: ورای حواس ـ *avyaktam*: تجلی نیافته ـ *teṣām*: مربوط به آنها ـ *ke*: چه کسی ـ *yoga-vit-tamāḥ*: کاملترین در دانش یوگا.

## ترجمه

**آرجونا پرسید: چه کسانی کاملتر محسوب می‌شوند، آنان که به درستی مشغول خدمت عابدانهٔ تو هستند یا آنان که برهمن فاقد شخصیت – آن حقیقت تجلی‌نیافته – را می‌پرستند؟**

## شرح

اکنون کریشنا درباره جنبه واجد شخصیت خداوند، نمود غیر شخصی خداوند یعنی برهمن فاقد شخصیت و پیکر جهانی توضیح داده و انواع عابد و یوگی را توصیف نموده است. به طور کلی حق‌جویان یا عرفا را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول آنان که به شخصیت حقیقت مطلق ایمان ندارند و بی‌هویت‌گرا خوانده می‌شوند و دسته دوم که به شخصیت حقیقت مطلق ایمان دارند. عابد سیمای واجد شخصیت خداوند خود را با تمام نیرو مشغول خدمت و طاعت او می‌کند، در حالی که بی‌هویت‌گرایان مستقیماً مشغول خدمت به کریشنا نمی‌شوند، بلکه به تمرکز بر برهمن فاقد شخصیت و تجلی‌نیافته مبادرت می‌ورزند.

در این فصل درمی‌یابیم که در میان روشهای مختلف شناخت حقیقت مطلق، طریق بهاکتی– یوگا یعنی خدمت عابدانه یا بندگی عاشقانه بالاترین است. اگر انسان واقعاً آرزوی معاشرت با شخصیت اعلای خداوند را داشته باشد، در این صورت باید وقف خدمت عابدانه خداوند گردد.

کسانی که مستقیماً به‌وسیله خدمت عابدانه، خداوند متعال را می‌پرستند هویت‌گرا، و آنان که به تمرکز بر برهمن فاقد شخصیت می‌پردازند بی‌هویت‌گرا خوانده می‌شوند. آرجونا در اینجا سؤال می‌نماید کدام موقعیت بهتر است. با وجود آنکه برای شناخت

حقیقت مطلق، طرق مختلف وجود دارد، ولی کریشنا در این فصل نشان می‌دهد که بهاکتی- یوگا یا خدمت عاشقانه به او از همه برتر است، زیرا مستقیم‌ترین و آسانترین راه برای معاشرت با خداوند است.

در فصل دوم بهاگاواد-گیتا خداوند متعال توضیح می‌فرماید که موجود زنده این کالبد مادی نبوده، بلکه جرقه‌ای روحانی و ذره‌ای جاودان از حقیقت مطلق یا روح کل است. در فصل هفتم خداوند از موجود زنده (روح) به منزله ذره‌ای لاینفک از کل متعال سخن می‌گوید و توصیه می‌کند که او توجهش را کاملاً بر آن حقیقت کل معطوف نماید. سپس دوباره در فصل هشتم گفته شد که هر کس در لحظه مرگ در فکر کریشنا باشد، فوراً به آسمان روحانی، منزلگاه کریشنا، انتقال می‌یابد. و در پایان فصل ششم خداوند به وضوح فرمود که از میان تمام یوگیها، کسی که همواره در درون خویش به کریشنا فکر می‌کند، کاملترین محسوب می‌شود. بنابراین عملا در هر فصل گیتا نتیجه آن بوده است که شخص باید شیفته و دلبسته وجه واجد شخصیت کریشنا گردد زیرا درک این جنبه خداوند بالاترین مرتبه معرفت روحانی می‌باشد.

با وجود این، کسانی هستند که به وجه واجد شخصیت خداوند علاقه‌ای ندارند و چنان به آن بی‌اعتقادند که حتی در تفاسیر خود بر بهاگاواد-گیتا می‌کوشند توجه اشخاص را از کریشنا دور سازند و تمامی عشق و عبودیت آنان را به جنبه برهما جیوتی فاقد شخصیت معطوف دارند. آنان ترجیح می‌دهند بر جنبه فاقد هویت حقیقت مطلق که تجلی‌نیافته و در حوزه درک حواس نیست تمرکز کنند.

اکنون آرجونا این سؤال را مطرح می‌کند که کدامیک از این دو دسته حق‌جو در شناخت و معرفت کاملتری واقع‌اند. به عبارت دیگر، او در صدد روشن ساختن موقعیت خویش است، زیرا به جنبه واجد شخصیت کریشنا دلبستگی دارد و نسبت به وجه برهمن فاقد شخصیت تمایلی ابراز نمی‌دارد. بدین لحاظ می‌خواهد بداند که آیا موقعیتش ایمن و استوار است یا خیر. باید در نظر داشت تمرکز بر تجلی فاقد شخصیت خداوند، چه در دنیای مادی و چه در دنیای روحانی، امری دشوار است. زیرا انسان نمی‌تواند تصوری از جنبه فاقد شخصیت حقیقت مطلق داشته باشد. بنابراین آرجونا در مورد ارزش چنین تمرکزی سؤال می‌کند و آن را اتلاف وقتی بیش نمی‌داند. آرجونا در فصل یازدهم به تجربه دریافت که دلبسته بودن به سیمای واجد شخصیت کریشنا بهترین است، زیرا او بدین نحو می‌توانست تمام شکلهای دیگر خداوند را هم در آن واحد درک کند، در حالی که هیچ گونه آشفتگی و خللی نسبت به عشق او به کریشنا نیز به وجود نیاید. این سؤال مهم آرجونا از کریشنا، تفاوت بین درک هر دو وجه حقیقت مطلق به عنوان شخص و غیر شخص را روشن خواهد نمود.

## آیه ۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*mayy āveśya mano ye māṁ*
*nitya-yuktā upāsate*
*śraddhayā parayopetās*
*te me yuktatamā matāḥ*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای پروردگار فرمود ـ *mayi*: بر من ـ *mayi*: ثابت کردن، متمرکز نمودن ـ *manaḥ*: ذهن ـ *ye*: آن کسانی که ـ *mām*: به من، مرا ـ *nitya*: همیشه ـ *yuktāḥ*: مشغول شده ـ *upāsate*: پرستش، عبادت ـ *śraddhayā*: با ایمان ـ *parayā*: متعال و روحانی ـ *upetāḥ*: بخشیده شده (دارا) ـ *te*: آنها ـ *me*: به‌وسیله من ـ *yukta*— *tamāḥ*: کاملترین در یوگا ـ *matāḥ*: محسوب می‌گردند.

## ترجمه

**شخصیت متعال الهی فرمود: آنان که ذهنشان را بر شکل واجد شخصیت من ثابت و متمرکز مـی‌کننـد و پیوسته با ایمان روحانی بسیار زیاد مشغول پرستش من هستند، از نظر من کاملترین محسوب می‌گردند.**

## شرح

کریشنا در پاسخ به سؤال آرجونا به طرز واضحی بیان می‌فرماید آن کسی که بر فرم واجد شخصیت او تمرکز و با ایمان، عشق و عبودیت او را عبادت می‌کند باید در یوگا کاملترین محسوب گردد. برای کسی که در چنین مرتبه‌ای از کریشنا آگاهی واقع شده است، هیچ گونه فعالیت مادی وجود ندارد، زیرا همه چیز به خاطر کریشنا انجام می‌شود. عابد پاک دائماً مشغول فعالیت است: گاهی اوقات ذکر می‌کند، برخی اوقات کتابهایی را که راجع به کریشنا هستند می‌خواند یا به آنها گوش فرا می‌دهد، گاهی پراسادام تهیه می‌کند یا به بازار می‌رود تا چیزی برای کریشنا خریداری کند، گاهی اوقات معبد و یا ظروف را می‌شوید. وی هر آنچه انجام دهد، نمی‌گذارد لحظه‌ای بدون وقف شدن در خدمت کریشنا سپری گردد؛ و این کمال سامادهی است.

## آیات ۴-۳

*ye tv akṣaram anirdeśyam*
*avyaktaṁ paryupāsate*
*sarvatra-gam acintyaṁ ca*
*kūṭa-stham acalaṁ dhruvam*

*sanniyamyendriya-grāmaṁ*
*sarvatra sama-buddhayaḥ*
*te prāpnuvanti mām eva*
*sarva-bhūta-hite ratāḥ*

*ye*: آن کسانی که ـ *tu*: اما ـ *akṣaram*: آن که ورای ادراک حواس است ـ *anirdeśyam*: نامحدود، بی‌کران ـ *avyaktam*: تجلی‌نیافته ـ *paryupāsate*: کاملاً به پرستش مشغولند ـ *sarvatra-gam*: حاضر در همه جا، ساری و جاری ـ *acintyam*: تصورناشدنی ـ *ca*: همچنین ـ *kūṭa-stham*: بدون تغییر ـ *acalam*: بی‌حرکت ـ *dhruvam*: ثابت ـ *sanniyamya*: مهار نمودن،کنترل کردن ـ *indriya—grāmam*: تمام حواس ـ *sarvatra*: همه جا ـ *sama-buddhayaḥ*: علاقه‌مند به طرز یکسان ـ *te*: آنها ـ *prāpnuvanti*: دست می‌یابند ـ *mām*: به من، مرا ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *sarva-bhūta-hite*: به منظور رفاه و سعادت تمام موجودات زنده ـ *ratāḥ*: مشغول شده.

## ترجمه

**اما آنان که از طریق مهار نمودن حواس گوناگون و یکسان بودن نسـبت بـه همگـان، کـاملاً آن حقیقـت تجلی‌نیافتهٔ ماورای درک حواس، آن حاضر در همه جا، تصورناشدنی، تغییرناپذیر، ثابت و بی‌حرکت - مفهوم فاقد شخصیت حقیقت مطلق - را عبادت می‌کنند و مشغول امر خیر برای رفاه و سعادت همـهٔ موجوداتنـد، سـرانجام آنها نیز به من نائل خواهند شد.**

## شرح

آنان که مستقیماً خداوند متعال کریشنا را نمی‌پرستند و بلکه می‌کوشند از طریق روشی غیر مستقیم به همان نتیجه دست یابند نیز در نهایت امر به همان هدف متعال یعنی شری کریشنا نائل می‌گردند. همان گونه که بیان شده است: "شخص خردمند پس از تولدهای بسیار، با علم به اینکه واسودوا همه چیز است، به من پناه می‌آورد." هنگامی که شخص پس از تولدهای بسیار به دانش کامل رسید، به خداوند کریشنا تسلیم می‌شود. چنانچه کسی با روشی که در این آیه ذکر گردیده به سوی خداوند برود، باید حواسش را مهار نماید، به همه خدمت کند و مشغول اموری در جهت خیر و رفاه و سعادت همه موجودات شود. این حقیقت نیز از آیه فوق استنباط می‌شود که برای دستیابی به معرفت کامل، انسان باید به خداوند کریشنا تقرب حاصل کند؛ و اغلب پیش از تسلیم شدن کامل به خداوند توبه و ریاضت بسیار لازم است.

انسان برای دیدن روح متعال که درون روح فردی است باید از فعالیتهای ارضای حواس در دیدن، شنیدن، چشیدن، عمل کردن و غیره دست شوید. آنگاه است که انسان به درک حضور همه جا گسترده روح متعال نائل می‌گردد. با این شناخت و رسیدن به این مرحله از معرفت، انسان دیگر نسبت به هیچ موجود زنده‌ای حسادت نمی‌ورزد و تفاوتی بین انسان و حیوان مشاهده نمی‌کند، زیرا چنین فردی دیگر نه پوشش بیرونی گوهر روحانی که تنها روح را می‌بیند. لیکن باید دانست برای انسانهای معمولی، پیمودن طریق درک جنبه فاقد شخصیت خداوند بسیار مشکل است.

## آیه ۵

*kleśo 'dhikataras teṣām*
*avyaktāsakta-cetasām*
*avyaktā hi gatir duḥkhaṁ*
*dehavadbhir avāpyate*

*kleśaḥ*: مشکل ـ *adhika-taraḥ*: بسیار زیاد ـ *teṣām*: مربوط به آنها ـ *avyakta*: به تجلی‌نیافته ـ *āsakta*: دلبسته شده، شیفته شده ـ *cetasām*: مربوط به آن کسانی که ذهنشان ـ *avyaktā*: به سوی تجلی‌نیافته ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *gatiḥ*: پیشرفت ـ *duḥkham*: با زحمت ـ *deha-vadbhiḥ*: به‌وسیله آن که جسم گرفته ـ *avāpyate*: حاصل می‌شود، به دست می‌آید.

## ترجمه

**برای کسانی که ذهنشان به وجه تجلی‌نیافته و فاقد شخصیت متعال دلبستگی دارد، پیشرفت بسیار سخت و پرزحمت است. پیش رفتن از طریق این راه برای فرد بدن گرفته همواره مشکل‌است.**

## شرح

آن گروه از حق‌جویان که در راه شناخت حقیقت، وجه تصورناشدنی، تجلی‌نیافته و فاقد شخصیت خداوند متعال را مورد نظر قرار می‌دهند گیانا ـ یوگی، و کسانی که در آگاهی کامل به کریشنا بوده و مشغول اعطای خدمت خالصانه و عاشقانه به خداوندند بهاکتی ـ یوگی خوانده می‌شوند. اکنون اینجا تفاوت بین گیانا ـ یوگا و بهاکتی- یوگا دقیقاً شرح داده شده است. هرچند روش گیانا ـ یوگا در نهایت امر انسان را به همان هدف می‌رساند، ولی بسیار دشوار و پرزحمت است؛ در حالی که راه بهاکتی- یوگا، یعنی طریقه قرار گرفتن در خدمت مستقیم شخصیت متعال خداوند، آسانتر بوده و برای روح کالبد گرفته روندی فطری و طبیعی است. روح فردی از زمانهای بسیار کهن در قالب جسم گرفتار شده و لذا برای او بسیار مشکل است که صرفاً از طریق نظری و تئوری درک کند که او این بدن نیست. بنابراین بهاکتی ـ یوگی، آرچا ـ ویگراهای کریشنا را به عنوان فرم قابل

پرستش می‌پذیرد زیرا نوعی تصور جسمی یا دیدگاه بدنی در فکر او استوار شده و ریشه دوانده که می‌توان از آن به این طریق استفاده کرد. البته، پرستش فرم اصلی شخصیت اعلای خداوند در معبد به مفهوم بت‌پرستی نیست. استدلال ودایی حاکی از آن است که پرستش خداوند می‌تواند ساگونا و یا نیرگونا باشد، یعنی در نظر داشتن متعال با صفات (واجد کیفیات محسوس) یا بدون صفات (فاقد کیفیات محسوس). پرستش آرچا یا شکل اصلی خداوند در معبد، پرستش از نوع ساگونا است زیرا خداوند به‌وسیله عناصر مادی نمایش داده می‌شود. اما باید در نظر داشت که شکل مبارک خداوند، هرچند با عناصر مادی چون سنگ، چوب یا رنگ و روغن نمایش داده شده، ولی واقعاً مادی نیست. این امر حاکی ازمطلق بودن سرشت خداوند متعال است.

در اینجا می‌توان به مثال بارزی اشاره کرد. همان گونه که مشهود است در معابر صندوقهای متعدد پست نصب شده است و چنانچه ما نامه‌هایمان را در آنها بیندازیم طبیعتاً بدون مشکلی به مقصد خواهند رسید. ولی باید در نظر داشت این امر از طریق هر صندوقی که در خیابان بیابیم و صندوقهایی که مربوط به اداره پست نباشد، صورت نخواهد پذیرفت. به همین ترتیب، شخصیت الهی دارای تمثال معتبر و مظهر موثقی به صورت نمودی عینی است که آرچا ـ ویگراها خوانده می‌شود. این آرچا ـ ویگراها ظهور خداوند متعال است. خداوند از طریق آن خدمت و عبادت شخص را می‌پذیرد. خداوند دارای قدرت مطلق است و قادر متعال می‌باشد، بنابراین با ظهورش در قالب آرچا ـ ویگراها یعنی به طریقی که برای نفوس مقید، راحت و قابل فهم باشد، می‌تواند خدمت و عبادت آنان را بپذیرد.

بدین سبب برای عابد مشکلی در تقرب حاصل نمودن فوری و مستقیم به حق تعالی وجود ندارد، لیکن برای کسانی که در راه شناخت حقیقت و به منظور معرفت روحانی وجه فاقد شخصیت خداوند را مد نظر دارند، راه بسیار مشکل است. آنان مجبورند از طریق ادبیات ودایی همچون اوپانیشادها وجه تجلی‌نیافته متعال را درک نمایند، لذا باید زبان آن طریقت را فراگیرند، احساسات ناملموس را درک کنند، و به شناخت تمام این روشها نائل آیند. طی طریق در این راه برای شخصی عادی چندان آسان نیست. ولی کسی که در آگاهی به کریشنا مشغول خدمت عابدانه است، به سادگی از طریـق هدایـت پـیر روحانی واجد شرایط، با ابراز احترام و ادای سجده مرتب به آرچای خداوند، با شـنیدن شکوه و عظمت خداوند، و با خوردن باقیمانده خوراکی که به خداوند پیشکش شده است، به آسانی به شناخت شخصیت اعلای او نائل می‌گردد. شکی نیست که راه بی‌هویت‌گرایان برای شناخت خداوند سخت و پرزحمت است و این خطر را نیز در بر دارد که نهایتاً به شناخت حقیقت مطلق دست نیابند. حال آنکه هویت‌گرایان، بدون خطر، زحمت و مشکل مستقیماً به شخـصـیت متـعال الهی تقرب حاصل می‌کنند. در شریماد– بهاگاواتام عبارتی مشابه آیه حاضر آمده که در آن گفته شده است به جای پیروی از راه بهاکتی یعنی تسلیم شدن به شخصیت متعال خداوند، چنانچه انسان زندگی خود را در غور و تفکر برای شناخت برهمن و غیر برهمن سپری نماید، حاصلی جز رنج و زحمت به دست نخواهد آورد. بدین سبب در اینجا توصیه شده است که انسان نباید این راه پرزحمت و سخت خودشناسی را اتخاذ کند، زیرا اطمینانی برای حصول نتیجه نهایی وجود ندارد.

موجود زنده به طور ابدی روحی منفرد است و چنانچه بخواهد در کل روحانی مستغرق شود، ممکن است به معرفت جنبه‌های ابدی و پر از دانش طبیعت اصلیش نائل آید، لیکن باید در نظر داشت که سرشت مملو از شعف موجود زنده همچنان غیر قابل ادراک باقی خواهد ماند. با لطف و رحمت یک عابد و فدایی خدا، شاید چنین حق‌جویی که در روش گیانا ـ یوگا بسیار دانشمند است، به مرحله بهاکتی– یوگا یا خدمت عابدانه برسد که در آن زمان نیز تمرین طولانی در طریقت بی‌هویت‌گرایی خود برای او منشأ مشکل خواهد شد، زیرا رها کردن این نوع ادراک برای وی بسیار سخت خواهد بود. بنابراین، روح قالب گرفته همواره با آن وجه تجلی‌نیافته، چه در موقع تمرین و عمل و چه در موقع درک و معرفت، مشکل دارد. هر روح زنده دارای استقلالی جزئی است و می‌تواند راه دلخواه خود را انتخاب نماید ولی باید بداند که معرفت به وجه تجلی‌نیافته با سرشت فطری و روحانی او که مملو از شعف می‌باشد مغایر است. بدین سبب شخص نباید این طریق را برای شناخت حقیقت اتخاذ کند. برای هر موجود زنده فردی، طریق آگاهی به کریشنا که شامل جذب کامل در خدمت عابدانه است، بهترین راه می‌باشد. چنانچه انسان بخواهد از این طریق خدمت خالصانه و مریدانه غفلت ورزد و آن را نادیده بگیرد، خطر رجعت به کفر و الحاد وجود خواهد داشت. بنابراین

همان گونه که در این آیه بیان شده است هیچگاه نباید روش متمرکز کردن توجه و دقت بر آن حقیقت تجلی‌نیافته و تصورناشدنی که در ورای دسترس حواس است، تشویق و توصیه شود، خصوصاً در این عصر. خداوند کریشنا آن را توصیه نمی‌کند.

## آیات ۷-۶

*ye tu sarvāṇi karmāṇi*
*mayi sannyasya mat-parāḥ*
*ananyenaiva yogena*
*māṁ dhyāyanta upāsate*

*teṣām ahaṁ samuddhartā*
*mṛtyu-saṁsāra-sāgarāt*
*bhavāmi na cirāt pārtha*
*mayy āveśita-cetasām*

*ye*: آن کسانی که ـ *tu*: اما ـ *karmāṇi*: همه ـ *mayi*: فعالیتها ـ *sannyasya*: به من ـ *mat—parāḥ*: تسلیم کردن ـ *ananyena*: به من دلبسته می‌شوند ـ *eva*: بدون انحراف ـ *yogena*: حتماً، محققاً ـ *mām*: به‌وسیله تمرین چنین بهاکتی–یوگایی ـ *dhyāyantaḥ*: بر من ـ *upāsate*: تمرکزکردن ـ *teṣām*: پرستش می‌کنند ـ *aham*: مربوط به آنها ـ *aham*: من ـ *samuddhartā*: ناجی،رهایی‌بخش ـ *mṛtyu*: مربوط به مرگ ـ *saṁsāra*: در موجودیت مادی ـ *sāgarāt*: از اقیانوس ـ *bhavāmi*: من می‌شوم ـ *na*: نه ـ *cirāt*: پس از یک زمان طولانی ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *mayi*: بر من ـ *āveśita*: ثابت شده ـ *cetasām*: مربوط به آن کسانی که ذهنشان.

## ترجمه

**اما، ای پسر پریتها، برای آنان که مرا می‌پرستند، همهٔ اعمالشان را به من تسلیم می‌کنند، بدون انحراف وقف من هستند، مشغول خدمت عابدانه‌اند، همواره بر من تمرکز می‌کنند و فکرشان را بر من ثابت نگاه داشته‌اند، من آن رهایی‌بخش بی‌درنگ از اقیانوس تولد و مرگ هستم.**

## شرح

در آیه حاضر صریحاً اظهار شده است که عابدان بسیار خوشبخت هستند که می‌توانند خیلی زود به‌وسیله خداوند از موجودیت مادی نجات یابند. در عبادت عاشقانه پاک یا خدمت عابدانه خالص، انسان به این شناخت می‌رسد که خداوند بزرگ است و روح منفرد تابع و مطیع فرمان اوست. وظیفه وی خدمت به حق تعالی است و چنانچه از این وظیفه سر باز زند، باید به مایا خدمت کند.

همان گونه که قبلا گفته شد، خداوند متعال را تنها از طریق خدمت عاشقانه می‌توان درک کرد. بنابراین، انسان باید کاملاً وجود خود را وقف این امر کند. انسان باید فکرش را کاملا بر کریشنا متمرکز نماید تا بدو نائل آید. وی باید فقط برای کریشنا کار و فعالیت کند. این موضوع مهم نیست که شخص مشغول چه کاری می‌شود، اما اینکه آن کار باید فقط برای رضایت کریشنا انجام گردد، حائز اهمیت است. این امر قاعده و اصل خدمت عابدانه را تشکیل می‌دهد. در حقیقت عابد هیچ گونه موفقیتی جز راضی کردن شخصیت متعال خداوند نمی‌خواهد و هدف زندگیش تحصیل رضایت کریشناست، درست همان گونه که آرجونا

نیز در نبرد کوروکشترا چنین کرد. مرید و فدایی خداوند قادر است همه چیز را برای رضایت کریشنا قربانی کند که این روشی بسیار ساده است: انسان می‌تواند خود را از طریق حرفه‌اش وقف کند و در عین حال به ذکر اسماء مقدس هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره بپردازد. این ذکر روحانی عابد را به شخصیت خداوند جذب می‌کند.

در اینجا پروردگار متعال قول می‌دهد که او بی‌درنگ عابد پاکی را که بدین‌سان وجودش را نثار کرده است از اقیانوس موجودیت مادی نجات خواهد داد. کسانی که در تمرین یوگا پیشرفته‌اند می‌توانند به اراده خود روح خویش را از طریق روش یوگا به هر سیاره‌ای که مایلند منتقل سازند، که این امر از طریق راههای دیگر نیز ممکن است؛ اما در ارتباط با مریدان خدا اینجا به روشنی بیان شده است که خداوند خودش آنان را می‌برد. عابد نیازی به صبر کردن به منظور متبحر شدن برای انتقال خود به آسمان روحانی ندارد.

در واراها پورانا این آیه آمده است:

*nayāmi paramaṁ sthānam*
*arcir-ādi-gatiṁ vinā*
*garuḍa-skandham āropya*
*yatheccham anivāritaḥ*

مفهوم آیه فوق آن است که عابد احتیاج ندارد برای انتقال روح خود به سیارات روحانی به تمرین آشتانگا ـ یوگا بپردازد. این مسئولیت به عهده خود خداوند متعال است. حق تعالی به وضوح اینجا بیان می‌فرماید که خود او شخصاً ناجی می‌گردد. همان گونه که فرزند از طریق حفاظت والدینش در امنیت کامل به سر می‌برد، فدایی خدا نیز نیازی ندارد کوشش نماید تا خود را به‌وسیله تمرین یوگا به سیارات دیگر انتقال دهد؛ بلکه، پروردگار متعال، از طریق لطف و رحمت واسعه‌اش، بلافاصله سوار بر پرنده حامل خود گارودا فرا می‌رسد و بی‌درنگ عابد را از این موجودیت مادی نجات می‌دهد. هرچند کسی که در اقیانوس فرو افتاده، ممکن است به سختی تلاش کند و در شنا کردن نیز ماهر باشد، ولی با وجود این قادر به نجات خود نخواهد بود. اما چنانچه کسی فرا رسد و او را از آب خارج کند، در این صورت او به آسانی نجات می‌یابد. به همین نحو نیز خداوند عابد را از ورطه موجودیت مادی بیرون می‌کشد. انسان فقط باید به این روش ساده آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، تمسک جوید و به آن عمل کند و وجودش را نثار خدمت عابدانه نماید. هر شخص خردمندی باید همواره طریق خدمت عابدانه را بر تمام راههای دیگر ترجیح دهد. در نارایانیا این موضوع به صورت ذیل تأیید شده است:

*yā vai sādhana-sampattiḥ*
*puruṣārtha-catuṣṭaye*
*tayā vinā tad āpnoti*
*naro nārāyaṇāśrayaḥ*

مفهوم این آیه آن است که انسان نباید خود را به روشهای مختلف کار برای اجر و ثمر یا تحصیل دانش از طریق روشهای پندار ذهنی مشغول سازد. کسی که وجودش وقف شخصیت متعال است می‌تواند به تمامی مزایایی که از روشهای دیگر یوگایی، نظریات فلسفی، مراسم و مناسک عبادی، قربانیها، صدقات و غیره به دست می‌آید نائل آید. این برکت خاص خدمت عابدانه است.

صرفاً با ذکر نامهای مقدس کریشنا یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره‌هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره عابد خداوند قادر می‌گردد به آسانی و شادمانی به سمت مقصد متعال تقرب حاصل کند که با هیچ روش دیگری نمی‌توان به آن رسید.

این مطلب نیز در بهاگاواد–گیتا در فصل هیجدهم بیان شده است:

*sarva-dharmān parityajya*
*māṁ ekaṁ śaraṇaṁ vraja*
*ahaṁ tvāṁ sarva-pāpebhyo*
*mokṣayiṣyāmi mā śucaḥ*

شخص می‌باید تمام روشهای دیگر خودشناسی را رها نماید و فقط در آگاهی به کریشنا به‌خدمت عابدانه بپردازد. این شیوه عمل، انسان را قادر خواهد ساخت که به بالاترین مرتبه کمال زندگی نائل آید. از آنجایی که خداوند متعال کاملا عهده‌دار مسئولیت چنین فردی می‌گردد، نیازی نیست که او نگران گناهان زندگی گذشته خود باشد. بنابراین انسان نباید بیهوده بکوشد تا از طریق تلاشهای شخصی خود برای کسب معرفت روحانی، خویش را نجات دهد. باشد که همه به خداوند قادر مطلق متعال کریشنا پناه برند. این بالاترین مرتبه کمال زندگی بشری است.

## آیه ۸

*mayy eva mana ādhatsva*
*mayi buddhiṁ niveśaya*
*nivasiṣyasi mayy eva*
*ata ūrdhvaṁ na saṁśayaḥ*

*mayi*: بر من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *manaḥ*: ذهن ـ *ādhatsva*: ثابت و متمرکز کن ـ *mayi*: برمن ـ *buddhim*: شعور، خرد ـ *niveśaya*: وقف کن، در خدمت بگذار ـ *nivasiṣyasi*: تو خواهی زیست ـ *mayi*: در من ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ataḥ* *ūrdhvam*: از آن پس ـ *na*: هرگز ـ *saṁśayaḥ*: شک و تردید.

## ترجمه

**فقط ذهنت را بر من، شخصیت اعلای خداوند، متمرکز کن و تمام شعور و خرد خود را وقف خدمت به من کن. بدین‌سان بدون شک تو همواره در من خواهی زیست.**

## شرح

کسی که مشغول خدمت عابدانه خداوند کریشناست، در رابطه‌ای مستقیم با او زندگی می‌کند و بدین سبب جای هیچ گونه تردیدی نیست که موقعیت او از همان آغاز روحانی است. عابد یا فدایی خدا نه در عرصه مادی که در کریشنا زندگی می‌کند. از آنجا که نام مقدس خداوند با خود او تفاوت ندارد، وقتی عابد هاره کریشنا ذکر می‌کند کریشنا به همراه نیروی درونیش بر زبان آن ذاکر صادق به رقص درمی‌آید. وقتی او به کریشنا غذا پیشکش می‌کند، کریشنا مستقیماً آن خوراکیها را می‌پذیرد و عابد با خوردن باقیمانده غذاهایی که به پیشگاه خداوند تقدیم شده، کریشنایی یا الهی می‌شود. هرچند این روش در گیتا و متون مقدس ودایی دیگر توصیه شده است، لیکن تا کسی به انجام این خدمت و طاعت مبادرت نورزد، نمی‌تواند به حقیقت آن پی ببرد.

## آیه ۹

*atha cittaṁ samādhātuṁ*
*na śaknoṣi mayi sthiram*
*abhyāsa-yogena tato*
*māṁ icchāptuṁ dhanañjaya*

*atha*: اگر بنابراین ـ *cittam*: ذهن ـ *samādhātum*: ثابت کردن، متمرکز نمودن ـ *na*: نه (پیشوند نفی) ـ *śaknoṣi*: تو قادر هستی ـ *mayi*: بر من ـ *sthiram*: به طور ثابت، به طور مداوم ـ *abhyāsa-yogena*: به‌وسیله تمرین خدمت عابدانه ـ *tataḥ*: پس، سپس ـ *mām*: به من، مرا ـ *icchā*: خواسته، آرزو ـ *āptum*: به دست آوردن ـ *dhanam-jaya*: ای فاتح ثروت، آرجونا.

## ترجمه

**آرجونای عزیزم، ای فاتح ثروت، چنانچه قادر نیستی فکرت را بدون انحراف بر من متمرکز نمایی، پس اصول تنظیم‌کنندهٔ بهاکتی- یوگا را دنبال کن و به این طریق آرزوی نائل شدن به من را در خود پرورش ده.**

## شرح

در این آیه دو روش مختلف بهاکتی- یوگا نشان داده شده است. روش نخست مصداق کسی است که واقعاً نسبت به کریشنا، شخصت اعلای خداوند، از روی عشق روحانی دلبستگی پیدا کرده است. و روش دیگر برای کسی است که هنوز به این دلبستگی دست نیافته است. برای دسته دوم، قواعد و قوانین مختلفی تجویزشده است که انسان می‌تواند با دنبال کردن آنها در نهایت به مرحله دلبستگی به کریشنا ارتقاء یابد.

بهاکتی- یوگا راه پاکسازی حواس است. در حال حاضر در عرصه موجودیت مادی، حواس به علت کامجویی و ارضای تمایلات نفسانی همواره ناپاکند. اما با تمرین بهاکتی- یوگا می‌توان حواس را پاک نمود، و در حالت پاک شده است که آنها می‌توانند مستقیماً در ارتباط با خداوند متعال قرار گیرند. در دنیای مادی، افراد از روی عشق به صاحبکار خود خدمت نمی‌کنند بلکه فقط به منظور تأمین درآمد است. صاحبکار نیز هیچ گونه عشقی نسبت به کارگزاران خود احساس نمی‌کند و از خدمات آنان در ازای پرداخت پول منتفع می‌شود. بنابراین اینجا مسئله عشق مطرح نیست. لیکن در زندگی روحانی، شخص باید به مرحله عشق پاک ارتقاء یابد. و این مرحله عشق پاک، با پرداختن به خدمت عابدانه که با حواس فعلیمان صورت می‌گیرد، قابل حصول است. این عشق به پروردگار که به صورت خفته در قلب همه کس وجود دارد، در حال حاضر تحت تأثیر معاشرت مادی آلوده به صورتهای مختلفی در بیرون انعکاس یافته است. بدین سبب قلب انسان باید معاشرت با ماده را رها کند و از آن تطهیر شود تا آن عشق پاک و خفته فطری برای کریشنا احیاء گردد. این کل روش است.

برای انجام اصول تنظیم‌کننده بهاکتی- یوگا، شخص باید تحت هدایت یک پیر روحانی متخصص، اصول دقیق و معینی را پیروی نماید: صبح زود بیدار شود، استحمام کند، وارد معبد گردد، دعاهایی را نیایش کند، هاره کریشنا ذکر کند، سپس گلهایی را برای تقدیم به خداوند جمع‌آوری نماید، برای پیشکش به خداوند غذا طبخ نماید، پراسادام تناول کند و غیره. شخص باید دائماً بهاگاواد-گیتا و شریماد- بهاگاواتام را از عابدان پاک بشنود. این طریقه عمل قادر است به هر کس کمک نماید تا به سطح عشق خداوند ارتقاء یابد؛ در این صورت است که انسان از پیشرفت خود به سوی ملکوت روحانی خداوند اطمینان می‌یابد. اجرای بهاکتی- یوگا بدین نحو، تحت قواعد و قوانین، با هدایت یک پیر روحانی، قطعاً و مسلماً انسان را به مرحله عشق خداوند می‌رساند.

## آیه ۱۰

*abhyāse 'py asamartho 'si*
*mat-karma-paramo bhava*
*mad-artham api karmāṇi*
*kurvan siddhim avāpsyasi*

*abhyāse*: در تمرین ـ *api*: حتی اگر ـ *asamarthaḥ*: ناتوان ـ *asi*: تو هستی ـ *mat-karma*: کار متعلق به من (خداوند) ـ *paramaḥ*: وقف شده به ـ *bhava*: بشو ـ *mat-artham*: به خاطر من ـ *api*: حتی ـ *karmāṇi*: کار، عمل ـ *kurvan*: انجام دادن ـ *siddhim*: کمال ـ *avāpsyasi*: به دست خواهی آورد.

### ترجمه

**چنانچه قادر به اجرای قواعد و قوانین بهاکتی- یوگا نیستی، پس فقط سعی کن برای من کار کنی، زیرا با عمل کردن برای من به مرحلهٔ کمال نائل خواهی شد.**

## شرح

کسی که حتی نمی‌تواند تحت هدایت پیر روحانی، به اصول تنظیم‌کننده بهاکتی- یوگا عمل کند، در این صورت می‌تواند با کار کردن برای خداوند متعال تدریجاً به مرحله کمال تقرب حاصل کند. چگونگی عمل برای خداوند قبلا در آیه پنجاه و پنج فصل یازدهم توضیح داده شده است. شخص باید نسبت به امر تبلیغ، ترویج و اشاعه آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، دلسوز و موافق باشد. عابدان بسیاری مشغول اشاعه کریشنا آگاهی هستند و احتیاج به کمک دارند. بنابراین چنانچه انسان حتی نتواند مستقیماً به اصول تنظیم‌کننده بهاکتی- یوگا بپردازد، می‌تواند سعی در کمک به چنین کاری کند. هر برنامه‌ای در صحنه کار و تلاش، احتیاج به زمین، سرمایه، سازماندهی و نیروی کار و عمل دارد. همان گونه که انسان در زمینه کسب و تجارت به مکانی برای اقامت، قدری سرمایه برای استفاده، قدری نیروی انسانی و قدری سازماندهی برای گسترش امر احتیاج دارد، به همین ترتیب در خدمت به کریشنا نیز همین عوامل لازم است. تنها تفاوت در این است که در عرصه مادی و دنیوی، شخص برای کامجویی و ارضای حواس کار می‌کند، در حالی که همان کار را می‌توان برای رضایت کریشنا انجام داد که در این صورت فعالیت روحانی می‌گردد. چنانچه شخصی به اندازه کافی سرمایه در اختیار داشته باشد، می‌تواند به احداث مرکز یا معبدی برای اشاعه آگاهی به کریشنا و همین طور به انتشار کتب ودایی کمک کند. در حقیقت زمینه‌های مختلفی برای کار و فعالیت وجود دارد و انسان باید به چنین کارهایی علاقه‌مند باشد. چنانچه شخص نتواند نتیجه فعالیتهایش را قربانی نماید، می‌تواند چند درصدی از نتیجه کارش را برای پخش آگاهی به کریشنا اهداء کند. خدمت داوطلبانه به جنبش کریشناآگاهی به انسان کمک خواهد کرد تا به حالت والاتری از محبت و عشق به خداوند دست یابد، و در نتیجه آن به مرتبه کمال نائل گردد.

## آیه ۱۱

*athaitad apy aśakto 'si*
*kartuṁ mad-yogam āśritaḥ*
*sarva-karma-phala-tyāgaṁ*
*tataḥ kuru yatātmavān*

*atha*: حتی اگرچه ـ *etat*: این ـ *api*: همچنین ـ *aśaktaḥ*: ناتوان ـ *asi*: تو هستی ـ *kartum*: انجام دادن ـ *mat*: به من ـ *yogam*: در خدمت عابدانه ـ *āśritaḥ*: پناه بردن ـ *sarva-karma*: مربوط به تمام اعمال ـ *phala*: مربوط به نتایج ـ *tyāgam*: انقطاع ـ *tataḥ*: پس، سپس ـ *kuru*: انجام بده ـ *yata-ātma-vān*: واقع در ذات.

### ترجمه

**و حتی چنانچه قادر به عمل کردن در آگاهی به من نیز نیستی، پس سعی کن که با تسلیم کردن کلیهٔ نتایج و ثمرات کارت عمل کنی و بکوش که در ذات واقع باشی.**

## شرح

شاید شخص به علت پاره‌ای ملاحظات اجتماعی، خانوادگی یا مذهبی و یا به علت بعضی موانع دیگر قادر نباشد حتی با فعالیتهای مربوط به آگاهی به کریشنا همراهی کند. زیرا چنانچه وی مستقیماً به کریشناآگاهی ملحق شود، ممکن است اعتراضاتی از طرف اعضای خانواده، یا بسیاری مشکلات دیگر پیش آید. بدین ترتیب برای کسی که چنین مسئله‌ای دارد توصیه شده است که نتایج حاصل از کارهایش را برای امر خیری فدا کند. قوانین ودایی در این مورد به توصیف بعضی از قربانیها و اعمال خاصی به نام پونیا می‌پردازد که از طریق آنها فرد می‌تواند حاصل و ثمر اعمال خود را وقف کند. بدین‌سان شخص می‌تواند تدریجاً به مرحله دانش ارتقاء یابد. همچنین دیده می‌شود که افرادی بدون اینکه تمایل و علاقه‌ای به فعالیتهای کریشنا آگاهی داشته باشند به بیمارستانها و یا مؤسسات عام‌المنفعه دیگر انفاق می‌کنند، و از نتایج کارشان که با زحمت بسیار کسب کرده‌اند چشم‌پوشی نموده و آن را اعطاء می‌کنند. چنین فعالیتهایی نیز در اینجا توصیه شده است، زیرا شخص با رها نمودن نتایج و ثمرات کار، به تدریج ذهن خود را پاک نموده و در آن صورت قادر به درک آگاهی به کریشنا خواهد شد. البته نباید چنین نتیجه‌گیری کرد که آگاهی به کریشنا وابسته و متکی به تمرینات و تجربیات دیگری است زیرا خود آگاهی به کریشنا به تنهایی می‌تواند فکر انسان را پاک نماید؛ ولی این روش قربانی نمودن ثمره کار برای افرادی توصیه شده است که قادر به وقف کامل خود در کریشنا آگاهی نیستند، چون خدمت کردن به جامعه، به ملت، به مملکت و... می‌تواند روزی او را به خدمت عابدانه پاک خداوند رهنمون شود. در بهاگاواد–گیتا (۴۶/۱۸) ملاحظه می‌کنیم که بیان شده است:

*yataḥ pravṛttir bhūtānām*

اگر شخص تصمیم بگیرد که برای مقصود متعال قربانی کند، حتی چنانچه به این نکته واقف نباشد که مقصود متعال کریشنا است، با وجود این از طریق روش قربانی تدریجاً درک خواهد نمودکه کریشنا مقصود متعال است.

## آیه ۱۲

*śreyo hi jñānam abhyāsāj*
*jñānād dhyānaṁ viśiṣyate*
*dhyānāt karma-phala-tyāgas*
*tyāgāc chāntir anantaram*

*śreyaḥ*: بهتر ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *jñānam*: دانش ـ *abhyāsāt*: از تمرین ـ *jñānāt*: از دانش ـ *dhyānam*: مدی‌تیشن (تمرکز) ـ *viśiṣyate*: بهتر محسوب می‌گردد ـ *dhyānāt*: از مدی‌تیشن (تمرکز) ـ *karma-phala-tyāgaḥ*: انقطاع از نتایج و ثمرات اعمال ثمربخش ـ *tyāgāt*: به‌وسیله چنین انقطاعی ـ *śāntiḥ*: صلح و آرامش ـ *anantaram*: از آن پس.

## ترجمه

**چنانچه قادر نیستی این کار را نیز انجام دهی، پس خود را به تحصیل دانش مشغول کن. اما بهتر از دانش تمرکز است و بهتر از تمرکز انقطاع از نتایج و ثمرات عمل، زیرا با چنین انقطاعی انسان قادر می‌گردد به آرامش فکر نائل آید.**

## شرح

همان گونه که در آیات قبل ذکر شد دو نوع خدمت عابدانه وجود دارد: راه اصول تنظیم کننده و راه دلبستگی کامل از روی عشق به شخصیت متعال خداوند. برای کسانی که واقعاً قادر نیستند از اصول آگاهی به کریشنا پیروی کنند بهتر است به تحصیل دانش مبادرت ورزند، زیرا به‌وسیله دانش انسان قادر به درک موقعیت حقیقی خود می‌گردد. دانش تدریجاً به مرحله تمرکز تکامل خواهد یافت که با آن انسان می‌تواند از طریق روندی تدریجی، شخصیت متعال خداوند را درک کند. روشهایی وجود دارد که باعث می‌شود انسان تصور کند که خود متعال است و چنانچه شخص قادر نباشد به خدمت عابدانه بپردازد این نوع تمرکز به مادی‌گرایی رجحان دارد. و اگر شخص نتواند به این طریق تمرکز کند، آنگاه می‌باید به انجام وظایف تجویزشده، چنانکه در ادبیات ودایی برای براهماناها، کشاتریاها، وایشیاها و شودراها مقرر شده، بپردازد که تفصیل آن را در فصل آخر بهاگاواد–گیتا خواهیم یافت. اما در تمام موارد، انسان باید از نتیجه یا ثمره کار دست شوید؛ این بدان معنی است که نتیجه کارما برای امر خیری صرف شود.

خلاصه مطلب آنکه، برای رسیدن به عالیترین هدف یعنی شخصیت متعال خداوند دو روش وجود دارد: یک روش تکامل تدریجی، و روش دیگر مستقیم است. خدمت عابدانه در آگاهی به کریشنا روش مستقیم است و روش دیگر انقطاع از ثمرات اعمال است که پس از آن شخص می‌تواند به مراحل دانش، تمرکز، درک روح متعال، و سپس به شناخت شخصیت اعلای خداوند برسد. انسان می‌تواند یا روش قدم به قدم و یا راه مستقیم را اختیار کند. چون روش مستقیم برای همه کس ممکن نیست، بنابراین راه غیر مستقیم نیز ارزش خود را دارد. ولی باید این مطلب را درک کرد که روش غیر مستقیم برای آرجونا توصیه نشده است، زیرا او از پیش در مرحله خدمت عابدانه عاشقانه به خداوند متعال واقع شده است. روش غیر مستقیم برای افرادی است که در مرحله خدمت عابدانه عاشقانه نیستند؛ لذا آنان باید از روش تدریجی انقطاع، دانش، تمرکز و شناخت روح متعال و برهمن پیروی نمایند. اما تا آنجا که به بهاگاواد–گیتا مربوط می‌شود، تأکید روی روش مستقیم است. به همه توصیه می‌شود که راه مستقیم را در پیش گیرند و به شخصیت متعال خداوند کریشنا تسلیم گردند.

## آیات ۱۴-۱۳

*adveṣṭā sarva-bhūtānāṁ*
*maitraḥ karuṇa eva ca*
*nirmamo nirahaṅkāraḥ*
*sama-duḥkha-sukhaḥ kṣamī*

*santuṣṭaḥ satataṁ yogī*
*yatātmā dṛḍha-niścayaḥ*
*mayy arpita-mano-buddhir*
*yo mad-bhaktaḥ sa me priyaḥ*

*adveṣṭā*: بدون حسد ـ *sarva-bhūtānām*: نسبت به تمام موجودات زنده ـ *maitraḥ*: دوست، صمیمی ـ *karuṇaḥ*: مهربان، بامحبت ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *nirmamaḥ*: بدون هیچ گونه حس مالکیت ـ *nirahaṅkāraḥ*: بدون منیت کاذب ـ *sama*: یکسان ـ *duḥkha*: درغم ـ *sukhaḥ*: و شادی ـ *kṣamī*: با گذشت، بخشنده ـ *santuṣṭaḥ*: راضی، قانع ـ *satatam*: همواره ـ *yogī*: کسی که وقف عشق و عبودیت است ـ *yata-ātmā*: حکمران نفس ـ *dṛḍha-niścayaḥ*: : با عزم راسخ ـ *mayi*: به من ـ *arpita*: مشغول شده، وقف شده ـ *manaḥ*: ذهن ـ *buddhiḥ*: و شعور ـ *yaḥ*: کسی که ـ *mat—bhaktaḥ*: عابد من ـ *saḥ* : او ـ *me*: برای من ـ *priyaḥ*: عزیز، محبوب.

## ترجمه

**آن کس که حسود نیست و دوستی مهربان برای همهٔ موجودات زنده به شمار می‌آید، خود را صاحب و مالک نمی‌داند و عاری از منیت کاذب است، در شادی و غم هر دو یکسان است، شکیباست، همواره راضی، حکمران نفس، با عزم راسخ وقف خدمت عابدانه، و ذهن و شعورش بر من متمرکز است، چنین عابدی برای من بسیار عزیز می‌باشد.**

## شرح

خداوند بار دیگر به موضوع خدمت عابدانه پاک بازمی‌گردد و صفات روحانی عابد پاک را در این دو آیه توصیف می‌فرماید. عابد پاک هیچگاه در هیچ شرایطی آشفته و ناراحت نمی‌شود. همچنین نسبت به کسی حسود نیست. او با دشمن خود، دشمن نمی‌شود؛ چنین می‌اندیشد:

"این شخص به علت خطاهای گذشته خود من است که به صورت دشمنم رفتار می‌کند. پس بهتر است رنج را تحمل کنم تا اینکه اعتراض نمایم." در شریماد- بهاگاواتام (۸/۱۴/۱۰) آمده است:

*tat te 'nukampāṁ su-samīkṣamāṇo bhuñjāna evātma-kṛtaṁ vipākam*

"هر گاه عابد در مشکل و رنجی گرفتار می‌آید، فکر می‌کند که این لطف خداوند نسبت به او است؛ من به علت اعمال سوء و گناهان گذشته‌ام باید به مراتب بیشتر از آنچه اکنون رنج می‌کشم متحمل رنج می‌گردیدم. پس این به علت لطف خداوند متعال است که تمام مجازاتی که استحقاقش را داشتم بر سرم نمی‌آید، بلکه با لطف و رحمت شخصیت اعلای خداوند فقط کمی از آن نصیبم می‌شود." بنابراین به رغم شرایط محنت‌بار، همواره آرام، ساکت و صبور است. همچنین عابد پیوسته نسبت به همگان، حتی نسبت به دشمنش، مهربان است. نیرماما یعنی عابد به دردها یا ناراحتیهایی که مربوط به بدن می‌شود آنقدرها اهمیت نمی‌دهد، زیرا به خوبی می‌داند که او این کالبد مادی نیست. او خود را با این جسم یکی نمی‌داند؛ بنابراین از دیدگاه منیت کاذب رها گشته است و در شادی و غم متعادل است. او بردبار است و با هر آنچه از طریق لطف و رحمت پروردگار متعال نصیبش گردد راضی است. او زیاد کوشش به خرج نمی‌دهد که با مشکلات فراوان چیزی به دست آورد؛ بنابراین همیشه شاد است. حقاً که او بهترین و کاملترین عارفان و حق‌جویان است، زیرا بر تعلیماتی که از پیر روحانی دریافت نموده متمرکز می‌باشد؛ و چون حواسش مهار شده دارای عزم راسخ است. او با استدلالات و مباحثات کاذب، تحت نفوذ و تأثیر قرار نمی‌گیرد و منحرف نمی‌شود، زیرا هیچکس قادر نیست او را از تصمیم قاطع، عزم راسخ و گامهای استوارش در طریق خدمت عابدانه بازگرداند. او کاملا آگاه و واقف است که کریشنا خداوند جاودان است، لذا هیچکس قادر نیست او را ناراحت، آشفته و پریشان سازد. کلیه این صلاحیتها و شایستگیها او را قادر می‌سازد که ذهن و شعورش را بر خداوند متعال متمرکز نماید. بدون شک چنین سطحی از خدمت عابدانه بسیار کمیاب است، لیکن عابد با پیروی از اصول تنظیم کننده خدمت عابدانه در چنین مرحله‌ای قرار می‌گیرد. علاوه بر این، خداوند می‌فرماید که چنین عابدی برای او بسیار عزیز می‌باشد، زیرا خداوند همواره از تمام اعمال او که در آگاهی کامل به کریشنا انجام می‌گردد راضی است.

## آیه ۱۵

*yasmān nodvijate loko*
*lokān nodvijate ca yaḥ*
*harṣāmarṣa-bhayodvegair*
*mukto yaḥ sa ca me priyaḥ*

*yasmāt*: از آن کسی که ـ *na*: هیچگاه ـ *udvijate*: آشفته و مضطرب می‌شوند ـ *lokaḥ*: مردم ـ *lokāt*: از مردم ـ *na*: هیچگاه ـ *udvijate*: ناراحت و مضطرب می‌گردد ـ *ca*: همچنین ـ *yaḥ*: هرکسی که ـ *harṣa*: از شادی و خوشبختی ـ *amarṣa*: غم و اندوه ـ *bhaya*: ترس ـ *udvegaiḥ*: ونگرانی و پریشانی ـ *muktaḥ*: رها شده ـ *yaḥ*: که ـ *saḥ*: هر کسی ـ *ca*: همچنین ـ *me*: برای من ـ *priyaḥ*: بسیار عزیز.

## ترجمه

**آن کس که باعث زحمت و گرفتاری هیچکس نمی‌شود و از طرف هیچکس نیز مضطرب، ناراحت و آشـفته نمی‌گردد، که در شادی و غم و ترس و نگرانی متعادل است، برای من بسیار عزیز می‌باشد.**

## شرح

در اینجا تعداد دیگری از خصوصیات عابد توصیف می‌شود. هیچکس به‌وسیله چنین عابدی در مشکل، نگرانی، ترس یا نارضایتی قرار نمی‌گیرد. از آنجا که عابد نسبت به همه مهربان است به گونه‌ای عمل نمی‌کند که دیگران را مضطرب و نگران سازد. در عین حال، اگر دیگران سعی نمایند عابد را نگران و پریشان نمایند، او ناراحت و مضطرب نمی‌شود. این امر به لطف پروردگار است که او چنان تسلط یافته که با هیچ گونه آشفتگی ظاهری ناراحت و پریشان نشود. در واقع چون عابد همواره غرق در آگاهی به کریشنا و مشغول خدمت عابدانه است، هیچ گونه شرایط مادی نمی‌تواند او را تکان دهد و دچار تشویش سازد. قاعدتاً فرد عادی وقتی چیزی برای کامجویی و ارضای حواس کالبد مادیش وجود داشته باشد بسیار خوشحال می‌شود، اما وقتی مشاهده کند که دیگران چیزی برای کامجویی خود دارند و او ندارد، تأسف می‌خورد، اندوهگین می‌شود و حسادت می‌ورزد. چنین شخصی وقتی در انتظار اقدام تلافی‌جویانه از طرف دشمن است، در حالتی از ترس به سر می‌برد، و وقتی نمی‌تواند با موفقیت کاری را انجام دهد افسرده می‌شود. عابدی که همواره در ورای تمام این آشفتگیها و نگرانیهاست برای کریشنا بسیار عزیز می‌باشد.

## آیه ۱۶

*anapekṣaḥ śucir dakṣa*
*udāsīno gata-vyathaḥ*
*sarvārambha-parityāgī*
*yo mad-bhaktaḥ sa me priyaḥ*

*anapekṣaḥ*: بی‌طرف ـ *śuciḥ*: پاک و خالص ـ *dakṣaḥ*: متبحر ـ *udāsīnaḥ*: رها از غم و نگرانی ـ *gata-vyathaḥ*: رها شده از تمام دردها ـ *sarva-ārambha*: مربوط به تمام تلاشها و کوششها ـ *parityāgī*: منقطع ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *mat-bhaktaḥ*: عابد من ـ *saḥ*: او ـ *me*: برای من ـ *priyaḥ*: بسیار عزیز.

## ترجمه

**عابد من که به جریان عادی امور مادی متکی نیست، پاک، مـاهر، بـدون غـم و اضـطراب و آزاد از تمـام دردهاست، و برای نتیجه‌ای تقلا نمی‌کند، برای من بسیار عزیز است.**

## شرح

عابد می‌تواند پولی را که به او تقدیم می‌شود بپذیرد، ولی نباید برای کسب آن تقلا کند. چنانچه به خودی خود، با لطف خداوند متعال پولی نصیبش گردد، دچار تشویش نمی‌شود. عابد به طور طبیعی حداقل دو بار در روز استحمام می‌کند و صبح زود برای فعالیتهای عابدانه از خواب برمی‌خیزد. بدین ترتیب او طبعاً از درون و برون پاکیزه است. عابد و فدایی خدا همواره با مهارت بسیار عمل می‌کند، زیرا او کاملا به ماهیت اصلی تمام اعمال زندگی واقف و از کتب مقدس معتبر و موثق اطمینان حاصل نموده است. مرید خدا هیچگاه جانبداری از طرف خاصی نمی‌کند، بنابراین آسوده‌خاطر است. او هیچگاه ناراحت نشده و رنج نمی‌برد، چون آزاد و عاری از همه منسوبات مادی است؛ او می‌داند که بدنش وسیله تشخص مادی است که با او متمایز می‌باشد، پس آزاد از دردهای جسمانی است. عابد پاک هیچگاه برای امری که مخالف اصول خدمت عابدانه باشد کوشش و تقلا نمی‌کند. برای مثال، احداث ساختمانی بزرگ احتیاج به صرف انرژی فراوانی دارد و عابد چنانچه این کار موجب پیشرفت او در خدمت عابدانه نگردد دست به آن نمی‌زند. ممکن است معبدی برای خداوند بسازد و برای آن هر نوع اشتیاق و اضطرابی را بپذیرد، اما برای خویشان و بستگان خود خانه‌ای بزرگ نمی‌سازد.

## آیه ۱۷

*yo na hṛṣyati na dveṣṭi*
*na śocati na kāṅkṣati*
*śubhāśubha-parityāgī*
*bhaktimān yaḥ sa me priyaḥ*

*yaḥ*: کسی که ـ *na*: هرگز ـ *hṛṣyati*: مسرت کسب می‌کند ـ *na*: هرگز ـ *dveṣṭi*: اندوهگین می‌شود ـ *na*: هرگز ـ *śocati*: تأسف می‌خورد ـ *na*: هرگز ـ *kāṅkṣati*: آرزو نمی‌کند ـ *śubha*: مربوط به پاک و خجسته ـ *aśubha*: و ناپاک و ناخجسته ـ *parityāgī* : منقطع ـ *bhakti—mān*: عابد، فدایی ـ *yaḥ*: کسی که ـ *saḥ*: او هست ـ *me*: برای من ـ *priyaḥ*: عزیز.

## ترجمه

**آن کس که نه دچار مسّرت می‌گردد و نه غم و اندوه به دل راه می‌دهد، نه افسوس می‌خورد و نه آرزویی در سر می‌پروراند، و از هر مورد خجسته و ناخجسته هر دو انقطاع حاصل می‌کند، چنین عابدی برای من بسیار عزیز است.**

## شرح

عابد پاک از سود یا زیان مادی نه شادمان است و نه اندوهگین؛ نه مشتاق داشتن فرزند یا مریدی است، و نه از نداشتن آنها اندوهگین. اگر چیزی را که برای او بسیار عزیز است از دست بدهد افسوس نمی‌خورد و سوگواری نمی‌کند. مشابهاً اگر چیزی را که آرزوی آن را در سر می‌پروراند به دست نیاورد اندوهگین نمی‌شود. او ورای هر گونه فعالیت خجسته و ناخجسته و ورای همه گناهان است. او آماده است که هر گونه خطری را در راه رضایت خداوند متعال بپذیرد. هیچ امری نمی‌تواند مانع او در انجام خدمت عابدانه گردد. چنین عابدی برای کریشنا بسیار عزیز است.

## آیات ۱۹–۱۸

*samaḥ śatrau ca mitre ca*
*tathā mānāpamānayoḥ*

*śītoṣṇa-sukha-duḥkheṣu*
*samaḥ saṅga-vivarjitaḥ*

*tulya-nindā-stutir maunī*
*santuṣṭo yena kenacit*
*aniketaḥ sthira-matir*
*bhaktimān me priyo naraḥ*

*samaḥ*: یکسان ـ *śatrau*: نسبت به دشمن ـ *ca*: همچنین ـ *mitre*: نسبت به دوست ـ *ca*: همچنین ـ *tathā*: چنین، همچنین ـ *māna*: در احترام ـ *apamānayoḥ*: و بی‌احترامی ـ *śīta*: در سرما ـ *uṣṇa*: گرما ـ *sukha*: شادی و خوشبختی ـ *duḥkheṣu*: و غم و بدبختی ـ *samaḥ*: متعادل ـ *saṅga-vivarjitaḥ*: رها از هر گونه معاشرت ـ *tulya*: یکسان ـ *nindā*: در بدنامی ـ *stutiḥ*: و شهرت ـ *maunī*: ساکت ـ *santuṣṭaḥ*: راضی، قانع ـ *yena kenacit*: با هر چیز ـ *aniketaḥ*: فاقد اقامتگاه ـ *sthira*: ثابت، متمرکز ـ *matiḥ*: عزم راسخ ـ *bhakti-mān*: وقف شده در بندگی و عشق ـ *me*: برای من ـ *priyaḥ*: عزیز ـ *naraḥ*: انسان.

## ترجمه

**آن کس که نسبت به دوست و دشمن، احترام و بی‌احترامی، گرما و سرما، شادی و غم، و شهرت و بدنامی یکسان است، همواره از آلودگی پاک، ساکت و با هر چیزی راضی است، دلبستگی به هیچ اقامتگاهی ندارد، متمرکز در دانش، و وقف خدمت عابدانه است، چنین شخصی برای من بسیار عزیز می‌باشد.**

## شرح

عابد همواره از معاشرت بد یا تماس با آلودگی مبری است. گاهی اوقات انسان تجلیل می‌شود و گاهی بدنام می‌گردد؛ این طبیعت جامعه بشری است. اما عابد همیشه ورای طبقه‌بندیهای ساختگی مربوط به شهرت و بدنامی یا خوشبختی و بدبختی قرار دارد. او بسیار صبور است. از هیچ چیز، جز موضوعاتی که مربوط به کریشناست سخن نمی‌گوید؛ بدین لحاظ ساکت خوانده می‌شود. سکوت‌به معنی سخن نگفتن نیست بلکه به معنی سخنان مهمل نگفتن است. شخص فقط باید درباره موارد واجب و ضروری صحبت کند، و برای عابد فقط سخن گفتن از خداوند متعال واجب است. عابد در تمام شرایط خوشحال است؛ چنانچه خوراک خوش‌طعم و لذیذی برای او مهیا شود یا نشود، به هر حال او راضی و قانع است. او اهمیتی به تسهیلات مسکن نمی‌دهد: چه زیر درختی زندگی کند و چه در قصری مجلل، هر دو برایش یکسان است و دلبسته به هیچ کدام از آنها نیست. او متمرکز و استوار خوانده می‌شود، زیرا در دانش و عزم راسخش پابرجاست. ممکن است در توصیف صفات وشایستگیهای عابد تکرار دیده شود، لیکن این تکرار فقط به منظور تأکید بر این حقیقت است که عابد باید تمام این صفات را به دست آورد. بدون صفات نیک، شخص نمی‌تواند عابد پاک گردد.

*Harāv abhaktasya kuto mahad-guṇāḥ*

کسی که عابد و فدایی خداوند نیست، در حقیقت نمی‌تواند برخوردار از هیچ گونه صفت نیکی باشد. شخصی که می‌خواهد به عنوان عابد شناخته شود باید صفات پسندیده را در خود پرورش دهد. البته او تلاش اضافی برای کسب این صفات نمی‌کند، چه مشغول بودن در آگاهی به کریشنا و خدمت عابدانه، خود به خود او را در پرورش این صفات یاری می‌رساند.

## آیه ۲۰

*ye tu dharmāmṛtam idaṁ*
*yathoktaṁ paryupāsate*
*śraddadhānā mat-paramā*
*bhaktās te 'tīva me priyāḥ*

*ye*: آن کسانی که ـ *tu*: اما ـ *dharma*: مربوط به دین ـ *amṛtam*: شهد ـ *idam*: این ـ *yathā*: همچون ـ *uktam*: گفته شده ـ *paryupāsate*: به طور کامل مشغول هستند ـ *śraddadhānāḥ*: باایمان ـ *mat-paramāḥ*: در نظر گرفتن من یعنی خداوند متعال به عنوان همه چیز ـ *bhaktāḥ*: عابدان، مریدان، سرسپردگان ـ *te*: آنها ـ *atīva*: بسیار بسیار ـ *me*: برای من ـ *priyāḥ*: عزیز.

## ترجمه

**کسانی که از این راه فناناپذیر خدمت عابدانه پیروی می‌نمایند و در حالی که مرا هدف متعال قرار داده‌اند، وجود خود را کاملا با ایمان وقف می‌کنند، برای من بسیار بسیار عزیزند.**

## شرح

از آیه دوم تا آخرین آیه این فصل – از *mayy āveśya mano ye mām* (ثابت و متمرکز نمودن ذهن بر من) تا *ye tu dharmāmṛtam idam* (این دین مشغولیت جاودان) – خداوند متعال روشهای خدمت روحانی برای تقرب به او را توضیح می‌دهد. این روشها برای خداوند بسیار عزیز است و او شخصی را که در چنین روشهایی مشغول است می‌پذیرد. این سؤال که چه کسی بهتر است کسی که در راه برهمن فاقد شخصیت پا نهاده یا کسی که مشغول خدمت شخصی به شخصیت متعال خداوند است – از طرف آرجونا مطرح شد، و پاسخ خداوند به او چنان صریح بود که کوچکترین تردیدی در این باره باقی نمی‌ماند که خدمت عابدانه به شخصیت اعلای خداوند از تمامی روشهای معرفت روحانی بهتر است. به عبارت دیگر، در این فصل مشخص گردید که انسان از طریق معاشرت خوب به خدمت عابدانه پاک دلبستگی حاصل می‌کند و بدین موجب پیر روحانی معتبر و موثقی را می‌پذیرد و از طریق او شنیدن، ذکر کردن و مراعات اصول تنظیم کننده خدمت عابدانه را با ایمان آغاز می‌کند و بدین‌سان مشغول خدمت روحانی خداوند می‌شود. این راه در فصل حاضر توصیه شده است؛ بنابراین هیچ گونه شکی نیست که خدمت عابدانه تنها راه مطلق برای خودشناسی و رسیدن به شخصیت متعال خداوند است. درک فاقد هویت از حقیقت مطلق متعال، همان گونه که در این فصل توصیف شد، تنها تا زمان قبل از تسلیم خود برای خودشناسی توصیه شده است. به عبارت دیگر، درک فاقد شخصیت تا زمانی که انسان فرصت معاشرت با عابد پاک را نداشته باشد می‌تواند سودمند واقع گردد. در درک فاقد هویت از حقیقت مطلق، انسان بدون چشمداشت به نتایج ثمرجویانه کار می‌کند، تمرکز می‌کند و تحصیل دانش می‌نماید تا روح و ماده را درک کند. این امر تا وقتی لازم است که انسان در معاشرت عابد پاک نباشد. خوشبختانه، چنانچه انسان بخواهد مستقیماً در کریشنا آگاهی به خدمت عابدانه پاک بپردازد، دیگر احتیاج به پیشرفت قدم به قدم در طریق معرفت روحانی نیست. خدمت عابدانه، همان گونه که در شش فصل میانی بهاگاواد–گیتا تشریح گردید، برای روح فردی مناسب و مطلوبتر است. شخصی که به خدمت عابدانه می‌پردازد دیگر نیاز ندارد برای موارد مادی جهت حفظ و بقای بدن نگران باشد، زیرا به لطف خداوند همه چیز به طور خود به خود تأمین می‌گردد.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل دوازدهم شریماد بهاگاواد–گیتا تحت عنوان "خدمت عابدانه" پایان می‌یابد.

# فصل سیزدهم

# طبیعت، لذت‌برنده و آگاهی

## آیات ۲-۱

*arjuna uvāca*
*prakṛtiṁ puruṣaṁ caiva*
*kṣetraṁ kṣetra-jñam eva ca*
*etad veditum icchāmi*
*jñānaṁ jñeyaṁ ca keśava*

*śrī-bhagavān uvāca*
*idaṁ śarīraṁ kaunteya*
*kṣetram ity abhidhīyate*
*etad yo vetti taṁ prāhuḥ*
*kṣetra-jña iti tad-vidaḥ*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *prakṛtim*: طبیعت ـ *puruṣam*: لذت برنده ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *kṣetram*: زمینه، میدان (بدن) ـ *kṣetra-jñam*: داننده زمینه، داننده میدان (بدن) ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *etat*: همه این ـ *veditum*: درک کردن ـ *icchāmi*: آرزو دارم ـ *jñānam*: دانش ـ *jñeyam*: موضوع دانش ـ *ca*: همچنین ـ *keśava*: ای کریشنا ـ *śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت الهی فرمود ـ *idam*: این ـ *śarīram*: بدن ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *kṣetram*: زمینه، میدان ـ *iti*: بدین‌سان ـ *abhidhīyate*: خوانده می‌شود ـ *etat*: این ـ *yaḥ*: کسی که ـ *vetti*: بداند، بشناسد ـ *tam*: او ـ *prāhuḥ*: خوانده می‌شود ـ *kṣetra-jñaḥ*: داننده زمینه، داننده میدان ـ *iti*: بدین‌سان ـ *tat*— *vidaḥ*: به‌وسیله آن کسانی که این را می‌شناسند.

## ترجمه

**آرجونا گفت : ای کریشنای عزیزم، من آرزومندم دربارهٔ پراکریتی [طبیعت]، پوروشا [لذت‌برنده]، میـدان و دانندهٔ میدان، و همچنین دانش و موضوع دانش بدانم. شخصیت اعلای خداوند فرمود: ای پسر کونتی، این بـدن میدان، و کسی که آن را می‌شناسد دانندهٔ میدان خوانده می‌شود.**

## شرح

آرجونا درباره پراکریتی (طبیعت)، پوروشا (لذت‌برنده)، کـشـترا (میدان)، کـشـترا ـ گیا (داننده میدان)، و دانـش و هدف دانش کنجـکاو بود. هنگامی که او درباره تمام این موارد سؤال نمود، کریشنا فرمود که این بدن میدان و کسی که این بدن را بشناسد داننده بدن خوانده می‌شود. کالبد جسمانی میدان فعالیت برای روح مقید است. روح مقید در ورطه موجودیت مادی گرفتار شده و

سخت می‌کوشد بر طبیعت مادی حکمرانی و خدایی کند. بدین لحاظ، طبق ظرفیتش برای تسلط بر طبـیعت مادی یک مـیدان فعالیت کسب می‌کند. آن میدان فعالیت، بدن است. و اما بدن چیست؟ بدن از حواس تشکیل شده است. روح اسیر مادیات خواهان ارضای تمایلات حسی است و می‌خواهد کامجویی کند، لذا طبق ظرفیتش برای بهره‌مند شدن از ارضای حواس به او کالبدی جسمانی یا میدان فعالیت اعطاء می‌شود. بدین جهت بدن کشترا یا میدان فعالیت برای روح مقید خوانده می‌شود. در حقیقت درک تفاوت بین میدان و داننده میدان یعنی بدن و داننده بدن چندان مشکل نیست. هر شخصی می‌تواند ملاحظه کند که بدن در مراحل مختلف از بدو طفولیت تا سنین پیری دستخوش تغییرات بسیاری می‌گردد، در حالی که شخص همچنان هویت خود را حفظمی نماید. پس تفاوتی بین داننده میدان فعالیت و خود میدان فعالیت وجود دارد و در نتیجه یک روح زنده مقید می‌تواند درک کند که او با بدن تفاوت دارد. این موضوع در آغاز بهاگاواد-گیتا توصیف شد – *dehino 'smin* – که موجود زنده (روح) درون بدن است و این پوشش مادی از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی و از جوانی به پیری تغییر می‌کند و صاحب بدن می‌داند کالبد جسمانیش در حال تغییر است. پر واضح است که صاحب بدن کشترا ـ گیا است. گاهی ما گمان می‌کنیم که، "من خوشحال هستم"، "مرد هستم"، "زن هستم"، "سگ هستم"، "گربه هستم". اینها پندارهای مادی یا هویتهای جسمانی است که داننده میدان برای خود قائل می‌گردد، در حالی که داننده با کالبد مادی کاملا متفاوت است. هرچند ممکن است ما از اشیای بسیاری استفاده کنیم – همچون لباس و غیره – ولی می‌دانیم که با آنها متفاوت هستیم. به همین ترتیب با قدری تعمق می‌توانیم درک نماییم که با بدن تفاوت داریم. من، شما یا هر شخص دیگری که صاحب کالبد جسمانی است، کشترا ـ گیا یا داننده میدان فعالیت، و بدن کشترا یا خود میدان فعالیت خوانده می‌شود.

در شش فصل اول بهاگاواد-گیتا، داننده بدن (موجود زنده) و موقعیتی که می‌تواند از طریق آن خداوند متعال را درک نماید توصیف شده است. در شش فصل میانی بهاگاواد-گیتا، شخصیت اعلای خداوند و رابطه بین روح فردی و روح متعال در ارتباط با خدمت عابدانه توصیف شده است. مقام متعال شخصیت اعلای خداوند و مقام مادون یا تابع روح فردی به طرز دقیقی در این فصول مشخص شده است. موجودات زنده در تمام شرایط در موقعیت تابع هستند، لیکن به علت غفلت و فراموشی از رابطه و مناسباتشان با خداست که رنج می‌برند. زمانی که آنان با اعمال پرهیزکارانه به درک و بینش دست یافتند در ظرفیتهای مختلف یعنی به صورت دردمندان، نیازمندان، کنجکاوان، و آنان که در جستجوی دانش هستند به سوی خداوند متعال رهسپار می‌گردند. تمام این مطالب مربوط به فصول قبل است. اکنون از فصل سیزدهم به بعد، اینکه چگونه موجود زنده در تماس با طبیعت مادی واقع می‌گردد، و چگونه به‌وسیله طرق مختلف اعمال ثمرجویانه، تحصیل دانش، و اعطای خدمت عابدانه از طرف خداوند متعال نجات داده می‌شود، توصیف می‌گردد. همچنین این مطلب نیز توضیح داده می‌شود که به رغم تفاوت کامل موجود زنده با بدن مادی، به گونه‌ای با آن مربوط می‌شود.

## آیه ۳

*kṣetra-jñaṁ cāpi māṁ viddhi*
*sarva-kṣetreṣu bhārata*
*kṣetra-kṣetrajñayor jñānaṁ*
*yat taj jñānaṁ mataṁ mama*

*kṣetra-jñam*: داننده میدان ـ *ca*: همچنین ـ *api*: حتماً، محققاً ـ *mām*: به من، مرا ـ *viddhi*: بدان ـ *sarva*: همه ـ *kṣetreṣu*: در میدانهای جسمانی ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا ـ *kṣetra*: میدان فعالیت (بدن) ـ *kṣetra-jñayoḥ*: و داننده میدان ـ *jñānam*: دانش مربوط به ـ *yat*: آن که ـ *tat*: آن ـ *jñānam*: دانش ـ *matam*: نظر، عقیده ـ *mama*: مال من، م.

## ترجمه

**ای نوادۀ بهاراتا، باید درک نمایی که من نیز داننده در تمام بدنها هستم، و درک بدن و دانندۀ آن دانش خوانده می‌شود. این نظر من است.**

## شرح

هنگامی که ما درباره بدن، صاحب بدن (روح فردی)، و روح متعال به بحث می‌نشینیم، سه موضوع مختلف برای مطالعه خواهیم یافت: خداوند، موجود زنده و ماده. در هر میدان عمل، یعنی در هر کالبد مادی، دو روح وجود دارد: روح منفرد و روح متعال. چون روح متعال بسط کامل شخصیت اعلای خداوند است، کریشنا می‌فرماید: "من نیز داننده هستم، اما نه داننده فردی بدن، بلکه داننده متعال. من در تمام بدنها به صورت پاراماتما یا روح متعال حضور دارم."

کسی که موضوع میدان فعالیت و داننده میدان را، بر حسب بهاگاواد-گیتا، بسیار به دقت مطالعه نماید می‌تواند به دانش دست یابد.

خداوند می‌فرماید: "من داننده میدان فعالیت در هر بدن فردی هستم." یک فرد می‌تواند فقط داننده بدن خویش باشد، و نسبت به بدنهای دیگر بی‌اطلاع است. لیکن شخصیت اعلای خداوند که به عنوان روح متعال در تمام بدنها حضور دارد، همه چیز را درباره آنها می‌داند. او نسبت به همه بدنهای مختلف در تمام گونه‌های مختلف حیات آگاهی دارد. آگاهی شهروندان یک مملکت فقط حول ملک شخصیشان دور می‌زند در حالی که پادشاه نه تنها قصر خود را می‌شناسد و به آن واقف است، بلکه تمام املاک متعلق به آحاد فردی را نیز می‌شناسد. به همین ترتیب، شاید شخص به طور فردی مالک بدن باشد، اما خداوند متعال مالک تمام بدنها است. پادشاه صاحب اصلی قلمرو پادشاهی است و شهروند صاحب ثانوی محسوب می‌شود. مشابهاً، خداوند صاحب متعال همه بدنهاست.

بدن از حواس تشکیل شده است و خداوند متعال هریشی کشا یعنی "کنترل کننده حواس" می‌باشد. خداوند کنترل کننده اصلی حواس است، همان گونه که پادشاه کنترل کننده اصلی تمام فعالیتهای دولت است و اتباع کنترل کنندگان ثانوی اند. همچنین خداوند می‌فرماید: "من نیز داننده هستم." این بدان معناست که او داننده متعال است؛ روح فردی فقط بدن خاص خود را می‌شناسد. این مطلب در ادبیات ودایی بدین صورت بیان شده است:

*kṣetrāṇi hi śarīrāṇi*
*bījaṁ cāpi śubhāśubhe*
*tāni vetti sa yogātmā*
*tataḥ kṣetra-jña ucyate*

این بدن کشترا خوانده می‌شود و درون آن صاحب بدن و خداوند متعال اسکان دارند که خداوند هم بدن و هم صاحب آن را می‌شناسد و علم او کاملا به هر دو احاطه دارد. بنابراین خداوند داننده تمام میدانهای فعالیت (کالبدهای جسمانی) خوانده می‌شود. تفاوت بین میدان فعالیت، داننده فعالیت و داننده متعال فعالیت به طریق زیر توصیف شده است: در متون ودایی، دانش کامل از ساختار بدن، روح فردی، و روح متعال، موسوم به گیانا است. ادراک اینکه روح و روح متعال هر دو یکی و در عین حال متفاوت هستند دانش خوانده می‌شود که این نظر کریشناست. کسی که میدان فعالیت و داننده فعالیت را درک نمی‌کند در دانش کامل قرار نگرفته است. انسان باید موقعیت پراکریتی (طبیعت)، پوروشا (لذت‌برنده از طبیعت) و ایشوارا (آن داننده‌ای که بر طبیعت و روح فردی تسلط و کنترل دارد) را درک نماید. شخص نباید این سه را در ظرفیتهای مختلفشان با یکدیگر اشتباه بگیرد. شخص نباید نقاش، نقاشی و سه پایه نقاشی را با یکدیگر اشتباه بگیرد. این دنیای مادی که میدان فعالیت است، طبیعت

می‌باشد، و آن لذت‌برنده از طبیعت، موجود زنده می‌باشد، و بر سر هردوی آنها کنترل کننده متعال، یعنی شخصیت خداوند، قرار دارد. در متون مقدس ودایی (شوتاش واتارااوپانیشاد ۱/۱۲) گفته شده است:

*bhoktā bhogyaṁ preritāraṁ ca matvā/ sarvaṁ proktaṁ tri vidham-brahmam etat.*

سه مفهوم برهمن وجود دارد: پراکریتی به عنوان میدان فعالیت برهمن است، و جیوا (روح فردی) که می‌کوشد طبیعت مادی را کنترل نماید نیز برهمن است، و کنترل‌کننده واقعی هر دوی آنها برهمن متعال یعنی خداوند است.
همچنین در این فصل توضیح داده خواهد شد که در میان این دو داننده یکی خطاپذیر و دیگری مصون از خطاست، یکی برتر و دیگری تابع است. کسی که چنین درک کند که دو داننده میدان یکی هستند، نص صریح شخصیت اعلای خداوند را که به روشنی بیان می‌دارد: "من نیز داننده میدان فعالیت هستم" انکار می‌کند. کسی که طناب را با مار اشتباه بگیرد، در دانش قرار ندارد. انواع مختلف بدن و صاحبان مختلف بدن وجود دارد. بدنهای مختلفی وجود دارد، چون هر روح فردی دارای ظرفیت خاص خود برای حکمرانی و خدایی کردن بر طبیعت مادی است. اما خداوند متعال نیز به منزله کنترل کننده در آنها حضور دارد. واژه چا حائز اهمیت است، زیرا به کل ابدان اشاره می‌کند. این نظر حضرت بالادوا ویدیا بهوشانا است: کریشنا آن روح متعال است که به همراه روح منفرد در یکایک بدنها حضور دارد. و اینجا کریشنا صریحاً اظهار می‌کند که روح متعال کنترل کننده هم میدان فعالیت و هم لذت‌برنده محدود آن است.

## آیه ۴

*tat kṣetraṁ yac ca yādṛk ca*
*yad-vikāri yataś ca yat*
*sa ca yo yat-prabhāvaś ca*
*tat samāsena me śṛṇu*

*tat*: آن ـ *kṣetram*: میدان فعالیت ـ *yat*: چه، چیست ـ *ca*: همچنین ـ *yādṛk*: همان گونه که‌هست ـ *ca*: همچنین ـ *yat*: آنچه دارد ـ *vikāri*: تغییرات ـ *yataḥ*: از آنچه ـ *ca*: همچنین ـ *yat*: چه، چیست ـ *saḥ*: او ـ *ca*: همچنین ـ *yaḥ*: که، کیست ـ *yat*: آنچه دارد ـ *prabhāvaḥ*: تأثیر ـ *ca*: همچنین ـ *tat*: آن ـ *samāsena*: به طور مختصر، خلاصه ـ *me*: از من ـ *śṛṇu*: درک کن.

## ترجمه

**اکنون خواهشمندم به توضیح مختصر من دربارهٔ این میدان فعالیت گوش فرا دهی و اینکه چگونه تشــکیل می‌شود، تغییرات آن چیست، از کجا پدید می‌آید، همچنین دانندهٔ میدان فعالیت کیست و تأثیراتش چیست.**

## شرح

خداوند ساختار اصلی میدان فعالیت و داننده میدان فعالیت را توضیح می‌دهد. انسان باید بداند که این بدن چگونه تشکیل می‌شود، از چه عناصر مادی ساخته شده است، تحت کنترل چه کسی کار می‌کند، چگونه تغییرات در آن صورت می‌گیرد و این تغییرات از کجا نشأت می‌گیرند، علل آن چیست، دلایل وجودی آن کدام است، شکل و صورت حقیقی روح فردی چیست و هدف نهایی روح فردی کدام است. همچنین انسان باید به تفاوت موجود بین روح زنده فردی و روح متعال، تأثیرات مختلفشان، قدرتشان و غیره آگاهی یابد. کافی است انسان بهاگاواد-گیتا را از توصیفاتی که مستقیماً از طرف شخصیت متعال خداوند ارائه

شده درک نماید و آنگاه همه این مطالب روشن خواهد شد. اما باید مراقب بود که شخصیت الهی خداوند حاضر در تمام بدنها را با روح فردی یعنی جیوا یکی محسوب نکرد. این همچون آن است که نیرومند را با ضعیف برابر بدانیم.

## آیه ۵

*ṛṣibhir bahudhā gītaṁ*
*chandobhir vividhaiḥ pṛthak*
*brahma-sūtra-padaiś caiva*
*hetumadbhir viniścitaiḥ*

*ṛṣibhiḥ*: به‌وسیله حکیمان فرزانه ـ *bahudhā*: به طرق بسیار ـ *gītam*: توصیف شده ـ *chandobhiḥ*: به‌وسیله سرودهای روحانی ودایی ـ *vividhaiḥ*: گوناگون ـ *pṛthak*: به طرز گوناگونی ـ *brahma-sūtra*: مربوط به ودانتا ـ *padaiḥ*: به‌وسیله کلمات قصار ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *hetu-madbhiḥ*: با علت و معلول ـ *viniścitaiḥ*: بخصوص.

## ترجمه

**دانش مربوط به میدان فعالیت و دانندهٔ فعالیت از طرف حکمای مختلف در نوشته‌های گوناگون ودایی توصیف شده است. این دانش، بخصوص در ودانتا ـ سوترا، با منطق کامل به صورت علت و معلول ارائه گردیده است.**

## شرح

کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، بالاترین مرجع ذی‌صلاحیت برای توضیح این دانش است. با این وصف دانش‌پژوهان دانا و مراجع موثق برای نشان دادن گواه مدعا از مراجع گذشته اقامه برهان می‌کنند. اینک کریشنا در مورد بحث‌برانگیزترین موضوع، یعنی دوگانگی یا عدم دوگانگی روح و روح متعال، با ارجاع به کتاب مقدس ودانتا، که به عنوان مرجع موثق پذیرفته شده است، توضیح می‌فرماید. خداوند نخست اعلام می‌دارد که این دانش طبق گفتار حکمای بزرگ است. تا آنجا که مربوط به حکما می‌شود، بجز خود کریشنا، ویاسادوا حکیم بزرگی است که در کتاب خود، ودانتا ـ سوترا، این دوگانگی را کاملا توضیح داده است. پاراشارا، پدر ویاسادوا، نیز حکیم بزرگی است که در کتب دینی خود چنین می‌نگارد:

*aham tvaṁ ca tathānye*

"ما – مرکب از من، تو و دیگر موجودات زنده گوناگون – هرچند در بدنهای مادی قرار گرفته‌ایم، ولی همگی روحانی هستیم. اکنون طبق کارماهای مختلفمان در مسیر سه گونهٔ طبیعت مادی فرو افتاده‌ایم. بدین ترتیب بعضی در سطوح بالاتر و بعضی در طبایع پست‌تر قرار دارند. طبایع برتر و فروتر که به تعداد بی‌نهایت موجود زنده متجلی می‌شوند حاصل جهل و نادانی‌اند. اما روح متعال مصون از خطا با کیفیات سه‌گانه طبیعت مادی آلوده نمی‌گردد و روحانی است." مشابهاً در وداهای اصلی مخصوصاً در کاتها اوپانیشاد، تفاوت بین روح، روح متعال و بدن مطرح شده است. حکمای بزرگ بسیاری که پاراشارا مهمترینشان است این مطلب را توضیح داده‌اند.
واژه چاندوبهیه (*chandobhiḥ*) اشاره به ادبیات ودایی گوناگون دارد. برای مثال، تایت‌تیریا اوپانیشاد، که بخشی از یاجور ودا می‌باشد، طبیعت، موجود زنده و شخصیت متعال خداوند را توصیف می‌کند.
همان گونه که قبلا گفته شد، کشترا میدان فعالیت است و دو نوع کشترا ـ گیا یا داننده میدان فعالیت وجود دارد: موجود زنده فردی و آن حی متعال. همان طور که در تایت‌تیریا اوپانیشاد (۹/۲) گفته

شده است:

*brahma puccham̐ pratiṣṭhā*

تجلیات مختلف انرژی خداوند، درجات مختلفی از شناخت او را می‌طلبد. در مرحله اول که انسان برای بقای موجودیتش متکی به خوراک است، درک مادی از وجود متعال به نام آنا ـ مایا دست می‌دهد. سپس در پرانا ـ مایا، پس از درک حقیقت مطلق متعال در غذا، انسان می‌تواند حقیقت مطلق را در نشانه‌های زندگی یا اشکال حیات درک کند. در مرحله گیانا ـ مایا، درک حقیقت مطلق فراتر از نشانه‌های زندگی رفته و با فکر کردن، احساس کردن و اراده نمودن تکامل می‌یابد. سپس مرحله ویگیانا ـ مایا یا شناخت برهمن پیش می‌آید که در آن ذهن و نشانه‌های حیات موجود زنده از خود موجود زنده متمایز می‌شود. مرحله بعد آناندا ـ مایا است که درک ماهیت شعف کامل خداون می‌باشد. بدین‌سان پنج مرحله شناخت برهمن وجود دارد که برهما پوچچهام خوانده می‌شوند. در میان اینها سه فقره اول یعنی آنا ـ مایا، پرانا ـ مایاو گیانا ـ مایا مربوط به میدان فعالیت موجودات زنده می‌شود. در ورای تمام این میدانهای فعالیت، خداوند متعال قرار دارد که آناندا ـ مایا خوانده می‌شود. ودانتا ـ سوترا نیز حق تعالی را با عبارت آ*ānanda-mayo 'bhyāsāt*توصیف می‌کند، یعنی شخصیت متعال خداوند ذاتاً مملو از شعف است و برای لذت بردن از شعف روحانیش، به صورت ویگیانا ـ مایا، پرانا ـ مایا، گیانا ـ مایا و آنا ـ مایا بسط می‌یابد. در میدان فعالیت، موجود زنده لذت‌برنده محسوب می‌گردد، و متمایز از او آناندا ـ مایا است. این بدان معناست که اگر موجود زنده تصمیم بگیرد در انطباق خویش با آناندا ـ مایا لذت ببرد، آن وقت کامل می‌شود. این تصویر حقیقی خداوند به عنوان داننده متعال میدان، موجود زنده یا داننده تابع، و ماهیت میدان فعالیت است. شخص باید در ودانتا ـ سوترا یا برهما ـ سوترا پیرامون این حقیقت جستجو کند.

در اینجا ذکر شده که اصول برهما ـ سوترا به طرز بسیار عالی بر اساس قوانین علت و معلول تنظیم گردیده است. بعضی از این سوتراها، یا کلمات قصار عبارتند از:

*na viyad aśruteḥ, nātmā śruteḥ, parāt tu tac-chruteḥ*

اولین کلام قصار میدان فعالیت را بیان می‌کند، دومین کلام بر موجود زنده دلالت دارد، و سومین کلام به خداوند متعال به عنوان سوموم بونوم (*summum bonum*) یا جوهر اصلی در بین تمام تجلیات موجودات گوناگون اشاره می‌کند.

## آیات ۷–۶

*mahā-bhūtāny ahaṅkāro*
*buddhir avyaktam eva ca*
*indriyāṇi daśaikaṁ ca*
*pañca cendriya-gocarāḥ*

*icchā dveṣaḥ sukhaṁ duḥkhaṁ*
*saṅghātaś cetanā dhṛtiḥ*
*etat kṣetraṁ samāsena*
*sa-vikāram udāhṛtam*

*mahā-bhūtāni*: عناصر بزرگ ـ *ahaṅkāraḥ*: منیت کاذب ـ *buddhiḥ*: شعور ـ *avyaktam*: تجلی‌نیافته ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *indriyāṇi*: حواس ـ *daśa-ekam*: یازده ـ *ca*: همچنین ـ *pañca*: پنج ـ *ca*: همچنین ـ *indriya-go-carāḥ*: محسوسات ـ *icchā*: خواسته ـ *dveṣaḥ*: تنفر ـ *sukham*: خوشبختی، لذت ـ *duḥkham*: محنت،

درد ـ *saṅghātaḥ*: مجموعه، کل ـ *cetanā*: نشانه‌های زندگی ـ *dhṛtiḥ*: اعتقاد ـ *etat*: همه این ـ *kṣetram*: میدان فعالیت ـ *samāsena*: به طور خلاصه ـ *sa—vikāram*: با فعل و انفعالات ـ *udāhṛtam*: با مثال فهمانده شده.

## ترجمه

**پنج عنصر بزرگ، منیت کاذب، شعور، آن تجلی نیافته، ده حواس و ذهن، پنج مفعول حواس، خواسته، تنفر، لذت، درد، این مجموعه، نشانه‌های حیات، و اعتقادات - همهٔ اینها به طور خلاصه میدان فعالیت و فعل و انفعالات آن محسوب می‌شوند.**

## شرح

طبق تمام اظهارات موثق حکمای بزرگ، سرودهای ودایی و کلمات قصار ودانتا ـ سوترا، اجزای تشکیل دهنده این جهان را می‌توان در موارد زیر برشمرد. خاک، آب، آتش، هوا و اتر پنج عنصر بزرگ (ماها ـ بهوتا) هستند. سپس منیت کاذب، شعور و مرحله تجلی‌نیافته سه گونهٔ طبیعت مادی وجود دارد. پس از آن اعضای حسی که پنج فقره آن مربوط به درک و دریافت دانش است یعنی چشم، گوش، بینی، زبان و پوست و پنج فقره حواس عمل کننده هستند یعنی دهان (قوه تکلم)، دست، پا، مقعد و آلت تناسلی. سپس در رأس حواس، ذهن وجود دارد که چون در درون واقع است می‌توان آن را حس درون خواند. بنابراین، به انضمام ذهن مجموعاً یازده حس وجود دارد. سپس پنج مفعول حسی یافت می‌شود که عبارتند از بو، مزه، شکل، مورد لمس و صوت. اکنون کل این بیست و چهار عنصر میدان فعالیت خوانده می‌شود. چنانچه انسان به مطالعه تحلیلی آنها بپردازد، آنگاه به خوبی می‌تواند میدان فعالیت را درک نماید. سپس خواسته، تنفر، لذت و درد وجود دارد که فعل و انفعالات و نمودهایی از پنج عنصر بزرگ در بدن زمخت می‌باشند. نشانه‌های حیات که به‌وسیله آگاهی و اعتقاد بروز می‌کنند تجلی بدن لطیف یعنی ذهن، منیت و شعورند که آنها نیز ضمیمه میدان فعالیت هستند.

پنج عنصر بزرگ مظهر زمخت منیت کاذبند، که به نوبه خود از مرحله نخستین منیت کاذب که اصطلاحاً ادراک مادی، یا تاماسا ـ بودهی، یعنی شعور در جهل، خوانده می‌شود متجلی می‌گردند. منیت کاذب، بیش از این، حالت تجلی نیافته سه گونهٔ طبیعت مادی را نمایان می‌کند. گونه‌های تجلی نیافته طبیعت مادی پرادهانا خوانده می‌شود.

کسی که بخواهد این بیست و چهار عنصر را مفصل و همراه با فعل و انفعالاتشان بشناسد باید این مطلب را با جزئیات بیشتری مطالعه نماید. در بهاگاواد-گیتا فقط خلاصه‌ای از آن ارائه گردیده است.

بدن مظهری از تمام این عوامل است، که تغییراتی به صورت شش مرحله زیر در آن صورت می‌گیرد: متولد می‌گردد، رشد می‌نماید، مدتی باقی می‌ماند، تولید مثل می‌کند، رو به اضمحلال می‌رود، و در مرحله آخر نابود می‌شود. بنابراین میدان، یک شیء مادی موقت است، برخلاف کشترا ـ گیا یعنی داننده و صاحب میدان.

## آیات ۱۲-۸

(۸)

*amānitvam adambhitvam*
*ahiṁsā kṣāntir ārjavam*
*ācāryopāsanaṁ śaucaṁ*
*sthairyam ātma-vinigrahaḥ*

(۹)

*indriyārtheṣu vairāgyam*

*anahaṅkāra eva ca*
*–janma-mṛtyu-jarā-vyādhi*
*duḥkha-doṣānudarśanam*

(۱۰)

*asaktir anabhiṣvaṅgaḥ*
*putra-dāra-gṛhādiṣu*
*nityaṁ ca sama-cittatvam*
*iṣṭāniṣṭopapattiṣu*

(۱۱)

*mayi cānanya-yogena*
*bhaktir avyabhicāriṇī*
*vivikta-deśa-sevitvam*
*aratir jana-saṁsadi*

(۱۲)

*adhyātma-jñāna-nityatvaṁ*
*tattva-jñānārtha-darśanam*
*etaj jñānam iti proktam*
*ajñānaṁ yad ato 'nyathā*

*amānitvam*: فروتنی ـ *adambhitvam*: فقدان کبر و غرور ـ *ahiṁsā*: عدم اعمال خشونت ـ *kṣāntiḥ*: شکیبایی ـ *ārjavam*: سادگی ـ *ācārya-upāsanam*: رفتن نزد یک پیر روحانی معتبر ـ *śaucam*: پاکیزگی ـ *sthairyam*: ثبات قدم ـ *ātma-vinigrahaḥ*: کنترل نفس ـ *indriya-artheṣu*: درباره حواس ـ *vairāgyam*: انقطاع ـ *anahaṅkāraḥ*: منیت کاذب نداشتن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *janma*: مربوط به تولد ـ *mṛtyu*: مرگ ـ *jarā*: پیری ـ *vyādhi*: و بیماری ـ *duḥkha*: مربوط به درد و محنت ـ *doṣa*: عیب و نقص ـ *anudarśanam*: ملاحظه کردن، مشاهده کردن ـ *asaktiḥ*: بدون دلبستگی بودن ـ *anabhiṣvaṅgaḥ*: بدون معاشرت بودن ـ *putra*: برای پسر ـ *dāra*: زن (همسر) ـ *gṛha-ādiṣu*: خانه، غیره ـ *nityam*: دائم ـ *ca*: همچنین ـ *sama-cittatvam*: تعادل و آرامش ـ *iṣṭa*: مطلوب ـ *aniṣṭa*: و نامطلوب ـ *upapattiṣu*: کسب‌کرده است ـ *mayi*: به من ـ *ca*: همچنین ـ *ananya-yogena*: به‌وسیله خدمت عابدانه خالص ـ *bhaktiḥ*: عشق و عبودیت ـ *avyabhicāriṇī*: بدون هیچ گونه وقفه ـ *vivikta*: تنها، یکه و تنها ـ *deśa*: مکانها ـ *sevitvam*: آرزو کردن، طلبیدن ـ *aratiḥ*: بدون دلبستگی بودن ـ *jana-saṁsadi*: به مردم به طور کلی ـ *adhyātma*: مربوط به ذات ـ *jñāna*: در دانش ـ *nityatvam*: ثبات ـ *tattva—jñāna*: مربوط به دانش حقیقت ـ *artha*: برای مقصود ـ *darśanam*: فلسفه ـ *etat*: همه این ـ *jñānam*: دانش ـ *iti*: بدین‌سان ـ *proktam*: اعلام شده ـ *ajñānam*: جهل ـ *yat*: آن که ـ *ataḥ*: از این ـ *anyathā*: دیگری.

## ترجمه

**فروتنی، تواضع، عدم اعمال خشونت، شکیبایی، سادگی، رفتن نزد یک پیر روحانی معتبر، خلوص و پاکی، ثبات، تسلط بر نفس، انقطاع از موضوعات ارضای حواس، نداشتن منیت کاذب، درک مصیبتهای تولد، مرگ، پیری و بیماری، عدم دلبستگی، رهایی از اسارت زن، فرزند، خانه و غیره، تعادل و آرامش فکری داشتن چه در وقایع خوشایند و چه ناگوار، عشق و عبودیت خالص و دائم به من، خلوت‌گزینی، جدایی از تودهٔ مردم، قبول**

**اهمیت خودشناسی، و جستجوی فلسفی پیرامون حقیقت مطلق – من اعلام می‌دارم که تمامی اینها دانش است و هر اصل دیگری بجز این اصول در مقولهٔ جهل و غفلت قرار دارد.**

## شرح

گاهی اوقات اشخاص کم‌شعور این راه دانش را اشتباهاً به منزله فعل و انفعال میدان فعالیت درک می‌کنند؛ اما در واقع این راه حقیقی دانش است. امکان نزدیک شدن به حقیقت مطلق از طریق این راه میسر می‌گردد. این موارد، همان گونه که قبلا بیان گردید، فعل و انفعالات عناصر بیست و چهار گانه نیست، بلکه در واقع راه رهایی از اسارت آن عناصر است. روح کالبد گرفته در اسارت بدن واقع شده که برای او پوششی محسوب می‌گردد که از بیست و چهار عنصر تشکیل شده است؛ و این راه دانش، همان گونه که در اینجا توصیف شد، راه خارج شدن از آن اسارت است. در میان تمام این توصیفات راه دانش، مهمترین نکته در اولین خط آیه یازدهم وصف شده است:*Mayi cānanya-yogena bhaktir avyabhicāriṇī*

راه دانش به خدمت عابدانه خالص خداوند می‌انجامد. بنابراین چنانچه کسی وارد خدمت روحانی خداوند نگردد و یا قادر نباشد به آن دست یابد، در آن وقت نوزده فقره دیگر ارزش خود را از دست می‌دهند. اما اگر کسی با آگاهی کامل به کریشنا به خدمت عابدانه بپردازد، نوزده فقره دیگر به خودی خود در او تکامل می‌یابند. همان گونه که در شریماد– بهاگاواتام (۱۲/۱۸/۵) آمده است:*yasyāsti bhaktir bhagavaty akiñcanā sarvair guṇais tatra samāsate surāḥ*

تمام صفات نیک دانش، در کسی که به مرحله خدمت عابدانه دست یافته است، متبلور می‌شود. اصل قبول پیر روحانی، همان گونه که در آیه هشتم ذکر شده، واجب است. این امر حتی برای کسی که راه خدمت عابدانه را در پیش می‌گیرد مهمترین اصل است. زندگی روحانی زمانی آغاز می‌گردد که انسان یک پیر روحانی معتبر و موثق را بپذیرد. شخصیت متعال خداوند، شری کریشنا، در اینجا به روشنی اعلام می‌دارد که این راه دانش راه حقیقی است. پس در واقع هر چیز دیگری که در ورای این راه دانش پندار گردد حماقت است.

اما درباره این دانش که در آیه حاضر مطرح شده، می‌توان موارد را به شرح زیر تجزیه و تحلیل نمود. فروتنی یعنی انسان نباید مشتاق باشد با مورد احترام واقع شدن از طرف دیگران ارضاء گردد. دیدگاه مادی از حیات ما را بسیار مشتاق می‌کند که از طرف دیگران مورد احترام قرار بگیریم، در حالی که از نقطه نظر شخصی که در دانش کامل واقع است – که می‌داند او این بدن نیست – هر چیزی، اعم از احترام یا بی‌احترامی، که مربوط به این بدن می‌شود بی‌فایده است. انسان نباید در آرزوی کسب این فریب مادی باشد. مردم تمایل بسیار دارند که به خاطر تقوا و پرهیزکاری و مذهبشان نام و آوازه کسب کنند و در نتیجه گاهی اوقات ملاحظه می‌کنیم که شخصی بدون درک اصول دین وارد فرقه‌های مذهبی‌ای می‌شود که واقعاً از اصول دینی پیروی نمی‌کنند و آنگاه می‌خواهد خود را به عنوان ارشاد کننده مذهبی نیز جلوه دهد. به این سبب، مواردی که در این آیه مورد مطالعه قرار می‌گیرد محک خوبی برای آزمایش پیشرفتهای روحانی حقیقی در فرد است.

به طور کلی عدم اعمال خشونت به معنی نکشتن و یا نابود نکردن بدن تلقی می‌شود، در حالی که در واقع عدم اعمال خشونت یعنی قرار ندادن دیگران در رنج و درد. عموم مردم به‌وسیله پوشش جهل و نادانی اسیر دیدگاهی مادی از حیات شده‌اند و لذا دائماً از دردهای مادی رنج می‌کشند. پس مادامی که انسان مردم را به دانش روحانی ارتقاء ندهد، در حال ارتکاب خشونت به آنهاست. شخص باید بکوشد به بهترین وجهی که می‌تواند دانش حقیقی را برای آگاهی و روشنی مردم در میانشان پخش کند تا توفیق ترک اسارت مادی را بیابند. این مفهوم واقعی عدم اعمال خشونت است.

شکیبایی یعنی توانایی تحمل اهانت و بی‌احترامی از جانب دیگران. زمانی که انسان در طلب کسب معرفت روحانی برمی‌آید با اهانت و بی‌احترامی بسیار زیادی از جانب دیگران مواجه خواهد شد؛ زیرا ساختار طبیعت مادی چنین اقتضا می‌کند. حتی پسر بچه پنج ساله‌ای همچون پراهلادا که مشغول کسب دانش روحانی بود، در معرض ضدیت پدر قرار گرفت. پدرش مخالف عشق

و عبودیت او بود و به طرق گوناگون کوشید که او را از بین ببرد؛ اما پراهلادا در قبال او شکیبایی به خرج داد. بنابراین به رغم موانع بسیار زیادی که ممکن است در راه پیشرفت در دانش روحانی وجود داشته باشد، ما باید شکیبا باشیم و با عزم راسخ به پیشرفت خود ادامه دهیم.

سادگی یعنی انسان بدون سیاست‌بازی آنقدر صادق باشد که بتواند حقیقت محض را حتی برای دشمن فاش کند. و اما درباره قبول پیر روحانی باید گفت که این امر واجب است، زیرا بدون تعلیمات پیر روحانی باصلاحیت، انسان نمی‌تواند در علم روحانی پیشرفت نماید. شخص باید باتواضع و فروتنی کامل نزد پیر روحانی برود و هر گونه خدمتی که لازم است به او انجام دهد تا رضایت او حاصل گردد. به تبع این امر است که پیر روحانی لطف و رحمت خود را نثار مرید می‌کند، او را تبرک و نعمت دانش حقیقی را به او اعطا می‌نماید. چون پیر روحانی معتبر و موثق نماینده کریشنا است، چنانچه لطف و رحمت خود را شامل حال شاگرد کند، باعث خواهد شد که سالک بی‌درنگ بدون دنبال کردن اصول تنظیم کننده پیشرفت کند. یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که دنبال کردن اصول تنظیم کننده، برای کسی که بدون قید و شرط به پیر روحانی خود خدمت نموده است، آسانتر خواهد شد.

خلوص و پاکی برای پیشرفت در زندگی روحانی واجب است. دو نوع پاکی وجود دارد: بیرونی و درونی. پاکی بیرونی یعنی استحمام کردن، اما برای پاکی درونی انسان باید همواره به یاد و در فکر کریشنا باشد و ذکر اسماء الهی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره را انجام دهد. این روش غبار انباشته شده بر آیینه ذهن را که به علت کارماهای گذشته پدید آمده است پاک می‌نماید.

ثبات یعنی مصمم بودن برای پیشرفت در زندگی روحانی. بدون چنین عزم راسخی انسان نمی‌تواند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای انجام دهد. تسلط بر نفس یعنی نپذیرفتن هرآنچه برای پیشرفت روحانی زیانبخش است. انسان باید به کنترل نفس عادت کند و هر چه را که مغایر با پیشرفت روحانی است رد نماید. این انقطاع واقعی است.

حواس چنان قوی هستند که همیشه مشتاق کامجویی‌اند. انسان نباید به خواسته‌های ارضای حواس که چندان هم لازم نیستند، جامه عمل بپوشاند. ارضای حواس فقط تا حدی ضروری است که بدن سالم نگاه داشته شود تا شخص بتواند وظایفش را برای پیشرفت در زندگی روحانی انجام دهد. مهمترین و غیر قابل کنترل‌ترین حس زبان است، و چنانچه شخص بتواند زبان را مهار نماید، آنگاه تسلط بر حواس دیگر به راحتی صورت خواهد گرفت. زبان دارای دو عملکرد چشیدن و ایجاد ارتعاشات صوتی است. پس برای مهار کردن زبان باید آن را تحت قاعده منظم به چشیدن باقیمانده خوراکی که به پیشگاه خداوند کریشنا تقدیم شده است و همچنین ذکر مانترای هاره کریشنا وادار نمود. در ارتباط با چشم باید گفت نباید به آن اجازه داده شود چیزی جز جمال الهی یا شکل روحانی کریشنا را ببیند. بدین ترتیب چشم کنترل خواهد شد. مشابهاً، گوش باید مشغول شنیدن درباره کریشنا باشد و بینی به بوئیدن گلهایی که به کریشنا پیشکش شده است. این است راه و روش خدمت عابدانه و می‌توان در این آیه ملاحظه نمود که بهاگاواد–گیتا صرفاً درصدد آموزش آن است. خدمت عابدانه تنها هدف اصلی است. مفسران نابخرد بهاگاواد–گیتا می‌کوشند که فکر خوانندگان را با موضوعات دیگر منحرف سازند، در حالی که در بهاگاواد–گیتا هیچ موضوع دیگری به جز خدمت عابدانه یا بندگی عاشقانه وجود ندارد.

منیت کاذب یعنی قبول این بدن به عنوان خویشتن حقیقی. وقتی انسان درک کند که بدن نیست بلکه روح است به درک منیت حقیقی دست می‌یابد. منیت وجود دارد ولی منیت کاذب محکوم است نه منیت حقیقی. در ادبیات ودایی (بریهاد ـ آرانیاکا اوپانیشاد ۱۰/۴/۱) گفته شده است: آهام‌براهماسمی یعنی من برهمن هستم، من روح هستم. این "من هستم"، یعنی درک خویشتن، حتی در مرحله رهایی یافته خودشناسی نیز همچنان وجود دارد. این درک "من هستم"، منیت است، اما وقتی درک "من هستم" در مورد بدن به کار رود، در این صورت منیت کاذب خوانده می‌شود و چنانچه درک درستی از ذات به دست دهد آن منیت حقیقی است. بعضی از فلاسفه انسان را ملزم به ترک منیت خود می‌کنند ولی این امر امکان‌پذیر نیست، زیرا منیت مترادف هویت است. چیزی که ما باید رها کنیم هویت کاذب یعنی یکی‌پنداشتن خود با بدن است.

انسان باید سعی کند رنج و مصیبتهای مربوط به تولد، پیری، بیماری و مرگ را درک نماید. در متون مختلف ودایی توصیفاتی از تولد وجود دارد. در شریماد- بهاگاواتام دنیای جنین در رحم مادر، دردهایش و غیره همگی به طرز بسیار واضحی شرح داده شده است. باید به درستی درک شود که متولد شدن بسیار دردناک است. ما به علت فراموشی دردی که درون رحم مادر کشیده‌ایم، در صدد یافتن هیچ گونه راه حلی برای رهایی از دایره تولد و مرگ برنمی‌آییم. مشابهاً در هنگام مرگ نیز انواع دردها وجود دارد، و آنها نیز در کتب مقدس ذکر شده‌اند. در مورد این موضوعات باید گفتگو کرد. و اما در ارتباط با بیماری و پیری باید گفت که همه تجربه کافی در مورد آنها دارند. هیچکس نمی‌خواهد بیمار یا پیر شود، اما آنها اجتناب ناپذیرند. مادامی که ما با توجه به مصائب تولد، پیری، بیماری و مرگ نظری بدبینانه نسبت به زندگی مادی حاصل نکرده‌ایم، هیچ انگیزه‌ای برای پیشرفت در زندگی روحانی در ما به وجود نخواهد آمد.

اما درباره عدم دلبستگی به فرزند، همسر و خانه باید متذکر شویم این بدان معنی نیست که انسان نباید هیچ گونه احساسی نسبت به آنان داشته باشد، زیرا آنها موارد طبیعی محبت و مهرورزی هستند. اما هنگامی که آنان موافق و مساعد پیشرفت روحانی نباشند بهتر است از آنها دل برید. بهترین روش برای دلپذیر نمودن کانون خانواده، کریشناآگاهی است. اگر انسان در آگاهی کامل به کریشنا باشد می‌تواند خانواده‌اش را قرین خوشبختی و سعادت کند، زیرا این روش آگاهی به کریشنا بسیار آسان است. فقط احتیاج به این دارد که انسان اسماء مقدس الهی یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره را ذکر نماید، باقیمانده خوراکی را که به خداوند کریشنا پیشکش شده است تناول نماید، درباره کتبی مانند بهاگاواد-گیتا و شریماد- بهاگاواتام به گفتگو بنشیند و خود را به پرستش آرچای خداوند بگمارد. این چهار فعالیت انسان را خوشبخت خواهد کرد. شخص باید افراد خانواده‌اش را به این طریق تعلیم دهد. افراد خانواده می‌توانند صبح و عصر بنشینند و باهم اسماء مقدس خداوند یعنی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره را ذکر نمایند. اگر انسان بتواند زندگی خانوادگیش را با پیروی از این چهار اصل، در جهت پرورش کریشنا آگاهی قالب‌ریزی نماید، در این صورت احتیاجی به تغییر موقعیت خود از زندگی خانوادگی به زندگی در مرحله انقطاع (؟) نخواهد بود. اما چنانچه زندگی خانوادگی برای پیشرفت روحانی مطلوب نباشد و با آن سازگاری نداشته باشد، در این صورت باید آن را ترک گفت. انسان باید آمادگی داشته باشد تا همه چیز خود را، همانند آرجونا، برای شناخت یا خدمت کریشنا قربانی نماید. آرجونا نمی‌خواست افراد خانواده‌اش را نابود کند، اما وقتی درک کرد که آنها مانعی در راه درک کریشنا هستند، تعلیمات کریشنا را پذیرفت، با آنان جنگید و همگی را کشت.

در کلیه شرایط، انسان باید عاری از دلبستگی به شادیها و رنجها باشد، زیرا هیچگاه نمی‌توان در این دنیا کاملا خوشبخت و یا کاملا دردمند بود. زندگی مادی توأم با شادی و غم است و همان گونه که در بهاگاواد-گیتا توصیه شده است، انسان باید بیاموزد که آنها را تحمل نماید. انسان هیچگاه قادر نیست از پیدایش و ناپدید شدن شادی و غم جلوگیری نماید، بنابراین باید به زندگی مادی دلبستگی نداشته باشد تا بدین ترتیب بتواند در هر دو حالت در تعادل و آرامش باقی بماند. قاعدتاً ما با کسب موارد مطلوب و خوشایند بسیار خوشحال، و در مواجهه با موارد نامطلوب و ناگوار بسیار ناراحت می‌شویم. اما چنانچه واقعاً در موقعیت روحانی قرار داشته باشیم این موارد ما را دچار تشویش و آشفتگی نخواهد کرد. برای رسیدن به این موقعیت ما باید به انجام خدمت عابدانه لاینقطع بپردازیم. خدمت عابدانه بدون انحراف به کریشنا یعنی وقف کردن خود در نه روش خدمت عابدانه – ذکر کردن، شنیدن، پرستش کردن، تقدیم احترام و غیره – همان گونه که در آخرین آیه فصل نهم توصیف شد. از آن روش باید پیروی گردد.

وقتی انسان با شیوه زندگی روحانی انطباق حاصل نمود، طبیعتاً تمایل به معاشرت با اشخاص مادی و دنیوی را از دست خواهد داد. در آن زمان انسان می‌تواند خود را به محک بزند و آزمایش کند که تا چه اندازه به زندگی در مکانی تنها و بدون معاشرت نامطلوب تمایل دارد. همچنین عابد شوق خود را برای انجام ورزشهای غیر لازم یا رفتن به سینما و یا شرکت در مهمانیها و اجتماعات نیز از دست می‌دهد، زیرا می‌داند که اینها صرفاً اتلاف وقت است. بسیاری از دانش‌پژوهان و فلاسفه هستند که

تحقیقات خود را پیرامون موضوعات مختلف – از جمله روابط جنسی – انجام می‌دهند، در حالی که از دیدگاه بهاگاواد–گیتا این گونه کارهای تحقیقاتی و پندارهای فلسفی فاقد ارزش است و کم و بیش پوچ و بی‌معنی به شمار می‌آیند. از دیدگاه بهاگاواد–گیتا انسان باید با بصیرت فلسفی درباره طبیعت روح به تحقیق بنشیند تا بتواند آن را درک نماید. این مطلب در اینجا توصیه شده است.

تا آنجا که به خودشناسی مربوط می‌شود، اینجا به وضوح بیان شده است که بخصوص بهاکتی- یوگا راهی بسیار عملی در این زمینه محسوب می‌شود. به محض اینکه مسئله عشق و عبودیت مطرح می‌شود، شخص باید رابطه بین روح متعال و روح فردی را مورد توجه قرار دهد. روح فردی و روح متعال نمی‌توانند یکی باشند، یعنی حداقل از دیدگاه بهاکتی که عشق و عبودیت و خدمت را برای زندگی در نظر دارد. خدمت روح فردی به روح متعال، همان گونه که به روشنی بیان شده است، ابدی یا نیتیام است؛ بدین لحاظ بهاکتی یا خدمت عابدانه نیز جاودان است. انسان باید در این اعتقاد فلسفی استوار و پابرجا باشد.

در شریماد- بهاگاواتام (۱۱/۲/۱) این مطلب توضیح داده شده است: *Vadanti tat tattva-vidas tattvaṁ yaj jñānam advayam*. "آن کسانی که واقعاً حقیقت مطلق را می‌شناسند می‌دانند که ذات مطلق، در سه وجه مختلف به نامهای برهمن، پاراماتما و بهاگاوان شناخته می‌شود." بهاگاوان کلام غایی در شناخت حقیقت مطلق است؛ بنابراین انسان باید به این مرحله از درک شخصیت اعلای خداوند نائل آید و بدین‌سان وجود خویش را وقف خدمت عاشقانه خداوند سازد. این کمال دانش است.

از آغاز تمرین فروتنی تا مرحله والای درک حقیقت متعال یعنی شخصیت مطلق الهی، این راه درست مانند پلکانی است که از طبقه همکف شروع می‌شود و تا بالاترین طبقه ادامه می‌یابد. حال اشخاص بسیاری هستند که بر این پلکان به طبقه اول، دوم یا سوم و غیره رسیده‌اند؛ اما تا وقتی انسان به بالاترین طبقه که درک کریشناست نرسیده باشد، به دانش کامل دست نیافته است. رقابت کردن با خداوند و در عین حال در جستجوی پیشرفت روحانی بودن چیزی جز ناکامی به بار نخواهد آورد. این امر به وضوح بیان شده است که بدون فروتنی امکان درک صحیح وجود نخواهد داشت. خود را خدا پنداشتن بزرگترین ادعای گزاف است. موجود زنده به رغم ضربات پی‌درپی از سوی قوانین سرسخت طبیعت مادی، باز هم به علت جهل و نادانی فکر می‌کند، "من خدا هستم". بنابراین آغاز دانش عبارت است از آمانیتوا یعنی فروتنی. انسان باید متواضع باشد و بداند که تابع و مطیع خداوند متعال است. انسان باید به این حقیقت آگاهی یابد و نسبت به آن اطمینان حاصل کند که به علت عصیان در برابر خداوند متعال، تحت انقیاد طبیعت مادی واقع می‌گردد.

## آیه ۱۳

*jñeyaṁ yat tat pravakṣyāmi*
*yaj jñātvāmṛtam aśnute*
*anādi mat-paraṁ brahma*
*na sat tan nāsad ucyate*

*jñeyam*: موضوع دانش (دانستنی) ـ *yat*: آنچه که ـ *tat*: آن ـ *pravakṣyāmi*: اکنون توضیح‌خواهم داد ـ *yat*: آنچه که ـ *jñātvā*: دانستن، شناختن ـ *amṛtam*: شهد ـ *aśnute*: شخص می‌چشد ـ *anādi*: بدون آغاز ـ *mat-param*: مطیع من، تابع من ـ *brahma*: روح ـ *na*: نه ـ *sat*: علت ـ *tat*: آن ـ *na*: و نه، هم نه ـ *asat*: معلول ـ *ucyate*: گفته شده است.

## ترجمه

**اکنون برایت موضوع دانش را توضیح خواهم داد که با شناخت آن جاودانگی را خواهی چشید. برهمن یا روح که بدون آغاز و تابع من است، ورای علت و معلول این دنیای مادی قرار دارد.**

## شرح

خداوند میدان فعالیت و داننده میدان، همچنین طریق شناخت داننده میدان فعالیت را توضیح داده است. اکنون موضوع دانش یعنی روح و روح متعال را به ترتیب توضیح می‌دهد. با شناخت داننده، یعنی هم روح و هم روح متعال، انسان می‌تواند شهد حیات را بچشد. در اینجا این مطلب یعنی جاودانگی موجود زنده، همان گونه که در فصل دوم توضیح داده شده، تصریح گردیده است. تاریخ بخصوصی وجود ندارد که از طریق آن زمان تولد جیوا مشخص شود. همچنین کسی نمی‌تواند تاریخ تجلی جیواتما را از خداوند متعال ردیابی نماید. بدین جهت او بدون آغاز است. ادبیات ودایی (کاتها اوپانیشاد ۱۸/۲/۱) این موضوع را چنین تصریح می‌کند:*na jāyate mriyate vā vipaścit* داننده بدن هیچگاه زاده نشده و هیچگاه نمی‌میرد، و او سرشار از دانش است.

خداوند به عنوان روح متعال در ادبیات ودایی نیز (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۱۶/۶) چنین توصیف‌شده است:*pradhāna-kṣetrajña-patir guṇeśaḥ*. خداوند به عنوان روح متعال، داننده اصلی بدن و ارباب سه گونهٔ طبیعت مادی است. در اسمریتی گفته شده است:*dāsa-bhūto harer eva nānyasvaiva kadācana*. موجودات زنده به طور ابدی در خدمت خداوند متعال هستند. خداوند چیتانیا نیز این موضوع را در تعالیمش تأیید نموده است. بنابراین توصیف برهمن که در این آیه ذکر شده، مربوط به روح فردی است، و هنگامی که واژه برهمن در مورد موجود زنده (روح) به کار برده می‌شود باید درک نمود که منظور ویگیانا ـ برهما است در مقابل آناندا ـ برهما. آناندا ـ برهما برهمن متعال یا شخصیت اعلای خداوند است.

## آیه ۱۴

*sarvataḥ pāṇi-pādaṁ tat*
*sarvato 'kṣi-śiro-mukham*
*sarvataḥ śrutimal loke*
*sarvam āvṛtya tiṣṭhati*

*sarvataḥ*: همه جا ـ *pāṇi*: دستها ـ *pādam*: پاها ـ *tat*: آن ـ *sarvataḥ*: همه جا ـ *akṣi*: چشمها ـ *śiraḥ*: سرها ـ *mukham*: صورتها ـ *sarvataḥ*: همه جا ـ *śruti-mat*: دارای گوشها ـ *loke*: در جهان ـ *sarvam*: همه چیز ـ *āvṛtya*: پوشاندن، در بر گرفتن ـ *tiṣṭhati*: وجود دارد.

## ترجمه

**دستها، پاها، سرها، صورتها، چشمها و گوشهای الهیش در همه جا هست. روح متعال بدین طریق در همه جا و همه چیز حضور دارد.**

## شرح

روح متعال یا شخصیت اعلای خداوند را می‌توان به خورشید که انوار نامحدودش را به هر سو منتشر می‌کند تشبیه کرد. او در سیمای ساری و جاری خود در همه جا حاضر است و تمام موجودات زنده منفرد، از اولین معلم بزرگ برهما گرفته تا مورچه کوچک، همه در او موجودیت دارند. موجودات زنده نامحدودی وجود دارند با تعداد بی‌شمار دست، پا، سر و چشم که موجودیت همگی آنان در روح متعال و متکی بر اوست. بنابراین روح متعال در همه جا پخش است. اما روح فردی نمی‌تواند ادعا نماید که دستها، پاها و چشمانش در همه جا گسترده است، زیرا این امکان ندارد. چنانچه موجود زنده فردی (روح فردی) تصور کند که در حال حاضر به علت نفوذ جهل و نادانی است که نسبت به نفوذ دستها و پاهایش در همه جا آگاه نیست، لیکن وقتی به دانش

کافی دست یافت به آن مرحله از آگاهی و ادراک خواهد رسید، در اندیشه‌اش دچار تناقض شده است. این بدان معناست که روح منفرد که با طبیعت مادی مقید شده است متعال نیست. متعال با روح فردی تفاوت دارد. خداوند متعال قادر است دستش را بدون حد بسط دهد، در حالی که روح فردی نمی‌تواند. خداوند در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که اگر کسی گل، میوه یا کمی آب به او پیشکش نماید می‌پذیرد. اگر خداوند در فاصله بسیار دوری قرار دارد چگونه می‌تواند چیزهایی را بپذیرد؟ این قدرت مطلق خداوند است: به رغم ثبوت خداوند در جایگاه ملکوتی واحدش که بسیار دور از این کره ارض است می‌تواند دستش را بسط دهد و پیشکش عابد را بپذیرد. این قدرت مطلق اوست. در برهما ـ سامهیتا (۳۷/۵) بیان شده است: *goloka eva nivasaty akhilātma-bhūtaḥ*. هرچند خداوند همواره به شئون الهیش در سیاره متعال مشغول است، با این وصف در همه جا ساری و جاری است. روح فردی نمی‌تواند ادعا کند که در همه جا پخش است. بنابراین آیه حاضر روح متعال یعنی شخصیت الهی را توصیف می‌نماید نه روح فردی را.

## آیه ۱۵

*sarvendriya-guṇābhāsaṁ*
*sarvendriya-vivarjitam*
*asaktaṁ sarva-bhṛc caiva*
*nirguṇaṁ guṇa-bhoktṛ ca*

*sarva*: همه ـ *ābhāsam*: منشأ اصلی ـ *guṇa*: مربوط به صفات یا کیفیات ـ *indriya*: حواس ـ *sarva*: مربوط به همه ـ *indriya*: حواس ـ *vivarjitam*: بودن بدون ـ *asaktam*: بدون دلبستگی ـ *sarva-bhṛt*: حافظ یا نگهدارنده همه کس ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *nirguṇam*: بدون کیفیات مادی ـ *guṇa-bhoktṛ*: ارباب گوناها (سه گونهٔ طبیعت مادی) ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**با اینکه روح متعال منشأ اصلی حواس تمام موجودات است، خود او فاقد حواس می‌باشد. هرچند او نگاهدارندهٔ تمام موجودات زنده است، اما فاقد دلبستگی است. او در عین حال که ورای گونه‌های طبیعت مادی است، ارباب تمامی آنها به شمار می‌آید.**

## شرح

خداوند متعال هرچند منشأ حواس تمام موجودات زنده است، اما حواس مادی مشابه آنان ندارد. در واقع ارواح فردی دارای حواس روحانی‌اند، لیکن در زندگی مقید با حجاب عناصر مادی پوشیده شده‌اند و بنابراین فعالیتهای حسی آنان از طریق ماده تجلی می‌کند. حواس خداوند متعال بدین گونه نیست و خالص و روحانی است، بنابراین نیرگونا خوانده می‌شود. گونا یعنی وجوه یا طبایع مادی؛ اما حواس خداوند بدون پوشش مادی است. باید درک نمود که حواس او به هیچ وجه همچون ما نیست. اگرچه او منشأ تمام فعالیتهای حسی ماست، اما دارای حواس روحانی خود می‌باشد که از هر نوع آلایش مادی مبری و منزه است. این مطلب در این آیه از شوتاشواتارا اوپانیشاد (۱۹/۳) به بهترین شکل توضیح داده شده است: *apāṇi-pādo javano grahītā* شخصیت اعلای خداوند دستهایی آلوده به ماده یا به عبارتی ساخته قانون طبیعت ندارد، با این وجود او دستهایی دارد که با آنها هر قربانی را که به او تقدیم شود می‌پذیرد. این تفاوت بین روح مقید و روح متعال است. خداوند فاقد چشم مادی است، اما چشم دارد – در غیر این صورت چگونه می‌توانست ببیند؟ او همه چیز را اعم از گذشته، حال و آینده می‌بیند. او درون قلب

موجود زنده زندگی می‌کند و نسبت به آنچه ما در گذشته انجام داده‌ایم، آنچه در حال حاضر انجام می‌دهیم و آنچه در آینده در انتظار ماست آگاهی دارد. این مطلب نیز در بهاگاواد-گیتا تأیید شده است: او به همه چیز داناست، لیکن هیچکس حقیقت او را نمی‌شناسد. گفته می‌شود خداوند متعال پاهایی همچون ما ندارد، اما می‌تواند در سراسر فضا سفر کند زیرا او دارای پاهای روحانی است. به عبارت دیگر، خداوند فاقد شخصیت نیست؛ بلکه دارا چشم، دست و پا می‌باشد و چون ما اجزاء و ذرات لاینفک اوییم ما نیز واجد این گونه حواسیم. اما دستها، پاها، چشمها و حواس او و همانند ما آلوده به ماده و یا ساخته قانون طبیعت نیست. همچنین بهاگاواد-گیتا تصریح می‌کند که وقتی خداوند ظهور می‌نماید، همان گونه که هست به‌وسیله نیروی درونیش ظاهر می‌گردد. او با انرژی مادی آلوده نمی‌شود، زیرا ارباب انرژی مادی است. در ادبیات ودایی این نکته تصریح گردیده است که بدن متعال او کاملا روحانی است. او دارای شکل جاودان خود، ساچ ـ چید ـ آناندا ـ ویگراها می‌باشد. او مالامال از توانگری است و مالک مطلق ثروت و صاحب کلیه نیروها و دارای شعور مطلق و مملو از دانش است. اینها برخی از نشانه‌های شخصیت متعال خداوند است. او نگاهدارنده تمام موجودات زنده و ناظر بر تمام فعالیتهای آنان است. تا آنجا که از متون مقدس ودایی درک می‌کنیم، خداوند متعال همواره روحانی است. هرچند ما نمی‌توانیم اعضای متعالش، یعنی سر، صورت، دست و پای او را مشاهده کنیم، با این وجود از آنها برخوردار است و هنگامی که ما به موقعیت روحانی ارتقاء یابیم قادر می‌گردیم جمال الهی و روحانی خداوند را رؤیت کنیم. در حال حاضر، ما به علت حواس آلوده مادی خود قادر نیستیم شکل روحانی خداوند را مشاهده کنیم. بدین لحاظ بی‌هویت‌گرایان که هنوز به وارستگی کامل از آلودگی مادی دست نیافته‌اند نیز نمی‌توانند شخصیت الهی خداوند را درک نمایند.

## آیه ۱۶

*bahir antaś ca bhūtānām*
*acaraṁ caram eva ca*
*sūkṣmatvāt tad avijñeyaṁ*
*dūra-sthaṁ cāntike ca tat*

*bahiḥ*: خارج، برون ـ *antaḥ*: داخل، درون ـ *ca*: همچنین ـ *bhūtānām*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *acaram*: ساکن ـ *caram*: متحرک ـ *eva*: همچنین ـ *ca*: و ـ *sūkṣmatvāt*: به سبب لطیف بودن ـ *tat*: آن ـ *avijñeyam*: غیر قابل شناخت ـ *dūra-stham*: بسیار دور ـ *ca*: همچنین ـ *antike*: نزدیک ـ *ca*: و ـ *tat*: آن.

## ترجمه

**حقیقت متعال در درون و برون تمام موجودات زنده، متحرک یا ساکن، وجود دارد. از آنجا که او لطیف است، ورای قدرت ادراک و شناخت حواس مادی قرار دارد. اگرچه او بسیار، بسیار دور است ولی به همه بسیار نزدیک نیز می‌باشد.**

## شرح

ما از ادبیات ودایی درک می‌کنیم که نارایانا، یعنی شخص متعال، در برون و درون هر موجود زنده‌ای سکنی دارد. او همزمان در دنیای مادی و عالم روحانی هر دو حضور دارد. در حقیقت، به رغم فاصله بسیار بعید، خداوند به ما بسیار نزدیک است. اینها اظهارات متون مقدس ودایی است.*Āsīno dūraṁ vrajati śayāno yāti sarvataḥ* (کاتها اوپانیشاد ۲۱/۲/۱) و چون او همواره مالامال از شعف روحانی است، نمی‌توانیم درک کنیم که چگونه از توانگری کاملش لذت می‌برد. ما با این حواس مادی

نمی‌توانیم مشاهده کنیم یا درک کنیم. بدین سبب در کلام ودایی گفته شده است که ذهن و حواس مادی ما قادر به درک خداوند نیست. اما کسی که ذهن و حواسش را در خدمت عابدانه به تمرین کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی مشغول و پاک نموده است می‌تواند دائماً خداوند را مشاهده کند. در برهما ـ سامهیتا تصریح شده آن عابدی که عشق خداوند متعال را در خود پرورش داده است می‌تواند او را همواره و بدون انقطاع ببیند. و همین مطلب در بهاگاواد–گیتا (۵۴/۱۱) تأیید شده است که فقط با خدمت عابدانه می‌توان او را درک و رؤیت نمود.*Bhaktyā tv ananyayā śakyaḥ*

## آیه ۱۷

*avibhaktaṁ ca bhūteṣu*
*vibhaktam iva ca sthitam*
*bhūta-bhartṛ ca taj jñeyaṁ*
*grasiṣṇu prabhaviṣṇu ca*

*avibhaktam*: بدون تقسیم ـ *ca*: همچنین ـ *bhūteṣu*: در تمام موجودات زنده ـ *vibhaktam*: تقسیم شده ـ *iva*: چنانکه گویی ـ *ca*: همچنین ـ *sthitam*: واقع شده ـ *bhūta—bhartṛ*: حافظ تمام موجودات زنده ـ *ca*: همچنین ـ *tat*: آن ـ *jñeyam*: باید درک شود ـ *grasiṣṇu*: بلعیدن ـ *prabhaviṣṇu*: پرورش دادن، گستراندن ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**هرچند به نظر می‌رسد روح متعال در بین تمام موجودات تقسیم شده است، اما او هیچگاه تقسیم نمی‌شود؛ او واحد و یکتاست. هرچند وی نگاهدارندهٔ همهٔ موجودات زنده است، ولی باید درک شود که او همه را می‌بلعد و می‌گستراند.**

## شرح

خداوند به صورت روح متعال در قلب همه موجودات قرار دارد. آیا این بدان معناست که اوتقسیم شده است؟ خیر. در واقع او یکی است. برای مثال خورشید را می‌توان در نظر گرفت: خورشید در نقطه معینی از نصف‌النهار واقع شده است. ولی اگر انسان مسافت زیادی را به هر سو بپیماید و بپرسد "خورشید کجاست؟" همه خواهند گفت که خورشید بالای سرشان است. این مثال در متون مقدس ودایی بیان می‌گردد تا نشان داده شود که اگرچه خداوند تقسیم نشده، اما طوری قرار گرفته که به نظر می‌رسد تقسیم شده است. همچنین در ادبیات ودایی گفته شده است که ویشنوی یگانه با قدرت متعال خود همه جا حضور دارد، همان گونه که از چشم اشخاص گوناگون به نظر می‌رسد که خورشید در نقاط بسیاری قرار دارد. و اما خداوند متعال هرچند حافظ همه موجودات زنده است، ولی همه چیز را در موعد انهدام می‌بلعد. این موضوع در فصل یازدهم، آنجا که فرمود آمده است تا تمام دلاوران را در کوروکشترا ببلعد، تأیید گردید. خداوند همچنین اظهار داشت که او به صورت زمان همه چیز را در کام خود فرو می‌برد. او منهدم کننده و کشنده همه است. هنگام آفرینش او همه را از حالت اولیه‌شان می‌گستراند و در زمان انهدام آنها را می‌بلعد. سرودهای روحانی ودایی بر این حقیقت تأکید می‌کنند که او منشأ همه موجودات زنده، قرارگاه و تکیه‌گاه همه است. پس از آفرینش، کل کائنات در قدرت مطلق او قرار دارد و پس از انهدام همه چیز دوباره رجعت می‌کند تا در او مأوی گزیند. اینها حقایقی است که در سرودهای ودایی تأیید شده است. *Yato vā imāni bhūtāni jāyante yena jātāni jīvanti yat prayanty abhisaṁ-viśanti tad brahma tad vijijñāsasva* (تایتیریا اوپانیشاد ۳/۱)

## آیه ۱۸

*jyotiṣām api taj jyotis*
*tamasaḥ param ucyate*
*jñānaṁ jñeyaṁ jñāna-gamyaṁ*
*hṛdi sarvasya viṣṭhitam*

*jyotiṣām*: در تمام اشیای نورانی ـ *api*: همچنین ـ *tat*: آن ـ *jyotiḥ*: منبع نور ـ *tamasaḥ*: ظلمت و تاریکی ـ *param*: ورای ـ *ucyate*: گفته شده است ـ *jñānam*: دانش ـ *jñeyam*: باید شناخته شود ـ *jñāna-gamyam*: باید به‌وسیله دانش به آن نزدیک شد ـ *hṛdi*: در قلب ـ *sarvasya*: مربوط به همه کس ـ *viṣṭhitam*: واقع شده.

## ترجمه

**او سرچشمهٔ نور در تمام اجسام نورانی، در ورای تاریکی ماده، و تجلی نیافته است. دانش، موضوع دانش و هدف دانش هم اوست. او در قلب همه قرار دارد.**

## شرح

روح متعال، شخصیت اعلای خداوند، سرچشمه نور در تمام اجسام نورانی همچون خورشید، ماه و ستارگان می‌باشد. ما از طریق ادبیات ودایی اطلاع می‌یابیم که در ملکوت روحانی هیچ گونه احتیاجی به خورشید یا ماه نیست، زیرا آنجا درخشندگی بیکران خداوند متعال وجود دارد. در دنیای مادی تشعشعات روحانی خداوند یعنی برهماجیوتی به‌وسیله ماهات ـ تاتوا یعنی عناصر مادی پوشیده شده است؛ بدین سبب در این دنیای مادی، برخلاف دنیای روحانی، برای روشنایی نیاز به مساعدت خورشید، ماه، الکتریسیته و غیره داریم. در ادبیات ودایی به طرز واضحی بیان گردیده که به سبب تشعشع نورانی حق تعالی است که همه چیز روشن شده است. بنابراین پرواضح است که جایگاه خداوند در دنیای مادی نیست. او در عرصه روحانی در فاصله‌ای بسیار دور در آسمان روحانی قرار دارد. این مطلب نیز در ادبیات ودایی تأیید شده است.*Āditya—varṇaṁ tamasaḥ parastāt* (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۸/۳) او درست همچون خورشید به طور جاودان نورانی است، لیکن بسیار بسیار دور در ورای ظلمات این دنیای مادی قرار دارد.

دانش او متعال است. ادبیات ودایی تأیید می‌کند که برهمن عبارت است از دانش خالص متعال به صورت فشرده. برای کسی که مشتاق نیل به ملکوت روحانی است، دانش لازم از طرف خداوند متعال که درون همه قرار دارد اعطاء می‌شود. یک مانترای ودایی (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۱۸/۶) می‌گوید: *taṁ ha devam ātma-buddhi-prakāśaṁ mumukṣur vai śaraṇam ahaṁ prapadye*.چنانچه انسان واقعاً خواسته رهایی داشته باشد، باید به شخصیت متعال خداوند تسلیم شود. در رابطه با هدف نهایی دانش باید گفت که آن نیز در ادبیات ودایی تأیید شده است:*tam eva viditvāti mṛtyum eti* . "انسان فقط با شناخت خداوند می‌تواند از دایره تولد و مرگ بگذرد." (شوتاش واتارا اوپانیشاد ۳/۸) خداوند به عنوان کنترل کننده متعال در قلب همه قرار دارد. او دارای پاها و دستهایی است که همه جاپخش شده است، در حالی که این امر درباره روح منفرد صدق نمی‌کند. لذا باید این حقیقت که دو داننده میدان فعالیت یعنی روح فردی و روح متعال وجود دارد پذیرفته شود. دستها و پاهای انسان محدود به مکان خاص است، در حالی که دستها و پاهای متعال کریشنا همه جا گسترده است. این حقیقت در شوتاش واتارا اوپانیشاد (۱۷/۳) تأیید شده است:*sarvasya prabhum īśānaṁ sarvasya śaraṇaṁ bṛhat* . شخصیت اعلای خداوند یعنی روح متعال، پرابهو یا ارباب همه موجودات زنده است؛ بدین سبب او ملجأ نهایی و مأمن غایی تمامی آنهاست. پس نمی‌توان این حقیقت را انکار نمود که روح متعال و روح منفرد همواره متفاوتند.

## آیه ۱۹

*iti kṣetraṁ tathā jñānaṁ*
*jñeyaṁ coktaṁ samāsataḥ*
*mad-bhakta etad vijñāya*
*mad-bhāvāyopapadyate*

*iti*: بدین‌سان ـ *kṣetram*: میدان فعالیت (بدن) ـ *tathā*: همچنین ـ *jñānam*: دانش ـ *jñeyam*: موضوع دانش (دانستنی) ـ *ca*: همچنین ـ *uktam*: توصیف شده ـ *samāsataḥ*: به طور خلاصه ـ *mat—bhaktaḥ*: عابد من ـ *etat*: همه اینها ـ *vijñāya*: پس از درک ـ *mat-bhāvāya*: به طبیعت من ـ *upapadyate*: نائل می‌گردد.

### ترجمه

**بدین‌سان میدان فعالیت [بدن]، دانش، و موضوع دانش را به طور خلاصه توصیف کردم. بـه راسـتی فقـط عابدان من می‌توانند به درستی این حقایق را درک نمایند و بدین ترتیب به طبیعت من نائل گردند.**

### شرح

خداوند به طور خلاصه بدن، دانش، و موضوع دانش را توصیف کرده است. این دانش شامل سه عامل است: داننده، موضوع دانش (دانستنی)، و روش شناختن که مجموعه آنها ویگیانا یا علم شناخت خوانده می‌شود. دانش کامل به‌وسیله مریدان خالص خداوند مستقیماً قابل درک است، در حالی که دیگران قادر به این امر نیستند. پیروان نحله وحدت وجود معتقدند در مرحله نهایی این سه عامل یکی می‌گردد، در حالی که عابدان این بینش را نمی‌پذیرند. دانش و تکامل دانش یعنی درک خویشتن حقیقی در آگاهی به کریشنا. ما اکنون تحت هدایت آگاهی مادی قرار گرفته‌ایم، اما به محض آنکه تمام توجه و آگاهی خود را به فعالیتهای کریشنا معطوف کنیم و درک نماییم که کریشنا همه چیز است، آنگاه به دانش حقیقی نائل می‌گردیم. به عبارت دیگر، دانش چیزی نیست جز مرحله ابتدایی درک کامل خدمت عابدانه. این موضوع به روشنی در فصل پانزدهم توضیح داده خواهد شد.

اینک به طور خلاصه می‌توان درک نمود که در آیات ۶ و ۷، از آغاز واژه‌های *mahā-bhūtāni* تا *cetanā dhṛtiḥ* ، تجزیه و تحلیل عناصر مادی و تجلیات معین نشانه‌های حیات صورت می‌گیرد، که از ترکیب این عناصر، بدن یا میدان فعالیت تشکیل می‌گردد. سپس در آیات ۸ تا ۱۲، از *amānitvam* تا *tattva-jñānārtha-darśanam* ، راه دانش برای درک هر دو گونه دانده میدان فعالیت، یعنی روح منفرد و روح متعال، توصیف می‌گردد. پس از آن آیات ۱۳ تا ۱۸، از آغاز *anādi mat-param* تا *hṛdi sarvasya viṣṭhitam* ، به توصیف روح و خداوند متعال یا روح متعال می‌پردازد.

بدین ترتیب سه مطلب توصیف گردیده است: میدان فعالیت (بدن)، راه ادراک، و هر دو روح یعنی روح منفرد و روح متعال. اینجا بخصوص این نکته بیان گردیده که فقط عابدان خالص خداوند می‌توانند این سه موضوع را به روشنی درک کنند. بنابراین بهاگاواد–گیتا برای چنین عابدانی کاملا مفید و سودمند است و لذا آنان هستند که می‌توانند به هدف اعلی یعنی طبیعت خداوند متعال کریشنا نائل گردند. به بیان دیگر، فقط مریدان خدا و نه دیگران، می‌توانند بهاگاواد–گیتا را درک کنند و به نتیجه مطلوب دست یابند.

## آیه ۲۰

*prakṛtiṁ puruṣaṁ caiva*

*viddhy anādī ubhāv api*
*vikārāṁś ca guṇāṁś caiva*
*viddhi prakṛti-sambhavān*

*prakṛtim*: طبیعت مادی ـ *puruṣam*: موجودات زنده ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *viddhi*: تو باید بدانی ـ *anādī*: بدون آغاز ـ *ubhau*: هر دو ـ *api*: همچنین ـ *vikārān*: تغییرات ـ *ca*: همچنین ـ *guṇān*: سه گونهٔ طبیعت ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *viddhi*: بدان ـ *prakṛti*: طبیعت مادی ـ *sambhavān*: حاصل شده از.

## ترجمه

**باید درک گردد که طبیعت مادی و همچنین موجودات زنده آغازی ندارند. تغییرات آنها و سه گونه ناشی از طبیعت مادی است.**

## شرح

طبق دانش عرضه شده در این فصل انسان می‌تواند بدن (میدان فعالیت) و دانندگان بدن (هم روح فردی و هم روح متعال) را بشناسد. بدن میدان فعالیت و از عناصر طبیعت مادی تشکیل شده است. و اما روح فردی که در قالب کالبد جسمانی قرار می‌گیرد و از فعالیتهای بدن لذت می‌برد، پوروشا یا موجود زنده است. روح فردی یکی از دانندگان را تشکیل می‌دهد که دیگری روح متعال می‌باشد. البته باید درک نمود که هم روح فردی و هم روح متعال هر دو تجلیات مختلفی از شخصیت اعلای پروردگارند. موجود زنده در زمره انرژی خداوند و روح متعال در رده بسط شخصیش قرار دارد.

باید در نظر داشت هم طبیعت مادی و هم موجود زنده جاودان هستند؛ بدین معنی که آنان قبل از آفرینش و تجلی این عالم کائنات نیز وجود داشته‌اند. منشأ هر دو آنان انرژی خداوند متعال است: طبیعت مادی از انرژی فروتر خداوند و موجودات زنده از انرژی برتر او. طبیعت مادی که در شخصیت متعال خداوند یعنی ماها ـ ویشنو نهفته است در موعد لازم از طریق عامل ماهات ـ تاتو متجلی می‌گردد. مشابهاً موجودات زنده نیز در او هستند، و اما چون مقیدند، موافق خدمت به خداوند متعال نیستند. چنین است که اجازه ورود به آسمان روحانی به آنها داده نمی‌شود. پس از متجلی شدن طبیعت مادی دوباره فرصتی در اختیار موجودات زنده نهاده می‌شود که در دنیای مادی به عمل پرداخته و خود را برای رهایی از زنجیرهای اسارت و ورود به ملکوت روحانی آماده سازند. این راز خلقت مادی است. در واقع موجود زنده در اصل ذره‌ای لاینفک از خداوند متعال است، اما به علت طبع طغیانگر و متمردانه‌اش در طبیعت مادی اسیر و مقید شده است. به راستی مهم نیست که چگونه این موجودات زنده یا اجزاء و انرژی برتر خداوند در تماس با طبیعت مادی قرار گرفته‌اند. لیکن شخصیت اعلای خداوند می‌داند که واقعاً چگونه و چرا این امر صورت گرفته است. در کتب مقدس خداوند می‌فرماید آنان که مجذوب این طبیعت مادی شده‌اند تلاش سختی را برای حیات متحمل می‌شوند. ولی با اطمینان از توصیفات این چند آیه ما باید بدانیم که تمام تحولات و تأثیرات طبیعت مادی که حاصل سه وجه آن (سه گونه) می‌باشد نیز محصولات خود طبیعت مادی‌اند. تمام تحولات و تنوعات موجودات زنده ناشی از بدن مادی آنهاست، چون تا آنجا که به روح مربوط می‌شود تمام موجودات زنده یکسانند.

## آیه ۲۱

*kārya-kāraṇa-kartṛtve*
*hetuḥ prakṛtir ucyate*
*puruṣaḥ sukha-duḥkhānāṁ*
*bhoktṛtve hetur ucyate*

*kārya*: مربوط به معلول ـ *kāraṇa*: و علت ـ *kartṛtve*: درباره خلقت ـ *hetuḥ*: ابزار، وسیله ـ *prakṛtiḥ*: طبیعت مادی ـ *ucyate*: گفته می‌شود (چنین است) ـ *puruṣaḥ*: موجود زنده ـ *sukha*: مربوط به خوشبختی، لذت ـ *duḥkhānām*: و بدبختی و رنج ـ *bhoktṛtve*: در لذت ـ *hetuḥ*: ابزار، وسیله ـ *ucyate*: گفته می‌شود (چنین است).

## ترجمه

**گفته می‌شود که طبیعت، علت تمامی علل و معلولات مادی است، در حالی که موجود زنده علت رنجها و لذتهای گوناگونی است که در این جهان نصیبش می‌شود.**

## شرح

طبیعت مادی منشأ انواع گوناگون بدن و حواس موجودات زنده است. ۴/۸۰۰/۰۰۰ نوع شکل مختلف حیات وجود دارد و طبیعت مادی این تنوعات را خلق می‌کند. این انواع حیات از تمایل موجود زنده به لذات حسی مختلف، که بدین‌سان آرزوی زندگی کردن در این یا آن بدن را دارد، پدید می‌آید. بدین ترتیب هنگامی که گوهر روحانی موجود زنده در کالبدهای جسمانی مختلف قرار داده می‌شود از انواع مختلف لذت و درد بهره‌مند می‌گردد. شادی و غم مادی او به علت بدن است و نه به علت خویشتن حقیقیش همان گونه که واقعاً هست. موجود زنده در حالت فطریش بی‌شک در سرور و لذت قرار دارد که این حالت حقیقیش است. او به علت خواسته برای خدایی کردن بر طبیعت مادی است که در دنیای مادی قرار می‌گیرد. در عالم روحانی که پاک و منزه است اثری از چنین خواسته‌ای وجود ندارد. در عالم خاکی همه سخت می‌کوشند تا لذات گوناگونی را برای بدن کسب کنند. شاید واضحتر باشد که بگوییم این بدن حاصل حواس است که خود حواس به مثابه ابزاری برای ارضای خواسته‌هاست. اینک، این طبیعت مادی است که کل مجموعه – یعنی بدن و حواس که به مثابه ابزارند – را در اختیار ما می‌نهد. همان گونه که در آیه بعد روشن خواهد شد موجود زنده طبق آرزوها و اعمال گذشته‌اش تحت شرایط خاصی از زندگی یا اقامتگاه مخصوصی قرار داده می‌شود که بر اساس آن مورد لطف یا لعن قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در واقع خود موجود زنده باعث نیل به چنین اقامتگاهها و لذت و رنج ناشی از آن می‌باشد. او هر بار با قرار گرفتن در بدن خاصی، تحت تسلط طبیعت قرار می‌گیرد، زیرا بدن که مادی است طبق قوانین طبیعت عمل می‌کند. در این زمان، موجود زنده دیگر قدرتی برای تغییر این قانون ندارد. چنانچه موجودی کالبد سگ به خود بگیرد، ناگزیر باید مانند سگ رفتار کند. نمی‌تواند به صورت دیگری عمل کند. یا چنانچه موجود زنده در بدن خوک قرار داده شود، آنگاه مجبور است مدفوع و کثافت بخورد و مانند خوک رفتار کند. به همین ترتیب، چنانچه موجود زنده در بدن فرشته‌ای قرار داده شود باید طبق بدنش عمل کند. این قانون طبیعت است. لیکن در تمام شرایط روح متعال همراه با روح منفرد می‌باشد. این مطلب در وداها (مونداکا اوپانیشاد ۳/۱/۱) بدین گونه توضیح داده شده است:*dvā suparṇā sayujā sakhāyaḥ* . خداوند متعال چنان نسبت به موجود زنده مهربان است که همواره در تمام شرایط، به صورت روح متعال یا پاراماتما، همراه روح منفرد است.

## آیه ۲۲

*puruṣaḥ prakṛti-stho hi*
*bhuṅkte prakṛti-jān guṇān*
*kāraṇaṁ guṇa-saṅgo 'sya*
*sad-asad-yoni-janmasu*

*puruṣaḥ*: موجود زنده ـ *prakṛti-sthaḥ*: در انرژی مادی واقع می‌شود ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *bhuṅkte*: لذت می‌برد، بهره‌مند می‌شود ـ *prakṛti—jān*: تولید شده به‌وسیله طبیعت مادی ـ *guṇān*: گونه‌های طبیعت ـ *kāraṇam*: علت ـ *guṇa-saṅgaḥ*: معاشرت با گونه‌های طبیعت ـ *asya*: مربوط به موجود زنده ـ *sat-asat*: در خوب و بد ـ *yoni*: گونه‌های حیاتی ـ *janmasu*: در تولدها.

## ترجمه

**بدین‌سان، موجود زنده در دامان طبیعت مادی، با بهره‌مند شدن از سه گونهٔ طبیعت، اَشکال مختلف زندگی را تجربه می‌کند. این به علت معاشرت او با طبیعت مادی است. بدین ترتیب او در انواع گونه‌های حیاتی با خیر و شر روبرو می‌گردد.**

## شرح

این آیه برای آنکه درک کنیم چگونه کالبد جسمانی موجود زنده تغییر می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. در فصل دوم توضیح داده شد که همان گونه که انسان لباس یا جامه خود را عوض می‌کند، موجود زنده نیز از بدنی به بدن دیگر تغییر کالبد می‌دهد. در حقیقت این تغییر لباس (کالبد جسمانی) به علت دلبستگیش به زندگی مادی است و مادامی که مجذوب و فریفته عالم فانی کاذب است باید به این گردش جامه به جامه ادامه دهد. در واقع او به علت آرزوی حکمرانی و خدایی کردن بر طبیعت مادی در چنین شرایط نامطلوبی قرار می‌گیرد. موجود زنده، تحت تأثیر خواسته‌های مادی است که گاهی اوقات به صورت فرشته، انسان، چهارپا، پرنده، کرم، حیوان آبزی، حشره یا انسان مقدس تولد می‌یابد. و در تمام موارد، موجود زنده تحت تأثیر توهم چنین می‌پندارد که ارباب شرایط خویش است در حالی که در واقع تحت سلطه و سیطره طبیعت مادی قرار دارد.
آیه حاضر چگونگی اختصاص یافتن بدنهای مختلف به موجود زنده را تشریح می‌کند. علت این امر معاشرت با وجوه سه گانه طبیعت است. بنابراین، انسان باید به ورای سه گونهٔ طبیعت مادی دست یابد و در موقعیت روحانی قرار گیرد. این مرحله، کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی خوانده می‌شود. مادامی که انسان در آگاهی به کریشنا قرار نگیرد، آگاهی مادیش او را وادار خواهد نمود که از یک بدن به بدن دیگری انتقال یابد، زیرا او از زمانهای بسیار کهن آرزوهای مادی را در دل انباشته است. لیکن او باید بی‌درنگ این بینش را تغییر دهد. این تغییر تنها از طریق شنیدن از مراجع موثق امکان‌پذیر است. بهترین نمونه در اینجا، به‌وسیله آرجونا که علم معرفت خدا را از شخص کریشنا می‌شنود، داده شده است. چنانچه موجود زنده تسلیم این روش شنیدن گردد، آرزوی کهن و محبوب خود یعنی تسلط بر طبیعت مادی را از دست خواهد داد، و تدریجاً به همان نسبت که از شدت آرزوی دیرینه‌اش برای حکمرانی و خدایی کردن کاسته می‌گردد، از خوشبختی روحانی بهره‌مند می‌شود. در یک مانترای ودایی گفته شده است به همان اندازه که او در معاشرت با شخصیت اعلای خداوند به دانش دست می‌یابد، به همان نسبت از برکات کامله حیات جاودان مملو از شعف خود لذت می‌برد.

## آیه ۲۳

*upadraṣṭānumantā ca*
*bhartā bhoktā maheśvaraḥ*
*paramātmeti cāpy ukto*
*dehe 'smin puruṣaḥ paraḥ*

*upadraṣṭā*: ناظر ـ *anumantā*: اجازه دهنده ـ *ca*: همچنین ـ *bhartā*: ارباب ـ *bhoktā*: لذت‌برنده متعال ـ -*mahā* *īśvaraḥ*: خداوند متعال ـ *parama-ātmā*: روح متعال ـ *iti*: همچنین ـ *ca*: و ـ *api*: در واقع، به راستی ـ *uktaḥ*: گفته شده است ـ *dehe*: در بدن ـ *asmin*: این ـ *puruṣaḥ*: لذت‌برنده ـ *paraḥ*: متعال، روحانی.

## ترجمه

**لیکن در بدن لذت‌برندهٔ دیگری که ورای ماده واقع شده است نیز حضور دارد. هم او خداوند، صاحب متعال، ناظر و اجازه‌دهنده است که روح متعال نام دارد.**

## شرح

در آیه حاضر بیان گردیده که روح متعال یا همراه همیشگی روح فردی، مظهر خداوند متعال است. روح متعال با گوهر روح موجود زنده تفاوت دارد. چون فلاسفه وحدت وجودی، می‌پندارند که داننده بدن یکی بیش نیست، گمان می‌کنند که هیچ گونه تفاوتی بین روح متعال و روح منفرد وجود ندارد. برای روشن کردن این مطلب خداوند می‌فرماید که او به صورت پاراماتما در تمام بدنها حضور و با روح فردی تفاوت دارد؛ او پارا یعنی متعال است. روح منفرد از فعالیتهای میدان بخصوصی (کالبد جسمانی خاصی) لذت می‌برد، در حالی که روح متعال به عنوان لذت‌برنده محدود و یا به عنوان کسی که دست به فعالیتهای بدنی می‌زند حضور ندارد، بلکه به عنوان شاهد، ناظر، اجازه‌دهنده و لذت‌برنده متعال است. نام او پاراماتما است، نه آتما، و او متعال است. این امر کاملا روشن است که آتما و پاراماتما متفاوتند. روح متعال یعنی پاراماتما همه جا دارای دستها و پاهایی است، در حالی که روح منفرد چنین نیست. و چون پاراماتما کسی جز خداوند متعال نمی‌باشد، در درون فرد به منظور تصویب و صحه گذاردن بر آرزوهای روح منفرد برای لذات مادی حضور دارد. بدون تصویب روح متعال، روح منفرد قادر به انجام هیچ کاری نیست. روح فردی (*bhukta*) یعنی حمایت شده و خداوند (*bhoktā*) یعنی حامی است. بینهایت موجود زنده وجود دارد که خداوند به صورت دوست در هر کدام از آنها واقع شده است.

حقیقت این است که موجود زنده منفرد به طور ابدی جزء و ذره‌ای لاینفک از خداوند متعال است، رابطه عمیق دوستانه‌ای آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. اما موجود زنده این تمایل را دارد که حکم خداوند متعال را رد کند و به منظور کوشش برای مسلط شدن بر طبیعت مستقلا عمل نماید، و به دلیل این تمایل انرژی حاشیه‌ای خداوند خوانده می‌شود. گوهر روحانی موجود زنده می‌تواند یا در انرژی مادی و یا در انرژی روحانی قرار گیرد. تا وقتی مقید به اسارت نیروی مادی است، خداوند متعال به عنوان دوست، یعنی روح متعال، فقط برای اینکه او را به انرژی روحانی بازگرداند همراه او می‌ماند. خداوند همواره مشتاق است که او را به انرژی روحانی بازگرداند، اما موجود زنده فردی به علت استقلال جزئیش دائماً معاشرت نور روحانی را رد می‌کند. این سوءاستفاده از اختیار جزئیش باعث تقلای مادی او در طبیعت مقید شده است. بدین سبب، خداوند همواره از درون و برون مشغول تعلیم و هدایت می‌باشد. قادر مطلق از برون، از طریق آموزشهایی که در بهاگاواد–گیتا بیان شده است، تعلیم می‌دهد و از درون می‌کوشد موجود زنده را متقاعد سازد که فعالیتهایش در عرصه مادی به خوشبختی حقیقی نمی‌انجامد. خداوند می‌فرماید: "فقط آن را رها کن و به من ایمان آور. آنگاه خوشبخت خواهی شد." در نتیجه شخص خردمند که ایمانش را بر پاراماتما یا شخصیت اعلای خداوند قرار می‌دهد، شروع می‌کند به پیشرفت به سوی یک حیات جاودان مملو از شعف و دانش.

## آیه ۲۴

*ya evaṁ vetti puruṣaṁ*
*prakṛtiṁ ca guṇaiḥ saha*
*sarvathā vartamāno 'pi*

*na sa bhūyo 'bhijāyate*

*yaḥ*: هر کسی که ـ *evam*: بدین‌سان ـ *vetti*: درک نماید ـ *puruṣam*: موجود زنده ـ *prakṛtim*: طبیعت مادی ـ *ca*: و ـ *guṇaiḥ*: گونه‌های طبیعت مادی ـ *saha*: با ـ *sarvathā*: در هر وضع ـ *vartamānaḥ*: واقع شدن ـ *api*: به رغم ـ *na*: هرگز ـ *saḥ*: او ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *abhijāyate*: تولد می‌یابد.

## ترجمه

**آن کس که این فلسفهٔ مربوط به طبیعت مادی، موجود زنده (روح) و فعل و انفعالات گونه‌هـای طبیعـت را درک نماید قطعاً به رهایی می‌رسد. وی قطع نظر از موقعیت کنونیش دوباره در اینجا تولد نخواهد یافت.**

## شرح

داشتن ادراک روشن از طبیعت مادی، روح متعال، روح فردی و رابطه آنها با یکدیگر، انسان را شایسته آن می‌سازد که به مرتبه رهایی و استخلاص دست یابد و بی‌آنکه مجبور باشد به این طبیعت مادی بازگشت نماید به ملکوت روحانی رجعت کند. این ثمره دانش است. مقصود دانش درک روشن و مشخص این موضوع است که موجود زنده به گونه‌ای به درون این موجودیت مادی فروافتاده است و لذا باید با همت، سعی و کوشش خویش در معاشرت با مراجع موثق، اشخاص مقدس و یک پیر روحانی، موقعیت خود را درک نماید و سپس با درک بهاگاواد–گیتا همان گونه که شخصیت اعلای خداوند توضیح فرموده است به آگاهی روحانی یا کریشنا آگاهی بازگردد. آنگاه او قطعاً از تولد مجدد در این موجودیت مادی همواره ایمن خواهد شد و به منظور برخوردار شدن از برکات کامله حیات سرمدی و مملو از شعف و دانش به عالم روحانی انتقال خواهد یافت.

## آیه ۲۵

*dhyānenātmani paśyanti*
*kecid ātmānam ātmanā*
*anye sāṅkhyena yogena*
*karma-yogena cāpare*

*dhyānena*: به‌وسیله مدی‌تیشن ـ *ātmani*: درون ذات ـ *paśyanti*: می‌بینند ـ *kecit*: بعضی ـ *ātmānam*: روح متعال ـ *ātmanā*: به‌وسیله ذهن ـ *anye*: دیگران ـ *sāṅkhyena*: مربوط به مباحثه فلسفی ـ *yogena*: به‌وسیله روش یوگا ـ *karma—yogena*: به‌وسیله فعالیتهایی که عاری ازخواسته‌های ثمرجویانه است ـ *ca*: همچنین ـ *apare*: دیگران.

## ترجمه

**برخی روح متعال را در درون خود از طریق مدی‌تیشن، بعضی به‌وسیلهٔ کسب دانش و برخی دیگر به‌وسیلهٔ کار بدون خواسته برای اجر و ثمر مشاهده می‌کنند.**

## شرح

خداوند آرجـونا را مطلـع می‌سازد که ارواح مقید را، تا آنجا که جستجوی انسان برای خودشـناسی مطـرح است، می‌توان به دو دسـته تقسیم نمود. آنان که خدانشناسند، آنان که خدا را غیر قابل ادراک می‌دانـنـد و همـچـنین آنان که شکاک هستند، در آن سوی وادی ادراک روحانی‌اند. اما دیگـرانی هستـند که به معرفت و زندگی روحانی ایمان دارند، و آنها عابدان درون‌نگر،

فیلسوفان و فاعلانی که از نتایج ثمرجویانه انقطاع حاصل نموده‌اند، خوانده می‌شوند. معتقدان به اصل وحدت وجود نیـز در زمره دسـته اول به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، تنها عابدان شخصیت اعلای خداوند قابلیت معرفت روحانی را دارند، زیرا درک می‌نمایند که در ورای این طبیعت مادی، جهان روحانی و شخـصـیت اعلای خداوند وجود دارد که به صورت پاراماتما یعنی روح متعال درون همه و خداوند حاضر در همه جا بسط یافته است. البته کسانی که می‌کوشند حقیقت مطلق متعال را با کسب دانش درک نمایند نیز می‌توان جزو دسته مؤمنان به حساب آورد. فلاسفه سانکهیا دنیای مادی را به بیست و چهار عنصر تجزیه و تحلیل می‌کنند و روح فردی را به عنوان عنصر بیـست و پـنـجم به شمار می‌آورند. هنگامی که آنان قادر به درک این نکته گردند که طبیعت روح فردی ورای عناصر مادی است، آنگاه قادر به درک این نکته نیز خواهند شد که برتر از روح فردی، شخصیت متعال خداوند وجود دارد که بیست و ششمین عنصر محسوب می‌گردد. باید دانست که آنان نـیز تدریـجاً به سطـح مطلوب خدمـت عابدانه در آگاهی به کریـشنا خواهند رسید. اشخاصی که بدون چشمداشت به نتایج ثمرجویانه عمل کنند نیز رفتارشان کامل است و این فرصت در اختیار آنان نهاده می‌شود که به مرتبه خدمت عابدانه در آگاهی به کریشنا پیشرفت کنند. در آیه حاضر بیان شده است بعضی از افراد که دارای آگاهی پاک و خالصند سعی می‌کنند روح متعال را از طریق مدی‌تـیشن بیابـند؛ آنها هنگامی که روح متعال درون خویش را کشف نمودند، در عرصه روحانی قرار خواهند گرفت. مشابهاً، اشخاص دیگری نیز هستند که می‌کوشند روح متعال را به‌وسیله کسب دانش درک نمایند، و همچنین کسان دیگری که روش هاتها ـ یوگا را دنبال می‌کنند و می‌کوشند که شخصیت متعال خداوند را با فعالیتهای کودکانه راضی نمایند.

## آیه ۲۶

*anye tv evam ajānantaḥ*
*śrutvānyebhya upāsate*
*te 'pi cātitaranty eva*
*mṛtyuṁ śruti-parāyaṇāḥ*

*anye*: دیگران ـ *tu*: اما ـ *evam*: بدین‌سان ـ *ajānantaḥ*: بدون دانش روحانی ـ *śrutvā*: به‌وسیله شنیدن ـ *anyebhyaḥ*: از دیگران ـ *upāsate*: شروع به پرستش می‌کنند ـ *te*: آنها ـ *api*: همچنین ـ *ca*: و ـ *atitaranti*: عروج می‌کنند ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *mṛtyum*: راه مرگ ـ *śruti—parāyaṇāḥ*: علاقه‌مند به روش شنیدن.

## ترجمه

**سپس به اشخاصی برمی‌خوریم که هرچند در دانش روحانی متبحر نیستند، لیکن با شنیدن دربارهٔ شخص متعال از دیگران، شروع به پرستش وی می‌کنند. آنان نیز به علت تمایلشان برای شنیدن از مراجع، از این دایرهٔ تولد و مرگ عروج می‌نمایند.**

## شرح

این آیه بخصوص مصداق جامعه کنونی است که عملا در آن هیچ گونه تعلیم و تربیتی در زمینه مطالب روحانی وجود ندارد. امروزه به افراد زیادی در زمره ملحدان، منکران و به اصطلاح متفکران برمی‌خوریم، ولی در واقع هیچ گونه اثری از دانش فلسفی نمی‌یابیم. اما درباره انسان عادی شایان ذکر است که چنانچه روح نیکی باشد، در این صورت امکان پیشرفت وی از طریق شنیدن وجود خواهد داشت. این روش شنیدن بسیار حائز اهمیت است. خداوند چیتانیا که کریشنا آگاهی را در عصر کنونی آموزش داد، تأکید بسیاری بر شنیدن داشت زیرا چنانچه شخص عادی صرفاً به مراجع موثق گوش فرا دهد و از آنان

شنوایی داشته باشد می‌تواند پیشرفت نماید، بخصوص که طبق تعالیم خداوند چیتانیا به استماع ارتعاش روحانی هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره، نیز بپردازد. بدین سبب، گفته شده است که کلیه مردم باید با شنیدن از ارواح خودشناخته بهره‌مند گردند و تدریجاً قادر شوند همه چیز را درک نمایند؛ سپس بدون تردید به پرستش خداوند متعال همت خواهند گماشت. خداوند چیتانیا فرموده است در این عصر لازم نیست فرد موقعیتش را تغییر دهد، لیکن باید تلاش برای درک حقیقت مطلق از طریق استدلالات پندارگرایانه را کنار بگذارد. شخص باید بیاموزد که خادم کسانی گردد که خداوند متعال را می‌شناسند. اگر کسی آنقدر خوشبخت باشد که به یک عابد پاک پناه ببرد، و درباره معرفت خودشناسی بدو گوش فرا دهد و راه او را دنبال نماید، تدریجاً به مرتبه عابد پاک ارتقاء خواهد یافت. در این آیه به طور مشخصی روش شنیدن به شدت توصیه شده و این تأکید بسیار بجا و در خور توجه است. هرچند انسان معمولی غالباً قابلیت اشخاص به اصطلاح فیلسوف را ندارد، اما شنیدن صادقانه و همراه با ایمان از یک مرجعیت معتبر و موثق به انسان کمک خواهد کرد تا از اسارت این موجودیت مادی عروج و به وطن اصلی نزد خداوند بازگشت نماید.

## آیه ۲۷

*yāvat sañjāyate kiñcit*
*sattvaṁ sthāvara-jaṅgamam*
*kṣetra-kṣetrajña-saṁyogāt*
*tad viddhi bharatarṣabha*

*yāvat*: هرآنچه ـ *sañjāyate*: به عرصه وجود می‌آید ـ *kiñcit*: هر چیزی ـ *sattvam*: هستی، وجود ـ *sthāvara*: ساکن ـ *jaṅgamam*: متحرک ـ *kṣetra*: مربوط به بدن ـ *kṣetra-jña*: و داننده بدن ـ *saṁyogāt*: به‌وسیله اتحاد بین ـ *tat* *viddhi*: تو باید آن را بدانی ـ *bharata-ṛṣabha*: ای‌سرکرده بهاراتاها.

## ترجمه

**ای سرکردهٔ بهاراتاها، بدان آنچه در عالم هستی مشاهده می‌کنی، چه متحرک و چه ساکن، فقط ترکیبی از میدان فعالیت و دانندهٔ میدان است.**

## شرح

در آیه حاضر، هم طبیعت مادی و هم موجود زنده (روح) که هر دوی آنان پیش از آفرینش جهان مادی وجود داشته‌اند، تشریح می‌شوند. همه آفریده شده‌ها چیزی جز ترکیب موجود زنده (روح) و طبیعت مادی نیستند. تجلیات بسیاری همچون درختان، کوهها و تپه‌ها وجود دارند که ساکنند و موجودات بسیار دیگر که حرکت می‌کنند؛ همگی آنها فقط ترکیبی متشکل از طبیعت فروتر (مادی) و طبیعت برتر یعنی موجود زنده (روح) می‌باشند. بدون تماس طبیعت برتر هیچ چیز نمی‌تواند رشد کند. بدین لحاظ رابطه بین ماده و طبیعت به طور ابدی ادامه دارد، و منشأ این ترکیب خداوند متعال است؛ بنابراین خداوند گرداننده هم طبیعت برتر و هم طبیعت فروتر است. خداوند طبیعت مادی را خلق می‌کند و طبیعت برتر در آن قرار می‌دهد، و بدین‌سان کلیه فعالیتها و تجلیات جهان مادی صورت می‌پذیرد.

## آیه ۲۸

*samaṁ sarveṣu bhūteṣu*
*tiṣṭhantaṁ parameśvaram*

*vinaśyatsv avinaśyantaṁ*
*yaḥ paśyati sa paśyati*

*samam*: به طور یکسان ـ *sarveṣu*: در تمام ـ *bhūteṣu*: موجودات زنده ـ *tiṣṭhan-tam*: سکونت داشتن ـ -*parama* *īśvaram*: روح متعال ـ *vinaśyatsu*: در آنچه نابودشدنی است ـ *avinaśyantam*: نابود نشده ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *paśyati*: می‌بیند ـ *saḥ*: او ـ *paśyati*: واقعاً می‌بیند.

## ترجمه

**آن کس که در کلیهٔ بدنها، روح متعال را همراه و در کنار روح منفرد ببیند و درک کند که هیچگاه نه روح متعال و نه روح منفرد نابود نمی‌شوند، به راستی که می‌بیند.**

## شرح

هر کسی که قادر باشد از طریق معاشرت خوب به مشاهده سه حقیقت توأم با یکدیگر – بدن، صاحب بدن یا روح فردی، و دوست روح منفرد – نائل آید واقعاً در دانش قرار دارد. مادامی که انسان از معاشرت یک داننده حقیقی موضوعات روحانی برخوردار نباشد نمی‌تواند این سه عامل را رؤیت کند. آنان که از چنین معاشرتی بی‌بهره‌اند در جهل و غفلت به سر می‌برند؛ آنان فقط کالبد جسمانی را می‌بینند و وقتی بدن نابود شد می‌پندارند که همه چیز تمام شده است در حالی که حقیقت امر چنین نیست. پس از نابودی کالبد جسمانی هم روح و هم روح متعال هر دو به موجودیت خویش ادامه می‌دهند و به طور ابدی در قالبهای متحرک و ساکن بسیاری قرار می‌گیرند. گاهی اوقات واژه سانسکریت پارام‌اشوارا به عنوان ”روح منفرد“ ترجمه می‌شود، زیرا روح ارباب بدن است و پس از انهدام بدن به قالب دیگری تغییر کالبد می‌دهد. پس، روح فردی ارباب بدن محسوب می‌شود. اما کسانی هستند که این پارام‌اشوارا را به عنوان روح متعال تفسیر می‌کنند. باید در نظر داشت در هر دو حالت هم روح متعال و هم روح منفرد به بقای خود ادامه می‌دهند و نابود نمی‌شوند. کسی که بتواند به این طریق ببیند می‌تواند واقعاً به حقیقت امر پی ببرد.

## آیه ۲۹

*samaṁ paśyan hi sarvatra*
*samavasthitam īśvaram*
*na hinasty ātmanātmānaṁ*
*tato yāti parāṁ gatim*

*samam*: به طور یکسان ـ *paśyan*: دیدن ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *sarvatra*: همه جا ـ *samavasthitam*: به طور یکسان واقع شده ـ *īśvaram*: روح متعال ـ *na*: پیشوند نفی ـ *hinasti*: تنزل می‌کند ـ *ātmanā*: به‌وسیله ذهن ـ *ātmānam*: روح ـ *tataḥ*: سپس ـ *yāti*: می‌رسد ـ *parām*: متعال، روحانی ـ *gatim*: مقصد.

## ترجمه

**آن کس که روح متعال را به طرز یکسان در همه جا و در تمام موجودات زنده رؤیت کند خود را به‌وسیلهٔ ذهنش دچار ذلت نمی‌سازد. بدین‌سان او به مقصود و هدف متعال تقرب حاصل خواهد کرد.**

## شرح

موجود زنده، با پذیرفتن موجودیت مادی، در موقعیتی کاملا متفاوت با سرشت اصلی و موجودیت روحانی فطریش قرار گرفته است. اگر کسی درک کند که حق تعالی از طریق تجلی پاراماتمای خود در همه جا قرار گرفته است، یعنی چنانچه کسی بتواند حضور شخصیت اعلای خداوند را در هر موجود زنده مشاهده کند خود را با ذهنیتی مخرب دچار تنزل نمی‌کند و بنابراین تدریجاً به سمت دنیای روحانی پیشرفت می‌نماید. ذهن عموماً معتاد به فعالیتهای ارضای نفس است؛ اما وقتی همین ذهن به روح متعال رو کند انسان در وادی معرفت روحانی پیشرفت می‌نماید.

## آیه ۳۰

*prakṛtyaiva ca karmāṇi*
*kriyamāṇāni sarvaśaḥ*
*yaḥ paśyati tathātmānam*
*akartāraṁ sa paśyati*

*prakṛtyā*: به‌وسیله طبیعت مادی ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *karmāṇi*: فعالیتها ـ *kriyamāṇāni*: انجام می‌شوند ـ *sarvaśaḥ*: در تمام جهات ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *paśyati*: می‌بیند ـ *tathā*: همچنین ـ *ātmānam*: خودش ـ *akartāram*: غیر فاعل ـ *saḥ*: او ـ *paśyati*: به طرز کامل می‌بیند.

## ترجمه

**آن کسی که قادر است ببیند تمام فعالیتها به‌وسیلهٔ بدن که مخلوق طبیعت مادی است انجام مـی‌گـردد و هرگز خویشتن حقیقی یا ذات کاری انجام نمی‌دهد، واقعاً می‌بیند.**

## شرح

این بدن به‌وسیله طبیعت مادی و تحت هدایت روح متعال ایجاد می‌گردد و تمام فعالیتهایی که در رابطه با بدن شخص صورت می‌گیرد عملکرد خود وی نیست. آنچه انسان برای شادی و خوشبختی و یا برای رنج و درد انجام دهد ناشی از ساختار کالبد جسمانی است که مجبور به انجام آن می‌شود. اما ذات (خویشتن حقیقی) ورای کلیه این فعالیتهای جسمانی است. این بدن طبق آرزوهای گذشته شخص به او داده شده است. لذا برای برآورده ساختن آرزوها به شخص بدنی اعطاء می‌گردد که طبق آن عمل می‌کند. پس عملا بدن به مثابه یک ماشین است که از طرف خداوند طرحریزی شده تا آرزوها و خواسته‌ها را جامه عمل بپوشاند؛ بدین ترتیب، این جریان آرزوهاست که باعث می‌گردد انسان در لذت و یا شرایط سختی از رنج و درد قرار گیرد. وقتی این بصیرت روحانی موجود زنده تکامل یافت، شخص را از فعالیتهای بدنی منفک می‌کند. آن کس که چنین بصیرتی دارد، بیننده‌ای حقیقی است.

## آیه ۳۱

*yadā bhūta-pṛthag-bhāvam*
*eka-stham anupaśyati*
*tata eva ca vistāraṁ*
*brahma sampadyate tadā*

*yadā*: هنگامی که ـ *bhūta*: مربوط به موجودات زنده ـ *pṛthak-bhāvam*: هویتهای مجزا ـ *eka-stham*: واقع شده در یک ـ *anupaśyati*: شخص می‌کوشد از طریق مرجعیت ببیند ـ *tataḥ eva*: پس از آن ـ *ca*: همچنین ـ *vistāram*: بسط ـ *brahma*: مطلق ـ *sampadyate*: او دست می‌یابد ـ *tadā*: در آن زمان.

## ترجمه

**هنگامی که انسان عاقل از دیدن هویتهای مختلف که ناشی از بدنهای مادی مختلف است بـازمی‌ایسـتد و می‌بیند که چگونه موجودات در همه جا بسط یافته‌اند، به درک برهمن دست می‌یابد.**

## شرح

وقتی انسان بتواند ببیند که بدنهای گوناگون فقط ثمره خواسته‌ها و آرزوهای مختلف ارواح فردی است و واقعاً به خود آن ارواح فردی تعلق ندارد آنگاه واقعاً می‌بیند. ما با ادراک مادی از حیات یکی را فرشته، یکی را انسان، یکی را سگ، یکی را گربه و غیره می‌بینیم. این نگرش مادی است نه بصیرت حقیقی. این تمایزها صرفاً به علت نگرش مادی به حیات است. روح به علت تماس با طبیعت مادی انواع بدنهای مختلف را به خود می‌گیرد ولی پس از نابودی هر کدام از آنها همان روح واحد باقی می‌ماند. هنگامی که انسان بتواند این حقیقت را مشاهده نماید، به دید و بصیرت روحانی می‌رسد؛ بدین‌سان به علت آزاد شدن از تمایز قائل شدن بین موجودات همچون انسان، حیوان، بزرگ، پست و غیره، آگاهیش پاک می‌گردد و قادر می‌شود در هویت روحانی خود کریشنا آگاهی را پرورش دهد. این مطلب که چگونه وی چیزها را رؤیت می‌کند در آیه بعد توضیح داده خواهد شد.

## آیه ۳۲

*anāditvān nirguṇatvāt*
*paramātmāyam avyayaḥ*
*śarīra-stho 'pi kaunteya*
*na karoti na lipyate*

*anāditvāt*: ناشی از ابدیت ـ *nirguṇatvāt*: به علت متعال و روحانی بودن ـ *parama*: آن سوی طبیعت مادی ـ *ātmā*: روح ـ *ayam*: این ـ *avyayaḥ*: تمام نشدنی، بی‌پایان ـ *śarīra-sthaḥ*: ساکن در بدن ـ *api*: گرچه ـ *kauntaya*: ای پسر کونتی ـ *na karoti*: هیچگاه چیزی انجام نمی‌دهد ـ *lipyate*: و نه گرفتار می‌گردد.

## ترجمه

**آنان که بصیرت جاودانگی دارند می‌توانند ببینند کـه روحِ فناناپـذیر، همانـا روحـانی، جـاودان و مـاورای گونه‌های طبیعت است. ای آرجونا، روح با وجود تماس با کالبد مادی نه عمل می‌کند و نه گرفتار می‌شود.**

## شرح

به علت تولد بدن مادی است که به نظر می‌رسد موجود زنده (روح) تولد یافته است، در حالی که موجود زنده در واقع جاودان است؛ او متولد نمی‌شود، و به رغم قرار داشتن در کالبد جسمانی، متعال و جاودان است. در نتیجه او نابود نیز نمی‌گردد. سرشت وی طبعاً و ذاتاً مملو از شعف است. او خود را مشغول هیچ گونه فعالیت مادی نمی‌کند؛ بنابراین فعالیتهایی که به علت تماس او با بدنهای مادی انجام می‌گیرد او را گرفتار نمی‌سازد.

## آیه ۳۳

*yathā sarva-gataṁ saukṣmyād*
*ākāśaṁ nopalipyate*
*sarvatrāvasthito dehe*
*tathātmā nopalipyate*

*yathā*: همان گونه که ـ *sarva-gatam*: همه جا منتشر ـ *saukṣmyāt*: به علت ظریف و لطیف بودن ـ *ākāśam*: آسمان ـ *na*: هرگز ـ *upalipyate*: مخلوط می‌شود ـ *sarvatra*: همه جا ـ *avasthitaḥ*: واقع شده ـ *dehe*: در بدن ـ *tathā*: چنین ـ *ātmā*: ذات ـ *na*: هیچگاه ـ *upalipyate*: مخلوط می‌شود.

## ترجمه

**آسمان به علت طبع لطیفش هرچند در همه جا پخش است، ولی با هیچ چیز آمیخته نمی‌گردد. مشابهاً، روح که از جوهر برهمن است به رغم آنکه در بدن قرار دارد با آن نمی‌آمیزد.**

## شرح

هوا به درون آب، گل، مدفوع و تمامی آنچه هست وارد می‌شود؛ اما با این حال با هیچ چیز مخلوط نمی‌گردد. به همین ترتیب، موجود زنده، اگرچه در بدنهای گوناگونی قرار می‌گیرد، ولی به علت طبع لطیفش همواره جدا از آنهاست. بنابراین رؤیت اینکه چگونه موجود زنده در تماس با بدن قرار دارد و چگونه پس از نابودی بدن از آن خارج می‌شود، با چشمان مادی غیر ممکن است. هیچ دانشمندی قادر به توضیح این مطالب نیست.

## آیه ۳۴

*yathā prakāśayaty ekaḥ*
*kṛtsnaṁ lokam imaṁ raviḥ*
*kṣetraṁ kṣetrī tathā kṛtsnaṁ*
*prakāśayati bhārata*

*yathā*: همان گونه که ـ *prakāśayati*: روشن می‌کند ـ *ekaḥ*: یک ـ *kṛtsnam*: کل ـ *lokam*: جهان ـ *imam*: این ـ *raviḥ*: خورشید ـ *kṣetram*: این بدن ـ *kṣetrī*: روح ـ *tathā*: مشابهاً ـ *kṛtsnam*: همه ـ *prakāśayati*: روشن می‌کند ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا.

## ترجمه

**ای فرزند بهاراتا، همان گونه که خورشید به تنهایی تمامی این جهان را روشن می‌کند، موجود زنده نیز تمام بدن را با آگاهی روشن می‌نماید.**

## شرح

نظریه‌های گوناگونی درباره آگاهی وجود دارد. اینجا در بهاگاواد–گیتا مثال خورشید و نور آن ارائه شده است. همان گونه که خورشید از مکانی واحد تمام جهان را روشن می‌نماید، ذره کوچک روح نیز که واقع در قلب بدن است، تمامی بدن را با آگاهی

روشن می‌نماید. بدین‌سان آگاهی دلالت به حضور روح دارد، همان گونه که اشعه آفتاب یا نور خورشید دلیل حضور خورشید است. تا هنگامی که روح در بدن حاضر است، در سراسر بدن آگاهی وجود دارد، ولی به محض اینکه روح از بدن خارج شود دیگر اثری از آگاهی وجود نخواهد داشت. این حقیقت را هر شخص خردمندی به سادگی می‌تواند درک کند. بنابراین آگاهی نه تنها حاصل ترکیبات مادی نیست بلکه نشانه حضور موجود زنده است. باید در نظر داشت آگاهی موجود زنده، هرچند از نظر کیفی با آگاهی متعال یکی است، اما متعال نیست، زیرا آگاهی حاضر در یک بدن بخصوص فقط مربوط به همان بدن می‌شود، در حالی که روح متعال، که در تمام بدنها به عنوان دوست روح منفرد حضور دارد، نسبت به تمام ابدان آگاه است. این تفاوت بین آگاهی متعال و آگاهی فردی است.

## آیه ۳۵

*kṣetra-kṣetrajñayor evam*
*antaraṁ jñāna-cakṣuṣā*
*bhūta-prakṛti-mokṣaṁ ca*
*ye vidur yānti te param*

*kṣetra*: مربوط به بدن ـ *kṣetra-jñayoḥ*: مربوط به صاحب بدن ـ *evam*: بدین‌سان ـ *antaram*: تفاوت ـ —*jñāna* *cakṣuṣā*: با دیده دانش ـ *bhūta*: مربوط به موجود زنده ـ *prakṛti*: از طبیعت مادی ـ *mokṣam*: رهایی ـ *ca*: همچنین ـ *ye*: آن کسانی که ـ *viduḥ*: بدان ـ *yānti*: می‌رسند به ـ *te*: آنها ـ *param*: حق تعالی.

## ترجمه

**آن کسانی که با چشمان مسلّح به دانش تفاوت بین بدن و دانندهٔ بدن را مشاهده می‌کنند، و نیز می‌توانند طریق رهایی از اسارت طبیعت مادی را درک کنند، به هدف متعال دست می‌یابند.**

## شرح

پیام اصلی فصل سیزدهم در این است که انسان باید به تمایز بین بدن، صاحب بدن، و روح متعال واقف گردد. شخص باید طریق رهایی را همان گونه که در آیات هشتم تا دوازدهم توصیف گردید بشناسد. آنگاه وی می‌تواند راه خود را به مقصد متعال ادامه دهد.

شخص باایمان باید نخست از طریق معاشرت خوب امکان استماع درباره خداوند را بیابد و در نتیجه تدریجاً به معرفت دست یابد. چنانچه شخص پیر روحانی بپذیرد، می‌تواند تمایز بین ماده و روح را فرا گیرد، و این آموزش مبنایی برای معرفت روحانی بیشتر او خواهد شد. پیر روحانی، با تعالیم گوناگون، به شاگردانش می‌آموزد که از دیدگاه مادی حیات رها شوند. برای مثال در بهاگاواد-گیتا کریشنا را ملاحظه می‌کنیم که برای رهایی آرجونا از دیدگاههای مادی به او تعلیمات مختلف می‌دهد.

انسان می‌تواند درک نماید که این بدن از ماده ساخته شده است؛ و آن را می‌توان با عناصر بیست و چهار گانه‌اش تجزیه و تحلیل نمود. کالبد جسمانی تجلی زمخت است و تجلی لطیف عبارت است از ذهن و اثرات روان‌شناختی آن، که برهم‌کنش این عوامل نشانه‌های حیات را تشکیل می‌دهند. اما ورای تمام اینها، روح و روح متعال وجود دارد که دو حقیقت جداگانه‌اند. دنیای مادی از طریق تلفیق روح با عناصر بیست و چهار گانه مادی به جنبش درمی‌آید. کسی که بتواند ساختار کل تجلی مادی را به منزله ترکیبی از روح و عناصر مادی ببیند و موقعیت روح متعال را نیز رؤیت کند شایسته رهسپار شدن به عالم روحانی

می‌گردد. این حقایق موضوعاتی برای تعمق و معرفت هستند و انسان باید با کمک پیر روحانی درک کاملی از این فصل پیدا کند.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل سیزدهم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "طبیعت، لذت‌برنده و آگاهی" پایان می‌یابد.

# فصل چهاردهم

# سه گونۀ طبیعت مادی

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*paraṁ bhūyaḥ pravakṣyāmi*
*jñānānāṁ jñānam uttamam*
*yaj jñātvā munayaḥ sarve*
*parāṁ siddhim ito gatāḥ*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *param*: متعال، روحانی ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *pravakṣyāmi*: بیان خواهم کرد ـ *jñānānām*: مربوط به تمام دانش ـ *jñānam*: دانش ـ *uttamam*: والا و متعال ـ *yat*: که ... آن ـ *jñātvā*: دانستن ـ *munayaḥ*: حکما ـ *sarve*: تمام ـ *parām*: متعال، روحانی ـ *siddhim*: کمال ـ *itaḥ*: از این جهان ـ *gatāḥ*: رسیدند.

## ترجمه

**خداوند تبارک و تعالی فرمود: دوباره من این حکمت متعال و بهترینِ تمامی دانشها را کـه بـا دانسـتن آن همۀ حکما به کمال متعال رسیده‌اند به تو خواهم گفت.**

## شرح

از فصل هفتم تا پایان فصل دوازدهم، شری‌کریشنا به تفصیل، حقیقت مطلق یا شخصیت متعال خداوند را آشکار می‌نماید. اکنون خداوند آگاهی بیشتری به آرجونا می‌دهد. اگر کسی این فصل را از طریق غور و تفکر فلسفی درک نماید به درکی از خدمت عابدانه نیز خواهد رسید. در فصل سیزدهم به طرز واضحی توضیح داده شد که با تحصیل دانش به طور متواضعانه، این امکان به وجود می‌آید که انسان از اسارت مادی رها شود. همچنین توضیح داده شد که به علت معاشرت با گونه‌های طبیعت مادی است که موجود زنده در این عالم مادی گرفتار شده است. حال، در این فصل، شخصیت متعال توضیح می‌دهد که آن گونه‌های طبیعت چه هستند، چگونه عمل می‌کنند، چگونه گرفتار می‌سازند و چگونه رهایی می‌دهند. خداوند متعال اعلام می‌دارد که دانشی که در این فصل توضیح داده شده برتر از دانشی است که تا کنون در فصول دیگر مطرح شده است. با درک این دانش، حکمای بزرگ گوناگون به مرحله کمال نائل شده و رهسپار عالم روحانی گردیده‌اند. حال خداوند همان دانش را با تفصیل بیشتر شرح می‌دهد. این دانش به مراتب بسیار عالیتر از تمام روشهای دیگر دانش است که تا کنون تشریح شده است، و با دانستن آن اشخاص بسیاری به کمال رسیده‌اند. بدین‌سان انتظار می‌رود کسی که این فصل چهاردهم را درک نماید به کمال نائل گردد.

## آیه ۲

*idaṁ jñānam upāśritya*
*mama sādharmyam āgatāḥ*
*sarge 'pi nopajāyante*
*pralaye na vyathanti ca*

*idam*: این ـ *jñānam*: دانش ـ *upāśritya*: پناه بردن به ـ *mama*: مال من، م ـ *sādharmyam*: همان طبیعت ـ *āgatāḥ*: نائل شده است ـ *sarge api*: حتی در خلقت ـ *na*: هرگز ـ *upajāyante*: زاده می‌شوند ـ *pralaye*: در نابودی ـ *na*: و نه، هم نه ـ *vyathanti*: مضطرب و آشفته می‌شوند ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**شخص با ثابت شدن در این دانش، می‌تواند به طبیعت متعال که همچون طبیعت خـود مـن اسـت نائـل گردد. وقتی شخص بدین گونه استقرار یافت، دیگر نه در زمان آفرینش متولد مـی‌شـود و نـه در زمـان انحـلال آشفته.**

## شرح

انسان پس از نیل به معرفت روحانی کامل به برابری کیفی با شخصیت اعلای خداوند دست می‌یابد و از تکرار تولد و مرگ آزاد می‌شود. اما هویت خود را به عنوان روح فردی همچنان از دست نمی‌دهد. از ادبیات ودایی این نکته درک می‌گردد که ارواح رهایی‌یافته که به سیارات متعال در ملکوت روحانی رسیده‌اند، در حالی که مشغول اعطای خدمت عاشقانه روحانی به خداوندند، همواره به قدوم مقدس متـعال او می‌نگرند. بنابراین، عابدان خدا حتی پس از رهایی نیز هویت فردی خود را از دست نمی‌دهند.
به طور کلی در دنیای مادی هر دانشی که ما کسب می‌کنیم آلوده به سه گونهٔ طبیعت مادی است، در حالی که دانش متعال چنین نیست. بدین ترتیب دانـش غیر آلوده به سه گونهٔ طبیعت مادی، دانش متعال خوانده می‌شود. به محض اینکه انسان در آن دانش متعال قرار می‌گیرد، به همان سطح متعال خداوند دست می‌یابد. کسانی که از شناخت دنـیای روحانی بی‌بهـره‌اند مـعتـقدند که شخص پس از رها شدن از فعالیتهای مادی این کالبد جسمانی، هویت روحانیش را بازمی‌یابد، لیکن این بازیافتن هویت روحانی از نظر آنان بدون شکل و فاقد هر گونه تنوع است. اما باید دانست که همانند جهان مادی، در دنیای روحانی نیز تنوع وجود دارد.
آنان که نسبت به این حقیقت بی‌اطلاعند تصور می‌کنند که موجودیت روحانی نقطه مقابل تنوع مادی است. اما در واقع در آسمان روحانی، شخص به فرم روحانی نائل می‌گردد. همچنین در آنجا فعالیتهای روحانی وجود دارد و موقعیت روحانی آنجا زندگی عابدانه خوانده می‌شود. گفته می‌شود آن عرصه روحانی فاقد هر گونه آلودگی مادی است و آنجا شخص از نظر کیفی با خداوند متعال برابر است. انسان برای نیل به چنین دانشی باید تمام صفات روحانی را در خود پرورش دهد و کسی که بدین‌سان به تکامل صفات روحانی نائل می‌گردد دیگر در معرض آفرینش و انهدام این عالم مادی قرار نمی‌گیرد.

## آیه ۳

*mama yonir mahad brahma*
*tasmin garbhaṁ dadhāmy aham*
*sambhavaḥ sarva-bhūtānāṁ*
*tato bhavati bhārata*

*mama*: مال من، م ـ *yoniḥ*: منشأ تولد ـ *mahat*: کل موجودیت مادی ـ *brahma*: والا ومتعال ـ *tasmin*: در آن ـ *garbham*: باروری، بارداری ـ *dadhāmi*: خلق می‌کنم ـ *aham*: من ـ *sambhavaḥ*: امکان ـ *sarva-bhūtānām*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *tataḥ*: از آن پس ـ *bhavati*: می‌شود ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا.

## ترجمه

**ای فرزند بهاراتا، کل جوهر مادی که برهمن خوانده می‌شود منشأ تولد است؛ من این برهمن را بارور می‌سازم و بدین‌سان تولد تمام موجودات زنده را امکان‌پذیر می‌کنم.**

## شرح

این تبیین جهان هستی است: کلیه وقایعی که رخ می‌دهد ناشی از ترکیب کشترا و کشترا ـ گیا یعنی بدن و روح است. این ترکیب طبیعت مادی و موجود زنده (روح) از طرف خود خداوند متعال میسر می‌شود. ماهات ـ تاتوا علت کلی تمام تجلی کیهانی است؛ و آن کل جوهری که منشأ خلقت مادی است و در آن سه گونهٔ طبیعت وجود دارد گاهی اوقات برهمن خوانده می‌شود. شخصیت متعال خداوند آن جوهر وجود را بارور می‌نماید و بدین‌سان جهانهای بی‌شماری متجلی می‌گردند. این کل جوهر مادی یعنی ماهات ـ تاتوا در ادبیات ودایی (مونداکا اوپانیشاد ۹/۱/۱) به عنوان برهمن توصیف شده است:

*tasmād etad brahma nāma-rūpam annaṁ ca jāyate*

شخص متعال آن برهمن را با بذرهای موجودات زنده (ارواح) بارور می‌سازد. عناصر بیست و چهار گانه که به عنوان خاک، آب، آتش، هوا و غیره بیان گردید همگی انرژی مادی‌اند که ماهاد برهما یا برهمن بزرگ یعنی طبیعت مادی خوانده می‌شود. همان گونه که در فصل هفتم توضیح داده شد در ورای این طبیعت مادی طبیعت برتر دیگر یعنی موجود زنده وجود دارد. در حقیقت بااراده شخصیت متعال خداوند است که ترکیب طبیعت برتر با طبیعت مادی صورت می‌گیرد و پس از آن تمام موجودات زنده از این طبیعت مادی متولد می‌گردند.

عقرب تخمهایش را در کپه‌های برنج می‌گذارد و لذا گاهی اوقات گفته می‌شود که عقرب از برنج متولد می‌شود. اما برنج باعث ایجاد عقرب نیست. در واقع عقرب از تخمهای مادر خود به وجود می‌آید. به همین ترتیب طبیعت مادی نیز علت تولد موجودات زنده نیست، بلکه بذر اصلی حیات را شخصیت اعلای خداوند می‌دهد و فقط ظاهراً به نظر می‌رسد که موجودات زنده حاصل طبیعت مادی‌اند. در نتیجه هر موجود زنده‌ای، طبق اعمال گذشته‌اش، بدن متفاوتی به دست می‌آورد که آن را طبیعت مادی می‌آفریند تا موجود زنده بتواند بر اساس اعمال گذشته‌اش از آن لذت یا رنج ببرد. پس خداوند علت وجود همه تجلیات موجودات زنده در این دنیای مادی است.

## آیه ۴

*sarva-yoniṣu kaunteya*
*mūrtayaḥ sambhavanti yāḥ*
*tāsāṁ brahma mahad yonir*
*ahaṁ bīja-pradaḥ pita*

*sarva-yoniṣu*: در تمام گونه‌های حیاتی ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *mūrtayaḥ*: اشکال،صور ـ *sambhavanti*: آنها ظاهر می‌شوند ـ *yāḥ*: که ـ *tāsām*: مربوط به تمام آنها ـ *brahma*: والا و متعال ـ *mahat yoniḥ*: منشأ تولد در جوهر مادی ـ *aham*: من ـ *bīja-pradaḥ*: تخم دهنده ـ *pitā*: پدر.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، باید این را درک نمود که تمام انواع حیات از طبیعت مادی متولد می‌شوند و من پدر تخم‌دهندهٔ آنها هستم.**

## شرح

در این آیه به روشنی توضیح داده شده است که کریشنا، شخصیت اعلای پروردگار، آن پدر اصلی و ازلی همه موجودات زنده است. موجودات زنده که ترکیبی از طبیعت مادی و طبیعت روحانی‌اند نه تنها در این سیاره بلکه در تمام سیارات و حتی رفیعترین سیاره که برهما در آن قرار دارد، دیده می‌شوند. بدین لحاظ آنها در همه جا، درون زمین، در آب و حتی در آتش نیز وجود دارند. تولد آنها ناشی از وجود مادر یعنی طبیعت مادی و اعطای تخم حیات از طرف پدر، خداوند کریشنا، است. مفهوم این است که موجودات زنده‌ای که در زمان خلقت در رحم طبیعت مادی بارور شده‌اند، طبق اعمال گذشته‌شان با اشکال گوناگون به عرصه وجود پا می‌نهند.

## آیه ۵

*sattvaṁ rajas tama iti*
*guṇāḥ prakṛti-sambhavāḥ*
*nibadhnanti mahā-bāho*
*dehe dehinam avyayam*

*sattvam*: حالت نیکی ـ *rajaḥ*: حالت شهوت ـ *tamaḥ*: حالت جهل ـ *iti*: بدین‌سان ـ *guṇāḥ*: صفات، کیفیات ـ *prakṛti*: طبیعت مادی ـ *sambhavāḥ*: تولید شده از ـ *nibadhnanti*: مشروط و مقید می‌کنند ـ *mahā-bāho*: ای مسلّح بزرگ ـ *dehe*: در این بدن ـ *dehinam*: موجود زنده ـ *avyayam*: ابدی.

## ترجمه

**طبیعت مادی از سه طبع یا کیفیت تشکیل شده است: نیکی، شهوت و جهل. ای مسلّح بزرگ، آرجونا، هنگامی که موجود زندهٔ جاودان در تماس با طبیعت قرار می‌گیرد به‌وسیلهٔ این طبایع مقید می‌شود.**

## شرح

موجود زنده چون علوی و روحانی است هیچ نقطه مشترکی با طبیعت مادی ندارد. با این وصف، چون به‌وسیله دنیای مادی مقید می‌شود، تحت افسون سه گونهٔ طبیعت مادی عمل می‌کند. چون موجودات زنده بر حسب وجوه مختلف طبیعت، انواع بدنهای گوناگون می‌گیرند لذا ناگزیرند که طبق طبع مربوط به خود عمل نمایند. تنوع رنجها و شادیهایی که موجود زنده احساس می‌کند از اینجا ناشی می‌گردد.

## آیه ۶

*tatra sattvaṁ nirmalatvāt*
*prakāśakam anāmayam*
*sukha-saṅgena badhnāti*

*jñāna-saṅgena cānagha*

*tatra*: آنجا ـ *sattvam*: حالت نیکی ـ *nirmalatvāt*: پاکترین در عالم مادی ـ *prakāśakam*: روشن‌کننده ـ *anāmayam*: بدون هیچ گونه بازتاب گناه‌آلود ـ *sukha*: با خوشبختی ـ *saṅgena*: به‌وسیله معاشرت ـ *badhnāti*: مقید می‌کند ـ *jñāna*: با دانش ـ *saṅgena*: به‌وسیله معاشرت ـ *ca*: همچنین ـ *anagha*: ای مبرّی از گناه.

## ترجمه

**ای مبرّی از گناه، طبع نیکی که پاکترین و خالصترین در میان سه گونه است، روشنگر می‌باشد و انسان را از تمام بازتابهای گناه می‌رهاند. کسانی که در این حالت قرار گرفته‌اند به‌وسیلهٔ خوشبختی و دانش مقید می‌شوند.**

## شرح

موجودات زنده که به‌وسیله طبیعت مادی مقید گردیده‌اند دارای انواع گوناگونند. یکی خوشحال و خوشبخت است، دیگری بسیار فعال و آن دیگری عاجز و ناتوان. تمام این انواع تجلیات روانشناختی، به علت موقعیت مقید موجود زنده در طبیعت است. اینکه چگونه آنان به طرق مختلف مقید شده‌اند در این قسمت بهاگاواد-گیتا توضیح داده می‌شود که این توضیح از حالت نیکی آغاز می‌گردد. تأثیر پرورش دادن گونهٔ نیکی در دنیای مادی این است که انسان از کسانی که به صور دیگر مقید شده‌اند خردمندتر می‌گردد. شخص در گونهٔ نیکی چندان تحت تأثیر رنجهای مادی نیست و نسبت به پیشرفت خود در دانش مادی آگاهی دارد. مظهر این حالت، براهمانا است که باید در گونهٔ نیکی قرار داشته باشد. حس خوشبختی که در این حالت به وجود می‌آید به علت آن است که در گونه خوبی انسان کم و بیش از عکس‌العملهای گناه‌آلود آزاد است. در واقع در ادبیات ودایی گفته شده است که طبع نیکی یعنی دانش بیشتر و احساس خوشبختی بیشتر.

مشکلی که در گونهٔ نیکی به وجود می‌آید این است که انسان چون احساس می‌کند که در دانش پیشرفته و از دیگران بهتر است، از این طریق مقید می‌شود. نمونه بارز این افراد، دانشمندان و فلاسفه هستند. آنها به دانش خود بسیار مغرورند، و چون به طور کلی وضع زندگیشان را بهبود می‌بخشند، احساس نوعی خوشبختی مادی می‌کنند. این احساس خوشبختی پیشرفته در زندگی مقید، آنان را گرفتار گونهٔ نیکی طبیعت مادی می‌کند. بدین صورت، آنان جذب کار در گونهٔ نیکی می‌شوند و مادامی که این جذبه و کشش را در خود احساس می‌کنند، مجبورند بدن مادی بگیرند. بدین‌سان، احتمال رهایی یا انتقال به دنیای روحانی از بین می‌رود. انسان ممکن است بارها و بارها فیلسوف، دانشمند یا شاعر به دنیا آید و به دفعات گرفتار همان اوضاع نامطلوب تولد و مرگ گردد. اما به علت توهم انرژی مادی چنین می‌پندارد که این نوع زندگی دلپذیر است.

## آیه ۷

*rajo rāgātmakaṁ viddhi*
*tṛṣṇā-saṅga-samudbhavam*
*tan nibadhnāti kaunteya*
*karma-saṅgena dehinam*

*rajaḥ*: گونهٔ شهوت ـ *rāga-ātmakam*: زاده شده از آرزو یا شهوت و آز ـ *viddhi*: بدان ـ *tṛṣṇā*: با اشتیاق، با میل شدید ـ *saṅga*: معاشرت ـ *samudbhavam*: تولید شده از ـ *tat*: آن ـ *nibadhnāti*: به بند می‌کشاند ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *karma-saṅgena*: از طریق تماس با عمل برای اجر و ثمر ـ *dehinam*: موجود زنده کالبد گرفته.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، گونهٔ شهوت از آرزوها و امیال بی‌شمار نشأت می‌گیرد و به همین خاطر موجود زندهٔ کالبد گرفته در بند اعمال ثمرجویانهٔ مادی است.**

## شرح

حالت شهوت با جاذبه‌ای که بین مرد و زن وجود دارد مشخص می‌شود. زن برای مرد جاذبه دارد و مرد برای زن. این گونهٔ شهوت خوانده می‌شود. و هنگامی که نفوذ گونهٔ شهوت افزایش می‌یابد انسان شوق بسیاری برای کسب لذات مادی احساس می‌کند. او می‌خواهد کامجویی کند و از ارضای حواس بهره‌مند گردد. شخصی که در طبع شهوت قرار دارد، به منظور کامجویی می‌خواهد در جامعه افتخار و احترام داشته باشد و صاحب خانواده‌ای خوشبخت با فرزندان، همسر و خانه خوب باشد. اینها ماحصل گونهٔ شهوت است. مادامی که انسان به چنین مواردی اشتیاق دارد باید سخت کار کند. بنابراین، تمام دنیای مادی کم و بیش در گونهٔ شهوت است و تمدن جدید با در نظر گرفتن معیار گونهٔ شهوت پیشرفته محسوب می‌گردد. باید دانست که سابقاً جامعه‌ای که در گونهٔ نیکی قرار داشت پیشرفته محسوب می‌شد. چنانچه برای کسانی که در طبع نیکی قرار دارند رهایی وجود نداشته باشد، آنان که اسیر و گرفتار گونهٔ شهوت‌اند چگونه به رهایی خواهند رسید؟

## آیه ۸

*tamas tv ajñāna-jaṁ viddhi*
*mohanaṁ sarva-dehinām*
*pramādālasya-nidrābhis*
*tan nibadhnāti bhārata*

*tamaḥ*: گونهٔ جهل ـ *tu*: اما ـ *ajñāna-jam*: تولید شده از جهل ـ *viddhi*: بدان ـ *mohanam*: توهم ـ *sarva-dehinām*: مربوط به تمام موجودات کالبد گرفته ـ *pramāda*: با دیوانگی ـ *ālasya*: تنبلی ـ *nidrābhiḥ*: و خواب ـ *tat*: آن ـ *nibadhnāti*: به بند می‌کشاند ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا.

## ترجمه

**ای پسر بهاراتا بدان، تاریکی حاصل از گونهٔ جهل باعث توهم (گمگشتگی و سرگردانی) تمام موجودات زندهٔ بدن گرفته است. نتایج این طبع عبارت است از دیوانگی، تنبلی و خواب که روح مقید را به بند می‌کشاند.**

## شرح

استفاده بخصوص از واژه *tu*در این آیه بسیار حائز اهمیت است. این بدان معناست که گونهٔ جهل خصوصیتی بسیار عجیب برای روح کالبد گرفته است. گونهٔ جهل درست نقطه مقابل گونهٔ نیکی است. در گونهٔ نیکی، انسان با تکامل دانش می‌تواند پی ببرد که واقعیت امر چیست، در حالی که طبع نادانی درست مقابل آن است. همه تحت افسون گونهٔ جهل دیوانه می‌شوند و دیوانه را یارای پی بردن به واقعیت امور نیست؛ لذا انسان به جای پیشرفت دچار تنزل می‌گردد. تعریف گونهٔ جهل و نادانی در ادبیات ودایی بیان شده است:

*Vastu-yāthātmya-jñānāvarakaṁ viparyaya-jñāna-janakaṁ tamaḥ*

تحت افسون جهل و نادانی انسان نمی‌تواند امور را همان گونه که هست درک نماید. برای مثال، هر کسی با درگذشت پدربزرگ و یا پدرش پی می‌برد که خود او نیز خواهد مرد؛ پس انسان فانی است. فرزندانی که به وجود می‌آورد نیز خواهند مرد. پس مرگ حتمی است. با این وصف، مردم دیوانه‌وار مشغول ثروت‌اندوزی هستند و تمام شب و روز را بی‌آنکه کمترین توجهی به روح جاودان داشته باشند به سختی کار می‌کنند. این دیوانگی است. آنان در این موقعیت کوچکترین تمایلی برای پیشرفت در معرفت روحانی ندارند. چنین اشخاصی بسیار تنبل اند. هنگامی که برای کسب معرفت روحانی فراخوانده می‌شوند چندان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. آنان حتی مانند اشخاصی که تحت نفوذ گونهٔ شهوت‌اند نیز فعال نیستند. در نتیجه نشانه دیگر کسی که در گونهٔ جهل واقع شده خواب بیش از حد لزوم است. شش ساعت خواب کافی است، ولی کسی که در گونهٔ جهل است حداقل ده تا دوازده ساعت می‌خوابد. چنین شخصی همواره افسرده به نظر می‌آید و معتاد به مسکرات و خواب است. اینها نشانه‌های شخص مقید در گونهٔ جهل است.

## آیه ۹

*sattvaṁ sukhe sañjayati*
*rajaḥ karmaṇi bhārata*
*jñānam āvṛtya tu tamaḥ*
*pramāde sañjayaty uta*

*sattvam*: گونهٔ نیکی ـ *sukhe*: در خوشبختی ـ *sañjayati*: به بند می‌کشاند ـ *rajaḥ*: گونهٔ شهوت ـ *karmaṇi*: در کار برای اجر و ثمر ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا ـ *jñānam*: دانش ـ *āvṛtya*: پوشاندن ـ *tu*: اما ـ *tamaḥ*: گونهٔ جهل ـ *pramāde*: در دیوانگی ـ *sañjayati*: به بند می‌کشاند ـ *uta*: گفته شده است.

## ترجمه

**ای پسر بهاراتا، طبع نیکی انسان را اسیر خوشبختی می‌کند، شهوت او را مقید به کار برای اجر و ثمر و جهل دانشش را می‌پوشاند و وی را در دیوانگی به بند می‌کشاند.**

## شرح

شخصی که در طبع نیکی است با فعالیتهای عقلانیش راضی است، همان گونه که فیلسوف، دانشمند یا معلم می‌تواند در رشته بخصوصی از دانش مشغول و از آن راضی باشد. شخصی که درطبع شهوت است می‌تواند مشغول کار برای اجر و ثمر باشد؛ تا آنجا که بتواند ثروت می‌اندوزد و برای امور خیر صرف می‌کند. بعضی اوقات سعی می‌کند بیمارستانی باز کند و به مؤسسات خیریه و غیره بخشش نماید. اینها نشانه‌های کسی است که در طبع شهوت قرار دارد. و اما در طبع جهل که حجاب دانش انسان می‌شود، فرد هر کاری که انجام دهد نه برای خودش خوب است و نه برای دیگران.

## آیه ۱۰

*rajas tamaś cābhibhūya*
*sattvaṁ bhavati bhārata*
*rajaḥ sattvaṁ tamaś caiva*
*tamaḥ sattvaṁ rajas tathā*

*rajaḥ*: طبع شهوت ـ *tamaḥ*: طبع جهل ـ *ca*: همچنین ـ *abhibhūya*: پیشی گرفتن ـ *sattvam*: طبع نیکی ـ *bhavati*: غالب می‌گردد ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا ـ *rajaḥ*: طبع شهوت ـ *sattvam*: طبع نیکی ـ *tamaḥ*: طبع جهل ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: همچون آن ـ *tamaḥ*: طبع جهل ـ *sattvam*: طبع نیکی ـ *rajaḥ*: طبع شهوت ـ *tathā*: بدین‌سان.

## ترجمه

**ای پسر بهاراتا، گاهی اوقات طبع نیکی غالب می‌گردد و طبع شهوت و جهل را مغلوب می‌سازد. و گاهی گونهٔ شهوت، نیکی و جهل را تحت انقیاد درمی‌آورد و در مواقع دیگر گونهٔ جهل به نیکی و شهوت مسلط می‌شود. به این طریق در این طبایع، همواره رقابت برای برتری وجود دارد.**

## شرح

وقتی گونهٔ شهوت برتری داشته و غالب باشد، طبایع نیکی و جهل مغلوب می‌شوند. وقتی گونهٔ نیکی غالب باشد، شهوت و جهل مغلوب می‌شوند. و هنگامی که گونهٔ جهل غالب باشد، شهوت و نیکی مغلوب می‌شوند. این رقابت برای تفوق بر یکدیگر در بین سه گونهٔ طبیعت مادی همواره ادامه دارد. بنابراین ، کسی که واقعاً مصمم است در آگاهی به کریشنا پیشرفت نماید می‌باید از این طبایع سه گانه فراتر رود. غلبه گونهٔ بخصوصی از طبیعت، در رفتار، فعالیت و خوراک و غیره انسان متجلی است. تمام این مطالب در فصول آتی توضیح داده خواهد شد. لیکن چنانچه انسان بخواهد، می‌تواند از طریق تمرین، طبع نیکی را در خود پرورش دهد و بدین‌سان طبایع جهل و شهوت را مغلوب سازد. به همین ترتیب، انسان می‌تواند طبع شهوت را پرورش دهد و نیکی و جهل را مغلوب سازد. و یا اینکه می‌تواند طبع جهل را افزایش دهد و نیکی و شهوت را مغلوب سازد. به رغم وجود این طبایع سه گانه طبیعت مادی، چنانچه انسان مصمم باشد می‌تواند لطف و برکت گونهٔ نیکی را شامل حال خود کند، و با عروج از گونهٔ نیکی، می‌تواند در گونهٔ نیکی خالص – که مرتبه واسودوا خوانده می‌شود – قرار گیرد، یعنی مرحله‌ای که انسان می‌تواند علم معرفت خداوند را درک نماید. با مطالعه رفتار و اعمال فرد می‌توان پی برد که در کدامیک از طبایع سه گانه قرار گرفته است.

## آیه ۱۱

*sarva-dvāreṣu dehe 'smin*
*prakāśa upajāyate*
*jñānaṁ yadā tadā vidyād*
*vivṛddhaṁ sattvam ity uta*

*sarva-dvāreṣu*: در تمام دروازه‌ها ـ *dehe asmin*: در این بدن ـ *prakāśaḥ*: کیفیت روشنایی ـ *upajāyate*: تکامل می‌یابد ـ *jñānam*: دانش ـ *yadā*: هنگامی که ـ *tadā*: در آن زمان ـ *vidyāt*: بدان ـ *vivṛddham*: افزایش یافته ـ *sattvam*: حالت نیکی ـ *iti uta*: بدین‌سان گفته شده است.

## ترجمه

**آن هنگام که تمام دروازه‌های بدن با نور دانش روشن می‌گردد، می‌توان تجلیات گونهٔ نیکی را تجربه نمود.**

## شرح

در بدن نه دروازه وجود دارد: دو چشم، دو گوش، دو سوراخ بینی، دهان، آلت تناسلی و مقعد. آن هنگام که تمام دروازه‌ها به‌وسیله نشانه‌های نیکی روشن گردد باید درک نمود که انسان گونهٔ نیکی را پرورش داده است. در گونهٔ نیکی انسان می‌تواند چیزها را در موقعیت درست ببیند، در موقعیت درست بشنود، و در موقعیت درست بچشد. انسان از درون و برون پاک می‌شود. در همه دروازه‌ها تکامل نشانه‌های شادی و خوشبختی به وجود می‌آید، و این موقعیت نیکی است.

## آیه ۱۲

*lobhaḥ pravṛttir ārambhaḥ*
*karmaṇām aśamaḥ spṛhā*
*rajasy etāni jāyante*
*vivṛddhe bharatarṣabha*

*lobhaḥ*: حرص ـ *pravṛttiḥ*: فعالیت ـ *ārambhaḥ*: تلاش، کوشش ـ *karmaṇām*: در فعالیتها ـ *aśamaḥ*: غیر قابل کنترل ـ *spṛhā*: آرزو ـ *rajasi*: مربوط به گونهٔ شهوت ـ *etāni*: همه اینها ـ *jāyante*: گسترش می‌یابد ـ *vivṛddhe*: هنگامی که شدت وجود دارد ـ *bharata-ṛṣabha*: ای سرکرده نوادگان بهاراتا.

## ترجمه

**ای سرآمد نوادگان بهاراتا، با فزونی گونهٔ شهوت، نشانه‌های دلبستگی زیاد، کار برای اجر و ثمر، تلاش شدید و امیال و آرزوهای مهارنشدنی شدت می‌یابد.**

## شرح

کسی که در گونهٔ شهوت است هیچگاه از موقعیتی که به دست آورده راضی نیست، بلکه مشتاق است که موقعیت خود را بهتر سازد. چنانچه بخواهد منزلی بسازد بهترین سعی خود را می‌نماید تا صاحب منزلی همچون قصر شود، چنانکه گویی قرار است به طور ابدی در آن زندگی کند. این شخص تمایل شدید برای ارضای حواس را در خود پرورش می‌دهد؛ و باید در نظر داشت هیچ گونه انتهایی برای ارضای حواس یا کامجویی وجود ندارد. او می‌خواهد همواره در خانه و در کنار خانواده‌اش باقی بماند و به ارضای تمایلات نفسانی خود ادامه دهد. با این حال باید دانست که پایانی بر این راه مترتب نیست. بدین ترتیب تمامی این نشانه‌ها و علائم باید به منزله خصوصیات گونهٔ شهوت تلقی گردد.

## آیه ۱۳

*aprakāśo 'pravṛttiś ca*
*pramādo moha eva ca*
*tamasy etāni jāyante*
*vivṛddhe kuru-nandana*

*aprakāśaḥ*: تاریکی و ظلمت ـ *apravṛttiḥ*: غیرفعالی، بی‌حرکتی ـ *ca*: و ـ *pramādaḥ*: دیوانگی ـ *mohaḥ*: توهم ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *tamasi*: گونهٔ جهل ـ *etāni*: اینها ـ *jāyante*: متجلی می‌شوند ـ *vivṛddhe*: هنگامی که گسترش یافت ـ *kuru-nandana*: ای پسر کورو.

## ترجمه

**ای پسر کورو، وقتی افزایش گونهٔ جهل وجود دارد، تاریکی و ظلمت، رکود و رخوت، دیوانگی و توهم تجلی می‌یابد.**

## شرح

بدون روشنایی دانش وجود ندارد. کسی که در گونهٔ جهل قرار دارد طبق اصول تنظیم‌کننده عمل نمی‌کند بلکه اعمالش از روی هوی و هوس و بدون هدف است. هرچند قابلیت انجام کار را دارد، ولی تلاش و کوشش نمی‌کند. این توهم خوانده می‌شود. هرچند در او آگاهی وجود دارد، ولی زندگی راکد و فاقد فعالیتی را می‌گذراند. اینها نشانه‌های کسی است که در گونهٔ جهل می‌باشد.

## آیه ۱۴

*yadā sattve pravṛddhe tu*
*pralayaṁ yāti deha-bhṛt*
*tadottama-vidāṁ lokān*
*amalān pratipadyate*

*yadā*: هنگامی که ـ *sattve*: گونهٔ نیکی ـ *pravṛddhe*: گسترش یافته ـ *tu*: اما ـ *pralayam*: زوال، اضمحلال ـ *yāti*: می‌رود ـ *deha-bhṛt*: آنکه کالبد گرفته ـ *tadā*: در آن زمان ـ*uttama-vidām*: مربوط به حکمای بزرگ ـ *lokān*: سیارات ـ *amalān*: پاک، خالص ـ *pratipadyate*: دست می‌یابد.

## ترجمه

**هنگامی که کسی در گونهٔ نیکی می‌میرد، به سیارات فوقانی و پاکِ حکمای بزرگ دست می‌یابد.**

## شرح

کسی که در گونهٔ نیکی است به منظومه سیارات فوقانی مانند برهمالوکا یا جانلوکا دست می‌یابد و آنجا از خوشبختی الهی بهره‌مند می‌شود. واژه آمالان حائز اهمیت است، یعنی "آزاد از طبایع شهوت و جهل". در دنیای مادی ناخالصیهایی وجود دارد، اما گونهٔ نیکی پاکترین شکل موجودیت در دنیای مادی است. انواع مختلف سیارات برای انواع مختلف موجودات زنده وجود دارد، و کسانی که در گونهٔ نیکی می‌میرند به سیاراتی که حکما و عابدان بزرگ در آنها زندگی می‌کنند ارتقاء می‌یابند.

## آیه ۱۵

*rajasi pralayaṁ gatvā*
*karma-saṅgiṣu jāyate*
*tathā pralīnas tamasi*
*mūḍha-yoniṣu jāyate*

*rajasi*: در شهوت ـ *pralayam*: زوال، مرگ ـ *gatvā*: دست یافتن ـ *karma-saṅgiṣu*: در معاشرت آن کسانی که مشغول کار برای اجر و ثمرند ـ *jāyate*: تولد می‌یابد ـ *tathā*: مشابهاً ـ *pralīnaḥ*: زایل می‌شود (می‌میرد) ـ *mūḍha-yoniṣu*: در جهل ـ *mūḍha-yoniṣu*: در انواع حیات حیوانی ـ *jāyate*: تولد می‌یابد.

## ترجمه

**کسی که در گونهٔ شهوت بمیرد، در میان آنان که سرگرم کار برای اجر و ثمرند تولد می‌یابد. و کسی که در گونهٔ جهل بمیرد، در قلمرو حیوانات زاده می‌شود.**

## شرح

بعضی اشخاص گمان می‌کنند که وقتی روح به سطح زندگی بشری برسد دیگر هیچگاه از حیات انسانی تنزل نمی‌کند؛ این نادرست است. طبق این آیه اگر کسی گونهٔ جهل را پرورش دهد، پس از مرگ به شکل حیوانی حیات تنزل خواهد کرد. از آنجا، انسان ناگزیر است دوباره خود را از طریق سیر تکاملی روح ارتقاء دهد تا دوباره به حیات انسانی بازآید. بنابراین، آنان که شکل انسانی حیات خود را جدی تلقی می‌کنند باید گونهٔ نیکی را انتخاب نمایند و با معاشرت پاک و مساعد از گونه‌های سه گانه طبیعت عروج نمایند و در کریشنا آگاهی قرار گیرند. این هدف زندگی انسانی است. در غیر این صورت تضمینی وجود ندارد که شخص دوباره به مقام و مرتبه انسانی حیات دست یابد.

## آیه ۱۶

*karmaṇaḥ sukṛtasyāhuḥ*
*sāttvikaṁ nirmalaṁ phalam*
*rajasas tu phalaṁ duḥkham*
*ajñānaṁ tamasaḥ phalam*

*karmaṇaḥ*: مربوط به کار ـ *su-kṛtasya*: پرهیزکارانه ـ *sāttvikam*: گفته شده است ـ*sāttvikam* : درگونهٔ نیکی ـ *nirmalam*: پاک شده، تطهیر شده ـ *phalam*: نتیجه ـ *rajasaḥ*: مربوط به گونهٔ شهوت ـ *tu*: اما ـ *phalam*: نتیجه ـ *duḥkham*: رنج و درد ـ *ajñānam*: حماقت ـ *tamasaḥ*: مربوط به گونهٔ جهل ـ *phalam*: نتیجه.

## ترجمه

**عمل متقیانه، نتیجه‌اش پاک است و گفته شده که در گونهٔ نیکی است. اما کاری که در گونهٔ شهوت انجام شود نتیجه‌اش رنج و کاری که در گونهٔ جهل انجام گیرد نتیجه‌اش حماقت است.**

## شرح

نتیجه و ثمره اعمال متقیانه در گونهٔ نیکی، پاکی و خلوص است. بنابراین حکمایی که از تمام توهمات مبری‌اند در سرور و خوشبختی قرار دارند. و اما فعالیتهایی که در طبع شهوت انجام می‌شود صرفاً مملو از رنج و مصیبت است. هر گونه فعالیتی به منظور خوشبختی مادی محتوم به شکست است. برای مثال، چنانچه کسی بخواهد صاحب آسمانخراشی بزرگ بشود باید رنج و گرفتاری زیادی متحمل گردد تا آن آسمانخراش بنا شود. سرمایه‌گذار باید سختی بسیار متحمل شود تا ثروت لازم را جمع‌آوری نماید و آنان که عملا در بنای ساختمان کار می‌کنند نیز باید زحمت جسمانی زیادی بکشند. پس رنج وجود دارد. در نتیجه

بهاگاواد-گیتا اعلام می‌دارد در هر فعالیتی که تحت افسون گونهٔ شهوت صورت می‌گیرد مسلماً رنج بسیاری نهفته است. شاید قدری به اصطلاح خوشبختی ذهنی مبنی بر اینکه "من این ثروت یا خانه را دارم" پیش آید، اما این خوشبختی حقیقی نیست.
تا آنجا که به گونهٔ جهل مربوط می‌شود، چون فاعل در این طبع، فاقد دانش است بدین جهت تمام فعالیتهای او به رنج و نگون‌بختی در زندگی کنونیش منجر خواهد شد و پس از آن نیز به زندگی حیوانی تنزل خواهد کرد. حیات حیوانی همواره پر از رنج و مصیبت است، هرچند تحت افسون انرژی توهمی یعنی مایا، حیوانات آن را درک نمی‌کنند. کشت و کشتار حیوانات بی‌گناه نیز به علت گونهٔ جهل و نادانی است. قاتلین حیوانات نمی‌دانند که به اقتضای قانون طبیعت در آینده آن حیوانات بدنی مناسب برای کشتن ایشان خواهند یافت. به همین ترتیب به اقتضای قانون مملکت چنانچه کسی انسانی را بکشد باید اعدام شود. لیکن به علت جهل و نادانی مردم درک نمی‌کنند که مملکت کاملی وجود دارد که خداوند متعال آن را اداره می‌کند. باید در نظر داشت هر موجود زنده درحکم فرزند خداوند است، و او کشته شدن حتی مورچه‌ای را نیز تحمل نمی‌کند. انسان باید تقاص چنین کاری را بدهد. بنابراین کشتار حیوانات برای ارضای زبان و ذائقه سرکش نفسانی زمخت‌ترین و کریه‌ترین نوع جهل و نادانی است. انسان برای تغذیه خود نیازی به کشتن حیوانات ندارد، زیرا خداوند بهترین خوراکها را برای وی تأمین نموده است. با این اوصاف چنانچه کسی به گوشتخواری مبادرت ورزد باید درک نمود که در گونهٔ جهل عمل می‌کند و آینده خود را بسیار تاریک می‌سازد. کشتن گاو ماده در بین انواع کشتار حیوانات، بیرحمانه‌ترین است، زیرا گاو با تأمین شیر هر گونه شادی و لذت را نثار ما می‌کند. کشتار گاو عملی است که از کریه‌ترین وجه جهل و غفلت سر می‌زند. در ادبیات ودایی (ریگ ودا ۶۴/۴/۹) کلمات *gobhiḥ prīṇita-matsaram* اعلام می‌دارد کسی که با خوردن شیر گاو کاملا سیر و راضی شده است و با این وصف هنوز خواستار کشتن اوست درزشت‌ترین حالت جهل و ظلمت قرار دارد. همچنین در ادبیات ودایی چنین آمده است:

*namo brahmaṇya-devāya*
*go-brāhmaṇa-hitāya ca*
*jagad-dhitāya kṛṣṇāya*
*govindāya namo namaḥ*

"ای خداوند، تو دوست و خیرخواه گاوها و براهماناها هستی، همین طور بشریت و تمام جهان."(ویشنو پورانا ۶۵/۱۹/۱) در این دعا اشاره خاصی به حفاظت گاوها و براهماناها به عمل آمده است. براهماناها مظهر تعلیم و تربیت روحانی، و گاوها نشانه ارزشمندترین خوراک یعنی شیر می‌باشند؛ بدین سبب باید حفاظت آنها یعنی براهماناها و گاوها را تأمین نمود و از هر گونه حمایتی نسبت به ایشان دریغ نورزید؛ این نشانه پیشرفت حقیقی یک تمدن است. در جامعه بشری جدید، تعلیم دانش روحانی نادیده گرفته می‌شود و کشتار گاو تشویق می‌گردد. در این صورت باید درک کرد که مسیر پیشرفت چنین جامعه‌ای در جهت گمراهی و انحراف است که مسلماً راه را برای محکومیت خویش هموار می‌نماید. تمدنی که انسان را به سوی حیات حیوانی در زندگی بعد سوق دهد مسلماً تمدنی انسانی نیست. البته تمدن فعلی به موجب حاکمیت گونه‌های شهوت و جهل به شدت به گمراهی و انحراف کشیده شده است. باید در نظر داشت که عصر حاضر عصری بسیار خطرناک است و لذا سرکردگان و رهبران دولتها باید به این امر توجه نمایند که آسانترین راه یعنی آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، را در دسترس همه قرار دهند تا بشریت را از ورطه بزرگترین خطر نجات دهند.

## آیه ۱۷

*sattvāt sañjāyate jñānaṁ*
*rajaso lobha eva ca*
*pramāda-mohau tamaso*
*bhavato 'jñānam eva ca*

*sattvāt*: از طبع نیکی ـ *sañjāyate*: پرورش می‌یابد ـ *jñānam*: دانش ـ *rajasaḥ*: از طبع‌شهوت ـ *lobhaḥ*: حرص ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *pramāda*: دیوانگی ـ *mohau*: وتوهم ـ *tamasaḥ*: از طبع جهل ـ *bhavataḥ*: پرورش می‌یابد ـ *ajñānam*: حماقت ـ *eva*: حتماً،محققاً ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**از گونۀ نیکی، دانش حقیقی پرورش می‌یابد؛ از گونۀ شهوت، حرص و طمع، و از گونـۀ جهـل، حماقـت و دیوانگی و همچنین توهم.**

## شرح

از آنجا که روند تمدن فعلی با فطرت موجود زنده توافق و سازگاری ندارد، آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، توصیه می‌شود. جامعه با کریشنا آگاهی امکان پروردش گونۀ نیکی را کسب خواهد کرد و با پیشرفت گونۀ نیکی مردم همه چیز را همان گونه که هست درک خواهند کرد. در گونۀ جهل مردم درست مانند حیوانات هستند و نمی‌توانند چیزها را به وضوح دریابند. مثلا در گونۀ جهل آنان درک نمی‌کنند که با کشتن یک حیوان امکان کشته شدن خود را به دست همان حیوان در زندگی بعد فراهم می‌آورند. چون مردم فاقد هر گونه تعلیم و تربیت در دانش حقیقی‌اند، نسبت به اعمال خود دچار عدم احساس مسئولیت می‌شوند، لذا برای جلوگیری از این بی‌مسئولیتی، باید تعلیم و تربیت در جهت پرورش گونۀ نیکی در مردم به طور عام به وجود آید. هنگامی که آنان واقعاً در طبع نیکی تعلیم و تربیت یابند، به موجب دانش کامل از همه چیز همان گونه که هست، هوشیار و به تبع آن موفق و خوشبخت خواهند شد. چنانچه حتی اکثریت مردم موفق و خوشبخت نباشند و فقط درصدی از نفوس بشری کریشنا آگاهی را در خود پرورش دهند و در گونۀ نیکی قرار گیرند، آنگاه امکان صلح و آرامش و موفقیت از طریق آنان در سراسر جهان به وجود خواهد آمد. در غیر این صورت، با غوطه‌ور بودن بشریت در گونه‌های شهوت و جهل امکان ندارد که جهان رنگ صلح و آرامش یا خوشبختی را به خود ببیند. در طبع شهوت مردم حریص می‌شوند و بر اشتیاق آنان برای کامجویی و ارضای حواس حدی مترتب نیست. به راحتی می‌توان این نکته را دریافت که چنانچه انسان در گونۀ شهوت باشد، تمام ثروت و تمام لذتهای جهان قادر نخواهد بود خوشبختی و آرامش فکر را برای او به ارمغان آورد. انسان باید در نظر داشته باشد که چنانچه واقعاً طالب خوشبختی است ثروت به او کمک نخواهد کرد؛ بلکه او باید خود را از طریق تمرین آگاهی به کریشنا به گونۀ نیکی ارتقاء دهد. کسی که در طبع شهوت است، نه تنها از دیدگاه ذهنی ناراضی و غمگین، که کار و حرفه‌اش نیز بسیار سخت و پرزحمت است. او مجبور است به منظور کسب ثروت کافی برای حفظم و قعیت خود در اجتماع، نقشه‌های زیادی بکشد و برنامه‌هایی تدارک ببیند که این خود تماماً پر از رنج و مصیبت است. و اما در گونۀ جهل، مردم دیوانه می‌شوند. آنان به علت وضع و موقعیت رنجبار خود به مسکرات پناه می‌برند و بدین‌سان بیشتر در گرداب جهل و نادانی غوطه‌ور می‌گردند. زندگ آینده آنان مملو از تاریکی و ظلمت است.

## آیه ۱۸

*ūrdhvaṁ gacchanti sattva-sthā*
*madhye tiṣṭhanti rājasāḥ*
*jaghanya-guṇa-vṛtti-sthā*
*adho gacchanti tāmasāḥ*

*ūrdhvam*: رو به بالا ـ *gacchanti*: می‌روند ـ *sattva-sthāḥ*: آن کسانی که در گونهٔ نیکی واقع‌شده‌اند ـ *madhye*: در میانه ـ *tiṣṭhanti*: سکنی دارند ـ *rājasāḥ*: آن کسانی که در گونهٔ شهوت واقع شده‌اند ـ *jaghanya*: مربوط به زشت و کریه ـ *guṇa*: کیفیت ـ *vṛtti-sthāḥ*: که حرفه‌شان ـ *adhaḥ*: پایین ـ *gacchanti*: می‌روند ـ *tāmasāḥ*: اشخاصی که در گونهٔ جهل هستند.

## ترجمه

**آنان که در گونهٔ نیکی قرار دارند تدریجاً به سیارات فوقانی صعود می‌کنند؛ آنان که در گونهٔ شهوت هستند در سیارات میانی ـ زمینی ـ باقی می‌مانند؛ و آنان که در گونهٔ کریه جهل واقع شده‌اند به عوالم جهنمی فرو می‌روند.**

## شرح

در این آیه نتایج عمل در سه گونهٔ طبیعت صریحاً بیان گردیده است. شایان ذکر است که منظومه‌ای از سیارات فوقانی وجود دارد که متشکل از سیارات بهشتی است و ارواح بسیار پیشرفته در آن اقامت دارند. موجود زنده می‌تواند بر اساس میزان پیشرفت خود در گونهٔ نیکی به سیارات مختلف در منظومه سیارات فوقانی انتقال یابد. بالاترین سیاره، ساتیالوکا یا برهمالوکا است، جایی که شخص اول این جهان یعنی خداوندگار برهما در آن سکنی دارد. ما پیش از این ملاحظه نمودیم که مشکل می‌توان موقعیت شگفت‌انگیز حیات در برهمالوکا را ترسیم کرد، با این وصف بالاترین حالت زندگی یعنی گونهٔ نیکی می‌تواند ما را به آنجا رهنمون سازد.

گونهٔ شهوت در بین گونه‌های نیکی و جهل واقع شده است و رنگی از هر دوی آنان دارد، پس انسان هیچگاه نمی‌تواند در گونه خالص شهوت قرار گیرد، ولی چنانچه حتی این امر رخ دهد، وی صرفاً به صورت یک پادشاه یا شخصی ثروتمند در کره زمین باقی خواهد ماند. اما چون مخلوطی از گونه‌ها وجود دارد و ممکن است گونهٔ شهوت به گونهٔ جهل آمیخته گردد، انسان می‌تواند به مراتب پست‌تر نیز نزول نماید. مردمی که در این کره ارض هستند – به علت تسلط گونه‌های شهوت و جهل بر آنان – نمی‌توانند به زور و صرفاً از طریق تلاشهای خود به صورت تکنولوژی پیشرفته‌ای همچون فضاپیماهای مدرن، به سیارات فوقانی دسترسی پیدا کنند. برای کسی که در گونهٔ شهوت بسر می‌برد امکان دیوانه شدن در زندگی بعد نیز وجود دارد.

در آیه حاضر، پست‌ترین کیفیت در طبیعت مادی یعنی گونهٔ جهل، با عنوان کریه توصیف شده است. نتیجه پرورش گونهٔ جهل بسیار خطرناک است. پایین‌تر از سطح بشری، هشت میلیون شکل حیات وجود دارد یعنی پرندگان، چهارپایان، خزندگان، درختان و غیره و به موجب میزان پرورش گونهٔ جهل، مردم در قالب این گونه‌های پست و کریه حیاتی قرار می‌گیرند. واژه تاماسا در اینجا بسیار حائز اهمیت است. تاماسا اشاره به آنان دارد که پیوسته در گونهٔ جهل باقی می‌مانند بی‌آنکه به گونه بالاتری از طبیعت مادی ارتقاء یابند. آینده آنان بسیار تاریک است.

با تمام این اوصاف، برای کسانی که در گونه‌های جهل و شهوت بسر می‌برند، فرصت مغتنمی وجود دارد که به گونهٔ نیکی ارتقاء یابند و آن کریشنا آگاهی خوانده می‌شود. اما کسی که این فرصت را از کف دهد مطمئناً در گونه‌های پست‌تر حیات باقی خواهد ماند.

## آیه ۱۹

*nānyaṁ guṇebhyaḥ kartāraṁ*
*yadā draṣṭānupaśyati*

*guṇebhyaś ca paraṁ vetti*
*mad-bhāvaṁ so 'dhigacchati*

*na*: نه، هیچ ـ *anyam*: دیگری ـ *guṇebhyaḥ*: بجز حالات یا کیفیات ـ *kartāram*: انجام دهنده ـ *yadā*: هنگامی که ـ *draṣṭā*: یک بیننده ـ *anupaśyati*: به طرز درستی مشاهده می‌کند ـ *guṇebhyaḥ*: به گونه‌های طبیعت ـ *ca*: و ـ *param*: متعال، روحانی ـ *vetti*: می‌شناسد ـ *mat-bhāvam*: به طبیعت روحانی من ـ *saḥ*: او ـ *adhigacchati*: ترفیع می‌یابد.

## ترجمه

**هنگامی که شخص به درستی مشاهده کند که در تمام اعمال، هیچ‌گونه فاعلی جز سه گونهٔ طبیعت در کار نیست و خداوند متعال را که در ورای تمام این طبایع سه‌گانه است بشناسد، آنگاه به طبیعت روحانی من نائل می‌گردد.**

## شرح

انسان صرفاً از راه شنیدن و آموختن از ارواح شایسته می‌تواند به درک صحیح از طبایع سه گانه مادی دست یابد و به ورای تمام اعمال گونه‌های طبیعت مادی عروج نماید. کریشنا پیر روحانی حقیقی است، و هم اوست که این دانش روحانی را به آرجونا اعطاء می‌کند. مشابهاً، انسان باید تحت تعلیم آن کسانی که کاملا در آگاهی به کریشنا هستند علم اعمال طبق گونه‌های طبیعت را فراگیرد. در غیر این صورت، زندگی فرد به گمراهی کشیده خواهد شد. انسان می‌تواند از طریق تعلیمات یک پیر روحانی باصلاحیت به شناخت موقعیت روحانی، بدن مادی و حواس خود، همچنین چگونگی اسارتش در ماده و افسون شدنش به‌وسیله گونه‌های طبیعت مادی نائل آید. او به علت واقع شدن در پنجه قوی این گونه‌ها عاجز گشته است، لیکن هنگامی که بتواند به موقعیت فطری و حقیقی خود پی ببرد، آنگاه می‌تواند به عرصه متعال و روحانی دست یابد، زیرا زندگی روحانی در میدان دید او قرار می‌گیرد. در واقع، موجود زنده فاعل اعمال گوناگون خود نیست، بلکه به لحاظ قرار گرفتن در کالبد جسمانی خاصی که تحت هدایت ترکیبی خاص از گونه‌های طبیعت مادی است مجبور به عمل می‌شود. تا وقتی انسان از یاری و کمک مرجعیت موثق روحانی برخوردار نشده باشد نمی‌تواند درک نماید که واقعاً در چه موقعیتی قرار گرفته است. او از طریق معاشرت با یک پیر روحانی معتبر و موثق است که قادر خواهد شد موقعیت فطری و حقیقی خود را رؤیت کند و با چنین ادراکی در آگاهی کامل به کریشنا ثابت و استوار گردد. کسی که در آگاهی به کریشنا قرار داشته باشد تحت تسلط افسون گونه‌های طبیعت مادی نیست. این نکته قبلا در فصل هفتم بیان شد که کسی که تسلیم کریشنا شود از نفوذ طبیعت مادی رها می‌گردد. بنابراین برای کسی که پدیده‌ها را همان گونه که هست ببیند، تأثیر طبیعت مادی تدریجاً از بین می‌رود.

## آیه ۲۰

*guṇān etān atītya trīn*
*dehī deha-samudbhavān*
*janma-mṛtyu-jarā-duḥkhair*
*vimukto 'mṛtam aśnute*

*guṇān*: طبایع، کیفیات ـ *etān*: همه اینها ـ *atītya*: عروج نمودن ـ *trīn*: سه ـ *dehī*: آن که قالب گرفته ـ *deha*: بدن ـ *samudbhavān*: پدید آمده از ـ *janma*: مربوط به تولد ـ *mṛtyu*: مرگ ـ *jarā*: و پیری ـ *duḥkhaiḥ*: رنجها ـ *vimuktaḥ*: رها می‌شود از ـ *amṛtam*: شهد ـ *aśnute*: بهره‌مند گردد.

## ترجمه

**هنگامی که موجود جسم گرفته قادر شود از این گونه‌های طبیعت که با بدن مادی ترکیب شده است عروج نماید، می‌تواند از تولد، مرگ، پیری و رنجهای ناشی از آنها آزاد شود و حتی در این‌زندگی از شهد بهره‌مند گردد.**

## شرح

در این آیه توضیح داده می‌شود که چگونه انسان می‌تواند حتی در این بدن در آگاهی کامل به کریشنا، در موقعیت متعال و روحانی واقع شود. واژه سانسکریت دهی یعنی "در قالب جسم آمده".هرچند شخص درون این بدن مادی است، اما با پیشرفت در معرفت روحانی می‌تواند از تأثیر و نفوذ گونه‌های طبیعت آزاد شود. او حتی به رغم حضور در این بدن نیز می‌تواند از شعف و خوشبختی زندگی روحانی بهره‌مند شود، زیرا مطمئن است که پس از ترک بدن مادی به آسمان روحانی دست پیدا می‌کند. لیکن او حتی در این جسم می‌تواند از شعف روحانی بهره‌مند باشد. به عبارت دیگر، خدمت عابدانه در آگاهی به کریشنا نشانه رهایی از اسارت مادی است، و این موضوع در فصل هجدهم توضیح داده خواهد شد. وقتی انسان از تأثیر گونه‌های طبیعت مادی آزاد شد، وارد خدمت عابدانه می‌گردد.

## آیه ۲۱

*arjuna uvāca*
*kair liṅgais trīn guṇān etān*
*atīto bhavati prabho*
*kim ācāraḥ kathaṁ caitāṁs*
*trīn guṇān ativartate*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *kaiḥ*: به‌وسیله کدام ـ *liṅgaiḥ*: نشانه‌ها ـ *trīn*: سه ـ *guṇān*: طبایع ـ *etān*: همه اینها ـ *atītaḥ*: عروج نموده است ـ *bhavati*: هست ـ *prabho*: ای خدای من ـ*kim*: چیست ـ *ācāraḥ*: رفتار ـ *katham*: چگونه ـ *ca*: همچنین ـ *etān*: اینها ـ *trīn*: سه ـ *guṇān*: طبایع، کیفیات ـ *ativartate*: عروج می‌کند.

## ترجمه

**آرجونا پرسید: ای خداوند عزیزم، با چه نشانه‌هایی می‌توان شخصی را که در ورای سه گونهٔ طبیعت است شناخت؟ رفتارش چگونه است؟ و چگونه به ورای گونه‌های طبیعت عروج می‌کند؟**

## شرح

سؤالات آرجونا در این آیه بسیار بجاست. او می‌خواهد بداند چگونه می‌توان شخصی را که به ورای سه گونهٔ طبیعت مادی عروج کرده است بازشناخت. نخست او از نشانه‌های چنین شخصی سؤال می‌نماید؛ چگونه انسان می‌تواند دریابد که او قبلا از اسارت گونه‌های طبیعت مادی عروج کرده است؟ در سؤال دوم وی در مورد چگونگی زندگی و فعالیتهای این شخص پرسش می‌کند. آیا اعمال او دارای نظم‌اند یا خیر؟ سپس آرجونا از طریق سؤال سوم می‌خواهد بداند که چطور می‌توان از اسارت گونه‌ها رها و به طبیعت متعال نایل شد. این مطلب بسیار مهمی است، زیرا چنانچه انسان طریقه مستقیم واقع شدن پیوسته در موقعیت روحانی را نشناسد، به هیچ وجه امکان بروز نشانه‌های مربوط به آن را نخواهد داشت. بدین سبب کلیه سؤالهای آرجونا حائز کمال اهمیت هستند و خداوند به آنها پاسخ می‌گوید.

## آیات ۲۵-۲۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*prakāśaṁ ca pravṛttiṁ ca*
*moham eva ca pāṇḍava*
*na dveṣṭi sampravṛttāni*
*na nivṛttāni kāṅkṣati*

*udāsīna-vad āsīno*
*guṇair yo na vicālyate*
*guṇā vartanta ity evaṁ*
*yo 'vatiṣṭhati neṅgate*

*sama-duḥkha-sukhaḥ sva-sthaḥ*
*sama-loṣṭāśma-kāñcanaḥ*
*tulya-priyāpriyo dhīras*
*tulya-nindātma-saṁstutiḥ*

*mānāpamānayos tulyas*
*tulyo mitrāri-pakṣayoḥ*
*sarvārambha-parityāgī*
*guṇātītaḥ sa ucyate*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *prakāśam*: روشنایی ـ *ca*: و ـ *pravṛttim*: دلبستگی ـ *ca*: و ـ *moham*: توهم ـ *eva ca*: همچنین ـ *pāṇḍava*: ای پسر پاندو ـ *na dveṣṭi*: نفرت نمی‌ورزد ـ *sampravṛttāni*: هرچند گسترش یافته ـ *na nivṛttāni*: و رشدش را متوقف نمی‌کند ـ *kāṅkṣati*: آرزو می‌کند ـ *udāsīna-vat*: چنانکه گویی بی‌طرف ـ *āsīnaḥ*: واقع‌شده ـ *guṇaiḥ*: به‌وسیله کیفیات ـ *yaḥ*: کسی که ـ *na*: هیچگاه ـ *vicālyate*: آشفته می‌شود ـ *guṇāḥ*: کیفیات ـ *vartante*: عمل می‌کنند ـ *iti evam*: با دانستن این ـ *yaḥ*: کسی که ـ *avatiṣṭhati*: باقی می‌ماند ـ *na*: هرگز ـ *iṅgate*: تکان می‌خورد، متزلزل می‌شود ـ *sama*: یکسان ـ *duḥkha*: در رنج و بدبختی ـ *sukhaḥ*: و شادی و خوشبختی ـ *sva-sthaḥ*: در خویشتن واقع می‌شود ـ *sama*: به طور یکسان ـ *loṣṭa*: تکه‌ای کلوخ ـ *aśma*: سنگ ـ *kāñcanaḥ*: طلا ـ *tulya*: به طور یکسان علاقه‌مند ـ *priya*: به شخص عزیز ـ *apriyaḥ*: و ناخوشایند ـ *dhīraḥ*: ثابت ـ *tulya*: یکسان ـ *nindā*: در مقابل هتک حرمت ـ *ātma—saṁstutiḥ*: و در مقابل تحسین و تمجیدی که از او می‌شود ـ *māna*: در احترام ـ *apamānayoḥ*: و بی‌احترامی ـ *tulyaḥ*: یکسان ـ *tulyaḥ*: یکسان ـ *mitra*: مربوط به دوستان ـ *ari*: و دشمنان ـ *pakṣayoḥ*: نسبت به گروهها ـ *sarva*: مربوط به همه ـ *ārambha*: تلاشها ـ *parityāgī*: کسی که انقطاع پیشه کرده ـ *guṇa-atītaḥ*: ورای گونه‌های مادی طبیعت ـ *saḥ*: او ـ *ucyate*: گفته شده (می‌باشد).

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: ای پسر پاندو، آن کس که در صورت بروز روشنایی، دلبستگی و توهم بـه آنها نفرت نمی‌ورزد و وقتی آنها ناپدید می‌شوند نیز مشتاق و آرزومندشان نیست؛ کسی که در میان تمـامی ایـن**

**واکنشهای کیفیاتِ مادی طبیعت تزلزل‌ناپذیر و بدون تشویش است و با دانستن اینکه تنها گونه‌های طبیعت مادی‌اند که عمل می‌کنند، بی‌طرف و ورای آنها در بُعد متعال باقی می‌ماند؛ کسی که در ذات واقع شده و شادی و رنج برایش یکسان است؛ به خاک، سنگ و طلا به یک چشم نگاه می‌کند؛ نسبت به موارد خوشایند و ناگوار یکسان است؛ ثابت و محکم است و ستایش و نکوهش، احترام و بی‌احترامی، برایش فرقی نمی‌کند؛ با دوست و دشمن یکسان رفتار می‌کند؛ و از کلیه فعالیتهای مادی انقطاع حاصل کرده است ــ چنین شخصی، گفته می‌شود، به ورای گونه‌های طبیعت عروج نموده است.**

## شرح

خداوند به سه سؤال مطرح شده از طرف آرجونا یکی پس از دیگری پاسخ می‌گوید. در این آیات کریشنا نخست نشان می‌دهد که شخصی که در عرصه روحانی قرار گرفته نه به کسی حسادت می‌ورزد و نه مشتاق چیزی است. استمرار موجودیت موجود زنده به‌وسیله یک کالبد مادی در این عالم خاکی نشانگر این نکته است که او تحت فرمان یکی از سه گونهٔ طبیعت مادی است. هنگامی که او واقعاً فارغ از بدن باشد، آنگاه می‌توان گفت که خارج از پنجه‌های گونه‌های مادی طبیعت قرار دارد. اما تا زمانی که فارغ از بدن مادی نیست باید بی‌طرف و خنثی باشد و به شرایط مادی که در آن واقع شده است وقعی نگذارد. او باید خود را مشغول خدمت عابدانه خداوند نماید تا این دیدگاه یکی پنداشتن خویش با بدن مادی خود به خود فراموش گردد. هنگامی که انسان در آگاهی بدن مادی قرار دارد، فقط برای ارضای حواس عمل می‌کند، در حالی که وقتی آگاهیش را به کریشنا معطوف نماید، کامجویی خود به خود متوقف می‌گردد. شخص (گوهر روح) به این بدن مادی و پذیرفتن دستورات آن احتیاج ندارد. نفوذ گونه‌های مادی بر روی بدن و فعالیتهای آنها در این زمینه هیچگاه قطع نمی‌شود، اما ذات به منزله گوهر روحانی باید از چنین فعالیتهایی برکنار باشد. چگونه برکنار می‌شود؟ بدین ترتیب که نه آرزوی لذت بردن از بدن را داشته باشد و نه آرزوی رهایی از آن را. بدین‌سان عابد با قرار گرفتن در موقعیت روحانی خود به خود آزاد می‌شود و نیازی ندارد که بخواهد بکوشد از تأثیر گونه‌های طبیعت مادی رها گردد.

سؤال بعدی راجع به رفتار شخصی است که در عرصه روحانی واقع شده است. چنین فردی برخلاف شخصی که در اسارت ماده قرار گرفته، تحت تأثیر این به اصطلاح احترام و بی‌احترامی که‌به بدن ابراز می‌شود واقع نمی‌گردد. او وظایف خود را در آگاهی به کریشنا انجام می‌دهد و اهمیتی نمی‌دهد که به او احترام یا بی‌احترامی شود. او چیزهایی را که برای وظیفه‌اش در آگاهی به کریشنا مطلوب است می‌پذیرد، در غیر این صورت به هیچ چیز مادی اعم از سنگ یا طلا احتیاج ندارد. او هر کسی را که در اجرای کریشنا آگاهی به او کمک می‌نماید به عنوان دوست عزیز خود می‌پذیرد، و به آنان که به اصطلاح دشمن او هستند نیز نفرت نمی‌ورزد. او نسبت به همه بی‌طرف است و همه چیز را با چشمی یکسان می‌نگرد، زیرا به خوبی واقف است که هیچ کاری با موجودیت مادی ندارد .مسائل اجتماعی و سیاسی در او تأثیر نمی‌کنند زیرا به موقتی بودن تحولات و آشفتگیها واقف است. او می‌تواند برای کریشنا به هر تلاش و کاری دست زند در حالی که برای شخص خودش به هیچ تلاشی مبادرت نمی‌ورزد. با چنین رفتاری است که انسان واقعاً در موقعیت روحانی قرارمی‌گیرد.

## آیه ۲۶

*māṁ ca yo 'vyabhicāreṇa*
*bhakti-yogena sevate*
*sa guṇān samatītyaitān*
*brahma-bhūyāya kalpate*

*mām*: به من ـ *ca*: همچنین ـ *yaḥ*: شخصی که ـ *avyabhicāreṇa*: بدون فرو افتادن ـ *bhakti-yogena*: به‌وسیله خدمت عابدانه ـ *sevate*: خدمت می‌کند ـ *saḥ*: او ـ *guṇān*: گونه‌های طبیعت مادی ـ *samatītya*: عروج نمودن، فراتر رفتن ـ *etān*: همه اینها ـ *brahma-bhūyāya*: به‌مرتبه برهمن ارتقاء یافته ـ *kalpate*: می‌گردد.

## ترجمه

**کسی که وجودش وقف خدمت عابدانهٔ کامل می‌شود و در هیچ شرایطی فرو نمی‌افتد، بی‌درنگ به ورای گونه‌های طبیعت مادی عروج می‌کند و بدین‌سان به سطح برهمن می‌رسد.**

## شرح

این آیه پاسخ به سؤال سوم آرجونا است: "راه رسیدن به عرصه روحانی چیست؟" همان گونه که‌قبلا توضیح داده شد دنیای مادی تحت افسون گونه‌های طبیعت مادی عمل می‌کند. انسان نباید از فعالیتهای گونه‌های طبیعت دچار آشفتگی گردد، بلکه به جای اینکه آگاهیش را متوجه چنین فعالیتهایی نماید می‌تواند آن را به فعالیتهایی برای رضایت کریشنا معطوف کند. همواره عمل کردن برای کریشنا و فعالیت کردن به خاطر او بهاکتی- یوگاست. این موضوع نه تنها شامل کریشنا بلکه شامل بسطهای کامل مختلف او مانند راما و نارایانا نیز می‌شود. خداوند بسطهای بی‌شماری دارد. کسی که مشغول خدمت به هر کدام از شکلها یا بسطهای کامل کریشنا شود به عنوان کسی که در موقعیت روحانی قرار دارد محسوب خواهد شد. همچنین باید توجه نمود که تمام فرمهای کریشنا کاملا روحانی، مملو از شعف، سرشار از دانش و جاودان هستند. این شخصیتهای الهی، قادر مطلق، دانای مطلق و صاحب تمام صفات متعالند. بنابراین، چنانچه کسی خود را با عزم راسخ و تزلزل‌ناپذیر مشغول خدمت به کریشنا یا بسطهای کامل او بدارد، هرچند غلبه بر این گونه‌های طبیعت مادی بسیار مشکل است، لیکن می‌تواند به آسانی بر آنها فائق آید. این مطلب قبلا در فصل هفتم توضیح داده شده است. کسی که به کریشنا تسلیم شود بی‌درنگ بر تأثیر گونه‌های طبیعت مادی غلبه می‌نماید. در آگاهی به کریشنا یا به عبارتی در خدمت عابدانه او بودن یعنی دست یافتن به سطحی برابر با کریشنا. خداوند می‌فرماید طبیعت او جاودان، پر از شعف و مملو از دانش است؛ موجودات زنده اجزاء و ذرات اویند، همچون ذرات طلا که قسمتهایی از معدن طلا به شمار می‌آیند. بدین‌سان موجود زنده، همچون مثال طلا، در موقعیت روحانیش، از نظر کیفی همتای کریشنا می‌باشد. لیکن متمایز بودن فردیت همچنان به قوه خود باقی است، زیرا در غیر این صورت مسئله‌ای به نام بهاکتی- یوگا مطرح نمی‌شد. بهاکتی- یوگا یعنی به رسمیت شناختن هویت مستقل خداوند و عابدش، و تبادل عشق بین آن دو. بنابراین، فردیت هر دوی آنان یعنی در شخصیت متعال خداوند و در روح فردی، همچنان باقی است زیرا در غیر این صورت بهاکتی- یوگا مفهومی نمی‌داشت. از طرف دیگر چنانچه انسان در موقعیتی روحانی همتای خداوند قرار نگرفته باشد، چگونه می‌تواند به او خدمت نماید؟ برای اینکه انسان بتواند دستیار خصوصی پادشاه شود لازم است شایستگی و صلاحیت آن را کسب کند. در نتیجه شایستگی و لیاقت لازم این است که انسان"برهمن" یا آزاد از تمام آلودگیهای مادی بشود. در ادبیات ودایی گفته شده است:

*brahmaiva san brahmāpy eti*

شخص با برهمن شدن می‌تواند به برهمن متعال نائل گردد. این بدان معناست که او باید از نظر کیفی با برهمن یکی شود. باید مطمح نظر داشت که فرد از طریق نیل به برهمن، هویت برهمن جاودانش را به عنوان یک روح فردی از دست نمی‌دهد.

## آیه ۲۷

*brahmaṇo hi pratiṣṭhāham*

*amṛtasyāvyayasya ca*
*śāśvatasya ca dharmasya*
*sukhasyaikāntikasya ca*

*brahmaṇaḥ*: مربوط به برهما جیوتی فاقد شخصیت ـ *hi*: حتماً، محققاً ـ *pratiṣṭhā*: تکیه‌گاه ـ *aham*: من هستم ـ *amṛtasya*: مربوط به لایزال ـ *avyayasya*: مربوط به فناناپذیر ـ *ca*: همچنین ـ *śāśvatasya*: مربوط به جاودان ـ *ca*: و ـ *dharmasya*: مربوط به موقعیت اصلی و فطری ـ *sukhasya*: مربوط به خوشبختی ـ *aikāntikasya*: نهایی ـ *ca*: همچنین.

## ترجمه

**اساس برهمن فاقد شخصیت، که لایزال، فناناپذیر، جاودان و موقعیت اصلی سرور و خوشبختی نهایی است، من هستم.**

## شرح

سرشت برهمن زوال‌ناپذیری، فناناپذیری، جاودانگی و سرور و خوشبختی است. درک برهمن آغاز معرفت روحانی است. درک پاراماتما یا روح متعال، مرحله میانی معرفت روحانی و درک شخصیت اعلای خداوند، معرفت نهایی حقیقت مطلق است. بنابراین، شخصیت اعلای خداوند هم پاراماتما و هم برهمن فاقد شخصیت هر دو را در بر دارد. در فصل هفتم توضیح داده شد که طبیعت مادی تجلی انرژی فروتر خداوند متعال است. خداوند طبیعت فروتر مادی را با ذرات طبیعت برتر بارور می‌سازد که این تماس روحانی در طبیعت مادی است. هنگامی که موجود زنده مقید به طبیعت مادی شروع به پرورش دانش روحانی می‌نماید، خود را از عرصه موجودیت مادی ارتقاء می‌دهد و تدریجاً به درک جنبه برهمن خداوند متعال صعود می‌کند. رسیدن به درک برهمن اولین مرحله خودشناسی است. در این مرحله کسی که به معرفت برهمن رسیده است در ورای موقعیت مادی قرار می‌گیرد، لیکن واقعاً با شناخت برهمن هنوز به مرحله کمال نائل نیامده است. چنانچه بخواهد می‌تواند در موقعیت برهمن باقی بماند و سپس تدریجاً به شناخت پاراماتما و پس از آن به شناخت شخصیت اعلای خداوند صعود نماید. مثالهای بسیاری در این باره در ادبیات ودایی وجود دارد. چهار کومارا نخست حقیقت را در وجه برهمن فاقد شخصیت درک نمودند، اما پس از آن تدریجاً به سطح خدمت عابدانه ارتقاء یافتند. کسی که نتواند خود را به ورای درک برهمن فاقد شخصیت ارتقاء دهد با خطر فرو افتادن مواجه است. شریماد- بهاگاواتام آموزش می‌دهد که شخصی که به عرصه برهمن فاقد شخصیت دست یافته است، چنانچه فراتر نرود و به شناخت شخص متعال نرسد هنوز دارای شعوری کاملا روشن و زلال نیست. بنابراین، به رغم ارتقاء یافتن به سطح برهمن اگر شخص مشغول خدمت عابدانه خداوند نشود امکان فرو افتادن وجود دارد. در متون ودایی گفته شده است:

*raso vai saḥ, rasaṁ hy evāyaṁ labdhvānandī bhavati*

"وقتی انسان شخصیت خداوند، آن سرچشمه لذت یعنی کریشنا را درک نماید، واقعاً مملو از شعف روحانی می‌شود." (تایتیریا اوپانیشاد ۱/۷/۲) خداوند متعال دارای شش توانگری مطلق است و در تقرب عابد به حق تعالی تبادلی از این شش توانگری وجود دارد. خادم پادشاه تقریباً با پادشاه در یک سطح لذت می‌برد و بهره‌مند می‌گردد. بدین‌سان سرور و شادی ابدی، خوشبختی‌فناناپذیر و حیات جاودان توأم با خدمت عابدانه است. بنابراین، شناخت برهمن یا جاودانگی و فناناپذیری در بطن خدمت عابدانه نهفته است. و باید دانست شخصی که مشغول خدمت عابدانه است واجد این شایستگی می‌گردد.

موجود زنده گرچه ذاتاً و طبعاً برهمن است، اما آرزوی خدایی کردن بر طبیعت مادی باعث سقوط او می‌شود. موجود زنده (روح) در حالت اصلی و فطریش ورای سه گونهٔ طبیعت مادی است، لیکن تماس و معاشرت با طبیعت مادی او را در گونه‌های مختلف نیکی، شهوت و جهل گرفتار می‌سازد. آرزوی حکمرانی بر جهان مادی در موجود زنده به علت معاشرت او با این سه گونه‌طبیعت مادی است؛ لیکن او با مشغول شدن به خدمت عابدانه در آگاهی کامل به کریشنا بی‌درنگ درعرصه روحانی قرار می‌گیرد و آرزوی نامشروعش برای تسلط بر طبیعت مادی برطرف می‌گردد. بنابراین روند خدمت عابدانه که از شنیدن، ذکر کردن، به یاد داشتن – یعنی آن نه روش تجویزشده برای شناخت خدمت عابدانه – تشکیل می‌شود باید در معاشرت عابدان انجام پذیرد. بدین ترتیب تدریجاً با چنین معاشرتی و با تأثیر پیر روحانی، آرزوی مادی انسان برای حکمرانی و خدایی کردن مرتفع می‌شود و انسان در خدمت عاشقانه روحانی خداوند استوار و ثابت می‌گردد. از آیه بیست و دوم تا آخرین آیه این فصل، کریشنا به توصیه همین روش یعنی خدمت عابدانه می‌پردازد که انجام آن بسیار ساده است: انسان باید همواره مشغول خدمت به خداوند باشد، باید باقیمانده خوراکی را که به آرچای خداوند پیشکش شده تناول نماید، گلهایی را که به قدوم نیلوفرین خداوند تقدیم شده ببوید، اماکن مقدسی را که در آنها خداوند به شئون روحانیش پرداخته است رؤیت کند، درباره فعالیتهای مختلف خداوند و تبادل عشق او با مریدانش بخواند، همواره اصوات متعال هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره را به ارتعاش درآورد، و روزه‌های مربوط به یادبود روزهای ظهور و ناپدید شدن خداوند و عابدانش را مراعات نماید. شخص با پیروی از چنین روشی کاملا از تمام فعالیتهای مادی آزاد می‌گردد. کسی که بتواند بدین‌سان خود را در برهما جیوتی یا تنوعات مختلف ادراک برهمن قرار دهد از نظر کیفی همتای شخصیت اعلای خداوند می‌شود.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل چهاردهم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "سه گونه طبیعت مادی" پایان می‌یابد.

# فصل پانزدهم

# یوگای شخص متعال

## آیه ۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*ūrdhva-mūlam adhaḥ-śākham*
*aśvatthaṁ prāhur avyayam*
*chandāṁsi yasya parṇāni*
*yas taṁ veda sa veda-vit*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *ūrdhva-mūlam*: با ریشه‌هایی به سمت بالا ـ *adhaḥ*: رو به پایین ـ *śākham*: شاخه‌ها ـ *aśvattham*: درخت بانیان ـ *prāhuḥ*: گفته‌شده ـ *avyayam*: جاودان ـ *chandāṁsi*: سرودهای ودایی ـ *yasya*: مربوط به آنها ـ *parṇāni*: برگها ـ *yaḥ*: هر کسی که ـ *tam*: آن ـ *veda*: بشناسد ـ *saḥ*: او ـ *veda-vit*: داننده وداها.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: گفته شده درخت بانیان جاودانی وجود دارد که ریشه‌هایش رو به بالا، شاخه‌هایش رو به پایین و برگهایش سرودهای ودایی است. کسی که این درخت را بشناسد دانندهٔ وداهاست.**

## شرح

پس از بحث پیرامون اهمیت بهاکتی- یوگا، انسان می‌تواند درباره اهمیت وداها سؤال کند. در این فصل توضیح داده می‌شود که هدف از مطالعات ودایی چیزی جز درک کریشنا نیست. بنابراین کسی که در کریشنا آگاهی قرار دارد و مشغول خدمت عابدانه است، از وداها را شناخته است.

در آیه حاضر اسارت دنیای مادی به درخت بانیان تشبیه شده است. برای کسی که مشغول اعمال ثمرجویانه است، هیچ گونه انتهایی برای این درخت بانیان وجود ندارد. او از شاخه‌ای به شاخه دیگر سرگردان است که این امر پایانی به خود نمی‌شناسد؛ و برای کسی که به این درخت دلبستگی داشته باشد به هیچ وجه امکان رهایی وجود ندارد. سرودهای ودایی که هدفشان ارتقای انسان است، برگهای این درخت به شمار می‌آیند. ریشه‌های این درخت رو به بالا رشد می‌کند، زیرا از جایی که برهما قرار دارد، یعنی بالاترین سیاره این جهان نشأت می‌گیرد. چنانچه انسان قادر گردد این درخت فناناپذیر توهم را درک نماید، آنگاه می‌تواند از آن خارج شود.

اینک روش رهایی باید درک گردد. در فصول قبل توضیح داده شد که طرق بسیاری برای خروج از اسارت مادی وجود دارد. و تا فصل سیزدهم ملاحظه کردیم که تمام فصول بهاگاواد-گیتا خدمت عابدانه به خداوند متعال را بهترین راه معرفی می‌کنند. اکنون، اصل اساسی خدمت عابدانه یعنی انقطاع از فعالیتهای مادی و دلبستگی به خدمت روحانی خداوند مطرح می‌شود. طریقه

قطع دلبستگی از این عالم فانی مادی در آغاز این فصل عنوان می‌گردد. ریشه این موجودیت مادی رو به بالا رشد می‌کند؛ این بدان معنی است که از کل جوهر مادی ناشی می‌شود و این امر از بالاترین سیاره جهان آغاز می‌گردد. از آنجا تمام جهان با شاخه‌های بسیار زیادی که نماینده نظامهای سیاره‌ای گوناگون هستند بسط می‌یابد. میوه‌های این درخت مظهر نتایج اعمال موجودات زنده – یعنی دینداری، پیشرفت اقتصادی، ارضای حواس و رهایی – است.

اکنون، به رغم آنکه در این جهان هیچ گونه تجربه حاضری از درختی که شاخه‌هایش رو به پایین و ریشه‌هایش رو به بالا باشد نمی‌یابیم، لیکن چنین چیزی وجود دارد. آن درخت را می‌توان در کنار یک برکه آب یافت. ما می‌توانیم انعکاس درختان ساحل را در حالی که شاخه‌هایشان رو به پایین و ریشه‌هایشان رو به بالاست در آب مشاهده کنیم. به عبارت دیگر، درخت این دنیای مادی تنها انعکاسی از درخت حقیقی عالم روحانی است. همان گونه که انعکاس درخت بر آب قرار گرفته است، به همین ترتیب انعکاس عالم روحانی نیز بر خواسته و آرزو قرار دارد؛ زیرا این خواسته و آرزوست که باعث می‌گردد ما پدیده‌ها را آن طور که در نور انعکاس یافته دنیای مادی ظاهر می‌شوند ببینیم. کسی که بخواهد از موجودیت مادی خارج گردد باید از طریق مطالعه تحلیلی، این درخت را کاملا بشناسد. آن وقت است که می‌تواند رابطه و پیوندش را با آن قطع نماید.

این درخت انعکاس درخت حقیقی و دقیقاً مشابه همان نسخه اصلی است. تنوعی که در دنیای مادی وجود دارد در دنیای روحانی نیز یافت می‌شود. بی‌هویت‌گرایان، برهمن را ریشه این درخت مادی می‌دانند، و طبق فلسفه سانکهیا، از آن ریشه، پراکریتی، پوروشا، سپس سه گونا، پنج عنصر زمخت (پانچا ـ ماها ـ بهوتا)، ده حواس (*daśendriya*) و ذهن و غیره به وجود می‌آید. آنها به این طریق کل دنیای مادی را به بیست و چهار عنصر تقسیم می‌نمایند. اگر برهمن مرکز تمام تجلیات باشد، آنگاه این دنیای مادی تجلی ۱۸۰ درجه آن مرکز است و ۱۸۰ درجه دیگر شامل دنیای روحانی است. چون دنیای مادی، انعکاس منحرف است، لذا عالم روحانی می‌باید از همان تنوع برخوردار باشد، لیکن به صورت حقیقی. پراکریتی انرژی بیرونی خداوند متعال و پوروشا خود خداوند متعال است. و این مطلب در بهاگاواد–گیتا توضیح داده شده است. باید در نظر داشت چون این تجلی عالم کائنات، مادی است پس فانی و موقت می‌باشد. انعکاس، پدیده‌ای موقتی است، چون گاهی اوقات دیده می‌شود و گاهی دیده نمی‌شود. اما منشأیی که انعکاس از آن سرچشمه می‌گیرد جاودان می‌باشد. انعکاس مادی آن درخت حقیقی باید قطع شود. وقتی گفته می‌شود که کسی وداها را می‌شناسد، یعنی که او می‌داند چگونه باید دلبستگی به این دنیای مادی را قطع نماید. چنانچه شخص این راه را بداند، واقعاً وداها را می‌شناسد. کسی که مجذوب قواعد، مراسم و مناسک آئینی وداها است مجذوب برگهای سبز و زیبای آن درخت می‌باشد. او دقیقاً هدف و مقصود وداها را نمی‌داند. هدف اصلی وداها همان گونه که خود شخصیت متعال خداوند فاش می‌کند قطع نمودن این درخت انعکاس یافته و رسیدن به درخت حقیقی عالم روحانی است.

## آیه ۲

*adhaś cordhvaṁ prasṛtās tasya śākhā*
*guṇa-pravṛddhā viṣaya-pravālāḥ*
*adhaś ca mūlāny anusantatāni*
*karmānubandhīni manuṣya-loke*

*adhaḥ*: رو به پایین ـ *ca*: و ـ *ūrdhvam*: رو به بالا ـ *prasṛtāḥ*: گسترده شده، بسط یافته ـ *tasya*: مال آن، ش ـ *śākhāḥ*: شاخه‌ها ـ *guṇa*: به‌وسیله گونه‌های طبیعت مادی ـ *pravṛddhāḥ*: رشد یافته ـ *viṣaya*: اشیای جلب کننده حواس (محسوسات) ـ *pravālāḥ*: شاخه‌های کوچک ـ *adhaḥ*: رو به پایین ـ *ca*: و ـ *mūlāni*: ریشه‌ها ـ *anusantatāni*: گسترده شده ـ *karma*: عمل کردن ـ *anubandhīni*: به بند کشیده شده ـ *manuṣya-loke*: در کل جامعه بشری.

## ترجمه

**شاخه‌های این درخت که با سه گونهٔ طبیعت مادی تغذیه می‌شود رو به پایین و رو به بالا گسترده می‌شود. شاخه‌های کوچک آن اشیای جلب‌کنندهٔ حواس هستند. این درخت ریشه‌های رشدکنندهٔ رو به پایین نیز دارد که متصل به اعمال ثمرجویانهٔ جامعهٔ بشری‌اند.**

## شرح

در آیه حاضر توصیف بیشتری از درخت بانیان به عمل آمده است. شاخه‌هایش در تمام جهات پخش می‌گردد. در قسمتهای پایین‌تر، تجلیات متنوع موجودات زنده همچون انسان، حیوان، اسب، سگ، گاو، گربه و غیره وجود دارد. به طور دقیق می‌توان گفت که آنها در قسمتهای پایینی شاخه‌ها قرار دارند، در حالی که در قسمتهای بالایی شاخه‌ها اشکال و مراتب برتری از موجودات زنده همچون فرشتگان، گاندهارواها و انواع بسیار عالی‌تری از حیات وجود دارد. همان گونه که درخت با آب تغذیه می‌شود، این درخت نیز با سه گونهٔ طبیعت مادی تغذیه می‌گردد. گاهی اوقات می‌بینیم که قطعه زمینی به علت کمبود آب کافی لم‌یزرع است، در حالی که در جای دیگر قطعه‌ای بسیار سرسبز وجود دارد؛ مشابهاً هر کجا که گونه‌های طبیعت مادی از نظر کمی بیشتر باشند، انواع مختلف حیاتی نیز به همان نسبت تجلی می‌یابند.

شاخه‌های کوچک درخت، اشیای جلب کننده حواس محسوب می‌شوند. ما با تکامل طبایع سه گانه (گونه‌های مختلف طبیعت)، حواس مختلف را پرورش می‌دهیم که به‌وسیله آنها از انواع گوناگون اشیای جلب کننده حواس لذت می‌بریم. نوک شاخه‌ها را حواس (یعنی چشم، گوش، بینی و غیره) تشکیل می‌دهد که به لذت بردن از محسوسات مختلف دلبسته‌اند. شاخه‌های کوچک، اشیای مورد حس یعنی صدا، شکل، مورد لمس و غیره‌اند. ریشه‌های فرعی، دلبستگیها و دلزدگیها هستند که حاصل انواع گوناگون رنجها و کامجوییهای حسی می‌باشند. تمایل به پرهیزکاری و ناپرهیزکاری نتیجه رشد این ریشه‌های فرعی است که در تمام جهات پخش می‌گردند. ریشه اصلی درخت مادی از برهمالوکا است و ریشه‌های دیگر در نظامهای سیاره‌ای بشری می‌باشند. انسان پس از لذت بردن از نتایج اعمال صالحانه خود در نظامهای سیاره‌ای فوقانی، به این کره ارض پایین می‌آید و کارما یا اعمال ثمربخش خود را برای ارتقای مجدد از نو آغاز می‌کند. و بدین دلیل است که سیاره موجودات انسانی، میدان فعالیت محسوب می‌گردد.

## آیات ۴-۳

*na rūpam asyeha tathopalabhyate*
*nānto na cādir na ca sampratiṣṭhā*
*aśvattham enaṁ su-virūḍha-mūlam*
*asaṅga-śastreṇa dṛḍhena chittvā*

*tataḥ padaṁ tat parimārgitavyaṁ*
*yasmin gatā na nivartanti bhūyaḥ*
*tam eva cādyaṁ puruṣaṁ prapadye*
*yataḥ pravṛttiḥ prasṛtā purāṇī*

*na*: نه ـ *rūpam*: شکل، فرم ـ *asya*: مربوط به این درخت ـ *iha*: در این جهان ـ *tathā*: همچنین ـ *upalabhyate*: می‌تواند رؤیت گردد ـ *na*: هرگز ـ *antaḥ*: پایان ـ *na*: هرگز ـ *ca*: همچنین ـ *ādiḥ*: آغاز ـ *na*: هیچگاه ـ *ca*: همچنین ـ *sampratiṣṭhā*: بنیان، اساس ـ *aśvattham*: درخت بانیان ـ *enam*: این ـ *su-virūḍha*: به طرز قوی ـ *mūlam*: ریشه دوانده ـ *asaṅga-śastreṇa*: به‌وسیله سلاح عدم دلبستگی ـ *dṛḍhena*: قوی ـ *chittvā*: قطع کردن ـ *tataḥ*: پس از آن ـ

*padam*: وضعیت ـ *tat*: آن ـ *parimārgitavyam*: باید جستجو گردد ـ *yasmin*: جایی که ـ *gatāḥ*: رفتن ـ *na*: هیچگاه ـ *nivartanti*: آنها بازمی‌گردند ـ *bhūyaḥ*: دوباره ـ *tam*: به او (خداوند) ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: همچنین ـ *ādyam*: ازلی ـ *puruṣam*: شخصیت خداوند ـ *prapadye*: تسلیم شوند ـ *yataḥ*: از کسی که ـ *pravṛttiḥ*: آغاز ـ *prasṛtā*: گسترش یافته، بسط یافته ـ *purāṇi*: بسیار قدیم.

## ترجمه

**شکل واقعی این درخت را نمی‌توان در این جهان رؤیت کرد. هیچکس قادر نیست درک نماید که کجا پایان می‌یابد، از کجا آغاز می‌گردد، و پایه‌اش کجا قرار دارد. اما انسان باید با عزم راسخ و با سلاح عدم دلبستگی به قطع این درخت که عمیقاً ریشه دوانده است مبادرت ورزد. سپس باید در جستجوی مکانی باشد که پس از رسیدن به آن دیگر بازگشتی از آن نیست، و آنجا به شخصیت متعال خداوند که همه چیز از او آغاز شده و از زمانهای بسیار کهن در او جای داشته تسلیم شود.**

## شرح

حال به وضوح بیان شده است که شکل واقعی این درخت بانیان در این دنیای مادی قابل درک نیست. از آنجا که ریشه‌اش رو به بالا است، گسترش درخت در منتهاالیه دیگر است. هنگامی که شخص گرفتار عرصه‌های مادی درخت است، نمی‌تواند دریابد که دامنه گسترش این درخت تا کجا فرا می‌رود، و نه می‌تواند به آغاز و پیدایش این درخت پی ببرد. اما شخص باید علت را بیابد. چنانچه انسان درصدد کشف هویت پدر خود و سپس هویت پدر پدر خود و همین طور الی آخر باشد با ادامه این جستجو به برهما که از گاربهودا کاشایی ویشنو به وجود آمده است می‌رسد. سرانجام وقتی کسی از این طریق به شخصیت متعال خداوند رسید فرجام کار تحقیق صورت می‌گیرد. انسان باید منشأ این درخت یعنی شخصیت مطلق الهی را به‌وسیله معاشرت با اشخاصی که در دانش و شناخت شخصیت اعلای خداوند واقع شده‌اند جستجو کند. آنگاه شخص رفته رفته به‌وسیله معرفت حاصله، از این انعکاس کاذب انقطاع حاصل می‌نماید، و می‌تواند به‌وسیله دانش حقیقی این پیوند مادی را قطع کند و واقعاً در درخت حقیقی قرار گیرد.

در این رابطه واژه آسانگا (عدم دلبستگی)، بسیار حائز اهمیت است زیرا دلبستگی به کامجویی و ارضای حواس و خدایی کردن بر طبیعت مادی بسیار قوی است. بنابراین انسان باید انقطاع را ازطریق گفتگو پیرامون علم روحانی بر مبنای کتب مقدس موثق بیاموزد، و از کسانی که واقعاً آگاه هستند شنوایی داشته باشد. در نتیجه چنین گفتگویی که در معاشرت با عابدان انجام می‌گیرد انسان به شخصیت متعال خداوند می‌رسد. آنگاه نخستین کاری که شخص باید انجام دهد تسلیم شدن به خداوند است. در اینجا وصف آن مکانی که انسان با عزیمت به آن هیچگاه دیگر به این درخت منعکس شده کاذب بازنمی‌گردد آمده است. شخصیت اعلای خداوند، کریشنا، آن ریشه اصلی می‌باشد که همه چیز از او نشأت گرفته است. برای به دست آوردن لطف شخصیت پروردگار انسان فقط باید تسلیم گردد، و این نتیجه‌ای است که با انجام خدمت عابدانه از طریق شنیدن، ذکر کردن و غیره شامل حال انسان می‌شود. خداوند علت این هستی گسترده مادی است. این حقیقت از طرف خود خداوند توضیح داده شده است:

*Ahaṁ sarvasya prabhavaḥ*

"من منشأ همه چیز هستم." بنابراین برای رهایی از اسارت این درخت قوی بانیان یعنی درخت زندگی مادی، انسان باید تسلیم کریشنا شود. به محض آنکه شخص تسلیم کریشنا شد، خود به خود از این هستی گسترده مادی انقطاع حاصل می‌نماید.

## آیه ۵

*nirmāna-mohā jita-saṅga-doṣā*
*adhyātma-nityā vinivṛtta-kāmāḥ*
*dvandvair vimuktāḥ sukha-duḥkha-saṁjñair*
*gacchanty amūḍhāḥ padam avyayaṁ tat*

*niḥ*: بدون ـ *māna*: حیثیت کاذب ـ *mohāḥ*: و توهم ـ *jita*: غالب شده‌اند ـ *saṅga*: مربوط به معاشرت ـ *doṣāḥ*: بد، نادرست ـ *adhyātma*: در دانش روحانی ـ *nityāḥ*: در ابدیت ـ *vinivṛtta*: جدا، مجزا ـ *kāmāḥ*: از شهوت و آز ـ *dvandvaiḥ*: از دوگانگیها ـ *vimuktāḥ*: رها شده ـ *sukha-duḥkha*: خوشبختی و بدبختی ـ *saṁjñaiḥ*: نامیده شده ـ *gacchanti*: می‌رسد ـ *amūḍhāḥ*: کسی که سرگردان و گمگشته نیست ـ *padam*: وضعیت ـ *avyayam*: جاودان ـ *tat*: آن.

## ترجمه

**آن کسانی که از حیثیت دروغین، توهم و معاشرت کاذب رها گشته، به درک آنچه ابدی است دست یافته‌اند، کارشان با شهوت مادی تمام شده است، از دوگانگیهای خوشبختی و نگون‌بختی مبری‌اند، سرگردان و گمگشته نیستند، و می‌دانند چگونه تسلیم شخص متعال شوند، به آن ملکوت جاودان نائل می‌گردند.**

## شرح

روش تسلیم شدن در اینجا بسیار دقیق توصیف شده است. اولین شایستگی لازم این است که انسان در اثر کبر و غرور دچار وهم نگردد و فریب نخورد. چون روح مقید به خود می‌بالد و خویش را خدا، ارباب و حکمران طبیعت مادی می‌داند، برایش بسیار مشکل است که به خداوند تبارک و تعالی سر تسلیم فرود آورد. انسان با کسب دانش حقیقی باید دریابد که خدای طبیعت مادی نیست بلکه حکمران حقیقی همانا شخصیت اعلای خداوند است. هنگامی فرد می‌تواند راه تسلیم را آغاز کند که از توهم ناشی از کبر و غرور آزاد شده باشد. برای کسی که همواره در این دنیای مادی، در آرزوی قدری احترام و افتخار به انتظار نشسته است، امکان تسلیم به شخص متعال وجود ندارد. کبر و غرور به علت توهم پدید می‌آید، زیرا به رغم آنکه انسان فقط برای مدت کوتاهی پا به این عرصه مادی می‌نهد و سپس آن را ترک می‌گوید، باز هم این خیال ابلهانه را در سر می‌پروراند که ارباب و حکمران جهان است. بدین‌سان او همه چیز را پیچیده می‌کند و همیشه در رنج و سختی است. مردم می‌پندارند که این زمین و یا خاک به جامعه بشری متعلق است و آنان تحت تأثیر تصور کاذب مالک بودن، زمین را تقسیم کرده‌اند؛ تمام جهان تحت تأثیر این خیال باطل در حرکت و گردش است. انسان باید از این تصور نادرست که جامعه بشری صاحب این جهان است بیرون آید. وقتی انسان از چنین تصور کاذبی رهایی یافت، آنگاه از تمام ارتباطات کاذبی که به علت تعلقات خانوادگی، اجتماعی و ملی ایجاد شده است و او را به این دنیای مادی می‌بندد آزاد می‌شود. پس از این مرحله، شخص باید دانش روحانی را در خود پرورش دهد، دانشی که به او می‌آموزد چه چیز واقعاً از آن اوست و چه چیز متعلق به او نیست. و هنگامی که انسان هر چیز را همان گونه که هست درک کند، از تمام تصورات دوگانه چون خوشبختی و بدبختی، لذت و درد آزاد می‌شود. زمانی که او دانش کامل به دست آورد، آنگاه امکان تسلیم شدن به شخصیت متعال خداوند برایش میسر می‌گردد.

## آیه ۶

*na tad bhāsayate sūryo*

*na śaśāṅko na pāvakaḥ*
*yad gatvā na nivartante*
*tad dhāma paramaṁ mama*

*na*: نه ـ *tat*: آن ـ *bhāsayate*: روشن می‌کند ـ *sūryaḥ*: خورشید ـ *na*: و نه، هم نه ـ *śaśāṅkaḥ*: ماه ـ *na*: و نه ـ *pāvakaḥ*: آتش، الکتریسیته ـ *yat*: جایی که ـ *gatvā*: رفتن ـ *na*: هرگز ـ *nivartante*: آنها بازمی‌گردند ـ *tat dhāma*: آن منزلگاه ـ *paramam*: والا و متعال ـ *mama*: مال من، م.

## ترجمه

**آن منزلگاه متعال مرا، خورشید، ماه، آتش و یا الکتریسیته روشن نمی‌کند. کسانی که به آن واصل می‌شوند دیگر هیچگاه به این دنیای مادی بازنمی‌گردند.**

## شرح

آیه حاضر عالم روحانی را توصیف می‌کند که منزلگاه شخصیت اعلای خداوند کریشنا – معروف به کریشنالوکا یا گولوکا ورینداوانا – در آن واقع شده است. در آسمان بی‌کران روحانی هیچ نیازی به نور خورشید یا ماه، آتش یا الکتریسیته نیست، زیرا تمام سیارات روحانی موجود در آن بالذات نورانی‌اند. در حالی که در دنیای مادی فقط یک سیاره یعنی خورشید از این قدرت برخوردار است. درخشندگی تابناک تمام آن کرات که وایکونتها خوانده می‌شوند، تشکیل دهنده آسمان پرتلالؤیی است که برهماجیوتی نام دارد. در اصل این انوار پرتلالؤ از کوکب روحانی کریشنا یعنی گولوکا ورینداوانا ساطع می‌گردد. قسمتی از این درخشندگی تابناک به‌وسیله ماهات ـ تاتوا یعنی دنیای مادی پوشیده شده است. پس بجز این بخش، قسمت اعظم آن آسمان درخشان مملو از سیارات روحانی یا وایکونتهاها است که در رأس آنها گولوکا و رینداوانا قرار دارد.

مادامی که موجود زنده (گوهر روح) در این دنیای مادی تاریک بسر می‌برد، توسط ماده به قید کشیده شده است؛ اما به محض اینکه با قطع کامل این درخت کاذب و منحرف دنیای مادی به آسمان روحانی برسد رهایی می‌یابد. آنگاه هیچگاه دوباره به این عالم خاکی بازگشت نخواهد کرد. موجود زنده در حیات مقیدش خود را خدای جهان مادی محسوب می‌کند، در حالی که پس از رهایی وارد ملکوت روحانی می‌گردد و یکی از معاشران و نزدیکان خداوند متعال می‌شود و از حیات جاودان مملو از شعف و دانش بهره‌مند می‌گردد.

انسان پس از شنیدن این مشخصات باید شیفته گردد و آرزو نماید به آن ملکوت جاودان دست یابد و خود را از این انعکاس کاذب حقیقت رها سازد. برای کسی که دلبستگی شدید به دنیای مادی دارد بسیار مشکل است که آن را قطع نماید، اما اگر راه کریشنا آگاهی را اختیار کند امکان آن هست که تدریجاً انقطاع حاصل نماید. شخص باید با عابدان یعنی کسانی که در آگاهی به کریشنایند معاشرت و همنشینی نماید و درصدد جستجوی جمعیتی باشد که وقف کریشنا آگاهی‌اند و از آنان بیاموزد که چگونه خدمت عابدانه نماید. و بدین طریق است که خواهد توانست دلبستگیش را به دنیای مادی قطع نماید. نمی‌توان فقط با پوشیدن لباس زعفرانی از جذابیت دنیای مادی انقطاع حاصل نمود، بلکه باید به خدمت عابدانه خداوند دلبستگی پیدا کرد. بدین سبب شخص باید این امر را بسیار جدی تلقی کند که خدمت عابدانه، همان گونه که در فصل دوازدهم توصیف شد، یگانه راه خروج از این نمایش کاذب درخت حقیقی است. در فصل چهاردهم توضیح داده شد که تمام روشها آلوده طبیعت مادی‌اند و فقط خدمت عابدانه به عنوان طریقه روحانی خالص مطرح شد.

در این آیه لغات پارامام ماما بسیار اهمیت دارد. در واقع همه جا ملک مطلق خداوند است، لیکن دنیای روحانی که مملو از شش توانگری مطلق است، پارامام می‌باشد یعنی ملک روحانی او محسوب می‌گردد. کاتها اوپانیشاد (۱۵/۲/۲) نیز تصریح می‌کند:

*na tatra sūryo bhāti na candratārakam*

در دنیای روحانی احتیاجی به نور خورشید، ماه یا ستارگان نیست، زیرا سراسر آسمان بی‌کران روحانی با انرژی درونی خداوند متعال روشن است. آن منزلگاه متعال فقط از طریق تسلیم محض قابل دسترسی است و نه از هیچ راه دیگری.

## آیه ۷

*mamaivāṁśo jīva-loke*
*jīva-bhūtaḥ sanātanaḥ*
*manaḥ-ṣaṣṭhānīndriyāṇi*
*prakṛti-sthāni karṣati*

*mama*: مال من، م ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *aṁśaḥ*: ذره جزء ـ *jīva-loke*: در جهان حیات مقید ـ *jīva-bhūtaḥ*: موجود زنده مقید ـ *sanātanaḥ*: جاودان ـ *manaḥ*: با ذهن ـ *ṣaṣṭhāni*: شش ـ *indriyāṇi*: حواس ـ *prakṛti*: در طبیعت مادی ـ *sthāni*: واقع شده ـ *karṣati*: سخت تلاش می‌کند.

## ترجمه

**موجودات زنده، در این دنیای مقید، اجزای ابدی منند. ولی به علت زندگی مقید، به سختی با شش حـواس که شامل ذهن نیز می‌شود در تقلا می‌باشند.**

## شرح

در این آیه هویت موجود زنده به روشنی بیان شده است: او به طور جاودان ذره‌ای از خداوند متعال است. چنین نیست که او در زندگی مقید، فردیت و شخصیت کسب می‌کند ولی در حالت رهایی یافته با خداوند متعال یکی می‌شود. او به طور جاودان جزئی از خداوند می‌باشد، زیرا از واژه ساناتانا استفاده شده است. از دیدگاه متون ودایی، خداوند متعال خود را به صورت بسطهای بی‌شماری تجلی و گسترش می‌دهد، که در این میان بسطهای اولیه ویشنو ـ تاتوا و بسطهای ثانوی، جیوا ـ تاتوا یا موجودات زنده‌اند. به عبارت دیگر، ویشنو ـ تاتوا بسط شخصی است و موجودات زنده بسطهای جدا شده هستند. خداوند از طریق بسطهای شخصیش به صور گوناگونی همچون خداوند راما، نریسیمها دوا، ویشنو مورتی و به صورت خداوند حاکم بر هر یک از سیارات وایکونتها تجلی می‌یابد. بسطهای جدا شده به طور ابدی در موقعیت خادم قرار دارند. بسطهای شخصی شخصیت اعلای پروردگار، یعنی هویتهای واجد فردیت خداوند، هستی و حضور جاودان دارند. مشابهاً، بسطهای جدا شده یعنی موجودات زنده نیز دارای هویتهای خود می‌باشند که به عنوان اجزاء و ذرات لاینفک خداوند متعال، سهمی جزئی از صفات حق تعالی دارند که یکی از آنها استقلال است. هر موجود زنده، به عنوان یک روح فردی، از شخصیت خاص خود و میزان بسیار اندکی استقلال برخوردار است. شخص با استفاده نادرست از آن استقلال یک روح مقید می‌گردد و با استفاده صحیح از آن همواره در حالت آزاد و رها بسر می‌برد. در هر دو صورت، از نظر کیفی، همچون خداوند متعال، جاودان است. در حالت رهایی‌یافته از این اسارت مادی آزاد و به خدمت روحانی خداوند مشغول است؛ و در زندگی مقیدش تحت سلطه و سیطره طبایع سه گانه طبیعت است و خدمت عاشقانه روحانی به خداوند را فراموش می‌کند. در نتیجه، وی مجبور می‌شود برای حفظم وجودیتش در دنیای مادی با سختی بسیار زیاد تقلا کند.

موجودات زنده یعنی نه تنها انسان، حیوان (سگ و گربه و غیره) بلکه حتی کنترل کنندگان بزرگتر دنیای مادی یعنی برهما، خداوندگار شیوا و حتی ویشنو، همگی اجزاء و ذرات لاینفک خداوند متعال هستند. آنان همگی تجلیات جاودانی‌اند نه فانی و موقتی. واژه کارشاتی (سخت کوشیدن یا کلنجار رفتن) اهمیت بسیار دارد. روح مقید مانند آنکه با غل و زنجیر بسته شده باشد

گرفتار و اسیر است. او اسیر منیت کاذب خود، و عامل اصلی استمرار این اسارت، ذهن او می‌باشد. هنگامی که طبع نیکی بر ذهن غالب باشد، فعالیتهای شخص از راستی و درستی حکایت می‌کند؛ وقتی طبع شهوت بر ذهن مسلط باشد، فعالیتهای شخص منشأ سختی و زحمت و اضطراب است؛ و زمانی که طبع جهل بر ذهن غالب شود، شخص مجبور می‌شود در قالبهای انواع پست حیاتی سیر کند. حال در این آیه به وضوح آمده است که روح مقید به‌وسیله کالبد مادی، یعنی با ذهن و حواس، پوشیده شده است و هنگامی که رهایی یابد این پوشش مادی نابود می‌شود، لیکن در آن هنگام است که کالبد روحانیش در ظرفیت فردی و شخصی خود متجلی می‌گردد. اطلاعات ذیل در مادهیان دینایانا ـ شروتی موجود است:

*Mādhyandināyana-śruti: sa vā eṣa brahma-niṣṭha idaṁ śarīraṁ martyam atisṛjya brahmābhisampadya brahmaṇā paśyati brahmaṇā śṛṇoti brahmaṇaivedaṁ sarvam anubhavati*

در اینجا بیان شده است وقتی موجود زنده قالب مادی را رها می‌کند و وارد دنیای روحانی می‌گردد، بدن روحانی خود را احیاء می‌کند و در کالبد روحانیش می‌تواند شخصیت اعلای خداوند را رو در رو ببیند. شخص می‌تواند مستقیماً به او گوش فرادهد، با او صحبت کند و شخصیت متعال را همان گونه که هست درک نماید. در اسمریتی نیز چنین آمده است:

*vasanti yatra puruṣāḥ sarve vaikuṇṭha-mūrtayaḥ*

در سیارات روحانی همگی دارای بدنهایی هستند که از نظر فرم و خصوصیات همچون بدن شخصیت اعلای خداوند می‌باشد. و از نظر ساختمان بدن روحانی هیچ گونه تفاوتی بین موجودات زنده جزئی و بسطهای ویشنو ـ مورتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، موجود زنده در هنگام رهایی با لطف شخصیت اعلای پروردگار کالبدی روحانی کسب می‌کند.

واژه‌های مامایوامشا (اجزاء و ذرات خداوند متعال) نیز بسیار حائز اهمیت است. باید این نکته به خوبی درک شود که ذرات خداوند متعال مانند قطعات شیئی مادی نیست که شکسته و به اجزایی تقسیم شده باشد. در فصل دوم توضیح داده شد که روح را نمی‌توان قطعه قطعه و به اجزای خرد ترتقسیم کرد. این اجزاء و ذرات از طریق دیدگاه مادی قابل تصور و درک نیستند؛ نمی‌شود آنها را همانند اجزای شیئی مادی که از طریق تقسیم کردن به وجود می‌آیند دوباره به هم متصل کرد. چنین درک و تصوری را نمی‌توان در مورد اجزاء و ذرات خداوند به کار برد، زیرا در اینجا واژه سانسکریت ساناتانا (ابدی) استفاده شده است. پس این ذرات بدون هیچ شکی جاودان هستند. بعلاوه در ابتدای فصل دوم بیان گردید که (*dehino 'smin yathā dehe*) در یکایک بدنهای منفرد ذره‌ای از خداوند متعال حضور دارد. آن ذره روحانی وقتی از اسارت کالبد مادی رها گردد، کالبد روحانی اصلیش را در آسمان روحانی و در یکی از سیارات آن احیاء می‌نماید و از معاشرت در جوار خداوند متعال بهره‌مند می‌شود. به هر حال نباید فراموش کرد که موجود زنده، به عنوان جزء و ذره‌ای لاینفک از خداوند متعال، از نظر کیفی با او یکی است همان گونه که ذره‌ای از طلا نیز طلا محسوب می‌شود چون تمام صفات و کیفیات این فلز را داراست.

## آیه ۸

*śarīraṁ yad avāpnoti*
*yac cāpy utkrāmatīśvaraḥ*
*gṛhītvaitāni saṁyāti*
*vāyur gandhān ivāśayāt*

*śarīram*: بدن ـ *yat*: همان گونه که ـ *avāpnoti*: به دست می‌آورد ـ *yat*: همان گونه که ـ *ca api*: همچنین ـ *utkrāmati*: رها می‌کند ـ *īśvaraḥ*: ارباب و حکمران بدن ـ *gṛhītvā*: بردن ـ *etāni*: همه اینها ـ *saṁyāti*: می‌رود ـ *vāyuḥ*: هوا ـ *gandhān*: رایحه‌ها ـ *iva*: همچون ـ *āśayāt*: ازمنبعشان.

## ترجمه

**همان گونه که هوا بو و رایحه را با خود حمل می‌کند، موجود زنده نیز در دنیای مادی، تصورات و ادراکات مختلفش را درباره زندگی، با خود از بدنی به بدن دیگر می‌برد. و بدین ترتیب زندگی پس از زندگی در بدنهای پیاپی قرار می‌گیرد.**

## شرح

موجود زنده در اینجا به عنوان ایشوارا یعنی کنترل‌کننده بدن خویش توصیف شده است. او طبق خواسته‌اش می‌تواند بدن خود را به مراتب بالاتری ارتقاء و یا به درجات پایین‌تری تنزل دهد. او دارای استقلالی هرچند جزئی است و بدین سبب مسئول نوع کالبدی است که در زندگی بعدی خود به دست می‌آورد. در واقع جریان انتقال روح به کالبد جسمانی دیگر، در هنگام مرگ، بستگی به آگاهیی دارد که شخص برای خود ایجاد کرده است. اگر او آگاهی خود را به مراتب حیوانی همچون سگ و گربه تنزل داده باشد حتماً به بدن سگ یا گربه انتقال خواهد یافت. و چنانچه آگاهی خود را بر صفات الهی متمرکز نموده باشد کالبد فرشتگان را به دست خواهد آورد. و در صورتی که در کریشنا آگاهی باشد، به کریشنا لوکا در ملکوت روحانی رهسپار خواهد شد و با کریشنا معاشرت و همنشینی خواهد کرد. باید در نظر داشت این نکته که پس از نابودی این بدن همه چیز پایان می‌یابد صرفاً ادعایی واهی است. روح منفرد دارای سیری انتقالی از کالبدی به کالبد دیگر است و بدن حاضر و فعالیتهای فعلیش زمینه کالبد جسمانی بعدی وی را تشکیل می‌دهند. لذا انسان طبق کارما، بدنهای مختلف می‌گیرد که باید در موعد مقرر نیز آنها را ترک گوید. اینجا بیان شده است که بدن لطیف که تصور بدن بعدی را با خود حمل می‌نماید، بدنی دیگر را برای زندگی بعد پرورش می‌دهد. این جریان انتقال روح از یک جسم به جسم دیگر و تلاشی که در حین بودن در بدن صورت می‌گیرد کارشاتی یا تلاش برای بقاء خوانده می‌شود.

## آیه ۹

*śrotraṁ cakṣuḥ sparśanaṁ ca*
*rasanaṁ ghrāṇam eva ca*
*adhiṣṭhāya manaś cāyaṁ*
*viṣayān upasevate*

*śrotram*: گوشها ـ *cakṣuḥ*: چشمها ـ *sparśanam*: لامسه ـ *ca*: همچنین ـ *rasanam*: زبان ـ *ghrāṇam*: قدرت بوییدن ـ *eva*: همچنین ـ *ca*: و ـ *adhiṣṭhāya*: واقع شدن در ـ *manaḥ*: ذهن ـ *ca*: همچنین ـ *ayam*: او ـ *viṣayān*: اشیای مورد حس (محسوسات) ـ *upasevate*: لذت می‌برد.

## ترجمه

**بدین ترتیب موجود زنده با کسب بدن زمخت دیگر، از نوع بخصوصی گوش، چشم، زبان، بینی و حس لامسه برخوردار می‌گردد که به دور ذهن جمع شده‌اند. بدین‌سان او از مجموعهٔ خاصی از اشیای جلب کنندهٔ حواس لذت می‌برد.**

## شرح

از طریق این آیه درک می‌کنیم که چنانچه موجود زنده آگاهی خود را با گونه‌های پست حیوانی همچون سگ و گربه آلوده سازد، در زندگی بعد بدن سگ یا گربه کسب می‌کند و از امکانات آن بهره‌مند خواهد شد. همانند آب، آگاهی ذاتاً شفاف و پاک

است. اما چنانچه ما آب را با رنگی مخلوط کنیم، طبعاً تغییر خواهد کرد. به همین ترتیب، چون روح پاک است، آگاهی که از آن متبادر می‌شود نیز پاک است. اما آگاهی طبق معاشرت و نزدیکی با طبایع مادی تغییر می‌کند. آگاهی فطری حقیقی، آگاهی به خداوند یا کریشنا آگاهی می‌باشد. بنابراین زندگی شخصی که در کریشنا آگاهی قرار گرفته باشد پاک و خالص خواهد بود. لیکن اگر آگاهی او با نوعی طرز فکر مادی آلوده گردد، در زندگی بعد بدنی طبق آن نصیبش می‌شود و لزوماً دوباره شکل انسانی حیات را کسب نمی‌کند، بلکه می‌تواند در کالبد گربه، سگ، خوک یا فرشته و یا یکی از انواع بسیار زیاد اشکال و مراتب حیاتی قرار گیرد زیرا ۸/۴۰۰/۰۰۰ نوع قالب حیات وجود دارد.

## آیه ۱۰

*utkrāmantaṁ sthitaṁ vāpi*
*bhuñjānaṁ vā guṇānvitam*
*vimūḍhā nānupaśyanti*
*paśyanti jñāna-cakṣuṣaḥ*

*utkrāmantam*: ترک کردن بدن ــ *sthitam*: واقع شده در بدن ــ *vā api*: یا، هم ــ *bhuñjānam*: لذت بردن ــ *vā*: یا ــ *guṇa-anvitam*: تحت افسون گونه‌های طبیعت مادی ــ *vimūḍhāḥ*: اشخاص ابله ــ *na*: هرگز ــ *anupaśyanti*: می‌توانند ببینند ــ *paśyanti*: می‌توانند ببینند ــ *jñāna-cakṣuṣaḥ*: آنان که چشمان مسلّح به دانش دارند.

## ترجمه

**ابلهان نمی‌توانند درک نمایند که چگونه موجود زنده بدنش را ترک می‌کند و یا اینکه تحت افسون گونه‌های طبیعت، از چه نوع بدنی بهره‌مند می‌گردد. لیکن کسی که آموزش دیده و چشمانش مسلّح به دانش شده است می‌تواند همهٔ اینها را مشاهده کند.**

## شرح

واژه گیانا ــ چاکشوشا بسیار حائز اهمیت است. بدون دانش، انسان قادر نیست درک نماید که چگونه موجود زنده بدن فعلیش را ترک می‌کند، و یا چه نوع بدنی در زندگی بعد خود می‌گیرد، و یا حتی چرا در بدن بخصوصی زندگی می‌کند. درک این مطالب احتیاج به دانشی دارد که انسان آن را از بهاگاواد–گیتا و متون مقدس مشابه دیگر به واسطه گوش فرا دادن به پیر روحانی معتبر و موثق دریافت کرده باشد. شخصی که در مورد درک این حقایق آموزش دیده باشد، باید فردی ممتاز و بسیار خوشبخت محسوب گردد. هر موجود زنده، در اثر نفوذ افسون سه گونهٔ طبیعت مادی، تحت شرایط بخصوصی زندگی می‌کند، لذت می‌برد و بدنش را ترک می‌نماید. در نتیجه، او تحت توهم لذت بردن از طریق حواس در معرض انواع مختلف خوشبختی و غم قرار می‌گیرد. اشخاصی که دائماً به‌وسیله شهوت و آز فریب می‌خورند، تمام قدرت درک خود را نسبت به این حقیقت که گوهر روح فقط برای مدت کوتاهی در بدن بخصوصی اقامت دارد و سپس تغییر کالبد می‌دهد و در جریان گردش جامه به جامه قرار می‌گیرد، از دست می‌دهند. آنان از درک این حقایق عاجزند. برعکس، کسانی که دانش روحانی را در خود پرورش داده‌اند، می‌توانند دریابند که روح با بدن تفاوت دارد، تغییر کالبد می‌دهد، و به طرق مختلف لذت می‌برد. شخصی که واجد چنین دانشی باشد می‌تواند درک کند که چگونه موجود زنده مقید در ورطه موجودیت مادی رنج می‌کشد. بنابراین کسانی که در آگاهی به کریشنا، آگاهی به خداوند، بسیار پیشرفته‌اند، چون از زندگی مشقت‌بار انسانهای مقید به خوبی آگاهند، به بهترین وجه ممکن

سعی می‌کنند که این دانش را در دسترس عموم مردم قرار دهند؛ زیرا همه باید از این زندگی دربند ماده بیرون آیند، کریشنا آگاه شوند و خود را آزاد سازند تا بتوانند رهسپار عالم روحانی گردند.

## آیه ۱۱

*yatanto yoginaś cainaṁ*
*paśyanty ātmany avasthitam*
*yatanto 'py akṛtātmāno*
*nainaṁ paśyanty acetasaḥ*

*yatantaḥ*: کوشیدن ـ *yoginaḥ*: حق‌جویان ـ *ca*: همچنین ـ *enam*: این ـ *paśyanti*: می‌توانند ببینند ـ *ātmani*: در ذات ـ *avasthitam*: واقع شده ـ *yatantaḥ*: تلاش کردن ـ *api*: هر چند ـ *akṛta-ātmānaḥ*: آن کسانی که از خودشناسی بی‌بهره‌اند ـ *na*: علامت منفی ساختن فعل ـ *enam*: این ـ *paśyanti*: می‌بینند ـ *acetasaḥ*: دارای ذهنهای تکامل نیافته.

## ترجمه

**حق‌جویان کوشا که در خودشناسی قرار گرفته‌اند، می‌توانند همهٔ این حقایق را به وضوح ببینند. اما آنان که ذهنشان تکامل نیافته و در خودشناسی واقع نشده‌اند، به رغم سعی و کوشش خود نمی‌توانند حقیقت امر را رؤیت کنند.**

## شرح

بسیارند حق‌جویانی که به خودشناسی روحانی مشغولند، اما تا کسی در خودشناسی واقع نشده باشد می‌تواند ببیند که چگونه همه چیز در بدن موجود زنده تغییر می‌کند. واژه یوگینا در این خصوص بسیار اهمیت دارد. امروزه با انجمنهای فراوان به اصطلاح "یوگا" و به اصطلاح "یوگیهای" بسیار مواجه می‌شویم که نسبت به موضوع خودشناسی واقعاً فاقد معرفت هستند. آنان صرفاً به نوعی تمرین ورزشی خود را محدود کرده‌اند و چنانچه بدنشان سالم و تندرست باشد راضی می‌شوند. اطلاعات آنها در مورد یوگا تا همین حد است. آنان یاتانتو پی آکریتاتمانا *yatanto 'py akṛtātmānaḥ*خوانده می‌شوند، زیرا گرچه آنها در یک روش به اصطلاح یوگایی کارمی‌کنند، لیکن خود شناخته نیستند. چنین افرادی نمی‌توانند روند سیر انتقال روح را درک کنند. فقط یوگیهای واقعی یعنی آنهایی که به شناخت ذات، جهان، و خداوند متعال نائل شده‌اند یا به عبارت دیگر، آن بهاکتی ـ یوگیها یعنی کسانی که در خدمت عابدانه پاک در کریشنا آگاهی هستند می‌توانند حقیقت امر را درک نمایند.

## آیه ۱۲

*yad āditya-gataṁ tejo*
*jagad bhāsayate 'khilam*
*yac candramasi yac cāgnau*
*tat tejo viddhi māmakam*

*yat*: آن که ـ *āditya-gatam*: در نور خورشید ـ *tejaḥ*: شکوه و درخشش ـ *jagat*: تمام جهان ـ *bhāsayate*: روشن می‌کند ـ *akhilam*: به کلی ـ *yat*: آن که ـ *candramasi*: در ماه ـ *yat*: آن که ـ *ca*: همچنین ـ *agnau*: در آتش ـ *tat*: آن ـ *tejaḥ*: شکوه و درخشش ـ *viddhi*: درک کن ـ *māmakam*: از من.

### ترجمه

**شکوه و درخشش خورشید که تاریکی و ظلمت کل این جهان را مرتفع می‌سازد از من است، همین طور شکوه و درخشش ماه و آتش.**

## شرح

نابخردان نمی‌توانند درک نمایند که امور چگونه رخ می‌دهد. اما انسان با درک آنچه خداوند در اینجا توضیح می‌دهد، می‌تواند کسب دانش را آغاز کند. همگان خورشید، ماه، آتش و برق را رؤیت می‌کنند، ولی باید سعی نمود تا به درک این حقیقت رسید که شکوه و درخشش خورشید، ماه، برق و آتش از شخصیت متعال خداوند نشأت می‌گیرد. با چنین ادراکی از حیات که ابتدای آگاهی به خداوند یا آگاهی به کریشنا می‌باشد پیشرفت بسیاری برای ارواح در بند ماده به وجود خواهد آمد. موجودات زنده ذاتاً اجزاء و ذرات لاینفک خداوند متعال هستند و خداوند بدین وسیله اشاره می‌کند که چگونه آنان می‌توانند به وطن جاودان نزد او بازگردند. این آیه خاطرنشان می‌سازد که فقط یک خورشید به تنهایی تمام منظومه خورشیدی را روشن می‌کند. تعداد بی‌شماری جهان، منظومه خورشیدی و در نتیجه خورشید و ماه و ستارگان مختلف وجود دارد. همان گونه که در بهاگاواد–گیتا (۲۱/۱۰) گفته شده ماه یکی از ستارگان است.

*nakṣatrāṇām ahaṁ śaśī*

نور خورشید حاصل درخشندگی روحانی موجود در قلمرو خداوند متعال می‌باشد. با قدبرافراشتن خورشید فعالیت انسانها آغاز می‌گردد. آنان برای طبخ خوراک، راه اندازی کارخانه‌ها و غیره آتش می‌افروزند و بدین ترتیب فعالیتهای بسیار زیادی با کمک آتش صورت می‌گیرد. بنابراین طلوع خورشید، تابش ماه، و آتش برای موجودات زنده بسیار مساعد و مطبوع است و آنان بدون کمک این مواهب طبیعی قادر به زندگی نیستند. از این رو اگر انسان درک نماید که شکوه و درخشش خورشید، ماه و آتش از شخصیت اعلای خداوند، کریشنا، ساطع می‌شود آنگاه شناخت خداوند یا آگاهی به کریشنا برای او آغاز خواهد شد. تابش ماه باعث تغذیه کلیه سبزیجات می‌گردد. این تابش چنان دلپذیر است که مردم می‌توانند به آسانی این حقیقت را درک نمایند که زندگیشان با لطف و رحمت شخصیت متعال خداوند، کریشنا، میسر است. بدون الطاف الهی خورشید درخشان، ماه‌تابان و آتش سوزان که بدون آنها هیچکس قادر به زندگی نیست، وجود نمی‌داشت. اینها افکاری هستند که می‌توانند آگاهی به خداوند یا کریشنا آگاهی را در ارواح مقید بیدار سازند.

## آیه ۱۳

*gām āviśya ca bhūtāni*
*dhārayāmy aham ojasā*
*puṣṇāmi cauṣadhīḥ sarvāḥ*
*somo bhūtvā rasātmakaḥ*

*gām*: سیارات ـ *āviśya*: وارد شدن ـ *ca*: همچنین ـ *bhūtāni*: موجودات زنده ـ *dhārayāmi*: نگاه می‌دارم ـ *aham*: من ـ *ojasā*: به‌وسیله انرژی من ـ *puṣṇāmi*: غذا می‌دهم ـ *ca*: و ـ *auṣadhīḥ*: سبزیجات ـ *sarvāḥ*: همه ـ *somaḥ*: ماه ـ *bhūtvā*: شدن ـ *rasa-ātmakaḥ*: مزه بخشیدن.

### ترجمه

**من وارد هر یک از سیارات می‌شوم و با نیروی خود آنها را در مدارشان نگاه می‌دارم. من ماه می‌شوم و به موجب آن عصاره و شهد حیات را برای سبزیجات فراهم می‌آورم.**

## شرح

از طریق این آیه درک می‌کنیم که تمام کرات به‌وسیله انرژی خداوند در فضا شناورند. خداوند وارد هر اتم، هر سیاره و هر موجود زنده می‌شود. این مطلب در برهما ـ سامهیتا بدین صورت مطرح شده است که مظهر یا بسط کامل شخصیت اعلای خداوند یعنی پاراماتما وارد جهان، سیارات، موجود زنده و حتی اتم می‌شود. بنابراین فقط به دلیل حضور خداوند، همه چیز به نحوی شایسته متجلی است. حضور روح در کالبد جسمانی باعث حیات موجود زنده می‌گردد و او را قادر می‌سازد در آب شناور باشد، لیکن به محض فقدان آن شراره روحانی کالبد جسمانی در آب فرو می‌رود. البته وقتی جسم فاسد می‌شود نیز بر آب شناور می‌گردد مانند کاه و چیزهای دیگر، ولی پس از مرگ، شخص فوراً در آب فرو می‌رود. به همین ترتیب، تمام سیارات در فضا شناورند و این به علت ورود انرژی عالی شخصیت متعال خداوند در آنهاست. انرژی خداوند هر کدام از سیارات را مانند مشتی خاک نگاهداشته است. اگر کسی مشتی خاک را در دست نگاه دارد امکان ریختن آن نیست، اما اگر آن را در هوا پرتاب کند به زمین خواهد ریخت. مشابهاً، شناور بودن این سیارات در فضا بدان علت است که در واقع در مشت شکل جهانی خداوند نگاهداشته شده‌اند. با قدرت و انرژی حق تعالی، جملگی کائنات ساکن و متحرک در جایگاه خود حفظ می‌شوند و برقرار می‌مانند. در سرودهای روحانی ودایی آمده است که شخصیت متعال خداوند باعث درخشیدن خورشید و حرکت یکنواخت و منظم سیارات است. اگر چنین نبود تمامی سیارات همچون ذرات خاک در هوا پخش و نابود می‌شدند. به همین ترتیب، باید دانست که به فضل پروردگار است که ماه سبزیجات را تغذیه می‌نماید و آنها را خوش‌طعم و لذیذ می‌گرداند. سبزیجات بدون تابش ماه نمی‌توانند برویند و آبدار و خوشمزه شوند. از این رو، به سبب تأمین کلیه مایحتاج از طرف خداوند است که جامعه بشری می‌تواند کار کند، به راحتی زندگی نماید و از خوراک کامل بهره‌مند گردد. در غیر این صورت انسان نمی‌توانست زنده بماند. واژه راساتماکا بسیار حائز اهمیت است، بدان معنی که طبع لذیذ خوراکیها از طریق خداوند متعال به واسطه تأثیر ماه حاصل می‌شود.

## آیه ۱۴

*ahaṁ vaiśvānaro bhūtvā*
*prāṇināṁ deham āśritaḥ*
*prāṇāpāna-samāyuktaḥ*
*pacāmy annaṁ catur-vidham*

*aham*: من ـ *vaiśvānaraḥ*: بخش (بسط) کامل من به صورت آتش هضم‌کننده ـ *bhūtvā*: شدن ـ *prāṇinām*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *deham*: در بدنها ـ *āśritaḥ*: واقع شده ـ *prāṇa*: هوای بیرون رونده ـ *apāna*: هوای درون رونده ـ *samāyuktaḥ*: در تعادل نگهداشتن ـ *pacāmi*: هضم می‌کنم ـ *annam*: خوراک ـ *catuḥ—vidham*: چهار نوع.

## ترجمه

**در بدن کلیهٔ موجودات زنده، من آتش هضم‌کننده‌ام و از طریق پیوستن به هوای درون رونده وبیرون روندهٔ زندگی است که هضم چهار نوع خوراک را میسر می‌سازم.**

## شرح

از طریق آیور ـ ودا شاسترا به این نکته پی می‌بریم که آتش یا حرارتی در معده وجود دارد که باعث هضم کلیه غذاها می‌گردد. وقتی آتش مشتعل نباشد گرسنگی خود را نشان نمی‌دهد و زمانی که آتش شدید شود گرسنه می‌شویم. گاهی اوقات وقتی آتش خوب عمل نکند احتیاج به درمان پیش می‌آید. در هر حال، این آتش مظهر شخصیت متعال خداوند است. مانتراهای ودایی (بریهاد ـ آرانیاکا اوپانیشاد ۱/۹/۵) نیز تأیید می‌کنند که خداوند متعال یا برهمن به صورت آتش، درون معده قرارگرفته است و انواع غذاها را هضم می‌نماید.

*ayam agnir vaiśvānaro yo 'yam antaḥ puruṣe yenedam annaṁ pacyate*

بنابراین چون او به هضم انواع خوراکها کمک می‌کند، پس موجود زنده در عمل خوردن مستقل نیست. اگر خداوند متعال در هضم به او یاری نرساند، عمل خوردن میسر نمی‌گردد. پس خداوند است که خوراک را ایجاد می‌کند، باعث هضم آن می‌گردد و با لطف و رحمت خویش ما را از زندگی بهره‌مند می‌سازد. این حقیقت در ودانتا ـ سوترا (۲۷/۲/۱) نیز تأیید شده است:

*Śabdādibhyo 'ntaḥ pratiṣṭhānāc ca*

خداوند درون صوت، درون بدن، درون هوا و حتی درون معده به منزله نیروی هاضم قرار دارد. چهار نوع غذا وجود دارد – آنچه نوشیده، جویده، لیسیده و مکیده می‌شود – که خداوند نیروی هاضم برای همه آنها است.

## آیه ۱۵

*sarvasya cāhaṁ hṛdi sanniviṣṭo*
*mattaḥ smṛtir jñānam apohanaṁ ca*
*vedaiś ca sarvair aham eva vedyo*
*vedānta-kṛd veda-vid eva cāham*

*sarvasya*: مربوط به تمام موجودات زنده ـ *ca*: و ـ *aham*: من ـ *hṛdi*: در قلب ـ *sanniviṣṭaḥ*: واقع شده ـ *mattaḥ*: از من ـ *smṛtiḥ*: به یاد آوردن ـ *jñānam*: دانش ـ *apohanam*: فراموشی ـ *ca*: و ـ *vedaiḥ*: به‌وسیله وداها ـ *ca*: همچنین ـ *sarvaiḥ*: همه ـ *aham*: من هستم ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *vedyaḥ*: قابل شناخت (دانستنی) ـ *vedānta-kṛt*: گردآورنده ودانتا ـ *veda-vit*: داننده وداها ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و ـ *aham*: من.

## ترجمه

**من در قلب همه قرار دارم و از من به یاد آوردن، دانش و فراموشی حاصل می‌شود. هدف تمام وداها شناخت من است. براستی که من گردآورندهٔ ودانتا و دانندهٔ وداها هستم.**

## شرح

خداوند متعال به عنوان پاراماتما در قلب همه سکنی دارد و از اوست که تمام فعالیتها آغاز می‌گردد. موجود زنده همه چیز را درباره زندگی گذشته‌اش فراموش می‌کند، ولی طبق رهنمود خداوند متعال که شاهد همه کارهای او است عمل می‌کند. بنابراین او کارش را طبق اعمال گذشته خویش از سر می‌گیرد. دانش لازم برای او فراهم می‌گردد، یادآوری لازم به او اعطاء می‌شود، و زندگی گذشته‌اش را نیز فراموش می‌نماید. بدین‌سان، خداوند نه تنها در همه جا ساری و جاری است بلکه در قلب هر موجود زنده نیز حضور دارد. او نتایج مختلف اعمال ثمرجویانه را پاداش می‌دهد. خداوند یکتا نه تنها به صورت برهمن فاقد شخصیت، شخصیت مطلق الهی و پاراماتمای ساری و جاری که به شکل ظهور وداها نیز قابل پرستش است. وداها نویدبخش

هدایت صحیح به مردم هستند تا آنها بتوانند شیوه درست زندگی را در پیش گیرند و به وطن اصلی نزد خداوند بازگشت نمایند. وداها دانش شخصیت متعال خداوند، کریشنا، را عرضه می‌دارند و کریشنا در ظهور خود به صورت ویاسادوا گردآورنده ودانتا ـ سوترا است. ویاسادوا در شریماد- بهاگاواتام که تفسیر ودانتا ـ سوترا می‌باشد ادراک حقیقی از ودانتا ـ سوترا را ارائه می‌کند. خداوند متعال آنچنان غنی و کامل است که برای نجات ارواح اسیر مادیات، تأمین کننده خوراک، هاضم غذا، شاهد اعمال، اعطاءکننده دانش به صورت وداها و به مثابه شخصیت متعال خداوند، شری کریشنا، آموزگار بهاگاواد–گیتا می‌باشد. بدین‌سان خداوند خیر محض، لطف بی‌کران و عشق مطلق است و همانا از طرف روح مقید قابل پرستش می‌باشد.

*Antaḥ-praviṣṭaḥ śāstā janānām*

موجود زنده به محض ترک بدن دچار فراموشی می‌گردد، لیکن با اقدام خداوند امکان می‌یابد کارش را در بدن بعد دوباره آغاز کند. پس، هرچند گذشته‌اش را فراموش می‌کند ولی خداوند به او آن شعور لازم را می‌دهد که کارش را از آنجا که در زندگی پیش نیمه تمام گذاشته بود دنبال نماید. موجود زنده در این جهان نه تنها، طبق امر خداوند متعال حاضر در قلب، لذت و رنج می‌برد بلکه امکان درک وداها را نیز از خداوند دریافت می‌کند. چنانچه انسان در ادراک دانش ودایی جدی و مصمم باشد، آنگاه کریشنا شعور لازم را به او عطا می‌کند. علت این امر چیست؟ بدین سبب است که موجود زنده ذاتاً و فطرتاً محتاج درک خدا یا کریشناست. متون مقدس ودایی این امر را تأیید می‌کنند:

*yo 'sau sarvair vedair gīyate*

در کلیه متون ودایی – چنانچه آنها را از چهار ودا، ودانتا ـ سوترا، اوپانیشادها و پوراناها آغاز کنیم – شکوه و جلال خداوند متعال ستایش و تجلیل می‌گردد. شخص با انجام مراسم و مناسک ودایی، گفتگو پیرامون فلسفه ودایی، و پرستش خداوند در خدمت عابدانه، امکان وصول به خداوند را می‌یابد. بنابراین هدف وداها درک کریشنا است. وداها ما را هدایت می‌کنند تا کریشنا و طریق معرفت وی را درک کنیم. پس هدف نهایی چیزی جز شخصیت اعلای پروردگار نیست. ودانتا ـ سوترا (۴/۱/۱) این امر را بدین گونه تصدیق می‌کند:

*tat tu samanvayāt*

انسان می‌تواند در سه مرحله به کمال نائل آید: نخست با درک ادبیات ودایی می‌تواند رابطه خود را با شخصیت مطلق الهی درک نماید، سپس به‌وسیله انجام روشهای مختلف بدو تقرب حاصل کند، و سرانجام قادر می‌گردد به هدف اعلی که کسی جز شخصیت اعلای خداوند نیست نائل گردد. در این آیه به روشنی، منظور وداها، درک وداها، و هدف وداها مشخص گردیده است.

## آیه ۱۶

*dvāv imau puruṣau loke*
*kṣaraś cākṣara eva ca*
*kṣaraḥ sarvāṇi bhūtāni*
*kūṭa-stho 'kṣara ucyate*

*dvau*: دو ـ *imau*: اینها ـ *loke*: موجودات زنده ـ *kṣaraḥ*: در جهان ـ *kṣaraḥ*: خطاپذیر ـ *ca*: و ـ *akṣaraḥ*: خطاناپذیر ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و ـ *kṣaraḥ*: خطاپذیر ـ *sarvāṇi*: همه ـ *bhūtāni*: موجودات زنده ـ *kūṭa-sthaḥ*: در یگانگی، در وحدت ـ *akṣaraḥ*: خطاناپذیر ـ *ucyate*: گفته شده.

## ترجمه

**دو دسته موجود وجود دارد: خطاپذیر و خطاناپذیر. در دنیای مادی همه خطاپذیرند در حالی کـه در دنیـای روحانی، گفته می‌شود که همه خطاناپذیرند.**

## شرح

همان گونه که قبلا توضیح داده شد خداوند، در ظهورش به صورت ویاسادوا، ودانتا ـ سوترارا گردآوری نمود. اینجا خداوند به طور خلاصه محتوای ودانتا ـ سوترا را بیان می‌فرماید. حق تعالی اظهار می‌کند موجودات زنده را که بی‌شمارند می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: خطاپذیر و خطاناپذیر. آحاد زنده به طور ابدی اجزای جدا شده شخصیت متعال خداوندند. هنگامی که آنان در تماس با دنیای مادی قرار گیرند جیوا ـ بهوتا خوانده می‌شوند و لغات سانسکریت به کار رفته در اینجا، کشارا ساروانی بهوتانی است، یعنی آنان خطاپذیرند. اما آنان که در وحدت و یگانگی با شخصیت متعال خداوند هستند خطاناپذیر خوانده می‌شوند. وحدت بدان معنی نیست که آنان فاقد شخصیت و فردیت می‌باشند، بلکه بدان معناست که هیچ گونه دوئیت و دوگانگی بین آنان وجود ندارد. آنان همگی در تطبیق کامل با منظور و هدف آفرینش قرار دارند. البته در عالم روحانی چیزی به نام آفرینش وجود ندارد، ولی خداوند چنین مفهومی را بدین صورت در ودانتا ـ سوترا توضیح می‌دهد که او سرچشمه و منشأ تمام تجلیات است.

طبق کلام خداوند کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، دو دسته موجود زنده (روح) وجود دارد. وداها نیز گواهی بر این مدعایند، لذا جای هیچ گونه شکی درباره آن نیست. موجودات زنده این عالم که با ذهن و حواس پنجگانه خود در حال تلاش و کوشش هستند، دارای بدنهای مادی متغیر می‌باشند. مادامی که موجود زنده تحت اسارت مادی است، به علت تماس با ماده تغییر کالبد می‌دهد؛ ماده تغییر می‌کند و لذا به نظر می‌رسد موجود زنده تغییر می‌کند. لیکن در عالم روحانی بدن از ماده ساخته نشده است؛ بنابراین هیچ گونه تغییری وجود ندارد. در دنیای مادی موجود زنده از شش مرحله تغییر می‌گذرد: تولد، رشد، دوام، تولید مثل، سپس اضمحلال و نابودی. این تغییرات شامل بدن مادی می‌گردد. اما در دنیای روحانی بدن – که روحانی است – تغییر نمی‌کند؛ به هیچ وجه پیری، تولد و مرگ وجود ندارد. آنجا همه چیز در وحدت و یگانگی است. کشارا ساروانی بهوتانی: هر موجود زنده‌ای که در تماس با ماده واقع شده است، از نخستین مخلوق یعنی برهما گرفته تا مورچه‌ای کوچک تغییر کالبد می‌دهد؛ بنابراین آنان همگی خطاپذیرند. اما در جهان روحانی آنان همواره، در وحدت محض با خداوند، رهایی یافته‌اند.

## آیه ۱۷

*uttamaḥ puruṣas tv anyaḥ*
*paramātmety udāhṛtaḥ*
*yo loka-trayam āviśya*
*bibharty avyaya īśvaraḥ*

*uttamaḥ*: بهترین ـ *puruṣaḥ*: شخصیت ـ *tu*: اما ـ *anyaḥ*: دیگری ـ *parama*: والا و متعال ـ *ātmā*: ذات ـ *iti*: بدین‌سان ـ *udāhṛtaḥ*: گفته شده ـ *yaḥ*: کسی که ـ *loka*: مربوط به جهان ـ *trayam*: سه قسمت ـ *āviśya*: وارد شدن ـ *bibharti*: حفظ می‌کند ـ *avyayaḥ*: پایان‌ناپذیر ـ *īśvaraḥ*: خداوند.

## ترجمه

**بجز این دو، شخصیت حیّ اعلی، روح متعال، یعنی خداوند جاودان وجود دارد که وارد سه جهان می‌گردد و آنها را حفظ می‌نماید.**

## شرح

دیدگاه این آیه به طرز بسیار عالی در کاتها اوپانیشاد (۱۳/۲/۲) و شوتاش واتارا اوپانیشاد (۱۳/۶) به روشنی بیان شده است که فوق موجودات زنده بی‌شماری که بعضی از آنان مقید و برخی رهایی یافته‌اند، شخصیت متعال که پاراماتما است قرار دارد. آیه اوپانیشاد مذکور چنین است:

*nityānāṁ cetanaś cetanānām*

مفهوم این است که در میان همه موجودات زنده، چه مقید و چه آزاد، یک شخصیت متعال زنده یعنی شخصیت اعلای خداوند وجود دارد که آنان را حفظ می‌نماید و به آنان طبق اعمال مختلفشان هر گونه تسهیلات برای لذت و کامیابی می‌دهد. آن شخصیت مطلق الهی به صورت پاراماتما در قلب همه قرار دارد. تنها انسان خردمندی که بتواند او را درک نماید شایستگی نیل به صلح و آرامش کامل را دارد.

## آیه ۱۸

*yasmāt kṣaram atīto 'ham*
*akṣarād api cottamaḥ*
*ato 'smi loke vede ca*
*prathitaḥ puruṣottamaḥ*

yasmāt: چون ـ kṣaram: نسبت به خطاپذیر ـ atītaḥ: متعال، روحانی ـ aham: من هستم ـ akṣarāt: ورای خطاناپذیر ـ api: همچنین ـ ca: و ـ uttamaḥ: بهترین ـ ataḥ: بنابراین ـ asmi: من هستم ـ loke: در جهان ـ vede: در ادبیات ودایی ـ ca: و ـ prathitaḥ: تجلیل شده، ستایش شده ـ puruṣa-uttamaḥ: به عنوان شخصیت متعال.

## ترجمه

**چون متعال و در ورای موجودات خطاپذیر و خطاناپذیرم، و چون من بزرگترین هستم، هم در جهان و هم در وداها به عنوان آن شخص متعال تجلیل و ستایش می‌شوم.**

## شرح

هیچکس، چه روح مقید و چه روح آزاد، نمی‌تواند نسبت به کریشنا، شخصیت متعال خداوند، برتری جوید. بنابراین او بزرگترین شخص است. حال در اینجا کاملا روشن است که موجودات زنده و شخصیت اعلای خداوند فرد هستند. تفاوت آنها از اینجا ناشی می‌شود که موجودات زنده، چه در حالت مقید و چه در حالت آزاد، نمی‌توانند از نظر کمی بر نیروهای غیر قابل تصور شخصیت اعلای خداوند تفوق یابند. این طرز فکر که خداوند متعال و موجودات زنده در یک سطح هستند و یا از هر نظر با یکدیگر برابرند، گمان نادرستی بیش نیست. باید در نظر داشت همواره در بین آنان مسئله برتری و فروتری وجود دارد. واژه اوتاما بسیار حائز اهمیت است، یعنی هیچکس نمی‌تواند بر شخصیت متعال خداوند برتری جوید.

لغت لوکه مفهوم "در *pauruṣa āgama* (کتب مقدس اسمریتی)" را در بر دارد. همان گونه که در لغتنامه نیروکتی تأیید شده است:

*lokyate vedārtho 'nena*

"منظور و مقصود وداها به‌وسیله کتب مقدس اسمریتی توضیح داده شده است."

وجه پاراماتمای خداوند متعال در خود وداها نیز توصیف شده است. آیه ذیل در وداها (چاندوگیا اوپانیشاد ۳/۱۲/۸) آمده است:

*tāvad eṣa samprasādo 'smāc charīrāt samutthāya paraṁ jyoti-rūpaṁ sampadya svena rūpeṇābhiniṣpadyate sa uttamaḥ puruṣaḥ*

"روح متعال با خروج از بدن به برهما جیوتی فاقد شخصیت وارد می‌شود؛ سپس به شکل خودش در هویت روحانی خود باقی می‌ماند. آن متعال شخصیت متعال خوانده می‌شود." این بدان مفهوم است که شخصیت متعال، تشعشع روحانی خود را که روشنایی نهایی است، بروز می‌دهد و پخش می‌نماید. همچنین آن شخصیت متعال یک وجه موضعی به نام پاراماتما دارد. او با ظهورش به عنوان فرزند ساتیاواتی و پاراشارا – ویاسادوا – دانش ودایی را شرح می‌دهد.

## آیه ۱۹

*yo mām evam asammūḍho*
*jānāti puruṣottamam*
*sa sarva-vid bhajati māṁ*
*sarva-bhāvena bhārata*

*yaḥ*: هر کسی که ـ *mām*: مرا ـ *evam*: بدین‌سان ـ *asammūḍhaḥ*: بدون شک ـ *jānāti*: می‌شناسد ـ *puruṣa-uttamam*: شخصیت اعلای خداوند ـ *saḥ*: او ـ *sarva-vit*: عالم به همه چیز ـ *bhajati*: خدمت عابدانه می‌کند ـ *mām*: به من ـ *sarva-bhāvena*: از هر نظر ـ *bhārata*: ای‌پسر بهاراتا.

## ترجمه

**ای پسر بهاراتا، هر کس که مرا بدون هیچ شکی به عنوان شخصیت متعال خداوند بشناسد، دانـای همـه چیز است. و بدین سبب است که او وجود خود را نثار خدمت عابدانهٔ کامل به من می‌کند.**

## شرح

پندارهای فلسفی بسیار درباره موقعیت ذاتی موجود زنده و حقیقت مطلق وجود دارد. حال در این آیه شخصیت متعال خداوند به روشنی توضیح می‌دهد که هر کس که خداوند کریشنا را به عنوان شخص متعال بشناسد واقعاً دانای همه چیز است. دانای بی‌بهره از دانش کامل فقط به پندار درباره حقیقت مطلق ادامه می‌دهد، در حالی که دانای کامل، بدون اتلاف وقت ارزشمند خود، مستقیماً مشغول آگاهی به کریشنا یعنی خدمت عابدانه خداوند متعال می‌شود. در سراسر بهاگاواد–گیتا این حقیقت در هر قسمت تأکید شده است و با وجود این هنوز بسیاری از مفسران معاند بهاگاواد–گیتا، حقیقت مطلق متعال و موجودات زنده را یکی و یکسان تلقی می‌کنند.

دانش ودایی، شروتی خوانده می‌شود یعنی آموختن از طریق شنوایی. در واقع انسان باید پیام ودایی را از مراجعی چون کریشنا یا نمایندگان او دریافت نماید. اینجا کریشنا همه چیز را به روشنی مشخص و آشکار می‌کند و انسان باید به این منبع موثق گوش فرا دهد. فقط شنیدن همچون خوکها کافی نیست؛ شخص باید قادر باشد حقایق را از مراجع درک نماید. به جای آنکه خود را به دست پندارهای ذهنی دانشگاهی بسپریم، مطیعانه آموزش بهاگاواد–گیتا را در مورد اینکه موجودات زنده همواره تابع شخصیت متعال خداوندند، بشنویم. طبق گفتار شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، فقط کسی که قادر باشد این حقیقت را درک نماید به منظور و مقصود وداها واقف شده است و نه کس دیگری.

واژه بهاجاتی ارزش تأمل را دارد: در بسیاری جاها از لغت بهاجاتی در رابطه با خدمت به خداوند متعال استفاده شده است. چنانچه شخصی، در آگاهی کامل به کریشنا، مشغول خدمت عابدانه باشد باید دانست که او تمام دانش ودایی را درک نموده است. در پارامپارای وایشناوا گفته می‌شود برای کسی که مشغول خدمت عابدانه کریشناست، نیازی به روشهای دیگر روحانی

برای درک حقیقت مطلق نیست. او قبلا به شناخت مطلوب رسیده زیرا وقف خدمت عابدانه به خداوند شده است. وی تمام طرق ابتدایی معرفت را به پایان رسانده است. از طرف دیگر، چنانچه کسی پس از هزاران زندگی به این شناخت مطلوب دست نیابد که کریشنا شخصیت متعال خداوند است و انسان باید تسلیم او گردد، تمام پندارهای فلسفیش در زندگیهای پیاپی و سالهای متمادی، چیزی جز اتلاف وقتی بی‌فایده نخواهد بود.

## آیه ۲۰

*iti guhyatamaṁ śāstram*
*idam uktaṁ mayānagha*
*etad buddhvā buddhimān syāt*
*kṛta-kṛtyaś ca bhārata*

*iti*: بدین‌سان ـ *guhya-tamam*: محرمانه‌ترین ـ *śāstram*: کتب مقدس نازل شده ـ *idam*: این ـ *uktam*: آشکار گردیده ـ *mayā*: به‌وسیله من ـ *anagha*: ای بری از گناه ـ *etat*: این ـ *buddhvā*: درک کردن ـ *buddhi-mān*: خردمند ـ *syāt*: شخص می‌شود ـ *kṛta-kṛtyaḥ*: کاملترین در تلاشهایش ـ *ca*: و ـ *bhārata*: ای پسر بهاراتا.

## ترجمه

**ای مبری از گناه، چیزی که هم اکنون برایت آشکار کردم محرمانه‌ترین بخش متون مقدس ودایی است. کسی که آن را درک نماید خردمند می‌شود و تلاشهایش منجر به کمال خواهد شد.**

## شرح

خداوند در اینجا به وضوح شرح می‌دهد که این حقیقت، جوهر تمام کتب مقدس نازل شده است؛ و انسان باید آن را همان گونه که خداوند عرضه می‌دارد درک نماید. بدین‌سان شخص در دانش متعال، خردمند و کامل خواهد شد. به عبارت دیگر، با درک فلسفه شخصیت متعال خداوند و مشغول شدن به خدمت روحانیش، همه می‌توانند از تمام آلودگیهای گونه‌های طبیعت مادی آزاد شوند. همانا خدمت عابدانه راه ادراک روحانی است و هر کجا خدمت عابدانه وجود داشته باشد، آلودگی مادی نمی‌تواند با آن همراه گردد. خدمت عابدانه به خداوند با خود خداوند یکی است، زیرا هر دو روحانیند؛ در واقع خدمت عابدانه در حوزه انرژی درونی خداوند متعال صورت می‌گیرد. گفته می‌شود خداوند خورشید، و جهل تاریکی است. هر کجا خورشید حضور داشته باشد، اثری از تاریکی وجود نخواهد داشت. بنابراین، هر گاه خدمت عابدانه تحت راهنمایی شایسته پیر روحانی باصلاحیت وجود داشته باشد، دیگر هیچ گونهٔ جهلی در بین نخواهد بود.

همه باید به کریشنا آگاهی روی بیاورند و مشغول خدمت عابدانه شوند تا خردمند و تزکیه گردند. مادامی که انسان به این مرتبه از درک کریشنا نائل نگردد و مشغول خدمت عابدانه نشود هر قدر هم از نظر اشخاص عادی خردمند باشد ولی خردمند کامل محسوب نمی‌گردد.

واژه آناگها که آرجونا با آن مخاطب قرار می‌گیرد حائز اهمیت است. آناگها یعنی "ای بری از گناه" یعنی مادامی که انسان از کلیه واکنشهای گناه آزاد نگردد بسیار مشکل است که کریشنا را درک نماید. انسان باید از هر گونه آلودگی، آلایش و کلیه اعمال گناه آزاد شود و آنگاه است که می‌تواند به ادراک دست یابد. لیکن خدمت عابدانه چنان پاک و نیرومند است که به محض مبادرت به آن، انسان به خودی خود به مرحله عاری بودن از گناه می‌رسد.

طی انجام خدمت عابدانه در معاشـرت و همنـشینی عابدان پاک و در آگاهی کامل به کریشنا، باید به مسائلی چند غلبه نمود که مهمترین آنها ضعف قلب است. نخستین سقوط به علت آرزوی حکمرانی و خدایی کردن بر طبیعت مادی پیش می‌آید که شخص را منجر به ترک خدمت عاشقانه روحانی به خداوند متعال می‌کند. با افزایش تمایل برای خدایی کردن بر طبیعت مادی، دومین ضـعـف قلـب که دلبـسـتگی به ماده و مالکـیـت ماده است بروز می‌کـند. مصائب موجودیت مادی به علـت این ضـعـفهای قلب است که پـنـج آیه اول این فصل به طریق رها شدن از آنها اختصاص داده شده است و بقـیه فصـل، یعنی از آیه ششم تا آخرین آیه، پیرامون پوروشوتاما ـ یوگا بحث می‌گردد.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل پانزدهم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان پوروشوتاما ـ یوگا یعنی "یوگای شخص متعال" پایان می‌یابد.

# فصل شانزدهم

# طبایع الهی و اهریمنی

## آیات ۳-۱

*śrī-bhagavān uvāca*
*abhayaṁ sattva-saṁśuddhir*
*jñāna-yoga-vyavasthitiḥ*
*dānaṁ damaś ca yajñaś ca*
*svādhyāyas tapa ārjavam*

*ahiṁsā satyam akrodhas*
*tyāgaḥ śāntir apaiśunam*
*dayā bhūteṣv aloluptvaṁ*
*mārdavaṁ hrīr acāpalam*

*tejaḥ kṣamā dhṛtiḥ śaucam*
*adroho nāti-mānitā*
*bhavanti sampadaṁ daivīm*
*abhijātasya bhārata*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت متعال خداوند فرمود ـ *abhayam*: بدون ترس بودن ـ *sattva-saṁśuddhiḥ*: تزکیه نفس ـ *jñāna*: در دانش ـ *yoga*: مربوط به اتصال ـ *vyavasthitiḥ*: موقعیت ـ *dānam*: صدقه ـ *damaḥ*: کنترل ذهن ـ *ca*: و ـ *yajñaḥ*: انجام قربانی ـ *ca*: و ـ *svādhyāyaḥ*: مطالعه ادبیات ودایی ـ *tapaḥ*: ریاضت ـ *ārjavam*: سادگی ـ *ahiṁsā*: عدمِ خشونت ـ *satyam*: راستی، راستگویی ـ *akrodhaḥ*: رهایی از خشم ـ *tyāgaḥ*: انقطاع ـ *śāntiḥ*: آرامش ـ *apaiśunam*: عدم تمایل به عیبجویی ـ *dayā*: لطف و رحمت ـ *bhūteṣu*: نسبت به تمام موجودات زنده ـ *aloluptvam*: رهایی از حرص و طمع ـ *mārdavam*: ملایمت ـ *hrīḥ*: نجابت ـ *acāpalam*: عزم راسخ ـ *tejaḥ*: قدرت ـ *kṣamā*: بخشش ـ *dhṛtiḥ*: شکیبایی و بردباری *śaucam*: پاکی ـ *adrohaḥ*: رهایی از حسد ـ *na*: نه ـ *ati-mānitā*: انتظار احترام و افتخار داشتن ـ *bhavanti*: هستند ـ *sampadam*: صفات ـ *daivīm*: طبیعت متعال و روحانی ـ *abhijātasya*: مربوط به کسی که تولد یافته از ـ *bhārata*: ای فرزند بهاراتا.

### ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: ای فرزند بهاراتا، فقدان ترس، تزکیهٔ نفس، پرورش دانشِ روحانی، صدقه، تسلط بر نفس، انجام قربانی، مطالعهٔ وداها، ریاضت، سادگی، عدم خشونت، راستگویی، فقدان خشم،**

**انقطاع، آرامش، کراهت از عیبجویی، رحم و شفقت برای تمامِ موجودات زنده، فقدان حـرص و طمـع، ملایمـت، نجابت، عزم راسخ، قدرت، بخشش، شکیبایی و بردباری، پاکی، فقدان حسادت و فقدان میل مفرط برای عزت و احترام، اینها هستند صفاتِ روحانیِ مختص اشخاص متقی که طبع الهی به آنان بخشیده شده است.**

## شرح

در ابتدای فصل پانزدهم، درخت بانیان این دنیای مادی توضیح داده شد که ریشه‌های اضافی آن به اعمال خجسته (نیک و مساعد) و غیر خجسته (بد و غیر مساعد) موجودات زنده تشبیه گردید. در فصل نهم نیز دواها یا اشخاص خداشناس و دارای طبع الهی و آسوراها یعنی خدانشناسان یا دیوصفتان تعریف شدند. بر اساس آموزشهای ودایی، اعمالی که در گونۀ نیکیاند برای پیشرفت در راه رهایی و رستگاری مساعد محسوب می‌شوند، و چنین فعالیتهایی به نام دایوی پراکریتی یا دارای طبع روحانی معروفند. آنان که در طبیعت متعال قرار دارند در راه رهایی پیشرفت مینمایند. از طرف دیگر، برای آن کسانی که در گونه‌های شهوت و جهل عمل می‌کنند، به هیچ وجه امکان رهایی وجود ندارد. آنان مجبورند یا در قالب کالبد بشری در این دنیای مادی باقی بمانند و یا به انواع حیوانات یا حتی شکلهای پست‌تر حیاتی تنزل نمایند. در این فصل خداوند هم طبیعت متعال و هم طبیعتِ شیطانی و صفات مختص هر کدام از آنها را توصیف میکند و مزایا و زیانهای این صفات را نیزتوضیح می‌دهد.

واژه آبهیجاتاسیا که اشاره به کسی دارد که با صفات روحانی و تمایلات خداشناسانه به دنیا آمده، بسیار حائز اهمیت است. در کتب مقدس ودایی، صاحب فرزند شدن در فضایی حاکی از خداشناسی، به گاربهادهانا ـ سامسکارا معروف است. اگر والدین متمایل به داشتن فرزندانی با صفات الهی باشند، باید از ده اصلی که برای زندگی اجتماعی انسان توصیه شده پیروی نمایند. در بهاگاواد–گیتا نیز ما قبلا خواندیم که آن رابطه جنسیی که هدفش به وجود آوردن فرزند نیک و متقی است خود کریشنا میباشد. رابطه جنسی به هیچ وجه محکوم نمیشود، به شرطی که از آن در آگاهی به کریشنا استفاده گردد. حداقل کسانی که در کریشنا آگاهی‌اند نباید به شیوه سگ و گربه صاحبِ فرزند شوند بلکه فرزندان خود را با هدف خدا آگاه کردن آنها به دنیا آورند. این امر امتیاز و توفیق کودکانی است که از پدر و مادری مجذوب به کریشنا آگاهی به دنیا می‌آیند.

نظام اجتماعی وارناشراما ـ دهارما که اجتماع را به چهار طبقه تقسیم می‌کند، بر اساس تقسیم طبقاتی جامعه بشری بر مبنای تولد به وجود نیامده است. چنین تقسیماتی بر حسب شایستگی آموزشی و تربیتی افراد میباشد و مراد از آنها حکمفرما کردن آرامش و موفقیت در جامعه انسانی است. هدف صفاتی که در اینجا ذکر گردیده (صفات متعال) آن است که شخص را در راه معارف روحانی پیشرفت دهد تا بتواند از دنیای مادی رهایی حاصل کند.

در نظام وارناشراما ـ دهارما، سانیاسی یا شخصی که در مرحله انقطاع و ترک زندگی مادی به سرمی‌برد در رأس، یا پیر روحانی تمام مراتب و طبقات دیگر اجتماعی محسوب میگردد. یک براهمانا پیر روحانی سه طبقه دیگر اجتماع یعنی کشاتریاها، وایشیاها و شودراها به شمار می‌آید، اما سانیاسی کهدر رأس نظام است، پیر روحانی براهمانا نیز محسوب میگردد.اولین شایستگی و صلاحیت برای یک سانیاسی عاری از ترس بودن است، چون سانیاسی باید تنها و بدون پشتیبان و عاری از اطمینان از حمایت دیگران زندگی کند؛ پس اتکال او باید فقط به لطف شخصیت متعال خداوند باشد. چنانچه فردی نگرانی به خود راه دهد که پس از قطع روابط اجتماعی و خانوادگی چگونه محافظت خواهد شد، نباید امر انقطاع را بپذیرد. انسان باید کاملا مطمئن و متقاعد شده باشد که کریشنا یا شخصیت متعال خداوند در وجه ساری و جاری خود به صورت پاراماتما همواره در درون حاضر است و همه چیز را میبیند؛ او همواره میداند که شخص قصد چه کاری را دارد. بدین‌سان شخص باید اطمینان کامل داشته باشد که کریشنا به عنوان پاراماتما از روحی که به او تسلیم شده است حفاظت خواهد نمود. انسان باید فکر کند که هیچگاه تنها نخواهد بود و حتی چنانچه در تاریکترین مناطق جنگل زندگی نماید کریشنا همراهش خواهد بود و از او کاملا

حفاظت خواهد نمود. این اطمینان آبهایام یعنی عاری از ترس بودن خوانده میشود و برای شخصی که در مرحله انقطاع است ضروریمیباشد.
فرد سپس باید وجود خود را تزکیه نماید. در امر انقطاع از زندگی مادی، قواعد و قوانین بسیاری وجود دارد که انسان باید از آنها پیروی نماید. مهمتر از همه آن است که سانیاسی از داشتن هر گونه رابطه صمیمانه با زنان کاملا بر حذر شده است. حتی صحبت کردن با یک زن در مکانی خلوت برای او منع گردیده است. خداوند چیتانیا الگوی کامل یک سانیاسی را ارائه کرد: هنگام اقامت در پوری، رهروان مؤنث او حتی نمیتوانستند برای ابراز احترام نزدیکش شوند؛ به آنان توصیه می‌شد که از فاصله‌ای دور تعظیم کنند. البته باید خاطر نشان کرد که این امر نشانه تنفر نسبت به طبقه زنان نیست، بلکه حذر کردن از زنان وظیفه سانیاسی محسوب میشود. انسان برای تهذیب و تزکیه وجودش ملزم است که از قواعد و قوانین مرحله خاص زندگی خود که در تقسیمات وارناشراما ـ دهارما برایش در نظر گرفته شده است پیروی نماید. رابطه صمیمانه با زنان و تملک ثروت به منظور کامجویی اکیداً برایسانیاسیها ممنوع شده است. خداوند چیتانیا شخصاً سانیاسی ایده‌آل محسوب میشد و از شیوه زندگی او درمییابیم که در مورد ارتباط با زنان بسیار سختگیر بوده است. اگرچه او، به منزله آزاده‌ترین ظهور خداوند، فروافتاده‌ترین ارواح را می‌پذیرفت، لیکن در مورد معاشرت با زنان دقیقاً قواعد و قوانین مرحله سانیاسا را مراعات مینمود. خداوند چیتانیا آنقدر سختگیر بود که یکی از معاشران نزدیک خود به نام چوتا هاری داسا را، به دلیل آنکه با شهوت به زنی جوان نظر افکنده بود، فوراً از جمع معاشران خصوصی خود طرد نمود. خداوند چیتانیا فرمود: "برای یک سانیاسی یا هرکسی که آرزوی رهایی از اسارت پنجه‌های طبیعت مادی را دارد و می‌کوشد خود را به طبیعت روحانی و وطن اصلی نزد خداوند ارتقاء دهد، نظر افکندن به ثروت مادی و زنان به منظور کامجویی (حتی بدون برخوردار شدن از آنها و فقط با چنین تمایلی نظر کردن به آنها) آنقدر محکوم است که بهتر است چنین شخصی پیش از تجربه چنین آرزوهای نامشروعی خودکشی نماید." پس اینها روشهایی به منظور تهذیب نفس است.
موضوع بعدی گیانا ـ یوگا ـ ویاواستهیتی به معنای پرداختن به تحصیل دانش است. زندگی سانیاسی چیزی جز اشاعه دانش نزد متأهلان و کسانی که زندگی حقیقی خود را در مسیر پیشرفت روحانی فراموش نمودهاند، نیست. فرض بر آن است که سانیاسی برای تأمین معاش خود خانه به خانه صدقه بگیرد، اما این بدان معنی نیست که او یک گدا و حرفهاش گدایی است. تواضع نیز یکیدیگر از صفات شخصی است که در موقعیت روحانی قرار دارد و به علت تواضع صرف است که سانیاسی خانه به خانه میرود، لیکن نه به قصد گدایی که برای دیدن متأهلان و احیای آگاهی آنان نسبت به شناخت کریشنا. این وظیفه سانیاسی است. اگر او واقعاً پیشرفته است و از طرف پیر روحانیش چنین دستوری به وی داده شده است باید با درک و منطق، خدا آگاهی یا کریشنا آگاهی را وعظ نماید، چنانچه تا این حد پیشرفته نیست نباید امر انقطاع را بپذیرد. اما اگر حتی امر انقطاع را بدون دانش کافی پذیرفته است باید برای تحصیل آن خود را کاملا مشغول شنیدن آموزشهای لازم از پیر روحانی معتبر نماید. یک سانیاسی یا کسی که مرحله انقطاع در زندگی را پذیرفته است باید در آبهایا (عاری از ترس بودن)، ساتوا ـ سامشودهی (پاکی) و گیانا ـ یوگا (دانش) قرار داشته باشد.
موضوع بعدی صدقه است که به طور اخص برای متأهلان منظور شده است. فرد متأهل باید از راه شرافتمندانه امرار معاش نماید و پنجاه درصد درآمد خود را صرف اشاعه کریشنا آگاهی در سراسر جهان نماید. بدین‌سان فرد متأهل باید به مجامعی که مشغول ترویج شناخت خدا هستند صدقه بدهد. صدقه باید به شخص درست داده شود. همان گونه که بعداً توضیح داده خواهد شد انواع مختلف صدقه وجود دارد: صدقه در گونهٔ نیکی، صدقه در گونهٔ شهوت و صدقه در گونهٔ جهل. در کتب مقدس فقط صدقه در گونهٔ نیکی توصیه شده است، زیرا صدقه در گونههای شهوت و جهل اتلاف سرمایه‌ای بیش نیست. صدقه باید فقط به منظور اشاعه جهانی کریشنا آگاهی داده شود. این‌نوع صدقه در گونهٔ نیکی است.
اما در ارتباط با داما (تسلط بر نفس) باید گفت نه تنها برای تمام مراحل زندگی وارناشراما ـ دهارما صادق است، بلکه به طور ویژه برای متأهلان واجب میباشد. هرچند فرد متأهل با همسر خود همنشینی و معاشرت دارد، ولی نباید حواس خود را بدون

لزوم در جهت رابطه جنسی به کار گیرد. برای متأهل محدودیتهایی در زمینه رابطه جنسی وجود دارد و این امر باید فقط به منظور تولید مثل انجام شود. چنانچه شخص طالب فرزند نباشد نباید با همسرش رابطه جنسی برقرار کند. جامعه معاصر میکوشد با استفاده از انواع وسایل جلوگیری از حاملگی و یا شیوههای منفورتر دیگر از رابطه جنسی لذت برد، بدون قبول مسئولیتهایی که تولد فرزند به دنبال دارد. باید در نظر داشت که این شیوه عمل نه در طبع روحانی که در طبع شیطانی است. چنانچه کسی (حتی فرد متأهل) بخواهد در زندگی روحانی پیشرفت نماید، باید رابطه جنسی خود را محدود و مهار نماید و بدون هدف خدمت به کریشنا صاحب فرزند نشود. لیکن چنانچه بتواند تضمین کند که فرزندانی خدا آگاه، کریشنا آگاه، به بار خواهد آورد، میتواند حتی صاحب صدها فرزند شود، ولی بدون چنین قابلیتی انسان نباید فقط به منظور لذت حسی به چنین کاری مبادرت نماید.

مطلب دیگر انجام قربانی است که مختص متأهلان میباشد، زیرا این امر احتیاج به سرمایه زیاد دارد. و کسانی که در مراحل دیگر زندگی یعنی برهماچاریا، واناپراستها و سانیاسا قرار دارند، از خود سرمایه ندارند و با قبول صدقه روزگار میگذرانند. بنابراین انجام قربانیهای مختلف به عهده متأهلان است. آنان باید قربانیهای آگنی ـ هوترا را بر اساس احکام ودایی انجام دهند، اما انجام چنین قربانیهایی در حال حاضر بسیار گران تمام میشود و برای هیچ متأهلی ممکن نیست که آنها را بتواند انجام دهد. بهترین قربانی که برای این عصر توصیه شده است سان کیرتانا ـ یاگیا یعنی ذکر اسماء مقدس خداوند هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره میباشد. این بهترین و ارزانترین قربانی است که همه قادر به انجام آن و بهرهمند شدن از آنند. بنابراین انجام این سه موضوع یعنی دادن صدقه، تسلط بر حواس و انجام قربانی برای متأهل منظور شده است.

سپس سوادهیایا یا مطالعه متون مقدس ودایی برای برهماچاریا، یا زندگی طلبگی، منظور شده است. برهماچاریها نباید هیچ گونه رابطهای با زنان داشته باشند؛ آنان باید در تجرد محض زندگی کنند و ذهنشان را، به منظور تحصیل دانش روحانی، مشغول مطالعه ادبیات ودایی نمایند. این سوادهیایا خوانده میشود.

تاپاس یا ریاضت بخصوص برای کسانی است که از زندگی تأهل بازنشسته شدهاند. شخص نباید در تمام دوران زندگیش متأهل باقی بماند، بلکه باید همواره به خاطر داشته باشد که زندگی به چهار بخش یا مرحله یعنی برهماچاریا، گریهاستها، واناپراستها و سانیاسا تقسیم شده است. بنابراین پس از دوران گریهاستها یعنی زندگی تأهل، شخص باید بازنشسته گردد. چنانچه عمر انسان را صد سال فرض نماییم، باید بیست و پنج سال اول آن را در زندگی شاگردی، بیست و پنج سال دوم را در زندگی تأهل، بیست و پنج سال سوم را در زندگی بازنشستگی از تأهل و بیست و پنج سال آخر را در مرحله انقطاع از زندگی مادی سپری کند. این قواعد مربوط به اصول مذهبی ودایی است. کسی که از زندگی تأهل بازنشسته شده است باید ریاضتهای مربوط به بدن، ذهن و زبان را انجام دهد. این تاپاسیا است. در تمام تقسیمات وارناشراما ـ دهارما، تاپاسیا منظور شده است. بدون تاپاسیا یا ریاضت هیچ انسانی نمیتواند به رهایی و رستگاری نائل آید. نه در ادبیات ودایی و نه در بهاگاواد–گیتا، فرضیههایی که بر اساس آنها انسان بتواند بدون ریاضت و با پندارهای ذهنی به تشخیص راه صحیح زندگی خود بپردازد، توصیه نشده است. چنین نظریاتی فقط بهوسیله روحانی و نقلابی که میکوشند پیروان بیشتری برای خود دست و پا کنند ابداع میگردد، زیرا چنانچه محدودیت و احتیاج به مراعات قواعد و قوانین سخت وجود داشته باشد مردم جذب این افراد نخواهند شد. بدین سبب کسانی که به دنبال پیروانی میگردند تا فقط نمایشی از مذهب ارائه دهند، زندگی شاگردان و حتی زندگی خود را محدود نمیکنند. اما وداها این روش را تأیید نمیکند. تا آنجا که به ساده زیستی و بیپیرایگی (یکی از صفات براهمانایی) مربوط میشود، نه فقط گروه خاصی بلکه کلیه اعضای جامعه باید از آن پیروی نمایند، حال چه شخص در برهماچاری آشراما، گریهاستها آشراما، واناپراستها آشراما، یا سانیاسا آشراما قرار داشته باشد؛ انسان باید بسیار ساده و بیآلایش زندگی نماید.

آهیمسا یا عدم خشونت یعنی متوقف نکردن زندگی تدریجی هیچ موجود زندهای. انسان هیچگاه نباید فکر کند از آنجا که جرقه روحانی حتی پس از کشته شدن بدن از بین نمیرود پس کشتن حیوانات برای کامجویی ضرری ندارد. در حال حاضر، مردم به

رغم داشتن مقادیر کافی حبوبات، غلات، میوهجات و لبنیات، به خوردن حیوانات خو گرفتهاند. باید بدانیم که هیچ گونه احتیاجی به کشتن حیوانات نیست و این حکم برای همه صدق میکند. هنگامی که چارهای نباشد، انسان می‌تواند به کشتن حیوان مبادرت نماید، لیکن این امر باید به صورت قربانی انجام گردد. به هر حال، وقتی خوراک کافی برای انسان وجود دارد، اشخاصی که خواهان پیشرفت در معرفت روحانی‌اند نباید مرتکب اعمال خشونت نسبت به حیوانات شوند. عدم جلوگیری از سیر زندگی تدریجی موجودات زنده آهیمسای حقیقی است. حیوانات نیز در سیر تکاملی حیات خود با انتقال از یک کالبد به کالبد دیگر پیشرفت می‌کنند و از شعور تکامل یافتهتری برخوردار میگردند. پیشرفت حیوانی که کشته میشود متوقف میگردد، زیرا باید دوباره به همان شکل زندگی قبلی که بی‌موقع آنرا ترک کرده است بازگردد و روزهای باقیمانده را کامل نماید تا بتواند به گونه حیاتی برتر بعدی ارتقاء یابد. بنابراین فقط به خاطر ارضای ذائقه نفسانی نباید جلوی پیشرفت حیوانات گرفته شود. این آهیمسا خوانده میشود.

ساتیام. مفهوم این واژه آن است که انسان نباید حقیقت را به خاطر منافع شخصی تغییر دهد وتحریف نماید. قسمتهای مشکلی در متون مقدس ودایی یافت میشود که مفهوم یا مقصود آنها را باید از یک پیر روحانی معتبر و موثق آموخت. این راه و روش درک وداها است. شروتی یعنی انسان باید از مرجعیت موثق شنوایی داشته باشد. انسان نباید تعبیر و تفسیری را به منظور نفع شخصی خود ارائه دهد. تفسیرهای بسیاری بر بهاگاواد-گیتا وجود دارد که حقیقت متن اصلی را لوث میکند. پس باید هر لغت با مفهوم حقیقی خود ارائه گردد و این امر فقط از طریق یک پیر روحانی معتبر و موثق تحقق می‌پذیرد.

آکرودها یعنی جلوگیری از خشم. در مقابل تحریکات باید شکیبا بود، زیرا در اثر خشم تمام بدن انسان آلوده میگردد. خشم محصول گونه حرص و شهوت است، بنابراین کسی که در موقعیت روحانی قرار دارد باید بتواند خشم خود را مهار نماید. آپایشونام یعنی شخص نباید از دیگران عیبجویی کند و یا بیلزوم دیگران را تصحیح نماید. البته دزد را دزد خواندن عیبجویی نیست، اما دزد نامیدن شخصی درستکار که در حال پیشرفت در زندگی روحانی است، بیحرمتی بزرگی است. هری یعنی انسان باید بسیار نجیب باشد و کاری را که زشت و ناپسند است انجام ندهد. آچاپالام به معنای مصمم بودن است یعنی انسان نباید در قصد و کوششی که میکند آشفته و ناامید شود. در هر کاری ممکن است شکست پیش آید، اما انسان نباید دلسرد شود بلکه باید با صبر و عزم راسخ به تلاشهای خود برای پیشرفت ادامه دهد.

واژه تجاس که در اینجا به کار رفته عطف به کشاتریاها دارد. کشاتریاها باید همواره بسیار قوی باشند تا بتوانند از ضعیفان حفاظت نمایند. آنان نباید مدعی عدم خشونت باشند بلکه در صورت نیاز به خشونت باید آن را اعمال کنند. اما شخصی که توانایی غلبه بر دشمن را دارد، میتواند تحت شرایط خاصی بخشش نشان دهد و از خطاهای کوچک بگذرد.

شوچام یعنی پاکیزگی و خلوص که نباید فقط به ذهن و بدن محدود شود بلکه به روابط و رفتار فرد نیز باید تسری پیدا کند. این اصل بخصوص برای اشخاص تاجر و بازرگان به کار می‌آید که نباید در معاملات بازار سیاه شرکت جویند. ناتی ـ مانیتا به مفهوم انتظار احترام نداشتن است که درباره شودراها به کار میرود. بر اساس احکام ودایی شودراها پایین‌ترین طبقه در میان طبقات چهارگانه اجتماعی محسوب می‌شوند. آنان نباید با مقام یا افتخار غیر ضروری مغرور شوند و موقعیت خود را فراموش کنند. وظیفه شود را حکم می‌کند که برای حفظ نظم اجتماع به طبقات بالاتر ابراز احترام نماید.

تمام این بیست و شش صفتی که ذکر گردید صفاتی روحانی و بالطبع الهی‌اند. این صفات باید بر اساس مراحل مختلف زندگی اجتماعی و حرفه موجود در هر یک از طبقات چهارگانه در نظام اجتماعی وارناشراما ـ دهارما پرورش و تبلور یابد. باید درک کرد که هرچند شرایط مادی توأم با رنج و گرفتاری است، چنانچه این صفات را کلیه طبقات مردم در عمل پرورش دهند، آنگاه تدریجاً ارتقاء به بالاترین سطح شناخت روحانی میسر می‌گردد.

## آیه ۴

*dambho darpo 'bhimānaś ca*

*krodhaḥ pāruṣyam eva ca*
*ajñānaṁ cābhijātasya*
*pārtha sampadam āsurīm*

*dambhaḥ*: تکبر ـ *darpaḥ*: غرور ـ *abhimānaḥ*: خودپسندی ـ *ca*: و ـ *krodhaḥ*: خشم ـ *pāruṣyam*: تندخویی ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و ـ *ajñānam*: جهل ـ *ca*: و ـ *abhijātasya*: مربوط به کسی که زاده شده است از ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *sampadam*: صفات ـ *āsurīm*: طبع شیطانی، طبع اهریمنی.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، تکبر، غرور، خودپسندی، خشم، تندخویی و جهل، صفاتی است که اشخاص زاده شـده در طبع شیطانی را از دیگران متمایز می‌سازد.**

## شرح

در این آیه شاهراهی که انسان را به سوی جهنم روانه می‌کند توصیف شده است. اشخاص دیوصفت، به رغم سرپیچی از اصول الهی، وانمود می‌کنند که مذهبی و پیشرفته در علم روحانی‌اند.آنان همواره از داشتن تحصیلات یا ثروت هنگفت به خود میبالند و آرزومندند که از طرف دیگر انستایش شوند، هرچند مستحق احترام نیستند. بر سر مسائل جزئی بسیار خشمگین می‌شوند، آرامش خود را از دست میدهند و با خشونت صحبت می‌کنند. آنان نمیدانند چه کاری باید انجام و چه کاری نباید انجام شود و همه چیز را طبق خواسته خود و از روی هوی و هوس انجام میدهند و هیچ گونه مرجعیتی را به رسمیت نمیشناسند. این صفات شیطانی را از همان ابتدای تشکل بدن خود در رحم مادر کسب می‌کنند و در حین رشد تمام این صفات ناخجسته را از خود متجلی می‌کنند.

## آیه ۵

*daivī sampad vimokṣāya*
*nibandhāyāsurī matā*
*mā śucaḥ sampadaṁ daivīm*
*abhijāto 'si pāṇḍava*

*daivī*: متعال، روحانی ـ *sampat*: سرمایه‌ها (طبایع) ـ *vimokṣāya*: برای رهایی منظور شده ـ *nibandhāya*: برای اسارت ـ *āsurī*: صفات شریرانه ـ *matā*: محسوب می‌شوند ـ *mā*: پیشوند نفی ـ *śucaḥ*: نگران باش ـ *sampadam*: سرمایه‌ها (صفات) ـ *daivīm*: متعال، روحانی ـ *abhijātaḥ*: زاده شده از ـ *asi*: تو هستی ـ *pāṇḍava*: ای پسر پاندو.

## ترجمه

**صفات روحانی موجب رهایی‌اند در حالی که صفات شیطانی باعث اسارت می‌گردند. ای پسر پاندو، نگران مباش، زیرا تو با صفات الهی تولد یافته‌ای.**

## شرح

خداوند کریشنا با اعلام این نکته که آرجونا با صفات شیطانی تولد نیافته است او را تشویق می‌کند. درگیری او در جنگ در زمره صفات شیطانی محسوب نمیشود، زیرا وی جوانب موافق و مخالف کار را سنجیده بود؛ او با خود حساب کرده بود که آیا اشخاص محترمی همچون بهیشما و درونا باید کشته شوند یا خیر، بدین سبب او تحت تأثیر خشم، منیت کاذب یا تندخویی عملنمیکرد. بنابراین او در زمره اشخاص دیوصفت قرار نداشت. برای یک کشاتریا یعنی یک شخص نظامی جنگ با دشمن و تیراندازی به سوی او عملی متعال و روحانی محسوب میشود و خودداری از انجام چنین وظیفه‌ای عملی شیطانی است. بدین جهت هیچ علتی برای اندوه و تأسف آرجونا وجود ندارد. هرکسی که اصول تنظیم کننده مراحل مختلف زندگی را انجام دهد در موقعیت عالی و روحانی قرار می‌گیرد.

## آیه ۶

*dvau bhūta-sargau loke 'smin*
*daiva āsura eva ca*
*daivo vistaraśaḥ prokta*
*āsuraṁ pārtha me śṛṇu*

*dvau*: دو ـ *bhūta-sargau*: موجودات زنده مخلوق ـ *loke*: در جهان ـ *asmin*: این ـ *daivaḥ*: الهی ـ *āsuraḥ*: شیطانی ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *ca*: و ـ *daivaḥ*: الهی ـ *vistaraśaḥ*: به تفصیل ـ *proktaḥ*: گفته شده ـ *āsuram*: شیطانی ـ *pārtha*: ای پسر پریتها ـ *me*: از من ـ *śṛṇu*: فقط بشنو.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، در این جهان دو نوع مخلوق وجود دارد: یکی الهی خوانده میشود و دیگری شیطانی. من قبلاً صفات الهی را برایت به تفصیل توضیح داده‌ام. حال از من در باره صفات شیطانی بشنو.**

## شرح

خداوند کریشنا، پس از آنکه آرجونا را مطمئن نمود که وی با صفات الهی تولد یافته است اکنون به توصیف خصوصیات راه شیطانی میپردازد. موجودات زنده مقید در این عالم به دو دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول که با صفات الهی تولد مییابند از زندگی منظم پیروی می‌کنند، یعنی زندگی طبق احکام کتب مقدس و مراجع و تحت قواعد و قوانین. انسان باید وظایفش را تحت هدایت کتب مقدس موثق انجام دهد. این طرز تفکر، الهی خوانده میشود. لیکن اشخاصی که از اصول تنظیم کننده همان گونه که در کتب مقدس آمده پیروی نمی‌کنند و طبق هوی و هوس خود عمل می‌نمایند شیطانی یا آسورایی خوانده می‌شوند و در دسته دوم قرار می‌گیرند. برای تمایز این دودسته از یکدیگر هیچ ملاک دیگری جز اطاعت از اصول تنظیم کننده کتب مقدس وجود ندارد. در ادبیات ودایی ذکر شده است که هم فرشتگان و هم دیوسیرتان از پراجاپاتی متولد می‌شوند، لیکن تنها تفاوت آنها در این است که گروهی از احکام ودایی اطاعت می‌کنند و گروه دیگر نه.

## آیه ۷

*pravṛttiṁ ca nivṛttiṁ ca*
*janā na vidur āsurāḥ*
*na śaucaṁ nāpi cācāro*
*na satyaṁ teṣu vidyate*

*pravṛttim*: به طرز صحیح عمل کردن ـ *ca*: همچنین ـ *nivṛttim*: نادرست عمل نکردن ـ *ca*: و ـ *janāḥ*: اشخاص ـ *na*: هیچگاه ـ *viduḥ*: میدانند ـ *āsurāḥ*: مربوط به صفت شیطانی ـ *na*: هرگز ـ *śaucam*: پاکیزگی ـ *na*: و نه ـ *api*: همچنین ـ *ca*: و ـ *ācāraḥ*: رفتار ـ *na* : هیچگاه ـ *satyam*: حقیقت، صداقت ـ *teṣu* : در آنها ـ *vidyate* : وجود دارد.

## ترجمه

**آنان که دارای صفات شیطانی‌اند نمیدانند چه کار باید انجام و چه کار نباید انجام شود. در آنان نه پاکیزگی یافت می‌شود، نه رفتار درست و نه صداقت.**

## شرح

در هر جامعه متمدن بشری مجموعه‌ای از قواعد و قوانین کتب مقدس یافت می‌شود که از آغاز مورد پیروی اعضای هر کدام از آن جوامع بوده است. این امر بخصوص در میان آریاییان، یعنی آنان‌که دارای تمدن ودایی هستند و به متمدن‌ترین مردمان معروفند، صادق است. و اما آنان که از احکام کتب مقدس پیروی نمی‌کنند می‌باید در زمره دیوصفتان قلمداد شوند، مطلبی که در این آیه نیز تأیید شده است: شیطان‌صفتان به قوانین کتب مقدس واقف نیستند و تمایلی نیز به پیروی از آنها ندارند. اکثر آنان از قوانین الهی بیاطلاعند و چنانچه تعداد معدودی از آنان نیز از این قوانین اطلاعی داشته باشند، تمایل به پیروی از آنها را در خود احساس نمی‌کنند. آنان فاقد ایمان بوده و حاضر نیستند بر اساس احکام مقدس ودایی عمل کنند. دیوسیرتان از درون و برون ناپاکند. انسان باید همواره با استحمام، مسواک زدن، اصلاح کردن، تعویض لباس و غیره مراقب پاکیزگی بدن باشد. تا آنجا که به پاکیزگی درون مربوط میشود، انسان باید همواره نامهای مقدس خداوند را به یاد آورد و ذکر هاره کریشنا، هاره کریشنا، کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره را انجام دهد. بدسیرتان این قوانین را که برای تهذیب درون و برون وضع شده است نه دوست دارند و نه ازآنها پیروی می‌نمایند.

و اما در مورد رفتار، مجموعه بسیاری از قواعد و قوانین همچون مانو ـ سامهیتا وجود دارد که کتاب قانون بشری است و هنوز هندوها از آن پیروی می‌کنند. قوانین مربوط به ارث و قوانین مرسوم دیگر نیز از این کتاب گرفته شده است. در مانو ـ سامهیتا به وضوح بیان شده است که نباید زنان را در معرض آزادی بیقید و بند قرار داد، زیرا آنان مانند کودکان احتیاج به حمایت دارند. البته این بدان معنا نیس که زنان مانند بردگان نگاهداری شوند، محدود کردن آزادی کودکان نیز به معنی رفتار بردهوار با آنان نیست. اکنون اهریمنصفتان این گونه احکام را نادیده گرفته‌اند، و گمان می‌کنند زنان باید از آزادی همسان و برابر با مردان برخوردار شوند. اما به راستی این امر وضع اجتماعی جهان را بهبود نبخشیده است. زن واقعاً باید در تمام مراحل زندگیش تحت حفاظت باشد، در دوران کودکی از طرف پدر، در جوانی از طرف شوهر، و در سنین پیری از طرف پسران بزرگش. این قاعده بر اساس مانو ـ سامهیتا، رفتار صحیح اجتماعی محسوب میشود. اما تعلیم و تربیت جدید مصنوعاً دیدگاه خودخواهانه ایاز زندگی زنانه ابداع کرده است، و بدین سبب در حال حاضر ازدواج در جامعه بشری عملا قدر و منزلت خود را از دست داده است. همچنین وضع اخلاقی زنان نیز چندان مطلوب نیست. بنابراین، دیوصفتان، آموزشهای مفید برای جامعه را نمیپذیرند، و به علت عدم پیروی از تجربیات حکمای بزرگ و قواعد و قوانینی که آنان بجا گذاشته‌اند، وضع اجتماعی آنان بسیار نکبتبار است.

## آیه ۸

*asatyam apratiṣṭhaṁ te*
*jagad āhur anīśvaram*
*aparaspara-sambhūtaṁ*
*kim anyat kāma-haitukam*

*asatyam* : غیر حقیقی ـ *apratiṣṭham* : بدون اساس ـ *te* : آنها ـ *jagat* : تجلی کیهانی ـ *āhuḥ* : می‌گویند ـ *anīśvaram* : بدون کنترل کننده ـ *aparaspara* : بدون علت ـ *sambhūtam* : به وجودآمده ـ *kim anyat* : علت دیگری وجود ندارد ـ *kim anyat* : آن فقط به علت شهوت است.

## ترجمه

**آنان معتقدند که این جهان غیر حقیقی و بدون پایه و اساس است و از طرف هیچ خدایی اداره نمی‌شود. آنها می‌گویند جهان از خواستهٔ جنسی ایجاد شده است و هیچ علتی جز شهوت ندارد.**

## شرح

شیطان‌صفتان نتیجه‌گیری مینمایند که این دنیا، موهوم و خیالی است. هیچ گونه علت و معلول، گرداننده و هدفی در آن وجود ندارد و همه چیز آن غیر حقیقی است. آنان گمان می‌کنند این تجلی کیهانی به علت کنش و واکنش تصادفی عناصر مادی به وجود آمده است و معتقد نیستند که خداوند، جهان را به منظور هدف خاصی خلق کرده است. نظریه آنان منوط بر این است که این جهان خود به خود به وجود آمده و دلیلی ندارد که باور کنیم خدایی در پس آن هست. برای آنان تفاوتی بین روح و ماده وجود ندارد و روح متعال را نمیپذیرند. همه چیز فقط ماده است و تمام جهان را توده‌ای از نادانی تلقی می‌کنند. از دیدگاه آنان همه چیز پوچ و بیمعنی است، و هر تجلی که وجود دارد به علت جهالت ماست. آنان معتقدند که تمام تجلیات گوناگون نمایشی از جهل و نادانی است، همان‌گونه که در رؤیا میتوان چیزهای بسیاری خلق نمود که واقعاً وجود ندارد و همان گونه که در بیداری نیز می‌توان پی برد که همه چیز فقط یک رؤیا بوده است. هرچند دیوصفتان می‌گویند زندگی رؤیایی بیش نیست، لیکن تبحر زیادی در لذت بردن از این رؤیا دارند. بنابراین آنان به جای کسب دانش، هرچه بیشتر در سرزمین رؤیایی خود گرفتار میگردند. آنان نتیجه‌گیری می‌کنند همان گونه که نوزاد فقط نتیجه رابطه جنسی بین مرد و زن است، این جهان نیز بدون وجود روح پدید آمده است. برای آنان، جهان فقط ترکیبی از عناصر مادی است که موجودات زنده را ایجاد کرده و به هیچ وجه مسأله موجودیت روح مطرح نیست. همان گونه که بسیاری از مخلوقات زنده بدون هیچ گونه علت مشهودی از تعرق و یا از بدن مرده پدید میآیند، کل جهان زنده نیز از ترکیبات مادی موجود در تجلی کیهانی به وجود آمده است. بنابراین طبیعت مادی علت این تجلی است و هیچ علت دیگری در بین نیست. آنان به کلام کریشنا در بهاگاواد–گیتا ایمان ندارند که میفرماید: *mayādhyakṣeṇa prakṛtiḥ sūyate sa-carācaram*."کل دنیای مادی، تحت هدایت من، در حرکت و گردش است." به عبارت دیگر، در میان دیوصفتان دانش کاملی از آفرینش این جهان وجود ندارد؛ هر یک از آنان نظریه خاص خود را در این مورد دارد. از دیدگاه آنان تمام تفاسیر کتب مقدس فاقد ارزش است، زیرا آنان به درک واحدی از احکام کتب مقدس ایمان ندارند.

## آیه ۹

*etāṁ dṛṣṭim avaṣṭabhya*
*naṣṭātmāno 'lpa-buddhayaḥ*
*prabhavanty ugra-karmāṇaḥ*
*kṣayāya jagato 'hitāḥ*

*etām*: این ـ *dṛṣṭim*: بینش ـ *avaṣṭabhya*: پذیرفتن ـ *naṣṭa*: گم کرده‌اند ـ *ātmānaḥ*: خودشان ـ *alpa-buddhayaḥ*: کم‌خردان ـ *prabhavanti*: تولید می‌کنند، ایجاد می‌کنند ـ *ugra-karmāṇaḥ*: مشغول شده به فعالیتهای دردناک ـ *kṣayāya*: برای نابودی ـ *jagataḥ*: مربوط به جهان ـ *ahitāḥ*: بیفایده.

## ترجمه

**با پیروی از چنین نتیجه‌گیریهایی، شیطان صفتان که سرگشته و حیـران و بـی‌بهـره از شـعور و خردنـد، مشغول کارهای زیان‌آور و مخوفی می‌شوند که منجر به نابودی جهان میگردد.**

## شرح

اشخاص دیوصفت مشغول فعالیتهایی می‌شوند که جهان را به نابودی میکشاند. خداوند در آیه حاضر میفرماید آنان کمشعورند. مادیگرایان دنیاپرست که به هیچ وجه درکی از خداوند ندارند تصور می‌کنند در حال پیشرفت هستند. اما بهاگاواد-گیتا آنان را فاقد شعور و بینش میداند. این افراد میکوشند حتیالمقدور از این دنیای مادی لذت برند و بنابراین همواره مشغول اختراع چیزی برای کامجویی میباشند. نتیجه این گونه اختراعات مادیگرایانه که به مثابه پیشرفت تمدن بشری محسوب میگردد، چیزی جز خشنتر و بیرحمتر شدن آنان نیست، بیرحم نسبت به حیوانات و بیرحم در قبال انسانهای دیگر. آنان اصول رفتار با یکدیگر را نمیدانند و کشتن حیوانات در بینشان بسیار رواج دارد. چنین افرادی دشمنان جهان محسوب می‌شوند زیرا در نهایت به اختراعاتی دست میزنند که برای همگان نابودی به ارمغان خواهد آورد. این آیه به طور غیر مستقیم، اختراع سلاحهای اتمی را پیشبینی مینماید، یعنی همان چیزی که جهان امروز بسیار به آن میبالد. هر لحظه امکان وقوع جنگ میرود و این سلاحها ویرانی و فاجعه به بار خواهند آورد. همان گونه که در این آیه اشاره شد چنین اختراعاتی فقط برای نابودی جهان صورت گرفته است. باید در نظر داشت که به علت فقدان ایمان به خداست که چنین سلاحهایی که به هیچ وجه برای صلح و آرامش و سعادت جهان ساخته نشده است در جامعه بشری اختراع میشود.

## آیه ۱۰

*kāmam āśritya duṣpūraṁ*
*dambha-māna-madānvitāḥ*
*mohād gṛhītvāsad-grāhān*
*pravartante 'śuci-vratāḥ*

*kāmam*: شهوت و آز ـ *āśritya*: پناه بردن به ـ *duṣpūram*: سیریناپذیر، ارضاء نشدنی ـ *dambha*: مربوط به کبر و غرور ـ *māna*: و حیثیت کاذب ـ *mada-anvitāḥ*: مجذوب شده در خودپسندی ـ *mohāt*: به‌وسیله توهم ـ *gṛhītvā*: گرفتن، بردن ـ *asat*: موقت ـ *grāhān*: چیزها ـ *pravartante*: تولید و ایجاد می‌کنند ـ *aśuci*: به ناپاک ـ *vratāḥ*: قسم‌خورده.

## ترجمه

**پلیدان با جذب شدن به غرور، خودپسندی، حیثیت کاذب و پناه بردن بـه شـهوت سـیری‌ناپـذیر متـوهم می‌شوند. آنان مجذوب آنچه بی‌ثبات است میگردند و زندگی خود را وقف کارهای ناپاک می‌کنند.**

## شرح

در آیه حاضر طرز تفکر شیطانی توصیف شده است. شهوت دیوسیرتان و دنیاپرستان هیچگاه ارضاء نمیشود و آنان به افزایش مداوم آرزوهای سیریناپذیرشان برای کسب لذات مادی ادامه میدهند. هرچند آنها به علت پذیرفتن چیزهای فانی و موقت، همواره مملو از نگرانی و اضطراب هستند، با این وصف به علت توهم، به انجام چنین کارهایی ادامه میدهند. آنان از دانش حقیقی بی‌بهره‌اند و نمیتوانند تشخیص دهند که در راه ضلالت و گمراهی قدم برمیدارند. چنین مردم دیوصفتی با پذیرش چیزهای بیدوام خدای خود را ایجاد می‌کنند و سرودهای خود را میسازند و به شیوه خود نیایش می‌کنند. نتیجه این است که آنان هرچه بیشتر مجذوب دو چیز می‌شوند: لذت جنسی و گردآوری ثروت مادی. واژه آشوچی وراتا یعنی "سوگندهای ناپاک" در این رابطه بسیار حائز اهمیت است. چنین اشخاص پلیدی فقط شیفته شراب، زن، قمار و گوشت می‌شوند که اینها آشوچی یا عادات ناپاک آنان است. این افراد به علت غرور و حیثیت کاذب به ابداع اصول دینی که فاقد تأیید احکام ودایی است مبادرت میورزند. هرچند چنین اشخاص پلیدی در جهان منفورترین هستند، با این وصف جهان با روشهای تصنعی هالهای از احترام برای آنان ایجاد میکند و هرچند در سراشیبی جهنم قرار دارند، لیکن خود را بسیار پیشرفته تلقی می‌کنند.

## آیات ۱۲-۱۱

*cintām aparimeyāṁ ca*
*pralayāntām upāśritāḥ*
*kāmopabhoga-paramā*
*etāvad iti niścitāḥ*
*āśā-pāśa-śatair baddhāḥ*
*kāma-krodha-parāyaṇāḥ*
*īhante kāma-bhogārtham*
*anyāyenārtha-sañcayān*

*cintām*: ترسها و نگرانیها ـ *aparimeyām*: غیر قابل اندازهگیری ـ *ca*: و ـ *pralaya-antām*: تالحظه مرگ ـ *upāśritāḥ*: پناه برده‌اند به ـ *kāma-upabhoga*: ارضای حواس ـ *paramāḥ*: بالاترین هدف زندگی ـ *etāvat*: بدین‌سان ـ *iti*: در این راه ـ *niścitāḥ*: اطمینان پیدا کرده‌اند ـ *āśā-pāśa*: گرفتار شدن در شبکه‌ای از امید ـ *śataiḥ*: توسط صدها ـ *baddhāḥ*: در بند شدن ـ *kāma*: مربوط به شهوت و آز ـ *krodha*: و خشم ـ *parāyaṇāḥ*: همواره واقع شده در ذهنیت ـ *īhante*: آنها آرزو می‌کنند ـ *kāma*: شهوت و آز ـ *bhoga*: لذت حسی ـ *artham*: به مقصود ـ *anyāyena*: نامشروع ـ *artha*: مربوط به ثروت ـ *añcayān*: جمع‌آوری.

## ترجمه

**آنان معتقدند که ارضای حواس، مهمترین ضرورت تمدن بشری است و بدین‌سان اضطرابشان تا پایان زندگی تداوم می‌یابد. آنان در بند هزاران آرزو و جذب در شهوت و خشم هستند و بدین ترتیب از طرق نامشروع برای کامجویی ثروت‌اندوزی می‌کنند.**

## شرح

پلیدان بر این باورند که لذت حواس هدف نهایی زندگی است و این طرز فکر را تا واپسین لحظه مرگ حفظ می‌کنند. آنان به حیات پس از مرگ و اینکه انسان بر اساس کارما یا اعمالش در این جهان در بدنهای مختلف قرار میگیرد ایمان ندارند. نقشههای زندگی آنان هیچگاه پایان نمییابد و این تلاش نافرجام را با کشیدن نقشهای پس از نقشه دیگر ادامه میدهند. خود ما

شخصاً تجربهای از یکی از این افراد داریم که حتی در لحظه مرگ نیز از پزشک تقاضا میکرد کاری کند که بتواند چهار سال دیگر زنده بماند تا نقشه های ناتمام خود را کامل سازد. این ابلهان واقف نیستند که پزشک قادر نیست حتی برای لحظهای بر طول عمر کسی بیفزاید. هنگامی که اجل فرا میرسد، هیچ توجهی به آرزوهای شخص در حال احتضار صورت نمیگیرد و قوانین طبیعت حتی ثانیهای بیش از آنچه تقدیر رقم زده است مهلت نمیدهند.

شخص اهریمن صفت که به خداوند یا روح متعال درون خویش ایمان ندارد، صرفاً به خاطر کامجویی مرتکب انواع گناه میگردد. او آگاه نیست که شاهدی درون قلب نشسته که همانا روح متعال است و ناظر بر کلیه اعمال روح فردی میباشد. همان گونه که در اوپانیشادها بیان گردیده است، دو پرنده بر یک درخت (درخت دنیای مادی) نشستهاند:یکی عمل میکند و از ثمرات شاخهها لذت یا رنج میبرد و دیگری شاهد اوست. اما کسی که شیطان صفت است، هیچ گونه شناختی از کتب مقدس ودایی و هیچ گونه ایمانی به آنها ندارد؛ بنابراین او خود را آزاد میداند که هر کاری را بدون درنظر گرفتن عواقب آن و فقط به منظور کامجویی انجام دهد.

## آیات ۱۵-۱۳

*idam adya mayā labdham*
*imaṁ prāpsye manoratham*
*idam astīdam api me*
*bhaviṣyati punar dhanam*

*asau mayā hataḥ śatrur*
*haniṣye cāparān api*
*īśvaro 'ham ahaṁ bhogī*
*siddho 'haṁ balavān sukhī*

*āḍhyo 'bhijanavān asmi*
*ko 'nyo 'sti sadṛśo mayā*
*yakṣye dāsyāmi modiṣya*
*ity ajñāna-vimohitāḥ*

*idam*: این ـ *adya*: امروز ـ *mayā*: توسط من ـ *labdham*: کسب شده ـ *imam*: این ـ *prāpsye*: به دست خواهم آورد ـ *manaḥ-ratham*: بر اساس آرزوهایم ـ *idam*: این ـ *asti*: وجود دارد ـ *idam*: این ـ *api*: همچنین ـ *me*: مال من، م ـ *bhaviṣyati*: در آینده افزایش خواهد یافت ـ *punaḥ*: دوباره ـ *dhanam*: ثروت ـ *asau*: آن ـ *mayā*: توسط من ـ *hataḥ*: کشته شده است ـ *śatruḥ*: دشمن ـ *haniṣye*: خواهم کشت ـ *ca*: همچنین ـ *aparān*: دیگران ـ *api*: حتماً، محققاً ـ *īśvaraḥ*: خداوند ـ *aham*: من هستم ـ *aham*: من هستم ـ *bhogī*: لذتبرنده ـ *siddhaḥ*: کامل ـ *aham*: من هستم ـ *bala-vān*: قدرتمند ـ *sukhī*: شاد و خوشبخت ـ *āḍhyaḥ*: ثروتمند ـ *abhijana-vān*: احاطه شده بهوسیله بستگان اشرافی ـ *asmi*: من هستم ـ *kaḥ*: چه کسی ـ *anyaḥ*: دیگر ـ *asti*: وجود دارد ـ *sadṛśaḥ*: همچون ـ *mayā*: من (ضمیر مفعولی) ـ *yakṣye*: قربانی خواهم کرد ـ *dāsyāmi*: صدقه خواهم داد ـ *modiṣye*: شادی خواهم کرد ـ *iti*: بدینسان ـ *ajñāna*: بهوسیله جهل ـ *vimohitāḥ*: متوهم شده.

## ترجمه

**شخص پلید فکر میکند: "امروز دارای ثروت هنگفتی هستم و طبق نقشه‌هایم باز هم بیشتر به دست خواهم آورد. در حال حاضر اموال زیادی در تملک من است که در آینده نیز هرچه بیشتر افزایش خواهد یافت. این شخص را که با من دشمنی داشت کشتم و به نوبهٔ خود دشمنان دیگرم را نیز خواهم کشت. من صاحب، ارباب و خدای همه چیزم. من لذت‌برنده هستم. من کامل، قدرتمند و خوشبخت هستم. من ثروتمندترین شخص هستم و بستگان اشرافی احاطه‌ام کرده‌اند. هیچکس همچون من قدرتمند و خوشبخت نیست. من به انجام پاره‌ای قربانی دست خواهم زد، قدری صدقه خواهم داد و بدین‌سان شادی خواهم کرد." چنین اشخاصی، بدین ترتیب، به‌وسیلهٔ جهل در توهم فرو رفته‌اند.**

## آیه ۱۶

*aneka-citta-vibhrāntā*
*moha-jāla-samāvṛtāḥ*
*prasaktāḥ kāma-bhogeṣu*
*patanti narake 'śucau*

*aneka*: متعدد ـ *citta*: به‌وسیله نگرانیها ـ *vibhrāntāḥ*: دچار گیجی و گمگشتگی شده ـ *moha*: مربوط به توهمات ـ *jāla*: به‌وسیله شبکهای ـ *samāvṛtāḥ*: احاطه شده ـ *prasaktāḥ*: دلبسته شده ـ *kāma-bhogeṣu*: به ارضاء حواس ـ *patanti*: آنها فرو می‌روند ـ *narake*: به جهنم ـ *aśucau*: ناپاک.

## ترجمه

**بدین‌سان آنان که به واسطهٔ اضطرابات گوناگون گیج و گمگشته و در شبکه‌ای از توهمات اسیر شده‌اند، دلبستگی بسیار زیادی به کامجویی پیدا می‌کنند و در وادی جهنم سقوط می‌نمایند.**

## شرح

شخص شیطان‌صفت شیفته ثروت‌اندوزی میشود، بی‌آنکه حدی بر خوسته‌اش مترتب باشد. او همواره نقشه می‌کشد که ثروت موجود خود را هر چه بیشتر به کار اندازد و از آن بهره بیشتری کسب کند و در این راه دست به ارتکاب هر گناهی می‌زند و برای لذات نامشروع وارد عمل در بازار سیاه نیز می‌گردد. او شیفته دارایی و ثروت خود از قبیل زمین، خانواده، خانه و حساب بانکی است و همواره نقشه می‌کشد آنها را افزایش دهد. او به قدرت خود ایمان دارد و نمیداند که آنچه به دست می‌آورد حاصل اعمال نیک گذشته‌اش است. فرصت گردآوری چنین چیزهایی به او داده شده است، لیکن او هیچ گونه تصوری از علل پیشین ندارد. او فکر میکند که کلیه ثروتش را فقط با کوشش فردی خود به دست آورده است. شخص خدانشناس صرفاً به قدرت کار و تلاش خویش ایمان دارد و نه به قانون کارما. بر اساس قانون کارما، انسان به علت کارهای نیک گذشته‌اش در خانواده‌ای عالی‌مقام تولد مییابد، ثروتمند میشود، تحصیلات بالا مینماید و یا خیلی زیبا میشود. شخص دیوسیرت گمان میکند که کلیه این چیزها صرفاً تصادفی بوده و ناشی از قابلیت شخصی اوست. او هیچ گونه نظم و تدبیری را در پس این همه تنوع و گوناگونی مردم، زیبایی و درجات تحصیلی نمی‌بیند. هرکسی که در مقام رقابت با چنین شخص شیطان‌صفتی بربیاید دشمن او قلمداد خواهد شد. تعداد اهریمن‌صفتان زیاد است و هر کدام از آنها دشمنی برای دیگر اهریمن‌صفتان محسوب میشود. این دشمنی و

خصومت نخست در بین اشخاص، سپس بین خانواده‌ها، پس از آن بین جوامع و سرانجام در میان ملتها گسترش مییابد؛ بدین سبب است که همواره در سراسر جهان نزاع، جنگ و خصومت وجود دارد.
هر شخص شیطان‌صفتی گمان میکند میتواند به بهای قربانی نمودن همه افراد دیگر زندگی نماید. عموماً دیوسیرتان خود را خدا میپندارند و واعظان شیطان صفت به پیروانشان می‌گویند:"چرا در جای دیگر به دنبال خدا میگردید؟ شما همه خودتان خدا هستید! میتوانید هرآنچه را که مایلید انجام دهید. به خدا ایمان نداشته باشید. خدا را دور بیندازید. خدا مرده است." اینها ارشادات خدانشناسان و اهریمن‌صفتان است.
هرچند شخص دیوصفت میبیند که دیگران به اندازه او و یا حتی بیش از او ثروت و یا نفوذ دارند، با این وصف گمان میکند که هیچکس ثروتمندتر و یا بانفوذتر از او نیست. تا آنجا که به ارتقاء به سیارات دیگر مربوط میشود، او اعتقادی به انجام یاگیاها یا قربانیها ندارد. شیطان‌صفتان تصور می‌کنند که با ابداع روشهای یاگیا و مهیا کردن وسایل و آلات و ابزار خاص قادر خواهند شد به سیارات بالاتر نائل گردند. راوانا بهترین نمونه این چنین اشخاصی است. او به مردم پیشنهاد ساختن پلکان عظیمی را کرد تا هر کس بتواند از طریق آن، بدون انجام قربانیهای تجویزشده در وداها، به سیارات بهشتی دست یابد. به همین ترتیب، در عصر حاضر نیز اشخاص شیطان‌صفت مشابهی میکوشند با اختراع انواع فضاپیماهای مادی به نظامهای سیارهای فوقانی نائل گردند. این نکات نمونه‌های بارزی ازسرگشتگی انسان است. در نتیجه آنان بدون دانش حقیقی به وادی جهنم سقوط می‌کنند. در آیه حاضر واژه سانسکریت موها ـ جالا بسیار حائز اهمیت است. جالا یعنی "تور، شبکه"؛ آنان همچون ماهیانی که در تور گرفتار شده‌اند هیچ گونه راهی برای بیرون آمدن از توهمی که آنها را احاطه کرده است ندارند.

## آیه ۱۷

*ātma-sambhāvitāḥ stabdhā*
*dhana-māna-madānvitāḥ*
*yajante nāma-yajñais te*
*dambhenāvidhi-pūrvakam*

*ātma-sambhāvitāḥ*: خودپسند، پرمدعا ـ *stabdhāḥ*: گستاخ ـ *dhana-māna*: مربوط به ثروت و حیثیت کاذب ـ *mada*: در توهم‌زدگی ـ *anvitāḥ*: جذب شده ـ *yajante*: آنها قربانی انجام میدهند ـ *nāma*: فقط در اسم ـ *yajñaiḥ*: با قربانیها ـ *te*: آنها ـ *dambhena*: ناشی از غرور ـ *avidhi-pūrvakam*: بدون پیروی از هیچ گونه قاعده و قانونی.

## ترجمه

**آنان که خودپسند و همواره گستاخ‌اند و به واسطهٔ ثروت و حیثیت کاذب دچار توهم گردیده‌اند، گاهی اوقات مغرورانه بدون پیروی از قواعد و قوانین فقط اسماً قربانی انجام میدهند.**

## شرح

اشخاص شیطان‌صفت که خود را عالم کل میدانند و کمترین توجهی به هیچ مرجع موثق یا کتاب مقدس ندارند، گاهی اوقات به انجام مراسم به اصطلاح مذهبی یا قربانی میپردازند. و از آنجا که به مرجعیت روحانی ایمان ندارند، بسیار گستاخ هستند. این حالت به علت توهم ناشی از گردآوری ثروت و حیثیت کاذب میباشد. گاهی اوقات چنین اشخاص اهریمن صفتی با بر تن کردن جامه تقوی و بازی کردن نقش مبلغ مذهبی به گمراه کردن مردم میپردازند و به عنوان پیشوایان مذهبی یا ظهورات خداوند شناخته می‌شوند. اشخاص عادی اعلام میدارند که آنان خدایند و به پرستش ایشان میپردازند؛ ابلهان آنان را در اصول مذهبی و

اصول دانش روحانی، پیشرفته محسوب می‌کنند. این افراد لباس انقطاع از زندگی مادی میپوشند و در آن جامه مشغول انواع رفتار ناشایست می‌شوند. در حقیقت برای کسی که از دنیا انقطاع حاصل کرده است، محدودیتهای بسیار زیادیوجود دارد. اما شیطان‌صفتان اعتنایی به این محدودیتها نمی‌کنند؛ آنان میپندارند که راه انسان همانی است که او برای خود ابداع کرده و راه مشخص، معین و مقرری که شخص ملزم به پیروی از آن باشد وجود ندارد. آیه حاضر تأکید خاصی بر واژه آویدهی ـ پورواکام، به معنی بی‌توجهی به قواعد و قوانین، دارد که این بی‌توجهی همواره ناشی از جهل و توهم است.

## آیه ۱۸

*ahaṅkāraṁ balaṁ darpaṁ*
*kāmaṁ krodhaṁ ca saṁśritāḥ*
*māṁ ātma-para-deheṣu*
*pradviṣanto 'bhyasūyakāḥ*

*ahaṅkāram*: منیت کاذب ـ *balam*: قدرت ـ *darpam*: غرور ـ *kāmam*: شهوت و آز ـ *krodham*: خشم ـ *ca*: همچنین ـ *saṁśritāḥ*: پناه برده‌اند به ـ *mām*: به من، مرا ـ *ātma*: در (بدنهای) متعلق به خودشان ـ *para*: و در دیگر ـ *deheṣu*: بدنها ـ *pradviṣantaḥ*: کفر گرفتن، توهین کردن ـ *abhyasūyakāḥ*: حسود.

## ترجمه

**دیوصفتان که با منیت کاذب، قدرت، غرور، شهوت و خشم گمراه و سرگردان شده‌اند، نسبت به شخصیت متعال خداوند که درون بدن خودشان و بدنهای دیگران قرار دارد حسادت میورزند و بر ضد دین حقیقی کفر می‌گویند.**

## شرح

شخص دیوصفت که همواره مخالف برتری خداوند است از اعتقاد به کتب مقدس اکراه دارد. او به کتب مقدس و وجود شخصیت اعلای خداوند هر دو حسد میورزد. این امر ناشی از حیثیت دروغین، ثروت و قدرت اوست. چنین شخصی واقف نیست که زندگی کنونی موقعیتی است برای تدارک زندگی بعد. لذا به علت عدم آگاهی از این موضوع، در واقع نسبت به خویشتن حقیقی خود (ذات) و نیز دیگران حسد میورزد. او نسبت به بدن خود و دیگران خشونت روا میدارد. او به علت فقدان دانش حقیقی به این امر که گرداننده کلیه امور در عالم کائنات شخصیت اعلای خداوند است توجهی ندارد، و به علت حسادت به کتب مقدس و شخصیت متعال خداوند، استدلالات کاذبی را در جهت نفی وجود خداوند پیش میکشد و مرجعیت کتب مقدس را رد مینماید. وی خود را در هر عملی صاحب استقلال و قدرت میپندارد و تصور میکند از آنجا که هیچکس نمیتواند در نیرو، قدرت یا ثروت با او برابری نماید، میتواند به هر صورتی که بخواهد عمل کند و هیچکس قادر نیست مانع او شود. چنانچه دشمنی نیز داشته باشد که قادر به جلوگیری از فعالیتهای نفسانی و شهوانی او باشد، نقشه میکشد که با قدرت خود او را نابود سازد.

## آیه ۱۹

*tān ahaṁ dviṣataḥ krūrān*
*saṁsāreṣu narādhamān*
*kṣipāmy ajasram aśubhān*

*āsurīṣv eva yoniṣu*

*tān*: آنها ـ *aham*: من ـ *dviṣataḥ*: حسود ـ *krūrān*: شرور ـ *saṁsāreṣu*: در اقیانوس موجودیت مادی ـ *nara-adhamān*: پستترین نوع بشر ـ *kṣipāmi*: میگذارم ـ *ajasram*: برای همیشه ـ *aśubhān*: ناخجسته، ناپاک ـ *āsurīṣu*: شیطانی ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *yoniṣu*: در رحمها.

## ترجمه

**من حسودان، شروران و پست‌ترین در میان انسانها را، برای همیشه در انواع گونه‌های شیطانی حیات در اقیانوس موجودیت مادی می‌افکنم.**

## شرح

در این آیه به وضوح نشان داده شده است که قرار دادن یک روح فردی خاص در یک بدن خاص منوط به اراده پروردگار متعال است. شخص شیطانصفت ممکن است برتری و عظمت خداوند را نپذیرد، و از طرف دیگر این یک واقعیت مسلم است که او میتواند بر اساس هوی و هوس خود عمل نماید، لیکن تولد بعدی او بستگی به تصمیم شخصیت اعلای خداوند دارد و نه خود او. در جزء سوم شریماد- بهاگاواتام بیان گردیده است که روح فردی، پس از مرگ، در رحم مادری قرار میگیرد تا بدن بخصوصی را تحت نظارت نیرویی برتر دریافت کند. بنابراین در موجودیت مادی انواع بسیاری از گونههای حیاتی همچون حیوانات، حشرات، انسان و غیره به چشم میخورد؛ کلیه آنها را آن نیروی برتر تدارک دیده است و هیچیک تصادفی نیست. اما در مورد اشخاص اهریمن‌صفت، در اینجا به وضوح گفته شده است که آنان تا ابد در رحم دیوسیرتان قرار داده می‌شوند، و بدین‌سان به این که حسادت ورزند و در زمره پست‌ترین نوع بشر باشند ادامه خواهند داد. این گونه قالبهای حیاتی که برای شیطان‌صفتان تدارک دیده شده است همواره مملو از شهوت، خشونت، نفرت و ناپاکی است. بسیاری از شکارچیان همان قالبهای حیاتی شیطان‌صفت محسوب می‌شوند.

## آیه ۲۰

*āsurīṁ yonim āpannā*
*mūḍhā janmani janmani*
*mām aprāpyaiva kaunteya*
*tato yānty adhamāṁ gatim*

*āsurīm*: شیطانی ـ *yonim*: قالبهای حیاتی ـ *āpannāḥ*: به دست آوردن ـ *mūḍhāḥ*: ابلهان ـ *janmani janmani*: در تولد پس از تولد ـ *mām*: به من، مرا ـ *aprāpya*: بدون دست یافتن ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *tataḥ*: پس از آن ـ *yānti*: می‌روند ـ *adhamām*: محکوم شده ـ *gatim*: مقصد.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، چنین اشخاصی با به دست آوردن تولدهای پیاپی در میان انواع شـیطانی حیـات هیچگـاه نمی‌توانند به من تقرب جویند. آنان تدریجاً به شوم‌ترین شرایط زندگی فرو می‌روند.**

## شرح

بر کسی پوشیده نیست که خداوند بخشنده کل است، اما در اینجا میبینیم که بخشندگی خداوند متعال هیچگاه شامل حال اشخاص شیطان‌صفت نمیگردد. این مطلب به روشنی بیان گردیده است که دیوسیرتان زندگی پس از زندگی در رحم دیوصفتان مشابه قرار داده می‌شوند و به علت دست نیافتن به لطف و رحمت حق تعالی، به مراتب هر چه پستتر فرو می‌روند تا سرانجام کالبدهای جسمانی همچون گربه، سگ و خوک کسب کنند. این نکته به روشنی بیان شده است که چنین شیطان‌صفتانی عملا در هیچیک از مراحل زندگی بعد، امکان دریافت رحمت خداوند را به دست نمی‌آورند. در وداها نیز آمده است که چنین اشخاصی تدریجاً تنزل می‌کنند تا مرحله‌ای که کالبد سگ یا خوک کسب کنند. در این صورت شاید این استدلال مطرح شود که چنانچه رحمت واسعه خداوند شامل حال این دیوصفتان نگردد، پس اطلاق صفت رحمان متعال برای خداوند چه مفهومی دارد. در پاسخ به این سؤال، در ودانتا ـ سوترا میبابیم که حق تعالی نسبت به هیچکس نفرت نمی‌ورزد، بلکه قرار دادن آسوراها یا شیطان‌صفتان در پستترین مراتب حیات نیز چهره دیگری از لطف و رحمت اوست. گاهی اوقات آسوراها به‌وسیله خداوند متعال کشته می‌شوند، اما این هلاکت نیز برای آنان مطلوب است، زیرا در ادبیات ودایی میبابیم که هر کس به دست خداوند متعال کشته شود رهایی میبابد و رستگار میشود. در تاریخ به نمونه‌های بسیاری از آسوراها همچون راوانا، کامسا و هیرانیاکاشیپو برمی‌خوریم که خداوند صرفاً به منظور از بین بردن آنها، به صورت ظهورات مختلف، در مقابلشان ظاهر شد. بنابراین چنانچه آسوراها آنقدر خوشبخت باشند که به دست خداوند کشته شوند، لطف و رحمت خداوند بدین طریق شامل حال آنان میشود.

## آیه ۲۱

*tri-vidhaṁ narakasyedaṁ*
*dvāraṁ nāśanam ātmanaḥ*
*kāmaḥ krodhas tathā lobhas*
*tasmād etat trayaṁ tyajet*

*tri-vidham*: مربوط به سه نوع ـ *narakasya*: مربوط به جهنم ـ *idam*: این ـ *dvāram*: دروازه ـ *nāśanam*: مخرب ـ *ātmanaḥ*: مربوط به ذات ـ *kāmaḥ*: شهوت و آز ـ *krodhaḥ*: خشم ـ *tathā*: همچنین ـ *lobhaḥ*: حرص ـ *tasmāt*: بنابراین ـ *etat*: اینها ـ *trayam*: سه ـ *tyajet*: فرد باید رها کند.

## ترجمه

**شهوت، خشم و حرص سه دروازه‌ای است که به این جهنم منتهی می‌شود و هر انسان عاقلی باید آنها را رها کند، زیرا باعث تنزل روح می‌شوند.**

## شرح

آغاز زندگی شیطانی در اینجا توصیف شده است. انسان میکوشد شهوتش را ارضاء نماید، و هنگامی که نمیتواند، خشم و حرص پدید میآید. انسان عاقلی که نمیخواهد در گرداب انواع شیطانی حیات سرنگون شود باید بکوشد از اسارت این سه دشمن رهایی یابد. چرا که اینها میتوانند ذات را به آنچنان هلاکتی برسانند که دیگر هیچ گونه امکان رهایی از این اسارت مادی وجود نداشته باشد.

## آیه ۲۲

*etair vimuktaḥ kaunteya*
*tamo-dvārais tribhir naraḥ*

*ācaraty ātmanaḥ śreyas*
*tato yāti parāṁ gatim*

*etaiḥ*: از اینها ـ *vimuktaḥ*: رها میشود ـ *kaunteya*: ای پسر کونتی ـ *tamaḥ-dvāraiḥ*: ازدروازه‌های جهل ـ *tribhiḥ*: مربوط به سه نوع ـ *naraḥ*: شخص ـ *ācarati*: انجام میدهد ـ *ātmanaḥ*: برای ذات ـ *śreyaḥ*: برکت ـ *tataḥ*: پس از آن ـ *yāti*: میرود ـ *parām*: به والا و متعال ـ *gatim*: مقصد.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، کسی که از این سه دروازهٔ جهنم گریخته است، اعمالی را که برای خودشناسی سودمند است انجام می‌دهد و بدین‌سان تدریجاً به مقصد متعال می‌رسد.**

## شرح

انسان باید بسیار مراقب این سه دشمن حیات بشری یعنی شهوت، خشم و حرص باشد. هر قدر انسان بیشتر از شهوت، خشم و حرص آزاد شود، وجودش پاکتر میگردد. آنگاه میتواند از قواعد و قوانین تجویزشده در متون مقدس ودایی پیروی نماید. با پیروی از اصول تنظیم‌کننده زندگی انسانی، شخص تدریجاً خود را به سطح ادراک روحانی ارتقاء میدهد. اگر انسان آنقدر خوشبخت باشد که با چنین تلاشی به سطح کریشنا آگاهی ارتقاء یابد، آنگاه موفقیت برای او تضمین شده است. در ادبیات ودایی، برای رسیدن به مرحله پاکسازی و تزکیه راههای عمل و عکسالعمل توصیه شده است. اساس روش مبتنی بر ترک شهوت، حرص و خشم است که انسان با کسب شناخت این روش، میتواند به بالاترین مرتبه خودشناسی که در خدمت عابدانه کامل میشود، ارتقاء یابد. در آن خدمت عابدانه، رهایی روح مقید تضمین شده است. بنابراین، بر اساس طریقت ودایی، ساختار نظام اجتماعی بر اساس چهار طبقه و چهار مرحله زندگی، سازمان یافته است که طبقات چهارگانه اجتماعی و مراحل چهارگانه زندگی روحانی خوانده میشود. هر یک از طبقات اجتماعی یا تقسیمات مراحل زندگی قواعد و قوانین خاص خود را دارد، که چنانچه انسان قادر باشد از آنها پیروی نماید، خود به خود به بالاترین سطح معرفت روحانی ارتقاء خواهد یافت. آنگاه بدون تردید میتواند رهایی یابد.

## آیه ۲۳

*yaḥ śāstra-vidhim utsṛjya*
*vartate kāma-kārataḥ*
*na sa siddhim avāpnoti*
*na sukhaṁ na parāṁ gatim*

*yaḥ*: هر کسی که ـ *śāstra-vidhim*: قواعد کتب مقدس ـ *utsṛjya*: رها نمودن ـ *vartate*: باقی می‌ماند ـ *kāma-kārataḥ*: عمل کردن از روی هوی و هوس در شهوت ـ *na*: هیچگاه ـ *saḥ*: او ـ *siddhim*: کمال ـ *avāpnoti*: دست می‌یابد ـ *na*: هرگز ـ *sukham*: شادی و خوشبختی ـ *na*: هیچگاه ـ *parām*: والا و متعال ـ *gatim*: مرحله کمال.

## ترجمه

**اما کسی که قواعد و قوانین کتب مقدس را کنار می‌گذارد تا طبق هوی و هوس خود عمل نماید، نه به کمال میرسد، نه به خوشبختی و نه به مقصد متعال.**

## شرح

همان گونه که قبلا توصیف شد، شاسترا ـ ویدهی یا هدایت شاسترا اختصاص به طبقات چهارگانه اجتماع و مراحل چهارگانه زندگی دارد. بر همه واجب است که از این قواعد و قوانین پیروی نمایند. چنانچه کسی از آنها تبعیت نکند و از روی هوی و هوس طبق شهوت، حرص و میل خود عمل کند، هیچگاه در زندگیش به کمال نخواهد رسید. به عبارت دیگر، ممکن است کسی کلیه این موارد را از دیدگاه نظری و تئوری بداند، لیکن چنانچه آنها را در زندگی خود به کار نبندد، آنگاه باید در زمره پست‌ترین انسانها شناخته شود. از موجود زنده در شکل انسانی حیات انتظار میرود که عاقل باشد و از قوانینی که به منظور ارتقای زندگی او به بالاترین سطح در اختیارش گذاشته شده پیروی نماید، چرا که در صورت عدم پیروی خود را دچار انحطاط و ذلت میکند. با این وصف، چنانچه حتی شخص با تبعیت از قواعد و قوانین و اصول اخلاقی، در نهایت امر به مرحله درک خداوند متعال نرسد، آنگاه تمام دانش او بیهوده بوده است. و چنانچه حتی شخص وجود خداوند را بپذیرد، ولی خود را وقف خدمت و طاعت او نسازد تلاشهایش بینتیجه و ضایع بوده است. بدین سبب انسان باید خود را تدریجاً به سطح کریشنا آگاهی و خدمت عابدانه ارتقاء دهد؛ فقط در این هنگام و در اینصورت است که او میتواند به بالاترین مرحله کمال نائل گردد.

واژه کاما ـ کاراتا بسیار حائز اهمیت است. کسی که آگاهانه از قوانین تخطی مینماید، در شهوت عمل میکند. او میداند که کار خاصی منع شده است لیکن بدان مبادرت میورزد، و یا کار خاص دیگری باید انجام گردد ولی با اینهمه آن را انجام نمیدهد: این را عمل کردن از روی هوی و هوس می‌خوانند؛ بنابراین او شخصی پیرو هوی و هوس خوانده میشود. مقدر است که چنین اشخاصی از طرف خداوند متعال محکوم شوند و نتوانند به کمال منظور شده حیات انسانی نائل گردند. فرصت گرانبهای زندگی بشری، بالاخص به منظور تهذیب نفس یا پاکسازی وجود انسان در اختیار او گذاشته شده است، و کسی که از قواعد و قوانین پیروی ننماید، نه قادر است وجود خویش را تزکیه کند و نه میتواند به مرحله حقیقی خوشبختی برسد.

## آیه ۲۴

*tasmāc chāstraṁ pramāṇaṁ te*
*kāryākārya-vyavasthitau*
*jñātvā śāstra-vidhānoktaṁ*
*karma kartum ihārhasi*

*tasmāt*: بنابراین ـ *śāstram*: کتب مقدس ـ *pramāṇam*: گواه، دلیل ـ *te*: مال تو، ت ـ *kārya*: وظیفه، تکلیف ـ *akārya*: و فعالیتهای منع شده ـ *vyavasthitau*: در تعیین، در تشخیص ـ *jñātvā*: دانستن، شناختن ـ *śāstra*: مربوط به کتاب مقدس ـ *vidhāna*: قواعد ـ *uktam*: همان گونه که اعلام شده ـ *karma*: کار ـ *kartum*: انجام دهی ـ *iha*: در این جهان ـ *arhasi*: تو باید.

## ترجمه

**بنابراین انسان باید از طریق قوانین کتب مقدس درک نماید که وظیفه چیست و غیر وظیفه کدام است. انسان باید با شناخت چنین قواعد و قوانینی عمل کند تا بتواند تدریجاً ارتقاء یابد.**

## شرح

همان گونه که در فصل پانزدهم بیان گردید، کلیه قواعد و قوانین وداها به منظور شناخت کریشناست. چنانچه کسی کریشنا را از طریق بهاگاواد–گیتا درک نماید، و با اشتغال به خدمت عابدانه در آگاهی به کریشنا قرار گیرد، به بالاترین کمال دانش که

متون مقدس ودایی ارائه میدهند رسیده است. خداوند چیتانیا ماهاپرابهو این روش را بسیار ساده نمود: او از مردم خواست که فقط به ذکر اسماء مقدس خداوند – هاره کریشنا، هاره کریشنا کریشنا کریشنا، هاره هاره/ هاره راما، هاره راما، راما راما، هاره هاره – بپردازند، مشغول خدمت عابدانه خداوند شوند و باقیمانده خوراکی را که به پیشگاه خداوند تقدیم شده است تناول کنند. باید دانست کسی که مستقیماً مشغول انجام کلیه این فعالیتهای عابدانه باشد، گویی تمام ادبیات ودایی را مطالعه نموده و کاملا به نتیجه‌گیری درست آنها رسیده است. البته برای اشخاص عادی که در کریشنا آگاهی و مشغول خدمت عابدانه نیستند، تصمیم اینکه چه چیزی باید انجام و چه چیزی نباید انجام شود، در چارچوب احکام وداها تعیین میگردد. انسان باید بدون جر و بحث بر اساس این احکام عمل کند. این امر پیروی از اصول شاسترا (کتاب مقدس) خوانده میشود. شاسترا فاقد چهار نقص اصلی موجود در ارواح مقید است که عبارتند از: داشتن حواس ناقص، تمایل به فریب دادن، قطعیت در ارتکاب اشتباه، و قطعیت در متوهم شدن. وجود این چهار نقص اصلی در روح اسیر مادیات باعث سلب صلاحیت از او در زمینه پیشنهاد قواعد و قوانین میگردد. بدین لحاظ، قواعد و قوانین توصیه شده در شاسترا که ورای چنین نقصهایی است، بدون تغییر و تبدیل از طرف مقدسان بزرگ، آچاریاها و ارواح بزرگ پذیرفته میشود.

در هندوستان گروههای بسیاری با شناختهای روحانی وجود دارند که عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند: بی‌هویت‌گرایان و هویت‌گرایان که پیروان هر دوی آنان طبق اصول وداها زندگی می‌کنند. انسان بدون پیروی از اصول کتب مقدس نمیتواند خود را به مرحله کمال ارتقاء دهد. بنابراین، کسیکه واقعاً مفهوم شاستراها را درک کند، خوشبخت محسوب میشود.

در جامعه بشری، اکراه و انحراف از اصولی که به منظور درک شخصیت متعال خداوند وضع شده است علت تمامی سقوط‌هاست. این بالاترین توهین و بیحرمتی در زندگی انسان محسوب میشود که به تبع آن، مایا یعنی انرژی مادی شخصیت اعلای خداوند، همواره به صورت رنجهای سه‌گانه او را آزار میدهد. این انرژی از سه گونهٔ طبیعت مادی تشکیل شده است، لذا انسان باید حداقل خود رابه گونهٔ نیکی ارتقاء دهد تا راه معرفت خداوند متعال باز شود، وگرنه در گونههای جهل و شهوت که علت زندگی دیوصفتانه است باقی میماند. آنان که در گونههای شهوت و جهل هستند، کتب مقدس را به باد تمسخر میگیرند، مردان مقدس را استهزاء می‌کنند و درک صحیح از شخصیت اعلای خداوند را مسخره مینمایند. این افراد از تعالیم پیر روحانی سرپیچی می‌کنند و توجهی به قوانین کتب مقدس ندارند. آنان با وجود شنیدن درباره شکوه و عظمت خدمت عابدانه جلب آن نمی‌شوند. در نتیجه راههایی برای رسیدن به کمال برای خودشان ابداع و از آنها پیروی می‌کنند. اینها برخی از نقایص موجود در جامعه انسانی است که فرد را به مراتب شیطانی حیات سوق میدهد. اما اگر کسی از موهبت هدایت یک پیر روحانی حقیقی معتبر و موثق برخوردار گردد – شخصی که قادر باشد انسان را در راه ارتقاء به مراتب بالاتر هدایت نماید – آنگاه زندگی وی قرین موفقیت میگردد.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل شانزدهم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "طبایع الهی و اهریمنی" پایان مییابد.

# فصل هفدهم

# انواع ایمان

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*ye śāstra-vidhim utsṛjya*
*yajante śraddhayānvitāḥ*
*teṣāṁ niṣṭhā tu kā kṛṣṇa*
*sattvam āho rajas tamaḥ*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *ye*: آن کسانی که ـ *śāstra-vidhim*: قواعد کتاب مقدس ـ *utsṛjya*: رها کردن ـ *yajante*: پرستش می‌کنند ـ *śraddhayā*: ایمان کامل ـ *anvitāḥ*: سرشار از ـ *teṣām*: مربوط به آنها ـ *niṣṭhā*: ایمان ـ *tu*: اما ـ *kā*: چیست ـ *kṛṣṇa*: ای کریشنا ـ *sattvam*: درنیکی ـ *āho*: یا دیگر ـ *rajaḥ*: در شهوت ـ *tamaḥ*: در جهل.

## ترجمه

**آرجونا سؤال نمود: ای کریشنا، وضع آن کسانی که از اصول کتب مقدس پیروی نمی‌کنند، بلکه طبق تصور خویش پرستش می‌نمایند چیست آنها در چه گونه‌ای‌اند، نیکی، شهوت و یا جهل**

## شرح

در آیه سی و نهم فصل چهارم بیان گردید شخصی که به نوع خاصی از پرستش ایمان دارد تدریجاًبه مرحله دانش ارتقاء پیدا می‌کند و به بالاترین مرحله کمال آرامش و موفقیت می‌رسد. در فصل‌شانزدهم نتیجه‌گیری شد کسی که از اصول مدون در کتب مقدس پیروی ننماید، آسورا یاشیطان‌صفت خوانده می‌شود، و کسی که با ایمان به احکام کتب مقدس پایبند است و از آنها تبعیت‌می‌کند یک دوا یا فرشته خوانده می‌شود. اکنون، چنانچه کسی، قوانینی را که در دستورات کتب‌مقدس از آن ذکری به میان نیامده است با ایمان پیروی نماید، وضعش چیست حال کریشنا باید این‌شک آرجونا را برطرف نماید. کسانی که با انتخاب یک انسان و ایمان آوردن به او، نوعی خدا ایجادمی‌کنند، پرستش آنها در کدامیک از گونه‌های نیکی، شهوت و جهل قرار دارد آیا چنین اشخاصی به‌مرحله کمال حیات انسانی می‌رسند آیا برای آنان امکان دارد که به دانش دست یابند و خود را به‌بالاترین مرحله کمال ارتقاء دهند آیا آنهایی که از قواعد و قوانین کتب مقدس تبعیت نمی‌کنند ولی‌به چیزی ایمان دارند و خدایان و فرشتگان و انسانها را می‌پرستند، در کوششهای خود به موفقیت‌نائل می‌گردند آرجونا این سؤالات را در برابر کریشنا مطرح می‌کند.

## آیه ۲

*śrī-bhagavān uvāca*

*tri-vidhā bhavati śraddhā*
*dehināṁ sā svabhāva-jā*
*sāttvikī rājasī caiva*
*tāmasī ceti tāṁ śṛṇu*

*śrī-bhagavān uvāca*: شخصیت اعلای خداوند فرمود ـ *tri-vidhā*: مربوط به سه نوع ـ *bhavati*: می‌شود ـ *śraddhā*: ایمان ـ *dehinām*: مربوط به آن که کالبد گرفته ـ *sā*: آن ـ *sva-bhāva-jā*: طبق گونه خاصش در طبیعت مادی ـ *sāttvikī*: در گونهٔ نیکی ـ *rājasī*: در گونه‌شهوت ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *tāmasī*: در گونهٔ جهل ـ *ca*: و ـ *iti*: بدین‌سان ـ *tām*: آن ـ *śṛṇu*: بشنو از من.

## ترجمه

**شخصیت اعلای خداوند فرمود: بر اساس گونه‌هایی که روح قالب‌گرفته از طبیعت کسب کرده است، ایمان شخص می‌تواند بر سه قسم باشد: در نیکی، در شهوت و یا در جهل. اکنون در این باره بشنو.**

## شرح

آنان که به قواعد و قوانین کتب مقدس واقفند، اما به علت تنبلی و سستی از آن پیروی نمی‌کنند،تحت سلطه و سیطره گونه‌های طبیعت مادی قرار دارند. آنان طبق اعمال پیشین خود در گونه‌های‌نیکی، شهوت و یا جهل، طبعی را با صفات و ویژگیهای خاص خودش کسب می‌کنند. باید در نظرداشت که موجود زنده به محض تماس با طبیعت مادی در چنگال گونه‌های مختلف طبیعت گرفتارمی‌شود و این امر به طور ابدی ادامه داشته است. بدین‌سان او طرز تفکر خاصی را طبق معاشرت وتماس با طبایع سه گانه مادی و تحت نفوذ هر یک از آنها به دست می‌آورد. اما چنانچه انسان با یک‌پیر روحانی حقیقی معاشرت نماید و طبق قوانین او و کتب مقدس عمل نماید می‌تواند این طبع راتغییر دهد و تدریجاً موقعیت خود را از گونهٔ جهل به گونهٔ نیکی یا از گونهٔ شهوت به گونهٔ نیکی ارتقاءدهد. نتیجه آن است که ایمان کورکورانه در گونه خاصی از طبیعت نمی‌تواند به شخص کمک کند که‌به کمال برسد. انسان باید موضوعات را با دقت و هوش و خرد و در معاشرت با یک پیر روحانی‌باصلاحیت مورد توجه قرار دهد. بدین ترتیب است که انسان می‌تواند موقعیت خود را به گونه‌بالاتری از طبیعت تغییر دهد.

## آیه ۳

*sattvānurūpā sarvasya*
*śraddhā bhavati bhārata*
*śraddhā-mayo 'yaṁ puruṣo*
*yo yac-chraddhaḥ sa eva saḥ*

*sattva-anurūpā*: بر اساس موجودیت ـ *sarvasya*: مربوط به هر کس ـ *śraddhā*: ایمان ـ *bhavati*: می‌شود ـ *bhārata*: ای فرزند بهاراتا ـ *śraddhā*: ایمان ـ *mayaḥ*: مملو از ـ *ayam*: این ـ *puruṣaḥ*: موجود زنده ـ *yaḥ*: که، کسی که ـ *yat*: که با داشتن ـ *śraddhaḥ*: ایمان ـ *saḥ*: بدین‌سان ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *saḥ*: او.

## ترجمه

**ای پسر بهاراتا، انسان بر اساس موجودیت خود، تحت تأثیر گونه‌های مختلف طبیعت، نوع‌خاصی ایمان را پرورش می‌دهد. گفته می‌شود موجود زنده طبق گونه‌هایی که کسب کرده صاحب ایمان بخصوصی است.**

## شرح

هر فرد، صرف نظر از موقعیت و وضعیتش، دارای نوع خاصی ایمان است که طبق سرشتی که از طبیعت کسب کرده است، نیک، شهوانی یا جاهلانه خوانده می‌شود. بدین‌سان، انسان طبق ایمان بخصوصش با اشخاص بخصوصی معاشرت می‌نماید. با این حال، همان گونه که در فصل پانزدهم بیان گردید، حقیقت امر این است که هر موجود زنده در اصل جزء و ذره‌ای لاینفک از خداوند متعال می‌باشد و از نظر فطری و ذاتی در ورای تمامی این گونه‌ای طبیعت مادی قرار دارد؛ اما هنگامی که رابطه‌اش را با شخصیت متعال خداوند فراموش می‌کند و در تماس با طبیعت مادی به زندگی مقید پا می‌نهد، موقعیت خاص خود را از طریق تماس با تنوعات مختلف موجود در طبیعت مادی ایجاد می‌کند. ایمان و نحوه زندگی تصنعی حاصل از موقعیت مذکور فقط در چهارچوب دیدگاه مادی می‌گنجد. پس باید در نظر داشت که هرچند رفتار و کردار انسان به‌وسیله تصور یا درکی که از زندگی دارد هدایت می‌شود، با این وصف او ذاتاً و فطرتاً نیرگونا یا متعال و روحانی است. بنابراین شخص باید از تمامی آلودگیها و آلایشهای مادی کسب شده پاک و تطهیر شود تا رابطه جاودانش را با خداوند متعال مجدداً به دست آورد. این راه یعنی کریشنا آگاهی، تنها راه بازگشت فارغ از ترس است و قرار گرفتن در آن ارتقاء به کمال را برای فرد تضمین می‌کند. ولی چنانچه انسان این راه خودشناسی را در پیش نگیرد، قطعاً تحت تأثیر گونه‌های طبیعت رفتار خواهد نمود.

واژه شرادها یا "ایمان" در این آیه بسیار اهمیت دارد. شرادها در اصل از گونهٔ نیکی نشأت می‌گیرد. انسان ممکن است به فرشته، خدایی ساختگی و یا ساخته‌های ذهنی خود ایمان داشته باشد، لیکن باید دانست ایمان قوی شخص حاصل اعمال در گونهٔ نیکی است. اما در زندگی مقید مادی، هیچ گونه عملی کاملا پاک و خالص نیست؛ رنگی از هر سه گونه را در خود دارد و در نیکی خالص نیست. نیکی پاک و خالص، متعال و روحانی است؛ در نیکی خالص است که انسان می‌تواند سرشت حقیقی شخصیت متعال خداوند را درک نماید. مادامی که ایمان انسان کاملا در نیکی خالص قرار نگرفته باشد، هرآینه در معرض آلودگی با هر یک از گونه‌های طبیعت مادی که تا قلب انسان رسوخ می‌کنند قرار دارد. بنابراین ایمان انسان بر اساس وضعیت قلب او که در تماس با گونه خاصی از طبیعت مادی قرار دارد مشخص می‌شود. باید دانست چنانچه قلب انسان در گونهٔ نیکی باشد ایمان او نیز در همان گونه است، چنانچه قلبش در طبع شهوت باشد ایمانش نیز در طبع شهوت است و چنانچه قلبش در گونه تاریکی و توهم باشد ایمانش نیز آلوده است. بدین ترتیب است که ما در جهان انواع مختلف ایمان را می‌یابیم و به علت این تنوع ایمان انواع مختلف مذهب وجود دارد. اصل حقیقی ایمان مذهبی در گونهٔ نیکی خالص نهفته است، لیکن چون قلب آغشته به آلودگیهای مادی است، اصول مذهبی گوناگون و به تبع آن انواع مختلف پرستش به وجود می‌آید.

## آیه ۴

*yajante sāttvikā devān*
*yakṣa-rakṣāṁsi rājasāḥ*
*pretān bhūta-gaṇāṁś cānye*
*yajante tāmasā janāḥ*

*yajante*: پرستش می‌کنند ـ *sāttvikāḥ*: آن کسانی که در گونهٔ نیکی هستند ـ *devān*: فرشتگان، خداوندگاران ـ *yakṣa-rakṣāṁsi*: دیوان ـ *rājasāḥ*: آنان که در گونهٔ شهوت هستند ـ *pretān*: ارواح‌مردگان ـ *bhūta-gaṇān*: اشباح ـ *ca*: و ـ *anye*: دیگران ـ *yajante*: پرستش می‌کنند ـ *tāmasāḥ*: در گونهٔ جهل ـ *janāḥ*: مردم.

## ترجمه

**آنان که در طبع نیکی هستند فرشتگان، آنان که در طبع شهوت هستند دیوان، و آنـان کـه در طبـع جهـل هستند اشباح و ارواح را می‌پرستند.**

## شرح

در آیه حاضر، شخصیت اعلای خداوند انواع مختلف پرستش‌کنندگان را بر اساس فعالیتهای ظاهری آنان توصیف می‌کند. طبق دستور کتب مقدس، فقط شخصیت متعال خداوند قابل پرستش است، اما کسانی که اطلاعی از دستورات کتب مقدس ندارند یا چندان با ایمان نیستند، چیزهای مختلف را بر اساس موقعیتهای بخصوصشان در گونه‌های طبیعت مادی می‌پرستند. کسانی که در گونهٔ نیکی قرار دارند عموماً فرشتگانی را نظیر برهما و شیوا می‌پرستند و فرشتگان دیگر نظیر ایندرا، چاندرا و خداوندگار خورشید؛ اینان فرشته خاصی را برای هدف بخصوصی پرستش می‌کنند. مشابهاً، آنان که در گونهٔ شهوت هستند شیطان‌صفتان را می‌پرستند. ما به خاطر می‌آوریم که در جنگ دوم جهانی، مردی در کلکته هیتلر را می‌پرستید، زیرا به برکت آن جنگ او توانسته بود ثروت هنگفتی را در معاملات بازار سیاره به چنگ آورد. به همین ترتیب، آنان که در گونهٔ شهوت و جهل‌اند عموماً شخص قدرتمندی را به عنوان خدا برمی‌گزینند. آنان می‌پندارند می‌توان هر کسی را به عنوان خدا پرستید و نتیجه واحدی را عاید خود کرد، بی‌آنکه ثمرات این پرستش فرقی بکند.

اکنون در این آیه به وضوح توصیف شده است که اشخاصی که در طبع شهوت هستند، چنین خدایانی را می‌آفرینند و می‌پرستند، و آنان که در گونهٔ جهل یا تاریکی قرار دارند مردگان و ارواح را می‌پرستند. گاهی اوقات مردم در کنار قبر بعضی اشخاص مرده به پرستش آنها مبادرت می‌ورزند. در گونهٔ جهل یا ظلمت و تاریکی، پرستش رابطه جنسی نیز محلی برای خود دارد. همین طور، در روستاهای دورافتاده هندوستان به پرستش‌کنندگان اشباح نیز برمی‌خوریم. ما در هندوستان دیده‌ایم که مردم طبقات پایین گاهی به جنگل می‌روند تا درختی را که روحی در آن ساکن شده است پرستش کنند و قربانی تقدیم نمایند. این انواع مختلف پرستش را نمی‌توان پرستش خداوند به حساب آورد. پرستش خداوند قسمت کسانی است که به طرز روحانی در نیکی خالص واقع شده‌اند. در شریماد- بهاگاواتام (۲۳/۳/۴) گفته شده است:-*sattvaṁ viśuddhaṁ vasudeva-śabditam*:"وقتی کسی در نیکی خالص واقع شده باشد واسودوا را می‌پرستد." این بدان مفهوم است که آنان که کاملا از گونه‌های مادی طبیعت پاک شده‌اند و در موقعیت متعال و روحانی قرار گرفته‌اند می‌توانند شخصیت اعلای خداوند را بپرستند.

بی‌هویت‌گرایان که فرض بر آن است که در گونهٔ نیکی قرار دارند پنج نوع خداوندگار را می‌پرستند. آنان ویشنوی فاقد شخصیت یا فرم ویشنو در دنیای مادی را که به نام "ویشنوی فلسفی شده" معروف است می‌پرستند. ویشنو بسط شخصیت متعال خداوند است، اما بی‌هویت‌گرایان چون در نهایت به شخصیت مطلق الهی ایمان ندارند، می‌پندارند که شکل ویشنو فقط وجه دیگری از برهمن فاقد شخصیت است؛ مشابهاً آنان تصور می‌کنند که خداوندگار برهما فرم فاقد شخصیت در گونه مادی شهوت است. بدین‌سان آنان بعضی اوقات پنج نوع خدای قابل پرستش را توصیف می‌کنند، اما چون تصور می‌کند که حقیقت محض، همان برهمن فاقد شخصیت است، در نهایت امر همه موضوعات قابل پرستش را کنار می‌گذارند. در پایان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که صفات و خصائل مختلف ناشی از گونه‌های مادی طبیعت را جز با معاشرت و همنشینی با اشخاصی که در ورای این گونه‌ها قرار گرفته‌اند و از طبیعت متعال و روحانی برخوردار شده‌اند نمی‌توان پاک نمود.

## آیات ۶-۵

*aśāstra-vihitaṁ ghoraṁ*
*tapyante ye tapo janāḥ*

*dambhāhaṅkāra-saṁyuktāḥ*
*kāma-rāga-balānvitāḥ*

*karṣayantaḥ śarīra-sthaṁ*
*bhūta-grāmam acetasaḥ*
*māṁ caivāntaḥ śarīra-sthaṁ*
*tān viddhy āsura-niścayān*

*aśāstra*: ذکر نشده در کتب مقدس ـ *vihitam*: هدایت شده ـ *ghoram*: مضر برای دیگران ـ *tapyante*: متحمل می‌گردند ـ *ye*: آن کسانی که ـ *tapaḥ*: ریاضتها ـ *janāḥ*: اشخاص ـ *dambha*: با غرور ـ *ahaṅkāra*: و منیت ـ *saṁyuktāḥ*: مشغول شده ـ *kāma*: مربوط به شهوت و آز ـ *rāga*: و دلبستگی ـ *bala*: با قدرت ـ *anvitāḥ*: وادار شده ـ *karṣayantaḥ*: رنج دادن، عذاب دادن ـ*śarīra-stham*: واقع در بدن ـ *bhūta-grāmam*: ترکیب عناصر مادی ـ *acetasaḥ*: داشتن ذهنیت گمراه ـ *mām*: به من، مرا ـ *ca*: همچنین ـ *eva*: حتماً، محققاً ـ *antaḥ*: درون ـ *śarīra-stham*: واقع در بدن ـ *tān* : به آنها، آنها را ـ *viddhi* : درک کن ـ *āsura-niścayān*: دیوان، شیطان‌صفتان.

## ترجمه

**کسانی که از روی غرور و منیّت و با انگیزهٔ شهوت و دلبستگی متحمل ریاضتها و توبه‌های سختی می‌گردند که در کتب مقدس توصیه نشده است و از سر نادانی، اعضای بدن خویش و همچنین روح متعالِ واقع در درون را شکنجه می‌دهند، باید به عنوان شیطان‌صفت شناخته شوند.**

## شرح

کسانی وجود دارند که شیوه‌های گوناگونی از کف نفس و ریاضت را که در دستورات کتب مقدس ذکر نشده است از خود ابداع می‌کنند. برای مثال، روزه گرفتن به منظور هدفی مادی، همچون ترویج هدفی کاملا سیاسی، در تعالیم کتب مقدس ذکر نشده است. کتب مقدس روزه را برای پیشرفت روحانی توصیه می‌نمایند و نه به منظور اهداف سیاسی یا اجتماعی. اشخاصی که متحمل چنین ریاضتهایی می‌گردند از دیدگاه بهاگاواد–گیتا واقعاً اشخاص شیطان‌صفت یا خدانشناس محسوب می‌شوند. اعمال آنان برخلاف احکام کتب مقدس است و به طور کلی برای بشریت سودمند نیست. در واقع، آنان از روی غرور، منیت کاذب، شهوت و دلبستگی برای لذات مادی عمل می‌کنند. با چنین اعمالی، نه تنها نظام عناصر مادیی که بدن از آنها ساخته شده است دچار اختلال می‌شود بلکه خود شخصیت متعال خداوند که درون بدن زیست می‌کند نیز ناراضی می‌گردد. چنین روزه‌ها و یا ریاضتهای غیر معتبر و فاقد مرجعیت که برای هدفی سیاسی صورت می‌گیرد مسلماً برای دیگران نیز ناراحت‌کننده است. ممکن است شخص شیطان‌صفت گمان کند که با استفاده از این شیوه می‌تواند دشمنان یا دیگران را به موافقت با خواسته‌های خود وادار سازد، اما چنین روزه‌هایی می‌تواند شخصی را به سوی مرگ سوق دهد. این اعمال از طرف شخصیت اعلای خداوند تأیید نشده است و حق تعالی می‌فرماید کسانی که به چنین اعمالی مبادرت می‌ورزند شیطان‌صفت هستند. این گونه اعمال، نافرمانی از احکام کتب مقدس ودایی است و لذا توهین به شخصیت اعلای خداوند محسوب می‌شود. در این رابطه واژه آچتاسا اهمیت دارد. اشخاصی که ذهن سالمی دارند از دستورات کتب مقدس اطاعت می‌کنند، در حالی که کسانی که در چنین موقعیتی نیستند، نسبت به کتب مقدس بی‌توجه و نافرمان می‌باشند و طریقه ریاضت و توبه خود را ابداع می‌کنند. انسان باید همواره عاقبت دیوسیرتان را همان گونه که در فصل قبل توصیف شد به خاطر داشته باشد. خداوند آنان را وادار به تولد از رحم اشخاص دیوسیرت می‌سازد و در نتیجه آنان زندگی پس از زندگی با اصول شیطانی و بدون شناخت رابطه‌شان با شخصیت

متعال خداوند خواهند زیست. اما چنانچه آنان توفیق هدایت به سوی حکمت ودایی را از طریق یک پیر روحانی بیابند خواهند توانست از این اسارت مادی رها شوند و در نهایت به هدف متعال دست یابند.

## آیه ۷

*āhāras tv api sarvasya*
*tri-vidho bhavati priyaḥ*
*yajñas tapas tathā dānaṁ*
*teṣāṁ bhedam imaṁ śṛṇu*

*āhāraḥ* : خوردن ـ *tu* : حتماً، محققاً ـ *api* : همچنین ـ *sarvasya* : مربوط به هر کس ـ *tri-vidhaḥ* : از سه نوع ـ *bhavati* : وجود دارد ـ *priyaḥ* : عزیز، محبوب ـ *yajñaḥ* : قربانی ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *tathā* : همچنین ـ *dānam* : صدقه ـ *teṣām* : مربوط به آنها ـ *bhedam* : تفاوتها ـ *imam* : این ـ *śṛṇu* : بشنو.

## ترجمه

**حتی خوراکی که هر شخص برمی‌گزیند، بر اساس سه گونهٔ طبیعت مادی، بر سه نوع است. ایـن امـر در مورد قربانیها، ریاضتها و صدقات نیز صدق می‌کند. اینک به تفاوت بین آنها گوش فرا دار.**

## شرح

بر حسب موقعیتهای مختلف حاصل از گونه‌های طبیعت مادی، تفاوتهایی در چگونگی خوردن، انجام قربانیها، ریاضتها و صدقات وجود دارد. همه آنها در یک سطح انجام نمی‌شوند. کسانی که بتوانند از دیدگاه تحلیلی درک کنند که هر عملی در چه گونه‌ای از طبیعت مادی قرار دارد واقعاً خردمند می‌باشند، برخلاف کسانی که کلیه انواع قربانی، خوراک و یا صدقه را در یک سطح محسوب می‌نمایند و قادر به تشخیص و تمیز گوناگونی آنها نیستند. واعظان و مبلغانی وجود دارند که تبلیغ می‌کنند انسان می‌تواند هر کاری که مایل باشد انجام دهد و در عین حال به کمال نیز برسد. اما این راهنمایان ابله بر اساس تعالیم کتب مقدس رفتار نمی‌کنند و راههایی را از پیش خود ابداع می‌کنند و عموم مردم را به گمراهی می‌کشانند.

## آیه ۸

*āyuḥ-sattva-balārogya-*
*sukha-prīti-vivardhanāḥ*
*rasyāḥ snigdhāḥ sthirā hṛdyā*
*āhārāḥ sāttvika-priyāḥ*

*āyuḥ* : طول عمر ـ *sattva* : موجودیت ـ *bala* : نیرو، قدرت ـ *ārogya* : سلامتی ـ *sukha* : شادی و خوشبختی ـ *prīti* : و رضایت ـ *vivardhanāḥ* : افزایش دادن ـ *rasyāḥ* : آبدار ـ *snigdhāḥ* : چرب ـ *sthirāḥ* : پایدار ـ *hṛdyāḥ* : دلپذیر ـ *āhārāḥ* : خوراک ـ *sāttvika* : برای فردی که در گونهٔ نیکی است ـ *priyāḥ* : خوش‌طعم.

## ترجمه

**خوراکهای مورد علاقهٔ اشخاص گونهٔ نیکی باعث افزایش طول عمر می‌گردد، وجود انسان را تطهیر می‌کند و نیرو، سلامتی، شادی و رضایت به ارمغان می‌آورد. چنین خوراکهایی، آبدار، چرب، مغذی و خوش‌طعم و دلپذیرند.**

## آیه ۹

*kaṭv-amla-lavaṇāty-uṣṇa-*
*tīkṣṇa-rūkṣa-vidāhinaḥ*
*āhārā rājasasyeṣṭā*
*duḥkha-śokāmaya-pradāḥ*

*kaṭu* : تلخ ـ *amla* : ترش ـ *lavaṇa* : شور ـ *ati-uṣṇa* : خیلی داغ ـ *tīkṣṇa* : تند ـ *rūkṣa* : خشک ـ *vidāhinaḥ* : سوزان ـ *āhārāḥ* : خوراک ـ *rājasasya* : برای کسی که در گونهٔ شهوت است ـ *iṣṭāḥ* : مطبوع، لذیذ ـ *duḥkha* : درد، رنج ـ *śoka* : بدبختی ـ *āmaya* : بیماری ـ *pradāḥ* : باعث شدن.

## ترجمه

**اشخاصی که در گونهٔ شهوت‌اند به خوراکیهایی که بسیار تلخ و ترش، شور، داغ، تند، خشک و سوزان هستند علاقه دارند. چنین خوراکهایی باعث درد، ناراحتی و بیماری می‌گردند.**

## آیه ۱۰

*yāta-yāmaṁ gata-rasaṁ*
*pūti paryuṣitaṁ ca yat*
*ucchiṣṭam api cāmedhyaṁ*
*bhojanaṁ tāmasa-priyam*

*yāta-yāmam* : غذایی که سه ساعت از طبخ آن گذشته باشد و سپس خورده شود ـ *gata-rasam* : بی‌مزه ـ *pūti* : بدبو ـ *paryuṣitam* : فاسد ـ *ca* : همچنین ـ *yat* : آن که ـ *ucchiṣṭam* : باقیمانده خوراک دیگران ـ *api* : همچنین ـ *ca* : و ـ *amedhyam* : غیر قابل لمس ـ *bhojanam* : خوردن ـ *tāmasa* : برای کسی که در گونه تاریکی است ـ *priyam* : دوست داشتنی.

## ترجمه

**اشخاصی که در گونهٔ جهل هستند، خوراکی را که بیش از سه ساعت از پختن آن گذشته باشد، بی‌مزه، مانده و فاسد، پس‌ماندهٔ دیگران و ناپاک باشد، دوست دارند.**

## شرح

عملکرد خوراک، افزایش طول عمر، تزکیه فکر و کمک به نیروی بدنی است. این تنها منظور و مقصود از خوراک است. در زمانهای پیشین، مراجع بزرگ، خوراکهایی را برگزیدند که بهترین عامل سلامتی و باعث افزایش طول عمر انسان می‌گردد

مانند فرآورده‌های شیر، شکر، برنج، گندم، میوه‌جات و سبزیجات. این خوراکها باب طبع کسانی است که در گونهٔ نیکی می‌باشند. بعضی خوراکهای دیگر، مانند ذرت پخته و ملاس، هرچند خودشان زیاد خوش‌طعم نیستند، ولی با مخلوط کردن آنها با شیر و خوراکهای دیگری که در گونهٔ نیکی هستند، هم می‌توان آنها را خوشمزه نمود و هم آنها را وارد گونهٔ نیکی کرد. کلیه خوراکهای فوق‌الذکر طبیعتاً پاک هستند. آنها کاملا با خوراکیهای "غیر قابل لمس" یا ناپاک مانند گوشت و مشروب تفاوت دارند. خوراکهای چرب، همان گونه که در آیه هشتم ذکر شده است، هیچ گونه ربطی با چربی حیوانی که از طریق کشتار حیوانات به دست می‌آید ندارد. چربی حیوانی در شیر یافت می‌شود که عالی‌ترین نوع خوراک است. شیر، کره، پنیر و دیگر فرآورده‌های مشابه لبنی، چربی حیوانی را به صورتی در اختیار ما می‌گذارد که ما را از کشتن حیوانات معصوم بی‌نیاز می‌کند. فقط به علت طرز تفکر وحشیانه است که این کشتار و قصابی ادامه دارد. انسان متمدن چربی را از راه شیر کسب می‌کند، حال آنکه قصابی شیوه آگاهیهای مراتب دون انسانی است. پروتئینها نیز به اندازه کافی به صورت لپه، نخود، دال، گندم کامل و غیره در دسترس ما قرار دارد.

خوراکهایی در گونهٔ شهوت‌اند که تلخ، شور، داغ یا خیلی تند باشند. آنها به علت اینکه بلغم را در معده افزایش می‌دهند، باعث بیماری و درد و ناراحتی می‌شوند. خوراکهایی که در گونهٔ جهل یا تاریکی هستند اصولا آنهایی‌اند که چندان تازه نیستند. هر خوراکی که سه ساعت از پختن آن بگذرد (بجز پراسادام، یعنی خوراکی که به پیشگاه خداوند تقدیم می‌شود) در گونهٔ جهل محسوب می‌شود. چنین خوراکهایی چون در حال فاسد و تجزیه شدن هستند بوی بدی از خود منتشر می‌کنند و اغلب کسانی را که در گونهٔ جهل‌اند جلب می‌نمایند، لیکن برای آنان که در طبع نیکی هستند مشمئزکننده می‌باشند.

پس‌مانده خوراک را فقط در صورتی می‌توان خورد که قسمتی از خوراکی باشد که نخست به خداوند متعال تقدیم شده و یا به‌وسیله اشخاص مقدس بخصوص پیر روحانی خورده شده باشد. بجز این موارد، پس‌مانده‌های خوراک در گونه تاریکی محسوب می‌شوند و باعث انتشار عفونت و شیوع بیماری می‌گردند. چنین خوراکهایی، اگرچه برای اشخاصی که در گونه تاریکی‌اند بسیار خوش‌طعم می‌آید، لیکن آنان که در گونهٔ نیکی‌اند نه به آنها تمایل دارند و نه حتی به آن دست می‌زنند. بهترین خوراک عبارت است از باقیمانده خوراکی که به پیشگاه شخصیت متعال خداوند تقدیم شده است. خداوند متعال در بهاگاواد-گیتا می‌فرماید خوراکهای تهیه شده از سبزیجات، آرد و شیر را وقتی با عشق و عبودیت تقدیم شوند می‌پذیرد. *Patraṁ puṣpaṁ phalaṁ toyam* پاترام پوشپام پهالام تویام. البته برای خداوند، عشق و عبودیت مهمترین عنصر خوراکی است که به پیشگاه او تقدیم می‌شود. در ضمن قابل ذکر است که پراسادام باید به طریق خاصی آماده شود. هر خوراکی را که بر اساس دستورات کتب مقدس تهیه و به پیشگاه شخصیت متعال خداوند تقدیم شده باشد می‌توان حتی پس از مدتهای بسیار طولانی استفاده نمود، زیرا چنین خوراکی متعال و روحانی است. بنابراین، انسان برای آنکه خوراک را برای همه ضد عفونی، قابل تناول و خوش‌طعم سازد، باید آن را به شخصیت اعلای خداوند تقدیم نماید.

## آیه ۱۱

*aphalākāṅkṣibhir yajño*
*vidhi-diṣṭo ya ijyate*
*yaṣṭavyam eveti manaḥ*
*samādhāya sa sāttvikaḥ*

*aphala-ākāṅkṣibhiḥ* : به‌وسیله آن کسانی که عاری از خواسته برای ثمرند ـ *yajñaḥ* : قربانی ـ *vidhi-diṣṭaḥ* : بر اساس هدایت کتاب مقدس ـ *yaḥ* : که ـ *ijyate* : انجام می‌شود ـ *yaṣṭavyam* : باید انجام گردد ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *iti* : بدین‌سان ـ *manaḥ* : ذهن ـ *samādhāya* : ثابت بودن ـ *saḥ* : آن ـ *sāttvikaḥ* : در گونهٔ نیکی.

## ترجمه

**از میان قربانیها، آن قربانی که بر اساس قوانین کتب مقدس و به حکم وظیفه از سوی آنان که آرزوی هیچ گونه پاداش و اجری ندارند انجام می‌شود در گونهٔ نیکی است.**

## شرح

اصولا قربانی با منظور و مقصود خاصی از طرف عامه مردم انجام می‌شود، اما اینجا بیان شده است که قربانی باید کاملا عاری از هر گونه خواسته و به حکم وظیفه انجام گردد. برای مثال، انجام مراسم مذهبی در معابد یا کلیساها را در نظر بگیرید؛ عموماً آنها به منظور منافع مادی انجام می‌شوند، لیکن این طرز عمل یا قربانی در گونهٔ نیکی به شمار نمی‌آید. انسان باید به حکم وظیفه به معبد و کلیسا برود، به شخصیت متعال خداوند کرنش و ادای احترام نماید و گل و خوراکی تقدیم کند. همه تصور می‌کنند که رفتن به معبد فقط به منظور پرستش خداوند فایده‌ای در بر ندارد. حال آنکه پرستش برای کسب منافع مادی در کتب مقدس توصیه نشده است. انسان باید فقط برای بندگی و عبادت و ابراز احترام به خداوند به این اماکن برود. این طرز عمل، انسان را در گونهٔ نیکی قرار می‌دهد. این وظیفه هر انسان متمدنی است که از دستورات کتب مقدس اطاعت محض نماید و طوق بندگی و عبادت شخصیت متعال خداوند را بر گردن نهد.

## آیه ۱۲

*abhisandhāya tu phalaṁ*
*dambhārtham api caiva yat*
*ijyate bharata-śreṣṭha*
*taṁ yajñaṁ viddhi rājasam*

*abhisandhāya* : آرزومند بودن ـ *tu* : اما ـ *phalam* : نتیجه ـ *dambha* : کبر و غرور ـ *artham* : به خاطر ـ *api* : همچنین ـ *ca* : و ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *yat* : آن که ـ *ijyate* : انجام می‌شود ـ *bharata-śreṣṭha* : ای سرکرده بهاراتاها ـ *tam* : آن ـ *yajñam* : قربانی ـ *viddhi* : بدان ـ *rājasam* : درگونهٔ شهوت.

## ترجمه

**اما ای سرکردهٔ بهاراتاها، باید بدانی آن قربانی که به خاطر منافع مادی یا از روی غرور انجام شود در گونهٔ شهوت است.**

## شرح

گاهی اوقات قربانیها و مراسم و مناسک عبادی به منظور ارتقاء به سیارات بهشتی و یا برای کسب پاره‌ای منافع مادی در این دنیا صورت می‌گیرد. این گونه قربانیها یا شعائر مذهبی در گونهٔ شهوت محسوب می‌شود.

## آیه ۱۳

*vidhi-hīnam asṛṣṭānnaṁ*
*mantra-hīnam adakṣiṇam*
*śraddhā-virahitaṁ yajñaṁ*

*tāmasaṁ paricakṣate*

*vidhi-hīnam* : بدون هدایت کتب مقدس ـ *asṛṣṭa-annam* : بدون پخش پراسادام ـ *mantra-hīnam* : بدون ذکر سرودهای ودایی ـ *adakṣiṇam* : بدون هیچ گونه پاداشی به روحانیون ـ *śraddhā* : ایمان ـ *virahitam* : بدون ـ *yajñam* : قربانی ـ *tāmasam* : در گونهٔ جهل ـ *paricakṣate* : باید در نظر گرفته شود.

## ترجمه

**هر قربانی که بدون در نظر گرفتن دستورات کتب مقدس، بدون پخش پراسادام "غذای روحانی"، بدون ذکر مانتراهای ودایی، بدون پاداش به روحانیون و بدون ایمان انجام گردد، در گونهٔ جهل می‌باشد.**

## شرح

ایمان در گونه ظلمت یا جهل در واقع بی‌ایمانی است. گاهی اوقات مردم فقط برای کسب ثروت به پرستش فرشته‌ای می‌پردازند و سپس آن ثروت را برای تفریح و با نادیده گرفتن دستورات کتب مقدس خرج می‌کنند. این گونه نمایشهای تشریفاتی مذهبی فاقد اصالت است. آنها همگی در گونه تاریکی هستند و طرز فکری شیطانی به بار می‌آورند و برای جامعه انسانی فایده‌ای در بر ندارند.

## آیه ۱۴

*deva-dvija-guru-prājña-*
*pūjanaṁ śaucam ārjavam*
*brahmacaryam ahiṁsā ca*
*śārīraṁ tapa ucyate*

*deva* : مربوط به خداوند متعال ـ *dvija* : براهماناها ـ *guru* : پیر روحانی ـ *prājña* : و شخصیتهای قابل پرستش ـ *pūjanam* : پرستش، ستایش ـ *śaucam* : پاکی ـ *ārjavam* : سادگی ـ *brahmacaryam* : تجرد ـ *ahiṁsā* : عدم اعمال خشونت ـ *ca* : همچنین ـ *śārīram* : متعلق به بدن ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *ucyate* : گفته شده (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**ریاضت بدن شامل پرستش و ستایش خداوند متعال، براهماناها، پیر روحانی، و بزرگتران همچون پدر و مادر می‌باشد. بعلاوه پاکیزگی، سادگی، تجرد و عدم اعمال خشونت نیز در زمرهٔ ریاضتهای بدن محسوب می‌شوند.**

## شرح

خداوند متعال در اینجا انواع مختلف کف نفس و ریاضت را توضیح می‌فرماید. نخست به آموزش ریاضتها و توبه‌هایی که به‌وسیله بدن انجام می‌شود می‌پردازد. شخص باید به خداوند و فرشتگان، براهماناهای کامل و شایسته، پیر روحانی و بزرگانی نظیر پدر و مادر و یا هر شخصی که به متون ودایی آگاه است ادای احترام کند و یا بیاموزد که ابراز احترام کند. به اشخاص فوق باید احترامات شایسته و درخور هر یک از آنان گذارده شود. انسان باید بیاموزد که خود را از درون و برون پاک نماید و در رفتارش ساده باشد. او نباید به عملی که احکام کتب مقدس بر آن صحه نگذاشته‌اند، برای مثال داشتن رابطه جنسی نامشروع،

بپردازد، زیرا رابطه جنسی در کتب مقدس فقط در چهارچوب ازدواج تأیید شده است؛ این موضوع تجرد خوانده می‌شود. اینها توبه‌ها و ریاضتهای مربوط به بدن می‌باشد.

## آیه ۱۵

*anudvega-karaṁ vākyaṁ*
*satyaṁ priya-hitaṁ ca yat*
*svādhyāyābhyasanaṁ caiva*
*vāṅ-mayaṁ tapa ucyate*

*anudvega-karam* : آشفته نکردن، پریشان نساختن ـ *vākyam* : سخنان ـ *satyam*: راست و درست ـ *priya* : عزیز، محترم ـ *hitam* : سودمند ـ *ca* : همچنین ـ *yat* : که ـ *svādhyāya* : مربوط به مطالعه ودایی ـ *abhyasanam* : تمرین ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *vāk-mayam* : مربوطبه صدا ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *ucyate* : گفته شده (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**ریاضت کلام شامل ادای سخنانی است که راست، خوشایند و سودمند باشد و باعث نـاراحتی و آشـفتگی دیگران نگردد. بعلاوه خواندن مرتب و منظم متون مقدس ودایی نیز ریاضت کلام است.**

## شرح

انسان نباید به گونه‌ای سخن بگوید که فکر دیگران را آشفته و پریشان سازد. البته، وقتی معلم سخن می‌گوید، می‌تواند تمام حقیقتی را که برای آموزش شاگردانش لازم است ابراز دارد، ولی نباید با دیگران که در زمره شاگردانش نیستند – چنانچه باعث آشفتگی و پریشانی فکرشان می‌گردد – چنین سخن بگوید. این است ریاضت کلام. علاوه بر این، انسان نباید سخنان عبث و بیهوده بگوید. وقتی شخص در مجامع روحانی سخن می‌گوید باید بیاناتش به‌وسیله کتب مقدس تأیید شود. انسان باید بی‌درنگ از مرجعیت کتب مقدس در تأیید آنچه می‌گوید نقل قول نماید. در عین حال، چنین سخنانی باید دلپذیر و دلنشین باشند. با چنین گفتگوهایی، انسان می‌تواند بالاترین فایده را عاید سازد و جامعه انسانی را ارتقاء دهد. گستره نامحدودی از ادبیات ودایی وجود دارد که مطالعه آن برای هر فردی ضروری است. این مطالب تماماً مربوط به ریاضت کلام می‌شود.

## آیه ۱۶

*manaḥ-prasādaḥ saumyatvaṁ*
*maunam ātma-vinigrahaḥ*
*bhāva-saṁśuddhir ity etat*
*tapo mānasam ucyate*

*manaḥ-prasādaḥ* : رضایت ذهن ـ *saumyatvam* : فاقد دورویی بودن در مقابل دیگران ـ *maunam* : وقار و سنگینی ـ *ātma* : مربوط به ذات ـ *vinigrahaḥ* : کنترل ـ *bhāva* : مربوط به طبیعت شخص ـ *saṁśuddhiḥ* : پاکسازی، تزکیه ـ *iti* : بدین‌سان ـ *etat* : این ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *mānasam* : مربوط به ذهن ـ *ucyate* : گفته می‌شود (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**و رضایت، سادگی، وقار و سنگینی، تسلط بر نفس و تزکیهٔ خویشتن، ریاضتهای ذهن هستند.**

## شرح

ریاضت ذهن یعنی منفک ساختن آن از کامجویی. ذهن باید طوری تعلیم یابد و تربیت گردد که همواره در فکر نیکی به دیگران باشد. بهترین تعلیم و تربیت برای فکر، وقار و سنگینی است، یعنی شخص نباید هیچگاه از کریشنا آگاهی، خدا آگاهی، منحرف شود و باید همواره از کامجویی اجتناب کند. تهذیب نفس یا تزکیه خویشتن یعنی کریشنا آگاه یا خدا آگاه شدن. آرامش یا رضایت ذهن فقط هنگامی به دست می‌آید که آن را از افکار کامجویانه دور نموده باشیم. هرچه ما بیشتر به فکر لذات حسی یا کامجویی باشیم ذهن بیشتر ناراضی می‌گردد. در عصر حاضر، ما بدون لزوم فکر را به طرق مختلف کامجویی مشغول می‌کنیم، بدین جهت هیچ گونه امکانی برای رضایت ذهن پیش نمی‌آید. بهترین راه، معطوف ساختن ذهن به ادبیات ودایی است که مملو از داستانهای راضی‌کننده‌ای است که در پوراناها و ماهابهاراتا بیان گردیده‌اند. انسان می‌تواند با بهره‌گیری از این دانش معنوی به پاکی و خلوص دست یابد. ذهن باید عاری از دورویی و تزویر باشد و در فکر خیر و سعادت همه، این سادگی ذهن است. وقار و سنگینی یا سکوت یعنی مشغول کردن دائمی افکار خویش به خودشناسی؛ پس شخصی که در کریشنا آگاهی است همواره سکوت کامل را مراعات می‌نماید. تسلط بر ذهن یعنی منفک ساختن فکر از کامجویی یا لذات حواس. انسان باید رفتارش حاکی از راستی و خلوص باشد و به این طریق وجودش را پاک نماید. تمامی این تمرینات با هم تشکیل‌دهنده ریاضت در فعالیتهای ذهنی است.

## آیه ۱۷

*śraddhayā parayā taptaṁ*
*tapas tat tri-vidhaṁ naraiḥ*
*aphalākāṅkṣibhir yuktaiḥ*
*sāttvikaṁ paricakṣate*

*śraddhayā* : با ایمان ـ *parayā* : متعال، روحانی ـ *taptam* : اجرا شده ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *tat* : آن ـ *tri-vidham* : مربوط به سه نوع ـ *naraiḥ* : به‌وسیله انسانها ـ *aphala-ākāṅkṣibhiḥ* : که فاقدخواسته و آرزو برای نتیجه هستند ـ *yuktaiḥ* : مشغول شده ـ *sāttvikam* : در گونهٔ نیکی ـ *paricakṣate* : خوانده می‌شود.

## ترجمه

**این ریاضتهای سه‌گانه، که با ایمان روحانی به‌وسیلهٔ اشخاصی انجام می‌گردد که انتظار هیچ‌گونه منفعت مادی ندارند، بلکه فقط به خاطر رضایت خداوند متعال عمل می‌کنند، ریاضت در گونهٔ نیکی خوانده می‌شود.**

## آیه ۱۸

*satkāra-māna-pūjārthaṁ*
*tapo dambhena caiva yat*
*kriyate tad iha proktaṁ*
*rājasaṁ calam adhruvam*

*sat-kāra* : احترام ـ *māna* : افتخار ـ *pūjā* : ستایش و پرستش ـ *artham* : به خاطر ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *dambhena* : با غرور ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *yat* : که ـ *kriyate* : انجام می‌شود ـ *tat* : آن ـ *iha* : در این جهان ـ *proktam* : گفته می‌شود ـ *rājasam* : در گونهٔ شهوت ـ *calam* : متزلزل ـ *adhruvam* : موقتی.

## ترجمه

**گفته می‌شود آن توبه یا ریاضتی که از روی غرور و به خاطر کسب احترام، افتخار و ستایش انجام می‌گردد در گونهٔ شهوت می‌باشد که نه ثباتی دارد و نه دائمی است.**

## شرح

گاهی اوقات توبه و ریاضت برای جلب مردم و کسب افتخار، احترام و ستایش آنان صورت می‌گیرد. اشخاصی که در گونهٔ شهوت هستند ترتیبی می‌دهند که زیردستان و تابعان، ایشان را ستایش کنند، پایشان را بشویند و ثروتها تقدیمشان کنند. توبه‌ها یا ریاضتهایی که به طور مصنوعی برای نیل به چنین اهدافی صورت می‌گیرد در گونهٔ شهوت محسوب می‌شوند. نتایج آنها موقتی است و برای مدتی می‌توانند ادامه یابند، لیکن دائمی نیستند.

## آیه ۱۹

*mūḍha-grāheṇātmano yat*
*pīḍayā kriyate tapaḥ*
*parasyotsādanārthaṁ vā*
*tat tāmasam udāhṛtam*

*mūḍha* : ابله ـ *grāheṇa* : با تلاش و کوشش ـ *ātmanaḥ* : مربوط به خویشتن ـ *yat* : که ـ *pīḍayā* : به‌وسیله آزار و شکنجه ـ *kriyate* : انجام می‌شود ـ *tapaḥ tapaḥ* : توبه ـ *parasya* : نسبت به‌دیگران ـ *utsādana-artham* : سبب نابود شدن ـ *vā* : یا ـ *tat* : آن ـ *tāmasam* : در گونه تاریکی ـ *udāhṛtam* : گفته می‌شود (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**گفته می‌شود آن توبه یا ریاضتی که ابلهانه و با آزار و شکنجهٔ خود و یا برای نابودی یا آسیب رساندن به دیگران انجام گردد، در گونهٔ جهل است.**

## شرح

نمونه‌ها و مواردی از متحمل شدن کف نفس و توبه‌های ابلهانه از طرف شیاطینی همچون هیرانیاکاشیپو وجود دارد. وی ریاضتهای سختی انجام داد تا فناناپذیر و جاویدان شود و فرشتگان را بکشد. او برای تحقق خواسته‌های مذکور به برهما دعا نمود، لیکن سرانجام به دست شخصیت متعال خداوند کشته شد. متحمل شدن توبه و ریاضت برای موارد غیر ممکن مسلماً در گونهٔ جهل و نادانی می‌باشد.

## آیه ۲۰

*dātavyam iti yad dānaṁ*
*dīyate 'nupakāriṇe*

*deśe kāle ca pātre ca*
*tad dānaṁ sāttvikaṁ smṛtam*

*dātavyam* : شایسته اینکه به او داده شود ـ *iti* : بدین‌سان ـ *yat* : آن که ـ *dānam* : صدقه ـ *dīyate* : داده می‌شود ـ *anupakāriṇe* : بدون انتظار پاداش ـ *deśe* : در مکانی مناسب ـ *kāle* : در زمانی مناسب ـ *ca* : همچنین ـ *pātre* : به یک شخص شایسته و لایق ـ *ca* : و ـ *tat* : آن ـ *dānam* : صدقه ـ *sāttvikam* : در گونهٔ نیکی ـ *smṛtam* : محسوب می‌گردد.

## ترجمه

**صدقه‌ای که به حکم وظیفه، در زمان و مکان مناسب بدون انتظار پاداش، به شخصی که استحقاق دریافت آن را دارد داده شود صدقه در گونهٔ نیکی محسوب می‌گردد.**

## شرح

در متون مقدس ودایی، صدقه دادن به شخصی که مشغول فعالیتهای روحانی می‌باشد، توصیه شده است و در هیچ کجای این متون تأکید بر دادن صدقاتی که توأم با عدم تشخیص استحقاق گیرنده آن باشد دیده نشده است؛ آنچه همواره مد نظر قرار می‌گیرد، کمال روحانی شخص است. بنابراین توصیه شده است که صدقه در مکان زیارتی و در خسوف یا کسوف و یا در آخر ماه به یک براهمانای شایسته یا یک وایشناوا (عابد) یا در معابد داده شود. این گونه صدقات باید کاملا بدون چشمداشت باشد. گاهی اوقات صدقه به علت دلسوزی و ترحم نسبت به فقرا داده می‌شود، لیکن چنانچه شخص فقیر سزاوار دریافت صدقه نباشد آنگاه هیچ گونه پیشرفت روحانی مترتب نخواهد شد. به عبارت دیگر، در متون ودایی، صدقه‌ای که بدون تشخیص و تمیز اعطاء گردد توصیه نشده است.

## آیه ۲۱

*yat tu pratyupakārārthaṁ*
*phalam uddiśya vā punaḥ*
*dīyate ca parikliṣṭaṁ*
*tad dānaṁ rājasaṁ smṛtam*

*yat* : آن که ـ *tu* : اما ـ *prati-upakāra-artham* : به خاطر کسب قدری پاداش ـ *phalam* : نتیجه‌و ثمر ـ *uddiśya* : آرزو داشتن ـ *vā* : یا ـ *punaḥ* : دوباره ـ *dīyate* : داده می‌شود ـ *ca* : همچنین ـ *parikliṣṭam* : سوء نیت ـ *tat* : آن ـ *dānam* : صدقه ـ *rājasam* : در گونهٔ شهوت ـ *smṛtam* : درک می‌گردد (چنین) باشد.

## ترجمه

**اما صدقه‌ای که به امید پاداش، یا با آرزوی نتایج ثمربخش، یا با سوء نیت و کراهت داده شود، گفته می‌شود صدقه در گونهٔ شهوت است.**

## شرح

بعضی اوقات صدقه به منظور ارتقاء به سیارات بهشتی داده می‌شود و گاهی نیز این کار با زحمت بسیار انجام می‌شود و پشیمانی به دنبال دارد: "چرا من این همه را به این صورت خرج کرده‌ام" همچنین گاهی اوقات صدقه تحت محذوری و به درخواست بالاتری انجام می‌گردد. این نوع صدقات گفته می‌شود در گونهٔ شهوت انجام می‌گیرند.
بسیاری از نهادهای امور خیریه وجود دارند که هدایای خود را به مؤسساتی که در آنها کامجویی جریان دارد تقدیم می‌کنند. چنین صدقاتی در کتب مقدس ودایی توصیه نشده، بلکه فقط صدقه در گونهٔ نیکی سفارش شده است.

## آیه ۲۲

*adeśa-kāle yad dānam*
*apātrebhyaś ca dīyate*
*asat-kṛtam avajñātaṁ*
*tat tāmasam udāhṛtam*

*adeśa* : در یک مکان ناپاک ـ *kāle* : و زمان ناپاک ـ *yat* : آن که ـ *dānam* : صدقه ـ *upātrebhyaḥ* : به شخصی که سزاوار نیست ـ *ca* : همچنین ـ *dīyate* : داده می‌شود ـ *asat-kṛtam* : بدون احترام ـ *avajñātam* : بدون دقت و توجه صحیح ـ *tat* : آن ـ *tāmasam* : در گونه تاریکی ـ *udāhṛtam* : گفته می‌شود (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**صدقه‌ای که در مکان و در زمان نادرست، به اشخاصی که سزاوار دریافت آن نیستند و بدون احترام و توجه صحیح داده شود، صدقه در گونهٔ جهل خوانده می‌شود.**

## شرح

اعانه‌ای که در اثر آن فردی به مسکرات و قمار مبادرت ورزد در اینجا تشویق نمی‌گردد. این نوع اعانه در طبع نادانی است. چنین صدقه‌ای نه تنها سودمند نیست، که در اثر آن اشخاص گناهکار تشویق به انجام گناه می‌شوند. همچنین، چنانچه فردی بدون احترام و توجه، حتی به شخص مناسبی صدقه بدهد، این گونه صدقه نیز در طبع تاریکی محسوب می‌شود.

## آیه ۲۳

*oṁ tat sad iti nirdeśo*
*brahmaṇas tri-vidhaḥ smṛtaḥ*
*brāhmaṇās tena vedāś ca*
*yajñāś ca vihitāḥ purā*

*oṁ* : نشان حق تعالی ـ *tat* : آن ـ *sat* : جاودان ـ *iti* : بدین‌سان ـ *nirdeśaḥ* : نشان ـ *brahmaṇaḥ* : مربوط به حق تعالی ـ *tri-vidhaḥ* : سه گانه ـ *smṛtaḥ* : محسوب می‌شود ـ *brāhmaṇāḥ* : براهماناها ـ *tena* : با آن ـ *vedāḥ* : ادبیات ودایی ـ *ca* : همچنین ـ *yajñāḥ* : قربانی ـ *ca* : همچنین ـ *vihitāḥ* : استفاده شده ـ *purā* : سابقاً.

## ترجمه

**از آغاز آفرینش، از سه هجاءِ اُم تات سات برای نشان دادن حقیقت مطلق متعال استفاده می‌شـده اسـت. براهماناها، هنگام ذکر سرودهای ودایی و در خلال قربانیهایی که برای رضایت خداوند متعال صورت مـی‌گرفـت، آن را ادا می‌کردند.**

## شرح

این مطلب توضیح داده شد که ریاضت، قربانی، صدقه و خوراک به سه دسته یعنی در گونه‌های نیکی، شهوت و جهل تقسیم می‌گردد. اما همگی آنها، اعم از درجه یک، درجه دو و درجه سه، آلوده گونه‌های مادی طبیعت‌اند. لیکن هنگامی که آنها به قصد و هدف رضایت خداوند متعال – ام تات سات، یعنی شخصیت اعلای خداوند که حقیقت جاودان است – صورت می‌گیرند، راههایی می‌شوند برای ارتقای روحانی و این منظور در کتب مقدس به روشنی ذکر شده است. این سه واژه، ام تات سات، مشخصاً به حقیقت مطلق یعنی شخصیت اعلای خداوند اشاره دارد. از آن گذشته، در سرودهای ودایی، همواره واژه ام یافت می‌شود.

کسی که بدون پیروی و اطاعت از قوانین کتب مقدس عمل کند، به حقیقت مطلق نخواهد رسید. او به نتایج و ثمرات موقتی دست خواهد یافت، لیکن از هدف نهایی حیات محروم خواهد ماند. در نتیجه صدقه، قربانی و ریاضت باید در گونۀ نیکی انجام شود، در غیر این صورت چنانچه در گونه‌های شهوت و جهل صورت پذیرد مسلماً از کیفیت و ارزشی پست‌تر برخوردار خواهد بود. سه واژه ام تات سات توأم با نام مقدس خداوند متعال ادا می‌شود، مثل ام تاد ویشنو. همان گونه که در ادبیات ودایی مشاهده می‌شود، هر گاه یک سرود ودایی یا نام مقدس خداوند ذکر گردد، ام به آن اضـافه می‌شود. این سه واژه از سرودهای ودایی اخذ گردیده‌اند.

(*Oṁ ity etad brahmaṇo nediṣṭhaṁ nāma*)

مانترای فوق از ریگ ودا اولین هدف را نشان می‌دهد.

(*tat tvam asi*) (چاندوگیا اوپانیشاد ۷/۸/۶)

مانترای فوق دومین هدف را نشان می‌دهد.

(*sad eva saumya*) (چاندوگـیا اوپانـیـشاد ۱/۲/۶)

و این مانترا هدف سوم را نشان می‌دهد که ترکیب آنها ام تات سات می‌شود. در گذشته وقتی برهما، اولین موجود زنده مخلوق، قربانی انجام می‌داد با این سه واژه از شخصیت اعلای خداوند نام می‌برد. و این اصل و این سیاق از طریق سلسله پیران تا به امروز ادامه پیدا کرده و مورد استفاده است. پس این مانترا اهمیت بسزایی دارد. بنابراین بهاگاواد–گیتا توصیه می‌نماید هر کاری که انجام می‌شود باید برای رضایت ام تات سات یا شخصیت اعلای خداوند انجام شود. وقتی کسی با این سه واژه به انجام ریاضت، صدقه، و قربانی مبادرت می‌ورزد، در کریشنا آگاهی عمل کرده است. کریشنا آگاهی، انجام علمی فعالیتهای متعال و روحانی است که انسان را قادر به مراجعت به وطن اصلی نزد خداوند می‌سازد. با عمل کردن به این شیوه متعال و روحانی هیچ گونه مسأله اتلاف نیرو پیش نخواهد آمد.

## آیه ۲۴

*tasmād oṁ ity udāhṛtya*
*yajña-dāna-tapaḥ-kriyāḥ*
*pravartante vidhānoktāḥ*
*satataṁ brahma-vādinām*

*tasmāt* : بنابراین ـ *oṁ* : آغاز کردن با ام ـ *iti* : بدین‌سان ـ *udāhṛtya* : نشان دادن ـ *yajña* : مربوط به قربانی ـ *dāna* : صدقه ـ *tapaḥ* : و توبه و ریاضت ـ *kriyāḥ* : اعمال ـ *pravartante* : آغازمی‌کنند ـ *vidhāna-uktāḥ* : بر اساس قواعد کتب مقدس ـ *satatam* : همواره ـ *brahma-vādinām* : مربوط به حق‌جویان.

## ترجمه

**بنابراین، حق‌جویان به منظور رسیدن به متعال، همواره قربانیها، ریاضتها و صدقات خود را که بر اساس قواعد کتب مقدس است با ادای واژه اُم آغاز می‌کنند.**

## شرح

*Oṁ tad viṣṇoḥ paramaṁ padam* ام تاد ویشنو پارامام پادام (ریگ‌ودا ۱/۲۲/۲۰). قدوم نیلوفرین ویشنو بالاترین سکوی عشق و عبودیت است. انجام همه چیز به خاطر شخصیت متعال خداوند، کمال تمام فعالیتها را تضمین می‌نماید.

## آیه ۲۵

*tad ity anabhisandhāya*
*phalaṁ yajña-tapaḥ-kriyāḥ*
*dāna-kriyāś ca vividhāḥ*
*kriyante mokṣa-kāṅkṣibhiḥ*

*tat* : بدین‌سان ـ *iti* : بدون آرزو داشتن ـ *anabhisandhāya* : نتیجه ثمربخش ـ *phalam* : مربوط به قربانی ـ *tapaḥ* : و توبه و ریاضت ـ *kriyāḥ* : فعالیتها ـ *dāna* : مربوط به صدقه ـ *kriyāḥ* : فعالیتها ـ *ca* : همچنین ـ *vividhāḥ* : گوناگون ـ *kriyante* : انجام می‌شوند ـ *mokṣa-kāṅkṣibhiḥ* : به‌وسیله آن کسانی که واقعاً آرزومند رهایی هستند.

## ترجمه

**انسان باید بدون آرزوی نتایج ثمربخش، انواع گوناگون قربانی، ریاضت و صدقه را با ادای واژهٔ "تات" انجام دهد. منظور و مقصود از انجام چنین فعالیتهای متعال و روحانی، آزاد شدن از اسارت مادی است.**

## شرح

به منظور ارتقاء به مرتبه روحانی، انسان نباید برای دستاورد مادی عمل کند. اعمال باید برای نفع نهایی یعنی بازگشت به ملکوت روحانی، نزد خداوند، به وطن اصلی انجام شود.

## آیات ۲۷-۲۶

*sad-bhāve sādhu-bhāve ca*
*sad ity etat prayujyate*
*praśaste karmaṇi tathā*
*sac-chabdaḥ pārtha yujyate*

*yajñe tapasi dāne ca*
*sthitiḥ sad iti cocyate*

*karma caiva tad-arthīyaṁ*
*sad ity evābhidhīyate*

*sat-bhāve* : به مفهوم سرشت حق تعالی ـ *sādhu-bhāve* : به مفهوم سرشت عابد ـ *ca* : همچنین ـ *sat* : واژه سات ـ *iti* : بدین‌سان ـ *etat* : این ـ *prayujyate* : استفاده می‌شود ـ *praśaste* : در (...) معتبر و موثق ـ *karmaṇi* : اعمال ـ *tathā* : همچنین ـ *sat-śabdaḥ* : صوت سات ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *yujyate* : استفاده می‌شود ـ *yajñe* : در قربانی ـ *tapasi* : در توبه و ریاضت ـ *dāne* : در صدقه ـ *ca* : همچنین ـ *sthitiḥ* : وضعیت ـ *sat* : حق تعالی ـ *iti* : بدین‌سان ـ *ca* : و ـ *ucyate* : ادا می‌شود ـ *karma* : عمل ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *tat* : برای آن ـ *arthīyam* : منظور شده ـ *sat* : حق تعالی ـ *iti* : بدین‌سان ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *abhidhīyate* : نشان داده می‌شود.

## ترجمه

**حقیقت مطلق، هدف و مقصود قربانی عابدانه است و با واژهٔ "سات" نشان داده می‌شود. ای پسر پریتها، فاعل چنین قربانی و همین طور تمام اعمال قربانی، ریاضت و صدقه که در راستی و خلوص هماهنگ با مطلق یا شخص متعال هستند و به منظور رضایت او انجام می‌گیرند، نیز "سات" خوانده می‌شوند.**

## شرح

واژه‌های پراشاسته کارمانی،*praśaste karmaṇi* , یا "وظایف تجویزشده"، حاکی از آن است که فعالیتهای بسیاری در ادبیات ودایی تجویزشده است که همگی روشهای تهذیب و تزکیه می‌باشد؛ این فعالیتها با انعقاد نطفه آغاز شده و تا پایان زندگی ادامه پیدا می‌کند. این گونه روشهای پاکسازی برای رهایی نهایی موجود زنده در نظر گرفته می‌شود. در جریان انجام کلیه این فعالیتها توصیه شده است که انسان باید ام تات سات (*oṁ tat sat*) را به ارتعاش درآورد. واژه‌های (*sad-bhāve*) و (*sādhu-bhāve*) موقعیت متعال و روحانی را نشان می‌دهند. عمل کردن در کریشنا آگاهی، ساتوا خوانده می‌شود و کسی که کاملا آگاه به فعالیتهای کریشنا آگاهی است سادهو خوانده می‌شود. در شریماد– بهاگاواتام (۳/۲۵/۲۵) گفته شده است که موضوعات متعال و روحانی در معاشرت و مؤانست با عابدان روشن می‌شود. در بیان این مطلب کلمات ساتام پراسانگات( *satāṁ prasaṅgāt*) به کار رفته است. بدون معاشرت مطلوب، انسان نمی‌تواند به دانش متعال و روحانی دست یابد. زمانی که پیر روحانی به پیرو خود تشرف و نخ مقدس اعطاء می‌کند، لغات ام تات سات را به ارتعاش درمی‌آورد. مشابهاً، هدف از انجام انواع یاگیاها، خداوند متعال، ام تات سات، می‌باشد. واژه تاد ـ آرتهیام دربردارنده مفهوم خدمت به هر چیزی است که اشاره به حق تعالی دارد و او را متجلی می‌سازد، شامل خدماتی نظیر طبخ، کمکهای مختلف در معبد یا هر نوع کار دیگری که به منظور اشاعه شکوه و عظمت خداوند می‌باشد. بدین‌سان کلمات متعال ام تات سات برای کامل کردن کلیه اعمال استفاده می‌شود و به همه چیز کمال می‌بخشد.

## آیه ۲۸

*aśraddhayā hutaṁ dattaṁ*
*tapas taptaṁ kṛtaṁ ca yat*
*asad ity ucyate pārtha*
*na ca tat pretya no iha*

*aśraddhayā* : بدون ایمان ـ *hutam* : تقدیم شده در قربانی ـ *dattam* : داده شده ـ *tapaḥ* : توبه و ریاضت ـ *taptam* : اجرا شده ـ *kṛtam* : انجام شده ـ *ca* : همچنین ـ *yat* : آن که ـ *asat* : کاذب ـ *iti* : بدین‌سان ـ *ucyate* : گفته شده (چنین)

می‌باشد ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *na* : هیچگاه ـ *ca* : همچنین ـ *tat* : آن ـ *pretya* : پس از مرگ ـ *na u* : و نه ـ *iha* : در این زندگی.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، آنچه به صورت قربانی، صدقه یا ریاضت، بدون ایمان به خداوند متعال انجام گردد، موقتی است. آنها "آسات" خوانده می‌شوند و چه در این زندگی و چه در زندگی بعد بی‌فایده هستند.**

## شرح

قربانی، صدقه، ریاضت و هرآنچه بدون هدف متعال و روحانی انجام شود محققاً بی‌فایده است. بنابراین در این آیه اعلام گردیده که چنین اعمالی مکروه‌اند. کلیه اعمال باید در کریشنا آگاهی و برای رضایت خداوند متعال انجام شود. بدون چنین ایمانی، و بدون هدایت صحیح، هیچگاه حاصلی به بار نمی‌آید. در تمام کتب مقدس ودایی، ایمان به خداوند متعال توصیه شده است. هدف نهایی تمام تعالیم ودایی، درک کریشناست. هیچکس نمی‌تواند بدون پیروی از این اصل به موفقیت برسد. بنابراین، بهترین راه، عمل کردن در کریشنا آگاهی از همان آغاز تحت هدایت یک پیر روحانی باصلاحیت است. این راه موفقیت در همه امور است.

در موقعیت مقید، مردم جذب پرستش فرشتگان، اشباح یا یاکشاساهایی مانند کوورا هستند. باید در نظر داشت که گونۀ نیکی از گونه‌های شهوت و جهل برتر است، لیکن کسی که مستقیماً راه کریشنا آگاهی را در پیش می‌گیرد ورای حالات سه‌گانه طبیعت مادی واقع می‌شود. اگرچه یک روش ارتقای تدریجی نیز وجود دارد، ولی بهترین راه اتخاذ کریشنا آگاهی در معاشرت با عابدان پاک می‌باشد. و این مطلبی است که در این فصل توصیه شده است. انسان برای موفقیت در این راه، باید نخست پیر روحانی مناسب و شایسته‌ای را بیابد و تحت راهنمایی او تعلیم ببیند. آنگاه می‌تواند ایمان به خداوند متعال را به دست آورد، ایمانی که پس از تکامل در طی زمان، عشق به خداوند خوانده می‌شود. این عشق، مقصود و هدف نهایی تمام موجودات زنده است. بنابراین، انسان باید مستقیماً راه کریشنا آگاهی یا خدا آگاهی را در پیش گیرد. این است پیام فصل هفدهم.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل هفدهم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "انواع ایمان" پایان می‌یابد.

# فصل هجدهم

# نتیجه‌گیری ــ کمال انقطاع

## آیه ۱

*arjuna uvāca*
*sannyāsasya mahā-bāho*
*tattvam icchāmi veditum*
*tyāgasya ca hṛṣīkeśa*
*pṛthak keśī-niṣūdana*

*arjunaḥ uvāca*: آرجونا گفت ـ *sannyāsasya*: مربوط به انقطاع ـ *mahā-bāho*: ای مسلّح‌بزرگ ـ *tattvam* : حقیقت ـ *icchāmi* : آرزو دارم ـ *veditum* : درک کردن ـ *tyāgasya* : مربوط به‌انقطاع ـ *ca* : همچنین ـ *hṛṣīkeśa* : ای ارباب حواس ـ *pṛthak* : به طور متفاوت ـ *keśī-niṣūdana* : ای کشنده دیو کشی.

## ترجمه

**آرجونا گفت: ای مسلّح بزرگ، ای کشندهٔ دیو کشی، ای ارباب حواس، می‌خواهم منظور ازانقطاع [تیاگـا] و مرحلهٔ انقطاع در زندگی [سانیاسا] را بدانم.**

## شرح

در واقـع، بهاگاواد–گیتا در هفده فصـل به پایان می‌رسـد و فصل هجدهم ضمیمه‌ای بر این کتاب محسوب می‌شود که در آن خلاصه‌ای از مطالبی که در فصول قبل مطرح شد بیان می‌گردد. خداوند کریـشـنا در هر یک از فصـول بهاگاواد–گیتا بر این نکـته تأکید می‌کند که خدمت عاشقانه به شخصیت اعلای خداوند هدف نهایی زندگی است که همین مطلب در فصل هجدهم به منزله محرمانه‌ترین راه دانش به طور خلاصه بیان می‌شود. در شش فصل اول، بر خدمت عابدانه تأکید شده بود: یوگـیـنام آپی ساروشام... "در میان تمام یوگیها یا حق‌جویان، آن که همواره درون قلب خویش به من فکر می‌کند بهترین است." در شش فصل بعدی، خدمت عابدانه پاک و ماهیت و فعالیتهایی که آن را شامل می‌شود مطرح گردید. در شش فصل سوم، دانش، انقطاع، فعالیتهای طبـیعت مادی و طبیعت روحانی و همچنین خدمت عابدانه توصیف گردید و چنین نتیجه‌گیری شد که کلـیه اعمال باید در رابـطه با خداوند و شخص متعال، ویشنو، که با واژه‌های ام تات سات نـشان داده می‌شود انجام گـیرد. قسـمت سوم بهاگاواد–گیتا، از طریق آموزشهای آچاریاهای گذشته و همـین طور از طریق برهما ـ سوترا یا ودانـتا ـ سوترا، بنا را بر این امر می‌نهد که فقط خدمت در عشق و عبودیت و نه چیز دیگری هدف نهایی زندگی است. بعضی از بی‌هویت‌گرایان دانش ودانتا ـ سوترا را در انحصار خویش می‌دانند، در حالی که ودانتا ـ سوترا در واقع به منظور درک خدمت عابدانه یا طاعت عاشقانه تدوین شده است، زیرا همان گونه که در فصل پانزدهم تأیید شد خداوند شخصاً گردآورنده ودانتا ـ سوترا و داننده آن است. باید دانست هدف و مقصود هر کتاب مقدس، هر ودا، خدمت عابدانه و بندگی عاشقانه است که این مطلب موضوع آموزشهای بهاگاواد–گیتا را تشکیل می‌دهد.

همان گونه که فصل دوم، نظری اجمالی بر کل مطالب است، به همین ترتیب فصل هجدهم نیز خلاصه‌ای از تمام آموزشهای ارائه شده می‌باشد. آنچه به عنوان هدف اصلی حیات انسانی مطرح می‌گردد، انقطاع و نیل به موقعیت متعال و روحانی در ورای سه گونهٔ طبیعت مادی است. آرجونا می‌خواهد دو موضوع مهم بهاگاواد-گیتا یعنی انقطاع (تیاگا) و مرحله انقطاع در زندگی (سانیاسا) را روشن نماید. بدین جهت درباره مفهوم این دو واژه سؤال می‌کند.

دو کلمه‌ای که در آیه حاضر برای مخاطب قرار دادن خداوند متعال به کار رفته است یعنی هریشی‌کشا و کشی ـ نیشودانا از اهمیتی خاص برخوردارند. هریشی‌کشا یا کریشنا یعنی ارباب تمام حواس همواره می‌تواند ما را برای رسیدن به آرامش فکری یاری نماید. آرجونا از کریشنا می‌خواهد به گونه‌ای همه چیز را خلاصه نماید که وی بتواند از آنها تعادل و آرامش کسب کند. اما شکهایی به قلب آرجونا راه یافته است و چون شک همواره به شیطان تشبیه می‌گردد، بدین سبب کریشنا را با نام کشی ـ نیشودانا خطاب می‌کند. کشی دیوی بسیار نیرومند و هولناک بود که به دست خداوند کشته شد؛ حال آرجونا از کریشنا انتظار دارد که شیطان شک و تردید را در وی نابود کند.

## آیه ۲

*śrī-bhagavān uvāca*
*kāmyānāṁ karmaṇāṁ nyāsaṁ*
*sannyāsaṁ kavayo viduḥ*
*sarva-karma-phala-tyāgaṁ*
*prāhus tyāgaṁ vicakṣaṇāḥ*

*śrī-bhagavān uvāca* : شخصیت متعال خداوند فرمود ـ *kāmyānām* : با خواسته ـ *karmaṇām* : مربوط به اعمال ـ *nyāsam* : انقطاع (ترک کردن) ـ *sannyāsam* : مرحله انقطاع درزندگی ـ *kavayaḥ* : دانایان ـ *viduḥ* : بدان ـ *sarva* : مربوط به همه ـ *karma* : اعمال ـ *phala* : مربوط به نتایج و ثمرات ـ *tyāgam* : انقطاع ـ *prāhuḥ* : می‌خوانند ـ *tyāgam* : انقطاع ـ *vicakṣaṇāḥ* : خبرگان.

## ترجمه

**شخصیت متعال خداوند فرمود: دانایان بزرگ، ترک کردن اعمالی را که بر اساس خواسته‌های مادی است مرحلهٔ انقطاع در زندگی [سانیاسا] می‌دانند و خردمندان کنار نهادن نتایج و ثمرات تمامی اعمال را انقطاع [تیاگا] می‌خوانند.**

## شرح

انجام کار برای اجر و ثمر را باید کنار گذارد. این تعلیم بهاگاواد-گیتا است. لیکن فعالیتهایی را که به پیشرفت دانش روحانی منجر می‌شوند نباید ترک گفت که این مطلب در آیات بعدی روشن خواهد گشت. در ادبیات ودایی روشهای بسیاری برای انجام قربانی به منظور دستیابی به اهداف و خواسته‌های گوناگون وجود دارد، برای مثال انجام قربانیهای خاصی برای دستیابی به فرزند صالح یا ارتقاء به سیارات بالاتر و امثال آن؛ اما باید در نظر داشت قربانیهایی که به منظور خواسته‌های مادی انجام می‌گیرند باید متوقف شوند. لیکن قربانی برای پاکسازی قلب و تزکیه نفس و پیشرفت در علم روحانی نباید ترک گردد.

## آیه ۳

*tyājyaṁ doṣa-vad ity eke*

*karma prāhur manīṣiṇaḥ*
*yajña-dāna-tapaḥ-karma*
*na tyājyam iti cāpare*

*tyājyam* : بایستی کنار گذارده شود ـ *doṣa-vat* : به عنوان مصیبت ـ *iti* : بدین‌سان ـ *eke* : یک‌گروه ـ *karma* : کار ـ *prāhuḥ* : می‌گویند ـ *manīṣiṇaḥ* : متفکران بزرگ ـ *yajña* : مربوط به قربانی ـ *dāna* : صدقه ـ *tapaḥ* : و ریاضت ـ *karma* : اعمال ـ *na* : هرگز ـ *tyājyam* : باید ترک شوند ـ *iti* : بدین‌سان ـ *ca* : و ـ *apar* : دیگران.

## ترجمه

**برخی از دانایان معتقدند هر گونه کار و عمل ثمرجویانه باید به عنوان عمل اشتباه کنار گذارده شود، در حالی که عقیدهٔ حکمای دیگر بر آن است که انجام قربانی، صدقه و ریاضت هیچگاه نباید ترک شود.**

## شرح

اعمال و فعالیتهای بسیاری در متون ودایی وجود دارد که مورد اعتراض و بحث است. برای مثال، گفته می‌شود که حیوانات را می‌توان در قربانی کشت، اما بعضی معتقدند که کشتن حیوانات کاملا مکروه است. اگرچه کشتن حیوان در عمل قربانی در متون ودایی توصیه شده است، اما باید دانست حیوان، کشته محسوب نمی‌گردد، بلکه اجرای مراسم قربانی به منظور اعطای زندگی جدیدی به آن حیوان است. حیوان پس از قربانی شدن به شکل حیوانی برتر و یا حتی پاره‌ای اوقات بلافاصله به شکل انسان ارتقاء می‌یابد. با وجود این، نظریات مختلفی در میان حکماء وجود دارد. بعضی می‌گویند باید همواره از کشتن حیوانات اجتناب نمود، و برخی دیگر معتقدند این کار برای قربانیهای بخصوصی مطلوب است. اکنون تمامی این نظریات مختلف درباره عمل قربانی از طرف خود خداوند روشن می‌گردد.

## آیه ۴

*niścayaṁ śṛṇu me tatra*
*tyāge bharata-sattama*
*tyāgo hi puruṣa-vyāghra*
*tri-vidhaḥ samprakīrtitaḥ*

*niścayam* : حتماً، مسلماً ـ *śṛṇu* : بشنو ـ *me* : از من ـ *tatra* : در آن ـ *tyāge* : درباره انقطاع ـ *bharata-sat-tama* : ای بهترین بهاراتاها ـ *tyāgaḥ* : انقطاع ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *puruṣa-vyāghra* : ای ببری در میان انسانها ـ *tri-vidhaḥ* : مربوط به سه نوع ـ *samprakīrtitaḥ* : اعلام شده است.

## ترجمه

**ای بهترین بهاراتاها، اینک رأی مرا دربارهٔ انقطاع بشنو. ای ببری در میان انسانها، سه نوع انقطاع در کتب مقدس بیان گردیده است.**

## شرح

اگرچه درباره انقطاع نظریات بسیاری وجود دارد، ولی اینجا شری کریشنا، شخصیت اعلای خداوند، تشخیص و نظر خود را که باید به منزله رأی نهایی و قطعی پذیرفته شود اعلام می‌دارد. اگر چه وداها مجموعه قوانینی هستند که از طرف خداوند نازل

شده‌اند، چون خداوند شخصاً اینجا حضور دارد، کلام او باید به عنوان حرف آخر پذیرفته شود. خداوند می‌فرماید که روش انقطاع باید بر حسب گونه‌های طبیعت مادی که بر انجام آن تأثیر می‌گذارد در نظر گرفته شود.

## آیه ۵

*yajña-dāna-tapaḥ-karma*
*na tyājyaṁ kāryam eva tat*
*yajño dānaṁ tapaś caiva*
*pāvanāni manīṣiṇām*

*yajña* : مربوط به قربانی ـ *dāna* : صدقه ـ *tapaḥ* : و توبه و ریاضت ـ *karma* : فعالیت ـ *na* : هیچگاه ـ *tyājyam* : باید کنار گذارده شود ـ *kāryam* : باید انجام گردد ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *tat* : آن ـ *yajñaḥ* : قربانی ـ *dānam* : صدقه ـ *tapaḥ* : توبه و ریاضت ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *pāvanāni* : تطهیرکننده ـ *manīṣiṇām* : حتی برای ارواح بزرگ.

## ترجمه

**اعمال قربانی، صدقه و ریاضت نباید به هیچ وجه ترک شود، بلکه باید حتماً انجام گیرد. براستی که قربانی، صدقه و ریاضت، حتی ارواح بزرگ را تطهیر می‌کند.**

## شرح

یوگیها باید کارهایی را به منظور پیشرفت جامعه انسانی انجام دهند. روشهای پاکسازی بسیاری برای سوق دادن انسان به سوی زندگی روحانی وجود دارد. برای مثال، آیین ازدواج یکی از این قربانیها محسوب می‌گردد که ویواها ـ یاگیا خوانده می‌شود. آیا یک سانیاسی که در مرحله انقطاع از زندگی مادی است و روابط خانوادگیش را کنار گذارده باید ازدواج را تشویق نماید اینجا خداوند می‌فرماید هر قربانی که برای خیر و سعادت انسان منظور گردیده است هیچگاه نباید ترک شود. هدف ویواها ـ یاگیا یا سنت ازدواج تنظیم ذهن انسان است تا برای پیشرفت روحانی آرام و قرار گیرد. حتی اشخاصی که در مرحله انقطاع هستند نیز باید اکثریت مردم را نسبت به انجام ویواها ـ یاگیا تشویق نمایند. سانیاسیها هیچگاه نباید با زنان معاشرت و همنشینی کنند، اما این بدان معنا نیست که کسانی که در مرحله پایین‌تری از زندگی هستند (برای مثال یک مرد جوان) از سنت ازدواج و پذیرفتن همسر اجتناب کنند. تمام قربانیهای تجویزشده برای تقرب و نیل به خداوند متعال است؛ بنابراین، در مراحل پایین‌تر نباید آنها را ترک گفت. به همین ترتیب، صدقه نیز برای تطهیر قلب است. اگر صدقه همان گونه که قبلا توصیف شد به اشخاص مناسب داده شود انسان را به پیشرفت در زندگی روحانی هدایت می‌نماید.

## آیه ۶

*etāny api tu karmāṇi*
*saṅgaṁ tyaktvā phalāni ca*
*kartavyānīti me pārtha*
*niścitaṁ matam uttamam*

*etāni* : همه اینها ـ *api* : حتماً، محققاً ـ *tu* : اما ـ *karmāṇi* : فعالیتها ـ *saṅgam* : معاشرت ـ *tyaktvā* : انقطاع حاصل کردن ـ *phalāni* : نتایج و ثمرات ـ *ca* : همچنین ـ *kartavyāni* : باید به عنوان وظیفه انجام گردد ـ *iti* : بدین‌سان ـ *me* : مال من، م ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *niścitam* : معین، دقیق ـ *matam* : نظر ـ *uttamam* : بهترین.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، کلیهٔ این اعمال باید بدون دلبستگی یا هر گونه چشمداشت به نتیجه و به حکم وظیفه انجام شود. این نظر نهایی من است.**

## شرح

هرچند تمام قربانیها تطهیرکننده هستند، انسان نباید از انجام آنها انتظار هیچ گونه نتیجه‌ای داشته باشد. به عبارت دیگر، تمام قربانیهایی که هدفی جز پیشرفت زندگی مادی ندارند باید رها شوند، در حالی که قربانیهایی که وجود انسان را پاک می‌سازند و او را به سطح روحانی ارتقاء می‌دهند بایدادامه یابند. هر چیزی که به کریشنا آگاهی منتهی می‌شود باید تشویق گردد. در شریماد- بهاگاواتام نیز گفته شده است که هر کاری که به خدمت عابدانه خداوند منجر می‌گردد باید پذیرفته شود. این مهمترین معیار دین است. عابد خداوند باید هر نوع کار، قربانی یا صدقه‌ای که وی را در انجام خدمت عابدانه به خداوند یاری می‌رساند بپذیرد.

## آیه ۷

*niyatasya tu sannyāsaḥ*
*karmaṇo nopapadyate*
*mohāt tasya parityāgas*
*tāmasaḥ parikīrtitaḥ*

*niyatasya* : تجویزشده ـ *tu* : ولی ـ *sannyāsaḥ* : انقطاع ـ *karmaṇaḥ* : مربوط به فعالیتها ـ *na* : هیچگاه ـ *upapadyate* : شایسته است ـ *mohāt* : به‌وسیله توهم ـ *tasya* : مربوط به آنها ـ *parityāgaḥ* : انقطاع ـ *tāmasaḥ* : در گونهٔ جهل ـ *parikīrtitaḥ* : اظهار شده است.

## ترجمه

**وظایف تجویزشده هیچگاه نباید ترک شود. گفته می‌شود انقطاع فردی که از روی توهم وظایف تجویز شدهٔ خود را رها نماید، در گونهٔ جهل است.**

## شرح

کاری که برای رضایت مادی است باید ترک گردد، لیکن اعمالی که انسان را به سطح روحانی ارتقاء می‌دهد، مانند طبخ برای رضایت خداوند متعال و تقدیم خوراک به پیشگاه او و سپس تناول آن خوراک توصیه شده است. گفته می‌شود شخصی که در مرحله انقطاع از زندگی مادی است نباید چیزی برای خود طبخ نماید. در واقع آشپزی برای شخص خویش منع شده است، نه طبخ برای رضایت خداوند متعال. به همین ترتیب، یک سانیاسی نیز می‌تواند مراسم ازدواج را به منظور کمک به شاگردش برای پیشرفت در کریشنا آگاهی اجرا نماید. اگر کسی این گونه اعمال را ترک نماید باید دانست که در گونه تاریکی عمل می‌کند.

## آیه ۸

*duḥkham ity eva yat karma*
*kāya-kleśa-bhayāt tyajet*

*sa kṛtvā rājasaṁ tyāgaṁ*
*naiva tyāga-phalaṁ labhet*

*duḥkham* : ناخوشایند ـ *iti* : بدین‌سان ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *yat* : که ـ *karma* : کار ـ *kāya* : برای بدن ـ *kleśa* : سخت ـ *bhayāt* : از روی ترس ـ *tyajet* : ترک می‌کند ـ *saḥ* : او ـ *kṛtvā* : پس از انجام ـ *rājasam* : در گونهٔ شهوت ـ *tyāgam* : انقطاع ـ *na* : نه ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *tyāga* : مربوط به انقطاع ـ *phalam* : نتایج و ثمرات ـ *labhet* : کسب می‌کند.

## ترجمه

**هر آن کس که وظایف تجویزشده را به مثابه امری سخت و پرزحمت، یا به علت ترس از مشقات جسمی ترک گوید، گفته می‌شود در گونهٔ شهوت انقطاع حاصل کرده است. چنین کاری هیچگاه به آن مرتبهٔ والای انقطاع منتهی نمی‌شود.**

## شرح

کسی که در کریشنا آگاهی قرار دارد نباید کسب درآمد را با ترس از این گمان که کار برای ثمر انجام می‌دهد رها نماید. اگر کسی بتواند با کار کردن، سرمایه خود را در کریشنا آگاهی به خدمت بگیرد، و یا چنانچه با سحرخیزی بتواند خداآگاهی یا کریشنا آگاهی والای خود را افزایش دهد، نباید به علت ترس یا بدین دلیل که چنین کارهایی سخت و پرزحمت‌اند از آنها دست بکشد. این گونه ترک عمل یا انقطاع در گونهٔ شهوت است. نتیجه کارهایی که در گونهٔ شهوت انجام می‌گیرد همواره پررنج و درد است. چنانچه کسی با چنین روحیه‌ای عمل را ترک گوید و انقطاع حاصل کند، هیچگاه به نتایج انقطاع دست نخواهد یافت.

## آیه ۹

*kāryam ity eva yat karma*
*niyataṁ kriyate 'rjuna*
*saṅgaṁ tyaktvā phalaṁ caiva*
*sa tyāgaḥ sāttviko mataḥ*

*kāryam* : باید انجام شود ـ *iti* : بدین‌سان ـ *eva* : واقعاً ـ *yat* : که ـ *karma* : کار ـ *niyatam* : تجویزشده ـ *kriyate* : انجام می‌شود ـ *arjuna* : ای آرجونا ـ *saṅgam* : معاشرت ـ *tyaktvā* : رهاکردن ـ *phalam* : نتیجه ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *saḥ* : آن ـ *renunciation*—؛ انقطاع ـ *sāttvikaḥ* : در گونهٔ نیکی ـ *mataḥ* : به عقیده من.

## ترجمه

**ای آرجونا، هنگامی که انسان به انجام وظیفهٔ تجویزشده‌اش فقط به خاطر آنکه باید آن را انجام دهد مبادرت می‌ورزد و از هر گونه معاشرت مادی و دلبستگی به نتایج و ثمرات انقطاع حاصل می‌کند، گفته می‌شود انقطاع او در گونهٔ نیکی است.**

## شرح

وظایف تجویزشده باید با این طرز تفکر انجام شوند. انسان باید بدون دلبستگی به نتایج و ثمرات کار کند و از گونه‌های کاری منفک باشد. کسی که در آگاهی به خداوند، آگاهی به کریشنا، در کارخانه‌ای کار می‌کند، خود را با کار کارخانه و یا با کارگران کارخانه همبسته نمی‌کند. او فقط برای کریشنا کار می‌کند. و هنگامی که نتیجه کار را برای کریشنا کنار می‌گذارد و به او تقدیم می‌کند، به طرز متعال و روحانی عمل می‌نماید.

## آیه ۱۰

*na dveṣṭy akuśalaṁ karma*
*kuśale nānuṣajjate*
*tyāgī sattva-samāviṣṭo*
*medhāvī chinna-saṁśayaḥ*

*na* : هرگز ـ *dveṣṭi* : نفرت می‌ورزد ـ *akuśalam* : ناخجسته، نامساعد ـ *karma* : کار ـ *kuśale* : در خجسته و مساعد ـ *na* : و نه ـ *anuṣajjate* : دلبسته می‌گردد ـ *tyāgī* : شخص منقطع ـ *sattva* : در نیکی ـ *samāviṣṭaḥ* : مجذوب شده ـ *medhāvī* : خردمند ـ *chinna* : قطع کرده است ـ *saṁśayaḥ* : تمام شکها.

## ترجمه

**شخص منقطع خردمندی که در گونهٔ نیکی قرار دارد، و نه به کار نامساعد نفرت می‌ورزد و نه دلبستهٔ کار مساعد می‌شود، هیچ گونه شکی دربارهٔ کار و عمل ندارد.**

## شرح

کسی که در آگاهی به کریشنا یا در گونهٔ نیکی قرار دارد نسبت به هیچ چیز یا هیچ موجودی که بدنش را زحمت و آزار می‌دهد و آسایش او را به هم می‌زند نفرت نمی‌ورزد. او کارش را، در مکان صحیح و در زمان مطلوب، بدون ترس از سختیها و ناملایمتهای مربوط به انجام وظیفه، انجام می‌دهد. باید دانست چنین شخصی که در تعالی قرار گرفته است، خردمندترین می‌باشد و در اعمالش از هر گونه شکی مبری است.

## آیه ۱۱

*na hi deha-bhṛtā śakyaṁ*
*tyaktuṁ karmāṇy aśeṣataḥ*
*yas tu karma-phala-tyāgī*
*sa tyāgīty abhidhīyate*

*na* : هیچگاه ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *deha-bhṛtā* : به‌وسیله آن که قالب گرفته ـ *śakyam* : امکان‌پذیر است ـ *tyaktum* : منقطع شود ـ *karmāṇi* : اعمال ـ *aśeṣataḥ* : در مجموع ـ *yaḥ* : هرکسی که ـ *tu*: اما ـ *karma* : مربوط به کار ـ *phala* : مربوط به نتیجه ـ *tyāgī* : شخص منقطع ـ *saḥ* : او ـ *tyāgī* : شخص منقطع ـ *iti* : بدین‌سان ـ *abhidhīyate* : گفته می‌شود.

## ترجمه

**برای موجود قالب گرفته، ترک کلیهٔ اعمال واقعاً غیر ممکن است. لیکن مـی‌گوینـد آن کسـی بـه انقطـاع حقیقی دست یافته است که از نتایج و ثمرات عمل انقطاع حاصل کند.**

## شرح

در بهاگاواد–گیتا آمده است که انسان هیچگاه نمی‌تواند کار و عمل را ترک گوید. بنابراین کسی که برای خدا، کریشنا، کار می‌کند و از نتایج و ثمرات آن بهره‌ای برنمی‌گیرد و همه چیز را به کریشنا تقدیم می‌دارد، واقعاً شخصی منقطع است. بسیاری از اعضای انجمن بین‌المللی شناخت کریشنا هستند که به سختی در اداره، در کارخانه، و یا محلهای دیگر کار می‌کنند و تمامی آنچه را که کسب می‌نمایند به انجمن مذکور اهداء می‌کنند. چنین ارواح والا و پیشرفته در واقع سانیاسی هستند و در مرحله انقطاع از زندگی مادی قرار دارند. این آیه به روشنی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان ثمرات کار را ترک گفت و برای چه هدف و منظوری باید از نتایج کار انقطاع حاصل کرد.

## آیه ۱۲

*aniṣṭam iṣṭaṁ miśraṁ ca*
*tri-vidhaṁ karmaṇaḥ phalam*
*bhavaty atyāginām pretya*
*na tu sannyāsinām kvacit*

*aniṣṭam* : منجر شدن به جهنم ـ *iṣṭam* : منجر شدن به بهشت ـ *miśram* : مخلوط ـ *ca* : و ـ *tri-vidham* : مربوط به سه نوع ـ *karmaṇaḥ* : مربوط به کار ـ *phalam* : نتیجه ـ *bhavati* : فرامی‌رسد ـ *atyāginām* : برای آن کسانی که منقطع نیستند ـ *pretya* : پس از مرگ ـ *na* : نه ـ *tu* : اما ـ *sannyāsinām* : برای مرحله انقطاع ـ *kvacit* : در هیچ زمانی.

## ترجمه

**نتایج و ثمرات سه‌گانهٔ عمل فردی که در انقطاع نیست – نتایج مطلوب، نتایج نامطلوب و نتـایج مخـتلط – پس از مرگ، وی را دنبال می‌کنند. ولی برای فرد منقطع از زندگی مادی، چنین نتایجی که از آنها لـذت یـا رنـج عاید گردد وجود نخواهد داشت.**

## شرح

شخصی که در کریشنا آگاهی قرار دارد و با علم و آگاهی از رابطه‌اش با کریشنا عمل می‌کند، همواره در رهایی است. بنابراین او مجبور نیست پس از مرگ از نتایج اعمالش لذت یا رنج ببرد.

## آیه ۱۳

*pañcaitāni mahā-bāho*
*kāraṇāni nibodha me*
*sāṅkhye kṛtānte proktāni*
*siddhaye sarva-karmaṇām*

*pañca* : پنج ـ *etāni* : اینها ـ *mahā-bāho* : ای مسلّح بزرگ ـ *kāraṇāni* : علل ـ *nibodha* : فقط درک کن ـ *me* : از من ـ *sāṅkhye* : در ودانتا ـ *kṛta-ante* : در نتیجه‌گیری ـ *proktāni* : گفته شده ـ *siddhaye* : برای کمال ـ *sarva* : مربوط به همه ـ *karmaṇām* : فعالیتها.

## ترجمه

**ای مسلّح بزرگ، اَرجونا، بر اساس ودانتا پنج علت باعث انجام کلیهٔ اعمال می‌گردد. اینک اینها را از من بیاموز.**

## شرح

ممکن است این سؤال مطرح گردد که چون انجام هر عملی باید عکس‌العملی به همراه داشته باشد، چگونه شخصی که در آگاهی به خداوند یا آگاهی به کریشناست از بازتابهای عمل رنج یا لذت نمی‌برد خداوند برای آنکه نشان دهد چگونه این امر امکان‌پذیر است، به فلسفه ودانتا استناد می‌کند. خداوند می‌فرماید برای انجام کلیه اعمال پنج علت وجود دارد و برای موفقیت در هر عمل، انسان باید این پنج علت را بشناسد. سانکهیا به معنای پایه و اساس دانش و ودانتا غایت دانش است که از طرف تمام آچاریاهای اصلی و برجسته پذیرفته شده است. حتی شانکارا، ودانتا ـ سوترا را بدین گونه می‌پذیرد. بنابراین شایسته است که به چنین منابع معتبری رجوع شود.

*sarvasya cāhaṁ hṛdi sanniviṣṭaḥ.*

همانا روح متعال کنترل کننده نهایی است. او هر کس را با به خاطر آوردن اعمال گذشته‌اش مشغول فعالیتهای خاصی می‌نماید؛ و اعمال انجام گرفته‌ای که در آگاهی به کریشنا دروناً تحت هدایت او صورت می‌گیرد، هیچ گونه عکس‌العملی در این زندگی یا در زندگی بعد به بار نمی‌آورد.

## آیه ۱۴

*adhiṣṭhānaṁ tathā kartā*
*karaṇaṁ ca pṛthag-vidham*
*vividhāś ca pṛthak ceṣṭā*
*daivaṁ caivātra pañcamam*

*adhiṣṭhānam* : مکان ـ *tathā* : همچنین ـ *kartā* : فاعل ـ *karaṇam* : ابزار ـ *ca* : و ـ *pṛthak-vidham* : مربوط به انواع مختلف ـ *vividhāḥ* : گوناگون ـ *ca* : و ـ *pṛthak* : جدا ـ *ceṣṭāḥ* : تلاشها و کوششها ـ *daivam* : حق تعالی ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *atra* : اینجا ـ *pañcamam* : پنجمین.

## ترجمه

**مکان عمل [بدن]، فرد انجام دهنده، حواس گوناگون، انواع مختلف کار و تلاش، و در نهایت روح متعال، همگی پنج عامل (اصل اساسی) عمل هستند.**

## شرح

واژه آدهیشتهانام به بدن اشاره دارد. روح درون بدن به منظور کسب نتایج عمل می‌کند و بنابراین به عنوان کارتا "انجام دهنده" شناخته می‌شود. این مطلب که روح، داننده و انجام‌دهنده است در شروتی بیان گردیده است.
*śruti. Eṣa hi draṣṭā sraṣṭā* (پراشنا اوپانیشاد ۹/۴)
همچنین این مطلب در آیات ودانتا ـ سوترا (۱۸/۳/۲) و (۳۳/۳/۲) تأیید شرد است:
*jño 'ta eva* و *kartā śāstrārthavattvāt* حواس در حکم ابزار کار می‌باشند و روح با به کارگیری آنها به طرق گوناگون عمل می‌کند و برای هر کار، تلاش و کوشش خاصی انجام می‌دهد، لیکن تمام اعمال انسان به اراده روح متعال متکی می‌باشد که به عنوان دوستی صمیمی درون قلب جای دارد. خداوند یکتا علت متعال هر عملی است؛ پس کسی که در آگاهی به کریشنا، تحت هدایت روح متعال ساکن در قلب خود عمل می‌کند، بالطبع گرفتار بازتاب هیچ گونه فعالیتی نمی‌گردد. لذا آنان که در خدا آگاهی یا در کریشنا آگاهی کامل قرار دارند در نهایت مسئول اعمالشان نیستند، زیرا کلیه اعمال آنان به اراده متعال یعنی روح متعال، شخصیت متعال خداوند اتکاء دارد.

## آیه ۱۵

*śarīra-vāṅ-manobhir yat*
*karma prārabhate naraḥ*
*nyāyyaṁ vā viparītaṁ vā*
*pañcaite tasya hetavaḥ*

*śarīra* : به‌وسیله بدن ـ *vāk* : کلام ـ *manobhiḥ* : و ذهن ـ *yat* : که ـ *karma* : کار ـ *prārabhate* : آغاز می‌کند ـ *naraḥ* : شخص ـ *nyāyyam* : درست ـ *vā* : یا ـ *viparītam* : مقابل، مخالف ـ *vā* : یا ـ *pañca* : پنج ـ *ete* : همه اینها ـ *tasya* : مال آن، ش ـ *hetavaḥ* : علتها.

## ترجمه

**هر عمل درست یا اشتباهی که انسان با بدن، فکر یا کلامش انجام می‌دهد ناشی از این پنج عامل است.**

## شرح

کلمات "درست" و "اشتباه" در این آیه بسیار حائز اهمیت اند. کار درست آن کاری است که طبق تعالیم وضع شده در کتب مقدس، و کار اشتباه کاری است که برخلاف اصول و احکام کتب مقدس انجام گیرد. لیکن انجام کامل هر کاری نیاز به این پنج عامل دارد.

## آیه ۱۶

*tatraivaṁ sati kartāram*
*ātmānaṁ kevalaṁ tu yaḥ*
*paśyaty akṛta-buddhitvān*
*na sa paśyati durmatiḥ*

*tatra* : آنجا ـ *evam* : بدین‌سان ـ *sati* : بودن ـ *kartāram* : فاعل عمل ـ *ātmānam* : خودش ـ *kevalam* : فقط ـ *tu* : اما ـ *yaḥ* : هر کسی که ـ *paśyati* : می‌بیند ـ *akṛta-buddhitvāt* : به علت فقدان شعور ـ *na* : هیچگاه ـ *saḥ* : او ـ *paśyati* : می‌بیند ـ *durmatiḥ* : ابله.

### ترجمه

**بدین سبب کسی که خود را یگانه انجام دهندهٔ کار می‌داند و این پنج عامل را در نظر نمی‌گیرد، مسلماً چندان خردمند نیست و نمی‌تواند چیزها را همان گونه که هست ببیند.**

## شرح

شخص ابله نمی‌تواند درک کند که روح متعال همانند دوستی صمیمی درون قلب نشسته است و اعمال او را هدایت می‌نماید. هرچند علل مادی انجام کار عبارتند از مکان، انجام دهنده، تلاش و حواس، ولی علت نهایی آن پروردگار متعال یعنی شخصیت اعلای خداوند است. بنابراین، انسان باید نه تنها چهار علت مادی، بلکه آن علت متعال مؤثر را نیز در نظر بگیرد. کسی که متعال را نمی‌بیند، خود را انجام دهنده می‌پندارد.

## آیه ۱۷

*yasya nāhaṅkṛto bhāvo*
*buddhir yasya na lipyate*
*hatvāpi sa imāl̐ lokān*
*na hanti na nibadhyate*

*yasya* : کسی که ـ *na* : هیچگاه ـ *ahaṅkṛtaḥ* : مربوط به منیت کاذب ـ *bhāvaḥ* : طبیعت ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *yasya* : کسی که ـ *na* : هرگز ـ *lipyate* : دلبسته است ـ *hatvā* : کشتن ـ *api* : حتی ـ *saḥ* : او ـ *imān* : این ـ *lokān* : جهان ـ *na* : هیچگاه ـ *hanti* : می‌کشد ـ *na* : هیچگاه ـ *nibadhyate* : گرفتار می‌گردد.

### ترجمه

**کسی که محرکش منیت کاذب و شعورش گرفتار نباشد، هرچند در این دنیا کسی را هم بکشد، قاتل محسوب نخواهد شد. او هرگز گرفتار اعمالش نمی‌گردد.**

## شرح

خداوند در این آیه آرجونا را آگاه می‌کند که خواسته نجنگیدن او از منیت کاذب نشأت می‌گیرد. زیرا آرجونا بدون در نظر گرفتن تأیید متعال هم از درون و هم از برون، خود را به منزله انجام دهنده عمل پنداشت. چنانچه کسی به وجود تأیید متعال واقف نباشد چرا باید عملی انجام دهد اما کسی که به خصوصیات ابزار کار واقف است، همچنین خویشتن را به عنوان انجام دهنده و خداوند را به عنوان تأیید کننده متعال می‌شناسد در انجام همه امور تام و کامل است. چنین شخصی هیچگاه در توهم نیست. عمل خودمحورانه، توأم با مسئولیتی که برای فرد انجام دهنده به دنبال می‌آورد، از منیت کاذب و بی‌خدایی یا فقدان کریشنا آگاهی برمی‌خیزد. هر آن کس که در آگاهی به کریشنا تحت هدایت روح متعال یا شخصیت اعلای خداوند عمل کند، حتی به رغم کشتن نیز کسی را نمی‌کشد و همین طور هیچگاه تحت تأثیر عکس‌العمل چنین کشتاری قرار نمی‌گیرد. وقتی سربازی کسی را به فرمان افسر مافوق می‌کشد، محاکمه نمی‌شود؛ اما اگر خودسرانه مرتکب قتل شود، حتماً به حکم قانون محاکمه خواهد شد.

## آیه ۱۸

*jñānaṁ jñeyaṁ parijñātā*
*tri-vidhā karma-codanā*
*karaṇaṁ karma karteti*
*tri-vidhaḥ karma-saṅgrahaḥ*

*jñānam* : دانش ـ *jñeyam* : موضوع دانش ـ *parijñātā* : داننده ـ *tri-vidhā* : مربوط به سه نوع ـ *karma* : مربوط به کار ـ *codanā* : نیروی حرکتی، انگیزه ـ *karaṇam* : حواس ـ *karma* : کار ـ *kartā* : انجام دهنده ـ *iti* : بدین‌سان ـ *tri-vidhaḥ* : مربوط به سه نوع ـ *karma* : مربوط به کار ـ *saṅgrahaḥ* : مجموع.

## ترجمه

**دانش، موضوع دانش و داننده، سه عاملِ محرک عمل هستند؛ حواس، عمل به خودی خود و فاعلِ عمل، پایه‌های سه‌گانهٔ عمل را تشکیل می‌دهند.**

## شرح

سه نوع نیروی محرک برای کارهای روزانه وجود دارد: دانش، موضوع دانش و داننده. ابزار کار، خود کار و انجام دهنده کار عناصر تشکیل دهنده کار خوانده می‌شوند. هر کاری که انسان انجام دهد شامل این شش عنصر است. انگیزه یا نیروی متحرکی که قبل از انجام هر کاری برای اقدام به آن کار وجود دارد الهام خوانده می‌شود. هر راه حلی که قبل از وقوع کار، به منظور انجام آن، به ذهن متبادر شود، شکل لطیفی از آن کار محسوب می‌شود و در مرحله بعدی است که کار صورت عملی به خود می‌گیرد. نخست انسان باید روند روانشناختی فکر کردن، احساس کردن و اراده نمودن را طی کند که این امر محرک یا انگیزه خوانده می‌شود. الهام برای کار، چنانچه از کتب مقدس و یا تعالیم پیر روحانی بیاید، هر دو یکی است. هنگامی که الهام با فاعل کار توأم شود، آنگاه فعالیت واقعی به کمک حواس و به انضمام ذهن که مرکز تمام حواس است صورت می‌گیرد. کلیه اجزای یک فعالیت را مجموعه کار خوانند.

## آیه ۱۹

*jñānaṁ karma ca kartā ca*
*tridhaiva guṇa-bhedataḥ*
*procyate guṇa-saṅkhyāne*
*yathāvac chṛṇu tāny api*

*jñānam* : دانش ـ *karma* : کار ـ *ca* : همچنین ـ *kartā* : فاعل کار ـ *ca* : همچنین ـ *tridhā* : مربوط به سه نوع ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *guṇa-bhedataḥ* : بر حسب گونه‌های مختلف طبیعت مادی ـ *procyate* : گفته می‌شوند ـ *guṇa-saṅkhyāne* : بر حسب گونه‌های مختلف ـ *yathā-vat* : همان گونه که هستند ـ *śṛṇu* : بشنو ـ *tāni* : همه آنها ـ *api* : همچنین.

## ترجمه

**بر اساس سه گونهٔ طبیعت مادی، سه نوع دانش، عمل و انجام دهندهٔ عمل وجود دارد. اکنون دربارهٔ آنها، از من بشنو.**

## شرح

در فصل چهاردهم، گونه‌های سه گانه طبیعت مادی به تفصیل توصیف گردید. در آن فصل گفته شد که روشنایی (معرفت) از گونهٔ نیکی، مادی‌گرایی از گونهٔ شهوت و تنبلی و کاهلی از گونهٔ جهل منبعث می‌شود. کلیه گونه‌های طبیعت مادی نه تنها منشأ رهایی نیستند که عامل اسارت نیز می‌باشند. حتی در طبع خوبی نیز انسان مقید است. در فصل هفدهم، انواع مختلف پرستش که از طرف انواع مختلف انسان در گونه‌های مختلف طبیعت مادی انجام می‌شود توصیف گردید. در این آیه، خداوند تمایل خود را درباره تشریح انواع مختلف دانش، فاعل کار و خود کار طبق طبایع سه گانه مادی ابراز می‌دارد.

## آیه ۲۰

*sarva-bhūteṣu yenaikaṁ*
*bhāvam avyayam īkṣate*
*avibhaktaṁ vibhakteṣu*
*taj jñānaṁ viddhi sāttvikam*

*sarva-bhūteṣu* : در تمام موجودات زنده ـ *yena* : به‌وسیله آن که ـ *ekam* : یک ـ *bhāvam* : وضع، سرشت ـ *avyayam* : فناناپذیر، جاودانی ـ *īkṣate* : فرد می‌بیند ـ *vibhakteṣu* : تقسیم‌نشده ـ *vibhakteṣu* : تقسیم شده به بی‌شمار ـ *tat* : آن ـ *jñānam* : دانش ـ *viddhi* : بدان ـ *sāttvikam* : در گونهٔ نیکی.

## ترجمه

**باید درک کنی دانشی که به موجب آن جوهر روحانیِ غیرمنقسمِ واحدی در تمام موجودات زنده که به شکلهای بی‌شماری تقسیم شده‌اند دیده می‌شود، دانش در گونهٔ نیکی است.**

## شرح

شخصی که روح را در هر موجود زنده‌ای اعم از فرشته، انسان، حیوان، پرنده، چهارپا، آبزی یا گیاه می‌بیند، صاحب دانش در گونهٔ نیکی است.

موجودات زنده دارای بدنهای مختلفی هستند که آن را بر اساس کارهای گذشته خود کسب کرده‌اند ولی در هر یک از این بدنها یک روح وجود دارد. همان گونه که در فصل هفتم توصیف شد، تجلی نیروی حیات در هر کالبد مادی به علت حضور طبیعت برتر خداوند متعال (پاراپراکریتی) است. بدین ترتیب دیدن آن طبیعت برتر واحد، یعنی آن نیروی حیات، در یکایک کالبدهای جسمانی، بینش در طبع نیکی است. آن انرژی حیات، فناناپذیر است هرچند بدنها فناپذیرند. به علت فراوانی شکلهای موجودیت مادی در زندگی مقید، تشخیص موجودات زنده از طریق بدن آنها میسر می‌گردد و بدین جهت نیروی حیات به نظر تقسیم شده می‌آید. دانش بی‌هویت‌گرایانه‌ای که دراین آیه از آن صحبت می‌شود انسان را در نهایت به خودشناسی رهنمون می‌کند.

## آیه ۲۱

*pṛthaktvena tu yaj jñānaṁ*
*nānā-bhāvān pṛthag-vidhān*
*vetti sarveṣu bhūteṣu*
*taj jñānaṁ viddhi rājasam*

*pṛthaktvena* : به دلیل تقسیم ـ *tu* : اما ـ *yat* : که ـ *jñānam* : دانش ـ *nānā-bhāvān* : موقعیتهای متنوع ـ *pṛthak-vidhān* : مختلف ـ *vetti* : می‌داند ـ *sarveṣu* : در تمام ـ *bhūteṣu* : موجودات زنده ـ *tat* : آن ـ *jñānam* : دانش ـ *viddhi* : باید شناخته شود ـ *rājasam* : بر حسب شهوت.

## ترجمه

**باید درک کنی دانشی که به موجب آن در هر کالبد جسمانی، موجود زندهٔ متفاوتی دیده می‌شود، دانش در گونهٔ شهوت است.**

## شرح

این دیدگاه که بدن مادی، همان موجود زنده است و با انهدام بدن، آگاهی نیز نابود می‌شود، دانش‌در گونهٔ شهوت است. بر اساس این دانش، بدنها به علت تکامل انواع مختلف آگاهی با یکدیگر متفاوت هستند؛ در ضمن بر این مطلب نیز تأکید دارد که آگاهی مذکور تجلی روحی که از بدن جدا می‌باشد نیست. بدن خودش روح است، و هیچ روح مجزایی در ورای بدن وجود ندارد. بر اساس این دانش، آگاهی موقتی است. دیگر اینکه ارواح منفرد وجود ندارند، بلکه فقط یک روح حاضر در همه جا و مملو از دانش وجود دارد و بدن تجلی یک جهل موقت است. و یا در ورای این بدن هیچ گونه فرد بخصوص یا روح والایی وجود ندارد. کلیه این ادراکات و تصورات حاصل گونهٔ شهوت محسوب می‌گردد.

## آیه ۲۲

*yat tu kṛtsna-vad ekasmin*
*kārye saktam ahaitukam*
*atattvārtha-vad alpaṁ ca*
*tat tāmasam udāhṛtam*

*yat* : آن که ـ *tu* : اما ـ *kṛtsna-vat* : به منزله هرآنچه هست ـ *ekasmin* : در یک ـ *kārye* : کار *saktam* : دلبسته شده ـ *ahaitukam* : بدون علت ـ *atattva-artha-vat* : بدون شناخت حقیقت ـ *alpam* : خیلی کوچک ـ *ca* : و ـ *tat* : آن ـ *tāmasam* : در گونه تاریکی ـ *udāhṛtam* : گفته می‌شود (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**و دانش بسیار ناچیزی که به موجب آن، انسان بدون شناخت حقیقت، فقط به یک نوع کار ـ که جای همه چیز را برایش پر می‌کند ـ دلبسته می‌گردد گفته می‌شود در گونهٔ تاریکی است.**

## شرح

دانش اشخاص عادی همواره در گونه تاریکی یا جهل است زیرا موجودات زنده در زندگی مقید در گونهٔ جهل تولد می‌یابند. کسی که دانش خود را از طریق مراجع معتبر و دستورات کتب مقدس پرورش نداده باشد، دارای دانشی محدود به بدن است. او توجهی به کار و عمل بر اساس احکام کتب مقدس ندارد. برای او خدا یعنی ثروت و دانش یعنی رضایت خواسته‌های بدنی. چنین دانشی هیچ گونه ربطی به حقیقت مطلق ندارد و کم و بیش مانند دانش حیوانات معمولی است، یعنی در خوردن، خوابیدن، دفاع و جفت‌گیری خلاصه می‌شود. چنین دانشی، در اینجا، به منزله محصول گونه تاریکی توصیف شده است. به طور

خلاصه، دانشی که به روح ورای بدن می‌پردازد، دانش درگونهٔ نیکی خوانده می‌شود؛ دانشی که فرضیات و نظریات بسیاری را با کمک منطق مادی و پندار فکری ایجاد می‌کند حاصل گونهٔ شهوت است؛ و دانشی که فقط به تأمین آسایش بدن می‌اندیشد گفته می‌شود در گونهٔ جهل است.

## آیه ۲۳

*niyataṁ saṅga-rahitam*
*arāga-dveṣataḥ kṛtam*
*aphala-prepsunā karma*
*yat tat sāttvikam ucyate*

*niyatam* : تنظیم شده ـ *saṅga-rahitam* : بدون دلبستگی ـ *arāga-dveṣataḥ* : بدون عشق یا نفرت ـ *kṛtam* : انجام شده ـ *aphala-prepsunā* : به‌وسیله کسی که فارغ از خواسته برای نتایج و ثمرات است ـ *karma* : عمل ـ *yat* : که ـ *tat* : آن ـ *sāttvikam* : در گونهٔ نیکی ـ *ucyate* : خوانده می‌شود.

## ترجمه

**اما دربارهٔ عمل، آن عمل تنظیم‌شده‌ای که بدون دلبستگی، بدون عشق یا نفرت، و بدون خواسته برای نتایج و ثمرات انجام گیرد، گفته می‌شود در گونهٔ نیکی است.**

## شرح

هنگامی که وظایف شغلی تنظیم شده – همان گونه که در کتب مقدس بر اساس مراحل مختلف زندگی و طبقات گوناگون جامعه تجویزشده است – بدون دلبستگی یا احساس مالکیت، و در نتیجه بدون هیچ گونه عشق یا تنفر، و در آگاهی به کریشنا برای رضایت خداوند متعال بدون ارضای نفس یا ارضای حواس انجام گردند، اعمالی در گونهٔ نیکی خوانده می‌شوند.

## آیه ۲۴

*yat tu kāmepsunā karma*
*sāhaṅkāreṇa vā punaḥ*
*kriyate bahulāyāsaṁ*
*tad rājasam udāhṛtam*

*yat* : آن که ـ *tu* : اما ـ *kāma-īpsunā* : به‌وسیله فردی با خواسته‌هایی برای نتایج و ثمرات ـ *karma* : کار ـ *sa-ahaṅkāreṇa* : با منیت ـ *vā* : یا ـ *punaḥ* : دوباره ـ *kriyate* : انجام می‌شود ـ *bahula-āyāsam* : با کار و تلاش سخت ـ *tat* : آن ـ *rājasam* : در گونهٔ شهوت ـ *udāhṛtam* : گفته شده (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**اما عملی را که انسان با کوشش بسیار زیاد برای ارضای خواسته‌هایش انجام می‌دهد و از احساس منیت کاذب نشأت می‌گیرد، عمل در گونهٔ شهوت خوانده می‌شود.**

## آیه ۲۵

*anubandhaṁ kṣayaṁ hiṁsām*
*anapekṣya ca pauruṣam*
*mohād ārabhyate karma*
*yat tat tāmasam ucyate*

*anubandham* : مربوط به اسارت در آیند ـ *kṣayam* : نابودی ـ *hiṁsām* : و درد و ناراحتی‌برای دیگران ـ *anapekṣya* : بدون در نظر گرفتن عواقب ـ *ca* : همچنین ـ *pauruṣam* : به اجازه خود،به تصویب خود ـ *mohāt* : به‌وسیله توهم ـ *ārabhyate* : شروع می‌شود ـ *karma* : کار ـ *yat* : که ـ *tat* : آن ـ *tāmasam* : در گونهٔ جهل ـ *ucyate* : گفته شده (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**آن عملی که از روی توهم، بدون در نظر گرفتن احکام کتب مقدس و اعتناء به اسارتی که در آینده در پـی خواهد داشت، انجام گیرد و باعث صدمه زدن به دیگران شود، می‌گویند در گونهٔ جهل است.**

## شرح=

انسان باید حساب اعمال و کردار خود را به دولت یا کارگزاران خداوند متعال که یامادوتا خوانده می‌شوند پس بدهد. کاری که بدون احساس مسئولیت انجام شود، مخرب است و باعث گمگشتگی، زیرا اصول تنظیم کننده دستورات کتب مقدس را نقض می‌کند. چنین کاری اغلب مبتنی بر خشونت است و برای موجودات زنده دیگر رنج‌آور می‌باشد. کار یکه در آن احساس مسئولیت نهفته نباشد، در پرتو تجربه شخصی انسان صورت می‌گیرد، که این امر توهم خوانده می‌شود؛ و تمام کارهای توهمی، حاصل گونهٔ جهل است.

## آیه ۲۶

*mukta-saṅgo 'nahaṁ-vādī*
*dhṛty-utsāha-samanvitaḥ*
*siddhy-asiddhyor nirvikāraḥ*
*kartā sāttvika ucyate*

*mukta-saṅgaḥ* : رها شده از هر گونه ارتباط مادی ـ *anaham-vādī* : بدون منیت کاذب ـ *dhṛti* : با عزم راسخ ـ *utsāha* : و اشتیاق فراوان ـ *samanvitaḥ* : شایسته، باصلاحیت ـ *siddhi* : در کمال ـ *asiddhyoḥ* : و شکست ـ *nirvikāraḥ* : بدون تغییر ـ *kartā* : فاعل، انجام دهنده ـ *sāttvikaḥ* : در گونهٔ نیکی ـ *ucyate* : گفته شده (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**کسی که وظیفه‌اش را فارغ از ارتباط با گونه‌های طبیعت مادی، بدون منیت کاذب، با عزم راسخ و اشـتیاق فراوان و بی‌اعتناء نسبت به موفقیت یا شکست انجام می‌دهد، گفته می‌شود فاعلی درگونهٔ نیکی است.**

## شرح

شخصی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد، همواره در ورای گونه‌های مادی طبیعت است. او هیچ گونه چشمداشتی به نتایج و ثمرات کاری که به او سپرده شده ندارد زیرا فارغ از منیت کاذب و غرور است. با وجود این، همواره تا پایان چنین کاری اشتیاق خود را حفظ می‌کند و نگران سختیهای مربوط به کار نیست. وی اهمیتی به شکست یا موفقیت نمی‌دهد و در رنج و محنت و در شادی و خوشبختی یکسان است. چنین انجام دهنده کاری در گونهٔ نیکی است.

## آیه ۲۷

*rāgī karma-phala-prepsur*
*lubdho hiṁsātmako 'śuciḥ*
*harṣa-śokānvitaḥ kartā*
*rājasaḥ parikīrtitaḥ*

*rāgī* : بسیار دلبسته شده ـ *karma-phala* : نتیجه کار ـ *prepsuḥ* : خواستار ـ *lubdhaḥ* : حریص ـ *hiṁsā-ātmakaḥ* : همواره حسود ـ *aśuciḥ* : ناپاک ـ *harṣa-śoka-anvitaḥ* : متأثر از شادی و غم ـ *kartā* : چنین فاعلی ـ *rājasaḥ* : در گونهٔ شهوت ـ *parikīrtitaḥ* : عنوان می‌شود.

## ترجمه

**آن انجام دهنده‌ای که به کار و ثمراتش دلبسته است و مشتاق لذت بردن از نتایج آن می‌باشد و حریص، همواره حسود و ناپاک است و با شادی و غم متأثر می‌شود، می‌گویند در گونهٔ شهوت است.**

## شرح

دلبستگی زیاد شخص به نوع خاصی کار یا نتایج آن به دلیل دلبستگی شدید او به مادیات، خانه و کاشانه، زن و فرزند است. چنین شخصی هیچ گونه علاقه‌ای به پیشرفت در مراتب عالی زندگی ندارد. او فقط در این فکر است که حتی‌المقدور این دنیا را از نظر مادی جای راحتی نماید. او قاعدتاً بسیار حریص است و می‌پندارد هر گونه دستاوردی که در این جهان کسب نماید دائمی است و هیچگاه از بین نمی‌رود. چنین شخصی نسبت به دیگران حسد می‌ورزد و حاضر است هر کار نادرستی را برای کامجویی انجام دهد. بنابراین چنین شخصی ناپاک است و علاقه‌ای ندارد که بداند کسبش پاک است یا ناپاک. او هنگام موفقیت در کارش بسیار خوشحال و در صورت عدم موفقیت بسیار ناراحت می‌شود. چنین شخصی در گونهٔ شهوت است.

## آیه ۲۸

*ayuktaḥ prākṛtaḥ stabdhaḥ*
*śaṭho naiṣkṛtiko 'lasaḥ*
*viṣādī dīrgha-sūtrī ca*
*kartā tāmasa ucyate*

*ayuktaḥ* : بدون استناد به دستورات کتب مقدس ـ *prākṛtaḥ* : مادیگرا ـ *stabdhaḥ* : لجوج و خودرأی ـ *śaṭhaḥ* : متقلب ـ *naiṣkṛtikaḥ* : ماهر در توهین به دیگران ـ *alasaḥ* : تنبل ـ *viṣādī* : ترشرو و عبوس ـ *dīrgha-sūtrī* : طفره رو و به تعویق انداز ـ *ca* : همچنین ـ *kartā* : فاعل ـ *tāmasaḥ* : در گونهٔ جهل ـ *ucyate* : گفته می‌شود (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**آن انجام دهندهٔ کار که همواره به عملی مغایر با دستورات کتب مقدس اشتغال دارد، دنیاپرست، لجوج و خودرأی، متقلب، ماهر در توهین به دیگران، تنبل، ترشرو و عبوس است، مسامحه می‌کند و کار را به تعویق می‌اندازد، گفته می‌شود فاعلی در گونهٔ جهل است.**

## شرح

ما از فرامین کتب مقدس درمی‌یابیم که چه نوع کارهایی باید انجام و چه نوع کارهایی نباید انجام شود. کسانی که علاقه و توجهی به این اوامر و نواهی کتب مقدس ندارند به کارهایی که نباید انجام شود مشغول می‌شوند و چنین اشخاصی عموماً مادیگرا هستند. آنان بر اساس گونه‌های طبیعت کار می‌کنند، نه طبق احکام کتب مقدس. چنین فاعلانی چندان ملایم و مهربان نیستند و به طور کلی همواره حیله‌گر و ماهر در توهین به دیگران‌اند. آنان بسیار تنبل هستند و چنانچه کاری به آنها محول شود یا آن را به درستی انجام نمی‌دهند و یا انجام آن را به بعد موکول می‌کنند. آنان کاری را که در یک ساعت می‌توان انجام داد سالها به تعویق می‌اندازند و مسامحه‌کارند. بنابراین به نظر ترشرو و عبوس می‌آیند. چنین فاعلانی در گونهٔ جهل قرار دارند.

## آیه ۲۹

*buddher bhedaṁ dhṛteś caiva*
*guṇatas tri-vidhaṁ śṛṇu*
*procyamānam aśeṣeṇa*
*pṛthaktvena dhanañjaya*

*buddheḥ* : مربوط به شعور ـ *bhedam* : تفاوتها ـ *dhṛteḥ* : مربوط به ثبات ـ *ca* : همچنین ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *guṇataḥ* : به‌وسیله گونه‌های طبیعت مادی ـ *tri-vidham* : مربوط به سه نوع ـ *śṛṇu* : فقط بشنو ـ *procyamānam* : همان گونه که به‌وسیله من توصیف شده ـ *aśeṣeṇa* : به تفصیل ـ *pṛthaktvena* : به طور متفاوت ـ *dhanañjaya* : ای فاتح ثروت.

## ترجمه

**حال ای فاتح ثروت، خواهشمندم گوش فرا دار تا به تفصیل انواع مختلف درک و عزم را بر اساس سه گونهٔ طبیعت مادی برایت بازگویم.**

## شرح

اکنون خداوند پس از توضیح دانش، موضوع دانش و داننده، در سه بخش مختلف بر اساس گونه‌های طبیعت مادی، به همان ترتیب به توضیح شعور و عزم انجام دهنده کار می‌پردازد.

## آیه ۳۰

*pravṛttiṁ ca nivṛttiṁ ca*
*kāryākārye bhayābhaye*
*bandhaṁ mokṣaṁ ca yā vetti*
*buddhiḥ sā pārtha sāttvikī*

*pravṛttim* : انجام دادن ـ *ca* : همچنین ـ *nivṛttim* : انجام ندادن ـ *ca* : و ـ *kārya* : آنچه باید انجام شود ـ *akārye* : و آنچه نباید انجام شود ـ *bhaya* : ترس ـ *abhaye* : و بدون ترس بودن ـ *bandham* : اسارت ـ *mokṣam* : رهایی ـ *ca* : و ـ *yā* : آن که ـ *vetti* : می‌فهمد ـ *buddhiḥ* : درک، هوش ـ*sā* : آن ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *sāttvikī* : در گونهٔ نیکی.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، آن درکی که به‌وسیلهٔ آن انسان درمی‌یابد چه کاری باید انجام و چه کاری نباید انجام شود، از چه چیزی باید و از چه چیزی نباید ترسید، چه چیزی عامل اسارت و چه چیزی رهایی‌بخش است، آن درک در گونهٔ نیکی قرار دارد.**

## شرح

اعمالی که بر اساس تعالیم کتب مقدس انجام می‌گردد پراوریتی یا اعمال شایسته انجام دادن خوانده می‌شود، برخلاف اعمالی که بدین‌سان توصیه نشده است و نباید انجام شود. کسی که نسبت به راهنماییهای کتب مقدس آگاهی ندارد، در عمل و عکس‌العمل گرفتار می‌گردد. عقل و شعوری که دارای قوه تمیز و تشخیص است در گونهٔ نیکی قرار دارد.

## آیه ۳۱

*yayā dharmam adharmaṁ ca*
*kāryaṁ cākāryam eva ca*
*ayathāvat prajānāti*
*buddhiḥ sā pārtha rājasī*

*yayā* : که به‌وسیله آن ـ *dharmam* : اصول دین ـ *adharmam* : بی‌دینی ـ *ca* : و ـ *kāryam* : آنچه باید انجام شود ـ *akāryam* : آنچه نباید انجام شود ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ca* : همچنین ـ *ayathā-vat* : به طرز ناکاملی ـ *prajānāti* : می‌داند ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *sā* : آن ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *rājasī* : در گونهٔ شهوت.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، آن درکی که قادر به تشخیص دین از بی‌دینی نیست و عملی را که باید انجام شود از عملی که نباید انجام گردد تشخیص نمی‌دهد، در گونهٔ شهوت است.**

## آیه ۳۲

*adharmaṁ dharmam iti yā*
*manyate tamasāvṛtā*
*sarvārthān viparītāṁś ca*
*buddhiḥ sā pārtha tāmasī*

*adharmam* : بی‌دینی ـ *dharmam* : دین ـ *iti* : بدین‌سان ـ *yā* : که ـ *manyate* : فکر می‌کند ـ *tamasā* : به‌وسیله توهم ـ *āvṛtā* : پوشیده شده ـ *sarva-arthān* : همه چیزها ـ *viparītān* : در جهت نادرست ـ *ca* : همچنین ـ *buddhiḥ* : شعور ـ *sā* : آن ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *tāmasī* : درگونهٔ جهل.

## ترجمه

**ای پارتها، آن درکی که تحت افسونِ توهم و تاریکی، بی‌دینی را دین و دین را بی‌دینی محسوب می‌کند و همواره در جهت نادرست می‌کوشد، در گونهٔ نادانی است.**

## شرح

عقل و شعور در گونهٔ جهل همواره به صورت منحرف عمل می‌کند. چنین شعوری مذاهبی را که واقعاً مذهب نیستند می‌پذیرد و مذهب واقعی را رد می‌نماید. اشخاصی که در گونهٔ جهل قرار دارند روح بزرگی را به عنوان انسانی معمولی می‌انگارند و شخص معمولی را به عنوان روحی بزرگ می‌پذیرند. حقیقت را غیر حقیقت و غیر حقیقت را حقیقت می‌پندارند. آنان در تمام اعمال فقط راه نادرست را در پیش می‌گیرند؛ بنابراین عقل و شعور آنها در گونهٔ جهل است.

## آیه ۳۳

*dhṛtyā yayā dhārayate*
*manaḥ-prāṇendriya-kriyāḥ*
*yogenāvyabhicāriṇyā*
*dhṛtiḥ sā pārtha sāttvikī*

*dhṛtyā* : عزم و تصمیم ـ *yayā* : که به‌وسیله آن ـ *dhārayate* : فرد نگه می‌دارد ـ *manaḥ* : مربوط به ذهن ـ *prāṇa* : زندگی ـ *indriya* : و حواس ـ *kriyāḥ* : فعالیتها ـ *yogena* : به‌وسیله تمرین یوگا ـ *avyabhicāriṇyā* : بدون هیچ گونه وقفه ـ *dhṛtiḥ* : عزم و تصمیم ـ *sā* : آن ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *sāttvikī* : در گونهٔ نیکی.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، آن عزمی که راسخ است و به‌وسیلهٔ تمرین یوگا ثابت و استوار نگاه داشته شده است و بدین‌سان اعمال ذهن، زندگی و حواس را مهار می‌نماید در گونهٔ نیکی است.**

## شرح

یوگا راهی برای درک روح متعال است. کسی که به طور ثابت و استوار و با عزم راسخ بر روح متعال متمرکز است و فکر، زندگی و فعالیتهای حواس خود را بر او متمرکز نموده، مشغول کریشنا آگاهی می‌شود. چنین عزمی از گونهٔ نیکی نشأت می‌گیرد. واژه آویابهیچارینیا بسیار حائز اهمیت است زیرا اشاره به اشخاصی دارد که وقف کریشنا آگاهی هستند و با هیچ کار دیگری از آن منحرف نمی‌شوند.

## آیه ۳۴

*yayā tu dharma-kāmārthān*
*dhṛtyā dhārayate 'rjuna*
*prasaṅgena phalākāṅkṣī*
*dhṛtiḥ sā pārtha rājasī*

*yayā* : که به‌وسیله آن ـ *tu* : اما ـ *dharma* : تقوی، پرهیزگاری ـ *kāma* : ارضای حواس ـ *arthān* : و پیشرفت اقتصادی ـ *dhṛtyā* : به‌وسیله عزم ـ *dhārayate* : شخص نگاه می‌دارد ـ *arjuna* : ای آرجونا ـ *prasaṅgena* : به علت دلبستگی ـ

*phala-ākāṅkṣī* : خواهان نتایج و ثمرات ـ *dhṛtiḥ* : عزم و تصمیم ـ *sā* : آن ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *rājasī* : در گونهٔ شهوت.

## ترجمه

**اما ای آرجونا، آن عزمی که باعث می‌شود شخص در دین و پرهیزکاری، در پیشرفت اقتصادی و ارضای حواس به دنبال نتایج و ثمرات باشد، عزمی در گونهٔ شهوت است.**

## شرح

اشخاصی که همواره در اعمال مذهبی یا فعالیتهای اقتصادی خواستار نتایج و ثمرات هستند و تنها خواسته آنان کامجویی است و فکر، زندگی و حواسشان بدین‌سان مشغول است در طبع شهوت قرار دارند.

## آیه ۳۵

*yayā svapnaṁ bhayaṁ śokaṁ*
*viṣādaṁ madam eva ca*
*na vimuñcati durmedhā*
*dhṛtiḥ sā pārtha tāmasī*

*yayā* : که به‌وسیله آن ـ *svapnam* : رؤیا دیدن ـ *bhayam* : ترس ـ *śokam* : غم و اندوه، سوگواری ـ *viṣādam* : ترشرویی و نارضایتی ـ *madam* : توهم ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ca* : همچنین ـ *na* : هیچگاه ـ *vimuñcati* : شخص رها می‌کند ـ *durmedhā* : نابخرد ـ *dhṛtiḥ* : عزم ـ *sā* : آن ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *tāmasī* : در گونهٔ جهل.

## ترجمه

**ای پسر پریتها، و آن عزم بی‌بهره از خردی که نمی‌تواند از رؤیا، ترس، اندوه و تأسف، ترشرویی و نارضایتی و توهم فراتر برود، در گونهٔ جهل و تاریکی است.**

## شرح

نباید این نتیجه‌گیری را نمود که شخصی که در گونهٔ نیکی است رؤیا نمی‌بیند. در اینجا "رؤیا" به معنی خواب زیاد است. رؤیا امری طبیعی است و همواره وجود دارد، چه در گونهٔ نیکی، چه در گونهٔ شهوت و چه در گونهٔ جهل. اما کسانی که نمی‌توانند از خواب زیاد اجتناب کنند، که قادر نیستند از غرور لذت بردن از مادیات احتراز جویند و همواره در خواب خدایی کردن بر طبیعت مادی‌اند، و زندگی، فکر و حواسشان بدین‌سان مشغول است، عزمشان در گونهٔ جهل قرار دارد.

## آیه ۳۶

*sukhaṁ tv idānīṁ tri-vidhaṁ*
*śṛṇu me bharatarṣabha*
*abhyāsād ramate yatra*
*duḥkhāntaṁ ca nigacchati*

*sukham* : شادی، خوشبختی ـ *tu* : اما ـ *idānīm* : اکنون ـ *tri-vidham* : مربوط به سه نوع ـ *śṛṇu* : بشنو ـ *me* : از من ـ *bharata-ṛṣabha* : ای بهترین در میان بهاراتاها ـ *abhyāsāt* : به‌وسیله تمرین ـ *ramate* : شخص لذت می‌برد ـ *yatra* : جایی که ـ *duḥkha* : مربوط به درد و رنج ـ *antam* : پایان ـ *ca* : همچنین ـ *nigacchati* : به دست می‌آورد.

## ترجمه

**حال، ای بهترین بهاراتاها، خواهشمندم از من دربارهٔ سه نوع شادی و خوشبختی بشنو که روح مقید از آن بهره‌مند می‌گردد و لذت می‌برد و به‌وسیلهٔ آن گاهی اوقات به پایان تمامی دردها می‌رسد.**

## شرح

روح مقید بارها و بارها می‌کوشد از خوشبختی بهره‌مند شود و لذت ببرد. بدین‌سان "به جویدن جویده شده" می‌پردازد. لیکن گاهی اوقات، در خلال چنین لذاتی، به علت معاشرت با روحی بزرگ از گرفتاری و اسارت مادی نجات می‌یابد. به عبارت دیگر، روح مقید همواره مشغول نوعی کامجویی است. اما وقتی به علت معاشرت مطلوب درک نماید که این گونه کسب لذات دنیوی فقط تکرار مکررات است و آگاهی حقیقی او – آگاهی به کریشنا – بیدار شود، می‌تواند از چنین به اصطلاح خوشبختی مکرری رهایی یابد.

## آیه ۳۷

*yat tad agre viṣam iva*
*pariṇāme 'mṛtopamam*
*tat sukhaṁ sāttvikaṁ proktam*
*ātma-buddhi-prasāda-jam*

*yat* : که ـ *tat* : آن ـ *agre* : در آغاز ـ *viṣam iva* : همچون سم ـ *pariṇāme* : در پایان ـ *amṛta* : شهد ـ *upamam* : در مقایسه با ـ *tat* : آن ـ *sukham* : شادی و خوشبختی ـ *sāttvikam* : در گونهٔ نیکی ـ *proktam* : گفته شده ـ *ātma* : در ذات ـ *buddhi* : مربوط به شعور ـ *prasāda-jam* : زاده شده از رضایت.

## ترجمه

**گفته می‌شود آنچه در آغاز می‌تواند همانند زهر باشد ولی سرانجام همچون شهد می‌گردد و انسان را نسبت به خودشناسی بیدار می‌کند، شادی و خوشبختی در گونهٔ نیکی است.**

## شرح

در طی طریق خودشناسی، انسان باید از قواعد و قوانین بسیاری برای تسلط بر فکر و حواس و تمرکز فکر بر ذات تبعیت کند. هرچند کلیه این تمرینات در عمل بسیار دشوارند و به تلخی زهر هستند، اما اگر کسی با عمل کردن به آنها موفق شود به موقعیت روحانی دست یابد، شروع به نوشیدن شهد واقعی می‌نماید و از زندگی حقیقی بهره‌مند می‌گردد و لذت می‌برد.

## آیه ۳۸

*viṣayendriya-saṁyogād*
*yat tad agre 'mṛtopamam*

*pariṇāme viṣam iva*
*tat sukhaṁ rājasaṁ smṛtam*

*viṣaya* : مربوط به اشیای جلب کننده حواس ـ *indriya* : و حواس ـ *saṁyogāt* : از ترکیب ـ *yat* : که ـ *tat* : آن ـ *agre* : در آغاز ـ *amṛta-upamam* : درست مانند شهد ـ *pariṇāme* : سرانجام ـ *viṣam iva* : همچون سم ـ *tat* : آن ـ *sukham* : شادی و خوشبختی ـ *rājasam* : در گونهٔ شهوت ـ *smṛtam* : محسوب می‌شود.

## ترجمه

**آن خوشبختی و لذتی که از تماس حواس با اشیای جلب‌کنندهٔ آنها به دست می‌آید و در آغاز همچون شهد است لیکن در آخر چون زهر، گفته می‌شود در طبع شهوت است.**

## شرح

مرد جوان و زن جوانی یکدیگر را ملاقات می‌کنند و سپس حواس، مرد جوان را به دیدن زن، لمس کردن وی و داشتن رابطه جنسی با او سوق می‌دهد. در آغاز شاید این کشش برای حواس بسیار لذت‌بخش باشد، اما سرانجام، و یا پس از مدتی، درست مانند زهر می‌شود. آنان جدا می‌شوند یا کارشان به طلاق می‌کشد و به دنبال آن غم و اندوه و تأسف و... به وجود می‌آید. چنین خوشبختی و لذتی همواره در گونهٔ شهوت است. آن شادی و لذتی که از ترکیب حواس و اشیای محسوس به دست می‌آید پیوسته علتی برای درد و رنج است و به هر وسیله‌ای باید از آن اجتناب نمود.

## آیه ۳۹

*yad agre cānubandhe ca*
*sukhaṁ mohanam ātmanaḥ*
*nidrālasya-pramādotthaṁ*
*tat tāmasam udāhṛtam*

*yat* : آن که ـ *agre* : در آغاز ـ *ca* : همچنین ـ *anubandhe* : در پایان ـ *ca* : همچنین ـ *sukham* : خوشبختی ـ *mohanam* : توهمی ـ *ātmanaḥ* : مربوط به ذات ـ *nidrā* : خواب ـ *ālasya* : تنبلی ـ *pramāda* : و توهم ـ *uttham* : حاصل شده از ـ *tat* : آن ـ *tāmasam* : در گونهٔ جهل ـ *udāhṛtam* : گفته شده (چنین) می‌باشد.

## ترجمه

**و آن خوشبختی و لذتی که فاقد فروغ خودشناسی است، که از آغاز تا پایان توهم است و از خواب، تنبلی و خیال برمی‌خیزد گفته می‌شود حاصل گونهٔ جهل است.**

## شرح

کسی که از تنبلی و خواب لذت می‌برد مسلماً در گونهٔ جهل و تاریکی قرار دارد و همین طور کسی که اصلا نمی‌داند چگونه عمل کند و یا چگونه عمل نکند. برای شخصی که در گونهٔ جهل قرار دارد همه چیز توهم است. هیچ گونه خوشبختی در آغاز یا پایان وجود ندارد. ممکن است برای شخصی که در گونهٔ شهوت است در آغاز قدری خوشبختی زودگذر به وجود آید، اما برای کسی که در گونهٔ جهل است هم در آغاز و هم در پایان چیزی جز فلاکت و درد و رنج وجود ندارد.

## آیه ۴۰

*na tad asti pṛthivyāṁ vā*
*divi deveṣu vā punaḥ*
*sattvaṁ prakṛti-jair muktaṁ*
*yad ebhiḥ syāt tribhir guṇaiḥ*

*na* : پیشوند نفی ـ *tat* : آن ـ *asti* : وجود دارد ـ *pṛthivyām* : روی زمین ـ *vā* : یا ـ *divi* : در نظام سیاره‌ای فوقانی ـ *deveṣu* : در میان فرشتگان ـ *vā* : یا ـ *punaḥ* : دوباره ـ *sattvam* : موجودیت ـ *prakṛti-jaiḥ* : زاده شده از طبیعت مادی ـ *muktam* : رها شده ـ *yat* : آن ـ *ebhiḥ* : از تأثیر اینها ـ *syāt* : هست ـ *tribhiḥ* : سه ـ *guṇaiḥ* : گونه‌های طبیعت مادی.

## ترجمه

**هیچ موجودی، چه در روی زمین و چه در میان فرشتگان در نظامهای سیاره‌ای فوقانی، وجود نـدارد کـه از این سه گونهٔ طبیعت مادی آزاد باشد.**

## شرح

خداوند در اینجا تأثیر کامل و فراگیر سه گونهٔ طبیعت مادی را در سراسر جهان به طور خلاصه بیان می‌فرماید.

## آیه ۴۱

*brāhmaṇa-kṣatriya-viśāṁ*
*śūdrāṇāṁ ca parantapa*
*karmāṇi pravibhaktāni*
*svabhāva-prabhavair guṇaiḥ*

*brāhmaṇa* : مربوط به براهماناها ـ *kṣatriya* : کشاتریاها ـ *viśām* : و وایشیاها ـ *śūdrāṇām* : مربوط به شودراها ـ *ca* : و ـ *parantapa* : ای تنبیه‌کننده دشمنان ـ *karmāṇi* : فعالیتها ـ *pravibhaktāni* : تقسیم شده‌اند ـ *svabhāva* : طبیعت خودشان ـ *prabhavaiḥ* : زاده شده از ـ *guṇaiḥ* : به‌وسیله گونه‌های طبیعت مادی.

## ترجمه

**ای تنبیه‌کنندهٔ دشمن، براهماناها، کشاتریاها، وایشیاها، و شودراها از روی کیفیت کاری که به موجب طبایع سه گانه کسب کرده‌اند متمایز می‌شوند.**

## آیه ۴۲

*śamo damas tapaḥ śaucaṁ*
*kṣāntir ārjavam eva ca*
*jñānaṁ vijñānam āstikyaṁ*
*brahma-karma svabhāva-jam*

*śamaḥ* : آرامش ـ *damaḥ* : حکمرانی بر نفس ـ *tapaḥ* : ریاضت ـ *śaucam* : پاکی ـ *kṣāntiḥ* : شکیبایی ـ *ārjavam* : صداقت ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *ca* : و ـ *jñānam* : دانش ـ *vijñānam* : خرد،معرفت ـ *āstikyam* : دینداری ـ *brahma* : مربوط به براهمانا ـ *karma* : وظیفه ـ *svabhāva-jam* : زاده شده از طبیعت خودش.

## ترجمه

**آرامش، تسلط بر نفس، ریاضت، پاکی، شکیبایی، صداقت، دانش، خرد و دینداری همگی خصوصیات ذاتی است که براهماناها با آن عمل می‌کنند.**

## آیه ۴۳

*śauryaṁ tejo dhṛtir dākṣyaṁ*
*yuddhe cāpy apalāyanam*
*dānam īśvara-bhāvaś ca*
*kṣātraṁ karma svabhāva-jam*

*śauryam* : قهرمانی ـ *tejaḥ* : قدرت ـ *dhṛtiḥ* : عزم ـ *dākṣyam* : کاردانی ـ *yuddhe* : در نبرد ـ *ca* : و ـ *api* : همچنین ـ *apalāyanam* : فرار نکردن ـ *dānam* : بخشش، سخاوت ـ *īśvara* : مربوطبه رهبری ـ *bhāvaḥ* : طبیعت، سرشت ـ *ca* : و ـ *kṣātram* : مربوط به کشاتریا ـ *karma* : وظیفه ـ *svabhāva-jam* : نشأت گرفته از طبیعت خودش.

## ترجمه

**قهرمانی، قدرت، عزم، کاردانی، شجاعت در نبرد، بخشش و سخاوت و رهبری خصوصیات ذاتی عمل کشاتریاها است.**

## آیه ۴۴

*kṛṣi-go-rakṣya-vāṇijyaṁ*
*vaiśya-karma svabhāva-jam*
*paricaryātmakaṁ karma*
*śūdrasyāpi svabhāva-jam*

*kṛṣi* : شخم زدن ـ *go* : مربوط به گاوهای ماده ـ *rakṣya* : حفاظت ـ *vāṇijyam* : خرید و فروش، تجارت ـ *vaiśya* : مربوط به وایشیا ـ *karma* : وظیفه ـ *svabhāva-jam* : نشأت گرفته از طبیعت‌خودش ـ *paricaryā* : خدمت ـ *ātmakam* : شامل ـ *karma* : وظیفه ـ *śūdrasya* : مربوط به شودرا ـ *api* : همچنین ـ *svabhāva-jam* : نشأت گرفته از طبیعت خودش.

## ترجمه

**زراعت، حفاظت گاو و تجارت کار ذاتی وایشیاها، و خدمت به دیگران کار شودراها است.**

## آیه ۴۵

*sve sve karmaṇy abhirataḥ*

*saṁsiddhiṁ labhate naraḥ*
*sva-karma-nirataḥ siddhiṁ*
*yathā vindati tac chṛṇu*

*sve sve* : هر یک... متعلق به خودش ـ *karmaṇi* : کار ـ *abhirataḥ* : پیروی کردن ـ *saṁsiddhim* : کمال ـ *labhate* : دست می‌یابد ـ *naraḥ* : انسان ـ *sva-karma* : در وظیفه متعلق به خودش ـ *nirataḥ* : مشغول شده ـ *siddhim* : کمال ـ *yathā* : همان طور که ـ *vindati* : دست می‌یابد به ـ *tat* : آن ـ *śṛṇu* : گوش کن.

## ترجمه

**هر انسانی با پیروی از طبیعت و خصوصیات کاری خود می‌تواند به مرتبهٔ کمال دست یابد. حال خواهشمندم بشنو از من که چگونه این امر عملی می‌شود.**

## آیه ۴۶

*yataḥ pravṛttir bhūtānāṁ*
*yena sarvam idaṁ tatam*
*sva-karmaṇā tam abhyarcya*
*siddhiṁ vindati mānavaḥ*

*yataḥ* : از کسی که از او ـ *pravṛttiḥ* : صدور، تجلی ـ *bhūtānām* : مربوط به تمام موجودات زنده ـ *yena* : به‌وسیله کسی که او ـ *sarvam* : تمام ـ *idam* : این ـ *tatam* : نفوذ کرده است ـ *sva-karmaṇā* : به‌وسیله وظایف خودش ـ *tam* : او (خداوند) را ـ *abhyarcya* : به‌وسیله پرستش‌کردن ـ *siddhim* : کمال ـ *vindati* : می‌رسد ـ *mānavaḥ* : انسان.

## ترجمه

**با پرستش خداوند که حاضر در همه جا و منشأ تمام موجودات است، انسان می‌تواند از طریق انجام وظایف خویش به کمال برسد.**

## شرح

همان گونه که در فصل پانزدهم بیان گردید، همه موجودات زنده اجزاء و ذرات لاینفک خداوند هستند. از این جهت پروردگار متعال آغاز و منشأ همه موجودات زنده است. این مطلب بدین گونه در ودانتا ـ سوترا تأیید گردیده است: جانمادی آسیا یاتا. بنابراین خداوند متعال اصل و منشأ حیات هر موجود زنده است. و همان گونه که در فصل هفتم بهاگاواد–گیتا بیان گردید، حق تعالی از طریق دو انرژی خود یعنی انرژی بیرونی و انرژی درونی در همه جا پخش است. بنابراین انسان باید پروردگار متعال را همراه با انرژیهایش پرستش کند. عموماً عابدان وایشناوا، خداوند متعال را با انرژی درونیش می‌پرستند، زیرا انرژی بیرونی او انعکاس منحرفی از انرژی درونی وی است. انرژی بیرونی در حکم زمینه‌ای است که خداوند متعال با بسط بخش کاملی از خود به عنوان پاراماتما در همه جای آن قرار می‌گیرد. او روح متعال تمام فرشتگان، انسانها و حیوانات در همه جاست. بدین جهت انسان باید بداند که به عنوان جزئی از خداوند متعال وظیفه‌ای جز خدمت به او ندارد. پس همه باید در آگاهی کامل به کریشنا مشغول خدمت عابدانه به خداوند باشند و این موضوع در آیه حاضر توصیه شده است.

همه باید به این امر واقف باشند که به‌وسیله هریشی‌کشا یعنی ارباب حواس، به کار و حرفه خاصی اشتغال یافته‌اند، لذا با نتیجه و ثمره آن باید شری‌کریشنا، شخصیت متعال خداوند را پرستش کنند. اگر انسان در آگاهی کامل به کریشنا همواره چنین

بیندیشد، آنگاه به لطف خداوند به حقایق امور کاملا آگاه خواهد شد. این کمال زندگی است. خداوند در بهاگاواد–گیتا (۱۲/۷) می‌فرماید: *teṣām ahaṁ samuddhartā*.خداوند متعال شخصاً مسئولیت نجات چنین عابدی را به عهده می‌گیرد. این بالاترین مرتبه کمال حیات انسانی است. انسان به هر حرفه‌ای که اشتغال داشته باشد، اگر به خداوند متعال خدمت نماید، به بالاترین کمال خواهد رسید.

## آیه ۴۷

*śreyān sva-dharmo viguṇaḥ*
*para-dharmāt sv-anuṣṭhitāt*
*svabhāva-niyataṁ karma*
*kurvan nāpnoti kilbiṣam*

*śreyān* : بهتر ـ *sva-dharmaḥ* : حرفه خود شخص ـ *viguṇaḥ* : به طرز ناکاملی انجام گردیده ـ *para-dharmāt* : از حرفه شخص دیگری ـ *su-anuṣṭhitāt* : به طرز کاملی انجام شده ـ *svabhāva-niyatam* : تجویزشده بر اساس طبیعت خود شخص ـ *karma* : کار ـ *kurvan* : انجام دادن ـ *na* : هرگز ـ *āpnoti* : می‌رسد ـ *kilbiṣam* : بازتابهای گناه‌آلود.

## ترجمه

**چنانچه انسان به حرفهٔ خویش بپردازد و آن را ناکامل انجام دهد، ترجیح دارد بر اینکه به حرفـهٔ شـخص دیگری بپردازد و آن را کامل انجام دهد. وظایفی که بر اساس طبیعت شخص تعیین شده است هیچگـاه تحـت تأثیر واکنشهای گناه‌آلود قرار نمی‌گیرد.**

## شرح

وظایف حرفه‌ای یا شغلی انسان در بهاگاواد–گیتا تعیین شده است. همان گونه که در آیات پیشین مطرح گردید وظایف براهمانا، کشاتریا، وایشیا و شودرا بر اساس گونه‌های خاص طبیعت مشخص شده است. انسان نباید وظیفه شخص دیگری از تقلید کند. برای مثال، کسی که با توجه به طبعش به نوع کاری که شودراها انجام می‌دهند جذب می‌شود نباید به طور تصنعی خود را یک براهمانا قلمداد کند، گرچه در یک خانواده براهمانا متولد شده باشد. بدین ترتیب فرد باید بر اساس سرشت و طبیعت خود کار کند؛ هیچ کاری چنانچه در خدمت خداوند متعال انجام شود، مکروه نیست. وظایف شغلی یک براهمانا مسلماً در گونهٔ نیکی است، اما اگر کسی به طور ذاتی در گونهٔ نیکی نباشد نباید وظایف شغلی یک براهمانا را تقلید کند. همچنین برای کشاتریا اعمال مکروهی نظیر مبادرت به اعمال خشونت‌آمیز برای از بین بردن دشمن و یا دروغگویی به منظور مصالح سیاسی وجود دارد؛ ولی باید توجه داشت که به رغم خشونت و دورویی که از ویژگیهای امور سیاسی است، کشاتریا نباید وظیفه شغلی خود را به منظور انجام وظایف براهمانا رها نماید.

انسان باید برای رضایت پروردگار متعال عمل کند. برای مثال، آرجونا به رغم کشاتریا بودنش، برای جنگیدن با جبهه مقابل دچار تردید شده بود. اما اگر چنین جنگیدنی به خاطر کریشنا، شخصیت متعال خداوند، صورت گیرد دیگر جای هیچ گونه ترسی از خواری و ذلت نخواهد بود. در زمینه تجارت نیز گاهی اوقات تاجر مجبور می‌شود برای کسب منفعت دروغ بگوید . هر از گاهی می‌شنویم که تاجری با تأسف می‌گوید: "مشتری عزیز، من به خاطر شما هیچ سودی نمی‌کنم." ولی ما می‌دانیم که در واقع تاجر بدون سود قادر به زندگی نیست. لذا اظهار تاجر را مبنی بر اینکه سودی نمی‌کند باید به منزله دروغی ساده و کوچک پذیرفت. با تمام این اوصاف، تاجر نباید گمان کند که باید حرفه‌ای را که در آن دروغ گفتن اجباری است، به خاطر در پیش

گرفتن وظیفه براهمانا، رها کند. چنین چیزی توصیه نشده است. مهم نیست که انسان کشاتریا، وایشیا یا شودرا باشد، مهم این است که او با کارش به شخصیت متعال خداوند خدمت نماید و او را عبادت کند. حتی براهماناها که به انواع مختلف قربانی مبادرت می‌ورزند، گاهی مجبور به کشتن حیوانات در خلال مراسم مربوطه می‌شوند. به همین ترتیب، اگر یک کشاتریا نیز در چهارچوب حرفه خود دشمنی را بکشد، گناهی مرتکب نشده است. این مطالب در فصل سوم به روشنی و به تفصیل توضیح داده شده است؛ انسان باید فقط به قصد یاگیا یعنی برای ویشنو، شخصیت اعلای خداوند، کار کند. هر کاری که به منظور ارضای حواس و کامجویی شخصی انجام پذیرد باعث اسارت و گرفتاری می‌گردد. در نتیجه هر کس باید به فعالیتهایی بپردازد که بر اساس گونه خاصی از طبیعت کسب کرده است و باید مصمم باشد که فقط برای رضایت خداوند متعال کار کند.

## آیه ۴۸

*saha-jaṁ karma kaunteya*
*sa-doṣam api na tyajet*
*sarvārambhā hi doṣeṇa*
*dhūmenāgnir ivāvṛtāḥ*

*saha-jam* : به طور همزمان زاده شده ـ *karma* : کار ـ *kaunteya* : ای پسر کونتی ـ *sa-doṣam* : با نقص ـ *api* : هرچند ـ *na* : هیچگاه ـ *tyajet* : شخص باید ترک کند ـ *sarva-ārambhāḥ* : هر گونه اقدام مخاطره‌آمیز ـ *hi* : حتماً، محققاً ـ *doṣeṇa* : با نقص ـ *dhūmena* : با دود ـ *agniḥ* : آتش ـ *iva* : همان گونه که ـ *āvṛtāḥ* : پوشیده شده.

## ترجمه

**درست همان گونه که آتش با دود پوشیده شده، هر کاری با نوعی نقص مستور شده است. بنـابراین ای پسر کونتی، انسان نباید کاری را که از طبع او ایجاد گردیده ترک نماید حتی اگر چنین‌کاری پر از نقص باشد.**

## شرح

در زندگی مقید، هر کاری آلوده به سه گونهٔ طبیعت مادی است. حتی اگر انسان براهمانا هم باشد، مجبور به انجام قربانیهایی است که در طی آن کشتن حیوانات الزامی می‌گردد. مشابهاً، یک کشاتریا هر قدر هم باتقوا و پرهیزکار باشد مجبور به جنگ با دشمنان است و نمی‌تواند از آن اجتناب کند. به همین ترتیب، یک تاجر نیز هر قدر صالح و پرهیزکار باشد، باید گاهی اوقات سود خود را پنهان کند و یا شاید گاهی اوقات مجبور به معامله در بازار سیاه شود تا بتواند منافع تجاری و امنیت شغلیش را حفظ نماید. این امور اجتناب ناپذیرند. به همین نحو، اگر کسی شودرا باشد، ممکن است مجبور به خدمت به اربابی ناصالح گردد و به انجام اوامر نادرست او تن دهد. به رغم وجود این نقصها، انسان باید وظایف تجویزشده خود را انجام دهد زیرا آنها از سرشت او به وجود آمده‌اند.

در آیه حاضر مثال بسیار خوبی ذکر شده است. هرچند آتش پاک است، لیکن با دود همراه می‌باشد. با این همه، دود آتش را ناپاک نمی‌کند و آتش همچنان پاکترین تمام عناصر باقی می‌ماند. اگر کسی ترجیح بدهد کار یک کشاتریا را به منظور اشتغال به حرفه براهمانا رها کند، تضمینی که حرفه براهمانا همراه با وظایف نامطلوب نباشد، وجود ندارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در دنیای مادی هیچکس نمی‌تواند کاملا از آلودگی طبیعت مادی آزاد باشد. ذکر مثال آتش و دود در این رابطه بسیار بجاست. هنگامی که در زمستان، انسان سنگی را از آتش برمی‌دارد، گاهی اوقات، دود باعث ناراحتی چشمان و قسمتهای دیگر بدن می‌گردد، اما به رغم وجود شرایط ناراحت کننده آیا می‌توان از آتش استفاده ننمود مشابهاً، انسان نباید به خاطر وجود عوامل ناراحت‌کننده شغل طبیعی خود را رها نماید. بلکه باید مصمم باشد که با انجام وظایف شغلی خود در آگاهی

به کریشنا به خداوند متعال خدمت کند. این کمال محسوب می‌شود. وقتی فعالیت یا حرفه خاصی برای رضایت خداوند متعال انجام می‌شود، از تمام نقصهایش پاک می‌گردد. و هنگامی که بدین ترتیب نتایج و ثمرات کار در تماس با خدمت عابدانه پاک می‌شود، انسان در رؤیت ذات درون به مرحله کمال نائل می‌گردد و این طریق خودشناسی است.

## آیه ۴۹

*asakta-buddhiḥ sarvatra*
*jitātmā vigata-spṛhaḥ*
*naiṣkarmya-siddhiṁ paramāṁ*
*sannyāsenādhigacchati*

*asakta-buddhiḥ* : برخوردار بودن از شعوری که فاقد دلبستگی است ـ *sarvatra* : همه جا ـ *jita-ātmā* : داشتن تسلط بر ذهن ـ *vigata-spṛhaḥ* : بدون آرزوهای مادی ـ *naiṣkarmya-siddhim* : کمال رهایی از نتایج و واکنشهای عمل ـ *paramām* : والا و متعال ـ *sannyāsena* : به‌وسیله مرحله انقطاع در زندگی ـ *adhigacchati* : شخص دست یابد.

## ترجمه

**کسی که حکمران نفس، فاقد دلبستگی و نسبت به تمامی لذات مادی بی‌اعتناء است، می‌تواند از طریق انقطاع به بالاترین مرحلهٔ کمالِ رهایی از واکنش دست یابد.**

## شرح

انقطاع واقعی در این مطلب خلاصه می‌شود که انسان همواره خود را جزئی از خداوند متعال بداند و هیچ گونه حقی در جهت بهره‌برداری و لذت از نتایج فعالیتهایش برای خود قائل نباشد؛ و از آنجا که او ذره‌ای از خداوند متعال محسوب می‌شود، حق تعالی است که باید از نتایج اعمال او لذت ببرد و نه خودش. این واقعاً کریشنا آگاهی است. کسی که در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند، منقطع واقعی از زندگی مادی یا سانیاسی به شمار می‌آید. با چنین طرز تفکری است که انسان رضایت حاصل می‌نماید زیرا در واقع برای متعال کار می‌کند. او که بدین‌سان دلبستگی خود را به مادیات از دست می‌دهد، عادت می‌کند که از هیچ چیز جز شعف روحانی که از خدمت به خداوند عاید می‌شود لذت نبرد. فرض بر آن است که سانیاسی از عکس‌العمل اعمال گذشته‌اش آزاد است، لیکن کسی که در آگاهی به کریشنا قرار دارد به خودی خود بدون حتی پذیرفتن مرحله انقطاع یا سانیاسا به این کمال دست می‌یابد. این حالت ذهن یوگا رودها یا مرحله کمال یوگا خوانده می‌شود، همان طور که در فصل سوم تأیید گردید:*yas tv ātma-ratir eva syāt*:کسی که در خویشتن راضی است، هیچ گونه ترسی از بازتاب اعمالش به خود راه نمی‌دهد.

## آیه ۵۰

*siddhiṁ prāpto yathā brahma*
*tathāpnoti nibodha me*
*samāsenaiva kaunteya*
*niṣṭhā jñānasya yā parā*

*siddhim* : کمال ـ *prāptaḥ* : نائل شدن ـ *yathā* : همان طور ـ *brahma* : حق تعالی ـ *tathā* : همچنین ـ *āpnoti* : شخص می‌رسد به ـ *nibodha* : سعی کن درک نمایی ـ *me* : از من ـ *samāsena* : به طور خلاصه ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *kaunteya* : ای پسر کونتی ـ *niṣṭhā* : سطح، مرتبه ـ *jñānasya* : مربوط به دانش ـ *yā* : که ـ *parā* : متعال، روحانی.

## ترجمه

**ای پسر کونتی، از من بیاموز که چگونه کسی که به این کمال نائل گردیده است، می‌تواند با عمل کردن به شیوه‌ای که اکنون به اختصار بیان خواهم کرد، به مرحله کمال متعال یعنی برهمن یا برترین دانش دست یابد.**

## شرح

خداوند برای آرجونا توصیف می‌کند که چگونه انسان صرفاً با اشتغال به وظیفه شغلی خود و با انجام آن وظیفه برای شخصیت متعال خداوند می‌تواند به بالاترین مرحله کمال نائل آید. فرد، با رها نمودن نتیجه کارش به خاطر رضایت خداوند متعال، به سادگی قادر می‌گردد به مرحله والای برهمن برسد. این است طریقه خودشناسی. کمال واقعی دانش، رسیدن به کریشنا آگاهی خالص یا به عبارتی آگاهی پاک به کریشناست؛ این مطلب در آیات بعد تشریح خواهد شد.

## آیات ۵۳-۵۱

*buddhyā viśuddhayā yukto*
*dhṛtyātmānaṁ niyamya ca*
*śabdādīn viṣayāṁs tyaktvā*
*rāga-dveṣau vyudasya ca*

*vivikta-sevī laghv-āśī*
*yata-vāk-kāya-mānasaḥ*
*dhyāna-yoga-paro nityaṁ*
*vairāgyaṁ samupāśritaḥ*

*ahaṅkāraṁ balaṁ darpaṁ*
*kāmaṁ krodhaṁ parigraham*
*vimucya nirmamaḥ śānto*
*brahma-bhūyāya kalpate*

*buddhyā* : با شعور ـ *viśuddhayā* : کاملا پاک شده ـ *yuktaḥ* : مشغول شده ـ *dhṛtyā* : به‌وسیله عزم راسخ ـ *ātmānam* : ذات ـ *niyamya* : به نظم درآوردن ـ *ca* : همچنین ـ *śabda-ādīn* : همچون صوت ـ *viṣayān* : محسوسات ـ *tyaktvā* : رها کردن ـ *rāga* : دلبستگی ـ *dveṣau* : و تنفر ـ *vyudasya* : کنار گذاردن ـ *ca* : همچنین ـ *vivikta-sevī* : زندگی در مکانی خلوت ـ *laghu-āśī* : کم خوردن ـ *yata* : مهار کرده‌اند ـ *vāk* : سخن ـ *kāya* : بدن ـ *mānasaḥ* : و ذهن ـ *dhyāna-yoga-paraḥ* : مجذوب در خلسه ـ *nityam* : بیست و چهار ساعته ـ *vairāgyam* : عدم‌دلبستگی ـ *samupāśritaḥ* : پناه برده‌اند ـ *ahaṅkāram* : منیت کاذب ـ *balam* : قدرت کاذب ـ *darpam* : غرور کاذب ـ *kāmam* : شهوت و آز ـ *krodham* : خشم ـ *parigraham* : و پذیرفتن چیزهای مادی ـ *vimucya* : رها شدن از ـ *nirmamaḥ* : بدون احساس مالکیت ـ *śāntaḥ* : آرام ـ *brahma-bhūyāya* : برای خودشناسی ـ *kalpate* : شایسته است.

## ترجمه

**کسی که وجود خویش را با شعورش تهذیب می‌کند، با عزم راسخ فکرش را مهار مـی‌نمایـد، موضـوعات کامجویی را رها می‌کند، فارغ از دلبستگی و تنفر است، در مکانی خلوت زندگی می‌نماید، کم می‌خورد، بـر بـدن، فکر و کلام تسلط دارد، منقطع است و همواره در خلسه بسر می‌برد، عاری از منیت کاذب، قـدرت کـاذب، غـرور کاذب، شهوت و خشم است، فارغ از پذیرفتن چیزهای مادی و رها از مالکیت کاذب اسـت و در صـلح و آرامـش بسر می‌برد - چنین شخصی مسلماً به مقام خودشناسی ارتقاء می‌یابد.**

## شرح

هنگامی که فردی به کمک عقل و شعور تهذیب می‌شود، خود را در گونهٔ نیکی حفظ می‌کند و در نتیجه بر ذهن مسلط می‌شود و همواره در خلسه قرار می‌گیرد. او دیگر به موضوعات ارضای حواس دلبسته نیست و در اعمالش از دلبستگی و تنفر آزاد است. چنین شخصی طبیعتاً ترجیح می‌دهد در مکانی خلوت زندگی نماید. بیشتر از آنچه لازم است نمی‌خورد و فعالیتهای بدن و ذهنش را کنترل می‌کند. او فاقد هر گونه منیت کاذب است زیرا بدن را به عنوان خویشتن حقیقی تلقی نمی‌کند و هیچ گونه آرزویی در جهت پروراندن و قوی ساختن بدن با قبول تمهیدات مادی ندارد. چون او تصور بدنی و دیدگاه مادی از حیات را از دست داده است، فاقد غرور کاذب می‌باشد. وی با هرآنچه به لطف خداوند بدو رسد راضی است و هیچگاه با عدم ارضای حواس خشمگین نمی‌شود. همچنین برای کسب اشیای مادی نمی‌کوشد. در نتیجه با رهایی کامل از منیت کاذب، دلبستگی خود را نسبت به تمام اشیای مادی از دست می‌دهد، و این مرحله خودشناسی برهمن است که برهما ـ بهوتا خوانده می‌شود. هنگامی که انسان از تصورات و ادراکات مادی حیات آزاد شد، در صلح و آرامش قرار می‌گیرد و دیگر دچار تشویش نمی‌گردد. این امر در بهاگاواد–گیتا (۷۰/۲) چنین بیان گردیده است:

*ryamāṇam acala-pratiṣṭhaṁ*
*samudram āpaḥ praviśanti yadvat*
*tadvat kāmā yaṁ praviśanti sarve*
*sa śāntim āpnoti na kāma-kāmī*

"تنها آن شخصی که با جریان مداوم و بی‌وقفه آرزوها آشفته نمی‌گردد – همانند اقیانوسی که با وجود هزاران رودی که به درونش جاری می‌شود همواره بدون تغییر می‌ماند – می‌تواند به آرامش دست یابد، نه آن کس که در تلاش برای برآورده ساختن چنین آرزوهایی است."

## آیه ۵۴

*brahma-bhūtaḥ prasannātmā*
*na śocati na kāṅkṣati*
*samaḥ sarveṣu bhūteṣu*
*mad-bhaktiṁ labhate parām*

*brahma-bhūtaḥ* : یکی بودن با مطلق ـ *prasanna-ātmā* : کاملا شاد و مسرور ـ *na* : هرگز ـ *śocati* : سوگواری می‌کند، اندوه و تأسف به دل راه می‌دهد ـ *na* : هرگز ـ *kāṅkṣati* : می‌خواهد،آرزو می کند ـ *samaḥ* : دارای تمایل یکسان ـ *sarveṣu* : نسبت به همه ـ *bhūteṣu* : موجودات زنده ـ *mat-bhaktim* : خدمت عابدانه من ـ *labhate* : به دست می‌آورد ـ *parām* : متعال، روحانی.

## ترجمه

**کسی که بدین‌سان در موقعیت روحانی قرار گرفته است، بی‌درنگ برهمن متعال را ادراک می‌کند و کاملاً شادمان و مسرور می‌گردد. او افسوس چیز از دست رفته را نمی‌خورد و آرزوی کسب چیزی را در سر نمی‌پروراند. تمایل او نسبت به تمام موجودات زنده یکسان است. در این مرحله او به خدمت عابدانهٔ پاک من می‌رسد.**

## شرح

برای بی‌هویت‌گرایان، رسیدن به مرحله برهما ـ بهوتا یا یکی شدن با مطلق، هدف نهایی است. اما از دیدگاه هویت‌گرایان یا عابدان پاک، انسان باید باز هم پیش برود تا مشغول خدمت عابدانه پاک شود. این بدان معناست که کسی که مشغول خدمت عابدانه پاک به خداوند متعال است در مرحله رهایی که برهما ـ بهوتا یا "یگانگی با مطلق" خوانده می‌شود قرار گرفته است؛ زیرا بدون دستیابی به این یگانگی، شخص نمی‌تواند به خداوند خدمت نماید. در عرصه ادراک مطلق هیچ گونه تفاوتی بین خادم و مخدوم یافت نمی‌شود؛ هر چند از دیدگاه شناخت برتر روحانی تفاوت وجود دارد.

شخصی که در موجودیت مادی برای کامجویی عمل می‌کند، رنج و مصیبت نصیب خود می‌سازد، در حالی که اثری از چنین رنجی در دنیای مطلق، وقتی انسان مشغول خدمت عابدانه پاک است، وجود ندارد. عابد در کریشنا آگاهی، انگیزه‌ای که به خاطر آن سوگواری نماید یا آرزوی مادی در سر بپروراند، ندارد. از آنجا که خداوند کامل است، موجود زنده‌ای که در آگاهی به کریشنا مشغول خدمت به اوست نیز در خود کامل می‌گردد. چنین شخصی درست به رودخانه‌ای می‌ماند که از هر گونه آب آلوده پاک شده است. چون عابد پاک هیچ گونه فکری جز کریشنا ندارد، طبیعتاً همواره شاد و خوشحال است. او نگران هیچ گونه سود و زیان یا برد و باخت مادی نیست، زیرا در خدمت به خداوند، به کمال دست یافته است. وی آرزوی هیچ گونه لذت مادی ندارد زیرا آگاه است که هر موجود زنده ذره‌ای لاینفک از خداوند متعال و بنابراین خادم جاودان او می‌باشد. او در دنیای مادی هیچ کس را برتر و یا پست‌تر نمی‌بیند، زیرا مقامات بالاتر و پایین‌تر همگی فانی و زودگذرند و عابد هیچ گونه کاری با پدیدار شدن و ناپدید شدن موارد زودگذر ندارد. سنگ و طلا برای او ارزش یکسان دارد. این خصوصیات فردی است که در مرحله برهما ـ بهوتا قرار دارد و عابد پاک به سادگی می‌تواند به این مرحله دست یابد. در مرحله مذکور، تصور یکی شدن با برهمن متعال و نابودی فردیت اندیشه‌ای پلید می‌شود و فکر رسیدن به سیارات بهشتی توهمی بیش نمی‌گردد و حواس همچون دندانهای شکسته شده افعی می‌شوند. همان گونه که ماری با دندانهای شکسته ترسی ندارد، مشابهاً وقتی حواس به طور خود به خود مهار شوند نیز ترسی از آنان نیست. دنیا برای شخصی که تحت تأثیر مادیات است نکبت‌بار می‌باشد، اما برای عابد تمام جهان به خوبی وایکونتها یا آسمان روحانی است. از نظر عابد بالاترین شخصیت جهان مادی ارزشی بیش از مورچه ندارد. چنین مرحله‌ای با لطف و رحمت خداوند چیتانیا، که خدمت عابدانه پاک را در این عصر ارشاد نمود، قابل حصول است.

## آیه ۵۵

*bhaktyā mām abhijānāti*
*yāvān yaś cāsmi tattvataḥ*
*tato māṁ tattvato jñātvā*
*viśate tad-anantaram*

*bhaktyā* : به‌وسیله خدمت عابدانه پاک ـ *mām* : مرا ـ *abhijānāti* : شخص می‌تواند بشناسد ـ *yāvān* : به همان اندازه ـ *yaḥ ca asmi* : همان گونه که هستم ـ *tattvataḥ* : به حقیقت ـ *tataḥ* : از آن پس ـ *mām* : به من ـ *tattvataḥ* : به حقیقت ـ *jñātvā* : شناختن ـ *viśate* : او وارد می‌شود ـ *tat-anantaram* : از آن پس.

## ترجمه

**مرا همان گونه که هستم، به عنوان شخصیت اعلای خداوند، فقط با خدمت عاشقانه مـی‌تـوان شـناخت و هنگامی که انسان با چنین عشق و عبودیتی در آگاهی کامل به شخص من واقع شود، می‌تواند به ملکوتم راه یابد.**

## شرح

کریشنا، شخصیت متعال خداوند، و بسطهای کامل او از طریق پندارهای ذهنی یا از طرف غیرعابدان قابل درک نیست. چنانچه کسی بخواهد شخصیت اقدس پروردگار را درک نماید، باید راه خدمت عاشقانه پاک را تحت هدایت یک عابد پاک در پیش گیرد. در غیر این صورت، حقیقت شخصیت اعلای خداوند همواره ناشناخته باقی خواهد ماند، همان طور که قبلا در آیه ۲۵ فصل هفتم بهاگاواد-گیتا بیان گردید:*nāhaṁ prakāśaḥ sarvasya*: کریشنا برای همه آشکار و قابل شناخت نیست. هیچکس نمی‌تواند صرفاً با تحقیقات عالمانه یا پندارهای ذهنی خداوند را درک نماید، بلکه فقط کسی که واقعاً به کریشنا آگاهی و خدمت عابدانه مشغول است می‌تواند به شناخت کریشنا نائل آید. مدارک و مدارج دانشگاهی نیز نمی‌توانند در این زمینه کمکی نمایند.

کسی که کاملا به علم معرفت کریشنا آگاه باشد، شایستگی ورود به ملکوت روحانی یعنی اقامتگاه کریشنا را می‌یابد. هنگامی که از رهایی و رسیدن به سطح برهمن سخن گفته می‌شود، از دست دادن هویـت فردی مورد نظر نـیست، بلکه در ملکوت الهی خدمت عابدانه وجود دارد و جایی که خدمت عابدانه وجود داشته باشد لاجرم خداوند، عابد و راه خدمت عابدانه نیز وجود خواهد داشت. شناخت چنین حقیقتی، هیچگاه حتی پس از رهایی از بین نمی‌رود. وقتی سخن از رهایی پیش می‌آید، منظور آزاد شدن از دیدگاههای مادی زندگی است وگرنه در زندگی روحانی، همانند زندگی مادی، همان تمایز بین خداوند و موجودات وجود دارد، و فردیت از بین نمی‌رود، لیـکن تمامی آنها روی زمـیـنه‌ای از آگاهی پاک به کریشنا یا کریشنا آگاهی خالص قرار می‌گیرند. انسان نباید به اشـتـباه درک کند که واژه ویشاته به معنای "وارد من می‌گردد" مهر تأییدی است بر نظریه وحدت وجود که مبتنی بر این عقیده است که انسان با برهمن فاقد شخصیت یکی و یکسان می‌شود. خیر. ویشاته یعنی انسان می‌تواند، با حفظ فردیت خود، وارد بارگاه خداوند متعال شود، مشغول معاشرت و همنشینی با وی گردد و به او خدمت نماید. برای مثال، هنگامی که پرنده سبزرنگی روی درختی سرسبز قرار می‌گیرد، این عمل را به منظور بهره‌مند شدن و لذت بردن از میوه‌های آن درخت انجام می‌دهد و نه یکی شدن با درخت. عموماً بی‌هویت‌گرایان برای اثبات نظریه خود رودخانه‌ای را مـثال می‌زنـند که به سوی اقیانوس جاری و با آن یکی می‌شود. شاید این بینش برای بی‌هویت‌گرایان منشأ خوشبختی باشد، لیکن هویت‌گرایان فردیت و استقلال خود را به سان ماهـیی که در این اقـیانوس جـست و خیز می‌کند حفظ می‌نمایند. اگر ما به اعماق اقیانوس برویم، موجودات زنده بـسـیاری را خواهـیم یافت، لذا آشـنایی سطحی با اقیانوس کافی نیست؛ انسان باید شناخت کاملی از موجوداتی که در اعماق اقیانوس زندگی می‌کنند داشته باشد. عابد و فدایی خدا از طریق خدمت عاشقانه پاکش می‌تواند حقیقتاً صفات روحانی و توانگریهای خداوند متعال را درک نماید. همان طور که در فصل یازدهم نیز بیان گردید، درک صفات روحانی و توانگریهای حق تعالی فقط با خدمت عابدانه میسر است و همان حقیقت مجدداً در اینجا تأیید گردیده است: انسان با خدمت عابدانه می‌تواند شخصیت متعال خداوند را درک نماید و به ملکوت الهی پا نهد.

پس از رسیدن به مرحله پشت سر نهادن تصورات و ادراکات مادی که مرحله برهما ـ بهوتا خوانده می‌شود، خدمت عابدانه انسان با شنیدن درباره خداوند آغاز می‌گردد. هنگامی که انسان درباره خداوند متعال می‌شنود، خود به خود به مرحله برهما ـ بهوتا ارتقاء می‌یابد و آلودگی مادی یعنی حرص و شهوت برای ارضای حواس و کامجویی ناپدید می‌شود. لذا همین طور که شهوت و آرزو از قلب عابد رخت برمی‌بندد، او بیشتر به خدمت خداوند دلبسته می‌شود، و با چنین دلبستگی از آلودگی مادی آزاد می‌گردد. در این مرحله از زندگی، همان گونه که شریماد- بهاگاواتام نیز تأیید می‌کند، او می‌تواند خداوند متعال را درک نماید. پس از رهایی، راه بهاکتی یا خدمت متعال و روحانی ادامه می‌یابد. ودانتا ـ سوترا (۱۲/۱/۴) نیز این موضوع را چنین تأیید

می‌کند:ā-prāyaṇāt tatrāpi hi dṛṣṭam. این بدان معناست که پس از رهایی راه خدمت عابدانه همچنان ادامه می‌یابد. در شریماد- بهاگاواتام رهایی عابدانه واقعی به عنوان استقرار موجود زنده در هویت اصلی یا موقعیت فطری خود تعریف شده است. موقعیت فطری قبلا چنین توضیح داده شد: هر موجود زنده جزء و ذره‌ای لاینفک از خداوند متعال است و بنابراین موقعیت اصلی و فطری او خدمت به حق تعالی است. پس از رهایی هیچگاه این خدمت متوقف نمی‌شود. رهایی واقعی آزاد شدن از چنگال تصورات و ادراکات اشتباه از زندگی است.

## آیه ۵۶

*sarva-karmāṇy api sadā*
*kurvāṇo mad-vyapāśrayaḥ*
*mat-prasādād avāpnoti*
*śāśvataṁ padam avyayam*

*sarva* : همه ـ *karmāṇi* : فعالیتها ـ *api* : هرچند ـ *sadā* : همواره ـ *kurvāṇaḥ* : انجام دادن ـ *mat-vyapāśrayaḥ* : تحت حفاظت من ـ *mat-prasādāt* : به‌وسیله لطف و رحمت من ـ *avāpnoti* : شخص می‌رسد ـ *śāśvatam* : جاودان ـ *padam* : اقامتگاه ـ *avyayam* : فناناپذیر.

## ترجمه

**عابد پاکم، هرچند مشغول همه گونه فعالیت است، ولی به لطف و تحت حفاظت من به اقامتگاه جـاودان و فناناپذیر واصل می‌گردد.**

## شرح

واژه ماد ـ ویاپاشرایا یعنی تحت حفاظت خداوند متعال. عابد پاک برای مبری بودن از آلودگی، تحت هدایت خداوند متعال یا نماینده او یعنی پیر روحانی عمل می‌کند. برای عابد پاک هرگز محدودیت زمانی وجود ندارد. او بیست و چهار ساعته تحت راهنمایی خداوند متعال مشغول همه گونه فعالیت عابدانه است. لطف بی‌کران خداوند شامل حال عابدی می‌شود که بدین‌سان در کریشنا آگاهی مشغول خدمت است. به رغم تمام مشکلات راه، وی عاقبت در منزلگاه روحانی یا کریشنا لوکا قرار می‌گیرد. واصل شدن او به آنجا تضمین شده است و هیچ شکی در این باره نیست. در آن منزلگاه متعال هیچ گونه دگرگونی وجود ندارد؛ همه چیز ابدی، فناناپذیر و مملو از دانش است.

## آیه ۵۷

*cetasā sarva-karmāṇi*
*mayi sannyasya mat-paraḥ*
*buddhi-yogam upāśritya*
*mac-cittaḥ satataṁ bhava*

*cetasā* : به‌وسیله شعور ـ *sarva-karmāṇi* : همه گونه فعالیت ـ *mayi* : به من ـ *sannyasya* : رها کردن ـ *mat-paraḥ* : تحت حفاظت من ـ *buddhi-yogam* : اعمال عابدانه ـ *upāśritya* : پناه بردن به ـ *mat-cittaḥ* : در آگاهی به من ـ *satatam* : بیست و چهار ساعته ـ *bhava* : فقط بشو.

## ترجمه

**در تمام اعمالت فقط به من توکل کن و همواره تحت حافظت من کار کن. این خدمت عابدانه را در آگاهی کامل به شخص من انجام ده.**

## شرح

وقتی انسان در آگاهی به کریشنا عمل می‌کند، رفتار خود را به عنوان ارباب و حکمران جهان از دست می‌دهد. انسان باید درست همچون خادم، تحت هدایت کامل خداوند متعال عمل کند. خادم هیچ گونه استقلال فردی ندارد و فقط به دستور ارباب کار می‌کند. خادمی که به خاطر رضای ارباب و صاحب متعال کار می‌کند، هیچ گونه علاقه‌ای به سود و زیان ندارد. او فقط با ایمان وظایفش را طبق دستور خداوند انجام می‌دهد. اینک ممکن است چنین استدلالی پیش آید که چنانچه آرجونا تحت هدایت شخص کریشنا عمل می‌کرد، از موهبت حضور او برخوردار بود، حال که این موهبت شامل حال همه نیست چگونه باید عمل کرد  چنانچه شخص بر اساس راهنمایی کریشنا در بهاگاواد–گیتا و همچنین تحت هدایت نماینده او عمل کند، به همان نتیجه‌ای دست می‌یابد که چنانچه در حضور حق تعالی عمل کرده باشد. واژه سانسکریت مات ـ پارا در این آیه بسیار حائز اهمیت است. این واژه نشان می‌دهد که یگانه هدف زندگی انسان کار در کریشنا آگاهی برای رضایت کریشناست. و وقتی انسان به این طریق کار می‌کند باید فقط به فکر کریشنا باشد: "کریشنا مرا تعیین کرده است که این وظیفه بخصوص را انجام دهم." با عمل کردن بدین شیوه انسان طبیعتاً باید به فکر کریشنا باشد. این کریشنا آگاهی کامل است. باید به این نکته توجه نمود که وقتی انسان کاری را از روی هوی و هوس انجام می‌دهد نباید نتیجه‌اش را به خداوند متعال تقدیم کند. این گونه وظیفه و عمل از خدمت عابدانه کریشنا آگاهی نشأت نمی‌گیرد. شخص باید طبق دستور کریشنا عمل کند. این نکته بسیار مهمی است. دستور کریشنا از طریق پیر روحانی معتبر و موثق در سلسله پیران به ما می‌رسد. بنابراین دستور پیر روحانی باید به عنوان مهمترین و مقدمترین وظیفه زندگی تلقی شود. چنانچه کسی پیر روحانی با صلاحیتی نصیبش شود و بر اساس راهنمایی وی عمل کند، آنگاه کمال زندگی او در کریشنا آگاهی تضمین شده است.

## آیه ۵۸

*mac-cittaḥ sarva-durgāṇi*
*mat-prasādāt tariṣyasi*
*atha cet tvam ahaṅkārān*
*na śroṣyasi vinaṅkṣyasi*

*mat* : مربوط به من ـ *cittaḥ* : بودن در آگاهی ـ *sarva* : همه ـ *durgāṇi* : موانع، مشکلات ـ *mat-prasādāt* : به‌وسیله لطف و رحمت من ـ *tariṣyasi* : فائق خواهی گشت ـ *atha* : ولی ـ *cet* : اگر ـ *tvam* : تو ـ *ahaṅkārāt* : به‌وسیله منیت کاذب ـ *na śroṣyasi* : نشنوی ـ *vinaṅkṣyasi* : سرگشته خواهی شد.

## ترجمه

**چنانچه به من آگاه شوی، به لطف و رحمت من از تمامی موانع زندگی مقید خواهی گذشت. لیکن اگر در چنین آگاهی عمل نکنی و بدون گوش فرا دادن به من پیرو منیت کاذب خود باشی، سرگشته خواهی شد.**

## شرح

کسی که در کریشنا آگاهی کامل مستقر شده است، نگران تأمین حوایج مادی خود نیست. ابلهان نمی‌توانند ارزش والای این آرامش خاطر را درک کنند. برای کسی که در آگاهی به خداوند عمل می‌کند، کریشنا به منزله صمیمی‌ترین دوست، همواره

مراقب و مواظب آسایش و راحتی او خواهد بود. کریشنا خود را در اختیار چنین دوستی قرار می‌دهد، دوستی که با عشق و عبودیت بیست و چهار ساعته مشغول عمل در جهت رضایت اوست. بنابراین هیچکس نباید با منیت کاذب حاصل از دیدگاه بدنی و مادی زندگی گمراه گردد. انسان نباید به طور ساختگی خود را مستقل از قوانین طبیعت مادی و یا دارای آزادی عمل بپندارد. زیرا هر موجود مقیدی تحت نفوذ قوانین سرسخت مادی قرار دارد. اما به محض آنکه در کریشنا آگاهی عمل کند، رهایی یافته و از سرگشتگیهای مادی آزاد می‌شود. انسان باید به دقت توجه کند شخصی که خارج از کریشنا آگاهی عمل می‌کند، خویشتن را در گرداب مادی اقیانوس تولد و مرگ سرگشته می‌سازد. هیچ روح مقیدی واقعاً نمی‌داند که چه کاری باید انجام و چه کاری نباید انجام شود، اما کسی که در آگاهی به کریشنا کار می‌کند، آزادی عمل دارد زیرا همه چیز از طریق کریشنا و از درون به او القاء می‌شود و از طرف پیر روحانی تأیید می‌گردد.

## آیه ۵۹

*yad ahaṅkāram āśritya*
*na yotsya iti manyase*
*mithyaiṣa vyavasāyas te*
*prakṛtis tvāṁ niyokṣyati*

*yat* : اگر ـ *ahaṅkāram* : مربوط به منیت کاذب ـ *āśritya* : پناه بردن ـ *na yotsye* : نخواهم جنگید ـ *iti* : بدین‌سان ـ *manyase* : فکر می‌کنی ـ *mithyā eṣaḥ* : این کاملا اشتباه است ـ *vyavasāyaḥ* : عزم و تصمیم ـ *te* : مال تو، ت ـ *prakṛtiḥ* : طبیعت مادی ـ *tvām* : تو را ـ *niyokṣyati* : مشغول خواهد کرد.

## ترجمه

**چنانچه بر اساس هدایت من عمل نکنی و نجنگی، گمراه خواهی گشت. تو بر اساس طبیعت خود، باید به جنگ بپردازی.**

## شرح

آرجونا شخصی نظامی بود و متولد شده با طبع کشاتریا. بنابراین وظیفه طبیعیش جنگیدن بود. اما به علت منیت کاذب بیم داشت که مبادا با کشتن معلم، پدربزرگ و دوستانش مرتکب گناه و واکنشهای حاصل از آن شود. در واقع او خود را صاحب و ارباب اعمالش می‌پنداشت، گویی اوست که نتایج خوب یا بد این اعمال را تعیین می‌نماید. آرجونا فراموش کرده بود که شخصیت متعال خداوند آنجا حضور داشت و او را به جنگیدن هدایت می‌نمود. این فراموشی روح مقید است. شخصیت اعلای خداوند راهنمایی می‌فرماید که چه چیز خیر و چه چیز شر است و ما فقط باید در آگاهی به او عمل کنیم تا به کمال زندگی دست یابیم. هیچکس، آن گونه که خداوند متعال قادر است، نمی‌تواند سرنوشت خود را تعیین نماید؛ لذا بهترین راه این است که از خداوند متعال راهنمایی بگیریم و عمل کنیم. هیچکس نباید فرمان شخصیت متعال خداوند یا دستور پیر روحانی را که نماینده او است نادیده بگیرد. انسان باید بدون تأمل و تردید دستور شخصیت اعلای پروردگار را اجرا کند. این امر انسان را در تمام شرایط ایمن نگاه خواهد داشت.

## آیه ۶۰

*svabhāva-jena kaunteya*
*nibaddhaḥ svena karmaṇā*
*kartuṁ necchasi yan mohāt*

*kariṣyasy avaśo 'pi tat*

*svabhāva-jena* : نشأت گرفته از طبیعت خودت ـ *kaunteya* : ای پسر کونتی ـ *nibaddhaḥ* : مقید ـ *svena* : به‌وسیله مال خودت ـ *karmaṇā* : فعالیتها ـ *kartum* : انجام دادن ـ *na* : نه (علامت‌نفی فعل) ـ *icchasi* : دوست داری، می‌خواهی ـ *mohāt* : به‌وسیله توهم ـ *kariṣyasi* : انجام خواهی داد ـ *avaśaḥ* : به طور غیر ارادی ـ *api* : حتی ـ *tat* ـ *yat* : آن که ـ : آن.

## ترجمه

**تو اکنون بر اثر نفوذ توهم، از عمل کردن بر اساس هدایت من امتناع می‌ورزی. اما ای پسر کونتی، عاقبت، به اجبار، از روی طبیعت خود دست به کار خواهی شد.**

## شرح

چنانچه انسان از عمل کردن بر اساس راهنمایی خداوند متعال امتناع ورزد، در این صورت ناگزیر خواهد بود طبق گونه‌هایی که در آن قرار گرفته است عمل کند. هر کسی تحت افسون ترکیب بخصوصی از گونه‌های طبیعت مادی قرار دارد و به آن طریق عمل می‌کند. اما فردی که داوطلبانه بر اساس آموزشهای خداوند متعال عمل کند پرشکوه و سرافراز خواهد شد.

## آیه ۶۱

*īśvaraḥ sarva-bhūtānāṁ*
*hṛd-deśe 'rjuna tiṣṭhati*
*bhrāmayan sarva-bhūtāni*
*yantrārūḍhāni māyayā*

*īśvaraḥ* : خداوند متعال ـ *sarva-bhūtānām* : مربوط به تمام موجودات زنده ـ *hṛt-deśe* : درناحیه قلب ـ *arjuna* : ای آرجونا ـ *tiṣṭhati* : اقامت دارد ـ *bhrāmayan* : باعث سفر کردن ـ *sarva-bhūtāni* : تمام موجودات زنده ـ *yantra* : روی یک ماشین ـ *ārūḍhani* : گذاشته می‌شوند ـ *māyayā* : تحت افسون انرژی مادی.

## ترجمه

**ای آرجونا، خداوند متعال در قلب همهٔ موجودات قرار دارد و حرکت تمامی آنها را که بر خودرویی ساخته شده از انرژی مادی قرار دارند، هدایت می‌کند.**

## شرح

آرجونا دانای کامل نبود و تصمیمش برای جنگیدن و یا نجنگیدن به تشخیص و صلاحدید محدودش متکی بود. کریشنا آموزش داد که روح منفرد همه چیز نیست و خود او یعنی شخصیت متعال خداوند، به عنوان روح متعال ساکن در قلب، موجود زنده را هدایت می‌کند. موجود زنده پس از تغییر کالبد جسمانی، اعمال گذشته خود را فراموش می‌کند، لیکن روح متعال به عنوان دانای کلیه امور در گذشته، حال و آینده به صورت شاهد کلیه اعمال روح منفرد باقی می‌ماند. بنابراین کلیه اعمال موجودات زنده تحت هدایت روح متعال قرار دارد. موجود زنده آنچه که شایستگیش را دارد کسب می‌کند و به‌وسیله بدن مادی که از انرژی مادی تحت راهنمایی روح متعال آفریده شده حمل می‌شود. به محض آنکه موجود زنده در بدن بخصوصی قرار داده می‌شود باید تحت شرایط آن وضع بدنی کار کند. کسی که سوار اتومبیل تندرویی باشد مسلماً دارای سرعتی بیشتر از

فردی است که در ماشین کندرویی قرار دارد، اگرچه راننده هر دوی این اتومبیلها یکسان باشند. مشابهاً، به دستور روح متعال، طبیعت مادی بدن بخصوصی را برای موجود زنده بخصوصی ایجاد می‌کند تا وی بتواند بر اساس آرزوهای گذشته‌اش به کار و عمل بپردازد. موجود زنده مستقل نیست. فرد نباید خود را مستقل از شخصیت اعلای خداوند بپندارد، بلکه باید بداند که همواره تحت کنترل اوست. بنابراین وظیفه‌اش تسلیم شدن است و بس، و این موضوع، حکم آیه بعدی است.

## آیه ۶۲

*tam eva śaraṇaṁ gaccha*
*sarva-bhāvena bhārata*
*tat-prasādāt parāṁ śāntiṁ*
*sthānaṁ prāpsyasi śāśvatam*

*tam* : به او ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *śaraṇam gaccha* : تسلیم شو ـ *sarva-bhāvena* : از هر نظر ـ *bhārata* : ای پسر بهاراتا ـ *tat-prasādāt* : به‌وسیله لطف و رحمت او ـ *parām* : متعال و روحانی ـ *śāntim* : صلح و آرامش ـ *sthānam* : منزلگاه، اقامتگاه ـ *prāpsyasi* : به دست خواهی آورد ـ *śāśvatam* : ابدی.

## ترجمه

**ای نوادهٔ بهاراتا، تسلیم محض او شو که تو با لطف و رحمتش، بـه آرامـش روحـانی و سـرمنزل متعـال و جاودان خواهی رسید.**

## شرح

بنابراین موجود زنده باید به شخصیت متعال خداوند که در قلب همه حضور دارد سر تسلیم فرود آورد و بدین ترتیب از کلیه رنجهای زندگی مادی آسوده شود. با چنین تسلیمی، انسان نه تنها از تمام رنجهای زندگی کنونی خود آزاد می‌گردد که سرانجام به خداوند متعال نیز خواهد رسید. عالم متعال یا دنیای معنوی در ادبیات ودایی (ریگ ودا ۲۰/۲۲/۱) به عنوان تاد ویشنو پارامام پادام توصیف شده است. از آنجا که تمامی آفرینش، قلمرو خداوند محسوب می‌شود، همه پدیده‌های مادی نیز در واقع روحانی است، اما پارام پادام بخصوص به اقامتگاه ابدی اشاره دارد که آسمان روحانی یا وایکونتها خوانده می‌شود.

در فصل پانزدهم بهاگاواد-گیتا آمده است:

*sarvasya cāhaṁ hṛdi sanniviṣṭaḥ*:خداوند ساکن قلب همه موجودات است. لذا توصیه منوط به تسلیم انسان به روح متعال نشسته در درون، به معنی تسلیم شدن به کریشنا، شخصیت متعال خداوند، است. آرجونا قبلا کریشنا را به عنوان خداوند متعال پذیرفت و بیان عناوین پارام برهما پارام دهاما در فصل دهم نیز حاکی از این نکته است. *paraṁ brahma paraṁ dhāma*. آرجونا، کریشنا را به منزله شخصیت اعلای خداوند و مأمن تمام موجودات زنده قبول کرد، نه فقط به علت تجربه شخصی که بر اساس گواهی مراجع موثق بزرگی همچون نارادا، آسیتا، دوالا و ویاسا.

## آیه ۶۳

*iti te jñānam ākhyātaṁ*
*guhyād guhyataraṁ mayā*
*vimṛśyaitad aśeṣeṇa*
*yathecchasi tathā kuru*

*iti* : بدین‌سان ـ *te* : به تو ـ *jñānam* : دانش ـ *ākhyātam* : توصیف شده ـ *guhyāt* : از محرمانه ـ*guhya-taram* : باز هم محرمانه‌تر ـ *mayā* : به‌وسیله من ـ *vimṛśya* : تعمق کردن ـ *etat* : بر این ـ *aśeṣeṇa* : به طرز کاملی ـ *yathā* : همان طور که ـ *icchasi* : دوست داری ـ *tathā* : آن ـ *kuru* : انجام ده.

### ترجمه

**بدین‌سان دانش محرمانه را برایت آشکار نمودم. کاملاً روی آن تعمق کن و سپس آنچه مایلی انجام ده.**

## شرح

خداوند پیش از این دانش برهما ـ بهوتا را به آرجونا توضیح داده است. کسی که در سطح برهما ـ بهوتا قرار دارد در شادی و سرور معنوی است؛ هیچگاه اندوه و تأسف از چیزی به دل راه نمی‌دهد و آرزوی چیزی در سر ندارد. این سطح آگاهی ناشی از درک دانش محرمانه است. کریشنا دانش روح متعال را نیز فاش ساخت. این نیز همان دانش برهمن است، لیکن برتر و والاتر. در آیه حاضر خداوند کریشنا به آرجونا می‌فرماید:*yathecchasi tathā kuru*”هر گونه که بخواهی می‌توانی عمل کنی.“ این بدان معناست که خداوند در استقلال جزئی موجود زنده دخالت نمی‌نماید. در بهاگاواد–گیتا خداوند به طور کامل توضیح داده است که چگونه انسان می‌تواند شرایط زندگیش را ارتقاء دهد و بهترین نصیحت او به آرجونا به صورت تسلیم شدن به روح متعال که درون قلب جایگزین است مطرح گردید. انسان باید با تشخیص صحیح بپذیرد که طبق دستور روح متعال عمل کند. این نحوه عمل به انسان کمک خواهد نمود که همواره در کریشنا آگاهی، یعنی بالاترین مرحله کمال حیات انسانی، قرار گیرد. پس شخصیت اعلای خداوند اکنون مستقیماً به آرجونا فرمان جنگ می‌دهد. باید در نظر داشت که تسلیم به شخصیت متعال خداوند برترین خیر و صلاح برای موجودات زنده به شمار می‌آید و این موضوع ربطی به منافع خداوند متعال ندارد. انسان می‌تواند قبل از تسلیم شدن تا آنجا که شعور و خرد اجازه می‌دهد در این باره بیندیشد و تعمق نماید؛ این بهترین راه برای پذیرفتن دستورات و آموزشهای شخصیت اعلای پروردگار است. این گونه آموزشهای الهی را از طریق پیر روحانی یعنی نماینده معتبر و موثق کریشنا نیز می‌توان دریافت نمود.

## آیه ۶۴

*sarva-guhyatamaṁ bhūyaḥ*
*śṛṇu me paramaṁ vacaḥ*
*iṣṭo 'si me dṛḍham iti*
*tato vakṣyāmi te hitam*

*sarva-guhya-tamam* : محرمانه‌ترین همه ـ *bhūyaḥ* : دوباره ـ *śṛṇu* : فقط بشنو ـ *me* : از من ـ *paramam* : والا و متعال ـ *vacaḥ* : آموزش ـ *iṣṭaḥ asi* : تو عزیز هستی ـ *me* : برای من ـ *dṛḍham* : بسیار ـ *iti* : بدین‌سان ـ *tataḥ* : بنابراین ـ *vakṣyāmi* : سخن می‌گویم ـ *te* : برای ... متعلق به تو ـ *hitam* : نفع، خیر.

### ترجمه

**چون تو دوست بسیار عزیز من هستی، آموزش نهایی و محرمانه‌ترین بخش دانش را برایت بازگو می‌کنم. این را از من بشنو، زیرا به صلاح توست.**

## شرح

خداوند دانش محرمانه یعنی دانش برهمن و سپس دانش محرمانه‌تر یعنی دانش روح متعال را که درون قلب همه سکنی دارد به آرجونا داده است و حال محرمانه‌ترین قسمت دانش را ارائه می‌کند: تسلیم به شخصیت متعال خداوند. او در انتهای فصل نهم (۳۴/۹) فرموده است: مان ـ مانا: "همواره فقط به من فکر کن." تکرار همان آموزش در آیه بعد به منظور تأکید مجدد بر جوهر و چکیده آموزشهای بهاگاواد–گیتا است. این جوهر از طرف انسانهای عادی درک نمی‌شود، بلکه کسی که واقعاً برای کریشنا بسیار عزیز است یعنی عابد پاک اوست که آن را درمی‌یابد. این مطلب، مهمترین آموزش در تمام متون مقدس ودایی است. سخنان کریشنا در این باره، اساسی‌ترین قسمت دانش به شمار می‌آید و باید نه تنها از طرف آرجونا که از طرف تمام موجودات زنده اطاعت شود.

## آیه ۶۵

*man-manā bhava mad-bhakto*
*mad-yājī māṁ namaskuru*
*mām evaiṣyasi satyaṁ te*
*pratijāne priyo 'si me*

*mat-manāḥ* : فکر کردن به من ـ *bhava* : فقط بشو ـ *mat-bhaktaḥ* : عابد و فدایی من ـ *mat-yājī* : پرستش کننده من ـ *mām* : به من ـ *namaskuru* : سجده‌هایت را تقدیم کن ـ *mām* : به‌من ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *eṣyasi* : خواهی آمد ـ *satyam* : واقعاً، صادقانه ـ *te* : به تو ـ *pratijāne* : قول می‌دهم ـ *priyaḥ* : عزیز ـ *asi* : تو هستی ـ *me* : برای من.

## ترجمه

**همواره به من فکر کن، عابد من شو، من را بپرست و احترامات خود را به من تقدیم کن. بدین‌سان بدون تردید نزد من خواهی آمد. این را به تو قول می‌دهم چون تو دوست بسیار عزیز من هستی.**

## شرح

محرمانه‌ترین قسمت دانش حاکی از آن است که انسان باید فدایی خالص خدا یا عابد پاک کریشنا شود و همواره به او فکر و برای او عمل کند. شخص نباید به صورت تمرکزکننده‌ای متظاهر درآید. زندگی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی گردد تا انسان همواره فرصت فکر کردن به کریشنا را داشته باشد. وی باید همواره بدین شیوه عمل کند تا تمام کارهای روزانه او در رابطه با کریشنا باشد. او باید زندگیش را به نحوی ترتیب دهد که در طول بیست و چهار ساعت نتواند به چیزی جز کریشنا فکر کند. و خداوند به کسی که در چنین کریشنا آگاهی خالص یا خدا آگاهی نابی قرار داشته باشد قول می‌دهد که قطعاً به منزلگاه کریشنا، جایی که همنشین و معاشر خدا خواهد شد و رو در رو او را خواهد دید، باز خواهد گشت. این محرمانه‌ترین قسمت دانش برای آرجونا فاش می‌شود زیرا او دوست عزیز کریشناست. بنابراین هر کس که از راه آرجونا پیروی نماید می‌تواند دوست عزیز کریشنا گردد و به همان کمال که آرجونا بدان نائل گردید دست یابد.

آیه حاضر تأکید می‌کند که انسان باید فکرش را بر کریشنا متمرکز نماید یعنی همان فرم دو دست که نی‌لبکی به همراه دارد، همان جوان خوش صورتی که رنگ پوستش آبی است و موهایش با پر طاووس تزئین شده است. توصیف کریشنا در برهما ـ سامهیتا و متون مقدس دیگر آمده است. انسان باید فکرش را بر شکل روحانی اصلی و ازلی خداوند یعنی کریشنا متمرکز نماید. فکر شخص حتی نباید به شکلهای دیگر خداوند معطوف گردد. خداوند دارای شکلهای بی‌شماری همچون ویشنو، نارایانا، راما، واراها و غیره می‌باشد. اما عابد باید فکرش را بر شکلی که در مقابل آرجونا حضور داشت متمرکز نماید. تمرکز فکر بر سیمای

روحانی کریشنا محرمانه‌ترین قسمت دانش است و این موضوع برای آرجونا آشکار می‌شود زیرا وی عزیزترین دوست کریشنا است.

## آیه ۶۶

*sarva-dharmān parityajya*
*māṁ ekaṁ śaraṇaṁ vraja*
*ahaṁ tvāṁ sarva-pāpebhyo*
*mokṣayiṣyāmi mā śucaḥ*

*sarva-dharmān* : تمام انواع مذهب ـ *parityajya* : رها کردن، کنار گذاردن ـ *mām* : به من ـ *ekam* : تنها ـ *śaraṇam* : به منظور تسلیم ـ *vraja* : برو ـ *aham* : من ـ *tvām* : تو را ـ *sarva* : تمام ـ *pāpebhyaḥ* : از بازتابهای گناه‌آلود ـ *mokṣayiṣyāmi* : نجات خواهم داد ـ *mā* : (ن') علامت نفی فعل ـ *śucaḥ* : نگران باش.

## ترجمه

**تمام مذاهب گوناگون را رها کن و فقط به من تسلیم شو. من تو را از کلیهٔ واکنشهای گناه‌آلود نجات خواهم داد. نترس.**

## شرح

خداوند انواع گوناگون دانش و روشهای مذهب یعنی دانش برهمن متعال، دانش روح متعال، دانش انواع طبقات و مراحل مختلف زندگی اجتماعی (وارنا و آشراما)، دانش مرحله انقطاع در زندگی، دانش عدم دلبستگی، روند مهار کردن ذهن و حواس، روش تمرکز و تعمق و غیره را توصیف فرموده است. حق تعالی به طرق گوناگون، اقسام مختلف مذهب را تشریح کرده است. اکنون خداوند در ارائه بیانی موجز از کل بهاگاواد-گیتا می‌فرماید که آرجونا باید تمام روشهایی را که به او توضیح داده شد رها نماید؛ او فقط باید تسلیم کریشنا شود . این تسلیم او را از کلیه واکنشهای گناه‌آلود نجات خواهد داد، زیرا خداوند شخصاً تعهد می‌کند که او را حفظ نماید.

در فصل هشتم بیان گردید تنها کسی که از تمام عکس‌العملهای گناه‌آلود آزاد شده است می‌تواند به پرستش خداوند کریشنا بپردازد. بدین ترتیب ممکن است شخص گمان کند تا از تمام بازتابهای گناه‌آلود آزاد نشده نمی‌تواند به راه تسلیم پا نهد. در پاسخ به چنین شکهایی آیه حاضر جواب می‌دهد که حتی اگر انسان از تمام عکس‌العملهای گناه‌آلود نیز آزاد نشده باشد صرفاً با تسلیم به راه شری کریشنا، خود به خود به چنین موهبتی دست می‌یابد. پس هیچ گونه نیازی به کوشش اضافی در جهت آزاد ساختن خود از عکس‌العملهای گناه‌آلود نیست. انسان باید بی‌درنگ و بدون تأمل کریشنا را به عنوان ناجی متعال همه موجودات زنده بپذیرد و با ایمان و عشق به او سر تسلیم فرود آورد.

رویه تسلیم به کریشنا در کتاب هاری ـ بهاکتی ـ ویلاسا (۶۷۶/۱۱) بدین گونه توصیف شده است:

*ānukūlyasya saṅkalpaḥ*
*prātikūlyasya varjanam*
*rakṣiṣyatīti viśvāso*
*goptṛtve varanaṁ tathā*
*ātma-nikṣepa-kārpaṇye*
*ṣaḍ-vidhā śaraṇāgatiḥ*

بر اساس طریقت عابدانه، انسان باید فقط از آن اصول مذهبی که در نهایت به خدمت عابدانه خداوند منتهی می‌شود تبعیت کند. ممکن است انسان طبق موقعیت اجتماعیش به انجام وظیفه شغلی بخصوصی مبادرت ورزد، لیکن اگر با انجام چنین وظیفه‌ای به مرحله کریشنا آگاهی دست نیابد، تمام فعالیتهایش بیهوده خواهد بود. باید از هر چیزی که شخص را به مرحله کمال کریشنا آگاهی رهنمون نمی‌سازد اجتناب نمود .انسان باید اطمینان داشته باشد که کریشنا در تمام شرایط وی را از مشکلات حفظ خواهد کرد. هیچ گونه نیازی نیست که انسان نگران تلاش برای حفظ و بقای بدن خود باشد، کریشنا ترتیب آن را خواهد داد. انسان باید همواره خویش را عاجز و درمانده ببیند و کریشنا را یگانه مبنای پیشرفت در زندگیش بداند. به محض اینکه انسان به طور جدی جودش را وقف خدمت عابدانه خداوند در آگاهی کامل به کریشنا کند، از تمام آلودگیهای طبیعت مادی آزاد می‌شود. طرق مختلف مذهب و روشهای گوناگون تزکیه و تهذیب نفس وجود دارد مانند پرورش و کسب دانش، تمرکز در طریقت یوگای ماورایی و غیره، اما کسی که تسلیم کریشنا می‌شود احتیاجی به انجام هیچیک از این روشها ندارد. تسلیم ساده به کریشنا او را از اتلاف وقت بیهوده نجات می‌دهد. بدین‌سان شخص می‌تواند به یکباره پیشرفت کامل نماید و از تمام بازتابهای گناه‌آلود آزاد شود.

انسان باید جذب زیبایی کریشنا شود. حتی نام کریشنا به معنای جذاب مطلق است. خوشبخت کسی است که مجذوب سیمای زیبای کریشنا، آن قدرت مطلق و قادر متعال گردد. حق‌جویان مختلفی وجود دارند: بعضی از آنان به وجه برهمن فاقد شخصیت دلبستگی دارند، برخی دیگر مجذوب وجه روح متعال و غیره‌اند، اما کسی که جذب وجه شخصی خداوند، و بالاتر از همه، کسی که مجذوب شخصیت اعلای او در شکل کریشنا باشد کاملترین حق‌جو و عارف است. بدین‌سان، خدمت عابدانه به کریشنا در آگاهی کامل به او، محرمانه‌ترین قسمت دانش است و این موضوع جوهر و چکیده تمام بهاگاواد–گیتا می‌باشد. کارما ـ یوگیها، فلاسفه تجردگرا، اهل تصوف و عابدان همگی در زمره حق‌جویان به شمار می‌آیند لیکن عابد پاک برتر از همه است. واژه ماشوچا به معنی "نترس، تأمل نکن، نگران مباش" که در این آیه استفاده شده بسیار حائز اهمیت است. ممکن است انسان نگران این موضوع شود که چگونه می‌تواند تمام مذاهب را رها کند و فقط تسلیم کریشنا شود، لیکن چنین نگرانی بیهوده است.

## آیه ۶۷

*idaṁ te nātapaskāya*
*nābhaktāya kadācana*
*na cāśuśrūṣave vācyaṁ*
*na ca māṁ yo 'bhyasūyati*

*idam* : این ـ *te* : به‌وسیله تو ـ *na* : هرگز ـ *atapaskāya* : برای آن کس که پرهیزکار نیست و ریاضت نمی‌کشد ـ *na* : هیچگاه ـ *abhaktāya* : برای کسی که عابد نیست ـ *kadācana* : در هیچ زمانی ـ *na* : هرگز ـ *ca* : همچنین ـ *aśuśrūṣave* : برای کسی که مشغول خدمت عابدانه نیست ـ *vācyam* : گفته شود ـ *na* : هیچگاه ـ *ca* : همچنین ـ *mām* : نسبت به من ـ *yaḥ* : هر کسی که ـ *abhyasūyati* : حسود است.

## ترجمه

**این دانش محرمانه نباید برای غیر پرهیزکاران، غیر عابدان و یا افرادی که وقف خدمت عابدانه نیستند فاش شود و نه برای کسی که به من حسد می‌ورزد.**

## شرح

این محرمانه‌ترین قسمت دانش، به اشخاصی که متحمل ریاضتهای مذهبی نشده‌اند، که هیچگاه برای خدمت عابدانه در کریشنا آگاهی تلاش نکرده‌اند، که به یک عابد پاک تمایل نداشته‌اند، و بخصوص آنان که کریشنا را فقط به عنوان یک شخصیت تاریخی می‌شناسند و یا نسبت به عظمت کریشنا حسد می‌ورزند، نباید گفته شود. با این اوصاف گاهی اوقات دیده می‌شود که حتی اشخاص شیطان‌صفتی که به کریشنا حسادت می‌کنند به توضیح و تفسیر بهاگاواد-گیتا می‌پردازند تا بدین ترتیب تجارتی به راه بیندازند و حرفه‌ای برای خود دست و پا کنند؛ ولی کسی که بخواهد واقعاً کریشنا را درک نماید باید از چنین تفاسیری برحذر باشد. در واقع برای کسانی که پیرو لذات نفسانی و شهوانی‌اند منظور و مقصود بهاگاواد-گیتا قابل درک نیست. حتی اگر کسی پیرو لذات نفسانی نیز نباشد و دقیقاً از دستورات کتب مقدس ودایی پیروی نماید، در صورتی که عابد و فدایی نباشد، نمی‌تواند کریشنا را درک نماید. کسی که ظاهر عابد کریشنا را به خود بگیرد ولی مشغول فعالیتهای کریشنا آگاهی نباشد، او نیز قادر به درک کریشنا نخواهد بود. اشخاص بسیاری، صرفاً به خاطر اینکه کریشنا در بهاگاواد-گیتا فرموده است که همانا او متعال است و هیچ چیز بالاتر از او یا همطراز او نیست، نسبت به وی حسادت می‌ورزند. با چنین اشخاصی نباید از بهاگاواد-گیتا سخن گفت زیرا نمی‌توانند درک کنند.
باید در نظر داشت که برای اشخاص بی‌ایمان به هیچ وجه امکان درک بهاگاواد-گیتا یا کریشنا وجود ندارد. بدون درک کریشنا از طریق مرجعیت یک عابد پاک، انسان نباید سعی کند بهاگاواد-گیتا را تفسیر نماید.

## آیه ۶۸

*ya idaṁ paramaṁ guhyaṁ*
*mad-bhakteṣv abhidhāsyati*
*bhaktiṁ mayi parāṁ kṛtvā*
*mām evaiṣyaty asaṁśayaḥ*

*yaḥ* : هر کس که ـ *idam* : این ـ *paramam* : بیشترین ـ *guhyam* : راز محرمانه ـ *mat* : مربوط به مال من ـ *bhakteṣu* : بین عابدان ـ *abhidhāsyati* : توضیح می‌دهد ـ *bhaktim* : خدمت عابدانه ـ *mayi* : به من ـ *parām* : متعال، روحانی ـ *kṛtvā* : انجام دادن ـ *mām* : به من ـ *eva* : حتماً، محققاً ـ *eṣyati* : می‌آید ـ *asaṁśayaḥ* : بدون تردید.

## ترجمه

**برای کسی که این راز متعال را به عابدان آموزش می‌دهد، خدمت عابدانهٔ پاک تضمین شده است و سرانجام، بدون هیچ تردیدی، نزد من باز خواهد گشت.**

## شرح

به طور کلی توصیه می‌شود که بهاگاواد-گیتا فقط در میان عابدان مطرح شود، زیرا هیچ غیر عابدی نه کریشنا را درک خواهد کرد و نه بهاگاواد-گیتا را. کسانی که کریشنا و بهاگاواد-گیتا را همان گونه که هستند نمی‌پذیرند، نباید تلاش کنند از روی هوی و هوس بهاگاواد-گیتا را توضیح دهند و به علت اهانت مرتکب خطا و گناه گردند. بهاگاواد-گیتا باید برای کسانی توضیح داده شود که آماده‌اند کریشنا را به عنوان شخصیت متعال خداوند بپذیرند. بهاگاواد-گیتا گنجینه‌ای عرفانی است که فقط مختص مریدان و عابدان خداست و پندارگرایان فلسفی را به حقایق آن راهی نیست. از طرف دیگر، کسی که صادقانه بکوشد بهاگاواد-گیتا را همان گونه که هست ارائه دهد، در فعالیتهای عابدانه پیشرفت خواهد نمود و به مرحله زندگی عابدانه پاک خواهد رسید. در نتیجه چنین عشق و عبودیت پاکی، وی حتماً به سرمنزل مقصود نزد خداوند باز خواهد گشت.

## آیه ۶۹

*na ca tasmān manuṣyeṣu*
*kaścin me priya-kṛttamaḥ*
*bhavitā na ca me tasmād*
*anyaḥ priyataro bhuvi*

*na* : هرگز ـ *ca* : و ـ *ca* : از او ـ *manuṣyeṣu* : در میان انسانها ـ *kaścit* : هیچکس ـ *me* : برای من ـ *priya-kṛt-tamaḥ* : عزیزتر ـ *bhavitā* : خواهد شد ـ *na* : و نه ـ *ca* : و ـ *me* : برای من ـ *tasmāt* : از او ـ *anyaḥ* : دیگری ـ *priya-taraḥ* : عزیزتر ـ *bhuvi* : در این جهان.

### ترجمه

**در این جهان هیچ خادمی برای من عزیزتر از او نیست و نخواهد بود.**

## آیه ۷۰

*adhyeṣyate ca ya imaṁ*
*dharmyaṁ saṁvādam āvayoḥ*
*jñāna-yajñena tenāham*
*iṣṭaḥ syām iti me matiḥ*

*adhyeṣyate* : مطالعه خواهد کرد ـ *ca* : همچنین ـ *yaḥ* : او که ـ *imam* : این ـ *dharmyam* : مقدس ـ *saṁvādam* : گفتگو ـ *āvayoḥ* : مربوط به مال ما ـ *jñāna* : مربوط به دانش ـ *yajñena* : به‌وسیله قربانی ـ *tena* : به‌وسیله او ـ *aham* : من ـ *iṣṭaḥ* : پرستش شده ـ *syām* : خواهم شد ـ *iti* : بدین‌سان ـ *me* : مال من، م ـ *matiḥ* : نظر.

### ترجمه

**و من اعلام می‌دارم آن کس که این گفتگوی مقدس ما را مطالعه نماید، مرا با خرد و شعورش پرستش خواهد کرد.**

## آیه ۷۱

*śraddhāvān anasūyaś ca*
*śṛṇuyād api yo naraḥ*
*so 'pi muktaḥ śubhāl lokān*
*prāpnuyāt puṇya-karmaṇām*

*śraddhā-vān* : با ایمان ـ *anasūyaḥ* : بدون حسد ـ *ca* : و ـ *śṛṇuyāt* : می‌شنود ـ *api* : حتماً، محققاً ـ *yaḥ* : که ـ *naraḥ* : انسان ـ *saḥ* : او ـ *api* : همچنین ـ *muktaḥ* : رها می‌شود ـ *śubhān* : خجسته ـ *lokān* : سیارات ـ *prāpnuyāt* : او دست می‌یابد ـ *puṇya-karmaṇām* : مربوط به پرهیزکاران.

### ترجمه

**و کسی که با ایمان و بدون حسد به آن گوش فرا دهد، از بازتاب گناهان آزاد می‌شود و به سیارات خجسته‌ای که پرهیزکاران در آن بسر می‌برند دست می‌یابد.**

## شرح

در آیه شصت و هفتم این فصل، خداوند به روشنی بازگو نمودن گیتا را برای اشخاصی که به او حسادت می‌ورزند منع فرمود. به عبارت دیگر، بهاگاواد–گیتا مختص مریدان و عابدان است. اما گاهی ملاحظه می‌شود که عابد خداوند کلاسهای آزاد و سخنرانیهایی برای عموم ترتیب می‌دهد که انتظار نمی‌رود همه مستمعان آنها عابد باشند. چگونه می‌توان این موضوع را توجیه کرد  این مطلب در اینجا بدین صورت توضیح داده شده است که در بین غیر عابدان اشخاص بسیاری نیز وجود دارند که به کریشنا حسادت نمی‌ورزند و به او به عنوان شخصیت متعال خداوند ایمان دارند؛ اگر چنین اشخاصی از عابد معتبر و موثقی درباره خداوند بشنوند، فوراً از کلیه عکس‌العمل گناهان خود آزاد می‌شوند و سپس به منظومه سیاراتی که اشخاص پارسا و صالح در آنها بسر می‌برند واصل می‌گردند. بنابراین فقط با استماع بهاگاواد–گیتا، حتی شخصی که نمی‌کوشد عابد پاک شود، به نتیجه اعمال نیک و صالح دست می‌یابد. بدین‌سان عابد پاک خداوند به همه فرصتی می‌دهد تا از واکنشهای گناه‌آلود آزاد شوند و عابد خداوند گردند.

عموماً کسانی که از بازتاب گناهان آزاد هستند و نیکوکار و پرهیزکارند، به آسانی کریشنا آگاهی را می‌پذیرند. واژه پونیا ـ کارمانام در اینجا بسیار حائز اهمیت است. این واژه به انجام قربانیهای بزرگی همچون آشوامدها ـ یاگیا که در ادبیات ودایی ذکر گردیده است، اشاره دارد. کسانی که در انجام خدمت عابدانه متقیانه عمل می‌کنند، لیکن هنوز کاملا خالص نشده‌اند می‌توانند به ستاره قطبی یا دهرووالوکا (*Dhruvaloka*)، جایی که دهرووا ماهاراجا، عابد بزرگ خداوند، حکمرانی می‌کند دست یابند.

## آیه ۷۲

*kaccid etac chrutaṁ pārtha*
*tvayaikāgreṇa cetasā*
*kaccid ajñāna-sammohaḥ*
*praṇaṣṭas te dhanañjaya*

*kaccit* : آیا ـ *etat* : این ـ *śrutam* : شنیده شده ـ *pārtha* : ای پسر پریتها ـ *tvayā* : به‌وسیله تو ـ*eka-agreṇa* : با دقت و توجه کامل ـ *cetasā* : به‌وسیله ذهن ـ *kaccit* : آیا ـ *ajñāna* : مربوط به جهل ـ *sammohaḥ* : توهم ـ *praṇaṣṭaḥ* : زایل شده ـ *te* : مربوط به تو ـ *dhanañjaya* : ای فاتح ثروت (آرجونا).

## ترجمه

**ای پسر پریتها، ای فاتح ثروت، آیا به این دانش با ذهنی دقیق گوش فرا دادی  آیا جهل و توهمات تو اکنون برطرف شده است**

## شرح

خداوند به منزله پیر روحانی آرجونا عمل می‌کرد. بنابراین وظیفه او بود که از آرجونا جویا شود که پیام بهاگاواد–گیتا را به درستی دریافت کرده است یا خیر. و در غیر این صورت، خداوند آماده بود که مجدداً هر نکته و یا در صورت لزوم کل بهاگاواد–گیتا را دوباره برای او توضیح دهد. در واقع، هر کس که بهاگاواد–گیتا را از پیر روحانی معتبر و موثقی مانند کریشنا یا نماینده او دریافت نماید، متوجه خواهد شد که تمام جهل و نادانیش برطرف شده است. بهاگاواد–گیتا کتابی معمولی که شاعر یا نویسنده‌ای داستان‌پرداز آن را نگاشته باشد نیست؛ بلکه شخصیت متعال خداوند آن را بیان فرموده است. چنانچه فردی آنقدر

خوشبخت باشد که این تعالیم الهی را از کریشنا یا نماینده روحانی معتبر و موثق او استماع کند، حتماً شخص رها شده و رستگاری خواهد شد و از ظلمت و تاریکی جهل بیرون خواهد آمد.

## آیه ۷۳

*arjuna uvāca*
*naṣṭo mohaḥ smṛtir labdhā*
*tvat-prasādān mayācyuta*
*sthito 'smi gata-sandehaḥ*
*kariṣye vacanaṁ tava*

*arjunaḥ uvāca* : آرجونا گفت ـ *naṣṭaḥ* : زایل شده، برطرف شده ـ *mohaḥ* : توهم ـ *smṛtiḥ* : حافظه ـ *labdhā* : بازیافته ـ *tvat-prasādāt* : به‌وسیله لطف و رحمت تو ـ *mayā* : به‌وسیله من ـ *acyuta* : ای کریشنای خطاناپذیر منزه از گناه ـ *sthitaḥ* : واقع شده ـ *asmi* : من هستم ـ *gata* : برطرف شده ـ *sandehaḥ* : تمام شکها و تردیدها ـ *kariṣye* : عمل خواهم کرد ـ *vacanam* : دستور ـ *tava* : مال تو، ت.

## ترجمه

**آرجونا گفت: کریشنای عزیزم، ای خطاناپذیرِ منزه از گناه، اکنون توهم من از میان رفته است و به لطف تو حافظه‌ام را بازیافته‌ام. من اکنون محکم و استوار و از هر گونه شک و تردید آزادم و آماده‌ام طبق آموزشهای تـو عمل نمایم.**

شرح

موقعیت اصلی و فطری موجود زنده که آرجونا مظهر آن می‌باشد، عمل کردن بر اساس فرمان خداوند متعال است. بنابراین قواعد و قوانین و اصول تنظیم کننده برای موجود زنده در نظر گرفته شده است. شری چیتانیا ماهاپرابهو می‌فرماید که موقعیت و مقام اصلی موجود زنده، خادم ابدی خداوند متعال بودن است. موجود زنده چنانچه این اصل را فراموش نماید، به‌وسیله طبیعت مادی مقید می‌شود، و چنانچه به خداوند متعال خدمت کند، خادم رهایی یافته او می‌گردد. موقعیت فطری موجود زنده خادم بودن است؛ او باید یا به مایای توهمی خدمت نماید یا به خداوند متعال. اگر او به خداوند متعال خدمت نماید در وضع طبیعی خود قرار می‌گیرد، اما اگر ترجیح بدهد به انرژی بیرونی توهمی خدمت کند، آنگاه مسلماً گرفتار خواهد شد. هنگامی که موجود زنده در وهم بسر می‌برد به اربابی در چهارچوب دنیای مادی خدمت می‌کند. او در بند شهوت و آز و آرزوهایش است، ولی خویش را ارباب و حکمران دنیا می‌پندارد. این توهم خوانده می‌شود. وقتی شخص رهایی یابد، توهمش پایان می‌پذیرد و داوطلبانه تسلیم حق تعالی می‌شود تا طبق خواسته‌های او عمل کند. و اما آخرین توهم، آخرین دام مایا برای به بند کشیدن موجود زنده مبتنی بر این مطلب است که او خود، خداست. در آن حال موجود زنده تصور می‌کند که دیگر روح مقید نیست بلکه خداوند است. وی آنقدر نابخرد است که حتی از خود نمی‌پرسد که چنانچه خدا باشد، چگونه می‌تواند در معرض شک و تردید قرار گیرد. وی این موضوع را نادیده می‌گیرد. پس این آخرین دام توهم است. در حقیقت مفهوم آزاد شدن از انرژی توهمی عبارت است از درک کریشنا، شخصیت اعلای خداوند و عمل کردن بر اساس فرمان او.

واژه موها در این آیه بسیار اهمیت دارد. موها اشاره به آن چیزی است که مغایر دانش است. در واقع دانش حقیقی درک این موضوع است که موجود زنده خادم ابدی خداوند است؛ لیکن به جای آنکه خود را در این مقام ببیند، گمان می‌کند که خادم کسی نیست بلکه ارباب دنیای مادی است، زیرا می‌خواهد بر طبیعت مادی حکمرانی و خدایی کند. این است توهم او. این توهم

را می‌توان با لطف خداوند یا با لطف یک عابد پاک برطرف نمود. وقتی این توهم پایان یابد، انسان می‌پذیرد که در آگاهی به کریشنا عمل کند.

کریشنا آگاهی یعنی عمل کردن بر اساس فرمان کریشنا. روح مقید که با انرژی بیرونی مادی دچار توهم گردیده نمی‌داند که خداوند متعال آن یگانه اربابی است که مملو از دانش و مالک مطلق همه چیز است. آنچه بخواهد می‌تواند به عابدانش اعطاء نماید؛ او دوست همه است ولی نسبت به عابدش تمایلی خاص دارد. خداوند حکمران غایی طبیعت مادی و همه موجودات زنده است. او همچنین کنترل کننده زمان پایان‌ناپذیر است و مملو از تمام توانگریها و نیروهاست. شخصیت متعال خداوند می‌تواند حتی خودش را به عابدش بدهد. کسی که او را نمی‌شناسد تحت افسون توهم است و با امتناع از خدمت به خداوند، خادم مایا می‌گردد. اما آرجونا پس از استماع بهاگاواد-گیتا از شخصیت متعال خداوند از کلیه توهمات رها گشت و توانست درک نماید که کریشنا نه تنها دوست وی بلکه شخصیت اعلای پروردگار نیز هست. آرجونا حقیقتاً کریشنا را همان طور که هست درک نمود. بنابراین، مطالعه بهاگاواد-گیتا یعنی درک واقعی کریشنا. وقتی شخصی در دانش کامل قرار گیرد، طبیعتاً تسلیم کریشنا می‌شود. وقتی آرجونا متوجه شد که کریشنا نقشه‌ای برای کاهش افزایش شدید جمعیت دارد، موافقت نمود که طبق خواسته او به جنگ بپردازد. آرجونا دوباره سلاح خویش یعنی تیر و کمانش را به دست گرفت تا تحت فرمان شخصیت اعلای خداوند بجنگد.

## آیه ۷۴

*sañjaya uvāca*
*ity ahaṁ vāsudevasya*
*pārthasya ca mahātmanaḥ*
*saṁvādam imam aśrauṣam*
*adbhutaṁ roma-harṣaṇam*

*sañjayaḥ uvāca* : سانجایا گفت ـ *iti* : بدین‌سان ـ *aham* : من ـ *vāsudevasya* : مربوط به‌کریشنا ـ *pārthasya* : و آرجونا ـ *ca* : همچنین ـ *mahā-ātmanaḥ* : مربوط به روح بزرگ ـ *saṁvādam* : گفتگو ـ *imam* : این ـ *aśrauṣam* : شنیده‌ام ـ *adbhutam* : عالی و شگرف ـ *roma-harṣaṇam* : مو را بر تن راست گرداندن.

## ترجمه

**سانجایا گفت: من گفتگوی دو روح بزرگ، کریشنا و آرجونا، را بدین صورت شنیدم. و بر اثراین پیام عالی و شگرف مو بر تنم راست شده است.**

## شرح

در آغاز بهاگاواد-گیتا، دهریتاراشترا از منشی خود سانجایا خواست که اتفاقات میدان نبرد کوروکشترا را برایش بازگو نماید. در واقع این وقایع، یعنی کل بهاگاواد-گیتا، به لطف ویاسا پیر روحانی سانجایا به قلب او القاء شد. لذا سانجایا توانست بدین‌سان به توضیح میدان نبرد بپردازد. بهاگاواد-گیتا یا گفتگوی پراهمیت بین دو روح بزرگ از آن جهت بسیار عالی و شگرف است که قبلا هیچگاه اتفاق نیفتاده بود و دوباره نیز هیچگاه اتفاق نخواهد افتاد. از سوی دیگری نیز عالی و شگرف است، زیرا در آن شخصیت متعال خداوند درباره شخص خود و انرژیهایش با موجود زنده‌ای یعنی آرجونا عابد بزرگش سخن می‌گوید. اگر ما برای درک کریشنا از راه آرجونا پیروی نماییم زندگیمان قرین خوشبختی و سعادت خواهد شد. سانجایا که به درک این حقیقت دست یافته بود، توانست گفتگو را همان طور که برای او فاش شده بود برای دهریتاراشترا بازگو نماید و چنین نتیجه‌گیری کند که هر کجا کریشنا و آرجونا حضور داشته باشند در آنجا پیروزی نیز خواهد بود.

## آیه ۷۵

*vyāsa-prasādāc chrutavān*
*etad guhyam ahaṁ param*
*yogaṁ yogeśvarāt kṛṣṇāt*
*sākṣāt kathayataḥ svayam*

*vyāsa-prasādāt* : به‌وسیله لطف ویاسادوا ـ *śrutavān* : شنیده‌ام ـ *etat* : این ـ *guhyam* : محرمانه ـ *aham* : من ـ *param* : والا و متعال ـ *yogam* : طریقت عرفانی ـ *yoga-īśvarāt* : از استاد کلیه طرق ماورایی (عرفانی) ـ *kṛṣṇāt* : از کریشنا ـ *sākṣāt* : مستقیماً ـ *kathayataḥ* : سخن گفتن ـ *svayam* : شخصاً.

## ترجمه

**به لطف ویاسا، من این محرمانه‌ترین گفتگو را مستقیماً از استاد کل عرفان یعنی کریشـنا کـه شخصـاً بـا آرجونا سخن می‌گفت شنیدم.**

## شرح

ویاسا پیر روحانی سانجایا بود و سانجایا اذعان می‌دارد که به لطف پیرش قادر شد شخصیت متعال خداوند را درک نماید. این بدان معناست که انسان باید کریشنا را نه به طور مستقیم بلکه از طریق واسطه پیر روحانی درک نماید. چون پیر روحانی به صورت واسطه‌ای شفاف عمل می‌کند، این تجربه در عین حال مستقیم نیز شمرده می‌شود. این راز سلسله پیران است. چنانچه پیر روحانی، معتبر و موثق باشد، انسان قادر خواهد شد بهاگاواد-گیتا را مستقیماً، همان گونه که آرجونا آن را استماع نمود، بشنود. عرفا و یوگیهای بسیاری در سراسر جهان وجود دارند، ولی کریشنا استاد تمام طریقتهای یوگایی است. تعالیم کریشنا که چیزی جز تسلیم شدن به او نیست، به وضوح در بهاگاواد-گیتا بیان گردیده است. کسی که بدین نحو عمل کند بالاترین یوگی است، همان گونه که در آخرین آیه فصل ششم نیز تأیید شده است: یوگینام آپی ساروشام.

نارادا شاگرد و مرید مستقیم کریشنا و پیر روحانی ویاسا است. بنابراین ویاسا تعلق به سلسله پیرانی دارد که منتج از کریشناست و به این علت دارای اعتباری هم‌ارزش با آرجونا می‌باشد؛ وسانجایا مرید مستقیم او است. به لطف ویاسا بود که حواس سانجایا تطهیر شد و توانست کریشنا را مستقیماً رؤیت کند و استماع نماید. کسی که مستقیماً کریشنا را بشنود می‌تواند دانش محرمانه فاش شده در بهاگاواد-گیتا را درک نماید و چنانچه کسی به سلسله پیران توسل نجوید قادر به شنیدن از کریشنا نخواهد شد؛ بنابراین دانش چنین شخصی حداقل تا جایی که به درک بهاگاواد-گیتا مربوط می‌شود هیچگاه کامل نیست.

در بهاگاواد-گیتا، تمام روشهای یوگا یعنی کارما ـ یوگا، گیانا ـ یوگا و بهاکتی- یوگا توضیح داده شد. کریشنا استاد کلیه این علوم عرفانی است. این نکته را نیز باید درک نمود، نه فقط آرجونا این سعادت نصیبش شد که به صورت مستقیم از کریشنا بشنود و او را درک نماید، که سانجایا نیز از طریق لطف ویاسا به این توفیق دست یافت. در واقع هیچ گونه تفاوتی بین شنیدن سخنان خداوند از شخص خود او و شنیدن خداوند از طریق پیر روحانی معتبر و موثقی همچون ویاسا وجود ندارد. پیر روحانی نیز نماینده ویاسادوا است. بدین سبب، بر اساس طریقت ودایی، مریدان در روز تولد پیر روحانی مراسمی را که ویاسا ـ پوجا خوانده می‌شود بجا می‌آورند.

## آیه ۷۶

*rājan saṁsmṛtya saṁsmṛtya*
*saṁvādam imam adbhutam*

*keśavārjunayoḥ puṇyaṁ*
*hṛṣyāmi ca muhur muhuḥ*

*rājan* : ای پادشاه ـ *saṁsmṛtya* : به یاد آوردن ـ *saṁvādam* : به یاد آوردن ـ *saṁvādam* : پیام ـ*imam* : این ـ *adbhutam* : عالی و شگرف ـ *keśava* : مربوط به خداوند کریشنا ـ *arjunayoḥ* : و آرجونا ـ *puṇyam* : مذهبی ـ *hṛṣyāmi* : دارم لذت می‌برم ـ *ca* : همچنین ـ *muhuḥ muhuḥ* : مکرراً.

## ترجمه

**پادشاها، به یاد آوردن پیوستهٔ این گفتگوی عظیم و مقدس کریشنا و آرجونا، مرا دچار لذت فراوانی می‌سازد که هر لحظهٔ آن توأم با شور و هیجان بسیاری است.**

## شرح

درک بهاگاواد–گیتا آنقدر متعال و روحانی است که هر کس از مفاد گفتگوی کریشنا و آرجونا آگاه گردد، انسانی صالح و درستکار می‌شود و نمی‌تواند چنین گفتگویی را فراموش نماید. این مقام عالی زندگی روحانی است. به بیان دیگر، کسی که گیتا را از منبع صحیح یعنی مستقیماً از کریشنا بشنود به کریشنا آگاهی کامل دست می‌یابد. نتیجه کریشنا آگاهی این است که انسان به طور فزاینده‌ای به اشراق و آگاهی دست می‌یابد و از زندگی نه فقط برای مدت کوتاهی بلکه هر لحظه با شور و هیجان لذت می‌برد.

## آیه ۷۷

*tac ca saṁsmṛtya saṁsmṛtya*
*rūpam aty-adbhutaṁ hareḥ*
*vismayo me mahān rājan*
*hṛṣyāmi ca punaḥ punaḥ*

*tat* : آن ـ*ca* : همچنین ـ *saṁsmṛtya* : به یاد آوردن ـ *saṁsmṛtya* : به یاد آوردن ـ *rūpam* : شکل ـ *ati* : بسیار زیاد ـ *adbhutam* : بی‌نظیر و شگرف ـ *hareḥ* : مربوط به خداوند کریشنا ـ *vismayaḥ* : شگفتی و حیرت ـ *me* : مال من، م ـ *mahān* : عظیم ـ *rājan* : پادشاها ـ *hṛṣyāmi* : لذت می‌برم ـ *ca* : همچنین ـ *punaḥ punaḥ* : کراراً.

## ترجمه

**پادشاها، با به خاطر آوردن شکل بی‌نظیر و شگرف کریشنا، هر چه بیشتر و بیشتر غرق در شگفتی و حیرت می‌گردم و آکنده از شادی و سروری بی‌پایان.**

## شرح

به نظر می‌رسد که سانجایا نیز توانست به لطف ویاسا شکل جهانی کریشنا را که به آرجونا نشان داده شد مشاهده کند. البته، گفته شده است که خداوند کریشنا هیچگاه قبلا چنین شکلی را نشان نداده بود. پس هرچند این شکل فقط برای آرجونا نمایش داده شد، بعضی از عابدان بزرگ نیز توانستند آن را همزمان با آرجونا مشاهده کنند که ویاسا یکی از آنان بود. اما ویاسا نیز به منزله ظهور قدرتمند کریشنا، توانست این رؤیت را برای مریدش سانجایا آشکار سازد که او با به خاطر آوردن پیوسته سیمای شگرف فاش شده کریشنا بر آرجونا دچار لذت فزاینده‌ای شود.

## آیه ۷۸

*yatra yogeśvaraḥ kṛṣṇo*
*yatra pārtho dhanur-dharaḥ*
*tatra śrīr vijayo bhūtir*
*dhruvā nītir matir mama*

*yatra* : جایی که ـ *yoga-īśvaraḥ* : استاد علوم عرفانی ـ *kṛṣṇaḥ* : خداوند کریشنا ـ *yatra* : جایی‌که ـ *pārthaḥ* : پسر پریتها ـ *dhanuḥ-dharaḥ* : حامل تیر و کمان ـ *tatra* : آنجا ـ *śrīḥ* : توانگری، ثروت ـ *vijayaḥ* : پیروزی ـ *bhūtiḥ* : قدرت خارق‌العاده ـ *dhruvā* : مسلم، حتمی ـ *dhruvā* : اصول اخلاقی ـ *matiḥ mama* : نظر من.

## ترجمه

**هر کجا کریشنا، استاد تمام علوم عرفانی حضور داشته باشد و هر کجا آرجونا، کمانگیر متعال حاضر باشد، در آنجا قطعاً توانگری، پیروزی، قدرت خارق‌العاده و اخلاقیات حکمفرما خواهد بود. این نظر من است.**

## شرح

بهاگاواد–گیتا با یک سؤال دهریتاراشترا آغاز شد. او به پیروزی پسرانش که از یاری دلاوران بزرگی همچون بهیشما، درونا و کارنا برخوردار بودند امیدوار بود و توقع داشت که آنان فاتح گردند. اما سانجایا پس از توصیف صحنه نبرد به پادشاه اعلام کرد: "شما به پیروزی می‌اندیشید، لیکن نظر من این است که تمام اقبال نیک در جایی مستقر خواهد شد که کریشنا و آرجونا حضور داشته باشند." او مستقیماً تصریح کرد که دهریتاراشترا نمی‌توانست انتظار پیروزی برای جبهه خود داشته باشد. پیروزی جناح آرجونا امری مسلم بود زیرا کریشنا در آن حضور داشت. با پذیرش مقام ارابه‌رانی آرجونا، کریشنا جلوه دیگری از توانگری و دولتمندیهای خویش یعنی انقطاع را ظاهر می‌سازد. او به عنوان ارباب انقطاع، این توانگری خود را در موقعیتها و شرایط خاصی به نمایش گذارده بود.

در واقع این نبرد، جنگی بین دوریودهانا و یودهیشت‌هیرا محسوب می‌شد. آرجونا برای برادر بزرگترش یودهیشت‌هیرا می‌جنگید و چون کریشنا و آرجونا به جبهه یودهیشت‌هیرا پیوسته بودند پیروزی او قطعی بود. این نبرد تعیین می‌نمود که چه کسی بر دنیا حکومت نماید و سانجایا پیشگویی نمود که قدرت به یودهیشت‌هیرا منتقل خواهد شد. بعلاوه در اینجا پیشگویی شده است که یودهیشت‌هیرا پس از پیروزی در نبرد به موفقیتی هرچه شکوفاتر دست خواهد یافت، زیرا او نه تنها صالح و پرهیزکار که به اخلاقیات نیز پایبند بود. وی هیچگاه در طول زندگیش دروغ نگفت.

نابخردان بسیاری وجود دارند که بهاگاواد–گیتا را به منزله گفتگویی ساده بین دو دوست تلقی می‌کنند. در این صورت بهاگاواد–گیتا نمی‌توانست کتابی مقدس به شمار آید. ممکن است برخی افراد، عمل کریشنا مبتنی بر ترغیب آرجونا به جنگ را عملی غیر اخلاقی بدانند، اما واقعیت امر در اینجا به روشنی بیان گردیده است: بهاگاواد–گیتا عالی‌ترین تعلیم در اخلاقیات است که این آموزش والا در فصل نهم، آیه سی و چهارم، بدین گونه خلاصه شده است:*man-manā bhava mad-bhaktaḥ*. مان ـ مانا بهاوا ماد ـ بهاکتا. انسان باید عابد کریشنا شود و اصل تمام مذاهب تسلیم شدن به کریشنا است.

(*sarva-dharmān parityajya mām ekaṁ śaraṇaṁ vraja*) تعالیم بهاگاواد–گیتا متضمن برترین راه دین و اخلاق می‌باشد. تمام راههای دیگر شایدپاک کننده باشند و به این راه منتهی شوند، لیکن آخرین آموزش گیتا کلام نهایی در اخلاق و دین است: "تسلیم کریشنا شو." این رأی فصل هجدهم است.

ما می‌توانیم از بهاگاواد-گیتا درک نماییم که شناخت خویشتن از طریق غور و تفکر فلسفی و یا از طریق تمرکز نیز برای خود راهی است، اما تسلیم محض به کریشنا بالاترین کمال است. این جوهر و چکیده تعالیم بهاگاواد-گیتا است. باید در نظر داشت راه تبعیت از اصول تنظیم کننده که بر اساس مراحل زندگی اجتماعی و بر اساس راههای مختلف مذهب پایه‌گذاری شده است شاید راه محرمانه‌ای از دانش باشد. اما هرچند مراسم و مناسک مذهبی محرمانه است ولی مدی‌تیشن و تحصیل دانش از آنها محرمانه‌تر است. و سرانجام تسلیم به کریشنا از طریق خدمت عابدانه در کریشنا آگاهی کامل، محرمانه‌ترین آموزش است. این جوهر و چکیده فصل هجدهم می‌باشد.

ویژگی دیگر بهاگاواد-گیتا در این است که حقیقت محض، شخصیت متعال خداوند، کریشنا می‌باشد. حقیقت مطلق در سه وجه یعنی برهمن فاقد شخصیت، پاراماتمای موضعی و شخصیت متعال خداوند، کریشنا، درک می‌شود. دانش کامل حقیقت مطلق یعنی شناخت کامل کریشنا. اگر کسی کریشنا را درک نماید، آنگاه به درک تمام حوزه‌های دانش که قسمتهایی از آن درک متعال هستند دست یافته است. کریشنا متعال و روحانی است زیرا همواره در نیروی جاودان درونیش قرار دارد. اما موجودات زنده از نیروی خداوند تجلی می‌یابند و به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنان که به طور ابدی مقید و آنان که به طور ابدی رهایی یافته‌اند. چنین موجودات زنده‌ای بی‌شمار هستند و اجزای ذاتی و لاینفک کریشنا خوانده می‌شوند. و اما درباره انرژی مادی، این انرژی در بیست و چهار بخش تجلی می‌یابد که همگی از تقسیمات آن هستند. آفرینش در اثر زمان ابدی ایجاد می‌گردد و با انرژی بیرونی خداوند خلق و سپس منهدم می‌شود. این تجلی کیهانی یا کل عالم کائنات در جریان دائمی قبض و بسط، مشهود یا نامشهود می‌گردد.

بهاگاواد-گیتا پنج موضوع اصلی را مطرح می‌کند: شخصیت متعال خداوند، طبیعت مادی، موجودات زنده، زمان ابدی، و انواع اعمال. چهار موضوع آخر به موضوع اول یعنی کریشنا شخصیت اعلای خداوند متکی‌اند. تمام درکهای حقیقت مطلق یعنی درک برهمن فاقد شخصیت، پاراماتمای موضعی و هر درک روحانی دیگری در دل درک شخصیت متعال خداوند نهفته است. اگرچه ظاهراً، شخصیت اعلای خداوند، موجود زنده، طبیعت مادی و زمان متفاوت به نظر می‌آیند، لیکن هیچ چیز با متعال متفاوت نیست و در عین حال متعال همواره با همه چیز متفاوت است. این فلسفه خداوند چیتانیا است: "به طرز غیر قابل تصوری یکی و در عین حال متفاوت" که از طریق آن شناخت کامل حقیقت مطلق میسر می‌گردد.

موجود زنده در موقعیت فطریش، روح خالص و دقیقاً مانند ذره‌ای اتمی از روح متعال است. بدین ترتیب می‌توان کریشنا را به خورشید و موجودات زنده را به ذرات نور تشبیه کرد. از آنجایی که موجودات زنده انرژی حاشیه‌ای خداوند هستند، تمایل دارند که یا در تماس با انرژی مادی قرار گیرند و یا جذب انرژی روحانی شوند. به عبارت دیگر، موجود زنده بین دو انرژی خداوند قرار دارد و چون متعلق به انرژی برتر خداوند است، از استقلال جزئی برخوردار است. با استفاده صحیح از این استقلال، او تحت فرمان مستقیم کریشنا قرار می‌گیرد و در نتیجه به وضع فطری و طبیعی خود در نیروی لذت‌دهنده دست می‌یابد.

بدین‌سان شرحهای بهاکتی ودانتا بر فصل هجدهم شریماد بهاگاواد-گیتا تحت عنوان "نتیجه‌گیری - کمال انقطاع" پایان می‌یابد.